



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



مجموعه مقالات پذیرش شده به صورت ارائه و چاپ

همایش "ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی

بارویکرد آمایشی"

(جلد دوم)

۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹

برگزارکنندگان:

انجمن ژئوپلیتیک ایران

دانشگاه فردوسی مشهد

انجمن ژئوپلیتیک ایران شعبه خراسان رضوی



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد

باریکرد آگاهی
در مناطق مرز
امنیت و توسعه
پیشانی
ایجاد نظرسنجی و کاربرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ
اللَّهُ أَكْبَرُ
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ
اللَّهُ أَكْبَرُ
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



مجموعه مقالات پذیرش شده به صورت ارائه و چاپ

همایش "ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار

مناطق مرزی بارویکرد آمایشی"

(جلد دوم)

برگزارکنندگان:
 انجمن ژئوپلیتیک ایران
 دانشگاه فردوسی مشهد
 انجمن ژئوپلیتیک ایران شعبه خراسان رضوی

۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹-دانشگاه فردوسی مشهد

فهرست مجموعه مقالات پذیرش شده برای ارائه و چاپ

شماره صفحه	نویسندگان	عنوان مقاله	کدمقاله
۴	تانیا سانیا، دکتر ناصر سلطانی، دکتر حسن حیدری	ارزیابی اثرات تجارت مرزی بر شاخص‌های جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی بازارچه مرزی تمرچین	۶
۱۹	دکتر سیروس احمدی، دکتر ریحانه صالح آبادی	تبیین مؤلفه‌ها و روش‌های نوین مدیریت مناطق مرزی	۱۰
۴۰	دکتر کیومرث یزدان پناه درو	آثار مدیریت آمایش سرزمین در شناسایی کانون‌های بحرانی در نواحی مرزی ایران	۱۵
۵۳	دکتر نجات محمدی فر دکتر علی مرادی	مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه	۱۹
۷۲	دکتر علی مرادی، دکتر نجات محمدی فر	نقش و جایگاه نیروهای انتظامی و مرزبانی در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه	۲۰
۸۹	دکتر احسان لشگری تفرشی	تبیین اهداف ژئوپلیتیکی روسیه و انگلیس در قبض و بسط مرزهای سرزمینی ایران در عصر قاجاریه	۲۷
۱۰۲	مریم وریج کاظمی	تأثیر فرایندهای اقتصادی-تجاری بر شکل دهی ثبات مرزی در گوردستان ایران و عراق	۳۲
۱۱۴	علی اکبرپور، زهراسادات حسینی	بررسی نقش سیاست خارجی در ارتقاء توسعه و امنیت مناطق مرزی	۴۱
۱۲۸	دکتر مجید فخری، حمید بحیرائی، سردار سلیمانی‌فرد، رضا ملکی	بررسی دقت نرم‌افزارهای مختلف در تبدیل مختصات علائم مرزی بین سیستم مختصات‌های ۱۹۴۲ Polkovo و WGS۸۴ در مرز مشترک با جمهوری آذربایجان	۴۲
۱۳۸	حمیدرضا حشمتی جدید، سمیرا مرادی، زینب شریفی	آمایش مناطق مرزی؛ توسعه و امنیت پایدار (مطالعه موردی استان کرمانشاه)	۴۵
۱۵۳	محمد مسلم مومن زاده	پایش نقصان‌های کارتوگرافی و لزوم بانک اطلاعات جغرافیایی	۵۳
۱۷۳	دکتر میثم میرزائی تبار	بررسی علل ناامنی در مناطق مرزی آبی کشورها (مورد: مرز آبی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو)	۵۴
۱۸۳	دکتر سید عباس احمدی، نیلوفر اهرون	تحلیل عناصر و عوامل درونی و بیرونی موثر بر شکل‌گیری پدیده قاچاق مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان با نگرش سیستمی	۵۹

۱۹۸	امیرعلی برومند، دکتر آزاده کریمی	مناطق تحت حفاظت مرزی؛ بررسی فرصت‌ها و چالش‌ها	۶۱
۲۱۱	دکتر سیده‌های طیب نیا	تحلیل اثرات امنیت اجتماعی، امکانات و خدمات شهری بر رضایت گردشگران در شهرهای مرزی غرب ایران (مطالعه موردی: مریوان)	۶۳
۲۲۶	دکتر مرتضی قورچی، سپیده السادات موسویان	کارل اشمیت و مسئله مرز در جغرافیای سیاسی	۶۷
۲۳۳	ملیحه اخباری، دکترسید هادی زرقانی، دکتر مسعود مینائی	تحلیل عوامل موثر بر مکان‌یابی پاسگاه‌های مرزی با استفاده از سیستم استنتاج فازی؛ (نمونه موری مناطق مرزی استان خراسان رضوی و افغانستان)	۷۰
۲۵۴	دکتر مراد کاویانی راد، سید محمد جواد سیدی فرد	نسبت امنیت پایدار با موقعیت بالادستی، نمونه پژوهشی: رودخانه مرزی اترک	۷۱
۲۷۲	دکتر یاشار ذکی، سعید عزیزی	تحلیل آمایش نواحی مرزی شهرستان پاره بر اساس مدل SWOT	۷۴
۲۸۵	نبی موسی زاده، عادل مرادپور	برنامه ریزی توسعه اقتصادی روستاهای مرزی با هدف تامین امنیت پایدار	۸۰
۳۰۰	هادی نبی زاده، دکتر سید هادی زرقانی، دکتر هادی اعظمی	بسترهای ژئواکونومیکی امنیت و توسعه پایدار مناطق مرزی (نمونه موردی شهرستان چابهار)	۸۶
۳۱۱	شهین یاسمی، دکتر هادی اعظمی، دکتر حمد اله سجاسی قیداری	نقش دوری از مرکز سیاسی بر عدم توسعه اقتصادی استان ایلام	۸۷
۳۲۳	دکتر افشین متقی، هادی شاکری، آرش قربانی سپهر	مکان‌یابی بازارچه مرزی به روش تحلیل چند متغیره TOPSIS (مطالعه موردی: استان خراسان شمالی)	۹۳
۳۴۰	لقمان توتونچی، لیلا کیانی	جغرافیای سیاسی مرزهای گُردستان با تاکید بر پدیده کولبری	۹۶
۳۵۱	دکتر سهراب عسگری، معصومه چنور، فاطمه ساجدی فر	نقش آب در آمایش سرزمین و امنیت مناطق مرزی مورد مطالعه: مرزهای شرقی کشور، (محدوده سیستان و بلوچستان)	۹۷
۳۷۵	دکتر مریم قاسمی، دریا مازندرانی	تحلیل محرومیت توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان- های مرزی (مطالعه موردی: زاهدان)	۹۸
۳۹۰	یاشار ذکی، فاطمه قاسم نژاد	تحلیل اثرات ژئواکونومیکی میداین گازی پارس جنوبی بر آمایش نواحی مرزی استان بوشهر	۹۹
۴۰۴	دکتر هادی اعظمی، دریا مازندرانی، سیده‌الهام قباسفیدی- بایگی، هدیه حسن‌نیا	ارزیابی عوامل امنیتی - دفاعی موثر بر آمایش مناطق مرزی شهرستان پاره	۱۰۲

۴۱۵	فاطمه زرقانی، دکترسیدهدای بخشی شادمهری	دکترسیدهدای زرقانی، فاطمه بخشی شادمهری	۱۰۶	واکاوی ارتباط بین متغیر اقتصاد مرزنشینان با امنیت پایدار در مناطق مرزی با تاکید بر مناطق مرزی ایران
۴۳۱	مصطفی اسمعیل تبار، محمد بقائی	مصطفی اسمعیل تبار، محمد بقائی	۱۰۸	شناسایی و اولویت بندی شاخص های توسعه منطقه ای از منظر پدافند غیرعامل در مناطق مرزی (مورد مطالعه : شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان)
۴۴۹	فرید عباسی، فاطمه دانه چین	فرید عباسی، فاطمه دانه چین	۱۱۱	شناسایی بسترها و زمینه‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزی (مطالعه موردی: اردبیل)
۴۵۹	دکتر هادی اعظمی، امین مرادی، سمیرا چناری	دکتر هادی اعظمی، امین مرادی، سمیرا چناری	۱۱۴	نقش بهبود فضای کسب و کار در کشور در کاهش مهاجر فرستی مناطق مرزی
۴۷۳	دکتر مریم قاسمی، فاطمه فعال	دکتر مریم قاسمی، فاطمه فعال	۱۱۸	ارزیابی سطح محرومیت فضایی زیرساخت و توسعه در نواحی مرزی (مطالعه موردی: شهرستان سرخس)
۴۸۹	دکتر محسن جان پرور، دریا مازندرانی	دکتر محسن جان پرور، دریا مازندرانی	۱۲۱	مدل مفهومی بازیگران موثر در آمایش مناطق مرزی
۵۰۰	دکتر مجید رسولی، دکتر احمد بخشی	دکتر مجید رسولی، دکتر احمد بخشی	۱۲۳	تأثیر همگرایی منطقه ای بر توسعه و امنیت مناطق مرزی (مورد مطالعه : بوکو حرام در نیجریه و کامرون)
۵۱۵	مریم عباس زاده، دکتر سیدهدای زرقانی، دکتر آذر زرین	مریم عباس زاده، دکتر سیدهدای زرقانی، دکتر آذر زرین	۱۲۶	تغییر اقلیم و تاثیر آن بر امنیت پایدار با تاکید بر امنیت مرزی
۵۳۲	سمیرا چناری، دکتر وحید سینائی، امین مرادی	سمیرا چناری، دکتر وحید سینائی، امین مرادی	۱۲۷	ارزیابی بازارچه‌های مرزی بر توسعه مناطق مرزی و نقش دولت در کارایی بازارچه‌ها
۵۴۹	فاطمه بخشی شادمهری، سمانه عبداللهی، عاطفه امیری	فاطمه بخشی شادمهری، سمانه عبداللهی، عاطفه امیری	۱۲۸	بررسی نقش عوامل جغرافیایی در احساس امنیت اجتماعی مرزنشینان، منطقه مورد مطالعه دهستان مرزی شهرستان سرخس
۵۶۲	دکتر عمران عزیزاده، مینا کرم بجاری، آیه شعبانی کوچصفهانی	دکتر عمران عزیزاده، مینا کرم بجاری، آیه شعبانی کوچصفهانی	۱۲۹	تحلیل اثر گزاری امنیت زیست محیطی بر شاخص های تهدیدات تغییرات اقلیمی، در مناطق مرزی (منطقه مورد مطالعه : خراسان رضوی)
۵۷۴	دکتر مصطفی قادری حاجت سیدحسین پوزشبان	دکتر مصطفی قادری حاجت سیدحسین پوزشبان	۱۳۰	تیین عوامل موثر بر وضعیت عدالت فضایی شهرستان‌های مرزی

ارزیابی اثرات تجارت مرزی بر شاخص‌های جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی بازارچه مرزی تمرچین

تانیا سانیار^۱، دکتر ناصر سلطانی^{۲*}، دکتر حسن حیدری^۳

(۱) کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین

(۲) استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه - نویسنده مسئول

(۳) استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه

Email: n.soltani@urmia.ac.ir*

چکیده

طرح مسئله: یکی از مهم‌ترین عوامل تحرک جمعیت در نواحی مرزی عامل اقتصادی است. هدف این پژوهش، بررسی میزان اثرگذاری تجارت مرزی بر شاخص‌های جمعیتی سکونتگاه‌های بازارچه مرزی تمرچین پیرانشهر می‌باشد.
روش پژوهش: پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه میدانی و در قالب پرسشنامه، به بررسی این موضوع پرداخته است.

یافته‌ها: آزمون T تک نمونه‌ای برای مؤلفه جمعیت ۲/۸۶ نشان‌دهنده عدم تأثیر تجارت مرزی بر بهبود شاخص‌های جمعیتی سکونتگاه‌های مرزی مورد مطالعه بوده است. همچنین خروجی آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که بیشترین میزان همبستگی بین متغیرها مرتبط با مؤلفه‌های جمعیت و اقتصاد با ۰/۸۲۸ و جمعیت با سیاست با ۰/۸۲۳ ارتباط بیشتری باهم داشته‌اند. بر اساس نتایج آزمون تحلیل عاملی، عامل متغیرهای افزایش درآمد روستائیان از طریق تجارت مرزی با بار عاملی ۰/۸۳۴ و تأثیر تجارت مرزی بر احداث مهمان‌سرا و رستوران در روستا با بار عاملی ۰/۷۸۴ و تأثیر تجارت مرزی بر برخورداری از خدمات زیرساختی مانند برق و گاز با بار عاملی ۰/۷۷۶ به ترتیب بیشترین تأثیر را بر عامل اقتصادی داشته‌اند و همچنین متغیرهای ارتباط با افراد غیرایرانی با بار عاملی ۰/۵۱۵ و تأثیر تجارت مرزی بر افزایش جمعیت روستا با بار عاملی ۰/۵۲۹ به ترتیب کمترین تأثیر را بر عامل اقتصادی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مورد اشاره در بخش یافته‌ها، توسعه تجارت مرزی در سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه، تأثیر مثبتی بر تثبیت و رشد جمعیتی این سکونتگاه‌ها نداشته است و از جمله دلایل این امر، فقدان زمینه‌های تثبیت جمعیت در این سکونتگاه‌ها از جمله زمینه‌های زیرساختی، خدماتی و رفاهی می‌باشد. اما بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون‌های پژوهش، تجارت مرزی بر روی مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی تأثیر مثبتی داشته و بر بهبود کیفیت و تحرک زندگی سکونتگاه‌های روستایی در اثر تجارت مرزی موثر واقع شده است.

واژگان کلیدی: شاخص‌های جمعیتی، تجارت مرزی، تمرچین، پیرانشهر

۱- مقدمه

مرز از جمله مفاهیمی است که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوت پیدا می‌کند. مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها و یا ذهنی به کار می‌رود مانند مرزهای عقیدتی (Hensen, ۱۹۷۸). در این بین آمایش مناطق مرزی نیازمند توجه ویژه به مهم‌ترین مزایا و قابلیت‌های موجود در این نواحی است که با بهره‌گیری از این قابلیت‌ها بتوان در ارتقاء شاخص‌های کالبدی، اقتصادی و جمعیتی منطقه از آن‌ها استفاده کرد. مناطق مرزی همواره با محدودیت‌ها و ضعف‌هایی همراه بوده‌اند که با بررسی اجمالی مناطق مرزی در مقایسه با مناطق مرکزی کشور، می‌توان به ضعف‌هایی عمده، از جمله انزوای جغرافیایی مناطق مرزی، دوری از قطب‌های صنعتی - اقتصادی، قرار گرفتن در حاشیه و پیرامون، و توسعه‌نیافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به مناطق مرکز کشوری دست‌یافت (Hansen, ۱۹۷۵, ۸۲۳). از آنجاکه این مناطق به‌عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته شناخته می‌شوند و این حاشیه‌ای بودن می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد (Jones & Wild, ۱۹۹۴, ۲۶۳)، به دلیل واقع شدن در مناطق پیرامونی و دور از مرکز، اولاً مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند؛ زیرا امکان بهره‌برداری از امکانات این نواحی کمتر از نواحی مرکزی استان مورد توجه قرار می‌گیرد و ثانیاً به دلیل بی‌توجهی، حداقل منابع موجود این مناطق نیز به سود مناطق مرکزی یا مناطق نزدیک به آن تمایل می‌یابند (Pena, ۲۰۰۵, ۲۸۶). همچنین، وجود شباهت‌های زبانی، فرهنگی و اعتقادی از ویژگی‌های مناطق مرزی است که می‌تواند هم مانع و یا هم عاملی تقویت‌کننده در برابر توسعه و سرمایه‌گذاری‌های موجود به شمار رود (Topaloglu et al, ۲۰۰۶: ۲۴).

در این راستا، سکونتگاه‌های روستایی حاشیه مرز از جمله مناطق مهم و استراتژیک برای کاهش مشکلات مرزها بشمار می‌آیند و اگر به شیوه مطلوب ساماندهی شوند، می‌توانند تا حد بسیار زیادی در کنترل مناطق مرزی مؤثر بوده و مشکلات این مناطق را به حداقل برسانند. شناخت پتانسیل‌ها و نقاط ضعف نواحی هم‌جوار با مرز می‌تواند بهترین رویکرد در راستای توسعه فضایی مناطق روستایی مرزی به شمار آید. چنانچه این توسعه متناسب با شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی باشد، شکوفایی اقتصادی را به دنبال دارد و نمود کالبدی این شکوفایی بر شکل نواحی مرزی جلوه‌گر خواهد بود. این اقدامات توسعه روستایی نواحی مرزی را از حالت بی‌برنامگی و انفکاک فعالیت‌های روستائیان از برنامه‌های دولتی ممانعت خواهد کرد و توسعه گام‌به‌گام و در راستای رویکرد توسعه از پایین به بالا، قوانین جاری کشور و اسناد توسعه‌ای ظهور خواهد کرد (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

بنابراین بررسی تأثیرات و نقشی که مناطق و یا سکونتگاه‌های روستایی واقع در پیرامون بازارچه‌هایی نظیر ترمچین در ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و فعالیتی منطقه دارند، دارای اهمیت فراوانی است و می‌تواند اثرات متفاوتی علاوه بر معیشت و کیفیت زندگی جامعه روستایی در ارتقای شاخص‌های توسعه منطقه‌ای کشور مؤثر باشند. به‌عبارتی دیگر در استان آذربایجان - غربی به دلیل تفاوت‌های منطقه‌ای که بین شهرستان‌های استان و مرکز استان وجود دارد به‌ویژه در مناطق مرزی، همواره با مهاجرت به سمت نواحی مرکزی همراه بوده و این روند مهاجرت مشکلات عدیده‌ای را در ساختار جمعیتی مناطق به وجود می‌آورد. بنابراین در پژوهش حاضر ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر تحولات جمعیتی مناطق روستایی بررسی می‌شود که با توجه به تأثیر زیاد اقتصاد نسبت به سایر موضوعات، ضرورت نقش بازارچه‌های مرزی بر شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و جمعیتی روستاهای پیرامون مرز ترمچین به‌عنوان محدوده مورد مطالعه تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد. در این پژوهش تلاش می‌گردد که اثرات تجارت مرزی بر شاخص‌های جمعیتی نواحی مرزی استان آذربایجان غربی در محدوده مرز ترمچین پیرانشهر تبیین و تشریح گردد. بر این اساس، دو فرضیه اصلی مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از:

- به نظر می‌رسد، فعالیت‌های تجاری در مناطق مرزی مورد مطالعه، تأثیر مثبت در تثبیت و رشد جمعیت سکونتگاه‌های روستایی این مناطق داشته است.

- به نظر می‌رسد، فعالیت‌های تجاری در مناطق مرزی مورد مطالعه، باعث بهبود و تحرک کیفیت زندگی سکونتگاه‌های روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی این مناطق شده است.

۲- مبانی نظری

به محض اینکه یک منطقه مرزی و یا خط مرزی شکل گرفت، می‌تواند نه تنها منظره طبیعی را که جزئی از آن به شمار می‌رود؛ بلکه عمران و سیاست‌های کشورهای مجاور را نیز تحت تأثیر قرار دهد. مرز به تنهایی دارای یک نقش است و آن تحدید حدود منطقه‌ای است که در داخل آن، یک نوع قدرت اعمال می‌شود؛ اما دولت‌ها سعی می‌کنند نقش‌های دیگری هم مثل مهاجرت، تجارت، بهداشت و ... را در منطقه اعمال کنند؛ حتی تمرکز بیش از حد نقش‌های دولت در مرز می‌تواند نماینده تغییرات در سیاست‌های خارجی باشد. در یک تقسیم‌بندی کلان، کارویژه مرزهای بین‌المللی کشورها به دو بخش مرز به عنوان مانع و مرز به عنوان عامل پیوند دهنده می‌باشد.

منظور از کارکرد مانعی یا بازدارندگی مرز، تأثیر منفی چنین شرایطی بر تعاملات مرزی میان دولت‌ها و ملت‌هاست. معمولاً مرزها به عنوان مانعی دیده می‌شوند که از یکپارچگی و جریانات بالقوه میان مرزی جلوگیری می‌کنند و فاصله نسبی میان دو طرف مرز را افزایش می‌دهند. در نتیجه حجم تبادلات اقتصادی و اجتماعی در طول مرز در مقایسه با داخل سرزمین خیلی پایین‌تر است (Laine, ۲۰۰۶: ۲۵). برای مثال، بروکر برآورد می‌کند که به دلیل وجود مرز میان کشورهای اتحادیه اروپا، حجم تجارت تا حدود یک پنجم کاهش یافته است (Topaloglu, ۲۰۰۹: ۱۱۸). به تعبیر ریتولد (۲۰۱۲) باعث گسستگی پیوندهای میان سکونتگاه‌های دو طرف مرز می‌شوند (Rietveld, ۲۰۱۲: ۱۵۱) و در نهایت مناطق مرزی ویژگی مناطق منزوی و پیرامونی به خود می‌گیرند. با برقراری مرز بین دو کشور، فضاهایی که به یکدیگر متصل‌اند و تداوم فضایی را تأمین می‌کنند، از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن، علت اصلی عقب‌ماندگی این نواحی است (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵۴). فانیشتاین و دجانی دائودی معتقدند زمانی که تعامل میان مرزی محدود می‌شود، مردم از یکدیگر جدا می‌شوند، تبادل کالا، خدمات و ایده و نظرات به حداقل ممکن می‌رسد، تهدیدات ناشی از خشونت زود هنگام پدیدار می‌شود و ساکنان دو طرف مرز از آشنایی با میراث‌های فرهنگی و مذهبی محروم می‌شوند و در نتیجه از درک احساسات یکدیگر بی-نصیب می‌شوند (Feinstein and Dajani Daoudi, ۲۰۰۰: ۲۸).

مثال‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد بسته بودن مرزها در اغلب موارد منجر به عقب‌ماندگی اقتصادی مناطق مرزی می‌شود. بوروکراسی‌های اداری، تعرفه‌های گمرکی و قوانین و مقررات دست و پاگیر منجر به شکل‌گیری شرایطی می‌شود که به واسطه آن فرصت‌های محدودی برای استفاده از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تقسیم‌کار وجود خواهد داشت. بنابراین اقتصاد منطقه بسته‌تر، شرکت‌ها کوچک‌تر و رقابت کمتری نیز وجود خواهد داشت. اقتصاددانان از این نوع مرزها به عنوان مانع تجارت بین‌المللی یاد می‌کنند. نتایج چنین مرزی این است که میزان روابط اقتصادی مناطق مجاور به‌طور ناگهانی جایی که مرز غیرقابل نفوذ است، به شدت افت می‌کند (Stiller, ۲۰۰۳: ۵). به طوری که شهرهای مجاور این نوع مرزها، مسیر بسیار سختی برای توسعه و رشد اقتصادی پیش رو دارند (Brzosko-Sermak, ۲۰۰۷: ۷۶). وجود چنین شرایطی همراه با موقعیت حاشیه‌ای این مناطق در جغرافیای سرزمین، مناطق و سکونتگاه‌های مرزی را به نواحی پیرامونی در ابعاد مختلف اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تبدیل می‌کند و به توزیع ناعادلانه قدرت اقتصادی-اجتماعی و سیاسی در سطح کشور دامن می‌زنند.

محققان متعددی در مورد معیارهای شناخت و اندازه‌گیری میزان کارکرد بازدارندگی مرز و به عبارت دیگر تحول کارکرد بازدارندگی مرز سخن گفته‌اند. برای مثال به اعتقاد ریتولد (۲۰۰۱) مهم‌ترین نشانه‌ها و دلایل کارکرد بازدارندگی مرز عبارت است از: ۱- زیرساخت‌های ضعیف حمل‌ونقل و ارتباطات بین‌المللی، ۲- هزینه بالای حمل‌ونقل، ۳- اولویت مصرف‌کنندگان به مصرف کالاهای داخلی، ۴- مداخله دولت به انواع مختلف در منطقه و ۵- نبود اطلاعات و آگاهی مردم در مورد کشورهای

همسایه و خارجی (Rietveld, ۲۰۰۱: ۵). پسچل معتقد است که علاوه بر هزینه‌های حمل‌ونقل و هزینه‌های ناشی از فاصله، تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و تفاوت در وضعیت اجتماعی و سیاسی زندگی ممکن است به‌صورت عمداً و یا سهواً در چگونگی کارکرد مرز مؤثر باشد (Laine, ۲۰۰۶: ۲۵-۲۶). توپالوگو نیز بیان می‌کند که دو عامل ناهمگونی و تفاوت میان شهرها و روستاهای دو طرف مرز و گسستگی جریانات میان آن‌ها، از جمله شواهد کارکرد مانعی مرز به شمار می‌رود (Topaloglou, ۱۱۸: ۲۰۰۹). وی در جایی دیگر مهم‌ترین شاخص‌های شناخت تحول کارکرد مرز را اندازه بازار، میزان قدرت خرید، موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی، میزان فاصله از شهرهای بزرگ، کیفیت و بهره‌وری پایین شرکت‌ها و تفاوت در تولیدات اقتصاد محلی معرفی می‌کند (Ibid, ۱۲۲: ۲۰۰۷). لین (Laine, ۲۰۰۷) نیز در مقاله خود به‌منظور شناسایی میزان تحول کارکرد مرز میان فنلاند و روسیه، به بررسی شاخص‌هایی مانند وضعیت تجارت میان مرزی، وضعیت عمومی منطقه‌ای، میزان همکاری و مشارکت، جغرافیای اقتصادی منطقه، وضعیت عبور و مرور و زیرساخت‌های ارتباطی می‌پردازد (Laine, ۲۰۰۷: ۴۹-۶۲).

در مقابل، مرزها دارای کارکرد ارتباط‌دهنده و پیونددهنده نیز هستند. بدین معنی که ساکنان مناطق مرزی می‌توانند از تفاوت‌های موجود میان کشورهای همسایه بهره ببرند و انواع فعالیت‌های میان مرزی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را گسترش دهند. شرایط عالی برای شکل‌گیری چنین روابطی در جاهایی وجود دارد که اقلیت نژادی با زبان و فرهنگ آن‌سوی مرز آشنایی داشته باشد (Wasti-Walter, ۲۰۰۹: ۳۳۲). عموماً در هنگام بحث بر سر کارکرد ارتباطی مرز، مفهوم باز بودن و یا بازگشایی مرزها به میان می‌آید. منظور از باز بودن مرزها، آزادی جابه‌جایی عناصر اقتصادی، مانند کالاها و نیروی کار از طریق مرزهاست. گفتنی است که مفهوم باز بودن مرز نسبی است و به معنای مجوز ورود و خروج هر جریانی نیست. در زمانی که برخی افراد، اقلام و کالاها می‌توانند بدون محدودیت از مرز عبور کنند، برخی دیگر اجازه عبور از مرز را ندارند (Smallbone et al, ۲۰۰۷: ۲۸).

ون هوتوم تأکید می‌کند، در شرایطی که مرزها محدوده فضای عمل انسان را قطع نمی‌کنند، حرکت آزادانه در جریان است. چنین مرزی کارکرد زیادی به‌عنوان مانع ندارد، بلکه پلی ارتباطی برای اتصال دو طرف و مکانی برای ملاقات بازیگران و ذی‌نفعان خواهد بود (Laine, ۲۰۰۶: ۲۷). با غلبه کارکرد ارتباطی مرزها، شبکه‌ای از روابط میان مرزی شکل می‌گیرد و در این حالت، مردم دو سوی مرز علاقه متقابلی به کار مشترک به دلیل پیوندهای فرهنگی یا دلایل اقتصادی پیدا می‌کنند که می‌توان از آن به‌عنوان روابط (رودرو) مناطق مرزی نام برد (Wasti-Walter, ۲۰۰۹: ۳۳). نباید فراموش کرد گرایش به یکپارچگی سیاسی در قلب اتحادیه و انجمن‌های منطقه‌ای و جهانی و به‌عبارت‌دیگر جهانی‌شدن روند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، به‌ویژه در دو دهه اخیر، در نقش‌پذیری مرز به‌عنوان ارتباط‌دهنده و نیز مطرح‌شدن مفهوم و ایده (مناطق میان مرزی) تأثیر بسزایی داشته است (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۷-۴۸).

ایده ایجاد بازارچه‌های مرزی در راستای تاکید و تمرکز بر نقش و کارکرد پیونددهنده‌گی مرزهای سیاسی می‌باشد. هدف ایجاد بازارچه‌های مرزی جلوگیری از مهاجرت ساکنان مرزنشین، کاهش قاچاق کالا، رفع نیازهای مرزنشینان و درنهایت توسعه اقتصادی- اجتماعی مناطق محروم مرزی است. البته هدف‌های دیگری از جمله اهداف امنیتی برای افزایش ضریب امنیتی مناطق مرزی با تأکید بر اصل تجمیع فعالیت‌ها و تحکیم روابط عاطفی مرزنشینان دو کشور هم‌جوار نیز از اهداف ایجاد و توسعه بازارچه‌ها هستند (محمدی صالح و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲). بنابراین اهداف اصلی بازارچه‌های مرزی به شرح ذیل می‌باشد:

- مسئله امنیتی: بازارچه‌های مرزی با توجه به ساختارشان توانسته‌اند مسئله امنیت مرزها را تا حدودی برآورده نمایند و این مسئله بر روی شرایط اقتصادی محل تأثیر بسزایی گذاشته است.
- مسائل اجتماعی: افراد ساکن در مناطق مرزی به دلایل گوناگون تمایل به رفت‌وآمد با افراد ساکن در آن‌سوی مرز را دارند و بازارچه‌های مرزی نقشی مهم در تبادلاتی دو سوی مرز بر عهده‌دارند.

- مسئله سیاسی: استان‌های مرزی همیشه خواستار روابط سیاسی بر اساس منافع مشترک با کشورهای همسایه بوده‌اند و بازارچه‌های مرزی با انجام مذاکرات و ملاقات متعدد این مسئله را مورد توجه خود قرار داده است.

- ایجاد اشتغال: ایجاد بازارچه‌های مرزی به سهولت توانسته است اشتغال مستقیم و غیر مستقیم مرزنشینان را فراهم آورده و زمینه پدید آمده سرمایه‌گذاری‌های مولد در این مناطق شده است.

- مسئله مهاجرت: بازارچه‌های مرزی با اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد برای مرزنشینان می‌توانند معضل مهاجرت به شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها را تا حدود زیادی مرتفع نمایند (صیامی و آستانه، ۱۳۹۱: ۱۵۱۴).

ایجاد توسعه در روابط اقتصادی و تجاری مناطق مرزی و کاهش میزان فقر، ایجاد اشتغال، امنیت، تثبیت جمعیت در حواشی مرزها و جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها، جلوگیری از به هدر رفتن سرمایه‌های ملی به وسیله قاچاق کالا، رونق اقتصادی و تحرک اجتماعی در راستای نیل به توسعه در نواحی روستایی حاشیه مرز، ایجاد ارتباطات فرهنگی، اقتصادی مردم و تجار خارج از مرز با نواحی کشور از جمله اهداف مد نظر وزارت کشور در ایران برای ایجاد و توسعه بازارچه‌های مرزی است. (وزارت کشور، پیشین).

۳- روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای است، همچنین این مطالعه از نظر ماهیت و روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد؛ که با استخراج ۳۹ متغیر در ۵ مؤلفه (جمعیتی، سیاسی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی) به بررسی اثرگذاری تجارت مرزی مرزنشینان بر شاخص‌های جمعیتی روستاهای پیرامون بازارچه مرزی تمرچین پرداخته شده است. جامعه آماری تحقیق شامل سرپرستان خانوار چهار روستای قیزقاپان، گاسوره‌ده، زیوه، کهنه لاجان بوده است و حجم نمونه تحقیق ۲۵۰ نفر بود، اما تعداد پرسشنامه‌های تحقیق به دلیل در دسترس نبودن سرپرستان خانوار و عدم همکاری با محقق، ۱۶۰ مورد به دست آمد. برای محاسبات آماری داده‌های گردآوری شده از پرسشنامه از نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS V ۲۰ و از آزمون‌های آماری T تک‌نمونه‌ای، همبستگی و آزمون بارتلت استفاده شده است.

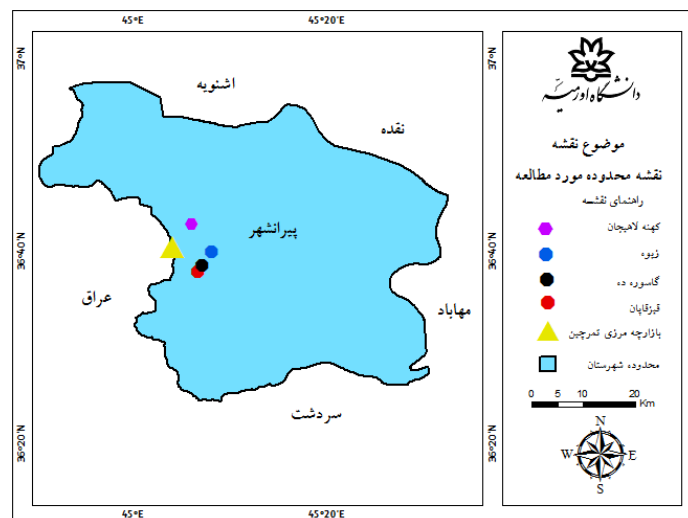
جدول شماره ۱- متغیرهای وابسته مورد استفاده در تحقیق

جمعیت	۱-افزایش جمعیت روستا، ۲- روند مهاجرت به روستا، ۳-افزایش جمعیت خانواده‌ها، ۴- کنترل مهاجرت از روستا، ۵- افزایش ازدواج، ۶- افزایش تراکم جمعیت روستا، ۷- افزایش فرزند آوری، ۸- افزایش امید به زندگی، ۹- ترکیب جمعیتی روستا، ۱۰- افزایش گروه سنی فعال
سیاسی	۱۱- بالا رفتن امنیت، ۱۲- رونق ارتباطات قومی و مذهبی، ۱۳- ارتباط با افراد غیر ایرانی، ۱۴- کاهش قاچاق، ۱۵- افزایش اعتماد به دولت، ۱۶- تمایل به شرکت در انتخابات
اجتماعی	۱۷- ارتقای سطح بهداشت در روستا، ۱۸- افزایش سطح سواد در روستا، ۱۹- کاهش وقوع جرم، ۲۰- تغییر پوشش و ظاهر مردم
کالبدی	۲۱- افزایش تردد به روستا، ۲۲- ارتقای کیفیت جاده‌ها، ۲۳- نوسازی خانه‌ها، ۲۴- ارتقای امکانات خدماتی، ۲۵- طرح‌های توسعه روستایی، ۲۶- ایجاد تأسیسات جدید بارگیری کالا در روستا، ۲۷- احداث مهمان‌سرا و رستوران در روستا، ۲۸- افزایش سطح پوشش خدمات بیمه، ۲۹- افزایش انبارها و سردخانه‌ها
اقتصادی	۳۰- افزایش درآمد روستائیان، ۳۱- افزایش سرمایه‌گذاری در روستا، ۳۲- رونق کشاورزی، ۳۳- کاهش بیکاری، ۳۴- افزایش اشتغال زنان، ۳۵- تنوع شغلی در روستاها، ۳۶- افزایش قیمت دارائی‌های روستائیان، ۳۷- رونق واحدهای تولیدی، ۳۸- کاهش فعالیت‌های غیررسمی، ۳۹- افزایش ورود گردشگر

۴- معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرستان پیرانشهر در جنوب غربی استان آذربایجان غربی واقع شده است. پیرانشهر با شهرستان‌های نقده و اشنویه در شمال، مهاباد در شرق و سردشت در جنوب و کشور عراق در غرب همسایه است. فاصله مرکز شهرستان تا مرز عراق کمتر از پنج

کیلومتر است (زمینی). قلمرو مکانی مورد مطالعه شامل چهار روستای قیزقاپان، گاسوره ده، زیوه، کهنه لاجان می باشد. (نقشه ۱)



شکل شماره ۱- نقشه نقاط مورد مطالعه

۵- یافته‌ها

- نتایج تجارت مرزی بر شاخص جمعیت طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتایج به دست آمده از جدول آزمون T نشان می‌دهد که نمره آماره T ۲.۸۶ بوده است که پایین‌تر از نمره استاندارد آزمون است که عدد ۳ است (با توجه به اینکه در پرسشنامه از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است، عدد ۳ به عنوان میانگین نظری تحقیق در نظر گرفته شده است). نتیجه به دست آمده در سطح معنی‌داری ۰.۹۵٪ ارزیابی شده که نشان از معنی‌دار بودن آزمون دارد.

جدول شماره ۲- نتایج آزمون T برای مؤلفه جمعیت

مقدار استاندارد آزمون=۳							
نقش تجارت مرزی در	T	df	sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا
بعد جمعیت	۲.۸۶	۱۵۹	.۰۰۰	۲۶.۸۶	۸.۵۳	۲۵.۱۶	۲۸.۵۵

- نتایج تجارت مرزی بر شاخص‌های جمعیتی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتایج جدول حاصل از آزمون T تک نمونه‌ای برای بعد جمعیتی نشان می‌دهد که از میان ۱۰ متغیر مورد استفاده در بعد جمعیتی پایین‌ترین میانگین را متغیر روند مهاجرت به روستا از تجارت مرزی با ۱.۹۷ و افزایش گروه سنی فعال با ۲.۸۳ بیشترین امتیاز را آزمون T داشته‌اند. در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی و به خصوص شهرستان پیرانشهر روند مهاجرت از این مناطق به سمت مناطق توسعه یافته‌تر (مطابق با نتایج تغییرات جمعیتی که در جدول شماره ۳-۵ آورده شده) همواره در حال جریان بوده که ناشی از مشکلات عدیده‌ی موجود در مناطق روستایی بالأخص روستاهای مرزی است.

جدول شماره ۳- نتایج آزمون T برای مؤلفه‌های جمعیتی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
نقش تجارت مرزی در:	T	df	sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد	حد بالا
۰.۷							

پایین							
۲.۸۶	۲.۳۹	۱.۱۶	۲.۶۳	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۲۶	افزایش جمعیت روستا
۲.۷۳	۲.۲۴	۱.۲۵	۲.۴۹	.۰۰۰	۱۵۹	۱.۹۷	روند مهاجرت به روستا
۲.۷۷	۲.۳۴	۱.۰۸	۲.۵۶	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۳۵	افزایش جمعیت خانواده‌ها
۲.۹۸	۲.۵۳	۱.۱۱	۲.۷۶	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۴۶	کنترل مهاجرت
۳.۱۳	۲.۶۸	۱.۱۵	۲.۹۱	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۵۱	افزایش ازدواج
۲.۹۴	۲.۴۹	۱.۱۲	۲.۷۲	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۴۱	افزایش تراکم جمعیت روستا
۲.۸۸	۲.۴۵	۱.۰۸	۲.۶۷	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۴۶	افزایش فرزند آوری
۲.۶۹	۲.۲۴	۱.۱۲	۲.۴۷	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۱۹	افزایش امید به زندگی
۲.۶۷	۲.۲۶	۱.۰۲	۲.۴۷	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۴۲	ترکیب جمعیتی روستا
۳.۴۰	۲.۹۵	۱.۱۲	۳.۱۸	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۸۳	افزایش گروه سنی فعال

- نتایج تجارت مرزی بر شاخص‌های سیاسی طبق آزمون T تک نمونه‌ای
نتیجه آزمون T نشان می‌دهد که آماره T به‌دست‌آمده از آزمون بالاتر از نمره استاندارد آزمون است.

جدول شماره ۴- نتایج آزمون T برای مؤلفه سیاسی

مقدار استاندارد آزمون = ۳							نقش تجارت مرزی در:
حد بالا	حد پایین	انحراف استاندارد	میانگین	sig	df	T	بعد سیاسی
۲۸.۲	۱۷	۲.۷۷	۱۸.۴۱	.۰۰۱	۱۵۹	۳.۴۳	

- نتایج تجارت مرزی در شاخص‌های سیاسی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای مؤلفه‌های سیاسی اثرات بازارچه مرزی بر روستاهای پیرامون نشان داد که بیشترین نمره T در میان مؤلفه‌های امنیتی روی متغیر امنیت بوده است که با ایجاد بازارچه مرزی و تجارت مرزی در این منطقه به وجود آمده است. سپس زیر مؤلفه تمایل به شرکت در انتخابات در جایگاه بعدی قرار گرفته یکی دیگر از نتایج تجارت مرزی گسترش ارتباطات بوده است، کاهش میزان قاچاق در منطقه بوده به باور پاسخ‌دهندگان تجارت مرزی سبب کاهش تجارت غیرقانونی یا قاچاق شده است، یکی از دلایل اصلی روی آوردن به قاچاق در مناطق مرزی فقر اقتصادی خانوارها است. و در صورت وجود منابع درآمدی برای خانوارها، در این مناطق شاهد کاهش قاچاق خواهیم بود. در میان مؤلفه‌های سیاسی مطرح شده پیرامون اثرات تجارت مرزی اعتماد به دولت در جایگاه آخر قرار گرفته، در مناطق مرزی ایران به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی و زیرساختی و نقش اصلی دولت در اقتصاد کشور، اعتماد به دولت در جایگاه خوبی قرار ندارد به همین دلیل در رده آخر از میزان اثرات تجارت مرزی قرار گرفته که در صورت تداوم و فعال بودن تجارت مرزی این اعتماد افزایش می‌یابد و یقیناً با توجه به نقش مشارکت مردم در اجرایی نمودن طرح‌های توسعه، اعتماد به دولت می‌تواند زمینه مناسبی برای افزایش مشارکت مردم فراهم آورد.

جدول شماره ۵- نتایج آزمون T برای مؤلفه‌های سیاسی

مقدار استاندارد آزمون = ۳							نقش تجارت مرزی در:
حد بالا	حد پایین	انحراف استاندارد	میانگین	sig	Df	T	بالاتر رفتن امنیت
۳.۲۱	۲.۸۲	.۹۸	۳.۰۲	.۰۰۱	۱۵۹	۳.۶۷	
۲.۹۶	۲.۴۵	۱.۲۹	۲.۷۱	.۰۰۱	۱۵۹	۲.۸۹	رونق ارتباطات قومی و مذهبی
۲.۷۹	۲.۳۲	۱.۱۶	۲.۵۶	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۹۵	ارتباط با افراد غیر ایرانی
۳.۱۱	۲.۵۹	۱.۳۶	۲.۸۴	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۸۶	کاهش قاچاق
۳.۶۵	۳.۰۶	۱.۴۶	۳.۳۶	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۹	تمایل به شرکت در انتخابات

۲.۱۱	۱.۷	۱.۰۴	۱.۹۱	.۰۰۰	۱۵۹	۱.۲۷	افزایش اعتماد به دولت
------	-----	------	------	------	-----	------	-----------------------

- نتایج تجارت مرزی در شاخص اجتماعی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتایج آزمون T برای مؤلفه اجتماعی برابر است با ۲.۵۷ که از مقدار استاندارد آزمون که ۳ است پایین تر بوده و همچنین سطح معنی داری به دست آمده نشان گر معنی دار بودن مؤلفه است زیرا sig به دست آمده کمتر از ۰.۰۰۵ است.

جدول شماره ۶- نتایج آزمون T برای مؤلفه اجتماعی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
حد بالا	حد پایین	انحراف استاندارد	میانگین	sig	df	T	نقش تجارت مرزی در: بعد اجتماعی
۱۰.۱۱	۹.۰۸	۲.۷۷	۹.۷۶	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۵۷	

- نتایج تجارت مرزی در شاخص‌های اجتماعی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای مؤلفه اجتماعی نشان می‌دهد که هیچ کدام از زیرمؤلفه‌های مطرح شده در این بخش از مقدار استاندارد آزمون نمره بالاتری کسب ننموده‌اند.

جدول شماره ۷- نتایج آزمون T برای مؤلفه‌های اجتماعی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
حد بالا	حد پایین	انحراف استاندارد	میانگین	Sig	df	T	نقش تجارت مرزی در:
۳.۴۵	۲.۸۲	۱.۳۲	۳.۰۹	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۲۹	ارتقای سطح بهداشت
۳.۲۲	۲.۷۹	۱.۰۶	۳.۰۱	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۱۷	افزایش سطح سواد
۱.۷۶	۱.۳۳	۱.۰۶	۱.۵۵	.۰۰۰	۱۵۹	۱.۵۲	کاهش وقوع جرم
۲.۳۳	۱.۸۸	۱.۱۴	۲.۱۱	.۰۰۰	۱۵۹	۱.۴۲	تغییر پوشش و ظاهر مردم

- نتایج تجارت مرزی در شاخص کالبدی روستاهای مورد مطالعه طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتیجه به دست آمده آماره T ۲.۲۵ است که این رقم پایین تر از میزان استاندارد آزمون است.

جدول شماره ۸- نتایج آزمون T برای مؤلفه کالبدی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
حد بالا	حد پایین	انحراف استاندارد	میانگین	Sig	df	T	نقش تجارت مرزی در: بعد کالبدی
۱۰.۱۱	۹.۰۸	۲.۷۷	۹.۷۶	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۲۵	

- نتایج تجارت مرزی در شاخص‌های کالبدی روستاهای مورد مطالعه طبق آزمون T تک نمونه‌ای

بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای مؤلفه‌های کالبدی، تنها متغیر نوسازی خانه‌ها از مقدار استاندارد آزمون نمره بالاتر گرفته است. بر اساس مشاهدات میدانی محقق و مصاحبه با افراد پاسخ‌دهنده در محدوده مورد مطالعه به موازات افزایش درآمد از تجارت مرزی ساکنین نسبت به نوسازی خانه‌ها اقدام کرده‌اند. و در منطقه مورد مطالعه نیز این نوسازی‌ها شکل جدیدی به کالبد روستا بخشیده است. متغیر ایجاد تأسیسات بارگیری کالا نمره پایین تر از آزمون گرفته و بدین معنا است که ایجاد تأسیسات بارگیری کالا در این نواحی صورت نگرفته و بیشتر امکانات مربوط به مرز تمرچین در شهر پیرانشهر واقع گردیده است. همچنین متغیر افزایش تردد به روستا به دلیل نامناسب بودن وضع راه‌های ارتباطی نیز نمره پایین تر از مقدار استاندارد به دست آورده. متغیر ارتقای کیفیت جاده‌ها در این آزمون به دلیل ضعف زیرساخت‌های ارتباطی در مناطق

روستایی کشور به ویژه در مناطق مرزی نمره پایینی را به دست آورده است. افزایش سردخانه‌ها و انبارهای کالا نیز به دلیل واقع شدن بیشتر آن‌ها در مرکز شهر پیرانشهر و نیز فعالیت بیشتر خدمات بیمه در مراکز شهری و عدم بازدهی آن‌ها در مناطق روستایی منجر به ورود کمتر این فعالیت در مناطق روستایی شده است و از همین رو پایین ترین میزان نمره را در این آزمون به دست آورده‌اند.

جدول شماره ۹- نتایج آزمون T برای مؤلفه‌های کالبدی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
حد بالا	حد پایین	انحراف استاندارد	میانگین	Sig	df	T	نقش تجارت مرزی در:
۳۰۵	۲۶۰	۱۰۱۱	۲۸۳	.۰۰۰	۱۵۹	۲۴۸	افزایش تردد به روستا
۲۱۶	۱۶۹	۱۰۱۷	۱۹۳	.۰۰۰	۱۵۹	۱۴۳	ارتقای کیفیت جاده‌ها
۳۳۹	۲۹۲	۱۰۱۶	۳۱۶	.۰۰۰	۱۵۹	۲۲۱	نوسازی خانه‌ها
۲۸۳	۲۳۸	۱۰۱۲	۲۶۱	.۰۰۰	۱۵۹	۲۱۵	ارتقای امکانات خدماتی
۲۹۹	۲۵۲	۱۰۱۶	۲۷۶	.۰۰۰	۱۵۹	۲۷۱	طرح‌های توسعه روستایی
۳۰۲	۲۵۹	۱۰۰۷	۲۸۱	.۰۰۰	۱۵۹	۲۰۲	ایجاد تأسیسات بارگیری کالا
۲۳۵	۱۹۴	۱۰۰۴	۲۱۵	.۰۰۰	۱۵۹	۲۵۱	احداث مهمان‌سرا و رستوران
۲۰۲	۱۷۳	۱۰۱۶	۱۹۷	.۰۰۰	۱۵۹	۱۸۷	افزایش انبارها و سردخانه‌ها
۲۱۸	۱۷۱	۱۰۱۸	۱۹۵	.۰۰۰	۱۵۹	۱۴۷	افزایش سطح پوشش خدمات بیمه

- نتایج تجارت مرزی در شاخص اقتصادی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

بر اساس نتیجه به دست آمده از آزمون T تجارت مرزی بر مؤلفه اقتصادی در منطقه مورد مطالعه با توجه به نمره آماره T که عدد ۳۰۲۹ است تأثیر مثبتی داشته است.

جدول شماره ۱۰- نتایج آزمون T برای مؤلفه اقتصادی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
حد بالا	حد پایین	انحراف استاندارد	میانگین	Sig	df	T	نقش تجارت مرزی در:
۱۰۱۱	۹۰۸	۲۷۷	۹۱۹	.۰۰۰	۱۵۹	۳۰۲۹	بعد اقتصادی

- نتایج تجارت مرزی در شاخص اقتصادی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای مؤلفه‌های اقتصادی، بیشترین تأثیر را بر میزان بیکاری داشته است به طوری که این متغیر نمره بالاتر از استاندارد آزمون گرفته و نشان از تأثیر تجارت مرزی بر کاهش بیکاری در روستاها دارد. بر کسی پوشیده نیست یکی از دلایل اصلی مهاجرت نبود منابع درآمدی کافی و بیکاری در روستاها است که در این تحقیق نشان داد که تجارت مرزی تأثیر مثبتی بر روی کاهش بیکاری داشته است. یکی دیگر از متغیرهای که تجارت مرزی بر روی آن اثرگذار بوده افزایش درآمد روستائیان است که در نتیجه کاهش بیکاری و رونق فعالیت در مرز است. تجارت مرزی در منطقه مورد مطالعه از بدو شروع توانسته بر روی میزان درآمد روستائیان داشته باشد و سبب کاهش فقر در این منطقه شود. و همین افزایش درآمد باعث بالا رفتن قیمت دارایی‌های روستائیان در این منطقه شده، به طوری که با توجه به مشاهدات میدانی محقق تجارت مرزی که هنگام طرح پرسش‌های تحقیق به دلیل مشکلات سیاسی مابین ایران و دولت کردستان عراق و کاهش شدید تجارت در مرز سبب افت قیمت دارایی‌های روستائیان و به تبع کاهش میزان درآمدهای مالی را در پی داشته و در هنگام باز بودن مرز قیمت دارایی‌ها بالاتر بوده است. از طرف دیگر در این آزمون، تجارت مرزی بر روی افزایش سرمایه‌گذاری در روستا تأثیری نداشته است و به تبع این عدم سرمایه‌گذاری مناسب نبود واحدهای تولیدی در این مناطق شده است و همچنین این عدم سرمایه‌گذاری بر روی رونق کشاورزی نیز اثر گذاشته و سبب کاهش رونق کشاورزی در این محدوده بوده. یکی از

عوامل توسعه در هر جامعه‌ای افزایش اشتغال زنان است که در این منطقه در حد بسیار پایینی ارزیابی شده و تجارت مرزی تأثیری بر روی افزایش این اشتغال نداشته است. با توجه به ضعف زیرساخت‌های ارتباطی در مناطق روستایی به‌خصوص در منطقه مورد مطالعه و عدم سرمایه‌گذاری مناسب در این منطقه سبب عدم رونق گردشگری باوجود تجارت مرزی شده است و در آزمون نمره پایینی به‌دست آمده است.

جدول ۱۰) نتایج آزمون

مقدار استاندارد آزمون = ۳							
حد بالا	حد پایین	انحراف استاندارد	میانگین	sig	df	T	نقش تجارت مرزی در:
۳.۳۴	۲.۸۹	۱.۱۱	۲.۷۱	.۰۰۰	۱۵۹	۳.۱۲	افزایش درآمد روستائیان
۲.۴۴	۱.۹۵	۱.۲۳	۲.۲	.۰۰۰	۱۵۹	۱.۷۵	رونق کشاورزی
۲.۶۷	۲.۱۸	۱.۲۵	۲.۴۳	.۰۰۰	۱۵۹	۱.۳۲	افزایش سرمایه‌گذاری در روستا
۳.۱۱	۲.۷۶	۰.۹۸	۲.۹	.۰۰۰	۱۵۹	۳.۳۱	کاهش بیکاری
۱.۷۷	۱.۳۸	۱.۸۱	۱.۵۸	.۰۰۰	۱۵۹	۱.۱۸	افزایش اشتغال زنان
۳.۱۹	۲.۸	۱.۱۶	۲.۶۷	.۰۰۰	۱۵۹	۳.۰۴	تنوع شغلی در روستاها
۳.۱۷	۲.۶۴	۱.۱۹	۲.۵۶	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۹۶	افزایش قیمت دارائی‌های روستائیان
۲.۳۱	۱.۸۴	۱.۱۶	۲.۰۸	.۰۰۰	۱۵۹	۱.۷۸	رونق واحدهای تولیدی
۲.۵۶	۲.۱۱	۱.۱۳	۲.۳۴	.۰۰۰	۱۵۹	۲.۵۴	کاهش فعالیت‌های غیررسمی
۳.۱۳	۲.۵۴	۱.۴۷	۲.۸۴	.۰۰۰	۱۵۹	۱.۹۵	افزایش ورود گردشگر

تحلیل عاملی اثرات بازارچه مرزی بر مؤلفه‌های تحقیق

یافته‌های زیر نشان می‌دهد که یکی از مفروضات اساسی تحلیل عاملی که کفایت حجم نمونه است برقرار است. مقدار آماره KMO برای نمونه مورد نظر ۰.۸۲۷ بوده بنابراین می‌توان گفت نمونه‌ی پژوهش حاضر برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی دارای کفایت لازم بوده. همچنین تعداد مجذور کای (کرویت بارتلت) ۴۱۷.۵۵۸ در سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰ و با درجات آزادی ۱۰ معنادار است.

جدول شماره ۱۱- نتایج آزمون KMO برای تجارت مرزی

مقدار KMO	مجذور کای	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۰.۸۲۷	۴۱۷.۵۵۸	۱۰	۰.۰۰۰

- عوامل استخراجی حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی

بر اساس جدول (۱۸-۴) ۹ عامل موجب تبیین ۸۰.۰۶۲٪ از واریانس متغیر(پس از چرخش واریمکس) می‌شود. همچنین مقدار ویژه‌ای ۹ عامل بیشتر از ۱ است. بر این اساس عامل اول با ۲۰.۴۳۰ درصد از واریانس، عامل دوم ۳۴.۵۲۹ درصد، عامل سوم ۴۳.۸۴۹ درصد، عامل چهارم ۵۲.۷۸۲ درصد، عامل پنجم ۶۱.۲۶۶ درصد، عامل ششم ۶۷.۵۸۰ درصد، عامل هفتم ۷۲.۲۰۷ درصد، عامل هشتم ۷۶.۷۶۰ درصد، و عامل نهم با ۸۰.۰۶۲ درصد از واریانس متغیر می‌شود. همچنین بر اساس این جدول عامل اول بیشترین واریانس را با (۲۰.۴۳۰ درصد) را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۱۲- عوامل استخراجی حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی

مؤلفه‌ها	مقادیر ویژه اولیه			مجموع ضرایب عاملی چرخش داده نشده			مجذور بارهای عاملی چرخش یافته		
	کل	درصد واریانس	درصد جمعی	مجموع	درصد واریانس	درصد جمعی	مجموع	درصد واریانس	درصد جمعی
۱	۱۶.۸۵۳	۴۲.۵۲۲	۴۲.۵۲۲	۱۶.۸۵۳	۴۲.۵۲۲	۴۲.۵۲۲	۷.۹۶۸	۲۰.۴۳۰	۲۰.۴۳۰

۳۴.۵۲۹	۱۴.۰۹۹	۵.۴۴۹	۵۰.۵۳۵	۸.۰۱۳	۳.۱۲۵	۵۰.۵۳۵	۸.۰۱۳	۳.۱۲۵	۲
۴۳.۸۴۹	۹.۱۳۹	۳.۶۳۵	۵۷.۱۳۵	۶.۶۰۰	۲.۵۷۴	۵۷.۱۳۵	۶.۶۰۰	۲.۵۷۴	۳
۵۲.۷۸۲	۸.۹۳۳	۳.۴۸۴	۶۱.۷۹۱	۴.۶۵۷	۱.۸۱۶	۶۱.۷۹۱	۴.۶۵۷	۱.۸۱۶	۴
۶۱.۲۶۶	۸.۴۸۴	۳.۳۰۹	۶۶.۳۷۰	۴.۷۵۸	۱.۷۸۶	۶۶.۳۷۰	۴.۵۷۸	۱.۷۸۶	۵

- تحلیل عاملی متغیرها پس از چرخش

در ادامه ماتریس چرخش یافته عاملی برای تبیین میزان تأثیر هریک از زیر مؤلفه‌ها بر موضوع تحقیق آورده شده است، این ماتریس نشان می‌دهد چه شاخص‌هایی با چه بار عاملی به این عامل‌ها مربوط‌اند.

بر اساس یافته‌های تحقیق عامل اقتصادی با ۲۰.۴۳۰ درصد از واریانس بیشترین واریانس را به خود اختصاص داده است در میان این عامل متغیرهای افزایش درآمد روستائیان از طریق تجارت مرزی با بار عاملی ۰.۸۳۴ و تأثیر تجارت مرزی بر احداث مهمان‌سرا و رستوران در روستا با بار عاملی ۰.۷۸۴ و تأثیر تجارت مرزی بر برخورداری از خدمات زیرساختی مانند برق و گاز با بار عاملی ۰.۷۷۶ به ترتیب بیشترین تأثیر را بر عامل اقتصادی داشته‌اند و همچنین متغیرهای ارتباط با افراد غیر ایرانی با بار عاملی ۰.۵۱۵ و تأثیر تجارت مرزی برافزایش جمعیت روستا با بار عاملی ۰.۵۲۹ به ترتیب کمترین تأثیر را بر عامل اقتصادی داشته‌اند.

بر اساس جدول ۴-۱۹ عامل جمعیت با ۱۴.۰۹۹ درصد از واریانس در جایگاه دوم قرار گرفته است، در میان زیر مؤلفه‌های این عامل زیر مؤلفه تأثیر تجارت مرزی بر ترکیب جمعیتی روستا با ۰.۷۹۲ و زیر مؤلفه تأثیر تجارت مرزی بر کنترل مهاجرت از روستا با بار عاملی ۰.۷۴۴ بیشترین تأثیر را بر روی عامل جمعیت داشته. زیر مؤلفه‌های مربوط به تأثیر تجارت مرزی برافزایش جمعیت خانواده‌ها و بالا رفتن امنیت به ترتیب با ۰.۵۵۵ و ۰.۵۵۷ بار عاملی کمترین تأثیر را بر روی عامل جمعیت داشته‌اند.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از ماتریس چرخش یافته‌ی عاملی، عامل اجتماعی با ۹.۱۳۹ در جای سوم قرار گرفت و در میان متغیرهای آن، تأثیر تجارت مرزی بر کاهش قاچاق با بار عاملی ۰.۷۱۵ بیشترین تأثیر و متغیر تأثیر تجارت مرزی بر فرزند آوری با بار عاملی ۰.۵۵۲ کمترین تأثیر را بر روی این عامل داشته است.

عامل کالبدی با واریانس ۸.۹۹۳ و با در بر گرفتن شش متغیر در جایگاه چهارم قرار گرفت و در میان متغیرهای این عامل، تأثیر تجارت مرزی بر رونق واحدهای تولیدی با ۰.۹۰۶ بیشترین و تأثیر تجارت مرزی برافزایش ورود گردشگر به روستا با ۰.۶۴۹ کمترین تأثیر را بر این عامل داشته‌اند. در میان متغیرهای عامل پنجم با ۸.۴۸۴ درصد واریانس متغیر کاهش وقوع جرم در اثر تجارت مرزی با ۰.۷۹۴ و تأثیر تجارت مرزی بر تغییر پوشش و ظاهر مردم با ۰.۷۷۹ سؤال قرار گرفته در این عامل هستند.

جدول شماره ۱۳- بار عاملی مربوط به متغیرهای هر عامل پس از چرخش اثرات

بار عاملی	گویه‌ها	عامل
۰.۵۲۹	تأثیر تجارت مرزی برافزایش جمعیت روستا	اقتصادی
۰.۵۱۵	تأثیر تجارت مرزی برافزایش ارتباط با افراد غیر ایرانی	
۰.۶۳۰	تأثیر تجارت مرزی بر نوسازی خانه‌های روستایی	
۰.۷۷۶	تأثیر تجارت مرزی بر ارتقای دست‌یابی به خدمات برق و گاز	
۰.۷۶۳	تأثیر تجارت مرزی بر طرح‌های توسعه روستایی	
۰.۶۷۳	تأثیر تجارت مرزی بر ایجاد تأسیسات بارگیری کالا در روستا	
۰.۷۸۴	تأثیر تجارت مرزی بر احداث مهمان‌سرا و رستوران در روستا	
۰.۸۳۴	تأثیر تجارت مرزی برافزایش درآمد روستائیان	
۰.۷۳۷	تأثیر تجارت مرزی برافزایش سرمایه‌گذاری در روستا	
۰.۶۶۱	تأثیر تجارت مرزی در رونق کشاورزی	

۰.۶۳۰	تأثیر تجارت مرزی بر کاهش بیکاری	
۰.۵۶۷	تأثیر تجارت مرزی بر روند مهاجرت به روستا	جمعیتی
۰.۵۵۵	تأثیر تجارت مرزی بر افزایش جمعیت خانواده‌ها	
۰.۷۴۴	تأثیر تجارت مرزی بر کنترل مهاجرت از روستا	
۰.۶۱۵	تأثیر تجارت مرزی بر افزایش ازدواج	
۰.۶۲۵	تأثیر تجارت مرزی بر افزایش تراکم جمعیت روستا	
۰.۷۹۲	تأثیر تجارت مرزی بر ترکیب جمعیت روستا	
۰.۵۵۷	تأثیر تجارت مرزی بر بالا رفتن امنیت	
۰.۶۵۵	تأثیر تجارت مرزی بر افزایش سطح پوشش خدمات بیمه	
۰.۵۵۲	تأثیر تجارت مرزی بر افزایش فرزند آوری	اجتماعی
۰.۷۰۱	تأثیر تجارت مرزی بر افزایش امید به زندگی	
۰.۷۱۵	تأثیر تجارت مرزی بر کاهش قاچاق	
۰.۵۹۶	تأثیر تجارت مرزی بر افزایش تردد به روستا	
۰.۸۰۱	تأثیر تجارت مرزی بر افزایش قیمت دارائی‌های روستائیان	کالبدی
۰.۹۰۶	تأثیر تجارت مرزی بر رونق واحدهای تولیدی	
۰.۸۱۲	تأثیر تجارت مرزی بر کاهش فعالیت‌های غیررسمی	
۰.۶۴۹	تأثیر تجارت مرزی بر افزایش ورود گردشگر به روستا	
۰.۷۷۹	تأثیر تجارت مرزی بر افزایش سطح سواد در روستا	امنیتی
۰.۷۹۴	تأثیر تجارت مرزی بر کاهش وقوع جرم	

۶- نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T تک نمونه‌ای نشان داد مؤلفه‌ی جمعیت با امتیاز ۲.۸۶ نمره کمتر از استاندارد را بدست آورده و در بین زیر مولفه‌های جمعیت نیز هیچ‌کدام نمره بالاتر از استاندارد آزمون را کسب ننموده‌اند، به عبارتی باتوجه مقایسه میانگین‌های بدست آمده از زیر مولفه‌های بعد جمعیتی بیشترین مقدار بدست آمده مربوط به افزایش گروه سنی فعال است، زیرا در نواحی مرزی به دلیل عدم توسعه‌یافتگی مناسب و وجود مشاغل با نیاز تخصصی کمتر، سبب گشته که افراد کم سن و سال نیز به فعالیت که بیشتر از نوع کوله‌بری می‌باشد، اقدام کنند. زیرمؤلفه بعدی که امتیاز بیشتری نسبت به بقیه کسب نموده، مربوط به افزایش ازدواج، به عنوان یکی از مهم‌ترین محرک‌های تشکیل خانواده و ارتباط آن با وضعیت مناسب مالی افراد می‌باشد که از طریق بازارچه موجود امرار معاش خود را بدست می‌آورند و در نتیجه وجود این بازارچه می‌تواند سبب بالا رفتن ازدواج شود. هر اندازه وضعیت اقتصادی و مالی مردم در مناطق روستایی بیشتر شود، سبب افزایش تمایل به فرزندآوری در مردم می‌شود؛ بنابراین به تبع وجود بازارچه مرزی فعال می‌تواند سبب افزایش فرزندآوری و در نتیجه افزایش جمعیت روستا، افزایش تراکم جمعیت روستا و افزایش جمعیت روستا گردد. یکی از دلایل اصلی مهاجرت از مناطق روستایی به ویژه مناطق روستایی که در مرز واقع شده‌اند، ناشی از وضعیت نامناسب اقتصادی این مناطق است که در صورت وجود بازارهای کار دائمی و فعال در این مناطق، مهاجرت روند کندتری در پیش خواهد گرفت.

نتایج حاصل از مقایسه میانگین برای مولفه سیاسی در بحث تجارت مرزی نشان داد که امتیاز آن ۳.۴۳ بوده و بالاتر از حد استاندارد آزمون می‌باشد و از نظر پرسش‌دهندگان مثبت ارزیابی شده است در میان ۶ زیرمؤلفه مطرح شده در بخش سیاسی تنها زیرمؤلفه بالا رفتن امنیت، امتیاز بالاتر از حد استاندارد دارد که رقم ۳.۶۷ است. در دنیای امروز، اقتصاد و سیاست ارتباطات تنگاتنگی باهم دارند از این رو هرچه در مناطق مرزی اقتصاد قوی‌تری داشته باشیم موجب بالا رفتن امنیت در این مناطق می‌شود. باتوجه شرایط نوسانی سیاست خارجی کشور و عدم تداوم وضعیت مناسب در مناطق مرزی، شاهد تزلزل در اعتماد عمومی به دولت در نواحی مرزی می‌باشیم.

نتایج بعد اجتماعی حاصل از مقایسه میانگین که عدد ۳ می‌باشد با استفاده از آزمون T نشان می‌دهد که امتیاز این مولفه کمتر از مقدار استاندارد می‌باشد. در میان زیرمؤلفه‌های مطرح شده در این بخش هیچ‌کدام از آن‌ها امتیاز میانگین بالاتر از ۳

را بدست نیاورده‌اند و نزدیک‌ترین زیرمؤلفه به میانگین آزمون ارتقای سطح بهداشت می‌باشد با امتیاز آماره T ۲.۲۹ و کمترین امتیاز هم مربوط به تغییر پوشش و ظاهر مردم با امتیاز آماری ۱.۴۲ است.

نتایج حاصل از مقایسه میانگین مؤلفه کالبدی با استفاده از آزمون T نشان دهنده امتیاز نسبتاً پایین این مؤلفه به نسبت میزان استاندارد آزمون است، امتیاز بدست آمده مؤلفه کالبدی برابر است با ۲.۲۵ و از مقدار متوسط پایین‌تر است. در میان زیر مؤلفه‌های طرح شده برای بعد کالبدی نیز هیچ یک از آن‌ها امتیازی بالاتر از میانگین آزمون که عدد ۳ است را نتوانسته‌اند بدست آورند، در این میان بالاترین امتیاز تأثیر بر روی طرح‌های توسعه با ۲.۷۱، احداث مهمان‌سرا و رستوران با ۲.۵۱ و افزایش تردد به روستا با ۲.۴۸ بیشترین امتیاز و ارتقای کیفیت جاده‌ها با ۱.۴۳، افزایش سطح پوشش خدمات بیمه با ۱.۴۷ و افزایش انبارها و سردخانه‌ها با ۱.۸۷ کمترین امتیاز را در این بخش داشته‌اند.

نتایج مؤلفه اقتصادی نشان می‌دهد که امتیاز بدست آمده از مقدار میانگین بالاتر بوده و امتیاز آن ۳.۲۹ بوده است. در میان زیرمؤلفه‌های بعد اقتصادی، کاهش بیکاری با ۳.۳۱، افزایش درآمد روستائیان با ۳.۱۲ و افزایش تنوع شغلی با ۳.۰۴ بیشترین امتیاز و بالاتر از حد میانگین داشته‌اند، افزایش اشتغال زنان با ۱.۱۸، افزایش سرمایه‌گذاری در روستا با ۱.۳۲ و رونق کشاورزی با ۱.۷۵ کمترین امتیاز را بدست آورده‌اند.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد، فعالیت‌های تجاری در مناطق مرزی مورد مطالعه، تأثیر مثبت در تثبیت و رشد سکونتگاه‌های روستایی این مناطق داشته است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T تک نمونه‌ای نشان داد که تجارت مرزی باتوجه به نمره میانگین بدست آمده از مؤلفه‌های جمعیتی و کالبدی که کمتر از مقدار استاندارد بوده است؛ بنابراین با مقایسه میانگین نظرات پرسش‌دهندگان با مقدار استاندارد آزمون مشخص می‌شود که مؤلفه‌های ذکر شده وضعیت مناسبی ندارند و در تثبیت و رشد سکونتگاه‌های روستایی این مناطق اثرگذار نبوده است. بدین ترتیب فرضیه تأثیر مثبت فعالیت‌های تجاری در مناطق مرزی مورد مطالعه، در تثبیت و رشد سکونتگاه‌های روستایی این مناطق رد می‌شود. محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۱)، محمدی و فخر فاطمی (۱۳۸۴)، موسوی (۱۳۹۲) به نتایج مشابهی دست یافتند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون‌های تحقیق، تجارت مرزی بر روی مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی تأثیر مثبتی داشته است؛ قادری حاجت و همکاران (۱۳۸۹)، زرقانی و همکاران (۱۳۹۱)، موسوی (۱۳۹۲)، عکس این نتیجه را نشان دادند. از نظر محققان و با توجه به یافته‌ها، بحث و نتایج، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- بهبود و ارتقاء سطح کیفی راه ارتباطی و وضعیت فیزیکی بازارچه؛
- بهسازی و نوسازی شبکه متناسب راه‌های روستایی بین بازارچه و روستاهای منطقه مورد مطالعه؛
- راه اندازی خدمات ارتباطی اولیه و دیگر تاسیسات و امکانات برای تسهیل در کار تجار و پبله وران
- حمایت اقتصادی دولت از سرمایه گذاران روستایی بازارچه مرزی؛
- اختصاص وام‌های کم‌بهره و قرض‌الحسنه به روستاهای نزدیکی بازارچه جهت سرمایه‌گذاری؛
- بهبود روابط سیاسی بین دو طرف مرز جهت ثبات امر تجارت برای روستائیان؛
- تقویت شرکت‌های تعاونی - تولیدی و تجاری بومی و اعطای تسهیلات ویژه زمان دار؛
- افزایش سقف اعتبارات مالی تخصیص یافته به بازارچه مرزی تمرچین؛
- انجام مطالعات ساختاری در خصوص شناسایی مزیت‌ها و خلق مزیت اقتصادی شهرستان و منطقه؛
- بالا بردن منافع روستائیان نزدیک به بازارچه مرزی در بازارچه جهت افزایش انگیزه ماندگاری در روستاهای پیرامونی؛
- ایجاد زمینه‌های مناسب در جهت افزایش استانداردهای آموزشی، فرهنگی، تخصص مردم و پبله‌وران روستایی؛

منابع

- رفعیان، مجتبی و مولودی، جمشید و مشکینی، ابوالفضل و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و ایران‌دوست، کیومرث (۱۳۹۳)، رابطه تحول کارکرد مرز با ارتقای وضعیت پیرامونی شهرهای مرزی (مطالعه موردی: شهرهای مرزی بانه و سقز)، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره نهم، صص ۴۵-۵۸.
- زرقانی، سیدهادی؛ مهدی‌زاد، صباح و اعظمی، هادی (۱۳۹۱) تحلیل بازتاب‌های سیاسی-فضایی بازارچه‌های مرزی (نمونه موردی بازارچه مرزی باشماق مریوان)، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۷۳)، صص ۲۳-۱.
- صیامی، قدیر و دربان آستانه، محمدرضا (۱۳۹۱)؛ بازتاب‌های فضایی-کارکردی بازارچه‌های مرزی بر اقتصاد و امنیت پس‌کرانه‌های شهری و روستایی ایران؛ همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص ۱۵۱۰-۱۵۲۲.
- قادری حاجت، مصطفی؛ عبدی، عرفا؛ جلیلی پروانه، زهرا و باقری‌سرنجیانه، ناصر (۱۳۸۹) تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۶، شماره ۳ (پیاپی ۱۹)، صص ۱۵۱-۱۲۱.
- کامران، حسن؛ پریزادی، طاهر و حسینی امینی، حسن (۱۳۹۰) ساماندهی فضایی نواحی مرزی همجوار با مرز ایران و پاکستان با رویکرد پدافند غیر عامل، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۳۲-۱۰۹.
- محمدپور، علی و احمدی‌پور، زهرا و بدیعی، مرجان (۱۳۸۵)؛ نقش تحول کارکرد مرز بر فضای جغرافیایی بخش باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان؛ فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه جغرافیا، صص ۱۴۷-۱۷۲.
- محمدی صالح، رحیم و بوکانی، رشید و ویسی، رضا (۱۳۹۰)؛ نقش تجارت مرزی در تثبیت جمعیت روستایی (مطالعه موردی: حوزه نفوذ بازارچه مرزی سردشت؛ فرایند مدیریت توسعه، دوره ۲۶، شماره ۴، پیاپی ۸۶، صص ۱۱۹-۱۳۳.
- محمدی، حمیدرضا و فخر فاطمی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)؛ نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه فضایی مناطق مرزی (پژوهش موردی: بازارچه مرزی باجگیران)؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران، سال اول، شماره ۱، صص ۷۶-۵۵.
- محمدی‌یگانه، بهروز و مهدی‌زاده، عصمت و مهدی‌زاده، غفت (۱۳۹۱)؛ ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه مرزی مهران بر توسعه نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان محسن‌آباد؛ نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال دوازدهم، شماره ۲۵، صص ۷۹-۹۶.
- موسوی، میرنجم (۱۳۹۲) ارزیابی نقش بازارچه‌های مشترک مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرز نشین مورد: بازارچه مرزی ترمچین پیرانشهر، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۱، شماره پیاپی ۳۳، صص ۶۹-۵۵.
- Hansent, N. M. (۱۹۷۵). An evaluation of growth-center theory and practice. *Environment and Planning A*, ۷(۷), ۸۲۱-۸۳۲.
- Jones, P. N., & Wild, T. (۱۹۹۴). Opening the frontier: recent spatial impacts in the former inner-German border zone. *Regional studies*, ۲۸(۳), ۲۵۹-۲۷۳.
- Peña, S. (۲۰۰۵). Recent developments in urban marginality along Mexico's northern border. *Habitat International*, ۲۹(۲), ۲۸۵-۳۰۱.
- Topaloglou, L. (۲۰۰۹). Obstacles in economic cross border interaction across the EU external and Northern Greek border regions, *MIBES Transactions*, Vol ۳, Issue ۱.
- Topaloglou, L., & Petrakos, G. (۲۰۰۶). The new economic geography of the Northern Greek border regions. ۴th Congress of the European Regional Science Association, ۲۳-۲۷, ۱-۳۰.
- Brzosko-Sermak, A. (۲۰۰۷). Theoretical deliberations on frontier location of cities. *Bulletin of geography. Socio-economic series*, (۰۷), ۷۳-۸۶.
- Feinstein, B. A., & Dajani-Daoudi, M. S. (۲۰۰۰). Permeable Fences Make Good Neighbors: Improving a Seemingly Intractable Border Conflict between Israelis and Palestinians. *Am. U. Int'l L. Rev.*, ۱۶, ۱.
- Laine, Jussi. ((۲۰۰۶). Perceptions toward the Opening of The Finnish Russian border – border as a barrier among actors involved. University of Joensuu, Department of Geography, Master's thesis.
- Laine, Jussi. (۲۰۰۷). Incommodious border? Rethinking The function of the Finnish-Russian border. *Fennia* ۱۸۵: ۱, pp. ۴۹-۶۲. Helsinki. ISSN ۰۰۱۵-۰۰۱۰.



Rietveld, Piet. (۲۰۰۱). Obstacles to openness of border regions in Europe. In van Geenhuizen M & R Ratti (eds). Gaining advantage from open borders. An active space approach to regional development, pp. ۷۹-۹۶. Ashgate, Aldershot.

Rietveld, Piet. (۲۰۱۲). Barrier effects of borders: Implications for border-crossing infrastructures. *EJTIR* ۱۲ (۲), pp. ۱۵۰-۱۶۶.

Stiller, Silvia. (۲۰۰۳). Integration in the German-Polish border region – Status Quo and Current Developments. Paper presented at ۴th Congress of the European Regional Science Association :Peripheries, Centres and Spatial Development in the New Europe: August ۲۷th – ۳۰th, Jyväskylä, Finland.

Wasti-Walter, D. (۲۰۰۹). Borderlands. International encyclopedia of human geography, editors-in-chief: Kitchin, R and Thrift, N., Volume ۱, pp. ۳۳۲-۳۳۹, Elsevier Ltd.

Smallbone, D., Labrianidis, L., Venesaar, U., Welter, F., & Zashev, P. (۲۰۰۷). Challenges and prospects of cross border cooperation in the context of EU enlargement. Sixth Framework Programme, (Priority ۷: Citizens and Governance in a Knowledge-based Society), Kingston University.

تبیین مؤلفه‌ها و روش‌های نوین مدیریت مناطق مرزی

سیروس احمدی^۱، ریحانه صالح آبادی^{۲*}

۱- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده ی مسئول

* reyhane.salehabadi@gmail.com

چکیده

طرح مساله: امروزه یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مطالعاتی در حوزه جغرافیای سیاسی موضوع مرز و مدیریت بهینه آن می‌باشد. تاکنون تحقیقات در ارتباط با مسائل و مشکلات مربوط به این مناطق صورت گرفته است اما توجه به بحث مدیریت مرزی با شیوه‌های نوین کم‌تر مد نظر صاحب نظران این عرصه بوده است.

روش: بنابراین در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نرم افزار MICMAC درصد تبیین و بررسی مؤلفه‌ها و روش‌های نوین مدیریت مناطق مرزی کشور هستیم.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با پیشرفت علم و فناوری و وارد شدن متغیرها و ابعاد گوناگون در عرصه مطالعات مرزی می‌توان روش‌های مدیریتی نوینی را برای بهبود شرایط زندگی در این مناطق ایجاد نمود. مؤلفه‌های مرتبط با مدیریت مرزی را می‌توان در چهار بعد اقتصادی (توسعه مناطق مرزی، مدیریت مالی، مدیریت انطباقی ...)، اجتماعی-فرهنگی (جامعه مرزی پلیس، مشارکت و تقویت جوامع مرزی، مدیریت منابع انسانی ...)، سیاسی-حکومتی (مدیریت گشت‌های مرزی مشترک، مراکز مرزی مشترک، بانک‌های اطلاعاتی مشترک، مدیریت سازمانی، مدیریت گمرکی ...) و فناوری-امنیتی (اپتیکی، رادار، شبکه حسگر بیسیم و مدیریت فناورانه ...) تقسیم بندی نمود. نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل نظرات خبرگان مرزی با استفاده از نرم افزار MICMAC نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی مانند مدیریت توسعه مناطق مرزی، توسعه توانایی‌های مدیریت مرزی، مدیریت یکپارچه مرزی، تقویت مرز فیزیکی، مدیریت راهروهای تجاری، سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت مرزی، مدیریت پلیس مرزی، بهره‌گیری از مدیریت فناورانه، مدیریت مراکز مرزی مشترک، شبکه حسگر بی‌سیم، مدیریت اپتیکی، جامعه مرزی پلیس، تضعیف انگیزه‌ها از طریق تغییر در سیاست‌ها، مدیریت حقوقی-نهادی و مدیریت گمرکی دارای بیشترین تأثیرگذاری بر مدیریت مرزی هستند.

نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان بیان نمود که توجه به تمامی ابعاد با رویکردی سیستمی می‌تواند در غالب یک مدل جامع برای مدیریت مرزی کشور مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مرز، روش‌های نوین مرزی، مناطق مرزی، کشورداری، MICMAC

۱- مقدمه

مدیریت مرزها با توجه به پیشرفت‌ها و شکل‌گیری مباحث جدیدی مانند جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات دچار تحول و دگرگونی شده است. به طوری که در قرن بیست و یکم حکومت‌ها در پی کنترل بهینه مرزهای خود جهت مهار بیکاری و حفظ صنایع ویژه در محدوده مرزهای سرزمینی و همچنین کاهش اثرات منفی این تحولات به شکل‌های مختلف از طریق مدیریت بهینه مرز هستند. در این روند، آن دسته از تصمیمات سازمان تجارت جهانی^۱ که منافع ملی، امنیت ملی، هویت ملی و ... آنها را به خطر اندازد نادیده می‌گیرند و در مقابل با مدیریت بهینه مرزها به صورت‌های مختلف واکنش نشان داده و سازماندهی مجددی انجام می‌دهند تا به شهروندان خود در زمینه رفاه اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و ... اطمینان خاطر بدهند. در این راستا، با توجه به بحران‌های قریب الوقوع انرژی، اقتصادی و غیره، بسیاری از حکومت‌ها از حقوق اقتصادی و اجتماعی و جمعی برای اعاده کنترل بر مرزهایشان و مدیریت این بحران‌ها استفاده می‌کنند (کیت اس پیس، ۱۳۸۴: ۴۴۴-۴۴۵) تا با استفاده از مدیریت مرزها بتوانند چالش‌ها و مسائل ناشی از تحولات صورت گرفته در فضای جهانی را بر فضای ملی و کشور خود کاهش داده و منافع و امنیت ملی خود و شهروندان خود را تأمین کنند. هنگامی که به کشور ایران نگاه اندازیم به سادگی مرزهای طولانی کشور و تعدد کشورهای هم مرز خود نمایی می‌کند. ایران پس از روسیه و چین بیشترین تعداد همسایگان مرزی را دارا است و از سوی دیگر طول مرزهای کشور نیز گسترده است. در کنار این تعدد همسایگان و گستردگی طول مرز وجود تنوع جغرافیایی در طول مرزها، هر یک از مناطق مرزی کشور را به فضاهای کاملاً متفاوتی تبدیل کرده است که ضرورتاً نیازمند نگاه ویژه و متفاوت با یکدیگر است. این تنوع و گستردگی در کنار تحولات دهه‌های اخیر نگرش نسبت به مرزها جهت کنترل و مدیریت آنها را تحت تأثیر قرار داده است. چرا که در جهان امروز، تجارت جهانی و کنش دوسویه و چند سویه بین کشورها به طور مداوم رو به افزایش می‌باشد ایمنی و امنیت برای مناطق و محدوده‌های مرزی یک چالش عمده به حساب می‌آید. بسیاری از حکومت‌ها در حال تلاش برای پیدا کردن تعادل بین تسهیل تجارت و در عین حال حفاظت از مرزها از جریان غیرقانونی کالا و مردم هستند. رویکرد جدید به کنترل و مدیریت مرزی مدرن تسهیل کننده تجارت آزاد و اطمینان از ایمنی و امنیت از طریق هماهنگی بین آژانس‌های کنترل مرزی و استفاده از فرایندهای جدید و اتخاذ آخرین فناوری می‌باشد تا از این طریق بتوان امنیت پایدار را در مناطق مرزی ایجاد کرد (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۸). از سوی دیگر با توجه به نقشی که مرزها در حوزه مبادلاتی و تعاملاتی بین کشورها دارند توجه به بحث مدیریتی آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین در این پژوهش درصدد تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مرزهای کشور با توجه به رویکردهای اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی-حکومتی، فناوری-امنیتی و ... هستیم.

۲- مبانی نظری پژوهش

۱-۲- تعریف و مفهوم مرز

برای تعریف مرز به همراه طبقه‌بندی و فهرست عنوان انواع مرز، تلاش‌هایی توسط دانشمندانی مانند هارتشورن (۱۹۳۶)، هولدریچ (۱۹۴۰)، جونز (۴۵-۱۹۴۳) و کریستف (۱۹۵۹) انجام گرفته است. اگر چه اولین بحث در مورد مرزهای سرزمینی توسط جغرافیدانان دانشگاهی، به زمان راتزل (۱۸۹۷) برمی‌گردد که رفتار ارگانیکی دولت را مطرح کرد، اما این موضوع توسط لرد کرزن (۱۹۰۸) و هولدریچ (۱۹۱۶) درباره مرزهای سیاسی و شکل‌گیری مرزها پیگیری شده است (Newman and Paasi, ۱۹۹۸: ۱۸۸). این روند، خود باعث شکل‌گیری تعاریف مختلفی درباره مرز شده است، هر چند در مفهوم و محتوا تفاوت زیادی بین آنها وجود ندارد. برخی از این تعاریف عبارت‌اند از: مارتین گلشنر^۲ در واقع مرز یک خط نیست بلکه یک سطح است، یک سطح عمودی است که از طریق فضا، خاک و زیر زمین دولت‌های همسایه را برش می‌دهد. این سطح در روی

^۱- WTO

^۲- Glassner

زمین به صورت یک خط به نظر می‌رسد (Glassner, ۱۹۹۲: ۷۲). در ایسدل - بلیک: مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک حکومت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا، ... مانع ایجاد می‌کند (در اسیدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱). محمدرضا حافظنیا: مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملی را مشخص می‌کند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۶۹). دره میرحیدر: خطوط مرزی، خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند (میرحیدر، ۱۳۸۵: ۱۶۱). پیروز مجتهدزاده: مرز خطی است فرضی در فضا که جداکننده دو ملت، دو کشور و دو نظام حکومتی است، مرز در انتهای قلمرو حقوقی و قانونی یک دولت قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: جزوه کلاسی). همانگونه که مشاهده می‌گردد مطالعات اولیه و سنتی که از مرز ارائه شده است تحت تأثیر جبرگرایی محیطی و جدایی مرزهای طبیعی از سیاسی با توجه به قوانین و مقررات واحدهای سیاسی است. در حالیکه مرز از مفهومی چند بعدی برخوردار است و تنها نمی‌توان به جدایی و علامتگذاری دو سرزمین از یکدیگر اکتفا کرد. در گفتمان جدید، می‌توان بیان کرد که مرز به عنوان یک نشانه و عاملی جغرافیایی که از قدرت تنظیمی در روابط اجتماعی برخوردار است شناخته می‌شود (بدیعی، ۱۳۹۴: ۵۴۲). مرزها در گفتمان جدید دیگر پایان حاکمیت و یا خط جداکننده دو واحد سیاسی محسوب نمی‌شوند بلکه مرز شروع حاکمیت و خط پیوند دو یا چند واحد سیاسی مستقل می‌باشد. با این مفهوم جدید، مرزها در توسعه نقش یافته و فضای تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی، و ... می‌شود به نحوی که توسعه از مرز به سمت داخل کشور سرازیر می‌شود و دیگر مرز نباید پیرامون نابرخوردار باشد بلکه مرز فضای تولید قدرت و ثروت خواهند شد به گونه‌ای که در برگیرنده مفاهیمی مانند توسعه، رشد، آمایش و ... خواهد بود.

۲-۲- مدیریت مرزی

در دهه ۱۹۹۰ جامعه بین‌المللی با کمک اندیشمندان مرزی شروع به نظریه پردازی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی مرتبط با مرزها نمود. نیومن و پاسی (۱۹۹۸) چهار مضمون اصلی را در مطالعات مرزی مورد شناسایی قرار دادند (Paasi, ۲۰۰۹). اولین مضمون پسامردن و مباحث مرتبط با پسا ساختارگرایانه در مورد نابودی سرزمینی و تجدید سرزمین مجدد بود که در ژئوپلیتیک انتقادی نمایان گشت. دومین نقش مرزها در ساخت هویت اجتماعی-مکانی و در عین حال تمایزات بین ما و دیگری به همین ترتیب مورد توجه دانشمندان سیاسی قرار گرفت. این بحث یک رویکرد کلاسیک را در ارتباط با جامعه شناسی و مطالعات پسا استعماری زنده نمود (Elias, ۱۹۹۴). سومین مورد گفتمان‌های مرزی که تجسم بخش فرایندهای جامعه پذیری ملی بوده است مد نظر قرار گرفته است و در نهایت چهارمین مورد نقش مقیاس‌های مختلف فضایی در ساخت مرزها می‌باشد. این رویکرد نشان می‌دهد که توجه به مرزها به طور چشمگیری گسترش یافته است و روابط قدرت بین آنها نیز افزایش یافته است (Shapiro, ۱۹۹۶). دنیای ملتها و هویت‌های ارائه شده از سوی آنها توسط گفتمان‌های واقع گرایانه بین المللی و تلاش در جهت ساختن مفاهیم جایگزین است (Agnew, ۱۹۹۴). در این بین می‌توان بیان نمود که در مطالعات مرزی، مدیریت مرز شامل همه فعالیت‌هایی که سبب حصول اطمینان از عملکرد صلح آمیز مرز به گونه‌ای که ثبات و دسترسی و احساس امنیت شهروندان و کشورهای هم مرز را در بر گیرد، می‌شود. این فعالیت‌ها بطور قابل توجهی شامل نظارت، حفاظت از مرز، تعیین حدود نقاطی برای عبور و مرور آزادانه، کنترل دسترسی و فراهم کردن زمینه‌های همکاری و ... می‌باشد. به عبارت دیگر، مدیریت مرز یک مکانیسم برای تضمین امنیت مرزهای ملی و برای تنظیم حرکات قانونی در طول مرزها برای دستیابی به نیازهای متفاوت کشور توسط ارتباطات فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی که از طریق مرزها فراهم می‌گردد است. بنابراین واژه مدیریت مرز یک واژه گسترده‌تری است که محدوده کنترل امور اجرایی مرزها شامل اطمینان از حفظ حرمت آنها را مشخص می‌کند (Pratt, ۲۰۰۱: ۷). به عبارت ساده‌تر مدیریت مرز را می‌توان بدین صورت بیان کرد. مدیریت مرز یعنی برقراری تعادل بین بازکردن مرزها تا حدی که بتوان از حداکثر فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و فواید فراسوی مرز و مشترک

مرزی نهایت بهره را برد و در همان زمان بسته نگاه داشتن مرز به گونه‌ای که ورود چالش‌ها و ناامنی‌های فرامرزی و مشترک مرزی به داخل کشور را به حداقل ممکن رساند.

۲-۳-۲- مدل‌های مدیریت و توسعه مرز

۲-۳-۲-۱- **مدل مدیریت انتظامی-نظامی:** در این مدل با توجه به نگرش راهبردی به مرزها، کنترل و اداره مرزها و مناطق مرزی بیشتر در اختیار و تسلط نیروها و دستگاه‌های نظامی و انتظامی قرار می‌گیرد. این نوع مدل زمانی برای کنترل مرزها و اداره آن برتری میابد که فضای تهدید چه در محیط‌های پیرامونی و چه در فضای داخلی نسبت به مرزها در کشور حاکم گردد و کنترل و راهکارهای معمولی جوابگوی این تهدیدهای بالفعل و بالقوه نباشد. در این صورت کنترل و انسداد کامل مرزها به عنوان استراتژی جاری کشور قلمداد می‌شود. البته در بیشتر مواقع این شیوه مدیریتی باعث افزایش تهدیدها شده و سبب پایداری سیکل ناامنی و تهدید در مناطق مرزی می‌شود. مدیریت نظامی-انتظامی به دو صورت سنتی و نوین در کشورهای مختلف از جمله ایران در حال اجرا است.

الف) راهکارهای سنتی شامل: انسداد فیزیکی مرز حفر کانال، انسداد دهانه‌های مرزی، نصب سیم خاردار، ایجاد خاکریز، دیوار بتنی، پاسگاه و برجک مرزی، احداث راه‌های مرزی و ... انسداد سخت افزاری تقویت نیروهای مرزی، تشکیل یگان‌های نظامی، امنیتی نمودن، صرف مناطق مرزی، افزایش پست‌های ایست و بازرسی و ...

ب) راهکارهای نوین فنی شامل: کنترل نرم‌افزاری استفاده از سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی I.T ، G.I.S ، سنجنده‌های فضایی، شنودهای رادیویی، رادارهای مراقبتی و استراق سمع، تجهیزات الکترونیکی و اپتیکی و ...

ج) راهکارهای نوین فرهنگی-اجتماعی شامل: کنترل توسعه‌گرایی و همه‌جانبه توجه به سیمای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی منطقه، روش‌های مدیریتی منسجم و منظم با توجه به شرایط منطقه، عمران و بادی، اشتغال زایی، قوانین و مقررات مناسب و تأثیرگذار، اعتمادسازی و دخیل نمودن مرز نشینان در امورات، ایجاد بنگاه‌های اقتصادی و بازارچه‌های مرزی و (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

۲-۳-۲-۲- **مدل مدیریتی کارکردی توسعه‌گرا:** مدل مدیریتی کارکردی بر محور توسعه مناطق مرزی و پویایی و شکوفایی کارکردهای مرزی استوار می‌باشد. طبق این نگرش، بحران‌ها و تهدیدها را بر بهره‌مندی از کارکردهای موجود و از بین بردن زمینه‌های آن می‌توان کاهش داد یا از بین برد. بنابراین در این مدیریت، دستگاه‌ها و وزارتخانه‌هایی که در امور مرز و مدیریت آن دخیل هستند در زمینه‌های مختلف توسعه و عمران در این مناطق می‌توانند دارای نقش باشند. علاوه بر این، استفاده از اهالی مرزی و مشارکت دادن آنها در برنامه‌های اجرایی، یکی از ارکان مدیریتی است. برخی از مهم‌ترین سیاست‌ها و راهکارهای اداره مطلوب مرزها و مناطق مرزی در مدل مدیریتی کارکردی و توسعه‌گرا عبارتند از: اجرای طرح مایش سرزمین و آمایش دفاعی در مناطق مرزی؛ گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی؛ خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و اجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم؛ نظاممند ساختن مبادلات تجاری در مناطق مرزی، افزایش و توانمندسازی بازارچه‌های مرزی؛ گسترش معابر و گلوگاه‌های تجاری و ارتباطی به‌طور رسمی در مناطق مرزی؛ کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد؛ استفاده از امکانات موجود در منطقه و مشارکت دادن اهالی مرز نشینان در برنامه‌های اداره مرزی؛ برقراری روابط مسالمت آمیز با کشورهای پیرامونی و گسترش دوستی میان مرز نشینان دو طرف مرز؛ ایجاد نهادهای تجاری و بازرگانی رسمی میان کشورهای مجاور؛ گسترش امنیت فرهنگی و اجتماعی در نواحی مرزی و ایجاد جو اعتمادسازی نسبی مرز نشینان به حکومت مرکزی؛ اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور جهت سهولت در امر مبادلات تجاری کالا در منطقه (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱).

۲-۳-۳- مدل مدیریتی همه جانبه و ترکیبی: این نظام مدیریتی با توجه به بینش همه جانبه‌گرایی، دارای سیاست‌ها و راهکارهای سنتزی برای اداره مرزها بوده و سعی دارد از راهکارهای مناسب مدیریت نظامی - انتظامی و کارکردی به طور هماهنگی استفاده نماید. موقعیت، حساسیت و پیچیدگی‌های مرزها و مناطق مرزی از یک طرف و تحولات جهانی و منطقه‌ای در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، دفاعی و امنیتی از طرف دیگر ایجاب می‌کند که از نگرش تک بعدی به مرزها پرهیز شود و در مدیریت و اداره آن تمامی زوایا و زمینه‌ها مد نظر قرار گیر. با مدیریت همه جانبه نگر هم می‌توان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد و هم باعث به فعلیت رساندن کارکردهای سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و ... این مناطق مرزی شد. سیاست‌ها و راهکارهای مدیریتی همه جانبه‌گرا و ترکیبی در اداره مرزها و مناطق مرزی عبارتند از: مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی؛ ایجاد شرایط و فضای مناسب و امن با فرایندهای کارکردی و حمایت نیروهای نظامی و انتظامی در باروری ظرفیت‌ها و کارکردهای مرز؛ تعیین و مشخص نمودن تهدیدها و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن؛ تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آنها؛ مقابله با تهدیدها، ارائه سیاست‌ها و راهکارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و توسعه منطقه‌ای با حمایت و پشتیبانی نیروهای نظامی و امنیتی (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

۲-۴- راهبردهای مدیریت مرزها

در طول تاریخ بشر، مرزها از نقش و جایگاه برجسته‌ای در تأمین امنیت، مشخص کردن قلمرو حوزه حاکمیتی حکومت، ملت و هویت سازی و برخوردار بوده‌اند. با توجه به این اهمیت و جایگاه برجسته حکومت‌ها در بازه‌های زمانی مختلف تلاش داشته‌اند با در پیش‌گیری راهبردهایی مرزهای خود را حفاظت و نگهداری کنند تا از این طریق بتوانند ضمن حفظ امنیت، ماهیت و داشته‌های داخلی خود در برابر ناامنی‌ها و مسائل فراسوی مرزها، زمینه برای شکل‌دهی روابط و تعاملات مسالمت-آمیز و کم هزینه را برای شهروندان خود و سیستم حاکمیتی فراهم آورند. با تغییرات و تحولات در دوره‌های مختلف و افزایش تحرکات انسانی، امکانات ارتباطی و غیره برای راهبردهای پیش‌روی حکومت‌ها نیز متناسب با تغییرات و جهت هماهنگ شدن با آنها دگرگون شده‌اند و تکامل یافته‌اند. در این میان، تحولات صورت گرفته در طی دهه‌های اخیر به ویژه بعد از اوج‌گیری مسائل و مباحثی نظیر جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات گسستی بین تغییرات و راهبردهای پیش‌روی حکومت‌ها جهت کنترل و مدیریت مرزها فراهم آورده است و سبب شده است که حکومت‌ها نتوانند مرزهای خود را متناسب با تغییرات صورت گرفته کنترل و مدیریت نمایند. به نحوی که، در نتیجه تجزیه شوروی و یوگسلاوی کشورهای جدیدی در نقشه سیاسی جهان ایجاد شده و یا ظاهر شدند. در همان زمان موفقترین پروژه همگرایی تاریخ بشر یعنی اتحادیه اروپایی منجر به ایجاد بازار واحد، منطقه شنگین و مرز مشترک خارجی شد. این فرایند دگرگونی‌های قابل توجهی در محیط مرزی کشورهای مربوطه داشته است. برای برخی از کشورها مرزها کارکرد اولیه خود به عنوان موانع را از دست داده و کارکرد جدیدی به صورت پل بدست آورده‌اند (O'Dowd, ۲۰۰۲: ۲۴). از سوی دیگر، برای دیگر کشورها، گام گذاشتن در مسیر استقلال، مرزها نقش خود را به عنوان شاخص‌های حاکمیت اولیه حفظ کرده‌اند. همچنین باید توجه داشت به غیر از تحولات سیاسی، محیط مرز انواع دیگری از تأثیرات خارجی را مانند شوک‌های امنیتی بزرگ تجربه کرده است. برای مثال در واکنش نسبت به حادثه ۱۱ سپتامبر معنی مرزها برای همه کشورهای صادرکننده به ایالات متحده آمریکا تغییر کرد. سیاست ایالات متحده در واکنش به حملات اجرای جعبه ابتکار امنیتی^۳ و مشارکت تجاری و گمرکی در برابر تروریسم^۴ بود که هر دو نقطه شروعی برای مرزها در کشورهای صادرکننده بود. به عبارت دیگر، مرزها به بیرون رانده شده بودند (Bowman, ۲۰۰۶: ۲-۳) و در نتیجه با مرزهای جغرافیایی منطبق نبودند، آنها معنی جدیدی از دیدگاه‌های تجاری و امنیتی را ایجاد کردند. البته باید توجه داشت، کنترل و مدیریت مرزها تنها با یک راهبرد امکان پذیر نیست و برای اینکه بتوان مرزهای را به صورت بهینه کنترل و مدیریت

^۳- Container Security Initiative (CSI)

^۴- Customs-Trade Partnership against Terrorism (C-TPAT)

کرد نیازمند در پیش‌گیری و بهره‌برداری از راهبردهای متعدد و مکمل است. به نحوی که باید گفت، در طول مرزهای یک کشور اغلب از راهبردهای متعدد و مکمل در کنار یکدیگر متناسب با شرایط زمانی و مکانی استفاده می‌گردد.

۳- روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با هدف کاربردی نوشته شده است. بر اساس موضوع اصلی پژوهش (تبیین مؤلفه‌ها و روش‌های نوین مدیریت مناطق مرزی) پس از مرور مولفه‌ها و روش‌های نوین مدیریت مرزی، داده‌های حاصل از مطالعات نظری و طرح‌های پژوهشی، عمرانی و اجرایی و گزارش‌های مستند سازمانهای مربوطه مورد بررسی قرار گرفت و اطلاعات پایه جمع‌آوری و طبقه‌بندی شدند. برای تحلیل ساختاری شاخص‌های بدست آمده از روش میدانی بهره گرفته شد. جامعه آماری پژوهش مورد نظر ۸ متخصص مرتبط با امور مرزی بودند که با مراجعه به نظرات آنان ۲۸ شاخص مورد نظر تحقیق بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار MICMAC استفاده شده است. روش ساختاری در این نرم افزار بدین صورت است که روابط میان متغیرها به ویژه در سیستم‌های گسترده با ابعاد متعدد را تحلیل می‌کند. به کارگیری داده‌های کیفی در کنار داده‌های کمی این روش را به یکی از پرکاربردترین روش‌های آینده پژوهی تبدیل نموده است. در این روش جهت گردآوری داده‌ها ابتدا تأثیر متغیرها بر یکدیگر با توجه به نظر خبرگان و متخصصین امر در طیف ۱ تا ۳ ارزشگذاری شده است. در نرم افزار MICMAC میزان ارتباط بین متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد بدین صورت که عدد صفر عدم تأثیر، عدد یک تأثیر ضعیف، عدد دو تأثیر متوسط و عدد سه به منزله تأثیر زیاد است. بعد از گردآوری داده‌های مورد نظر داده‌ها در نرم افزار فراخوانی شده و سپس قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر متغیر مورد بررسی قرار گرفته است. نرم افزار جدید میک مک در موسسه نوآوری کامپیوتری فرانسوی با نظارت مرکز سازمان تحقیقات و راهبرد چشم انداز طراحی شده است که برای تصمیم‌گیری‌های راهبردی و چشم انداز سازی کاربرد دارد.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های کتابخانه‌ای

در این بخش از تحقیق اقداماتی که جهت مدیریت مرزها پیشنهاد شده است برای تقویت تعادل بین تسهیل در مبادلات مرزی و لزوم حمایت از امنیت ملی می‌باشد. حمایت از تلاش دولت‌ها برای ایجاد تقویت فرایندها و چارچوب‌های مدیریتی و همچنین بهبود در شناسایی دقیق در کنترل و مدیریت مرزها همراه است.

۴-۱-۴- عوامل موثر بر مدیریت فرهنگی-اجتماعی

۱- **مرزهای هویتی:** برای تقویت قابلیت‌های مدیریت هویتی دولت‌ها، باید کلیه شهروندان در بدو تولد دارای شناسنامه معتبر هویتی باشند. افراد ممکن است بخواهند از طریق مرزهای بین‌المللی جابجا شوند بنابراین باید آموزش لازم در ارتباط با شناسایی افراد، علائم دستکاری در اسناد مسافرتی و ... از طریق ایجاد آزمایشگاه‌های ایست و بازرسی برای افراد و کارمندان فراهم گردد که امکان ثبت و ضبط مظنونین وجود داشته باشد (IOM, ۲۰۱۷).

۲- **مرزهای بشردوستانه:** مدیریت مرزهای بشردوستانه HBM یک بخش مهم در عملیاتی شدن بحران مهاجرت IOM است. چارچوب MCOF عملیات مرزی را قبل، حین و بعد از فعالیت‌های بشردوستانه توصیف می‌کند. بحران‌ها شامل جنبش‌های مرزی در مقیاس بزرگ می‌شوند که می‌توانند از این طریق مداخلات صورت گرفته تا حدودی روابط و شرایط بهبود دهند. افراد متأثر از بحران، دارای حقی مبتنی بر رهایی از بحران و احترام به حاکمیت و امنیت ملی هستند. دولت‌ها از طریق HBM می‌توانند ظرفیت لازم را جهت بهبود روش‌های استاندارد عملکردی برای رسیدگی و توجه به تغییرات ناگهانی که در تعداد حرکات مرزی، توسعه و اجرای آمادگی اضطراری ایجاد شده است را از طریق ایجاد برنامه‌های احتمالی برای

کمک رسانی به مهاجران آسیب پذیر در کشور به شیوه‌ای از طریق سریع‌ترین مکانیسم همکاری بین‌المللی فراهم آورند (IOM, ۲۰۱۷).

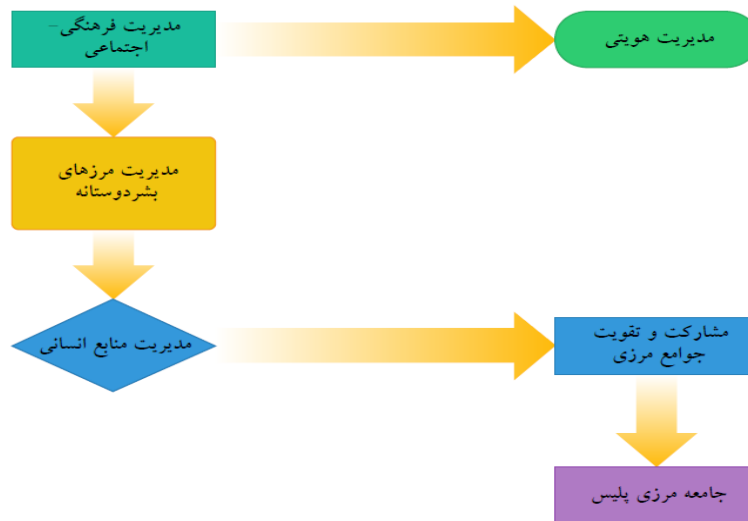
۳- منابع انسانی: مردم هسته اصلی سیستم مدیریت خوب مرزی را تشکیل می‌دهند. بنابراین توجه به مدیریت منابع انسانی از اهمیت بسزایی برخوردار است. این امر با برنامه‌ریزی استراتژیک و جذب هدفمند، آموزش و پیشرفت حرفه‌ای آغاز می‌شود. شرح مشاغل دقیق و رویه‌های مبتنی بر مهارت و آموزش مرتبط با شغل و اندازه‌گیری عملکردهای ارائه شده با دانش محلی قوانین مرتبط با مهاجرت و قوانین محلی لازم است تا برنامه‌هایی برای اطمینان خاطر مردم جهت تشخیص رفتارهای تهدید کننده داده شود. اثربخشی عملیات بسیار وابسته به چگونگی درک نیروهای مرزبانی از آنچه اقدامات نیروهای مرزی طبق مقامات قانونی است می‌باشد. عملیات گردش کار باید به طور واضح توسط افراد مسول و اقدامات آنها برای هر مرحله از کار تعیین گردد. رویه‌ها باید شامل عملیات روزانه مانند بازرسی‌های معمول باشد. بنابراین توجه به عامل مدیریت منابع انسانی و آموزش آنها از اهمیت بسزایی در مدیریت مرز برخوردار است (Duggan, ۲۰۰۸: ۱۵).

۴- مشارکت و تقویت جوامع مرزی: تعامل جوامع با ساکنین نواحی مرزی دورافتاده منجر به تولید اطلاعات و آگاهی موقعیتی افراد و ساکنین مرزی می‌شود. بنابراین لازم است تا امکان مشارکت و تعامل در این افراد تقویت گردد. مشارکت در جامعه به صورت‌های مختلفی وجود دارد، اما مشارکتی که به صورت مستمر وجود داشته باشد از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از راهکارهایی که می‌تواند این مشارکت را در جوامع مرزی در راستای بهبود وضعیت اجتماعی فرهنگی گسترش دهد ذی نفع ساختن مردم در منافع مرتبط با امر توسعه است. با این عمل میزان مشارکت نه تنها افزایش می‌یابد بلکه ضرورت استمرار آن نیز تقویت می‌گردد و به صورت مستقیم بر روند توسعه شهری نواحی مرزی تأثیرگذار می‌شود (لطیفی، ۱۳۸۲: ۱۴۸). در واقع برای نهادینه نمودن فرایند توسعه مشارکتی برای اجرای بهتر و مؤثرتر عملکردهای واگذار شده به شهرداری‌ها براساس قانون ساسای کشورها باید با حضور تمامی شهروندان در یک یا دو منطقه رأی‌گیری صورت گیرد و یک کمیته کوچک متشکل از شهروندان در این مناطق به وجود آید. این کمیته‌ها باید از قدرت اجرایی در سطح ایالتی نیز برخوردار باشند و در عین حال از قدرت‌های مشورتی و مکانسیم مشارکت و پاسخگویی. این ساختارها باید بیشتر از طریق قدرتمند نمودن تصویب قانون مشارکت در انجمن‌ها پدید آیند و بخشی از اصلاحات قوانین شهری را در اختیار گیرند.

۵- جامعه مرزی پلیس: به طور کلی این نوع سیستم مدیریتی سبب ارتقا استراتژی‌های سازمانی می‌گردد و از سویی دیگر موجب می‌گردد که استفاده منظم از مشارکت‌ها و تکنیک‌های حل مسئله که در ارتباط با ایجاد امنیت عمومی مانند جرم، بی‌نظمی اجتماعی و ترس از جرم است صورت گیرد. برای مشارکت جوامع مرزی و تقویت BSM باید امنیت شهروندان مهم‌ترین عامل در نظر گرفته شود و خدمات مرزی در سطح ملی براساس گفت و گو همه جانبه و با وجود تمامی ذی‌نفعان از طریق یک رویکرد مشارکتی جهت بهبود مدیریت امنیت مرزها صورت گیرد. پلیس اجتماع مرزی، یعنی همکاری بین مقامات ملی BSM و یک جامعه مرزی تلاش‌هایی که مبتنی بر مشارکت و همکاری بین خدمات مرزی و جوامع مرزی است به گونه‌ای که منجر به شناسایی و حل مشکلات به صورت مؤثرتر می‌گردد و می‌تواند تهدیدات فراملی و به طور کلی تروریسم و جرم‌های سازمان یافته مرزی به خصوص مواردی که مرتبط با امنیت عمومی و اجتماعی هستند را مورد شناسایی قرار دهد. پلیس اجتماع مرزی با محوریت مرزها، رویکردهای استراتژیک پلیس مرزی را در پی می‌گیرد و در یک مشارکت فعال می‌تواند رهبری غیررسمی جامعه را برای جلوگیری از وقوع جرم مرزی و ایجاد مالکیت بر چالش‌های منطقه بر عهده گیرد. دسترسی بهتر به خدمات دولتی و اجتماعی توسط جوامع مرزی به ویژه در مناطق دور افتاده یک مزیت گسترده برای پلیس سازی مرزی محسوب می‌گردد. وقتی مرز به عنوان بخشی از ساختار امنیتی محلی یا ملی در نظر گرفته نمی‌شود و اعتماد به نفس لازم را برای ارائه دهندگان ایجاد نمی‌کند می‌تواند منجر به افزایش جنایات سازمان یافته مرزی با شوک‌های اقتصادی همراه

گردد. مشارکت جوامع مرزی در چارچوب سیاست‌های امنیتی گسترده می‌تواند شامل دسترسی به امنیت کامل و همه جانبه باشد. از سویی دیگر استخدام نیروهای گشت مرزی از جمعیت محلی سبب درک عمیق‌تر از محیط محلی، فرهنگ، زبان‌ها و جغرافیا شده است که می‌تواند در ارائه اطلاعات گسترده از یک منطقه مؤثر باشد.

نمودار ۱: عوامل مؤثر بر مدیریت فرهنگی-اجتماعی مناطق مرزی



۴-۲-۱- عوامل مؤثر بر مدیریت سیاسی-حکومتی

۱- مدیریت یکپارچه مرزی: ممکن است دولت‌ها بخواهند همکاری نزدیک‌تری بین اصول حکومتی خود و فرایند مهاجرت ایجاد نمایند بنابراین از مدیریت یکپارچه مرزی IBM که به عنوان مدیریت هماهنگ مرزها به عنوان سازمان جهانی گمرک از آن یاد می‌شود. IBM با برقراری همکاری نزدیک در سطح بین‌المللی، بین سازمانی و منطقه‌ای به دنبال به حداقل رساندن تکثیر و به حداکثر رساندن استفاده کارآمد و مؤثر از منابع در پست‌های مرزی است. مدلی که از موفقیت‌های زیادی برخوردار بوده و از سویی دیگر سبب بهبود چشمگیری در همکاری‌ها و اثربخشی مدت زمان مدیریت و کنترل مرزها شده است (IOM, ۲۰۱۷).

۲- مدیریت حقوقی-نهادی: برای به حداکثر رساندن پشتیبانی سیاسی محلی از مرزهای بین‌المللی و برنامه‌های مدیریتی مرتبط با این امر باید کلیه ذی‌نفعان در منطقه از جمله دولت‌های مربوطه در کنفرانس‌های سالانه‌ای که مربوط به ابتکارات مرزی و روندهای مرتبط با این امر است گرد هم آیند. کمیسیون‌های بین‌وزیران و کارگروه‌هایی که بین چند کشور ایجاد شده است قادر هستند تا تصمیم‌گیری‌های لازم را در ارتباط با اصلاحات قانونگذاری و نظارتی داشته باشند و روند مدیریت مرزی را بهبود بخشند.

۳- تضعیف انگیزه‌ها از طریق تغییر در سیاست‌ها: غیرمستقیم‌ترین روش کنترل و مدیریت مرزها سیاست‌هایی است که به دنبال کاهش و تضعیف انگیزه‌ها و دلایلی هستند که مردم را مایل به عبور از مرزهای غیرقانونی می‌نماید. برای این کار کشورها نیازمند توسعه یک استراتژی بلندمدت می‌باشند که توسط موسسات کمک‌کننده دنبال می‌شود اما می‌تواند چنین امری به عنوان یک سیاست دفاعی مرزی شناخته شود. به همین ترتیب حمایت از تغییرات سیاسی و دموکراتیزه کردن، سرکوب و ممانعت از خشونت بین جمعی راهکاری‌های دیگر برای جلوگیری از پناهجویان و پناهندگان می‌باشد. نتیجه این چنین سیاستی می‌تواند هماهنگی و ادغام بیشتر را برای تقویت مدیریت مرزی در حوزه سیاسی به دنبال داشته باشد (Marenin, ۲۰۱۰: ۴۸).

۴- **مدیریت گمرکی:** سیاست‌های گمرکی جریان کالا را به داخل و خارج از کشور تنظیم می‌کند. این کالاها شامل وسایل شخصی، محموله، حیوانات، محصولات کشاورزی و ... می‌شود. این سیاست‌های گمرکی باید تعیین نماید که چه نوع کالاهایی برای عبور از مرز محدود و یا ممنوع شود. شرایطی که ممکن است تحت آن مواد خطرناک یا بالقوه خطرناک به یک کشور وارد شود باید تعیین شود که چه تعرفه‌های وارداتی، صادراتی، عوارض و مالیاتی بر کالاها پرداخت شود.

۵- **مدیریت سازمانی:** ساختار سازمانی یک سیستم مدیریت مرزی تأثیر زیادی بر آن دارد. سه کارکرد اصلی در مرزها وجود دارد: آداب و رسوم، مهاجرت، پلیس و نظارت. این عملکردها توسط آژانس‌های مستقل قابل اجرا هستند. کلید اصلی سیستم‌های مدیریت موفقیت آمیز مرزی سازمان‌های مسول هستند که در درون خود چگونه کار می‌کنند و سازمان‌ها خود (هماهنگی عمودی) تا چه حد می‌توانند با هم کار و هماهنگی با سازمان‌های افقی داشته باشند. برای تحقق این امر لازم است بالاترین سطح خواه در یک فرد منفرد یا یک کمیته حاکم برای تصمیم‌گیری نهایی در مورد دکتین، سیاست‌ها، بودجه و اولویت‌های منابع و همچنین حل تعارضات و صلاحیت مسائل سیستم‌های مدیریت مرزی را برعهده گیرد.

۶- **بانک‌های اطلاعاتی مشترک:** جهت موفقیت در ارائه خدمات مرزی و ایجاد هماهنگی و همکاری باید به تبادل اطلاعات دقیق بین پلیس و سطح جامعه پرداخت. زیرا تبادل اطلاعات می‌تواند همکاری بین مقامات پلیس و خدمات گمرکی را تسهیل نماید. بسیاری از بانک‌های اطلاعاتی مورد استفاده موسساتی هستند که در سیستم‌های اطلاعاتی وزارت کشور و وزارت دارایی دارای اطلاعاتی می‌باشند. اطلاعات به اشتراک گذاشته شده عمدتاً مربوط به حوادث، موارد مورد تحقیق و اطلاعات خاص است. اطلاعات مهاجرتی، جرم‌های سازمان یافته مرزی باید به صورت دوره‌ای و روزانه یا ماهانه از طریق تحلیل ریسک یا گزارش‌های اطلاعاتی بین آژانس‌های مشترک و بانک‌ها تبادل گردد. مبادله مداوم از طریق بانک‌های اطلاعاتی مشترک بستگی به توافقنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه بین آژانس‌های مرزی ایالتی و سازگاری آن با استانداردهای فنی در سطح منطقه‌ای و محلی دارد. در سطح عملیاتی جلسات مشترک باید به صورت ایده آل برگزار شود و با توجه به حجم کار مباحث مربوطه مورد بحث قرار گیرد. مسوولین مرزی باید جلسات غیررسمی هفتگی و همچنین رسمی را ماهی یک بار برگزار نمایند. علاوه بر این ایجاد یک سیستم تبادل اطلاعات مؤثر برای اتصال مرزهای اجتماعات یک عنصر مهم و حائز اهمیت BSM است. کمپین‌های آگاهی‌رسانی عمومی می‌تواند هوشیاری و آگاهی جوامع مرزی را نسبت به تهدیدات احتمالی از طریق گروه‌های تروریستی فراهم آورد.

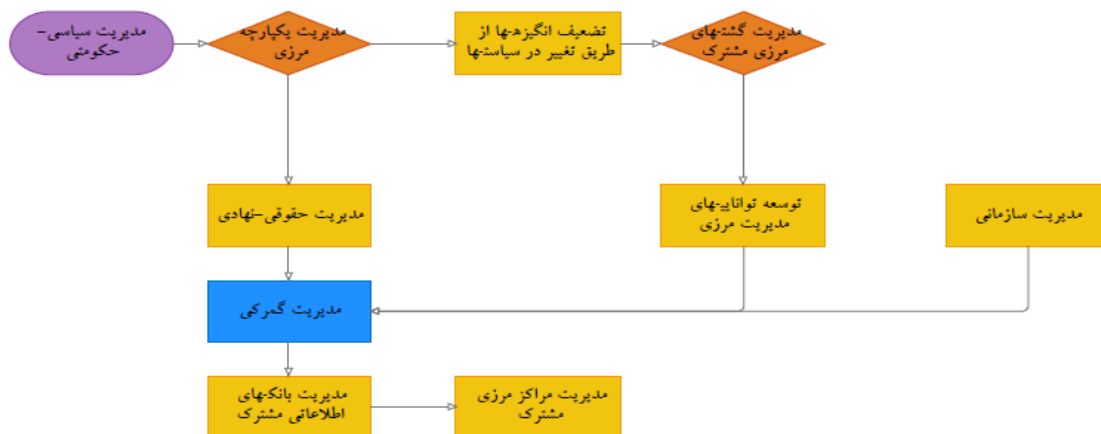
۷- **مراکز مرزی مشترک:** سیستم‌های کارآمد BSM به دنبال اشکال جدید برای تقویت همکاری‌های مرزی هستند. مراکز همکاری مشترک سبب ایجاد ارتباط، هماهنگی و همکاری بین خدمات مرزی همسایه و مرتبط با سازمان‌های اجرای قانون در داخل کشور می‌گردد که می‌تواند به عنوان عاملی اصلی در پیشگیری از تهدیدات فراملی و مبارزه با جرایم مرزی مؤثر باشند. مرکز همکاری مشترک BCC ابزار ارزشمندی در روند همکاری مستقیم مرزی با توجه به تحولات اخیر و آینده به ویژه در مورد مبادله اطلاعات موقعیت‌هایی از جمله وقایع استراتژی برای مشاهده جرم بین المللی هستند. BCC می‌تواند میزبان نمایندگان مختلفی از چندین آژانس مرتبط در داخل کشور باشد. به عنوان مثال مرزبانان، پلیس مرزی، خدمات گمرکی، گارد ساحلی، پلیس، سوریس مهاجرت و در این سیستم با همتایان خود در سراسر نواحی مرزی می‌تواند به ایجاد اعتماد متقابل در به اشتراک‌گذاری اطلاعات در سطح منطقه از طریق برنامه‌های آموزشی مشترک کمک نماید. توافق‌های دوجانبه یا چندجانبه برای ایجاد BCC به عنوان مراکز همکاری مشترک می‌تواند مشارکت عملیاتی مانند نظارت و تعقیب مجاز، عملیات مشترک پلیس مانند گشت‌های مشترک و گشت‌های هماهنگ، اشتراک اطلاعات، پشتیبانی پرسنلی مرز را در برگیرد (UNSCR, ۲۰۱۴: ۲۱).

۸- **گشت‌های مرزی مشترک:** هماهنگی فعالیت‌های نظارت مرزی بین کشورهای همسایه در راستای همبستگی قوانین ملی و براساس توافقنامه‌های متقابل برای همکاری مؤثر بین مرزی بسیار مهم است. گشت‌های مشترک بیم‌های گشت مرزی هستند که از دو یا چند مقام مرزی تشکیل شده‌اند و در برگیرنده پلیس، مرزبانان، خدمات گمرکی و گارد ساحلی هستند که

در راستای قانون اساسی و قوانین ملی عمل می‌نمایند. گشت زنی هماهنگ بدان معنا است که واحدهای گشت زنی مرزی از یک کشور منافع و تعهدات قانونی هر دو کشور را در نظر بگیرند. گشت‌ها باید به طور متناوب در توافق بین مرز دولتی در هر ایالت اتفاق بیوفند زیرا این عامل می‌تواند در ایجاد اعتماد و توسعه همکاری‌های مرزی بین مقامات اجرا کننده قانون نقش بسزایی داشته باشد. تمرین‌های عملیاتی مشترک باید با چند نماینده و مشارکت آژانس‌های مرزی مربوطه از کشورهای داخل یک منطقه مطابق با موضوع همکاری صورت گیرد. این تمرینات می‌تواند شامل بخش‌های مختلفی از استراتژی‌های مدیریتی در سطح ملی و منطقه‌ای باشد. علاوه بر این تمرینات می‌تواند مشاوره در مدیریت حادثه، آموزش فرماندهی حادثه برای فعالیت دو طرفه و منطقه‌ای، برنامه‌های اجرای امنیت مرزی در انجام عملیات تاکتیکی باشد.

۹- توسعه توانایی‌های مدیریت مرزی: باتوجه به ماهیت چند بعدی مدیریت مرزی بدون توجه به دانش قابلیت‌ها و نگرش‌های مناسب نمی‌توان در امر مدیریتی به موفقیت دست یافت. از این رو لازم است تا به نقش توسعه توانایی‌های مدیریتی برای پیشرفت سازمانی و بهبود عملکرد سیاسی-فردی که در ارتباط مستقیم با ذی نفعان و نهادهای ذی ربط هستند توجه بسزایی نمود. بازیگران درگیر باتوجه به میزان مداخله آنها در عملیات تصمیم‌گیری یا مشارکت باید ابعاد حاکمیتی را نیز در نظر گیرند و متناسب با این شرایط اقدامات لازم را انجام دهند. در این خصوص مقامات ملی باید مدیریت مرزی را از طریق دولت مرکزی وزارتخانه‌ها، آژانس‌های ملی و کمیسیون‌ها در نظر گیرند. هدف از این نوع مدیریت سیستمی، ایجاد همکاری بین حاکمیت و جامعه است و نوعی مدیریت جامعه محور محسوب می‌گردد که سبب می‌شود تا مشارکت و ایجاد قابلیت‌های محلی نه تنها در سطح کشور بلکه در سطح جوامع محلی نیز افزایش یابد. بنابراین باید تلاش شود تا مراکز مطالعات مرزی در جهت مدیریت بهینه مرز در سطح مطلوبی از عملکردها قرار گرفته و هماهنگی، کارایی و اثربخشی بالایی در سطح جامعه ایجاد نمایند. بنابراین باید بودجه مناسبی از سوی دولت به دانشکده‌ها، اندیشکده‌ها و سازمان‌های تحقیقاتی در این خصوص تعلق گیرد (Commissioner for Peace and Security, ۲۰۱۷).

نمودار ۲: عوامل موثر بر مدیریت سیاسی-حکومتی مناطق مرزی



۴-۱-۳ عوامل موثر بر مدیریت اقتصادی

۱- راهروهای تجاری: همکاری پیشرفته برای مقابله با تهدیدات امنیتی فراملی از طریق ایجاد راهروهای تجاری جهت توسعه اقتصادی همه‌جانبه امری حیاتی می‌باشد. بنابراین کشورهای مرزی برای مدیریت در این بخش باید قادر به راه اندازی رژیم‌های جدید تجاری و گمرکی در مرزها باشند که قادر باشد گردش قانونی کالا و مردم را تسهیل نماید. برای رسیدن به این هدف باید کریدورهای تجاری گسترش یابد و یا به احداث و نوسازی گذرگاه‌های مرزی در طول مسیرها و همچنین تامین تجهیزات مناسب و ارائه آموزش به کلیه آژانس‌های مرزی حاضر پرداخته شود. این امر به توسعه تجارت و ترازیت قانونی کمک خواهد کرد. به عنوان مثال پیمان ابوجا (۱۹۹۱) چشم انداز بلند مدتی را برای ادغام قاره‌ای در چارچوب هنجاری و

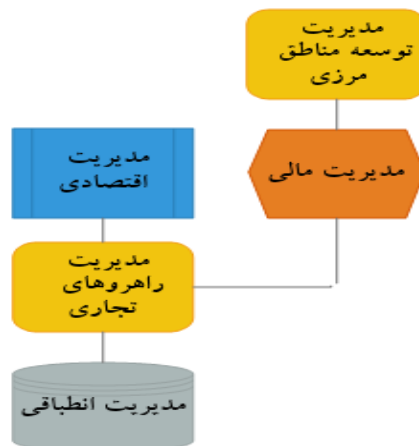
نهادی اقتصاد آفریقا ایجاد نموده است. جهت تقویت تجارت در این قاره AU در مورد ایجاد منطقه تجارت آزاد قاره‌ای CFTA که منجر به ایجاد بازار قاره‌ای واحد برای کالاها و خدمات با حرکت آزاد افراد تجاری و سرمایه‌گذاری تصمیم‌گیری نمود و توانستند در این زمینه به استانداردهای مشترکی در مرزهای خارجی برسند. بنابراین می‌توان از این طریق به سازمان‌های یکپارچه اقتصادی رسید و تا حدودی از تنش‌های نواحی مرزی که اغلب ناشی از ناتوانی و ضعف اقتصادی است کاست.

۲- مدیریت انطباقی: مدیریت در همکاری‌های مرزی مبتنی بر مدیریت انطباق CACY توسط اکثر قریب به اتفاق تجارت-های قانونی شناخته شده است و از این رو به رسمیت شناخته می‌شود. ترتیبات مشارکت قابل اعتماد سبب بهبود کنترل نظارتی می‌گردد. مدیریت جامعه تطابق اهدافی را دنبال می‌کند که مسافری و محموله‌ها را برای مداخله در کانون توجه قرار می‌دهد و منافع ملموس را به مشتریان متعلق می‌داند. مدیریت همکاری انطباقی در نواحی مرزی سبب بهبود شبکه‌های بین دولتی و بین سازمانی می‌شود و سبب می‌گردد تا مطابق با استانداردهای مشترک و توافق شده همکاری اقتصادی داشته باشند. ثبات اطلاعات در سازمان‌های مدیریت مرزی این امکانات را فراهم می‌آورد تا کشورهای همسایه بتوانند از اطلاعات مناسب در راستای اهداف اقتصادی بهره‌مند شده و در زمینه تبادلات مرزی به صورت اثربخش‌تر و سازگارتری عمل نمایند. بدین صورت که این مدیریت همکاری مرزی سبب دسترسی به اطلاعات در اولین نقطه در زنجیره حمل و نقل و تامین آن می‌گردد و می‌تواند سازمان‌های مدیریت مرزی را درگیر نماید (Doyle, ۲۰۱۷: ۳۱).

۳- مدیریت مالی: در جهت توسعه مناطق مرزی باید چارچوبی برای تصویب و نظارت بر مدیریت مالی دقیق از طریق تصویب قوانین مناسب به صورت یک برنامه مالی میان مدت (۱۰ساله) برای تعیین مخارج و درآمدها و انجام ممیزی منظم ایجاد گردد. اتخاذ این رویکرد مبتنی بر نتیجه از یک مکانسیم نظارتی قوی می‌باشد که می‌تواند یک تغییر مهم برای تبدیل نقاط عطف قابل نظارت بر نتایج ناشی از عملکرد هزینه‌گرایی باشد. سند این چارچوب اجرای بهتر برنامه‌هایی که مطابق با نیازهای مردم نواحی مرزی هستند باید تدوین شود. به عنوان مثال وزارت مسکن کاهش فقر شهری را مد نظر قرار داده است و هدف آن کاهش خانوارهای خانگی در زاغه‌ها و توسعه شهری است. بنابراین درصدد بهبود سیستم حمل و نقل عمومی بر می‌آید. این سیستم قوی نظارتی بر اجرای برنامه همچنین مستلزم مشاوره‌های مکرر با همه ذی‌نفعان اعم از نمایندگان منتخب، گروه‌های شهروندی، جوامع مدنی و کارشناسان است. باید در این چارچوب مشخص گردد که بازخورد برنامه‌ها متعلق به چه کسی و برای چه کسی و توسط چه کسی ساخته می‌شود.

۴- توسعه مناطق مرزی: فقدان فرصت‌های اقتصادی باعث می‌شود که جمعیت مرزی مستعد فعالیت‌های غیرقانونی باشد از جمله مواد مخدر و قاچاق کالا. علاوه بر این عدم وجود زیرساخت‌های مناسب باعث می‌شود تا دسترسی به مناطق مرزی به دشواری صورت گیرد. به عنوان یک راه حل برای مقابله با این مسائل دولت باید برنامه توسعه منطقه مرزی BADP را جهت تسهیل در تهیه موارد مورد نیاز از جمله زیرساخت‌های اقتصادی و برقراری امنیت جهت از بین بردن حس بیگانگی و دوری از مرکز برای جمعیت ساکن در نواحی مرزی ایجاد نماید. طرح‌های BADP شامل ایجاد مراکز اجتماعی، بازارها، دستگاه‌های سیار، حفظ کشاورزی و جنگلداری و ... است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت مرزی تأثیرگذار است (CHENOY, ۲۰۱۸: ۱۷).

نمودار ۳: عوامل موثر بر مدیریت اقتصادی مناطق مرزی



۴-۱-۴ عوامل موثر بر مدیریت فناوری-امنیتی

۱- پلیس مرزی: پلیس مرزی با هدف جلوگیری از ورود غیرقانونی و تقویت امنیت ملی در کشورها و بین گذرگاه‌های ورودی جهت کنترل افراد و کالاها در مرزهای یک کشور ایجاد می‌گردد. به طور کلی این افراد به عنوان سیستم‌های امنیتی مرزی برای ممنوعیت از حرکت‌های مشکوک می‌باشند. این سیاست باید اهداف امنیتی را برای پلیس مرزی در ارتباط با تهدیدات و نقش حقوق بشر مشخص، اجرا و نظارت نماید. در دور زدن درگاه‌های رسمی ورودی به یک کشور توسط جنایتکاران فراملی، شورشیان و تروریست‌ها پلیس مرزی می‌تواند از نقش مهمی برخوردار باشد.

۲- سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت مرزی: استفاده از سیستم اطلاعات مدیریت مرزی (BMIS) به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا به جمع آوری، پردازش، ذخیره و تجزیه و تحلیل اطلاعات مورد نظر در ارتباط با ورود و عزیمت مهاجران و پناهجویان بپردازند. در حالت ایده آل در زمان واقعی، به مقامات مرزی اجازه می‌دهد تصویری دقیق از حرکات مرزی و توانایی ایجاد پروفایل‌های ریسک مسافرتی مبتنی بر شواهد را فراهم می‌آورد. در طولانی مدت داده‌های جمع آوری شده توسط BMIS می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد برای آگاهی از سیاست‌های مدیریت مهاجرت، بهبود ظرفیت‌های دولت برای برنامه-ریزی و تهیه BMIS همچنین ممکن است برای بهبود امنیت مرز استفاده شود. با اتصال به لیست‌های هشدار INTERPOL شناسایی هر دو فرد مضمون امکان پذیر می‌گردد. امنیت در جایی که چنین سیستم کامپیوتری وجود داشته باشد می‌تواند علاوه بر ایجاد اعلان‌های اطلاعات پیشرفته مسافر API در فرودگاه‌های بین المللی به عنوان یک مکانیسم هماهنگ کننده نیز شناخته گردد (IOM, ۲۰۱۷).

۳- بهره گیری از مدیریت فناورانه: با استفاده از آخرین اطلاعات موجود در ارتباط با فناوری تشخیصی، تجزیه و تحلیل و ارتباطات می‌توان کنترل مرز را افزایش داد. دولت‌ها به خوبی می‌دانند که اگر از دانش برخوردار باشند توانایی بهتری جهت کنترل مردم و مرزها خواهند داشت. استفاده از شبکه‌های وب شیوه‌ای جدید از فناوری مرزی است. امروزه بخش عمده‌ای از تلاش‌ها برای مدیریت مرزها به وسایل تکنولوژیکی تغییر یافته است. استفاده از گذرنامه‌های بیومتریک و سایر مدارک سریع ورود، اطلاعات در زمان واقعی را هنگام صدور گذرنامه از طریق اسکن عنبیه چشم ایجاد می‌نماید. اطلاعات جمع آوری شده برای شناسایی و همچنین ادغام پایگاه‌های داده به سیستم‌های مورد نظر منتقل می‌شوند. توسعه سخت افزاری تحلیل ریسک اطلاعات اشتراکی یکپارچه را افزایش می‌دهد (Boriboornrat, ۲۰۱۳: ۹).

۴- بهره گیری از رادارهای مراقبتی: از جمله دیگر فناوری‌هایی که می‌تواند در کنترل و مدیریت مرزهای کشور مورد استفاده قرار بگیرد می‌تواند به رادارها اشاره کرد. رادارهای مراقبتی از نوع سیستم‌های نظارتی محسوب می‌شوند که به صورت آن لاین از سیستم‌های تاکتیکی و سنسورهای تشکیل شده‌اند که از قابلیت واکنش سریع و طبقه بندی دقیق و همچنین ارتباط برتر شامل BBS، هماهنگی مهارت‌ها جهت انجام ماموریت‌های فوری برخوردار هستند (Marenin, ۲۰۱۰: ۵). به

عنوان نمونه می‌توان به سرمایه‌گذاری ۲.۲ میلیارد دلاری ایالات متحده آمریکا جهت افزایش نظارت بر مرزها از طریق افزایش سیستم‌های نظارتی مانند دوربین‌ها، رادارها، سنسورها و ... اشاره کرد. این عوامل در ارتباط با یکدیگر به عنوان عاملی نرم افزاری در جهت ایجاد تصویرسازی عملیاتی به صورت تک بعدی و چند بعدی عمل می‌نمایند و اطلاعات مناسب و قابل اعتمادی را برای گشت‌های مرزی با استفاده از سیستم CBP فراهم می‌آورند. همچنین این سیستم یک پلت فرم برای ادغام رادارها با توجه به وجود سنسورهای موجود فراهم می‌آورد که می‌تواند به عنوان عاملی حفاظتی در مسیرهای متنوع مرزی به بهبود کنترل مرزها کمک نماید. این رادار با نام تجاری رادار تاکتیکی هوایی شناخته شود که تصاویر الکترونیکی آن به صورت بهینه و یا به صورت مادون قرمز ثبت و ضبط می‌شود (Bier, ۲۰۱۸: ۴).

۵- بهره‌گیری از شبکه حسگر بی‌سیم: پیشرفت‌های اخیر در زمینه الکترونیک و مخابرات بیسیم، توانایی طراحی و ساخت حسگرهایی با توان مصرفی پایین، اندازه کوچک، قیمت مناسب و کاربردهای گوناگون را بوجود آورده است. این حسگرهای کوچک که توانایی انجام اعمالی چون دریافت اطلاعات مختلف محیطی بر اساس نوع حسگر، پردازش و ارسال آن اطلاعات را دارند، موجب پیدایش ایده‌ای برای ایجاد و گسترش شبکه‌هایی موسوم به شبکه‌های حسگر بیسیم شده‌اند. این شبکه‌ها که کنترل با اطمینان بالا از راه دور را فراهم می‌کنند، اساساً شبکه‌های جمع‌آوری داده هستند و کاربر نهایی نیازمند توصیف سطح بالا از محیطی است که حسگرها در آن قرار دارند (Hatime, ۲۰۰۹: ۹۵۵). شبکه‌های حسگر بیسیم یکی از جدیدترین تکنولوژی‌های ساخته شده تا امروز است که با استفاده از این شبکه می‌توان بطور مداوم و به ویژه در شرایط خاص بعنوان مثال مرزهای کشور در طول منطقه کوهستانی صعب العبور یا منطقه عملیاتی را مورد مانیتورینگ قرار داد. همچنین از آنجایی که نیروی انسانی همواره به طور ۱۰۰ درصد قادر به کنترل تمام مرزها نیست و خطاهای ناشی از او همیشه محتمل است، بنابراین استفاده از این گونه شبکه‌ها بسیار احساس می‌شود. لازم بذکر است این سیستم حتی می‌تواند مسیر حرکت را به طور واضح و دقیق برای نشان دهد و ما از وجود مسیر حرکت بعدی اطلاع حاصل کنیم و تصمیم‌گیری لازم را به عمل آوریم. ویژگی‌های این طرح عبارت است از: تشخیص و تعیین نوع جسم حرکت کننده، تشخیص مسیر حرکت شی و پیش بینی مسیر حرکت بعدی، استتار بسیار عالی در محیط (کتاب هنر جنگ: اگر می‌خواهی دیده نشوی جلو چشم باش)، نبود نیروی انسانی در محیط و مشکلاتی مانند اسیر شدن و تلفات ناشی از زیر نظر داشتن و هزینه کم در مقایسه با سیستم‌های نظارتی دیگر (جان‌پرور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

۶- رادار PTR: یکی از انواع رادارهای کنترلی رادار PTR است. این نوع رادار دارای روزولوشن پیشرفته برای کنترل و حفاظت فناوری زمینی است که سبب افزایش نظارت محیطی از طریق افزایش بهینه سازی سیستم برای تشخیص عوامل انسانی به کار برده می‌شود. این نوع رادار دارای وزن سبکی است و از قابلیت جمله در محیط‌های مجاور برخوردار است. از سویی دیگر این نوع رادار با توجه چابکی استفاده از آن برای برقراری امنیت مرزی از طریق افراد مستقر در گشت‌ها مرزی مورد استفاده و بهره برداری قرار می‌گیرد. که می‌تواند توسط تلفن همراه و یا در یک کوله پشتی ویژه با پایه تلفن و باتری‌های مرتبط با آن به کار گرفته شود. اطلاعات حاصل از این نوع رادار در برگیرنده وسایل نقلیه، حیوانات، انسان می‌باشد که به صورت میکرو داپلر به تجزیه و تحلیل با روش اسپیکترومتر می‌پردازد و می‌تواند در تمامی مناطق با هر نوع آب و هوایی به کار گرفته شود (Border Security Report, ۲۰۱۸: ۹).

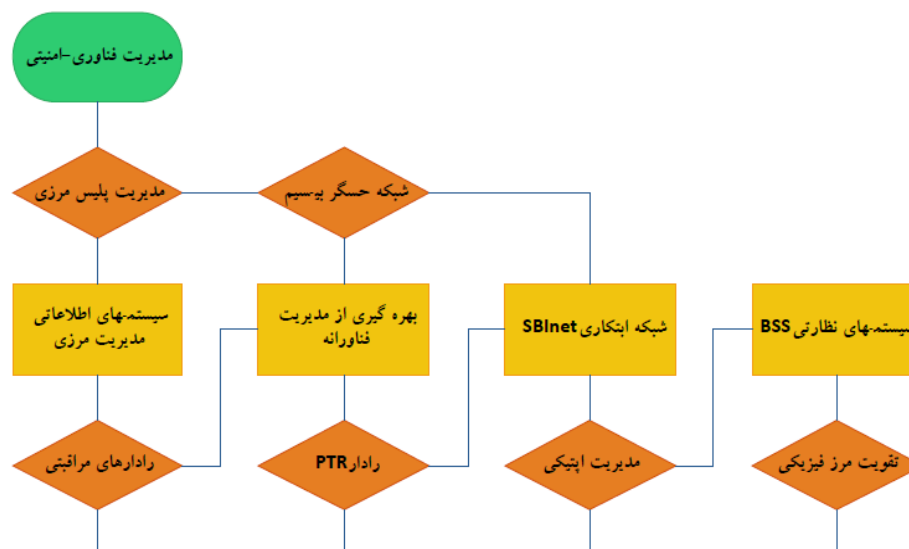
۷- شبکه ابتکاری SBInet: در سال ۲۰۱۰ با هزینه‌ای حدود ۱ میلیارد دلار در فاصله ۵۳ مایلی از مرز آریزونا با مکزیک مستقر شده است. در ژانویه ۲۰۱۱ ارزیابی‌های داخلی و خارجی نگرانی‌هایی را در ارتباط با عملکرد، هزینه و برنامه‌های اجرایی این سیستم به وجود آورد. بنابراین طرح فناوری نظارتی مبتنی بر استقرار فناوری در طول مرزهای آریزونا با طرح دیگری تحت عنوان طرح ATP صورت گرفت. این طرح متشکل از سیستم‌های راداری، سنسورها، فناوری تلفن همراه و ... است (U.S. Customs and Border Protection, ۲۰۱۴: ۸). در واقع این طرح شامل برنامه‌هایی برای گسترش فناوری نظارت بر سرزمین‌های فراتر از آریزونا است (Bier, ۲۰۱۸: ۵) که تمامی مرزهای جنوب غربی در تگزاس و کالیفرنیا را

پوشش می‌دهد. این طرح دارای دو هدف است. هدف اول امنیت میهن و سپس آنالیز شرایط محیطی با استفاده از تکنولوژی راداری در مرزهای جنوب غرب. با این حال سیستم می‌تواند برای گشت‌ها شهری از قابلیت پایینی برخوردار باشد و امکان جابجایی قاچاقچیان مواد مخدر با توجه به آمیختگی با سایر شرایط محیطی سبب ضعف در عملکرد این سیستم گردد (Fisher, ۲۰۱۲: ۵).

۸- سیستم‌های نظارتی BSS: ترکیبی از فناوری‌های طراحی شده در راستای قوانین ایالات متحده آمریکا برای کشف، شناسایی و دستگیری افراد و قاچاقچیان مواد مخدر و مهاجران غیرقانونی به ایالات متحده تدوین شده است. ورودی این سیستم در یک مکان خاص مرزی قرار دارد که می‌تواند در امتداد مرز فیلم‌های هوایی، رادارهای زمینی، رادارهای دریایی، قابلیت فیلم برداری در شب، سنسورهای زمینی، فرکانس رادیویی، سنسورهای لرزه‌ای، سنسورهای تصویر برداری، دستگاه‌های تشخیص صوتی به کار گرفته شود.

۹- مدیریت اپتیکی: با توجه به پیشرفت علم و فناوری نمی‌توان از ماموران گشت مرزی انتظار داشت که به صورت مداوم به کنترل مرز بپردازند. بلکه امروزه از سنسورهای فیبر نوری که روشی کم هزینه محسوب می‌شود برای نظارت بر مرز استفاده می‌گردد. این سنسورها امکان شناسایی نظارت را در مسافت‌های طولانی برای ماموران مرزی فراهم می‌آورند که تجزیه و تحلیل سیگنال‌های برگشت یافته توسط یک پالس نوری صورت می‌گیرد (Taylor, ۱۹۹۳: ۸۵). در حال حاضر فناوری‌های بی شماری برای نظارت بر مرزهای طولانی مانند سنسورهای لرزه‌ای وجود دارد. با این حال به علت نصب در زمین امکان رویت آن توسط مهاجمین وجود دارد که سبب پیچیدگی این مورد شده است. اما مهم‌ترین مزیت این وسایل نظارت بر محیط به صورت همه جانبه است که با استفاده از فیبر تا صدها کیلومتر امتداد امکان دستکاری در این نوع سیستم وجود ندارد که آن را برای مرزهای طولانی برای پردازش سیگنال‌ها با توجه به مکان‌های ترمینال و با هشدارهایی که از طریق هرگونه دسترسی به یک مرکز فرمان از راه دور وجود دارد مستعد می‌سازد (Snider, ۲۰۱۰: ۳). در واقع این کابل‌ها جایگزین مناسبی برای نرده‌های مرزی محسوب می‌شوند که می‌توانند به صورت فوری و سریع کسی یا چیزی را که از آن عبور نمود مورد شناسایی قرار دهند. از دیگر قابلیت‌های آن نصب ارزان و نگهداری راحت است (Burkhalter, ۲۰۱۰).

نمودار ۴: عوامل موثر بر مدیریت فناوری-امنیتی مناطق مرزی



۴-۲- یافته‌های میدانی

داده‌های مورد نیازی که از طریق پرسشنامه بدست آمده است بدین شرح می‌باشد: ماتریسی در ابعاد ۲۸*۲۸ تنظیم شده است. درجه پرشدگی ماتریس برابر با ۸۷.۱۱۷۳۵٪ می‌باشد که نشان‌دهنده تأثیر عوامل مختلف انتخاب شده بر روی یکدیگر می‌باشد. از مجموع ۶۸۳ رابطه مورد ارزیابی در این ماتریس تعداد ۱۰۱ رابطه عددشان صفر بوده که نشان دهنده عدم تأثیرگذاری بین متغیرهاست، ۹۵ رابطه عدد یک که نشان دهنده تأثیرگذاری بسیار کم، ۹۷ رابطه عدد دو نشان دهنده تأثیرگذاری و تأثیرپذیر متوسط و ۴۹۱ رابطه عدد سه بوده که نشان دهنده تأثیرگذاری و رابطه بسیار زیاد بین متغیرها است.

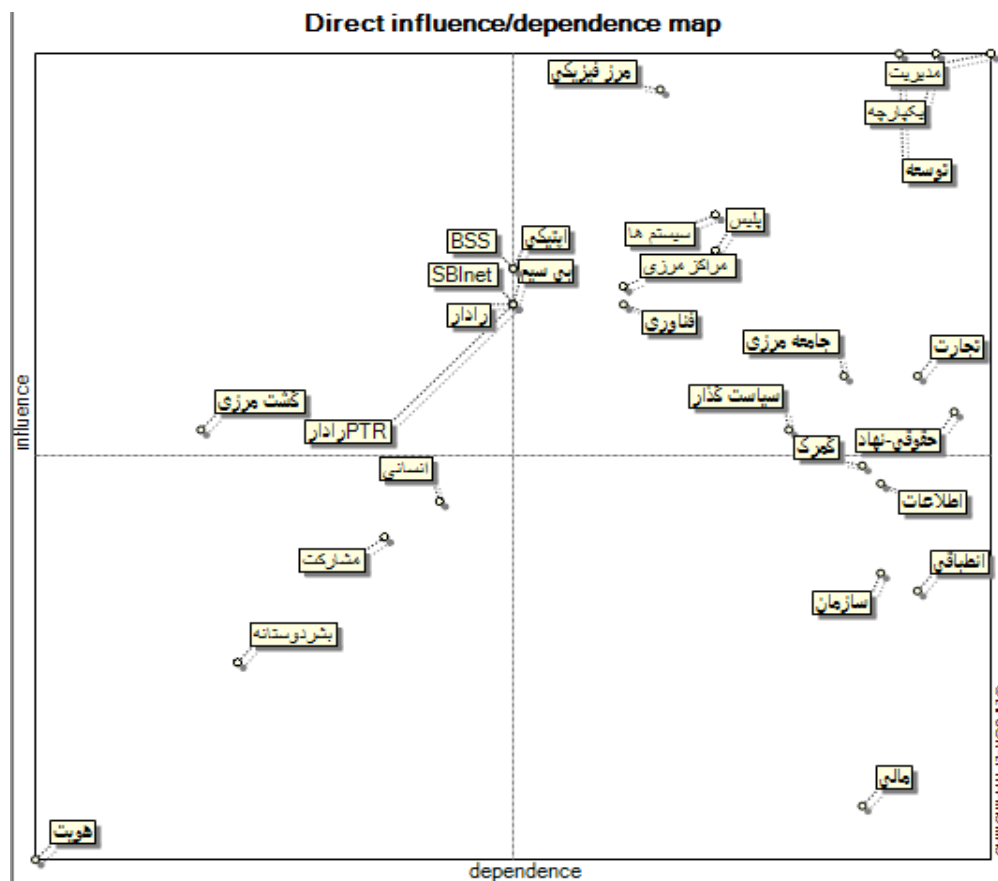
جدول ۱: تحلیل اولیه داده‌های ماتریس و تأثیرات متقابل

مقدار	شاخص
۲۸	سایز ماتریس
۲	تعداد تکرار
۱۰۱	تعداد صفر
۹۵	تعداد یک
۹۷	تعداد دو
۴۹۱	تعداد سه
۰	تعداد P
۶۸۳	کل
۸۷.۱۱۷۳۵٪	پرشدگی

نرم‌افزار میک مک یکی از بهترین نرم‌افزارهایی است که برای محاسبات ماتریس تحلیل ایرات متقاطع، طراحی شده است؛ روش این نرم‌افزار بدینگونه است که ابتدا متغیرها و مؤلفه‌های مهم در حوزه مورد نظر را شناسایی کرده و آنها را در ماتریس اثرات وارد نموده و سپس میزان ارتباط میان این متغیرها با هم به وسیله خبرگان تشخیص داده می‌شود. متغیرهای موجود در سطرها روی متغیرهای موجود در ستون‌ها تأثیر می‌گذارند؛ بدین ترتیب متغیرهای سطرها، تأثیرگذار و متغیرهای ستون‌ها، تأثیرپذیر هستند. این ماتریس را می‌توان با نمودار متناظر آن نمایش داد. نحوه پراکنش عوامل روی این نمودار گویای آن است که سیستم در چه وضعیتی قرار دارد. آیا سیستم پایدار است یا ناپایدار؟ این فهم اولیه از وضعیت سیستم بر نحوه تحلیل عوامل تأثیرگذار است. در سیستم‌های پایدار پراکنش عوامل به صورت L است؛ یعنی برخی عوامل دارای تأثیرگذاری و برخی دارای تأثیرپذیری بالا هستند؛ بنابراین در سیستم‌های پایدار در مجموع سه دسته عوامل تأثیرگذار، عوامل تأثیر پذیر و عوامل مستقل مشاهده می‌شود. در مقابل، در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر از سیستم‌های پایدار است. در این سیستم‌ها عوامل حول محور قطری بردار و در تمامی صفحه پراکنده‌اند و عوامل در بیشتر مواقع حالتی بینابینی دارند. متغیرها در نرم افزار MICMAC در پنج گروه قابل بررسی هستند که بدین شرح بیان می‌شود:

- متغیرهای تأثیرگذار: این متغیرها بیشتر تأثیرگذار بوده و کمتر تأثیرپذیر می‌باشند. بنابراین سیستم بیشتر به این متغیرها بستگی دارد. این متغیرها در قسمت شمال غربی نمودار نمایش داده می‌شوند.
- متغیرهای دو وجهی: این متغیرها، همزمان به صورت بسیار تأثیرپذیر و بسیار تأثیرگذار عمل می‌کنند. این متغیرها در قسمت شمال شرقی نمودار قرار می‌گیرند.
- متغیرهای تأثیرپذیر یا وابسته: در قسمت جنوب شرقی نمودار می‌باشند و از تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بالایی برخوردار هستند.

- متغیرهای مستقل: این متغیرها بر سایر متغیرها تأثیرگذار نمی‌باشند و همچنین از آنها تأثیر نمی‌پذیرند. این متغیرها در قسمت جنوبی نمودار قرار دارند.
- متغیرهای تنظیمی: این متغیرها در نزدیکی مرکز شکل قرار دارند و اینگونه متغیرها حالت تنظیمی داشته و گهگاه به عنوان اهرم ثانویه عمل می‌کنند.



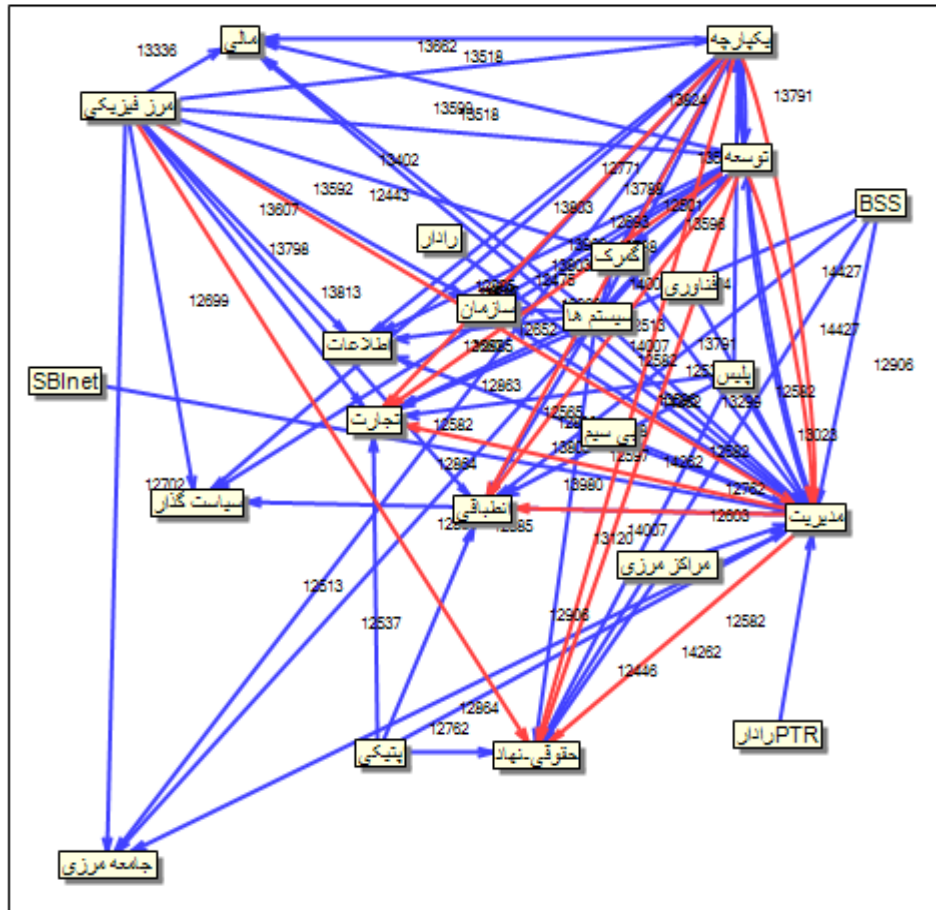
شکل ۱: نقشه پراکندگی متغیرهای مستقل، تأثیرگذار، تأثیرپذیر و دو وجهی

همانگونه که در شکل مشاهده می‌گردد متغیرهایی مانند توسعه مناطق مرزی، توسعه توانایی‌های مدیریت مرزی، مدیریت یکپارچه مرزی، تقویت مرز فیزیکی، راهروهای تجاری، سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت مرزی، پلیس مرزی، بهره‌گیری از مدیریت فناوریانه، مراکز مرزی مشترک، شبکه حسگر بی‌سیم، مدیریت اپتیکی، جامعه مرزی پلیس، تضعیف انگیزه‌ها از طریق تغییر در سیاست‌ها، مدیریت حقوقی- نهادی و مدیریت گمرک دارای بیشترین تأثیرگذاری بر مدیریت مناطق مرزی هستند. متغیرهایی مانند سیستم‌های نظارتی BSS، شبکه ابتکاری SBI net، رادار PTR، رادارهای مراقبتی، مدیریت گشت‌های مرزی مشترک، بیشتر تأثیرگذار و کمتر تأثیر پذیر هستند. متغیرهایی از جمله سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت مرزی، مدیریت انطباقی، مدیریت مالی و مدیریت سازمانی از تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بالایی برخوردار هستند. متغیرهایی از جمله مدیریت منابع انسانی، مدیریت هویتی، مدیریت مرزهای بشردوستانه و مشارکت و تقویت جوامع مرزی به صورت مستقل مطرح شده است.

جدول ۲: تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر

وابستگی غیر مستقیم	شاخص	تأثیر غیر مستقیم	شاخص	وابستگی مستقیم	شاخص	تأثیر مستقیم	شاخص
۴۵۰	توسعه مناطق مرزی	۴۵۰	مدیریت یکپارچه	۴۵۹	توسعه مناطق مرزی	۴۵۹	مدیریت یکپارچه مرزی
۴۴۴	حقوقی-نهاد	۴۵۰	توسعه توانایی‌ها	۴۴۸	حقوقی-نهاد	۴۵۹	توسعه توانایی‌ها
۴۳۶	مدیریت انطباقی	۴۵۰	توسعه مناطق مرزی	۴۴۲	مدیریت یکپارچه مرزی	۴۵۹	توسعه مناطق مرزی
۴۳۵	تجارت	۴۴۴	مرز فیزیکی	۴۳۷	تجارت	۴۴۸	مرز فیزیکی
۴۳۲	مدیریت یکپارچه مرز	۴۱۳	سیستم‌های اطلاعاتی	۴۳۷	مدیریت انطباقی	۴۰۸	سیستم‌های اطلاعاتی
۴۲۹	توسعه توانایی‌ها	۴۰۴	پلیس مرزی	۴۳۱	توسعه توانایی‌ها	۳۹۷	پلیس مرزی
۴۲۸	بانک‌های اطلاعاتی	۴۰۲	BSS	۴۲۵	مدیریت سازمانی	۳۹۱	BSS
۴۲۸	مدیریت سازمانی	۴۰۲	اپتیکی	۴۲۵	بانک‌های اطلاعاتی	۳۹۱	اپتیکی
۴۲۲	گمرک	۳۹۲	مراکز مرزی	۴۱۹	گمرک	۳۸۵	مراکز مرزی
۴۲۰	مالی	۳۹۱	فناوری	۴۱۹	مالی	۳۸۰	فناوری
۴۰۱	جامعه مرزی پلیس	۳۹۱	رادار مراقبتی	۴۱۴	جامعه مرزی پلیس	۳۸۰	رادار مراقبتی
۴۰۰	سیاست گذاری	۳۹۱	شبکه حسگر بی سیم	۳۹۷	سیاست گذاری	۳۸۰	شبکه حسگر بی سیم
۳۶۷	سیستم‌های اطلاعاتی	۳۹۱	رادار PTR	۳۷۴	پلیس	۳۸۰	رادار PTR
۳۶۴	پلیس مرزی	۳۹۱	SBI net	۳۷۴	سیستم‌های اطلاعاتی	۳۸۰	SBI net
۳۴۸	فناوری	۳۵۴	گشت مرزی	۳۵۷	مرز فیزیکی	۳۵۷	جامعه مرزی پلیس
۳۴۸	مرز فیزیکی	۳۵۳	تجارت	۳۴۶	مراکز مرزی	۳۵۷	تجارت
۳۳۵	مراکز مرزی	۳۴۳	حقوقی-نهاد	۳۴۶	فناوری	۳۴۶	حقوقی-نهاد
۳۱۶	رادار مراقبتی	۳۲۹	جامعه مرزی پلیس	۳۱۲	رادار مراقبتی	۳۴۰	سیاست گذاری
۳۱۶	بی سیم	۳۳۴	سیاست گذاری	۳۱۲	شبکه حسگر بی سیم	۳۴۰	گشت مرزی
۳۱۶	رادار PTR	۳۳۲	بانک‌های اطلاعاتی	۳۱۲	رادار PTR	۳۲۹	گمرک
۳۱۶	SBI net	۳۲۴	گمرک	۳۱۲	SBI net	۳۲۳	بانک‌های اطلاعاتی
۳۱۶	BSS	۳۰۱	منابع انسانی	۳۱۲	BSS	۳۱۷	منابع انسانی
۳۱۶	اپتیکی	۲۹۴	مدیریت سازمانی	۳۱۲	اپتیکی	۳۰۶	مشارکت جوامع مرزی
۳۰۰	منابع انسانی	۲۹۰	مشارکت جوامع مرزی	۲۸۹	منابع انسانی	۲۹۵	مدیریت سازمانی
۲۸۱	مشارکت جوامع مرزی	۲۸۳	مدیریت انطباقی	۲۷۲	مشارکت جوامع مرزی	۲۸۹	مدیریت انطباقی
۲۳۲	مرزهای بشردوستانه	۲۶۱	مرزهای بشردوستانه	۲۲۷	مرزهای بشردوستانه	۲۶۶	مرزهای بشردوستانه
۲۲۱	گشت مرزی	۲۱۶	مالی	۲۱۵	گشت مرزی	۲۲۱	مالی
۱۶۹	مدیریت هویتی	۲۰۱	مدیریت هویتی	۱۶۴	مدیریت هویتی	۲۰۴	مدیریت هویتی

Indirect influence graph



- Weakest influences
- Weak influences
- Moderate influences
- Relatively strong influences
- Strongest influences

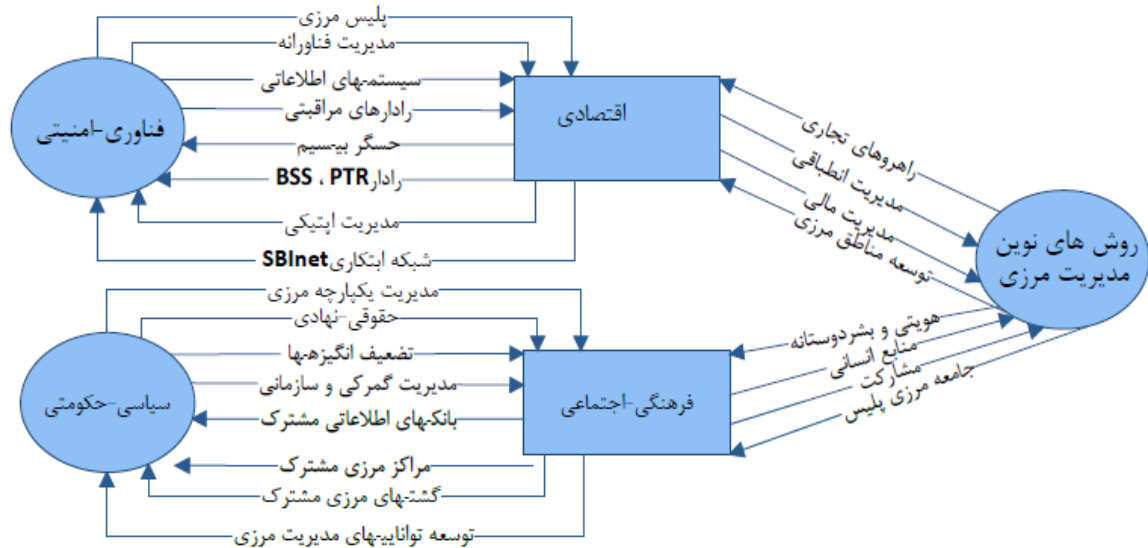
شکل ۲: اثرگذاری غیرمستقیم متغیرها

۵- نتیجه گیری

امروزه برنامه ریزی برای توسعه مناطق در بسیاری از کشورها ضرورت بسیار مهمی یافته است. در این بین نقش و جایگاه مناطق مرزی به عنوان مناطق دارای ظرفیت و پتانسیل‌های بالا از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین می‌توان با داشتن استراتژی‌ها و راهبردهای مناسب با مناطق مرزی کشور مسائل مربوط به توسعه نیافتگی و دستیابی به عدالت اجتماعی را به خوبی فراهم آورد و از این عامل به عنوان یک برنامه‌ای منسجم و صحیح در مناطق مرزی می‌تواند سبب بهبود روابط بین انسان، محیط و فعالیت- بردارد بهره برد. در واقع مدیریت منسجم و صحیح در مناطق مرزی می‌تواند سبب بهبود روابط بین انسان، محیط و فعالیت- های انسانی گردد که از این امکانات در راستای بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماعی می‌توان استفاده نمود. باتوجه به اینکه هر منطقه‌ای دارای سیستم مدیریتی خاص خود می‌باشد مناطق مرزی ایران نیز به علت دارا بودن ویژگی‌های خاص که به صورت گسترده با محیط داخلی و خارجی در ارتباط هستند می‌توانند در زمره نقاط مهم برای تدوین سیستم مدیریت نوین قرار داشته باشند. جهت مدیریت مناطق مرزی از روش‌های نوینی می‌توان استفاده نمود. همانگونه که شاهد هستیم بسیاری از کشورهای پیشرفته از طریق ایجاد کمیسیون‌های مشترک مرزی، اتحادیه‌های اقتصادی، مدیریت یکپارچه مرزی و بهره‌گیری

از سیستم‌های اطلاعاتی نوین و فناوری جدید روش‌های مدیریت مناطق مرزی خود را به روز نموده‌اند. بنابراین می‌توان تا حدودی با شناسایی مولفه‌ها و روش‌های نوینی که متناسب با شرایط کشور و مناطق مرزی است سیستم مدیریت مناطق مرزی را آپدیت نمود. نتایج بدست آمده از تحقیق را می‌توان در چهار بعد اقتصادی (توسعه مناطق مرزی، مدیریت مالی، مدیریت انطباقی، مدیریت راهروهای تجاری)، اجتماعی-فرهنگی (جامعه مرزی پلیس، مشارکت و تقویت جوامع مرزی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت مرزهای بشردوستانه و مدیریت هویتی)، سیاسی-حکومتی (مدیریت گشتهای مرزی مشترک، مراکز مرزی مشترک، بانک‌های اطلاعاتی مشترک، مدیریت سازمانی، مدیریت گمرکی، تضعیف انگیزه‌ها از طریق تغییر در سیاست‌ها، مدیریت حقوقی-نهادی و مدیریت یکپارچه مرزی) و فناوری-امنیتی (اپتیکی، سیستم‌های نظارتی BSS، شبکه ابتکاری SBInet، رادار، شبکه حسگر بیسیم و مدیریت فناورانه، پلیس مرزی، سیستم‌های اطلاعات مرزی) تقسیم بندی نمود. این روش‌های نوین مدیریتی می‌توانند به خوبی راهگشای حل بسیاری از معضلات و مشکلات جوامع مرزی باشد. نتایج نشان می‌دهد که در این روش‌ها متغیرهایی که دارای ظرفیت از پایین به بالا هستند از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند. به عنوان مثال مدیریت یکپارچه مرزی باید با در نظر گرفتن ساکنین نواحی مرزی و با نگاهی از پایین به بالا صورت گیرد. یعنی باید بتوان به خوبی از تمامی ظرفیت‌های موجود در جوامع مرزی بهره برداری نمود و سیاست‌های توسعه مناطق مرزی را در هم راستا با این مولفه‌ها تدوین نمود. از سویی دیگر استفاده از فناوری اطلاعاتی نوین از جمله شبکه حسگرهای بی‌سیم علاوه بر هزینه کم و کاهش خطرات جانی و مالی ساکنین مرزی و نیروهای مرزبانی می‌تواند تا حدود بسیار زیادی به شیوه‌ای نوین از مدیریت مرز تبدیل گردد و به صورت گسترده در مرزهای دریایی و خشکی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین باید تلاش نمود تا متناسب با شرایط مکانی و زمانی از این روش‌ها و مولفه‌های نوین مدیریت مرزی حداکثر استفاده و بهره برداری را نمود.

نمودار ۵: مولفه‌ها و روش‌های نوین مدیریت مرزی



فهرست منابع

- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی: مرز ایران و افغانستان. فصلنامه مدرس دوره ۱۰ ش ۲.
- جان پرور، محسن و همکاران (۱۳۹۳). شبکه حسگر بی‌سیم راهبردی جهت کنترل بهتر مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس. پژوهش‌نامه مطالعات مرزی. سال دوم. شماره ۳.

۳. زرقانی، سید هادی (۱۳۹۲). بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های مدیریت مرزها و نقش آن در امنیت مرز، نمونه موردی: مرزهای شرقی خراسان رضوی، فصلنامه جغرافیای و توسعه ناحیه‌ای، سال یازدهم، شماره ۲۰، صص ۱۳۹-۱۲۴.
۴. کیت اس پیس، کلی (۱۳۸۴). سازمان‌های بین‌المللی. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی. تهران: نشر میزان.
۵. لطفی، امین (۱۳۹۰). بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های کنترل مرز، نمونه موردی: خراسان رضوی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۲). توسعه شهری پایدار و توسعه فرهنگی، فصلنامه علوم اجتماعی.
۷. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵). جزوه منتشر نشده درس نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک. دانشگاه تربیت مدرس.
۸. میرحیدر، دره. (۱۳۸۰). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
۹. Agnew, J., ۱۹۹۴. The territorial trap: the geographical assumptions in international relations theory. Review of International Political Economy, ۱ (۱), ۵۳-۸۰.
۱۰. Bowman H, Wyble B. The Simultaneous Type, Serial Token Model of Temporal Attention and Working Memory. Psychological Review. ۲۰۰۷; ۱۱۴(۱):۳۸-۷۰
۱۱. Bier, David, Feeney, Matthew (۲۰۱۸). Drones on the Border: Efficacy and Privacy Implications, May ۱, ۲۰۱۸, Immigration Research and Policy Brief No. ۵.
۱۲. Burkhalter, G (۲۰۱۰). Analysis of distributed temperature sensing based on Raman scattering using OTDR coding and discrete Raman amplification. Meas. Sci. Technol. ۲۰۱۰, ۱۸
۱۳. Boriboonrat, Pimupsorn (۲۰۱۳). Collaborative Border Management in Thailand and Neighboring Countries: Needs, Challenges and Issues, International Journal of Criminal Justice Sciences Vol ۸ Issue ۱ January – June ۲۰۱۳
۱۴. Elias, N., ۱۹۹۴. The established and the outsiders. London: Sage. (Originally published ۱۹۶۵)
۱۵. Fisher W, Smelson DA, Kline A, Kuhn J, Rodrigues S, O'Connor K, Kane V. A (۲۰۱۲). wraparound treatment engagement intervention for homeless veterans with co-occurring disorders. Psychological Services. ۲۰۱۳; ۱۰(۲):۱۶۱-۱۶۷
۱۶. CHENOY, DILIP (۲۰۱۸). Border Security and Management.
۱۷. Duggan, Ruth A. (۲۰۰۸). A Model for International Border Management Systems, SAND۲۰۰۸-۶۲۵۶, Unlimited Release, Printed September ۲۰۰۸
۱۸. Doyle, Tom (۲۰۱۷). The future of border management, The future of border management.
۱۹. Glassner, Martin. (۱۹۹۲). political geography
۲۰. H. Hatime, K. Namuduri, and J. M. Watkins,) OCTOPUS: An on demand communication topology updating strategy for mobile sensor networks(, IEEE Sensors J., vol. ۱۱, no. ۴, pp. ۱۰۰۴-۱۰۱۲, Apr. ۲۰۱۱
۲۱. Marenin, O. (۲۰۱۰) 'International Police Cooperation in Greene', J. (Ed.) The Encyclopedia of Police Science. Routledge: New York
۲۲. Marenin, Otwin (۲۰۱۰). Challenges for Integrated Border Management in the European Union, ISBN ۹۲-۹۲۲۲-۱۱۷-۵
۲۳. Newman, David and Paasi, Anssi. (۱۹۹۸). fences & neighbors in the post midran world. Human geography.
۲۴. O'Dowd, Liam (۲۰۱۰). From a 'Borderless World' to a 'World of Borders': 'Bringing History Back in, Environment and Planning D: Society and Space, Vol ۲۸, Issue ۶, ۲۰۱۰.
۲۵. Pratt, Martin (۲۰۰۹). The Scholar-Practitioner Interface in Boundary Studies. The symposium "First Contact: Bringing Together the Worldwide Community of Border Studies" held at the Slavic Research Center at Hokkaido University on December ۱۹.

۲۶. Paasi, Anssi (۲۰۰۹). **Bounded spaces in a 'borderless world': border studies, power and the anatomy of territory**, Journal of Power, Publication details, including instructions for authors and subscription information: <http://www.tandfonline.com/loi/rpow> ۲۰
۲۷. Shapiro, M.J. and Alker, H.R., eds., ۱۹۹۶. **Challenging boundaries: global flows**, territorial identities. Minneapolis: University of Minnesota Press.
۲۸. Snider, M.A.; Nannipieri, T.; Signorini, A.; Lazzeri, A.; Baronti, F.; Roncella, R.; Bolognini, G.; Pasquale, F.D. (۲۰۱۰). **Raman-based distributed temperature sensor with ۱ m spatial resolution over ۲۶ km SMF using low-repetition-rate cyclic pulse coding**. Opt. Lett. , ۳۶.
۲۹. Taylor H.R. Fiber Optic Sensors Based upon the Fabry-Perot Interferometer. In: Yin S., Ruffin P.B., Yu F.T.S., editors. Fiber Optic Sensors. Taylor & Francis; New York, NY, USA: ۲۰۰۸. pp. ۳۵-۶۴.
۳۰. Global Compact Thematic Paper, Border Management ۲۰۱۷
۳۱. U.S. Customs and Border Protection, ۲۰۱۴
۳۲. Border Security Report, ۲۰۱۸
۳۳. Commissioner for Peace and Security ۲۰۱۷
۳۴. United Nations Security Council Resolution ۲۱۷۸ on Threats to International Peace and Security Caused by Terrorist Acts (UNSCR ۲۱۷۸), S/RES/۲۱۷۸ (۲۴ September ۲۰۱۴).

آثار مدیریت آمایش سرزمین در شناسایی کانون های بحرانی در نواحی مرزی ایران

دکتر کیومرث یزدان پناه درو

استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

kyazdanpanah@ut.ac.ir

چکیده

آمایش مناطق مرزی در ایران، به دلیل وجود مرزهای طولانی و قرارگیری بیش از نیمی از استان های کشور در مرزهای بین المللی با کشورهای همجوار، از جایگاه ویژه ای در نظام برنامه ریزی کشور برخوردار است. یکی از عرصه های نوین در مطالعات برنامه ریزی برای توسعه کشور، مناطق مرزی هستند. هر چند از گذشته تاکنون ابعاد گوناگون مسائل و مشکلات مربوط به این مناطق به طور پراکنده مطالعه شده است؛ اما آمایش مناطق مرزی با این عنوان، تاکنون نه تنها جایگاهش در نظام برنامه ریزی توسعه کشور تبیین نشده، بلکه ابعاد و ویژگی های آن نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مناطق مرزی کشور با مشکلات بسیاری، نظیر: خالی شدن سکنه و مهاجرت مرزنشینان به شهرهای بزرگ بر اثر فقدان انگیزه های اقتصادی لازم برای زندگی در این مناطق و وجود ناامنی در طول نوار مرزی و... مواجهند که این امر ضرورت انجام مطالعات علمی و نظم بخشی به تصمیم گیری از طریق تدوین برنامه های توسعه کارآمد را انکارناپذیر می سازد. هم اکنون بر اساس اولویت بندی انجام شده راهبردهای تدوین برنامه جامع، توسعه همه جانبه استان ها (به خصوص مناطق مرزی)، توسعه و تقویت انواع زیرساخت های کالبدی، شامل: حمل و نقل، راه آهن، جاده و... به منظور افزایش پیوندهای کانون های پرجمعیت مناطق مرزی با یکدیگر و کانون های داخل کشور از اولویت بالاتری برخوردارند.

مرزهای ایران به عنوان گلوگاه های ارتباطی، با دارا بودن ظرفیت های ژئوپلیتیک فوق العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه ای و بین المللی واجد کارکردهای تولیدکننده ی قدرت در کشور می باشند. عدم توسعه یافتگی و وجود شکاف رفاهی میان شهرهای مرزی با شهرهای مرکزی که نوعی حاشیه و متن را ایجاد کرده است، بر ضرورت آمایش سرزمینی این مناطق می افزاید. در این راستا، هدف از این پژوهش، بررسی عوامل تاثیرگذار بر آمایش سرزمین در نواحی مرزی کشور با توجه به رقابت های فضایی و مکانی و آمایش سرزمین و تاثیر آن بر برنامه ریزی حال و آینده است.

واژگان کلیدی:

ژئوپلیتیک توسعه، آمایش سرزمین، مناطق مرزی، توسعه پایدار، امنیت راهبردی

۱- مقدمه

مرز به پدیده فضایی اطلاق می شود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، کالا، نشر افکار و ... مانع ایجاد می کند (درایسدل، ۱۰۱: ۱۳۷۳). درباره نقش و کارکرد مرزها نظرات متفاوتی وجود دارد برخی معتقد به کارکردهای نظامی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و سیاسی برای مرزها می باشند. مرزها معمولاً به طور مصنوعی و به شکل های قراردادی ترسیم می شوند، اما در واقع و به نوبه خود، به صورت پدیده های اجتماعی- اقتصادی بروز عینی می می یابند. به عقیده بیشتر صاحب نظران پایدارترین و مهم ترین نقش مرز، کارکرد دفاعی- امنیتی آن یعنی ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و تفکرات است، و تلاش کشورها بر این است که مرزهای آن ها جز در برخی گذرگاه های توافق شده و مجاز غیر قابل نفوذ باشد. (بخشی، ۲: ۱۳۹۳)

کشورها به دلایل مختلفی با بعضی همسایگان خود دچار تضاد منافع میباشند. این تضادها معمولاً با تغییرات در حکومت ها حل و فصل نشده و منتظر ایجاد شرایط مناسب برای سربرآوردن میمانند. معمولاً کشورهایی که از تعداد بیشتری همسایه بهره مند هستند، مناقشات مرزی بیشتری نیز دارند و در عوض کشورهایی که محصور در دریا هستند، یا تعداد همسایه محدودتری دارند، دارای تعداد معضلات کمتری در این زمینه هستند. البته امروزه تضاد منافع کشورها محدود به مرزهای فیزیکی آنها به کشورهای منطقه نمیشود و دلایل متفاوت دیگری نیز برای تخاصم چند کشور که حتی مرز مشترکی با یکدیگر ندارند، وجود دارد؛ همچنین ارزش های بنیادین بعضی ملل ممکن است در تضاد مقطعی یا همیشگی با کشورهای صاحب قدرت باشد. لذا لازم است در ارائه طرح های آمایشی از منظر مسائل نظامی و امنیتی نیز مورد دقت نظر قرار گیرد. یعنی در چیدمان آمایش سرزمین لازم است مخاطرات حاصل از دسیسه های دشمنان به وضوح و روشنی لحاظ شود. (قاسمی نژاد، ۲: ۱۳۹۳)

در این بین آمایش مناطق مرزی از اهمیت ویژه ای برخوردارند. از نظر ساختار فضایی، مناطق مرزی علاوه بر ویژگی دوری از مرکز، دارای ویژگی های کالبدی خاص مناطق مرزی می باشند که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در نتیجه توسعه نیافتگی آن ها می شوند و در نتیجه هر گونه ساختار فضایی در سطوح و مقیاس های مختلف بویژه در ارتباط بین فضاهای مرزی و دیگر نواحی، مستلزم برخورداری از پدیده ای به نام مرکزیت است. بنابراین امروزه کشورهای مختلف بنا به حساسیت و دغدغه هایی که در زمینه بعد دفاعی و نظامی و امنیتی سرزمین خود دارند به بحث های آمایش مناطق مرزی توجه ویژه ای میکنند. (قاسمی نژاد، ۳: ۱۳۹۳)

مناطق مرزی به علت مجاورت با کشورهای خارجی و شرایط جغرافیایی و سیاسی حاکم بر آنها، ویژگی های خاصی دارند و چنانچه این ویژگی ها مورد توجه قرار نگیرد، تأثیراتی منفی بر روند توسعه و امنیت این مناطق خواهد گذاشت و به عنوان تهدیدی در برابر توسعه عمل خواهد کرد؛ اما اگر مورد توجه قرار گیرد و در فرایند برنامه ریزی توسعه و آمایش آن مناطق به کار گرفته شود، اثرهای مثبتی از خود به جای می گذارد و تهدید را به فرصت تبدیل می نماید (عندلیب، ۱۳۸۸). بی توجهی به مناطق مرزی، باعث عدم تعادل میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی می شود که بر فرایند توسعه این مناطق تأثیر می گذارد و از نتایج آن، ناهمخوانی میان اهداف سیاسی و اقتصادی و ظهور مشکلات مربوط به آن در مناطق مرزی است. (عندلیب، ۱۳۷۹)

وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز بین کشورهای مجاور و آسیب پذیری و تهدیدات مختلف در این مناطق، اهمیت ویژه ای را در فرایند توسعه و برنامه ریزی آمایش سرزمین به مناطق مرزی داده است؛ بخصوص در کشور ما که دارای مرزهای طولانی بوده و ۱۵ استان از ۳۱ استان کشور مرزی است، اهمیت این گونه مطالعات را بیشتر نشان می دهد.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

رشد بیش از حد جمعیت در کشور و گسترش شهرهای بزرگ از یک سو و نابرابری‌های موجود در سطح معیشت زندگی در شهر و روستا از سوی دیگر سبب شده است که علاوه بر جدایی شهرها و روستاها مشکلاتی از قبیل تمرکز سرمایه به صورت نامتوازن در کشور و شهرهای بزرگ، تخریب بیش از اندازه محیط زیست و... بوجود آید. از این رو، لازم است تا تعادلی در نظام شهری کشور بوجود آید تا بتواند از تخریب‌های زیست‌محیطی جلوگیری کند و از آنها در جهت بهره‌برداری صحیح استفاده نماید. علاوه بر این، در صورت تمرکز سرمایه در شهرهای بزرگ بی‌عدالتی اقتصادی بوجود می‌آید که باعث جلوگیری از رسیدن به یکی از اهداف اقتصاد کلان (عدالت اقتصادی) می‌شود. تمام این موارد لزوم نوعی برنامه‌ریزی منطقه‌ای به نام آمایش سرزمین را ضروری می‌سازد. اصولاً آمایش سرزمین به استفاده بهینه و عقلانی از امکانات موجود فضا (زمین، جمعیت و ...) در جهت دستیابی به اهداف کلان (عدالت و رشد و مهم‌تر از همه توسعه یکپارچه) اطلاق می‌شود.

در این بین آمایش مناطق مرزی به منظور توسعه همه جانبه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نظر ساختار فضای مناطق مرزی علاوه بر ویژگی‌های دوری از مرکز، دارای ویژگی‌های کالبدی خاص مناطق مرزی می‌باشد که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در نتیجه توسعه نیافتگی آن‌ها می‌شوند، بنابراین کشورهای مختلف بنا به حساسیت و دغدغه‌هایی که در زمینه بعد دفاعی نظامی و امنیتی خود دارند به بحث آمایش مناطق مرزی جهت توسعه توجه ویژه‌ای دارند (عزتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳). همان‌طور که می‌دانیم کشور ایران نیز در این زمینه دارای مشکلات خاصی است. در واقع یکی از خصوصیات ساخت اقتصادی اجتماعی ایران این است که یک منطقه یا چند منطقه کشور توسعه یافته و بقیه مناطق کشور از مسئله توسعه نیافتگی رنج می‌برند. از جمله مهم‌ترین این مناطق که دارای محرومیت و توسعه نیافته‌اند، مناطق مرزی کشور می‌باشند که به‌رغم توانمندی‌های گسترده هنوز دارای محرومیت هستند. به‌طوری‌که نتایج بیانگر آن است درجه توسعه یافتگی در مناطق مرزی ۵۷٪ و مناطق مرکزی ۱۶۹٪ می‌باشد و نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی بسیار بالا بوده و این نسب معادل ۱/۶ است. در واقع می‌توان گفت مناطق مرکزی در ایران حدود ۳ برابر بیشتر از مناطق مرزی توسعه یافته‌تر است. همچنین میزان نابرابری‌های درون منطقه‌ای مناطق مرزی ۱/۰۸ و مناطق مرکزی ۱/۴۳ می‌باشد که این رقم بیانگر نابرابری و عدم تجانس و واگرایی بین استان‌های کشور است (ابراهیم زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸).

۳- اهداف تحقیق

دو هدف اصلی در انجام این پژوهش مد نظر قرار گرفته است:

- ۱- شناسایی کانون‌های بحرانی در نواحی مرزی کشور و ارائه الگوها و راهکارهای برنامه‌ریزی آمایش سرزمین
- ۲- بررسی تاثیر رقابت‌های مکانی و فضایی و آمایش سرزمین بر برنامه‌ریزی حال و آینده

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف با توجه به اهداف تحقیق، مؤلفه‌های مورد بررسی توسعه‌ای-کاربردی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق از لحاظ روش «توصیفی-تحلیلی» است. در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از روش‌های کتابخانه‌ای استفاده شده است. در آخر با تکیه بر مطالب جمع‌آوری شده به تدوین استراتژی‌های آمایشی مناسب جهت توسعه ناحیه مرزی پرداخته شده است.

۵- مبانی نظری

۵-۱- برنامه‌ریزی آمایش سرزمین

آمایش سرزمین از فنون توسعه است که در مراحل نخستین آن قرار دارد. آمایش سرزمین از جنبه‌های مهم برنامه‌ریزی شمرده می‌شود. در این حیطه آمایش سرزمین بر برنامه‌هایی دلالت دارد که به وسیله بخش عمومی در نظر گرفته می‌شود تا در آینده توزیع فعالیت‌ها و سکونتگاه‌ها را در فضا تحت تأثیر قرار دهد.

به جهت اینکه هدف علم جغرافیا توسعه پایدار یعنی سرزمین‌آرایی بدون سرزمین‌آلایی است می‌توان به ارتباط آمایش سرزمین و جغرافیا پی برد، زیرا اساس هر دو توسعه است اما نه توسعه به هر قیمتی. جغرافیا اهداف توسعه روستایی را شرح می‌دهد و آمایش به عنوان مجموعه‌ای از شیوه‌ها و فنون می‌کوشد تا آن را عملی سازد. در واقع جغرافیا تبیین می‌کند و آمایش طراحی.

به جهت اینکه آمایش سرزمین بعد جغرافیا رابه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوند می‌دهد، در چارچوب برنامه‌ریزی فضایی قرار می‌گیرد. هر چند برنامه‌ریزی فضایی در تمام دنیا عمومیت دارد، اما این عمومیت به معنای شکل و محتوای یکسان آن در تمام جای دنیا نیست. از ویژگی یکسان بودن آن یعنی فضایی بودن که بگذریم این برنامه‌ها به لحاظ تاریخی، نوع حکومت، میزان توسعه‌یافتگی و اولویت‌های سیاسی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین تشخیص مناطق از موارد بسیار مهم سنجیده می‌شود، زیرا پایه و مبنای برنامه شناخته می‌شود. برنامه آمایش دارای افق بلندمدت است. این برنامه مرز بین برنامه کلان و برنامه‌های منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، برنامه آمایش برنامه‌های منطقه‌ای را به برنامه‌های ملی پیوند می‌دهد. از مهم‌ترین اهداف این طرح‌ها، بهسازی در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی است. در این بررسی که با روش تحلیلی انجام می‌شود، با توجه به مشکلات نظام شهری کشور و روند حاکم بر آن به آمایش سرزمین در جهت تعادل بخشی به نظام فضایی شهری کشور براساس راهبردهای برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و برنامه‌های اجرایی آن پرداخته‌ایم.

۵-۲- مدیریت آمایش سرزمین در برخی کشورها

جالب است بدانید که در ابتدا آمایش سرزمین را کشورهای توسعه‌یافته تجربه کرده اند. در واقع، سازمان عمران دره تنسی را می‌بایست نخستین کوشش برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین نامید که به دنبال نامه کینز رئیس‌جمهور آمریکا در دهه ۱۹۳۰ برای مهار کردن بحران ۱۹۲۹ توسط دولت آمریکا تأسیس شد. کشورهای توسعه‌یافته دیگر نیز این نوع برنامه‌ریزی منطقه‌ای را داشته‌اند. به عنوان مثال، انگلستان به نفع (مناطق سیاه) یعنی حوزه‌های معدنی دچار بحران و ایتالیا به نفع قسمت جنوب شبه‌جزیره ایتالیا به سیاست منطقه‌ای دست زدند.

کشور عربستان نیز از سال ۱۹۷۰ به بعد به تعادل‌های منطقه‌ای گرایش یافت، چرا که این کشور نیز پیش از این دوره به دلیل درآمدهای بالای نفتی و رشد شهرهای بزرگ دچار عدم تعادل‌های منطقه‌ای شده بود.

۳-۵- مفهوم آمایش سرزمین در ایران

در ایران آمایش سرزمین می‌تواند به عنوان سازماندهی مطلوب فضا در جهت نیل به اهداف و استراتژی‌های توسعه ملی باشد. بنابراین هدف کلی آمایش سرزمین، سازماندهی فضا به منظور بهره‌وری مطلوب از سرزمین در چارچوب منافع ملی است. در این تعریف اجزاء تشکیل‌دهنده فضا، جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط می‌باشد. آمایش سرزمین در ایران برای تنظیم ارتباط بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا انجام می‌شود و لذا تأکید خاصی بر دیدگاه فضایی (مکانی، جغرافیایی) در برنامه‌ریزی توسعه و تکامل ملی دارد. همچنین، آمایش سرزمین در کشور ما به تبعیت از تحولات اقتصادی و اجتماعی همواره دچار فراز و نشیب‌هایی بوده است و هم‌اکنون که در طلیعه برنامه ششم قرار داریم شناخت این تحولات برای رسیدن به راهکارهای عملی و رفع تنگناها و موانع فراروی آمایش سرزمین بسیار حیاتی است

هدف آمایش سرزمین توزیع و تقسیم جمعیت و فعالیت‌های عمرانی در پهنه سرزمین، اجرای استراتژی بهزیستی برای فرد و جامعه، استفاده مطلوب از منابع طبیعی و نیروی انسانی در جهت کفایت اقتصادی و اجتماعی است. از مهم‌ترین مواردی که در خصوص آمایش سرزمین می‌توان مطرح کرد همچون نگرش همه‌جانبه به مسائل، آینده‌نگری، دورنگری و نتیجه‌گیری‌های مکانی از محتویات استراتژی توسعه ملی و عامل پیوند برنامه‌های کلان و برنامه‌های منطقه‌ای اشاره نمود، لذا برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای می‌بایست در چارچوب برنامه ملی انجام شود.

۴-۵- مناطق مرزی و لزوم توجه به آن

اصولاً در جهان نقاط جغرافیایی خاصی وجود دارد که تسلط بر آنها بطور ویژه ای موجب افزایش ثروت و قدرت یک کشور می‌شوند بطوری‌که بسیاری از صاحب‌نظران از تفوق ژئواکونومی بر ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم سخن به میان آورده اند و معمولاً مناطق مرزی، از حساس‌ترین نقاط و دارای شرایط ویژه استراتژیک به حساب می‌آیند که از تفوق ژئواکونومی برخوردار می‌باشند.

امروزه به دنبال انقلاب الکترونیکی دگرگونی عظیمی در مفهوم مرزها به وجود آمد، بطوری که مفهوم آن از یک خط به یک منطقه، از فیزیکی به فرهنگی و از فضایی به کارکردی و از نفوذناپذیری به نفوذپذیری و نهایتاً عامل تأثیرگذار بر وزن ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بدل شده است.

نظر به این که مناطق مرزی، دورترین مناطق کشور از مناطق مرکزی هستند، بیشتر این مناطق در زمره عقب‌افتاده‌ترین و محروم‌ترین بخش‌های کشور هستند (گریگوری، ۲۰۰۳: ۵۳). ادبیات سیاسی جهان هر چند گرایش به یکپارچگی سیاسی در قالب اتحادیه و انجمن‌های منطقه‌ای و جهانی و به عبارتی دیگر، جهانی شدن روندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، در حال افزایش است، لیکن هنوز مرزهای سیاسی اصلی‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر به‌شمار می‌آیند.

از این‌رو امروزه مرزها دیگر کارکرد صرف سیاسی و اقتصادی را ندارند و تبدیل به ابزارها و فضاها تأثیرگذاری شده اند، که از مهم‌ترین و بارزترین آن، ویژگی‌ها جابجایی و انعطاف‌پذیری این مرزها است (Adey, ۲۰۰۴: ۱۸).

گرچه برخی نامی‌های سیاسی و اجتماعی بی‌جهت به ویژگی‌های انعطاف‌پذیری مرزها ربط داده می‌شود. توجه بیشتر به مناطق مرزی با توجه به محرومیت زیاد آن مناطق، از اهمیت ویژه‌های برخوردار است. شکل‌گیری رابطه مرکز پیرامون در داخل کشور، شرایط جدیدی را رقم می‌زند که این شرایط جدید مراکز را به تجدید نظر در روابط خود با پیرامون وادار می‌سازد. این رابطه نوین بین مرکز و پیرامون کاملاً با شرایط قبل متفاوت است و به ایجاد همگرایی بین آنها منجر می‌شود که در صورت توفیق، نگاه جمعیت مرزنشین به سمت درون و همگرایی معطوف می‌شود، که خود باعث توسعه فضایی مناطق مرزی خواهد شد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۳۵). اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقشی اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر و تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی ایفا کند (چاندویت و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۴۵). آمایش مناطق مرزی عبارت است از: سازماندهی فضایی مناطق مرزی به‌منظور بهره‌وری مطلوب متناسب از مزیت‌های این مناطق در راستای منافع ملی و در چارچوب توسعه و امنیت کشور.

۵-۵- خصوصیات آمایش مناطق مرزی

در ادامه، به ویژگی‌های مناطق مرزی پرداخته می‌شود:

- دوری از مرکز: بیانگر فاصله مکانی- جغرافیایی مناطق مرزی از سرزمین اصلی است.
- انزوا و حاشیه‌ای بودن: مناطق مرزی، بویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، بیانگر تفاوت‌های عمیق عملکردی- ساختاری هستند.
- ناپایداری الگوی اسکان و سکونت: به دلیل شرایط جغرافیایی مناطق مرزی، که عموماً مناطق با طبیعت خشن و صعب‌العبور هستند.
- نظام و الگوی مراودات و تبادلات: مناطق مرزی، با توجه به موقعیت مراودهای خود در مرز حایل سیاسی بین دو کشور، از فرصت و ظرفیت لازم برای تقویت کنش‌های اقتصادی ویژه برخوردارند.
- تفاوت‌های فرهنگی- قومی و نژادی: معمولاً و در بسیاری از کشورهایی که خطوط مرزی گسترده‌ای دارند و تنوع قومیت‌ها در آن شدید است، مسأله تفاوت‌های فرهنگی و قومی بین نواحی مرکزی و مرزی حالت شدیدتری به خود می‌گیرد.
- تهدیدات خارجی: مناطق مرزی به‌دلیل اتصال به کشورهای همجوار، که ممکن است با تعارضات سیاسی نیز همراه باشد.
- ساختار دوگانه و دوگانگی سیستمی: در نگرش سیستمی به عناصر سرزمین ملی مشاهده می‌شود که عموماً مناطق مرزی از ساختاری دوگانه برخوردارند که این امر موجب تضعیف و بروز تعارضات توسعه‌ای در کشور می‌شود. (عندلیب، ۱۳۷۹: ۸۸)

بطور کلی مرز سیاسی از جهاتی دارای سه کارکرد است:

الف- عملکرد قانونی؛ که در آن خط مرزی دقیقاً حدود سرزمین قلمرو و مسؤولیت استانداردهای قضایی و قانونی کشور را مشخص می‌کند.

- ب- عملکرد کنترلی؛ که در آن هر عبوری از خط مرزی، در کنترل کشور قرار می گیرد.
- ج- عملکرد مالی؛ که در آن عملکرد کنترلی با دریافت حقوق گمرکی همراه می شود (Guo, 2005: 15).

۶-۵- آمایش سرزمین و توسعه مناطق مرزی

آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع، از نیازهای مناطق مرزی، در چارچوب شرایطی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند می دهد و راهکارهای برای توسعه مناطق مرزی معرفی می کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می شود (عندلیب، ۱۴: ۱۳۸۰).

بنابراین گرچه آمایش مناطق مرزی یک نوع فن برنامه ریزی است، اما خود بر پایه های نظری و متدولوژی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی های مناطق مرزی، موانع توسعه و امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آن ها راه حل های یکپارچه ارائه می دهد تا اهداف توسعه و امنیت در مناطق مرزی را بر یکدیگر منطبق سازد. بنابراین می توان آمایش را نوعی برنامه ریزی راهبردی- فضایی و «آمایش مناطق مرزی» را نوعی برنامه ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشورها دانست (عزتی و دیگران، ۷: ۱۳۹۰).

مطالعات نشان می دهد که امنیت و توسعه در آمایش مناطق مرزی لازم و ملزوم یکدیگر است. به عبارت دیگر، توسعه را در مناطق مرزی نمیتوان تحقق بخشید، مگر اینکه امنیت را در آنجا برقرار کرد. و بالعکس امنیت را نمیتوان در مناطق مرزی محقق ساخت، مگر اینکه این مناطق توسعه پیدا کند.

بر اساس مطالعات نظری و تجربی در کشورهای مختلف که تنوع و پیچیدگی در مناطق مرزی دارند، عدم تعادل منطقه ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی بسیار آشکار است. این عدم تعادل منطقه ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی دو تأثیر منفی بر روند توسعه آن مناطق از خود بر جای میگذارد. از یک سو، این عدم تعادل، حرکت توسعه در مناطق مرزی را، با مشکل مواجه میسازد و موانع بسیاری سر راه آن قرار میدهد و از سوی دیگر، ناامنی را هم به دلیل موقعیت مناطق مرزی و هم به دلیل عدم توسعه، گسترش عمومی میدهد. این تأثیرات متقابل توسعه و امنیت به صورت زنجیره ای، به یکدیگر مرتبط و مجموعه ای از کنش ها و واکنش هایی ایجاد میکنند که جوهره توسعه پایدار مناطق مرزی را تحت تأثیر خود قرار میدهد. از این رو، در هر نوع برنامه ریزی اعم از توسعه مناطق مرزی و به ویژه آمایش مناطق مرزی؛ توسعه و امنیت به عنوان ستون های آمایش مناطق مرزی به حساب می آیند.

۷-۵- مفهوم استنباطی مرز و منطقه مرزی از دیدگاه آمایش سرزمین

اصول چارچوب نظری آمایش مناطق مرزی با تأکید بر توسعه، امنیت، و دفاع برپایه مباحث نظری و تجربی در مطالعات جهانی به شرح زیر ارائه می گردد:

- ۱- نخست آنکه دو مقوله «امنیت» و «توسعه» به ویژه در ارتباط با مناطق مرزی، لازم و ملزوم یکدیگر بوده و توسعه در مناطق مرزی نقش تعیین کننده ای در فرایند تحقق امنیت فراگیر در کل جامعه دارد. از سوی دیگر تحقق رابطه منطقی میان امنیت و توسعه در مناطق مرزی، مستلزم توجه خاص و جامع نگر به مؤلفه های توسعه ای مؤثر بر امنیت و مؤلفه های امنیتی بر توسعه می باشد. چنین ارتباطی مستلزم برخورداری از دیدگاهی منسجم و نظام مند میان این دو مقوله بوده و در نتیجه عدم تعادل منطقه ای فضایی میان مناطق مرکزی مرزی منجر به کاهش امنیت مطلوب در مناطق مرزی می گردد.

۲- برنامه‌ریزی توسعه‌ای در مناطق مرزی مستلزم توجه به سطوح محلی و منطقه‌ای، ملی، فراملی، و جهانی امنیت بوده هرگونه برنامه‌ریزی توسعه‌ای در مناطق مرزی، مستلزم تأمین زیرساخت‌های امنیتی لازم (تأسیسات دامن‌نظوره نظامی-عمرانی) متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی می‌باشد.

۳- میان «سلسله‌مراتب توسعه‌ای» و «سلسله‌مراتب امنیتی» مناطق مرکزی و مناطق مرزی، رابطه‌ای متقابل وجود دارد. برقراری چنین رابطه‌ای موجبات تحقق «تعادل توسعه‌ای» و «تعادل امنیتی» را فراهم می‌آورد. از این جهت توسعه در مناطق مرزی توجه به ابعاد فیزیکی و غیر فیزیکی (ذهنی) مرز را می‌طلبد.

۴- براساس تقسیم‌بندی مناطق برنامه‌ریزی، مناطق مرزی جزء مناطق دارای منابع و مناطق دارای مسائل ویژه می‌باشند که به نگرش توسعه‌ای خاصی نیاز دارند.

۵- بر اساس این دیدگاه، مناطق مرزی به دلیل دورافتادگی از مناطق هسته‌ای، شرایط جغرافیایی ویژه، اقتصاد ویژه، حمل‌ونقل نامناسب و ... از لحاظ توسعه یافتگی با مشکلات زیادی مواجه می‌باشند هرچند که با منطقه‌ای کردن و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن می‌توان شکاف میان برنامه‌ریزی در سطح ملی و محلی را پر کرد و در حقیقت به یک برنامه‌ریزی در سطحی میانه رسید، اما باید گفت که حسن این نظریه آن است که مناطق دارای ویژگی‌ها و استعدادها بالقوه توأم با مسائل اجتماعی - اقتصادی خاص خود را جدای از سایر مناطق موردتوجه قرار می‌دهد و از این لحاظ مناطق مرزی هم به‌عنوان یک منطقه نیازمند برنامه‌ریزی، موردتوجه قرار می‌گیرد.

۶- بطور کلی می‌توان گفت آمایش مناطق مرزی، بهره‌برداری مطلوب از کلیه امکانات انسانی و فضایی این مناطق در جهت بهبود وضع مادی و معنوی جامعه به دنبال تبیین مبانی نظری سازماندهی مطلوب فضایی پایدار انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسانی در مناطق مرزی با توجه به ویژگی‌های این مناطق در چارچوب طرح آمایش سرزمین و تحقق توسعه و امنیت ملی است. (عندلیب، ۱۳۹۸: ۱۸۷)

۸-۵- نظریه‌های توسعه منطقه‌ای و مرز

با توجه به بررسی مطالعات انجام شده در این حوزه می‌توان گفت که در ارتباط با توسعه مناطق مرزی نظریه‌های مختلفی از قبیل نظریه مکان مرکزی کریستالر، نظریه قطب رشد، نظریه مرکز رشد، نظریه مرکز پیرامون، نظریه برگشت مرکز به کار گرفته می‌شوند که هرکدام با توجه به شرایط و اصول خاصی طراحی شده‌اند و در سطوح خاصی کاربرد دارند. بنابراین در اینجا تلاش شده است تا با تحلیل این نظریات در ارتباط با مرز پرداخته شود که نتایج به قرار زیر هستند:

بطور کلی می‌توان گفت پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با مناطق مرزی برای اولین بار ریشه در تفکرات نظریه‌های مکان مرکزی، به‌ویژه والتر کریستالر (۱۹۳۳) دارد، به‌واقع او سعی داشت علت عدم تعادل‌های منطقه‌ای را در میان مناطق مرکزی و مناطق مرزی تجزیه تحلیل کند (معطوف، ۱۳۸۱: ۴۷۶).

بعدها کسانی با پایه قرار دادن مطالعات کریستالر، سعی کردند تعادل‌های منطقه‌ای در مناطق مرزی را موردتوجه قرار دهند، که عبارت‌اند از:

«نیلز هانسن»^۲ در سال ۱۹۷۸، پس از انجام مطالعات میدانی گسترده‌ای در مرزهای کشورهای آلمان، فرانسه و سوییس، ویژگی‌های مناطق مرزی را مورد توجه قرار داده، آن‌ها را بر اساس نظریه‌های مکان مرکزی «کریستالر» و قطب رشد «پرو» تجزیه و تحلیل کرد. وی در مطالعات خود به نکات مثبت و منفی مناطق مرزی و تحلیل آن‌ها از دیدگاه «کریستالر»،

«لوش»، «ژاندارم»، «بودویل»، «اوربان» و «پرو» می پردازد. او نکات مثبت مرزها را که در کنار مرزهای سیاسی باثبات قابل تصورند، عبارت از توسعه‌ی فعالیت‌های تجاری و فرهنگی مرزی که شعاع نفوذی در کشور مجاور پیدا می کنند، و درآمدهای حاصل از دریافت عوارض، برمی شمارد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۳۷-۳۹).

سپس کسان دیگری از قبیل «فیلیپ جونز» و «تریوور» والد^۱ مقاله‌ی تحقیقی خود را در تحلیل تغییرات فضایی ساختاری در مرز پیشین دویاره ای آلمان پس از برقراری مرز و برداشتن موانع مرزی نوشتند. در این مقاله، پس از انجام مطالعات نظری و تکیه بر نظریه‌های مکان مرکزی و قطب رشد و نیز انجام مطالعات موردی در منطقه مرزی مورد بحث به نقد این نظریات پرداخته و خصوصیات برای مناطق مرزی استخراج کردند، به عقیده ی این دو، مناطق مرزی به عنوان مناطق حاشیه ای و توسعه نیافته شناخته می شوند، این حاشیه‌ای بودن گرچه می تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد اما خود پدیده ی مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت های آن منطقه را مضمحل می سازد. آنان معتقدند که با برقراری مرزی بین دو کشور، فضاهایی که به طور اصولی به یکدیگر متصل اند و تداوم فضایی را تأمین می کنند از یکدیگر می گسلند و حاشیه‌ای می شوند، این حاشیه‌ای بودن علت عقب ماندگی این نواحی است (عندلیب، ۱۳۸۰: ۴۰). سپس در همین زمینه پتراکاس و اکانو^۱ (۲۰۰۲)، آرکوت و اورزن^۲ (۲۰۰۳)، به مطالعه در زمینه توسعه مناطق مرزی در اتحادیه اروپا پرداختند و به این نتایج دست یافتند که توسعه مناطق مرزی تنها از طریق به کارگیری سیاست‌های گسترش همکاری‌های بین‌المللی و روابط بین مرزی و برقراری امنیت در مرزها امکان پذیر است (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۴-۸). همچنین نیپور^۳ (۲۰۰۵) در مقاله ای تحت عنوان اثرات رشد در اتحادیه اروپا بر توسعه اقتصادی شهرهای مناطق مرزی این کشورها به این نتیجه رسید که اثرات یکپارچگی و تغییرات در دسترسی به بازار، نقش اساسی در توسعه این شهرها داشته است. به صورتی که اثرات آن از تئوری های پیش‌بینی شده بیشتر بوده است (Niebuhr, 2005; 28).

۶- تحلیل محتوا

۶-۱- امنیت مرزی و توسعه در ایران

مناطق مرزی همواره دستخوش حوادث گوناگون سیاسی و نظامی بوده است در این میان مناطق مرزی ایران به دلیل برخورداری از حساسیت های ژئوپلیتیکی کشور به نحو بارزتری موثر از حوادث فوق بوده است وجود مسائل و مشکلات فراوان در این مناطق از دوران های گذشته و طولانی تاریخ ایران با توجه به داشتن مرز ۷۸۷۶ کیلومتری برخوردار از تنوع جغرافیایی گوناگون (خشکی، دریا و ...) و همسایگی با کشورهای متعدد (۱۵ کشور و ۲۴ دولت) و قرار گرفتن بیش از نیمی از استان های کشور (۱۶ استان از ۳۱ استان) در این مناطق، بر حساسیت و اهمیت مناطق مرزی ایران افزوده است. در مجموع ۸ هزار و ۷۵۵ کیلومتر مرز خشکی، دریایی و رودخانه ای با ۱۵ کشور همسایه داریم و تعدد کشورهای همجوار ما و شرایط مختلف این کشورها به لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اهمیت مرزهای ما افزوده است. در بخش اعظمی از مرزهای ما نیز به لحاظ قومی، ساکنان دو سویه مرز، از یک قوم هستند؛ مثل ترکمن ها، بلوچ ها، عرب ها، کردها و ترک ها. (بخشی، ۱۳۹۳: ۶)

متأسفانه در زمان ترسیم مرزهای ما نوعی نگاه سیاسی وجود داشته و این مرزها را تحمیلی و تنش زا مشخص کرده و قومیت ها را چند پارچه کرده اند تا در مواقع نیاز از این موضوع سواستفاده کنند. مطمئناً کنترل این مرزها با سختی های بسیار

همراه است. در نتیجه از دیرباز قسمت هایی از مناطق مرزی ایران به دلایل زیر از نقاط آسیب پذیر و بحران خیز به شمار می رفته است: ۱- وجود تهدیدات نظامی مداوم ۲- تردهای غیرقانونی اتباع کشورهای مجاور به صورت مهاجرین غیرقانونی، گروه های معاند و قاچاقچیان مواد مخدر ۳- توسعه نیافتگی و محرومیت (عندلیب، ۱۳۸۸: ۷۱).

۲-۶- شرایط ویژه مرزهای ایران

به طور کلی مناطق مرزی ایران از ویژگی های زیر برخوردار است: ۱- مرز طولانی به طول ۷۸۱۶ کیلومتر؛ ۲- تنوع جغرافیایی در مناطق مرزی (خشکی، آبی، کوهستانی، صعب العبور و ...); ۳- همسایگی ایران با ۱۵ کشور و کسب دومین رتبه در جهان، بعد از چین؛ ۴- قرارگرفتن بیش از نیمی از استان های کشور در مناطق مرزی (۱۶ استان از ۳۱ استان کشور)؛ ۵- کمبود زیرساخت های توسعه و ضعف بنیان های اقتصادی؛ ۶- تراکم اندک جمعیت و پراکنندگی آن در نواحی نزدیک به مرز؛ ۷- تنوع خطرات و تهدیدهای امنیتی از سوی همسایگان و وابستگی آن ها به ابرقدرت ها؛ ۸- عدم تعادل و نابرابری های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بین این مناطق و منطق مرکزی؛ ۹- پایین بودن شاخص های توسعه در بیشتر این مناطق در مقایسه با میانگین آن در سطح ملی؛ ۱۰- فقدان یک چارچوب عملی برای شناخت و تحلیل این مناطق (عندلیب، ۱۳۸۸: ۷۱).

۳-۶- بررسی امنیت در مرزهای شرقی کشور

به منظور ارائه راهبردهای مناسب برای آمایش مناطق مرزی شرق کشور، شناخت عوامل چهارگانه سوات در جهت رفع ضعف ها و تهدیدها و بهبود قوتها و فرصتها امری اجتناب ناپذیر تلقی میگردد. از این رو، هدف این مرحله سنجش محیط داخلی مرزهای شرق کشور برای شناسایی نقاط قوت و ضعف است و همچنین، کندوکاو به منظور شناسایی فرصتها و تهدیدهایی است که مناطق مرزی شرق کشور از نظر آمایش با آنها مواجه است.

جدول شماره ۱۰

تهدید	فرصت	ضعف ها	قوت ها
۱- ترانزیت مواد مخدر در مناطق مرزی شرق کشور	۱- حمایت دولت از اجرای طرحهای اقتصادی و اشتغال در مناطق مرزی شرق کشور	۱- حضور کمرنگ پرسنل متخصص بومی	۱- دسترسی آسان به آبهای آزاد
۲- فاصله زیاد از مناطق مرکزی کشور از نظر دسترسی به بازار	۲- دسترسی به مسیرهای ارتباطی منطقهای - بین المللی (نظیر راه آهن)	۲- عدم وجود اشتغال پایدار در مناطق مرزی شرق کشور	۲- وجود گمرک در مناطق مرزی و قابلیت ترانزیتی استانهای شرقی
۳- وجود شکافهای مذهبی و دامن زدن بعضی از کشورها؛ از جمله عربستان	۳- تعلق خاطر مردم نواحی مرزی به گویش، موسیقی و آداب و رسومشان	۳- پایین بودن سطح بهداشت و کمبود امکانات درمانی تخصصی	۳- تعصب و غیرت جوامع مرزی نسبت به آب و خاک و آبادانی

۴-۶- مرزهای آبی کشور

محیط های ساحلی و دریایی از پیچیده ترین و حساس ترین محیط های کره زمین محسوب می شوند که دارای مکانیسم ژئومورفولوژیکی و ژئواستراتژیکی خاص هستند که وجود آن ها یک مزیت و قدرت محسوب می شود (تقوی و پورهاشمی، ۲: ۱۳۹۲). کشور ایران ۸۷۵۵ کیلومتر مرز خشکی، مجموع ۷۰۰ کیلومتر مرز آبی در شمال ۱۳۰۰ کیلومتر در جنوب کشور با کشور های همسایه دارد. مجموع طول رودخانه هایی که به عنوان مرز هستند ۱۸۸۸ کیلومتر می باشند که بیشترین مرز آبی رودخانه ای ما با کشور آذربایجان می باشد (زرقانی ۲۲: ۱۳۸۶). خلیج فارس با ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع وسعت و ۶۸ میلیارد بشکه ذخیره نفت ۵۶ درصد کل ذخایر نفت جهان، یک آبراهه بزرگ و مهم بین المللی است که از دوره هخامنشیان تا امروز همواره اهمیت استراتژیک داشته و بویژه در دوره جنگ جهانی دوم و در دوره جنگ سرد بر اهمیت و شهرت جهانی آن افزوده شد و با انقلاب اسلامی ایران و بر هم خوردن معادلات جهانی با بروز سه جنگ موسوم به جنگ های سه گانه خلیج فارس و با توجه به اهمیت اقتصادی و جهانگردی که کشورهای حاشیه آن پیدا کرده اند، اهمیت آن و توجه جهانیان به آن، این منطقه را به مشهورترین نقطه جغرافیایی تبدیل کرده است. (سیما پورهاشمی و همکاران، ۲: ۱۳۹۳)

۵-۶- راهبردهای تدافعی پیشنهادی برای آمایش مناطق مرزی کشور

راهبردهای مناسب برای آمایش مناطق مرزی کشور از نوع تدافعی است که شامل شانزده راهبرد به شرح زیر است:

راهبرد اول: توسعه انواع زیرساخت های کالبدی شامل حمل و نقل، راه آهن، جاده و... به منظور افزایش پیوندهای کانون های پرجمعیت با یکدیگر و کانون های داخل کشور؛

راهبرد دوم: تدوین برنامه جامع توسعه همه جانبه استان ها (بخصوص مناطق مرزی)

راهبرد سوم: ایجاد نهاد مسئول ویژه مرتبط با امور آمایش و برنامه ریزی مناطق مرزی و تدوین نظام تصمیم گیری منسجم، هماهنگ و کارآمد؛

راهبرد چهارم: جلوگیری از شکاف عملکردی بین مناطق مرزی و مرکزی کشور (ساختار دوگانه سیستمی) از طریق توجه به ابعاد محلی، منطقه ای و بین المللی به صورت یکپارچه؛

راهبرد پنجم: اصلاح قوانین و مقررات دست و پاگیر و کاهش بوروکراسی اداری به منظور جذب سرمایه برای ایجاد قابلیت های اقتصادی جدید و اشتغال پایدار در مناطق مرزی؛

راهبرد ششم: توانمندسازی مردم محلی به منظور افزایش سطح مشارکت آنها در تمامی امور؛ اعم از برنامه ریزی، مشارکت سیاسی و...؛

راهبرد هفتم: زمینه سازی برای استفاده از متخصصان بومی در مدیریت ها در جهت تقویت احساس مشارکت و کاهش شکافها؛

راهبرد هشتم: تدوین برنامه های جامع برای ارتقای سطح آموزش های عمومی و تخصصی و حرفه ای نیروهای جوان؛ راهبرد نهم: تلاش برای تأمین و حفظ منابع آبی و مدیریت بهینه منابع آب؛

راهبرد دهم: تلاش در جهت کمک به کاهش تنش ها و مناقشات سیاسی در کشورهای همسایه با مرزها؛

راهبرد یازدهم: تقویت احساسات ملی گرایی به همراه ایجاد عدالت فضایی و اجتماعی در منطقه، از طریق کاهش تأثیرپذیری

ساکنان محلی از تحریکات و دسیسه‌های گروهک‌ها و کشورهای خارجی؛ راهبرد دوازدهم: افزایش ضریب اشتغال مولد برای جلوگیری از جذب مرزنشینان به باندهای قاچاق کالا و مواد مخدر؛ راهبرد سیزدهم: تدوین سازه‌های امنیتی برای امنیت منطقه با لحاظ کردن ویژگی‌های طبیعی خاص و تجهیز امکانات نوین برای کنترل مرزها و کاهش عبور و مرورهای غیرمجاز؛ راهبرد چهاردهم: گسترش پوشش رسانه‌ای و همچنین، تنوع برنامه‌های رسانه‌های محلی متناسب با سلايق مرزنشینان؛ راهبرد پانزدهم: تغییر نگرش مسؤولان در راستای توجه به رویکردهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و کاستن از دیدگاه‌های امنیتی نسبت به مناطق مرزی؛ راهبرد شانزدهم: تبلیغ برنامه‌های تنظیم خانواده و تسهیلات برای دسترسی مردم منطقه به وسایل کنترل موالید.

۷- نتیجه گیری

مدیریت آمایش سرزمین، کاملترین و جامع‌ترین برنامه‌ای است که می‌توان برای هر منطقه و کشور پایه‌ریزی و اجرا نمود. آمایش سرزمین رابطه بین انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسانی را به‌منظور بهره‌برداری بهینه و پایدار از جمیع امکانات انسانی و فضایی سرزمین، در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماعی در طول زمان پایه‌گذاری می‌کند. با توجه به اینکه هر منطقه‌ای برنامه خاص خود را می‌طلبد، مناطق مرزی ایران به علت برخورداری از ویژگی‌های خاص خود که هم با محیط خارجی و هم با محیط داخلی در ارتباط است، واجد داشتن آمایش خاص آن مناطق است. با توجه به اینکه «آمایش سرزمین را طبقه‌بندی فعالیت‌های انسان در نگاهی کلی، شامل: فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... می‌دانند، طبیعتاً فعالیت‌های گوناگون و پیچیده انسان در فضای جغرافیایی، نیازمند بسترسازی شایسته به‌منظور دستیابی به حد بیشینه بهره‌وری است». بر اساس تجربیات سایر کشورها که تنوع و پیچیدگی در مناطق مرزی دارند، عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی بسیار آشکار است. این عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی دو تأثیر منفی بر روند توسعه آن مناطق از خود بر جای می‌گذارد. از یک سو، این عدم تعادل، حرکت توسعه در مناطق مرزی را، با مشکل مواجه می‌سازد و موانع بسیاری سر راه آن قرار می‌دهد. از این رو، در هر نوع برنامه‌ریزی اعم از توسعه مناطق مرزی و به ویژه آمایش مناطق مرزی؛ توسعه و امنیت به عنوان ستون‌های آمایش مناطق مرزی به حساب می‌آیند. همچنین تأثیرات این دو بر یکدیگر در کل فرایند توسعه و برنامه آمایش سرزمین لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند.

لذا با ذکر موارد مذکور به گزینه‌های ذیل بعنوان عواملی در توسعه مناطق مرزی می‌پردازیم:

- ۱- تبیین مبانی نظری سازماندهی مطلوب فضایی پایدار انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسانی در مناطق مرزی با توجه به ویژگی‌های این مناطق در چارچوب طرح آمایش سرزمین و تحقق توسعه و امنیت ملی
- ۲- داشتن رویکردی جدید به توسعه و امنیت در مناطق مرزی
- ۳- عدم برنامه‌ریزی در جهت پیشرفت و توسعه مناطق مرزی و مناطق غیرمرزی کشور از یکدیگر.
- ۴- وجود رابطه مستقیم و دو سویه میان توسعه و امنیت در مناطق مرزی و توسعه و امنیت ملی.
- ۵- نگاه به توسعه پایدار در مناطق مرزی که در چارچوب آمایش مناطق مرزی صورت می‌گیرد، باید دو سویه باشد (تحقق امنیت و دفاع در مناطق مرزی از طریق برنامه‌های توسعه‌ای صورت می‌گیرد).

منابع

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۹). آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی محیطی در جنوب شرق ایران. تهران: انتشارات مؤسسه-اطلاعات.
- ۲- پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۱). نظریه های شهر و پیرامون، تهران: سمت.
- ۳- توفیق، فیروز (۱۳۸۴). آمایش سرزمین: تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۴- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: قومس.
- ۵- سهامی، حبیب اله (۱۳۸۸). آمایش و مکانیابی، پژوهشکده مهندسی پدافند غیرعامل، انتشارات دانشگاه مالک اشتر، زمستان ۱۳۸۸.
- ۶- عنصلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۷۹). تجربه‌های آمایش مناطق مرزی دو پاره آلمان و درس‌هایی برای ایران، صغه، ش ۲۹؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۷- توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، باغ نظر، ش ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- ۸- عنصلیب، علیرضا (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، چاپ اول.
- ۹- مخدوم، مجید (۱۳۷۴). شالوده آمایش سرزمین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- نیومن، پیترو و تورنلی، اندی (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی شهری در اروپا: رقابت بین‌المللی، نظام‌های ملی و طرح‌های برنامه‌ریزی، ترجمه: عارف اقوامی‌مقدم، تهران: انتشارات آذرخش.
- ۱۱- ولی‌قلی‌زاده، علی؛ یاشار ذکی (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران برای کشورهای CIS. فصلنامه ژئوپولیتیک. سال چهارم. شماره سوم. صفحات ۵۶-۲۳.
- ۱۲- Chandoevvit, worawan; yongyuth chalamwong; sawooth paitoonpong (۲۰۰۴), Thailand cross border economy, Thailand Development resource institute.
- ۱۳- European Commission (۱۹۹۷), Compendium of European planning systems. Regional Development Studies Report ۲۸. Office for Official Publications of the European Communities, Luxembourg.
- ۱۴- Gregory, Derek, Johnston, Ron, Pratt, Geraldine, Watts, Michael J, and Whatmore, Sarah (۲۰۰۹), the Dictionary of Human Geography, ۵th Edition, New York, John Wiley & Sons.
- ۱۵- UNECE (۲۰۰۵), Trends in Europe and North America - The Statistical Pocketbook of the Economic Commission for Europe. United Nations, New York.
- ۱۶- UNITED NATIONS (۲۰۰۸), Key Instrument for Development and Effective Governance with Special Reference to Countries in Transition, New York and Geneva.

مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه

دکتر نجات محمدی فر^{۱*}، دکتر علی مرادی^۲

۱- استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام آبادغرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آبادغرب، ایران

*نویسنده مسئول: n.mohammadifar@ardakan.ac.ir

چکیده:

هدف این مطالعه مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه است. تحقیق حاضر با روش ترکیبی شامل دو بخش کمی و کیفی به مطالعه آن پرداخت. جامعه آماری در بخش کیفی شامل صاحب‌نظران و متخصصین آگاه به موضوع پژوهش بودند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی به صورت هدفمند از نوع گلوله برفی بود، که با تعداد ۳۰ نخبه و صاحب‌نظر به اجماع نظری رسید. در بخش کمی جامعه آماری شامل شهروندان مناطق مرزی استان کرمانشاه بودند. که تعداد این افراد بر اساس برآوردهای اولیه ۵۴۰ نفر بودند. ابزار گردآوری اطلاعات؛ مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و پرسشنامه‌های محقق‌ساخته بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها بعد از انجام مصاحبه‌ها از روش تحلیل کدگذاری برای شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های فرهنگی و امنیت پایدار مرزی استفاده شد. همچنین در قسمت کمی مطالعه از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که امنیت پایدار مرزی از دیدگاه پاسخگویان دارای ۱۹ واحد معنایی می‌باشد که در شش مقوله مشترک «امنیت اقتصادی»، «امنیت اجتماعی»، «امنیت سیاسی»، «امنیت زیست‌محیطی»، «امنیت نظامی» و «امنیت فرهنگی» قرار گرفتند. از طرفی ابعاد فرهنگی مرزنشینان مشتمل بر شش بُعد «مشارکت و تعاون»، «انسجام فرهنگی»، «تعامل دوطرفه»، «بصیرت و آگاهی»، «ایدئولوژی» و «غیرت و جوانمردی» قرار گرفتند. ماتریس همبستگی بین مقوله‌های فرهنگی و امنیت پایدار مرزی نشان می‌دهند که ارتباط معنادار و مستقیمی بین هر یک از مؤلفه‌های این ماتریس وجود دارد. می‌توان گفت دو مقوله هسته‌ای امنیت پایدار مرزی و مؤلفه‌های فرهنگی شش‌گانه مرزنشینان در یک رابطه دیالکتیکی با هم قرار دارند؛ به نحوی که در تعامل دوطرفه این مولفه‌ها سامان اجتماعی در مرزها شکل می‌گیرد و مرزنشینان شاهد نوعی امنیت پایدار می‌باشند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، توسعه، امنیت، مرزنشینان، کرمانشاه

۱- مقدمه

حیات اجتماعی بشر با ایجاد «مرز» سامان می‌یابد. انسان‌ها در طول تاریخ همواره درصدد ایجاد حریم برای خود بوده‌اند. اگرچه با پیچیده‌تر شدن زندگی مرزهای فیزیکی به شکل مرزهای ذهنی از جمله مرزهای فرهنگی، تمدنی، مذهبی و هویتی درآمده است، لیکن بشر مدرن با تأسیس دولت - ملت بر تداوم، تحکیم و حتی توسعه مرزهای فیزیکی اهتمام نمود. اگر اساس سیاست عصر مدرن را تفاوت و منازعه بر سر منابع قلمداد کرد بی‌تردید یکی از مهم‌ترین تجلیات سیاست تحدید مرزهای «دیگران» و توسعه مرزهای «خود» است. لذا، حفظ مرزهای جغرافیایی یکی از اولین کارکردهای سیاسی دولت‌ها است. تحقق این کارکرد تابعی از عوامل متعدد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی زیست محیطی است. اگرچه در جهان توسعه‌یافته تلقی از مرز تا حدود زیادی متحول شده است اما حتی در این جوامع و علیرغم درهم‌تنیدگی‌های بسیار هنوز هم مرزهای فیزیکی اعتبار خود را حفظ کرده‌اند. این مسئله یعنی ضرورت حفظ و حراست از مرزهای فیزیکی در جهان در حال توسعه و مناطق پر آشوب جهان همانند خاورمیانه اهمیت بسیار بالاتری دارد.

امنیت پایدار مرزی که خود محصول وجود جنبه‌های مثبتی از درهم‌تنیدگی عوامل نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است، می‌تواند موجب کاهش دغدغه‌ها و نگرانی‌های ملی و در نتیجه کاهش همه‌جانبه هزینه‌ها گردد. در برابر، فقدان امنیت پایدار مرزی ضمن بالابردن هزینه‌ها، زمینه را برای فاصله گرفتن کشور از برنامه‌های توسعه فراهم می‌سازد. مرزهای فیزیکی ناامن امکان برنامه‌ریزی در تمام حوزه‌های دیگر را سلب می‌کند. در غیاب امنیت پایدار مرزی تدوین برنامه‌های فرهنگی، صنعتی، آموزشی، بهداشتی، زیست محیطی و... امکان‌پذیر نیست. از این روی و بنابر ضرورت برنامه‌ریزی برای توسعه فهم وضع موجود امنیت مرزها در هر کشوری اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین حفظ امنیت مرزها در ابعاد مختلف از دغدغه‌های اصلی کشورهای است که مرزهای طولانی دارند و معمولاً سیاست‌گذاری درست و مطلوبی در این حوزه صورت نمی‌گیرد. این مناطق از آن جهت که در معرض انواع تهدیدهای داخلی و خارجی قرار گرفته و تأثیر مستقیمی بر امنیت پایدار سایر مناطق کشور نیز دارند باید در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرند. ضمن آن که باید گفت هر منطقه مرزی متأثر از شرایط جغرافیایی و محیطی که دارد، عوامل مختلفی در ایجاد و ارتقاء امنیت پایدار مرزی آن‌ها دخیل هستند که این شرایط باید استخراج و متناسب با آن سیاست‌گذاری صورت گیرد. از این‌رو راهکارهای ارتقاء امنیت پایدار مرزنشینان از یک منطقه مرزی تا منطقه مرزی دیگر متفاوت است.

تبیین وضعیت امنیت پایدار مرزی برای جمهوری اسلامی ایران با توجه به وجود لایه‌های متراکمی از بحران‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و حتی داخلی اهمیت بیشتری دارد و از آنجائی که استان کرمانشاه به دلایل مختلف در کانون بسیاری از این بحران‌ها قرار دارد درک وضعیت امنیت پایدار مرزی، شناخت مؤلفه‌های درگیر در آن و نیز ارائه مدل تأمین امنیت پایدار مرزی یک ضرورت اساسی است. مرز استان کرمانشاه با کشور عراق از جهات بوم‌شناختی، جمعیت‌شناسی، قوم‌نگاری، مطالعات فرهنگی، سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز توسعه اقتصادی حاوی پیچیدگی‌ها و مسائل مهمی است که فقدان درک دقیق آن‌ها و نداشتن مدل دقیق تأمین امنیت پایدار مرزی می‌تواند زمینه را برای وقوع آسیب‌های جبران‌ناپذیر ملی فراهم سازد. بسیار مبرهن است که بخشی از منازعه و ناامنی در مرزهای استان محصول عوامل بوم‌شناسانه از جمله مؤلفه‌های فرهنگی قومی و به‌ویژه مذهبی است. این عوامل به‌ویژه با استقرار نظام جمهوری اسلامی بر محور فقه شیعی بروز و ظهور بیشتری پیدا کرده است. لذا در کنار عوامل بین‌المللی و منطقه‌ای باید بر سطح تحلیل اجتماعی و هویتی منطقه به‌عنوان زمینه‌های ناامنی مرزهای استان کرمانشاه توجه ویژه داشت. اینکه مردمان ساکن در مرزهای استان کرمانشاه از جهات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، هویتی - فرهنگی و درک عناصر دولت ملی در چه وضعیتی قرار دارند، در کنار فهم شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند تصمیم‌گیرندگان را به مدل استقرار امنیت پایدار مرزی رهنمون سازد. بر این اساس هدف کلی تحقیق حاضر شناخت مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه است.

۲- ادبیات نظری پژوهش

۱-۲- مفهوم امنیت

در تعریف لغوی، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن، آرامش خاطر، آسودگی و اطمینان، محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید تعریف شده است (معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲؛ المنجد، ۱۳۷۳: ۱۸؛ عمید، ۱۳۷۹: ۲۳۳؛ بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). اندیشمندان از زوایای گوناگون مفهوم امنیت را تعریف نموده‌اند: برخی بر مصونیت فعالیت‌های اقتصادی (Hoffman, ۱۹۸۱: ۴۰۸)، عده‌ای بر حفظ نظم قانونی و تأکید بر هویت اصیل خود در زمان و مکان، برخی بر فقدان ترس و تهدید نسبت به ارزش‌های جامعه و برخی هم امنیت را نه به عنوان هدف بلکه به عنوان یک نتیجه تعریف می‌کنند که تا زمانی که مورد تهدید واقع نشده، مفهوم آن شناخته نمی‌شود (Ullman, ۱۹۸۱: ۱۹۲). بوزان، امنیت را مفهومی توسعه‌نیافته می‌داند که دچار طاعون ابهام است. ولفرز^۶ امنیت را به مثابه نماد مبهم تلقی می‌کند. مک‌سوینی^۷ مفهوم امنیت را بسیار لغزنده تلقی نموده که محمول‌های متعددی اعم از افراد، جامعه، دولت‌ها و غیره را شامل می‌شود و لذا پرسش از مفهوم امنیت در ابتدای هر پژوهشی مربوط به آن را امری ضروری می‌داند (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۵). بوزان بر این باور است که امنیت در مفهوم جامع آن، به طور معقول از دایره دستیابی کامل خارج است. چرا که هر یک از افراد جامعه اعم از غنی و فقیر به طور نسبی در معرض تهدیدات مختلفی از جمله تهدیدات طبیعی (مانند زلزله، قحطی، سیل)، تهدیدات فیزیکی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (سرقت یا تخریب اموال، عدم اشتغال)، تهدیدات حقوقی (زندانی شدن، فقدان آزادی بیان)، تهدیدات موقعیتی (از دست دادن شغل، تنزل رتبه)، تهدیدات اجتماعی (نبود اعتماد، فقدان تعهد، ترس از دست دادن آبرو و ارزش‌های اخلاقی) و تهدیدات فرهنگی (عدم دسترسی به دانش و معرفت، تضعیف الگوهای فکری و رفتاری) قرار می‌گیرند (Buzan, ۱۹۹۸: ۹). در مجموع می‌توان مفهوم امنیت را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد؛ تعریف نمود.

۲-۲- امنیت پایدار

امنیت پایدار، مفهوم تازه‌ای است که نحوه تفکر درباره امنیت ملی در دنیای مدرن، متحول و جهانی شده را تعریف می‌کند. ما در دنیایی به هم پیوسته زندگی می‌کنیم که امنیت ما اکنون به طور غیرقابل بازگشت با امنیت دیگران در ارتباط است. این واقعیت خواستار یک الگوی جدید است. رویکردی مترقی به سیاست خارجی و امنیت ملی که بر توسعه در کنار دفاع و دیپلماسی تأکید دارد. امنیت پایدار، بازنگری جسورانه در مورد امنیت ملی است که به معرفی مفهوم امنیت جمعی و انسانی می‌پردازد و سه ابزار سیاست خارجی - دفاع، دیپلماسی و توسعه - را تقویت می‌کند. امنیت پایدار، امنیتی است که در طول زمان بتواند ثابت و استوار بماند و در مقابل تهدیدها بتواند خود را حفظ کند، قدرت استفاده از فرصت‌ها در مقابل تهدیدها را داشته باشد و دارای راهبردی همیشگی در مقابل راهبردی مقطعی باشد. از این منظر، کشوری از امنیت پایدار برخوردار خواهد بود که نه فقط در کوتاه‌مدت بلکه در پروسه زمانی بلندمدت، توانایی پاسخگویی به نیازهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عرصه داخلی را داشته و در عرصه خارجی نیز از جایگاهی مناسب برخوردار بوده و با کوچک‌ترین تنش بنیان‌هایش به لرزه در نیاید (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۵۷-۳۱). آبوت و مارسدن معتقدند که امنیت پایدار به منزله «مبارزه با علایم» نیست بلکه به منزله «مقابله با علت‌ها» است. از این روی امنیت پایدار شامل دو مؤلفه اساسی است: الف) فهم روندهای امنیتی در هم‌تنیده و یکپارچه (ب) واکنش‌های پیشگیرانه‌ی

^۵ - Buzan

^۶ - Wolfers

^۷ - Mcsweeney

در حال تحول و توسعه. در نهایت آن‌ها معتقدند که امنیت پایدار بر چهار نیروی پیشران و به هم مرتبط نامنی تمرکز دارد: (۱) تغییرات اقلیمی (۲) رقابت بر سر منابع (۳) به حاشیه رانده شدن اکثریت جهان (۴) نظامی شدن جهان (Abbott & Marsden, ۲۰۰۸: ۱۶). مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۳ چهارچوب امنیت پایدار را با رویکرد اقتصادی-اجتماعی شامل هشت مؤلفه می‌داند: (۱) نقش کار (۲) سواد مالی مردم (۳) ابزارهای بخش خصوصی (۴) بازار سرمایه کارآمد (۵) وجود حداقل سود برای همه و تأمین اجتماعی کافی و قابل‌اتکا (۶) ابزارهای برای مدیریت دموکراتیک (۷) تحرک سیستم تأمین اجتماعی (۸) نظام تأمین اجتماعی منعطف و منسجم (World Economic Forum, ۲۰۱۴).

پایداری و مفاهیم ترکیبی آن مانند امنیت پایدار ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و محیط زیستی در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می‌شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۹). بنابراین فهم امنیت پایدار مستلزم بررسی همه جنبه‌های آن است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۲-۱- امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی در درون حوزه‌های متفاوتی که فرد در داخل جامعه با آن‌ها مواجهه است گفته می‌شود، مانند حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت اجتماعی مورد سؤال قرار گیرد. امروزه امنیت اجتماعی در جامعه نه تنها به بُعد فیزیکی و مادی محدود نمی‌شود، بلکه به معنای احساس آرامش و اطمینان خاطر و فقدان اضطراب و ترس است. در حقیقت امنیت اجتماعی معطوف به حفظ و نوع روش زندگی است (گیدنز^۱، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

۲-۲-۲- امنیت نظامی: امنیت نظامی در هر جامعه‌ای به مفهوم آن است که کشور از خطر تهدیدهای نظامی در امان باشد. بدیهی است یک جامعه در صورتی می‌تواند امنیت نظامی داشته باشد که علاوه برداشتن قابلیت‌های نسبی لازم سیاسی، اقتصادی، علمی، فناوری، انسانی، عمق راهبردی و رهبری قوی، نیروهای مسلح آن جامعه نیز از قدرت و توان رزمی نسبی برتر برای پاسخ‌گویی به تهدیدهای بالقوه و بالفعل نظامی موجود علیه کشور برخوردار باشند؛ به عبارت دیگر برای رسیدن به امنیت نظامی، کسب و توسعه عوامل و مؤلفه‌های قدرت نظامی برتر در ابعاد محسوس و نامحسوس و برترساز نسبت به دشمنان و رقیبان، ضرورتی حیاتی دارد و نیل به این عوامل تنها در سایه وجود رهبری توانا، اقتصاد قوی، فناوری پیشرفته، وسعت مناسب سرزمین، نیروی انسانی کافی، طرح‌ریزی‌ها و برنامه‌ریزی‌های واقع‌بینانه و همه‌جانبه راهبری میسر است (تهامی، ۱۳۹۰).

۲-۲-۳- امنیت زیست‌محیطی: امنیت زیست محیطی به حداقل رساندن تهدیدات انسانی به سلامت عملکرد زیست‌کره و در نتیجه مؤلفه‌های انسانی وابسته به آن است (Barnett, ۱۹۹۷). به عبارت دیگر، منظور از تأمین امنیت محیط زیست، محافظت در برابر تخریب محیط زیست به منظور حفظ یا محافظت از منابع انسانی، مادی و طبیعی در مقیاس‌های مختلف از جهانی تا محلی است (Belluck, ۲۰۰۷).

۲-۲-۴- امنیت اقتصادی: امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلا اجرا مانند تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد. امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به‌طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند. به عبارت دیگر یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود بپردازد (برومند و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵).

۲-۲-۵- امنیت سیاسی: امنیت سیاسی یکی از پنج بخش تحلیل در چارچوب مطالعات امنیتی کپنهاگ است. در محافل سیاسی، امنیت سیاسی بخشی از یک برنامه امنیتی بشر است (Emmers, ۲۰۰۷: ۱۱۱). گزارش توسعه انسانی (HDR)

^۱.Giddens

امنیت سیاسی را به عنوان جلوگیری از سرکوب دولت، نقض منظم حقوق بشر و تهدیدات نظامی سازی تعریف کرده است (۸۸: ۲۰۱۵، Hassan). در واقع امنیت سیاسی بر بسیاری از آزادی‌هایی که جوامع دموکراتیک از آن برخوردار هستند، تأکید می‌کند (۲۰۰۵: ۷۶۶، McEldowney). امنیت سیاسی را می‌توان به عنوان آزادی عمل معقول تعریف کرد که به فرد امکان پیگیری و دستیابی به اهدافی را می‌دهد که بازیگران ملی دفاع از آن‌ها را حتی در صورت حضور بالقوه یا واقعی تهدیدات خارجی در سیاست جهانی ضروری می‌پندارند (۱۰۶: ۲۰۰۳، Inoguchi).

۲-۳- الگوهای نظری امنیت پایدار

با توجه به گوناگونی نظریه‌ها در باب امنیت و تأکید آن‌ها بر مؤلفه‌های خاصی از امنیت می‌توان این نظریات را در قالب سه الگوی قدرت محور، تناسب محور و انسجام محور طبقه‌بندی کرد (لطفی، ۱۳۹۰: ۳۵) که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۳-۱- الگوی امنیت پایدار قدرت محور: گروهی از نظریه‌پردازان علم سیاست، امنیت ملی را با توانایی و قدرت ملی یک کشور مساوی دانسته‌اند. بنابراین بازیگر سیاسی که در پی برخورداری از وضعیت امن و به‌ویژه امنیت پایدار می‌باشد لاجرم باید بر اصل افزایش قدرت و مهم‌تر از همه بر قدرت نظامی همت گمارد. دولت‌ها باید در مقام تجمع قدرت برآمده و به این وسیله توان خود را در کاربرد زور و قدرت تا حد امکان افزایش دهند (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۵۹-۱۵۶). از این دیدگاه هر چه بر میزان قدرت یک کشور افزوده شود امنیت آن کشور افزایش می‌یابد و پایدارتر می‌شود و کاهش قدرت ملی تزلزل و ناپایداری امنیت را به همراه دارد و موجب ناامنی می‌گردد. در این حالت امنیت مترادف با قدرت تلقی می‌شود.

۲-۳-۲- الگوی امنیت پایدار تناسب محور: دومین الگویی که در حوزه امنیت پایدار به آن اشاره می‌شود الگوی تناسب محور است. این الگو ریشه در مطالعات فرا سنتی دارد و بر تعدد ابعاد امنیتی تأکید می‌کند. بنابراین مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در این الگو در مورد پایداری امنیت مورد توجه است تناسب بین ابعاد اقتصادی، زیست محیطی، فرهنگی، علمی و فناوری امنیت است و امنیت پایدار با مفهوم تناسب در این ابعاد تعریف می‌شود (لطفی، ۱۳۹۰: ۵۶).

۲-۳-۳- الگوی امنیت پایدار انسجام محور: این الگوی پایدار امنیتی که بیشتر در دنیای معاصر با نسل موج مدرن امنیتی آغاز می‌شود تأکیدش بر بحث همگنی یا انسجام می‌باشد. در واقع در این دیدگاه امنیت کل واحدی نیست بلکه در حوزه‌های مختلف آن ابعادی وجود دارد که باید در مقام امنیت‌سازی بتوان بین این ابعاد ارتباط هویتی ایجاد کرد. بنابراین به تبع تغییر در منطق کنش‌های امنیتی و اهمیت یافتن عناصر غیرنظامی قدرت ملی در کنار عناصر نظامی آن و از فراتر رفتن مفهوم امنیت از بُعد عینی و اهمیت یافتن عناصری چون فرهنگ، اراده و روحیه ملی در بُعد ذهنی به‌ویژه هویت و تأکید بر زمینه‌وند بودن است که طرح مقوله ساخت اجتماعی در تحلیل امنیت به یکی از مسلمات این حوزه مطالعاتی تبدیل می‌شود (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۸۱). در این حالت پایداری امنیت را در همگنی و انسجام هویت اجتماعی می‌دانند. بنابراین بر مبنای این رویکرد اگر فرهنگ در قیاس با نظامی‌گری رشد کند این تناسب است اما اگر این دو بتوانند در هویتی مشابه هم رشد کنند و در این هویت بازتولید شوند یعنی از درون فرهنگ، نظامی‌گری و قدرت محوری به وجود آید این امر زمینه‌ساز شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی خواهد شد که هویت عامل انسجام دهنده و پایدارکننده آن خواهد بود. در نتیجه امنیت را نمی‌توان مستقل از جامعه فهم کرد و لازمه پایداری آن بازتولید اجتماعی مفهوم امنیت است. مصادیق آن را می‌توان در عصر حاضر در مکتب کپنهاک در قالب امنیت اجتماعی مشاهده نمود (لطفی، ۱۳۹۰: ۷۵). این پژوهش بر مبنای این الگوی نظری قرار گرفته است.

۲-۴- پیشینه تحقیق

در زمینه پژوهش حاضر مطالعاتی صورت گرفته که نگاهی کلی به آن‌ها محتوای پژوهش حاضر را غنی‌تر می‌سازد: امیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نقش عوامل محیطی در امنیت و توسعه پایدار مرزها (مطالعه موردی: مرز شیروان با ترکمنستان در استان خراسان شمالی)» به این نتایج رسیدند که در میان عوامل محیطی، تنها توجه به عوامل

محیط طبیعی، جهت امنیت مرزها، ضروری نیست، بلکه باید جهت امنیت مرزها به همه عوامل (طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) به یک اندازه توجه شود. پژوهش حاضر با مفروض در نظر گرفتن این نتیجه، به دنبال ارائه راهکارهای ارتقاء عوامل فرهنگی دخیل در امنیت پایدار مرزی در استان کرمانشاه است.

کریمی و وفايي (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «امنیت‌سازی با توسعه پایدار در مناطق مرزی (مطالعه موردی، شهر میوان)» تلاش کردند که با معرفی توسعه پایدار مناطق مرزی به عنوان راهبرد اساسی حفظ و گسترش امنیت مناطق مرزی به بررسی یکی از مناطق مرزی کشور بر اساس این دیدگاه بپردازند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که توسعه پایدار، ارمغان امنیت و امنیت پایدار، ارمغان توسعه است و امکانات در منطقه مطابق الگوی مناسب توزیع نشده و در جهت تحقق توسعه پایدار نمی‌باشد. با عنایت به اینکه نظام برنامه‌ریزی ایران به صورت بخشی می‌باشد و این نوع برنامه‌ریزی به ویژگی‌های مناطق مرزی بی‌توجه است.

عباس‌زاده و کرمی (۱۳۹۰) در پژوهشی به ارتباط سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار پرداختند. دستاورد نظری آن‌ها نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی، به شیوه‌های مختلف، از جمله افزایش یکپارچگی ملی، تسهیل مدیریت دشواری‌های سیاسی-اقتصادی، پیش‌گیری از انفعال سیاسی-اجتماعی، ارتقاء ظرفیت نظام سیاسی، تثبیت و ارتقای هویت ملی و تعمیق اعتماد، در پایداری امنیت ملی، نقش مستقیم دارد.

تراوره^۹ (۲۰۱۷) در پژوهشی به این نتیجه یافت که دستیابی به اهداف توسعه پایدار با در نظر گرفتن دو عنصر اصلی زبان و فرهنگ تسهیل می‌شود. زبان به عنوان ابزاری اساسی برای برقراری ارتباط و فرهنگ به عنوان پشتیبانی از انسجام اجتماعی، احترام به ارزش‌های تعیین‌شده و تاب‌آوری نقش تعیین‌کننده در اجرای اقدامات استراتژیک با هدف توسعه پایدار دارد.

هاوکس^{۱۰} (۲۰۰۱) در کتاب خود با عنوان «ستون چهارم پایداری: نقش اساسی فرهنگ در برنامه‌ریزی‌های عمومی» بر این اعتقاد است فرهنگ به همان میزان برابری اجتماعی، مسئولیت زیست‌محیطی و دوام اقتصادی برای جامعه سالم و پایدار ضروری است. برای اینکه برنامه‌ریزی‌های عمومی مؤثرتر باشد، متدولوژی آن باید چارچوب یکپارچه ارزیابی فرهنگی را در امتداد خطوط مشابه با مواردی که برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی توسعه‌نیافته دارند، در برگیرد.

به‌طور کلی باید گفت تاکنون پژوهشی به منظور شناسایی وضعیت امنیت پایدار در مناطق مرزی کرمانشاه با نگاهی فرهنگی صورت نگرفته است. از این‌رو پژوهش حاضر با در نظر گرفتن عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی سعی دارد، راهکارهای ارتقاء امنیت پایدار مرزهای استان کرمانشاه را از بُعد فرهنگی ارائه دهد.

۲-۵- فرضیه‌های پژوهش:

فرضیه اصلی: بین مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار وجود دارد.
فرضیه‌های فرعی:

امنیت پایدار مناطق مرزی در حد بالایی قرار دارد.

بین مشارکت و تعاون و امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار وجود دارد.

بین انسجام فرهنگی و امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار وجود دارد.

بین تعامل دوطرفه و امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار وجود دارد.

بین بصیرت و آگاهی و امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار وجود دارد.

بین ایدئولوژی و امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار وجود دارد.

بین غیرت و جوانمردی و امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار وجود دارد.

^۹ - Traore

^{۱۰} - Hawkes

۳- روش پژوهش

از آن جا که اصول بنیادی مربوط به گزینش نمونه، استنباطها و تعمیمها از یافتهها و نتایج در مورد جمعیتی که نمونه از آن انتخاب شده است در این پژوهش رعایت می شود و پژوهشگر در آن بر نتایج متمرکز می شود، لذا روش پژوهش در این مطالعه از نوع کاربردی است. از نظر روش، در این پژوهش از روش تلفیقی (توصیفی تبیینی از نوع پیمایشی برای بُعد کمی و روش نظریه زمینه‌ای برای بُعد کیفی) استفاده گردید. دلیل انتخاب این روشها این است که در روش توصیفی، پژوهشگر به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی و آنچه هست، می پردازد و از طرفی در روش نظریه زمینه‌ای سعی در ارائه الگوی مطلوب برای ارتقای امنیت پایدار مرزی با توجه به نقش مؤلفه های فرهنگی برسد. در نظریه زمینه‌ای سه مرحله درک مستقیم، تجزیه و تحلیل و توصیف استفاده شد. در مرحله درک مستقیم، محقق کاملاً در پدیده مورد نظر غوطه‌ور می شود. در این فرایند، محقق ضمن اجتناب از هر گونه نقد، بررسی و اظهار نظر شخصی، پدیده مورد نظر را آن گونه می شناسد که مشارکت کنندگان توصیف می کنند. در مرحله تجزیه و تحلیل، محقق به دنبال تشخیص جوهره‌ی پدیده مورد نظر و تم‌های اصلی و مشترک است. در مرحله توصیف که مرحله آخر و مکمل مراحل قبلی است، اجزای اصلی و شاخص پدیده‌ها به هم مرتبط شده و تم‌ها و جوهره‌های موجود در پدیده‌ها گروه‌بندی می شوند.

جامعه آماری قسمت کیفی مطالعه شامل صاحب نظران و متخصصین آگاه به موضوع تحقیق هستند. با توجه به عدم اشراف در خصوص تعداد دقیق جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی در بخش کیفی استفاده شد. بدین منظور پس از اشیاع نظری، تعداد ۳۰ نخبه و صاحب نظر به عنوان نمونه انتخاب شدند. این افراد شامل ۱۰ عضو هیئت علمی، ۱۵ افراد بومی مسلط به موضوع و ۵ نفر از فرماندهان ارشد نظامی و مرزبانی که تجربه مدیریت مرزها را داشته و به حوزه مرزها تسلط کامل را داشتند. در بخش کمی جامعه آماری در این مطالعه شهرهای مرزنشین استان کرمانشاه می باشد که شامل ۶ شهر پاوه، جوانرود، ثلاث باباجانی، سرپل ذهاب، قصر شیرین و گیلانغرب می باشد. با توجه به این که جامعه آماری در این مطالعه زیاد است و بر اساس آمار رسمی سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد جمعیت این شهرها روی هم رفته برابر با ۳۳۷۰۹۷ نفر است و امکان گردآوری داده‌ها از همه افراد وجود ندارد، بنابراین از نمونه‌گیری استفاده به عمل آمد. حجم نمونه بر اساس نرم افزار SPSS Sample Power برابر با ۵۴۰ نفر است که به نسبت جمعیت هر یک از شهرها حجم نمونه آنها نیز به دست آمد. جدول شماره ۱ جمعیت و نمونه هر یک از شهرهای مرزی استان را نشان می دهد.

جدول ۱: جمعیت آماری و حجم نمونه به تفکیک شهرهای مرزی استان

ردیف	نام شهر	جمعیت	نمونه	ردیف	نام شهر	جمعیت	نمونه
۱	پاوه	۶۰/۴۳۱	۹۷	۴	سرپل ذهاب	۸۵/۳۴۲	۱۳۷
۲	جوانرود	۷۵/۱۶۹	۱۲۱	۵	قصر شیرین	۲۳/۹۲۹	۳۸
۳	ثلاث باباجانی	۳۵/۲۱۹	۵۶	۶	گیلانغرب	۵۷/۰۰۷	۹۱
	جمع کل	۳۳۷۰۹۷	۵۴۰				

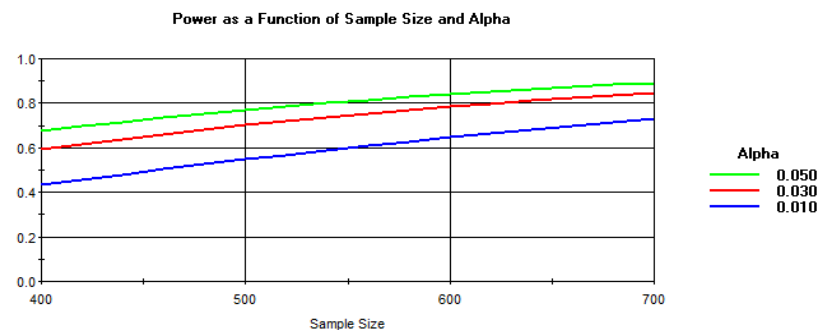
از آن جا که قسمت کمی مطالعه حاضر مبتنی بر آزمون فرضیه و نظریه داده بنیاد قرار دارد، لذا برآورد نمونه‌گیری با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power در مسیر تحلیل توان (Power) انجام گرفت. حجم نمونه با توجه به پیش فرضهای مربوط به نمونه‌گیری احتمالی (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل) و با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power به تعداد ۵۴۰ نفر مشخص گردید.

جدول ۲: نحوه انتخاب حجم نمونه با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power

Power as a Function of Sample Size, Alpha

Tails = 2, Corr 1 = 0.120, Corr 2 = 0.000

Alpha	N1=	400	420	440	460	480	500	520	540	560	580	600	620	640	660	680	700
0.010	N2=	400	420	440	460	480	500	520	540	560	580	600	620	640	660	680	700
0.010		0.433	0.457	0.480	0.503	0.525	0.547	0.568	0.589	0.609	0.628	0.647	0.665	0.682	0.699	0.715	0.731
0.030		0.595	0.618	0.640	0.661	0.681	0.701	0.719	0.737	0.753	0.769	0.784	0.798	0.811	0.824	0.836	0.847
0.050		0.674	0.696	0.716	0.735	0.753	0.770	0.786	0.801	0.815	0.828	0.840	0.852	0.863	0.873	0.882	0.891



در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه و مصاحبه انجام گرفت. برای بُعد کمی مطالعه از پرسشنامه استفاده شده و در مرحله دوم و برای بُعد کیفی اطلاعات از روش مصاحبه منظم استفاده به عمل آمد. در این مرحله با ۳۰ نفر از خبرگان در زمینه امنیت پایدار مرزی شامل نخبگان دانشگاهی، مسئولین مربوطه در ادارات و افراد صاحب‌نظر استان مصاحبه به عمل آمد و اطلاعات لازم گردآوری شد.

۱-۳) مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و امنیت پایدار مرزی

۱-۱-۳) مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان

پس از مصاحبه با نخبگان و افراد مطلع و جمع‌آوری نظرات آن‌ها، نسبت به تعیین مؤلفه‌های امنیت پایدار مرزی و مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان به شرح زیر اقدام شد. در این راستا برای سنجش مؤلفه‌های به دست آمده از نخبگان، شاخص‌های هر یک از مفاهیم اصلی مورد سنجش پیمایشی قرار گرفت. برای مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان، موارد زیر به دست آمد:

۱-۱-۳) **جهاد با بصیرت و آگاهانه:** به معنای ایثار جان و مال در راه اعتلای اسلام و پایداری در راه اقامه شاعر دینی با تحمل مشکلات و مقاومت در برابر طوفان حوادث همراه با توان تشخیص حق از باطل و پی بردن به کنه فتنه و رفتار منافقانه دشمنانی که به منظور رخنه در صفوف مسلمین لباس مسلمانی پوشیده‌اند.

۱-۱-۳) **مؤلفه فکری و اعتقادی (ایدئولوژی):** به معنای شناخت بنیان‌های اعتقادی دشمن و تجهیز خویشتن به سلاح اندیشه و فکر و پای نهادن در میدان مبارزه اعتقادی و فکری در تمامی صحنه‌ها.

۱-۱-۳) **تعهد و وفاداری همراه با غیرت و جوانمردی و فرهنگ عاشورایی:** پایبندی به اصول دینی و تعهدات اخلاقی و اسلامی، وفای به عهد و پیمان تحت هر شرایطی لازم است. ذلت ناپذیری و استقامت در مقابل هتک حرمت نوامیس ملی، فرهنگی و سیاسی توسط بیگانگان و پافشاری بر اصول لامتغیر دینی و ملی و جان‌نثاری در راه آرمان‌ها.

۱-۱-۳) **مشارکت و تعاون:** به معنی همکاری و مشارکت دسته‌جمعی مردم در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی خودشان است.

۱-۱-۳) **انسجام فرهنگی:** به معنای مجموعه‌ای از مشترکات فرهنگی مادی و غیرمادی در یک جامعه مشخص در زمان و مکانی مشخص که امکان تداوم یافتن کارکردی و شناختی آن جامعه را به وجود بیاورد.

۳-۱-۱-۶) **تعامل با مراکز دانشگاهی و توسعه شبکه رسانه‌ای:** به معنای استفاده از نیروی انسانی متخصص و ماهر و استفاده از دانش و مهارت آن‌ها در تمامی عرصه‌ها بویژه امنیت پایدار است که در این زمینه توسعه شبکه رسانه‌ای نیز ضمن تسهیل ارتباط نزدیک نخبگان و جامعه، زمینه آگاهی بخشی مرزنشینان را از مولفه‌های تاثیرگذار بر امنیت پایدار را بوجود می‌آورد.

۳-۱-۲) مؤلفه‌های امنیت پایدار مرزی

۳-۱-۲-۱) **امنیت اجتماعی:** امنیت اجتماعی توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و ... در حفظ هستی و هویت خود است (بوزان^{۱۱}، ۱۹۹۷: ۴۰). در این پژوهش امنیت اجتماعی با استفاده از شاخص‌های آمایش سرزمینی، رفاه اجتماعی و توسعه اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت.

۳-۱-۲-۲) **امنیت اقتصادی:** امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند. به عبارت دیگر، یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود بپردازند (عطوفی و جاویدان، ۱۳۹۵: ۱۹). در پژوهش حاضر امنیت اقتصادی با شاخصه‌هایی همچون توجه به صادرات، رونق کشاورزی و دامداری و معیشت و اشتغال مورد سنجش قرار گرفته است.

۳-۱-۲-۳) **امنیت زیست محیطی:** امنیت زیست محیطی، امنیتی است که در چارچوب آن برخورداری از طبیعت محیط زیست سالم و غنی، حق طبیعی انسان تلقی شود و از آن حمایت به عمل آید (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۲۱۲-۲۱۱). در این پژوهش امنیت زیست محیطی با استفاده از دو شاخص آگاهی زیست محیطی و رفتار زیست محیطی مورد سنجش قرار گرفت.

۳-۱-۲-۴) **امنیت سیاسی:** بوزان امنیت سیاسی را به ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌های مشروعیت دهنده به آن‌ها تعریف کرد (احمدی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۳۵). امنیت سیاسی در پژوهش حاضر با سه شاخصه اقتدار سیاسی، تعامل با همسایه‌ها و نبود تعارض سیاسی مورد سنجش قرار گرفت.

۳-۱-۲-۵) **امنیت نظامی:** امنیت نظامی عبارت است از میزان قابلیت نیروهای مسلح یک کشور برای حفاظت از حکومت و مردم در مقابل تهدیدهای قهرآمیز (ماندل، ۱۳۸۹: ۶۷). امنیت نظامی با استفاده از دو شاخص دفع تهدیدها و فناوری نظامی نوین مورد سنجش قرار گرفت.

۳-۱-۲-۶) **امنیت فرهنگی:** امنیت فرهنگی ظرفیت یک جامعه برای حفاظت از ویژگی‌های خاص خود در مقابل تغییر شرایط و تهدیدات مادی و معنوی است. به عبارت دقیق‌تر امنیت فرهنگی شامل بقای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوستگی، هویت و آداب و رسوم دینی یا ملی با اجازه دادن به تغییرات قابل قبول است (فرست، ۲۰۰۴: ۲). امنیت فرهنگی با شاخصه‌هایی همچون تنوع فرهنگی و توجه به عشایر بومی، ساده زیستی توأم با مصرف‌گرایی و اشتراکات دینی قومی قبیله مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول شماره ۲ نحوه سنجش مفاهیم و متغیرها را با مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌های آن‌ها بیان می‌کند. در این مطالعه امنیت پایدار مرزی در قالب پنج مؤلفه و هر یک از مقوله‌ها بر اساس چند شاخص و هر شاخص با چند گویه عملیاتی می‌شود. گویه‌های مورد استفاده برای هر یک از شاخص‌ها و در نهایت مفاهیم، در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد به نحوی که به گزینه کاملاً موافق (خیلی زیاد) کد ۵، موافق (زیاد) کد ۴، بی‌نظر (متوسط) کد ۳، مخالف (کم) کد ۲ و کاملاً مخالف (خیلی کم) کد ۱ تعلق می‌گیرد.

^{۱۱} Buzan

جدول ۲: متغیرها، شاخص‌ها و ابعاد متغیرهای مستقل و وابسته

نام متغیر	ابعاد و مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	تعداد گویه	سطح سنجش
امنیت پایدار مرزی	اجتماعی	آمایش سرزمینی	۳	فاصله‌ای
		رفاه اجتماعی	۴	فاصله‌ای
		توسعه اجتماعی	۴	فاصله‌ای
	اقتصادی	توجه به صادرات	۴	فاصله‌ای
		رونق کشاورزی و دامداری	۵	فاصله‌ای
		معیشت و اشتغال	۴	فاصله‌ای
	زیست‌محیطی	آگاهی زیست‌محیطی	۵	فاصله‌ای
		رفتار زیست‌محیطی	۵	فاصله‌ای
	سیاسی	اقتدار سیاسی	۵	فاصله‌ای
		تعامل با همسایه‌ها	۵	فاصله‌ای
		نبود تعارض سیاسی	۴	فاصله‌ای
	نظامی	دفع تهدیدها	۴	فاصله‌ای
		فناوری نظامی نوین	۴	فاصله‌ای
	فرهنگی	تنوع فرهنگی و توجه به عشایر بومی	۵	فاصله‌ای
ساده زیستی توأم با مصرف‌گرایی		۴	فاصله‌ای	
اشتراکات دینی قومی قبیله		۵	فاصله‌ای	
مؤلفه‌های فرهنگی	مشارکت و تعاون		۵	مستقل
	انسجام فرهنگی (هویت محلی) و پیوستگی قومی زبانی		۵	مستقل
	تعامل با مراکز فرهنگی دانشگاهی و توسعه شبکه رسانه‌ای (وجود مطبوعات و نشریات بومی)		۵	مستقل
	جهاد با بصیرت و آگاهانه (فرهنگ شهادت و جهاد مرزبانان)		۵	مستقل
	فکری و اعتقادی (ایدئولوژی)		۵	مستقل
	تعهد و وفاداری همراه با غیرت و جوانمردی		۵	مستقل

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- تحلیل‌های کیفی: از نظر روش‌شناسان کیفی از آنجا که کار محقق، تفسیر و طبقه‌بندی تفاسیر مردم عادی است و از آنجا که زبان مردم عادی زبانی غیرحرفه‌ای و مبتنی بر دانش عامیانه است، لذا باید از به‌کارگیری روش حرفه‌ای و پیچیده و یا هر سبک و روشی که به‌جای ساده‌سازی مفاهیم و نیز موضوعات مورد مطالعه به پیچیدگی موضوعات و جریان‌ات دامن زند، پرهیز کرد (Merriam, ۱۹۹۸; Neuman, ۲۰۰۰; Berg, ۲۰۰۱).

۴-۱-۱- توصیف یافته‌ها: از افراد مورد مطالعه (۳۰ نفر شرکت‌کننده در مصاحبه) ۸۰ درصد مرد و ۲۰ درصد افراد زن بودند. این ویژگی‌ها برحسب وضعیت کاری، وضعیت تأهل و وضعیت درآمد بیان شده است. از نتایج بر می‌آید که از جنسیت‌های مختلف، افراد با وضعیت درآمدی و تحصیلی مختلف، وضعیت تأهل متنوع در جامعه آماری استفاده شده است.

جدول ۳: مشخصات پاسخگویان برحسب ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیر	مؤلفه	فراوانی	درصد	متغیر	مؤلفه	فراوانی	درصد

۲۲/۳۳	۷	مجرد	وضعیت	۲۰/۰	۶	زن	جنسیت
۷۶/۶۶	۲۳	متاهل	تاهل	۸۰/۰	۲۴	مرد	
۴۳/۳۳	۱۳	زیر ۴ میلیون	وضعیت	۳۳/۶۶	۱۰	هیئت علمی	وضعیت شغلی پاسخگویان
۱۶/۳۳	۵	۴-۵ میلیون	درآمد	۵۰/۰۰	۱۵	افراد بومی مطلع	
۴۰/۰	۱۲	۵ میلیون به بالا		۱۶/۳۳	۵	فرماندهان و مدیران	

۲-۱-۴- مرحله دوم: کدگذاری

۴-۱-۲-۱- کدگذاری باز: جدول شماره ۴ ابعاد امنیت پایدار مناطق مرزی از نظر پاسخگویان را نشان می‌دهد. در این پژوهش در مرحله کدبندی باز، تعداد ۱۹ واحد معنایی مشخص شدند. این واحدهای معنایی از نظرات پاسخگویان استخراج شدند و سعی شد که جامع‌ترین نظرات در این مرحله وارد کدگذاری شوند. این مفاهیم به‌دست‌آمده در جدول زیر ارائه شده‌اند. این مفاهیم بیانگر دیدگاه ۳۰ نفر متخصصان و مطلعان در رابطه با توسعه پایدار مرزی است. آقای کمرخانی می‌گوید:

"پایداری امنیت در حوزه‌های مختلف در نوار مرزهای کشور شامل امنیت ملی، نیروی انسانی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و روانی است. از جمله ابعاد امنیت اقتصادی می‌توان به رونق بخش کشاورزی و توجه جدی به صادرات از طریق رونق بازارچه‌های مرزی دانست. در بخش کشاورزی اعطای تسهیلات، تأمین آب، مکانیزه کردن کشاورزی، آموزش‌های افزایش بهره‌وری و خرید تضمینی از کشاورزان. در بخش صادرات هم شرکت دادن ساکنین مرزی در بازارچه‌های مرزی. در بُعد اجتماعی هم آمایش سرزمینی از طریق اختصاص دادن عادلانه امکانات و رفاه اجتماعی".

آقای حیدری می‌گوید:

"مرز یعنی فضایی که انعکاس‌دهنده حاکمیت یک دولت است و امنیت پایدار همان نبود تهدید و تلاش برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوسوی مرز است. امنیت پایدار یعنی ایجاد بسترهای ثبات برای توسعه و نبود هر گونه تهدید که این ثبات را با خطر مواجه می‌سازد. این مستلزم توسعه، آبادانی مرز، ارتباطات دوسویه و تکیه بر اشتراکات دوسوی مرز است. نقطه محوری امنیت پایدار، فرهنگی است. در امنیت پایدار مرزی اشتراکات دینی، مذهبی، زبانی و قومی وجود دارد. در کنار اشتراکات فرهنگی، آبادانی مرز و اشتراکات معیشتی و اشتغال، امنیت پایدار را ایجاد کرد".

آقای رزم‌دیده می‌گوید:

"اشتراکات فرهنگی در نواحی مرزی اهمیت مضاعف در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه مناسبات مرزی دارد. در این راستا مهم‌ترین مؤلفه توسعه پایدار، اعتماد به عشایر بدون نگاه تبعیض‌آمیز ایلی و مذهبی است".

آقای بیژندی می‌گوید:

"امنیت پایدار مرزی وابسته به سطح رضایتمندی و یا عدم رضایتمندی ساکنان آن. اشتغال پایدار، خدمات درمانی، خدمات آموزشی، خدمات اجتماعی و حمایتی است".

خانم پرویز می‌گوید:

"توسعه پایدار مرزی یعنی از بین بردن هر نوع تهدید سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از طرف کشورهای دیگر و حفظ جمعیت بومی، توجه به ارزش‌های ملی مانند سخاوت، شجاعت، تلاش و تعصب".

آقای شریفی می‌گوید:

"توسعه پایدار آمادگی مقتدرانه و استوار یک کشور که از طریق مشروعیت نظام اجتماعی، سیاسی و نظامی در عرصه داخلی و منطقه‌ای پدید می‌آید. امنیت پایدار از طریق تراکم مناسب جمعیت نیروی انسانی بومی، نیروی انسانی نخبه و تحصیل‌کرده، افراد با تعلق خاطر به مکان و آب و خاک، رشد صنعتی و بهبود سطح زندگی مناطق

مرزی و جلوگیری از مهاجرت، همچنین تقویت زیرساخت‌های شهری و راهداری و توسعه گردشگری و توجه به حس ناسیونالیست و تمامیت ارضی به دست می‌آید. از طرفی توسعه فناوری نظامی و افراد آشنا به روش‌های نوین نظامی. در مرزها پدیده قاچاق که زمانی روشی برای زنده ماندن و پسنندیده بود، امروزه به عنوان وجهی غیررسمی قانونی شده و با عنوان کوله بری و یا تجارت چمدانی از آن نام برده می‌شود نوعی برده‌داری مدرن شده است. مهمان‌نوازی، روحیه مشارکتی و جمع‌گرایی، ساده زیستی توأم با مصرف‌گرایی به دلیل برخورد مرزنشینان با کالاهای متعدد (لوازم آرایشی، پارچه، انواع وسایل برقی و خوراکی) مردمی مصرف‌کننده و تنوع‌طلب می‌باشند."

سرهنک قادری می‌گوید:

"توسعه پایدار مرزی حمایت از فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی و دامداری و صنایع کوچک و متوسط از مردم محلی به نحوی که نیاز به مشاغلی مانند قاچاق از نوع مالی و کالا نباشند. در منطقه کرمانشاه چندین مذهب و قوم فرهنگی متفاوت وجود دارد که نگرش‌های متفاوتی نیز دارند. برای مثال فرهنگ قوم قلخانی یا اهل سنت یا اهل حق با سایر مذاهب. مسئول محلی باید تمام جوانب فرهنگی و حتی هنری را در نظر داشته باشد و در چارچوب قوانین کل کشور و با تدبیر اقدام نمایند."

خانم محمدی می‌گوید:

"امنیت پایدار مرزی: روابط حسنه با کشورهای همسایه مرزی است. چرا که از مرکز دوراند و در پیوند با مرزهای مجاورند. بنابراین از آسیب‌پذیری و تهدیدهای مختلف روبرو هستند. برای مرزنشینان فقدان مواردی چون عدم دسترسی به اینترنت، روزنامه‌ها و نشریات، کتاب‌های درسی و کمک‌آموزشی، ضعف در وجود سینما و مراکز فرهنگی و هنری."

آقای مرادی می‌گوید:

"امنیت پایدار مرزی مؤلفه‌های زیادی دارد از اقتصادی گرفته تا فرهنگی و نظامی؛ اما آنچه اهمیت دارد توجه به محیط‌زیست و آگاهی از دانش محیط زیستی، توجه به حیوانات و پاک بودن هوا است."

آقای تاجر می‌گوید:

"با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران و قرار گرفتن در منطقه شکننده و بحران‌زای خاورمیانه، امنیت پایدار در مرزها برای کشور ما یک امر اساسی ارزشمند است که شامل پیشگیری از تهدیدات خارجی، تهدیدات نیروی داخلی مورد حمایت همسایگان به‌ویژه سران عرب در قالب ایجاد تعارض‌های ایدئولوژیکی و قومی ... فقر و محرومیت مرزنشینان، فراهم بودن زمینه قاچاق مواد مخدر و اسلحه و ... می‌باشد. مؤلفه‌های فرهنگی، تقویت هویت ملی و پیوند آن با هویت قومی، وحدت و انسجام در ایدئولوژی مذهبی و جلوگیری از هرگونه تعارض ماهوی و شکلی در ساختار تبلیغات مذهبی، عدالت محوری و رفع تبعیض در مناطق مرزی، احترام به ساختارهای قومی و مذهبی و توجه به شخصیت‌های کاربزماتیک و تأثیرگذار در ساختار و بافت عشایری و قومی منطقه، به‌کارگیری نیروهای کارآمد بومی در ساختار مدیریتی این مناطق، تدوین برنامه استراتژیک و عملیاتی در جهت رفع محرومیت‌ها و زمینه ایجاد تجارت قانونی برای مرزنشینان در قالب شرکت‌های تعاونی و جلوگیری از نفوذ صاحبان قدرت و ثروت از مرکز در این تجارت‌ها به‌طوری که مردم مناطق مرزی از نظر روانی احساس مالکیت و تعلق نسبت به مناطق مرزی داشته باشند."

خانم امیری می‌گوید:

"امنیت پایدار مرزها بر پایه امنیت دفاعی و ترسیم نقشه جغرافیایی همراه با الگوهای خاص بین‌المللی می‌باشد و همچنین استفاده از ادوات روز نظامی و کلاسیک مرزی است. از مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان می‌توان به متعدد

بودن مرزنشینان، توسعه امنیت پایدار در خصوص اقتصاد قوی مناطق مرزی، رونق بخشیدن به زندگی اقتصادی مناطق اشاره کرد."

آقای حسینی می‌گوید:

"امنیت پایدار مرزی را می‌توان در رفتارهای زیست‌محیطی و نگرش‌های مرتبط با آن دید. در این راستا افراد وظیفه دارند محیط‌زیست خود را از بقایای ادوات جنگی در جنگ ۸ ساله پاک کنند. توجه به محیط‌زیست یعنی زندگی پاک و امنیت پایدار."

جدول ۴: ابعاد امنیت پایدار مناطق مرزی از نظر پاسخگویان

ردیف	عبارت ^{۱۳}	مفهوم ^{۱۲}
۱	توجه جدی به صادرات از طریق رونق بازارچه‌های مرزی	توجه به صادرات
۲	اعطای تسهیلات، تأمین آب، مکانیزه کردن کشاورزی، آموزش‌های افزایش بهره‌وری و خرید تضمینی از کشاورزان	رونق بخش کشاورزی
۳	اختصاص دادن عادلانه امکانات و رفاه اجتماعی	آمایش سرزمینی
۴	ایجاد بسترهای ثبات برای توسعه و نبود تهدید که این ثبات را با خطر مواجه می‌سازد.	توسعه اجتماعی
۵	در امنیت پایدار مرزی اشتراکات دینی، مذهبی، زبانی و قومی وجود دارد.	اشتراکات دینی قومی
۶	آبادانی مرز و اشتراکات معیشتی و اشتغال، امنیت پایدار را ایجاد کرد.	معیشت و اشتغال
۷	توسعه پایدار اعتماد به عشایر بدون نگاه تبعیض‌آمیز ایلی و مذهبی است.	توجه به عشایر منطقه
۸	امنیت پایدار وابسته به سطح رضایتمندی و یا عدم رضایتمندی ساکنان آن.	رفاه اجتماعی
۹	از بین بردن تهدید سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از طرف کشورهای دیگر	نبود تهدید
۱۰	تراکم مناسب جمعیت نیروی انسانی بومی، نیروی انسانی نخبه و تحصیل کرده	نیروی تحصیل کرده
۱۱	توسعه فناوری نظامی و افراد آشنا به روش‌های نوین نظامی	فناوری نظامی جدید
۱۲	مهمان‌نوازی، روحیه مشارکتی و جمع‌گرایی، ساده زیستی توأم با مصرف‌گرایی به دلیل برخورد مرزنشینان با کالاهای متعدد	زیستی توأم با مصرف‌گرایی
۱۳	حمایت از فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی و دامداری و صنایع کوچک و متوسط از مردم محلی	کشاورزی و دامداری
۱۴	مسئول محلی باید تمام جوانب فرهنگی و حتی هنری را در نظر داشته باشد و در چارچوب قوانین کل کشور و با تدبیر اقدام نمایند	توجه به اقلیت‌های فرهنگی
۱۵	روابط حسنه با کشورهای همسایه مرزی. چرا که از مرکز دورند و در پیوند با مرزهای مجاورند.	تعامل با همسایه‌ها
۱۶	پیشگیری از تهدیدات خارجی، تهدیدات نیروی داخلی مورد حمایت همسایگان	تهدید خارجی و داخلی
۱۷	نبود تعارض‌های ایدئولوژیکی و قومی ... فقر و محرومیت مرزنشینان، فراهم نبودن زمینه قاچاق مواد مخدر و اسلحه و ...	نبود تعارض‌های فکری
۱۸	توجه به محیط‌زیست و آگاهی از دانش محیط زیستی، توجه به حیوانات و پاک بودن هوا	آگاهی محیط زیستی
۱۹	امنیت پایدار مرزی می‌تواند خود را در رفتارهای زیست‌محیطی و نگرش‌های مرتبط با آن دید	رفتار محیط‌زیست

۴-۲-۱-۲- کدگذاری محوری: عبارات و واحدهای معنایی مطرح شده از طرف پاسخگویان نشان می‌دهد که در دو عبارت «تنوع فرهنگی و توجه به عشایر بومی» و همچنین عبارت «دفع تهدیدها»؛ بالاترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است. بعد از انجام عملیات کدبندی باز، در مرحله دوم کدبندی، یعنی کدبندی محوری، مفاهیم مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب ۶ مقوله عمده طبقه‌بندی شدند. این مقولات از سطح بالاتری از انتزاع برخوردار بوده و دومین مرحله جهت تولید نظریه زمینه‌ای است. در جدول زیر مقولات به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده‌اند. این واحدهای معنایی

^{۱۲}. Concept

^{۱۳}. Statement

استخراج شده در کدگذاری محوری عبارتند از: «امنیت اقتصادی»، «امنیت اجتماعی»، «امنیت سیاسی»، «امنیت زیست‌محیطی»، «امنیت نظامی» و «امنیت فرهنگی».

جدول ۵: مفاهیم مشترک امنیت پایدار مناطق مرزی از نظر پاسخگویان

مقوله	مفاهیم مشترک	فراوانی	درصد	مقوله	مفاهیم مشترک	فراوانی	درصد
امنیت اقتصادی	توجه به صادرات	۳	۱۰	امنیت اقتصادی	اقتدار سیاسی	۶	۲۰
	کشاورزی و دامداری	۸	۲۶/۶		تعامل با همسایه‌ها	۷	۲۳/۳۳
	معیشت و اشتغال	۷	۲۳/۳۳		نبود تعارض سیاسی	۷	۲۳/۳۳
زیست‌محیطی	آگاهی محیط زیستی	۳	۱۰	زیست‌محیطی	دفع تهدیدها	۹	۳۰
	رفتار محیط زیستی	۳	۱۰		فناوری نظامی نوین	۷	۲۳/۳۳
امنیت اجتماعی	آمایش سرزمینی	۳	۱۰	امنیت اجتماعی	تنوع فرهنگی و توجه به عشایر	۱۰	۳۳/۳۳
	رفاه اجتماعی	۸	۲۶/۶		ساده زیستی توأم با مصرف‌گرایی	۴	۱۳/۳۳
	توسعه اجتماعی	۷	۲۳/۳۳		اشتراکات دینی قومی قبیله	۸	۲۶/۶

۴-۲-۳- کدگذاری هسته‌ای

در مرحله آخر کدگذاری یافته‌های به دست آمده، مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان بر اساس شش بُعد «مشارکت و تعاون»، «انسجام فرهنگی»، «تعامل دوطرفه»، «بصیرت و آگاهی»، «ایدئولوژی» و «غیرت و جوانمردی» و امنیت پایدار مرزی در شش مؤلفه «اقتصادی»، «اجتماعی»، «سیاسی»، «زیست‌محیطی»، «نظامی» و «فرهنگی» نشان داده می‌شود.

جدول ۶: مقولات عمده مربوط به درک و تفسیر مردم از مفهوم امنیت پایدار مناطق مرزی

مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان						مقوله هسته‌ای	
مشارکت و تعاون	انسجام فرهنگی	تعامل دوطرفه	بصیرت و آگاهی	ایدئولوژی	غیرت و جوانمردی	امنیت پایدار مرزی	اقتصادی
توجه به صادرات	تکیه بر کالاهای داخلی	مبادله عادلانه	معیشت و اشتغال آگاهانه	تفکر اقتصادی	ریسک‌پذیری و آینده‌نگری		
رفاه اجتماعی	توسعه اجتماعی	روابط حسنه با آن‌طرف مرز	آگاهی اجتماعی	نظریه‌پردازی بومی	قدرت چانه‌زنی اجتماعی		
مشارکت سیاسی	وحدت و اتحاد	تعامل سیاسی	اشراف اطلاعاتی	محل‌گرایی	اقتدار سیاسی	زیست‌محیطی	نظامی
عمل محیط زیستی	مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی	احترام به طبیعت	سواد زیست‌محیطی	دانش زیست‌محیطی	تکیه بر بوم زیست		
مشارکت با نیروهای نظامی	تکیه بر فناوری داخلی	پاکسازی محیط‌زیست	تسلط بر فناوری نوین نظامی	دارا بودن دانش نظامی	قدرت عملیاتی و آمادگی نظامی		
مشارکت فرهنگی	ایجاد پایگاه و مسجد	تقویت فرهنگ زیست‌محیطی	سواد رسانه‌ای	ولایت مداری	مجهز بودن به سلاح فرهنگی	فرهنگی	فرهنگی

۴-۱-۳- تفسیر اطلاعات

بنابراین می‌توان گفت امنیت پایدار مرزی عبارت است از مجموعه‌ای از دانش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و محیط زیستی که مبتنی بر توان داخلی در عین حال تعامل مقتدرانه با سایر کشورها در مرزهای

مشترک. نتایج به دست آمده از قسمت کیفی پژوهش نشان می‌دهد که امنیت پایدار مرزی و مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان نوعی رابطه دیالکتیکی با هم دارند که نمود آن در تعاملات اجتماعی و سیاسی با همسایگان رخ می‌دهد. بنابراین میزان امنیت پایدار مناطق مرزی در گرو حفظ، تقویت و بازتعریف مؤلفه‌های فرهنگی با تکیه بر توان مرزنشینان و نظام فرهنگی و اجتماعی حاکم بر زندگی آن‌ها است.

۴-۲- تحلیل‌های کمی

در قسمت کمی این مطالعه با استفاده از ابزار پرسشنامه، داده‌های به دست آمده از پاسخگویان مناطق مرزی، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند که به شرح زیر بیان می‌شوند:

آزمون فرضیه‌ها:

امنیت پایدار در مناطق مرزی در حد متوسط قرار دارد.

جدول ۷: آزمون تفاوت میانگین ابعاد مختلف امنیت پایدار مرزی

میانگین استاندارد	میانگین تابع گویه‌ها		تعداد گویه	ابعاد امنیت پایدار مناطق مرزی
	مورد انتظار	واقعی		
۲/۲۲	۳	۳۹	۲۸/۲۴	اقتصادی
۲/۲۹	۳	۳۳	۲۹/۸۱	اجتماعی
۲/۲۰	۳	۴۲	۳۹/۷۲	سیاسی
۲/۸۶	۳	۳۰	۲۹/۱۴	محیط زیستی
۳/۳۳	۳	۲۴	۲۶/۳۳	نظامی
۲/۱۲	۳	۴۲	۳۵/۳۹	فرهنگی

فرضیه اصلی: بین مؤلفه‌های فرهنگی (مشارکت و تعاون، انسجام فرهنگی، تعامل دوطرفه، بصیرت و آگاهی، ایدئولوژی و غیرت و جوانمردی) و امنیت پایدار مناطق مرزی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیط زیستی، نظامی و فرهنگی) رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۸: آزمون ماتریس همبستگی مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان با ابعاد مختلف امنیت پایدار مرزی

مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان							آزمون آماری	
کل	غیرت و جوانمردی	ایدئولوژی	بصیرت و آگاهی	تعامل دوطرفه	انسجام فرهنگی	مشارکت و تعاون		
۰/۲۹	۰/۰۶۶	۰/۳۷۱	۰/۱۱۵	۰/۱۱۳	۰/۰۶۶	۰/۱۶۲	همبستگی	اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۲۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	۰/۰۳۵	۰/۲۱۷	۰/۰۰۲	معناداری	
۰/۱۶	۰/۱۸۵	۰/۰۵۱	۰/۲۲	۰/۱۲۹	۰/۳۳۵	۰/۱۲۵	همبستگی	اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۳۴۳	۰/۰۰۰	۰/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰	معناداری	
۰/۳۰۴	۰/۲۵۶	۰/۲۳۲	۰/۲۲۵	۰/۱۸۹	۰/۱۱۳	۰/۲۲۸	همبستگی	سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۳۶	۰/۰۰۰	معناداری	
۰/۴۲۴	۰/۱۳۲	۰/۴۹۸	۰/۲۲۶	۰/۱۸۱	۰/۰۳۹	۰/۳۰۵	همبستگی	محیط زیستی
۰/۰۰۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۴۶۲	۰/۰۰۰	معناداری	
۰/۳۰	۰/۲۲۸	۰/۳۷۰	۰/۳۰	۰/۱۴۹	۰/۱۵۷	۰/۲۵۹	همبستگی	نظامی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	معناداری	

۰/۱۷۸	۰/۲۰۱	۰/۲۲۰	۰/۱۹۹	۰/۰۶۴	۰/۱۰۵	۰/۳۲۰	همبستگی	فرهنگی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۲۵	۰/۰۵۲	۰/۰۰۰	معناداری	
۰/۲۷۸	۰/۱۸۴	۰/۲۳۴	۰/۱۵۰	۰/۳۱۵	۰/۲۶۴	۰/۲۳۱	همبستگی	امنیت پایدار
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری	

آزمون رگرسیون: رگرسیون روش آماری است که برای تحلیل تأثیر جمعی دو یا چند متغیر مستقل بر روی تغییرات متغیر وابسته به کار می‌رود. نتایج نشان می‌دهد که در این معادله چهار مؤلفه فرهنگی مرزنشینان (تعامل دوطرفه، انسجام فرهنگی، ایدئولوژی و مشارکت و تعاون) به ترتیب اهمیتی که در امنیت پایدار مرزی داشتند، وارد معادله رگرسیونی شدند. آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای این چهار مؤلفه در سطح معناداری قرار دارد. اولین مؤلفه فرهنگی که در این معادله رگرسیونی وارد شد، تعامل دوطرفه می‌باشد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین این مؤلفه و میزان امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار بالایی وجود دارد، به طوری که مقدار T برای این مؤلفه برابر (T= ۳/۸۵) و ضریب معنی‌داری (Sig.T= ۰/۰۰۰) می‌باشد. میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۱۸$ به دست آمد. در مرحله دوم میزان انسجام فرهنگی است که وارد معادله گردید، مقدار T برای این مؤلفه برابر (T= ۳/۵۷) و ضریب معنی‌داری (Sig.T= ۰/۰۰۰) می‌باشد. در اینجا با وارد شدن دومین متغیر میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۲۳$ به دست آمد. در مرحله سوم میزان ایدئولوژی است که وارد معادله گردید، مقدار T برای این مؤلفه برابر (T= ۳/۲۵) و ضریب معنی‌داری (Sig.T= ۰/۰۰۱) می‌باشد. در اینجا با وارد شدن سومین متغیر میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۲۸$ به دست آمد. در نهایت مؤلفه مشارکت و تعاون با مردم وارد معادله رگرسیونی شده است. مقدار T برای این مؤلفه برابر (T= ۲/۲۲) و ضریب معنی‌داری (Sig.T= ۰/۰۲۸) می‌باشد. در اینجا با وارد شدن دومین مؤلفه میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۰$ به دست آمد. این چهار مؤلفه روی هم رفته توانستند مقدار ۰/۳۰ از تغییرات درونی متغیر توسعه پایدار مناطق مرزی را تبیین کنند.

جدول ۹: تحلیل چندگانه متغیرهای مستقل جهت پیش‌بینی متغیر توسعه پایدار مناطق مرزی

مرحله	نام متغیر	B	Beta	مقدار t	معناداری	مقدار R _r	R ²	آزمون فیشر	معناداری
۱	تعامل دوطرفه	۰/۲۸	۰/۲۰	۳/۸۵	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۱۸	۱۲/۵۱	۰/۰۰۰
	انسجام فرهنگی	۰/۱۱	۰/۲۵	۳/۵۷	۰/۰۰۰	۰/۲۴	۰/۲۳		
	ایدئولوژی	۲/۶۵	۰/۲۰	۳/۲۵	۰/۰۰۱	۰/۲۹	۰/۲۸		
	مشارکت و تعاون	۰/۲۴	۰/۱۸	۲/۲۲	۰/۰۲۸	۰/۳۲	۰/۳۰		
Constant=۵/۸۶						Durbin-Watson =۲/۰۰۲			

بر این اساس معادله رگرسیون چند متغیره در پژوهش حاضر به این صورت می‌باشد: $Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$
توسعه پایدار مناطق مرزی = $۵/۸۶ + ۰/۲۰$ (بعد تعامل دوطرفه) + $۰/۲۵$ (بعد انسجام فرهنگی) + $۰/۲۰$ (بعد ایدئولوژی) + $۰/۱۸$ (بعد مشارکت و تعاون) + e_i

۵- نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه بود. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های فرهنگی (مشارکت و تعاون، انسجام فرهنگی، تعامل دوطرفه، بصیرت و آگاهی، ایدئولوژی و غیرت و جوانمردی) و امنیت پایدار مناطق مرزی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیط زیستی، نظامی و

فرهنگی) رابطه معنادار وجود دارد. این نتیجه با پیشینه تجربی پژوهش (امیرزاده و همکاران (۱۳۹۶)، کریمی و وفایی (۱۳۹۲)، عباسزاده و کرمی (۱۳۹۰)، هاوکس (۲۰۰۱) و تراوره (۲۰۱۷) تا حدودی همسو می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش حاضر بر مبنای چارچوب نظری نیز قابل تفسیر می‌باشد. بر مبنای الگوی امنیت پایدار انسجام محور، امنیت کل واحدی نیست بلکه در حوزه‌های مختلف آن ابعادی وجود دارد که باید در مقام امنیت‌سازی بتوان بین این ابعاد ارتباط هویتی ایجاد کرد. بنابراین به تبع تغییر در منطق کنش‌های امنیتی و اهمیت یافتن عناصر غیرنظامی قدرت ملی در کنار عناصر نظامی آن و از فراتر رفتن مفهوم امنیت از بُعد عینی و اهمیت یافتن عناصری چون فرهنگ، اراده و روحیه ملی در بُعد ذهنی به‌ویژه هویت و تأکید بر زمینه وند بودن است که طرح مقوله ساخت اجتماعی در تحلیل امنیت به یکی از مسلمات این حوزه مطالعاتی تبدیل می‌شود. در این حالت پایداری امنیت را در همگنی و انسجام هویت اجتماعی می‌دانند. در نتیجه امنیت را نمی‌توان مستقل از جامعه فهم کرد و لازمه پایداری آن بازتولید اجتماعی مفهوم امنیت است.

بر این اساس می‌توان گفت توسعه پایدار در زمینه‌های فرهنگی رخ می‌دهد؛ فرهنگ پایه و اساس رفاه، امنیت، فراگیر بودن و تاب‌آوری است. بنابراین، فرهنگ باید در استراتژی‌های توسعه پایدار ادغام شود چرا که، فرهنگ عامل محرک توسعه پایدار است. بخش فرهنگی از طریق گردشگری فرهنگی، تولید صنایع دستی، صنایع خلاق، کشاورزی، غذا و دارو و شیلات رشد اقتصادی را ارتقا می‌بخشد. شیوه‌های سنتی کشاورزی و تهیه غذا باعث افزایش امنیت غذایی می‌شود. ارتباط بین میراث فرهنگی و طبیعی پایه‌ای برای پایداری محیط‌زیست و حفظ تنوع زیستی است. پژوهش حاضر راهکارهای زیر را برای ارتقای امنیت ملی پایدار در مناطق مرزی پیشنهاد می‌کند: گزارش اطلاعات به موقع در مورد هرگونه حادثه غیرمعمول یا مشکوک به مقامات امنیتی توسط مرزنشینان؛ افزایش منابع گشت زنی در مناطق مرزی دورافتاده؛ تعامل با اجتماعات ساکن در مناطق مرزی دورافتاده و عشایر سرگردان در مناطق مرزی سکنه نشده که می‌تواند به تولید منابع اطلاعاتی کمک کرده و آگاهی کامل موقعیتی را ایجاد کند. جوامع مرزی و عشایر حاوی دانش گسترده‌ای در مورد منطقه و ویژگی‌های آن، فعالیت شبکه‌های جنایتکار احتمالی و گروه‌های تروریستی منطقه، محل مخفی شدن و جلسات آن‌ها و سایر موارد امنیتی است و می‌تواند اطلاعات مربوط به خدمات مرزی را ارائه دهند. عدم وفاداری جوامع مرزی به کشورشان می‌تواند پتانسیل سوءاستفاده توسط جرائم سازمان‌یافته و تروریستی را ایجاد کرده و رادیکالیسم را جهت خشونت تسهیل کند. برای جلوگیری از چنین تحولاتی، دولت‌ها باید به‌طور فعال سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی را دنبال کنند تا به ادغام این جوامع با هویت ملی و دولت کمک کند. جوامع باید به سیستم‌های بهداشتی، آموزشی و مراقبت‌های اجتماعی کافی دسترسی داشته باشند، همچنین از امنیت خدمات دولتی مربوطه و زیرساخت‌های اساسی برای حفظ معیشت خود بهره‌مند شوند. اعتمادسازی ضروری است: چون قبایل عشایری و جوامع مرزی مستقر در مناطق مرزی دورافتاده و غیرمسکونی در صورت بی‌اعتمادی به حکومت می‌توانند چالش‌هایی را برای امنیت مناطق مرزی ایجاد کنند.

۶- منابع و مآخذ

- ۶- بوزان، باری (۱۳۷۸). **مردم، دولت‌ها، هراس**. ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسماعیل، احمدی مقدم (۱۳۸۹). **امنیت اجتماعی و هویت**، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۱۶۳-۱۳۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). **مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی**. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). **معمای امنیت عمومی، در آمدی بر جایگاه تازه پلیس در جامعه**. مجموعه مقالات کنکاشی بر جنبه‌های **مختلف امنیت عمومی و پلیس**، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- افتخاری، اصغر و نصری، قدیر (۱۳۸۳). **روش و نظریه در امنیت پژوهشی**. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امیرزاده، رسول. امانی، مرتضی و خجسته، محمد (۱۳۹۶). **نقش عوامل محیطی در امنیت و توسعه پایدار مرزها (مطالعه موردی: مرز شیروان با ترکمنستان در استان خراسان شمالی)**. فصلنامه دانش اجتماعی، ۴(۱۶): ۷۶-۶۱.

برومند، شهرزاد (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی). تهران: مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

تهامی، مجتبی (۱۳۹۰). امنیت ملی، دکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی. جلد دوم، تهران، انتشارات دعا عباس زاده، هادی و کرمی، کامران (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۱۴(۱): ۵۸-۳۱ عطفی، غلامرضا و جاویدان داروگر، حمیدرضا (۱۳۹۵). اهمیت و جایگاه امنیت اقتصادی در توسعه پایدار اقتصادی، فصلنامه پژوهش ملل، شماره ۶، صص ۲۳-۱۴.

عمید، حسن (۱۳۷۹). فرهنگ عمید. انتشارات جاویدان. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۲). جهانی شدن و مسائل زیست محیطی، در مجموعه مقالات اکولوژی سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی کریمی، مرتضی و وفايي، علی اکبر (۱۳۹۲). امنیت سازی با توسعه پایدار در مناطق مرزی (مطالعه موردی، شهر مریوان). فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۴(۱۵): ۹۵-۱۱۲.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص. ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی. لطفی، مصطفی (۱۳۹۰). الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

ماندل، رابرت (۱۳۸۹). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم.

هاشمی، سید مصطفی؛ حکمت‌نیا، حسن؛ اسمعیل‌زاده، عبدالسلام (۱۳۹۸). سطح‌بندی پایداری امنیتی شهرستان‌های مرزی با استفاده از تحلیل خوشه‌ای نمونه موردی: شهرستان‌های استان خراسان شمالی. مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۱۸۱-۱۶۳.

Abbott, C., & Marsden, S. (۲۰۰۸). **Tigers and Dragons: Sustainable Security in Asia and Australasia**. Lon-don: Oxford Research Group.

Barnett, J. (۱۹۹۷). **Environmental security: now what**. In Seminar. Department of International Relations, Keele University.

Belluck, D. A., Hull, R. N., Benjamin, S. L., Alcorn, J., & Linkov, I. (۲۰۰۷). **Environmental Security, Critical Infrastructure and Risk Assessment**. In *Environmental Security in Harbors and Coastal Areas* (pp. ۳-۱۷). Springer, Dordrecht.

Berg, B. (۲۰۰۱). **Qualitative Research Methods for the Social Sciences**. New York: Allyn and Becon.

Buzan, B. (۱۹۹۷). Rethinking security after the Cold War. *Cooperation and conflict*, ۳۲(۱), ۵-۲۸.

Buzan, B., Wæver, O., Wæver, O., & De Wilde, J. (۱۹۹۸). **Security: A new framework for analysis**. Lynne Rienner Publishers.

Emmers, R. (۲۰۰۷). **Securitization**. *Contemporary security studies*, ۱۰۹-۱۲۵.

Forrest, S. (۲۰۰۴). **Indigenous identity as a strategy of cultural security**. In Proceedings of the Third Northern Research Forum/Plenary on Security, Yellowknife, NWT September (Vol. ۱۸).

Hassan, O. (۲۰۱۵). **Political security: from the ۱۹۹۰s to the Arab Spring**. *Contemporary Politics*, ۲۱(۱), ۸۶-۹۹.

Hawkes, J. (۲۰۰۱). **The fourth pillar of sustainability: Culture's essential role in public planning**. Common Ground Publishing Pty Ltd.

Hoffmann, S. (۱۹۸۱). **Security in an age of turbulence: Means of response**. *Adelphi papers*, ۲۱(۱۶۷), ۱-۱۸.

Inoguchi, T. (۲۰۰۳). **Political security: Toward a broader conceptualization**. *International Studies*, ۴۰(۲), ۱۰۵-۱۲۳.

McEldowney, J. F. (۲۰۰۵). **Political security and democratic rights**. *Democratisation*, ۱۲(۵), ۷۶۶-۷۸۲.



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



Merriam, S. (۱۹۹۸). **Qualitative Research and Case Study: Applications in Education**. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.

Neuman, L. (۲۰۰۰). **Social Research Approaches**. Third Edition. London: Allyn and Bacon.

Traore, D., (۲۰۱۷). **The Role of Language and Culture in Sustainable Development**. RISC Doctoral & Post Doctoral School Integrated and Coherent Sustainable Development, Aguascalientes, Mexico

Ullman, R. H. (۱۹۸۳). **Redefining security**. International security, ۸(۱), ۱۲۹-۱۵۳.

نقش و جایگاه نیروهای انتظامی و مرزبانی در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه

دکتر علی مرادی^{۱*}، دکتر نجات محمدی^۲

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران

۲- استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران

*نویسنده مسئول: moradi.pop@gmail.com

چکیده

طرح مسئله: یکی از موضوعات مورد مطالعه اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی، توسعه و امنیت پایدار در مناطق مرزی است؛ با توجه به اهمیت توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه، این مطالعه سعی دارد تا نقش و جایگاه نیروهای انتظامی و مرزبانی را در آن مورد بررسی قرار دهد.

روش پژوهش: مطالعه حاضر با روش ترکیبی شامل دو بخش کمی و کیفی انجام شد. جامعه آماری در بخش کیفی شامل صاحب‌نظران و متخصصین آگاه به موضوع پژوهش بودند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی به صورت هدفمند از نوع گلوله برفی بود، که با تعداد ۳۰ نخبه و صاحب‌نظر به اجماع نظر رسید. در بخش کمی جامعه آماری شامل شهروندان مناطق مرزی استان کرمانشاه بودند. که تعداد این افراد بر اساس برآوردهای اولیه ۱۶۰ نفر بودند که تعداد ۹۲ نفر به پرسشنامه‌ها جواب داده بودند. ابزار گردآوری اطلاعات؛ مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و پرسشنامه‌های محقق‌ساخته بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها بعد از انجام مصاحبه‌ها از روش تحلیل کدگذاری برای شناسایی و اولویت‌بندی نقش نیروهای انتظامی در توسعه پایدار مرزی استفاده شد. همچنین در قسمت کمی مطالعه از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین ابعاد سه‌گانه نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی (عملیاتی، تعاملی، بصیرتی) با ابعاد شش‌گانه امنیت پایدار مرزی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی، نظامی و فرهنگی) رابطه معنادار وجود دارد.

نتیجه‌گیری: امنیت پایدار مرزی و نقش نیروهای مرزبانی در یک رابطه متقابل با هم قرار دارند؛ به نحوی که با افزایش نقش نیروهای مرزبانی می‌توان شاهد ارتقای امنیت پایدار مرزی بود. به عبارت دیگر امنیت تعریف شده در مرزهای استان باز نمود وجود نیروهای مرزبانی و نقش‌های عملکردی، تعاملی و بصیرتی آن‌ها است که با هم در هم تنیدگی اجتماعی دارند و این در هم تنیدگی منجر به احساس امنیت شهروندان می‌شود.

واژگان کلیدی: نیروی انتظامی، مرزبانی، توسعه پایدار، مناطق مرزی، کرمانشاه.

۱- مقدمه و طرح مسئله

یکی از موضوعات مورد مطالعه اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی، توسعه و امنیت پایدار در مناطق مرزی است. دیدگاه‌های نوین در این زمینه بر استراتژی توسعه پایدار مناطق مرزی تأکید فراوان دارند. در حقیقت آنچه که می‌تواند امنیت مرزها را تضمین نماید توسعه پایدار مناطق مرزی است (احمدی و دادجو، ۱۳۹۱: ۶۰). مفهوم امنیت پایدار که در سال‌های اخیر مطرح شده است ناظر بر درک جامعه از امنیت است که همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... را در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می‌کند. به گفته کارشناسان، یکی از پذیرفته‌ترین تعاریف توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای حال حاضر را برطرف کند بدون اینکه توانایی آینده برای تأمین نیازهای خود را به خطر بیندازد (Spangenberg, ۲۰۱۳; Loures and et al., ۱۹۹۵). امنیت پایدار در واقع رهیافتی است که در مطالعات نوین امنیتی به عنوان جایگزین پارادایم کنترل مطرح می‌شود (نظافتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴). پارادایم کنترل، رویکردی مبتنی بر این پیش‌فرض غلط است که می‌توان ناامنی را از طریق نیروی نظامی یا تعادل سیاست و مهار قدرت کنترل کرد و بدین ترتیب وضعیت موجود را حفظ کرد. چنین رویکردهایی در مورد امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار ناقص است و سیاستمداران جهان را از ایجاد راه‌حل‌های واقع‌بینانه و پایدار در قبال تهدیدات غیرسنجی جهان دور می‌کند. بنابراین برای حل معمای امنیت یک رویکرد جدید مورد نیاز است. این رویکرد جدید همان چیزی است که آبوت^{۱۴} و همکارانش (۲۰۰۸) در گروه تحقیقاتی آکسفورد (ORG) امنیت پایدار می‌نامند.

امنیت پایدار مرزهای جغرافیایی یکی از اولین کارکردهای سیاسی دولت‌ها است. تحقق این کارکرد تابعی از عوامل متعدد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی زیست‌محیطی است. امنیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در کشور ما، همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. احراز جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه، بر اساس سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، منوط به اقدام‌هایی در زمینه رفع این چالش‌ها است (بنی‌اسد، ۱۳۹۲: ۱۱). امنیت مرزی در واقع به این معناست که مرزهای جغرافیایی کشور اسلامی از تعرض مصون باشد تا بیگانگان نتوانند به جان و مال و حیثیت مسلمانان تعرض نمایند. مسئولیت این نوع امنیت بر عهده پلیس مرزبانی در نیروی انتظامی است و در واقع این پلیس مرزبانی است که وظیفه حفاظت و امنیت مرز را بر عهده دارد. متأسفانه در اغلب کشورهای همسایه به دلایل گوناگون حکومت‌های مرکزی بر مرزهای خود احاطه ندارند و ناامنی موجود در کشورهای همسایه امنیت کشور ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این امر وظیفه خطیر پلیس مرزبانی را دشوارتر و ظریف‌تر نموده است. به علاوه موقعیت راهبردی ایران در خاورمیانه و خلیج فارس با دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز و معادن طبیعی همواره مورد طمع قدرت‌های استکباری بوده است و این امر پای سایر دول را به حوزه مرزی ایران باز کرده است و اهمیت وظایف پلیس مرزبانی را دوچندان کرده است. به طور کلی مسئولیت مراقبت و کنترل مرزهای کشور، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مرزی، استیفای حقوق دولت و امنیت مرز نشینان در مرزها و محدوده انحصاری و اقتصادی دریاها به عهده فرماندهی پلیس مرزبانی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد (ناصرزاده، ۱۳۸۰: ۲۰). حضور گسترده و مداوم پلیس مرزبانی در یک منطقه معین ضمن ایجاد بازدارندگی تروریست‌ها و مبارزان تروریست خارجی و سایر فعالیت‌های جنایی مرزی، باعث ایجاد مقاومت در برابر نفوذ گروه‌های تروریستی و بنگاه‌های جنایتکار در جوامع مرزی می‌شود. حضور مداوم امنیتی پلیس مرزبانی همچنین می‌تواند باعث افزایش آگاهی از تهدیدهای تروریستی در منطقه در بین جوامع مرزی و ایجاد درک در مورد تأثیرات محلی و شخصی فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و جنایات سازمان‌یافته فراملی شود.

جمهوری اسلامی ایران کشوری است که با ۱۵ کشور دارای مرز مشترک آبی و خشکی می‌باشد و بحث امنیت مرزهای آن از دغدغه‌های اساسی امنیت ملی کشور محسوب می‌شود. در برخی از نقاط مرزی به دلیل نفوذپذیری این مرزها امنیت در

^{۱۴}- Abbott

مناطق مرزی و به تبع آن در داخل کشور در جنبه‌های گوناگون اقتصادی سیاسی نظامی اجتماعی و فرهنگی مورد تهدید واقع شده است. پلیس مرزبانی به عنوان یکی از نهادها و سازمان‌های متولی برقراری امنیت مرزی نقش و مأموریت ویژه‌ای در برقراری امنیت مناطق مرزی و ساکنان مناطق مرز نشین دارا می‌باشد (جسارتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲).

در چند قرن گذشته مرزهای غربی ایران به‌ویژه در استان کرمانشاه همواره کانون منازعات منطقه‌ای و کشمکش‌های قومی بوده است. نمونه‌های از این منازعات را می‌توان در رویارویی ایرانیان با دولت عثمانی و بعدها قدرت‌های بزرگی مثل آلمان، انگلستان، روسیه و اخیراً دولت عراق یافت. استان کرمانشاه از جمله استان‌هایی است که مرز طولانی با کشور عراق دارد اما تاکنون بر اساس شاخص‌های معقول و مناسب، تهدیدها و فرصت‌های این مناطق برای انجام سیاست‌گذاری مناسب و توسعه صورت نگرفته است. مرز استان کرمانشاه با کشور عراق از جهات بوم‌شناختی، جمعیت‌شناسی، قوم‌نگاری، مطالعات فرهنگی، سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز توسعه اقتصادی حاوی پیچیدگی‌ها و مسائل مهمی است که فقدان درک دقیق آن‌ها و نداشتن مدل دقیق تأمین امنیت پایدار مرزی می‌تواند زمینه را برای وقوع آسیب‌های جبران‌ناپذیر ملی فراهم سازد. بر این اساس می‌توانیم در راستای ارتقای امنیت پایدار مرزی در استان کرمانشاه، به نقش و تأثیرگذاری نیروهای انتظامی و مرزبانی توجه ویژه داشت. هدف کلی تحقیق حاضر جایگاه نیروهای انتظامی و مرزبانی در توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه است. اهداف فرعی عبارتند از:

- تعیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های امنیت پایدار مرزی
 - یافتن تأثیر نیروهای انتظامی و مرزبانی در امنیت پایدار مناطق مرزی
 - ارائه راه‌حل‌ها، پیشنهادها برای ارتقاء امنیت پایدار مناطق مرزی
 - ارائه مدل امنیت پایدار مرز نشینان با توجه به نقش نیروهای نظامی و انتظامی
- سؤالات اصلی پژوهش حاضر نیز به این صورت می‌باشند:
- الف) با توجه به مؤلفه‌های امنیت پایدار از جمله درهم‌تنیدگی امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت زیست‌محیطی و امنیت سیاسی- نظامی وضعیت موجود امنیت مناطق مرزی استان کرمانشاه چگونه است؟
 - ب) نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی در امنیت پایدار مناطق مرزی استان کرمانشاه چگونه است؟
 - ج) بر اساس یافته‌های توصیفی و تبیینی پژوهش چه مدلی برای حفظ یا ارتقاء امنیت پایدار مناطق مرزی استان کرمانشاه مناسب با در نظر گرفتن نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی می‌توان ارائه داد؟

۲- مبانی نظری

مفهوم امنیت در دوران پس از جنگ سرد تغییرات چشمگیری یافته است و در طول این مدت، به تدریج چندوجهی و پیچیده شده است و در حال حاضر متغیرهای بیشتری نسبت به قرن بیستم که محققان روابط بین‌الملل استفاده می‌کردند را شامل می‌شود. در نتیجه، عوامل و روندهای بیرونی که محیط امنیتی جهانی معاصر را شکل می‌دهد، تنها نیروهایی نیستند که امنیت یک دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به طور کلی جهان طی پنجاه سال گذشته به طور چشمگیری تغییر کرده است و سرعت تغییر در دهه‌های گذشته در تاریخ بی‌نظیر است. عواملی همچون رشد جمعیت، کمبود منابع، امنیت انرژی و تغییر اوضاع با تغییرات سریع فرهنگی، اجتماعی و فناوری ترکیب می‌شوند. همه این‌ها متغیرهای بیشتری را در معادله امنیت دولت به وجود می‌آورند، بنابراین در چهارچوب بسیار وسیع‌تری بنام «امنیت پایدار» مطرح می‌شوند (۱: Smiljanic, ۲۰۱۶).

چشم‌انداز پایداری به عنوان مجموعه‌ای از اصولی تعریف می‌شود که یک کشور (یک ملت) تلاش می‌کند تا خطرات بلندمدت را به حداقل برساند و قابلیت دوام و ثبات آن را به حداکثر برساند (۲: Smiljanic, ۲۰۱۶). آبوت و مارسدن (۲۰۰۸) معتقدند که امنیت پایدار به منزله «مبارزه با علایم» نیست بلکه به منزله «مقابله با علت‌ها» است. از این روی امنیت پایدار

شامل دو مؤلفه اساسی است: الف) فهم روندهای امنیتی درهم‌تنیده و یکپارچه (ب) واکنش‌های پیشگیرانه‌ی در حال تحول و توسعه. در نهایت آن‌ها معتقدند که امنیت پایدار بر چهار نیروی پیشران و به هم مرتبط نامنی تمرکز دارد:

۱) تغییرات اقلیمی^{۱۵}: تغییرات شدید محیطی منجر به از بین رفتن زیرساخت‌ها، کمبود منابع و جابجایی گسترده مردم، ناآرامی‌های مدنی، خشونت جمعی و بی‌ثباتی بین‌المللی می‌شود.

۲) رقابت بر سر منابع^{۱۶}: رقابت فزاینده برای منابع کمیاب، به‌ویژه مواد غذایی، آب و انرژی.

۳) به حاشیه رانده شدن اکثریت جهان^{۱۷}: افزایش تقسیمات اقتصادی و اقتصادی (چه در داخل و چه بین کشورها) و به حاشیه رانده شدن سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اکثریت قریب به اتفاق جمعیت جهان.

۴) نظامی شدن جهان^{۱۸}: افزایش استفاده از نیروی نظامی به عنوان یک ابزار معتبر سیاست خارجی و گسترش بیشتر فناوری‌های نظامی (از جمله سلاح‌های کشتار جمعی) (Abbott & Marsden, ۲۰۰۸: ۱۶).

این عوامل روندهایی هستند که به احتمال زیاد منجر به بی‌ثباتی قابل توجه در مقیاس جهانی و منطقه‌ای و از دست دادن زندگی می‌شوند که با سایر تهدیدات بالقوه احتمالی قابل مقایسه نیست. تجزیه و تحلیل امنیت پایدار، تمایزی میان این عوامل و سایر تهدیدهای امنیتی ایجاد می‌کند که ممکن است به جای آن نشانه‌ها، دلایل اصلی محسوب شود و تمایل به موضعی شدن و فوری تر (برای مثال تروریسم یا جنایت سازمان‌یافته) داشته باشد.

هر استراتژی امنیت ملی باید جنبه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در نظر بگیرد، که به عنوان یک سیستم تعاملی متقابل عمل کند. به طور کلی، همه این ابعاد به عنوان عاملان (منبع قدرت) و همچنین نقاط ضعف بالقوه (منابع تهدید) باید مورد بررسی قرار گیرند. بدین‌سان یکی از ابعاد مهم امنیت، بُعد اقتصادی آن است. در این مفهوم امنیت به معنای ایجاد و احساس اطمینان، امنیت و آرامش در دسترسی به عوامل توسعه اقتصادی در برابر انواع فشارهای بین‌المللی، دولتی، اداری، دفاعی، سیاسی، حقوقی و قانونی است (نصیری، ۱۳۸۴: ۸۷). جنبه اقتصادی، به عنوان یک فعالیت اجتماعی مهم، اگرچه جزء تفکیک‌ناپذیر امنیت ملی شناخته می‌شود، به دلیل وابستگی متقابل با سایر ابعاد اجتماعی و محیطی نمی‌تواند به‌تنهایی در نظر گرفته شود. بنابراین از دیگر ابعاد برقراری امنیت پایدار در جامعه، بُعد اجتماعی و فرهنگی آن است. در این مفهوم باور بر این است که ساختارهای نامناسب جامعه، فرد را در شرایطی قرار می‌دهند که دست به اعمال خلاف قوانین اجتماعی بزند و امنیت و نظم اجتماعی را بر هم زند. حال هر چه میزان اخلاق اجتماعی حاکم بر جامعه و فرد بیشتر باشد و افراد بیشتر با تعهدها و وظایف اجتماعی خود آشنا باشند، امکان احترام به حقوق اجتماعی و در نتیجه برقراری بهتر امنیت اجتماعی نیز فزونی خواهد یافت (هافندرون، ۱۳۷۱: ۳۱). از دیگر ابعاد برقراری امنیت پایدار بُعد امنیتی و نظامی است که بر این اساس امنیت به عنوان یکی از نیازهای اصلی انسان و به مفهوم رهایی از ترس، خطر و احساس دوری از هر گونه تهدید است. از این منظر امنیت به معنای ایجاد شرایطی است که در آن افراد بتوانند آزادانه رشد کنند و هیچ‌گونه ترسی از عوامل بیرونی نداشته باشند. برقراری امنیت در این بُعد از وظایف دولت، نیروهای نظامی و انتظامی است که عهده‌دار مسئولیت حفظ جان و مال مردم و جامعه هستند. آخرین بُعد امنیت پایدار، امنیت زیست‌محیطی است. محیط‌زیست فراملی‌ترین مسئله است و امنیت آن بُعد مهمی از صلح، امنیت ملی و حقوق بشر است (Zurlini & Muller, ۲۰۰۸). امنیت زیست‌محیطی فرایندی برای پاسخگویی مؤثر به تغییر شرایط محیطی است که پتانسیل کاهش صلح و ثبات در جهان را دارد. امنیت زیست‌محیطی، شناسایی مسائل مهم و انجام اقدامات مرتبط با محیط‌زیست برای جلوگیری و یا کاهش تغییرات منفی ناشی از انسان در محیط و به حداقل رساندن تأثیر دامنه فجایع زیست‌محیطی است که می‌تواند رخ دهد (King, ۲۰۰۰: ۴۳).

^{۱۵} - Climate change

^{۱۶} - Competition over resources

^{۱۷} - Marginalisation of the 'majority world'

^{۱۸} - Global militarisation

بنابراین امنیت پایدار مناطق مرزی مستلزم توجه به همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی می‌باشد. در این میان محققین زیادی (جسارتی و همکاران، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۱؛ میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳) نتیجه عدم تحقق مؤلفه‌های توسعه پایدار را در بروز ناپایداری‌های امنیتی مورد بررسی قرار داده‌اند و بسیاری از آن‌ها نقش اقدامات پلیس مرزبانی در برقراری امنیت مناطق مرزنشین و مقابله با تهدیدات مرزی و بررسی دامنه تأثیرگذاری اقدامات پلیس مرزبانی در ارتقا امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مرزی مناطق مرزنشین را مهم ارزیابی کرده‌اند.

۳- پیشینه پژوهش

کوشکی و طولابی‌نژاد (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ریزی پایدار توسعه همکاری‌های مناطق مرزی (CBC): عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی» نشان دادند که در زمینه برنامه‌ریزی برای پایداری اتحاد در استان سیستان و بلوچستان به جز قرارداد تعیین حقا به رودخانه هیرمند در منطقه سیستان که با کشور افغانستان در چند دوره زمانی منعقد شد؛ طرح یا برنامه‌های تصویب و اجرا نشد و از بین پنج عامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی - مذهبی، نهادی - ساختاری و سیاسی امنیتی، سه عامل اقتصادی (۴۷۸/۰)، سیاسی - امنیتی (۴۷۳/۰) و فرهنگی - مذهبی (۳۶۳/۰) بیشترین اثر را بر پایداری اتحاد مناطق مرزی در منطقه مورد مطالعه داشته‌اند.

مظفری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه ژئوپلیتیک آب در توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی براساس رویکرد سیستم‌های پویا» نشان دادند که بر اساس الگوی رفتاری «جابجا کردن مشکل و به تأخیر انداختن آن» اجرای طرح‌های فیزیکی انسداد مرزها بدون توجه به تأمین اشتغال، امنیت غذایی، ارتقاء شاخص‌های رفاه مردم مرز نشین و جلب مشارکت آن‌ها، در بلندمدت نمی‌تواند پاسخگوی امنیت باشد. بلکه مشکل امنیت را جابجا و به تأخیر می‌اندازد. علاوه بر آن طبق الگوی «موفقیت برای گروه موفق»، بدون محرک‌های برون‌زا مانند سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی در توسعه نواحی مرزی نمی‌توان حقا به‌های عرفی و قانونی را برای بهره‌برداری از آب‌های مرزی و مشترک ایجاد کرد. همچنین با توجه به الگوی «محدودیت رشد»، فعال کردن دیپلماسی آب برای تفاهم و تأمین حقا به کشور پایین دست یک الزام برای بهره‌برداری پایدار از آب‌های مرزی و مشترک می‌باشد.

پورمنافی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای نشان داد که یگان‌های مرزی که به عنوان رده اول امنیتی و مبادی اطلاعات سازمانی در راستای تحقق اهداف و مأموریت اطلاعاتی ناجا قرار دارند، بایستی برای نیل به اهداف و مأموریت اطلاعاتی ناجا، مؤلفه‌های اشراف اطلاعاتی در محیط داخلی، جدار مرزی و امنیتی - انتظامی را که دارای رتبه بالایی می‌باشند، مدنظر قرار دهند. لذا اشراف اطلاعاتی نقش مهم و اثرگذاری بر امنیت پایدار در مرزهای جمهوری اسلامی ایران داشته و بر همین اساس، تقویت و گسترش اشراف اطلاعاتی در مناطق مرزی بسیار ضروری و حیاتی است.

موسوی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «اولویت‌بندی راهبردهای امنیت پایدار در آمایش مناطق مرزی استان کردستان»، نشان دادند که وضعیت توسعه امنیت پایدار کردستان از الگوی تهاجمی تبعیت می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آماده‌سازی حداکثری نیروی انتظامی جهت مقابله با ناامنی احتمالی بالاترین جذابیت و راهبرد مبارزه با اشرار و قاچاقچیان پایین‌ترین جذابیت را در بین راهبردها دارد.

پولادی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «الگوسازی عوامل تأمین‌کننده امنیت پایدار مرزی (مطالعه موردی مرزهای شرقی ایران)»، سه دسته عوامل عمده مداخله‌گر (نظیر محرومیت‌های فرهنگی، قاچاقچیان بین‌المللی، حساسیت‌های قومی، نحوه تعامل نخبگان با موضوع)، عوامل علی (نظیر تمرکز بر ساخت هویت درون‌زا، افزایش توان نظامی داخلی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری) و عوامل زمینه‌ای (نظیر گسترش زیرساخت‌های اقتصادی - زیست‌محیطی، فرهنگی - اجتماعی، امنیتی - پدافند غیرعامل، سیاسی - قانونی و مذهبی) در ایجاد ناامنی مرزهای شرقی تأثیرگذارند. نتایج به دست آمده بیانگر آن

است که تأمین امنیت پایدار مرزهای شرقی، پیامدهایی از جمله حفظ جمعیت بومی، کنترل قاچاق کالا و همچنین از بین رفتن تهدیدهای سیاسی-امنیتی و اقتصادی را در پی خواهد داشت.

بذرافشان و طولابی‌نژاد (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل اثرات و کارکردهای سرمایه اجتماعی در امنیت پایدار روستاهای مناطق مرزی بخش مرکزی شهرستان سراوان»، نشان دادند که مشارکت، اعتماد و انسجام بین اهالی و همکاری و مشارکت با نیروی انتظامی و مرزبانی باعث افزایش میزان مشارکت سیاسی مردم، کاهش شکاف‌های قومی و طایفه‌ای، کاهش رفت‌وآمدهای غیرقانونی به کشورهای مجاور، افزایش همکاری با نیروی نظامی در مبارزه با اشرار و قاچاقچیان و برقراری نظم و امنیت گردیده است.

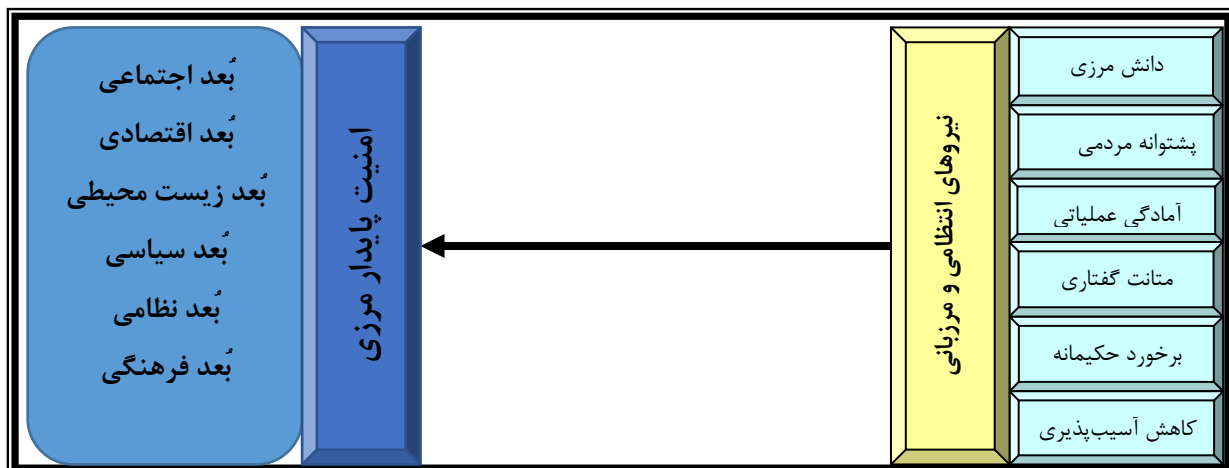
جسارتی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش عملکرد پلیس مرزبانی در ارتقا امنیت مناطق مرزنشین استان اردبیل» نشان دادند که میان اقدامات و عملکرد پلیس مرزبانی با ارتقا امنیت مناطق مرزنشین رابطه معناداری وجود دارد.

پیرعلی و سیادت (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «تدابیر راهبردی ناجا در گسترش امنیت پایدار مرزهای جنوب شرقی کشور استان سیستان و بلوچستان»، نشان داده‌اند که مرزهای شرقی استان سیستان و بلوچستان با توجه به گستره جغرافیایی، طولانی بودن مرزها، تعداد همسایگان و موقعیت ژئوپلیتیکی، تداخل قومی-فرهنگی با کشورهای همجوار و... می‌توانند منشأ تهدیدات مرزی متعدد برای کشور باشند؛ اما از طرف دیگر، نیروهای ناجا نیز از توانایی بالقوه و بالفعل مطلوبی جهت مقابله با این تهدیدات برخوردارند؛ نتایج حاصل از ماتریس SWOT نشان داد که راهبرد هم‌افزایی ظرفیت‌های انتظامی-امنیتی در سطح استان، با توجه به شرایط موجود از اولویت بیشتری برخوردار است.

رجبی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «الزام‌های حقوقی پلیس مرزبانی در زمینه تأمین امنیت مناطق مرزی کشور»، نشان داد که مرزبانان نقش اساسی و حساسی در کنترل و مراقبت از مرزها، اجرای معاهده‌ها و پروتکل‌های مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین در مرزها و محدوده‌ی انحصاری و اقتصادی دریاها را به عهده دارند. بنابراین صیانت از مرزها و حفظ استقلال و تمامیت ارضی نیاز به مرزبانانی آگاه و مسلط به قواعد مرزی دارد.

مطالعات تجربی صورت گرفته هر کدام به ابعادی از پژوهش حاضر پرداخته‌اند. از نکات بدیع این پژوهش آن است که با استفاده از روش تحقیق تلفیقی (کمی و کیفی) و با استفاده از دو ابزار مصاحبه و پرسشنامه تلاش دارد تا از دیدگاهی متفاوت نقش و جایگاه نیروهای انتظامی و مرزبانی در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه را مورد واکاوی قرار دهد. در این راستا، مدل تجربی زیر که برگرفته از مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش است ارتباط بین متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می‌دهد.

شکل ۱: مدل تجربی پژوهش



جدول شماره ۱ نحوه سنجش مفاهیم و متغیرها را با مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌های آن‌ها بیان می‌کند. در این مطالعه امنیت پایدار مرزی در قالب پنج مؤلفه و هر یک از مقوله‌ها بر اساس چند شاخص و هر شاخص با چند گویه عملیاتی می‌شود. گویه‌های مورد استفاده برای هر یک از شاخص‌ها و در نهایت مفاهیم، در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد به نحوی که به گزینه کاملاً موافق (خیلی زیاد) کد ۵، موافق (زیاد) کد ۴، بی‌نظر (متوسط) کد ۳، مخالف (کم) کد ۲ و کاملاً مخالف (خیلی کم) کد ۱ تعلق می‌گیرد.

جدول ۱: متغیرها، شاخص‌ها و ابعاد متغیرهای مستقل و وابسته

نام متغیر	ابعاد و مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	تعداد گویه	سطح سنجش
امنیت پایدار مرزی	اجتماعی	آمایش سرزمینی	۳	فاصله‌ای
		رفاه اجتماعی	۴	فاصله‌ای
		توسعه اجتماعی	۴	فاصله‌ای
	اقتصادی	توجه به صادرات	۴	فاصله‌ای
		رونق کشاورزی و دامداری	۵	فاصله‌ای
		معیشت و اشتغال	۴	فاصله‌ای
	زیست‌محیطی	آگاهی محیط زیستی	۵	فاصله‌ای
		رفتار محیط زیستی	۵	فاصله‌ای
	سیاسی	اقتدار سیاسی	۵	فاصله‌ای
		تعامل با همسایه‌ها	۵	فاصله‌ای
		نبود تعارض سیاسی	۴	فاصله‌ای
	نظامی	دفع تهدیدها	۴	فاصله‌ای
		فناوری نظامی نوین	۴	فاصله‌ای
فرهنگی	تنوع فرهنگی و توجه به عشایر بومی	۵	فاصله‌ای	
	ساده زیستی توأم با مصرف‌گرایی	۴	فاصله‌ای	
	اشتراکات دینی قومی قبیله	۵	فاصله‌ای	
نیروی انتظامی و مرزبانی	میزان آگاهی و سواد (سطح دانش مرزی)	۵	مستقل	
	داشتن پشتوانه مردمی (تعامل با مردم و اقتدار مردمی)	۵	مستقل	
	میزان آمادگی عملیاتی (دفاعی و نظامی)	۵	مستقل	
	دارا بودن متانت گفتاری	۵	مستقل	
	میزان دارا بودن برخورد حکیمانه	۵	مستقل	
	میزان نقش در کاهش آسیب‌پذیری	۵	مستقل	

۴- روش پژوهش

از آن جا که اصول بنیادی مربوط به گزینش نمونه، استنباط‌ها و تعمیم‌ها از یافته‌ها و نتایج در مورد جمعیتی که نمونه از آن انتخاب شده است، در این پژوهش رعایت می‌شود و پژوهشگر در آن بر نتایج متمرکز می‌شود، لذا روش پژوهش در این مطالعه از نوع کاربردی است. از نظر روش، در این پژوهش از روش تلفیقی (توصیفی تبیینی از نوع پیمایشی برای بُعد کمی و روش تئوری زمینه‌ای برای بُعد کیفی) استفاده گردید. دلیل انتخاب این روش‌ها این است که در روش توصیفی، پژوهشگر به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی و آن چه هست، می‌پردازد و از طرفی در روش تئوری زمینه‌ای سعی در ارائه الگوی مطلوب برای ارتقای امنیت پایدار مرزی با توجه به نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی برسد. در پدیدارشناسی سه مرحله درک مستقیم، تجزیه و تحلیل و توصیف استفاده شد. در مرحله درک مستقیم، محقق کاملاً در پدیده مورد نظر غوطه‌ور می‌شود. در

این فرایند، محقق ضمن اجتناب از هر گونه نقد، بررسی و اظهار نظر شخصی، پدیده مورد نظر را آن گونه می‌شناسد که مشارکت‌کنندگان توصیف می‌کنند. در مرحله تجزیه و تحلیل، محقق به دنبال تشخیص جوهره‌ی پدیده مورد نظر و تم‌های اصلی و مشترک است. در مرحله توصیف که مرحله آخر و مکمل مراحل قبلی است، اجزای اصلی و شاخص پدیده‌ها به هم مرتبط شده و تم‌ها و جوهره‌های موجود در پدیده‌ها گروه‌بندی می‌شوند.

جامعه آماری قسمت کیفی مطالعه شامل صاحب‌نظران و متخصصین آگاه به موضوع تحقیق هستند. با توجه به عدم اشراف در خصوص تعداد دقیق جامعه آماری در بخش کیفی، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی در بخش کیفی انجام گرفت. بدین منظور پس از اشیاع نظری، تعداد ۳۰ نخبه و صاحب‌نظر به عنوان نمونه انتخاب شدند. این افراد شامل ۱۰ عضو هیئت علمی، ۱۵ افراد بومی مسلط به موضوع و ۵ نفر از فرماندهان ارشد نظامی و مرزبانی که تجربه مدیریت مرزها را داشته و به حوزه مرزها تسلط کامل را داشتند. در بخش کمی جامعه آماری در این مطالعه شهرهای مرزنشین استان کرمانشاه می‌باشد که شامل شش شهر پاوه، جوانرود، ثلاث باباجانی، سرپل ذهاب، قصر شیرین و گیلانغرب می‌باشد. با توجه به این که جامعه آماری در این مطالعه زیاد است و بر اساس آمار رسمی سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد جمعیت این شهرها روی هم رفته برابر با ۳۳۷۰۹۷ نفر است و امکان گردآوری داده‌ها از همه افراد وجود ندارد، بنابراین از نمونه‌گیری استفاده به عمل آمد. حجم نمونه بر اساس نرم‌افزار SPSS Sample Power برابر با ۵۴۰ نفر است که به نسبت جمعیت هر یک از شهرها حجم نمونه آن‌ها نیز به دست آمد. جدول شماره ۱ جمعیت و نمونه هر یک از شهرهای مرزی استان را نشان می‌دهد.

جدول ۲: جمعیت آماری و حجم نمونه به تفکیک شهرهای مرزی استان

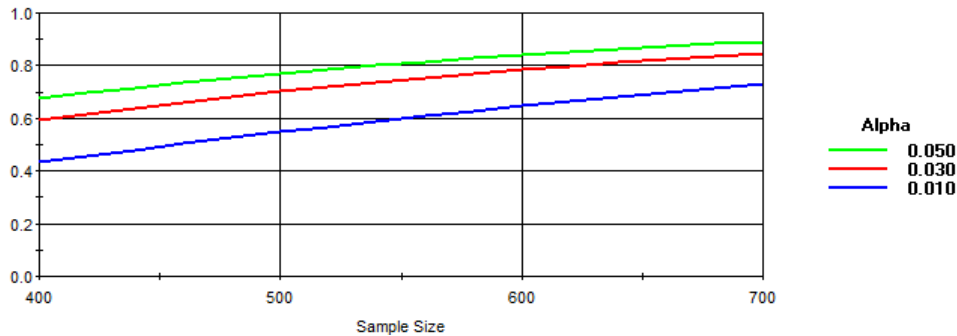
ردیف	نام شهر	جمعیت	نمونه	ردیف	نام شهر	جمعیت	نمونه
۱	پاوه	۶۰/۴۳۱	۹۷	۴	سرپل ذهاب	۸۵/۳۴۲	۱۳۷
۲	جوانرود	۷۵/۱۶۹	۱۲۱	۵	قصر شیرین	۲۳/۹۲۹	۳۸
۳	ثلاث باباجانی	۳۵/۲۱۹	۵۶	۶	گیلانغرب	۵۷/۰۰۷	۹۱
	جمع کل	۳۳۷۰۹۷	۵۴۰				

از آنجا که قسمت کمی مطالعه حاضر مبتنی بر آزمون فرضیه و نظریه داده بنیاد قرار دارد، لذا برآورد نمونه‌گیری با استفاده از نرم‌افزار SPSS Sample Power در مسیر تحلیل توان (Power) انجام گرفت. حجم نمونه با توجه به پیش‌فرض‌های مربوط به نمونه‌گیری احتمالی (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل) و با استفاده از نرم‌افزار SPSS Sample Power به تعداد ۵۴۰ نفر مشخص گردید.

جدول ۳: نحوه انتخاب حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار SPSS Sample Power

Power as a Function of Sample Size, Alpha																	
Tails = 2, Corr 1 = 0.120, Corr 2 = 0.000																	
Alpha	N1=	400	420	440	460	480	500	520	540	560	580	600	620	640	660	680	700
	N2=	400	420	440	460	480	500	520	540	560	580	600	620	640	660	680	700
0.010		0.433	0.457	0.480	0.503	0.525	0.547	0.568	0.589	0.609	0.628	0.647	0.665	0.682	0.699	0.715	0.731
0.030		0.595	0.618	0.640	0.661	0.681	0.701	0.719	0.737	0.753	0.769	0.784	0.798	0.811	0.824	0.836	0.847
0.050		0.674	0.696	0.716	0.735	0.753	0.770	0.786	0.801	0.815	0.828	0.840	0.852	0.863	0.873	0.882	0.891

Power as a Function of Sample Size and Alpha



در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه و مصاحبه انجام گرفت. برای بُعد کمی مطالعه از پرسشنامه استفاده شده و در مرحله دوم و برای بُعد کیفی اطلاعات از روش مصاحبه منظم استفاده به عمل آمد. در این مرحله با ۵۰ نفر از خبرگان در زمینه امنیت پایدار مرزی شامل نخبگان دانشگاهی، مسئولین مربوطه در ادارات و افراد صاحب‌نظر استان مصاحبه به عمل آمد و اطلاعات لازم گردآوری شد.

۵- یافته‌های پژوهش

پس از گردآوری داده‌های بخش کمی و همچنین اخذ اطلاعات به دست آمده از بخش کیفی پژوهش؛ تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. در این راستا برای پاسخ به سؤالات مطرح شده پژوهش از کدگذاری‌های رایج در روش‌های کیفی و برای بررسی فرضیه‌ها هم از آزمون‌های آماری مربوطه استفاده شد. در قسمت اول تحلیل‌ها سعی می‌شود نتایج بخش کیفی انجام پذیرد و سپس به نتایج بخش کمی پرداخته می‌شود.

۵-۱- تحلیل‌های کیفی

۵-۱-۱- توصیف یافته‌ها: از نظر روش‌شناسان کیفی از آنجا که کار محقق تفسیر و طبقه‌بندی تفسیر مردم عادی است و از آنجا که زبان مردم عادی زبانی غیر حرفه‌ای و مبتنی بر دانش عامیانه است، لذا باید از به‌کارگیری روش حرفه‌ای و پیچیده و یا هر سبک و روشی که به جای ساده‌سازی مفاهیم و نیز موضوعات مورد مطالعه به پیچیدگی موضوعات و جریانات دامن زند، پرهیز کرد (Berg, ۲۰۰۱; Neuman, ۲۰۰۰; Merriam, ۱۹۹۸). از افراد مورد مطالعه (۳۰ نفر شرکت‌کننده در مصاحبه) ۸۰ درصد مرد و ۲۰ درصد افراد زن بودند. این ویژگی‌ها بر حسب وضعیت کاری، وضعیت تأهل و وضعیت درآمد بیان شده است. از نتایج بر می‌آید که از جنسیت‌های مختلف، افراد با وضعیت درآمدی و تحصیلی مختلف، وضعیت تأهل متنوع و سایر ویژگی‌ها با رعایت تناسب در جامعه آماری استفاده شده است.

جدول ۴: مشخصات پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های جمعیت شناختی

متغیر	مؤلفه	فراوانی	درصد	متغیر	مؤلفه	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۶	۲۰/۰	وضعیت	مجرد	۷	۲۳/۳۳
	مرد	۲۴	۸۰/۰		متأهل	۲۳	۷۶/۶۶
وضعیت شغلی پاسخگویان	هیأت علمی	۱۰	۳۳/۶۶	وضعیت درآمد	زیر ۴ میلیون	۱۳	۴۳/۳۳
	افراد بومی مطلع	۱۵	۵۰/۰۰		۴-۵ میلیون	۵	۱۶/۳۳
	فرماندهان و	۵	۱۶/۳۳		۵ میلیون به بالا	۱۲	۴۰/۰

مدیران ارشد							
-------------	--	--	--	--	--	--	--

۲-۱-۵- مرحله دوم: کدگذاری

۵-۱-۲-۱- کدگذاری باز: جدول شماره ۵ ابعاد حضور نیروهای نظامی و انتظامی در مرزها از نظر پاسخگویان را نشان می‌دهد. در این پژوهش در مرحله کدبندی باز، تعداد ۱۷ واحد معنایی مشخص شدند. این واحدهای معنایی از نظرات پاسخگویان استخراج شدند و سعی شد که جامع‌ترین نظرات در این مرحله وارد کدگذاری شوند. این مفاهیم به دست آمده در جدول زیر ارائه شده‌اند. این مفاهیم بیانگر دیدگاه ۳۰ نفر متخصصان و مطلعان در رابطه با ابعاد حضور نیروهای نظامی و انتظامی در مرزها است.

جدول ۵: ابعاد حضور نیروهای نظامی و انتظامی در مرزها از نظر پاسخگویان

ردیف	عبارت ^{۲۰}	مفهوم ^{۱۹}
۱	سخت به مقررات پایبند باشد.	پایبند مقررات
۲	از سطح سواد و علم در خصوص مرز و امنیت کشور و ثبات اعم از امنیتی به معنای واقعی کلمه و اقتصادی برخوردار باشد.	علم و آگاهی
۳	با مردم محلی در تعامل و از تحمل بالا نسبت به رفتار مردم باشد.	تعامل با مردم
۴	حسادت نسبت به وضعیت زندگی و رفاه مردم پرهیز کند.	تعامل با مردم
۵	هموطن مرزی خود را دشمن نبیند.	تعامل با مردم
۶	نیروهای نظامی و مرزبانی از نفوذ نیروهای مهاجم به داخل که قصد اختلال و تفرقه در داخل کشور را دارند، جلوگیری می‌کنند.	قاطعیت
۷	می‌توانند از تنش‌های ایجاد شده در مناطق مرزی جلوگیری کنند.	مقتدر بودن
۸	نیروی انتظامی می‌تواند از بعد محیطی و بعد روانی تا حدودی در ایجاد امنیت نقش داشته باشد.	مسلط بودن
۹	کنترل ورود و خروج مرزها و شناسایی عناصر تهدیدکننده امنیت	قاطعیت داشتن
۱۰	امنیت پایدار مرزها بر پایه امنیت دفاعی و ترسیم نقشه جغرافیایی همراه با الگوهای خاص بین‌المللی.	دفاع و نظارت شدید
۱۱	استفاده از ادوات روز نظامی و کلاسیک مرزی.	تسلط بر ادوات نظامی
۱۲	نیروهای نظامی مناطق مرزی مهم‌ترین مقوله و راهکار گسترش امنیت در منطقه است.	اقتدار نظامی
۱۳	بومی‌سازی با جو حاکم بر مرزها نیز یکی از راهکارهای مهمش است.	تعاملی بودن
۱۴	حمایت از مبادلات تجاری و قانونی در مرزهای کشور.	تعاملی بودن
۱۵	نسبت به اتفاقات درون جامعه مرزی از اشراف اطلاعاتی برخوردار باشد.	بصیرت داشتن
۱۶	نیروهای نظامی باید رفتاری متین و همراه با خشوع داشته باشند.	برخورد حکیمانه
۱۷	نیروهای مرزبانی باید از پشتوانه مردم محلی مرزها برخوردار باشند.	تعاملی بودن
۱۸	نیروهای نظامی باید در عین اقتدار با مهربانی با اطرافیان برخورد کنند.	برخورد حکیمانه

۵-۱-۲-۱- کدگذاری محوری: عبارات و واحدهای معنایی مطرح شده از طرف پاسخگویان نشان می‌دهد که عبارت «تعامل با مردم» بالاترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است. بعد از انجام عملیات کدبندی باز، در مرحله دوم کدبندی، یعنی کدبندی محوری، مفاهیم مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب ۳ مقوله عمده طبقه‌بندی شدند. این مقولات از سطح بالاتری از انتزاع برخوردار بوده و دومین مرحله جهت تولید نظریه زمینه‌ای است. در جدول زیر مقولات به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه

^{۱۹}. Concept
^{۲۰}. Statement

آورده شده‌اند. این واحدهای معنایی استخراج‌شده در کدگذاری محوری عبارتند از: «عملیاتی بودن»، «تعاملی بودن» و «بصیرت داشتن».

جدول ۶: مفاهیم مشترک حضور نیروهای نظامی و انتظامی در مرزها از نظر پاسخگویان

مقوله	مفاهیم مشترک	فراوانی	درصد
عملیاتی بودن	قاطعیت و پایبندی به مقررات	۴	۱۳/۳۳
	اقتدار داشتن و مسلط بودن	۴	۱۳/۳۳
	دفاع و نظارت شدید	۳	۱۰/۰۰
	تسلط بر ادوات نظامی	۱۴	۴۶/۶۶
تعاملی بودن	تعامل با مرد	۱۷	۵۶/۶۶
	برخورد حکیمانه	۶	۲۰
بصیرت داشتن	اشراف اطلاعاتی	۷	۲۳/۳۳
	آگاهی	۸	۲۶/۶
	مسلط به دانش بودن	۷	۲۳/۳۳

۵-۲-۳- کدگذاری هسته‌ای: در مرحله آخر کدگذاری یافته‌های به دست آمده، نقش نیروهای مرزبانی و انتظامی بر اساس سه بُعد «عملیاتی بودن»، «تعاملی بودن» و «بصیرت داشتن» و امنیت پایدار مرزی در شش مؤلفه «اقتصادی»، «اجتماعی»، «سیاسی»، «زیست‌محیطی»، «نظامی» و «فرهنگی» نشان داده می‌شود.

جدول ۷: مقولات عمده مربوط به درک و تفسیر مردم از مفهوم امنیت پایدار مناطق مرزی

نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی			مقوله هسته‌ای	
بصیرت داشتن	تعاملی بودن	عملیاتی بودن	اقتصادی	امنیت
آگاه بر مبادلات اقتصادی	حمایت از تجارت مشروع	نظارت و اشراف بر روابط اقتصادی بین مرزها	اقتصادی	
مجهز بودن به سلاح دانش	داشتن تعامل دوطرفه	کاهش آسیب‌های اجتماعی	اجتماعی	
اشراف اطلاعاتی	داشتن اقتدار و مشروعیت مردمی	قاطعیت و پایبندی به مقررات	سیاسی	
آگاهی و دانش محیط زیستی	احترام به محیط‌زیست	مدیریت و نظارت بر مرزها	زیست‌محیطی	
دانش استفاده از فناوری نظامی نوین	دفاع و نظارت شدید بر مرزها	تسلط بر ادوات نظامی و فناوری نوین نظامی	نظامی	
تحلیل صحیح	تعامل فرهنگی	رفتار مدبرانه و شجاعانه	فرهنگی	

۵-۱-۳- تفسیر اطلاعات

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که امنیت پایدار مرزی و نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی در یک رابطه متقابل با هم قرار دارند؛ به نحوی که با افزایش نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی می‌توان شاهد ارتقای امنیت پایدار مرزی بود. به عبارت

دیگر امنیت تعریف شده در مرزهای استان بازنمود وجود نیروهای انتظامی و مرزبانی و نقش‌های عملکردی، تعاملی و بصیرتی آن‌ها است. چنین استنباط کرد که مفهومی به نام نقش نیروهای مرزبانی و انتظامی با سه بعد «عملیاتی بودن»، «تعاملی بودن» و «بصیرت داشتن» و امنیت پایدار مرزی در شش مؤلفه «اقتصادی»، «اجتماعی»، «سیاسی»، «زیست‌محیطی»، «نظامی» و «فرهنگی» با هم در هم تنیدگی اجتماعی دارند و این در هم تنیدگی منجر به احساس امنیت شهروندان می‌شود.

۲-۵- تحلیل‌های کمی

در قسمت کمی این مطالعه با استفاده از ابزار پرسشنامه، داده‌های به دست آمده از پاسخگویان مناطق مرزی، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند که به شرح زیر بیان می‌شوند:
فرضیه اول: امنیت پایدار در مناطق مرزی در حد متوسط قرار دارد.

جدول شماره ۸ مقایسه میانگین ابعاد مختلف امنیت پایدار مرزی و نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میانگین واقعی امنیت پایدار مرزی در همه ابعاد غیر از بُعد نظامی از میانگین مورد انتظار پایین‌تر است و بر این اساس لازم است که در ابعاد مذکور بیشتر برنامه‌ریزی گردد. اما در مورد نقش نیروهای نظامی و مرزبانی نتایج نشان می‌دهد که میانگین واقعی در ابعاد عملیاتی و بصیرتی بالاتر از میانگین مورد انتظار می‌باشد؛ اما این نتیجه برای بُعد تعاملی پایین‌تر از میانگین مورد انتظار است و می‌توان گفت لازم است که در این بُعد بیشتر به روابط حسنه و مهربانانه و برخوردهای حکیمانه نیروهای انتظامی و مرزبانی تأکید شود.

جدول ۸: مقایسه میانگین ابعاد مختلف امنیت پایدار مرزی و نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی

متغیرهای اصلی	ابعاد و مؤلفه‌ها	تعداد گویه	میانگین تابع گویه‌ها		میانگین استاندارد	
			واقعی	مورد انتظار	مورد انتظار	استاندارد
ابعاد امنیت پایدار مناطق مرزی	اقتصادی	۱۳	۲۸/۲۴	۳۹	۳	۲/۲۲
	اجتماعی	۱۱	۲۹/۸۱	۳۳	۳	۲/۲۹
	سیاسی	۱۴	۳۹/۷۲	۴۲	۳	۲/۲۰
	محیط زیستی	۱۰	۲۹/۱۴	۳۰	۳	۲/۸۶
	نظامی	۸	۲۶/۳۳	۲۴	۳	۳/۳۳
	فرهنگی	۱۴	۳۵/۳۹	۴۲	۳	۲/۱۲
نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی	عملیاتی	۱۰	۳۴/۴۲	۳۰	۳	۳/۲۳
	بصیرتی	۵	۱۶/۱۸	۱۵	۳	۳/۰۱
	تعاملی	۱۵	۴۲/۴۰	۴۵	۳	۲/۷۳

فرضیه دوم: بین نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی (عملیاتی، تعاملی و بصیرتی) و امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۹ ماتریس همبستگی بین نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی با ابعاد مختلف امنیت پایدار مرزی را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های حاصل بین ابعاد سه‌گانه نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی و ابعاد شش‌گانه امنیت پایدار مرزی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۹: آزمون ماتریس همبستگی نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی با ابعاد مختلف امنیت پایدار مرزی

آزمون آماری	نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی			همبستگی	اقتصادی
	عملیاتی	تعاملی	بصیرتی		
	۰/۱۶۲	۰/۱۶۶	۰/۱۱۳		
			کل		
				۰/۱۱۵	

۰/۰۳۸	۰/۰۳۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	معناداری	
۰/۲۲	۰/۰۲۹	۰/۳۳۵	۰/۱۲۵	همبستگی	اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۵۹	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰	معناداری	
۰/۲۲۵	۰/۰۸۹	۰/۱۱۳	۰/۲۲۸	همبستگی	سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۰۹۶	۰/۰۳۶	۰/۰۰۰	معناداری	
۰/۲۲۶	۰/۱۸۱	۰/۰۳۹	۰/۳۰۵	همبستگی	محیط زیستی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۴۶۲	۰/۰۰۰	معناداری	
۰/۳۰	۰/۱۴۹	۰/۱۵۷	۰/۲۵۹	همبستگی	نظامی
۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	معناداری	
۰/۰۴۲	۰/۱۷۸	۰/۲۰۱	۰/۲۲۰	همبستگی	فرهنگی
۰/۴۳۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری	
۰/۱۹۴	۰/۲۷۸	۰/۱۸۴	۰/۲۳۴	همبستگی	امنیت پایدار مرزی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	معناداری	

جدول شماره ۱۰ نتایج حاصل از رگرسیون را نشان می‌دهد که در این معادله سه بُعد متغیر نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی وارد شدند. آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای این سه متغیر در سطح معناداری قرار دارد. اولین متغیری که در این معادله رگرسیونی وارد شد، بُعد عملیاتی نیروهای انتظامی و مرزبانی می‌باشد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین این متغیر و میزان امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار بالایی وجود دارد، به طوری که مقدار T برای این متغیر برابر (۶/۱۵۷) و ضریب معنی‌داری (Sig.T= ۰/۰۰۰) می‌باشد. میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۲۹۴$ به دست آمد. در مرحله دوم میزان بصیرت این نیروها است که وارد معادله گردید، مقدار T برای این متغیر برابر (۲/۷۹۳) و ضریب معنی‌داری (Sig.T= ۰/۰۰۶) می‌باشد. در اینجا با وارد شدن دومین متغیر میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۱۴$ به دست آمد. در نهایت مؤلفه تعامل نیروهای انتظامی و مرزبانی با مردم وارد معادله رگرسیونی شده است. مقدار T برای این متغیر برابر (۲/۶۱۱) و ضریب معنی‌داری (Sig.T= ۰/۰۰۹) می‌باشد. در اینجا با وارد شدن دومین متغیر میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۲۸$ به دست آمد. این سه متغیر روی هم رفته توانستند مقدار $۰/۳۲۸$ از تغییرات درونی متغیر توسعه پایدار مناطق مرزی را تبیین کنند.

جدول ۱۰: تحلیل چندگانه ابعاد نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی جهت پیش‌بینی متغیر توسعه پایدار مناطق مرزی

مرحله	نام متغیر	B	Beta	مقدار t	معناداری	مقدار R	R^2	آزمون فیشر	معناداری	
۱	بعد عملیاتی	۰/۲۰۳	۰/۳۸۲	۶/۱۵۷	۰/۰۰۰	۰/۵۴۲	۰/۲۹۴	۵۲/۷۰۷	۰/۰۰۰	
۲	بعد بصیرتی	۰/۱۷۷	۰/۱۴۰	۲/۷۹۳	۰/۰۰۶	۰/۵۶۰	۰/۳۱۴			
۳	بعد تعاملی	۰/۱۹۳	۰/۱۵۸	۲/۶۱۱	۰/۰۰۹	۰/۵۷۳	۰/۳۲۸			
					Constant = ۱۷/۰۳۳		Durbin-Watson= ۱/۸۱۴			

بر این اساس معادله رگرسیون چند متغیره در پژوهش حاضر به این صورت می‌باشد:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

توسعه پایدار مناطق مرزی = $۱۷/۰۳۳ + ۰/۳۸۲$ (بعد عملیاتی) + $۰/۱۴۰$ (بعد بصیرتی) + $۰/۱۵۸$ (بعد تعاملی) + e_i

۶- بحث و نتیجه گیری

حفاظت از مرزهای سرزمینی هر کشور یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها به شمار می‌رود؛ چرا که عدم حفاظت از مرزها دشمنان را در موضعشان قوی‌تر و در حمله به سرزمین آن‌ها جدی‌تر خواهد کرد و نهایتاً کیان حکومت را با خطر مواجه خواهد کرد. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیروهای نظامی و انتظامی مرزبانی مسئولیت این امر خطیر را عهده‌دار هستند. نیروهای انتظامی در راستای وظایف خود و در چارچوب پلیس مرزبانی تأمین امنیت مناطق مرزی را عهده‌دار می‌باشد بدین منظور هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش و جایگاه نیروهای انتظامی و مرزبانی در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه بود. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین ابعاد سه‌گانه نقش نیروهای انتظامی و مرزبانی (عملیاتی، تعاملی و بصیرتی) با ابعاد شش‌گانه امنیت پایدار مرزی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی، نظامی و فرهنگی) رابطه معنادار وجود دارد. این نتیجه با پیشینه تجربی پژوهش مبنی بر نقش و جایگاه نیروهای انتظامی و مرزبانی در امنیت پایدار مناطق مرزی (مظفری و همکاران، ۱۳۹۸، کوشکی و طولابی‌نژاد، ۱۳۹۹، پورمنافی، ۱۳۹۷؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۷؛ پولادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ بذرافشان و طولابی‌نژاد، ۱۳۹۵؛ جسارتی و همکاران، ۱۳۹۳؛ پیرعلی و سیادت، ۱۳۹۲ و رجبی، ۱۳۹۱) همخوان می‌باشد. همچنین نتیجه این پژوهش بر اساس مبانی نظری نیز قابل تفسیر می‌باشد. در این راستا آبوت و مارسدن (۲۰۰۸) یکی از مؤلفه‌های اساسی امنیت پایدار را فهم روندهای امنیتی درهم‌تنیده و یکپارچه می‌دانند. بنابراین، هر استراتژی امنیت ملی باید جنبه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در نظر بگیرد و به عنوان یک سیستم تعاملی متقابل عمل کند و نباید این ابعاد به تنهایی در نظر گرفته شود چرا که در آن صورت برداشت ما از مفهوم امنیت پایدار، برداشتی تقلیل‌گرایانه و شکننده خواهد بود و حاصل آن امنیت پایدار نخواهد بود. به عنوان مثال پارادیم کنترل مبتنی بر این پیش‌فرض غلط بود که می‌توان نامی را از طریق نیروهای نظامی کنترل کرد و بدین ترتیب امنیت را حفظ کرد. چنین رویکردهایی در مورد امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار ناقص است و سیاستمداران جهان را از ایجاد راه‌حل‌های واقع‌بینانه و پایدار در قبال تهدیدات مدرن دور می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت تاب‌آوری و پایداری امنیت در مناطق مرزی در جهانی که ماهیت مرزها دچار تغییر شده نیازمند یک رویکرد جامع نگر است که همه جوانب و ابعاد امنیت را در بر گیرد.

پیشنهادها و راهکارها:

- بر اساس یافته‌های پژوهش و در راستای ارتقای امنیت پایدار مناطق مرزی می‌توان راهکارهای زیر را پیشنهاد داد:
- ارتقاء دانش امنیتی مرزبانان و مرزنشینان در ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و زیست محیطی از کشور خود و کشورهای همسایه که در آن طرف مرز وجود دارند؛
 - افزایش سطح تعامل، مشارکت و همکاری مرزنشینان با نیروهای انتظامی مرزبانی؛
 - توجه بیشتر به توسعه اقتصادی و زیرساختی مناطق مرزی؛
 - جلوگیری از پیدایش احساس از خود بیگانگی فرهنگی در میان مرزنشینان نسبت به مناطق مرکزی کشور که سبب برانگیختن گرایش‌های استقلال طلبانه در بین آن‌ها می‌شود؛
 - جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی، قاچاق کالا و مواد مخدر با ساختن نرده‌ها و تقویت گشت‌های مرزی؛
 - رسیدگی به نارضایتی‌ها، نگرانی‌ها و انتظارات مرزنشینان؛
 - داشتن درک عمیق دولت و نهادهای امنیتی از پیشینه تاریخی، ویژگی‌های قومی، توسعه زیرساخت‌ها، آرمان‌های فرهنگی و نیازهای احساس شده مردم در مناطق مرزی.

منابع

- احمدی، حسن و دادجو، روزبه (۱۳۹۱). توسعه پایدار مناطق مرزی؛ راهبرد اساسی حفظ امنیت مرزها، **همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها**، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳۰ و ۳۱ فروردین.
- احمدی، حسن؛ دادجو، روزبه، (۱۳۹۱)، توسعه پایدار مناطق مرزی؛ راهبرد اساسی حفظ امنیت مرزها، **همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها**، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص ۶۹-۶۰.
- بذرافشان، جواد؛ طولابی نژاد، مهرشاد، (۱۳۹۵)، تحلیل اثرات و کارکردهای سرمایه اجتماعی در امنیت پایدار روستاهای مناطق مرزی بخش مرکزی شهرستان سراوان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۴۱، صص ۷۶-۵۵.
- بنی اسد، سعید (۱۳۹۲). پلیس مرزبانی و مولفه های امنیت اجتماعی در مبارزه با قاچاق کالا(مناطق مرزی جنوب کشور)، نشریه علوم و فنون مرزی، شماره چهار، بوزان، باری(۱۳۷۸). **مردم، دولت‌ها، هراس**، ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورمنافی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). نقش اشراف اطلاعاتی در امنیت پایدار مرزهای جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: مرزهای استان خراسان رضوی). علوم و فنون مرزی، ۷(۳)، ۱۹۲-۱۷۱.
- پولادی، حسن؛ کشاورزبان، محمد مهدی؛ خان محمدی، هادی؛ اصلی پور، حسین، (۱۳۹۵)، **الگوسازی عوامل تأمین کننده امنیت پایدار مرزی: (مطالعه موردی مرزهای شرقی ایران)**، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره ۷۲، صص ۱۴۹-۱۲۵.
- پیردشتی، حسن؛ کمری، مریم، (۱۳۹۴)، **مفهوم مرز و سرحد و سیر تحولات آن**، مجله جغرافیای سیاسی، دوره سی‌ام، شماره ۱، صص ۱۹-۱۳.
- پیرعلی، علیرضا؛ سیادت، سعیده، (۱۳۹۲)، تدابیر راهبردی ناجا در گسترش امنیت پایدار مرزهای جنوب شرقی کشور(کورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان)، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۰۳.
- جسارتی، عسگر؛ عظیم حبیب زاده و امیر تمامی، ۱۳۹۳، نقش عملکرد پلیس مرزبانی در ارتقا امنیت مناطق مرزنشین مطالعه موردی: مرز استان اردبیل، همایش ملی مرزنشینی توسعه پایدار و فرصت های سرمایه گذاری، شهرستان پارس آباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد مغان، https://www.civilica.com/Paper-FSDIO۰۱-FSDIO۰۱_۰۹۸.html
- رجبی، ابراهیم (۱۳۹۱). الزام های حقوقی پلیس مرزبانی در زمینه تامین امنیت مناطق مرزی کشور، نشریه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، سال ۲۶، شماره دوم.
- رومینا، ابراهیم؛ پورعزیزی، علی؛ بازی، سیدطاهر، (۱۳۹۷)، «تأثیر مبادلات اقتصادی در توسعه شهرهای مرزی (مطالعه موردی: شهر پیرانشهر)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره پنجاهم، شماره ۴، صص ۱۰۶۵-۱۰۴۹.
- طیب‌نیا، سیدهدای؛ محمدی، سعدی؛ منوچهری، سوران، (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر تأثیر انسداد مرزها بر امنیت پایدار نواحی روستایی پیرامون (مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان مریوان)»، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره بیستم، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۵.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). **فرهنگ عمید**، انتشارات جاویدان.
- فرخی، عباس، (۱۳۸۴)، «بررسی نقش اقوام مرزنشین ایرانی در امنیت ملی با تأکید بر استان کرمانشاه»، مجله جمعیت، شماره ۵۱ و ۵۲، صص ۷۷-۱۰۲.

کوشکی، امین و طولابی نژاد، مهرشاد (۱۳۹۹). برنامه ریزی پایدار توسعه همکاری های مناطق مرزی (CBC): عوامل و محرک های موثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال بیستم، شماره ۵۶، صص ۱۴۰-۱۱۵

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) **تجدد و تشخیص**، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
مختاری هشی، حسین؛ وزین، نرگیس؛ قادری حاجت، مصطفی، (۱۳۹۶). «بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی - پژوهشی، سال چهاردهم، شماره ۵، صص ۶۰-۴۳.
مرادی، علی (۱۳۹۶). مطالعه بررسی نقش مشارکت شهروندان در تأمین احساس امنیت اجتماعی: مورد مطالعه شهر مبارکه، فصلنامه پژوهش های انتظام اجتماعی، سال نهم، شماره چهارم، صص ۱۳۹-۱۶۶.
مسعودی راد، ماندانا؛ رضایا، فرج‌الله؛ شاهی، محمدحسن؛ آدیش، حجت، (۱۳۹۲)، «ارزیابی اثرات بازارچه‌های مرزی به عنوان محرک های توسعه و امنیت در مناطق مرزی نمونه: خراسان جنوبی»، فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی، سال دوم، شماره ۳، صص ۷۶-۶۷.

مظفری، ابوالقاسم؛ حاجی حسینی، حمیدرضا و حاجی حسینی، محمدرضا (۱۳۹۸). بررسی جایگاه ژئوپلیتیک آب در توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی براساس رویکرد سیستم های پویا، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پانزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۵۳)، صص ۱۱۸ - ۱۴۵
معین، محمد (۱۳۶۳) فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم.

میر نجف، موسوی؛ ویسیان، محمد؛ خلیفی پور، حکیمه، (۱۳۹۵)، «اولویتبندی راهبردهای امنیت پایدار در آمایش مناطق مرزی (مطالعه موردی: استان کردستان)»، مجله پژوهشهای جغرافیای سیاسی، سال اول، شماره ۲، صص ۷۷-۵۵.
میرزاده، رسول؛ امانی، مرتضی؛ خجسته، محمد، (۱۳۹۶)، «نقش عوامل محیطی در امنیت و توسعه پایدار مرزها (مطالعه موردی: مرز شیروان با ترکمنستان در استان خراسان شمالی)»، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۷۶-۶۱.

نصری، قدیر، (۱۳۹۰)، «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های «باری بوزان» در بررسی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۴، صص ۱۳۴-۱۰۵.
هاشمی، سید مصطفی؛ حکمت‌نیا، حسن؛ اسمعیل‌زاده، عبدالسلام، (۱۳۹۸)، «سطح‌بندی پایداری امنیتی شهرستان‌های مرزی با استفاده از تحلیل خوشه‌ای نمونه موردی: شهرستان‌های استان خراسان شمالی»، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۱۸۱-۱۶۳.

Buzan & Weaver & Wilde (۱۹۹۸). *Security A New Framework for Analysis*, London, Renner.

Emmhnuel, Brunet, (۲۰۰۷), *Borderlands Comparing Border Security in North America and Europe*, Published by the University of Ottawa Press.

Hoffman, Stanly (۱۹۸۱), *Security in the Age of Turbulence, Means of Response in Third World Conflict and International Security*, Adelphi, Papers, No, ۱۶۷, pp: ۴۰۵

Loures, L., Nunes, J., & Viegas, A. (۲۰۱۳). *Transforming post-industrial infrastructure: Applying reversed translational research as a redevelopment strategy*. Department of Architectural Science—Ryerson University: IC Adaptation and Movement in Architecture; Ryerson University: Toronto, ON, Canada.

Madsen, Linda, (۲۰۱۶), "Security Studies Borderlands", Conference in Barcelona ۲۰۱۶ *Science + technology by other means*.

Simonse, S. (۲۰۱۱), "human security in the borderlans uganda", IKV Pax Christi.



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



Spangenberg, J. (۲۰۰۰). Sustainable development. Concepts and indicators. Sustainable Europe Research Institute, ۲-۱۳.

Spangenberg, J. H. (۱۹۹۵). Towards sustainable Europe. A study from the Wuppertal Institute for friends of the Earth Europe. Friends of the Earth Publications, Luton/Bedfordshire, ۲۷۸.

Ullman, Richard. H. (۱۹۸۱). Redefining Security, International Security, Vol. ۸, No. Summer, p: ۱۹۲

تبیین اهداف ژئوپلیتیکی روسیه و انگلیس در قبض و بسط مرزهای سرزمینی ایران در عصر قاجاریه

دکتر احسان لشگری تفرشی

گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

Email: Ehsanlashgari@yahoo.com

چکیده

طرح مسأله: ایران از جمله کشورهای منطقه خاورمیانه است که همچون سایر کشورهای این منطقه در قرن نوزدهم و بویژه مقارن با دوره سلسله قاجاریه دچار تغییرات عمده ای در مرزهای سرزمینی خود گردیده است. در این راستا بخش مهمی از این تغییر مرزها ناشی از سیاست های ژئوپلیتیکی بریتانیا و روسیه در غرب آسیا بوده است. در این پژوهش کوشش گردیده با مراجعه به مستندات تاریخی و تبیین آنها از منظر ژئوپلیتیک؛ علل تحولات مرزهای سرزمینی ایران در دوره قاجاریه و در قالب رقابت های قلمروخواهانه روسیه و انگلیس تبیین گردد.

روش پژوهش: این پژوهش درصدد تبیین فرایندهای قلمروخواهانه قدرت های استعماری روسیه و بریتانیا در دوره قاجاریه می باشد که پیامد آن در شکل تحدید حدود مرزهای سیاسی ایران بروز یافته است. در این راستا در مرحله نخست مفهوم ژئوپلیتیک و بستر مفهومی آن در تحلیل فرایندهای قلمروخواهانه میان کشورها و امپراطوری ها در قالب آن بیان شده است. سپس با مطالعه تطبیقی ساخت مرزهای سرزمینی ایران با مقتضیات علم ژئوپلیتیک چگونگی شکل گیری سیاست خارجی این دو امپراطوری در رابطه با مرزهای سرزمینی ایران تبیین شده است.

یافته ها: تحولات مربوط به انتزاع مرزهای سرزمینی ایران در دوره قاجاریه بر خلاف گذشته نه در قالب تعارضات ژئوپلیتیک با ایران با کشورهای همسایه بلکه چارچوب رقابت های ژئوپلیتیک روسیه و انگلیس مشتمل بر جدایی مناطق آسیای مرکزی، قفقاز، افغانستان، تعیین حدود مرزهای ایران در سیستان و بلوچستان و ساتقلال تدریجی شیوخ حاشیه جنوبی خلیج فارس از ایران تبلور یافته است.

نتیجه گیری: رقابت ژئوپلیتیکی میان روسیه و انگلیس در عصر قاجاریه در جهت حفظ امنیت مستعمرات، دسترسی به آب های خلیج فارس و کنترل دسترسی به ذخایر نفت بوده است. پیامد آن به انتزاع بخش وسیعی از قلمرو سرزمینی ایران در دوره قاجاریه منتهی شده است که ناشی از موقعیت حائل ایران در این بازی ژئوپلیتیکی بوده است.

واژگان کلیدی: قاجاریه، مرز، ژئوپلیتیک، روسیه، بریتانیا

۱- مقدمه

نظام ژئوپلیتیک جهانی در دوران قاجار مقارن با عصر استعمار و ظهور قدرت های استعماری سامان یافت. از این جهت غیریت سازی ژئوپلیتیک الزاماً محدود به قلمروسازی و قلمرگستری در مقابل کشورهای همسایه نبود. در حالیکه تا پیش از آن مجموع تعارضات ژئوپلیتیک ایران صرفاً در رابطه با کشورهای همسایه بروز یافته بود. در حقیقت شروع رقابت های استعماری در نیمه دوم سده هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم مقیاس رقابت های ژئوپلیتیک را از بُعد منطقه ای و مابین کشورهای مجاور به سوی مقیاس های بزرگتر سوق داد. بطور کلی قرون هیجدهم و نوزدهم میلادی را می بایست دوره تحول در موازنه قدرت آسیایی و اروپایی به سود قدرت های اروپایی دانست. در این دوره قدرت های آسیایی نظیر ایران، عثمانی و هند که با یکدیگر همسایه بودند بتدریج ضعیف شدند و قدرت های اروپایی بویژه بریتانیا، روسیه، فرانسه، هلند و آلمان بتدریج نقش اصلی را در مدیریت نظام ژئوپلیتیک جهانی بعهده گرفتند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۵۷).

بر این مبنا از دوره قاجاریه و با شروع عصر استعمار؛ سرنوشت مرزهای سرزمینی ایران بر خلاف دوره های تاریخی قبل که در قالب تعارض با کشورهای و امپراطوری های مجاور تعیین می گردید در رابطه با سیاست های ژئوپلیتیک قدرت های استعماری همچون روسیه، انگلیس، آلمان، فرانسه تعیین گردید که برخی از آنها هیچگونه مرز مشترکی با ایران نداشتند (کامرون، ۱۳۶۵: ۷). به بیان دیگر تا پیش از قرن نوزدهم کنش های ژئوپلیتیک میان قدرت های اروپایی عمدتاً معطوف به مرزهای سیاسی داخل این قاره بود. بطوری که تا این دوران الگوی ژئوپلیتیک قدرت های فرامنطقه ای بویژه در منطقه غرب آسیا شکل نگرفته بود. با شکل گیری عصر استعمار و قلمروخواهی قدرت های اروپایی در خارج از این قاره از جمله در غرب آسیا دوره ای از تحولات سرزمینی در جغرافیای سیاسی ایران بوقوع پیوست که در ضمن آن بخش های وسیعی از سرزمین ایران در نتیجه رقابت قدرت های استعماری بویژه انگلیس و روسیه از کشور جدا گردید و از این رو از این قرن در تاریخ ایران به عنوان قرن تجزیه بزرگ یاد می گردد.

این در حالی است که در متون و مستندات تاریخی از مناظر مختلف به تبیین علل این انتزاع سرزمینی پرداخته شده است که غالباً معطوف به شرح ذهنی علت وقوع این تحولات سیاسی بوده است. لیکن از منظر ژئوپلیتیک و در چارچوب تحلیل قلمروخواهی امپراطوری های روسیه و انگلستان بهتر می توان علل قبض و بسط مرزهای سرزمینی ایران را در این دوره تبیین نمود. به بیان دیگر بخشی از علل ظهور کنشها و واکنشهای رفتارها و آرمانها در جوامع بشری در نتیجه اثرگذاری محیط بر جامعه و حکومت در طول تاریخ می باشد. به عبارت دیگر محیط جغرافیایی متناسب با ویژگیهای طبیعی و انسانساخت خود بسترساز ظهور تفکرات و آرمان های گوناگون خواهد شد و اصولاً یکی از دلایل بنیادین ظهور فرهنگ ها، ایدئولوژی ها و آموزه های انسانی منتج از محیط جغرافیایی ظهور آنها می باشد (لشگری، ۱۳۹۵: ۵۶). بطوریکه می توان قاعده مندی مشخصی را در رابطه با حوادث تاریخی و ویژگیهای محیط جغرافیایی پیدا نمود. از این جهت یکی از راه های بررسی علل ظهور کنش ها و واکنشها و رویدادهای تاریخی در یک محیط جغرافیایی انطباق آنها با زیربنای فضای ظهور آنها می باشد. در این مقاله کوشش گردیده مؤلفه های قلمروخواهی امپراطوری های بریتانیا و روسیه در سرزمین ایران در دوره قاجاریه و پیامدهای آن در قالب تحدید مرزهای سرزمینی ایران تبیین گردد.

۲- روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی، ناظر به تحلیل سیاست خارجی روسیه و انگلیس در قبض و بسط مرزهای سرزمینی ایران در عصر قاجاریه در چارچوب ژئوپلیتیک می باشد. در این راستا در مرحله نخست مفهوم ژئوپلیتیک و چگونگی تحلیل فرایندهای قلمروخواهانه میان کشورها و امپراطوری ها در قالب آن بیان شده است. سپس با مطالعه تطبیقی ساخت مرزهای

سرزمینی ایران با مقتضیات علم ژئوپلیتیک چگونگی شکل گیری سیاست خارجی این دو امپراطوری و پیامد آن در شکل تحدید حدود مرزهای سیاسی ایران تبیین گردیده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- مفهوم ژئوپلیتیک

همچنانکه پیشتر ذکر گردید جغرافیای سیاسی به صورت یک شاخهٔ یکپارچه از جغرافیای انسانی به مطالعه دو اثر متقابل دو عامل فضا و سیاست می پردازد. به عبارت دیگر سیاست به عنوان تدبیر و ارادهٔ نهادها و سازمانهای سیاسی نظیر احزاب، حکومتها، دولتها و بازیگران سیاسی بر محیط جغرافیایی اثر می گذارد و در نقطهٔ مقابل فضای جغرافیایی نیز در دو وجه طبیعی و انسانی خود بر سیاستها و تدابیر حکومتها، نهادهای غیردولتی و بازیگران سیاسی اثر می گذارد (Johnstone, 2009: 393). همچنانکه پیشتر ذکر گردید محیط جغرافیا در طول تاریخ همواره تولیدکنندهٔ فرصتها و محدودیتها برای زندگی انسانها و جوامع بوده است. در این محیط انسانها و گروههای انسانی همواره درصدد استفاده از فرصتها و غلبه بر محدودیتهای محیط در جهت پیشرفت خود می باشند. بدیهی است این بُعد سیاسی وجود انسان؛ تضمین کنندهٔ منافع و بقای حیات او در برابر دیگران می باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۵۵). اثرگذاری قدرت سیاسی بر فضای جغرافیایی منبعث از وجود اقتدار و حاکمیت است که در درون فضای جغرافیایی کشور وجود دارد؛ در حالیکه ژئوپلیتیک در مقیاس فراملی در فضای جغرافیایی قابل طرح می باشد که فاقد اقتدار مطلق بوده و در عین حال رفتارها در این مقیاس متأثر از ساختارهای طبیعی و انسانی فضا می باشد. بن مایهٔ ژئوپلیتیک بر نقش آفرینی جغرافیا در محیط بین المللی استوار است که به نوعی در پیوند با فضاخواهی بازیگران و نظام های سیاسی قرار دارد. بدین مفهوم که حکومتها به فراخور موقعیت و محتوایی که دارند در معنابخشی به الگوهای رفتاری همکاری، رقابت و ستیز واحدهای سیاسی نقش آفرینی می کنند و به هويت و رویدادهای سیاسی جهت می دهند. حکومت ها به صورت ذاتی بدنبال توسعه قلمرو نفوذ خود می باشند و این زیربنا موجب کنش ژئوپلیتیک می باشد. از این منظر داده های انسانساخت و طبیعی در ارتباط بین کشورها توان ایجاد کنش و حرکت را خواهد داشت و قلمروخواهی و قلمروگستری متوقف نخواهد گردید مگر آنکه حکومت و بازیگر دیگر آنها را از کنش بازدارد. ژئوپلیتیک چارچوب جغرافیایی درک کشمکش ها را فراهم می نماید (Filint, 2011: 97) و برتری خواهی و سلطه جویی کشورها را مبتنی بر داده های جغرافیایی طبیعی و انسانی تبیین می نماید. بنظر می رسد مهمترین تفاوتهای جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در قالب موارد زیر قابل مطالعه می باشد:

۱- در درجهٔ نخست جغرافیای سیاسی حاصل تصمیمات سیاسی ساختارها و نهادهای حاکمیتی و تصمیم گیر بر فضای جغرافیایی می باشد که شکل دهندهٔ آمایش سیاسی یک قلمرو مشخص می باشد و در قالب پدیده های همچون حاکمیت، تقسیمات کشوری، انتخابات و .. تجلی می یابد. بنابراین جغرافیای سیاسی در فضای سرزمینی یک کشور ظهور می یابد که در آن امکان اعمال اراده و تصمیم (حاکمیت) برای تغییر و تحول در فضا وجود دارد. در حالیکه ژئوپلیتیک از ماهیت فراملی برخوردار می باشد و اثر سیاست را در فضای مورد ارزیابی قرار می دهد که حاکمیت مطلق بر این فضا وجود ندارد و نظم نهایی از طریق اعمال قدرت و پیروزی در رقابتها توسط نهادها و ساختارهای متشکل و بویژه حکومتها صورت می پذیرد. بنابراین اثرات و کارکرد جغرافیای سیاسی در فضای سرزمینی و در تا حد نهایی قلمرو حاکمیتی یک حکومت تجلی می یابد. در حالیکه ژئوپلیتیک شامل چگونگی دستیابی به امتیازات جغرافیایی در قالب پیروزی در رقابت ها و دستیابی به قدرت بیشتر می باشد. بنابراین جغرافیای سیاسی دارای مقیاس عملکردی ملی و فراملی و ژئوپلیتیک دارای مقیاس فراملی می باشد و در عین حال مهمترین بازیگر سیاسی - فضایی کنشگر در ژئوپلیتیک مفهوم حکومت ملی می باشد (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۱: ۶۷).

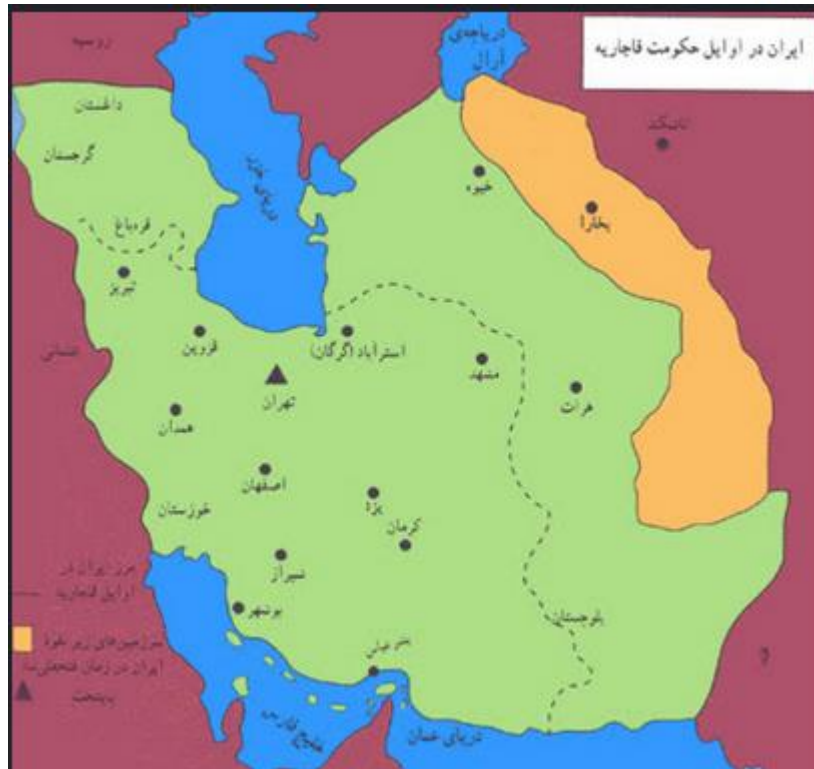
۲- از آنجائیکه رقابت، تعارض و جنگ و ... از بدو حضور بشر در زمین وجود داشته؛ بنابراین ژئوپلیتیک از حیث تاریخی نسبت به جغرافیای سیاسی قدیمی تر و پیشینی تر می باشد. چراکه اصولاً وجود حاکمیت و تأثیر همه جانبه آن بر ابعاد مختلف فضای جغرافیایی و بطور واضح تر شکل گیری برنامه ریزی فضایی بتدریج از سده اخیر به بعد شکل گرفته است. در حالیکه رقابت بر سر موهبت های جغرافیایی از بدو تاریخ بشر وجود داشته و یکی از زیربناهای فلسفه تاریخ رقابت بر سر امتیازات جغرافیایی بوده است.

از بُعد مفهومی بررسی تمام دیدگاهها و نظریات مختلف در رابطه با موضوع و مفهوم ژئوپلیتیک نمایانگر آن است که اثرگذاری محیط جغرافیایی در ابعاد طبیعی و انسانی در شکل دهی به تصمیمات سیاسی حکومتها و بازیگران سیاسی به مثابه وجه مشترک تمامی این دیدگاه ها و نظریات مطرح بوده است. به عبارت بهتر تأثیر جغرافیا در سیاست در مقیاس فراملی به پارادایم غالب در مطالعات ژئوپلیتیک بدل شده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۱۲۹) و بویژه پس از جنگ سرد مکانها و مناطق مختلف جهان از حیث دارا بودن پیش نیازهای طبیعی و انسانساخت قدرت آفرین و تهدیدآفرین در نزد کشورها و گروه های متشکل سیاسی دارای ارزش و اهمیت متمایز می باشند و برخی از این مکان ها و مناطق مهم تر از دیگر مکان ها و مناطق می باشند (لشگری، ۱۳۹۱: ۲۵). در این پارادایم، ژئوپلیتیک به مطالعه و پیشنهاد راه کارهایی می پردازد که با توسل به عوامل قدرت آفرین و دفع عوامل تهدیدزا؛ تحصیل قدرت از مکانها و مناطق جغرافیایی مهم برای حکومتها و بازیگران سیاسی در سطح فراملی و جهانی امکانپذیر گردد (اتوتایل و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۸۸).

در چارچوب انگاره ژئوپلیتیک سطح رفتار هر کشوری در صحنه بین الملل و میزان اولویت آن کشور در تفکرات سایر کشورها به شدت متأثر از ظرفیت های ناشی از موقعیت جغرافیایی است. بطوری که حکومتها و بازیگران سیاسی برای تصرف فرصتها و مقدمات موجود در مکانها و فضاهای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می کنند نفوذ خود را در فضای قدرت آفرین توسعه داده و اینگونه فضاها را به قلمرو نفوذ خود بیافزایند و بر عکس رقبا را از اینگونه فضاها بیرون برانند. ضمن اینکه ژئوپلیتیک سیاست خارجی کشورها را با توجه به داشته های طبیعی و انسانساخت و موقعیت جغرافیایی به صورت خرد و انتزاعی تعیین می نماید (اطاعت، ۱۳۸۵: ۱۶). بنابراین ژئوپلیتیک در حیطه روابط بین الملل به مطالعه فرصتها و ابزارهای جغرافیایی رقابت آمیز پرداخته و کارکردهای مکان و فضای جغرافیایی را در شکلهای کنش و واکنش در صحنه سیاست بین الملل تبیین می نماید (Germond, ۲۰۱۵: ۱۳۷). از این دیدگاه ژئوپلیتیک اهمیت و ارزش مکانها و فضاهای جغرافیایی را مشخص نموده و شرایط آنها در قالب چرخه های رقابت ارزیابی می نماید. بدیهی است به تبع ظهور این عوامل پدیده های همانند دیپلماسی، جنگ، استراتژی و ... در فضای روابط بین الملل ظهور می نماید که بخش مهمی از مطالعات این رشته را بخود اختصاص می دهد که با توسل به این عوامل امکان حصول منافع را برای بازیگران سیاسی امکانپذیر می گردد.

۴ - یافته های تحقیق

تا پیش از ظهور رقابت های ژئوپلیتیک میان دول استعماری در غرب آسیا عمده رقابت های ژئوپلیتیک درون منطقه ای میان قدرت های برتر این منطقه از جمله ایران، عثمانی و ازبکان و ایلات ترکمن و قفقازیه در جریان بود و کشورهای فرامنطقه ای نقش مهمی در معماری مرزهای ژئوپلیتیکی غرب آسیا ایفا نمی نمودند. به بیان الگوی مداخله قدرت های بزرگ فرامنطقه ای مبحث جدیدی در ژئوپلیتیک غرب آسیا بود که بطور تقریبی از دوره فرمانروایی سلسله قاجاریه شکل گرفت.



شکل ۱: ایران در اوایل دوره قاجاریه

در این راستا مهمترین تحولات مربوط به انتزاع مرزهای سرزمینی ایران در دوره قاجاریه در چارچوب رقابت های ژئوپلیتیک روسیه و انگلیس در قالب موارد زیر قابل ذکر می باشد:

الف- یکی از مهمترین منازعات مرز ایران و روس مربوط به مرزهای شمال غربی ایران در منطقه قفقاز بوده است. همچنانکه ذکر گردید اهداف ژئوپلیتیک روس ها همواره در تکاپوی توسعه نفوذ در ایران جهت دستیابی به راه های مواصلاتی هند و آب های گرم خلیج فارس و همچنین محاصره ژئوپلیتیک عثمانی از جانب مشرق و جنوب این امپراطوری بوده است. در سال ۱۷۹۹ میلادی گئورگی دوازدهم حکمران گرجستان خود را از ایران منتزع و تحت حمایت تزار الکساندر اول پادشاه روس قرار داد. سیسیانوف سردار روس نیز به جهت آنکه گرجستان را از تعرض احتمالی ایران مصون نگه دارد پیشدستی نموده و به شهرهای گنجه، ایروان و قره باغ حمله نمود و آنها را به تصرف خود در آورد. در این زمان انقلاب فرانسه با شعار برابری، برادری و آزادی به قدرت رسیده بود و ناپلئون رهبر فرانسه بدنبال توسعه قلمرو ایدئولوژیکی - جغرافیایی فرانسه در اروپا بود و از این جهت با سیاست های بریتانیا و روسیه مخالفت می ورزید.

در جنگ های زمینی در اروپا ناپلئون در غالب جبهه ها موفق بود و سلاطین پروس، امپراطوری اتریش و سلاطین محلی ایتالیا، اسپانیا؛ همگی در برابر ناپلئون تسلیم گردیدند؛ لیکن در جنگ های دریایی بریتانیا قادر گردیدند بر ناپلئون تفوق یابد. در این زمان سپاه فرانسه درصدد برآمد با کمک عثمانی و از راه ایران به هندوستان مستعمره بریتانیا حمله برد تا از تراکم قوای دریایی بریتانیا در آب های اروپا کاسته و زمینه را برای شکست بریتانیا فراهم سازد. در این زمان دولت ایران نیز کوشش نمود از طریق ایجاد اتحاد ژئوپلیتیک با فرانسه و بکارگیری قوای نظامی آنها، روس ها را از نواحی اشغال شده شمال غربی سرحدات خود بیرون براند و از این جهت پیمانی به نام "فیکن اشتاین" بین نماینده ایران و فرانسه در جهت مقابله با روس ها به امضاء رسید و پس از آن جنگ ایران و روسیه در سال ۱۸۰۴ میلادی آغاز شد. لیکن انقلاب عثمانی و خلع "سلطان سلیم" از قدرت که دیگر متحد فرانسه بود و دقیقاً بلافاصله بعد از انعقاد قرارداد فیکن اشتاین بوقوع پیوست؛ اساس سیاست

ژئوپلیتیکی ناپلئون را دچار دگرگونی نمود. بطوریکه از آن پس امپراطور فرانسه سیاست جدیدی را در پیش گرفت که مبتنی بر تضعیف عثمانی بود؛ ضمن اینکه قیام مردم اسپانیا علیه ناپلئون نیز مزید علت گردید (آوری، ۱۳۸۷: ۳۷۶).

در این راستا برای مقابله با بریتانیا که دشمن بالفعل فرانسه به شمار می رفت؛ حکومت فرانسه تصمیم گرفت با روسیه متحد شود و در سال ۱۸۰۷ قرارداد "تیلیسیت" بین دو امپراطوری فرانسه و روسیه منعقد گردید. حتی ناپلئون برای جلب نظر بیشتر روس ها مولداوی و بخش های از رومانی (والاشی) را به روسیه واگذار نمود تا دسترسی جغرافیایی روس ها به دریای سیاه تسهیل و محدودیت دسترسی جغرافیایی روس ها به دریای آزاد کاهش یابد. پیامد ژئوپلیتیکی این تحول در سیاست های قلمروخواهی فرانسه؛ سرحدات شمالی ایران را در برابر قلمروخواهی روس ها آسیب پذیر نمود و حکومت قاجاریه در دوره فتحعلیشاه حمایت ژئوپلیتیکی فرانسه را در جنگ مقابل روسیه از دست داد. در نهایت با شکست ایران از روسیه و با انعقاد قراردادهای گلستان در سال ۱۸۱۳ میلادی بخش زیادی از سرزمین های ایران در قفقاز منتزع گردید. به این ترتیب گرجستان و ولایات ساحلی دریای سیاه، باکو، دربند، شروان، قره باغ، گنجه، شکی، موغان و قسمت علیای طالش به موجب عهدنامه گلستان از ایران جدا گردید.

انعقاد قرارداد گلستان که سرنوشت مسلمین قفقاز را به یک دولت مسیحی داد از جانب علماء به شدت مورد انتقاد واقع شد. این مسئله موجب گردید تعارضات ژئوکالچریک که تا آن زمان چندان در مناسبات سیاسی ایران و روسیه تأثیرگذار نبود به یک مسئله مهم در روابط بین دو کشور تبدیل شود. این مسئله با حمایت برخی از مراجع و علمای تراز اول شیعه و درخواست آنها مبنی بر آزادسازی بلاد اسلامی از تصرف قوای روسیه تشدید گردید. از سوی دیگر و از آنجائیکه در مورد اراضی مرزی و مراتع عشایر محدوده مرز نیز در قرارداد گلستان ابهام وجود داشت؛ در نتیجه اندیشه تجدید جنگ و نقص قرارداد گلستان از طرف ایران قوت گرفت. با شروع حملات از طرف ایران جنگ دوم ایران و روسیه آغاز گردید و علی رغم موفقیت های اولیه ارتش ایران؛ لیکن بار دیگر سراسر سرزمین های ماوراء ارس به دست روس ها افتاد و با پیشروی ارتش روسیه تبریز نیز به تصرف آنها درآمد. آمادگی روس ها برای حمله به تهران؛ دولت ایران را ناگزیر نمود متارکه جنگ و انعقاد قرارداد صلح را تقاضا نماید. بدین ترتیب در سال ۱۸۲۸ میلادی عهدنامه ترکمنچای بین ایران و روس به امضاء رسید. به موجب این عهدنامه خانات ایروان و نخجوان نیز از ایران جدا گردیدند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۷۲۴) و مرز دو کشور در امتداد روس ارس تثبیت گردید. از منظر ژئوپلیتیک در اوایل قرن نوزدهم میلادی با محدود گردیدن قلمروخواهی روسیه در اروپا هر چه بیشتر سیاست های ژئوپلیتیکی روسیه معطوف به ژرفای جنوبی مرزهای خود گردید تا بدین وسیله هم امنیت خارج نزدیک خود را بویژه در ژرفای جنوبی تأمین نماید و هم امکان بیشتری برای دسترسی به آب های گرم در سواحل خلیج فارس داشته باشد. علاوه بر آن ارزش استراتژیک منطقه قفقاز، دستیابی به منابع و مواد خام موجود در این منطقه همچون پنبه، مس، نفت و ابریشم و جاذبه تجارت سهل تر با ایران و بخش آسیایی عثمانی نیز از دیگر دلایل سیاست خارجی روسیه در تصرف این منطقه بود.

ب- با خاتمه جنگ های ایران و روسیه و جدایی بخش وسیعی از سرزمین های منطقه قفقازیه از ایران و با توجه به وجود امپراطوری های قدرتمند روسیه و عثمانی در ژرفای شمالی و غربی ایران در نتیجه دولتمردان قاجار گزینه ای جزء تقویت سرحدات و گسترش قلمروخواهی در مرزهای شرقی ایران نداشتند؛ چرا که تا قبل از ورود بریتانیا به هندوستان و تأسیس کمپانی هند شرقی در ژرفای شرقی ایران دولت مقتدری ظاهر نگردیده بود. این در حالی است که بتدریج با نفوذ بریتانیا در هند و تأسیس کمپانی هند شرقی و ارجحیت یافتن نقش تجارت هندوستان در توسعه صنعتی انگلستان اهمیت ژئوپلیتیک ژرفای شرقی ایران نیز دگرگون گردید. به بیان دیگر جنگ های ناپلئون در اروپا در نیمه اول قرن نوزدهم موجب گردید کشور بریتانیا به جهت دارا بودن موقعیت جزیره ای و دور بودن از محاصره سرزمینی ارتش فرانسه نسبت به سایر کشورهای اروپایی از توسعه صنعتی افزون تری برخوردار گردد (Madiison, ۲۰۰۶: ۹۸). از آنجائیکه انقلاب صنعتی در بریتانیا با توسعه صنایع

ریسندگی و بافندگی اشکل گرفته بود بود لیکن بتدریج با اشباع بازار داخلی و کمبود مواد اولیه این صنعت از جمله پنبه خام؛ دولتمردان بریتانیا به ناگزیر درصدد تصرف مناطق مستعد از جمله شبه قاره هند جهت ادامه انباشت سرمایه در این صنعت برآمدند (رشیدی، ۱۳۸۵: ۷۴). از این رو مرزهای سیاسی هندوستان از اهمیت فزاینده ای برای بریتانیا برخوردار گردید. ضمن اینکه در این مقطع زمانی تنش های ژئوپلیتیکی روزافزونی میان قدرت های اروپایی در جریان بود و از این رو دارا بودن قلمرو مستعمراتی در خارج از این قاره برای قدرت های اروپایی از جمله بریتانیا برگ برنده ای برای تغییر موازنه قدرت و تبدیل شدن به یک قدرت هژمون محسوب می گردید. از جمله حفظ استعمار هندوستان برای بریتانیا از اهمیت استراتژیک و حیاتی برخوردار بود.

در قرن نوزدهم سیاست های ژئوپلیتیک حکومت بریتانیا به دنبال ایجاد یک حائل بزرگ به نام افغانستان در آسیای مرکزی و میان مستعمره هند با روسیه بود (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۵). به دلیل اینکه افغانستان و ایران مهمترین و حساس ترین معبر از مسیر خشکی جهت دسترسی به هندوستان بودند و از آن به عنوان کلید هندوستان نامبرده می شد (انگلیش، ۱۳۸۳: ۵۴). در نتیجه بریتانیا در نیمه نخست این قرن به جهت جلوگیری از نفوذ روس ها به سوی هند کوشش می نمودند قبایل و نیروهای محلی در خراسان و شرق ایران بویژه در افغانستان را در کنترل خود داشته باشند و در این دوره بیشترین تنش و واگرایی در این مناطق قرار داشت. با سرباز زدن حاکمان هرات از تبعیت از پادشاهان ایران در سال ۱۸۵۶ میلادی و در زمان محمدشاه قاجار؛ سپاهیان ایران به هرات حمله و آن را به محاصره خود درآوردند. همچنین نارضایتی دولت ایران از کامران میرزا حاکم هرات بدلیل بدرفتاری با روستاها و مناطق شیعه نشین و بعضاً همراهی با ترکمانان در حمله به شهرها و راه های خراسان و عدم پرداخت خراج به دولت ایران از جمله دلایل حمله ایران به شهر هرات گردید. ضمن اینکه اشتیاق ایران برای گرفتن هرات و دیگر بخش های افغانستان برای جبران خسارت هایی بود که در برابر روسیه متحمل شده بود (کدی، ۱۳۸۵: ۴۸).

ورود نیروهای ایران به هرات به دلیل تهدید ژئوپلیتیک هندوستان؛ موجب تیرگی روابط ایران و بریتانیا گردید. این مسئله موجب گردید بلافاصله نیروهای بریتانیا بنادر و جزایر جنوب را اشغال نمایند و حکومت ایران ناگزیر شد از محاصره هرات دست بردارد. در دوران ناصرالدین شاه حکومت ایران بار دیگر جهت حفظ حاکمیت بر هرات به این منطقه لشکر کشی نمود که این بار نیز حکومت بریتانیا با نیروی دریایی خود به جزیره خارک، قشم و بوشهر یورش برد و در ادامه عملیات نظامی خود خرمشهر (محمره) را نیز اشغال نمود. در نهایت ایران ناگزیر شد که در قبال خروج نیروهای انگلیسی از بنادر و جزایر خلیج فارس هرات را تخلیه نماید و متعاقباً مطابق "قرارداد پاریس" افغانستان از سرزمین ایران منتزع گردید (مجتهدزاده، ۱۳۸۸: ۲۵).

بنابراین ایران تا پیش از کشف نفت تنها بواسطه دارا بودن موقعیت حائل میان روسیه، هندوستان و افغانستان اهمیت داشته و خود به تنهایی عامل منازعه نبود (اطاعت، ۱۳۸۵: ۱۱۴). بطور مثال در زمان ناصرالدین شاه و در حالی که توسعه خطوط راه آهن موجب گسترش تجارت و ارتباطات می گردید؛ در ایران هیچ راه آهنی به جهت عدم تطابق با منافع ژئوپلیتیکی بریتانیا و روسیه ساخته نشد. چرا که توسعه راه آهن موجب می گردید ارتش روسیه و بریتانیا (از طریق هند) به سرعت بتوانند به مرزهای یکدیگر نزدیک شوند و احداث راه آهن در ایران پتانسیل ایجاد مخاطرات ژئوپلیتیک را برای آنها به همراه داشت (آکسورتی، ۱۳۹۴: ۲۳۳).

ج- سیر تکوین و شکل دهی مرزهای ایران در منطقه سیستان و بلوچستان نیز در دوره قاجاریه تثبیت گردید. در سال ۱۷۳۹ میلادی نادرشاه افشار سیستان را تصرف و ناصرخان از فرماندهان خود را به سمت حکمران آن ایالت منصوب نمود. پس از قتل نادرشاه ناصرخان استقلال منطقه را اعلام و مدت ها حاکم بلامنازع منطقه گردید. پس از وی تا زمان محمدشاه قاجار نیز این منطقه دارای استقلال نسبی بود و حاکمیتی چندانی از سوی حکومت مرکزی ایران بر این منطقه حکمفرما نبود. بار دیگر محمدشاه قاجار موفق گردید با لشکرکشی به این منطقه، ایالت سیستان و بلوچستان را ضمیمه خاک خود نماید. لیکن بخش

های بزرگی از بلوچستان در خاک هندوستان مستعمره و تحت نفوذ بریتانیا قرار داشت و مرزهای آن با ایران چندان روشن نبود.

در این راستا دولت بریتانیا در جهت کنترل و حفظ امنیت مرزهای هندوستان؛ رشته فعالیت هایی را در جهت تحریک طوایف اهل سنت بلوچ بر علیه حکومت مرکزی ایران آغاز نمود (سپاهی، ۱۳۹۶: ۱۲۷). با توجه به عدم امکان تسلط حکومت مرکزی ایران بر منطقه بلوچستان به ناگزیر مذاکره بین ایران و بریتانیا بر سر تعیین خطوط مرزی بلوچستان آغاز گردید و در سال ۱۸۷۰ میلادی کمیسیون مرکب از نمایندگان ایران و انگلیس مأمور تعیین سرحدات بلوچستان گردید. در این کمیسیون ژنرال گلد اسمیت نماینده بریتانیا که برای تأسیس تلگراف در جنوب ایران استخدام شده بود و نمایندگان ایران به توافق رسیدند که مرزهای بلوچستان از خلیج گواتر تا کوهک تعیین گردد. متعاقباً مذاکرات در مورد مرزهای سیستان مابین کوهک و نقطه مرزی ایران و افغانستان بین نمایندگان ایران و ژنرال هولدیچ نماینده بریتانیا نیز آغاز گردید و در سال ۱۸۷۲ میلادی سیستان به دو منطقه تقسیم گردید و ناحیه مربوط به غرب رودخانه هیرمند به ایران و شرق رودخانه هیرمند به افغانستان واگذار گردید. از سوی شورش بزرگ هندوها بر ضد استعمار بریتانیا در سال ۱۸۶۲ میلادی که اخبار آن پس از مدت ها به انگلستان رسیده بود دلتمردان بریتانیا را بر آن داشت احداث خطوط تلگراف را از طریق ایران مورد توجه قرار دهند و با توجه به اینکه بهترین مسیر عبور خطوط تلگراف از منطقه سیستان و بلوچستان بود در نتیجه بر اهمیت ژئوپلیتیک این منطقه افزوده شد. قرارداد مربوط به خط مزبور در سال ۱۸۶۲ به امضای ناصرالدین شاه و وزیر مختار بریتانیا رسید و بعدها تهران و اصفهان نیز به خطوط تلگراف افزوده شد و اهمیت ژئوپلیتیک ایران را در نظام ارتباطی دولت بریتانیا افزایش داد (محمود، ۱۳۵۸: ۷۸۴).

د - سیاست های ژئوپلیتیک بریتانیا در مورد منطقه خلیج فارس در سده هفدهم میلادی از راه تجارت کمپانی هند شرقی با این حوزه آغاز گردید. در این زمان کمرنگ شدن فعالیت پرتغالی ها، فرانسوی ها و هلندی ها در این منطقه مقدمات حضور بریتانیا را فراهم نمود. حاشیه جنوبی خلیج فارس در عصر باستان به دو ساتراپی "ماسون" و "اوال" (در عصر هخامنشی) و "هگر" (در عصر ساسانی) تقسیم گردید. ماسون در برگیرنده عمان و امارات امروزی و هگر در برگیرنده منطقه ای بود که در دوران اسلامی "بحرین" نام گرفت. در قرن نوزدهم قبایل حاشیه جنوبی خلیج فارس که آمیخته ای از تیره های ایرانی و عرب بودند؛ بر اساس سنت بر جای مانده از قرون و اعصار اتباع ایران بودند؛ لیکن در عمل مختار می زیستند.

در دهه ۱۸۲۰ میلادی و در میانه جنگ های ایران و روسیه نیروی دریایی بریتانیا به بهانه مبارزه با دزدان دریایی، سرکوب برده داری و جلوگیری از نفوذ ژئوپلیتیک روسیه با قبایل موجود در جنوب خلیج فارس قرارداد تحت حمایتی امضاء نمود (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۷۳). در این زمان ایران بدلیل نداشتن نیروی دریایی مستحکم قادر نبود که در منطقه خلیج فارس حاکمیت خود را حفظ نماید. بتدریج شیوخ مناطق جنوبی خلیج فارس قراردادهایی را با بریتانیا منعقد نمودند و این مسئله مقدمه تحت حمایتی آنها را نزد بریتانیا فراهم نمود. در سال ۱۸۵۱ میلادی قراردادی بین ایران و بریتانیا به امضاء رسید که به موجب آن نیروی دریایی بریتانیا به منظور جلوگیری از فروش برده، کشتی های تجارتي را در خلیج فارس بازرسی نماید و ناوگان دریایی خود را در بحرین مستقر نمود. متعاقباً پیمانی را با "شیخ محمد بن خلیفه" از شیوخ بحرین در همین سال به امضاء رساند و بطور عملی بحرین از ایران منتزع گردید (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۰: ۲۹۴). این در حالی بود که سیاست تحت حمایت نمودن شیوخ حاشیه جنوبی خلیج فارس همواره مورد اعتراض حکومت ایران قرار داشت و بویژه دولتهای ایران همواره تا سال ۱۹۷۰ میلادی ادعای مالکیت بر بحرین را مطرح می نمودند. لیکن از منظر ژئوپلیتیک امنیت راه های دریایی منتهی به هندوستان برای امپراطوری بریتانیا از اهمیت بالایی برخوردار بود. بویژه با توجه به مجاورت جغرافیایی خلیج فارس و دریای عمان در نتیجه ناوگان دریایی بریتانیا بتدریج از اواسط قرن نوزدهم حضور فزاینده ای در خلیج فارس و دریای عمان پیدا نموده و کوشش نمودند از اتحاد سرزمینی ضلع شمال و جنوب خلیج فارس با یکدیگر ممانعت بعمل آورند. ضمن اینکه در اواخر قرن نوزدهم میلادی طرح روسیه برای اعزام کشتی جنگی به خلیج فارس و طرح آلمان برای احداث خط آهن بغداد

موجب گردید که بریتانیا به جهت مجاورت جغرافیایی خلیج فارس و شبه قاره هند ارجحیت بیشتری برای خلیج فارس قائل گردد. این سیاست ژئوپلیتیکی بتدریج طوایف و عشایر حاشیه جنوبی خلیج فارس از اتحاد با ایران بازداشت و آنها را به سوی قرارگیری در قیمومیت بریتانیا سوق داد.

در اوایل قرن بیستم با کشف نفت در حاشیه خلیج فارس هر چه بیشتر بر اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه افزوده شد. چرا که با کشف و بهره برداری از نفت توسط کمپانی انگلیسی "دارسی" این امپراطوری هر چه بیشتر به نفت خلیج فارس وابسته گردید. می توان اذعان نمود تا پیش از آن صرفاً قرارگیری سرزمین ایران در وضعیت حائل میان دو امپراطوری رقیب روس و انگلیس رقم خوردن "بازی بزرگ" ژئوپلیتیک میان آنها سرنوشت مرزهای سیاسی ایران را تعیین می نمود (Hafeznia & et, ۲۰۱۳: ۸). لیکن پس از کشف نفت احراز موقعیت ژئوانرژی نیز به اهمیت سیاسی سزمین ایران افزوده شد.

ه- در دوره قاجاریه اوضاع منطقه ماوراء النهر و خوارزم به جهت دوری پایتخت از این مناطق دچار آشفتگی گردیده بود و بویژه خوارزم و خراسان به صورت دائمی مورد تهاجم ایلات ترکستان و ترکمن قرار می گرفت (راز نهران و اشرفی، ۱۳۹۵: ۴۹۲). بویژه بعد از دوره صفویه و رسمی شدن تشیع در ایران ایلات اهل تسنن در ترکمن صحرا و ماوراء النهر تهاجم به مناطق شیعه نشین خراسان را برای خود از حیث مذهبی مشروع می دانستند. حملات پی در پی آنها به شهرها و مزارع کشاورزی بهانه دخالت ارتش روسیه تزاری را در نیمه دوم قرن نوزدهم در این مناطق که در درون قلمرو ایران بود را فراهم نمود. پس از شکست های ایران از روسیه و انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمنچای خوانین و طوایف منطقه ماوراء النهر و ترکمن صحرا نیز دیگر چندان حاکمیت دولت ایران را به رسمیت نمی شناختند و خود را مستقل می دانستند. انعقاد معاهده صلح پاریس و جدایی افغانستان از ایران نیز بصورت مضاعف از نفوذ ایران در ترکستان و ماوراء النهر کاست (پیری و عسکرانی، ۱۳۹۱: ۶۳).

از سوی دیگر همچنانکه ذکر گردید تعرضات و غارتگری طوایف ترکمن نیز به شهرهای خراسان و ماوراء النهر از جمله عوامل دیگری بود که حکومت قاجار را نسبت به حفظ این منطقه دچار تردید می نمود. این مسئله موجب گردید با توجه به چالش های امنیتی مداومی که از سوی مناطق ترکمن نشین متوجه شهرهای پروتوق تر خراسان بود رهبران قاجار چندان به الحاق این مناطق به سرزمین ایران جدی نباشند. به بیان دیگر با توجه به اقلیم سرد و سخت این منطقه و با توجه به اینکه دوره زمانی دسترسی به بنیادهای زیستی نظیر خاک قابل کشت و آب شیرین برای عشایر و طوایف منطقه محدود بود در نتیجه تعدی گر به سرزمین ها و شهرهای جنوبی از ویژگی های دائمی این منطقه بود. در نتیجه حکومت روسیه از این ضعف قدرت نهایت استفاده را برد و با توجه به گرفتاری بریتانیا در شورش هندوستان دامنه تصرفات خود را در منطقه ترکستان و ترکمن صحرا گسترش داد. بطوری که در فاصله سال های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۶ میلادی قوای نظامی روسیه قسمت اعظم ناحیه سمرقند، تاشکند و بخارا را متصرف گردیدند. بنابراین دست اندازی روسیه به مرزهای شمال شرقی ایران تحت عنوان سرکوب ترکمانان و تأمین امنیت راه های تجاری از اواسط قرن نوزدهم آغاز گردید و در سال ۱۸۸۱ "گوگ تپه" آخرین پایگاه ترکمانان به تصرف روس ها درآمد.

دولت ایران در مقابل این تعرضات هیچگونه اظهار نارضایتی ننمود. چرا که این منطقه برای قاجاریه به مثابه کانون جغرافیایی خطر سیاسی به شمار می رفت. حتی زمامداران وقت قاجار از اینکه روس ها خواهند توانست پس از سلطه بر این نواحی نظم و آرامش را در این مناطق برقرار و از حملات ترکمن ها و ازبک ها به سرحدات خراسان جلوگیری نمایند اظهار رضایت داشتند. سرانجام در سال ۱۸۸۱ میلادی موافقتنامه مرزی ایران و روس تحت عنوان قرارداد آخال مرز دو کشور را در چارچوب مرز اترک تعیین نمود و ایران متعهد گردید که از کلیه دعاوی خود در ترکستان و ماوراء النهر صرف نظر نماید.

در مقابل روس ها متعهد گردیدند که از تجاوز قبایل ترکمن و ازبک به خاک ایران جلوگیری و امنیت مرزهای شمال شرقی را تأمین نمایند. بطور کلی سیاست ژئوپلیتیک روسیه در این قرارداد کنترل قبایل مهاجم در ترکستان و دستیابی به راه های تجاری این منطقه جهت تسهیل تجارت با مرکز بازرگانی مشرق زمین از جمله چین و هند بود. دولت روسیه پس از شکست

در جنگ کریمه متوجه گردید که بریتانیا، فرانسه و عثمانی اجازه نخواهند داد که روسیه قلمرو خود را به جهت دسترسی به آب های گرم در اروپا و شبه جزیره بالکان و مجاورت دریای سیاه گسترش دهد و بدین جهت بار دیگر توسعه نفوذ ژئوپلیتیک خود را متوجه ترکستان و آسیای مرکزی و راه های مواصلاتی ایران نمود. بدیهی است پیمان آخال علی رغم ایجاد امنیت پایدارتر در مرزهای شمال شرقی ایران لیکن مخاطرات ژئوپلیتیک عدیده ای را نیز به همراه داشت. از جمله اینکه این قرارداد میان قبایل کوچ روی ترکمن جدایی انداخته و آنها ناگزیر بودند برای چرای دام های خود در دو سوی مرز حرکت نمایند و این مسأله چالش های مرزی را شدت می بخشید. از سوی دیگر زمین های حاصلخیز نیز از ایران منتزع گردید و سرچشمه بخشی از رودهای مرزی در داخل خاک روسیه قرار گرفت.



شکل ۲: شکل گیری مرزهای فعلی ایران در اواخر سلسله قاجاریه

بر این اساس تبدیل شدن ایران به هدف رقابت قدرت های استعماری روسیه و انگلیس در دو ویژگی اصلی سرزمین نهفته می باشد: (۱) موقعیت جغرافیایی و فضای سرزمینی که معمولاً به عنوان یک هدف ژئوپلیتیک؛ اندیشه قدرتهای خارجی را بخود معطوف داشته است. همچنانکه گفته شد از دیرباز فلات ایران از عمده ترین مسیرهای بوده است که آسیا، آفریقا و اروپا را به یکدیگر متصل نموده و از این جهت دارای موقعیت گذرگاهی بوده است. ضمن اینکه قرارگیری آن در کنار آب های گرم خلیج فارس و اقیانوس هند نیز در عصر قاجاریه بر اهمیت موقعیت جغرافیایی سرزمین ایران افزوده بود. (۲) ذخایر و ثروت زیرزمینی نیز از جمله مهمترین ویژگیهای فضای سرزمینی ایران بوده است. این عامل در ادوار تاریخی گذشته در قالب فضاهای دارای آب و مرتع برای تأمین علوفه دامها و مواد غذایی مورد نیاز انسانها بوده؛ بطوریکه به صورت یک هدف استراتژیک برای مهاجمان آسیای مرکزی درآمده بود. پس از انقلاب صنعتی و نیاز تکنولوژی و اقتصاد جدید به انرژی بشدت مورد توجه قدرتهای استعمارگر اروپایی نظیر بریتانیا قرار گرفت.

۵- نتیجه گیری

قلمروخواهی سرزمینی روسیه و انگلیس در غرب آسیا و از جمله در ایران مقارن با سلسله قاجاریه ناشی از موقعیت جغرافیایی ایران به مثابه یک عامل طبیعی و قرارگیری آن ما بین حوزه نفوذ این دو ابرقدرت و دارا بودن منابع سرشار فسیلی و معدنی بوده است. اصولاً کشورهای حائل؛ کشورهای همسایه هستند که در سطح قلمرو و فضایی حوزه نفوذ قدرتهای جهانی قرار دارند و این عامل در نتیجه وجود منابع و امتیازات جغرافیایی مهم سرزمین ها می باشد. بدیهی است این قدرتهای برتر نسبت به این فضاها کاملاً حساس بوده و عملکرد یکدیگر را نسبت به این فضا کاملاً پایش می نمایند. بنابراین اینگونه فضاها، فضاهای رقابت، کنترل و هوشیاری است. از سوی دیگر کشورهای موجود در این فضاها حائل به خودی خود و بدون کمک گرفتن از قدرت جهانی رقیب امکان کنار گذراندن نفوذ قدرت برتر دیگر از فضای سرزمینی خود ندارند. ایران در دو قرن گذشته نیز همواره در یک موقعیت حائل میان یک قدرت دریایی در جنوب (انگلیس) و یک قدرت (روسیه) قرار داشته و این قدرتها همواره در فضای جغرافیایی سرزمین ایران یک رقابت تنگاتنگ با یکدیگر داشته اند و بخشی از حوادث تاریخی ایران نیز در نتیجه این رقابت شکل گرفته است.

در طول دوره سلطنت قاجاریه کدهای ژئوپلیتیک روسیه که بر مبنای تنگناهای ژئوپلیتیک این کشور تدوین شده؛ مشتمل بر دسترسی به بنادر و آب های بود که بویژه در فصول سرد سال به جهت اقلیم روسیه قابلیت دسترسی و بهره برداری را داشته باشند. در امپراطوری روسیه برای غلبه بر این چالش جغرافیایی استفاده از ایران به منزله پل ارتباطی روسیه با خلیج فارس و اقیانوس هند همواره مورد نظر بود. ضمن اینکه توسعه نفوذ روسیه در شرق اروپا، بالکان و سواحل دریای سیاه نیز راه حل دیگر این معضل بود که به دلیل وجود رقابتی قدرت مندی همچون فرانسه، انگلیس، پروس و عثمانی دارای چالش فزاینده ای بود. بر این مبنای امپراطوری روسیه به جهت عدم موفقیت در تثبیت مرزهای خود را در اروپای شرقی به ناگزیر در قرن نوزدهم تلاش فزاینده ای را برای کنترل مناطق آسیای مرکزی و قفقاز نمود که بدین وسیله در درجه نخست از منابع زیستی، فسیلی و انسانی این مناطق بهره برد و هم قادر باشد اتصال پایدار به دریاهای آزاد و مرزهای عثمانی داشته باشد. از این رو دسترسی به خلیج فارس و نفوذ در حاکمیت ایران برای روسیه از اهمیت خاصی برخوردار بود. اگرچه هیچگاه سیاست ژئوپلیتیکی روسیه مبنی بر دستیابی به آب های گرم خلیج فارس از طریق تصرف کل سرزمین ایران تحقق نیافت. لیکن در طول قرن نوزدهم روسیه یکی از کشورهای مؤثر بر سرنوشت ژئوپلیتیکی ایران در طول بوده است و در دوره قاجاریه قادر گردیده بود در راستای منافع خود امتیازات مختلفی همچون تأسیس بانک استقراضی، کشتیرانی در دریای خزر، بهره برداری از معادن و تشکیل نیروی قزاق را در ایران بدست آورند.

در قرن نوزدهم از منظر دولتمردان بریتانیا با توجه به مجاورت سرزمین ایران با هندوستان و از آنجائیکه بخش مهمی از مواد اولیه و بازار مصرف بریتانیا وابسته به این کشور بود؛ از این رو جایگاه راهبردی ایران برای دولتمردان بریتانیا قابل چشم پوشی نبود. تزارهای روسیه نیز جهت تحت فشار قرار دادن بریتانیا در اروپا همواره درصدد دست اندازی به هندوستان بودند. ضمن اینکه حضور در بازار تجارت پرمفعت آسیای جنوب غربی و شبه قاره هند در انحصار بریتانیا بود و این مسئله روسیه را بر آن داشت تا به ژرفای جنوبی مرزهای خود بیشتر نظاره نماید. حتی استقلال ایران و عدم تبدیل آن به مستعمره نیز به جهت رقابت ژئوپلیتیک این دو امپراطوری و نیاز به زورآزمایی بدون برخورد مستقیم بود که سبب گردید استقلال ظاهری ایران حفظ گردد.

منابع

- ۱- آکسورتی، ۱۳۹۴ (مایکل). *امپراطوری اندیشه (تاریخ ایران)*. ترجمه شهربانو صارمی، انتشارات ققنوس، تهران.
- ۲- آوری، پیترا (۱۳۸۷): *تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار*. تاریخ کمبریج به سرپرستی پیترا آوری؛ ترجمه مرتضی ثاقب فر، انتشارات جامی تهران.
- ۳- احمدی، سیروس (۱۳۹۴). *الگویابی شخصیت سیاسی فضاهای حائل؛ نمونه موردی: ایران*. مجموعه مقالات نظریات پژوهش محور در جغرافیای سیاسی، به کوشش ریباز قربانی نژاد و سیروس احمدی، انتشارات قطب جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۴- اتوتایل ژیروید و دالبی، سیمون و پاول، روتلج (۱۳۸۰). *اندیشه های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*. ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۵- اطاعت، جواد (۱۳۸۵). *ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران*. نشر انتخاب، تهران.
- ۶- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ ایران پس از اسلام*. انتشارات نگارستان کتاب، تهران.
- ۷- انگلیش، باربارا (۱۳۸۳). *جنگ ایران و انگلیس، جدایی هرات*، ترجمه منصوره اتحادیه؛ انتشارات تاریخ ایران، تهران.
- ۸- پیری، محمد و عسکرانی، محمدرضا (۱۳۹۱). *تأثیر شبه قاره بر رقابت های روس و انگلیس در فلات شرقی ایران*، فصلنامه پژوهش های تاریخی، ۴(۳)، صص ۵۷-۷۰.
- ۹- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. انتشارات پاپلی، مشهد.
- ۱۰- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۱- درایسدل، آلاسدير و بلیک، جرالداچ (۱۳۷۴). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میرحیدر، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- ۱۲- راز نهران، محمدرضا و اشرفی، مجید (۱۳۹۵). *بررسی زمینه ها و دلایل جدایی خوارزم از ایران در دوره قاجاریه*. فصلنامه جغرافیا، سال چهاردهم، ش ۵۰، صفحات ۴۸۹ تا ۵۱۳.
- ۱۳- رشیدی، علی (۱۳۸۵). *نظام سرمایه داری و انقلاب صنعتی اروپا*، نشر روزنه، تهران.
- ۱۴- سپاهی، عبدالودود (۱۳۹۶). *تقابل سیاست ایران و انگلیس در بلوچستان در دوره قاجار*، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۹(۷۳)، صص ۱۲۱-۱۴۳.
- ۱۵- کامرون، جورج (۱۳۶۵). *ایران در سپیده دم تاریخ*. ترجمه حسن انوشه، شرکت انتشارات علمی، تهران.
- ۱۶- کدی، نیکی (۱۳۸۵). *ایران دوره قاجاریه و برآمدن رضاخان*. ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۷- لشگری تفرشی، احسان (۱۳۹۵). *قدرت سیاسی و فضای جغرافیایی؛ فلسفی اندیشی از رابطه سیاست و فضا*. انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- ۱۸- لشگری تفرشی احسان (۱۳۹۱). *مکانها و مناطق استراتژیک جهان*. نشر انتخاب، تهران.
- ۱۹- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۸). *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران: نشر شیرازه.
- ۲۰- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. انتشارات سمت، تهران.
- ۲۱- محمود، محمود (۱۳۵۸). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹*. تهران: انتشارات اقبال.
- ۲۲- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۰). *تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی (۱۵۰۰-۱۹۴۵)*. انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۲۳- Filint, Colin (۲۰۱۱). **Introduction to geopolitics**, 2nd edition, Routledge: London.
- ۲۴- Germond, Basil (۲۰۱۵). **The geopolitical dimension of maritime security**. Maritime security journal, no. ۵۴, Doi: ۱۰.۱۰۱۶/j.marpol.۲۰۱۴.۱۲.۰۱۳.
- ۲۵- Hafeznia, Mohamadrezza & Ahmai, Syrus & Hourcad, Bernard (۲۰۱۳). **Explanation and functional characteristics of geographical buffer space**. Geopolitics quarterly, Vol ۸, No ۴, Pp ۱-۴۰.



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



۲۶- Johnstone, R(۲۰۰۹). **Spatial science**. International Encyclopedia of human geography, Vol. ۱۰.
 ۲۷- Maddison, Angus(۲۰۰۶). **The world economy**, Development center studies, Volume ۲,
 New York: OECD publication.

تأثیر فرایندهای اقتصادی-تجاری بر شکل دهی ثبات مرزی در کردستان ایران و عراق

مریم وریج کاظمی*

دانشجو دکترا جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

* نویسنده مسئول mariamverijkazemi@gmail.com

چکیده:

مناطق گردنشین در نواحی مرزی ایران، عراق، ترکیه و سوریه به دلیل بافت فکری مشترک و همگونی و همسانی در باورها فرهنگی-اجتماعی و همچنین به واسطه تاریخ پر تنش خود همواره گرایش به سمت واگرایی از مرکز و ایجاد یک قلمرو مستقل داشته اند. در این بین، مناطق گردنشین ایران و عراق بیشترین پتانسیل را برای تحریک و حساسیت نسبت به دیدگاه های استقلال خواهی و همینطور ایجاد پایگاههای برای رشد و پرورش گروههای افراطی که تهدید مستقیم علیه تمامیت ارضی ایران به شمار می آید، را داراست. پرسشی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن است را میتوان اینطور مطرح کرد که چه واکنشی برای پویایی منطقه می توان در نظر گرفت تا به شکل مسالمت آمیز تلاش های مخرب جهت ایجاد نفاق و تفرقه مذهبی، تروریسم و خشونت را از حوزه تصمیم گیری جریانات و گروههای افراطی خارج کند و بستری مطمئن برای همگرایی مرزنشینان کرد دو کشور ایران و عراق بوجود آورد. لذا هدف این پژوهش پرداختن به ابعاد اقتصادی-تجاری منطقه به عنوان ریشه های اصلی همگرایی و جلوگیری از تنش و بحران می باشد. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع علمی-پژوهشی معتبر و همچنین مشاهدات عینی نگارنده از مناطق مرزی کردستان ایران به این نکته می پردازد که توانمندی سازی در بخشهای اقتصادی تنها کلید برون رفت از تنگناها و محدودیت های پیش رو این منطقه در نظر گرفته میشود. همانطور که در یافته های پژوهش به آن اشاره شد کردستان ایران و عراق با تکیه بر منابع غنی معدنی، انرژی و ذخایر آبی مطمئن همچنین دارا بودن ظرفیت ها و توانمندی سازی نیروهای بومی برای بهره برداری بهینه می تواند برنامه های در جهت گسترش عدالت اجتماعی، رفع فقر و محرومیت، بازسازی ساختارهای ضعیف اقتصادی و ایجاد اشتغال به مرزنشینان ارائه دهد.

واژگان کلیدی: ژئواکونومی، هیدروپلیتیک، روابط اقتصادی-تجاری، مرز، کردستان ایران و عراق.

۱- مقدمه

تنوع قومی- مذهبی در اغلب کشورها مهمترین و تاثیرگذارترین فرم رقابتی با نظام حاکم است که بیش از آنکه همگرایی را با نواحی مرکزی ایجاد نماید اختلاف و شکاف طبقاتی را بوجود می آورد که در نبود آموزش و کنترل، قلمروهای به شدت واگرا را که بیشتر نقش نظامی-امنیتی دارند شکل می دهند. این وضعیت در نواحی مرزی و با پشتوانه نیروهای تصمیم گیرنده آن سوی مرزها، مراحل تکوین هویت قومی را از شکل جمعی به فردیت نزدیک میسازد که در این سطح ایجاد اختلال در رسیدن به یک هدف مشترک طبیعی به نظر می رسد.

در مرزهای غربی ایران بخصوص مناطق مرزی گردنشین که دارای عقبه استراتژیک با کردها عراق، ترکیه و سوریه می باشد، تهدیدات عمدتاً تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را در بر میگیرد که در زمانهای خارج از کنترل رهبران منطقه ای هستند. در این میان کردهای عراق با توجه به ساختار سیاسی منسجم نسبت به حکومت مرکزی و اختیاراتی مانند صادرات نفت (که به عنوان وابستگی ژئوپلیتیکی در نظر می گیریم) و مذاکرات بدون کسب اجازه از بغداد با سران دیگر کشورها، خریدن تسلیحات و فرستادن پیشمرگه برای جنگ در خاک کردستان سوریه بدون اجازه بغداد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱۳)؛ می توانند بیشترین تهدید را به جهت همراه کردن مرزنشینان کرد ایران با سیاست شان بوجود آورد. بدین ترتیب در برهه های بعضی از مرزنشینان کرد ایران تنها به دلیل ضعف سیستم زیرساختی اقتصادی-تجاری در همکاری با جریانات تجزیه طلب کرد در عراق قرار گرفتند و تعدادی تشکل سیاسی تندرو را برای برهم زدن امنیت منطقه ای و فرسایش تمامیت ارضی ایران شکل دادند. شکی نیست که قدرتهای صنعتی و فرمانطقه ای در مناطق غنی از ذخایر انرژی نفت و گاز همواره از سلاح قومیت ها برای برهم زدن ثبات به نفع منافع خود سود بردند و مناطق مرزی کردستان ایران و عراق نیز از این قاعده مستثنی نبوده، اما می توان با استفاده از ابزار اقتصادی-تجاری و به طور مشخص از قدرت و سلطه ابزارهای ژئواکونومی برای حل منازعات و اختلافات دیرینه میان کردها و حکومت مرکزی شان و برپایی نظم و ثبات منطقه ای استفاده کرد. با این تفاسیر این پژوهش درصدد است تا با نگرش واقع بینانه به بررسی ریشه های بحران و تنش در مناطق گردنشین بپردازد و از منظر فرایندهای اقتصادی و تجاری به ارائه راهکاری برای تغییر بنیادین در زندگی مرزنشینان کرد فارغ از چارچوب های سیاسی-امنیتی بپردازد.

۲- بیان مساله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مرزهای غربی به طور مشخص نواحی گردنشین به کانونی برای انباشت منازعات و درگیری تبدیل شد و هدایت بسیاری از فعالیتهای تروریستی را در مناطق داخلی ایران به دست گرفت. البته پرداختن به سیر تحول تاریخی آن مدنظر این پژوهش نمی باشد، اما آنچه مورد توجه قرار دارد پیچیدگی های سیاسی- اجتماعی درونی مرزنشینان کرد است که گاه فرهنگ نهادینه شده استقلال خواهی از حکومت مرکزی را چه از جانب ایران و یا عراق را بدون در نظر گرفتن محدودیت های جغرافیایی توأم با جریانات افراطی و اغتشاش گر، گامی موثر به سوی توسعه اقتصادی-اجتماعی منطقه خود می دانند؛ حال آنکه ایجاد یک حوزه مشترک بین اقوام کرد و جدایی از سرزمین اصلی، باعث شکل گیری کشوری محصور در خشکی میشود که برای رفع نیازهای اولیه شهروندانش وابسته به همسایگان خود خواهد بود. لذا سوال این پژوهش در این راستا می باشد که چه واکنشی برای پویایی منطقه می توان در نظر گرفت تا به شکل مسالمت آمیز تلاش های مخرب جهت ایجاد نفاق و تفرقه مذهبی، تروریسم و خشونت را از حوزه تصمیم گیری جریانات و گروههای افراطی خارج کند و بستری مطمئن برای همگرایی مرزنشینان کرد بوجود آورد. فرضیه که در پی این پرسش ایجاد میشود گویای این موضوع است که ایدئولوژی سیاسی متعارض (ناسیونالیست افراطی) که منجر به گسیختگی فضای جغرافیایی برای بهبود شرایط رفاهی مرزنشینان کرد میشود در گسترش تهدیدات امنیتی و عدم اجرای توسعه زیرساختهای منطقه ای از سوی دولت مرکزی نقش

به سزایی دارد و تنها حرکت یکپارچه برای شکل گیری الگوی اقتصادی با قواعد و اصول حاکم بر جغرافیا و منابع طبیعی - انسانی منطقه می تواند توزیع درآمد و ثروت را به شکل یکسان میان مرزنشینان کرد ایران و عراق اجرایی نماید.

۳- مبانی نظری

اقلیم کردستان به عنوان بخشی از پنج قسمت کردستان که در منطقه غرب و جنوب غربی ایران و شرق و جنوب شرقی ترکیه و شمال و شمال شرقی عراق و سوریه و غرب قفقاز قرار می گیرد، اطلاق میشود (شکل ۱). مرزهای اقلیم کردستان به غیر از ایران در کشورهای مختلف گاه محل درگیری و مناقشات میان اکراد و حکومت‌های مرکزی است به طور مثال مرز کردستان با عراق از روی منظر سیاسی و قانونی به آن اعتراف نشده بنابراین در طول تاریخ عراق پس از تشکیل دولت عراق در ۱۹۲۱ همیشه دستخوش درگیری و کشمکش میان حکومت‌های عراقی و اکراد بوده است که صرفاً به دلیل وفور ذخایر انرژی نفت و گاز در کردستان میباشد. رقابت اقتصادی کشورهای فرامنطقه ای در اقلیم کردستان به عنوان بخش مهمی که نفت و مواد معدنی زیادی را داراست جایگاهی برای رقابت و تلاش کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی شده است. انتقال نفت کرکوک از طریق ترکیه به خلیج اسکندرون می تواند از وابستگی زیاد اتحادیه اروپا به روسیه بکاهد و این اهمیت دادن بیش از حد منطقه ای و بین المللی در مقابل انرژی اقلیم کردستان عراق اثرات بسزایی بر روی تصمیمات سیاسی و زندگی ساکنینش گذاشته است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱۰).

بی شک در طول تاریخ چهل ساله انقلاب، ایران بیشترین درگیری و تنش مرزی را در نواحی مرزی کردنشین داشته و همواره از جانب این مرز هم به جهت گروه‌های جدایی طلب کرد و هم حضور گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی مثل مجاهدین خلق ایران، تهدید امنیتی برای اضمحلال تمامیت ارضی خود داشته است. با مطالعه تاریخ پرتنش این منطقه آنچه به نظر می رسد اهداف استقلال خواهی و تجزیه طلبانه ظرفیتهای فرصت سازی در توزیع منابع قدرت را تحت تاثیر خود قرار داده است و افزایش نفوذ جریان‌های رادیکالی، صرفاً عقب افتادگی در ابعاد اقتصادی و تجاری را در نواحی مرزی ارتقا بخشیده است. در حال حاضر تجربیات مناطقی که از لایه های متنوع قومی-مذهبی شکل گرفتند نشان می دهد اتحاد و ائتلاف بهترین گزینه برای همگرایی و افزایش ثبات مرزی در نظر گرفته میشود. با توجه به اینکه ظرفیت های هر منطقه در بخش های مختلف سهم به سزایی در ایفای نقش هر یک از سیاست‌های اقتصادی دارد پرداختن به فاکتورهای نظیر استراتژی توسعه اقتصادی در بخش های تولیدی - خدماتی - معدنی، استراتژی رشد و توسعه کشاورزی - دامپروری - مواد غذایی و استراتژی صنایع سنگین - تکنولوژی و پتروشیمی - شیمیایی، بهترین الگو برای مناطقی همانند مناطق مرزی کردنشین ایران و عراق است که سیطره گروه‌های رادیکال را (که به نظر می رسد که نه اهتمامی برای پویایی و توسعه مرزنشینان و نه سعی در اتخاذ سیاست‌های جهت جلوگیری در رفع فقر و محرومیت دارند و صرفاً همگام با منافع قدرتهای متنفذ در بخش انرژی نفت و گاز هستند)، به حداقل برسانند. در جهان امروز فرایندهای اقتصادی و تجاری که رابطه تنگاتنگی با مباحث ژئواکونومی قرار دارند در همگرایی با گرایش های سیاسی یا ایدئولوژیک که بسترساز ظهور افراط گرایی میان قومیت ها می باشد، می تواند زمینه مستعدی برای رفع نیازها و مشکلات مرزنشینان کرد در منطقه مرزی ایران و عراق با ایجاد پیمانهای دو یا چند جانبه منطقه ای و بازارهای مشترک نظیر آنچه در اغلب کشورهای اروپایی و آسیای جنوب شرق انجام گرفته است، بوجود آورد و در شکل دهی به ثبات نظام های سیاسی پیرامونی هم تحول مثبت ایجاد کند.



شکل ۱: پراکندگی کردها

۴- پیشینه تحقیق

با توجه به بحرانهای متعدد که بیشتر از سمت جریانات افراط گرا گرد، مرزهای غربی ایران را تهدید می کند مطالعات و تحقیقات پژوهشی فراوانی از سمت مراکز دانشگاهی و پژوهشگاهها برای کنترل و برپایی صلح و ثبات مرزی ارائه شده است که مباحث متعدد امنیتی-فرهنگی مرزنشینان گرد را در برمیگیرد لیکن این تحقیق صرفا پیوندهای مشترک اقتصادی بین دو منطقه کردنشین ایران و عراق را گامی موثر در مهار چالش های امنیتی مرز و بهبود زندگی مرزنشینان می داند و به آن می پردازد.

۵- روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله تحلیلی-توصیفی است که اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و استفاده از مقالات معتبر از سایت های دانشگاهی و پژوهشی گردآوری شده است؛ ضمن اینکه مشاهدات عینی نگارنده از منطقه مرزی کردستان ایران و مصاحبه با مرزنشینان نیز در شکل گیری راهکارهای ارائه شده در متن این پژوهش موثر بوده است.

۶- یافته های تحقیق

۶-۱. کردستان ایران و عراق

کردها یکی از شاخه های نژاد آریایی هستند که تاریخ زندگی آنها به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح در رشته کوه های زاگرس و آزارات بر می گردد. کردها خود را قربانی جغرافیا پنداشته و معتقدند که شرایط ژئوپلیتیکی از سوی جامعه بین الملل بر آنها دیکته شده است از این رو مساله کردستان همواره یکی از بحث برانگیزترین مسائل محافل سیاسی بوده و هم اکنون نیز موضوع تاثیرگذاری در معادلات سیاست منطقه می باشد. در ابتدا فکر ایجاد کردستان مستقل و تحت الحمایه انگلستان با هدف نزدیکی به قفقاز، نظارت بیشتر بر آتاتورک، رضاخان و فیصل و جلوگیری از اتحاد آنها، از سوی انگلستان مطرح شد؛ زیرا پراکندگی کردها در سه کشور ایران، عراق و ترکیه می توانست مانع بسیار مهمی برای شکل گیری چنین اتحادی باشد. اما بعدها انگلستان از این طرح خود منصرف شد؛ چون که کردستان مستقل ممکن بود بعدها به کانون بی ثباتی در منطقه مبدل شود و این به نفع شوروی بود (تاج آبادی، دهنوی، ۱۳۹۳: ۱۶۸). کردها آرزوی تشکیل دولت مستقل گرد را مهر و موم ها در ذهن داشته و بارها برای آن دست به مبارزه و یا شرکت در روندهای مسالمت آمیز زده اند. کردها چهارمین گروه قومی خاورمیانه با حدود سی میلیون نفر جمعیت هستند که در حال حاضر درگیر مهمترین بحران قومی منطقه شده

اند. موقعیت بسته ی جغرافیای کردستان بزرگترین چالش پایدار ژئوپلیتیک آن است پیش نیاز هر گونه مبادله با جهان خارج جلب همکاری کشورهای پیرامونی به ویژه ایران و ترکیه است(زیباکلام، عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۶۱).

مناطق گردنشین محل تلاقی چند سازه سیاسی دولتهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه در فضای خاورمیانه است و از نظر هیدروپلیتیک نیز مناطق گردنشین خاورمیانه، هارتلند خاورمیانه محسوب میشوند، علاوه بر آن منابع نفتی مهمی در آن منطقه وجود دارد. در ایران گردها در بخشهایی از شمال غربی و غرب کشور و عمدتاً در استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام زندگی میکنند همچنین گروههای دیگری از گردها در خراسان شمالی ساکن و هم در شهرهای بزرگی چون تهران و مشهد زندگی میکنند. در مناطق غربی گردنشین ایران نیز پیش و پس از انقلاب اسلامی تحریکهای سیاسی مهمی وجود داشته است، که دولت مرکزی همواره برای حل و فصل اساسی آن تلاش کرده است. این مناطق در دوره های مختلف پس از انقلاب اسلامی از اهمیت برخوردار بوده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی گردها را مانند دیگر قومیتها تأمین کرده است(کولایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶).

با توجه به تلاشهای صورت گرفته هم اکنون مناطق و شهرهای مرزی، تفاوتی فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه با مراکز عمده جمعیتی دارند. در نتیجه به رغم وجود قابلیت‌های فراوان مناطق مرزی، شاخصهای اجتماعی و اقتصادی در آنها در سطح مطلوبی قرار ندارد و این امر موجب شده شهرهای مناطق مرزی از چرخه توسعه باز بمانند؛ از جمله منطقه مرزی کردستان که به دلیل محرومیت اقتصادی مبادی عمده قاچاق کالا است از جمله مرز عراق از طریق مریان، بانه و سقز و محور سردشت به سقز که کالای قاچاق از جمله پارچه، سیگار، قطعات یدکی خودرو، خودروی سبک و سنگین خصوصاً ماشین آلات راهسازی، لوازم صوتی و تصویری، لوازم خانگی، آرایشی و بهداشتی، شکر، برنج، مشروبات الکلی، کالاهای فرهنگی و سلاح و مهمات و کالای قاچاق خروجی شامل انواع فرآوردههای نفتی شامل گازوئیل، بنزین، نفت سفید و روغن موتور که از طریق ترانزیت خارجی و داخلی، برگشت کالای ترانزیت شده به کشور عراق، از طریق بازارچه های مرزی به صورت زیر باری، جعل مدارک و پلمپ گمرکی، کوله باری و ورود موقت انجام میگردد. آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان میدهد که بیشترین پرونده های تشکیل شده برای قاچاق کالا در استانهای مختلف کشور مربوط به استان کردستان میباشد (شاطریان، ۱۳۹۳: ۹۸).

در عراق گردها بزرگترین اقلیت غیرعرب به حساب آورد که حدود یک-پنجم جمعیت عراق را تشکیل داده و در استان های سلیمانیه، اربیل، دهوک، موصل و کرکوک سکونت دارند. در طول سه دهه گذشته، جمعیت کردستان در شمال عراق مورد نقض فاحش و گسترده حقوق بشری از جمله اقدام به نسل کشی تحت عنوان جنگ انفال که منجر به مرگ نزدیک به دویست هزار کرد و نیز استفاده از سلاح های شیمیایی علیه غیرنظامیان گرد قرار گرفته است. اقلیم کردستان بین دو حزب سنتی دموکرات که بر شمال اقلیم کردستان و هم مرز با ترکیه هستند و اتحادیه میهنی که با ایران هم مرز است اداره میشود. این احزاب سابقه بلندی از اختلافات و حتی جنگ داخلی بر سر تقسیم قدرت داشته اند و با افزایش قدرت اقلیم کردستان در زمینه های اقتصادی و نظامی بعد از فروپاشی داعش این اختلافات وارد فاز جدی تر شد. همچنین این دو حزب به طور جداگانه بر چاه های نفت نظارت دارند. این در حالیست که دو قدرت منطقه ای ایران و ترکیه به عنوان رقبای استراتژیک اقلیم کردستان را جزو قلمرو ژئوپلیتیک خود حساب می کنند(یزدان پناه درو و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳).

۲-۶. مرز و تنش های موجود

مرز یک موضوع کاملاً ژئوپلیتیک است زیرا نشانگر دخالت سیاست در سرزمین است (فوشه، ۱۳۹۵: ۶۵). مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها و یا ذهنی به کار میرود؛ مانند مرزهای عقیدتی. همچنین میتواند باز، بسته؛ یا ضعیف و یا قوی باشد(عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۱). مفهوم مرزهای بین المللی به شکل امروزی به زمان معاهده صلح وستفاليا در

سال ۱۶۴۸ میلادی باز می گردد در این زمان منطقه سرحد^{۲۱} که گستره وسیعی را در بر می گرفت جای خودش را به مرز^{۲۲} داد این مرز به صورت خطی بر روی زمین ترسیم گردید تا قلمروهای سیاسی و حاکمیت ملت ها را از یکدیگر جدا کند، بدین ترتیب ترکیب سه پدیده سرزمین ملت و حکومت که باعث پیدایش کشور شده بود در چهارچوب مرز معنی دار شد (ویسی و حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۴۱). مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور است، همچنین مرز به طور قراردادی بوده و به عنوان محیط مشخص داخلی که مردم مقیم در آن کشور احساس احراز هویت می کنند و سهمی در یک هویت ملی دارند مستفاد میشود (قصری، ۱۳۹۰: ۵۸) و هم میتوان ریشه عمده مشکلاتی که در داخل هر کشور بروز می کند را در مرزهای آن جستجو کرد (سعادت جعفرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۲۷۷). از سوی دیگر یکی از مهمترین مباحث مطرح درباره مرزهای بین المللی به ویژه در منطقه های پرتنش و ناامن کنترل مرزها و مراقبت از آنهاست که به سبب تاثیر بسیار زیاد آن بر امنیت کشور همواره در طول تاریخ مورد توجه حکومت ها بوده است (رسولی، ۱۳۹۵: ۱۸۶). منطق ژئوپلیتیک مرز حکم می کند که حفاظت و حراست و پاسداری از مرزهای کشور به عنوان یک ارزش اساسی در راستای اعمال حق حاکمیت ملی استقلال سیاسی و تمامیت ارضی در کانون سیاستگذاری و سیاست راهبردی قرار گیرد. این امر راهبردی بدون داشتن مدیریت مرزها و وجود مرزهای امن که آحاد جامعه و کشور به ویژه مرزنشینان در آن احساس آرامش کرده ممکن نخواهد بود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۸). توسعه اقتصادی مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت های سالم اقتصادی و حمایت و سرمایه گذاری دولت ها بر کارکرد امنیت مرز تاثیرگذار است (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۱). بر این اساس مرزهای ایران از میان اقوام و فرهنگ های مختلف عبور کرده است و در تقسیم بندی ها از نوع مرزهای تحمیلی محسوب می شود با وجود اینکه مرزهای تحمیلی باهم به جهت تهدیدهای اندکی که به ویژه در خصوص مرکز گریزی دارند، (ستاره و محمدی اطهر، ۱۳۹۲: ۹۳) و نیز یکی از ویژگی های اصلی آنان دوری از مرکز کشور است که می تواند پیامدهای نامطلوبی به جهت محرومیت شدید و حاشیه ای بودن این مناطق بوجود آورد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۳۲)؛ از این نظر است که مرزنشینان تمایل دارند در جامعه ای زندگی کنند که دولت در آن حضوری موثرتر و کارآمدتر و پاسخگو تر داشته باشد (قاسمی و صفی پور، ۱۳۹۲: ۱۰۶). با توجه به اینکه اقوام در دو سوی مرزها قرابت ایدئولوژیک با یکدیگر دارند و هرگونه نفوذ نیروی خارجی برای فعالیت در ابعاد اقتصادی-تجاری-فرهنگی و.. می تواند امنیت ملی دولت مرکزی را به خطر اندازد، لیکن قومیت را می توان یکی از شاخص های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای نیل به ثبات و دوری از خشونت به حساب آورد (عباسی سمنانی و معینی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

یکی از کانون های بحران که می تواند پتانسیل های موثری برای بروز خشونت و تروریسم در سطح محلی-منطقه ای بوجود آورد مرزهای غربی ایران بخصوص بخش های از گوردستان ایران و عراق است. رابطه ایران و عراق از ابتدای شکل گیری این کشور در سال ۱۹۲۰م تحت سایه عوامل ژئوپلیتیک همواره تهدیدزا و همراه با تنش بوده است تا آنجا که میتوان گفت اختلافات مرزی بیشترین تاثیرگذاری را بر روابط دو کشور داشته است (امیرزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۴). این منطقه از سابقه ای دیرینه ای به لحاظ بحران و ناامنی برخوردار بوده است. علاقه به همگرایی کردها در کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه ظهور جریانات واگرایی را تسهیل می کند چراکه از سالهای گذشته اقلیم گوردستان خواهان تشکیل کشوری مستقل هستند و باعث هزینه ای بسیاری برای کشورهای منطقه شده است. با توجه به توپوگرافی خاص این ناحیه و عدم سرمایه گذاری در زمینه های اقتصادی توانسته ظرفیت نفوذپذیری مرزها را برای قاچاق و تروریسم افزایش دهد. علاوه بر این موضوع همانطور



که در شکل ۲ و ۳ مشخص است بحران دیگری که می تواند مرزهای ایران را با چالش مواجه سازد صرفاً از موضع ایدئولوژیک و مذهبی نشات می گیرد و نیاز است بسترسازی لازم برای از میان برداشتن تفکرات افراط گرایی و جریانات تکفیری سلفی انجام گیرد.

شکل ۳: پراکندگی شیعه و سنی در خاورمیانه بزرگ

شکل ۲: پراکندگی سنی ها در مرزهای ایران

۳-۶. همکاری اقتصادی-تجاری با ابزار ژئواکونومی در دو سوی مرز گردستان ایران و عراق

در جغرافیای سیاسی-اقتصادی رفتار کشورها در چارچوب منطق ژئوپلیتیکی و منطق ژئواکونومیک تعیین میشود. ضمن تاکید بر جغرافیا در هر دو در اولی معضل مهم امنیت است و در دومی بر منابع تاکید میشود. می توان گفت که هدف رویکرد ژئواکونومیک مناطق برای دولتها رسیدن به قدرت اقتصادی است؛ در اینجا اقتصاد انگیزه ای برای رقابت قدرتی است و آنجا که ژئوپلیتیک شرایط اقتصادی را مشخص می نماید جنبه ژئواکونومیک میگیرد. (مرتضوی و علی کرمی، ۱۳۹۳: ۶۶۹). ژئواکونومی جزئی از اندیشه های ژئوپلیتیکی در عصر حاضر به شمار می آید (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵: ۳۱). ژئواکونومی همانند ژئوپلیتیک تفسیری برای رابطه بین انسان و عوامل محیط طبیعی در مقیاس جهانی است (عزتی، ۱۳۸۲: ۹۰). ژئواکونومی این نوید را میدهد که استراتژی های نظامی هم باید در جهت اهداف اقتصادی حرکت کنند و در این رابطه مناطق جغرافیایی خاصی در جهان نقش های برتری نسبت به دیگر نقاط خواهند داشت (عزتی، ۱۳۸۴: ۶۰).

امروزه در تدوین یک استراتژی، مسائل اقتصادی دخیل هستند که این موضوع ساختار کلی تفکرات ژئواکونومیک را تشکیل می دهد و ریشه این تفکر به قرن ۱۷ میلادی در اروپا و به طور اخص به فرانسه بازمی گردد (وریچ کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۹۵). پس از نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما در سال ۱۹۹۰ میلادی ادوارد لوتواک در مخالفت با استدلال ها و نتیجه گیری های وی مقاله ای را تحت عنوان «از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومیک» منتشر کرد و مفهوم ژئواکونومیک را مطرح نمود^{۲۳}، او در مقاله ای خود استدلال کرد که پایان جنگ سرد نشان دهنده تغییر مسیر و حرکت از ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومیک در دنیای سیاست است. لوتواک معتقد است که روش های تجاری همیشه می تواند به واسطه روش های نظامی تحت الشعاع قرار گیرد و باید توجه شود که در عصر ژئواکونومی علل مناقشه ماهیتی اقتصادی پیدا می کند و در صورتی که منازعات و اختلافات تجاری منجر به کشمکش های سیاسی شود. چنین درگیری هایی را باید با استفاده از ابزارهای اقتصادی حل و فصل نمود، از جمله این ابزارها می توان به محدودیت واردات، در نظر گرفتن یارانه در خصوص صادرات، تأمین اعتبارات فناوری، طرح های فی رقابتی، حمایت از روش های آموزشی و شرایط زیرساخت های رقابتی اشاره کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

با توجه به این موضوع، گردستان ایران و عراق از پتانسیل های متنوع و بالایی برای فعال شدن بخش صنعت و کشاورزی با توجه ذخایر انرژی نفت و گاز در گردستان عراق و وفور زمین و کشتزارهای حاصلخیز در گردستان ایران دارد و می توانند استراتژی موثری برای همگرایی و پیوستگی گردهای دو سوی مرز بدون نیاز به تجزیه سرزمینی بوجود آورند. به طور مثال ایران میتواند با توجه به نیاز شدید منطقه گردستان و همچنین عراق، به تجهیز زیرساختها و فعالیتهای عمرانی (مثلاً نیاز بسیار جدی عراق و منطقه گردستان به برق و واردات برق از ترکیه و ایران) از این فرصت به منظور صادرات محصولات داخلی و خدمات فنی- مهندسی استفاده مناسب نماید. شرکتهای ایرانی میتوانند با حضور فعالانه در این منطقه، علاوه بر اشتغال زایی و کسب درآمد و حفظ منافع ملی کشور، رقابت در عرصه های جهانی را در کنار شرکتهای بین المللی دیگر در عراق تجربه نمایند (خواجوی، ۱۳۹۰: ۱۴).

^{۲۳} Sanjaya Baru. new era of geoekonomi, assessing the interplay of economic & political risk. march ۲۳/۲۰۱۲

بی شک مرزنشینان کُرد ایران حتی در نقطه صفر مرزی بیش از آنکه خواهان استقلال خواهی باشند معیشت و آسایش اقتصادی برای خود را مدنظر دارند و تجزیه سرزمینی را علاقمندی گذشتگان خود در سالهای که خاورمیانه میان فرانسه و انگلیس تقسیم شد و دیدگاه قبيله گرایی سرمنشا ظهور کشورها جدید شد می دانند. ضمن اینکه استقلال خواهی کُردها فرصت جدیدی را برای استعمارگران نوین ایجاد می کند تا تلاش های را برای برهم زدن همبستگی میان سایر قومیت های ساکن در خاورمیانه بوجود آورند. شکل شماره ۴ نتایج علایق مشترک دو کشور را برای ایجاد سازمان اقتصادی-تجاری مختص مناطق کُردنشین نشان میدهد.



توسیم از نگارنده بر اساس یافته های تحقیق

شکل ۴

۴-۶. هیدروپلیتیک فصل مشترک همکاری بین کُردستان ایران و عراق

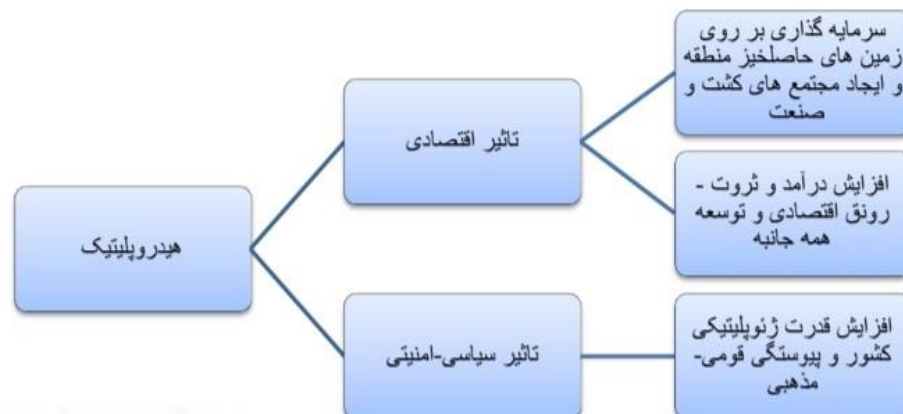
هیدروپلیتیک به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعی انسانها و دولتها می پردازد اعم از آنکه در داخل کشورها و یا در سطح منطقه ای و جهانی و بین المللی باشد(حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲)؛ به تعبیری دیگر هیدروپلیتیک به مطالعه اثر تصمیم گیری های مربوط به آب که در شکل گیری سیاسی در روابط میان دولتها با یکدیگر و مردم و دولت حتی در یک کشور دخیل است می پردازد. کمبود آب یا اجازه ی عبور از مرزهای بین المللی به گونه ای روزافزون در سیاست های کشورها تاثیرگذار است(مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۳۱). سیاسی شدن منابع آب و به عبارت دیگر هیدروپلیتیک در مقیاس های مختلفی از محلی تا بین المللی ظاهر می شود. امروزه منابع آب موجبات تنش هم در درون کشورها و هم در روابط بین کشورها را فراهم می سازد که بیشتر ناشی از عدم برنامه ریزی؛ عدم استفاده بهینه و ذخیره سازی مناسب منابع آب یا عوامل طبیعی می باشد. در واقع آب تبدیل به یک عامل تاثیرگذار در مسائل داخلی و بین المللی شده است.

با این تفاسیر بی شک اقلیم کُردستان عراق همیشه دستخوش مشکلات ناشی از وابستگی به کشورهای حوزه دجله و فرات(ترکیه، سوریه، عراق) از یک سو و کشور ایران از سوی دیگر بوده است. پروژه توسعه جنوب شرق آناتولی به لحاظ نظری می تواند نود درصد سهم آب عراق از رودخانه فرات و چهل درصد سهم سوریه را از طریق ساخت سیستم سدهای که آب مورد نیاز مناطق فقیرنشین ترکیه را جهت آبیاری و برق آبی فراهم خواهد کرد، منحرف سازد. علاوه بر این در سال های آتی ترکیه قصد دارد دست کم یک سوم از آب رودخانه فرات را برای مقاصد کشاورزی و نیازهای انرژی به داخل مرزهای ملی خود هدایت نمایند. بنابراین پروژه مذکور در نهایت جریان آب دجله را به خاطر توسعه کشاورزی ترکیه کاهش خواهد داد. عراق که پس از ترکیه و سوریه آخرین کشور موجود در مسیر رود می باشد به هر دو رود وابسته است. این دو رودخانه تقریباً ۸۵ درصد نیاز آب مردم عراق را تامین می کنند. عراق که در مسیر انتهایی رودها قرار دارد مدعی مسیر طبیعی رودها و حق تاریخی بر

آب برای مردم جنوبی بین النهرین از زمان شروع تمدن یعنی از شش سال قبل می باشد به عبارتی مسئله حق تقدم حق استفاده کهن به عنوان یک شرط اساسی مطرح می شود. ترکیه به عنوان کشور سرمنشا رودهای دجله و فرات برای خود حاکمیتی تام بر این رودها قائل بوده و حاضر به شناسایی آنها به عنوان رودهای بین المللی نیست. ترکیه عملاً در پی آن است تا با استعانت از این اهرم قدرتمند اقتصادی سیادت خود را حفظ نماید. عراق مدعی است که سوریه و ترکیه که قسمت علیای رود را در خاک خود دارند سهمی غیرمنصفانه از آب فرات را به خود اختصاص داده اند و همچنین اعتقاد دارند که با ازدیاد مقدار نمکی که از طریق پروژه های آبیاری سوریه حاصل می شود کیفیت آب فرات هم در حال خراب شدن است (معدنی، ۱۳۹۵: ۳۳۹).

اما وضعیت آبی عراق در مرزهای مشترک با ایران به شکل دیگری می باشد. رودخانه های که علاوه بر تشکیل مرز ایران و عراق در ناحیه کردستان به سوی عراق روان هستند به این ترتیب میباشند: سرچشمه رود زاب کوچک که به دریچه سد وکان در نزدیکی شهر قلعه دزه می ریزد؛ رودهای نظیر بالک و بارزنه که از منطقه سیاه کوه در شمال پیرانشهر تشکیل دریاچه سد بخرم در شمال اربیل کردستان عراق می دهد؛ منشعبات رودهای سیروان، آب زرشک، زمکان و لیلا که به دریچه سد دربندخان در نزدیکی حلبچه می ریزد و همچنین رودهای کوچک دیگری که از منطقه قصر شیرین گیلان غرب تشکیل دریاچه سد دیالی را می دهند؛ همه این دریاچه ها به طور پیوسته به رودهای دجله و فرات متصل میشوند و سراسر دشتهای و کشتزارهای عراق و سایر نقاط را سیراب می نماید. از این رو تمامی منابع آبی غرب ایران دارای اهمیت استراتژیک برای عراق بخصوص منطقه کردنشین به حساب می آیند.

با این تفاسیر جالب توجه اینکه اغلب جریانات افراطی گرد بدون در نظر گرفتن جبر جغرافیایی موجود که همان فقدان ذخایر آبی قابل اتکاء و قرار گیری بالادستی و پائین دستی در حوضه های آبی مشترک است، باز هم خواهان تشکیل دولتی مستقل هستند، این در حالیست که تمام منطقه مورد نظر درگیر کمبود و فشار برای آب است. از این رو با تجزیه و شکل گیری شبه دولتها با محوریت ویژگی های قومی، زبانی و دینی خاص در داخل واحدهای سیاسی و رقابت آنها با کشورهای پیرامونی بر سر آب و حوضه های آبی مشترک و رودهای دائمی و احداث سد و آب بندها، می تواند عملاً استقرار دموکراسی را از بین ببرد چراکه لازمه پایداری و ثبات یک کشور در رفع نیازهای اولیه سکنه یعنی آب و غذا خلاصه می شود و این مسئله وابستگی مجدد به کشورهای همجوار را در پی خواهد داشت و بدین ترتیب عملاً جبر جغرافیایی آرمان استقلال خواهی کردها را در تنگنا قرار می دهد (وریج کاظمی، ۱۳۹۶). لذا طبق شکل شماره ۵، سرمایه گذاری و نظارت دقیق بر روی ذخایر آبی به عنوان منبع استراتژیک و محدود می تواند ساختارهای جدیدی را برای ثبات و توسعه در مناطق مرزی و آسیب پذیر کردستان ایران و عراق ایجاد نماید.



ترسیم از نگارنده بر اساس یافته های تحقیق

شکل ۵

۷- نتیجه گیری

در این نوشتار مشخص شد که مجموعه عوامل طبیعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی-اجتماعی در مناطق مرزی کردستان ایران و عراق علاوه بر ایجاد تنش و بحران می تواند همکاری و همگرایی بین دو سوی مرز را ایجاد نماید و اجرای طرح ها و برنامه های صنعتی، کشاورزی، خدماتی می تواند سرنوشت مرزنشینان کرد را که هم اینک درگیر کار سیاه قاچاق کالا آنهم با دستمزد بسیار پایین و صدا البته مشقت بار هستند را به نحو موثری تغییر مثبت دهد. از این رو سیاست دو دولت ایران و عراق برای حل جریانات جدایی طلب کرد به عنوان یک چالش امنیتی که ناشی از خلاء قدرت اقتصادی دولت های مرکزی است، می بایست به سمت بالابردن ظرفیت های تولیدی و رقابت تجاری پیش برود. با توجه به اینکه از خصوصیت عمده گروه های افراطی و تجزیه طلب کرد در منطقه پرداختن آنان به موضوع نابرابری و فقر اقتصادی در کردستان و عدم توجه دولت مرکزی به این منطقه است؛ در صورت مدیریت مطلوب، اصلاحات اقتصادی، ایجاد امکانات اقتصادی و دادن سرمایه و فرصت های اقتصادی به اقشار محروم مرزنشین می توان این حفره امنیتی را پر کرد. همانطور که در متن اشاره شد کردستان ایران و عراق با تکیه بر منابع غنی معدنی - انرژی و ذخایر آبی مطمئن، همچنین دارا بودن ظرفیت ها و توانمندی سازی نیروهای بومی برای بهره برداری بهینه می تواند با ایجاد پیمانهای یک یا چند جانبه و برنامه های در جهت گسترش عدالت اقتصادی- اجتماعی، رفع فقر و محرومیت، بازسازی ساختارهای ضعیف اقتصادی برای مرزنشینان کرد ایران و عراق ایجاد اشتغال نمایند و باعث رونق اقتصادی در منطقه و نواحی پیرامونی آن شوند.

منابع

- ۱- امیرزاده، رضا، زینالی، صادق، زمانی راد، حجت. (۱۳۹۵). نقش و جایگاه ارزشهای شیعی در دیپلماسی عمومی. فصلنامه ژئوپلیتیک سال دوازدهم. شماره دوم. صص ۱۵۰-۱۲۴.
- ۲- تاج آبادی، حسین؛ دهنوی، مهدی. (۱۳۹۳). فدرالیسم عراق و امنیت ملی ایران؛ فرصتها و چالشها. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا. شماره هجدهم. (صفحات ۱۵۳-۱۸۸).
- ۳- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). هیدروپلیتیک هیرمند و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان. پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی. شماره ۴۵. صص ۳۱-۸۵.
- ۴- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. پژوهشگاه امیر کبیر. چاپ اول. تهران.
- ۵- حیدری، محمد، انعامی علمداری، سهراب، فتاحی، فرهاد. (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک مرز و الگوی مدیریت و کنترل مرزهای شرقی ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال هشتم، شماره سوم. (صفحات ۱۱۸-۱۵۳).
- ۶- خواجهوی، علی. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت صنعت نفت و گاز منطقه کردستان عراق. ماهنامه اکتشاف و تولید. شماره ۸۲. شهریور. (صفحات ۶-۱۴).
- ۷- زرقانی، سیدهادی. (۱۳۸۶). عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر نقش و کارکرد مرزها با تاکید بر مرز ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال سوم شماره دوم. (صفحات ۱۱۶-۱۴۷).
- ۸- زیباکلام، صادق، عبدالله پور، محمدرضا. (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل. فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۱، شماره ۴. (صفحات ۵۹-۷۵).
- ۹- رسولی، اکبر. (۱۳۹۵). نقش سیستم های بدون سرنشین در کنترل و امنیت مرز. پژوهشنامه مطالعات مرزی. سال چهارم. شماره اول. (صفحات ۱۸۵-۲۰۶).

- ۱۰- سعادت‌تی جعفرآبادی، حسن. (۱۳۹۱). مبانی نظری و دیدگاه‌های تئوریک در امنیت و توسعه شهرهای مرزی. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان. ص. ۱۲۷۷.
- ۱۱- ستاره، جلال، محمدی اطهر، علیرضا. (۱۳۹۲). مرز و قومیت، تهدید یا فرصت. فصلنامه علمی - ترویجی دانشکده علوم و فنون مرز. سال چهارم. شماره ۲. (صفحات ۲۷-۵۲).
- ۱۲- شاطریان، محسن، اشنویی، امیر، گنجی پور، محمود. (۱۳۹۳). تحلیل راهبردی مناطق مرزی مطالعه موردی شهرهای مرزی استان کردستان. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری. شماره یازدهم. (صفحات ۸۷-۱۰۱).
- ۱۳- عندلیب، علیرضا، شریف، مطوف. (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران. شماره دوازده. سال ششم. (صفحات ۷۶-۵۷).
- ۱۴- عباسی، سمنانی، علی‌رضا، معینی، نعمت‌الله. (۱۳۹۱). مجله علمی-پژوهشی امنیت پژوهی. شماره ۳۹. (صفحات ۱۱۴-۱۳۸).
- ۱۵- عزتی، عزت اله، ویسی، هادی. (۱۳۸۵). تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران-هند. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال دوم. شماره دوم. (صفحات ۲۷-۴۵).
- ۱۶- عزتی، عزت اله. (۱۳۸۴). تحلیلی بر ژئواکونومی افریقا و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران. فصلنامه مطالعات افریقا. دفتر سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه. شماره ۷. ص. ۹۰.
- ۱۷- عزتی، عزت اله. (۱۳۸۴). مجموعه مقالات سمینار بین المللی انرژی و امنیت. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه. تهران. ص. ۶۰.
- ۱۸- فوشه، میشل. (۱۳۹۵). وسوسه مرزها. ترجمه سیروس احمدی نوحدانی. انتشارات پاپلی. چاپ اول. مشهد.
- ۱۹- قاسمی، محمد، صفی پور، محسن. (۱۳۹۲). بررسی اقدامات انسدادی مرز استان سیستان و بلوچستان بر امنیت استان از دیدگاه صاحب نظران. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی. سال اول. شماره چهارم. (صفحات ۱۰۵-۱۲۸).
- ۲۰- قصری، محمد. (۱۳۹۰). بررسی نقش و ظرفیت مرز در تقویت هویت ملی در عصر جهانی شدن (مورد ایران). فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. شماره سوم. سال چهارم. (صفحات ۵۵-۸۰).
- ۲۱- کامران، حسن، پریزادی، طاهر، حسینی امینی، حسن. (۱۳۹۰). ساماندهی فضایی نواحی مرزی همجوار با مرز ایران و پاکستان با رویکرد پدافند غیر عامل. مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری. سال دوم. شماره پنجم. (صفحات ۱۰۹-۱۳۲).
- ۲۲- کولایی، الهه، حریری، رحمن، اسدی کیا، بهناز. (۱۳۹۵). مسئله کردی در روابط ایران و ترکیه. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال دوازدهم. شماره سوم. (صفحات ۱-۲۷).
- ۲۳- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. انتشارات سمت. چاپ اول. تهران.
- ۲۴- معدنی، جواد. (۱۳۹۵). بحران های زیست محیطی جنوب غرب آسیا با تاکید بر بحران آب. همایش بحرانهای ژئوپلیتیکی جهان اسلام. دانشگاه شهید بهشتی. (صفحات ۳۳۸-۳۵۴).
- ۲۵- مرتضوی، خدیار، علی کرمی، فریبا. (۱۳۹۳). ژئواکونومی خاورمیانه و جهانی شدن اقتصاد. فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۴. شماره ۳. (صفحات ۶۶۵-۶۸۶).
- ۲۶- محمدی، حمیدرضا، سلیم نژاد، سلیمه، عزیززاده، محسن، ابراهیم ولی، محمد. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر امنیت اقلیم کردستان عراق. همایش بحرانهای ژئوپلیتیکی جهان اسلام. جلد دوم. دانشگاه شهید بهشتی. (صفحات ۳۰۱-۳۱۷).
- ۲۷- ویسی، هادی، حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۰). تاثیر جهانی شدن بر مرزها (بررسی و نقد آرای نفی مرز). مدرس علوم انسانی-برنامه ریزی و آمایش فضا. دوره پانزدهم. شماره ۲. (صفحات ۴۱-۵۹).



- ۲۸- وریج کاظمی، مریم. (۱۳۹۷). جغرافیا و انرژی در حوضه دریای کاسپین. انتشارات دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره). چاپ اول. نوشهر.
- ۲۹- وریج کاظمی، مریم. (۱۳۹۶). اول آب بعد دموکراسی. خبرگزاری بین المللی شفقنا. ۲۵ آذر
- ۳۰- یزدان پناه درو، کیومرث، کامران، حسن، رنجبری، کمال. (۱۳۹۶). تحلیلی بر ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق بعد از فروپاشی داعش. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا انجمن جغرافیای ایران. دوره جدید. سال پانزدهم. شماره ۵۳. (صفحات ۵۳-۳۷).

بررسی نقش سیاست خارجی در ارتقاء توسعه و امنیت مناطق مرزی

علی اکبر پور^{۱*}، زهراسادات حسینی^۲

۱- کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قوچان

۲- کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

طرح مسئله: پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش سیاست خارجی در ارتقاء توسعه و امنیت مناطق مرزی انجام شد. سؤال مطرح شده این است که چگونه سیاست خارجی به ارتقاء اهداف توسعه و امنیت مناطق مرزی کشورهای درحال توسعه (ایران) کمک می‌کند؟ فرضیه پژوهش این است که سیاست خارجی مجموعه‌ای از سازوکارهایی است که از طریق آن می‌توان به تضمین محیط لازم برای کمک به توسعه و امنیت مناطق مرزی کمک نمود، و توسعه و امنیت از یک رابطه متقابل برخوردار هستند و ارتقاءدهنده یکدیگر می‌باشند. **روش پژوهش:** این ادعا در راستای الگوی نظری تبیین سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری برای توسعه و با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت. **یافته‌ها:** یافته‌ها بیانگر آن است که نقش سیاست خارجی در ارتقاء پیشرفت یک کشور برای درک مسیر توسعه آن، به‌ویژه در مورد کشورهای درحال توسعه از اهمیت بسیاری برخوردار است. سیاست‌گذاران حوزه سیاست خارجی برای دستیابی به این هدف در حوزه سیاست و اقتصاد شش اقدام را هماهنگ با همدیگر در جهت رسیدن به توسعه و امنیت در مناطق مرزی دنبال می‌کنند که شامل ترقی تجاری؛ سیاست سرمایه‌گذاری؛ مذاکرات اقتصادی، مالی و تجاری؛ حقوق اکتشاف منابع؛ همکاری بین‌المللی و طرح بین‌المللی است. در ایران نیز در دوره‌های زمانی مختلف تلاش شده تا در حوزه سیاست خارجی در جهت دستیابی به این حوزه‌ها، اقداماتی صورت گیرد. **نتیجه‌گیری:** با توجه به نقش سیاست خارجی در جهت توسعه و امنیت مناطق مرزی، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که اقدامات دولت در حوزه سیاست خارجی در موجب توسعه و امنیت در مناطق مرزی شده است که در ارتباط متقابل با یکدیگر می‌باشند. همچنین باید زمینه‌هایی فراهم گردد تا در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی به این مناطق توجه بیشتری گردد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، ارتقاء، توسعه و امنیت، مناطق مرزی.

۱- مقدمه

موقعیت جغرافیایی کشورها از عواملی است که در رفتار سیاسی و شکل‌گیری تصمیمات سیاسی داخلی و خارجی نقش مؤثری دارد. بعضی از موقعیت‌های جغرافیایی ارزش استراتژیکی دارند و با توجه به قدرت ملی کشورهای دارنده آن نقش مهمی را در منش سیاسی آن کشور به خود اختصاص می‌دهند که از جمله این موقعیت‌ها، داشتن مرزهای طولانی است. هر دولتی که بخواهد در داخل و خارج از کشور شرایط و امکانات سازندگی خود را فراهم کند باید از مرزهای مطمئنی برخوردار باشد، در غیر این صورت مشکلات ناشی از ناامنی که از مرز ریشه می‌گیرد، مانع از هرگونه سازندگی و پویایی در کشور خواهد بود. یکی از مسائل مهم در مناطق مرزی مسئله امنیت است. مسئله حفظ و گسترش امنیت در رسیدن به سطحی از امنیت پایدار، برای کشور ایران که دارای مرزهای طولانی و تعدد همسایگان می‌باشد، همواره حساسیت مسئولان و متخصصین را به خود جلب نموده است. مسئله امنیت در مرز، روند توسعه و امنیت پایدار کشور را متأثر می‌سازد به طوری که کشورهای درگیر با مسائل ناامنی در مناطق مرزی دریافته‌اند که به دلایل مختلف از جمله فقر، تنگدستی و ... ناامنی گسترش یافته و این ناامنی به‌طور مستقیم بر کل کشور اثر گذاشته است. بنابراین توجه به امر توسعه و امنیت مناطق مرزی از جمله برنامه‌هایی است که علاوه بر سیاست‌های داخلی در مؤلفه‌های سیاست خارجی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در کشوری همچون جمهوری اسلامی ایران که دارای بیش از ۸۵۷۴ کیلومتر مرز است (نامی و حیدری پور، ۱۳۹۱: ۱) و با وجود کشورهای همسایه که اغلب آن‌ها دچار ضعف و بی‌ثباتی می‌باشند، لزوم توجه تنگاتنگ به مسئله امنیت و رسیدن به توسعه در مناطق مرزی از منظر سیاست خارجی بسیار اساسی و ضروری است.

پویایی‌های بین‌المللی کنونی در عرصه روابط بین‌الملل بسیار تحت تأثیر ظهور قدرت‌های میانه بوده است که هدف اصلی آن‌ها از نظر داخلی و بین‌المللی ارتقاء پیشرفت و توسعه بوده است. باین‌حال، در مورد این که سیاست خارجی این کشورها چگونه می‌تواند به اهداف توسعه کمک نماید، پژوهش‌های اندکی مشاهده می‌گردد. به‌عنوان مثال هایمان^{۲۴} (۲۰۱۰) و ماکسول^{۲۵} (۲۰۰۷)، روی ابزارهایی که کشورهای مرکزی برای ارتقاء توسعه فعالیت می‌کنند، تمرکز می‌نمایند. رهنما و توانگر (۱۳۸۹)، در مقاله خود «نقش شهرهای مرزی در فرایند جهانی‌شدن و توسعه منطقه‌ای ایران» را مورد مطالعه قرار داده‌اند. به این منظور، ابتدا مسئله جهانی‌شدن شهرهای مرزی ایران در استان خراسان با توجه به تئوری‌های موجود تحلیل شده است. همچنین با استفاده از تکنیک‌های پرسشنامه و مصاحبه، چشم‌انداز مناسبی از توانایی‌ها و پتانسیل‌های محلی درباره کارکرد دروازه‌ها و نقاط گره‌ای شهری در توسعه منطقه‌ای گردآوری شده است. درحالی که مقاله پیش‌رو، باهدف پر کردن شکاف تحلیل سیاست خارجی در رابطه با سیاست‌های توسعه و امنیت مناطق مرزی انجام شده است. گاهی می‌شنویم که سیاست خارجی یک کشور در راستای ارتقاء توسعه فعالیت نموده است، اما به‌ندرت در مورد سازوکارهایی که از طریق آن‌ها، سیاست خارجی می‌تواند آن هدف را دنبال کند، شنیده می‌شود (Spohr & Da Silav, ۲۰۱۷: ۲). این موضوع با عدم بحث و گفتگو در مورد سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ارتباط نزدیکی دارد، زیرا اکثر مردم واقعاً نمی‌دانند که اقدامات دولت‌هایشان در سطح بین‌المللی بر زندگی مشترک آن‌ها چه تأثیری دارد. بر این اساس، این مقاله باهدف روشن کردن فوایدی که سیاست خارجی می‌تواند برای جمعیت یک کشور به همراه داشته باشد، انجام شده است.

برای غلبه بر عدم توجه به جنبه‌های توسعه مطالعات سیاست خارجی، هم از تجزیه و تحلیل سیاست خارجی و هم از اقتصاد سیاسی بین‌المللی^{۲۶}، همان‌طور که کاپوراسو^{۲۷} و همکاران (۱۹۸۶) مطرح می‌کنند، ترکیب می‌شوند. به این معنا که برای ایجاد الگویی از تحلیل، از ادبیات رشته‌های مختلف استفاده گردید. این مقاله مبتنی بر تعریف توسعه است که توسط

^{۲۴} Hyman

^{۲۵} Maxwell

^{۲۶} IPE

^{۲۷} Caporaso

والرشتاین^{۲۸} (۱۹۸۸)، فورتادو^{۲۹} (۲۰۰۰)، آمستدن^{۳۰} (۲۰۰۱) و جاجوریب^{۳۱} (۲۰۱۳) ارائه شده است. از طریق این بحث، توسعه می‌تواند به‌عنوان روند افزایش استفاده از منابع موجود به‌منظور حصول اطمینان از تعامل مطلوب‌تر در بازارهای جهانی شناخته شود و بنابراین، از طریق دستمزدهای بهتر و کاهش نابرابری اقتصادی و اجتماعی، شرایط بهتری را برای مردم به‌ویژه مردم ساکن در مناطق مرزی ایجاد کند. این تعریف با مقاومت برخی سیاست‌گذاران که توسعه را فقط رشد اقتصادی می‌دانند، مواجه شده است. بنابراین با توجه به اهمیت مرزها و ارتباط آن با امنیت ملی و وجود زمینه‌های بروز و ظهور چالش‌های قومی و مذهبی در مناطق مرزی و بروز مشکلاتی در حوزه اشتغال، مشارکت سیاسی و اقتصادی، بررسی نقش سیاست خارجی در امنیت و توسعه مناطق مرزی اهمیت می‌یابد.

باوجود پیچیدگی روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، بازیگرانی که در این فرآیند تأثیر می‌گذارند، به‌طور گسترده‌ای بی‌شمارند. بااین‌حال، در این مقاله سعی می‌گردد تا در قالب چند بخش به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود. سؤال نخست این است که توسعه و امنیت در مناطق مرزی چه ارتباطی با یکدیگر دارند و سؤال اصلی که مطرح‌شده این است که چگونه سیاست خارجی به ارتقاء اهداف توسعه و امنیت مناطق مرزی کشورهای درحال توسعه (ایران) کمک می‌کند؟ فرضیه پژوهش این است که سیاست خارجی مجموعه‌ای از سازوکارهایی است که از طریق آن دست‌اندرکاران می‌توانند به تضمین محیط لازم برای کمک به توسعه و امنیت کشور کمک نمایند، ضمن این که توسعه و امنیت از یک رابطه متقابل برخوردار هستند که نیازمند و ارتقاءدهنده یکدیگر هستند. بنابراین این مقاله باهدف بررسی نقش سیاست خارجی در پیشبرد توسعه و امنیت مناطق مرزی کشورهای درحال توسعه (ایران) انجام‌شده است.

۲- چارچوب نظری (سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری برای توسعه)

ازآنجاکه یکی از مهم‌ترین ابعاد کارکرد نظریه‌ها، بعد تحلیلی آن‌ها نسبت به سیاست خارجی است. امروزه تصمیم‌گیرندگان این حوزه برای رسیدن به تصمیمات موفق و عقلانی باید به ارتباط ظریف میان نظریه و عمل دقت کنند و بتوانند علاوه بر فهم دقیق جایگاه سیاست خارجی در متون نظری از این متون تجویزاتی سیاست‌گذارانه و عمل‌گرایانه استخراج کنند. در این بخش مدل تحلیلی ارائه خواهد شد و اقدامات سیاست خارجی را در قالب دو بعد (اقتصادی و سیاسی) بررسی می‌کنیم که خطوط عمل این مقاله را شکل می‌دهند. فقدان چارچوب نظری برای انجام مطالعات علمی در رابطه با نقش سیاست خارجی در رابطه با توسعه و امنیت در مناطق مرزی یکی از مشکلاتی است که متصدیان و سیاست‌گذاران توسعه و امنیت با آن مواجه می‌باشند. نقش دولت در استراتژی‌های ارتقا توسعه، موضوع بسیاری از آثار اقتصاد سیاسی است. یک خط فکری قوی وجود دارد که بیان می‌کند کشورهای درحال توسعه (ایران) برای غلبه بر شکافی که آن‌ها را از کشورهای توسعه‌یافته جدا می‌کند، نیاز به یک کشور قوی دارند. این نیاز پس از انقلاب صنعتی انگلیس در کشورهای اروپای غربی ظهور یافت به‌عنوان مثال، آلمان تحت فرمان بیسمارک و فرانسه تحت فرمان ناپلئون سوم در اواخر قرن نوزدهم تحت تأثیر فرآیند نوسازی قرار گرفتند که جاجوریب (۲۰۱۳) آن را توسعه برنامه‌ریزی‌شده توصیف می‌کند. گرشنکرون^{۳۲} (۱۹۶۱) اظهار داشت که هرچه کشور عقب‌مانده‌تر باشد، دولت برای ارتقاء توسعه باید نقش بیشتری داشته باشد. در حوزه روابط بین‌الملل نیز، والرشتاین (۱۹۸۸) و آریگی^{۳۳} (۱۹۹۰) نیاز به حضور قدرتمند دولت را برای غلبه بر شکاف بین مرکز و حاشیه (و نیمه حاشیه) را ضمن ارائه یک دیدگاه بدبینانه از فرصت‌های واقعی توسعه مشترک کشورهای «عقب‌مانده»، تأیید می‌کنند. بنابراین هنگام تحلیل نقش سیاست خارجی در ارتقاء توسعه، باید اهمیت دولت در این فرآیند را مورد تأیید قرار داد. با توجه به این

^{۲۸} Wallerstein

^{۲۹} Furtado

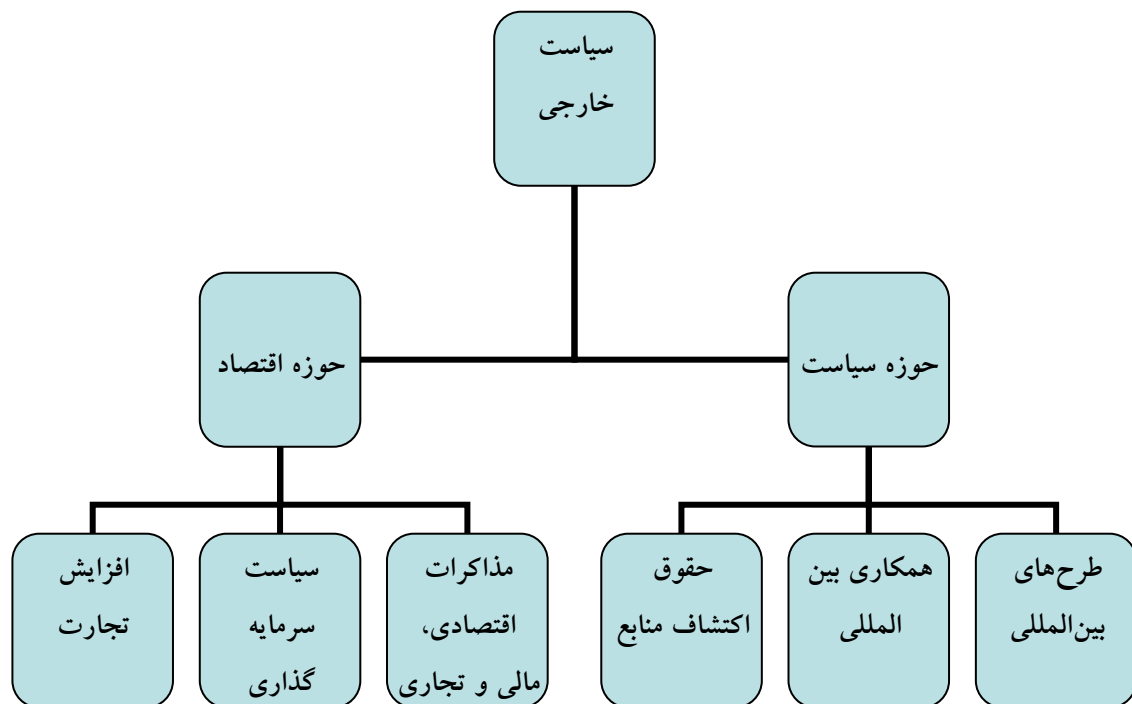
^{۳۰} Amsden

^{۳۱} Jaguaribe

^{۳۲} Gerschenkron

^{۳۳} Arrighi

نکته، می‌توان سیاست خارجی را به دو حوزه بزرگ یعنی اقتصاد و سیاست تقسیم کرد که از طریق آن بر توسعه کشور تأثیر گذاشته می‌شود. این‌ها را می‌توان به خطوط اقدام ویژه به‌منظور ارتقاء رشد اقتصادی کشور و کاهش سطح نابرابری تقسیم کرد که معمولاً برای بیشتر سیاست‌گذاران اولویت ندارد. این مقاله الگویی را ارائه می‌دهد که به تجزیه و تحلیل چگونگی عملکرد روابط خارجی-توسعه در موارد مختلف کمک می‌کند. هنگام برخورد با حوزه اقتصادی سیاست خارجی، می‌توان سه خط اقدام را تشخیص داد که می‌توانند مستقیماً بر استراتژی توسعه کشور تأثیر بگذارند. این خطوط به شرح زیر است: (الف) ترقی تجاری، (ب) سیاست سرمایه‌گذاری و (ج) مذاکرات اقتصادی، مالی و تجاری. خطوط عمل حوزه سیاسی، به‌طور غیرمستقیم با ارتقاء توسعه در ارتباط هستند، زیرا اثرات آن‌ها به‌اندازه اثرات اقتصادی و اجتماعی نیست، با این‌وجود به ایجاد یک محیط مثبت برای موفقیت سایر خطوط اقدام کمک می‌کنند. به این معنا، سه خط دیگر از اقدامات شامل (د) حقوق اکتشاف منابع، (ه) همکاری بین‌المللی و (و) طرح بین‌المللی است.



شکل ۱: خطوط سیاست خارجی در ارتقاء توسعه و امنیت

حوزه اقتصادی سیاست خارجی رابطه مستقیمی با پروژه توسعه به‌ویژه با چشم‌انداز رشد اقتصادی آن دارد. این حوزه معمولاً موضوع تجزیه و تحلیل‌هایی است که سیاست خارجی کشورها را به توسعه آن‌ها مرتبط می‌سازد، اگرچه معمولاً با همه خطوط به‌طور جداگانه و کامل مرتبط نمی‌شود (بومن و موریرا^{۳۴}، ۱۹۸۷؛ سوزا^{۳۵}، ۲۰۰۲). افزایش تجارت یک کشور موضوعی است که اهمیت آن در سیاست‌گذاری خارجی در قرن بیستم و یکم به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. طبق گفته فدر^{۳۶} (۱۹۸۲)، صادرات منجر به رشد اقتصادی بیشتر از سهم آن‌ها در تولید ناخالص داخلی می‌شود. ارتقاء تجارت نه تنها افزایش کمی صادرات ملی، بلکه ارتقاء کیفی آن‌هاست. برای انجام این کار، سیاست‌گذاران خارجی معمولاً سعی می‌کنند به بازارهای جدید که قبلاً به کالاهای ملی کمتر علاقه‌مند بودند برسند و در تجارت با شرکای سنتی، کالاهای با ارزش بالا را

^{۳۴} Baumann & Moreira

^{۳۵} Souza

^{۳۶} Feder

تبلیغ کنند. این خط از اقدامات به شدت وابسته به سیاست داخلی برای افزایش رقابت در کالاهای داخلی است که به پیشرفت در سطح مهارت کارگران کمک می‌کند. خط دوم یعنی سیاست سرمایه‌گذاری یک کشور شامل دو موقعیت است: جذب سرمایه مستقیم خارجی که معمولاً در مراحل اولیه تنوع تولید و از بین بردن سرمایه‌گذاری‌های ملی در خارج از کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فونسکا^{۳۷} (۲۰۱۵) سیاست سرمایه‌گذاری را عاملی سودمند برای سرمایه‌گذار و دریافت‌کننده می‌داند. سرمایه‌گذاری، گسترش دسترسی کشور به مناطق دیگر، فرصت‌های جدیدی را برای افراد بازرگانی ملی برای سرمایه‌گذاری در خارج از کشور باز می‌کند. سومین خط از اقدامات، مذاکرات اقتصادی، مالی و تجاری است که سعی می‌کند شرایط سیستمی برای یک استراتژی توسعه ملی ایجاد کند. شروع آن را می‌توان به تنش‌های شمال و جنوب^{۳۸} در طول جنگ سرد اشاره کرد. هنگامی که کشورهای جنوبی شروع به تأمل در مورد شکاف بزرگی کردند که آن‌ها را از شمال جدا کرد. دیدگاه چانگ^{۳۹} (۲۰۰۲) از مسیرهای توسعه به کشورهای مختلف کمک می‌کند تا مناطق حاشیه‌ای و نیمه پیرامونی را برای تأمین شرایط متفاوت مطرح کنند. استراتژی این خط از اقدامات این است که خواستار شرایط مناسب برای توسعه، برای این بین بردن شیوه‌های تجارت بی‌طرفانه کشورهای توسعه‌یافته (مانند یارانه‌ها، موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و دامپینگ)، برای رژیم‌های عادلانه‌تر (نسبت به برنامه‌های تولید فناوری ملی انعطاف‌پذیر) و برای امکان توسعه برنامه‌های غیرمستقیم است. آمستن^{۴۰} (۲۰۰۱) استراتژی‌های رشد اقتصادی آسیا را ارائه می‌دهد که وظیفه تولید کالاهای با ارزش افزوده بالا، دستیابی به رقابت بین‌المللی و جلوگیری از فشارهای کشورهای شمال برای آزادسازی را بر عهده داشتند.

سه خط دیگر تأثیر غیرمستقیمی‌تری بر رشد اقتصادی یک کشور دارد، اما می‌تواند در هر دو جنبه توسعه سهم بسزایی داشته باشد. تصویر یک کشور در سیستم بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای برای حفظ و تقویت جریان‌های تجاری، حفظ استقلال خود در رابطه با بازیگران قدرتمندتر، دسترسی بیشتر به فن‌آوری‌های به‌روز و ایجاد محیط لازم برای افزایش فعالیت‌های خود در داخل و خارج از کشور دارد. بنابراین، حوزه سیاسی تأثیر مثبتی بر نتایج کل منطقه اقتصادی و اقدامات عملی آن دارد. آنچه توسط مباحث **اکتشاف منابع** قابل‌درک است، نیاز کشور برای اطمینان از حق خود برای کشف منابع طبیعی است. این هم مذاکرات مربوط به مالکیت و هم محیط‌زیست را شامل می‌شود. هنگام پیوستن به رژیم‌های بین‌المللی مالکیت منابع دریایی و دریایی و اکتشاف، خدمات خارجی یک کشور با این مسئله تضمین می‌کند که منابع لازم برای توسعه آن در دسترس خودش باشد. بنابراین، بحث در مورد تعیین مرزها و قانون دریا یک مفهوم استراتژیک است و می‌تواند به اثبات وسایل لازم برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کمک کند. به این ترتیب، مذاکرات زیست‌محیطی به‌عنوان یک عرصه مهم برای کشورهای در حال توسعه ظاهر می‌شود. اختلاف تاریخی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در مجامع زیست‌محیطی، نتیجه تقابل نظرات دیدگاه‌های محافظه‌کار و توسعه‌گرایانه در مورد این مسئله است. از یک طرف، محافظه‌کاران مانع از صنعتی شدن کشورهای حاشیه‌ای می‌شوند. از طرف دیگر، کشورهای در حال توسعه مسئولیت‌های مشترک، اما متفاوت را با هدف تضمین حق خود برای اجرای پروژه‌های صنعتی و در نتیجه توسعه بر عهده می‌گیرند (Spohr & Da Silav, ۲۰۱۷: ۶-۷).

همکاری بین‌المللی به‌عنوان یک سیاست دوگانه به نظر می‌رسد که از هر دو طرف، دول درگیر در این عمل سود می‌برد. مطابق گفته لیت^{۴۱} (۲۰۱۲) همکاری جنبه‌ای از تجارت را ارائه می‌دهد که از طریق آن طرف‌های درگیر در ازای مشارکت خود چیزی دریافت می‌کنند. بنابراین، کشورها می‌توانند با هدف پروژه‌های همکاری خارجی (هم از کشورها و هم سازمان‌های بین‌المللی)، فن‌آوری دریافت کنند، پروژه‌های مشترک اکتشاف منابع را توسعه دهد یا برنامه‌هایی برای کاهش نابرابری ایجاد کند. الگویی که یک کشور از طریق آن همکاری می‌کند، نقش مهمی در تضمین ماندگاری مزایای خود و ایجاد

^{۳۷} Fonseca

^{۳۸} برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: ساعی، احمد (۱۳۹۳). **مسائل سیاسی-اقتصادی جهان سوم**، انتشارات سمت، چاپ پانزدهم، تهران.

^{۳۹} Chang

^{۴۰} Amsden

^{۴۱} Leite

شرایط برای رفع نیاز مستمر به کمک‌های خارجی ایفا می‌کند. هنگام اتخاذ موضع قوی‌تر در مورد نظم بین‌الملل، یک کشور می‌تواند شروع به ارتقاء همکاری یا به اشتراک گذاشتن ابتکار عمل با دیگران به صورت برابرتر کند (Amora et al, ۲۰۱۵: ۶). به‌عنوان عامل اصلی برنامه‌های همکاری، دولت چهره بین‌المللی خود را ارتقا می‌بخشد و شانس موفقیت استراتژی خود را بهبود می‌بخشد.

پیش‌بینی طرح‌های بین‌المللی شامل تأثیر غیرمستقیم سایر جنبه‌های سیاست خارجی در خطوط فوق همچون استقلال است. به‌طور کلی، توسعه و استقلال رابطه‌ای متقابل دارند، زیرا با افزایش یکی می‌توان برای تقویت دیگری سرمایه‌گذاری کرد. دانشمندان آمریکای لاتین توجه ویژه‌ای به این موضوع دارند (۵۲۰: Vigevani & Ramazini, ۲۰۱۴) و آن را به‌عنوان «سیاست خارجی عاری از محدودیت‌های اعمال‌شده توسط کشورهای قدرتمند اشاره دارد» تعریف می‌کنند. بنابراین، کسب استقلال با این هدف است که کشورها بتوانند بدون مداخله کشورهای مرکز، استراتژی‌های توسعه خود را دنبال کنند. استراتژی تشکیل ائتلاف‌های نیمه‌پیرامونی متشکل از مناطق حاشیه‌ای و نیمه‌پیرامونی خواستار افزایش و تضمین استقلال آن‌ها است. اما والرشتاین (۱۹۷۶) شکنندگی این ائتلاف‌ها را نشان می‌دهد، زیرا ظهور مشترک این کشورها در شرایط فعلی سیستم جهانی امکان‌پذیر نیست. وی پیش‌بینی جدایی کشورهای نیمه‌حاشیه سعودی از بقیه یا همکاری مشترک بازیگران حاشیه‌ای توسط قدرت‌های مرکزی را تضعیف می‌کند و قدرت ائتلاف‌ها را تضعیف می‌کند. بنابراین، سیاست‌گذاران خارجی این کشورهای سعودی برای تثبیت مطالبات خود، افزایش قدرت نسبی و فضای سیاسی-اقتصادی خود در سطح بین‌المللی، باید این موارد را برطرف کنند. والرشتاین (۱۹۸۸) و آریگی (۱۹۹۰) اظهار داشتند که چنین افزایشی به تغییرات همزمان در رژیم‌های اقتصادی، مالی و تجاری نیاز دارد.

تصمیم‌گیری در هر شش خط اقدام باید همزمان یا هماهنگ باهم صورت گیرد و توسط متغیرهای داخلی و بین‌المللی محدود شود. به این معنا که باید باهم جمع شوند تا بتوانند درک بیشتری از پویایی و احتمال موفقیت آن داشته باشند، همان‌طور که توسط کاپوراسو^۴ و همکاران (۱۹۸۶) پشتیبانی شده است. جاجوریب (۲۰۱۳ ب)، اظهار داشت که ارتقاء توسعه، از طرق داخلی و بین‌المللی، برای یک پروژه خاص توسعه و امنیت نیاز به حمایت داخلی زیادی دارد. اول از همه، این پروژه توسعه یک عنصر تعیین‌کننده در ایجاد استراتژی‌های دنبال شده توسط یک کشور در هر خط عملیاتی است که در بالا ارائه شده است. ثانیاً، برای تضمین پشتیبانی مردمی از یک پروژه خاص، یک رهبر یا حاکم به استراتژی‌های مختلف متوسل می‌شود. سرانجام، هنگام برخورد با سیستم بین‌المللی، هماهنگی با سایر کشورها مستلزم حمایت داخلی همه کشورهای درگیر است و این روند را حتی سخت‌تر می‌کند. با ایجاد خطوط عملی که از طریق آن‌ها سیاست خارجی به استراتژی توسعه و امنیت یک کشور نیمه‌پیرامونی یا در حال توسعه کمک می‌کند، در بخش زیر الگوی توسعه و امنیت مناطق مرزی کشور ایران از نظر محدودیت‌ها و امکانات سیستماتیک آن بررسی می‌گردد و نقش سیاست خارجی در این خصوص تبیین می‌گردد تا به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود.

۳- سیاست خارجی

سیاست خارجی کشورها مجموعه موضع‌گیری‌ها، اقدامات و تصمیماتی است که دولت‌های ملی نسبت به یکدیگر و یا نسبت به سازمان‌های بین‌المللی اتخاذ می‌کنند و هدف اصلی آن‌ها، تأمین منافع دولت ملی به‌عنوان واحدی یکپارچه است. در فرایند تصمیم‌گیری در خصوص سیاست خارجی تصمیم‌گیرندگان باید برداشت‌های کلی خود از منافع ملی را در قالب اهداف و اقدامات مشخص بیان کنند، امکانات و توانایی‌های خود در اجرای آن اهداف را بسنجند، شیوه کاربرد آن امکانات برای وصول به اهداف مورد نظر را مشخص سازند و عملاً در جهت دستیابی به اهداف سیاست خارجی اقدام نمایند (بشیریه، ۱۳۹۵: ۲۱۵-۲۱۶). دولت‌ها به شیوه‌های مختلفی در رابطه با یکدیگر، برای تأمین منافع ملی خود به منابع خویش سازمان می‌دهند.

^۴ Caporaso

در نتیجه صورت‌بندی‌ها و روابط قدرت گوناگونی بین آن‌ها شکل می‌گیرد و شیوه‌های مختلفی از رقابت و همکاری پیدا می‌شود. بحث وسیله و ابزار اعمال سیاست خارجی حاکی از درک این واقعیت است که ضرورتاً هدف نمی‌تواند به‌تنهایی وسیله را توجیه کند (سیف‌زاده، ۱۳۸۱: ۳۷۴). دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با ابزار سیاست خارجی به بیشینه‌سازی منافع، حفظ و گسترش امنیت ملی خود، درک و رفع تهدید علیه خود بپردازند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همانند سیاست خارجی سایر کشورها متأثر از تئوری‌های مطرح در روابط بین‌الملل و تغییرات و تحولات آن است. در تحلیل گفتمانی سیاست خارجی در مقام مهم‌ترین نمود رفتار بین‌المللی دولت‌ها در دوران حاکمیت وستفالیایی، همواره عرصه تعامل میان نظریه و عمل بوده است. گفتمان‌های مختلفی در مورد سیاست خارجی ایران وجود دارد که هر یک در شرایط تاریخی مشخص بر شکل‌گیری ماهیت آن تأثیر گذاشته‌اند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۸). باین‌وجود در همه دوره توجه به امر توسعه و امنیت از جمله مسائلی بوده است که مورد توجه بوده است. بر همین اساس تلاش شده است تا هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی به توسعه و امنیت کشور به‌ویژه مناطق مرزی که موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی خوبی دارند، توجه گردد و امر توسعه و امنیت به‌صورت متقابل در این مناطق تأمین گردد.

۴- توسعه و امنیت

واحد مطالعه در تفکرات توسعه از کلاسیک گرفته تا نظریه‌های وابستگی، نوسازی و توسعه سیاسی، دولت بوده است. در حقیقت در بسیاری از موارد هنگامی که مثلاً از بحران‌های توسعه و نوسازی سیاسی سخن به میان می‌آید، بخش عمده‌ای از دغدغه‌ها متوجه دولت است (قوام، ۱۳۹۵: ۲۲۲-۲۲۳). توسعه می‌تواند به بهترین وجه به‌صورت ابزاری اشکال دانش در مورد جهان سوم را با اشکال گوناگون قدرت و مداخله پیوند دهد (Escobar, ۱۹۹۶: ۲۱۳). در واقع توسعه همان رشد اقتصادی نیست، چراکه توسعه یک جریان چندبعدی است که در خود تجدید سازمانی و جهت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد. در معنی ساده‌تر می‌توان توسعه را رشد همراه با عدالت اجتماعی دانست (۳: ۲۰۰۳: Hadder). توسعه فرایندی جامعه از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدفش بهبود مداوم زندگی تمامی جمعیت بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت مناسب و توزیع منافع از ارکان اساسی آن به شمار می‌آید. هر یک از نظریه‌پردازان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی تلاش نموده‌اند تا براساس رشته تخصصی خود تعریفی از توسعه ارائه نمایند (موثقی، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

دانشمندان علوم سیاسی از همان مراحل نخست نظریه‌پردازی در فرایند توسعه سعی داشتند برای تجزیه و تحلیل آن به یک نظریه کلان دست یابند، ولی پس از آن که در این راه با شکست مواجه شدند به نظریه‌های میان برد روی آوردند. توسعه ابعادی دارد که از جمله می‌توان به حوزه سیاسی و اقتصادی اشاره نمود. در حالی که محققین علوم سیاسی تمام سعی خود را برای ارائه تعریف مناسبی از توسعه سیاسی به کار می‌بندند، سیاستمداران بر واقعیاتی تأکید می‌کنند که در فرایند مدیریت با آن مواجه‌اند. تعریف سیاستمداران از توسعه سیاسی برای آزمون و تحلیل منطقی در دسترس نظریه‌پردازان قرار نمی‌گیرد و این در شرایطی است که هر محقق تعریف خود را ارائه می‌دهد (قوام، ۱۳۷۴: ۵۱-۵۲). موثقی معتقد است که توسعه به‌صورت فرمول‌وار مساوی با رشد اقتصادی به‌علاوه تغییرات اساسی و ساختاری است. در جریان رشد اقتصادی مازادها و منافع حاصله به دلیل وجود ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و سیاسی غلط و ناعادلانه به جیب گروه‌های خاصی می‌رود که نقشی در تولید آن مازادها و منافع نداشته‌اند و در نتیجه فقر و شکاف طبقاتی در جامعه ایجاد می‌شود. برای آن‌که مازادها و منافع با به‌عبارت‌دیگر ثروت تولیدشده به افراد و گروه‌های اصلی جامعه که در تولید آن نقش و سهم داشته‌اند به‌تناسب سهمشان برسد، باید تغییرات اساسی و ساختاری در نظام اجتماعی ایجاد شود تا تولید و توزیع عادلانه همپای هم پیش روند و رشد اقتصادی با عدالت اجتماعی همراه باشد (موثقی، ۱۳۹۱: ۷۵-۸۶).

توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می‌انجامد و امنیت ملی نیز یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می‌آورد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲). امنیت حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است. امنیت در گفتمان سلبی بر نبود خطر و تهدیدات استوار است، ولی امنیت در گفتمان ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد (پاسیون، ۱۳۸۷: ۴۸). به نظر می‌رسد که تاثیر سیاست خارجی بر توسعه و امنیت مناطق مرزی مسئله‌ای است که آن غفلت شده است و بررسی اقدامات و برنامه‌های شکل گرفته در این حوزه می‌تواند بر توسعه این مناطق تاثیرگذار باشد. بر همین اساس و با توجه به موضوع پژوهش در ادامه به بررسی توسعه و امنیت در مناطق مرزی ایران پرداخته می‌شود و سپس در بخش پایانی به نقش سیاست خارجی در توسعه و امنیت مناطق مرزی که مبحث اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد، پرداخته خواهد شد.

۵- توسعه و امنیت در مناطق مرزی ایران

مرزهای ملی، مرزهای جغرافیایی یک ملت را نشان می‌دهد و سرزمینی را تعیین می‌کند که در آن دولت‌ها صلاحیت قانونی بر ساختارها، اقدامات و افرادی که در این مرزها ساکن هستند، دارند. مرزها، غالباً با ایجاد یک محیط امنیتی برای کنترل ورود به خاک یک کشور حاکم همراه است (Gerstein, ۲۰۱۸: ۱). بر همین اساس مرزها در امر توسعه و امنیت نقش فعالی را بر عهده دارند. در بخش قبل به بررسی مفاهیم توسعه و امنیت پرداخته شد. اکنون این دو در ارتباط با یکدیگر بررسی می‌شود. امنیت و توسعه از یک رابطه متقابل و هم‌افزا برخوردار هستند. در واقع، توسعه از یکسو نیازمند امنیت و از سوی دیگر کمک‌کننده و ارتقادهنده امنیت است. توسعه و امنیت مکمل یکدیگرند و بدیهی است که امنیت، مرهون توسعه است و توسعه تضمین‌کننده امنیت ملی است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶). همان‌طور که گفته شد امنیت و توسعه در مناطق مرزی دارای رابطه‌ای دوسویه با یکدیگر می‌باشند. به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته‌تر برخوردارند (Ghaferi et al, ۲۰۱۰: ۱۳۶).

دولت‌ها برای وارد شدن به فرآیند توسعه اقتصادی نیازمند ایجاد سطحی از امنیت در هر دو حوزه داخلی و خارجی خود می‌باشند. در عین حال، توسعه خود یکی از ابزارها و روش‌های افزایش امنیت به حساب می‌آید. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که عموماً توسعه در محیطی ناامن محقق نمی‌شود. اصولاً دولت‌ها پس از تأمین امنیت و گذر از مرحله بقا قادر خواهند بود موضوع توسعه اقتصادی و رفاه شهروندان را در دستور کار خود قرار داده و برای آن برنامه‌ریزی کنند. با برون‌گرا شدن توسعه اقتصادی، پیوند میان امنیت و توسعه اقتصادی عمیق‌تر و در عین حال وسیع‌تر شده است. این نوع از توسعه نیازمند جذب سرمایه خارجی و توسعه همکاری‌های بین‌المللی اقتصادی است که مسلماً در محیطی ناامن امکان‌پذیر نخواهد بود. بر همین اساس، سرعت تلاش دولت‌ها برای رسیدن به سطوح بالاتری از توسعه اقتصادی به عنوان بنیانی برای ایجاد امنیت و به‌ویژه از زمان پایان جنگ سرد افزایش چشمگیری یافته و در بسیار از کشورها تلاش بی‌وقفه‌ای برای کسب سهم بیشتری از ثروت جهانی آغاز شده است. در واقع پایان جنگ سرد این فرصت را برای بسیاری از نظام‌های سیاسی ایجاد کرد تا با تعریف مجدد دلایل و انگیزه‌های دوستی و دشمنی، ارتقای منافع ملی خود را در صدر این دلایل و انگیزه‌ها قرار دهند (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۹-۴۸). بدون تردید گام گذاردن در چنین مسیری نیازمند ارزیابی مداوم و هم‌زمان در خط‌مشی‌ها، روش‌ها و سیاست‌های خرد و کلان در هر دو حوزه داخلی و خارجی است. از این رو، امنیت و تأمین آن از جمله دیگر حلقه‌های پیوند توسعه اقتصادی و سیاست خارجی است.

۶- نقش سیاست خارجی در توسعه و امنیت مناطق مرزی

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش سیاست خارجی در ارتقاء توسعه و امنیت مناطق مرزی ایران انجام شده است. در بخش‌های قبلی به بررسی چارچوب نظری، سیاست خارجی، توسعه و امنیت و رابطه متقابل این دو پرداخته شد. اکنون سعی می‌گردد تا به نقش سیاست خارجی ایران در خصوص مناطق مرزی پرداخته شود. مناطق مرزی دور از مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی قرار دارند، بر همین اساس مشکلات و مسائل مختلف موجب نگرانی مردم مناطق مرزی شده است. معمولاً دولت‌ها تمایل دارند به مناطق مرزی بیشتر به‌عنوان نگرانی‌های استراتژیک ملی نظر کنند. توسعه اقتصادی و زیرساختی مناطق مرزی اغلب در استان‌های مرزی مورد غفلت واقع می‌شود. در زمان جنگ یا مانند آن، افرادی که در نزدیکی مرزهای بین‌المللی زندگی می‌کنند، اولین کسانی هستند که رنج می‌برند. در کشورهایی که جوامع ساکن در مناطق مرزی از نظر زبانی، فرهنگی و نژادی با جوامع مسلط ساکن سرزمین اصلی تفاوت دارند، مردم مرزی عموماً با تحقیر و بدگمانی روبه‌رو می‌شوند (Siikanth, ۲۰۱۷: ۵۸۱). مناطق مرزی همیشه به‌عنوان محیطی برای درآمدهای اقتصادهای در نظر گرفته شده است و این توضیح می‌دهد که چرا این مناطق به حاشیه رانده شده و توسعه نیافته‌اند (Houtum, ۱۹۹۸: ۱۵). با این حال، افزایش شدید ادغام برون‌مرزی و درون‌مرزی باعث رشد سریع مناطق مرزی شده است (Li et al, ۲۰۱۹: ۶). براساس یک رویکرد نوین، مهم‌ترین کارکردهای مرز به دو دسته کارکردهای دفاعی-امنیتی و کارکرد ارتباطی-تجاری تقسیم می‌شود. از سوی دیگر عوامل ژئوپلیتیکی مختلفی بر نقش و کارکرد مرزها مؤثر است که از آن جمله می‌توان به نظام‌های سیاسی کشورهای همسایه در دو سوی مرز، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مرزنشینان، موقعیت نسبی کشور و نوع فضای استراتژیک مسلط بر منطقه، نوع نگرش و رفتار حکومت‌ها نسبت به مرز اشاره کرد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۱۸). لازم به ذکر است که مناطق مرزی به دلیل نقش مواصلاتی بین‌المللی و ارتباط با ایالات‌های کشورهای دیگر از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین باوجود شرایط مذکور، عدم توجه به شهرهای مرزی کشور، موجب خواهد شد تا توسعه و امنیت در این مناطق از جایگاه مناسبی برخوردار نباشد که این مسئله هم در حوزه داخلی و هم خارجی می‌تواند تأثیرگذار باشد. در این پژوهش توجه به عناصر خارجی مدنظر بود، بر همین اساس توجه به دو عامل سیاست و اقتصاد و مؤلفه‌های آن بررسی شد و تلاش شد تا براساس آن‌ها، چارچوب نظری پژوهش شکل داده شود.

این مسئله را باید مدنظر داشت که از نظر ژئوپلیتیکی، منطقه آسیای مرکزی در قلمرو بسترهای قاره‌ای قرار دارد که مهم‌ترین علائق کشورهای تشکیل‌دهنده این قلمرو، از نظر توسعه ملی، دسترسی به اقصی نقاط جهان از طریق یک منطقه حاشیه‌ای جهت اقتصادی مبتنی بر ارتباطات، حمل‌ونقل، ترانزیت کالا و انتقال انرژی است (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۹) و مرزهای شهری ایران این موقعیت را فراهم خواهند ساخت، بر همین اساس توجه به مناطق مرزی مسئله‌ای است که باید در سیاست خارجی به آن توجه ویژه‌ای شود. در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه بر تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی و انسداد کامل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، توسعه و تقویت یگان‌های مرزبانی، مشارکت‌دهی در طرح‌های امنیتی، توسعه فعالیت‌های اطلاعاتی و تقویت دیپلماسی مرزی تأکید شده است. در سند چشم‌انداز نیز به‌صراحت در مورد الگوی توسعه ذکر کرده میان‌نیامده است، اما با توجه به مقدمه آن و فرایندی که برای تبدیل کشور به قدرت برتر در منطقه با اقتصادی پیشرفته و جایگاه اول علمی-تکنولوژیکی و متعامل با نظام بین‌الملل برای آن در نظر گرفته شده است و همچنین براساس چارچوب برنامه پنج‌ساله‌ای که برای تحقق اهداف سند توسعه پایدار ملی با چشم‌انداز رویکرد جهانی تحت عنوان تدوین‌شده (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹۷)، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز، راهبرد توسعه و امنیت مناطق مرزی به دلیلی در اختیار داشت بخش‌های صادرات و واردات، جایگاه ژئوپلیتیکی و ... باید از اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی برخوردار باشد. یافته‌های این مطالعه می‌تواند از اهمیت قابل‌توجهی برای سیاست‌گذاران برخوردار باشد. درک رشد مناطق مرزی می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا سیاست‌های مناسب را برای غلبه بر موانع روند ادغام و تضمین عدالت در فرصت‌های توسعه طراحی و به کار گیرند.

در سال‌های گذشته بخش عمده‌ای از سیاست خارجی کشور متکی بر اقدامات شخص رئیس‌جمهور بوده و تنها حلقه محدودی از مشاوران که تقریباً هیچ‌یک از آن‌ها تخصصی در حوزه سیاست خارجی و مسائل بین‌المللی ندارند، گردانندگان اصلی مسائل عمده در سیاست خارجی بوده‌اند. در این زمینه دستگاه وزارت خارجه عملاً تنها به رتق و فتق امور جاری و کم‌اهمیت اشتغال داشته است. کشوری که اهداف فعالانه و بلندپروازانه‌ای را در سطح بین‌المللی دنبال می‌کند، باید ساختارهای داخلی قوی و مستحکمی داشته باشد. باین‌حال در سال‌های اخیر متأسفانه نه تنها ساختارهای تصمیم‌گیری در دولت تقویت نشده‌اند، بلکه جایگاه وزارت امور خارجه در تصمیم‌گیری نیز در ضعیف‌ترین شرایط خود در سی سال گذشته قرار دارد (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۱۹). این سیاست خارجی است که قابلیت‌ها و امکانات اقتصادی را در راستای استراتژی امنیت ملی و باهدف کاهش آسیب‌پذیری به کار می‌برد و طبیعتاً توسعه اقتصادی نیز به‌مثابه هدفی ثانوی در اولویتی پایین‌تر از اهداف نظامی و امنیتی قرار می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر در قالب این نگرش امنیتی، دستگاه سیاست خارجی، تأمین امنیت ملی را به‌عنوان کانون منافع ملی کشور در دستور کار قرار می‌دهد و اقتصاد و توسعه آن به‌مانند سایر عناصر مادی قدرت در راستای تأمین چنین هدفی به کار گرفته می‌شوند. مؤلفه‌ای که در چارچوب نظری به آن تأکید گردید همکاری بین‌المللی بود. بر این اساس می‌توان گفت که امنیت یک ملت زمانی افزایش می‌یابد که امنیت سایر ملت‌ها افزایش پیدا کند. درواقع برای کسب امنیت ملی باید برای از میان بردن یا کاهش تهدیدهای امنیتی به‌واسطه توجه به ریشه‌های ناامنی در سطح بین‌المللی کوشش نمود (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۹-۴۰). در این چارچوب توسعه اقتصادی از هدفی ثانوی به هدفی اولیه و حیاتی تبدیل می‌گردد و تأمین محیطی امن که از ضروریات برنامه‌های توسعه ملی است در دستور کار سیاست خارجی قرار می‌گیرد و مأموریت سیاست خارجی فراهم ساختن محیط امن و باثبات برای چنین حرکتی است.

این مسئله نشان از اهمیت نقش سیاست خارجی در ارتقاء پیشرفت یک کشور برای دستیابی به توسعه امنیت مناطق مرزی، به‌ویژه در مورد کشورهای درحال توسعه است. سیاست‌گذاران حوزه سیاست خارجی در ایران نیز برای دستیابی به توسعه و امنیت در مناطق مرزی علاوه بر حوزه داخلی در حوزه سیاست خارجی نیز اقداماتی را به انجام رسانده‌اند که برخی از موارد در شمول حوزه سیاست و اقتصاد قرار می‌گیرند و شامل ترقی تجاری؛ سیاست سرمایه‌گذاری؛ مذاکرات اقتصادی، مالی و تجاری؛ حقوق اکتشاف منابع؛ همکاری بین‌المللی و طرح بین‌المللی است. در این خصوص می‌توان به ترقی تجارت از طریق صادرات و واردات اشاره نمود که موجبات توسعه این مناطق شده است. همچنین در حوزه سرمایه‌گذاری دولت تلاش نموده است تا با کشورهای همسایه سرمایه‌گذاری‌های مشترکی را به انجام برساند که توسعه این مناطق را به دنبال داشته است، هرچند این امر در دوره‌های زمانی مختلف متفاوت بوده است. مذاکرات مالی و تجاری عنصر دیگری است که در سیاست خارجی ایران کم‌وبیش دنبال شده است، چراکه مناطق مرزی کشور از مهم‌ترین معبرهایی می‌باشند که طریق آن مبادلات تجاری بین کشورها صورت می‌گیرد و توجه به آن در سیاست خارجی موجب توسعه و درنهایت امنیت در این مناطق می‌شود. در حوزه اکتشاف منابع و همکاری‌های بین‌المللی نیز برنامه‌ها و اقدامات دولت این بوده است که علاوه بر حوزه داخلی در سیاست خارجی نیز مدنظر باشد. در این خصوص می‌توان به مذاکرات زیست‌محیطی بین ایران و ترکیه و همچنین ایران و افغانستان و عراق اشاره نمود که به‌عنوان عرصه مهم برای توسعه در نظر گرفته می‌شوند. همکاری جنبه‌ای از تجارت را ارائه می‌دهد که از طریق آن طرف‌های درگیر در ازای مشارکت خود چیزی دریافت می‌کنند. طرح‌های بین‌المللی و موافقت با سایر کشورها همچون ترکیه و افغانستان اشاره نمود که از این طریق تلاش شده است تا امنیت این مناطق تأمین گردد. کشور ایران توانسته است باهدف پروژه‌های همکاری خارجی، فن‌آوری دریافت کند، پروژه‌های مشترک اکتشاف منابع را توسعه دهد یا برنامه‌هایی برای کاهش نابرابری ایجاد کند. هرچند شاهد آن بوده‌ایم که در حوزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی با تحریم‌هایی روبه‌رو بوده است. باین‌وجود دولت به‌عنوان عامل اصلی برنامه‌های همکاری، چهره بین‌المللی خود را ارتقا داده و موفقیت استراتژی خود در جهت توسعه و امنیت در مناطق مرزی را بهبود بخشیده است. درمجموع به نظر می‌رسد که سیاست خارجی ایران در جهت توسعه و امنیت مناطق مرزی در دوره‌های زمانی مختلف، متفاوت بوده است، باین‌وجود همواره تلاش شده

است تا با برنامه‌ها و اقداماتی در حوزه خارجی از طریق ابزارهای اقتصادی و سیاسی به این مناطق توجه گردد و در جهت ارتقاء توسعه و امنیت این مناطق تلاش شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش سیاست خارجی در ارتقاء توسعه و امنیت مناطق مرزی انجام گردید. فرضیه پژوهش بیان می‌کند که سیاست خارجی مجموعه‌ای از سازوکارهایی است دولت‌ها از طریق آن به دنبال منافع ملی خود به رابطه با سایر کشورها می‌پردازند و از طریق آن می‌توانند به تضمین محیط لازم برای کمک به توسعه و امنیت مناطق مرزی کمک نمایند، ضمن این‌که توسعه و امنیت از یک رابطه متقابل برخوردار هستند و ارتقاءدهنده یکدیگر می‌باشند. بر همین اساس تلاش گردید تا چارچوب نظری پژوهش براساس سیاست خارجی در قالب حوزه‌های اقتصادی و سیاسی تبیین گردد و دستور کار پژوهش فراهم شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امروزه برخلاف گذشته که راهکارهای ارائه شده برای توسعه و امنیت پایدار در مناطق مرزی با دیدگاهی نظامی‌گرایانه ارائه می‌شد، بر راهکارهایی تکیه می‌گردد که علاوه بر دیدگاه‌های نظامی و سیاسی بر نیروهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای گسترش سطح توسعه پایدار در مناطق مرزی بنیان شده است. در مطالعات حوزه برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه مناطق مرزی کشورمان، تاکنون ابعاد گوناگون مسائل و مشکلات به‌صورت پراکنده مورد مطالعه قرار گرفته است، اما به نظر می‌رسد، جایگاه آمایش مناطق مرزی با اهداف کاربردی‌تر برای رسیدن به سطحی از توسعه و امنیت پایدار، به‌طور مشخص تبیین نشده و ابعاد و ویژگی‌های آن کمتر مورد مطالعه و توجه قرار گرفته است. بنابراین حرکت به سوی تدوین چارچوب‌های نظری و کاربردی، به‌منظور بهبود کمی و کیفی سیاست‌گذاری‌ها در حوزه داخلی و همچنین در حوزه سیاست خارجی و در روابط با سایر کشورها، نظم بخشیدن به تصمیمات سیاسی و تدوین برنامه‌های توسعه‌ای مناطق مرزی، نیازمند عزمی جدی، اراده‌ای محکم و تدبیر متخصصین دانشگاهی و مسئولین مربوطه است. امروزه برنامه‌ریزی برای توسعه و تأمین امنیت مناطق مرزی در بسیاری از کشورها ضرورت تام یافته است. چراکه جایگاه مناطق مرزی به‌عنوان مناطق دارای قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر همین اساس امر توسعه و امنیت مناطق مرزی هم باید در سیاست‌گذاری‌های داخلی و هم سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرد. مسئله‌ای که کمتر پژوهشی به آن پرداخته و فقدان چارچوب نظری در این خصوص وجود دارد و بیشتر مطالعات صورت گرفته نیز، سیاست‌گذاری‌های داخلی در امر توسعه و امنیت پایدار را مورد توجه قرار داده‌اند. در این مقاله سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری برای توسعه در نظر گرفته شد. چنان‌که بیان شد هیچ تضادی بین حفظ امنیت مرزها و توسعه مناطق مرزی کشور وجود ندارد. در حقیقت توسعه است که اغلب شرط لازم برای حفظ امنیت است. توسعه مناطق مرزی نیازمند تأمین زیرساخت‌های لازم، اصلاح و بهبود قوانین و مقررات و مسائل فرهنگی و تجدیدنظر بنیاد در نحوه سیاست‌گذاری به‌ویژه در سیاست خارجی است. بنابراین باید محرومیت این مناطق کاهش یابد و راه آن کاهش عدم تعادل‌ها و تقویت نقش مناطق مرزی است. در این مقاله برای بررسی نقش سیاست خارجی در ارتقاء توسعه و امنیت مناطق مرزی به ایجاد مدلی برای درک چگونگی کمک سیاست خارجی بر توسعه و امنیت مناطق مرزی پرداخته شد. در این مدل به دو حوزه عمل اقتصادی و سیاسی اشاره شد که هر یک دارای سه خط عمل شامل ترقی تجاری؛ سیاست سرمایه‌گذاری؛ مذاکرات اقتصادی، مالی و تجاری؛ حقوق اکتشاف منابع؛ همکاری بین‌المللی و طرح بین‌المللی است. کل این مدل مبتنی بر تصور دولت به‌عنوان یک بازیگر القایی توسعه است. به‌طور کلی می‌توان گفت که این مدل برای درک چگونگی استفاده کشورهای درحال توسعه همچون ایران از سیاست خارجی برای تقویت استراتژی‌های ارتقاء توسعه و امنیت مناطق مرزی مفید است. این مقاله باهدف روشن ساختن این رابطه صورت گرفت و به بررسی فهم روند ملی تصمیم‌گیری و از نظر کاربرد آن پرداخته شد. در نهایت پیشنهاداتی ارائه شد که عبارتند از: اصلاح قوانین، ارتقاء نقش سیستم مدیریت، اصلاح و بهبود قوانین و حقوق گمرکی، سرمایه‌گذاری در زمینه زیرساخت‌های

شهری و ارائه بستر قضایی و فرهنگی مناسب برای هدایت سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر در این مناطق و توجه به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی در حوزه سیاست خارجی است.

منابع

۱. احمدی پور، زهرا؛ مختاری هشی، حسین؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ وزین، نرگس (۱۳۸۶). «بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی-اداری کشور (مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه اول تا سوم توسعه)». فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۳، شماره ۱، بهار، صفحات ۲۲-۴۹.
۲. بشیریه، حسین (۱۳۹۵). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی)، موسسه پژوهشی نگاه معاصر، چاپ سیزدهم، تهران.
۳. پاسیون، مایکل (۱۳۸۷). جغرافیای کاربردی: در جستجوی دانش کارآمد، ترجمه رسول صمدزاده، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، شماره ۸۲، بهار، صفحات ۵۰-۵۶.
۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). سیاست خارجی، عرصه فقدان تصمیم و تدبیر، نشر فرهنگ گفتمان، چاپ اول، تهران.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ شمس‌دولت‌آبادی، محمود؛ افشردی، محمدحسین (۱۳۸۶). «علاقه ژئوپلیتیک ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش‌رو»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۳، شماره ۳، پاییز، صفحات ۷۸-۱۱۹.
۶. رهنما، محمدرحیم؛ توانگر، معصومه (۱۳۸۹). «نقش شهرهای مرزی در فرایند جهانی‌شدن و توسعه منطقه‌ای ایران مطالعه موردی: شهرهای مرزی استان خراسان رضوی»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره ۶، شماره ۱۹، پاییز، صفحات ۱۵۲-۱۸۵.
۷. زرقانی، هادی (۱۳۸۶). «عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر نقش و کارکرد مرزها با تأکید بر مرزهای ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۳، شماره ۲، تابستان، صفحات ۱۶-۱۴۷.
۸. ساعی، احمد (۱۳۹۳). مسائل سیاسی-اقتصادی جهان سوم، انتشارات سمت، چاپ پانزدهم، تهران.
۹. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۵). اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، نشر میزان، چاپ پنجم، تهران.
۱۰. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۷۴). نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی (بررسی مسائل نظریه‌پردازی در باب نوسازی و توسعه سیاسی در جهان سوم)، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران.
۱۱. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۹۵). سیاست‌شناسی (مبانی علم سیاست)، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران.
۱۲. موسوی، میرنجم؛ ویسیان، محمد؛ خلیفی‌پور، حکیمه (۱۳۹۵). «اولویت‌بندی راهبردهای امنیت پایدار در آمایش مناطق مرزی»، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال ۱، شماره ۲، تابستان، صفحات ۵۵-۷۷.
۱۳. موثقی، سیداحمد (۱۳۸۳). «توسعه؛ سیر تحول مفهومی و نظری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۶۳، شماره ۶۳، بهار، صفحات ۲۲۳-۲۵۲.
۱۴. موثقی، سیداحمد (۱۳۹۱). نوسازی و توسعه سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۵. نامی، محمدحسن؛ حیدری‌پور، اسفندیار (۱۳۹۰). «الگوهای جدید برای محاسبه دقیق مساحت و طول مرزهای کشور جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه جغرافیا، دوره ۲، شماره ۲، بهار، صفحات ۲۲۹-۲۴۸.
۱۶. واعظی، محمود؛ جنتی، علی؛ کرباسیان، مسعود (۱۳۹۳). راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید بین‌المللی، انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، چاپ اول، تهران.



۱۷. Amora, Paulo Roberto & Márcio Lopes Corrêa (۲۰۱۵). *Personal interview by author*. Brasília. ۶ October.
۱۸. Amsden, Alice H (۲۰۰۱). *The Rise of the Rest: challenges to the west from late-industrializing economies*, New York: Oxford University Press.
۱۹. Arrighi, Giovanni (۱۹۹۰). 'The Developmentalist Illusion: A Reconceptualization of the Semiperiphery', In William G Martin (ed), *Semiperipheral States in the World-Economy*. Westport: Greenwood Press, pp. ۱۱-۴۲.
۲۰. Baumann, Renato and Heloiza C Moreira (۱۹۸۷). 'Os incentivos às exportações brasileiras de produtos manufaturados-۱۹۶۹/۸۵'. *Pesquisa e Planejamento Econômico* ۱۷ (۲): page ۴۷۱-۴۹۰.
۲۱. Caporaso, James & Hermann, Charles & Kegley, Charles & Rosenau, James (۱۹۸۶). 'The Comparative Study of Foreign Policy: Perspectives on the Future'. Paper delivered at ۲۷th Annual Meeting of the International Studies Association, Anheim.
۲۲. Escobar, Arturo (۱۹۹۶). *Imagining a Postdevelopment Era*, in *Crush*, ed, The Power of Development, London: Routledge.
۲۳. Feder, Gershon. (۱۹۸۲). 'On Exports and Economic Growth'. *Journal of Development Economics* ۱۲: page ۵۹-۷۳.
۲۴. Fonseca, Carlos da (۲۰۱۵). 'A Presença Empresarial Brasileira na América do Sul: Implicações para a Política Externa'. *Cadernos de Política Exterior* ۱ (۱): ۱۹۵-۲۳۰.
۲۵. Furtado, Celso (۲۰۰۰). *Introdução ao Desenvolvimento: introdução histórico-estrutural*. Rio de Janeiro: Paz e Terra.
۲۶. Gerschenkron, Alexander (۱۹۶۱). *Economic Backwardness in Historical Perspective: A Book of Essays*. New York: Frederick A. Praeger.
۲۷. Gerstein, Daniel & Atler, Anthony & Davenport, Aaron & Grill, Beth (۲۰۱۸). **Managing International Borders (Balancing Security With The Licit Flow Of People and Goods**, *Perspective Expert Insights on a Timely Policy Issue*, Page ۱-۲۹. file:///D:/Sale%۲۰۹۹/Maghale%۲۰baraye%۲۰hamayesh%۲۰ferdowsi/RAND_PE۲۹۰.pdf
۲۸. Ghaderi, M., Abdi, E., Jalili, Z., & Baghri, N (۲۰۱۰). **Explanation of the role of border markets in sustainable development: A case study of South Khorasan border market**, *Quarterly Geopolitics*, ۶(۳), ۱۲۱-۱۵۱. [in persian]
۲۹. Hodder, I. (۲۰۰۳). **The interpretation of documents and material culture**. In N. K. Denzin and Y. S. Lincoln (Eds.), *Collecting and interpreting qualitative materials* (۱۵۵-۱۷۵). Thousand Oaks: Sage.
۳۰. Houtum, H. j. Van (۱۹۹۸). *The Development of Cross-Border Economic Relations, a Theoretical and Empirical Study of the Influence of the State Border on the Development of Cross-Border Economic Relations between Firms in Border Regions of the Netherlands and Belgium; Tilburg CentER: North Brabant, The Netherlands*. <https://hdl.handle.net/۲۰۶۶/۱۷۰۱۵۱>
۳۱. Hyman, Gerald (۲۰۱۰). *Foreign Policy and Development: Structure, Process, Policy, and the Drip-by-Drip Erosion of USAID*. Washington: CSIS.
۳۲. Jaguaribe, Hélio (۲۰۱۳a). *Estudos Filosóficos e Políticos*, Brasília: FUNAG.
۳۳. Jaguaribe, Hélio (۲۰۱۳b). *O Nacionalismo na Atualidade Brasileira*, Brasília: FUNAG.
۳۴. Leite, Iara Costa (۲۰۱۲). 'Cooperação Sul-Sul: Conceito, História e Marcos Interpretativos'. *Observador On-line* ۷ (۳): ۱-۴۰.
۳۵. Li, Minsheng & Chen, Haohui & Huang, Yaofu & Huang, Meiyu (۲۰۱۹). **The Rise of Border Areas in an Integrated Region of China**, ۱۵ October ۲۰۱۹, *Sustainability* ۲۰۱۹, ۱۱(۲۰), ۵۶۹۲; <https://doi.org/۱۰.۳۳۹۰/su۱۱۲۰۵۶۹۲>
۳۶. Maxwell, Simon (۲۰۰۷). 'How do development and foreign policy connect?'. *Overseas Development Institute Opinion Papers* ۹۳.



۳۷. Siikanth, H (۲۰۱۷). **Security and Development of Border Areas Management of Meghalaya's Border with Bangladesh**, Indian Journal of Public Administration , October ۰, ۲۰۱۷, Vol ۶۲, Issue ۳, page ۵۸۱-۵۹۲. <https://doi.org/10.1177/001956120160318>
۳۸. Souza, Amaury de (۲۰۰۲). *A Agenda Internacional do Brasil: um estudo sobre a comunidade brasileira de política externa*, Rio de Janeiro: CEBRI.
۳۹. Spohr, Alexandre Piffero & Da Silva, André Luiz Reis (۲۰۱۷). **Foreign Policy's Role in Promoting Development: the Brazilian and Turkish Cases**, vol.۳۹ no.۱ Rio de Janeiro Jan./Apr. ۲۰۱۷, Print version ISSN ۰۱۰۲-۸۵۲۹ On-line version ISSN ۱۹۸۲-۰۲۴۰. <https://doi.org/10.1590/s010285292017390100008>
۴۰. Vigevani, Tullo and Haroldo Ramanzini Jr (۲۰۱۴). **'Autonomia, Integração Regional e Política Externa Brasileira: Mercosul e Unasul'**, Dados ۵۷ (۲): ۵۱۷-۵۲.
۴۱. Wallerstein, Immanuel (۱۹۷۶). *'Semi-Peripheral Countries and the Contemporary World Crisis'*, Theory and Society ۳ (۴): ۴۶۱-۸۳.
۴۲. Wallerstein, Immanuel (۱۹۸۸). *'Development: Lodestar or Illusion?'* Economic and Political Weekly ۲۳ (۳۹): ۲۰۱۷-۲۳.

بررسی دقت نرم افزارهای مختلف در تبدیل مختصات علائم مرزی بین سیستم مختصات های ۱۹۴۲ Polkovo و WGS۸۴ در مرز مشترک با جمهوری آذربایجان

مجید فخری^۱، حمید بحیرائی^۲، سردار سلیمانی فرد^۳، رضا ملکی^{۴*}

۱- رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

۲- کارشناس فنی امور مرزی

۳- کارشناس فنی امور مرزی

۴- کارشناس فنی امور مرزی، Rezaa.malekii@gmail.com

چکیده:

با توجه به اینکه مسئله اصلی تبدیل مختصات از سیستم روسی در پروتکل های مرزی با کشورهای شوروی سابق می باشد، نیازمند مختصات در آن سیستم و مختصات متناظر آن در سیستم WGS۸۴ است. یکی از راه های دستیابی به این اطلاعات استفاده از مختصات پروتکلی علائم مرزی در سیستم ۱۹۴۲ Pulkovo و مختصات اندازه گیری شده آن با استفاده از GPS های دو فرکانسه و تعیین موقعیت دقیق آن ها در سیستم WGS۸۴ است. در تحقیق حاضر، دقت نرم افزارهای ArcGIS، GlobalMaper و Geographic Calculator در تبدیل مختصات ۱۹۴۲ Pulkovo در سیستم تصویر Gauss-Kruger زون ۹ به سیستم مختصات WGS۸۴ با سیستم تصویر UTM زون ۳۹ مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است و مشخص شد تبدیل شماره ۱۳ دو نرم افزار ArcGIS و GeographicCalculator بهترین دقت را دارند و می توان به طور میانگین دقتی معادل ۵ متر را انتظار داشت. همچنین نرم افزار GlobalMaper به طور میانگین دقتی معادل ۷/۷ را دارا می باشد. بیشترین خطا در مؤلفه شرقی-غربی با حداکثر اختلاف ۱۲ متر در نرم افزارهای ArcGIS و GeographicCalculator و ۱۷ متر در نرم افزار GlobalMaper موجود است و بیشترین خطا در مؤلفه شمالی-جنوبی با حداکثر اختلاف ۴ متر در نرم افزارهای ArcGIS و GeographicCalculator و ۵ متر در نرم افزار GlobalMaper مشاهده شده است. در واقع اختلاف در مؤلفه شرقی-غربی بیشترین سهم را در ایجاد خطای تبدیل مختصات ایفا نموده است. لازم به ذکر است که با استفاده از تبدیل مختصات می توانیم به جابجایی علائم مرزی پی ببریم. در آزمایش صورت گرفته به علت اختلاف مختصات بیش از ۱۰۰ متری بین مختصات تبدیل شده و اندازه گیری شده در علائم مرزی شماره ۱۳۹ و ۱۴۱ مشخص شد این دو علامت از موقعیت اصلی خود جابجا شده اند.

واژگان کلیدی: تبدیل سیستم مختصات، ۱۹۴۲ Pulkovo، WGS۸۴، دقت تبدیل، ArcGIS، GlobalMaper، GeographicCalculator

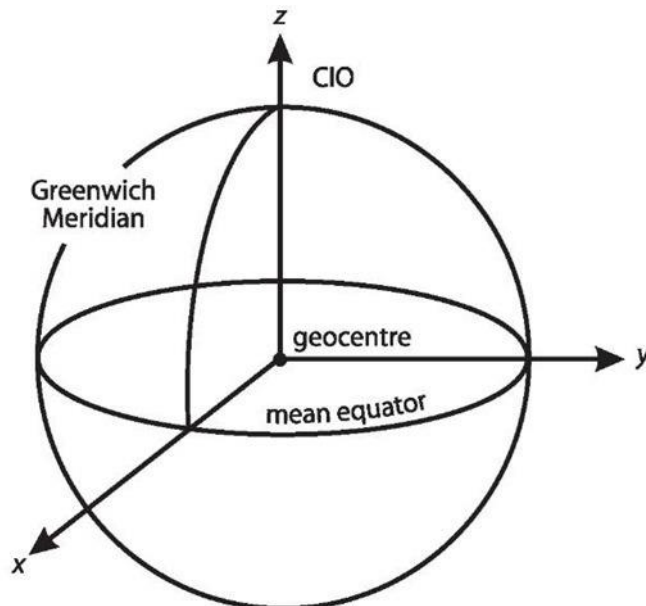
۱- مقدمه

مرز میان ج.ا.ایران و کشورهای ج.آذربایجان و ج.ارمنستان در سال ۱۳۳۶ (۱۹۵۶ م) مورد توافق طرفین قرار گرفته است و با توافق بین دولتین ایران و شوروی سابق، مختصات میله‌ها و نقشه خط مرز با مقیاس ۱:۲۵۰۰۰ با عرض یک کیلومتر از هر طرف مرز، در سیستم مختصات ۱۹۴۲ Pulkovo تهیه و به امضای طرفین رسیده است. در واقع خط مرز مشترک میان ج.ا. ایران و ج.آذربایجان، بر اساس پروتکل‌ها، اسناد و نقشه‌های منضم به قرارداد مرزی سال ۱۳۳۴-۱۳۳۵ هجری شمسی بین ممالک ایران و اتحاد جماهیر شوروی تعیین و تحدید حدود گردیده است.

سیستم مختصات جغرافیایی یک دستگاه مختصات است که با آن می‌توان مکان هر نقطه‌ای بر روی زمین را توسط چند عدد مشخص کرد. مختصات معمولاً طوری انتخاب می‌شوند که یک عدد، ارتفاع نقطه مورد نظر را بیان کند و دو عدد هم مکان افقی را مشخص کنند. Datum مدلی ریاضی از زمین است که مبنای محاسبات مختصات جغرافیایی عوارض قرار می‌گیرد. این مدل اشاره به مدل‌های بیضوی منطقه‌ای دارد مانند داتیوم توکیو، هند، و داتیوم‌های استرالیایی و اروپایی.

مختصات جغرافیایی عوارض سطح زمین مبتنی بر بیضوی زمین بیان می‌گردد. هر قدر محاسبات مربوط به تعریف بیضوی زمین دقیق‌تر و جزئی‌تر باشد اندازه گیری‌ها و محاسبات صورت گرفته روی نقشه هم به همان نسبت دقیق خواهد بود. تاکنون بیضوی‌های متعددی برای زمین محاسبه شده است. این بیضوی‌ها یا برای مناطقی خاص یا برای کل زمین محاسبه شده است که دومی به بیضوی‌های بین‌المللی معروف‌اند.

با ظهور سامانه‌های تعیین موقعیت ماهواره‌ای در اواسط نیمه دوم سده بیستم میلادی، موقعیت نقاط در یک سیستم مرجع زمینی قراردادی^{۴۳} (به اختصار CTRS) (شکل ۱) با پوشش جهانی قابل‌ارائه شد. به بیان دقیق‌تر دیتوم‌های ژئودتیک مرجع نظیر WGS۸۴^{۴۴} که مختصات حاصل از سامانه‌های تعیین موقعیت ماهواره‌ای در آن ارائه می‌شوند، یک تحقق عملی از سیستم CTRS می‌باشند [۱].



شکل ۱): سیستم مختصات مرجع زمینی قراردادی. محور عمودی به سمت قطب قراردادی (CIO) و محورهای افقی در صفحه استوای متوسط یکی به سمت نصف‌النهار گرینویچ متوسط و دیگری به سمتی که سیستم مختصات دست چپ می‌باشد.

۴۳ Conventional Terrestrial Reference System

۴۴ World Geodetic System ۸۴

عموم نقشه‌های مورد استفاده در ج.ا. ایران بر مبنای سیستم مختصات $WGS84$ و سیستم تعیین موقعیت جهانی GPS تهیه می‌شوند. جهت استفاده از نقشه‌های پروتکل مرزی در مرز مشترک با کشورهای شوروی سابق که در سیستم روسی می‌باشد، نیاز است تبدیلی بر روی نقشه‌ها و مختصات اعمال شود تا مختصات با سیستم مختصات $WGS84$ تبدیل شود. معمولاً در این تبدیل خطای بر روی مختصات ایجاد می‌نماید که اثری سیستماتیک است. در این مقاله در صدد بررسی برخی از تبدیل‌ها در نرم افزارهای مختلف و برآورد میزان خطای آن‌ها هستیم.

۲- بیان مسئله

به‌طور معمول مشخصات هندسی بیضوی مرجع هر دو دیتوم مشخص می‌باشد. پس از تبدیل مختصات منحنی‌الخط نقاط مشترک به مختصات کارتزین، یک رابطه ریاضی با استفاده از یک تبدیل هفت پارامتری شامل سه انتقال و سه دوران و یک مقیاس بین دو دسته مختصات کارتزین نوشته می‌شود. برای برآورد این هفت پارامتر تبدیل، نیاز به حداقل سه نقطه مشترک بین دو دیتوم می‌باشد. در مواردی که تعداد نقاط بیشتری در دسترس باشد، دستگاه معادلات در حالت فرامعین^{۴۵} قرار می‌گیرد و به روش کمترین مربعات^{۴۶} حل می‌شود. سپس از مدل تبدیل برآورد شده برای انتقال نقاط غیرمشترک از دیتوم مبدأ به دیتوم مقصد استفاده می‌شود. در صورت در دسترس بودن دقت نقاط مشترک، برآورد دقت پارامترهای مدل نیز امکان‌پذیر می‌باشد [۲].

در نگاه اول به مسئله تبدیل دیتوم فرآیند حل بسیار ساده و قابل حصول به نظر می‌رسد، اما کافی است شرایط کمی متفاوت از آنچه که شرح داده شد، باشد تا مشکلات مختلفی برای حل مسئله تبدیل دیتوم بوجود آید. به این نمونه توجه کنید؛ شرط اول حل مسئله به روش تبدیل هفت پارامتری، مشخص بودن پارامترهای هندسی بیضوی دو دیتوم می‌باشد. کافی است اطلاعات درستی از بیضوی یک دیتوم در دسترس نباشد، که در این صورت امکان تبدیل مختصات منحنی‌الخط به کارتزین در عمل ممکن نیست و این موضوع علاوه بر افزایش پارامترهای مجهول مسئله، تشکیل دستگاه معادلات تبدیل هفت پارامتری را دچار مشکل می‌کند [۲].

در تبدیل مختصات با توجه به پارامترهای تبدیل، در مواردی، خطاهای سیستماتیک، مختصات‌ها را تحت تاثیر قرار داده و مختصات‌های تبدیل شده با مختصات‌های اندازه گیری شده یکی نمی‌باشد و دارای خطای در یک جهت مشخص و مقدار مشخص است. با توجه به مطالب گفته شده، سوالات اصلی به صورت زیر بیان می‌گردد:

۱- کدام تبدیل‌ها و در کدام نرم افزارها بیشترین دقت را در تبدیل سیستم مختصات بین دو سیستم $Pulkovo 1942$ و $WGS84$ دارد؟

۲- خطای برآوردی برای تبدیل‌ها چقدر و در چه جهتی است؟

۳- کدام مؤلفه‌های مختصاتی در تبدیل بیشترین خطا را دارند؟

۳- مروری بر تحقیقات صورت گرفته

با ورود به عصر $GNSS^{۴۷}$ و امکان ایجاد دیتوم‌های ژئودتیک با پوشش جهانی، پژوهشگران بنابر نیازهای نقشه‌برداری و ژئودتیک به منظور یکپارچه‌سازی سیستم‌های مختصاتی مرجع، به دنبال توسعه الگوریتم‌ها و روش‌های ریاضی با قابلیت بالا در انتقال مختصات موجود در دیتوم‌های ژئودتیک کلاسیک و محلی به دیتوم جدید بودند. در این قسمت به بررسی مطالعات مهم صورت گرفته در سه دهه اخیر، که با عنوان روش‌هایی با صحت بالا برای تبدیل دیتوم ارائه شده‌اند، خواهیم پرداخت.

Over-determined^{۴۵}

Least squares estimation^{۴۶}

Global navigation satellite system^{۴۷}

در سال ۱۹۸۲ میلادی، استفاده از معادلات رگرسیون چندگانه^{۴۸} برای حل مسئله تبدیل دیتوم، مورد مطالعه قرار گرفت [۳]. در این مطالعه یک مدل ناپارامتریک متشکل از ترکیب چندجمله‌ای‌ها با درجات مختلف برای برازش به کمیت اختلاف مختصات عرض، طول و ارتفاع ژئودتیک بین نقاط مشترک، در نظر گرفته شده است. در این روش، علاوه بر عدم نیاز به اطلاعات هندسی بیضوی، امکان مدل‌سازی هر مؤلفه مختصاتی (عرض، طول و ارتفاع) به‌طور مستقل از سایر مؤلفه‌ها فراهم می‌شود. همچنین وجود ترم‌های چندجمله‌ای با توان‌های مختلف، علاوه بر اختلاف مختصات ناشی از اختلاف دیتوم، خطای سیستماتیک احتمالی موجود در مختصات نقاط مشترک را بدون اطلاع از منبع آن‌ها، مدل می‌کند. این امر موجب برآورد یک مدل تبدیل دیتوم با صحت بالا می‌شود. استفاده از این معادلات با وجود مزایای متعدد، محدودیت‌هایی را نیز ایجاد می‌کند. انتخاب ترکیبی مناسب از میان چندجمله‌ای‌های مختلف برای مدل تبدیل دیتوم از میان بی‌شمار ترکیب موجود و احتمال بروز پدیده بیش‌برازش به علت قدرت برازش بالای معادلات، از مهم‌ترین محدودیت‌ها در استفاده از این معادلات می‌باشند. در مطالعه سال ۱۹۸۲، برای غلبه بر این محدودیت‌ها، در یک الگوریتم گام به گام از دقت مختصات نقاط مشترک به عنوان یک معیار برای بهینه‌سازی معادلات چندجمله‌ای استفاده شده است. بدین ترتیب جواب نهایی وابسته به صحت دقت اسمی مختصات نقاط مشترک می‌باشد. همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، در بسیاری از موارد اطلاعاتی از این دست در دسترس نمی‌باشند.

مطالعه دیگری در سال ۱۹۹۰ برای تعیین مدل تبدیل بین دو فریم مختصاتی از دیتوم آمریکای شمالی^{۴۹} (NAD) به نام‌های NAD۲۷ و NAD۸۳ انجام شد [۴]. مشابه مطالعه قبلی، مدل‌سازی اختلاف مختصات ژئودتیک نقاط مشترک به‌صورت مستقل برای هر مؤلفه مختصاتی مورد توجه بوده است. در روش ارائه شده موسوم به Gridding، ابتدا یک رویه به شبکه منظم ایجاد شده از کمیت اختلاف مختصات نقاط مشترک برازش داده می‌شود و سپس معادله این رویه طوری تعیین می‌شود که انحنای آن کمینه گردد. این روش برای مناطق با وسعت مکانی زیاد که نقاط مشترک زیادی با پراکندگی مکانی خوب در دسترس است، مناسب می‌باشد. نتایج پیاده‌سازی این روش برای منطقه آمریکای شمالی مورد بررسی این مطالعه قرار گرفته است. نتایج این مطالعه به‌صورت یک نرم‌افزار با عنوان NADCON در اختیار عموم کاربران قرار گرفته است. این نرم‌افزار قابلیت تبدیل مسقیم بین تمامی فریم‌های دیتوم آمریکای شمالی را دارا می‌باشد.

روش دیگری در سال ۲۰۰۹، با استفاده از یک مدل سه‌بعدی کانفرمال^{۵۰} ارائه شده است، که در آن اثر کمیت اختلاف مختصات به علت اختلاف دیتوم با این مدل محاسبه و از روی مختصات نقاط مشترک حذف می‌گردد [۵]. باقی‌مانده اختلافات، با برازش یک رویه مدل می‌شوند و از این رویه برای درون‌یابی تصحیحات مختصات نقاط غیرمشترک پس از تبدیل با مدل سه‌بعدی برآورد شده، استفاده می‌شود. از این روش در کشور امارات متحده عربی به جهت به‌روزرسانی دیتوم شبکه مسطحاتی نقاط نقشه‌برداری استفاده شده است.

در مطالعه دیگری روش کالوکیشن کمترین مربعات^{۵۱} به عنوان یک روش تبدیل دیتوم با صحت بالا معرفی شده است [۶]. در کاربردهای مرزی، به علت کمبود نقاط با مختصات مشترک بین دو دیتوم و همچنین وسیع نبودن مناطق تحت پوشش، مدلی مناسب است که قدرت محلی‌سازی بالایی از خود نشان دهد. از سوی دیگر اطلاعات اولیه موجود از نقاط مشترک در بسیاری از موارد یا در دسترس نبوده و یا قابل اطمینان نمی‌باشند. از این رو روند مدل‌سازی بر خلاف مطالعه سال ۱۹۸۲ [۳]، باید وابسته به این نوع اطلاعات نباشد.

Multiple Regression Equations ۴۸

North American Datum ۴۹

Conformal ۵۰

least squares collocation ۵۱

۴- مبانی نظری

استفاده از معادلات رگرسیون چندگانه یکی از روش‌های ناپارامتریک^{۵۲} دقیق در حل مسئله تبدیل دیتوم ژئودتیک^{۵۳} می‌باشد [۱]. شکل مورد استفاده این معادلات برای حل مسئله تبدیل دیتوم به صورت دومتغیره^{۵۴} می‌باشد [۳].

$$\Delta\varphi'' = \sum_{i=0}^n \sum_{j=0}^m A_{ij} U^i V^j = A_{00} + A_{10}U + A_{01}V + \dots + A_{nm}U^n V^m$$

$$\Delta\lambda'' = \sum_{i=0}^n \sum_{j=0}^m B_{ij} U^i V^j = B_{00} + B_{10}U + B_{01}V + \dots + B_{nm}U^n V^m$$

$$\Delta h'' = \sum_{i=0}^n \sum_{j=0}^m C_{ij} U^i V^j = C_{00} + C_{10}U + C_{01}V + \dots + C_{nm}U^n V^m$$

$$U = k(\varphi_1 - \varphi_m)$$

$$V = k(\lambda_1 - \lambda_m)$$

این معادلات کمیت اختلاف عرض^{۵۵}، اختلاف طول^{۵۶} و اختلاف ارتفاع^{۵۷} ژئودتیک (به ترتیب $\Delta\varphi$ ، $\Delta\lambda$ و Δh) بین دو دیتوم را، بصورت توابعی از U و V که به ترتیب عرض و طول ژئودتیک نرمال شده^{۵۸} در دیتوم مبدأ می‌باشند، بیان می‌کنند. φ_m و λ_m به ترتیب عرض و طول ژئودتیک متوسط (متوسط تغییرات عرض و طول منطقه) در دیتوم مبدأ و k ضریب مقیاس^{۵۹} نرمال‌سازی می‌باشد که اغلب بهتر است برابر با عکس انحراف معیار^{۶۰} عرض و طول ژئودتیک در دیتوم مبدأ در نظر گرفته می‌شود. هدف از این تغییر مقیاس کمک به پایداری عددی دستگاه معادلات می‌باشد. مختصات ژئودتیک نقاط از جنس طول می‌باشند که در مقایسه با یک منطقه مورد مطالعه کوچک، اعداد به نسبت بزرگی محسوب می‌شوند.

برای حل معادلات (۱) تا (۳)، وجود تعداد کافی نقطه مشترک با مختصات ژئودتیک معلوم بین دو دیتوم، ضروری می‌باشد. با این تفاسیر مسئله تبدیل دیتوم به بیانی دیگر، همان مسئله یافتن مقدار ضرایب A_{ij} ، B_{ij} و C_{ij} می‌باشد. با فرض در دسترس بودن p نقطه مشترک بین دو دیتوم مبدأ و مقصد و u تعداد ضریب مجهول، شکل ماتریسی معادله (۱) به صورت فرمول‌های بعدی درمی‌آید؛

$$\mathbf{L}_{p \times 1} + \mathbf{r}_{p \times 1} = \mathbf{A}_{p \times u} \mathbf{X}_{u \times 1}$$

Non-parametric^{۵۲}Geodetic datum transformation^{۵۳}Two-variable^{۵۴}

°° Latitude difference

Longitude difference^{۵۶}Height difference^{۵۷}Normalized^{۵۸}Scale factor^{۵۹}Standard deviation^{۶۰}

$$\begin{bmatrix} \Delta\varphi_1 \\ \Delta\varphi_2 \\ \vdots \\ \Delta\varphi_p \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} r_1 \\ r_2 \\ \vdots \\ r_p \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 1 & U_1 & \dots & U_1^n & V_1 & V_1^2 & \dots & U_1^n V_1^m \\ 1 & U_2 & \dots & U_2^n & V_2 & V_2^2 & \dots & U_2^n V_2^m \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ 1 & U_p & \dots & U_p^n & V_p & V_p^2 & \dots & U_p^n V_p^m \end{bmatrix} \begin{bmatrix} A_{00} \\ A_{10} \\ \vdots \\ A_{n0} \\ A_{01} \\ A_{02} \\ \vdots \\ A_{nm} \end{bmatrix}$$

که در آن L بردار مشاهدات، A ماتریس ضرایب، X بردار مجهولات و r بردار خطای اتفاقی^{۶۱} موجود در مشاهدات می‌باشند. جواب کمترین مربعات \hat{X} برای معادله (۶) با فرض برابری وزن مشاهدات از رابطه زیر حاصل می‌شود؛

$$\hat{X} = (A^T A)^{-1} A^T L$$

از مزایای استفاده از این معادلات برای حل مسئله تبدیل دیتوم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود؛

عدم نیاز به مشخصات هندسی بیضوی دیتوم مبدأ و مقصد،

امکان مدل‌سازی جداگانه مؤلفه‌های مختصاتی،

امکان مدل‌سازی خطاهای سیستماتیک^{۶۲} پیچیده موجود در مختصات نقاط مشترک بدون اطلاع از منبع آن‌ها (مدل‌سازی ناپارامتریک)،

امکان مدل‌سازی داده‌های محلی.

اما ویژگی‌های مثبت این معادلات در برخی موارد محدودیت‌های جدیدی در فرآیند حل مسئله ایجاد می‌کنند که لازم است در استفاده از این معادلات با احتیاط عمل شود. همچنین انتخاب ترکیب مناسب از چندجمله‌ای‌ها، خود چالش جدید پیش‌رو برای حل مسئله تبدیل دیتوم می‌باشد [۲].

۵- داده‌های مورد استفاده و محدوده مورد مطالعه

با توجه به اینکه مسئله اصلی تبدیل مختصات از سیستم روسی در پروتکل‌های مرزی با کشورهای شوروی سابق می‌باشد، نیازمند مختصات در آن سیستم و مختصات متناظر آن در سیستم WGS۸۴ است. یکی از راه‌های دستیابی به این اطلاعات استفاده از مختصات پروتکلی علائم مرزی در سیستم Pulkovo ۱۹۴۲ و مختصات اندازه‌گیری شده آن با استفاده از GPSهای دو فرکانسه و تعیین موقعیت دقیق آن‌ها در سیستم WGS۸۴ است.

با توجه به مطالب گفته شده، اطلاعات علائم مرزی ۱۳۱ تا ۱۴۴ در مرز مشترک با ج. آذربایجان در هنگ مرزی آستارا مورد استفاده قرار گرفته است. اطلاعات مختصات علائم مرزی در سیستم روسی از روی پروتکل‌های مرزی استخراج و مختصات در سیستم WGS۸۴ با گیرنده‌های GNSS دو فرکانسه اندازه‌گیری و با دقت زیر ۱۰ سانتی‌متر پردازش شده است. در ناحیه مذکور، خط مرز، رودخانه آستاراچای و علائم مرزی به صورت زوجی می‌باشد و بررسی‌ها بر روی علائم مرزی سمت ج.ا. ایران صورت پذیرفته است.

لازم به ذکر است که قدرت تفکیک عددی مختصات‌ها در سیستم تصویر ارائه شده در پروتکل‌های مرزی برابر با ۰.۱ متر می‌باشد که در واقع دقت اسمی اعداد محسوب می‌شود. دقت عملی مختصات‌ها به مراتب از دقت اسمی آن ضعیف‌تر خواهد بود و در پروتکل مرزی این دقت ۲ متر عنوان شده است. این امر خود در انجام محاسبات خطای را وارد می‌نماید و باید آن را به عنوان نویز در نظر گرفت. در ادامه یک نمونه پروتکل مرزی نشان داده شده است.

Random error^{۶۱}

Systematic error^{۶۲}

ناحیه آبی

پروتکل

علامت اصلی مرزی شماره ۱۳۸

کمیسیون مختلط ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مأمور تعیین و تجدید تعیین حدود دولتی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بدین وسیله گراهی مینماید که سوکمیسیون مختلط شماره چهارم ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ضمن اجرای عملیات تعیین و تجدید تعیین حدود دولتی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بتاريخ ۴ آبان ۱۳۳۴ (۱۲۷ اکتبر ۱۹۵۵) علامت اصلی مرزی شماره ۱۳۸ را نصب نمود.

این علامت مرزی عبارت است از دو ستون از بتن مسلح که در دو کرانه رودخانه آستاراجای نصب گردید.
ستون مرزی در خاک ایران بفاصله ۱۴۰۵ متر از خط مرزوی کرانه راست رودخانه آستاراجای و در ۶۲ متری جنوب دیدگاه

نصب گردید.

مختصات جغرافیایی و قائم‌الزاویه ستون ایران علامت مرزی شماره ۱۳۸:

عرض $38^{\circ}25'42.76''$; طول $48^{\circ}45'17.3''$;
 $x = -4257.5274$; $y = 932.39320$

زاویه سمت آن بطرف ستون ایران علامت مرزی شماره ۱۳۷ برابر $225^{\circ}35'8''$ و بطرف ستون ایران علامت مرزی شماره ۱۳۹ برابر $57^{\circ}49'7''$ میباشد و زاویه سمت آن بطرف ستون شوروی علامت مرزی شماره ۱۳۸ برابر $232^{\circ}54'24''$ میباشد.
فاصله آن تا ستون ایران علامت مرزی شماره ۱۳۷ برابر با 281.6 متر میباشد و تا ستون ایران علامت مرزی شماره ۱۳۹ برابر با 224.8 متر میباشد.
ستون مرزی در خاک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بفاصله ۱۴۰۵ متر از خط مرزوی

کرانه چپ رودخانه آستاراجای و در ۴۷ متری جنوب-جنوب باختری دیدگاه مرزی و در ۷۷۳ متری -

باختر تله صخره‌ای

نصب گردید.

مختصات جغرافیایی و قائم‌الزاویه ستون شوروی علامت مرزی شماره ۱۳۸:

عرض $38^{\circ}25'43.49''$; طول $48^{\circ}45'17.46''$;
 $x = -4257.5533$; $y = 932.39171$

زاویه سمت آن بطرف ستون شوروی علامت مرزی شماره ۱۳۷ برابر $226^{\circ}15'5''$ و بطرف ستون شوروی علامت مرزی شماره ۱۳۹ برابر $57^{\circ}49'2''$ میباشد و زاویه سمت آن بطرف ستون ایران علامت مرزی شماره ۱۳۸ برابر $152^{\circ}54'40''$ میباشد.
فاصله آن تا ستون شوروی علامت مرزی شماره ۱۳۷ برابر با 277.8 متر میباشد و تا ستون شوروی علامت مرزی شماره ۱۳۹ برابر با 231.6 متر میباشد.
فاصله بین ستون‌های علامت مرزی شماره ۱۳۸ برابر با 29 متر است.
مرز بین این دو ستون از وسط رودخانه آستاراجای میگردد

مرز از علامت مرزی شماره ۱۳۷ از وسط رودخانه آستاراجای بطور کلی بسمت شمال

خاوری میگردد و

به علامت مرزی شماره ۱۳۸ میرسد و از علامت مرزی شماره ۱۳۸ مرز از وسط رودخانه

آستاراجای بطور کلی بسمت خاور-شمال خاوری میگردد و جزیره راکه مقابل آبادی ایرانی کشفی واقع شده در طرف ایران گذارده

به علامت مرزی شماره ۱۳۹ میرسد.

شکل ۲) نمونه‌ای از پروتکل مرزی بین دو کشور ج.ا. ایران و ج. آذربایجان

۶- بررسی دقت تبدیل مختصات

نرم افزارهای مختلفی را می‌توان برای تبدیل مختصات‌ها به کار برد. در این مقاله به عنوان نمونه سه نرم افزار ArcGIS، Global Mapper و Geographic Calculator مورد بررسی قرار گرفته است. در این نرم افزارها دو نرم افزار ArcGIS و Global Mapper جهت ترسیم و تجزیه و تحلیل اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد و در دل خود تبدیل مختصات را نیز گنجانده‌اند اما نرم افزار Geographic Calculator صرفاً جهت تبدیل مختصات و نوع فرمت فایل‌ها و کارهای از این دست طراحی شده است.

در نرم افزار ArcGIS نسخه ۱۰.۲ پنج تبدیل وجود دارد که با بررسی‌های صورت گرفته بر روی نتایج، بهترین نتیجه برای تبدیل ۱۳_۱۹۸۴_WGS_To_۱۹۴۲_Pulkovo با میانگین ۵ متر به دست آمد. البته با توجه به بالا بودن اختلاف مقادیر تبدیل علائم مرزی ۱۳۹ و ۱۴۱ (بالاتر از ۱۰۰ متر) با مقادیر اندازه‌گیری شده، مشخص است که این دو علامت مرزی جایجا شده‌اند و مختصات تبدیل شده با اندازه‌گیری شده تطابق ندارد و از محاسبات کنار گذاشته شده است. جدول زیر نتایج اختلاف مختصات‌ها در جهت شمالی-جنوب و شرقی-غربی و همچنین به صورت کلی را نشان می‌دهد.

جدول (۱) نتایج در نرم افزار ArcGIS-اختلاف مختصات‌ها در جهت شمالی-جنوب و شرقی-غربی

Pillars	dE	dN	dP
۱۳۱	۰.۵۷	۰.۴۴	۰.۷۲
۱۳۲	۱.۵۳	۰.۷۴	۱.۷۰
۱۳۳	۴.۶۸	۰.۰۷	۴.۶۸
۱۳۴	۳.۸۹	۱.۴۱	۴.۱۴
۱۳۵	۴.۴۰	۱.۷۹	۴.۷۵
۱۳۶	-۱۱.۷۹	-۳.۷۹	۱۲.۳۸
۱۳۷	-۱۲.۴۶	-۴.۴۲	۱۳.۲۲
۱۳۸	-۱۰.۸۱	۰.۰۰	۱۰.۸۱
۱۴۰	۰.۶۲	-۱.۴۳	۱.۵۶
۱۴۲	-۰.۷۶	-۱.۹۰	۲.۰۴
۱۴۳	۲.۸۱	-۲.۰۴	۳.۴۷
۱۴۴	۰.۴۰	-۱.۴۸	۱.۵۳

نرم افزار Geographic Calculator نسخه ۲۰۱۶ دارای بیش از ۲۰ تبدیل است که با بررسی‌های صورت گرفته بر روی نتایج، بهترین نتیجه برای تبدیل (۱۳) ۸۴ WGS To ۱۹۴۲ Pulkovo با میانگین ۵ متر به دست آمد که مشابه تبدیل ۱۳ مورد استفاده در ArcGIS است. جدول زیر نتایج اختلاف مختصات‌ها در جهت شمالی-جنوب و شرقی-غربی و همچنین به صورت کلی را نشان می‌دهد.

جدول (۲) نتایج در نرم افزار Geographic Calculator - اختلاف مختصات‌ها در جهت شمالی-جنوب، شرقی-غربی و کلی

Pillars	dE	dN	dP
۱۳۱	۰.۵۷	۰.۴۴	۰.۷۲
۱۳۲	۱.۵۳	۰.۷۴	۱.۷۰
۱۳۳	۴.۶۸	۰.۰۶	۴.۶۸
۱۳۴	۳.۸۹	۱.۴۱	۴.۱۴
۱۳۵	۴.۴۰	۱.۷۹	۴.۷۵
۱۳۶	-۱۱.۷۹	-۳.۷۹	۱۲.۳۸
۱۳۷	-۱۲.۴۶	-۴.۴۲	۱۳.۲۲
۱۳۸	-۱۰.۸۱	۰.۰۰	۱۰.۸۲
۱۴۰	۰.۶۲	-۱.۴۳	۱.۵۶
۱۴۲	-۰.۷۵	-۱.۹۰	۲.۰۴

۱۴۳	۲.۸۱	-۲.۰۳	۳.۴۷
۱۴۴	۰.۴۰	-۱.۴۸	۱.۵۳

میانگین اختلاف مختصات تبدیل شده با نرم افزار GlobalMapper و اندازه‌گیری شده برابر ۷.۷ بوده و نتایج اختلافات مطابق جدول زیر است.

جدول ۳) نتایج در نرم افزار GlobalMapper - اختلاف مختصات‌ها در جهت شمالی-جنوب، شرقی-غربی و کلی

Pillars	dE	dN	dP
۱۳۱	-۳.۹۳	۴.۱۸	۵.۷۳
۱۳۲	-۲.۸۸	۴.۲۴	۵.۱۳
۱۳۳	۰.۳۸	۳.۴۹	۳.۵۱
۱۳۴	-۰.۴۳	۴.۸۶	۴.۸۸
۱۳۵	۰.۱۰	۵.۳۶	۵.۳۶
۱۳۶	-۱۶.۲۶	-۰.۲۳	۱۶.۲۶
۱۳۷	-۱۷.۴۷	-۴.۱۴	۱۷.۹۶
۱۳۸	-۱۵.۴۷	۳.۴۷	۱۵.۸۵
۱۴۰	-۴.۰۵	۲.۰۴	۴.۵۴
۱۴۲	-۵.۵۵	۱.۴۸	۵.۷۴
۱۴۳	-۲.۰۳	۱.۳۶	۲.۴۵
۱۴۴	-۴.۵۹	۱.۹۰	۴.۹۶

۷- نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، دقت نرم افزارهای ArcGIS، GlobalMapper و Geographic Calculator در تبدیل مختصات ۱۹۴۲ Pulkovo در سیستم تصویر Gauss-Kruger زون ۹ به سیستم مختصات WGS۸۴ با سیستم تصویر UTM زون ۳۹ مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است و مشخص شد تبدیل شماره ۱۳ دو نرم افزار ArcGIS و GeographicCalculator بهترین دقت را دارند و می‌توان به طور میانگین دقتی معادل ۵ متر را انتظار داشت. همچنین نرم افزار GlobalMapper به طور میانگین دقتی معادل ۷.۷ را دارا می‌باشد.

بیشترین خطا در مؤلفه شرقی-غربی با حداکثر اختلاف ۱۲ متر در نرم افزارهای ArcGIS و GeographicCalculator و ۱۷ متر در نرم‌افزار GlobalMapper موجود است و بیشترین خطا در مؤلفه شمالی-جنوبی با حداکثر اختلاف ۴ متر در نرم افزارهای ArcGIS و GeographicCalculator و ۵ متر در نرم‌افزار GlobalMapper مشاهده شده است. در واقع اختلاف در مؤلفه شرقی-غربی بیشترین سهم را در ایجاد خطای تبدیل مختصات ایفا نموده است.

لازم به ذکر است که با استفاده از تبدیل مختصات می‌توانیم به جابجایی علائم مرزی پی ببریم. در آزمایش صورت گرفته به علت اختلاف مختصات بیش از ۱۰۰ متری بین مختصات تبدیل شده و اندازه‌گیری شده در علائم مرزی شماره ۱۳۹ و ۱۴۱ مشخص شد این دو علامت از موقعیت اصلی خود جابجا شده‌اند.

۸- پیشنهادات

با توجه به مطالب گفته شده در تحقیق حاضر پیشنهادات زیر جهت انجام تحقیقات آتی مطرح می‌گردد:

جهت بهبود دقت تبدیل از سیستم مختصات Pulkovo ۱۹۴۲ به سیستم مختصات WGS۸۴ اقدام به ارائه تبدیل بهینه با داده‌های متعدد مرزی نمود و پارامترهای بهتری را برای تبدیل خاص مرزی ارائه کرد. می‌توان نرم‌افزارهای دیگری که در نقشه برداری مورد استفاده قرار می‌گیرند و دارای تبدیل مختصات هستند نیز مورد آزمایش و برآورد دقت قرار داد. نیاز است در مناطق دیگر مرزی مانند مرز مشترک با کشور ترکمنستان که در آنجا نیز مختصات پروتکل‌های مرزی با سیستم روسی است، آزمایش مشابه آنچه در این تحقیق صورت گرفته، انجام شود. می‌توان با انجام یک تحقیق تحلیلی، علت خطاهای موجود در تبدیل‌های مختصات را مشخص نمود. نیاز است با انجام تحقیقات مختلف، روش‌های مدون و علمی جهت تشخیص علائم مرزی که جایجا شده‌اند، تهیه نمود.

۹- سپاسگزاری

فرصت را غنیمت دانسته و از کارشناسان گروه امور مرزی سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح بابت کمک‌های بی‌دریغشان کمال تشکر را اعلان می‌داریم. همچنین از آقای دکتر علی‌رضا ثبوتی به جهت راهنمایی‌های ارزنده ایشان، تشکر ویژه می‌نماییم.

۱۰- منابع

- [۱] Ruffhead A. C.: **Introduction to multiple regression equations in datum transformations and their reversibility**. Survey Review (۲۰۱۶)
- [۲] ثبوتی، علیرضا، (۱۳۹۷)، کتابچه راهنمای ابزار تبدیل دیتوم هوشمند، نوبت اول، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- [۳] Appelbaum, L.T.: **Geodetic datum transformation by multiple regression equations. Proceedings of the third international geodetic symposium on satellite Doppler positioning**, Las Cruces, New Mexico, ۲۰۷-۲۲۳ (۱۹۸۲)
- [۴] Chen, W. & Hill, C.: **Evaluation Procedure for Coordinate Transformation**. J. Surveying Eng. (۲۰۰۵)
- [۵] Hansen, P. C.: **Rank-Deficient and Discrete Ill-Posed Problems: Numerical Aspects of Linear Inversion** (Monographs on Mathematical Modeling and Computation). SIAM, [Philadelphia](#) (۱۹۹۸)
- [۶] Witten, Ian & Frank, E & Hall, M.A. & Pal, C.J.: **Data Mining: Practical Machine Learning Tools and Techniques** (۳rd Edition), Elsevier, Burlington (۲۰۱۶)

آمایش مناطق مرزی؛ توسعه و امنیت پایدار (مطالعه موردی استان کرمانشاه)

حمیدرضا حشمتی جدید^۱، سمیرا مرادی^{۲*}، زینب شریفی^۳

۱- کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۲- دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۳- کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

*نویسنده مسئول: moradi.sami1369@gmail.com

چکیده:

طرح مسئله: توسعه و امنیت پایدار از جنبه‌های مهم مطالعات نوین هستند، که اهمیت آن‌ها در مناطق مرزی با توجه به گره خوردن این دو مقوله به هم دو چندان می‌شود، به گونه‌ای که اگر کارگزاران در برنامه‌ریزی‌های راهبردی، با یک دیدگاه عادلانه و شناخت آینده نگرانه نسبت به این مناطق در زمینه تحقق توسعه پایدار و آن روی سکه یعنی امنیت پایدار ننگرند، در این مناطق، شاهد تهدیداتی علیه منافع ملی خواهیم بود. استان کرمانشاه، مهم‌ترین استان در منطقه مرکزی غرب ایران است، که یک منطقه مرزی محسوب می‌شود. برای تحقق توسعه و امنیت پایدار این استان، در برنامه‌ریزی‌های راهبردی نیازمند شناخت تنگناها و پتانسیل‌های توسعه‌ای آن در چارچوب رویکرد آمایشی هستیم به گونه‌ای که با ساماندهی فعالیت‌ها، امکانات و زیرساخت‌ها، اهداف متفاوت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی- امنیتی، دنبال شود. این اقدامات بسته به اولویت‌دهی در برنامه‌ریزی‌ها می‌تواند توسعه و امنیت را برای استان ایجاد کند و یا اینکه با پیوند ندادن دو مقوله توسعه و امنیت پایدار با طرح‌ها و رهیافت‌های آمایشی، زمینه بروز تهدیدهای مختلف را در آینده برای این استان رقم زد.

روش پژوهش: با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، نوع پژوهش کاربردی بوده و روش بررسی آن توصیفی- تحلیلی است که به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز و جمع آوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای، اسنادی استفاده شده است.

یافته‌ها: پیوند طرح‌های آمایشی و نگرش سیستمی به توسعه و امنیت پایدار با نظر به شرایط موجود اقتصادی، اجتماعی، سیاسی- امنیتی استان کرمانشاه، ضعیف و در اولویت برنامه‌ریزی‌های راهبردی متولیان امر نمی‌باشد. و این موجب غلبه تنگناها و موانع توسعه‌ای بر پتانسیل‌های استان شده که در بلند مدت موجب تهدید و ناامنی خواهد شد.

نتیجه گیری: ضرورت در اولویت قرار گرفتن توسعه و امنیت پایدار در چارچوب رهیافت‌های آمایشی جهت توزیع مناسب فعالیت‌ها و امکانات برای بهره برداری مطلوب از مزیت‌های استان.

واژگان کلیدی: مناطق مرزی، آمایش سرزمینی، توسعه پایدار، امنیت پایدار، برنامه‌ریزی راهبردی، کرمانشاه.

۱- مقدمه

مرزها در جغرافیای سیاسی، از جمله مفاهیم مهم شمرده می‌شوند. مفهوم مرز از محدوده گرفته شده است. اما به غیر از آن در فرهنگ لغت زبان انگلیسی به کلماتی همانند "border, borderland" نیز برمی‌خوریم که دارای معنا و مفهوم مرز هستند (Johnston, ۲۰۰۴). بر اساس حقوق بین‌الملل، مرز خط فرضی است که قلمرو سرزمینی کشور را مشخص می‌کند. این قلمرو، فضای زمینی، هوایی، دریایی و زیرزمینی هر کشور را شامل می‌شود (Martin, ۲۰۰۳: ۵۷). مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشور به حساب می‌آیند، طبیعت منزوی و غیرحاصل خیز مناطق مرزی، به خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌ها به عنوان مجریان اصلی توسعه و توجه به امنیت پایدار بوده است، ناتوانی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال مناسب، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصاد، اجتماع این مناطق است که زمینه را برای توسعه ناپایدار این مناطق فراهم کرده است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۹).

اصولا در رویکرد جدید توسعه، توسعه پایدار به عنوان راهبرد جهانی قرن بیست و یکم در نشست سران کشورها در سال ۱۹۹۲ در «ریو» مورد پذیرش قرار گرفته است. اهداف توسعه پایدار عبارتند از: تأمین نیازهای اساسی، بهبود استانداردهای زندگی برای همه، حفاظت و مدیریت بهتر اکوسیستم‌ها در همه‌ی سطوح سازمان فضایی (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی). بر همین اساس، برای تحقق توسعه پایدار که به نوعی متضمن تقویت و یکپارچگی هویت و امنیت پایدار نیز است، ضرورت دارد تا مناطق دور افتاده و محروم در سطح ملی در برنامه ریزی‌های راهبردی توسعه‌ای هر کشور، با بهبود شرایط زندگی ساکنان فقیر و کم درآمد روستایی و خوداتکایی، آن‌ها را در مسیر توسعه ملی کشور قرار دهد. در واقع هدف از این برنامه‌ها، تغییر ساختار اجتماعی اقتصادی و بهبود شرایط اکولوژیکی حاکم بر مناطق مرزی است. مجری و کارگزار در این برنامه‌ها نیز دولت‌ها هستند (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۲). در این راستا توجه به رویکرد آمایشی در برنامه ریزی‌های راهبردی ملی، امری ضروری می‌نماید. آمایش مناطق مرزی، نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع، از نیازهای مناطق مرزی، در چارچوب شرایطی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند داده و راهکاری برای توسعه مناطق مرزی معرفی می‌کند که در آن، امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شوند. بنابراین می‌توان "آمایش" را نوعی برنامه ریزی راهبردی- فضایی و "آمایش مناطق مرزی" را نوعی برنامه ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشور دانست (آفتاب و هوشمند، ۱۳۹۷: ۱۶۳).

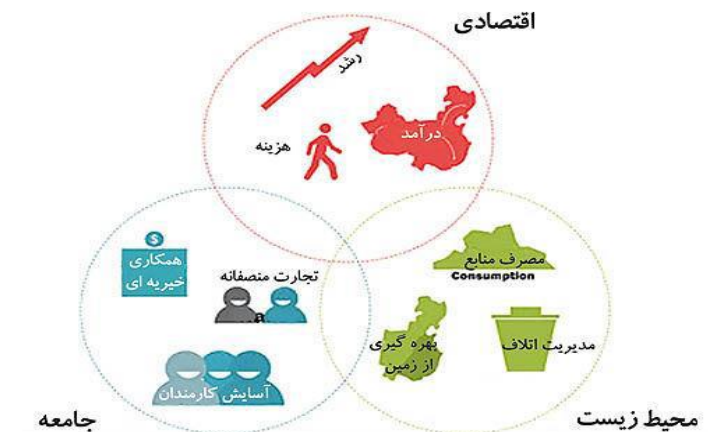
استان کرمانشاه یکی از مناطقی است که در آن دو موضوع توسعه و امنیت توأمان با هم معنا می‌یابند. از آن جایی که مهم‌ترین استان در منطقه مرکزی غرب ایران است، تحلیل و بررسی شرایط آن برای تحقق توسعه و امنیت پایدار ضروری می‌نماید. نظر به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به دنبال تحلیل و بررسی این سوال است که؛ رویکرد آمایشی و ابزارهای آن در فرایند برنامه ریزی‌های راهبردی، در زمینه توسعه و امنیت پایدار در استان کرمانشاه به عنوان یک منطقه‌ی مرزی، چگونه ارزیابی می‌شود؟ فرضیه‌ی پژوهش: با توجه به اینکه میان آمایش مناطق مرزی و ایجاد توسعه و امنیت پایدار رابطه و پیوند ناگسسته‌ای حاکم است و این اصل با نظر به شرایط موجود اقتصادی، اجتماعی، سیاسی- امنیتی استان کرمانشاه نشان می‌دهد که این رابطه ضعیف و در اولویت برنامه ریزی‌های راهبردی متولیان امر نمی‌باشد.

۲- مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

۲-۱- توسعه پایدار

"توسعه پایدار"، فرایند پایدار تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و محیطی برای افزایش و ترقی رفاه و خوشبختی طولانی مدت کل اجتماع است. به عبارت دیگر، یک فرایند چندبُعدی است که به گونه‌ای پایدار، درصدد وحدت اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است. "توسعه پایدار" می‌تواند به مثابه فرایند تغییرات چندبُعدی مؤثر بر جامعه تعریف شود؛ رشد اقتصادی، بهبود شرایط محیطی و حفظ ارزش‌های محیطی به گونه‌ای مساوی از مشخصه‌های مهم آن است

(احمدرش، ۱۳۹۷: ۱۸۶). "توسعه پایدار" با هدف برطرف کردن احتیاجات انسانی و بهبود کیفیت زندگی، به عنوان قالب مناسب برای نگرش به نحوه بهره‌برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان و طبیعت محسوب می‌شود (مختاری هس و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۴۱).



شکل ۱: عوامل سه گانه‌ی متعامل در حوزه‌ی توسعه پایدار
(منبع: احمدرش، ۱۳۹۷: ۱۸۶)

نمودار فوق گویای این نکته است که پایداری توسعه معلول تعامل عوامل سه گانه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی است (احمدرش، ۱۳۹۷: ۱۸۶)

۲-۲- امنیت پایدار

امنیت مفهومی ذهنی و نسبی است که بر پایه اصول متعدد در یک جامعه پدیدار شده و استمرار می‌یابد. در نگرش‌های سنتی به مقوله امنیت اغلب کاربرد نیروهای نظامی و تهدید محوری مورد توجه بوده درحالیکه در مطالعات امنیتی - انتقادی و جامع‌نگر امروز گروه‌های اجتماعی می‌توانند نه تنها از ناحیه ابزار نظامی بلکه از طریق عوامل محیطی یا اقتصادی مورد تهدید قرارگیرند و این عوامل می‌توانند به نوبه خود یکپارچگی یا استقلال سیاسی یک کشور را مورد تهدید قراردهند (راه‌نمایی و پورموسوی، ۱۳۸۵: ۱۸۰). مفهوم "امنیت پایدار" متضمن حاکمیت شرایطی است که در چارچوب آن دولت‌ها به حقوق شهروندی احترام بگذارند. از این منظر امنیت از مهمترین مؤلفه‌ها برای رسیدن به درجات قابل اتکا به ثبات است. ازاینرو، "پایداری امنیت" نتیجه کاهش فقر، بیکاری و برابری شهروندان است و فقدان وجود مؤلفه‌های امنیت پایدار، سبب ناامنی و ناامنی منجر به توسعه نیافتگی و بی‌ثباتی در جامعه خواهد شد. از طرف دیگر، توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت پایدار در کشور می‌انجامد و امنیت پایدار نیز یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه پایدار را فراهم می‌آورد (سرور و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۸-۳۰).

۲-۳- برنامه‌ریزی راهبردی

"برنامه ریزی راهبردی" به خودی خود هدف نیست، بلکه "برنامه‌ریزی راهبردی" تنها مجموعه‌ای از مفاهیم است که به مدیران، کارگزاران و متولیان امر، در تصمیم‌گیری‌ها کمک می‌کند. "برنامه ریزی راهبردی" یک فرآیند است. فرایند تعیین اولویت کارهایی است که مدیران و کارگزاران می‌خواهند در آینده انجام دهند. "برنامه‌ریزی راهبردی" با مطرح ساختن اهداف بلندمدت و تبیین رسالت‌های سازمان، متولیان امر را در انجام فعالیت‌هایشان هم جهت و هماهنگ می‌سازد. "برنامه ریزی

راهبردی"، در سطوح عالی سازمان شکل می‌گیرد، زیرا در این سطح است که تقریباً به طور همه جانبه‌ای اطلاعات لازم در مورد امکانات، منابع سازمان، انتظارات و توقعات از آن متمرکز است. برای آنکه سازمان یا هر موجودیت دیگر، بداند به کجا خواهد رفت باید بداند اکنون دقیقاً کجا قرار دارد، سپس آنچه می‌خواهد باشد را به درستی تعریف کرده و چگونگی رسیدن به آن جایگاه را مشخص نماید. مستندات حاصل از این فرایند را "برنامه ریزی راهبردی" می‌نامند (برایسون، ۱۳۸۱).

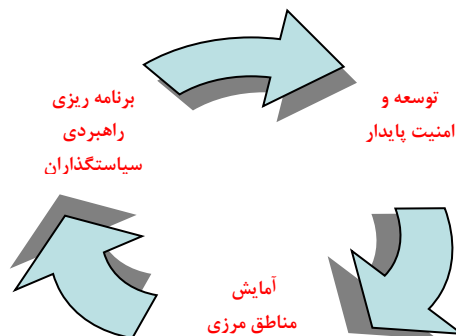
۲-۴ چارچوب نظری: آمایش مناطق مرزی

به عقیده برخی از صاحب نظران مانند فلیپ لامور، موضوع اساسی که آمایش سرزمین را معرفی می‌کند "مدیریت کشور است" و برخی نیز آمایش سرزمین را نوعی برنامه ریزی بلند مدت برای توزیع بهتر جمعیت، امکانات و فعالیت‌های مختلف به منظور افزایش رفاه، آسایش و هماهنگی جامعه می‌دانند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۷). از این رو می‌توان "آمایش" را نوعی برنامه ریزی راهبردی- فضایی و "آمایش مناطق مرزی" را نوعی برنامه ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشور دانست (آفتاب و هوشمند، ۱۳۹۷: ۱۶۳). "آمایش مناطق مرزی"، نوعی برنامه ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع که از نیازهای مناطق مرزی است، در چارچوب شرایط مناطق مرزی به یکدیگر پیوند می‌دهد و راهکاری برا توسعه مناطق مرزی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شوند (عندلیب و شریف، ۱۳۸۸: ۶۰).

برنامه ریزی آمایش سرزمین یک دیدگاه آینده نگرانه و عادلانه نسبت به استفاده و بهره برداری از توان‌ها و قابلیت‌های هر محیط است (Pedatzur, ۲۰۰۷: ۳۶). هر گونه اقدام در مورد ساماندهی جمعیت، فعالیت، امکانات و زیرساخت‌ها در هر کشور، دارای اهداف متفاوتی مانند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را دنبال می‌کند. همچنین این گونه اقدامات به ایجاد یک نوع ساختار فضایی خاصی در هر کشور منجر می‌شود که بسته به نوع برنامه ریزی آن کشور می‌تواند رفاه و امنیت را برای افراد آن جامعه ایجاد می‌کند و یا اینکه تهدیدهای مختلفی را در آینده به وجود آورد. در هر حال امروزه برنامه ریزان شروع به ایجاد فکر خلاقانه در مورد اینکه چگونه می‌توانند امنیت را در پس برنامه ریزی به کار ببرند هستند (Tousi, ۲۰۱۳: ۹۶).

بی شک غایت اصلی تمام برنامه ریزی‌های آمایشی رسیدن به توسعه پایدار، تعادل منطقه‌ای، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از قابلیت‌های محیطی در فرآیند توسعه مناطق است (زالی، ۱۳۸۳: ۳۴). "آمایش مناطق مرزی" که به نوعی از ساماندهی فضایی مناطق مرزی به منظور بهره برداری مطلوب و مناسب از مزیت‌های این مناطق در راستای منافع ملی و در چارچوب توسعه و امنیت پایدار کشور است می‌توان توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در همه جغرافیایی مناطق مرزی را امکان پذیر ساخت. به گونه‌ای که هریک از این مناطق با قابلیت‌ها، نیازها، محدودیت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها، از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی برخوردار بوده و امکان رشد مادی و معنوی برای ساکنین این مناطق فراهم گردد (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۶).

بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده‌ی فوق، به دنبال آنیم تا مشخص سازیم نظر به اوضاع و شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - امنیتی حاکم بر استان کرمانشاه به عنوان یک منطقه‌ی مرزی، در عمل و واقعیت عینی این استان، رویکرد آمایشی و ابزارهای آن تا چه حد در اولویت برنامه ریزهای استراتژیک و راهبردی، جهت تحقق توسعه و امنیت پایدار، تعادل منطقه‌ای، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از قابلیت‌های محیطی و بهره برداری مطلوب و مناسب از مزیت‌های این منطقه به عنوان غایتی مهم در راستای منافع ملی بوده است. در شکل ۲، تعامل ۳ گانه بین آمایش مناطق مرزی، توسعه و امنیت پایدار و برنامه ریزی راهبردی سیاستگذاران به نمایش درآمده است.



شکل ۲: تعامل بخش های سه گانه آمایش مناطق مرزی، توسعه و امنیت پایدار و برنامه ریزی راهبردی سیاستگذاران (منبع: نگارندگان)

۳- وضعیت توسعه در استان کرمانشاه

استان کرمانشاه در موقعیت ۳۳ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۱ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه طول شرق نسبت به نصف النهار گرینویچ و در غرب ایران قرار گرفته که از شمال با استان کردستان از شرق با استان همدان از جنوب شرق و جنوب با استان های لرستان و ایلام و از غرب با کشور عراق با ۳۳۰ کیلومتر مرز بین المللی محدود شده که با مساحت ۲۴۳۶۱ کیلومتر مربع تقریباً ۱/۵ درصد از کل مساحت ایران را به خود اختصاص داده است (دالوندفر، ۱۳۹۳: ۴۲). بر اساس آخرین سرشماری کشور در آبان ماه سال ۱۳۹۵ جمعیت آن برابر با ۱/۹۵۲/۴۳۴ نفر که از این میزان حدود ۷۶/۴ درصد در نقاط شهری و ۲۳/۴ درصد در نقاط روستایی سکونت دارند (سالنامه آماری، ۱۳۹۶). با توجه به این که استان کرمانشاه از مهم ترین استان های غربی کشور است نیاز به توجه ویژه متولیان امر به این استان و بررسی وضع موجود ظرفیت ها و پتانسیل های آن در فرایندهای مدیریت راهبردی دارد. در برنامه ریزی های راهبردی، شناخت و تحلیل وضع موجود استان و بررسی تنگناها و امکانات آن در قالب رویکرد آمایشی برای رسیدن به توسعه و امنیت پایدار، تعادل منطقه ای، توزیع مناسب فعالیت ها و استفاده حداکثر از قابلیت های محیطی در فرآیند توسعه مناطق، در زمینه های مختلف ضروری است، و این به سیاست گذاران و برنامه ریزان برای مشخص کردن برنامه ها، سیاست ها و راهکارها یاری می رساند تا در این راستا با تبیین شرایط موجود استان در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی - امنیتی، راه برای تدوین مدیریت راهبردی در جهت اجرای راهبرد مبنی بر تخصیص مطلوب و بهینه منابع و امکانات برای توسعه و امنیت پایدار فراهم کند. از همین رو سعی شده در این بخش وضع موجود استان را در سه زمینه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - امنیتی بررسی کنیم تا چشم انداز روشنی از نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدهای استان داشته باشیم.

۳-۱- اقتصادی

امروزه یکی از مهم ترین عرصه هایی که باید در زمینه توسعه و امنیت پایدار در اولویت های مدیران باشد حوزه اقتصادی است شناخت تنگناها و فرصت های اقتصادی هر استان از ضروریات غیر قابل انکار در عرصه های مدیریتی و اجرایی است چرا که هر گونه ضعف در این عرصه می تواند فرایند توسعه پایدار و در نتیجه ای آن امنیت کشور را به خطر بیندازد. بنابراین توسعه و امنیت پایدار دو روی یک سکه اند و هر دوی آن ها تا حد زیادی وابسته به شرایط اقتصادی اند. با توجه به این مهم در این بخش به دنبال بررسی تنگناهای اقتصادی استان هستیم تا با تشریح این مسائل، برنامه ریزان و سیاست گذاران را در جهت توسعه و امنیت پایدار به سمت در اولویت قرار دادن این موضوعات قرار دهیم.

۱-۳-۱- عدم ارائه الگوی مطلوب برای سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری از دید بسیاری از تحلیلگران حوزه اقتصادی یکی از برجسته‌ترین مؤلفه‌های تولید و تأثیرگذار بر چرخه اقتصادی فعالیت‌های تولیدی در هر کشوری است که محصول ساز و کار پیچیده‌ای از تعامل عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. فقدان بستری مناسب و همچنین عدم ارائه یک الگوی مطلوب برای جذب و انباشت سرمایه از مهم‌ترین چالش‌های فرآیند سرمایه‌گذاری در ایران و بخصوص مناطق مرزی است. استان کرمانشاه هم به مثابه یکی از مناطق مرزی ایران در فرآیند جذب سرمایه‌گذاری با فضای نامناسبی که عمدتاً نشأت گرفته از موانع اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین موانع منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز موانع درونی و شخصی بوده، نتوانسته است در این راستا موفقیت قابل توجهی کسب نماید (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۶). داشتن ۳۷۱ کیلومتر مرز مشترک با عراق، سه مرز رسمی، چهار بازارچه مرزی، چهار منطقه ویژه اقتصادی کرمانشاه، اسلام‌آبادغرب، قصرشیرین و اورامانات، موقعیت جغرافیایی و آب و هوای چهار فصل و کوهستانی، استان کرمانشاه را به بهشتی برای سرمایه‌گذاران تبدیل کرده است، اما استان کرمانشاه به دلیل مشکلات موجود هنوز نتوانسته بخوبی در این راستا موفقیت قابل توجهی کسب نماید.

امروز این استان با ۱۵۰ هزار بیکار و نرخ ۱۴.۴ درصد بیکاری، یکی از استان‌های با نرخ بیکاری بالا است و شناساندن فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند این استان ۲ میلیون نفری را روی ریل توسعه قرار دهد و در کاهش آمار بیکاری آن نقش اساسی ایفا کند. با ظرفیت‌های بسیار زیادی که استان کرمانشاه برای سرمایه‌گذاری دارد، البته این ظرفیت‌ها نیاز دارد تا با عناصر و فرآیندهای سیستماتیک و مدیریتی دیگر همراه شود تا امکان تبدیل شدن به یک مزیت را به دست آورند. یکی از علل موفق نبودن استان کرمانشاه در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و سرمایه‌گذاران خصوصی داخلی نبود سواد کافی و مناسب در جهت جذب سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری در بین متولیان امر در استان است. از این رو لازم است که در استان طی یک برنامه مشخص توانمندسازی، نسبت به تدارک دوره‌های آموزشی عمومی و تخصصی شناسایی و جذب، مدیریت و هدایت فعالیت‌های اجرایی به سمت و سوی جذب و همکاری با سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی اقدامات معنی‌دار و مؤثری شکل بگیرد. سواد و اطلاعات مدیران و کارشناسان متولی به حد مناسبی برسد و در هر دستگاه دولتی متولی فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری، حوزه جذب سرمایه‌گذار به عنوان بهترین حوزه دارای عملکرد شایان توجه باشد. اولویت اول و اصلی مدیران میانی و ارشد استان باید جذب سرمایه‌گذار خارجی باشد.

از مهمترین عناصر اصلی جذب سرمایه‌گذار در استان نقش دولت مرکزی است. دولت مرکزی نیز در هیچ یک از وزارتخانه‌ها برنامه مشخصی برای هدایت سرمایه‌گذاران به سمت استان کرمانشاه نداشته و ندارد. یعنی برای توزیع مناسب منابع این حوزه بین استان‌های کشور نیز هیچ هدایت و برنامه معینی وجود نداشته است. این مهم البته به نداشتن قابلیت چانه‌زنی و نیروهای توانمند در بافت کارشناسی و مدیریت میانی و وزارتخانه‌های مختلف از طرف استان خبر می‌دهد. مشوق‌های محلی و منطقه‌ای معنادار، مناسب و انگیزه دهنده به سرمایه‌گذاران تنظیم و ارائه شود. این مشوق‌ها شامل تخفیف مالیاتی، هزینه‌های پایین تخصیص و تغییر کاربری زمین، تسهیلات مالی با شرایط مناسب و سریع، ساده کردن بسیاری از مجوزهای قانونی لازم از نظر میزان هزینه و زمان، معافیت از قوانین کار و بیمه تأمین اجتماعی برای زمان معین و غیره است که می‌توانند هزینه‌های ثابت و متغیر سرمایه‌گذار را چه هنگام گذران دوره سرمایه‌گذاری و چه هنگام راه اندازی و تولید کاهش داده و ظرفیت جذب را برای استان بوجود آورند (ایرانا، ۱۳۹۸).

۲-۱-۳- ناپایداری معیشت مرزنشینان

کولبری و مسائل مرتبط با آن، تنها بخشی از نمود ظاهری معیشت ناپایدار مرزنشینان است. این امر در موارد دیگری چون نرخ ترک تحصیل فرزندان، مهاجرت درون و برون استانی، شیوع اشکالی از مبادلات و معاملات تجاری ریسکی برای نمونه پخش و فروش و یا کمک به ترانزیت مواد مخدر، تغییر هنجارهای مرتبط با نظام خانواده، افزایش نرخ طلاق و آسیب‌های اجتماعی که با نظام و الگوهای هنجاری جامعه - عمدتاً سنتی در تضاد آشکار است، حاشیه نشینی در شهرها و مراکز

استان و غیره اشاره کرد (احمدرش، ۱۳۹۷: ۱۹۸). نمود دیگر معیشت ناپایدار، با تحریم ایران و افزایش قیمت دلار، در مناطقی همانند بازارچه های مرزی به جای خرید و فروش کالا و صادرات آن به کشور همسایه عراق، فقط دلار به صورت غیررسمی خرید و فروش می‌گردد که این امر باعث از بین رفتن مشاغل اندک موجود در بازارچه شده و در نهایت زمینه توقف توسعه، بیکارای مزمین و لطمه به اقتصاد منطقه ایجاد می‌شود (حیدری فر و رضایی، ۱۳۹۳: ۳۲).

بنابراین توسعه می‌تواند در جهت تحرک اقتصادی از طریق منابع محلی، منابع دولتی و همچنین فرصت‌های مبادلات مرزی شکل بگیرد؛ یعنی به جای تأکید بر کولبری در مناطق مرزی، باید بر همکاری مشترک تجاری، معافیت‌های بازرگانی، ایجاد و استقرار صنایع و امکانات مشترک و خواهرخواندگی شعاعی از دو طرف مرز تأکید شود. در این شعاع، می‌تواند گسترش خدمات رسانی هم تعریف شود. چرا که نواحی مرزی در معرض تلاقی ساختارهای اقتصادی، سیاسی و محیط‌های اجتماعی فرهنگی غیر همسان بوده و بنابراین می‌توانند به عنوان مانع و یا کاتالیزور توسعه عمل کرده در نتیجه به مسیرهای توسعه منطقه‌ای متفاوت در طرفین مرز منجر شود. لذا شایسته است به منظور اصلاح شرایط موجود و استفاده از پتانسیل‌های استان نظیر مزیت‌های همجواری با یک اقلیم جوان که می‌تواند مقصد و شریک مناسبی برای تجارت مرزی و کالاهای تولیدی کشور باشد، منابع سرشار معدنی، انرژی، توریسم و گردشگری، نیروی کار به نسبت ارزان و فراوان، دشت‌های حاصلخیز کشاورزی، وجود منابع سرشار آب در دو طرف مرز، از طریق تزییق بودجه‌های جهشی، تقویت و تعریف قطب‌های رشد و توسعه منطقه‌ای، ایجاد و تسهیل مراودات مرزی از طریق ایجاد و گسترش بازارچه‌های مرزی، ایجاد مناطق آزاد تجاری، حرکت به سوی گسترش حکمرانی مطلوب محلی از طریق جذب و به کارگیری شایستگان و نخبگان محلی در حوزه‌های اقتصادی سیاسی و فرهنگی، بذل توجه به ارزش‌های فرهنگی، قومی، هویتی، زبانی و مذهبی مردمان مناطق مرزی، می‌توان زمینه بسط و گسترش توسعه‌ای متوازن، معقول و پایدار را فراهم ساخت. بدیهی است که از رهگذر تقویت فرایند چنین توسعه پایداری می‌توان ضمن بهبود جنبه‌های زیست شرافتمندانه در استان به عنوان یک منطقه مرزی و استفاده بهینه و معقول از امکانات سخت افزاری و نرم افزاری موجود در استان، ضمن تبدیل برخی تهدیدهای ناشی از توسعه نیافتگی و در حاشیه بودگی به فرصت، به تحکیم پایه‌های همزیستی و همکاری‌های ملی-محلی در ابعاد مختلف کمک کرد نتیجه چنین نگرش و تعامل پویایی می‌تواند تحرک بخشی به توسعه کلان ملی باشد (احمدرش، ۱۳۹۷: ۲۰۱).

۳-۱-۳- قاجاق کالا

قاجاق کالا عمدتاً از طریق مناطق مرز نشین صورت می‌گیرد، که دلایل متعددی در این زمینه از سوی پژوهشگران بیان شده است. مطمئناً نزدیکی این استان‌ها با کشورهای همسایه و زمینه‌های موجود در مراودات اقتصادی غیررسمی با آن‌ها و نیز اشتراکات فرهنگی و نزدیکی سبک زندگی میان مردم در اطراف مرزهای مشترک، بر گسترش قاجاق در مناطق مرزی تأثیر گذار است. اما به استناد شواهد آماری و نیز با توجه به روند توسعه در کشور به نظر می‌رسد یکی از عوامل تأثیرگذار در این زمینه، توسعه نیافتگی مناطق مرزی است که عمدتاً برآمده از رهیافت‌ها و برنامه‌های توسعه در کشور در طی ده‌های اخیر است. عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. پدیده قاجاق کالا در کشور ما، علاوه بر آثار سوء اقتصادی به عنوان یک چالش اقتصادی و اجتماعی با اهمیت است. امروزه این پدیده علاوه بر اینکه به عنوان یک تهدید جدی بر سر راه تجارت آزاد است، هزینه‌های زیادی نیز بر بدنه اقتصادی کشور تحمیل می‌کند. قاجاق کالا از یک سو درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت را کاهش می‌دهد و از طرفی سبب خروج بی حاصل ارز، فرار گسترده سرمایه، افزایش بیکاری، کاهش تولیدات صنعتی داخلی و غیره می‌شود (شاطریان و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۸).

از یک سو به دلیل جوان بودن جمعیت و جذب نشدن نیروی کار به فعالیت‌های مولد و از سوی دیگر به دلیل وجود تقاضا برای تولیدات خارجی که نشأت گرفته از عدم اشباع خواسته‌های مردم از طرق رسمی و قانونی است، ورود کالاها از

مجاری غیرقانونی و غیررسمی و سودآوری بیش از حد آن را توجیه می‌کند. همچنین وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دوکشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات تسهیلات و بازار کالا در دو سوی مرز می‌شود، باعث خواهد شد تا مرزنشینانی که از توان اقتصادی ضعیف‌تری برخوردارند، اقدام به عبور کالا از مرز به منظور استفاده از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز کنند و در نهایت این فرآیند منجر به پدیده‌های شومی به نام قاچاق کالا می‌شود. بدین منظور توسعه اقتصادی استان، به ویژه شهرستان‌های مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی و حمایت و سرمایه‌گذاری دولت بر قاچاق کالا می‌تواند تأثیر مثبت داشته باشد. از سوی دیگر افزایش فعالیت‌های سالم و سرمایه‌گذاری دولت در مناطق مرزی، مشروط به عدم اختلاف فاحش اقتصادی در دو سوی مرز نیز می‌تواند بر کارکرد ارتباطی مناطق مرزی مؤثر بوده که این امر نیز در کاهش قاچاق کالا تأثیر مثبت دارد. حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و تبدیلی در مناطق مرزی، فعال کردن قابلیت‌های توریستی استان، ایجاد بازارچه‌های مرزی و غیره از جمله روش‌هایی است که می‌تواند در افزایش تعاملات قانونی و کاهش قاچاق کالا مؤثر باشد. در نهایت می‌توان گفت که با توجه به برنامه‌های توسعه پس از انقلاب که نگاهی بخشی به توسعه داشته‌اند، نیاز به برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای در قالب رویکرد آمایشی ضروری به نظر می‌رسد، چرا که دستیابی به توسعه متعادل اجتماعی - اقتصادی که دولت بار اصلی توسعه را به دوش می‌کشد، اگر غیرمحمتمل نباشد، در حالی خوشبینانه بدون آمایش سرزمین، امری طولانی و زمان بر خواهد بود (شاطریان و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۸).

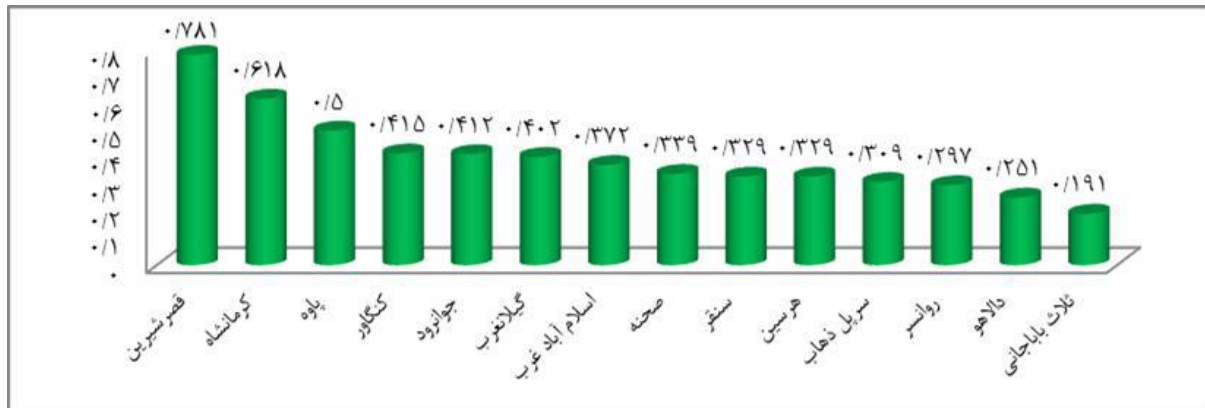
۳-۲-۳- اجتماعی

توسعه اجتماعی شامل رشد در جنبه‌های اجتماعی زندگی، نظیر بهداشت و درمان، آموزش و تعلیم و تربیت، اشتغال، و موارد مشابه آن است که در نهایت تأمین کننده رفاه اجتماعی و اهداف مربوط به آن که توسعه و امنیت پایدار است (صیدایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۳). بر این اساس، مطالعه نابرابری‌های اجتماعی، آموزشی و رفاه استانی، یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات به منظور تأمین توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و اصلاح آرایش فضایی اقتصاد ملی و منطقه‌ای می‌باشد. این امر می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های منطقه‌ای تحت تأثیر قرار دهد (شاطریان و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۸). در این بخش به سه وضعیت؛ بهداشتی - درمانی، آموزشی و مهاجرت در زمینه‌ی جنبه‌های اجتماعی استان پرداخته شده است.

۱-۲-۳- وضعیت نابرابر بهداشتی درمانی در سطح استان

امروزه کیفیت و سلامت شرایط زندگی ساکنان شهرها و روستاها به عنوان هدف اصلی سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای محسوب می‌شود. همچنین، وضعیت بهداشتی و درمانی جامعه به عنوان مسأله‌ای ضروری و مهم مدنظر برنامه‌ریزان است. خدمات بهداشتی را باید به عنوان یکی از اجزای غیر قابل تفکیک توسعه اجتماعی در نظر گرفت که بایستی دارای اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های روشن باشد بنابراین توزیع عادلانه و مناسب‌تر امکانات و خدمات بهداشتی درمانی و به طور کلی بعد سلامت انسانی، یکی از اجزای اصلی توسعه پایدار و همه جانبه محسوب می‌شود. کمیسیون امنیت انسانی، سلامت را نه تنها نبود بیماری، بلکه به عنوان مرحله‌ای که در آن رفاه اجتماعی و آرامش روحی و فیزیکی کامل وجود دارد، تعریف کرده است (صیدایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۳). طبق پژوهشی که در سطح‌بندی کرمانشاه و شهرستان‌های آن از لحاظ شاخص‌های بهداشتی درمانی از تقسیم بندی سازمان ملل، که به درجه بندی شاخص توسعه انسانی در سه دسته، توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم پرداخته و استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که کرمانشاه و شهرستان‌های آن، به لحاظ برخورداری از شاخص‌های بهداشتی درمانی، در سطح توسعه یافته قرار ندارد. همچنین، شهرستان‌های قصر شیرین و ثلاث‌باباجانی به ترتیب برخوردارترین و محرومترین شهرستان استان به لحاظ بهره مندی از شاخص‌های بهداشتی درمانی

هستند (صیدایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۰). همان گونه که در نمودار ۱ ترسیم شده، شهرستان‌های ثلاث‌باباجانی، دالاهو، روانسر به ترتیب امتیاز نامساعدترین شرایط را به لحاظ برخورداری از شاخص‌های بهداشتی درمانی در بین سایر شهرستان‌های استان دارا می‌باشند. در مجموع هیچیک از شهرستان‌های استان به لحاظ برخورداری از شاخص‌های بهداشتی درمانی در سطح توسعه بالا قرار نگرفته و حدود ۲۱ درصد شهرستان‌های استان در سطح توسعه متوسط و حدود ۷۹ درصد شهرستان‌های استان در سطح توسعه محروم قرار گرفته‌اند (صیدایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۹-۵۸).



نمودار ۱: اولویت‌بندی نهایی شهرستان‌های استان کرمانشاه به لحاظ برخورداری از شاخص‌های بهداشتی درمانی با استفاده از مدل تاپسیس (منبع: صیدایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۱)

۲-۲-۳- غلبه رابطه مرکز- پیرامون در وضعیت آموزشی

سازمان‌های بین‌المللی از جمله یونسکو برای عملیاتی کردن معیارهایی همچون اخلاق، احترام، مسؤولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی به زندگی اجتماعی، یکپارچگی اکولوژیکی، عدالت، برابری اقتصادی و اجتماعی، منفعت جامعه، برنامه‌ریزی آموزشی و تفکر استراتژیک، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ را به عنوان دهه ملل متحد برای آموزش در توسعه پایدار اعلام کردند. هدف اصلی آن، یکپارچه کردن ارزش‌های ماندگار توسعه پایدار به منظور آماده کردن شهروندان برای رودررویی مستقیم با چالش‌های حال و آینده، تصمیم‌گیری توأم با مسؤولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در جهت یک جامعه پویا و زنده مورد توجه قرار می‌گیرد. در جهان پیوسته و در حال تغییر و تحول کنونی، کشوری پیشرفته خواهد بود که دارای نظام آموزشی کارآمد، مترقی، منعطف و پویا باشد. چالش‌ها و فرصت‌هایی که نظام آموزشی با آن مواجه است هر ساله رو به افزایش هستند. هم‌چنین تصمیمات و انتخاب‌های مؤسسات همیشه در ارتباط با نیاز دانش‌آموزان، کارکنان، کارفرمایان و تغییرات جامعه پیچیده‌تر می‌شوند و همه این مراحل در برنامه‌ریزی استراتژیک مفید و سودمند اهمیت دارند. اصلی‌ترین محور توسعه، انسان و اولین گام در امر توسعه، تشکیل سرمایه انسانی است. از این رو سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش به مثابه یک راهبرد تعیین‌کننده نقش قابل توجهی در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع ایفا می‌کند. به طوری که امروزه تغییر و تحول در شاخص‌های توسعه جوامع، همبستگی مستقیمی با میزان سرمایه انسانی پیدا کرده است (دارابی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

سرمایه هر انسانی آموزشی است که بتواند او را در فرایند زندگی اجتماعی از ظرفیت تولید بالاتری بهره‌مند سازد و بدون تردید آموزش در روند توسعه اقتصادی، اجتماعی، نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری در آن نقش بسیار کلیدی و محوری داشته و شرط لازم توسعه پایدار به شمار می‌رود. در نتیجه از طریق آموزش می‌توان شکاف‌های درآمدی و رفاهی را کاهش داد که این خود بر توسعه پایدار کشور تأثیر می‌گذارد (ویسی ناب و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۵). استان کرمانشاه که مورد مطالعه ماست، بین شهرستان‌های استان آن از نظر خدمات‌دهی آموزشی با شهرستان‌های تابع، تفاوت چشم‌گیری وجود دارد، به گونه‌ای که توسعه‌ی آموزشی شهر کرمانشاه در سطح بالایی نسبت به شهرستان‌های آن قرار دارد و شهرستان‌های کرمانشاه و مناطق

روستایی آن در سطح محرومی از توسعه آموزشی قرار دارند(اسماعیل زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۵۵). این مهم، نگاه مرکز - پیرامون را در امر توسعه آموزشی نشان می‌دهد. غلبه این نگاه بر سیستم آموزشی استان موجب عدم توسعه متوازن خواهد شد.

۳-۲-۳- مسئله مهاجرت

مهاجرت و چگونگی توزیع مجدد جمعیت در داخل کشور یکی از اساسی‌ترین عواملی است که سیاست‌گذاران اقتصادی - اجتماعی برای کنترل جمعیت و جهت دادن به جابجایی‌های جمعیتی و نیز هدایت جمعیت به سوی قطب‌های اقتصادی به آن توجه دارند و شناخت علمی پدیده مهاجرت به عنوان پایه و اساس مدیریت و سیاستگذاری در کشور است. متغیرهایی که افراد را به سوی مهاجرت سوق می‌دهد شامل؛ نرخ بیکاری، فاصله جغرافیایی، همسایگی، میزان شهرنشینی، تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت در منطقه مبدأ و مقصد می‌باشد. بررسی روند جمعیت شهری و نرخ رشد شهری استان نشان می‌دهد که روز به روز بر جمعیت شهر نشین آن افزوده شده است، از جمله دلایل این افزایش می‌توان به دلایل اقتصادی اشاره نمود که شهرها به دلیل مرکزیت اقتصادی و تنوع شغلی داری جذابیت بیشتری برای زندگی بوده و مهاجر پذیر شده‌اند و ادامه این روند منجر به مشکلات بیشتر زیست محیطی و پایین آمدن کیفیت زندگی در نواحی شهری خواهد شد، لذا سیاست عدم تمرکز اقتصادی در شهرها و انتقال بخشی از صنایع شهری به روستاها برای تثبیت جمعیتی و جلوگیری از اضافه شدن جمعیت مهاجر شهری ضروری می‌باشد(موسوی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۰). تسلط رویکرد مرکز - پیرامون در سطح استان کرمانشاه به گونه‌ای است که بین تمرکز خدمات در مرکز استان با تعداد جمعیت رابطه‌ی مستقیم، و با عامل فاصله رابطه‌ی معکوس دارد، یعنی هرچه به سمت مرکز استان نزدیک می‌شویم، بر میزان تمرکز جمعیت و خدمات افزوده می‌شود و هر چه از این بخش فاصله می‌گیریم، تعداد جمعیت و سطح خدمات نیز کاهش می‌یابد. که این روند به افزایش فقر در روستاها، تخلیه جمعیت روستایی، رشد مهاجرت‌های روستا شهری منجر شده است(اسماعیل زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۶۸).

۳-۳- سیاسی - امنیتی

استان کرمانشاه یکی از استان‌های مرزی است که به لحاظ ویژگی‌های قومی و مذهبی از جمله متنوع‌ترین استان‌های کشور می‌باشد که از نظر قومی محل تلاقی دو قوم بزرگ و کهن ایرانی یعنی اقوام کُرد و لر بوده و از لحاظ تاریخی از اقوام سیاست پذیر کشور، از نظر مذهبی ترکیبی از شیعیان، اهل سنت و فرقه اهل حق می‌باشد که این امر باعث سست شدن پایه های وحدت در استان شده است. لذا استان کرمانشاه با چنین ویژگی‌های جمعیتی متنوع و تأثیرپذیری که از جریان قوم کُرد دارد، در صورت نادیده گرفته شدن این امر توسط مسئولین امنیتی می‌تواند در آینده، تحولات استان را با چالش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی مواجه کند(دالوند فر، ۱۳۹۳: ۳۵).

تضاد مذهبی این قومیت‌ها با مذهب رسمی کشور می‌تواند اهداف سیاسی و امنیتی کشور را متأثر سازد، ارتفاعات دالاهو از نظر ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی حائز اهمیت بوده، زیرا ارتفاعات این منطقه به شهرستان‌های سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی تسلط کامل دارد و با توجه به وجود قومیت قلخانی(اهل حق) در این منطقه و عدم سازگاری این مردم با حکومت مرکزی و وضع نامناسب اقتصادی در این منطقه می‌تواند تهدیدی برای امنیت کشور باشد. در پژوهشی که توسط دالوندفر به شکل میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته، اهل تسنن با ۷۷/۹ درصد، فرقه اهل حق ۶۸ درصد و جمعیت شیعه ۲۲/۸ درصد در گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد رتبه بندی شده‌اند که در ارتباط با سؤال پایین بودن سطح اشتغال اهل سنت می‌توانند نسبت به شیعیان و فرقه اهل حق امنیت سیاسی استان را بیشتر به چالش بکشند. همچنین به دلیل عدم تطابق معیارهای اهل تسنن و اهل حق با برخی شرایط لازم نیازهای استخدامی، کمبود کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی، سطح اشتغال در این منطقه پایین بوده و وجود بیکاری را افزایش داده که همین امر می‌تواند از فاکتورهای مؤثر در ایجاد ناامنی‌های سیاسی در این مناطق مرزی شود(دالوند فر، ۱۳۹۳: ۵۲-۴۷).

در مجموع با بررسی که از وضع موجود استان در سه زمینه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی- امنیتی صورت گرفت و ضعفها و تنگناهای هر کدام از این عرصه‌ها، که می‌تواند توسعه و امنیت پایدار در این استان را با مشکل مواجه سازد، لزوم توجه برنامه‌ریزان را در برنامه‌ریزی‌های راهبردی، به رویکرد آمایشی و استفاده از ابزارهای آن برای توسعه استان ضروری می‌نماید. چرا که در واقع دولت‌ها به عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی، در خلال گفت‌وگوهایشان، جهان تحت نظارت خود را هدایت می‌کنند، با استناد به بررسی‌های تجربی، تا حد زیادی این قضیه اثبات شده که توسعه نیافتگی مناطق پیرامون و حاشیه کشور متأثر از شیوه سیاست‌گذاری‌های نامناسب و نامتوازن توسعه بوده است (احمدرش، ۱۳۹۷: ۱۸۶). از این رو با توجه به رویکرد آمایشی، برای رسیدن به وضع مطلوب در برنامه‌ریزی‌های راهبردی توسعه، در ذیل به تحلیل و بررسی ظرفیت‌های توسعه استان می‌پردازیم.

۴- رهیافت آمایشی و ظرفیت‌های توسعه در استان کرمانشاه

۴-۱- اثر اقتصادی بازارچه‌های مرزی

تردیدی نیست یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین مفروضات در طرح آمایش سرزمین در چارچوب منطقه‌بندی، موضوع چگونگی مناسبات کشور با سایر کشورها و نقش جایگاه در قیاس بین‌المللی است. بدون داشتن یک دیدگاه مشخص نسبت به روابط و چگونگی مناسبات اقتصادی و فرهنگی کشور با سایر کشورها (خصوصاً کشورهای منطقه) طرح آمایش سرزمین نمی‌تواند دارای تحول‌آفرینی مورد انتظار باشد. علی‌رغم ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در مناطق مرزی باید گفت یکی از ویژگی‌های اصلی این مناطق، دوری از مرکز کشور است این مسئله جغرافیایی که بیشتر از طبیعت مناطق مرزی ناشی می‌شود و این دوری به لحاظ سیاست‌های غیر آمایشی و مرکز محور بودن، پیامدهای نامطلوبی را برای مناطق به همراه دارد که مهم‌ترین آن، محرومیت شدید و حاشیه‌ای بودن این مناطق و قرار نگرفتن آن‌ها در مسیر امواج آمایشی توسعه کشور است. تنگناهای موجود در دوسوی مرز باعث شده تا کشورهای همسایه برای توسعه مناطق مرزی، عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز افزایش همکاری‌های متقابل منطقه‌ای اقدام به ایجاد "بازارچه‌های مرزی" نمایند (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۰-۸۲).

در دهه‌های اخیر در تحقیقات توسعه‌ای اعم از تحقیقات اقتصادی و اجتماعی و اکولوژیک به مناطق مرزی و تأثیرات مرزی توجه بسیاری صورت گرفته است. این رغبت و علاقه وافر به مناطقی که در امتداد مرزهای همگرایی کشورها قرار گرفته‌اند به طور مشخصی از این تصور نشأت گرفته که این مناطق جغرافیایی ویژه، ممکن است موجب ایجاد سازگاری و همسانی اقتصادی در همگرایی بین کشورها گردد (Niebuhr, ۲۰۰۲). در مجموع اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقشی اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر، تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشد (Chandoevrit, ۲۰۰۴: ۱۴۵). روش برنامه‌ریزی فضایی ملی یکی از ضرورت‌های توسعه متعادل فضایی در سطح ملی است و یک ضرورت برای پویا کردن اقتصاد مناطق کشور به ویژه استان کرمانشاه است. در این میان مکان‌یابی بازارچه‌های مرزی به عنوان یکی از ابزارها و رهیافت‌های آمایشی در این استان می‌تواند از جایگاه مناسبی برخوردار باشد. بازارچه‌های مرزی استان کرمانشاه، شامل: بازارچه مرزی شوشمی (پاوه)، بازارچه مرزی شیخ صالح (ثلاث باباجانی)، بازارچه مرزی پرویزخان (قصرشیرین)، بازارچه مرزی تیله کوه (سرپل ذهاب) می‌باشند که دارای پتانسیل بالایی در توسعه و رونق استان هستند. در واقع استان کرمانشاه با ۳۷۱ کیلومتر مرز مشترک با ۲ بخش گُرد و عرب نشین کشور عراق و داشتن ۶ مرز رسمی و بازارچه فعال، می‌تواند در صادرات کالاهای غیرنفتی به عراق نقش مهمی داشته باشد.

۴-۲- رونق صنعت گردشگری

استان کرمانشاه استعدادهای تاریخی، طبیعی، زیارتی- مذهبی و انسانی فراوانی دارد که عمدتاً ناشکفته باقی مانده است. از این استعدادهای می توان در جذب گردشگر و نهایتاً کمک به توسعه اجتماعی و اقتصادی بهره گرفت (شهبازی و قهیه ای، ۱۳۹۳: ۶۹). تمرکز بر این جاذبه‌ها، در چارچوب برنامه‌ریزی‌های آمایشی، که یکی از اصلی‌ترین پتانسیل‌های استان است می‌تواند موجبات توسعه پایدار را در استان شکل دهد. بیش از چهار هزار اثر باستانی از دوره مادها، هخامنشی، ساسانی، سلجوقی تا زمان قاجار، یک اثر ثبت شده جهانی، بیش از ۲ هزار و ۲۰۰ اثر ثبت شده ملی، موسیقی همگی می‌تواند به رونق صنعت گردشگری در این استان کمک کند. این صنعت می‌تواند موجب تغییرات اقتصادی- اجتماعی شود.

طی پژوهشی، ۶۸ درصد کارشناسان وضعیت آثار تاریخی را در جذب گردشگری بسیار خوب ارزیابی کرده‌اند. بدین سان شهر کرمانشاه با داشتن آثار تاریخی و به یاد ماندنی، می‌تواند وضعیت مناسبی را در جذب گردشگری داشته باشد. امکانات و خدمات گردشگری نقش زیادی در توسعه گردشگری دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که وضعیت امکانات و خدمات رفاهی و اقامتی در شهر کرمانشاه ضعیف است. و طبق برآوردها وضعیت دسترسی و حمل و نقل در این استان راضی کننده نیست و برای توسعه گردشگری، داشتن یک برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه لازم است. گردشگری و بهبود زیرساخت‌ها و امکانات رابطه متقابل با هم دیگر دارند و توسعه هر کدام به توسعه دیگری منجر می‌شود. توسعه صنعت گردشگری در این استان، منوط به برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح مسئولین و جذب سرمایه گذاری‌های دولتی و خصوصی در طرح‌ها و پروژه‌های گردشگری است. شایان ذکر است که توسعه فعالیت گردشگری تنها به دستاوردهای اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای اجتماعی و فرهنگی نیز حائز اهمیت است. از جمله سبب حفظ میراث تاریخی و فرهنگی شهر، ایجاد امکان انتقال ارزش‌های فرهنگی مثبت به سایر مردمان، افزایش فضاها و مکان‌های عمومی و غنی شده تجارب فرهنگی افراد جامعه می‌شود (صیدیایی و رستمی، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۹۵).

۴-۳- ارتقاء شاخص‌های کالبدی استان

توسعه تجارت و بازرگانی استان نیازمند توسعه شبکه ارتباطی راه‌ها است، و وزارت راه و شهرسازی در این ارتباط می‌تواند نقش بی‌بدیلی در امر توسعه پایدار استان کرمانشاه ایفا کند. برای مثال برای افزایش مراودات تجاری استان با عراق و استفاده بیش از پیش از ظرفیت‌های بازار عراق، نیازمند زیرساخت‌های لازم در مرزهای تجاری کرمانشاه هستیم به‌گونه‌ای که تجار و بازرگانان بتوانند با صرف کمترین زمان و هزینه و بدون وارد شدن در بروکراسی‌های معمول اداری، مبادلات خود با کشور عراق را انجام دهند. زیرساخت‌های مناسب سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای کاهش هزینه‌های تمام شده سرمایه‌گذار شامل اصلی‌ترین زیرساخت‌ها مانند: زمین، آب، برق، گاز، راه و راه آهن و فرودگاه باری، نیروی انسانی دارای مهارت و تخصص، از قبل آماده سازی و مهیا نشده است. لذا سرمایه‌گذار پس از ورود به استان و مواجه شدن با نبود این عناصر، تمایل خود را از دست داده و به جای دیگری می‌رود (ایرنا، ۱۳۹۸). امکانات و ارتباطات مواصلاتی از طریق بازارچه‌های مرزی برای صادرات به عراق ضعیف است و نیازمند ایجاد زیر ساخت‌ها و توسعه لازم در این نواحی است. یکی از اصلی‌ترین زیرساخت‌های توسعه، راه و جاده است که کرمانشاه و به خصوص شهرستان‌ها از جمله جاده‌ای که به ثلاث باباجانی و از آن جا به بازارچه شیخ صالح هدایت می‌شود از وضعیت نامطلوبی برخوردار است و به دلیل تردد ماشین‌های ترانزیتی نیاز مبرمی به ساخت، ترمیم و بازسازی دارد. در این زمینه باید هرچه سریع‌تر خط راه‌آهن به کرمانشاه رسیده و سپس از کرمانشاه به مرز خسروی برسد و در نهایت به کشور عراق متصل شود، چرا که خسروی نزدیک‌ترین نقطه برای دسترسی به بازار سوریه و حتی مدیترانه می‌تواند باشد. چون در دوران پسا داعش ظرفیت عظیم بازار بازسازی عراق را نباید از دست داد.

رونق صنعت گردشگری به عنوان یکی از پتانسیل‌های استان رابطه متقابل با بهبود زیرساخت‌ها و امکانات دارد و توسعه هر کدام به توسعه دیگری منجر می‌شود. از این رو توسعه این صنعت نیازمند به برنامه ریزی در زمینه بهبود زیر ساخت‌ها و خدمات است. مرزها باید یک فرصت برای کرمانشاه باشد نه به لحاظ نداشتن زیرساخت به یک تهدید تبدیل شود. زیرا این مرزها اگرچه در کرمانشاه واقع شده‌اند اما بر روی اقتصاد کشور اثر دارند. متولین امر باید توجه ویژه‌ای را به توسعه زیرساخت

های استان داشته باشند چون در غیر این صورت امکان توسعه پایدار در این استان از بین می‌رود و نتیجه‌ی آن نیز ناامنی و از دست رفتن امنیت پایدار در این استان است. در جدول ۱ تنگنای توسعه‌ای و ظرفیت‌های استان جهت شناسایی نقاط ضعف و فرصت‌ها در چارچوب آمایش سرزمینی، برای تحقق توسعه و امنیت پایدار، نمایش داده شده است.

جدول ۱: تنگنای توسعه‌ای و ظرفیت‌های استان در چارچوب آمایش سرزمینی برای تحقق توسعه و امنیت پایدار

تنگنای توسعه در استان کرمانشاه	رهیافت آمایشی و ظرفیت‌های توسعه در استان کرمانشاه
❖ اقتصادی: <ul style="list-style-type: none">• عدم ارائه الگوی مطلوب برای سرمایه گذاری• ناپایداری معیشت مرزنشینان• قاچاق کالا	❖ اثر اقتصادی بازارچه های مرزی
❖ اجتماعی: <ul style="list-style-type: none">• وضعیت نابرابر بهداشتی - درمانی در سطح استان• غلبه رابطه مرکز- پیرامون در وضعیت آموزشی• مسئله مهاجرت	❖ رونق صنعت گردشگری
❖ سیاسی - امنیتی	❖ ارتقاء شاخص‌های کالبدی استان

(منبع: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

تحقق توسعه‌ی پایدار، نیازمند تغییرات اقتصادی، اجتماعی و محیطی برای افزایش، ترقی رفاه و خوشبختی طولانی مدت کل اجتماع است. به عبارت دیگر، توسعه پایدار با هدف برطرف کردن احتیاجات انسانی و بهبود کیفیت زندگی، به عنوان قالب مناسب برای نگرش به نحوه بهره‌برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان و طبیعت محسوب می‌شود. توسعه پایدار آن روی سکه امنیت پایدار است، از اینرو، پایداری امنیت نتیجه کاهش فقر، بیکاری و برابری شهروندان است و فقدان وجود مؤلفه‌های امنیت پایدار، سبب ناامنی و ناامنی منجر به توسعه نیافتگی و بی‌ثباتی در جامعه خواهد شد. این دو مقوله اهمیتی دو چندان در مناطق مرزی از جمله استان کرمانشاه دارند. استان کرمانشاه به رغم وجود قابلیت‌های فراوان، در شاخص‌های اجتماعی، اقتصاد و سیاسی - امنیتی در سطح مطلوبی قرار ندارد و این امر موجب شده از چرخه توسعه باز بماند، و این توجه برنامه‌ریزان را در برنامه‌ریزی‌های راهبردی، به رویکرد آمایشی و استفاده از ابزارهای آن برای توسعه استان می‌طلبد. چرا که با استناد به بررسی‌های تجربی، تا حد زیادی این قضیه اثبات شده که توسعه نیافتگی مناطق پیرامون و حاشیه کشور متأثر از شیوه‌ی سیاست گذاری‌های نامناسب و نامتوازن توسعه بوده است. در نتیجه نبود ارتباط ارگانیک میان برنامه ریزی‌های استراتژیک در سطح کلان، و شرایط و پتانسیل‌های درونی استان، زمینه ساز اصلی به اجرا درنیامدن کامل برنامه‌ها بوده است. در این پژوهش، پس از ارزیابی شرایط موجود اقتصادی، اجتماعی، سیاسی - امنیتی، استان می‌توان گفت پیوند طرح‌های آمایشی و نگرش سیستمی به توسعه و امنیت پایدار استان کرمانشاه، ضعیف و در اولویت برنامه‌ریزی‌های راهبردی متولیان امر نمی‌باشد. این موضوع موجب غلبه تنگناها و موانع توسعه‌ای بر پتانسیل‌های استان شده که در بلند مدت موجب تهدید و ناامنی همراه با کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش خشونت خواهد بود که این برخلاف سیاست‌های کلی آمایش سرزمینی ابلاغی مقام معظم رهبری، یعنی سامان بخشی فضای مناسب مراکز زیست و فعالیت به ویژه در مناطق مرزی با تأکید بر مشارکت مؤثر مردم است. از این رو آمایش مناطق مرزی، یکی از رویکردهای اساسی در عرصه برنامه ریزی‌های راهبردی است. این مهم امکان هماهنگ کردن برنامه‌ها با شرایط درونی استان در سطوح منطقه‌ای و محلی

برای توزیع بهتر منابع و فرصت‌ها را به سیاست گذاران جهت تحقق توسعه و امنیت پایدار می‌دهد. در قالب رویکرد آمایشی در زیر به ارائه پیشنهادهای جهت بهره‌گیری هر چه بهتر از مزیت‌های استان داده شده است:

- تمرکززدایی از سیاست گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در مرکز کشور
- بهره‌گیری از موقعیت منحصر به فرد استان با ایجاد مناطق آزاد تجاری و بازارچه‌های مرزی جهت توسعه تجارت و صادرات محصولات داخلی
- بهره‌برداری از منابع معدنی و کانی غنی استان
- افزایش همکاری‌ها با کشورهای همسایه از طریق توسعه انواع زیرساخت‌های کالبدی شامل تعداد گمرک‌ها، حمل و نقل، راه آهن، جاده و غیره.
- استفاده از ظرفیت نهادهای نظامی جهت سرمایه‌گذاری در مناطق محروم استان مانند ثلاث باباجانی برای سرمایه‌گذاری در بخش صنایع تبدیلی و احداث انواع کلینیک‌های بهداشتی - درمانی.
- توسعه زیرساخت‌های استان و حمایت بخش خصوصی برای ایجاد نیروگاه و صادرات برق به عراق
- به‌کارگیری نخبگان قومی و مذهبی همسو در ارکان سیاسی - اجرایی کشور و تسهیل روند استخدامی‌ها برآورد تحصیل کردگان به بازار کار.
- بهره‌گیری از ظرفیت منحصر به فرد گردشگری استان و ایجاد و راه‌اندازی امکانات و خدمات در جهت بالفعل کردن این ظرفیت
- لزوم توجه و حمایت از صنایع دستی استان برای صادرات به بازارهای داخلی و خارجی.

منابع

کتاب و مقالات

۱. آفتاب، احمد؛ هوشمند، اکبر، (۱۳۹۷)، تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی با رویکرد آمایش سرزمین، فصلنامه رابعبرد دفاعی، سال ۱۶، ش ۶۳، پاییز، صص ۱۸۷-۱۵۳
۲. افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ پاپلی یزدی، محمد حسین؛ عبدی، عرفان، (۱۳۸۷)، ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح شهرستان ثلاث باباجانی، استان کرمانشاه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۴، ش ۲، تابستان، صص ۱۰۹-۸۲.
۳. اسماعیل زاده، حسن؛ صفرخانی، رضوان؛ محمودی، حسین؛ (۱۳۹۷)، تحلیل بر سطح توسعه یافتگی مناطق استان روستایی شهرستان‌های استان کرمانشاه، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، ش ۲، تابستان، صص ۳۷۴-۳۵۵.
۴. برایسون، ج. ام، (۱۳۸۱)، برنامه ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیر انتفاعی، ترجمه عباس منوریان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۵. خلیلی، فرید؛ ایاسه، علی؛ امیریان، طیبه، (۱۳۹۶)، وضعیت و فرایند سرمایه‌گذاری در استان کرمانشاه، همایش بین‌المللی برنامه ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای، دانشگاه کردستان.
۶. دارابی، سلمان؛ نیستانی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، بررسی مقایسه‌ای میزان کاربست مؤلفه‌های برنامه ریزی استراتژیک در توسعه پایدار آموزش و پرورش شهرهای اصفهان و کرمانشاه، مطالعات برنامه ریزی آموزشی، دوره ۲، ش ۴، بهار و تابستان، صص ۱۳۶-۱۰۱
۷. دالوندفر، بختیار، (۱۳۹۳)، بررسی نقش اقوام و مذاهب در امنیت سیاسی استان کرمانشاه، فصلنامه مطالعات اطلاعات و امنیت نظامی، س ۵، ش ۱، بهار، صص ۵۶-۳۳.

۸. رهنمایی محمد تقی؛ پورموسوی، سید موسی (۱۳۸۵)، بررسی ناپایداری های امنیتی کلان شهر، تهران بر اساس شاخص های توسعه پایدار شهری، پژوهش های جغرافیایی شماره ۵۷، پاییز، صص ۱۹۳-۱۷۷.
۹. زالی، نادر، (۱۳۸۳)، بررسی و تحلیل نگرش های جغرافیایی در توسعه منطقه ای و تطبیق آن با ویژگی های استان آذربایجان شرقی، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
۱۰. سرور، رحیم؛ محمدی حمیدی، سمیه؛ ویسیان، محمد؛ (۱۳۹۳)، بررسی شاخص های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی شهرستان های مرزی استان آذربایجان غربی)، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ۲، ش ۷، پاییز، صص ۵۴-۲۵.
۱۱. شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر؛ گنجی پور، محمود، (۱۳۹۳). تحلیل راهبردی مناطق مرزی مطالعه موردی؛ شهرهای مرزی استان کردستان)، فصل نامه مطالعات شهری، ش ۱۱، تابستان، صص ۱۰۱-۸۷.
۱۲. شهبازی، طاهره؛ قهیه ای، یهناز، (۱۳۹۳)، ارزیابی مشکلات، موانع، نیازهای صنعت گردشگری از دیدگاه اقتصادی در استان کرمانشاه (با تأکید بر پارک جنگلی طاقبستان)، جغرافیایی فضای گردشگری، دوره ۳، ش ۱۱، تابستان، صص ۷۸-۶۹.
۱۳. صیدایی، سید اسکندر، جمینی، داوود؛ جمشیدی، علیرضا، (۱۳۹۳)، تحلیلی بر وضعیت شاخصهای بهداشتی درمانی در شهرستانهای استان کرمانشاه با بهره گیری از مدل های AHP، TOPSIS و تحلیل خوشه ای، مجله علمی پژوهشی برنامه ریزی فضایی، سال ۴، ش ۱، بهار، صص ۶۴-۴۳.
۱۴. عندلپ، مطوف؛ شریف، علیرضا، (۱۳۸۸)، توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، باغ نظر، سال ۶، ش ۱۲، صص ۵۷-۷.
۱۵. موسوی، میرنجف؛ بهرامی جاف، ساجد؛ عزیزاده، فریده؛ شهبازی، محبوبه، (۱۳۹۷)، بررسی روند سیاست گذاری های جمعیت در آمایش مناطق مرزی کرمانشاه ۱۳۹۵-۱۳۶۵، علوم و فنون مرزی، دوره ۹، ش ۳، پاییز، صص ۹۰-۶۵.
۱۶. مختاری هس، حسین؛ مؤمنی، مهدی؛ باقری، مهرداد، (۱۳۹۳)، تدوین راهبردهای آمایش مناطق مرزی؛ مطالعه موردی مرزهای شرق کشور، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، ش ۳، پاییز، صص ۲۵۴-۲۳۷.
۱۷. ویسی ناب، فتح الله؛ بابایی اقدام، فریدون؛ علی پور، خالد؛ نیازی، چیا، (۱۳۹۴)، ارزیابی و رتبه بندی سطح توسعه یافتگی آموزشی استان های منطقه زاگرس با استفاده از مدل چند معیاره وایکور، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، دوره ۵، ش ۹، بهار و تابستان، صص ۲۹-۱۱.

منابع لاتین

۱. Chandoevrit, Worawan, Yongyuth Chalamwong, Srawooth Paitoonpong (۲۰۰۴), *Thailand's Cross BORDER ECONOMY, A Case Study of Sa Kaeo and Chiang Rai*, Thailand Development Resource Institute (TDRI).
۲. Johnston, R., ۲۰۰۴, *Dictionary of Human Geography*, Oxford.
۳. Martin, Elizabeth A. (۲۰۰۳). *A Dictionary of Law*, Oxford University Press, ۵th ed.
۴. Niebuhr, Annetrin & Silvia Stiller, (۲۰۰۲), *Integration Effects in Border Regions – A Survey of Economic Theory and Empirical Studies*, Hamburgisches Welt-Wirtschafts- Archiv (HWWA) Hamburg Institute of International Economics.
۵. Pedatzur, R. (۲۰۰۷), *The Iranian Nuclear Threat and the Israeli Options*, Contemporary Security Policy, Vol. ۲۸, No. ۳, PP. ۵۱۳-۳۰, ۵۴۱
۶. Tosics, I., & H. Szemző, & D. Illés, & A. Gertheis, Konstantinos & Lalenis, & D. Kalergis. (۲۰۱۰) *National spatial planning policies and governance typology*. PLUREL deliverable report ۲, no. ۱

منابع اینترنتی

۷. ایرانا، (۱۳۹۸)، زیرساخت های استان کرمانشاه نیاز به تقویت دارد، قابل دسترسی در سایت: <https://www.irna.ir/news>
۸. ایرانا، (۱۳۹۸)، ظرفیت های سرمایه گذاری و موانع پیش روی سرمایه گذاری در کرمانشاه.
۹. سالنامه آماری کرمانشاه، (۱۳۹۶)، معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه.

پایش نقصان های کارتوگرافی و لزوم بانک اطلاعات جغرافیایی

محمد مسلم مومن زاده^{*۱}

۱- کارشناس ارشد سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی دانشگاه خوارزمی

momenzade@iran.ir

چکیده:

کارتوگرافی علم و هنر و فن تهیه نقشه است. اهمیت نقشه هم، نه به رنگ آن مربوط می شود نه به نوع طراحی. در اصل اهمیت نقشه به صحت و دقت آن است. منظور از دقت در نقشه مقیاس است و صحت به درست بودن اطلاعات روی نقشه مربوط می شود. همه ی نقشه ها وقتی تهیه می شوند، قابل استناد هستند. به همین دلیل است که در نقشه هایی که صرفاً هدف نمایشی دارند حتماً باید ذکر شود: "مرزها سندیت ندارد."

آن چیز که در جریان تغییر نام خلیج فارس به نام مجعول خلیج عربی خیلی باید به چشم آید نقش کارتوگرافی است که برای اولین بار در قرن ۱۷ حین تهیه نقشه، رسالت خودش را فراموش کرد و نام دیرینه ای را برای اولین بار تغییر داد. و این رخدادهاست که اهمیت کارتوگرافی را دو چندان می کند. شاید تا کنون در کشور ما خیلی به اهمیت نقشه توجه نشده باشد در صورتی که یکی از نشانه های کشور های پیشرفته داشتن نقشه های بزرگ مقیاس است. و یکی از بزرگترین مشکلات ما نداشتن نقشه های کارا و به روز خصوصاً از مناطق مرزی است. اگر تمامیت ارضی برای ما مهم است باید طور دیگری به جغرافیا و خصوصاً کارتوگرافی توجه کنیم. در این مقاله برآن بر آمدیم تا به پایش نقصان های کارتوگرافی و ارائه راهکار های مناسب بپردازیم.

کلمات کلیدی: نقشه، کارتوگرافی، زیرساخت داده مکانی، داده های توصیفی، جی آی اس

مقدمه

واژه کارتوگرافی از دو کلمه Cart graphy تشکیل یافته است که Car یا Cartogram به معنی نقشه (آماري جغرافیایی) و graphy به معنی ترسیم کردن است.

بنابراین کارتوگرافی دانش تهیه نقشه است و از آنجا که نمی‌توان قسمتی از سطح کره زمین را به اندازه واقعی خود بر روی صفحه‌ای تصویر کرد باید عوارض و پدیده‌های مختلف زمین را به نسبت معینی کوچک نمود و این عمل براساس مبانی و اصول کارتوگرافی به نحوی انجام می‌گیرد که کاربران با توجه به نسبت کوچک شده و مشخصات فنی آن بتوانند به مقدار اصلی کمیت پی‌ببرند.

کارتوگرافی هنر، علم و فن تهیه انواع نقشه است که طی مراحل مختلف اندازه‌گیری و محاسبه و ترسیم بخشی یا تمام سطح کره زمین را بر سطحی مستوی با تکیه بر اصول ریاضی و تناسب هندسی به نمایش درمی‌آورد. تا در ساختار اقتصادی، فرهنگی، دفاع ملی، روابط بین الملل، تعلیم و تربیت، جهانگردی و موارد متنوع دیگر مورد استفاده قرار گیرد.

کارتوگرافی بیشتر یک هنر است تا علم؛ چون وظیفه یک کارتوگراف تنها نشان دادن اطلاعاتی خاص بر روی یک صفحه نیست بلکه باید این اطلاعات را به صورت سمبلیک و یا یک سری خطوط که موجودتیشان از ریاضی نشأت می‌گیرد، نشان بدهد و برای این کار، یک کارتوگراف باید به گونه‌ای عمل کند که بیننده ضمن درک مفاهیم، به دیدن نقشه علاقه‌مند گردد. یعنی در انتخاب سمبل‌ها، طراحی و رنگ آمیزی باید از اصول زیبا سازی استفاده بکند.

برای کارتوگرافی چند تعریف علمی وجود دارد که قبول هر یک از تعاریف و دامنه فعالیت آن متأثر از وضعیت نقشه برداری و نقشه های هر یک از کشورهای دنیاست. با وجود تمام اختلاف نظرها در تعریف کارتوگرافی به طور کلی دومعنا از کارتوگرافی مستقل می‌گردد.

کارتوگرافی عام، علم، هنر و فن ساختن نقشه است که کلیه مراحل تهیه نقشه یعنی ژئودزی، عملیات زمینی، فتوگرامتری، ترسیم و چاپ را شامل می‌شود.

اما کارتوگرافی خاص مراحل بعد از برداشت زمینی، فتوگرامتری و یا کلاً اطلاعات اولیه برای تهیه نقشه را شامل می‌شود و در حقیقت قسمت اعظم کار تهیه نقشه محسوب می‌گردد. کارهایی از قبیل تنظیم پیش نویس، ترکیب اطلاعات و استفاده از نقشه‌ها و مدارک مربوطه، انتخاب شبکه، تعیین علائم و نوشته‌ها، هماهنگی اطلاعات موجود در نقشه، طراحی اطلاعات حاشیه نقشه، انتخاب روش ترسیم و چاپ و تکثیر مراحل مختلف کارتوگرافی خاص را تشکیل می‌دهد. در ایران چون سازمانها و مؤسسات دولتی و خصوصی، نقشه‌های مختلف در سطوح گوناگون تهیه می‌کنند هر دو مفهوم کارتوگرافی را می‌توان در مورد آنها بکار برد. به عنوان مثال یکی از بزرگترین ارگانهای تهیه نقشه در ایران سازمان نقشه برداری کشور National Cartographic Center است. به طور کلی گردآوری اطلاعات اولیه و پروراندن و ارائه آن به صورت مطلوب و یا به عبارت دیگر عملیات مربوط به تهیه نقشه بر عهده کارتوگرافی است.

حاصل کار کارتوگراف و یا به عبارتی زبان کارتوگراف نقشه است و هدف یک کارتوگراف همواره استفاده از امکانات مختلف برای انتقال این پیام به بهترین وجه است و یک کارتوگراف باید به این زبان یعنی (زبان تصویر) تسلط داشته باشد تا بتواند با استفاده کننده ارتباط منطقی داشته باشد. امروزه کارتوگرافی به طور عمده کلیه فعالیتهای مربوط به آماده سازی نقشه و بهره‌گیری از نقشه را شامل می‌شود یعنی کارتوگرافی موضوعاتی نظیر آموزش، نحوه استفاده از نقشه، مطالعه سیر تکاملی کارتوگرافی، جمع آوری و بایگانی نقشه، تهیه کاتالوگ و فعالیتهای مربوط به تهیه فهرست و بالاخره طراحی و ساختن نقشه، چارت، پلان و اطلس را در بر می‌گیرد. مراحل تهیه نقشه در رابطه با نوع نقشه بسیار متنوع و متفاوت است. گر چه روشهای بهتر نقشه در جزئیات با هم اختلاف دارند لیکن دراصل از کلیت ویژه پیروی می‌نمایند و دارای وجوه مشترکی هستند که می‌توان آنها را اصول روش کارتوگرافی فرض کرد.

هر کار توگرافی در تهیه نقشه باید از ۵ اصل پیروی کند ۱ - مقیاس ۲ - سیستم تصویر ۳ - جنرالیزه ۴ - طراحی ۵ - ترسیم و تولید

مطالعه و بحث در چگونگی پراکندگی مکانی پدیده‌های مختلف و ارتباط آن با موقعیت و ویژگی‌های هر مکان یکی از اصول بنیادی جغرافیا می‌باشد. برای این منظور قبل از هر کار به یک توصیف دقیق و روشن از پدیده مورد مطالعه و فضای جغرافیایی آن نیاز است. از سوی دیگر ماهیت اکثر پدیده‌های جغرافیایی طوری است که جز از طریق نقشه و نمودار نمیتوان آنها را بطور دقیق و کامل توصیف کرد. به همین سبب است که بین جغرافیا و کار توگرافی یک پیوند ناگسستنی ایجاد شده است. در واقع پیدایش دانش کار توگرافی نتیجه همین نیاز به یک شیوه مناسب برای ثبت و بیان اطلاعات جغرافیایی بوده است (جداری عیوضی، ۱۳۸۳).

رشد سریع و لجام گسیخته جمعیت و افزایش پیچیدگی‌های زندگی مدرن و نیازی که انسان روز به روز به شناخت هر چه بیشتر منابع طبیعی و غیر طبیعی پیدا میکند، باعث شده که انسان محیط زیست خود را از جنبه‌های مختلفی همانند: ناهمواری‌های سطح زمین، شبکه آبراهه‌ها، وضعیت راهها، پوشش گیاهی، کاربری اراضی، وضعیت زمینشناسی و غیره به طور دقیق مورد مطالعه قرار دهد که ماحصل این گونه مطالعات، تهیه نقشه‌های موضوعی متعددی است که در زمینه‌های مختلف علمی تولید شده و زمینه مطالعه و تحقیق را برای سایر علوم یا اجرای پروژه‌های مختلف عمرانی، راهسازی، معدن کاوی و... را فراهم آورده است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸) (بعلاوه در تمامی برنامه‌ریزی‌ها برای توسعه یک منطقه دسترسی به داده‌ها و اطلاعات دقیق جغرافیایی از اصول بدیهی و اولیه است اما در اکثر مطالعات در خصوص داده‌های مکانی و توصیفی با اشکال متفاوتی مواجه هستیم. کمبود داده‌های مکانی به خصوص برای اکثر مناطق مرزی کشور، یا وجود آمارهای متفاوت در سطح ملی و مدیریتهای استانی از این جمله‌اند برای مثال در یک تحقیق تحت عنوان «ژئوپلیتیک کرانه‌های دریایی ایران و مدیریت یکپارچه‌ی مناطق ساحلی» در اشاره به آمار و اطلاعاتی متعدد و متناقضی که در منابع مختلف در خصوص طول خط ساحلی استان مازندران وجود داشته تحت عنوان "یک ساحل: صد آمار" ۳ آورده شده است و یا برای طول مرز ایران و ترکیه ارقام بسیار متفاوتی ارائه شده است. موسسه دولتی آمار و سرشماری ترکیه، طول مرز ایران و ترکیه را ۵۲۹ کیلومتر، ۱۹۹۸، مرکز آمار ایران عدد ۴۸۶ کیلومتر، رزم آرا عدد ۵۰۰ کیلومتر حافظ نیا عدد ۴۸۶ کیلومتر، صناعی عدد ۵۱۱ کیلومتر، فلاح زاده عدد ۴۹۹ کیلومتر، و در نهایت رضایی عدد ۵۸۰ کیلومتر را ذکر کرده اند. (پیشگاهی فرد و سلطانی خلیفانی، ۱۳۸۸: ۲۰). بر اساس مطالعاتی که تحت عنوان تعیین طول خط سواحل شمال و جنوب ایران انجام شده است. طول خطوط ساحلی در شمال و جنوب کشور به تفکیک استانهای ساحلی و همچنین جزایر و طول رودخانه در دو مقیاس ۱:۲۵۰۰۰ و ۱:۲۵۰۰۰ استخراج گردید که نتایج آن در جداول ۴ ارائه گردیده‌اند. (موسوی، سید ابوالفضل، و دیگران، ۱۳۸۹). در حالی که آمار اعلام شده از طرف مسئولین و در سایتهای معتبر با مقادیر برآوردی تفاوت دارد. رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کنگان مرز مشترک این استان را با خلیج فارس ۷۰۷ کیلومتر اعلام کرد. (<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn>) مقدار اعلام شده با نتایج مطالعات مذکور که در این خصوص در سواحل جنوبی و شمالی کشور انجام شده .

۳- قسمتی از تناقضات آماری که در این تحقیق بدان اشاره شده است به شرح ذیل می باشد:

طبق آمار ۸۲ طرح سالم سازی دریا در طول ۳۴۰ کیلومتر نوار ساحلی مازندران... (ایرنا، ۱۳۸۵)؛
طبق اظهارات مسئولان استان مازندران از ۳۱۰ کیلومتر نوار ساحلی این استان، فقط ۴ کیلومتر آزاد باقی مانده است (کیهان، ۱۳۸۴/۵/۲)؛

بر اساس آمارهای رسمی، ۹۶ درصد از وسعت ۳۳۸ کیلومتری نوار ساحلی مازندران در مالکیت دستگاه های دولتی و بخش خصوصی می باشد (روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۱۱/۱۴)؛

بر اساس اظهارات مقامات مسئول در استان مازندران، حدود ۹۸ درصد از نوار ساحلی دریای مازندران در انحصار وزارت خانه ها، سازمان ها، نهادها و اشخاص قرار دارد (کیهان، ۱۳۸۴/۵/۱۰)؛

از مجموع ۳۳۷ کیلومتر ساحل دریای مازندران، تنها ۱۵ کیلومتر برای گردشگری آزاد اعلام شده است (اشیا، ۸۴/۵/۲)؛ بر پایه ی آمارهای منتشر شده از مجموع ۷۴۰ کیلومتر ساحل دریای خزر در کشورمان، فقط ۱۵ کیلومتر آن به طرح سالم سازی دریا اختصاص دارد (کیهان، ۸۴/۵/۲)؛ آمارهای موجود نشان می دهند که طول نوار ساحلی مازندران ۳۳۸ کیلومتر است که ۲۴۸ کیلومتر یا ۷۴ درصد در حریم آن ساخت و ساز انجام شده است (اشیا، ۸۴/۵/۲۵)؛ طبق آمار های سال گذشته، استان مازندران دارای ۳۳۸ کیلومتر خط ساحلی است که...قائم مقام معاونت دریایی سازمان محیط زیست ۸۶۰ (کریمی پور، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۰۹).

مقیاس	مبنا	خوزستان			هرمزگان		بوشهر		سیستان و بلوچستان			سواحل جنوب		
		سرزمین اصلی	جزایر	رودها	سرزمین اصلی	جزایر	سرزمین اصلی	جزایر	سرزمین اصلی	جزایر	سرزمین اصلی	جزایر	سرزمین اصلی بدون رودها	سرزمین اصلی با جزایر بدون رودها
	CD	831.17	761.43	257.13	74.78	870.07	658.13	1579.67	540.93	-	3821.84	4078.97	5573.31	
1:25000	MHHW	833	389.07	237.99	62.64	1036.03	666.04	1871.45	744.47	-	4484.95	4722.94	5840.69	
	میانگین	832.085	575.25	247.56	68.71	953.05	662.08	1725.56	642.7	-	4153.395	4400.96	5707.00	
	CD	525.49	394.79	78.68	61.81	652.60	570.47	991.76	405.59	-	2575.44	2654.12	3681.19	
1:250000	MHHW	694.81	352.52	232.76	57.92	667.5	556.50	1175.73	551.5	-	3089.54	3322.30	4289.24	
	میانگین	610.15	373.655	155.72	59.86	660.05	563.48	1083.74	478.54	-	2832.48	2968.20	3965.20	

MHHW = Mean Higher High Water

CD = Chart Datum

البته تفاوتها زمانی معنادار است که مقیاس کار مشخص باشد در حالی که این موضوع در اکثر مطالعات و گزارشها مورد توجه قرار نمیگیرد. در واقع با نبود یا دقیق نبودن داده ها و ناگزیر ناتوانی در تحلیل و تفسیر فضا، تعریف قلمروهای مدیریت سیاسی نیز ناممکن خواهد شد. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ به سوالات زیر است:

- مهمترین آسیبهای فراروی نقشه ها و دادههای مکانی در ایران کدام است؟
- میزان انطباق دادههای توصیفی و جغرافیایی پورتالهای رسمی کشور با اطلاعات نسبتا دقیق و استاندارد چقدر است؟ فرضیههای این تحقیق متناسب با پرسشهای فوق به شرح زیر است .
- فرضیه اول: مشکلات مربوط به ترجمه، تلفظ و فونتیک نامهای جغرافیایی در عملیات کارتوگرافی و فقدان سیستم استاندارد در سمبلگذاری، بیتوجهی به نوع سیستم تصویر و مقیاس مورد استفاده از جمله آسیبهای فراروی نامها و نقشههای جغرافیایی در زبان فارسی است .
- فرضیه دوم: به نظر میرسد که میان دادههای توصیفی و جغرافیایی پورتالهای رسمی کشور با اطلاعات نسبتا استاندارد تفاوت معنی داری وجود دارد.

مواد و روش ها

روش تحقیق در این پژوهش روش توصیفی- تحلیلی می باشد و روش جمعآوری مطالب روش کتابخانهای و مراجعه به پورتالهای رسمی حاوی اطلاعات آماری و توصیفی مربوط به استانهای مختلف کشور بوده است. درمورد آسیب شناسی نامها و نقشه های جغرافیایی به زبان فارسی نیز مشکلات مربوط به متا دیتا، مقیاس، سیستم تصویر، سمبلگذاری و فونتیک و تلفظ نامهای جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته است. برای پاسخگویی به پرسش دوم این پژوهش ابتدا تمامی وب سایتهای مربوط به ۳۱ استانداری کشور و سایر پورتالهای رسمی کشور مورد بررسی دقیق قرار گرفت و کلیه اطلاعات مربوط به موقعیت جغرافیایی یا جغرافیایی استان اخذ شد. از میان ۳۱ پرتال مربوط به استانهای کشور، ۱۱ استان،

اطلاعات مربوط به حدود مختصات در وب سایت استاندارد آنها موجود بود، که شامل استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، بوشهر، خراسان رضوی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان میباشند. از میان اطلاعات موجود، مساحت و حدود جغرافیایی انتخاب و با مقایسه با نقشه های استاندارد اختلافات موجود مورد بررسی قرار گرفته است

مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری تحقیق بیشتر معطوف به معرفی و بررسی مهمترین مفاهیم کلیدی این پژوهش یعنی سمبل گذاری نقشه ها، متادیتا، فونتیک و تلفظ نامهای جغرافیایی، مقیاس و سیستم تصویر است که در ادامه به توضیح مختصری مربوط به هر مفهوم و مشکلات مربوط به آن در نقشه‌های تهیه شده در کشور به زبان فارسی می‌پردازیم.

سمبل گذاری نقشه‌ها

استانداردهایی همچون IHO^{۶۳} برای هیدروگرافی و USGS^{۶۴} برای زمینشناسی و NTDB^{۶۳} برای نقشه‌های پایه به منظور بهره گیری تطابق نقشه‌های موجود، استاندارد سمبل گذاری عوارض نقشه‌های موضوعی ارائه گردیده است. اما در نقشه‌های موضوعی توجه به سمبلگذاری دقیق نشده است همچنین اگر چه در نرم افزارهای تخصصی مانند Arc Gis سمبل‌های متعددی برای نقشه‌های موضوعی وجود دارد اما در کشور ما برای مقیاس‌های مختلف اندازه مناسب سمبل تعیین نشده است پس بنابراین در نقشه‌های مختلف بسته به نظر کارتوگراف از اندازه‌های مختلفی استفاده می‌شود. اما با توجه به جغرافیای انسانی ایران و نمادهای فرهنگی منحصر به آن مانند امامزاده ها، قنات و .. سمبل خاصی وجود ندارد و در نقشه های مختلف بنا به سلیقه کارتوگراف از سمبل‌های مشابه خارجی استفاده می‌شود که چندان تناسبی با نماد اصلی ندارد. IHO برای عوارض هیدروگرافی، علاوه بر مشخصات استاندارد سمبل گذاری نیز ارائه کرده است. مسئولین سازمان نقشه برداری استفاده از این استاندارد را به عنوان اهداف آتی این سازمان قلمداد می‌کنند. اما برای عوارض سازمان زمین شناسی تا به حال استاندارد توسط سازمان مربوطه در این رابطه ارائه نشده است. هر نقشه متشکل از عناصری از قبیل شبکه‌بندی مختصات، راهنما، مقیاس، عنوان، جهت شمال و ... می‌باشد که بایستی به نحو مطلوب روی صفحه نقشه طراحی شوند. فرایند آماده سازی نقشه که اساس علم کارتوگرافی را تشکیل می‌دهد به طراحی مناسب و استفاده از عناصر مناسب برای نمایش اطلاعات جغرافیایی از طریق نقشه اطلاق می‌شود. با توسعه قابلیت‌های گرافیکی در کامپیوترها، علم کارتوگرافی به نحو مطلوب از آن بهره برده و کارتوگرافی رقومی و نرم افزارهای تخصصی برای این منظور پیشرفت چشمگیری داشته است. نرم افزارهای مختلف سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی نیز هر کدام قابلیت تولید نقشه و کارتوگرافی رقومی را در خود جای داده لیکن قدرت و انعطاف پذیری لازم جهت اجرای این فرایند بصورت حرف‌های وجود ندارد .

هدف از تهیه نقشه، نمایش سطح کره زمین است و این سطح دارای اشکال و خصوصیات مختلفی است. کارتوگراف با استفاده از علائم، عوارض سطح زمین را نشان می‌دهد. انتخاب علائم مناسب برای هر عارضه در رابطه با ظاهر و کیفیت آن عارضه در طبیعت صورت می‌گیرد. از این جهت، آشنایی با چگونگی عوارض مختلف سطح زمین برای یک کارتوگراف از اهمیت خاصی برخوردار است و اطلاعات و دانش جغرافیا او را به تعیین علامت و نحوه نمایش سطح زمین کمک زیادی خواهد کرد. از نظر یک کارتوگراف، نقشه چیزی جز مجموعه ای از علائم نیست. حتی اسامی موجود در نوشته های نقشه هم جزو علائم به حساب می‌آید. بدین ترتیب ، می بینیم که علائم نقش عمده ای در ارائه یک نقشه خوب ایفا می نمایند. بطور کلی اطلاعات

^{۶۳} - International Hydrographic Organization

^{۶۴} - United States Geological Survey National Topographic Data Base-^۳

ترسیمی موجود در نقشه به سه صورت نقطه، خط و سطح است که از حالت‌های مختلف علائم قراردادی به شمار نمی‌روند. هر کدام از این حالت‌ها به وسیله سه عامل شکل، اندازه و رنگ مشخص می‌شوند که به آنها صفات مشخصه علائم گفته می‌شود (مقیمی، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۱). یکی از گام‌های ضروری در راه یکپارچه‌سازی اطلاعات، تدوین استانداردهای لازم برای ذخیره سازی داده‌ها و نمایش آنها می‌باشد. تعریف استاندارد مناسب برای کارتوگرافی و فرایند تولید نقشه، در جهت تولید راهنمای هماهنگ توصیف داده‌ها که ارتباط تنگاتنگ با مدل داده و طبقه‌بندی‌های موضوعی بکارگرفته شده در آن دارد، یکی از اقدامات اجرا شده در راستای این هدف می‌باشد. برای اطلاعات سمبل‌گذاری عوارض باید از استانداردهای موجود در کشور و استانداردهای بین‌المللی استفاده برای سمبل‌گذاری استفاده کرد. اما از آنجایی که مطالعات موضوعی ممکن است در آینده نیازهای اطلاعاتی مختلفی داشته باشند لذا باید چارچوب طراحی به گونه‌ای باشد که اطلاعات مربوط به عوارض و سمبل‌گذاری آنها را بتوان در آینده به سیستم تزریق کرد و سیستم را به‌هنگام نمود.

حجم زیادی از سمبل‌های استاندارد برای اقلام اطلاعاتی، متناسب با ساختار داده‌ها، ارائه نمود. امکانات لازم در بهره‌گیری از استانداردهای ارائه شده به صورت یکپارچه برای اطلاعات و توسعه امکان بهنگام سازی و مرتفع سازی نواقص احتمالی را به شکل مناسبی فراهم کرد. بعد از تهیه این سیستم و استفاده از طیف وسیعی از اطلاعات جغرافیایی مورد بررسی فهرستی از این اطلاعات به همراه سمبل‌گذاری مناسب آنها با استانداردهای ملی موجود و استانداردهای جهانی تهیه خواهد شد، تهیه این اطلاعات به شکل جامع می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای کاربران در کلیه سازمان‌ها باشد.

متادیتا و مشکلات مربوط به آن

متادیتا یک سند خلاصه‌ای شامل محتویات، کیفیت، نوع، تولید و خصوصیات مکانی یک مجموعه داده است که می‌تواند در فرمت‌های مختلفی مثل فایل متن $TEXT$ ، XML یا رکوردهای پایگاه داده قابل ذخیره سازی باشد (Metadata 2002 and GIS). با توجه به اندازه کوچک متادیتا در مقایسه با داده‌های اصلی به اشتراک‌گذاری آن آسانتر است. با تولید و به اشتراک‌گذاری متادیتا، اطلاعات راجع به داده‌های موجود در دسترس افرادی که در جستجوی این داده‌ها هستند قرار خواهد گرفت. متادیتا، مدیریت و جستجوی داده‌ها را آسان کرده و دوباره کاری‌ها را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال در صورت اطلاع از وجود داده‌ها و چگونگی دسترسی به آنها از طریق متادیتا، نیاز به تولید مجدد داده‌ها در بسیاری از موارد از بین می‌رود و یا در صورت اطلاع از کیفیت داده‌ها و زمان بازبینی آنها می‌توان در مورد استفاده از داده‌های مذکور در کاربرد مورد نظر، تصمیم‌گیری نمود. امروزه با توجه به گسترش روزافزون زیرساخت‌های اطلاعاتی به منظور دسترسی بهینه به داده‌ها، توسعه متادیتا اهمیت ویژه‌ای یافته است. ایجاد سیستم‌ها و تکنولوژی‌های لازم به منظور پشتیبانی متادیتا یکی از الزامات فعلی در توسعه زیرساخت‌های مدیریت داده‌ها و به اشتراک‌گذاری داده‌ها می‌باشد. سازمان‌های مختلفی، استانداردهایی برای متادیتا طراحی کرده‌اند. یکی از مهمترین و فعال‌ترین این سازمان‌ها در زمینه متادیتا (FGDC)^{۶۵} است که استاندارد متادیتا تحت عنوان زیر ساختار داده‌های مکانی ملی $NSDI$ ^{۶۶} تدوین نموده است. استفاده از سیستم‌های متادیتا، امکان مدیریت و مستندسازی داده‌ها را به شکل بهتری فراهم می‌کند به گونه‌ای که برای کاربران بیشتری قابل استفاده باشد. متأسفانه استفاده از متادیتا در کشور ما هنوز نهادینه نشده است. اکثر سازمان‌ها که در انجام وظایف محوله اقدام به تهیه نقشه نموده‌اند از تهیه متادیتا برای لایه‌های اطلاعاتی غافل مانده‌اند. سازمان نقشه برداری کشور بعنوان متولی امر GIS در کشور فعالیت‌هایی را در این خصوص از مدت‌ها پیش شروع کرده است. اما برای اجرای موفق آن یک عزم ملی را طلب می‌کند. یکی از مشکلاتی که در خصوص آمارهای متفاوت وجود دارد عدم وجود متادیتا برای داده‌های مکانی است. در صورت وجود متادیتا برای داده‌های مکانی کارشناسان و پژوهشگران به جدیدترین و بزرگ‌مقیاس‌ترین داده‌ها برای ارائه آمار مراجعه می‌کنند.

^{۶۵} Federal Geographic Data Committee -

^{۶۶} - National Spatial Infrastructure

لازمه تحقق این موضوع اجرای موفق زیر ساخت داده مکانی ملی است که سازمان نقشه برداری در حال اجرا و پیاده سازی آن میباشد.

انتخاب یک سیستم تصویری مناسب با مقیاس نقشه مورد نظر، ارتباط مستقیم دارد. چرا که بعضی از سیستم‌های تصویری برای مقیاس‌های بزرگ مناسب بوده و برخی دیگر برای مقیاس‌های کوچکتر مناسب می‌باشند. بعنوان مثال برای مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰ یا مقیاس ناحیه‌ای، سیستم تصویری UTM مناسبترین سیستم تصویری است. این سیستم تصویری برای کل ایران به صورت یکپارچه مناسب نمی‌باشد چرا که در محیط‌های GIS این زون‌ها به جای اینکه کنار هم قرار گیرند روی هم قرار می‌گیرند. در نتیجه نقشه ایران را نمیتوان به صورت یکپارچه مشاهده کرد. بهترین سیستم تصویری برای کل ایران سیستم تصویری Lambert Conformal Conic می‌باشد که نقشه‌های عرضی را با کمترین خطا و انحراف طراحی می‌کند (وبگاه پایگاه ملی داده‌های علوم زمین به آدرس: <http://www.ngdir.ir>). لازم است برای تهیه یک نقشه مسطح از سطح زمین، به نوعی آنرا بر روی یک سطح صاف تصویر نماییم. فرایند تصویر کردن سطح زمین بر روی یک سطح صاف، تصویر کردن نقشه می‌نامند. عمل انتقال سطح کروی را روی سطح مستوی و صاف اصطلاحاً تصویر می‌نامند (مقیمی و همراه، ۱۳۸۳: ۱۹۳). از آنجایی که نقشه اصولاً مسطح می‌باشد، بعضی از ساده‌ترین سیستم‌های تصویر بر اساس اشکال هندسی که می‌توانند بدون کش آمدن و یا تغییر شکل دادن به سطح صاف تبدیل شوند شکل می‌گیرند که به رویه‌های توسعه‌پذیر معروف هستند. بعضی از متداولترین این رویه‌ها عبارتند از مخروط‌ها، استوانه‌ها و سطوح. یک سیستم تصویر به صورت سیستماتیک موقعیت نقاط را از روی سطح کره با استفاده از الگوریتم‌های ریاضی بر روی یکی از سطوح فوق‌الذکر تصویر میکند. انتقال سطح کروی به سطح مستوی نقشه، باعث می‌گردد که تمام روابط هندسی موجود در روی کره، بر روی نقشه صحت نداشته باشد. نمایش روابط حاکم بین فواصل، جهات، زوایا و مساحت در تصویر امکانپذیر است. لیکن برقراری کلیه این چهار ویژگی با هم میسر نخواهد بود. سیستم‌های تصویر ممکن است دارای ویژگیهای متعددی باشند، اما مهمترین آنها از نقطه نظر کارتوگرافی عبارتند از سیستم‌های تصویر هم شکل^{۶۷} یا حفظ زوایا، سیستم‌های تصویر هم مساحت^{۶۸} و سیستم‌های تصویر هم جهت یا آزیموتال^{۶۹} (همان ص ۲۰۲). عوارض جغرافیایی دارای ویژگیهایی از قبیل مکان میباشند که میتوان آنرا در سیستم مختصاتهای مختلفی با سیستم تصویرهای گوناگون اندازه‌گیری نمود. انتخاب درست یک سیستم مختصات و سیستم تصویر متناسب با آن دارای اهمیت زیادی است چرا که مشخص کننده این است چگونه قرار است داده‌های مکانی نمایش داده شوند و چگونه و با چه روشی بر روی آنها اندازه‌گیری انجام پذیرد. استفاده از سیستم تصویرهای مختلف جوابهای مختلفی پیدا می‌کند. داشتن دانش پایه در مورد سیستم‌های تصویر برای تمام کسانی که با نقشه سرو کار دارند "بدون توجه به اینکه به چه میزان نرم افزارهای کامپیوتری عملکردها را خودکار کرده اند" و همچنین برای طراحان GIS ضروری میباشد، (۳، ۱۹۸۷

(. با توجه به نقش مهم سیستم تصویر در استخراج انواع مختلف داده‌های مکانی مانند محیط، مساحت، طول خط ساحلی و ... انواع مختلف سیستم‌های تصویر مورد استفاده در ایران در ادامه آورده شده است.

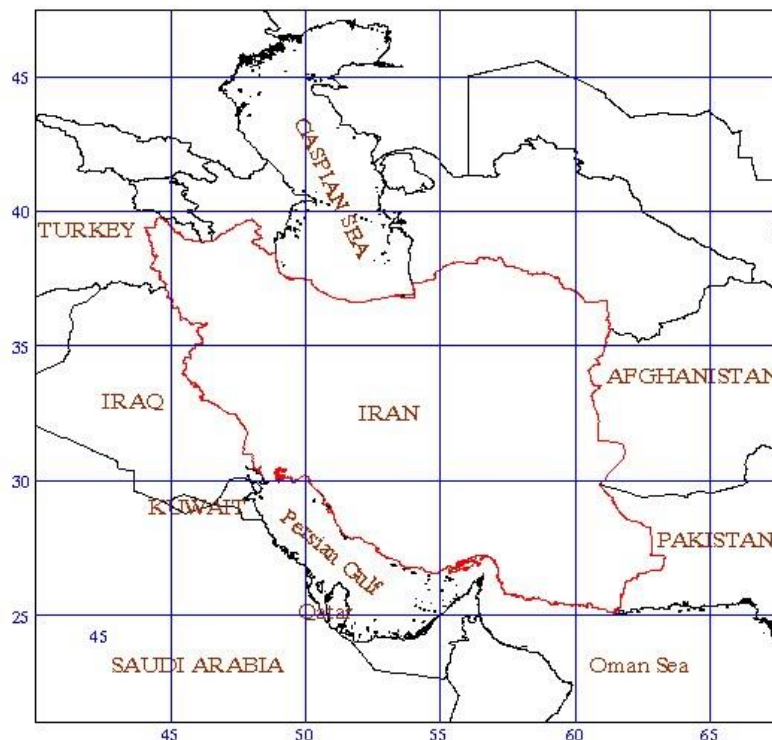
بررسی و مقایسه سیستم‌های تصویر مورد استفاده در ایران

^{۶۷} - Conformal

^{۶۸} - Equal Area True-

^{۶۹} - Azimuthal-

کشور ما ایران در گستره‌های به (عرض ۱۵ درجه) از ۲۵ درجه شمالی تا ۴۰ درجه شمالی (و طول ۱۹/۵ درجه) از ۴۴ درجه شرقی تا ۶۳/۵ درجه شرقی (در ربع کره شمالی-شرقی بر روی زمین واقع شده است).



شکل ۱: گستره جغرافیایی ایران در طول و عرض جغرافیایی

با توجه به وسعت زیاد و شکل نسبتاً مربعی شکل آن، تعیین یک سیستم تصویر خاص که در تمامی مقاصد بتوان از آن استفاده کرد کاری غیر ممکن می باشد. از اینرو معمولاً برای هر مقصد خاصی بسته به گستره ناحیه مورد مطالعه و مقیاس نقشه‌های که قرار است تهیه شود و همچنین نوع مطالعه‌ای که قرار است بر روی نقشه‌های به دست آمده انجام پذیرد، سیستم تصویر مناسب انتخاب میگردد. امروزه با توسعه روز افزون علم و فن ژئوماتیک و نرم افزارهای کاربردی در این زمینه براحتی و در کمترین زمان با مشخص بودن پارامترهای یک سیستم مختصات، هر نقشه رقومی را به راحتی به یک سیستم مختصات دیگر تبدیل نمود. از اینرو مشکلاتی که در گذشته به دلیل عدم دسترسی به این گونه نرم افزارها و کار بر روی نقشه‌های کاغذی پیش می‌آمد عملاً از پیش رو برداشته شده است. به طور مثال در سی سال پیش برای تهیه نقشه‌های ۱:۱۰۰۰۰۰ زمین‌شناسی کل ایران در شرکت ملی نفت ایران از نقشه‌های ۱:۲۵۰۰۰ که در سیستم UTM هستند استفاده شده است و از آنجایی که در آن زمان دسترسی به نرم افزارهای پیشرفته امروزی نبوده است، به اجبار این نقشه در سیستم تصویر UTM به صورت یکپارچه تهیه شده است که این خود باعث از دست رفتن بخشی از اطلاعات بین زونهای UTM و همچنین ایجاد اشکال اساسی در سیستم مختصات نقشه نهایی شده است.

معرفی و مزایای سیستم مختصات لامبرت هم شکل یزد^{۷۰}

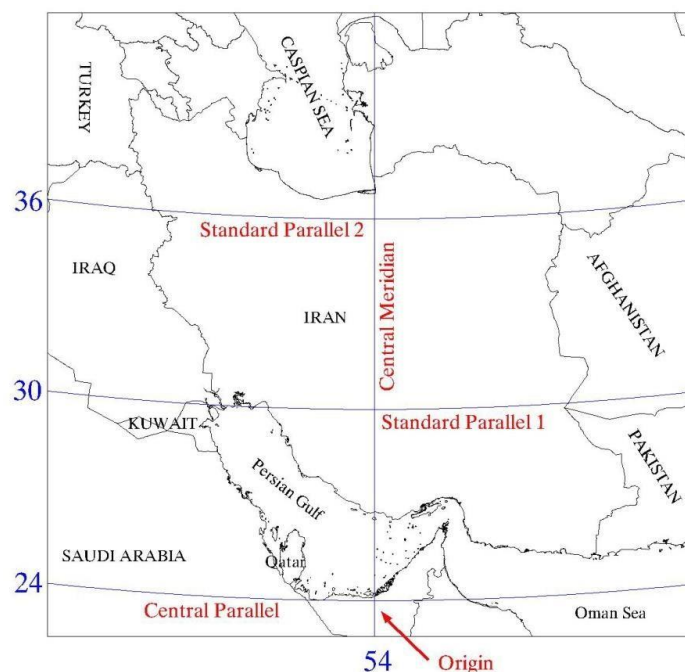
^{۷۰} - Yazd Lambert Conformal Conic

این سیستم مختصات توسط سازمان نقشهبرداری ایران به گونه ای طراحی شده است که خطاها و اعوجاجات آن در کل سطح ایران کمینه می باشد. با نگاهی به ویژگیهای سیستم تصویر لامبرت هم شکل متوجه می شویم که دلایل انتخاب این سیستم تصویر از قرار زیر می باشد.

الف) همانطور که ذکر گردید این سیستم تصویر یکی از بهترین، کم خطا ترین و کاربردیترین سیستمهای تصویر برای عرضهای میانی (بین قطبین و استوا) می باشد و با توجه به اینکه کشور ما نیز در یک چنین جایی واقع شده است لذا استفاده از این سیستم تصویر مناسب به نظر میرسد.

ب) از آنجایی که در این سیستم تصویر از دو مدار استاندارد استفاده میشود، لذا می توان با درجه آزادی بیشتری آنرا برای منطقه مورد نظر سفارشی^{۷۱} کرد به گونه ای که خطاها کمینه گردند.

ج) خطاهای موجود در مساحت و شکل در این سیستم تصویر برای یک منطقه وسیع مانند ایران کمینه می باشد از اینرو استفاده از آن در مقیاسهای کوچک و متوسط مانند مطالعات کالبدی و حتی منطقه ای و در مواردی که قرار است پایگاه نهایی دادهها و اطلاعات به صورت یکپارچه^{۷۲} طراحی گردد و نه بر اساس شی^{۷۳}، بسیار متداول می باشد.



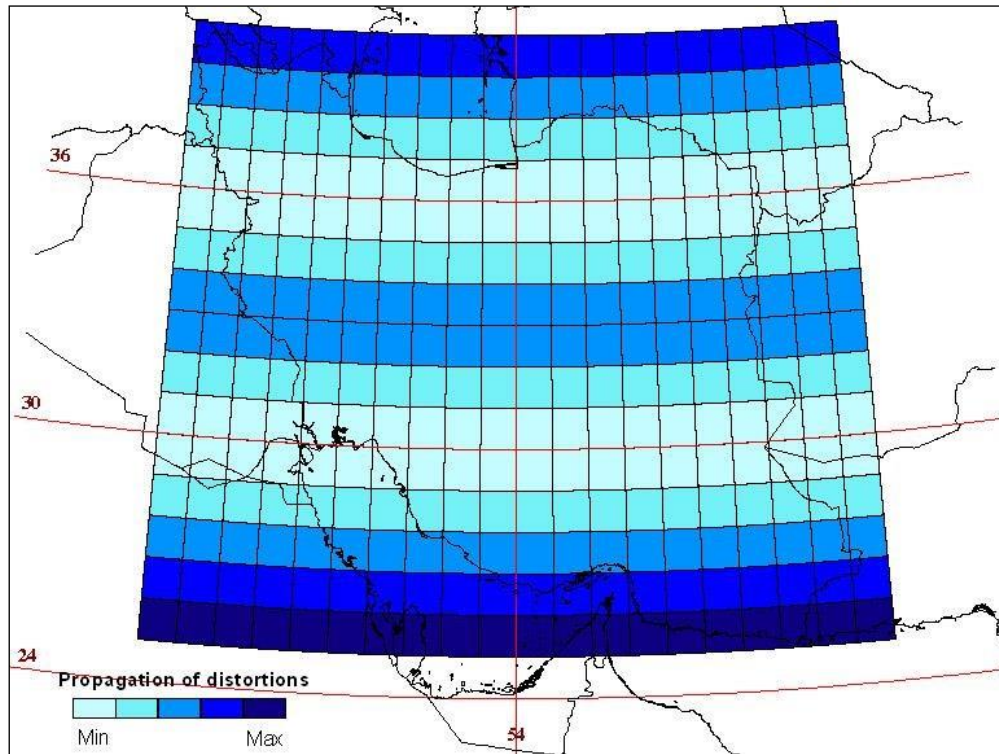
شکل ۲: شمای کلی سیستم مختصات لامبرت یزد تعریف شده برای کل ایران.

همانطور که در شکل دیده میشود مدارات استاندارد به گونه ای انتخاب شده اند که خطاها در سطح کل کشور سرشکن شود و حالت بهینه خطا فراهم گردد. در شکل ۳ نحوه توزیع خطاها نمایش داده شده است. همانطور که قبلاً نیز دیدیم خطاها و اعوجاجات در نزدیکی مدارات استاندارد کمینه هستند و با افزایش فاصله از آنها افزایش پیدا میکند.

^{۷۱} - Customize

^{۷۲} - Seamless

^{۷۳} - Sheet-base

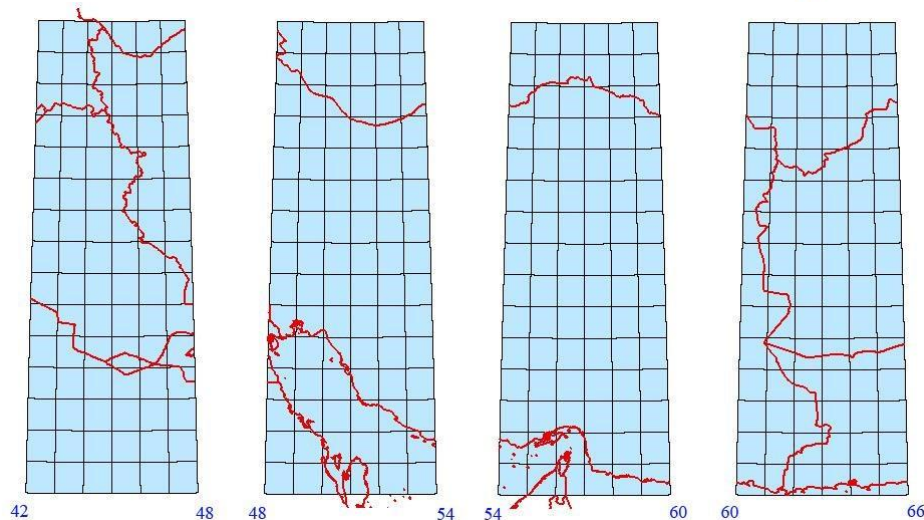


شکل ۳: نحوه توزیع خطاها در سیستم مختصات لامبرت یزد.

شرکت ملی نفت ایران اصلیتین استفاده کننده سیستم مختصات لامبرت هم شکل نهروان^{۷۴} (NLCC) از این سیستم مختصات میباشد. ویژگیهای این سیستم مختصات شبیه به سیستم مختصات لامبرت یزد میباشد با این تفاوت که مدارات استاندارد و سایر پارامترهای آن به گونه ای انتخاب شدهاند که خطاها در منطقه جنوب غربی ایران کمینه باشند چرا که عمده پتانسیل، منابع و تأسیسات نفتی ایران در این منطقه متمرکز شدهاند. این سیستم مختصات برای ناحیه خوزستان ایران مناسبتر از سیستم مختصان لامبرت یزد می باشد.

سیستم مختصات: این سیستم مختصات از بهترین سیستمهای تصویر از نظر خطاها و اعوجاجات چه در اشکال و چه در جهتها و مساحتها میباشد. در عین حال اصلیتین مشکلی که در این سیستم تصویر وجود دارد اینست که ساختاری یکپارچه ندارد و ساختار و مختصات هر زون دقیقاً مانند زونهای دیگر است به طوری که تمامی ۶۰ زون مختصاتی یکسان دارند و فقط شماره زون است که آنها را از یکدیگر متمایز میسازد. از اینرو استفاده از این سیستم تصویر در پایگاههای داده و اطلاعات یکپارچه و برای طرحهای کالبدی و منطقههای به عنوان سیستم تصویر پایه امکانپذیر نمیشود و معمولاً در پایگاههای بزرگ مقیاس و مطالعات محلی و یا در پایگاههای بر مبنای شیت از این سیستم تصویر استفاده میشود. کشور ما با توجه به وسعت آن در چهار زون ۳۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۱ UTM قرار گرفته است. شکل ۴ نحوه قرار گیری ایران در این چهار زون را نمایش میدهد.

^{۷۴} - Nahrwan Lambert Conformal Conic



شکل ۴: پوششهای هر زون UTM (۴۱ و ۴۰، ۳۹، ۳۸ در ایران) از سمت چپ زونهای UTM: پوششهای هر زون

فاکتور مقیاس در نصف النهار میانی هر زون برابر $0/9996$ می باشد و در فاصله ای حدود 180 کیلومتر از نصف النهار میانی در استوا (که با نزدیک شدن به قطبین این فاصله نیز کاهش پیدا میکند) این فاکتور برابر 1 می باشد و در راستای این خطوط مقیاس واقعی می باشد. در این سیستم تصویر، مختصات تمام زونها مانند یکدیگر می باشد و وقتی در یک نرم افزار آنها را با یکدیگر باز می-کنیم بر روی یکدیگر می افتند لذا برای تهیه نقشه های یکپارچه از منطقهای که عرضی بیش از یک زون UTM دارد و یا در دو زون UTM قرار دارد نمیتوان از این سیستم تصویر استفاده نمود. البته در نرم افزارهای جدید امکان نمایش زونهای مختلف در کنار یکدیگر وجود دارد. معمولاً برای این سیستم مختصات از دیتوم $WGS-84$ استفاده می شود ولیکن در برخی موارد مانند نقشه های $1:250,000$ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح از دیتوم اروپایی $ED 50$ استفاده شده است. از آنجا که بعضی از استانهای کشور بین دو زون سیستم UTM واقع شده اند استفاده از این سیستم اشکالاتی را در نتایج نهایی تحمیل خواهد کرد.

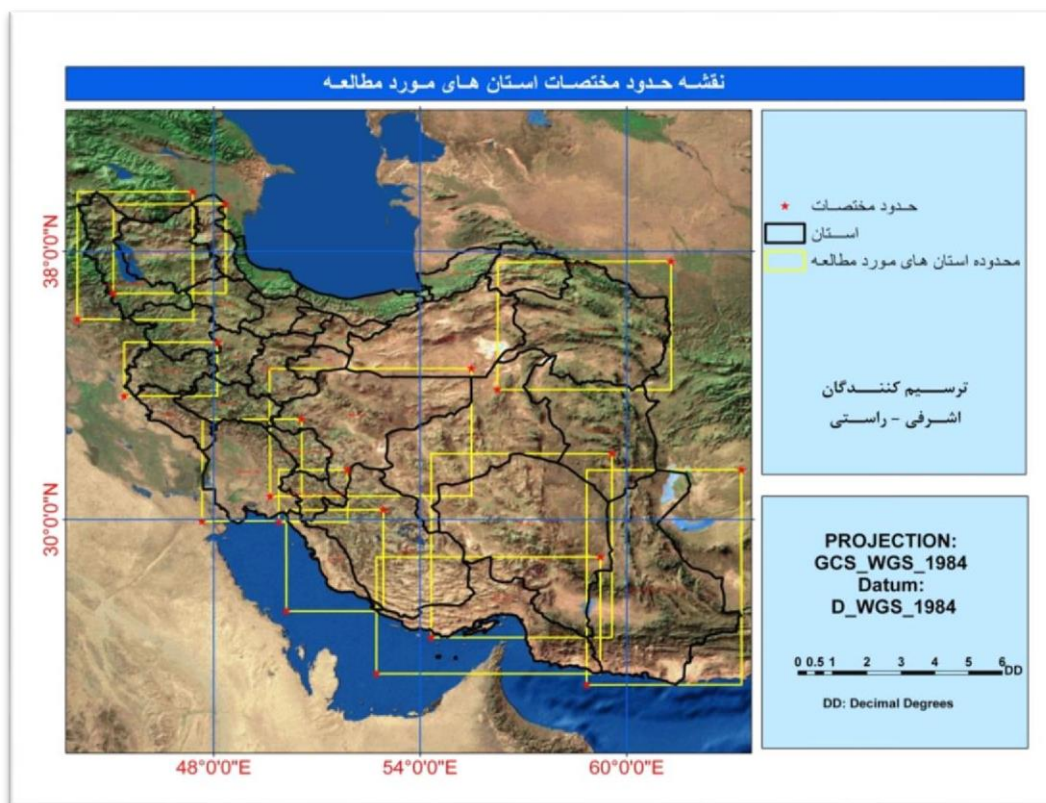
مقیاس نقشه و تأثیر آن در انتخاب سیستم تصویر

یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین فاکتور در انتخاب سیستم تصویر برای یک نقشه، مقیاس آن می باشد. به طور کلی مقیاس یک نقشه تعیین کننده میزان دقت آن نقشه می باشد که در نتیجه با بزرگتر شدن مقدار آن دقت نقشه و هزینه تهیه آن افزایش و پوشش سطحی آن در یک شیت کاهش پیدا میکند. به طور کلی از اولین کارهایی که در تهیه نقشه انجام می پذیرد، تعیین مقیاس آن است که این کار بر اساس نیازها و توقعاتی که از آن نقشه وجود دارد انجام می پذیرد. برای نقشه های کاداستر و به طور کلی نقشه های بزرگ مقیاس از سیستم تصویر UTM استفاده می شود چرا که منطقه مورد مطالعه کوچک می باشد، در اینگونه موارد این سیستم تصویر مناسبترین می باشد. از سیستم تصویر UTM در تهیه نقشه های متوسط مقیاس نیز استفاده میشود و میتوان گفت کوچکترین مقیاسی که در آن از این سیستم تصویر استفاده می شود، $1:250,000$ می باشد

مقایسه اطلاعات و داده های جغرافیایی در پایگاههای رسمی با اطلاعات نقشه مبنا:

در این پژوهش ابتدا تمامی وب سایتهای مربوط به 31 استانداری کشور مورد بررسی دقیق قرار گرفت و کلیه اطلاعات مربوط به موقعیت جغرافیایی یا جغرافیایی استان اخذ شد. از میان 31 استان کشور، 11 استان، اطلاعات مربوط به حدود مختصات در وب سایت استانداری آنها موجود بود، که شامل استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، بوشهر، خراسان رضوی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان می باشند. از میان اطلاعات

موجود، مساحت و حدود جغرافیایی انتخاب و با مقایسه با نقشه‌های استاندارد اختلافات موجود مورد بررسی قرار گرفته است. جدولی برای اطلاعات اخذ شده در خصوص حدود مختصات استانهای مذکور تهیه شد. در ادامه نقشه ایران با مختصات طول و عرض جغرافیایی شکل ۵، حدود مختصات استانهای مورد مطالعه از طریق رسم مستطیل‌هایی مشخص شد.



شکل ۵: حدود مختصات استان های مورد مطالعه

جدول ۲: حدود طول جغرافیایی استانهای مورد مطالعه و تفاوت آن با نقشه های مبنا

نام	طول حداقل در سایت	طول حد اقل در نقشه	اختلاف طول حداقل به درجه	اختلاف طول حداقل به کیلومتر	طول حداکثر در نقشه	طول حداکثر در سایت	اختلاف طول حداکثر در کیلومتر
آذربایجان شرقی	۴۵.۱۱۷	۴۵.۰۷۹	۰.۰۳۸	۳.۳۸۳	۴۸.۳۴۶	۴۸.۳۳۳	۱.۱۱۶
آذربایجان غربی	۴۴.۰۵۰	۴۴.۰۳۸	۰.۰۱۲	۱.۰۷۹	۴۷.۳۹۰	۴۷.۳۸۳	۰.۵۹۸

اصفهان	۴۹.۶۳۳	۴۹.۶۳۸	-۰.۰۰۵	-۰.۴۷۸	۵۵.۴۹۵	۵۵.۵۳۳	۳.۴۸۲
بوشهر	۵۰.۱۰۰	۵۰.۱۰۶	-۰.۰۰۶	-۰.۵۹۳	۵۲.۹۳۶	۵۲.۹۶۷	۲.۹۷۵
خراسان رضوی	۵۵.۲۸۳	۵۶.۲۴۷	-۰.۹۶۴	-۹۲.۳۸۵	۶۱.۲۸۶	۶۱.۲۵۰	-۳.۱۴۰
خوزستان	۴۷.۷۰۰	۴۷.۶۵۷	۰.۰۴۳	۴.۱۳۹	۵۰.۵۵۲	۵۰.۶۵۰	۹.۱۳۶
سیستان و بلوچستان	۵۸.۸۱۷	۵۸.۸۳۵	-۰.۰۱۸	-۱.۸۱۲	۶۳.۳۲۹	۶۳.۳۳۳	۰.۳۷۹

-۳۸۹.۰۰۸	-۴.۰۴۲	۵۹.۵۷۵	۵۵.۵۳۳	۱۰۸.۶۱۷	۱.۰۹۶	۵۴.۳۲۱	۵۵.۴۱۷	کرمان
۳۵.۷۵۱	۰.۳۹۴	۴۸.۱۰۶	۴۸.۵۰۰	۰.۲۷۸	۰.۰۰۳	۴۵.۳۹۷	۴۵.۴۰۰	کرمانشاه
-۰.۵۶۹	-۰.۰۰۶	۵۱.۸۸۹	۵۱.۸۸۳	۲.۵۰۵	۰.۰۲۶	۴۹.۸۹۱	۴۹.۹۱۷	کهگیلویه و بویر احمد
۲.۸۲۱	۰.۰۲۹	۵۹.۲۳۸	۵۹.۲۶۷	۰.۱۰۰	۰.۰۰۱	۵۲.۷۳۲	۵۲.۷۳۳	هرمزگان

با توجه به محیط زمین که مقدار ۴۰۰۰۰ کیلومتر است و شامل ۳۶۰ درجه می باشد. اختلاف طول حداقل و حداکثر به کیلومتر بر اساس موقعیت عرض جغرافیایی استان مربوطه محاسبه شده است.

* کسینوس عرض حداقل یا حداکثر * اختلاف طول حداقل یا حداکثر به درجه = اختلاف طول حداقل یا حداکثر به کیلومتر

۱۱۱.۱۱۱

جدول ۳: حدود عرض جغرافیایی استانهای مورد مطالعه و تفاوت آن با نقشه های مبنا

نام	عرض حداقل در سایت	عرض اقل در نقشه	اختلاف عرض حداقل به درجه	اختلاف عرض حداکثر در سایت	عرض اکثر در نقشه	اختلاف عرض حداکثر به درجه	اختلاف عرض
آذربایجان شرقی	۳۶.۷۵۰	۳۶.۷۴۴	۰.۰۰۶	۳۹.۴۳۳	۳۹.۴۲۸	۰.۰۰۵	۰.۴۷۹
آذربایجان غربی	۳۵.۹۶۷	۳۵.۹۷۴	-۰.۰۰۷	۳۹.۷۶۷	۳۹.۷۸۴	-۰.۰۱۷	-۱.۶۰۲
اصفهان	۳۰.۷۰۰	۳۰.۶۹۶	۰.۰۰۴	۳۴.۴۵۰	۳۴.۵۰۸	-۰.۰۵۸	-۵.۴۰۶
بوشهر	۲۷.۲۳۳	۲۷.۲۷۰	-۰.۰۳۷	۳۰.۲۶۷	۳۰.۲۹۰	-۰.۰۲۳	-۲.۱۰۷
خراسان رضوی	۳۰.۴۰۰	۳۳.۸۷۴	-۳.۴۷۴	۳۸.۲۸۳	۳۷.۷۰۸	۰.۵۷۵	۵۳.۵۲۳
خوزستان	۲۹.۹۶۷	۲۹.۹۴۴	۰.۰۲۳	۳۲.۹۶۷	۳۲.۹۹۶	-۰.۰۲۹	-۲.۷۴۰
سیستان و بلوچستان	۲۵.۰۵۰	۲۵.۰۵۹	-۰.۰۰۹	۳۱.۴۸۳	۳۱.۴۸۶	-۰.۰۰۳	-۰.۲۴۳
کرمان	۲۶.۸۸۳	۲۶.۴۸۶	۰.۳۹۷	۲۹.۹۸۳	۳۱.۹۶۳	-۱.۹۸۰	-۱۸۴.۲۵۴
کرمانشاه	۳۳.۶۰۰	۳۳.۶۸۱	-۰.۰۸۱	۳۵.۲۵۰	۳۵.۲۸۵	-۰.۰۳۵	-۳.۲۵۴
کهگیلویه و بویر احمد	۲۹.۸۶۷	۲۹.۹۲۸	-۰.۰۶۱	۳۱.۴۳۳	۳۱.۴۸۱	-۰.۰۴۸	-۴.۴۳۵

هرمزگان	۲۵.۵۰۰	۲۵.۴۰۲	۰.۰۹۸	۲۸.۸۸۳	۲۸.۸۸۷	-۰.۰۰۴	-۰.۳۸۲
---------	--------	--------	-------	--------	--------	--------	--------

مقادیر منفی به معنای این است که مقدار طول یا عرض استان مربوطه ارائه شده در وبگاه استاندارد نسبت به مقدار محاسبه شده در روی نقشه مبنا، کمتر میباشد. با توجه به جدول شماره ۲ بیشترین اختلاف بین طول جغرافیایی حداکثر استخراج شده از نقشه و سایت مربوط به استان کرمان میباشد که حدود ۰.۴۲۰۴ درجه کمتر از مقدار نقشه میباشد. طول حداقل این

استان نیز اختلافی به مقدار ۰۹.۱۶ درجه را با مقدار نقشه نشان میدهد. طول حداقل موجود در سایت مربوط به خراسان رضوی نیز اختلاف ۹۶۴.۰ درجه را با نقشه نشان میدهد. با توجه به جدول شماره ۳ بیشترین اختلاف بین عرض جغرافیایی حداکثر استخراج شده از نقشه و سایت مربوط به استان خراسان رضوی میباشد که اختلافی در حدود ۴۷۴.۳ درجه کمتر از مقدار نقشه را نشان میدهد. طول حداقل این استان نیز مقدار ۵۷.۰۵ درجه را با مقدار نقشه نشان میدهد. بیشترین اختلاف برای عرض حداکثر، بین اطلاعات موجود در سایت و مقدار نقشه مربوط به استان کرمان میباشد، مقدار آن ۹۸.۱ درجه کمتر از مقدار محاسبه شده در نقشه می-باشد. در ادامه نقشه ایران به سیستم لامبرت هم شکل یزد، تبدیل شد و مساحت استانهای ایران در این سیستم تصویر محاسبه شد. اطلاعات مربوط به مساحت بعضی از استانهایی که در وبگاه استانداریها موجود بود استخراج شده و در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: مقایسه مساحت استانها استخراج شده از وب گاه رسمی و محاسبه آن در سیستم لامبرت

نام استان	مساحت در نقشه لامبرت	مساحت در سایت استانداریها	سایت جامع گردشگری ایران	مرکز آمار ایران	ویکی پدیا	مساحت در ایراس	دانشنامه ایران شناسی	اختلاف مساحت (کیلومتر مربع)
آذربایجان شرقی	۴۷۹۶۷.۶	۴۵۴۹۰.۸۸	موجود نیست	۴۵۶۵۰	۴۵.۶۵۰	۴۵.۴۹۱	۴۵.۴۹۱	۲۴۷۶.۷۲
آذربایجان غربی	۳۹۷۵۱.۹	۴۳۶۶۰	۴۳۶۶۰	۳۷۴۳۷	۳۷.۴۱۱	با ۴۳۶۶۰ احتساب دریاچه ارومیه	۳۷۰۵۹	-۳۹۰۸.۱
اردبیل	۱۷۹۰۲	موجود نیست	۱۸۰۵۰	۱۷۸۰۰	۱۷.۸۰۰	۱۷۹۵۳	۱۷۹۵۳	۱۷۹۵۳
اصفهان	۱۰۶۷۸۶.۷	۱۰۷۰۴۵	۱۰۵۹۳۷	۱۰۷۰۲۹	۱۰۷.۰۲۹	۱۰۵۹۳۷	۱۰۵۹۳۷	-۲۵۸.۳
البرز	۶۴۶۲.۴	۵۸۰۰	موجود نیست				موجود نیست	۶۶۲.۴
ایلام	۲۰۰۲۲.۶	موجود نیست	۱۹۰۸۶	۲۰۱۳۳	۲۰.۱۳۳	۱۹۰۸۶	موجود نیست	موجود نیست

بوشهر	۲۲۷۳۶.۸	۲۷۶۵۳	۲۷۶۵۳	۲۲۷۴۳	۲۳.۰۰۰	۲۲۷۴۳	۲۷۶۵۳	-۴۹۱۶.۲
تهران	۱۲۳۵۳.۷	موجود نیست	۱۸۹۰۹	۱۸۸۱۴	۱۹۰۰۰	۱۸۸۱۴	۱۸۸۱۴	۱۸۸۱۴
چهار محال و بختیاری	۱۶۱۶۳	موجود نیست	۱۶۵۳۲	۱۶۳۳۲	۱۶۰۰۰	۱۶۵۳۲	۱۶۴۰۳	۱۶۴۰۳

	۹۵,۳۸۵	۹۵,۳۸۵	۸۵,۲۹۰	استان خراسان بزرگ ۳۰۳۰۰۰	۶۹۵۵۵	موجود نیست	موجود نیست	۹۳۸۲۶.۶	خراسان جنوبی
-۹۴۸۸.۱	۱۱۸۸۵۴	۱۱۸۸۵۴	۱۲۸,۹۴۹		۱۴۴۶۸۱	موجود نیست	۱۲۸۴۲۰	۱۱۸۹۳۱.۹	خراسان رضوی
-۱۴۴۲.۱	۲۸۴۳۴	۲۸۴۳۴	۲۸,۴۳۴		۲۸۴۳۴	۲۸۱۷۹	۲۸۱۷۹	۲۶۷۳۶.۹	خراسان شمالی
-۲۴.۳	۶۷۲۸۲	۶۴۲۳۶	۶۴,۰۵۵	۶۳۰۰۰	۶۴۰۵۵	۶۴۲۳۶	۶۴۰۵۷	۶۴۰۳۲.۷	خوزستان
	چک شود	۲۲۱۶۴	۲۱,۷۷۳	۲۲۰۰۰	۲۱۷۷۳		موجود نیست	۲۱۷۸۲.۷	زنجان
	۹۷,۴۹۱	۹۷,۴۹۱	۹۷,۴۹۱	۹۷۰۰۰	۹۷۴۹۱	۹۵۸۱۵	موجود نیست	۹۷۱۹۲.۳	سمنان
-۷۹۸۷.۴	پهناترین استان کشور ۱۸۱۷۸۵	۱۸۷۵۰۲	۱۸۰,۷۲۶	۱۷۸۰۰۰	۱۸۱۷۸۵	۱۸۷۵۰۲	۱۸۷۵۰۲	۱۷۹۵۱۴.۶	سیستان و بلوچستان
	موجود نیست	۱۳۳۰۰۰	۱۲۲,۶۰۸	۱۲۲۰۰۰	۱۲۲۶۰۸	موجود نیست	موجود نیست	۱۲۲۷۷۸.۵	فارس
	۱۵,۸۲۰	۱۵,۸۲۰	۱۵,۵۶۷	۱۵۰۰۰	۱۵۵۴۹	موجود نیست	موجود نیست	۱۵۵۵۹.۴	قزوین
۱۳۱.۲	۱۴۶۳۱	۱۴۶۳۱	۱۱,۵۲۶	۱۱۰۰۰	۱۱۵۲۶	۱۴۶۳۱	۱۱۲۴۰	۱۱۳۷۱.۲	قم
۴۸.۳	موجود نیست	۲۸۲۰۳	۲۹,۱۳۷	۲۹۰۰۰	۲۹۱۳۷	۲۸۰۰۰	۲۹۰۰۰	۲۹۰۴۸.۳	کردستان
۲۳۱.۲	پهناترین استان ایران می باشد	۱۷۵۰۶۹	۱۸۱,۷۸۵	۱۸۲۰۰۰	۱۸۰۸۳۶	موجود نیست	موجود نیست	۱۷۹۴۶۸.۵	کرمان
-۷۶۶.۴	موجود نیست	۲۴۹۹۸	۲۴,۹۹۸	۲۵۰۰۰	۲۴۹۹۸	موجود نیست	۲۴۶۳۶	۲۴۸۶۷,۲	کرمانشاه
	۱۶۲۴۹	۱۶۲۴۹	۱۵,۵۰۴	۱۶۰۰۰	۱۵۵۰۴	موجود نیست	۱۶۲۶۴	۱۵۴۹۷,۶	کهگیلویه

									و بویر احمد
-۱۳۳۵.۲	موجود نیست	۲۰,۴۳۷/۷۴	۲۰,۳۶۷	۲۱۰۰۰	۲۰,۱۹۵	۲۰۰۰۰	۲۰,۴۳۷.۷	۱۹۱۰۲.۵	گلستان

۸۶.۳	موجود نیست	۱۴۷۱۱	۱۴.۰۴۲	۱۴.۰۰۰	۱۴.۰۴۲	۱۴۷۱۱	۱۴.۰۰۰	۱۴۰.۸۶.۳	گیلان
		۲۸,۲۹۴		۲۹.۰۰۰	۲۸,۲۹۴	۲۸.۰۶۴۰	موجود نیست	۲۸۲۰۹.۵	لرستان
۷۷۳.۴	موجود نیست	۲۳,۷۵۶	۲۳.۸۴۲	۲۴.۰۰۰	۲۳۷۰.۱	۲۴۰.۹۱	۲۳۷۵۶.۴	۲۴۵۲۹.۸	مازندران
-۲۹۹.۹		۲۹,۵۳۰	۲۹,۱۲۷	۲۹.۰۰۰	۲۹۱۳۰	۲۹۰.۰۰۰	۲۹۵۳۰	۲۹۲۳۰.۱	مرکزی
-۱۳۵۱.۵		۶۸۰۰۰	۶۸۴۷۵/۸	۷۰.۶۹۷	۷۱.۰۰۰	۷۰.۶۶۹	۷۱۱۹۳	۷۱۰۰۰	هرمزگان
		۱۹۴۹۳	۱۹.۳۶۸	۲۰.۰۰۰	۱۹۳۶۸	۱۹۴۹۳	موجود نیست	۱۹۳۲۹	همدان
-۳۰۸۶.۹	موجود نیست	۷۲۱۵۶	۱۲۹.۲۸۵	۷۳.۰۰۰	۱۲۹۲۸۵	موجود نیست	۱۳۱۵۵۱	۱۲۸۴۶۴.۱	یزد

با توجه به جدول ۴ مساحت خراسان رضوی در نقشه موجود، نسبت به مقادیر استخراج شده در سایت تفاوت معنیداری دارد. این اختلاف حدود ۹۴۸۸ کیلومتر مربع می باشد. بخشی از این اختلاف می تواند به عدم بروز بودن اطلاعات موجود در سایت مربوطه باشد. شهرستانهایی در طول زمان از خراسان رضوی جدا شده و به خراسان جنوبی منتقل شده ولی، در مساحت قبلی تغییری داده نشده است. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که خط ساحلی مبنا، برای محاسبه مساحت استانهای ساحلی خیلی مهم است. تعاریف جامع و کاملی در خصوص مناطق و نواحی ساحلی در دست نمی باشد. هر چند در مقدمه برخی از معهود قوانین مرتبط با نواحی ساحلی، تعاریف کلی برای خطوط ساحلی ارائه شده است، اگر قوانین دقیقی هم موجود باشد با توجه به کمبود دادههای مکانی برای مناطق ساحلی امکان ترسیم دقیق خط ساحلی امکانپذیر نیست. البته در سازمان بندر و دریانوردی در خصوص مونیتورینگ و مدلینگ سواحل کشور مطالعاتی انجام شده است، که نتایج و داده های بدست آمده در طول اجرای این طرح در حل این مشکل کمک بزرگی خواهد کرد. از این جهت اطلاعات بسیار متنوعی در مطالعات مختلف مربوط به طول خط ساحلی یا مساحت استانهای ساحلی وجود دارد.

جدول ۵: مقایسه مساحت استانهای مورد مطالعه در سیستم های تصویر مختلف

نام	مساحت در سیستم لامبرت	UTM-۳۸	UTM-۳۹	UTM-۴۰	UTM-۴۱	اختلاف مساحت در سیستم های UTM	زون انتخابی	اختلاف مساحت UTM لامبرت با
خراسان رضوی	۱۱۸۹۳۱,۹			۱۱۸۹۹۶	۱۱۹۲۷۴	-۲۷۸	۴۰	-۶۴,۱
سیستان و بلوچستان	۱۷۹۵۱۴,۶			۱۷۸۹۴۸	۱۷۸۵۷۹	۳۶۹	۴۱	۹۳۵,۶
خراسان جنوبی	۹۳۸۲۶,۹			۹۴۰۸۹	۹۴۲۷۹	-۱۹۰	۴۰	-۲۶۲,۱

۱۳۳,۳-	۴۰	۱۵۷		۹۷۳۲۶	۹۷۴۸۳		۹۷۱۹۲,۷	سمنان
۲۹۲,۹-	۴۰	۵۱۸		۱۲۸۷۵۷	۱۲۹۲۷۵		۱۲۸۴۶۴,۱	یزد
۲۶۸,۳-	۳۹	۴۱۸-		۱۰۷۴۷۳	۱۰۷۰۵۵		۱۰۶۷۸۶,۷	اصفهان
۱۸۰	۳۹	۲۴۹-		۱۲۲۸۴۸	۱۲۲۵۹۹		۱۲۲۷۷۹,۰	فارس
۱۱,۸	۳۹	۲۰			۲۱۷۷۱	۲۱۷۹۱	۲۱۷۸۲,۸	زنجان
۹۲,۳-	۳۹	۳۱			۲۸۳۰۲	۲۸۳۳۳	۲۸۲۰۹,۷	لرستان
۱۰۴,۱	۳۹	۴			۱۷۷۹۸	۱۷۸۰۲	۱۷۹۰۲,۱	اردبیل

با توجه به اینکه استانهای مذکور در بین دو زون سیستم UTM واقع شده‌اند. با استفاده از شکل شماره سه، زونی که مساحت بیشتری از استان در آن واقع شده است انتخاب شد و مقدار مساحت استان در زون انتخابی از مساحت استان در سیستم لامبرت کسر گردید. ستون انتهایی جدول فوق تفاوت مساحت بین سیستم لامبرت و UTM را نشان می‌دهد. با توجه به جدول بیشترین اختلاف نسبی مربوط به استان سیستان و بلوچستان و کمترین آن مربوط به خراسان رضوی و زنجان می‌باشد. این موضوع با شکل شماره ۳ نیز مطابقت دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

این پژوهش نشان داد که نقشه هایی که در ایران و به زبان فارسی تولید میشوند با مشکلاتی در زمینه سمبلگذاری، متا دیتا، سیستم تصویر، مقیاس و فونتیک و تلفظ صحیح نام جغرافیایی مواجه میباشند که پیشنهاد میشود نقشه های تولید شده استاندارد سازی شده و پایگاهی برای سمبلهای استاندارد توسط متولیان تولید نقشه ایجاد شود که قابل دسترس کلیه محققان باشد. در خصوص مشکلات مربوط به متا دیتا، هر چند فعالیتهایی از جمله اقدامات سازمان نقشهبرداری در حال انجام هست، اما سایر سازمانها و نهادهایی که با نقشه سرو کار دارند باید نسبت به تهیه متا دیتای استاندارد برای نقشه مربوطه اقدام نمایند که این مسأله عزمی ملی را میطلبد. همچنین با توجه به مشکلات مربوط به زبان فارسی، در زیر ساخت دادههای مکانی ملی، در خصوص دادههای رقومی امکانات مربوط به تلفظ محلی اماکن نیز گنجانده شود. در خصوص نشریات مکتوب مانند اطلس راههای ایران، یک عدد لوح فشرده حاوی تلفظ صحیح عوارض جغرافیایی آورده شود تا مشکلات مربوطه را تا حدی بر طرف نماید. پیشنهاد می‌شود به منظور نمایش سمبلگذاری عوارض، برای هر عارضه و برای مقیاسهای مختلف جدولی حاوی اطلاعات گرافیکی طراحی شود که نحوه سمبل گذاری عوارض مانند رنگ، شکل و اندازه برای مقیاسهای مورد نظر نقشههای زمین شناسی، نقشههای هیدروگرافی و نقشههای موضوعی در جداول مربوطه آورده شود. در نهایت این سمبلگذاری به عنوان استاندارد برای لایه های اطلاعاتی موجود در سیستم یکپارچه GIS مورد استفاده قرار گیرد همچنین در نقشههای رقومی و کاغذی سازمانهای تولید نقشه در کشور، پس از مطابقت دادن این عوارض با استانداردهای بینالمللی، سمبلگذاری عوارض مختلف استخراج و برای اقلام اطلاعاتی مربوطه مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به نکاتی که تا کنون ذکر گردید به نظر میرسد اکثر استانها برای انجام پروژههای استانی از سیستم UTM استفاده می‌کنند. در حالی که با توجه به گستردگی بعضی از استانها در عرض جغرافیایی و واقع شدن آنها بین دو زون اطلاعات مربوط به مساحت در این نوع پروژه ها قابل اعتماد نخواهد بود. بنابراین استفاده از سیستم تصویر UTM برای حالاتی که منطقه مورد نظر دارای گستره زیادی نمیباشد و همچنین برای مواقعی که پایگاه سامانه اطلاعات جغرافیایی بر اساس شیت بنا شده است بهترین انتخاب میباشد. ولیکن در مواردی که قرار است از نقشههای یکپارچه و در گستره های زیاد (مانند کل

کشور) استفاده گردد و پایگاه سامانه اطلاعات جغرافیایی به صورت یکپارچه تهیه گردد، بهترین سیستم تصویر (در ایران) همان سیستم تصویر لامبرت یزد می-باشد که هم میتوان کل ایران را با استفاده از آن و به صورت یکپارچه تصویر کرد و هم خطاهای هندسی آن نسبت به دیگر سیستمهای تصویر یکپارچه کمینه میباشد. ایجاد زیرساخت داده مکانی ملی و استفاده همه سازمانها از این اطلاعات مکانی استاندارد و یکپارچه نیز میتواند در کاهش مشکلات مربوط به دادههای متفاوت مربوط به یک مکان مشخص، نقش مهمی داشته باشد. همچنین با توجه به تغییرات سریع نرم افزارهای گرافیکی و نیاز به نمودارها و نقشههای متعدد در تحقیقات علمی تجهیز گروههای آموزشی و پژوهشی به کارگاه کارتوگرافی ضروری است. بعلاوه از آنجا که اطلاعات صحیح و متقت توصیفی و جغرافیایی زیربنای برنامه ریزی و تحقیقات بعدی میباشد استانداردهای مختلف کشور یکی از مهمترین اولویتهای پژوهشی و برنامه ریزی آنها باید تهیه بانک اطلاعات جغرافیایی و توصیفی باشد که از دوباره کاری و مواجهه با آمارهای ضد و نقیض و متفاوت پرهیز گردد و پرتالهای استانداردها مرجع اطلاعات صحیح، دقیق و به روز برای محققین و سایر پرتالها گردد.

منابع

- امینی پور و همکاران، مفاهیم سیستم اطلاعات جغرافیایی، قابل دسترس در (<http://www.civilstars.com>)
- پیشگاهی فرد، زهرا و سلطانی خلیفانی، ناصر، تحلیل سیاست های آمایش سرزمینی ایران و ترکیه در مناطق مرزی همجوار، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹ پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۷-۲۷
- جداری عیوضی، جمشید (۱۳۸۳) اصول کارتوگرافی، انتشارات پیام نور
- حسینی، سید زین العابدین و همکاران (۱۳۸۸)، کارتوگرافی و فیزیوگرافی در مطالعات منابع طبیعی، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- خلاصه آمارهای پایه کشور ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران
- خلاصه آمارهای پایه کشور ۱۳۸۰، مرکز آمار ایران
- زاهدی، مجید (۱۳۸۴) کارتوگرافی، انتشارات سمت
- کریمی پور، یدالله، ۱۳۸۸، ژئوپلیتیک کرانه های دریایی ایران و مدیریت یکپارچه ی مناطق ساحلی، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تهران
- مطالعات مرحله دوم طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور- مطالعات طرح مدیریت نوار ساحلی (SMP)- گزارش تعیین طول خط ساحلی کشور- شرکت جهاد تحقیقات آب و انرژی- زمستان ۱۳۸۶
- مقیمی، سید جعفر، همراه، مجید (۱۳۸۳)، کارتوگرافی، انتشارات گیتا شناسی
- موسوی، سید ابوالفضل- کریمی، جلال- علی محمدی سراب، عباس- وفاپی، فریدون " تعیین طول خط سواحل شمال و جنوب ایران "
- Snyder ۱۹۸۷, ۳ Map projections--a working manual (Google eBook)
- Snyder, John P. (۱۹۸۷). *Map Projections—A Working Manual. U.S. Geological Survey Professional Paper*. United States Government Printing Office, Washington, D.C... ۱۳۹۵. <http://pubs.er.usgs.gov/pubs/pp/pp۱۳۹۵>.
-

منابع اینترنتی مورد

استفاده:



پرتال استان آذربایجان شرقی به آدرس:

<http://www.ostan-as.gov.ir> پرتال استان آذربایجان غربی به آدرس:

<http://www.ostan-ag.gov.ir> : پرتال استان بوشهر به آدرس

<http://ostb.ir> پرتال استان خراسان رضوی به آدرس:

<http://www.khorasan.ir> پرتال استان خراسان شمالی به آدرس:

<http://www.nkhorasan.ir> : پرتال استان خوزستان به آدرس

<http://www.ostan-khz.ir> پرتال استان سیستان و بلوچستان به آدرس:

<http://sbportal.ir> پرتال استان فارس به آدرس:

<http://www.fars.ir> پرتال استان قزوین به آدرس: <http://www.ostn-qz.ir> - پرتال استان قم به آدرس

<http://www.ostan-qom.ir> : پرتال استان کردستان به آدرس

<http://www.ostan-kd.ir> پرتال استان کهگیلویه و بویر احمد به آدرس:

<http://www.ostan->

<http://www.ostan-kb.ir> پرتال استان گلستان به آدرس:

<http://www.golestan.gov.ir>

پرتال استان اردبیل به آدرس:

<http://www.ostan-ar.ir> •

□ <http://www.gilan.ir> پرتال استان گیلان به آدرس: •

پرتال استان کرمان به آدرس: •

<http://gov.kr.ir> •

پرتال استان یزد به آدرس: •

<http://www.ostanyazd.ir> •

پرتال استان هرمزگان به آدرس: •

<http://www.hormozgan.ir> •

پرتال استان همدان به آدرس: •

<http://www.ostan-hm.ir/fa/> •

پرتال استان مرکزی به آدرس: •

<http://www.ostan-mr.ir/> •

پرتال استان چهارمحال و بختیاری به آدرس: •

<http://ostan-chb.ir> •

پرتال استان خوزستان به آدرس: •

<http://www.ostan-khz.ir> •

پرتال استان ایلام به آدرس: •

<http://portal-il.ir> •

پرتال استان کرمانشاه به آدرس: •

<http://www.ostan-ks.ir> •

پرتال استان کردستان به آدرس: •

<http://www.ostan-kd.ir> •



- پرتال استان تهران به آدرس:
<http://www.ostan-th.ir>
- پرتال استان اصفهان به آدرس:
<http://www.ostan-es.ir>
- پرتال استان سمنان به آدرس:
<http://www.ostan-sm.ir>
- پرتال استان خراسان جنوبی به آدرس:
<http://www.sk-portal.ir>
- پرتال استان مازندران به آدرس:
<http://www.ostan-mz.ir>
- وبگاه سازمان جهاد کشاورزی استان همدان به آدرس:
<http://www.hamedan.agri-jahad.ir>
- پارک علم و فن آوری استان مرکزی
<http://www.astp.ir>
- وبگاه موسسه مطالعات ایران و اوراسیا به آدرس:
<http://www.iraneurasia.ir>
- وبگاه بزرگترین و کاملترین دانشنامه ایران شناسی به آدرس:
<http://irangreat.blogfa.com>

- مقایسه مساحت کشورها با مساحت استانهای ایران در سایت <http://geo-graphy.persianblog.ir>
- به نقل از <http://fa.wikipedia.org>
- وبگاه پایگاه ملی داده های علوم زمین به آدرس: <http://www.ngdir.ir>
- وبگاه خبرگزاری فارس
<http://www.farsnews.com>
- ۱۳۷۵ نتایج سرشماری های استانها در <http://www.statoids.com>

بررسی علل ناامنی در مناطق مرزی آبی کشورها (مورد: مرز آبی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو)

میثم میرزائی تبار

عضو هیأت علمی گروه مطالعات ژئوپلیتیک، مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

m.mirzaeitabar@modares.ac.ir

چکیده

طرح مسئله: بخشی از تنش میان کشورها به اختلافات مرزی مربوط می‌شود که درگیری در مناطق مرزی آبی یکی از انواع این تنش‌ها است. در قاره آفریقا، موارد متعددی از تنش‌های مرزی از گذشته تاکنون وجود داشته است. درگیری مرزی آبی میان اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو یکی از این موارد است که اختلاف اصلی بر سر محدوده مرزی آبی در دریاچه آلبرت است. این مسئله موجب ناامنی در مناطق مرزی در دو سوی این دریاچه شده است. پژوهش حاضر درصدد بررسی علل اختلاف مرزی آبی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو و ناامنی‌های حاصل از آن است.

روش تحقیق: این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. پژوهش درصدد پاسخ به این سوال است که مهمترین علل وقوع ناامنی در مناطق مرزی آبی کشورهای اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو کدام است؟ **یافته‌ها:** درگیری اصلی در مناطق مرزی آبی میان اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو و ناامنی حاصل از آن، در محدوده دریاچه آلبرت و بر سر خط مرزی ترسیم شده در درون این دریاچه و همچنین فرسایش ساحل و تغییر در مسیر رودخانه مرزی سملیکی در جنوب دریاچه آلبرت است.

نتیجه‌گیری: علل مختلفی را می‌توان برای وقوع درگیری و تنش در مناطق مرزی آبی میان اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در اطراف دریاچه آلبرت برشمرد که مهمترین آن‌ها شامل ده مورد از علل و عوامل اصلی در ابعاد مختلف مباحث هویتی، حاکمیتی، تاریخی، ترسیم مرز، تغییر مسیر رود، زیست محیطی و... است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، ناامنی، مرز، مرز آبی، اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو

۱- مقدمه

مرز به طور کلی نقش جداکنندگی و تفکیکی در ابعاد مختلف را دارد. یکی از گونه‌های مهم مرزی، مرزهای طبیعی هستند که در تعریفی کلی، خطوط جدا کننده مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی محل سکونت انسان‌ها هستند. انسان‌ها همواره برای مشخص کردن محدوده محل سکونت و زیست خود درصدد ایجاد خطوط مرزی و تفکیکی بوده و هستند تا از این طریق محدوده مالکیت آن‌ها معین و مشخص باشد. به تبع این حساسیت، برای حفظ قلمرو و جلوگیری از هر نوع تعرض، همواره در موضع دفاع از محدوده خود عمل می‌کنند. در بعد وسیع و جدی‌تر، واحدهای سیاسی فضایی یا کشورها هم در تعیین محدوده سرزمینی و قلمرو حاکمیت و مالکیت خود و هم در دفاع از فضای سرزمینی و مرزی، فعال و جدی هستند.

کشورها و حکومت‌ها خصوصاً کشورهای برخوردار از قدرت، استقلال و انسجام داخلی، حفظ و دفاع از تمامیت ارضی و مرزها و محدوده سرزمینی خود را وظیفه اصلی و در رأس امور حکومتی و اداره کشور تلقی کرده و در مقابل هر گونه تهدید مرزی و سرزمینی حتی در سطح محدود، واکنش سخت نشان می‌دهند. در طول تاریخ سیاسی کشورها و همچنین در حال حاضر کشورهای زیادی با اختلافات مرزی و سرزمینی در مرزهای خشکی و آبی مواجه بوده و بارها منجر به تنش، منازعه و جنگ‌های شدید و خانمان سوز شده است.

در میان کشورهای آفریقایی، موارد متعددی از تنش و جنگ و درگیری مرزی به دلایل مختلف در گذشته و در حال حاضر مشاهده شده و می‌شود؛ جنگ‌هایی که با خسارت‌های جانی، مادی و مالی و ناامنی‌های طولانی مدت برای ساکنان مناطق مرزنشین کشورهای همجوار همراه بوده است. یکی از نمونه‌های نزاع و ناامنی در آفریقا میان کشورهای اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو بوده است. این دو کشور در خشکی و محدوده آبی دارای مرز مشترک هستند. اختلاف اصلی آن‌ها بر سر محدوده مرزی آبی در دریاچه آلبرت است که خط مرزی آن در وسط این دریاچه ترسیم شده و سال‌هاست دو کشور بر سر آن اختلاف داشته و همین مسئله موجبات ناامنی در مناطق مرزی در دو سوی این دریاچه را فراهم کرده است. این پژوهش درصدد بررسی علل اختلاف مرزی آبی میان اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو و ناامنی‌های حاصل از آن در مناطق مرزی دو کشور است.

۲- روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای از جمله مقاله، کتاب، گزارش‌های علمی و... تدوین شده است. پژوهش درصدد پاسخ به این سوال است که مهمترین علل وقوع ناامنی در مناطق مرزی آبی کشورهای اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو کدام است؟

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- مرز و مرز آبی

انسان برای مشخص کردن پیرامون فعالیت خود، آن‌گونه که با گستره فعالیت همسایه تداخل پیدا نکند، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط زیست یا قلمرو خود است. گونه گسترش‌یافته این مفهوم، خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه سیاسی پیدا می‌کند که "مرز" خوانده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۱-۴۰). مرزها به طور کلی تعیین کننده حدود حاکمیت و مالکیت یک دولت یا نظام سیاسی هستند و کشورها و حکومت‌ها را از یکدیگر جدا و متمایز می‌کنند (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۲۹۹). مرزها به طور کلی به ۵ دسته ذیل تقسیم می‌شوند:

۱. مرزهای طبیعی؛ که در امتداد عوارض طبیعی یا جغرافیایی مانند کوه، دره، رودخانه و در درازای کرانه‌ها یا میانه دریاها پدید می‌آیند؛
۲. مرزهای فرهنگی؛ که معمولاً جداکننده فرهنگ‌های متفاوت است؛
۳. مرزهای سیاسی؛ که جداکننده فلسفه‌های سیاسی یا ایدئولوژی‌ها از هم است؛
۴. مرزهای قومی؛ که جداکننده اقوام از هم است؛
۵. مرزهای تحمیلی؛ که مورد پسند قدرتی برتر است و بدون رضایت موجودیت ضعیف‌تر اعمال می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۹).

در چارچوب تقسیم‌بندی انواع مرزها، مرز و مرزهای آبی در دسته مرزهای طبیعی قرار می‌گیرد. این نوع مرزها، مشخص کننده محدوده حاکمیت و مالکیت کشورها در فضاها آبی هستند. تعیین مرزهای آبی در مقایسه با مرزهای خشکی از پیچیدگی خاصی برخوردار است.

۲-۳- امنیت و ناامنی

امنیت در بعد عینی، فقدان تهدیدات نسبت به ارزش‌ها، منافع و اهداف و در بعد ذهنی، فقدان ترس از این است که بنیان‌های ملی (ارزش‌ها، منافع و اهداف) مورد هجوم (فیزیکی و غیرفیزیکی) واقع شوند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۴۰). مفهوم امنیت به آرامش، قرار و تعادل عناصر ساختاری و کارکردی سیستم تأمین‌کننده نیازهای انسان مربوط می‌شود. زمانی که خلل در سیستم و تعادل آن پدید آید، روند تأمین نیازها دچار اختلال و چالش می‌گردد و تهدید و آسیب از طریق نقصان یا فقدان تأمین نیازها شکل می‌گیرد. به دنبال آن مفهوم امنیت از طریق فقدان آن یعنی ناامنی که معرف خلل در روند تأمین نیازها است پدید می‌آید. بنابراین امنیت وجوه مختلفی دارد. هم می‌توان آن را "حالت" و "شرایط" و هم "ساز و کار" و تدابیر لازم دانست. ولی واقعیت این است که امنیت مفهومی است که همه اینها را در بر می‌گیرد. یعنی نیاز اساسی انسان است که محصول ساز و کاری مرکب از عناصر ساختاری با کارکردهای هماهنگ می‌باشد که از طریق اتخاذ تدابیر لازم و مدیریت بهینه پدید می‌آید (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۳۲۵). در واقع، امنیت عبارت است از حفظ تعادل کارکردی سیستم تضمین کننده موجودیت و نیازهای فردی و جمعی انسان از جمله خود امنیت، به نحوی که مانع از نگرانی و ترس گردد (همان: ۳۲۷).

۲-۳- دریاچه آلبرت^{۷۵}

دریاچه آلبرت متعلق به دریاچه‌های بزرگ^{۷۶} آفریقا و سیستم نیل بالا است. این دریاچه، بخشی از مرز اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو را با حدود ۱۶۰ کیلومتر طول و میانگین ۳۲ کیلومتر عرض، شکل داده است. منابع اصلی تأمین آب آن، نیل ویکتوریا و رودخانه سملیکی^{۷۷} است. زمین‌های اطراف دریاچه آلبرت در سمت اوگاندا تا حدی منطقه حفاظت شده است اما برای کشاورزی (کشت محصول و پرورش دام) و ایجاد سکونتگاه‌های انسانی استفاده می‌شود. دریاچه تأمین کننده منابع ماهی جوامع اطراف آن و مناطق دیگر است. منطقه کنگویی‌نشین ایتوری و مناطق اوگاندایی‌نشین نبی^{۷۸}، آمو^{۷۹}، بولیسا^{۸۰}، هوئما^{۸۱}، کیباله^{۸۲} و بوندیبوگیو^{۸۳} دریاچه آلبرت را احاطه کرده‌اند. معیشت مردم محلی ساکن در اطراف دریاچه بر پایه

^{۷۵} Lake Albert

^{۷۶} Great Lakes

^{۷۷} Semliki

^{۷۸} Nebbi

^{۷۹} Amuru

^{۸۰} Buliisa

^{۸۱} Hoima

ماهیگیری، دامپروری و کشاورزی است. در شهرهای مرزی مانند ماهگی^{۸۴} تجارت و تبادل محصولات تولیدی ساکنان میان دو سوی مرز انجام می‌شود. دریاچه آبرت علاوه بر اهمیت اقتصادی، روابط امنیتی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو را نیز متأثر کرده است (Westerkamp & Houdret, ۲۰۱۰: ۹-۱۰).

نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی اوگاندا و دریاچه آبرت



منبع: One World-Nations Online, Administrative Map of Uganda

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- درگیری اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در اطراف دریاچه آبرت

اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در اطراف دریاچه آبرت و مناطق مرزی آن، دارای سابقه اختلافات مرزی هستند. در سال ۱۹۹۸، ارتش اوگاندا، شورشیان اوگاندایی در مرز خود با این کشور را تحت تعقیب قرار داد. اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو را به مسلح کردن شورشیان اوگاندایی متهم کرد و مناطقی را در شرق سرزمین جمهوری دموکراتیک کنگو تا سال ۲۰۰۳ میلادی به اشغال درآورد (Marine Corps Intelligence Activity, ۲۰۱۴: ۶). از جمله این مناطق، ایتوری بود.

^{۸۲} Kibaale

^{۸۳} Bundibugyo

^{۸۴} Mahagi

اشغال ایتوری^{۸۵} بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳، به طور گسترده ثبات منطقه را به هم ریخت (Westerkamp & Houdret, ۲۰۱۰: ۸).

با توجه به منازعات قومی دیرینه در منطقه و دو جنگ در جمهوری دموکراتیک کنگو در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۷ و ۱۹۹۸-۲۰۰۳ میلادی، هر دو ساحل دریاچه آلبرت در جمهوری دموکراتیک کنگو و اوگاندا در معرض ناامنی ناشی از تنش‌های مرزی همسایگان، اقدامات شورشیان، حضور پناهندگان و منازعات قبیله‌ای است. مردم این منطقه از نظر قومی، متنوع هستند و با وجود همزیستی مسالمت‌آمیز، منازعات قومی در طول جنگ دوم در جمهوری دموکراتیک کنگو (۲۰۰۳-۱۹۹۸ میلادی) خصوصاً در ایتوری رخ داد. در سال‌های اخیر، با استقرار مهاجران کنگویی و اوگاندایی در مناطق ساحلی دریاچه آلبرت در سمت اوگاندا، رقابت بر سر دسترسی به منابع طبیعی و زمین افزایش یافته است. این موضوع، تنش میان قبایل مختلف و به خطر افتادن ثبات منطقه را در پی داشته است (Ibid: ۱۰). در جولای ۲۰۰۷ میلادی، کارگران نفت یک شرکت نفتی کانادایی توسط نظامیان جمهوری دموکراتیک کنگو مورد حمله قرار گرفتند و ارتش اوگاندا هم به این اقدام پاسخ داد. درگیری در کنار این دریاچه، دوباره در ماه‌های آگوست و سپتامبر ۲۰۰۷ آغاز شد و ارتش‌های دو کشور در مناطق اطراف دریاچه مستقر شدند و تنش تشدید شد (Marine Corps Intelligence Activity, ۲۰۱۴: ۷-۸). تنش و درگیری دو کشور در این منطقه ادامه‌دار بوده و گاه‌با گاه با خشونت همراه شده است.

۲-۴- علل درگیری اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در اطراف دریاچه آلبرت

در ارتباط با درگیری اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در اطراف دریاچه آلبرت، علل مختلفی عنوان می‌شود که مهمترین آنها را می‌توان در چارچوب مسائل مرزی و رقابت برای تسلط بر منابع طبیعی به ویژه نفت مورد اشاره قرار داد. دریاچه آلبرت از نظر جغرافیایی و سیاسی، در بحث منابع طبیعی و تأثیر بر روابط دوجانبه اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو مورد اهمیت است. تاریخ مشترک در منازعه، فقر معیشتی، اختلافات مرزی و اخیراً کشف منابع نفتی، مدیریت منابع مشترک و روابط دوجانبه سیاسی دو کشور را به خطر انداخته است. تخریب محیط زیست به دلیل استخراج نفت و همچنین افزایش فشار بر سایر منابع طبیعی از قبیل آب و زمین به طور مستقیم بر اکوسیستم شکننده منطقه و معیشت محلی تأثیرگذار بوده است (Westerkamp & Houdret, ۲۰۱۰: ۸).

مهمترین موضوع در تنش و درگیری دو کشور، مسائل مربوط به دریاچه آلبرت در منطقه مرزی آن‌ها است. سرزمین اوگاندا در ساحل شرقی این دریاچه و سرزمین جمهوری دموکراتیک کنگو در ساحل غربی آن و مرز مورد مناقشه دو کشور در درون دریاچه قرار گرفته است (Ibid: ۹). تعیین مرز رسمی در دریاچه آلبرت صورت نگرفته و کشف ذخایر نفتی در امتداد سواحل شرقی دریاچه در نزدیکی اوگاندا نیز تنش بین دو طرف را تشدید کرده است (Marine Corps Intelligence Activity, ۲۰۱۴: ۷). نامشخص بودن خط مرزی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در این دریاچه، به وقوع منازعات مرگ‌بار دو کشور منجر شده است. اختلافات دو کشور، بر سر مالکیت جزیره روکوانزی^{۸۶} در انتهای جنوبی دریاچه آلبرت است که مکانی غنی از منابع نفت به حساب می‌آید. در حالی که ۹۰ درصد ساکنان این جزیره کنگویی هستند اما اوگاندا معتقد است که مرزهای تعیین شده در دوره استعمار، جزیره روکوانزی را در چارچوب قلمرو این کشور تعریف کرده است. علاوه بر این، ساحل رودخانه سملیکی در جنوب دریاچه آلبرت در طول سال به دلیل فرسایش خاک به نفع جمهوری دموکراتیک کنگو تغییر مسیر داده و تأکید بر این بوده است تا بدون در نظر گرفتن تغییر جهت جریان، این رودخانه مرز طبیعی دو کشور باشد (Westerkamp & Houdret, ۲۰۱۰: ۱۱).

^{۸۵} Ituri

^{۸۶} Rukwanzi

در جریان اشغال ایتوری توسط اوگاندا در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ میلادی، علل ریشه‌ای منازعات مسلحانه در این منطقه را می‌توان ناشی از اقدامات استثماری بازیگران محلی و منطقه‌ای برای دستیابی به زمین، فرصت‌های اقتصادی، قدرت سیاسی (۳۸۷: ۲۰۰۴) (Vlassenroot & Raeymaekers) و همچنین تسلط و اعمال کنترل بر منابع معدنی از جمله طلا دانست. به عبارت دیگر، یک دلیل اصلی اشغال ایتوری، احتمالاً تسلط این کشور بر مناطق شرقی و شمالی جمهوری دموکراتیک کنگو با هدف استخراج و بهره‌برداری از منابع طبیعی این منطقه بود (۱۰: ۲۰۱۰) (Westerkamp & Houdret). در سال ۲۰۰۷ میلادی نیز مسائل مرزی و نفت در دریاچه آلبرت پایه و اساس تنش میان اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو بود (۳۶۰: ۲۰۱۰) (Fahey). علاوه بر این عوامل اصلی، علل مؤثر دیگر در وقوع منازعات اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در منطقه دریاچه آلبرت به شرح ذیل است:

۱. عدم اعتماد بین دو دولت به دلیل وقایع تاریخی و تشدید سوءظن‌ها درباره اکتشافات نفتی؛
۲. فقدان قوانین و سیاست غیر متمرکز سنجش میزان استفاده از منابع طبیعی و افزایش تخریب و کاهش آن‌ها؛
۳. ناکارآمدی دولتی در اجرای مقررات و قوانین؛
۴. ناکافی بودن اقدامات برای مقابله با هجوم مهاجران، انجام برنامه‌ریزی در زمینه مسائل شهری، مسکن، معیشت و زیرساخت‌های اجتماعی؛
۵. فقدان شرکای رسمی شناخته شده و مورد اعتماد برای میانجی‌گری و حل و فصل منازعات بر سر منابع طبیعی و سایر اختلافات در سطح محلی؛
۶. فقدان امنیت به دلیل افزایش فعالیت‌های شبه‌نظامی در منطقه و اقدامات مداوم شورشیان در مناطق پیرامونی (۲۱: ۲۰۱۰) (Westerkamp & Houdret).

۵- تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

مناطق مرزی درگیر در اختلافات و تنش میان کشورهای همجوار چه در محدوده مرزهای خشکی و چه در مرزهای آبی اعم از رودخانه‌ها، خلیج‌ها، دریاچه‌ها و دریاها، معمولاً با پدیده سلب امنیت و وقوع ناامنی‌های بعضاً طولانی‌مدت برای ساکنان مرزنشین مواجه هستند. علت‌های مختلفی را می‌توان به عنوان ریشه‌های ناامنی در مناطق مرزی نام برد که یکی از مهمترین آن‌ها، اختلافات مرزی میان کشورهای همجوار است. مرزهای آبی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در اطراف دریاچه آلبرت نیز از این قاعده مستثنی نیست و در مناطق مرزی آن‌ها، ناامنی‌های موجود بنا به علت‌های مختلفی رخ می‌دهند که مهمترین به شرح ذیل قابل طرح و بحث هستند:

۱- **تنوع بالای قومی و قبیله‌ای در مناطق مرزی:** یک عامل مهم تنش، درگیری و وقوع ناامنی در مناطق مرزی آبی دو کشور، تنوع بالای قومی و قبیله‌ای در این منطقه است. معمولاً تنوع قومی و قبیله‌ای به تنهایی عامل وقوع نزاع و ناامنی نیست اما در ترکیب با سایر عوامل می‌تواند عامل و تسهیل کننده وقوع درگیری باشد. مسائل و تفاوت‌های هویتی قومی و قبیله‌ای همراه با ذهنیت‌های منفی و اختلافات تاریخی اقوام و قبایل از یکدیگر، از عوامل مهم درگیری و ناامنی در مناطق با تنوع قومی است. در مناطق مرزی دریایی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در اطراف دریاچه آلبرت خصوصاً در ایتوری حضور مهاجران و پناهندگان در این مناطق سبب تشدید تنوع قومی و قبیله‌ای و منازعه بر سر منابع زیستی شده و موجبات درگیری و ناامنی در این مناطق را فراهم کرده است.

۲- **ضعف حاکمیت در مناطق مرزی و حضور نیروهای واگرا و فعالیت‌های شورشیان شبه‌نظامی:** در برخی از کشورها، مناطق مرزی در زمره مناطق دورافتاده‌ای هستند که از مرکز به سمت پیرامون و مرزها فضای سرزمینی کشور، موضوع کاهش امکانات رفاهی، ضعف حاکمیتی و خلاءهای امنیتی بیشتر به چشم آمده و مطرح می‌شوند. وجود این شرایط، زمینه‌ساز حضور

و فعالیت نیروهای واگرا و به تبع آن، ایجاد ناامنی است. در مناطق مرزی دریایی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در اطراف دریاچه آلبرت، این موضوع سبب حضور نیروهای واگرا و شورشی و افزایش فعالیت‌های شبه‌نظامی در منطقه و اقدامات مداوم آن‌ها در مناطق پیرامونی شده است.

۳- تنش در روابط دو کشور همسایه و هم‌مرز و حمایت از گروه‌های شورشی و واگرا: تنش و اختلاف در روابط همسایگان، یکی از عوامل مهم ناامنی در مناطق مرزی کشورها است. زمانی که اختلاف و تنش جدی در روابط دو کشور همسایه به وجود می‌آید، معمولاً کشورها در مدیریت امنیتی مرز خود با آن کشور، اهتمام جدی و لازم را ندارند و از این وسیله برای فشار به طرف مقابل استفاده می‌کنند. در وضعیت شدید و سخت اختلاف، ممکن است هر یک از کشورها برای ضربه به طرف مقابل اقدام به حمایت از گروه‌های شورشی و واگرا علیه یکدیگر کنند. در مناطق مرزی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو، اوگاندا، شورشیان فعال در مرزهای خود را تحت حمایت جمهوری دموکراتیک کنگو می‌داند و معتقد است که شورشیان اوگاندایی از سوی این کشور حمایت و مسلح می‌شوند. این موضوع در فاصله سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ میلادی منجر به درگیری شدید میان دو کشور و اشغال مناطقی از شرق سرزمین جمهوری دموکراتیک کنگو توسط اوگاندا شد و همواره عامل وقوع ناامنی در مناطق مرزی دریایی دو کشور بوده است.

۴- اختلافات بر سر محل دقیق مرز: مهمترین موضوع تنش‌آفرین در روابط کشورهای هم‌مرز، اختلاف بر سر تعیین دقیق خطوط مرزی یا ادعای دو طرف مبنی بر مالکیت بر بخشی از مناطق مرزی مورد مناقشه است. این موضوع در طول تاریخ سیاسی کشورهای جهان همواره یکی از عوامل اصلی تنش و وقوع جنگ‌ها بوده است. در ارتباط با اختلافات و تنش اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در مناطق مرزی آبی در دریاچه آلبرت نیز اصلی‌ترین موضوع اختلاف، مربوط به این مسئله و عدم تعیین دقیق مرز دو کشور در این دریاچه است که موجب ایجاد تنش و درگیری مرزی و اختلاف دیرینه دو کشور و ناامنی در مناطق مرزی آن‌ها شده است.

۵- رقابت بر سر دسترسی منابع طبیعی با ارزش: برخورداری مناطق مرزی از منابع طبیعی با ارزش خصوصاً منابع انرژی و معدنی که از اهمیت اقتصادی بالایی دارند و رقابت بازیگران اعم از رسمی و غیررسمی برای دستیابی به آن‌ها، همواره یکی از عوامل اصلی تنش، درگیری و ناامنی در این مناطق بوده است. این موضوع زمانی اهمیت و شدت بیشتری پیدا می‌کند که طرفین از بازیگران رسمی یعنی کشورها بوده و هر دو طرف ادعای مالکیت بر مناطق مرزی مورد اختلاف و منابع آن را داشته باشند. در ارتباط با اختلافات اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در مناطق مرزی اطراف دریاچه آلبرت، کشف ذخایر نفتی در امتداد سواحل شرقی این دریاچه در نزدیکی اوگاندا، اختلاف بر سر مالکیت جزیره روکوانزی در انتهای جنوبی دریاچه آلبرت که غنی از منابع نفت است، و همچنین وجود منابع طلا در منطقه ایتوری، یکی از علل اصلی اختلافات، تنش‌ها و ناامنی است.

۶- ضعف یا عدم برقراری عدالت فضایی در مناطق مرزی: برقراری عدالت فضایی و توزیع عادلانه منابع، ثروت و امکانات معیشتی و رفاهی میان شهروندان در نواحی مختلف کشور از وظایف اولیه و اصلی حکومت است. در اغلب کشورها به دلایل مختلف این موضوع با ضعف همراه می‌شود و حکومت‌ها به صورت ارادی یا غیرارادی ناتوان از برقراری عدالت فضایی در فضای سرزمینی خود و برخی مناطق خاص می‌شوند. از جمله مناطق آسیب‌پذیر در این زمینه، مناطق مرزی کشورها هستند که به دلیل شرایط ویژه حاکم بر آن‌ها و دورافتادگی از مرکز کشور، معمولاً با ضعف امکانات معیشتی و رفاهی و ضعف یا عدم برقراری عدالت فضایی مواجه هستند. این موضوع نارضایتی شهروندان از حکومت را در پی دارد و در صورت عدم رفع مشکل و تداوم آن، منجر به تنش و نزاع مردم با حکومت و وقوع ناامنی می‌شود. در مناطق مرزی آبی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک

کنگو نیز این موضوع صادق است و ضعف در برقراری عدالت فضایی و کم‌توجهی به ساکنان این مناطق سبب ایجاد فقر معیشتی در شهروندان شده و یکی از دلایل تنش و ناامنی به حساب می‌آید.

۷- تخریب محیط زیست و تهدید منابع زیستی: منابع زیستی از قبیل آب، زمین و... از عناصر اصلی و حیاتی برای معیشت و گذران زندگی مردم و شهروندان در مناطق مختلف است. این منابع عامل تداوم حیات شهروندان و برای بسیاری از ساکنان خصوصاً در مناطق روستایی، وسیله اصلی امرار معاش و اشتغال است. تخریب منابع زیستی و محیط زیست در یک منطقه، مساوی با خطر نابودی این منابع و تهدید معیشت شهروندان و ساکنان آن منطقه بوده و واکنش منفی آن‌ها برای دفاع از منافع حیاتی خود را در پی خواهد داشت. در اطراف دریاچه آلبرت و در محدوده مرزهای اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو، استخراج نفت و فشار ناشی از بهره‌برداری از منابع طبیعی از قبیل آب و زمین، اکوسیستم و معیشت مردم را با شکنندگی مواجه کرده است. این مسئله موجب اعتراض و ایجاد درگیری مردم محلی با نیروهای دولتی و شرکت‌های فعال در این مناطق شده و زمینه فعالیت نیروهای واگرا و شورش را فراهم کرده است که برآیند این رخدادها، ناامنی در برخی مناطق مرزی در محدوده دریاچه آلبرت است.

۸- تصمیمات و اقدامات استعماری در تعیین مرز: در بسیاری از کشورهایی که در تاریخ خود با سلطه استعماری کشورهای استعمارگر مواجه بوده‌اند، پیامدهای اقدامات استعماری ممکن است تا سال‌ها، آن کشورها را متأثر کند. یکی از اقدامات برجسته استعمارگران در کشورهای آفریقایی و آسیایی، تعیین و ترسیم مرزهای سیاسی و حاکمیتی کشورها بوده که اغلب، بدون در نظر گرفتن ملاحظات هویتی و به صورت تحمیلی انجام شده است. نتیجه این تصمیمات نیز وقوع اختلافات مرزی دیرینه میان کشورها و به تبع ایجاد ناامنی مرزی بوده است. در بیشتر اختلافات مرزی میان کشورهای آفریقایی، رد پای استعمار دیده می‌شود. در ارتباط با اختلافات مرزی اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در اطراف دریاچه آلبرت نیز بخشی از علل تنش و ناامنی‌ها ریشه در اقدامات استعماری دارد. جزیره روکوانزی واقع در انتهای جنوبی این دریاچه، مکانی غنی از منابع نفت با جمعیت حدود ۹۰ درصد کنگویی است اما اوگاندا مدعی مالکیت بر آن با استناد به مرزهای تعیین شده در دوره استعمار است و این مسئله باعث اختلاف و تنش دو کشور شده است.

۹- فرسایش خاک در ساحل رودخانه مرزی و تغییر مسیر آن به نفع یکی از طرفین مرز: یکی از اشکال مرزهای آبی میان کشورها، رودخانه‌ها هستند. تعیین مرز دقیق کشورها براساس رودخانه، سازوکار خاص خود را دارد که عدم رعایت آن، سبب اختلاف کشورهای هم‌مرز خواهد شد. یک ویژگی مهم مرزهای رودخانه‌ای، تغییرات بستر و ساحل آن به مرور زمان و جابجایی خط مرز است که اگر باعث تضييع حقوق و کاسته شدن از محدوده سرزمینی یکی از طرفین مرز شود، اعتراض و اختلاف طرفین را در پی دارد. در ارتباط با مرزهای اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو، در انتهای جنوبی دریاچه آلبرت، بخشی از مرز دو کشور در رودخانه سملیکی قرار دارد که فرسایش خاک ساحل آن و تغییر مسیر رود به نفع جمهوری دموکراتیک کنگو و تأکید این کشور بر نادیده گرفتن این موضوع، سبب اختلاف و تنش شده است.

۱۰- ذهنیت منفی تاریخی و نبود اعتماد متقابل: مسئله تنش‌آفرین دیگر میان کشورها خصوصاً کشورهای دارای مرز مشترک، وجود ذهنیت‌های منفی تاریخی از عملکرد طرفین و عدم وجود اعتماد متقابل در سبک رفتاری آن‌ها است. این موضوع در شکل‌گیری برخی اختلافات و تداوم آن‌ها نقش‌آفرین بوده و با تشدید آن سبب ایجاد ناامنی در مناطق مرزی شده است. در مناطق مرزی آبی اطراف دریاچه آلبرت، اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در بحث بهره‌برداری از منابع مورد

اختلاف خصوصاً منابع نفتی، ذهنیت منفی تاریخی و سوءظن نسبت به عملکرد یکدیگر دارند و همین عامل سبب تنش دو کشور و عدم حرکت آن‌ها به سوی حل اختلاف می‌شود که برآیند تشدید این وضعیت، ایجاد ناامنی در مرزهای مشترک است. در مجموع، بررسی وضعیت مناطق مرزی آبی کشورهای اوگاندا و جمهوری دموکراتیک کنگو در اطراف دریاچه آلبرت و تجزیه و تحلیل علل مؤثر در وقوع تنش و ناامنی در این مناطق نشان می‌دهد که حاکم شدن شرایط ناامنی در مناطق مرزی آبی، ریشه در تأثیرگذاری عوامل مختلفی دارد که اصلی‌ترین آن‌ها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱. تنوع بالای قومی و قبیله‌ای در مناطق مرزی؛
۲. ضعف حاکمیت در مناطق مرزی و حضور نیروهای واگرا و فعالیت‌های شورشیان شبه‌نظامی؛
۳. تنش در روابط دو کشور همسایه و هم‌مرز و حمایت از گروه‌های شورشی و واگرا؛
۴. اختلافات بر سر محل دقیق مرز؛
۵. رقابت بر سر دسترسی منابع طبیعی با ارزش؛
۶. ضعف یا عدم برقراری عدالت فضایی در مناطق مرزی؛
۷. تخریب محیط زیست و تهدید منابع زیستی؛
۸. تصمیمات و اقدامات استعماری در تعیین مرز؛
۹. فرسایش خاک در ساحل رودخانه مرزی و تغییر مسیر آن به نفع یکی از طرفین مرز؛
۱۰. ذهنیت منفی تاریخی و نبود اعتماد متقابل.

۶- سپاسگزاری

نویسنده بر خود لازم می‌داند تا از حمایت‌های دانشگاه تربیت مدرس و مرکز مطالعات آفریقا در این دانشگاه کمال تشکر و قدردانی را داشته باشد.

۷- منابع

۷-۱- منابع فارسی

۱. حافظ نیا محمدرضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ سوم، ویرایش اول، مشهد: پاپلی.
۲. حافظ‌نیا محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.
۳. مجتهدزاده پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
۴. نوروزی محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی-امنیتی، تهران: سنا.

۷-۲- منابع انگلیسی

۱. One World-Nations Online, Administrative Map of Uganda. Retrieved from: <http://www.nationsonline.org/oneworld/map/uganda-administrative-map.htm>
۲. Westerkamp Meike & Houdret Annabelle (۲۰۱۰), Peacebuilding across Lake Albert: Reinforcing environmental cooperation between Uganda and the Democratic Republic of Congo, Brussels: Initiative for Peacebuilding.
۳. Marine Corps Intelligence Activity (۲۰۱۴), Uganda Country Handbook, United States: Marine Corps Intelligence Activity, Department of Defense. Retrieved from: <https://info.publicintelligence.net/MCIA-UgandaHandbook.pdf>



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



- ۴. Vlassenroot Koen & Raeymaekers Timothy (۲۰۰۴), The politics of rebellion and intervention in Ituri: The emergence of a new political complex?, African Affairs, Vol. ۱۰۳, No. ۴۱۲.
- ۵. Fahey Dan (۲۰۱۰), Guns and Butter: Uganda's Involvement in Northeastern Congo ۲۰۰۳–۲۰۰۹. In: L'Afrique des Grands Lacs: Annuaire ۲۰۰۹-۲۰۱۰, Edit by Stefaan Marysse, Filip Reyntjens & Stef Vandeginste, vol. ۱۴, Paris & Anvers (Belgique): L'Harmattan, Centre d'Etude de la Région des Grands Lacs d'Afrique.

تحلیل عناصر و عوامل درونی و بیرونی موثر بر شکل گیری پدیده قاچاق مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان با نگرش سیستمی

سید عباس احمدی^۱، نیلوفر اهرون^{۲*}

۱- استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.

[*Niloo.ahroon@gmail.com](mailto:Niloo.ahroon@gmail.com)

چکیده:

طرح مسئله: بدون شناخت محیط پیرامونی و نظم و معادلات حاکم بر آن دستیابی به اهداف، امنیت و منافع ملی غیر ممکن و در صورت امکان مستلزم سعی و خطای بسیار، اتلاف منابع و هزینه‌های سنگین و احتمالاً جبران‌ناپذیر خواهد بود. عدم توسعه‌یافتگی و وجود شکاف رفاهی میان شهرهای مرزی با شهرهای مرکزی نوعی حاشیه و متن را ایجاد کرده است که این امر بر ضرورت شناسایی عناصر و عوامل دخیل در این نواحی می‌افزاید. استان سیستان و بلوچستان در منطقه‌ای واقع شده که به دلیل خصوصیات جغرافیایی همواره مورد بی‌توجهی حکومت بوده است، لذا در طول دوران پدیده‌ی مواد مخدر در این ناحیه شکل گرفته است؛ بنابراین بررسی عناصر و عوامل درون استان همچنین بررسی عناصر و عوامل بیرونی دخیل، می‌تواند در ریشه‌یابی شکل‌گیری پدیده‌ی شوم مواد مخدر، اتخاذ تصمیمات لازم و همچنین برای کاستن از تصادمات احتمالی در آینده مفید واقع شود.

روش پژوهش: پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر کتب، نشریات داخلی، پایان نامه‌ها و اسناد و مدارک می‌باشد و برخی از قسمت‌های تحقیق نیز حاصل برداشت‌های نگارنده از میان متون و شواهد موجود است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش مشتمل بر دو بخش اصلی درون استان و بیرون استان است، که هر بخش، خود دارای زیرشاخه‌های: عناصر طبیعی، عناصر انسان‌ساخت کالبدی، عناصر انسان‌ساخت اجتماعی و عوامل می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتیجه‌ی پژوهش گویای آن است که شکل‌گیری پدیده‌ی قاچاق مواد مخدر تحت اثر طیف گسترده‌ای از عناصر و عوامل درونی و بیرونی می‌باشد. همجواری ایران با مهم‌ترین تولیدکننده‌ی مواد مخدر دنیا، وجود شرایط خاص جغرافیایی و اقلیم حاکم بر این استان، تنوع مسائل قومی، نژادی و حتی مذهبی و همچنین بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی و دخالت قدرت‌های بیگانه همگی دست به دست هم داده‌اند تا این معضل ابعاد پیچیده‌تری به خود گیرد.

واژگان کلیدی: سیستان و بلوچستان، توسعه، مواد مخدر، امنیت.

۱- مقدمه

امنیت، رکن تداوم زندگی اجتماعی است و یکی از مهم‌ترین ابعاد آن امنیت اجتماعی می‌باشد. امنیت اجتماعی در هر کشور یا منطقه‌ی جغرافیایی متأثر از عوامل مختلفی است که در این میان، قاچاق مواد مخدر یکی از عواملی است که تأثیر بسیار زیادی بر کیفیت امنیت اجتماعی در جامعه دارد (ویسی و محمدی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۷). موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه‌ی خاورمیانه به گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم‌منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است. زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه‌ی مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد (سمنانی، ۱۳۹۲: ۷۱). عدم توسعه‌یافتگی مناطق مرزی جنوب شرق کشور، اختلاف رفاه میان شهرهای مرزی با شهرهای مرکزی که نوعی حاشیه و متن را ایجاد کرده است، بر ضرورت توسعه‌ی این مناطق می‌افزاید. چرا که موقعیت ژئوپلیتیک جنوب شرقی ایران در همجواری با کشورهای پاکستان و افغانستان و قرار گرفتن در مسیر دسترسی به آب-های آزاد جهان برای کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان جایگاه ویژه‌ای را برای گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران فراهم نموده است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). اهمیت جغرافیای سیستان و بلوچستان موجب شده است که عناصر و عوامل آن دارای کارکرد سیاسی شوند و ماهیت ژئوپلیتیکی پیدا کنند؛ لذا برای جلوگیری از پدیده‌ی قاچاق مواد مخدر، ابتدا شناخت عناصر و عوامل درونی و بیرونی دخیل در شکل‌گیری این پدیده شوم ضروری می‌نماید. در این پژوهش عناصر طبیعی، انسان‌ساخت کالبدی، انسان‌ساخت اجتماعی، عوامل و بازیگران تاثیرگذار داخل و خارج منطقه بر پدیده‌ی ژئوپلیتیکی مورد بحث، بررسی گشته است.

۲- مبانی نظری

نیاز به امنیت و رفتار امنیت‌جویانه، قدیمی‌ترین نیاز آدمی و انگیزه‌ی کنش او از حیاتی‌ترین اهداف اجتماعی انسانی در اشکال مختلف خانوادگی، قبیله‌ای، امپراتوری، حکومت و نظام جهانی بوده است. اما به رغم این نیازمندی عینی کهن و ریشه-دار، کاوش نظری و واکاوی ابعاد مختلف آن قدمت چندانی ندارد و از نیمه‌ی دوم سده‌ی بیستم مورد توجه قرار گرفته است (ویسی و محمدی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۹). امروزه امنیت از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اساسی‌ترین و کلیدی‌ترین بحث جوامع انسانی است و این امنیت می‌تواند در زمینه‌های اجتماعی، قضایی و حتی تغذیه‌ی جامعه و خانواده مطرح شود. امنیت اجتماعی از دو بعد ذهنی و عینی برخوردار است. در بعد عینی، امنیت اجتماعی به معنی عدم تهدید برای ارزش‌های کسب شده است و در بعد ذهنی مشتمل بر نبود هراس از اینکه آن ارزش‌ها مورد حمله قرار گیرد. وابستگی و اختلال مصرف مواد یکی از چالش‌های اساسی اکثر کشورهای جهان از جمله کشور ایران است که به رشد اقتصادی آسیب می‌زند و توسعه پایدار را ناممکن می‌سازد، پیامدهای اجتماعی و نابسامانی‌های خانوادگی بسیار به همراه دارد و بار زیادی را بر نظام بهداشت و درمان کشورها تحمیل می‌کند (دانایی، ۱۳۹۴: ۳۴). بطور کلی، تولید و قاچاق مواد مخدر از افغانستان برای خود و برای کشورهای همسایه و حتی سایر کشورهای جهان یک خطر بزرگ و یک تهدید بزرگ امنیتی است. قاچاق مواد مخدر خطر بزرگی برای سلامت و رفاه انسان‌ها، دموکراسی، ثبات ملت‌ها، حکمروایی و استقلال کشورها و تهدید جدی برای امنیت عمومی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی کشورها است (ویسی و محمدی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

۳- پیشینه پژوهش

عبادی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «نقش عوارض ژئومورفولوژیکی در قاچاق مواد مخدر از مرزهای جنوب شرق کشور» با استفاده از روش توصیفی تحلیلی مبتنی بر نگرش سیستمی به مطالعه تأثیر عوارض سطح زمین،

قابلیت‌ها و محدودیت‌های ناشی از این اشکال بر قاچاق مواد مخدر پرداخته‌اند. آن‌ها ادعان دارند که کشور جمهوری اسلامی ایران در همسایگی جنوب شرقی خود با بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر جهان هم‌مرز می‌باشد، از این رو بیشترین آسیب‌های امنیتی و انتظامی را متحمل شده است. یکی از عوامل مهم در این زمینه شرایط جغرافیایی به‌ویژه ژئومورفولوژیکی مرزهای جنوب شرقی کشور است. گسترش واحدهایی مانند: بیابان‌های گرم و وسیع، کویرها و نمکزارهای متعدد، مناطق کوهستانی و دیگر زمین شکل‌ها، حاصل فرایندهای ژئومورفولوژیکی مسلط در این مناطق است، که شرایط مساعدی را برای قاچاقچیان مواد مخدر فراهم نموده و آن‌ها با بهره‌گیری از این شرایط اقدام به اعمال غیرانسانی خود می‌نمایند. نتایج این پژوهش نشان داده است که قاچاقچیان مواد مخدر با شناخت کامل از وضعیت عوارض زمین و بهره‌گیری از آن‌ها در بسیاری از موارد مبادرت به این عمل می‌کنند.

اعظمی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل چالش‌های امنیتی مرزهای استان سیستان و بلوچستان» با روش توصیفی-تحلیلی به شناسایی، بررسی و تحلیل مهم‌ترین چالش‌های امنیتی موجود در مرزهای سیستان و بلوچستان پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مناطق بی‌ثبات همجوار ایران به خصوص در شرق کشور باعث دغدغه‌ها و نگرانی‌های اساسی شده و فقدان رشد دموکراسی و ناپایداری دولت‌های پیرامونی و گسترش اقتدار قومی آن‌ها و نیز وجود بزرگ‌ترین قطب تولید مواد مخدر و انواع قاچاق‌ها در مرزهای سیستان و بلوچستان بر آسیب‌پذیری مرزهای جغرافیایی و امنیتی ایران افزوده است. معمولاً حاشیه‌های مرزی محل تجمع گروه‌های نژادی، مذهبی و زبانی است و از این نظر استان سیستان و بلوچستان از شرایط ویژه‌ای برخوردار است. گذشته از همه، موقعیت جغرافیایی استان و حضور تعداد کثیری از اتباع بیگانه سبب تشدید عملیات تروریستی در این استان گردیده و در نهایت نبود ثبات و بروز چالش‌های امنیتی را برای منطقه سیستان و بلوچستان و کشور به ارمغان آورده است.

قاسمی فر و تقی‌زاده (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «نقش عوامل ژئوپولیتیک در توسعه استان سیستان و بلوچستان» به دنبال مسئله‌ی اصلی شناخت ویژگی‌های ژئوپولیتیک بعنوان عامل تأثیرگذار بر عدم توسعه‌ی موجود در سیستان و بلوچستان بوده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مرزهای طولانی و ناامن، وجود موانع طبیعی از جمله بیابان‌ها و کویرها، کمبود مواهب طبیعی، انزوای جغرافیایی، عامل ژئومورفولوژیکی، وضعیت آب و هوا و عدم ذخایر نفت و گاز، استقرار اقوام و قبایل بلوچ در دو سوی مرز، همجواری با کشورهای پاکستان و افغانستان و بی‌ثباتی و ضعف در ایجاد ثبات کامل سیاسی و اداری و اقتصادی کشور افغانستان که فقدان کنترل مرز را به همراه داشته است، جریان سیاسی پناهندگان افغانی، قرارگیری در مجاورت بزرگ‌ترین کانون تولید مواد مخدر و قاچاق آن از طریق مرز استان سیستان و بلوچستان به داخل ایران، وضعیت نامتعادل و نابرابری‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی این نواحی نسبت به نواحی مرکزی، فقر و محرومیت که موجب گرایش بسیاری از مردم این نواحی به قاچاق مواد مخدر شده است. چالش‌های فوق در این نواحی باعث بروز مشکلات و مسائل فراوان و متنوع گردیده است که می‌تواند توسعه را در سطوح محلی، منطقه‌ای و حتی ملی مورد تهدید قرار دهد و در صورت ادامه، معضلات جدی‌تر را به بار خواهد آورد.

۴- روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش به دلایل مختلف اعم از مشکل دسترسی به منطقه، وجود محدودیت در ارائه اطلاعات و مانند آن، شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر کتب، نشریات داخلی، پایان‌نامه‌ها و اسناد و مدارک می‌باشد.

۵- قلمرو پژوهش

استان سیستان و بلوچستان (شکل ۱)، به مرکزیت زاهدان، با وسعتی برابر ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع در جنوب شرقی کشور ایران و دارای حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مرز با دو کشور افغانستان و پاکستان و ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی با دریای عمان بوده، هم-چنین این استان ۱۱/۰۳ درصد مساحت کشور را فرا گرفته و پهناورترین استان کشور است (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۲).



شکل ۱: استان سیستان و بلوچستان

(منبع: [ویزیت ایران](#)، ۱۳۹۹).

۶- یافته‌ها

۶-۱ عناصر طبیعی درونی

۶-۱-۱ موقعیت

از لحاظ موقعیت جغرافیایی، این استان بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه ۴۷ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی در منطقه زمانی IRST (گرینویچ +۳:۳۰) واقع شده است (جان‌پرور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۸). از لحاظ موقعیت دریایی و ساحلی، به گزارش مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور (۱۳۹۷)، این استان پهناور در قسمت جنوب با دریای عمان مرز آبی دارد. بنادر، اسکله‌ها و مستحذات ساحلی و دریایی استان سیستان و بلوچستان شامل بندر تجاری شهید بهشتی و شهید کلانتری و بندر صیادی هفت‌تیر، پسابندر، بریس، رمین، تیس، کنارک، پزم، تنگ و بندر در حال احداث گالک (زرآباد) و بندر نظامی سپاه و ایران بندر و اسکله صنعتی کارگاه لنج‌سازی منصور، اسکله تفریحی نیروی هوایی (شمال بندر کنارک) و نیز موج‌شکن‌های آب‌شیرین‌کن کنارک می‌باشند، که تحت نظارت اداره کل بندر و دریانوردی استان مستقر در بندر چابهار فعالیت می‌کنند. از لحاظ موقعیت ترانزیتی و ژئواستراتژیکی، استان سیستان و بلوچستان بواسطه موقعیت جغرافیایی خود، شرایط ویژه‌ای از نظر نقش‌آفرینی در مبادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کالا و تعامل و ارتباط با حوزه‌های پیرامونی بخصوص کشورهای واقع در شمال و شرق خود دارا است. سیستان و بلوچستان به دلیل قرارگرفتن در موقعیت راهبردی و ترانزیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است به‌ویژه بندر چابهار که تنها بندر اقیانوسی ایران و آسان‌ترین و بهترین راه دسترسی کشورهای آسیای میانه به آب‌های آزاد است (سازمان بازرگانی استان سیستان و بلوچستان،

۱۳۸۶: ۱۰). به گزارش ایرنا، بندر استراتژیک چابهار و اسکله‌های مهم اقتصادی و تجاری (اسکله‌ی شهید بهشتی، اسکله‌ی شهید کلانتری) بندر چابهار، تنها بندر اقیانوسی کشور است که با آب‌های آزاد جهان از طریق اقیانوس هند نزدیک‌ترین فاصله را دارا است (ایرنا، ۱۳۹۶). وجود آب‌های عمیق و بریدگی‌های طبیعی خلیج چابهار فضای مناسب را برای اسکله‌سازی با عمق زیاد و مختصات لنگرگاهی مطلوب برای پهلوگیری کشتی‌های بزرگ اقیانوس‌پیما فراهم آورده است. از سوی دیگر این استان به لحاظ مجاورت با منطقه‌ی ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خلیج فارس، آب‌های بین‌المللی، همسایگی با دو کشور افغانستان و پاکستان و همجواری با حوزه‌ی شبه قاره هند، از امکانات بالقوه‌ی ترانزیتی و تجارت فرامرزی ممتازی برخوردار می‌باشد (شریفی‌کیا و بویه، ۱۳۸۹: ۱). قرارگیری استان مرزی سیستان و بلوچستان در مجاورت آب‌های بین‌المللی عمان و خلیج فارس، بنادر و خلیج‌های گواتر، چابهار، بزم و جاسک، بطور ذاتی از نظر ویژگی مکانی و موقعیت جغرافیایی (ریاضی و نسبی) به این منطقه یک هویت تاریخی ترانزیتی و ژئواکونومیک فرامرزی بخشیده است. علاوه بر این در حال حاضر حوزه‌ی خلیج-فارس همراه حوزه‌ی اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا سه مرکز عمده‌ی توزیع و انتقال کالا در دنیا هستند و در منتهی‌الیه شمال شرق این حوزه بازارهای پرجاذبه فراوانی وجود دارند که لزوم نگاه به این سمت، مستلزم استفاده از اولین حلقه از محور ارتباطی شرق ایران یعنی سیستان و بلوچستان می‌باشد. افزون بر این عبور محورهای ترانزیتی شمال-جنوب و شرق-غرب جنبه‌ی ژئواستراتژیک این فضا را تکمیل کرده است (همان: ۳). از سوی دیگر، شبکه‌ی ریلی اروپا-آسیا که از غرب به کرمان و از شرق به زاهدان می‌رسد، متصل نشده است که در صورت اتصال این شبکه، شبکه‌ی ریلی ایران در سطح ملی و میان قاره-ای تقویت خواهد شد و در صورت اتصال محور ریلی شمال-جنوب (مشهد-چابهار)، زاهدان به عنوان مهم‌ترین شهر این منطقه و مرکز استان نیز در چهارراه این شبکه‌ی استراتژیک قرار خواهد گرفت (ضرغامی و انصاری‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۵). همه‌ی این‌ها ما را به اهمیت سرشار سیستان و بلوچستان به عنوان یک معبر ترانزیتی مهم که در یک سمت آن اقتصاد حوزه خلیج-فارس با یک تراز بالای تجاری و بازرگانی قرار دارد و در سمت دیگر آن بازارهای متنوع مصرف قرار دارد (شریفی‌کیا و بویه، ۱۳۸۹: ۳).

۲-۱-۶ توپوگرافی

از لحاظ ناهمواری‌ها، کوه‌های این استان جزو رشته کوه‌های مرکزی ایران است و شامل ناهمواری‌های مشرق چاله‌ی لوت و ارتفاعات دیواره‌ی شرقی و جنوبی چاله‌ی جازموریان می‌باشد. این کوه‌ها به هم متصل نیستند بلکه حوضه‌های پست داخلی در فواصل آن‌ها رشته‌های مشخصی را بوجود آورده است. پهنای کوهستانی از شمال به جنوب افزایش می‌یابد و به طور کلی این ناهمواری‌ها شامل دو قسمت می‌شوند: ۱. کوه‌های بلوچستان که بین چاله‌ی لوت و جازموریان و بیابان ماشکید (ماشکل) و سواحل دریای عمان گسترده شده‌اند. ارتفاعات مهم این ناحیه عبارتند از کوه تفتان، کوه بزمان، کوه بیرک، ملک سیاه کوه و کوه‌های بم پست. ۲. کوه‌های سیستان که این کوه‌ها با جهت شمالی جنوبی شامل چین‌خوردگی‌های فشرده‌ای هستند که از غرب به بیابان لوت و از شرق به دشت سیستان منتهی می‌گردد (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۴: ۲۴).

۳-۱-۶ شبکه‌ی آب‌ها

رودهای استان به ترتیب ۱. هیرمند: این رود منبع اصلی تأمین آب دشت حاصلخیز سیستان است. مهم‌ترین رود شرق کشور و درحقیقت شاه‌رگ حیاتی منطقه سیستان است که از کوه‌های هندوکش و ارتفاعات بابا یغما در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و وارد خاک ایران می‌شود و در نقطه‌ی مرزی به دو شاخه تقسیم می‌شود. یک شاخه از این رود در امتداد مرز به نام رود پریان جریان می‌یابد و پس از مشروب کردن زمین‌های اطراف و شهر هیرمند به دریاچه‌ی هامون می‌ریزد و شاخه‌ی دیگر آن به نام هیرمند داخلی، زمین‌های مزرعی شهرستان زهک، زابل و غیره را مشروب می‌سازد و در محل لورگ باغ، وارد دریاچه‌ی هامون می‌شود. ۲. بمپور: یکی از رودهای دائمی و پرآب بلوچستان است که از ارتفاعات کارواندر در شمال شرقی

ایران‌شهر است. این رود پس از مشروب کردن اراضی و روستاهای اطراف به ریگزارهای جازموریان می‌ریزد. ۳. باهوکلالت: این رود از به هم پیوستن رود کاجو و سرباز به وجود می‌آید و با عبور از دشت‌های باهوکلالت و دشتیاری به خلیج گواتر در دریای عمان می‌ریزد (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۱۵). به گزارش استانداری سیستان و بلوچستان، رودخانه‌ی سرباز در شهرستان سرباز، روخانه‌های کاجو و کهیر در نیکشهر و رودخانه‌ی ماشکید در سراوان از دیگر رودهای این استان می‌باشند (استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۶). دریاچه‌های استان به ترتیب ۱. هامون سیستان: اهمیت این دریاچه به دلیل آب شیرین آن است که امکان پرورش و صید ماهی و صید پرندگان در سال‌های پرآبی و تأمین علوفه دام‌ها و حصیربافی را از طریق نیزارها امکان‌پذیر می‌کند. در مواقع پرآبی، مازاد آب دریاچه در صورت عدم کنترل از طریق آبراه شیله، در شنزارهای گود زره افغانستان فرو می‌رود. ۲. هامون جازموریان: این دریاچه شیرین است و به داخل زمین فرو می‌رود و باعث رویش نیزار و علفزار در این منطقه می‌شود (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۱۶).

۴-۱-۶ اقلیم

این استان با توجه به موقعیت جغرافیایی، تحت تأثیر جریان‌های جوی متعدد مانند جریان پرفشار سبیری و آسیای مرکزی، جریان‌های مدیترانه‌ای و هوایی شبه‌قاره هند (به طبع آن باران‌های موسمی اقیانوس هند) قرار دارد. همچنین اختلاف فشار منطقه‌ای و ناحیه‌ای در این استان منجر به پیدایش بادهای محلی مانند باد ۱۲۰ روزه سیستان، باد شمال (گوریچ)، باد غربی و باد شرقی می‌شود. این وضعیت باعث شده که با توجه به میزان رطوبت و درجه‌ی حرارت مناطق مختلف استان، دارای سه نوع اقلیم شامل: اقلیم معتدل خشک در قسمت‌های شمالی استان (شهرهای زابل، زاهدان، میرجاوه، خاش و تا اندازه‌ای سراوان)، اقلیم گرم و خشک در مناطق مرکزی استان (شهرهای ایران‌شهر و بمپور) و اقلیم گرم و مرطوب در بخش‌های جنوبی استان (شهرهای چابهار و کنارک) باشد (عبادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷۴).

۲-۶ عناصر انسان‌ساخت کالبدی درونی

۱-۲-۶ تقسیمات سیاسی فضا

تا قبل از تصویب تقسیمات کشوری در سال ۱۳۱۶ که در آن تقسیم‌بندی جدیدی به نام استان ایجاد شد، از واژه‌ی ایالت و ولایت استفاده می‌شد (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۳۸). سیستان و بلوچستان (شکل ۲)، دارای ۴۸ بخش، ۱۹ شهرستان، ۳۷ شهر، ۱۱۲ دهستان و ۹۸۳۹ آبادی که ۶۸۷۱ آبادی دارای سکنه و ۲۹۶۸ آبادی خالی از سکنه بوده است (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۴: ۳۲).



شکل ۲: نقشه تقسیمات سیاسی استان سیستان و بلوچستان به تفکیک شهرستان، بخش و دهستان (منبع: فرمانداری قصرقند، ۱۳۹۹).

۲-۲-۶ مرزها

سیستان و بلوچستان دارای ۱۱۰۰ کیلومتر مرز با کشورهای پاکستان و افغانستان و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان است و تنها استان ایران است که با پاکستان مرز مشترک دارد (سازمان بازرگانی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۶: ۱۰). این استان در شمال به استان خراسان جنوبی و کشور افغانستان، در شرق با مرز خاکی و آبی حدود ۱۲۶۰ کیلومتری به کشورهای پاکستان و افغانستان، در جنوب با مرز آبی حدود ۳۰۰ کیلومتری به آب‌های آزاد و بالاخره در مغرب به استان‌های کرمان و هرمزگان محدود می‌شود. طول مرز خشکی و آبی (رودخانه‌ای و یا دریاچه‌ای) استان با افغانستان تقریباً ۲۸۲ کیلومتر و با پاکستان تقریباً ۹۷۸ کیلومتر است. تمامی شهرستان‌های استان به جز شهرستان نیکشهر دارای خطوط مرزی هستند که در بین آنها سراوان از طولانی‌ترین خط مرزی و سرباز از محدودترین مرز خشکی برخوردار می‌باشد (عبادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷۴). مرزهای سیاسی ایران به علت وقوع مسائل سیاسی و بین‌المللی تحت تأثیر تغییرات قابل ملاحظه‌ای قرار گرفته‌اند و موجب بروز اختلافات می‌گردد. از نظر جغرافیای سیاسی اکثر مرزهای ایران دارای وضعیتی هستند که به اختلافات بین دو کشور همسایه دامن می‌زنند (پیشگاهی‌فرد و بازدار، ۱۳۹۵: ۱۵۹). مسأله‌ی اختلافات مرزی در این استان قابل بحث و بررسی است، یکی از مناطق مرزی مورد اختلاف، مرز ایران و پاکستان در سیستان و بلوچستان است. استان سیستان و بلوچستان تنها استان ایران است که با پاکستان هم‌مرز است. اگرچه مرز ۸۹۱ کیلومتری ایران و پاکستان از نظر تهدید استراتژیک «امن» محسوب می‌شود، اما از منظر کارکردهای مرزی، نقش موثری در تقویت نیروهای واگرا داشته و در زمره‌ی مرزهای بد و بسیار ناامن برای دو کشور بویژه ایران محسوب می‌گردد، به نحوی که می‌توان از آن به عنوان «مناطق شکننده» یاد کرد. مرز دو کشور از طرف پاکستان کاملاً رها شده و دولت پاکستان در آنجا هیچ‌گونه اعمال حاکمیتی ندارد. از این رو زمینه‌های فراوان عملکردهای منفی مهیا می‌باشد. عملکرد بسیار نامطلوب این مرز ریشه در تکوین تاریخی آن دارد. این مرز از نظر جداسازی قوم بلوچ و توزیع و پراکندگی آن از جمله «مرزهای تحمیلی» محسوب می‌شود (پیشگاهی‌فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۹۳). استان سیستان و بلوچستان با کشور افغانستان ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. به گزارش خبرگزاری فارس، به

نقل از استاندار سیستان و بلوچستان، دیوار منطقه‌ی مرزی هیرمند و زهک یک نقص فنی و اشتباه محاسباتی است. اگرچه متولیان، این دیوار را با مقتضیات آن زمان ساختند اما باید به مرز و نقطه صفر مرزی هم دقت می‌کردند. این دیوار به علت مسائل امنیتی ۹ سال پیش به طول بیش از ۳۰ کیلومتر در مرز با افغانستان ساخته شد که هزاران هکتار زمین کشاورزی در آن سوی دیوار جا ماند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶).

۳-۲-۶ پاسگاه‌های نظامی

استقرار نامناسب پاسگاه‌های انتظامی که به دلیل محدودیت‌های جغرافیایی و عدم توجه به وجود عوارض خاص ژئومورفولوژیکی مانند تنگه‌ها و هم‌چنین دشت‌های وسیع که اعمال نظارت را دشوارتر می‌کند باعث آسیب‌پذیری منطقه در ارتباط با قاچاق مواد مخدر می‌باشد (عبادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷۲).

۳-۶ عناصر انسان ساخت اجتماعی درونی

۱-۳-۶ مذهب

از نظر مذهب، جامعه‌ی سیستان و بلوچستان ۱۹/۹ درصد شیعه و ۸۰/۱ درصد اهل تسنن هستند (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۸). مسأله‌ی شکاف مذهبی در این استان قابل بحث است، از شکاف‌های فعال ساختار اجتماعی ایران، شکاف مذهبی است که در کنار شکاف قومی و نژادی خودنمایی می‌کند. بر اساس آمار موجود، حدود شش درصد از جمعیت کشور سنی مذهب هستند. استان سیستان و بلوچستان (با حدود دو درصد از کل جمعیت ایران) از دید ترکیب قومی، شامل بلوچ‌ها و سیستانی‌ها است. این دو گروه از نظر مذهبی از همدیگر تفکیک می‌شوند. سیستانی‌ها شیعه مذهب هستند و در این ویژگی با بدنه‌ی اصلی کشور سنخیت دارند و بلوچ‌ها سنی مذهب بوده و در این ویژگی با بدنه‌ی اصلی کشور تفاوت دارند. بلوچ‌ها به لحاظ قومی با بلوچ‌های آن سوی مرز ایران اشتراک قومی و مذهبی دارند. در حدود ۹۹/۵ درصد از جمعیت مسلمان هستند و این استان جزء استان‌هایی با جمعیت زیاد مسلمان است. در بلوچستان ایران، شهرهای چابهار، خاش، سراوان، ایرانشهر و نیکشهر دارای جمعیت اکثریت سنی هستند. این شهرها بیشتر در بخش‌های جنوبی استان سیستان و بلوچستان واقع شده‌اند و از دید ترکیب قومی و مذهبی از روابط کمتری نسبت به شهرهای شمال استان با بخش‌های دیگر ایران دارند (ضرغامی و انصاری‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

۲-۳-۶ قومیت

بلوچ‌ها در قالب ده‌ها طایفه‌ی بزرگ و کوچک سازماندهی شده‌اند. به گونه‌ای که شمار طایفه‌های بلوچ را ۱۵۰ طایفه‌ی کوچک و بزرگ ذکر کرده‌اند. طوایف بلوچ از زمان هجوم مغول‌ها تا اواسط قرن ۱۹ از قدرت و توانایی‌های بسیاری برخوردار بودند. گرچه در دوره‌های مختلف تاریخی حکومت مرکزی سعی در کنترل طوایف و سرداران آن‌ها داشت، اما در دوره‌ی ضعف حکومت مرکزی، سرداران بلوچ در رأس طوایف آغاز به گسترش حوزه‌ی نفوذ خود می‌کردند. وجود ساختار شبه فئودالی در جنوب بلوچستان و سرداری در شمال بلوچستان در نوع روابط سیاسی-اجتماعی و روابط اقتصادی با طوایف دیگر مستقر در این منطقه، از یکسو و با دیگر اقوام هم‌جوار از سوی دیگر، تأثیرگذار بوده است. یعنی روحیه‌ی جنگجویی در طوایف شمال و بخش مرزی بلوچستان ایران بیشتر از طوایف جنوب بوده است؛ چرا که طوایف ساکن جنوب به کشاورزی و طوایف شمال به حرکت ناشی از شبانی و دامداری وابسته بوده‌اند. ساختار طایفه‌ای و سرداری در بلوچستان با ظهور دولت مدرن دست‌خوش تحولات اساسی شد. با روی کار آمدن سلسله‌ی پهلوی این ساختار بیشتر در هم کوبیده شد. با پیروزی انقلاب اسلامی این ساختار سنتی سرداری به شدت تضعیف شد، اما در قالب‌های جدیدی هم‌چون مولوی‌ها دوباره آغاز به فعالیت کرده است

(همان: ۹۹). مساله‌ی پیوند قومی با آن‌سوی مرزها در استان سیستان و بلوچستان به علت امتداد در آن‌سوی مرزها در کشورهای همسایه برای کشور ایران بحران‌آفرین است.

۳-۳-۶ جمعیت

بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ که توسط مرکز آمار ارائه گردیده است، جمعیت این استان ۲۷۷۵۰۱۴ نفر می‌باشد. از این تعداد ۲۹۰۱۸۳ خانوار شهرنشین، ۲۹۷۵۹۹ خانوار روستانشین و ۶۶۵ خانوار عشایرنشین‌اند. از کل جمعیت استان ۵۰ درصد زن و ۵۰ درصد مرد هستند (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۵۴). یکی از کم-تراکم‌ترین استان‌ها محسوب می‌شود و با مساحت ۱۸۱۷۸۵ کیلومتر مربع حدود ۱۱/۰۳ درصد از وسعت کشور را در بر می‌گیرد. میزان تراکم نسبی جمعیت در استان حدود ۱۳ نفر در هر کیلومتر مربع است (همان: ۵۵). مساله‌ی مهاجرت داخلی در استان سیستان و بلوچستان دارای روند مهاجرت از روستاها به شهرها (مهاجرت داخلی) است. مهاجرت از روستاها به دلیل خشکسالی‌های چندساله، تمرکز صنایع و فعالیت‌های اقتصادی در شهرها بوده است (همان: ۵۶). جمعیت استان نیز در طی سه دهه یعنی از ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ بیش از ۳/۴ برابر افزایش یافته است. رشد بسیار سریع جمعیت در دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵ تغییر نرخ رشد جمعیت استان در اوایل دهه، ۳/۳۹ درصد بوده که بالاترین نرخ رشد جمعیت کشور را داشته است، میانگین نرخ رشد جمعیت در این دهه ۱/۶۱ درصد بوده است. علت این رشد سریع نسبت به رشد جمعیت کشور علاوه بر بالا بودن موالید، ورود مهاجران خارجی از کشورهای مجاور بوده است (همان: ۵۴). بر اساس نتایج سرشماری‌های سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، نرخ باسوادی در جمعیت ۶ساله و بیشتر برای مردان به ترتیب ۷۴، ۶۵، ۵۹، ۴۶ و ۷۷ درصد و برای زنان به ترتیب ۶۱، ۴۹، ۴۸، ۲۵ و ۶۴ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۴ بر اساس نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار ۲۹ درصد جمعیت ۱۰ساله و بیشتر در استان ز نظر اقتصادی فعال بوده که پایین‌ترین نرخ در بین استان‌های کشور می‌باشد. نرخ بیکاری در میان این گروه جمعیتی ۱۱/۵ درصد بوده، که نرخ بیکاری مردان ۱۰/۸ درصد و زنان ۱۵/۴ درصد و در نقاط شهری و روستایی به ترتیب ۱۲/۶ درصد و ۱۰/۳ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۴، متوسط هزینه‌های خالص سالانه‌ی یک خانوار شهری ۱۷۸۰۴۱ هزار ریال بوده است. همچنین متوسط هزینه‌های خالص سالانه‌ی یک خانوار روستایی ۸۳۸۹۳ هزار ریال بوده است. در سال ۱۳۹۴ متوسط درآمد سالانه‌ی یک خانوار شهری ۲۰۹۳۸۴ هزار ریال می‌باشد که از میان منابع تأمین درآمد، درآمد از حقوق‌گیری بیشترین سهم یعنی ۴۵/۲ درصد را به خود اختصاص می‌دهد. متوسط درآمد سالانه‌ی یک خانوار روستایی ۱۱۴۹۷۴ هزار ریال می‌باشد که از میان منابع تأمین درآمد، درآمد از مشاغل آزاد بیشترین سهم یعنی ۳۸ درصد را به خود اختصاص می‌دهد.

۴-۶ عوامل درونی

به طور کلی سه مسیر به عنوان مهم‌ترین گذرگاه‌های قاچاق مواد مخدر از افغانستان به بازارهای مصرف جهانی وجود دارد. این سه مسیر عبارتند از: مسیر شمال (افغانستان، آسیای مرکزی، روسیه، اروپای شرقی و ...)، مسیر جنوب (افغانستان پاکستان ایران، شبه جزیره عربستان، هند و ...) و مسیر غربی (افغانستان، ایران، ترکیه، اروپای غربی). دلایل و زمینه‌های مختلفی وجود دارد که قاچاقچیان بین‌المللی در دهه‌های اخیر مسیر ایران را به عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های ترانزیت مواد مخدر برگزیده‌اند. برخی از مهم‌ترین دلایل انتخاب مسیر ایران برای قاچاق مواد مخدر عبارتند از: ۱. این معبر نسبت به گذرگاه‌های کشورهای شمالی و جنوبی تک‌جداره است. در واقع انتقال مواد از راه آسیای مرکزی به اروپا، نیازمند عبور این مواد از فضاهای سرزمین چند کشور است، در حالی که معبر ایران بدون واسطه‌ی دیگری به ترکیه و اروپا منتهی می‌شود. ۲. کوتاهی مسیر میان مرکز تولید و بازار مصرف. ۳. ویژگی‌های طبیعی منطقه مانند فضاهای تقریباً خالی شرقی (کویر پنهان لوت و کویر). ۴. وجود تعداد زیادی از پناهندگان افغانی در ایران و استفاده از آن‌ها در کار قاچاق. ۵. شرایط اقتصادی نامطلوب

در افغانستان و در برخی مناطق مرزی ایران. ۳. گستردگی مرزهای ایران و نبود امکانات کافی برای انسداد آن‌ها. ۷. توطئه‌ی دشمنان خارجی ایران مانند آمریکا و اسرائیل در ناامن کردن مرزهای شرقی. ۸. صرفه‌ی اقتصادی بیشتر برای باندهای قاچاق بین‌المللی (زرقانی و رضوی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷).

۵-۶ عناصر طبیعی بیرونی

مسیر خط مرزی ایران با کشورهای افغانستان و پاکستان از محیط‌های ژئومورفولوژیکی مختلف عبور می‌کند. در مجموع شاید بتوان گفت ۶ نوار چین خورده‌ی کوهستانی با جهت مداری مرز ایران- افغانستان و پاکستان کشیده شده‌اند، این توده‌های کوهستانی باعث کاهش میدان دید نیروهای مرزبانی و افزایش نقاط کور در خط مرزی می‌شوند که مستعدترین شرایط را جهت کولبران و سوداگران مرگ در مناطق مرزی مهیا می‌کنند. همچنین فرم‌های سطح این چین خوردگی‌ها هم گاهی اوقات به گونه‌ای است که در واقع کورکننده‌ی دید مرزبانان و مسیر همواری برای عبور قاچاقچیان محسوب می‌شوند. ناهمواری‌های نوار مرزی باعث کاهش میدان دید نیروهای مرزبانی و ساخت دالان‌ها و معابر طبیعی برای ورود و خروج قاچاقچیان می‌شود. گذرگاه‌ها و دالان‌های عبوری مهم‌ترین پناهگاه‌های گروه‌ها و قاچاقچیان مواد مخدر نیز هست که نمونه‌ی بارز آن رشته‌کوه‌های حاشیه‌ی میرجاوه در محدوده‌ی مرزی ایران- پاکستان در جنوب شرق کشور است.

۶-۶ عناصر انسان‌ساخت کالبدی بیرونی

۱-۶-۶ هلال طلایی و مرزهای مشترک

با توجه به وجود منطقه‌ی هلال طلایی که به تدریج در دهه‌های اخیر افغانستان گوی سبقت را ربوده و پاکستان را نیز به حاشیه برده است و به تنهایی جایگاه نخست را به خود اختصاص داده، چنان که در سال‌های اخیر حدود ۹۰ درصد مواد مخدر جهان در افغانستان تولید می‌شود و مجاورت جغرافیایی ایران با افغانستان و پاکستان و قرار گرفتن ایران در مسیر ترانزیت و قاچاق بین‌المللی مواد مخدر از سوی دیگر، باعث سرایت ناامنی و بحران به کشور ایران شده است، چنان که در سال‌های اخیر امنیت مرز و مناطق مرزی شرق به طور خاص و امنیت کل کشور به طور عام در معرض تهدیدهای جدی قرار گرفته است (زرقانی و رضوی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۳).

۲-۶-۶ جود مزارع متعدد کشت مواد مخدر

در دهه‌های گذشته سه منطقه در جهان در تولید انواع مواد مخدر تریاک، حشیش و غیره نقش اساسی داشته‌اند. این سه منطقه عبارتند از جنوب غربی آسیا شامل دو کشور پاکستان و افغانستان، جنوب شرقی آسیا شامل لائوس، تایلند، برمه و ویتنام و سرانجام آمریکای لاتین شامل دو کشور کلمبیا و مکزیک. با کاهش تولید انواع مواد مخدر در کشورهای نام برده، به تدریج در سه دهه‌ی گذشته قطب پاکستان- افغانستان به عنوان مهم‌ترین کشت‌کننده‌ی خشخاش جهان تبدیل شد و در واقع تولید انبوه و انحصاری تریاک در افغانستان جایگزین سایر مخدرها در مناطق دیگر جهان شد (همان: ۲). وجود مزارع متعدد در همسایگی ایران در سال‌های اخیر موجب ترانزیت مواد مخدر از طریق خاک سیستان و بلوچستان شده است.

۷-۶ عناصر انسان‌ساخت اجتماعی بیرونی

۱-۷-۶ وضعیت سیاسی- اقتصادی دو کشور همسایه

اقتصاد نابه‌سامان و فقر شدید مردم در پاکستان و مخصوصا افغانستان، نبود ثباتی سیاسی و نبود حاکمیت فراگیر در افغانستان، می‌توان گفت به جای نهادینه شدن مردم‌سالاری و قانون‌گرایی مانند سایر کشورهای در حال توسعه، در افغانستان تولید و تجارت مواد مخدر نهادینه شده است (همان).

۲-۷-۶ تغییرات جمعیتی استان بعلت مهاجرت خارجی‌ها به داخل

متأسفانه در استان سیستان و بلوچستان ورود مهاجران خارجی از دو کشور پاکستان و افغانستان (مهاجرت خارجی)، از مشکلات اساسی به شمار می‌آید (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۵۶).

۳-۷-۶ مذهب

داخل بر اساس اعلام ایسنا در مصاحبه با مدیرکل حوزه ریاست شورای راهبردی روابط خارجی کشور در سمینار «امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا: چالش‌ها و روندهای نوظهور»، مذهب عاملی متغیر در استراتژی ژئوپلیتیکی ایران است و کشوری می‌تواند قدرت منطقه‌ای خود را حفظ و تداوم بخشد که از همه‌ی عوامل ثابت و به ویژه عوامل متغیر ژئوپلیتیکی خود بهره‌مند شود (ایسنا، ۱۳۹۶). مذهب یکی از عوامل متغیر ژئوپلیتیکی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به عنوان عاملی متغیر در استراتژی ژئوپلیتیکی ایران نقش برجسته‌ای بازی کرده است و این نقش به‌ویژه در یک دهه‌ی اخیر به جهت استفاده از توان حداکثری خود بیشتر شده است که امروز به «ژئوپلیتیک مقاومت» معروف شده است. وهابیت از عوامل مؤثر در عدم شکل‌گیری اتحاد بین کشورهای اسلامی و ایجاد گسل در بین مسلمانان است که از آن به عنوان «ژئوپلیتیک مذهبی» یاد می‌شود. از دیرباز، دین و مذهب از عوامل مهم چالش در شبه قاره هند و مورد توجه قدرت‌های سلطه‌طلب بوده است. تولید و تبلیغ مذاهب و عقاید خودساخته و ترویج آن در بین مسلمانان سیاستی بود که می‌توانست از شکل‌گیری اتحاد در بین مسلمانان جلوگیری نماید، به گونه‌ای که هر فرقه خود را مسلمان ناب دانسته و دیگران را مرتد، کافر و واجب‌القتل پندارد. وهابیت از جمله‌ی این مذاهب‌های ساختگی است که با ترویج عقاید خاص، در قلب جهان اسلام شکل گرفته و در حال حاضر به عنوان مهم‌ترین چالش مذهبی در میان کشورهای اسلامی مطرح می‌باشد. این تشکیلات از سال ۱۹۵۰م به طور رسمی ایجاد و با اقدامات گسترده و مورد حمایت انگلیس به ساخت مساجد و مدارس بزرگ علمیه در اغلب کشورهای جهان و از جمله پاکستان پرداخت. اعزام مبلغان وهابی به مراکز اسلامی، دعوت از اساتید و شخصیت‌های مذهبی جهت مسافرت به عربستان و اعطای بورس تحصیلی، کمک‌های مالی، تبلیغ در موسم حج و توزیع گسترده‌ی کتب و نشریات تبلیغی علیه شیعه از جمله مهم‌ترین اقدامات این فرقه است. در حال حاضر اکثر ائمه‌ی جماعات مساجد پاکستان توسط مدارس علمیه‌ی عربستان تأمین می‌گردد. فرقه‌ی «دیوبندی» جزء مذهب حنفی و از دسته‌ی وهابیت، تنها ۲۵ درصد جمعیت اهل تسنن پاکستان را تشکیل می‌دهند، اما در برابر اکثریت اهل تسنن و شیعیان مخالف وهابیت، از قدرت سازماندهی و مالی چشمگیری برخوردارند (پیشگامی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۸۵). پیروان این فرقه درصد ایجاد شکاف، تفرقه و در پی آن ایجاد ناامنی در استان سیستان و بلوچستان می‌باشند.

۸-۶ عوامل بیرونی

عاملان بیرونی عبارتند از: کشاورزان مواد مخدر در افغانستان و پاکستان (سطح محلی)، قاچاقچیان منطقه‌ای (سطح فراملی) و مافیای بین‌المللی مواد مخدر (سطح جهانی).

۹-۶ تحلیل نقش عناصر و عوامل

۱-۹-۶ نقش عناصر طبیعی

شناخت نقش عناصر طبیعی و فرایندهای ناشی از آن‌ها در تسهیل قاچاق مواد مخدر توسط قاچاقچیان و هم‌چنین محدودیت‌های حاصل از این اشکال در بحث پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر از اهمیت بالایی برخوردار است. نبود یا فقدان پوشش گیاهی و وجود سازندهای نرم و منفصل در بیابان‌ها که خود ناشی از خشکی اقلیمی است، شرایط را برای اعمال و فرایندهای ژئومورفیک بادی بیشتر فراهم نموده و منجر به خلق اشکال و پدیده‌های ژئومورفیک گوناگون گردیده است. برای

مثال بیابان لوت که از بزرگترین نواحی بیابانی ایران است، مهم‌ترین جولانگاه قاچاقچیان مواد مخدر به شمار می‌رود و با داشتن طول زیاد بخش‌هایی از سه استان خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کرمان را دربرمی‌گیرد. این محدوده از منطقه‌ای به نام سرچاه از توابع خوسف بیرجند در شمال بیابان لوت تا جبال بارز در جنوب بیابان (واقع در استان کرمان) ادامه دارد. قاچاقچیان مواد مخدر سعی می‌کنند پس از دریافت مواد مخدر از مرزهای افغانستان و پاکستان در جنوب غربی با گذشتن از دهلیزهای مختلف آن، خود را به حاشیه‌ی جنوبی دشت کویر برسانند تا از آن طریق بتوانند ترانزیت مواد مخدر را به سمت مناطق شاهرود، سبزوار، سمنان و گرمسار ادامه دهند. مناطق کوهستانی برای قاچاقچیان نوعی محدودیت محسوب می‌شود؛ چرا که توپوگرافی زمین و عواملی همچون شیب زیاد و وجود پرتگاه‌ها و نقاط صعب‌العبور، عبور و مرور آن‌ها را چه به شکل خودرویی و چه در حالت انفرادی دچار مشکل می‌کند. در ضمن حجم موادی که به این ترتیب می‌تواند جابه‌جا شود، کم شده و در نهایت به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نخواهد بود. از سوی دیگر این شرایط باعث می‌شود که نیروهای انتظامی و نظامی نیز بتوانند در اجرای کمین‌ها موفق‌تر عمل نموده و به این ترتیب ریسک عملیاتی قاچاقچیان بیشتر شود (عبادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷۸). قاچاقچیان از مناطق بیابانی و نمکزارها کمتر استفاده می‌کنند. چرا که بالا بودن سطح آب زیرزمینی در این مناطق احتمال فرورفتن و گیر کردن در این زمین‌ها را هموار می‌سازد در نتیجه سرعت حرکت کاهش می‌یابد. از سویی دیگر رنگ سفید این مناطق مانند یک سیل تیراندازی عمل می‌کند و هر نوع عارضه‌ی دیگری چه از زمین و چه از آسمان در داخل آن کاملاً قابل رویت است و از فواصل دور نیز میتوان آن را تشخیص داد. همچنین چون فقر پوشش گیاهی در این واحدها وجود دارد امکان ختفا، استتار و روش‌هایی مانند آن از قاچاقچیان سلب می‌شود در نتیجه خطرپذیری آن‌ها را افزایش می‌دهد. قاچاقچیان گاهی به دلیل محدودیت زمین (سستی و احتمال فرونشینی و همچنین کندی حرکت) از محیط‌های آبی مانند رودخانه‌های منطقه استفاده می‌کنند. دلیل آن اولاً وجود رسوبات رودخانه‌ای در بستر رودهاست و دیگر اینکه اکثر این رودخانه‌ها فصلی‌اند و در بسیاری از فصول سال جریان آب در آنها وجود ندارد و یا اینکه قابل توجه نیست. دریاچه‌ها برای نیروهای انتظامی و نظامی به عنوان یک مانع و محدودیت عمل می‌کنند. اما قاچاقچیان در مواقع بی‌آبی و کم‌آبی از کف دریاچه به‌عنوان یک مسیر مناسب که می‌توانند با سرعت در آن رفت و آمد کنند، استفاده می‌نمایند و چون عرض بستر آن زیاد است به هر طرف که بخواهند نیز تغییر مسیر می‌دهند (همان: ۴۸۰).

۲-۹-۶ نقش عناصر انسان ساخت کالبدی

استقرار نامناسب پاسگاه‌های انتظامی که به دلیل محدودیت‌های جغرافیایی و عدم توجه به وجود عوارض خاص ژئومورفولوژیکی مانند تنگه‌ها و هم‌چنین دشت‌های وسیع که اعمال نظارت را دشوارتر می‌کند، صورت گرفته است باعث آسیب‌پذیری منطقه در ارتباط با قاچاق مواد مخدر می‌باشد (عبادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷۲). در رابطه با مرزها می‌توان گفت طولانی بودن مرز شرقی ایران با کشورهای افغانستان و پاکستان و وضع توپوگرافی خاص مرز و حاشیه مرز شرقی از سمت شرقی ایران، هم‌چنین وجود مزارع متعدد کشت موادمخدر، کنترل مرز را در جلوگیری از ورود کاروان‌های قاچاق مواد مخدر با مشکل مواجه کرده است.

۳-۹-۶ نقش عناصر انسان ساخت اجتماعی

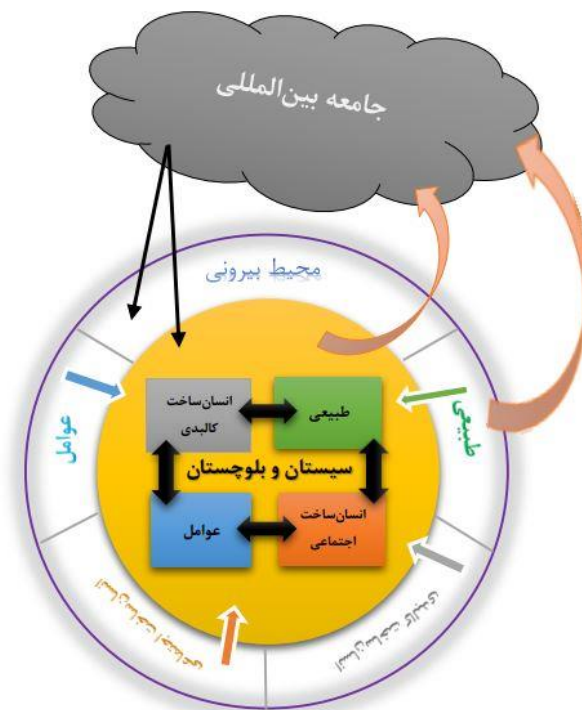
محرومیت در استان سیستان و روند مهاجرت از این منطقه که دغدغه‌های زیادی را همچون ناامنی بوجود آورد. پس می‌توان به این فرضیه رسید که مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ روی جرم نوجوانان تاثیر دارد و بیشتر این گروه را در مسیر ارتکاب جرم قرار می‌دهد. پیامدهای مهاجرت بر هر سه سازمان اجتماعی، یعنی سازمان اجتماعی مهاجران، سازمان اجتماعی مبدا و سازمان اجتماعی مقصد اثر می‌گذارد. البته بین نظام‌های فرعی دهنده و گیرنده، مبادله‌ی جمعیت صورت می‌گیرد. در برخی از شروط احتمالی جمع مهاجری (بوم‌شناختی، بعد تاریخی) تغییراتی روی می‌دهد که به

نوبه‌ی خود تغییراتی را در سازمان اجتماعی جمع مهاجری و به صورت نظری در هر سه جزء آن، یعنی نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصیت موجب می‌شود (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۲). از دیگر پیامدهای مهاجرت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. پیدایش حاشیه‌نشینی در اطراف شهرهای بزرگ ۲. رشد افقی شهرها و عدم امکان خدمات‌رسانی مناسب به تمام محلات شهری ۳. رشد مشاغل کاذب و روی آوردن به پدیده قاچاق ۴. رشد بیکاری و عواقب سوء آن هم‌چون روی آوردن به ارتکاب جرایم ۵. فشار بر منابع محدود آبی در شهرها (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۵۶).

۴-۹-۶ نقش عوامل

تولید حدود ۸۵ درصد تریاک جهان در جنوب غرب آسیا که توسط کشاورزان محلی صورت می‌گیرد و قاچاق آن به بازارهای جهانی جز از طریق فعالیت کارتل‌ها و باندهای بین‌المللی مواد مخدر شدنی نیست. سود کلان این پدیده غیر قابل انکار است، گردش مالی تجارت مواد مخدر را در سال ۱۵۰۰ میلیارد دلار و سود حاصل از تجارت مواد مخدر در جهان را سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار یعنی یک پنجم کل درآمد ملی جهان تخمین می‌زنند (زرقانی و رضوی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۳).

۷- نتیجه‌گیری



شکل ۳: شماتیک سیستماتیک عناصر و عوامل موثر بر شکل‌گیری پدیده قاچاق مواد مخدر (منبع: نگارنده، ۱۳۹۹).

در این مقاله به بررسی کلیه‌ی عناصر و عوامل درونی و بیرونی موثر بر شکل‌گیری پدیده‌ی قاچاق مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان پرداخته شد. فرضیه‌ی این پژوهش تایید می‌شود؛ بر اساس فرضیه، عناصر و عوامل موثر بر شکل‌گیری پدیده‌ی قاچاق مواد مخدر دارای طیف گسترده‌ای از عناصر و عوامل درونی و بیرونی می‌باشد (شکل ۳). مواد مخدر در بعد فردی: سلامت، زندگی و امنیت افراد را با خطر روبرو کرده است. در بعد جمعی: ارتباط مواد مخدر با جرایم باعث بروز مناقشات، معضله‌های اجتماعی، تضعیف دولت‌ها و عقب‌ماندگی کشورها شده است. همجواری ایران با مهم‌ترین تولیدکننده‌ی

مواد مخدر دنیا (کشور افغانستان)، داشتن مرزهای طولانی و مشترک با کشورهای پاکستان و افغانستان، وجود شرایط خاص جغرافیایی و آب و هوایی حاکم بر این مناطق، تنوع مسائل قومی، نژادی و حتی مذهبی و هم‌چنین بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی و دخالت قدرت‌های بیگانه همگی دست به دست هم داده‌اند تا این معضل ابعاد پیچیده‌تری به خود گیرد و امر پیشگیری و مبارزه با آن دشوارتر گردد. شاید بتوان گفت که همه‌ی عوامل ذکر شده بالا به نوعی ریشه در شرایط و موقعیت جغرافیایی حاکم در این مناطق دارد. قاچاقچیان مواد مخدر نیز با درک این مسئله و شناخت نسبتاً کامل از آن توانسته‌اند اعمال غیرانسانی خود را نه تنها ادامه دهند، بلکه روزانه به گسترش آن بپردازند. مخرب‌ترین ماده‌ی افیونی در جهان، هروئین است که بزرگترین کانون تولید آن در جنوب غربی آسیا به‌ویژه در افغانستان و تا حدودی پاکستان می‌باشد. با توجه به اینکه ایران در مجاورت کانون «هلال طلایی» (افغانستان و پاکستان) و مسیر ترانزیت مواد مخدر قرار گرفته است، قاچاقچیان مواد مخدر توانسته‌اند از ضعف در انسداد فیزیکی مرزهای سیستان و بلوچستان، شرایط خاص جغرافیایی، شکاف‌های قومی و مذهبی، وجود محرومیت در آنجا، وجود محله‌های آلوده و جرم‌زا، پدیده‌ی حاشیه‌نشینی و مناطق خارج از مهار دولت و دارای اقتصاد بیمار نهایت بهره را جهت ترانزیت مواد مخدر ببرند. به واسطه‌ی همین شرایط، به علت ضعف در شناخت مدیریت جغرافیایی منطقه و ضعف نیروهای انتظامی در استقرار امنیت و کنترل، نتوانسته‌اند خلاهای ایجاد شده توسط قاچاقچیان را پر نمایند.

۸- منابع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی، موسوی، میرنجف، باقری‌کشکولی، علی. (۱۳۹۵). آمایش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مناطق مرزی جنوب شرق کشور و راهبردهای توسعه آن مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان. نشریه جغرافیا و توسعه، ۱۴(۴۲)، ۱-۲۵.
۲. اعظمی، هادی، خلیلی، محسن، دهمرده، معصومه. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل چالش‌های امنیتی مرزهای استان سیستان و بلوچستان. همایش شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، ۱۴-۱.
۳. بریمانی، فرامرز، راستی، هادی، دهانی، میثم، جهان‌تیغ، مریم. (۱۳۹۷). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و عوامل تهدیدکننده‌ی امنیت مورد شناسی: سکونتگاه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۲۷(۳)، ۴۳۸-۴۵۳.
۴. پیشگاهی‌فرد، زهرا، بازدار، شهناز، فرجی‌راد، عبدالرضا. (۱۳۹۵). بررسی و اولویت‌بندی عوامل واگرایی اثرگذار در روابط ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶(۲)، ۱۵۱-۱۷۷.
۵. پیشگاهی‌فرد، زهرا، قدسی، امیر. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها. پژوهش‌های جغرافیایی، ۶۳(۲)، ۸۱-۹۹.
۶. جان‌پرور، محسن، صالح‌آبادی، ریحانه، زرگری، مطهره. (۱۳۹۶). پیامدهای بحران مهاجرت ناشی از خشکسالی‌های کوتاه مدت در استان سیستان و بلوچستان. جغرافیا-فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، ۵۲(۱۵)، ۱۹۹-۱۸۳.
۷. دانایی، نسرين. (۱۳۹۴). ارتباط بین اعتیاد و امنیت اجتماعی در جامعه شهری. فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد، ۴۶(۹)، ۳۱-۴۸.
۸. زرقانی، هادی، رضوی‌نژاد، مرتضی. (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک مواد مخدر و تاثیر آن بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۱(۱)، ۱-۲۷.
۹. سازمان بازرگانی استان سیستان و بلوچستان. (۱۳۸۶). توانمندی‌های تولیدی-صادراتی استان سیستان و بلوچستان، نشر سازمان بازرگانی استان سیستان و بلوچستان، چاپ اول، بیرجند.

۱۰. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۵). استان‌شناسی سیستان و بلوچستان (اجرای آزمایشی) پایه دهم دوره دوم متوسطه-۲۳۷/۱۱، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ششم، تهران.
۱۱. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۶). جغرافیا ۲- پایه یازدهم دوره دوم متوسطه -۱۱۱۲۱، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول، تهران.
۱۲. سمنانی، علیرضا. (۱۳۹۲). موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در مناسبات قدرت منطقه‌ای و جهان. فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۲۲(۸۶-۱)، ۹۶-۱۰۴.
۱۳. شریفی‌کیا، محمد، بویه، چمران. (۱۳۸۹). موقعیت ترانزیتی و ژئوپلیتیکی سیستان و بلوچستان و استراتژی‌های نوین اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ۱-۱۳.
۱۴. ضرغامی، برزین، انصاری‌زاده، سلمان. (۱۳۹۱). تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی قوم بلوچ از دیدگاه نظریه‌ی شکاف‌های سیاسی - اجتماعی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۸۱(۳)، ۹۵-۱۱۰.
۱۵. عبادی‌نژاد، سیدعلی، صفاری، امیر، پناهی، حمید، پورغلامی، محمدرضا. (۱۳۸۹). جغرافیای مواد مخدر، نقش عوارض ژئومورفولوژیکی در قاچاق مواد مخدر از مرزهای جنوب شرق کشور. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۵(۳)، ۴۸۵-۴۶۷.
۱۶. قاسمی‌فر، عزت‌اله، تقی‌زاده، محسن. (۱۳۹۲). نقش عوامل ژئوپلیتیک در توسعه استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۲۲(۸۶-۱)، ۷۴-۸۲.
۱۷. ویسی، هادی، محمدی‌نژاد، شهناز. (۱۳۹۵). تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت اجتماعی مطالعه‌ی موردی: استان کرمان. نشریه جغرافیا و توسعه، ۴۲(۱۴)، ۱۰۷-۱۲۵.
۱۸. استانداری سیستان و بلوچستان. (۱۳۹۶). جغرافیای استان. قابل دسترس در [اینجا](#).
۱۹. ایرنا. (۱۳۹۶). سیستان و بلوچستان مملو از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و راه دسترسی افغانستان به آب‌های اقیانوس. قابل دسترس در [اینجا](#).
۲۰. ایسنا. (۱۳۹۶). سمینار امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا: چالش‌ها و روندهای نوظهور. قابل دسترس در [اینجا](#).
۲۱. خبرگزاری فارس. (۱۳۹۶). استاندار سیستان و بلوچستان: دیوار منطقه مرزی هیرمند باید اصلاح شود. قابل دسترس در [اینجا](#).
۲۲. دانشنامه رشد. (۱۳۹۷). استان سیستان و بلوچستان. قابل دسترس در [اینجا](#).
۲۳. درگاه ملی آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۹۵. قابل دسترس در [اینجا](#).
۲۴. سازمان برنامه و بودجه کشور. (۱۳۹۴). سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان. قابل دسترس در [اینجا](#).
۲۵. فرمانداری قصرقند. (۱۳۹۹). نقشه تقسیمات سیاسی استان سیستان و بلوچستان به تفکیک شهرستان، بخش و دهستان. قابل دسترس در [اینجا](#).
۲۶. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۵. قابل دسترس در [اینجا](#).
۲۷. ویزیت ایران. (۱۳۹۹). استان سیستان و بلوچستان. قابل دسترس در [اینجا](#).

مناطق تحت حفاظت مرزی؛ بررسی فرصت‌ها و چالش‌ها

امیرعلی برومند^۱، آزاده کریمی^{۲*}

۱- کارشناسی علوم و مهندسی محیط‌زیست، گروه محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، دانشگاه فردوسی مشهد

۲- عضو هیئت علمی گروه محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، دانشگاه فردوسی مشهد

*نویسنده مسئول: az-karimi@um.ac.ir

چکیده

طرح مسئله: بشریت در آغاز هزاره سوم در تلاش است تا با گذار از جهان دهکده‌ای به دهکده‌ی جهانی راه یابد. امروزه دیگر آشکار شده است که مناطق مرزی، به عنوان راهروهای پیوند کشورها به هم، از اهمیت فراوانی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی برخوردارند و ثبات آن‌ها فراتر از تلاش‌های نظامی، در گرو توسعه پایدار و برنامه‌ریزی کارآمد منابع است.

روش پژوهش: مطالعه حاضر به روش مطالعات کتابخانه‌ای و با رویکردی تحلیلی، اسنادی به بررسی ایده احداث مناطق تحت حفاظت مرزی به عنوان ایده‌ای ظرفیت آفرین و فرصت‌ها و چالش‌های آن پرداخته است.

یافته‌ها: احداث مناطق تحت حفاظت مرزی فرصت‌های فراوانی برای کشورها ایجاد می‌کند از جمله "کمک به حفظ یکپارچگی زیستگاه‌های طبیعی و کاهش مخاطرات محیط‌زیستی"، "ایجاد بستر انتقال تکنولوژی‌ها و تجارب امنیتی-اطلاعاتی طرفین در حفاظت از محیط‌زیست"، "توسعه همکاری‌های بوم‌گردشگری و فعالیت‌های فرهنگی، ترویجی و آموزشی حول محور بهره‌وری پایدار از محیط‌زیست"، "توسعه همکاری‌های علمی-پژوهشی مشترک کشورهای هم‌مرز و توانمندسازی جوامع محلی"، "گسترش همکاری‌ها در مبارزه با قاچاق حیات وحش و گیاهان"، "توسعه زیرساخت‌های عمرانی مبتنی بر آمایش سرزمین" و "تقویت صلح منطقه‌ای و جهانی". هم‌چنین چالش‌های شناسایی و تبیین شده عبارتند از "تضاد قوانین ملی کشورها"، "تفاوت‌ها و تضادهای فرهنگی، زبانی و دینی"، "بروز بحران‌های داخلی و تغییر اولویت‌های مدیریتی طرفین" و "بحران‌های امنیتی".

نتیجه گیری: تقویت تعاملات بین‌المللی رهیافتی موثر و راهبردی ضروری در راستای حفاظت محیط‌زیست، توسعه پایدار و گسترش صلح جهانی است. مجموعه فرصت‌ها و چالش‌های شناسایی شده در این پژوهش تصویری شفاف از مسیر پیش رو برای دست‌اندرکاران حفاظت فراهم می‌آورد که راهنمایی برای ادامه مسیر آنان برای حفاظت از مناطق ارزشمند مرزی خواهد بود. امید است با اتخاذ تدابیر موثر چالش‌ها به فرصت تبدیل شوند و بستر توسعه مناطق مرزی در کنار حفاظت از سرمایه‌های غنی طبیعی و فرهنگی آن‌ها فراهم آید. در پایان پیشنهادهای به مسئولین ذی صلاح ارائه شد.

واژگان کلیدی: حفاظت محیط‌زیست، منطقه تحت حفاظت، منطقه تحت حفاظت مرزی، توسعه پایدار.

۱- مقدمه

امروزه بحران‌های محیط‌زیستی بیش از پیش تمدن جهانی مدرن را به چالش کشیده است. مهاجرت‌های محیط‌زیستی، تغییرات اقلیمی، آلودگی پهنه‌های سرزمینی، بحران آب و انقراض گسترده گونه‌های حیات وحش تنها از گوشه‌ای از مشکلات محیط‌زیستی نظام بین‌الملل به شمار می‌رود. در راستای چاره‌جویی برای این بحران‌ها و نزدیک‌تر شدن به عدالت محیط‌زیستی^{۸۷}، نخبگان و متخصصان محیط‌زیست به دنبال گفتمان‌سازی^{۸۸} حول محور حقوق بشر محیط‌زیستی^{۸۹} هستند (۲۰۱۸:۳۹؛ Torney & Mai'a, ۲۰۱۹:۱؛ Robertua & Sigalingging, ۲۰۱۷:۱۲۷؛ Hassan, et al., ۲۰۱۷:۱۳۹۳؛ بوتکین و کلر، ۱۳۹۴:۱۲). یکی از مهم‌ترین رویکردها در این زمینه گسترش مناسبات کشورها و تقویت روابط بین‌الملل در پرتو دیپلماسی محیط‌زیست می‌باشد. دیپلماسی محیط‌زیست را می‌توان تلاش‌های مشترک با تمرکز بر تعاملات و هم‌گرایی بین‌المللی با هدف حفاظت محیط‌زیست و مقابله با مخاطرات محیط‌زیستی تعریف کرد. رویکرد هم‌گرایی بین‌المللی در دیپلماسی محیط‌زیست دارای ابعاد مختلفی از جمله ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی است. اگر چه شاید امروزه دولت‌های مختلف بر لزوم توجه و توسعه دیپلماسی محیط‌زیست هم‌نظر باشند، اما چگونگی دستیابی به این دیپلماسی سبز موضوعی پیچیده و دشوار به نظر می‌رسد (زارع و همکاران، ۱۳۹۸:۱۸۷؛ Lia, et al., ۲۰۲۰).

مناطق مرزی شاهراه‌های توسعه همکاری‌های بین‌المللی و راهروهای ارتباطات بین کشورها هستند، تا که آغاز هزاره اخیر اهمیت‌شان درک نشده بود (توانگر و رهنما، ۱۳۸۹:۱۵۲). هم‌چنین توسعه مناطق مرزی در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران هر چند در متن قوانین دیده شده (اصل ۴۸ قانون اساسی کشور) اما در عمل اغلب از لحاظ برخورداری در وضعیت محروم و آسیب‌پذیر قرار گرفته (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲:۷۰،۷۱) و مغفول مانده است. ریشه مشکلات این مناطق آن است که برای شکوفایی ظرفیت‌های آن‌ها برنامه‌ریزی و مدیریت کارآمد صورت نگرفته است. به همین دلیل تدوین برنامه‌های استراتژیک با محوریت توسعه پایدار می‌تواند در جهت محرومیت‌زدایی و توانمندسازی مردمان این مناطق مهم‌ترین گام به شمار رود (پرینان و همکاران، ۱۳۹۶:۱۷۳).

وضعیت دقیق منابع طبیعی در قسمت‌های مرزی کشورهایی که فاقد سامانه اطلاعات جغرافیایی و مدیریت یکپارچه منابع اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی هستند، نظیر ایران، در حاله‌ای از ابهام است (مخدوم، ۱۳۹۳). با این حال بعضی پژوهش‌ها نظیر مطالعه بانج شفيعی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که جنگل‌های زاگرس در مرز شمال غرب، غرب و جنوب غرب ایران عمدتاً به دلیل نزدیکی به مرز، تخریب و دست‌اندازی کمتری شده و به همین سبب این مناطق از پتانسیل حفاظتی بالقوه بالایی برخوردارند.

برنامه‌ریزی منطقی برای عرصه سرزمین و اختصاص مناطق مستعد به کاربری حفاظتی رهیافتی موثر در راستای دستیابی به توسعه پایدار محلی و منطقه‌ای است. در این راستا در پژوهش حاضر به روش اسنادی-تحلیلی تلاش شد ایده مناطق تحت حفاظت مرزی و فرصت‌ها و چالش‌هایی که احداث و تقویت این مناطق می‌تواند برای مناطق مرزی و به طور کلی کشورها به همراه داشته باشد، مورد واکاوی قرار گیرد.

۲- دیپلماسی محیط‌زیست

پس از تشکیل معاهده جهانی قانونمندی شکار وال مشهور به معاهده واشنگتن (۱۹۴۹)، با شروع دهه ۵۰ میلادی، جهانیان شروع به بحث پیرامون مسائل مهم جهانی محیط‌زیستی که کشورها را به یکدیگر مرتبط می‌ساخت، کردند. اولین کنفرانس‌ها و معاهده‌های بزرگ جهانی محیط‌زیستی، معاهده حفاظت از پرندگان در پاریس (۱۹۵۰)، معاهده بین‌المللی برای

^{۸۷} Environmental justice

^{۸۸} Discourse Making

^{۸۹} environmental human rights

جلوگیری از آلودگی آب دریا توسط نفت در لندن (۱۹۵۴)، معاهده حفاظت از منابع زنده زنده ماهیگیری در آبهای آزاد شمال در ژنو (۱۹۵۸) و کنفرانس حقوق دریا سازمان ملل (UNCLOS) ۹۰ (۱۹۵۸) بودند که تا دهه‌های متمادی تأثیرات عمیقی بر دیپلماسی محیط‌زیستی در سطح بین‌الملل برجای گذاشت و شروعی بر پوشش جهانی تحول خواهی در نحوه تعامل انسان با محیط‌زیست شد. پس از آن در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی تشکیل صندوق جهانی حمایت از حیات‌وحش (WWF) (۱۹۶۱)، شکل‌گیری برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) (۱۹۶۵)، برگزاری کنفرانس انسان و محیط‌زیست سازمان ملل متحد در استکهلم (۱۹۷۲) که سبب تشکیل برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (UNEP) شد و برپایی اولین کنفرانس جهانی آب و هوا (۱۹۷۹) را می‌توان برخی از مهم‌ترین تلاش‌های جهانی برای گفتمان‌سازی پیرامون مسئله جهانی محیط‌زیست دانست.

در خلال دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی سرعت تحولات و توجه جهانی به رویکرد همگرا با برنامه‌های مهم جهانی نظیر تشکیل کمیسیون محیط‌زیست و توسعه ملل متحد (کمیسیون برنتلند) (۱۹۸۳)، تصویب کنوانسیون وین برای حفاظت لایه ازن (۱۹۸۵)، تصویب پروتکل مونترال درباره لایه ازن (۱۹۸۷)، تشکیل مجمع آینده پایدار (۱۹۸۷)، تشکیل هیئت بین‌الدول تغییر آب و هوا (IPCC) (۱۹۹۰)، تشکیل مجمع نهادهای مردمی برای محیط‌زیست و توسعه در برزیل (FBOMS) (۱۹۹۰)، تشکیل شورای بین‌المللی فعالیت‌های محلی محیط‌زیستی (۱۹۹۰) شتاب بیشتری گرفت.

نخستین سال دهه ۹۰ میلادی همزمان بود با تشکیل صندوق تسهیلات جهانی محیط‌زیست (۱۹۹۱) و پس از آن نیز برگزاری اجلاس زمین در ریودوژانیرو برزیل (۱۹۹۲) و تصویب دستورکار ۲۱ برای سیاره‌ی پایدار، کنوانسیون ملل متحد درباره تغییرات آب و هوا، تنوع‌زیستی، اصول حفاظت از جنگل‌ها در این نشست مهم و تاریخی، تشکیل سازمان توسعه و محیط‌زیست زنان (۱۹۹۲)، تشکیل کمیسیون محیط‌زیست اروپا (۱۹۹۳)، تصویب کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با بیابان‌زایی (۱۹۹۴)، تصویب توافقنامه حفاظت از ذخائر ماهی‌های مهاجر (۱۹۹۵)، برگزاری کارگاه بین‌منطقه‌ای آموزش محیط‌زیست برای توسعه پایدار آتن (۱۹۹۵)، تشکیل شورای جهانی بازرگانی برای توسعه پایدار (۱۹۹۵)، برگزاری نشست جهانی غذا در رم (۱۹۹۶)، تصویب پروتکل کیوتو (۱۹۹۷)، برپایی کنفرانس بین‌المللی محیط، جامعه و آموزش و پرورش در سالونیک یونان (۱۹۹۷)، تصویب موافقت‌نامه بوینس آیرس در مورد رژیم‌های گازهای گلخانه‌ای و تشکیل مجمع جهانی محیط‌زیستی وزرای جهان توسط UNEP (۱۹۹۹) فصل جدیدی در تاریخ تحولات کنشگری جهانی محیط‌زیست را رقم زد. شروع هزاره جدید در سال ۲۰۰۰ با تصویب اهداف هزاره و برگزاری نشست سازمان ملل در خصوص جنگل‌ها همراه شد. در ادامه برگزاری نشست سران زمین در خصوص توسعه پایدار- ژوهانسبورگ (۲۰۰۲)، تصویب پروتکل کارتاها در مورد ایمنی زیستی (۲۰۰۳)، تصویب کنوانسیون روتردام در مورد تجارت مواد شیمیایی (۲۰۰۴)، تصویب کنوانسیون استکهلم در مورد مواد آلاینده آلی (POPs)، برگزاری سومین کنفرانس جهانی تغییرات آب و هوا (۲۰۰۹)، برگزاری پانزدهمین نشست اعضای کنوانسیون تغییرات آب و هوا در کپنهاگ (۲۰۰۹)، برگزاری کنفرانس ملل متحد درباره توسعه پایدار (نشست ریو + ۲۰) (۲۰۱۲)، تصویب معاهده پاریس در راستای چارچوب اقدام سازمان ملل برای تغییرات آب و هوا^{۹۱} (۲۰۱۵)، اجلاس توسعه پایدار سازمان ملل (۲۰۱۵)، برنامه اقدام اروپا برای تغییرات اقلیمی (EUKI)^{۹۲} (۲۰۱۷) برخی دیگر از مهم‌ترین تلاش‌های جهانی در راستای حفاظت محیط‌زیست در سطح بین‌الملل بوده است که هم‌چنان با قوت ادامه دارد (UN, ۲۰۱۹: ۵۴۵ Al-Saidi, et al., ۲۰۱۷: ۲۰۲۰ Dorsey, کریشنارائو، ۲۰۱۷: ۵۱، ولی الهی، ۱۳۹۳: ۱۴؛ محمدنژاد و عبادتی، ۱۳۹۲: ۱۶، این تلاش‌ها به معنای کوشش جمعی بشری برای حفاظت از محیط‌زیست فارغ از مرزهای سیاسی و قرار دادی است.

^{۹۰} UN Conference on the Law of the Sea

^{۹۱} United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

^{۹۲} European Climate Initiative

به دیگر سخن، فصل مشترک تمام این تلاش‌ها در قالب نشست‌ها، پروتکل‌ها، کنوانسیون‌ها و تعهدات بین‌المللی برای غلبه بر چالش‌های محیط‌زیست و حفاظت از تنها کره مسکون در نیم قرن اخیر فارغ شدن از همه نزاع‌های سیاسی و کوشش در راستای اقدام مشترک اتحاد و همکاری جدی در حوزه حفاظت محیط‌زیست است. این کشورها در تلاشند تا با بهره‌گیری از دیپلماسی محیط‌زیست در قالب مصوبه‌های نشست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای معضلات محیط‌زیستی را در عمل به حداقل برسانند (Al-Saidi, et al., ۲۰۱۹: ۵۴۶). با این حال بسیاری از این تلاش‌ها یا اصلا به بیانیه و تعهد مشترکی ختم نشده و یا اگر هم خروجی مکتوب و مستندی داشته هیچ گاه در عمل به کار بسته نشده است. این موضوع سبب شده اصولاً بعضی دولت‌ها دیپلماسی محیط‌زیست را امری غیرضروری تلقی کنند و در این زمینه تنها به سخنرانی اکتفا کنند (Orsini, ۲۰۲۰: ۲۳۹). نمونه بارز آن در کشور ما بحران ریزگردها است که به دلیل فقدان دیپلماسی موثر و کارا در سال‌های گذشته تبعات بسیاری را به همراه داشته و دارد.

در ادامه به تعریف و بررسی مرز و چگونگی ارتباط آن با محیط‌زیست می‌پردازیم.

۳- مرزهای سیاسی و محیط‌زیست

مرز جلوه‌گاه خطی فرضی است که در نتیجه قرارداد سیاسی-نظامی دو یا چند قدرت با هم وجود می‌آید. محدوده‌های جغرافیایی مرزی با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی ویژه و مستقیم و به نحو موثری از مجاورت با یک مرز بین‌المللی تاثیر می‌پذیرند. صاحب‌نظران پنج کارکرد اصلی را برای مرزهای بین‌المللی تعریف می‌کنند که شامل کارکرد قانونی (تعریف حدود قلمرو یک سرزمین)، کارکرد اقتصادی (محدود کردن جریان کالاها و وضع عوارض و تعرفه‌های گمرکی)، کارکرد ارتباطی (کنترل و نظارت بر حرکت مردم)، کارکرد ایدئولوژیکی (وضع قوانین خاص به منظور کنترل ورود ایده‌ها و اطلاعات مانند جلوگیری از ورود نشریات مذهبی به اروپای شرقی در دوره جنگ سرد) و کارکرد نظامی-امنیتی (مرز به‌عنوان یک مانع دفاعی) است (لک و برزوعی، ۱۳۹۸: ۳).

واقعیت آن است که مرزکشی‌های سیاسی بر محیط‌زیست نیز تاثیرات فراوانی بر جای می‌گذارد؛ این مرزبندی‌ها دور تا دور کشورها را به طرق مختلف محصور می‌کنند و به این صورت زیستگاه‌های طبیعی در پهنه کره زمین تکه تکه می‌شوند. اما در حقیقت ماهیت محیط‌زیست حد و مرزهای سیاسی نمی‌شناسد و اصولاً کره‌زمین در نگاه کلان اکوسیستمی یکپارچه است (Masters, ۲۰۱۸: ۱؛ بوتکین و کلر، ۱۳۹۴: ۴۶، ۴۷). امروز نظام بین‌الملل به سبب بسیار معادلات پیچیده سیاسی از اصل وحدت اکوسیستمی زمین فاصله گرفته و برخلاف شعارهای فراوانی که از رسانه‌های جهان به گوش می‌رسد و مسئولان و سیاست‌گذاران شعار می‌دهند، عمل می‌کند. شاید این بحران باید جدی گرفته شود؛ زیرا عواقب نگاه جزیره‌ای و سیاست‌زده به محیط‌زیست بسیار تخریب‌گر است. اگر امروز سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران دنیا در سطوح کلان بخواهند با رویکرد عمل‌گرایانه در راستای کم رنگ کردن مرزهای سیاسی گام بردارند بهترین و نزدیک گزینه اقدامات منطقه‌ای و توسعه همکاری‌ها با کشورهای همسایه است. این کشورها که اغلب دارای قرابت‌های فرهنگی، زبانی، اقتصادی، دینی، تاریخی و طبیعی بیشتری هستند بستر محیاتی برای توسعه همکاری‌ها دارند. ایجاد تحت حفاظت مرزی به عنوان یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های توسعه همکاری‌های فرامرزی محیط‌زیستی موضوع بحث این جستار است. احداث این مناطق به حفظ و تقویت یکپارچگی فیزیکی و مهم‌تر از آن پیوستگی کارکردی زیستگاه‌های طبیعی کمک می‌کند و امکان حفاظت اثربخش‌تر را برای کشورهای ذی‌نفع فراهم می‌آورد. البته روشن است علاوه بر فرصت‌هایی که ذیل این ایده مطرح است، به دلیل وجود تفاوت‌ها و تعارض‌ها در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیک کشورهای مختلف، احداث این مناطق با چالش‌هایی نیز مواجه است. در ادامه سعی شده است پس از ارائه تبیینی شفاف از مفهوم منطقه تحت حفاظت مرزی، به فرصت‌ها و چالش‌های مطرح نیز پرداخته شود.

۴- مناطق تحت حفاظت مرزی

بنابر تعریف اتحادیه جهانی حفاظت (IUCN)^{۹۳} منطقه حفاظت شده [فرا]مرزی (TBPA)^{۹۴} عبارت است از: "منطقه‌ای زمینی و یا دریایی که میان یک یا چند مرز ایالتی ویا واحدهای فرعی مانند استان‌ها، مناطق خودمختار یا مناطقی فراتر از مرزهای حاکمیت ملی با هدف پاسداشت تنوع زیستی، منابع فرهنگی، طبیعی و مرتبط با آن از طریق راه‌های قانونی یا سایر راه‌های مؤثر، حفاظت می‌شود." (۲۰۰۱:۳).

هم‌چنین بنابر تعریف همین سازمان تعریف پارک صلح عبارت است از: "مناطق که با حمایت از مرزهای قانونی و رسمی به حمایت و نگهداری از تنوع زیستی، منابع فرهنگی طبیعی و دیگر منابع و ذخائر مرتبط و همچنین به منظور ارتقاء صلح و همکاری بنیان گذاشته شده‌اند." (۲۰۰۱:۳).

آمارها حاکی از آن است که حداقل ۸۱۸ منطقه تحت حفاظت مرزی و بین‌المللی^{۹۵} با مساحتی بالغ بر ۳,۱۶۹,۰۰۰ کیلومتر مربع (معادل تقریباً ۱۶.۸٪ از سطح جهانی مناطق تحت حفاظت) در ۱۱۲ کشور وجود دارند که تقریباً نیمی از کل وسعت این مناطق در مرزهای آمریکای شمالی واقع شده است (Johnston, ۲۰۰۶).

مناطق تحت حفاظت مرزی می‌توانند در مرزهای خشکی یا آبی در دریاها^{۹۶} و اقیانوس‌ها واقع شوند (Portman, ۲۰۰۷:۴۹۹). هم‌چنین برای گسترده‌ی وسیعی از اقدامات نظیر توسعه اکوتوریسم تا تبعیدگاه پناهجویان غیرقانونی مورد استفاده قرار گیرند (Sundberg & Kaserman, ۲۰۰۷). در بسیاری موارد، مناطق حفاظت شده موجود عملاً در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند همچون کوه کانچنجانگا^{۹۷} (نیپال، چین و هند سیکیم^{۹۸}). در بعضی موارد نیز مناطق تحت حفاظت نزدیک مرز هستند اما در مجاورت هم نیستند به عنوان مثال ذخیره دوستی روسیه - فنلاند^{۹۹}.

ایجاد و تقویت مناطق تحت حفاظت مرزی می‌تواند به عنوان یک استراتژی کارآمد در راستای حفاظت از اکوسیستم‌های غنی طبیعی مرزی کشورها و مقابله با خطراتی نظیر آتش‌سوزی، قاچاق چوب و حیات‌وحش مدنظر قرار گیرد (Sletto, ۲۰۱۱). در ادامه به شرح برخی از فرصت‌ها و چالش‌هایی که ذیل ایده احداث مناطق تحت حفاظت مرزی مطرح است، پرداخته خواهد شد.

۵- فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو

۵-۱- فرصت‌ها

۵-۱-۱- کمک به حفظ و توسعه یکپارچگی زیستگاه‌های طبیعی و کاهش مخاطرات محیط‌زیستی

مهم‌ترین کارکرد مناطق تحت حفاظت مرزی حفظ یکپارچگی زیستگاه‌های طبیعی و کاهش اثر تکه تکه شدن زیستگاه‌ها است. زیستگاه‌های یکپارچه از یک سو شارش ژنتیکی را تسهیل، درون آمیزی جمعیت‌ها را کاهش، تنوع ژنتیکی را افزایش و نهایتاً با کمک به سلامت جمعیت‌ها نرخ انقراض را کاهش می‌دهند. از سوی دیگر احداث مناطق تحت حفاظت مرزی و حراست از منابع طبیعی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر مهار و کاهش بلایا و مخاطرات طبیعی همچون سیلاب‌ها نقش دارند.

۵-۱-۲- بستر انتقال تکنولوژی‌ها و تجارب امنیتی-اطلاعاتی طرفین در حفاظت از محیط‌زیست

^{۹۳} The World Conservation Union

^{۹۴} Transboundary Protected Area

^{۹۵} Internationally adjoining protected area complexes and other transboundary conservation areas

^{۹۶} مناطق حفاظت شده دریایی (MPA): marine protected areas:

^{۹۷} Kanchenjunga

^{۹۸} Nepal, China and Indian Sikkim

^{۹۹} Russian - Finnish Friendship Reserve

کشورهایی که در مناطق تحت حفاظت مرزی با هم همکاری می کنند اغلب از سطوح توانمندی فنی، تجهیزات مهار آتش، سیستم های اطلاعات جغرافیایی (GIS) و سطوح مختلف استانداردهای حرفه ای برای کارکنان متفاوتی برخوردارند (IUCN, ۲۰۰۱:۱۴). در موضوعات امنیتی و پلیسی نیز نیروهای کشورهای مختلف در برخورد با جرایم سازمان یافته و غیرسازمان یافته محیط زیستی تجارب متعددی دارد که می تواند در قالب همکاری های مشترک در سایت های مناطق تحت حفاظت مرزی و با برگزاری دوره ها، کارگاه ها، نشست ها و برنامه های مشترک بستر انتقال تکنولوژی را به یکدیگر فراهم سازد. امضای تفاهم نامه های همکاری میان کشورهای هم مرز با هم و با سازمان های بین المللی، علاوه بر توسعه ظرفیت های اطلاعاتی و امنیتی با ایجاد پتانسیل های آموزشی- پژوهشی گسترده بستر تعالی سازمانی نهادهای متولی امنیت و مبارزه با جرم هر یک از کشورهای ذی نفع را می تواند مهیا کند.

۳-۱-۵- توسعه همکاری های بوم گردشگری (اکوتوریسم) و فعالیت های فرهنگی، ترویجی و آموزشی حول

محور بهره وری پایدار از محیط زیست

مرزنشینان اغلب به طور فزاینده ای به فعالیت های کشاورزی و دام پروری وابسته اند، در حالی که با استراتژی های جایگزین متعددی نظیر توسعه بوم گردشگری می توان منبع درآمدی پایدار و مستمر برای آنان فراهم ساخت (پرنیان، ۱۳۹۶: ۱۸۴). این مناطق با ویژگی هایی نظیر بکر بودن چه از نظر انسانی و چه از نظر طبیعی، ناشناخته بودن، آداب و رسوم سنتی غنی و تنوع فرهنگی، نیروی انسانی ارزان و در دسترس بومی، وجود صنایع دستی متنوع و ارزشمند دارای مزیت نسبی برای توسعه بوم گردشگری هستند؛ که این ظرفیت با مدیریت، برنامه ریزی و سرمایه گذاری دارای امکان به فعلیت درآمدن است (نادری و همکاران، ۱۳۹۷: ۹). توسعه بوم گردشگری با رویکرد مدیریت مشارکتی ضمن کمک به معیشت خانوارها و رونق اقتصادی اجتماعات محلی، عاملی مهم در مدیریت موفق مناطق مرزی است (بذرافشان و بشکار، ۱۳۹۸).

توسعه گردشگری مبتنی بر طبیعت در این مناطق علاوه بر راه آورد توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی، در عین حال می تواند بخشی از هزینه های حفاظت را تامین کند. رد پای اکولوژیک پروژه های بوم گردشگری نسبت به پروژه های گردشگری انبوه کمتر بوده و به حفاظت سیماهای طبیعی و محیط های فرهنگی و اجتماعی و ارزش های متعدد آن ها نظیر زیبایی شناختی، تفرجگاهی، آموزشی و علمی توجه بیشتری دارد. با این حال اگر ورود بوم گردشگران از ظرفیت تحمل مناطق فراتر رود پیامدهای منفی ناشی از آن می تواند به کلی این فرصت را به تهدید تبدیل کند. از آن جا که یکی از پایه های توسعه گردشگری در مناطق مرزی، عرضه و فروش صنایع دستی بومی است، هر گونه مداخله برنامه ریزی نشده می تواند دستاوردهای این عرصه را کاهش داده و پیامدهای اقتصادی- اجتماعی عده ای برای جوامع محلی در بر داشته باشد؛ به عنوان مثال تجاری کردن صنایع دستی می تواند اعتبار صنعتگران و هنرمندان محلی را تضعیف کرده و برای صنایع بومی و صنعتگران آن و همین طور خریداران اثرات سوئی در بر داشته باشد (مجنونیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۵، ۱۶۱).

۴-۱-۵- توسعه همکاری های علمی- پژوهشی مشترک کشورهای هم مرز و توانمندسازی جوامع محلی مرزی

جوامع مرزی اغلب با مشکل محرومیت اقتصادی و فرهنگی، کمبود فضاهای خدماتی و فقدان نیروهای متخصص مواجهند (نادری و همکاران، ۱۳۹۷: ۹، ۱۰). احداث مناطق تحت حفاظت در این مناطق و برنامه ریزی برای توسعه پایدار با گسترش فعالیت هایی نظیر توسعه بوم گردشگری، آموزش جوامع بومی و حمایت از صنایع دستی بومی با توسعه اشتغال پایدار و افزایش آگاهی بومیان به توانمندسازی آنان کمک شایانی می کنند.

۵-۱-۵- گسترش همکاری ها به خصوص در مبارزه با قاچاق حیات وحش و گیاهان

زیست‌شناسان حیات‌وحش و جرم‌شناسان محیط‌زیست تحقیقات قابل توجهی راجع به تجارت غیرقانونی حیات‌وحش و توزیع مکانی و زمانی قاچاق حیوانات و اعضای بدن آن‌ها مثل کرگدن‌ها در آفریقای جنوبی انجام داده اند (Ayling ۲۰۱۳; Haas and Ferreira ۲۰۱۵; Hill ۲۰۱۵; Mulero-Pázmány et al. ۲۰۱۴; Warchol and Kapla ۲۰۱۲; Haines et al. ۲۰۱۲). مسئله‌ای که این پژوهش‌ها به آن متفقا اشاره داشته‌اند این است که شکارچیان و قاچاقچیان باید مرزی که قرار است حیوان یا اعضای بدن آن را از آن طریق قاچاق کنند، انتخاب کنند و از شکاف‌های امنیتی و مرزی برای قاچاق استفاده کنند. از این رو ایجاد پاسگاه‌ها و یگان‌های حفاظت محیط‌زیست در مناطق مرزی علاوه بر حراست از تنوع‌زیستی بومی منطقه، به عنوان سدی مقابل قاچاق حیات‌وحش به شمار می‌رود (van Doormaal, et al., ۲۰۱۸). مشابه بحرانی که در خصوص قاچاق حیات‌وحش در جریان است در مورد قاچاق الوار و گونه‌های گیاهی اغلب درختی نیز صدق می‌کند؛ به عنوان مثال جنگل‌های زاگرس ایران شدیداً توسط قاچاقچیان چوب تهدید می‌شوند (خدری زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵).

۶-۱-۵- توسعه زیرساخت‌های عمرانی مبتنی بر آمایش سرزمین

افزایش همکاری‌های منطقه‌ای با کشورهای همسایه موجب توسعه زیرساخت‌های ارتباطی از قبیل افزایش تعداد گمرکات، توسعه حمل و نقل ریلی، هوایی و همچنین راه‌های زمینی می‌شوند که این فعالیت‌های توسعه اگر در چارچوب توسعه پایدار منطقه‌ای دیده شده باشند و از طریق آمایش سرزمین توان‌سنجی و چیدمان صحیح در پهنه سرزمینی شده باشند، موجب کاهش مهاجرت بومیان از مناطق مرزی، تثبیت جمعیتی و رشد با ثبات اقتصادی در کنار حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی منطقه می‌گردد (پرنیان، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

۷-۱-۵- تقویت صلح منطقه‌ای و جهانی

مناطق تحت حفاظت مرزی نه تنها باید موجب یکپارچگی و وحدت طبیعت شوند بلکه باید ملل گوناگون را نیز متحد سازند. بنابراین توسعه ارتباطات انسانی فراتر از وظیفه‌ای رسمی، به عنوان یک وظیفه شخصی برای کلیه کارکنان ادارات کشورهای همکار در منطقه تحت حفاظت باید مدنظر قرار گیرد. توسعه چنین روابط دوستانه‌ای بین کارمندان هر دو اداره عاملی دلگرم‌کننده و وحدت‌آفرین است (IUCN, ۲۰۰۱: ۲۳).

اتحادیه جهانی حفاظت مهم‌ترین نتایج احداث و تقویت مناطق تحت حفاظت مرزی را تقویت اعتماد، درک، آشنی و همکاری کشورها، جوامع، آژانس‌ها و سایر ذینفعان؛ جلوگیری و حل و فصل تنش‌ها می‌داند و ره‌آورد این همکاری را دسترسی عادلانه‌تر به منابع طبیعی و توسعه تعاون در سطوح مختلف محلی تا جهانی بیان کرده است (IUCN, ۲۰۰۱: ۸).

استفاده از تنوع قومی، فرهنگی و سرمایه‌های اجتماعی مناطق مرزی کشورهای همسایه اگر با مدیریت فرهنگی صحیح و راهبری خردمندانه هدایت شود می‌تواند به ظرفیتی عظیم جهت تحکیم پیوندهای ملی و منطقه‌ای، توسعه همکاری‌ها، کاهش منازعات و گسترش صلح تبدیل شود (پرنیان، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

علاوه بر پارک‌های صلح که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد؛ پارک‌های دریایی صلح^{۱۰۰} نیز نمونه‌ای از مناطق تحت حفاظت دریایی مرزی هستند که می‌توانند ضمن حفاظت از تنوع زیستی دریایی به گسترش صلح و دوستی میان کشورهای دارای مرز آبی مشترک کمک کنند (Portman, ۲۰۰۷: ۴۹۹).

۲-۵- چالش‌ها

۱-۲-۵- تضاد قوانین ملی کشورها

^{۱۰۰} Sea Marine Peace Park (RSMPP)

از آن جا که هیچ قانون محیط‌زیستی بین‌المللی وجود ندارد که تمام کشورها الزام خود را به آن اعلام کرده باشند، این موضوع همکاری‌ها خصوصا در میدان عمل با مشکل مواجه می‌کند (بوتکین و کلر، ۱۳۹۴:۶۰۴). علاوه بر این موضوع، کشورهایی که قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی را پذیرفته‌اند، این موارد را با سازوکارهای قانونی داخلی خود تطبیق داده و به عبارتی بوم‌سازی می‌کنند. بر اساس اولین اصل اساسی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حاکمیت دولت‌ها، همواره در مسائل حقوقی محیط‌زیست باید به رسمیت شناخته شده شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۱:۲۴۵)، در عین بر اساس دومین اصل اساسی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، همکاری دولت‌ها، نیز رکنی اساسی است. این اصل که در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲ به موجب قطعنامه شماره ۲۹۹۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، به صراحت بیان می‌دارد که دولت‌ها باید در نگهداری از طبیعت ضمن فعالیت‌های مشترک و دیگر عملیات‌های مناسب با یکدیگر همکاری کافی را داشته باشند. اعلامیه ریو نیز به بیانی دیگر و با مضمونی مشابه در بر دارنده همین پیام بود که کشورها باید با روحیه و بینش مشارکت جهانی با هم باید وحدت و یکپارچگی محیط‌زیست را تضمین و تحکیم کنند (ذوالفقاری، ۱۳۹۱:۲۴۶).

با این همه همچنان اصلی‌ترین عاملی که مناطق تحت حفاظت مرزی را تضعیف می‌کند، تفاوت‌ها و تضادهای قانونی کشورهای ذی‌نفع است (IUCN, ۲۰۰۱:۱۴). به عنوان یک راه حل کاربردی می‌توان گفت در مواردی که دول همسایه و دارای مرزهای مشترک تصمیم به همکاری مشترک در قالب احداث مناطق تحت حفاظت مرزی می‌گیرند، می‌توان با تشکیل هیئت‌هایی از طرفین، آیین‌نامه‌های اجرایی و الزامات قانونی را به نحوی که بیشتری سازگاری را با رژیم‌های قانونی و حقوقی طرفین داشته باشد و مورد رضایت آن‌ها باشد، تنظیم کرد. هم‌چنین بدیهی است الزام به این قوانین و آیین‌نامه تنها در همان منطقه/مناطق مرزی بین همان کشورهای مشترک المنافع ضروری است و در بیرون این مناطق همچنان قوانین ملی و داخلی جاری خواهد بود.

۲-۵- تفاوت‌ها و تضادهای فرهنگی، زبانی و دینی

یکی از مسائلی که در احداث مناطق تحت حفاظت مرزی همچون چاقوی دولبه عمل می‌کند تنوع و احیانا تضادهای فرهنگی، زبانی و دینی است. این تنوع‌ها در حالی که می‌توانند به بستر تبدیلات فرهنگی تبدیل شوند و موضوع گفت و گو قرار گیرند، در صورت مدیریت ناکارآمد و نابخردانه و یا شیوع نگاه‌های جزمی می‌توانند به منشا اختلاف و واگرایی تبدیل شوند (IUCN, ۲۰۰۱:۱۴).

۳-۲-۵- بروز بحران‌های داخلی و تغییر اولویت‌های مدیریتی طرفین

مشکلات داخلی کشورها خصوصا بحران‌هایی نظیر جنگ تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم فراوانی بر اولویت‌های اقتصادی-اجتماعی جوامع برجای می‌گذارند. متاسفانه در شرایط پرتنش و التهاب موضوعاتی نظیر حفاظت محیط‌زیست، حقوق زنان و کودکان و سالمندان و نظایر آن جزء آخرین اولویت‌هایی هستند که نظام‌های حاکم به آن‌ها توجه می‌کنند. با این توضیح روشن است که اگر در هر یک از کشورهای ذی‌نفع در منطقه/مناطق مرزی تحت حفاظت مشکلی بنیادین بروز کند که سیاست‌های کلان آن کشور را دست‌خوش تحول کند، تمام منطقه و وضعیت آن در معرض خطر قرار می‌گیرد. در این صورت نهادها، دولت‌ها و یا خود گروه‌های بومی می‌توانند با میانجی‌گری و اهدا کمک‌های بشر دوستانه تا وقتی که مشکل مرتفع گردد خلاءهای موجود چه در بعد نیروی انسانی و چه در بعد اقتصادی را جبران کنند.

۴-۲-۵- بحران‌های امنیتی

مناطق مرزی اغلب دچار مشکلات امنیتی هستند (نادری و همکاران، ۱۳۹۷:۱۰). چالش ناامنی انجام هرگونه پروژه‌ای را در مناطق مرزی با مخاطره مواجه می‌سازد؛ از این رو پیش از هر گونه اقدام مشترک باید برای مسائل امنیتی سایت‌ها و

مناطق تحت قرق و حفاظت برنامه‌ریزی مدون داشت. توسعه همکاری‌های پلیس و خصوصاً یگان‌های تخصصی حفاظت محیط‌زیست کشورهای همکار و مشترک‌المنافع در مناطق تحت حفاظت مرزی می‌تواند رهیافتی موثر برای توسعه امنیت و پوشش اطلاعاتی در مناطق مدنظر باشد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

بشریت در آغاز هزاره سوم در تلاش است تا با گذار از جهان دهکده‌ای به دهکده‌ی جهانی راه یابد و به مفهوم جهانی شدن، جهان‌گرایی و جهانی‌بودن جامه عمل بپوشاند. در این راستا تعاملات دولت-ملت به پیوند فرد در نظام جهانی تبدیل شده و ساختارهای سنتی پیشین در مقابل ساختار مدرن فرد-جهان کم اهمیت و کمرنگ شده‌اند. در جریان همین تحول غالب اطلاعات و ارتباطات -جامعه بسته و سنتی- به جامعه شبکه‌ای تبدیل شده و فضای جریان‌ها جایگزین گسترده برای هدایت و ساماندهی جریان سرمایه، نیروی کار، کالا و خدمات ایجاد شده است. با وجود گسترش فرصت‌ها، چالش‌های فراروی توسعه در عصر جهانی شدن فراوان است؛ که مهم‌ترین آن بحران‌های گسترده محیط‌زیستی هستند که گریبان‌گیر تمدن بشری شده و دستاوردهای آن را به چالش کشیده‌اند. در این راستا پوشش جهانی حفاظت محیط‌زیست فراتر از مرزهای سیاسی راهکاری موثر برای حفاظت از میراث طبیعی مشترک ملل به شمار می‌رود. امروزه دیگر آشکار شده است که مناطق مرزی، به عنوان راهروهای اتصال و پیوند کشورها به هم، از اهمیت فراوان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی برخوردارند و امنیت و ثبات آن‌ها فراتر از تلاش‌های نظامی، در گرو توسعه پایدار و برنامه‌ریزی کارآمد منابع در این مناطق است. این مناطق که زمانی به دلیل محدودیت‌های ارتباطی، در انزوای جغرافیایی به سر می‌بردند و به دلیل دوری از مرکز و ضعف امواج و آثار توسعه مرکز محور، در پایین‌ترین رده‌بندی توسعه قرار داشتند، امروزه با فرصت‌هایی که عصر اطلاعات و ارتباطات و مدیریت مشارکتی در اختیارشان قرار داده می‌توانند به شاهراه‌ها، ورودی‌ها و گره‌های توسعه و پیشرفت پایدار تبدیل شده‌اند (توانگر و رهنما، ۱۳۸۹: ۱۵۲؛ احمدی و دادجو، ۱۳۹۱: ۶۱).

تجربیات معاهدات و کنوانسیون‌های متعدد محیط‌زیستی از سطوح خرد محلی تا کلان جهانی این حقیقت را آشکار کرده است که توسعه پایدار و حفاظت محیط‌زیست تنها در پرتو تعاملات همه‌جانبه و هم‌افزای منطقه‌ای و همکاری‌های بین‌المللی امکان تحقق می‌یابد. از این رو دیپلماسی محیط‌زیست که به دنبال توسعه مناسبات و تعهدات مشترک بین‌المللی و لزوم تبعیت از قواعد آمره در حوزه محیط‌زیست است، به‌عنوان رهیافت میان‌رشته‌ای موثر در حفاظت از منابع طبیعی و زیست بوم در دستگاه‌های دیپلماسی کشورهای پیشرو مد نظر گرفته می‌شود. از این رهیافت می‌توان امید جامعه جهانی سبز، پایدار و صلح‌آمیز داشت (Ali & Vladich, ۲۰۱۶: ۶۰۱؛ طیبی و همکاران، ۱۳۹۷).

در این پژوهش با مرور منابع کتابخانه‌ای و با رویکردی تحلیلی-اسنادی علاوه بر نگاهی حقوقی و دیپلماتیک به رویکردهای هم‌گرای محیط‌زیستی به طور خاص بر مناطق تحت حفاظت مرزی، به عنوان راهکاری عملیاتی در راستای هم‌سو سازی کشورها برای تعاملات و تلاش‌های حفاظتی، تمرکز شد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که احداث مناطق تحت حفاظت مرزی ایده‌ای ظرفیت آفرین برای کشورهای همسایه و هم‌مرز به شمار می‌آید که احداث و تقویت آن با چالش‌ها و فرصت‌هایی رو به روست. مهم‌ترین فرصت‌هایی که در این جستار شناسایی و به آن‌ها پرداخته شد عبارت بودند از "کمک به حفظ و توسعه یکپارچگی زیستگاه‌های طبیعی و کاهش مخاطرات محیط‌زیستی"، "ایجاد بستر انتقال تکنولوژی‌ها و تجارب امنیتی-اطلاعاتی طرفین در حفاظت از محیط‌زیست"، "توسعه همکاری‌های بوم‌گردشگری (اکوتوریسم) و فعالیت‌های فرهنگی، ترویجی و آموزشی حول محور بهره‌وری پایدار از محیط‌زیست"، "توسعه همکاری‌های علمی-پژوهشی مشترک کشورهای هم‌مرز و توانمندسازی جوامع محلی مرزی"، "گسترش همکاری‌ها به خصوص در مبارزه با قاچاق حیات‌وحش و گیاهان"، "توسعه زیرساخت‌های عمرانی مبتنی بر آمایش سرزمین" و "تقویت صلح منطقه‌ای و جهانی". هم‌چنین چالش‌های شناسایی و تبیین شده عبارت بودند از "تضاد قوانین ملی

کشورها"، " تفاوت‌ها و تضادهای فرهنگی، زبانی و دینی"، " بروز بحران‌های داخلی و تغییر اولویت‌های مدیریتی طرفین" و " بحران‌های امنیتی". مجموعه این فرصت‌ها و چالش‌ها تصویری شفاف از مسیر پیش رو برای مدیران و دست‌اندرکاران حفاظت فراهم می‌آورند که راهنمایی برای ادامه مسیر آنان برای حفاظت از مناطق غنی و ارزشمند مرزی خواهد بود. امید است با اخذ تدابیر شایسته و راهبردهای موثر چالش‌ها به فرصت تبدیل شوند و بستر رشد و شکوفایی مناطق مرزی در کنار حفاظت از سرمایه‌های غنی طبیعی و فرهنگی آن‌ها فراهم آید. در پایان پیشنهادهاتی به شرح زیر به دست‌اندرکاران و مسئولین ذی صلاح ارائه شده است؛

نخست، آن با توجه به سرعت شتابان فعالیت‌های غیرقانونی در حوزه قاچاق، تخریب و بهره‌کشی از طبیعت در مناطق دور دست مرزی، احداث و تقویت مناطق تحت حفاظت مرزی باید هر چه سریع‌تر در دستور کار مسئولین مربوطه قرار گیرد. دوم، فرصت‌ها و چالش‌های این مناطق موضوعاتی پویا هستند که با تحولات اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی منطقه در پیوند عمیق بوده و باید به طور مستمر رصد شوند؛ از این پایش فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدها اولویتی هم سنگ احداث مناطق داشته و متضمن موفقیت پروژه در طول زمان است.

سوم، برگزاری رویدادهای علمی، پژوهشی، ترویجی، فرهنگی، هنری و مذهبی که به تحکیم پیوندهای مشترک فرهنگی و توسعه همکاری‌ها بی‌انجامد، لازمه استمرار بخشی به همکاری جوامع بومی ذی‌نفع در مناطق تحت حفاظت مرزی است. باید به جوامع بومی به عنوان نقش آفرینان اصلی قدرت و مسئولیت بخشید تا در کنار نهادهای مسئول قرار بگیرند و نه مقابل آن. این موضوع نیازمند تدوین استراتژی‌های مشترک و شفاف‌سازی حقوق و انتظارات است.

چهارم، پروژه‌های مشترک با پشتیبانی دانشمندان دانشگاهی میان مؤسسات دانشگاهی و پژوهشی با همکاری عملیاتی داوطلبان از میان سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی می‌تواند ضمن غنی‌سازی فعالیت‌های حفاظتی، از بار مالی این برنامه‌ها بکاهد.

پنجم، باید بر آموزش بومیان، داوطلبان، کارمندان، محیط‌بانان و مدیران سرمایه‌گذاری کرد و علاوه بر آن در اعلام فرصت‌ها و چالش‌ها به مردم با شفافیت و صداقت عمل کرد. در این راستا ایجاد یک استراتژی مشترک در اعلان رسانه‌ای عملکرد مناطق با هدف افزایش آگاهی می‌تواند طیف وسیعی از فعالیت‌های تولید مجلات و روزنامه‌ها، بروشورها، کتاب‌ها و شرکت در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و حضور و نقش آفرینی رسانه‌ای در فضای مجازی را شامل شود.

منابع

۱. احمدی، حسن، دادجو، روزبه. (۱۳۹۱). توسعه پایدار مناطق مرزی؛ راهبرد اساسی حفظ امنیت مرزها. نخستین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها. ۶۰-۶۹.
۲. بانج شفیعی، عباس، اسحاقی راد، جواد، اشکانوند، پیمان. (۱۳۹۰). نقش حفاظت در جلوگیری از تخریب مناطق جنگلی واقع در مناطق مرزی غرب کشور. اولین همایش ملی جنگل‌های زاگرس مرکزی، قابلیت‌ها و تنگناها. ۱-۹.
۳. بذرافشان، جواد، بشکار، اسلام. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه حمایت اجتماعات محلی در توسعه گردشگری و اثرات آن در معیشت پایدار روستاهای مناطق مرزی شهرستان چابهار. نشریه جغرافیا و برنامه ریزی.
۴. بوتکین، دانیل، کلر، ادوارد. (۱۳۹۴). شناخت محیط‌زیست، زمین سیاره زنده. ترجمه: وهاب‌زاده، عبدالحسین. انتشارات جهاددانشگاهی مشهد. ۶۸۰.
۵. پرنیان، حاتم، زیاری، کرامت‌الله، میره‌ای، محمد، مدیری، مهدی. (۱۳۹۶). استراتژی‌های توسعه مناطق مرزی با رویکرد آمایش سرزمین (ناحیه مطالعاتی: ارومیه - سلماس). فصلنامه علمی- پژوهشی اطلاعات جغرافیایی «سپهر»، ۲۶ (۱۰۴)، ۱۷۳-۱۸۴.
۶. توانگر، معصومه، رهنما، محمد رحیم. (۱۳۸۹). نقش شهرهای مرزی در فرایند جهانی شدن و توسعه منطقه ای (نمونه: شهرهای مرزی استان خراسان رضوی و شمالی). ژئوپلیتیک - Geopolitics Quarterly، ۳(۶)، ۱۵۲-۱۸۵.

۷. ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۱). **مبانی محیط‌زیست**. انتشارات دانشگاه رازی. ۳۱۲.
۸. زارع، علی، طیبی، سبحان، نادری، شیمیا. (۱۳۹۸). **دیپلماسی محیط زیست در پرتو هم‌گرایی بین‌المللی؛ رهیافتی موثر در نیل به سوی حقوق بین‌الملل توسعه پایدار**. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۱(۹)، ۱۸۵-۱۹۹.
۹. طیبی، سبحان، موسوی، سید فضل اله، پوره‌اشمی، سید عباس. (۱۳۹۷). **دیپلماسی محیط زیست؛ چارچوب راهبردی برای تعاملات بین‌المللی و صلح جهانی**. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست.
۱۰. عنابستانی، علی اکبر، نصرت‌آبادی، جمشید، مهدوی فر، غلامرضا. (۱۳۹۲). **راهکارهای توسعه مناطق مرزی با رویکرد پدافند غیرعامل**. پدافند غیرعامل و امنیت، دوره (۲)، شماره (۷)، ۶۹-۸۸.
۱۱. کریشنارائو، پی‌نینتی. (۱۳۹۴). **توسعه پایدار؛ اقتصاد و ساز و کارها**. ترجمه: یآوری، احمد. انتشارات دانشگاه تهران. ۵۷۵.
۱۲. کهیل، مایکل. (۱۳۹۳). **محیط‌زیست و سیاست اجتماعی**. ترجمه: حاتمی‌نژاد، حسین، امیریان، سهراب. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۹۶.
۱۳. کیس، الکساندرا، سند، پیتر اچ، لانگ، وینفراید. (۱۳۹۲). **حقوق محیط‌زیست (جلد ۳)**. کیس، الکساندرا، سند، پیتر اچ، لانگ، وینفراید. (۱۳۹۷). **حقوق محیط‌زیست (جلد ۱)**. ترجمه: حبیبی، محمد حسن. انتشارات دانشگاه تهران. ۴۶۱.
۱۴. کیس، الکساندرا، سند، پیتر اچ، لانگ، وینفراید. (۱۳۹۷). **حقوق محیط‌زیست (جلد ۱)**. ترجمه: حبیبی، محمد حسن. انتشارات دانشگاه تهران. ۲۶۱.
۱۵. لک، آزاده، برزوعی، پریسا. (۱۳۹۸). **تدوین مدل مفهومی طراحی و برنامه‌ریزی مجموعه گمرک و بازارچه در مناطق مرزی**. گفتمان طراحی شهری- مروری بر ادبیات و نظریه‌های معاصر. ۱ (۱)، ۹-۱.
۱۶. مجنونیان، هنریک، میراب‌زاده، پرستو، دانش، محمد. (۱۳۹۳). **راهنمای ارزیابی پیامدهای توسعه بر محیط‌زیست؛ دستورالعمل‌های ارزیابی طرح‌های توسعه بخشی، انرژی و صنعت (کتاب مرجع بانک جهانی)**. انتشارات جهاددانشگاهی مشهد. ۴۵۰.
۱۷. محمدنژاد، شاهین، عبادتی، فاطمه. (۱۳۹۲). **مدیریت محیط‌زیست، بر مبنای تصمیمات اجلا‌ی‌های جهانی توسعه پایدار از ریو (۱۹۹۲) تا ریو ۲۰+ (۲۰۱۲)**. انتشارات تالاب. ۱۸۴.
۱۸. مخدوم، مجید. (۱۳۹۳). **شالوده‌آمایش سرزمین**. انتشارات دانشگاه تهران. ۲۸۹.
۱۹. نادری، زکیه، جان‌پرور، محسن، جمعه، عاطفه. (۱۳۹۷). **چالش‌ها و ظرفیت‌های توسعه گردشگری در مناطق مرزی**. دهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک و دومین همایش ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی مناطق مرزی ایران. ۱-۱۳.
۲۰. ولی‌الهی، جلال. (۱۳۹۳). **آموزش و پرورش و محیط‌زیست؛ نقش آموزش‌های محیط‌زیستی در آموزش و پرورش**. انتشارات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی. ۱۱۰.
۲۱. خدروی‌زاده، مهدی، ملک‌نیا، رحیم، عادل، کامران، هناره، جلال. (۱۳۹۶). **بررسی موانع و زمینه‌های مشارکت جوامع محلی در مدیریت جنگل (مطالعه موردی: بخش نمه شیر شهرستان بانه)**. پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل، ۲۴(۳)، ۳۵-۴۸.

۲۲. Ali, S., & Vladich, H. (۲۰۱۶). **Environmental Diplomacy**. C. Constantinou, P. Kerr, & P. Sharp, The SAGE Handbook of Diplomacy, ۶۰۱-۶۱۶.

۲۳. Al-Saidi, M., Zaidan, E., & Hammad, S. (۲۰۱۹). **Participation modes and diplomacy of Gulf Cooperation Council (GCC) countries towards the global sustainability agenda**. Development in Practice, ۲۹(۵), ۵۴۵-۵۵۸.

۲۴. Ayling, J. (۲۰۱۳). **What sustains wildlife crime? Rhino horn trading and the resilience of criminal networks**. Journal of International Wildlife Law & Policy, ۱۶(۱), ۵۷-۸۰.

۲۵. Dorsey, K. (۲۰۱۷). **Environmental Diplomacy**. Encyclopedia of American Foreign Policy. Vol. ۱ EN, ۴۹-۶۲.

۲۶. Haas, T. C., & Ferreira, S. M. (۲۰۱۵). **Federated databases and actionable intelligence: using social network analysis to disrupt transnational wildlife trafficking criminal networks.** Security Informatics, ۴(۱), ۲.
۲۷. Haines, A. M., Elledge, D., Wilsing, L. K., Grabe, M., Barske, M. D., Burke, N., & Webb, S. L. (۲۰۱۲). **Spatially explicit analysis of poaching activity as a conservation management tool.** Wildlife Society Bulletin, ۳۶(۴), ۶۸۵-۶۹۲.
۲۸. Hassan, M., Afridi, M. K., & Khan, M. I. (۲۰۱۷). **Environmental diplomacy in South Asia: considering the environmental security, conflict and development nexus.** Geoforum, ۸۲, ۱۲۷-۱۳۰.
۲۹. Hill, J. F. (۲۰۱۵). **A systems thinking perspective on the motivations and mechanisms that drive wildlife poaching.** In Green Harms and Crimes (pp. ۱۸۹-۲۱۹). Palgrave Macmillan, London.
۳۰. Johnston, J. (۲۰۰۶). **Cross-Border Approaches to Protected Areas, Heritage Conservation, and Tourism: A Parks Canada Perspective.** Europe, ۱۸۹(۶۵), ۸-۶۱۸.
۳۱. Lia, G., Zakari, A., & Tawiah, V. (۲۰۲۰). **Does environmental diplomacy reduce CO₂ emissions? A panel group means analysis.** Science of The Total Environment, ۱۳۷۷۹۰.
۳۲. Masters, L. (۲۰۱۸). **Environmental Diplomacy.** The Encyclopedia of Diplomacy, ۱-۱۴.
۳۳. Mulero-Pázmány, M., Stolper, R., Van Essen, L. D., Negro, J. J., & Sassen, T. (۲۰۱۴). **Remotely piloted aircraft systems as a rhinoceros anti-poaching tool in Africa.** PloS one, ۹(۱).
۳۴. Orsini, A. (۲۰۲۰). **Environmental Diplomacy.** In Global Diplomacy (pp. ۲۳۹-۲۵۱). Palgrave Macmillan, Cham.
۳۵. Portman, M. E. (۲۰۰۷). **Zoning design for cross-border marine protected areas: The Red Sea Marine Peace Park case study.** Ocean & Coastal Management, ۵۰(۷), ۴۹۹-۵۲۲.
۳۶. Robertua, V., & Sigalingging, L. (۲۰۱۹). **Indonesia Environmental Diplomacy Reformed: Case Studies of Greening ASEAN Way and Peat Restoration Agency.** Andalas Journal of International Studies (AJIS), ۸(۱), ۱-۱۵.
۳۷. Sandwith, T., Shine, C., Hamilton, L., & Sheppard, D. (۲۰۰۱). **Protected areas for peace and co-operation.** Best Practice Protected Area Guidelines Series, (۷). IUCN, Gland Switzerland and Cambridge, UK. ۱۱۱.
۳۸. Sletto, B. (۲۰۱۱). **Conservation planning, boundary-making and border terrains: The desire for forest and order in the Gran Sabana, Venezuela.** Geoforum, ۴۲(۲), ۱۹۷-۲۱۰.
۳۹. Sundberg, J., & Kaserman, B. (۲۰۰۷). **Cactus carvings and desert defecations: embodying representations of border crossings in protected areas on the Mexico—US border.** Environment and Planning D: Society and Space, ۲۵(۴), ۷۲۷-۷۴۴.
۴۰. Torney, D., & Mai'a, K. (۲۰۱۸). **Environmental and climate diplomacy: Building coalitions through persuasion.** In European Union External Environmental Policy (pp. ۳۹-۵۸). □□□□□□□□ □□□□□□□□□□, □□□□.
۴۱. UN. (۲۰۲۰). **Environmental conferences.** Available on: <https://research.un.org/en/docs/environment/conferences>, ۱۲th June ۲۰۲۰.
۴۲. van Doormaal, N., Lemieux, A. M., & Ruiters, S. (۲۰۱۸). **Understanding site selection of illegal border crossings into a fenced protected area: a rational choice approach.** Crime Science, ۷(۱), ۷.



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



۴۳. Warchol, G., & Kapla, D. (۲۰۱۲). **Policing the wilderness: a descriptive study of wildlife conservation officers in South Africa.** International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice, ۳۶(۲), ۸۳-۱۰۱.

تحلیل اثرات امنیت اجتماعی، امکانات و خدمات شهری بر رضایت گردشگران در شهرهای مرزی غرب ایران (مطالعه موردی: مریوان)

دکتر سیده‌های طیب نیا*

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان

Email: Tayebnia@gep.usb.ac.ir

چکیده

طرح مسئله: امروزه فعالیت های گردشگری به عنوان بخش چهارم فعالیت های انسان پس از کشاورزی، صنعت و خدمات محسوب شده و به عنوان سودآورترین صنعت جهان شناخته شده است. شهرستان مریوان یکی از نقاط گردشگری مرزی کشور است که دارای جاذبه های زیادی بوده و میزبان گردشگران زیادی از نقاط مختلف است. با توجه به موقعیت مرزی این شهر، میزان امنیت اجتماعی و نیز امکانات و خدمات شهری در آن دارای اهمیت زیادی است. بر این اساس هدف این تحقیق تحلیل اثرات امنیت اجتماعی، امکانات و خدمات شهری بر رضایت گردشگران در شهر مرزی مریوان است.

روش پژوهش: این تحقیق از نظر هدف کاربردی و بر اساس روش انجام، توصیفی تحلیلی است. جمع آوری اطلاعات از دو روش اسنادی و میدانی انجام شد. در روش میدانی، پرسشنامه ای طراحی شد که در میان ۲۰۰ گردشگر به عنوان نمونه توزیع و تکمیل شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و Excel استفاده شد. همچنین با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و ...) و آزمون همبستگی، داده های تحقیق تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: براساس نتایج مشخص شد که امنیت اجتماعی در شهر مرزی مریوان، مطلوب بوده رضایت گردشگران از امکانات و خدمات شهری و نیز امنیت اجتماعی، بالا است. همچنین میان رضایت گردشگران و امکانات و خدمات شهری و نیز امنیت اجتماعی رابطه معناداری مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج تحقیق، مشخص شد شهر مریوان برخلاف بیشتر شهرهای مرزی از امنیت بالایی برخوردار و نیز دارای نقاط قوت زیادی است و این می تواند موجب تسهیل توسعه همه جانبه شهر از طریق بهبود وضعیت زیرساخت های گردشگری و اطلاع رسانی در مورد این شهر مرزی و جاذبه های گردشگری آن از طرق مختلف شود.

واژگان کلیدی: مرز، گردشگری، امنیت اجتماعی، تسهیلات شهری، مریوان.

۱- مقدمه

امروزه صنعت گردشگری نقش مهمی در اقتصاد کشورها بازی می کند هرچند، میزان درآمدزایی آن به سیاست های راهبردی و میزان سرمایه گذاری کشورها بستگی دارد. گردشگری در هر دو حالت ملی و بین المللی آثار تقریباً مشابه در بهبود وضعیت اقتصادی و توسعه فرهنگی-اجتماعی دارد. در سطح ملی نیز باید متناسب با جاذبه هایی مناطق ویژه و با پیروی از اصل مزیت نسبی، دست اندرکاران محلی به طراحی سیاست های راهبردی جذب گردشگر اقدام نمایند. داده های پژوهشی مجرای اصلی تصمیم سازی در همه حوزه های اقتصادی و اجتماعی است. قدم اول در راستای توسعه گردشگری مریوان گردآوری اطلاعات اولیه و پایه در زمینه میزان رضایت آنها از وضعیت موجود است. شکل گیری تصویر ذهنی گردشگر از یک محل با توجه به ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و تسهیلات اقامتی، عامل مهمی در جذب گردشگران بیشتر دارد. بدین معنی گردشگرانی که در محل حضور می یابند عاملان اصلی در انتقال تجربیات سفر به دیگران و بازگشت مجدد خود دارند. مقاصد گردشگری با توجه به ویژگی ها و شاخص های فرهنگی- اجتماعی، تسهیلات اقامتی و تعامل با گردشگران تصویری در میان ذهنیت گردشگران می سازد. این تصویر بر سفرهای بعدی و جذب گردشگران تأثیر جدی می گذارد. بطور کلی استنباط گردشگران یک محل بر اساس ویژگی های متقاضیان سفر (خصوصیات روانشناختی، تجارب قبلی، تحصیلات و خصوصیات فرهنگی/اجتماعی) و عوامل جانب عرضه (آوازه مقصد، پیشینه فرهنگی محل، تعامل مردم و کارکنان بخش انسانی گردشگری) شکل می گیرد. گیلبرت در سال ۱۹۹۰، اظهار داشت که مقاصد به منظور توسعه تصویر ذهنی و منافع اقتصادی و کسب وفاداری مشتریان باید به نواحی سطح بالا یا سطح وضعیت تبدیل گردند نه به نواحی سطح پایین. مقاصد باید به منظور رسیدن به یک سود محصول گردشگری بالا، محصولاتشان را متمایز کنند. این امر باعث خواهد شد تا آنها جایگاه خود را در بازار بین المللی باز یابند و هم مشتریان پولدار و هم گردشگران وفادار را که منحصر به فرد بودن منابع را در نظر دارند، جذب کنند. هر منطقه باید سطح فعلی علاقه گردشگران به جاذبه های فعلی خود و ماهیت آن را به موازات تقاضای بالقوه در آینده درک نماید. مزایای طبیعی و مصنوعی منطقه شرایط عامل را تشکیل می دهند که در ترکیب با موقعیت آن مزیت نسبی آن را تشکیل می دهد (رخش ماه، ۱۳۸۹).

اگر چه بواسطه فرایند های متنوع جهانی شدن جوامع به سوی نوعی همسانی حرکت می کنند و فرهنگ پذیری (تا حدودی یک سوپه) در اواخر قرن بیستم فرایند مهمی به شمار می آید اما هنوز گردشگران زیادی از مناطق مختلف در سطح ملی و بین المللی وجود دارد که تجربه کردن فرهنگ های با جذابیت های منحصر به فرد، هنوز یکی از انگیزه های اصلی گردشگری آنان است. گذر انسان مدرن از تعصب و قومیت مداری و تسری نسبیت اندیشی تا حدود زیادی باعث تحرک این انگیزه ها می شود. این انگیزه در وهله اول دیدن و تجربه کردن فرهنگ حقیقی و مظاهر آن از حیث هنر، موسیقی، رقص و صنایع دستی است. بر اساس رویکردها مختلف گردشگری، عوامل مختلفی در جذب و رضایت گردشگران از یک محل خاص نقش دارند. عوامل فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و تسهیلات شهری و اقامتی در جذب گردشگری و توسعه آن اهمیت محوری دارند. امنیت از دیگر مقولات مهم در جذب رضایت گردشگران است. گردشگران راضی به احتمال زیاد مکانهایی را که به آنجا سفر کرده اند به سایرین نیز توصیه خواهند کرد (مروتی شریف آبادی و همکاران، ۱۳۹۵، ۸۵). به اعتقاد کارشناسان میان گردشگری و ثبات و توسعه امنیت، رابطه تعریف شده وجود دارد چرا که توسعه زیر ساختهای گردشگری، همکاری دستگاههای فرهنگی و تبلیغات مناسب و مشارکت گسترده دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی همزمان با توسعه گردشگری، توسعه امنیت ملی را نیز به همراه خواهد داشت، نقش و تأثیر صنعت جهانگردی در توریسم امنیت ملی یک کشور چنان است که اکثریت کشورهای توسعه یافته با وجود دارا بودن منابع کلان اقتصادی و درآمد، ترجیح می دهند بر روی صنعت توریسم متمرکز شوند. حضور مستقیم بازدید کنندگان و گردشگران در یک کشور علاوه بر توسعه اقتصاد و تبادلات فرهنگی، آن کشور را بعنوان یک قطب امن گردشگری به جهانیان معرفی می کند تا آنجا که امنیت در معنای گسترده یکی از مهمترین مسائلی است که در میزان تقاضای گردشگران خارجی برای سفر به هر کشور دیگر تأثیرگذار است. وجود امنیت برای توسعه

گردشگری در عرصه ملی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. تصورات قالبی در مورد قومیت ها که حاصل رویدادهای تاریخی و سیاسی است، ممکن است بازار گردشگری برخی از مناطق کشور (کردستان) را دچار رکود کند. سنجش نگرش گردشگران می تواند تا حدود زیادی به شناخت واقعیت این مسئله کمک کند.

رضایت گردشگران باعث میشود تا این احساس رضایت در تمایل آنان به بازگشت و تداوم مسافرت به مقصد، از یک سو و تشویق و ترغیب دوستان و آشنایان به دیدار از شهر مقصد مؤثر واقع شود و به این ترتیب موجبات تداوم و پایداری گردشگری و رونق اقتصادی در منطقه مورد نظر شود (فنی و همکاران، ۱۳۹۱، ۳۳). تعداد زیادی از گردشگرانی که به مریوان سفر می کنند، نگاه جدی هم به بازار و خرید کالاهای خارجی دارند. تفاوت قیمت انواع کالاها با مقصد سفر انگیزه خوبی برای گردشگران می باشد. رفتارهای حوزه بازار می توانند در شکل گیری تصویر ذهنی گردشگران برای سفرهای بعدی و یا تشویق دیگران برای سفر به مریوان نقش مهمی را ایفا کند. امکانات و تسهیلات موجود در محل، در جذب گردشگر نقش اساسی دارد. راه های مواصلاتی ایمن، هتل های مناسب، وضعیت ترافیکی سامانمند، بهداشت محیط و خدمات شهری می تواند در وجهه و نظر استنباطی گردشگران مؤثر باشد. مریوان یکی از مراکز اصلی جذب گردشگر در غرب کشور محسوب می شود. این شهر با برخورداری از جاذبه هایی متعدد طبیعی، فرهنگی و تجاری پتانسیل زیادی برای بهره مندی از مزیت نسبی گردشگری دارد. آب و هوای مطبوع بویژه در فصل گردشگری (تابستان)، پوشش جنگلی و چشم اندازهای طبیعی منحصر به فرد، دریاچه زریبار و مجتمع پارک ساحلی آن، نزدیکی به مرز عراق، وجود مراکز خرید مدرن و مراکز اقامتی مدرن (هتل های چهار ستاره زریبار و نوروز)... از پتانسیل های توسعه گردشگری شهر مریوان محسوب می شوند. در طول یک دهه اخیر مریوان تا حدودی توانست در مناطق درجه دوم گردشگری جایگاهی برای خود پیدا کند. در نوروز سال هشتاد و هشت تعداد ۴۸۱۵۰۰ نفر به مریوان سفر کرده اند (سازمان میراث فرهنگی استان کردستان، ۱۳۸۸)، با توجه به آمار این سال مریوان در سطح استان در رده دوم قرار داشته است. با این حال برخی از علل مهم این وضعیت به تسهیلات شهری و مسایل اجتماعی شهر مرتبط هستند. سنجش رویکرد و نگاه گردشگران حاضر، ما را قادر به شناخت برخی از لایه های مهم این شرایط می کند. این شناخت های علمی زمینه های تصمیم سازی کاربردی را فراهم می سازد.

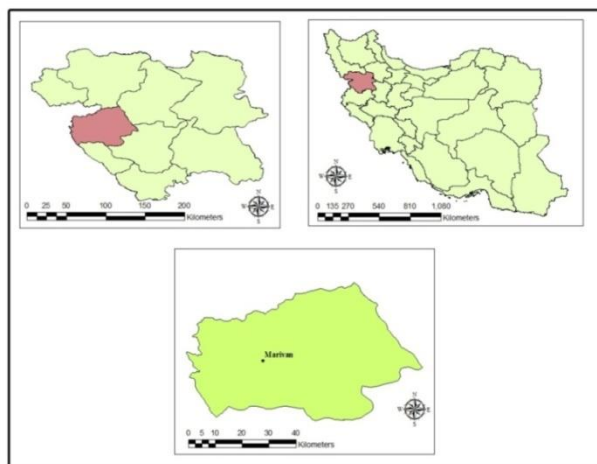
۲- ضرورت و هدف از تحقیق: مریوان یکی از قطب های اصلی گردشگری در غرب کشور است، با این حال درآمد چندانی از این جهت عاید این شهر نمی شود. علیرغم وجود جاذبه های متعدد طبیعی و فرهنگی، با این حال تلاش جدی و سیستماتیک برای بهره مندی از مزیت نسبی گردشگری برای این محل صورت نگرفته است. همچنین وجود مشکلات عدیده در رفتار و نگرش شهروندان نسبت به گردشگران باعث شده در برخی از اوقات، گردشگران با ناراحتی شهر را ترک کنند. این امر باعث شکل گیری نوعی وجهه نظر استنباطی منفی در مورد مریوان می شود که این امر در آینده باعث کاهش شدید حضور گردشگران در مریوان می شود. این پژوهش در راستایی دستیابی به فواید نظری و کاربردی همچون گردآوری داده های علمی دقیق در حوزه گردشگری مریوان جهت استفاده محققان و مراکز پژوهشی و ایجاد انگیزه برای توسعه تحقیق در این حوزه، شناخت نقاط ضعف و قوت شهر مریوان در ارتباط با حضور گردشگران، تغییر نگرش مسئولان نسبت به مسایل حوزه گردشگری مریوان و ایجاد زمینه برای تصمیم سازی با اتکا به داده های علمی، شناخت ساز و کارهای آموزش کنش های همساز با توسعه گردشگری و تغییر زمینه های ذهنی و کنشی شهروندان مریوانی و ... انجام خواهد شد.

۳- روش شناسی تحقیق

روش این تحقیق بنابر هدف کاربردی و بر اساس روش انجام، توصیفی-تحلیلی است. با توجه به مرزی بودن منطقه مورد مطالعه و ذهنیت های منفی نسبت به مناطق مرزی، این تحقیق تلاش دارد تا به ارزیابی عوامل تاثیر گذار بر رضایت گردشگران بپردازد. در این میان، عوامل امنیت و تسهیلات شهری که در این منطقه نسبت به مناطق غیرمرزی، اهمیت

بیشتری دارند را مدنظر قرار داده تا بتواند با بررسی میزان تاثیر این عوامل در رضایت گردشگران، به کاهش ذهیت های منفی کمک کرده و موجب افزایش رضایت، و در نهایت تعداد گردشگران شود. لذا در پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی میزان رضایت گردشگران از شهر توریستی مریوان و میزان تاثیرپذیری آن از تسهیلات شهری و نیز امنیت اجتماعی در مریوان است. برای دستیابی به این هدف، تلاش دارد تا به این سؤالات پاسخ دهد: ۱. آیا میان رضایت گردشگران و امکانات و خدمات شهری در شهر مریوان رابطه معناداری وجود دارد؟ ۲. آیا میان رضایت گردشگران و امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؟ در گردآوری داده ها از روش کتابخانه ای و میدانی استفاده شده است که روش میدانی (تجربی) با شکل پیمایشی اجرا می شود. تحقیقات پیمایشی به محقق اجازه می دهد داده های گردآوری شده را در هر دو سطح توصیفی و تحلیلی بیازماید. همچنین روش پیمایشی از قابلیت تعمیم بالایی برخوردار است. در پژوهش حاضر، پرسشنامه ای با سؤالات باز و بسته در راستای سؤالات پژوهش تدوین شد. در طراحی سؤالات بسته از طیف لیکرت (پنج گزینه ای) استفاده شده است. در جهت بررسی روایی و پایایی تحقیق، در ابتدا پرسشنامه مقدماتی تهیه شد و با مشورت و استفاده از نظرات صاحب نظران اعتبار صوری تحقیق بدست آمد. بعد از تکمیل ۳۰ پرسشنامه به عنوان پیش آزمون (پری تست) از ضریب آلفای کرونباخ برای بدست آوردن میزان پایایی شاخصهای تحقیق استفاده شد. بدین ترتیب گویه های که همبستگی کمتری داشت، اصلاح شد یا گویه های مناسب تری جایگزین آنها شدند و در نتیجه در مجموع ضریب پایایی شاخص های نهایی تحقیق بدست آمد. در این رابطه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰.۶۷ بدست آمد که نشان دهنده پایایی بالای پرسشنامه است. در این تحقیق متغیرهای مستقل شامل امکانات و تسهیلات مختلف شهری، امنیت اجتماعی و متغیر وابسته؛ رضایت گردشگران است. با توجه به عنوان پژوهش، جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه گردشگران وارد شده به شهرستان مریوان که حداقل ۲۴ ساعت در این شهرستان اقامت داشته اند و به گردش یا خرید و تفریح و ... پرداخته اند. تعداد نمونه ها نیز با توجه به امکانات تحقیق و نیز نظر اساتید و متخصصین مربوطه، ۲۰۰ نمونه در نظر گرفته شد و در میان گردشگران ورودی به شهر مریوان که به طور تصادفی در مکان های مختلف سطح شهر مریوان از جمله فروشگاه های معتبر، پارک ها و اطراف دریاچه زریوار و هتل ها و مهمانسراها و غیره، توزیع و تکمیل گردید. در نهایت داده ها و اطلاعات بدست آمده، جهت آزمون فرضیات با استفاده از نرم افزارهای Excel (برای داده های توصیفی) و SPSS (همبستگی داده ها) تحلیل شده و همبستگی میان متغیرها به دست آمد.

۴- محدودده مورد مطالعه: محدودده مورد مطالعه این تحقیق شهرستان مریوان است که در غرب استان کردستان قرار دارد و هم مرز با کشور عراق است. میزان فاصله این شهر با مرز عراق، ۲۰ کیلومتر است. شهرستان مریوان با طول و عرض جغرافیایی بین ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه تا ۲ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۴۵ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی نصف النهار گرینویچ از شمال به شهرستان سقز، از شرق به شهرستان سنندج و دیواندره و از جنوب شرقی به شهرستان سروآباد و از غرب و شمال غربی به خاک عراق محدود است. براساس آمار کل جمعیت شهرستان مریوان ۱۵۳۲۷۱ بوده است. که ۷۴۳۲۷ نفر زن و ۷۸۹۴۴ نفر مرد می باشند (مرکز آمار ایران). این شهرستان دارای آب و هوایی معتدل و مناسب است و از لحاظ جاذبه های گردشگری طبیعی و تجاری و فرهنگی، جاذبه های بسیار زیادی را داراست.



شکل شماره ۱: نقشه موقعیت شهرستان مریوان و شهر مریوان در کشور و استان (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

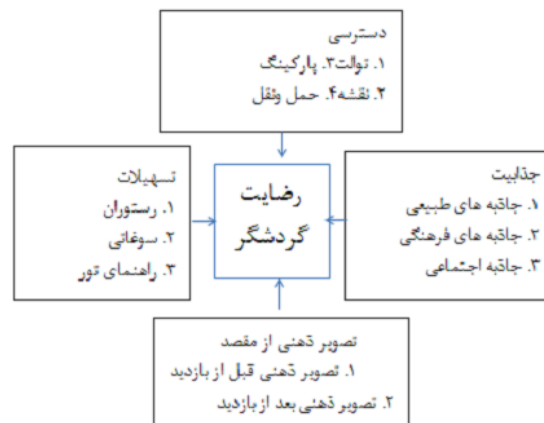
۵- مبانی نظری تحقیق

امروزه استفاده از اوقات فراغت، جزئی از زندگی روزمره جوامع پیشرفته محسوب می‌شود و سیستم‌های مختلف تفریحی به عنوان یک ضرورت در تمدن‌های امروز مطرح است. استفاده از اوقات فراغت به اوضاع اقتصادی و اجتماعی یک جامعه و افراد آن بستگی دارد. در بسیاری از جوامع کم درآمد، توده مردم وقت زیادی را به بیکاری می‌گذرانند، که می‌توان آن را به اوقات فراغت مفید تبدیل کرد (رضوانی، ۱۳۸۷، ۱۴). از مواردی که می‌توان از طریق آن گردشگران را جذب و میزان رضایت آنان را بالا برد، تبلیغات است. تبلیغات یکی از موثرترین وسایلی است که می‌توان به وسیله آن گردشگران را جذب کرد. بنا به توصیه سازمان جهانی جهانگردی، سازمان‌های ملی گردشگری باید ۳ تا ۵ درصد از بودجه خود را به تبلیغات گردشگری اختصاص دهند. امروزه گردشگری پدیده‌ای است که با زندگی روزمره مردم سر و کار دارد و به همین دلیل روز به روز بیشتر گسترش می‌یابد. از این رو برای استفاده از این شرایط و جلب گردشگران بایستی از وسایل مختلف و از جمله تبلیغات سود جست (دیباپی، ۱۳۷۱، ۶۹). تبلیغات را می‌توان تلاش سازمان یافته‌ای برای نظارت بر اعتقادات، نظریات و یا اعمال دیگران با کمک نشانه‌ها (کلمات، اشارات، پوسترها، یادبودها، موسیقی، البسه و برچسب) دانست (شعاعی، ۱۳۷۲، ۴). که برای ایجاد حداکثر بازده، باید به طور کامل هماهنگ شوند (کاتلر، ۱۳۷۶، ۷۸). "ستون" در نظریه خود به تصویرسازی مطلوب از کالا اشاره دارد. نخستین تصویری که در ذهن مردم در مورد هر چیزی می‌آید، آخرین تصویر است. به همین دلیل در بیشتر کشورهای جهان از جمله اروپا، سازندگان خودروها و سایر تولیدکنندگان بیشترین هزینه را صرف تبلیغ و ایجاد «نخستین تصویر مطلوب» می‌کنند، حتی اگر محصولات آنها کیفیت لازم را نداشته باشد. تصویری که در ذهن مردم ایجاد می‌شود، ضمانت کیفیت محصولاتشان است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۵، ۱۳). "ستون" از تبلیغات به یکی از موثرترین راه‌های تحت شعاع قرار دادن تقاضا یاد می‌کند. او می‌گوید با توجه به چارچوبی که کاتلر (۱۹۳۷) ارائه کرد، هشت حالت ممکن برای تقاضا وجود دارد که در همه آنها تبلیغات نقش مهمی را ایفا می‌کند. قدرت روانی تبلیغات با استفاده از چیزی که "لاسل" آن را جاذبه سه‌گانه می‌نامد، افزایش می‌یابد. در این اصل گفته می‌شود که مجموعه‌ای از نشانه‌ها هنگامی موثرند که همزمان برای سه عامل شخصیت فرد خوشایند باشد (که منجر به رضایت می‌شود). این سه عامل همان‌هایی هستند که فروید به آنها «خود، غریزه و وجدان» می‌گوید: برای رضایت «خود» هر تبلیغ‌کننده ماهر برای القای اعمال و افکار خود، آنها را به نوعی جلوه می‌دهد که پدیدآور لذت و عامل قدرت باشد. برای جلب و جذب وجدان نیز سعی دارد افکار و اعمال خود را دفاع پذیر جلوه دهد؛ اگر چه به طور کلی بر قانون منطبق نباشد، بیش از خود قانون پذیرفتنی باشد. در هر نظام اجتماعی، ترکیب آرمانی این سه عامل متفاوت است. در طول زمان شاهد تغییراتی در این فرایند هستیم و شخصیت‌ها مانند امور اخلاقی و سنت‌های گروه اجتماعی در حال تحول‌اند. ماکس وبر معتقد است در شرایط معمولی و غیربحرانی، تبلیغات مانند سوراخ کردن تخته‌های

سنگ است و البته ارزش آنرا نیز دارد (شعاعی، ۱۳۷۲، ۵۸). توماس (۱۰۰: ۲۰۰۶، Rhodri & Thomas)، مهرانی (۱۳۷۴) و راه چمنی (۱۳۸۳) در پژوهش‌های خود به این نتایج دست یافتند که با برنامه ریزی و اجرای دقیق مدیریت بازاریابی و تبلیغات می‌توان تا حدود زیادی درآمد ارزی گردشگری را افزایش داد، درآمدهای خارجی را متنوع کرد و کشور را از آسیب پذیری ناشی از نوسان‌های قیمت نفت محفوظ داشت. همچنین توجه به نگرش بازاریابی و تبلیغات می‌تواند راه حلی برای افزایش جذب گردشگر و رضایت آنان باشد. زهر (Zehrer, ۲۰۰۹, ۳۳۲)، ناصری (۱۳۷۵) و ملک اخلاق (۱۳۸۲) در پژوهش‌های خود نشان دادند که بین ابعاد سیاستگذاری و ابعاد بازاریابی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین اصلی‌ترین مشکلات و موانع صنعت گردشگری کشور، موانع تشکیلاتی و سازمانی، وجود سازمان‌های موازی و ناهماهنگی بین سازمان‌های دست‌اندرکار گردشگری در کشور است. "توسام و جنکینز" (Thomas & Jenkins, ۱۹۹۶) و زاهدی (۱۳۷۷) در تحقیقات خود بیان کرده‌اند که می‌توان با اتخاذ سیاست‌های توزیع امکانات توریستی در سطح کشور و با ایجاد جاذبه‌های متنوع برای جهانگردان از تراکم بی‌رویه و هجوم به نقاط مشخص گردشگری جلوگیری کرد. "گیل مور" (Gilmore, ۲۰۰۲) در پژوهشی به این نتایج دست یافت که حفظ و مرمت جاذبه‌های گردشگری و توجه به آنها، تاکید بر استفاده از معماری سنتی در ساخت مکان‌های گردشگری و ایجاد زیرساخت‌های مناسب به افزایش ورود گردشگران و توسعه صنعت گردشگری منجر می‌شود.

با مطالعه ادبیات «رضایت گردشگران» متوجه می‌شویم که محققین و پژوهشگران علوم اجتماعی و روانشناسی در طی سی سال گذشته حداقل ۲۰ تعریف در مورد رضایتمندی داشته‌اند. سه عامل اصلی و مهم در رضایتمندی و تعریف آن مشاهده می‌شود که عبارتند از: ۱. رضایت مشتریان، عکس‌العملی احساسی (عاطفی) و یا حالتی از درک متقابل و شناختی است. ۲. رضایت مشتریان پاسخی در رابطه با تمرکز ویژه روی انتظارات از تولید و تجربه استفاده از خدمت و یا مصرف و غیره است. ۳. رضایت مشتریان عکس‌العملی است که در یک دوره زمانی صورت می‌گیرد. مثلاً پس از اولین انتخاب یا براساس تجربه‌های مکرر و انباشته و ... (رسول اف و همکاران، ۱۳۸۰، ۵). رضایتمندی گردشگران یکی از مهمترین عوامل رقابتی و بهترین شاخص برای سود آتی محسوب می‌شود. امروزه بسیاری از مراکز، ارگان‌ها و سازمان‌ها، میزان رضایت گردشگران را به عنوان معیاری مهم برای سنجش کیفیت کار خود قلمداد می‌کنند و این روند همچنان در حال افزایش است. منظور از رضایت گردشگر، تامین نیازها و خواسته‌های گردشگران است. و با توجه به اینکه در صنعت توریسم، نکته مهم رضایت گردشگر است و اینکه انتظارات او برآورده می‌شود یا خیر، در ابتدا باید مشخص شود آن انتظارات چه هستند. به اعتقاد خیاط زاده ماهانی (۱۳۸۲، ۷۷) رضایت مشتری حاصل یک سیستم سه قسمتی است که عبارتند از: ۱- عملکردها ۲- کسانی که محصول یا خدمت را ارائه می‌دهند. ۳- انتظارات مشتری. اثر بخشی این سیستم سه قسمتی بستگی به ادغام مناسب این قسمت‌ها با یکدیگر دارد. منطقه مشترک بین سه قسمت بیانگر رضایت مشتری است. اگر قرار باشد یک خدمت با کیفیت ارائه شود، توازن بین انتظارات مشتری و آنچه را که می‌توان عرضه کرد، ضروری است. به اعتقاد رسول اف و همکاران (۱۳۸۰)، رضایت مشتریان در سه سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارت است از: سطح اول: تامین نیازهای اولیه مشتریان. سطح دوم: تامین انتظارات. سطح سوم: توجه و تامین انتظارات مشتریان و ارائه خدمات پیش از آنچه که ممکن است انتظار داشته باشند. تمامی اقدامات و کوشش‌های درون هر سازمان بایستی منجر به رضایتمندی مشتریان گردد در غیر اینصورت بقاء سازمان مورد سوال خواهد بود. بخصوص در صنعت گردشگری که به دلیل وابستگی‌های بین‌المللی از گستردگی و پیچیدگی بیشتری برخوردار است. امروزه رضایتمندی را به شش گروه تقسیم می‌کنند: ۱- رضایت مشتریان ۲- رضایت کارکنان ۳- رضایت مدیریت ۴- رضایت جامعه ۵- رضایت بین‌المللی ۶- رضایت محیط زیستی. باید توجه داشت که رضایتمندی هر کدام بدون دیگری ایجاد چالش نموده و سازمان را با مشکلات و مسائل جدیدی روبرو می‌کند (رضوی فر و همکاران، ۱۳۸۰، ۷۴). رضایت گردشگر تنها زمانی بدست می‌آید که فرایندهای مناسب به گونه‌ای طراحی گردند تا خدمات ارائه شده توقعات و نیازهای گردشگر را برآورده نماید. نتیجه این امر به صورت ارزش ارائه شده به مشتری نمایان می‌شود. بسیاری از عرضه‌کنندگان گردشگری بر همین مبنا و اساس به رقابت می‌پردازند. معمولاً در صنعت گردشگری هماهنگی و

تطبيق خدمات با نیازهای گردشگری بسیار مشکل می باشد، زیرا بسته به جاذبه های محیطی، تسهیلات و قابلیت دسترسی دارد (Burkayt, ۱۹۷۵: ۱۳۴). ارزیابی کیفیت خدمات، یک چالش است، زیرا رضایت مشتری توسط عوامل بسیار زیادی تعیین می شود. گردشگری که رضایتش از کالا و خدمات ارائه شده بالا باشد، به احتمال زیاد مجدداً به منطقه مورد نظر وارد می شود و این بار ممکن است دوستان خود را نیز برای سفر به منطقه مورد نظر تشویق کند. در خاتمه باید گفت که کیفیت خدمات بر مبنای انتظارات گردشگران تعیین می شود و نیز کیفیت باید نیاز گردشگران را برطرف کند. با توجه به اینکه امروزه بسیاری از مراکز، میران رضایت مشتری را به عنوان معیاری مهم برای سنجش کیفیت کار خود قلمداد می کنند و این روند همچنان در حال افزایش است و همچنین در صنعت توریسم، نکته مهم رضایت توریسم است و اینکه انتظارات او برآورده شود. رضایت گردشگر تنها زمانی بدست می آید که فرایندهای مناسب به گونه ای طراحی گردند تا خدمات ارائه شده، توقعات و نیازهای مشتری را برآورده نماید (طالقانی و فتاحی، ۱۳۹۰، ۶۳). در این پژوهش، متغیرهای اصلی تحقیق که شامل امنیت اجتماعی و امکانات و خدمات شهری و تاثیر آنها بر رضایت گردشگران بررسی می شود. در زیر مدل تحلیلی تحقیق آمده است. در صورت وجود امنیت اجتماعی بالا، ارائه خدمات شهری مناسب و نیز تسهیلات شهری خوب به گردشگران، در نهایت موجب رضایت آنان در این زمینه می شود. در زیر مدل مفهومی تحقیق و توضیحات آن ارائه شده است.



شکل شماره ۲: مدل مفهومی تحقیق (AbuAli and Howaidee, ۲۰۱۲)

۶- یافته های تحقیق

در این مرحله از این تحقیق نیز مانند هر تحقیق علمی دیگری، پس از جمع آوری و طبقه بندی اطلاعات، ابتدا یافته های تحقیق ارائه و سپس به تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده، پرداخته می شود.

۶-۱- ویژگی های فردی پاسخگویان: یافته های توصیفی این تحقیق شامل مشخصات عمومی پاسخگویان که شامل سن، جنس، و اشتغال است که در زیر می آید.

با بررسی های به عمل آمده و تکمیل روروی پرسشنامه ها با پاسخگویان، مشخص شد که از بین پاسخگویان، ۷۴ درصد مرد و ۲۶ درصد نیز زن هستند. یعنی ۱۴۸ پاسخگوی پرسشنامه ها که ۷۴ درصد آنها است، مرد بوده اند. و نیز ۵۲ نفر که ۲۶ درصد از کل پاسخگویان است، زن بوده اند که نشان دهنده این نکته است که اکثریت گردشگران پاسخگو در این تحقیق مرد بوده اند. از کل حجم نمونه برای پاسخگویان برحسب میزان سن، ۱ درصد نیز کمتر از ۲۰ سال، ۳۹.۵ درصد بین ۲۰-۳۰ سال، ۳۸.۵ درصد بین ۳۱-۴۰ سال، ۱۵ درصد بین ۴۱-۵۰ سال، ۵ درصد بین ۵۱-۶۰ سال و ۱ درصد نیز بالای ۶۰ سال سن داشته اند. با توجه به این اعداد، مشاهده می گردد که گروه سنی ۲۰-۳۰ سال با فراوانی ۳۹.۵ درصد در بالاترین رده و گروه سنی کمتر از ۲۰ سال و بالای ۶۰ سال با فراوانی ۱ درصد در پایین ترین رده قرار می گیرد.

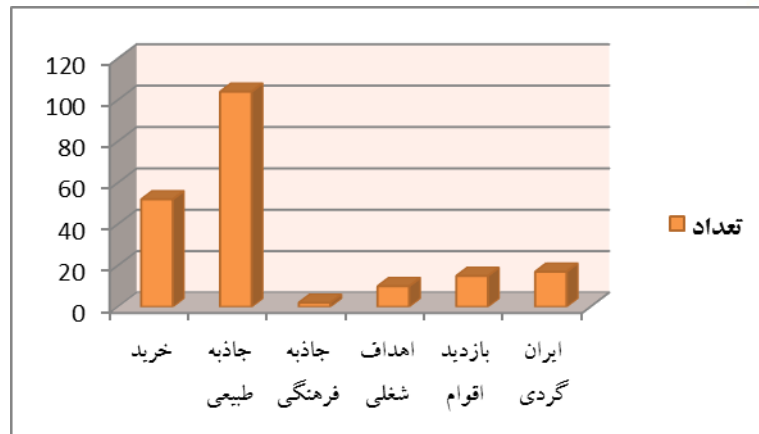
اما وضعیت شغلی پاسخگویان در ۶ رده کلی اشتغالات خصوصی، دولتی، آزاد، بازنشسته، خانه دار و بیکار طبقه بندی و مورد ارزیابی قرار گرفت. از کل حجم نمونه بر حسب وضعیت شغلی در بین گردشگران، ۱۲ درصد دارای اشتغالات خصوصی، ۳۱.۵ درصد اشتغالات دولتی، ۳۳.۵ درصد اشتغالات آزاد، ۳.۵ درصد بازنشسته، ۹.۵ درصد خانه دار و ۱۰ درصد نیز بیکار بوده‌اند. با توجه به این اعداد مشخص می شود که اشتغالات آزاد با ۳۳.۵ درصد در بالاترین رده و بازنشسته ها نیز با ۳.۵ درصد در پایینترین رده اشتغالات پاسخگویان قرار می‌گیرد.

۲-۶- نوع وسیله نقلیه مسافرت: در بررسی نوع وسیله نقلیه گردشگران پاسخگو به دو دسته کلی تقسیم بندی شد که شامل وسایل نقلیه عمومی و وسیله نقلیه شخصی است. بر این اساس از میان پاسخگویان ۸۶ درصد با وسیله نقلیه شخصی و ۱۴ درصد نیز با وسایل نقلیه عمومی به شهرستان مریوان مسافرت کرده اند. همانطور که مشخص است، اکثر پاسخگویان با وسیله نقلیه شخصی به این شهرستان آمده اند و تنها عده بسیار کمی با وسایل نقلیه عمومی به این شهرستان مراجعه کرده اند. لذا توجه به تعداد و کیفیت جاده ها و نیز احداث پارکینگ های عمومی برای این میزان وسایل نقلیه در شهرستان مریوان در جهت رضایت بیشتر گردشگران ضروری است.

۳-۶- تعداد مسافرت گردشگران به مریوان: بر این اساس ۴۶ درصد از پاسخگویان برای بار اول، ۱۳.۵ درصد برای بار دوم و ۴۰.۵ درصد نیز برای بار سوم و بیشتر است که به مریوان می آیند. براین اساس مشخص می شود که بیشتر پاسخگویان گردشگر با ۴۶ درصد، برای بار اول است که به شهرستان مریوان سفر می کنند و کمترین تعداد سفر نیز به دومین مسافرت گردشگران با ۱۳.۵ درصد تعلق می گیرد. این نشان دهنده این نکته است هنوز هم گردشگران زیادی خواهان مسافرت به مریوان به خاطر جاذبه های آن و دیگر دلایل هستند. همچنین بالا بودن درصد افرادی که برای سومین بار و بیشتر از آن به مریوان سفر کرده اند (۴۰.۵ درصد)، نشان دهنده این جذاب بودن مریوان و نیز رضایت اکثر گردشگران از شهرستان مریوان است.

۴-۶- نحوه اطلاع گردشگران از جاذبه های مریوان: نحوه اطلاع گردشگران از جاذبه های مریوان به این صورت بوده است که ۶۳.۵ درصد از پاسخگویان از طریق دوستان و آشنایان، ۳.۵ درصد از طریق رادیو و تلویزیون، ۳.۵ درصد از طریق پوستر و بروشور و ۲۹.۵ درصد نیز از طریق سایر موارد اطلاع پیدا کرده اند. براین اساس، بیشتر پاسخگویان از طریق دوستان و آشنایان با ۶۳.۵ درصد، از جاذبه های مریوان اطلاع پیدا کرده اند. این نکته نشان دهنده این می تواند باشد که سایر روش های اطلاع رسانی در جهت اطلاع مردم از جاذبه های مریوان همچون رسانه های جمعی و ...، بسیار ضعیف عمل کرده و به نوعی در این زمینه کمبودهای زیادی مشاهده می شود.

۵-۶- هدف گردشگران از سفر به مریوان: گردشگران ورودی به مریوان اهداف مختلفی از مسافرت داشته اند که در پرسشنامه ها به طور کلی به ۶ دسته کلی تقسیم بندی شد. پس از بررسی پرسشنامه های تکمیل شده، مشخص شد که ۲۶ درصد از پاسخگویان هدف از مسافرت به مریوان را خرید، بازدید از جاذبه های طبیعی ۵۲ درصد، بازدید از جاذبه های فرهنگی ۱ درصد، اهداف شغلی ۵ درصد، بازدید از اقوام و آشنایان ۷.۵ درصد و در نهایت، ۸.۵ درصد از پاسخگویان هدف از مسافرت به مریوان را ایران گردی ابراز کرده اند. به این ترتیب می توان گفت که هدف بیشتر گردشگران از مسافرت به مریوان، بازدید از جاذبه های طبیعی (۵۲درصد) بوده است که دلیل آن وجود جاذبه های فراوان طبیعی و جذاب در مناطق مختلف این شهرستان است. همچنین کمترین گردشگران با یک درصد فراوانی، هدف خود را از مسافرت به این شهرستان، جاذبه های فرهنگی اظهار کرده اند. نمودار زیر، مقایسه بین این موارد را به خوبی نشان می دهد.



شکل شماره ۳: مقایسه اهداف پاسخگویان از مسافرت به مریوان (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

۶-۶- میزان رضایت گردشگران از امکانات و تسهیلات مختلف: در این قسمت میزان رضایت گردشگران پاسخگو به پرسشنامه‌ها را در زمینه تسهیلات و امکانات مختلف وابسته به گردشگری را که توسط آنها ارزیابی شده است، آورده شده است که با استفاده از جداول و نمودارهای مختلف و توضیح آنها به ترتیب در ذیل می‌آید.

۶-۷- وضعیت محورهای ارتباطی: پس از بررسی نظر پاسخگویان در مورد وضعیت محورهای ارتباطی و میزان رضایت آنان، مشخص شد که ۱۷ درصد از آنان وضعیت راه‌های ارتباطی را خیلی بد، ۱۷.۵ درصد بد، ۳۷ درصد متوسط، ۲۴.۵ درصد خوب و ۴ درصد نیز خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند. بر این اساس آنچه از این ارقام بر می‌آید، این است که حدود ۳۵ درصد یعنی بیش از یک سوم پاسخگویان، از وضعیت راه‌های ارتباطی راضی نبوده‌اند و این هم به خاطر نامناسب بودن راه‌های ارتباطی در این منطقه است و لزوم توجه بیشتر به این امر را می‌طلبد.

۶-۸- وضعیت امکانات و خدمات شهری

در این قسمت نظر گردشگران ورودی به مریوان در مورد وضعیت خدمات و امکانات مختلف شهری را در شهر مریوان بررسی شده است که در یک طیف ۵ گزینه‌ای از خیلی بد تا خیلی خوب ارائه و در یک جدول واحد که در زیر ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱: نظر پاسخگویان در مورد خدمات و امکانات شهری (به درصد) (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵).

میزان رضایت					امکانات و خدمات
خیلی خوب	خوب	متوسط	بد	خیلی بد	
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
۱	۱۸	۳۸	۲۸	۱۵	آسفالت خیابانها و معابر
۱۱	۲۷.۵	۴۶	۱۲	۳.۵	فضای سبز شهر
۳.۵	۱۴.۵	۵۳	۲۳.۵	۵.۵	زیبا سازی و رنگ آمیزی
۷	۲۶	۴۵.۵	۱۷.۵	۴	بهداشت و نظافت شهری
۶.۵	۴۴	۴۰.۵	۴	۵	کرایه تاکسی، حمل و نقل
۵	۳۰.۵	۴۷	۱۵	۲.۵	پیاده رو و روشنایی معابر
۷.۵	۲۸.۵	۳۶	۱۸.۵	۹.۵	وضعیت پارکینگ‌ها
۵	۲۱	۳۲	۲۶	۱۶	سرویس‌های بهداشتی
۶.۵	۲۸.۵	۳۹.۵	۱۶	۹.۵	شهرسازی، وسایل تفریحی
۹.۵	۴۷	۲۷.۵	۸.۵	۷.۵	وضعیت ترافیک
۲۸.۵	۳۵	۲۷	۶	۳.۵	پارک ساحلی زرببار
۲۱	۳۴.۵	۳۱.۵	۹.۵	۳.۵	وضعیت اماکن اقامتی

۲.۵	۹	۳۸	۳۷	۱۳.۵	رستوران های شهر
-----	---	----	----	------	-----------------

پاسخگویان نظرات مختلفی را در مورد امکانات و خدمات شهری اظهار داشته اند که در این قسمت به اختصار توضیح داده می‌شود. در مورد آسفالت خیابان ها و معابر، ۴۳ درصد از گردشگران، وضعیت آسفالت معابر و خیابان ها را بد و خیلی بد اظهار داشته اند که این نشان دهنده وضعیت نامناسب آسفالت خیابان ها و معابر در مریوان و نارضایتی گردشگران از این تسهیلات است. در مورد فضای سبز شهری، نزدیک ۴۰ درصد از پاسخگویان وضعیت فضای سبز شهری را خوب و خیلی خوب اظهار داشته اند که این نشان دهنده وضعیت نسبتاً مناسب فضای سبز شهری و رضایت نسبی گردشگران از آن است. در مورد زیباسازی و رنگ آمیزی، نظر بیشتر از نصف پاسخگویان متوسط بوده است به این صورت که ۵۳ درصد از آنان نظر متوسطی را در مورد زیباسازی داشته اند و لذا می توان گفت که نارضایتی نبوده اند و رضایت بالایی را نیز در مورد این تسهیلات شهری نداشته اند. اما نظر پاسخگویان در مورد بهداشت و نظافت شهری به این صورت بوده است که یک سوم از آنان، از این امکانات رضایت داشته اند. یعنی نظر ۳۳ درصد از گردشگران در مورد بهداشت و نظافت شهری خیلی خوب و خوب بوده است و ۴۵ درصد از آنان نیز گزینه متوسط را انتخاب کرده اند. که این نشان دهنده وضعیت نسبتاً مطلوب و متوسط وضعیت بهداشت و نظافت شهری و رضایت نسبی گردشگران از آن است. اما در مورد حمل و نقل درون شهری و رایه تاکسی در مریوان، بیش از نیمی از گردشگران اظهار داشته اند که وضعیت خیلی خوب و خوب دارد و این نشان دهنده رضایت بالای گردشگران از آن است. در مورد وضعیت پیاده رو ها و روشنایی معابر در مریوان، بیش از یک سوم از پاسخگویان یعنی ۳۵.۵ درصد آنان، اظهار داشته اند که وضعیت خیلی خوب و خوب دارد و این نیز نمایانگر رضایت نسبی گردشگران از این امکانات در مریوان است. اما نظر گردشگران در مورد وضعیت پارکینگ ها به این صورت بوده است که ۳۶ درصد از آنان یعنی بیش از یک سوم آنان، این وضعیت را خیلی خوب و خوب ارزیابی کرده اند. همچنین ۳۶ درصد از آنان وضعیت پارکینگ ها را متوسط ارزیابی کرده اند که این نشان دهنده وضعیت نسبتاً مطلوب و نه چندان عالی پارکینگ ها در مریوان که توجه بیشتر به این تسهیلات را جهت افزایش رضایت گردشگران و کاهش نارضایتی آنان را ضروری می نماید. در مورد وضعیت سرویس های بهداشتی در مریوان، نظر گردشگران به این صورت بوده که تنها ۲۶ درصد از آنان، این وضعیت را خیلی خوب و خوب ارزیابی کرده و به نوعی رضایت داشته اند اما ۴۲ درصد یعنی نزدیک نیمی از آنان از وضعیت سرویس های بهداشتی نارضایتی داشته و گزینه خیلی بد و بد را انتخاب کرده اند. این ارقام نشان دهنده وضعیت نامناسب سرویس های بهداشتی و کمبود آن در مریوان است و لزوم توجه هر چه بیشتر به این امکانات و افزایش کمی و کیفیت آن را ضروری می نماید. اما در مورد شهر بازی و امکانات تفریحی مریوان، ۳۵ درصد از پاسخگویان یعنی بیش از نصف آنان، وضعیت شهر بازی و امکانات تفریحی مریوان را خوب و خیلی خوب ارزیابی کرده اند که این نشان دهنده رضایت نسبتاً خوب گردشگران از این امکانات است. در مورد وضعیت ترافیک در مریوان، بیش از نیمی از پاسخگویان یعنی ۵۶.۵ درصد گردشگران، این وضعیت را خیلی خوب و خوب ارزیابی کرده اند که این نشان دهنده وضعیت مناسب وضعیت ترافیک در شهر مریوان و رضایت بالای گردشگران از آن است. همچنین نظر پاسخگویان در مورد مجتمع پارک ساحلی زریبار که یکی از جاذبه های گردشگری اصلی مریوان است، به این صورت بوده است که ۶۳.۵ درصد از پاسخگویان این مجتمع را خیلی خوب و خوب ارزیابی کرده اند و درصد بسیار کمی وضعیت آن را بد ارزیابی کرده اند که این نشان دهنده رضایت بسیار بالای گردشگران از دریاچه زریبار و پارک ساحلی آن می باشد. اما در مورد مراکز اقامتی و هتل ها، ۵۵.۵ درصد از پاسخگویان وضعیت این مراکز را خیلی خوب و خوب ارزیابی کرده اند که این نشان دهنده رضایت بالای گردشگران از این خدمات است. در نهایت نظر پاسخگویان در مورد وضعیت رستوران های شهر مریوان به این صورت بوده است که ۵۰.۵ درصد یعنی کمی بیش از نیمی از گردشگران وضعیت رستوران های شهر را خوب و خیلی خوب ارزیابی کرده اند و این نیز نشان دهنده رضایت نسبتاً بالای گردشگران از این امکانات در مریوان است. اما در کل می توان گفت که به

جز وضعیت آسفالت خیابان ها و معابر، زیباسازی شهر و سرویس های بهداشتی، که گردشگران رضایت چندانی از آن نداشته اند، در سایر امکانات و خدمات، میزان رضایت گردشگران نسبتاً بالا بوده و راضی بوده اند.

۹-۶- نظر گردشگران در مورد بروز مسایل اجتماعی در زمان اقامت: در قسمتی دیگر از پرسشنامه، بخشی از سوالات به ارزیابی گردشگران از احتمال بروز مسایل مختلف برایشان در مدت زمان اقامت در مریوان اختصاص یافت که در آن گردشگران، نظرات خود را با گزینه های مختلف ابراز کردند که در جدول زیر آمده است .

جدول شماره ۲: نظر گردشگران در مورد بروز مسایل اجتماعی در زمان اقامت (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

میزان بروز					مسایل اجتماعی
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
۵۳	۲۸.۵	۱۲.۵	۳.۵	۲.۵	مزاحمت‌های خیابانی و ...
۶۷.۵	۲۷.۵	۵	۰	۰	دزدی لوازم
۵۹	۲۹	۱۱	۱	۰	نزاع و درگیری
۷۲.۵	۲۱	۳.۵	۲	۱	اخاذی
۶	۶	۱۶.۵	۳۲	۳۹.۵	احساس امنیت

پس از بررسی پرسشنامه ها و محاسبات مورد نیاز در مورد بروز مزاحمت های خیابانی برای گردشگران، مشخص شد که ۸۱.۵ درصد از پاسخگویان اظهار کردند که این مزاحمت ها، خیلی کم و کم بروز کرده که این نشان دهنده بروز بسیار کم و حتی عدم بروز مزاحمت های خیابانی برای گردشگران در مریوان و به نوعی رضایت بالای آنان در این زمینه است. همچنین در مورد دزدی لوازم مختلف، ۹۵ درصد گفته اند که دزدی از آنان بسیار کم و کم صورت گرفته که این میزان بسیار بالا، نشان دهنده پایین بودن بسیار زیاد دزدی در مریوان و رضایت بسیار بالای گردشگران در این زمینه است. اما در مورد بروز درگیری و نزاع های خیابانی، ۸۸ درصد از پاسخگویان اظهار کردند که این امر بسیار کم و کم بروز کرده و این نیز مانند موارد قبلی، نشان دهنده رضایت بسیار بالای گردشگران در این زمینه و وجود آرامش روانی و اجتماعی برای آنان در مریوان است. اما در مورد بروز اخاذی از گردشگران، ۹۳.۵ درصد از پاسخگویان اظهار کرده اند که این امر بسیار کم و کم برای آنان بروز کرده و این درصد بالا نیز نشان دهنده رضایت بسیار بالای گردشگران در این زمینه است. همچنین در مورد میزان احساس امنیت و آرامش در زمان اقامت در فضای باز، ۷۱.۵ درصد از پاسخگویان گفته اند که بسیار زیاد و زیاد در زمان اقامت در فضای باز احساس آرامش و امنیت می کنند و این میزان نیز مانند دیگر موارد قبلی نشان دهنده رضایت بسیار بالای گردشگران در این زمینه و وجود احساس آرامش و امنیت بسیار بالا در گردشگران در زمان اقامت در مریوان است. در نتیجه طور کلی می توان گفت که گردشگران در زمینه احتمال بروز مسایل اجتماعی برای آنان در مریوان، احساس رضایت بسیار بالایی می کنند و این مسایل بسیار کم و حتی احتمال بروز آنها نزدیک صفر است. لذا شهرستان مریوان نظر امنیت اجتماعی در سطح بالایی قرار داشته و توانایی جذب گردشگر بالاتر را در صورت تقویت این توانایی ها را دارا می باشد.

۱۰-۶- ارزیابی کلی گردشگران از مریوان در زمان اقامت: در این قسمت ارزیابی گردشگران از مریوان و ویژگیهای مختلف آن در مدت زمان اقامتشان ارائه شده است که در جدول زیر می آید.

جدول شماره ۳: ارزیابی کلی گردشگران از مریوان در مدت زمان اقامت (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

میزان

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
۲۷	۴۸	۱۸.۵	۶	۰.۵	داشتن احساس خوشحالی
۲۸	۴۲	۲۵	۲.۵	۲.۵	پیشنهاد مسافرت به دوستان
۲۴.۵	۲۸.۵	۲۷.۵	۱۲	۷.۵	امکان مسافرت مجدد

پس از بررسی این قسمت از پرسشنامه ها، ابتدا در مورد احتمال بروز مشکل در سفر برای گردشگران در صورتیکه اولین بار است که به مریوان سفر کرده اند، مشخص شد که ۴۴.۵ درصد از پاسخگویان این احتمال را بسیار کم و کم و ۳۳ درصد نیز متوسط ارزیابی کرده اند که این نمایانگر برداشت و تفکر نسبتاً مثبت گردشگران در مورد مریوان در صورت مسافرت اولشان است. همچنین در مورد داشتن احساس خوشحالی در مریوان، ۷۵ درصد از پاسخگویان اظهار کرده اند که از بودن در مریوان، احساس خوشحالی می کنند و این نشان دهنده رضایت بسیار بالای گردشگران از مریوان و اقامت در آن و مسافرت به مریوان است. اما در مورد هیجان انگیز بودن سفر گردشگران به مریوان، بیش از نصف پاسخگویان یعنی ۵۶.۵ درصد اظهار کرده اند که بسیار زیاد و زیاد هیجان انگیز بوده است که این میزان نشانگر هیجان انگیز بودن نسبتاً بالای مسافرت به مریوان برای گردشگران بوده است. همچنین در مورد پیشنهاد سفر به مریوان به دیگران توسط پاسخگویان که نشاندهنده رضایت از سفر است، بیش از دو سوم یعنی ۷۰ درصد از پاسخگویان، اظهار کرده اند که بسیار زیاد و زیاد مسافرت به مریوان را به دوستانشان پیشنهاد می دهند که این نشانگر رضایت بسیار بالای گردشگران از مریوان و مسافرت به آن است. اما در مورد اینکه گردشگران پاسخگو تا چه حد ممکن است که دوباره به مریوان سفر کنند، بیش از نیمی از پاسخگویان یعنی ۵۳ درصد اظهار کرده اند که بسیار زیاد و زیاد احتمال دارد که دوباره به مریوان سفر کنند و ۲۷.۵ درصد نیز این احتمال را متوسط و درصد بسیار کمی (۱۹.۵ درصد) گفته اند که بسیار کم و کم احتمال دارد که به مریوان سفر کنند. این نیز نشان دهنده رضایت بالای گردشگران از مریوان و تمایل به مسافرت مجدد به مریوان است. در کل می توان گفت که ارزیابی کلی گردشگران در این قسمت نسبتاً بالا بوده و رضایت زیادی داشته اند.

۱۱-۶- همبستگی بین رضایت گردشگران و امکانات و تسهیلات شهری: در این قسمت همبستگی میان رضایت گردشگران با امکانات اقامتی گرفته شد در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی رضایت گردشگران با امکانات و تسهیلات شهری در روش پیرسون (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی رضایت گردشگران با امکانات و تسهیلات شهری
۰.۰۱	۰.۷۳۰

بر اساس این جدول، ضریب همبستگی پیرسون، ۰.۷۳۰ بدست آمد. یعنی اینکه همبستگی میان رضایت گردشگران با امکانات اقامتی وجود دارد و از نوع مثبت و مستقیم است. یعنی هر چه میزان رضایت از امکانات اقامتی بالاتر رود و امکانات اقامتی بهتر باشد، رضایت گردشگران نیز بالاتر می رود. همچنین از آنجایی که Sig کمتر از ۰.۵ می باشد، لذا قابلیت تعمیم وجود دارد.

۱۲-۶- همبستگی بین رضایت گردشگران و امنیت اجتماعی: ضریب همبستگی بین رضایت گردشگران و امنیت

اجتماعی در روش پیرسون گرفته شد و در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی رضایت گردشگران با امنیت اجتماعی در روش پیرسون (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

ضریب همبستگی رضایت گردشگران با امنیت اجتماعی	سطح معناداری (Sig)
۰.۷۷۲	۰.۰۳

بر اساس این جدول، ضریب همبستگی پیرسون، ۰.۷۷۲ بدست آمد. یعنی اینکه همبستگی میان رضایت گردشگران با امنیت اجتماعی وجود دارد و از نوع مثبت و مستقیم است. یعنی هر چه میزان امنیت بالا رود، رضایت گردشگران نیز بالاتر می رود. همچنین از آنجایی که sig کمتر از ۰.۵ می باشد، لذا قابلیت تعمیم وجود دارد.

۷- نتیجه گیری

شهرستان مریوان، یکی از مناطق گردشگری کشور است که دارای جاذبه های گردشگری طبیعی و فرهنگی و تجاری زیادی است که هر ساله گردشگران بسیار زیادی را از سراسر کشور به سوی خود جذب می کند. شهرستان مریوان از نظر طبیعی دارای جاذبه های زیادی از جمله دریاچه زریبار که بزرگترین تالاب آب شیرین دنیاست، جنگل های پرپشت و طبیعت بکر و بسیار زیبا و ... از لحاظ فرهنگی به علت داشتن فرهنگ و قومیت خاص (کرد) دارای جذابیت های زیادی از لحاظ لباس، آداب و رسوم، زبان، مهمان نوازی و ... و از نظر تجاری نیز به علت نزدیکی به مرز عراق و ورود کالاهای مختلف با قیمت مناسب، دارای بازارهای زیادی می باشد. این عوامل تاثیرات بسیار زیادی در جذب گردشگران دارد. اما بررسی میزان رضایت گردشگران از امکانات و عوامل مختلف در یافتن عواملی که در جذب گردشگر تاثیرگذار است از فاکتورهای بسیار مهم در افزایش تعداد گردشگران و جذب درآمد بیشتر و در نهایت توسعه منطقه است. در این تحقیق رضایت گردشگران را از امکانات مختلف شهری و امنیت اجتماعی در شهر مریوان و نیز میزان رضایت کلی گردشگران مورد ارزیابی قرار گرفت که در نهایت نتایجی به این ترتیب حاصل شد؛ در رابطه با نظر گردشگران در مورد وضعیت خدمات و امکانات مختلف شهری مریوان، در کل می توان گفت که به جز وضعیت آسفالت خیابان ها و معابر، زیباسازی شهر و سرویس های بهداشتی، که گردشگران رضایت چندانی از آن نداشته اند، در سایر امکانات و خدمات، میزان رضایت گردشگران نسبتاً بالا بوده و راضی بوده اند. گردشگران در ارتباط با بروز مسایل اجتماعی در زمان اقامت در مریوان، احساس رضایت بسیار بالایی می کنند و این مسایل بسیار کم و حتی احتمال بروز آنها نزدیک صفر است. لذا شهرستان مریوان از این نظر در سطح بالایی قرار داشته و توانایی جذب گردشگر بالاتر را در صورت تقویت این توانایی ها را دارا می باشد. در مورد رابطه میان رضایت گردشگران و امکانات و تسهیلات شهری، پس از انجام آزمون همبستگی پیرسون میان این دو، ضریب همبستگی پیرسون، ۰.۷۳۰ بدست آمد و نشانگر وجود همبستگی مثبت و مستقیم میان رضایت گردشگران با امکانات و تسهیلات شهری است. یعنی هر چه میزان رضایت از این امکانات بالاتر رود، رضایت گردشگران نیز بالاتر می رود. اما در مورد همبستگی بین رضایت گردشگران و امنیت اجتماعی، آزمون همبستگی پیرسون بین رضایت گردشگران و امنیت اجتماعی در روش پیرسون گرفته شد و ۰.۷۷۲ بدست آمد. یعنی اینکه همبستگی میان رضایت گردشگران با امنیت اجتماعی وجود دارد و از نوع مثبت و مستقیم است. و به این معنی است هر چه میزان امنیت بالاتر رود، رضایت گردشگران نیز بالاتر می رود. همچنین در مورد ارزیابی کلی گردشگران از میزان رضایت از مریوان، می توان گفت که این ارزیابی گردشگران، نسبتاً بالا بوده و رضایت زیادی داشته اند. در آزمون فرضیه اول نتایج پرسشنامه های تکمیل شده توسط پاسخگویان و نیز بررسی های میدانی و انجام محاسبات لازم در مورد امکانات و تسهیلات شهری مختلف؛ می توان گفت که به جز وضعیت آسفالت خیابان ها و معابر، زیباسازی شهر و سرویس های بهداشتی، که گردشگران رضایت چندانی از آن نداشته اند، در سایر امکانات و خدمات شهری، میزان رضایت گردشگران نسبتاً بالا بوده و راضی بوده اند. همچنین در مورد رابطه میان رضایت گردشگران و امکانات و تسهیلات اقامتی، پس از انجام آزمون همبستگی پیرسون میان این دو، ضریب همبستگی پیرسون، ۰.۶۳۰ بدست آمد و نشانگر وجود همبستگی مثبت و مستقیم میان رضایت گردشگران با امکانات اقامتی است. یعنی هر چه میزان رضایت از امکانات اقامتی بالاتر رود و امکانات اقامتی بهتر باشد، رضایت

گردشگران نیز بالاتر می رود. در نتیجه فرضیه اول مبنی بر وجود رابطه میان رضایت گردشگران و امکانات و تسهیلات اقامتی تایید می شود.

در آزمون فرضیه دوم، نتایج پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط پاسخگویان و نیز بررسی‌های میدانی و انجام محاسبات لازم در مورد بروز مسایل اجتماعی در زمان اقامت، به طور کلی نتیجه این حاصل شد که گردشگران در زمینه احتمال بروز مسایل اجتماعی برای آنان در مریوان، احساس رضایت بسیار بالایی می کنند و این مسایل بسیار کم و حتی احتمال بروز آنها نزدیک صفر است. لذا شهرستان مریوان از این نظر در سطح بالایی قرار داشته و توانایی جذب گردشگر بالاتر را در صورت تقویت این توانایی ها را دارا می باشد. اما در مورد وجود یا عدم وجود همبستگی بین رضایت گردشگران و امنیت اجتماعی، آزمون همبستگی پیرسون بین رضایت گردشگران و امنیت اجتماعی در روش پیرسون گرفته شد و ۰.۵۷۲ بدست آمد. یعنی اینکه همبستگی میان رضایت گردشگران با امنیت اجتماعی وجود دارد و از نوع مثبت و مستقیم است. و به این معنی است هر چه میزان امنیت بالاتر رود، رضایت گردشگران نیز بالاتر می رود؛ لذا فرضیه دوم مبنی بر وجود رابطه بین رضایت گردشگران و امنیت اجتماعی، نیز تایید می شود.

۸- پیشنهادات

- ۱) نهایت، پیشنهاداتی جهت بهبود وضع موجود و گسترش و توسعه گردشگری شهرستان مریوان به این شرح ارائه می شود:
- ۱) شناخت و تثبیت گردشگری به عنوان یک حرکت مؤثر در تعاملات فرهنگی و یک صنعت مهم سودآور برای توسعه اقتصادی در سطح ملی و منطقه مورد مطالعه.
- ۲) تشویق بخش خصوصی برای مشارکت و سرمایه گذاری در گردشگری شهرستان و تأمین امنیت برای سرمایه گذاری ها در این منطقه مرزی از طریق بیمه سرمایه ها و ...
- ۳) افزایش اطلاع رسانی در مورد مریوان و جاذبه های گردشگری آن از طرق مختلف مانند تهیه فیلم های فرهنگی از منطقه و جاذبه های آن و ...
- ۴) ارائه تسهیلات لازم از طرف بانک ها و موسسات مالی برای ایجاد تأسیسات اقامتی و گردشگری در نقاط مختلف مریوان برای افزایش جذب گردشگر و جلب رضایت آنان.
- ۵) سازماندهی و اصلاح شبکه های ارتباطی و راه های موجود در شهرستان مریوان و ایجاد و افزایش راه های ارتباطی منتهی به جاذبه های گردشگری شهرستان و نیز اصلاح معابر و خیابان های داخل شهر با توجه رضایت پایین گردشگران از راه ها و معابر.
- ۶) اطلاع رسانی مناسب و نیز آموزش مردم مریوان از طریق رسانه های جمعی جهت آگاه کردن آنان از اثرات مثبت گردشگری بر توسعه منطقه جهت برخورد درست و مناسب با گردشگران و حفظ جاذبه های گردشگری منطقه.

۹- منابع و مأخذ

- ۱) پاپلی یزدی، محمد حسن و سقایی، مهدی (۱۳۸۵)؛ گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، نشر سمت.
- ۲) خیاط زاده ماهانی، اکرم (۱۳۸۲)؛ رضایت مشتری، ماهنامه بازاریابی، سازمان مدیریت صنعتی، شماره ۴۱.
- ۳) دیبایی، پرویز (۱۳۷۱)؛ شناخت جهانگردی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۴) راه چمنی، احمد (۱۳۸۳)؛ بررسی وضعیت بازاریابی توریسم و ارتقای آن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق تهران.
- ۵) رسول اف، جلال، و یوسفی، منصور، و رشیدی، داریوش (۱۳۸۰)؛ شناسایی سطوح نیازها و عوامل مؤثر بر رضایت مشتریان، فصلنامه کشاورزی، شماره اول (دوره جدید)، صص ۴ تا ۷.

- ۶) رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۷)؛ توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷) رضوی فر، جعفر، و خیاط مقدم، سعید (۱۳۸۰)، مدیریت و صنعت گردشگری، انتشارات محقق.
- ۸) رخس ماه، رضا (۱۳۹۱)؛ بازار یابی مقاصد و مدل های استراتژیک رقابتی مقصد؛ www.rakhsh.blogfa.com
- ۹) زاهدی، شمس السادات (۱۳۷۷)؛ تحلیلی بر تبعات توسعه جهانگردی، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۲۰، صص ۴۳-۵۳.
- ۱۰) فنی، زهره. برغمندی، مجتبی. اسکندرپور، مجید. و سلیمانی، منصور (۱۳۹۱). فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال هفتم، شماره ۲۰، صص ۳۱-۴۸.
- ۱۱) سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان (۱۳۸۸)؛ گزارش معرفی غار باستانی کرفتو و قلعه تاریخی زیویه.
- ۱۲) سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران.
- ۱۳) شعاعی، محمد علی (۱۳۷۲)؛ آشنایی با مفاهیم فرهنگ و روابط فرهنگی، نشر مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی.
- ۱۴) طالقانی، محمد. و فتاحی، سارا (مرداد و شهریور ۱۳۸۴)؛ کیفیت خدمات گردشگری و اهمیت آن در جلب رضایت گردشگر، دو ماهنامه مدیریت، شماره ۹۹-۱۰۰.
- ۱۵) کاتلر، فلیپ، و آرمسترانگ، گری (۱۳۷۶)؛ اصول بازاریابی، ترجمه بهمن فروزنده، نشر آتروپات کتاب.
- ۱۶) ملک اخلاق، اسماعیل (۱۳۸۲)؛ طراحی الگوی سیاستگذاری در بازاریابی صنعت جهانگردی ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۷) مروتی شریف آبادی، علی، و فاطمه عزیزی، زینت جمشیدی (۱۳۹۵)؛ تحلیل عوامل مؤثر بر رضایت گردشگران داخلی استان یزد با استفاده از مدل دیمتل فازی، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۱۱، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۵، صص ۸۵-۱۰۴.
- ۱۸) مهرانی، هرمز (۱۳۷۴)؛ تاثیر بازاریابی بر جذب جهانگردی بیشتر از کشورهای جنوب خلیج فارس به ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۹) Ali, J. A. and M. Howaidee (۲۰۱۲). The impact of service quality on tourism satisfaction in Jerash, *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in business*, Vol. ۳, No. ۱۲, pp. ۱۶۴-۱۸۷.
- ۲۰) Burkayt A .j. and Medilk S . ۱۹۷۵ The Management of Tourism London: Hinemann p۱۳۴ .
- ۲۱) Gilmore, J. H. (۲۰۰۲). "Differencing Hospitality Cooperation's via. Experiences". *Cornell Hotel and Restaurant: Quarterly*. ۴۳ (۳):PP. ۸۷-۹۲.
- ۲۲) Thomas Rhodri and Huw Thomas. (۲۰۰۶). "Micro Politics and Micro Firms". *Journal of Small Business and Enterprise Development*. ۱۳(۱):PP. ۱۰۰-۱۰۶.
- ۲۳) Tosum, C. and L. Jenkins. (۱۹۹۶). "Regional Planning Approach to Tourism Development: The Case of Turkey". *Journal of Tourism Management*. ۱۷ (۷):PP. ۱۱۲-۱۱۹.
- ۲۴) Zehrer, Anita. (۲۰۰۹). "Service Experience and Service Design". *Managing Service Quality*. ۱۹ (۳):PP. ۳۳۲- ۳۳۹.

کارل اشمیت و مسئله مرز در جغرافیای سیاسی

دکتر مرتضی قورچی^{۱*}، سپیده السادات موسویان^۲

۱- عضو هیئت علمی دپارتمان جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی فضایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

* نویسنده مسئول: m_ghourchi@sbu.ac.ir

چکیده

طرح مسئله: کارل اشمیت، یکی از اندیشمندان بزرگ جهانی است که نظریات آن در قرن بیستم بر افکار و اندیشه‌های کسانی چون هانا آرنت، یورگن هابرماس و جورجیو آگامبن در حوزه فلسفه و اندیشه سیاسی تأثیرگذار بوده و از سوی دیگر در جغرافیای سیاسی نیز کسانی چون کلودیو مینکا، آنا جی سکور نیز در نوشته‌های خود به ویژه در نقد نئولیبرالیسم از مباحث اشمیت استفاده کرده‌اند. نئولیبرالیسم اساساً چارچوب تفکری است که اعتقاد راسخ به کوچک‌سازی دولت و نیروهای بازار برای تنظیم مناسبات اجتماعی و مدیریت سرزمین دارد. با شکل‌گیری جهانی شدن معاصر در اواخر قرن بیستم و گسترش نظام اقتصاد شبکه‌ای با تکیه بر تکنولوژی اطلاعات، فرآیندهای تولید و مصرف جهانی تکه پاره شد و در نتیجه تولید با برون‌سپاری و دورسپاری در وضعیتی قرار گرفت که سرتاسر مکان‌های جغرافیایی را با توجه به مزیت‌های نسبی اقتصاد، به کنترل خود درآورد و در نهایت صاحبان سرمایه به انباشت سرمایه عظیمی دست یافتند. این وضعیت امروزه سبب شده است که شکاف‌های اجتماعی در درون کشورها و همین‌طور در مقیاس جهانی افزایش یابد. افزایش شکاف‌های موجود در لایه‌های اجتماعی خود سبب‌ساز بحران‌های درونی کشورها شده است و از طرفی بسیاری از کشورها را درگیر مطالبات و اعتراض‌های گسترده اجتماعی کرده است.

روش پژوهش: روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی می‌باشد و اطلاعات در قالب مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

نتیجه‌گیری: احزاب سیاسی و همین‌طور سیاست‌مداران متمایل به اندیشه‌های پوپولیستی با استفاده از امر سیاسی و برجسته‌سازی ما و دیگری و یا دوست و دشمن سعی دارند که دیگری‌ها را مقصر مشکلات اقتصادی و اجتماعی درون کشورها جلوه دهند و با تشدید موانع و کنترل‌های مرزی تلاش دارند تا مانع از ورود دیگری‌ها به قلمروهای سرزمینی درون کشور شوند. در چنین وضعیتی مرزها به جای اینکه در اثر جهانی شدن معاصر تضعیف شوند، کارکرد جداسازی و متمایز ساختن سرزمین از دیگران را بیش از گذشته پیدا کرده‌اند.

واژگان کلیدی: کارل اشمیت، جهانی شدن معاصر، نئولیبرالیسم، جغرافیای سیاسی مرز

۱- مقدمه:

کارل اشمیت^{۱۰۱} حقوق دان و نظریه پرداز سیاسی قرن بیستم، که سخت منتقد لیبرال دموکراسی بود در آلمان شکست خورده و فروپاشیده بعد از جنگ جهانی اول، دوران جوانی خود را سپری می کرد و با وضعیت بهم ریخته و به نوعی قروپاشی شده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آلمان مواجه بود که در شکل گیری افکار او تأثیر بسزایی داشت (Bendersky ۱۹۸۳). آلمان بعد از جنگ جهانی دوم با ابر تورم، ویرانی، دولت ضعیف و سست بنیان مواجه بود که عملاً زندگی را برای مردم این کشور سخت و دشوار کرده بود (Balakrishnan, ۲۰۰۰).

کارل اشمیت در چنین فضایی می زیست و سخت به دنبال نقد تفکرات و اندیشه های لیبرال دموکراسی و اثرات مخرب آن بر دولت بود. اشمیت با نوشتن کتاب مفهوم امر سیاسی^{۱۰۲} و همین طور کتاب رمانتیسم سیاسی^{۱۰۳} و الهیات سیاسی^{۱۰۴} بعد سال ۱۹۳۳ جذب حزب نازی آلمان شد و به سرعت توانست اعتماد حزب ناسیونال سوسیالیست را کسب نماید به طوری که در سال ۱۹۳۶ توانست قاضی القضاات آلمان شود (Mehring, ۲۰۰۹).

شکل ۱: کارل اشمیت



اشمیت بعد از مدتی در اختلاف با همکاران دانشگاهی وابسته به حزب نازی از سمت خود کناره گیری کرد و بعد از جنگ جهانی دوم نیز در دادگاه نورنبرگ محاکمه و تبرئه شد و تا آخر عمر نیز که در سال ۱۹۸۵ درگذشت، در انزوا می زیست (Dyzenhaus, ۱۹۹۷). اما آنچه که باعث شد تا کارل اشمیت نیمه دوم و اوایل قرن بیست و یکم مجدداً برجسته شود و در آثار اندیشمندان بزرگی هم چون هانا آرنت و جورج آگامبن مورد بحث قرار گیرد، اساساً وضعیت سرمایه داری معاصر و یا نئولیبرالیسم که بحران های اجتماعی و سیاسی گسترده ای را در جامعه جهانی خلق کرده است.

^{۱۰۱} Carl Schmitt

^{۱۰۲} The Concept of The Political

^{۱۰۳} Political Romanticism

^{۱۰۴} Political Theology

از همین جنبه است که جغرافیدانان سیاسی برجسته‌ای چون کلودیو مینکا^{۱۰۵} و آنا جی سکور^{۱۰۶} قرائت مجددی بر آثار کارل اشمیت داشته‌اند و از مفاهیم آن در جهت خلق جغرافیاهای سیاسی نوین و به ویژه ژئوپلیتیک^{۱۰۷} استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال برخی از اندیشمندان که در اواخر قرن بیستم بسیار خوش‌بین به تحولات جهانی شدن بودند، اعتقاد راسخ داشتند که مرزها به مرور در فضای جهانی شدن کارکرد خود را از دست خواهند داد و کمرنگ خواهند شد (Michael J Greig, ۲۰۰۱). با این وجود امروزه شاهد هستیم که نه تنها مرزها نقش و کارکرد خود را از دست نداده‌اند. بلکه در متن فضای جهانی شده، بیش از گذشته برجستگی و اهمیت خود را کسب کرده‌اند.

۲- طرح مسئله

امروزه در اخبار و رسانه‌های اجتماعی به فور از بستن مرزها و همچنین تشدیدکنترل‌های مرزی صحبت می‌شود. مباحثی چون؛ کشمکش‌های مرزی در طول مرزهای میان کشورها، افزایش کنترل‌های مرزی و در نهایت بستن مرزها همواره جزء مباحث روزمره‌ای است که بدون هیچ تعجبی از رسانه‌ها می‌شنویم و از کنار آن‌ها می‌گذریم.

در اواخر قرن بیستم اندیشمندان متعددی هم‌چون اوبرایان^{۱۰۸} (۱۹۹۲)، رابرتسون^{۱۰۹} (۱۹۹۳) و مایکل جی گریج^{۱۱۰} (۲۰۰۱) بر این موضوع در یافته‌های علمی خود، تأکید می‌کردند که با بسط و گسترش جهانی شدن معاصر، جغرافیا و اهمیت مرزها پایان خواهد یافت و بشر در کانون فضای جریان‌ها به دور از محدودیت‌های فضای مکان‌ها به مبادلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود خواهد پرداخت (P.J. Taylor, M. Hoyler, D.R.F. Walker and M.J. Szegner).

علاوه بر این راجر بل و همکاران (۱۹۹۶) بر این نکته تأکید می‌کنند که جهانی شدن با تکیه بر توانایی مرزگشایی، که از طریق صنعت ماهواره و ارتباطات هم‌زمان به دست آمده است، توانایی تضعیف اقتدارهای ملی و محلی را پیدا کرده است. از این منظر، این تضعیف اقتدارهای ملی منجر به جایگزینی اقتدارهای جدیدی می‌شود که سلطه گسترده‌تری را به دنبال می‌آورد (سعید رضا عاملی ۱۳۸۸، ۴۶). هم‌چنین آنتونی جی مک گرو تأکید می‌کند که جهانی شدن سبب شده جوامع مدرن در برابر نیروهای فراملی فوق‌العاده نفوذپذیر باشند و باز مک گرو چنین استدلال می‌کند که جریان‌های عظیم انتقال کالا، اندیشه، دانش، جمعیت، سرمایه، خدمات، جرم و جنایت، ارزش‌ها، مدها، جنبش‌های اجتماعی به شمار می‌آیند که مرزهای ملی را درنوردیده‌اند و یا مرزها را نادیده گرفته‌اند (همان، ۱۳۸۸، ۲۷۱) و یا این‌که در جایی دیگر در مقاله جهانی شدن و فرهنگ عامه، جان استوری (۲۰۰۷) چنین بیان می‌کند که جهانی شدن عبارت است از استقرار اقتصاد سرمایه‌داری در مقیاسی جهانی. در چنین نظام اقتصادی، شرکت‌های فراملی که همه‌جا حضور دارند و در عین حال گویی هیچ‌جا نیستند، در بازاری جهانی فعالیت می‌کنند و لذا مرزهای ملی هر روز کم اهمیت‌تر می‌شوند (همان ۱۳۸۸، ۳۰۱) که همه ما می‌دانیم چنین نشد! بعد از ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱، مرزها دوباره در کانون توجهات دولت - ملت‌ها قرار گرفتند و موضوع تروریسم با کنترل‌های شدید مرزی در هم تنیده شد. با بحران مالی سال ۲۰۰۸ و همین‌طور منازعات ژئوپلیتیکی شمال آفریقا، سیل مهاجرت از آفریقا و کشورهایمانند لیبی در اشکالی از قاچاق انسان به سوی اروپا باعث گشت‌های مرزی دریایی و کنترل سفت و سخت مرزهای اتحادیه اروپا در کانون توجه رسانه‌ها قرار گرفت.

در آمریکای شمالی نیز مهاجرین آمریکای لاتین و در نهایت مکزیکی تبارها به سوی ایالات متحده مسئله مرز و کنترل‌های مرزی را در مرکز مباحث سیاسی آمریکا قرار دادند. در این میان با توجه به این تحولات، موضوع مرز بار دیگر در کانون مباحث علمی و آکادمیک جهان به ویژه در رشته جغرافیای سیاسی قرار گرفت. جغرافیدانان سیاسی چپ که همواره در نقد

^{۱۰۵} Claudio Minca

^{۱۰۶} Anna J Secor

^{۱۰۷} Geo-Politics

^{۱۰۸} O' Brien

^{۱۰۹} Rabertson

^{۱۱۰} Michael J Greig

نئولیبرالیسم پیشرو بودند، توجه خود را معطوف به مباحث مرز ساختند تا نشان دهند چگونه اقتصاد سیاسی می‌تواند منازعات ژئوپلیتیکی و درگیری‌های منطقه‌ای را شکل دهد و مهاجرین را به عنوان عاملی جهت نگرانی و تهدید امنیت برای کشورهای توسعه یافته به شمار آوردند.

این دسته از جغرافی دانان در مباحث علمی خود متوجه بحث امرسیاسی کارل اشمیت شدند که با متمایز ساختن "ما" و "دیگری" یا به عبارتی "دوست" و "دشمن" نقش متمایزکنندگی مرز را در چارچوب نئولیبرالیسم و "امر سیاسی" می‌توان تحلیل کرد. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که به چه دلیل کشورها، مرز و کنترل‌های مرزی را در قرن بیست و یکم و در عصر جهانی شدن معاصر، بار دیگر در رأس گفتمان سیاسی خود، در مقوله کشورداری قرار داده‌اند؟

۳- یافته‌های پژوهش

نئولیبرالیسم همواره بر کوچک شدن و کاهش مسئولیت‌های دولت تأکید دارد. نئولیبرالیسم اساساً چارچوب تفکری است که اعتقاد دارد با مداخله حداقلی دولت، نیروهای بازار می‌توانند مناسبات اقتصادی و اجتماعی انسان‌ها را تنظیم سازد و در نهایت این امر می‌تواند رقابت کامل و حداکثری را شکل داده و مانع از بی‌عدالتی اجتماعی شود. نئولیبرالیسم نه تنها حوزه اقتصادی یک کشور را به دست نیروهای بازار می‌دهد بلکه به مرور مناسبات اجتماعی را نیز درگیر فرآیندهای بازار می‌کند.

علاوه بر این در یک سیستم سیاسی نئولیبرال، این اقتصاد است که بیش از گذشته از شبکه‌های تکنولوژی اطلاعات بهره می‌برد و برای به حداکثر رساندن سود و ارزش افزوده، سراسر فضای‌های جغرافیایی را در مقیاس جهانی مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد. دیوید هاروی معتقد است نئولیبرالیسم در وهله‌ی نخست نظریه‌ای در باب شیوه‌های رایج در اقتصاد سیاسی است که براساس آن‌ها با گشودن راه برای تحقق آزادی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چارچوبی نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد. نقش دولت ایجاد و حفظ یک چارچوب نهادی مناسب برای عملکرد آن شیوه‌ها است (هاروی، ۱۳۸۶، ۹).

بعد از دهه ۱۹۷۰ و به دنبال تحول در نظام اقتصادی فوردی - کینزی، شکل جدیدی از شیوه تولید به وجود آمد که درحقیقت منطبق با سیاست‌های نئولیبرال تاچر و رونالد ریگان در ایالات متحده بود (همان، ۱۸). اقتصاد پست فوردیسم که اساس و بنیان آن بر انعطاف‌پذیری قرار گرفته است با تکیه بر تکنولوژی اطلاعات و تکه پاره کردن فرآیند تولید، از روش برون‌سپاری^{۱۱۱} و دورسپاری^{۱۱۲} استفاده کرده و کل فضای جغرافیایی را در کانون فرآیند تولید و مصرف قرار داده است. در این شیوه تولید، شرکت‌ها به صورت شبکه‌ای، مکان‌های جغرافیایی را به یک گره^{۱۱۳} اصلی متصل می‌کنند. در نتیجه ما در حال تجربه کردن جهانی هستیم که اساس آن بر روی شبکه‌ها و گره‌ها قرار گرفته است (قورچی، ۱۳۹۴، ۱۴-۱۱).

شرکت‌ها با چند پاره کردن فرآیند تولید و ارسال آن به نقاطی که از مزیت اقتصادی نیروی کار بهره‌مند هستند، عملاً باعث بحران کار و بیکاری نیروی کار در کشورهای توسعه‌یافته می‌شوند. به عنوان مثال دیوید هاروی همواره تأکید دارد که کارخانه‌های خودروسازی دیترویت با برون‌سپاری و یا دورسپاری به سایر مناطق جهان، دیترویت را به شهر ارواح تبدیل کرده است و باعث کشمکش‌های اجتماعی و نزاع‌های گروه‌های تبهکار شده است. کیفیت زندگی در این شهر به طور چشم‌گیری تنزل یافته و در نهایت ناامنی و جرم و جنایت گسترش یافته است. در واقع شرکت‌ها با اقتصاد شبکه‌ای خود به نابرابری جهانی و تشدید مهاجرت‌ها نیز کمک کرده‌اند. زمانی که بخشی از فرآیند تولید به مکان جغرافیایی خاصی برون‌سپاری و یا دورسپاری می‌شود، آن مکان جغرافیایی به مرور با رونق اقتصادی مواجه شده و در نتیجه هم‌چون یک نیروی جاذب جمعیت عمل می‌کند. اینجاست که تقاضا برای مهاجرت و رسیدن به آن مکان جغرافیایی افزایش می‌یابد (هاروی، ۱۳۹۳). بنابراین مکان-

^{۱۱۱} Outsourcing

^{۱۱۲} Offshoring

^{۱۱۳} Node

های پررونق اقتصادی با سیل مهاجرین جویای کار مواجه می‌شوند که این خود شروع اولیه بحران و در نتیجه بعد از مدتی افزایش کنترل‌های مرزی را سبب می‌شود.

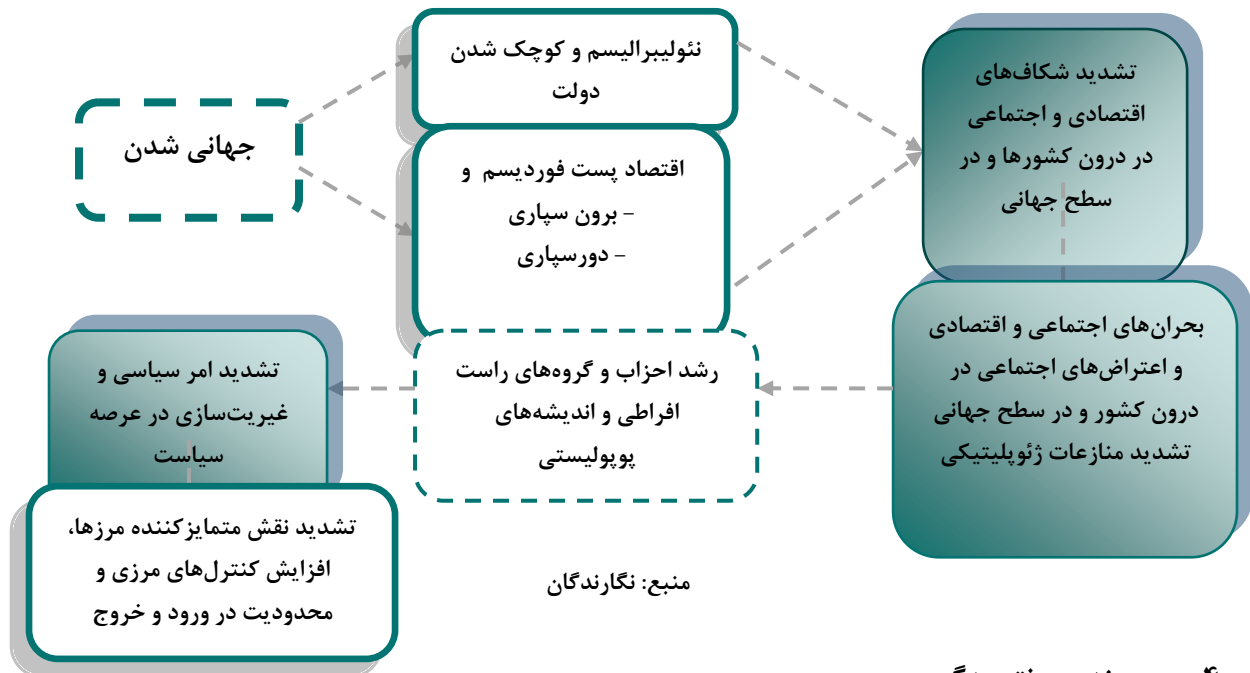
از سوی دیگر اقتصاد شبکه‌ای بر بنیاد برون‌سپاری و دورسپاری، باعث تغییرات در لایه‌های اجتماعی کشورهای توسعه‌یافته نیز می‌شود، درحقیقت بخشی از نیروی کار در کشورهای توسعه‌یافته در وضعیت بیکاری گسترده قرار می‌گیرند که غالباً در سال‌های اخیر اعتراضات اجتماعی را در شهرهای این کشورها رقم زده‌اند. این درحالیست که با به حداکثر رسیدن ارزش اضافی و انباشت سرمایه در بنگاه‌های مالی کشورهای توسعه‌یافته، شکاف‌های اجتماعی و اختلاف سطح زندگی روز به روز افزایش می‌یابد. در این وضعیت عموم سیاستمداران در کشورهای توسعه‌یافته به ویژه آن‌هایی که گرایش‌های پوپولیستی و جریان‌های راست افراطی را نمایندگی می‌کنند، با استفاده از مقوله "امر سیاسی" عموماً مهاجرین و پناهندگان را به عنوان "دیگری" برجسته می‌سازند و به جای پرداختن ریشه‌ای به مشکلات اقتصادی سیاسی، سعی می‌کنند عامل اصلی مشکلات اقتصادی و نارضایتی اجتماعی را طوری به تصویر بکشند که آن "دیگری‌ها" هستند که این وضعیت اسفناک را به وجود آورده‌اند.

از این جنبه است که نظریه مفهوم امرسیاسی اشمیت، یک بار دیگر در قرن بیست و یکم برای سرپوش گذاشتن بر تناقض‌های درونی نئولیبرالیسم، مورد توجه سیاستمداران قرار گرفته است. هنگامی که امر سیاسی یعنی خط تمایز "دوست" و "دشمن" بر اداره امور کشور پر رنگ می‌شود، مرزها نیز بر همین اساس نقش متمایزکنندگی و جداکنندگی خود را بازی می‌یابند. مرزها خطوط تمایزی هستند که "دیگری‌ها" را در چارچوب امرسیاسی مشخص تفکیک می‌نمایند و آن‌ها را چنان به تصویر می‌کشند که نشان دهنده موجوداتی اهریمنی و شر در پشت خطوط مرزی هستند.

بنابراین اغماض و سهل‌انگاری نسبت به آن‌ها منجر به صدمه زدن به ساکنین درون مرز خواهد شد. امر سیاسی در وضعیت نئولیبرالیسم، "دیگری‌ها" را چنین به نمایش می‌گذارد که آن‌ها با گذشتن و عبور از مرز، زندگی را بر ساکنان درون مرزها سخت‌تر خواهند کرد و سبب آسیب‌های اجتماعی خواهند شد. بنابراین افراد قدرتمند و یا احزاب ملی‌گرای افراطی هنگامی که در رأس نهادهای قدرت قرار می‌گیرند، در گفتمان سیاسی خود از توزیع عادلانه ثروت و یا افزایش مالیات‌ها برای لایه‌های اجتماعی ثروتمند، کمتر صحبت و برنامه‌ریزی می‌کنند، اما در امر سیاسی خود همواره "دیگری‌ها" را مسبب وضعیت آشفته کشور جلوه می‌دهند.

هنگامی که بحران‌های اجتماعی به واسطه سیاست‌های نئولیبرال در جامعه جدی می‌شود، استفاده از امرسیاسی به وسیله جریان‌های راست افراطی است که با "دیگری‌سازی"، اذهان عموم مردم را به خارج از مرزها سوق می‌دهد. یعنی مناطقی از جهان که "دیگری‌ها" در آن زندگی می‌کنند و هر لحظه ممکن است آن‌ها از مرزها عبور کنند و آرامش و امنیت را برهم بزنند (Melinda Cooper, ۲۰۰۴, ۵۱۵-۵۳۳). از این جهت جهانی شدن و نئولیبرالیسم خود به نوعی بازتولیدکننده شرایط امرسیاسی به وسیله گروه‌ها و یا احزاب افراطی هستند و در عینیت جغرافیای سیاسی باعث برجسته شدن نقش متمایزکنندگی مرزها در کشورهایی با ساختار مدیریت نئولیبرال می‌شوند.

جدول ۱: تأثیر جهانی شدن بر امر سیاسی و تشدید نقش جدا کننده مرزها



۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جهانی شدن معاصر در قبل از شیوع بیماری کووید ۱۹ سراسر جهان را به وسیله شبکه‌های ارتباطی و کمک به گسترش الگوی نئولیبرال به عنوان تنها راه زندگی در جهان امروز، درنور دیده بود. اقتصاد پست فوردیسم و انعطاف‌پذیری آن در ارتباط با تکه‌پاره کردن فرآیند تولید و برون‌سپاری آن بر اساس تکنولوژی اطلاعات و جامعه شبکه‌ای که به دنبال مزیت نسبی مکان است نابرابری‌های گسترده‌ای را در مقیاس جهانی شکل داده است. امروزه کمتر کشوری است که از الگوی سیاست‌های نئولیبرال حمایت و پیروی نکند.

این الگو درحقیقت منجر به افزایش سرسام‌آور انباشت سرمایه و ثروت طبقات اجتماعی بالای کشورها شده است و نابرابری را هم در سطح جهانی، منطقه‌ای و درون کشورها افزایش داده است. طبقات متوسط در اغلب کشورها در تنگنا و فشار اقتصادی قرار گرفته‌اند. اکثر جوامع دنبال کننده سیاست‌های نئولیبرال با جنبش‌های اجتماعی اعتراض‌آمیز مواجه هستند که در بیشتر موارد با قوه قهریه سرکوب شده‌اند. در چنین جهانی با رشد ناگهانی جریان‌های افراطی و پوپولیستی مواجه هستیم که به جای پرداختن ریشه‌ای به مشکلات اقتصادی و توزیع درست ثروت، به صورت کاملاً آگاهانه از امرسیاسی و تمایز دوست و دشمن یا ما و دیگری استفاده کرده و در نتیجه دیگری‌ها را عامل اعتراضات اجتماعی و ناامنی جلوه می‌دهند. دیگری‌ها کسانی هستند که در پشت خطوط مرزی قرار گرفته‌اند و مترصد فرصت‌اند تا به درون رخنه کنند، بنابراین باید در گفتمان سیاسی این نوع از جریان‌های پوپولیستی، مرزها از اهمیت بسیار مهمی برخوردار گردند، چرا که باید مرزها را کنترل و حفظ و حراست کرد تا دیگری‌ها، نتوانند از آن به درون رخنه کنند.

بدین شکل این نوع خط‌مشی‌های سیاسی می‌تواند در کشورها به نوعی به کمک قوه قهریه درآمد تا به راحتی نهادهای قدرت بتوانند اعتراضات اجتماعی نسبت به وضع زندگی را سرکوب نمایند. بنابراین چنین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بسیار قوی میان امرسیاسی از جنبه‌ای که کارل اشمیت در کتاب مفهوم امر سیاسی به آن می‌پردازد، با نقش متمایزکنندگی و جداکنندگی مرز وجود دارد. در نهایت باید گفت کارل اشمیت در سال‌های اخیر، به علت استفاده گسترده سیاستمداران افراطی پوپولیستی از امر سیاسی در کانون توجه اندیشمندان قرار گرفته است و مسئله مرز نیز از همین جنبه در جغرافیای سیاسی برای جغرافی‌دانان اهمیت مضاعف پیدا کرده است.



منابع فارسی

۱. عاملی، سعیدرضا؛ جهانی شدن مجموعه مقالات، سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۸۸، تهران
۲. قورچی، مرتضی؛ شهرهای جهانی و نقش فراملی شهرها، ناشر، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۹۴
۳. هاروی، دیوید؛ معمای سرمایه و بحران های سرمایه داری؛ مترجم مجید امینی، نشر کلاغ، ۱۳۹۳
۴. هاروی، دیوید؛ نئولیبرالیسم، تاریخ مختصر، مترجمه محمود عبدالله زاده، نشر اختران، تهران، ۱۳۸۶

منابع لاتین

۱. Balakrishnan, G., ۲۰۰۰, *The Enemy. An Intellectual Portrait of Carl Schmitt*, London: Verso.
۲. Bendersky, J.W., ۱۹۸۳, *Carl Schmitt. Theorist for the Reich*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
۳. Cooper, Melinda, *Insecure Times, Tough Decisions: The Nomos of Neoliberalism*, Vol. ۲۹, No. ۵, *Governing Society Today* (Nov.-Dec. ۲۰۰۴), pp. ۵۱۵-۵۳۳ (۱۹ pages) Published By: Sage Publications, Inc.
۴. Dyzenhaus, D., ۱۹۹۷, *Legality and Legitimacy. Carl Schmitt, Hans Kelsen and Hermann Heller in Weimar*, Oxford: Oxford University Press
۵. Mehring, R., ۱۹۸۹, *Pathetisches Denken. Carl Schmitts Denkweg am Leitfaden Hegels: Katholische Grundstellung und antimarxistische Hegelstrategie*, Berlin: Duncker&Humblot.
۶. MICHAEL J GREIG, ۲۰۰۱: THE END OF GEOGRAPHY? GLOBALIZATION, COMMUNICATIONS, AND CULTURE IN THE INTERNATIONAL SYSTEM
۷. P.J. Taylor, M. Hoyler, D.R.F. Walker and M.J. Szegner, *A New Mapping of the World for the New Millennium*, published *The Geographical Journal* 2001, 167

تحلیل عوامل موثر بر مکان یابی پاسگاه های مرزی با استفاده از سیستم استنتاج فازی

(نمونه موری مناطق مرزی استان خراسان رضوی و افغانستان)

ملیحه اخباری^۱، سید هادی زرقانی^{۲*}، مسعود مینائی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی، مشهد

۲- دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی، مشهد

۳- استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی، مشهد

h.zarghani@um.ac.ir

چکیده

مقدمه: امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. تلاش همه حکومت‌ها این است تا حد امکان مرزهای آن‌ها جز در برخی گذرگاه‌های توافق شده و مجاز غیرقابل نفوذ باشد. عوامل متعددی بر امنیت مرزهای یک کشور تاثیر می‌گذارند، از مهم‌ترین عوامل موثر بر کارکرد امنیتی مرزها، طرح‌ها و سیاست‌هایی است که کشورها در مورد کنترل مطلوب و موثر مرزهای خود به کار می‌برند. در این بین، مکان‌گزینی دقیق پاسگاه‌ها و مراکز انتظامی مرزی یکی از مهمترین عوامل موثر در کنترل و مدیریت مطلوب مرز و استقرار امنیت در مرز و مناطق مرزی می‌باشد.

هدف و روش تحقیق: این پژوهش در صدد بررسی و تحلیل عوامل موثر بر مکان‌گزینی پاسگاه‌های مرزی با استفاده از نرم افزارهای سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی می‌باشد. جهت استخراج، بررسی و تحلیل اطلاعات مورد نیاز از تصاویر ماهواره لندست، سنجنده OLI در سال ۲۰۱۸، نرم افزار ENVI^۵،^۳ و فنون سنجش از دور و همچنین نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و سیستم استنتاج فازی و ahp استفاده شده است.

نتیجه گیری: در نهایت نقشه خروجی در سه کلاس کاربری‌های مناسب، متوسط و نامناسب طبقه بندی گردیده است. شایان ذکر است برای انجام تحلیل‌ها از ۱۳ معیار کاربری اراضی، شیب، حریم خط مرزی، حریم پاسگاه‌های موجود، حریم مناطق حفاظت شده، دسترسی به جاده‌ها، حریم شهر، حریم روستا، خطوط انتقال نیرو، پهنه‌های آبی، آبراهه‌ها، خط آهن و گسل استفاده گردیده است.

کلمات کلیدی: امنیت مرزی، پاسگاه، سنجش از دور، سیستم اطلاعات جغرافیایی، RS & GIS

۱) مقدمه و بیان مسئله:

نخستین شرط زندگی سالم اجتماعی، استقرار و برقراری امنیت در جامعه است و انسان ها همواره در تلاش برای تامین امنیت در زندگی خود هستند، به نحوی که پس از تشکیل جوامع انسانی یکی از انگیزه های مهم تشکیل حکومت ها تامین امنیت بوده است. با برقراری امنیت، اقتصاد شکوفا می شود و اجتماعات به سمت نظم و رفاه پیش می روند (کریمی و وفايي، ۱۳۹۲: ۹۹). تحلیل مفهوم و مصداق امنیت یا ناامنی در سطح سیستمی عمدتاً بر اساس عامل تهدید دنبال مطرح می گردد و تهدید عامل تعیین کننده ای در رفتار کشورهای مختلف در مسائل امنیتی محسوب می شود (پیشگاهی فرد، احمدی دهکا، ۱۳۸۹). یکی از شرایط و ضرورت های تامین امنیت در یک کشور تامین امنیت مرزهای بین المللی پیرامونی آن کشور است و هر مرز با توجه به ویژگی های خاص خود از قابلیت های مشخص و متمایزی از دیگر مرزها برای دفاع و تامین امنیت برخوردار است (عبادی نژاد، بهرام آبادی، ۱۳۹۵: ۶۴).

امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه های مجاز مرزی است (خطابی، ۱۳۷۴: ۸۵). در امنیت مرزی با اصطلاحات و مفاهیمی چون «صیانت» و «جلوگیری» روبرو هستیم، از این رو می توان گفت رابطه مستقیمی بین نفوذ پذیری مرز و امنیت مرز وجود دارد (زرقانی، ۱۳۹۵: ۴۴). تامین امنیت مرزها و مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط های گوناگون داخلی و خارجی از ویژگی های خاصی برخوردار است. وجود تماس ها، مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز بین کشورهای مجاور از سویی و آسیب پذیری و وجود تهدیدات مختلف در این مناطق از سوی دیگر اهمیت ویژه ای در فرآیند های برنامه ریزی های توسعه و امنیت و آمایش کشور به مناطق مرزی داده است (اخباری، ۱۳۸۰: ۶۹). در واقع مرزهای بین المللی، محل برخورد و منطقه تماس دو حکومت و حاکمیت مستقل هستند. از اینرو بر خلاف مناطق داخل کشور، امنیت مرز و مناطق مرزی هم وابسته به ویژگی های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... داخل کشور است و هم شرایط جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همسایه تاثیر مستقیمی بر استقرار امنیت در این مناطق دارد (زرقانی، ۱۳۹۸: ۶۹). از اینرو استقرار امنیت پایدار در مناطق مرزی، در مرحله اول مستلزم بررسی و تحلیل عوامل و زمینه های موثر بر امنیت مرز و مناطق مرزی می باشد. یکی از مهمترین عوامل موثر در مدیریت و کنترل بهینه مرزهای بین المللی، مکان گزینی دقیق و استقرار مناسب مراکز انتظامی و پاسگاه های مرزی می باشد. استفاده از دانش نظری و نرم افزارهای کاربردی چون سیستم اطلاعات جغرافیایی، می تواند تنوع در به کارگیری مواردی همچون کارتوگرافی، اخبار و اطلاعات، مدیریت و رهبری میدان نبرد، تجزیه و تحلیل صحنه عملیات، کنترل از راه دور داده ها و مشاهدات، برقراری در مدیریت عملیاتی، دیده بانی، هدایت نیروها، کنترل مرزها و خطوط مواصلاتی را در بر داشته باشد. در این بین، اطلاعات مکانی می تواند نقش اساسی در انتخاب مناسب ترین و مطلوب ترین مکان در استقرار یک موضع دفاعی و پدافندی داشته باشد. فرماندهان و طراحان نظامی با کمک این سامانه علاوه بر کسب اطلاعات بروز و کارآمد، عوارض سطح زمین در منطقه عملیات را به خوبی کنترل نمایند (ساتیانارایانا و توگندران، ۲۰۰۶ و حنفی و حاتمی، ۱۳۹۲: ۱۰۹). در مبحث مکان یابی پاسگاه ها و مراکز انتظامی هم با کمک فناوری سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS & RS) می توان تمام ویژگی ها و اطلاعات مورد نیاز در زمینه مکان یابی پاسگاه ها و محل استقرار و عملیات نیروهای نظامی را مورد واکاوی قرار داده و در نتیجه بهترین مکان ها جهت امور خاص نظامی را انتخاب نمود. چنانچه مکان یابی صحیح، اصولی و مبتنی بر استفاده مناسب از عوارض طبیعی و اشکال زمین انجام گیرد، هزینه های اجرایی سایر اصول را کاهش و کارآمدی آن ها را افزایش می دهد و نسبت به اصول دیگر مقدم تر است (مقیم و همکاران، ۱۳۹۱). به عبارتی مکان یابی درست و اصولی مناطق حساس نظامی و انتظامی، یکی از مهم ترین اقداماتی است که موجب کاهش قابل توجه هزینه های بعدی مرتبط با فعالیت ها و پیشامدهای مزبور به این مناطق خواهد شد و با افزایش قابلیت دفاعی و پدافندی این مناطق، ضریب امنیتی آن ها را افزایش می دهد (نصیری،

۱۳۸۸). این پژوهش در صدد بررسی و تحلیل عوامل و متغیرهای موثر بر مکان یابی پاسگاههای مرزی و تهیه نقشه های خروجی برای مکان های مناسب استقرار پاسگاههای مرزی می باشد. محدوده مورد مطالعه این پژوهش شامل نوار مرزی خراسان رضوی و افغانستان است

۲) روش تحقیق:

این پژوهش از حیث ماهیت و روش جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی محسوب می شود و با توجه به هدف آن در زمره تحقیقات کاربردی قرار می گیرد. مساله اصلی پژوهش این است که چه معیارهایی برای مکان گزینی مناسب پاسگاههای مرزی وجود دارد. بر این اساس، به بررسی و ارزیابی عوامل تاثیرگذار بر مکان یابی مطلوب پاسگاه های مرزی با استفاده از داده های اسنادی-کتابخانه ای، تجارب میدانی، کارتوگرافی، مدل سازی نرم افزار استفاده شده است. در ابتدا معیارها و شاخص های مکان گزینی مناسب گردآوری شد، سپس عملیات فازی سازی بر روی هر کدام از موارد اعمال شد و بعد از آن معیارها وزن دهی شده و همپوشانی گردیدند و نقشه نهایی مکان های مساعد جهت استقرار پاسگاه های مرزی در نوار مرزی خراسان رضوی و افغانستان به دست آمد. برای دستیابی به نتایج دقیق و شناخت و آگاهی از قوانین حاکم بر مرز جهت جانمایی و مکان یابی پاسگاه ها و مواضع دیده بانی از دستورالعمل جانمایی پاسگاه های مرزی و قوانین مصوب و مقالات و پایان نامه ها استفاده شده است. همچنین از تصاویر ماهواره ای Aster، landsat و Google Erth به منظور شناخت منطقه و تطبیق داده ها و نرم افزارهای ENVI و ARC GIS برای تحلیل داده ها و تولید نقشه ها استفاده گردیده است. همچنین پژوهش مبتنی بر تصمیم گیری چند معیاره است و در تمام مراحل آن از تئوری های مدل فازی استفاده شده است و پس از تهیه اطلاعات و نقشه مورد نیاز، عملیات استاندارد سازی روی لایه ها صورت گرفته و با روش ahp وزن دهی و همپوشانی لایه ها انجام شده است. جهت به دست آوردن معیارهای تاثیرگذار در امر مکان یابی پاسگاه های مرزی از دستورالعمل جانمایی و مکان یابی پاسگاه های مرزی و نظر کارشناسان و متخصصین و همچنین مطالعات پیشین مرتبط استفاده شده است. معیارهای کاربری اراضی، شیب، حریم شهرها، حریم روستاها، دسترسی به جاده و راه های مواصلاتی، حریم خط مرزی، فاصله پاسگاه های موجود از یکدیگر، حریم گسل ها، راه آهن، خطوط انتقال نیرو، آبراهه ها، پهنه های آبی و مناطق حفاظت شده و گسل ها با استفاده از سیستم استنتاج فازی مورد سنجش قرار گرفت.

۳) پیشینه پژوهش:

در طول تاریخ ایران نقاط مرزی کشور به عنوان یکی از عوامل آسیب زای امنیت ملی مطرح بوده است. از ایران باستان تا دوران معاصر حفاظت از مناطق مرزی و کاهش آسیب های ناشی از هجوم بیگانگان به این مناطق به عنوان معضل اساسی همه حکومت های ایرانی مورد بحث بوده است (رئیس السادات و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۲). در این میان اندیشه کنترل مرز به شیوه های مختلف از جمله احداث دیوار به چندین سده قبل باز می گردد به طوری که در امپراطوری های چین و روم به منظور حفاظت امپراطوری از حملات اقوام وحشی اقدام به کشیدن دیوار می کردند، دیوار چین نمونه بارزی از کنترل مرز(به شیوه انسداد فیزیکی) به منظور حراست از سرزمین خود بوده است. با توجه به ویژگی های جغرافیایی و راهبردهای کشور و با عنایت به نظام سیاسی، مدیریتی، شرایط مرزها، فضاهای داخلی و محیط پیرامونی، همچنین با در نظر گرفتن تحولات جهانی و منطقه ای در رابطه با مدیریت و کنترل مرزی و راهبردهای متنوعی وجود داشته است (Akhbari, ۲۰۰۹: ۴۳). همچنین مواردی همچون تردهای مرزی غیر قانونی، روند رو به افزایش قاچاق مواد مخدر، انسان و کالا، تردد اشراق و مجرمین، ضعیف بودن کارکردهای مرزی به ویژه کارکرد دفاعی-امنیتی را به خوبی نمایان می نماید(محمد حسینی و علی پور، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

تعیین و شناسایی مکان مناسب برای انجام سکونت و فعالیت کار چندان ساده ای نیست، برای این منظور برنامه ریزان باید عامل های محیطی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و جمعیتی و... را در عین مسائل سیاسی و خط مشی های بالادست و هدایت کننده را در نظر داشته باشند، در این میان انتخاب مکان های بهینه دارای سابقه طولانی است و قدمتی به درازای تاریخ بشری دارد به طوری که از دوران پیش از تاریخ یکی از موضوع هایی که ذهن انسان را همواره به خود مشغول می کرده، انتخاب مکان مناسب برای زندگی و فعالیت هاست (شمس الدینی و دهقانی، ۱۳۹۳: ۶۴). در حقیقت سابقه مکان یابی، برای اولین بار توسط فون تونن در سال ۱۸۲۶ میلادی و در زمینه فعالیت های کشاورزی ابداع گردید و اولین چارچوب علمی این نظریه به طور رسمی توسط الفرد وبر در سال ۱۹۰۹ معرفی شد، او مساله مکان یابی یک انبار واحد را با هدف کم کردن مجموع فواصل سفر بین انبار و مجموعه ای از مشتریان مورد بررسی قرار داد، از آن زمان تا کنون مطالعات متعدد و متنوعی در خصوص مکان یابی انجام شده است (Jabalamei, ۲۰۱۰). مکان یابی با توجه به معیارهای مورد نظر قابل انجام است، لذا پژوهش های مختلفی نیز با معیارهای متفاوت صورت پذیرفته است. عبادی نژاد و همکاران در مقاله خود تحت عنوان واحدهای ژئومورفولوژیکی در مکان یابی پاسگاه های مرزی و تعیین مناطق مستعد نفوذ (مورد مطالعه: محدوده نوار مرزی شهرستان درمیان خراسان جنوبی) جانمایی و مکان یابی پاسگاه ها و مواضع دیده بانی نوارمرزی شهرستان درمیان در استان خراسان جنوبی با کشور افغانستان را با استفاده از نقشه، عکس هوایی و تصاویر ماهواره ای و نرم افزار و مدل ها انجام داده اند و نتایج پژوهش آنها نشان می دهد که مناطق مرزی شهرستان درمیان، مستعد نفوذ است و بر اساس نقشه نهایی که در مقاله آن ها موجود است، مکان یابی و برآورد قابلیت ها و محدودیت های واحدهای ژئومورفولوژیکی، استقرار ۹ پاسگاه و یا مواضع دیده بانی به منظور افزایش توانمندی های دفاعی و عملیاتی در این منطقه پیشنهاد شده است. حنفی و حاتمی نیز در مقاله ای تحت عنوان مکان یابی مناطق مساعد برای استقرار نیروهای نظامی در منطقه مرزی مهران با استفاده از GIS مکان یابی مناطق مناسب برای دفاع عامل و غیر عامل نیروهای نظامی و شناسایی قابلیت ها و محدودیت هایی محیطی در منطقه مهران با استفاده از تصاویر ماهواره ای، نقشه های توپوگرافی و زمین شناسی در محیط GIS انجام داده اند. نتایج حاصل نشان داد که مناطق کوهستانی واقع در شرق و مرکز منطقه مهران شرایط مناسبی برای استقرار یگان های نظامی دارد اما مناطق واقع در جنوب مهران و تپه های جبل حمیرین و برخی مناطق خیلی مرتفع در شمال منطقه، شرایط مناسبی برای استقرار یگان های نظامی ندارند. در مقاله ای دیگری با عنوان مکان یابی پاسگاه های مرزی و تعیین مناطق مستعد نفوذ با استفاده از سیستم استنتاج فازی و GIS (مطالعه موردی: محدوده نوار مرزی شهرستان نهبندان) عبادی نژاد و بهرام آبادی (۱۳۹۵)، جانمایی و مکان یابی پاسگاه های نوار مرزی شهرستان نهبندان با کشور افغانستان را با استفاده از سیستم استنتاج فازی انجام داده اند. نتایج آن ها نیز نشان می دهد که مناطق مرزی نهبندان مستعد نفوذ می باشند. بر اساس نقشه های نهایی مکان یابی و برآورد قابلیت ها و محدودیت های واحد های ژئومورفولوژیکی در مرز نهبندان با کشور افغانستان با جانمایی ۱۶ پاسگاه و یا مواضع دیده بانی، حداکثر استفاده و به کارگیری از این واحدها در مقابله با نفوذ نیروی متخاصم و نفوذ اشرار، کنترل مرز با هدف جلوگیری از قاچاق کالا و مواد مخدر به منطقه را پیشنهاد داده اند. زرقانی و اعظمی (۱۳۹۰) در مقاله خود تحت عنوان تحلیل ملاحظات نظامی-امنیتی در آمایش و مکان گزینی مراکز و استقرارگاه های نظامی با تاکید بر استان خراسان رضوی، با روش توصیفی-تحلیلی تبیین اهمیت و جایگاه ملاحظات دفاعی-امنیتی در طرح های آمایش خراسان رضوی پرداخته اند. بر این اساس تهدیدات نظامی و مهم ترین کانون های این نوع تهدیدات برای استان مورد بررسی قرار گرفت و سپس جایگاه و نقش ملاحظات دفاعی-امنیتی در استقرار و مکان گزینی مراکز و تاسیسات نظامی استان خراسان رضوی تجزیه و تحلیل شد. با توجه به مطالب گفته شده مکان یابی پاسگاه های مرزی در مناطق مرزی دیگر ایران با استفاده از معیارهای مختلف صورت پذیرفته است، لیکن در مبحث مکان یابی پاسگاه های مرزی شرق کشور که دارای معیارهای کامل و جامعی در زمینه مکان یابی مشاهده نگردید و همچنین به دلیل نقش تاثیرگذاری که این پاسگاه ها در تامین امنیت شهرها و روستاهای این مناطق دارد نیاز است که عوامل انسانی و طبیعی در یک سیستم و با توجه به اولویت های موثر مورد بازنگری قرار گیرند، ازینرو این

مقاله با توجه به ۱۳ معیار انسانی و طبیعی و با استفاده از سیستم استنتاج فازی که یک سیستم تصمیم گیری چند معیاره است با هدف مکان یابی مناطق مساعد جهت استقرار پاسگاه های مرزی نوار مرزی خراسان رضوی و افغانستان صورت گرفته است.

۴) مبانی نظری:

۴-۱) تعریف و مفهوم مرز:

مرز به پدیده ای فضائی اطلاق می شود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعدی خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا، نشر افکار و... مانع ایجاد می کند (درایسدل، ۱۳۷۴: ۱۰۱). مرز های سیاسی مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد سیاسی از واحد های دیگر است و خطوط مرزی خطوطی اعتباری و قرار دادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می شوند (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۵). با نگاهی اجمالی به تعریف مرز که حد قلمرو زمینی، هوایی و دریایی و آغاز حکومت هر کشور که حفظ، مراقبت و کنترل آن یکی از مهم ترین و اساسی ترین وظایف هر دولتی است که محدوده فعالیت مرزبان را با کشور همسایه مشخص می نماید؛ می توان به اهمیت آن در نقش امنیت پایدار پی برد. تامین امنیت در شهرها و مناطق مرزی، یکی از موضوعات مهم و کاربردی محسوب می گردد، به طوری که مرزها به عنوان شاخصی از حاکمیت ملی که اقتدار یا ضعف یک ملت و دولت در تثبیت آنها، معرف شدت و ضعف حاکمیت ملی تلقی می گردد. (عبادی نژاد، بهرام آبادی، ۱۳۹۵: ۷۶).

۴-۲) امنیت مرزی:

امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه های مجاز مرزی است (خطایی، ۱۳۷۴: ۸۵). به عبارت دیگر، در صورتی که کنترل مرز از لحاظ جلوگیری از ورود و خروج افراد، کالا و ... مشکل باشد و امکان بالقوه برای تردد غیر مجاز و قاچاق کالا، مواد مخدر و ... بیشتر گردد اصطلاحاً می گوئیم مرز آسیب پذیری بیشتری دارد (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۴). برای امنیت مرزی و مظاهر و شاخص های آن می توان مواردی را ذکر کرد؛ مهمترین این شاخص ها عبارتند از: تردد اشخاص از دروازه های رسمی و غیررسمی مطابق با آئین نامه های تصویب شده؛ حمل و نقل کالا از دروازه های مجاز و مطابق با آئین نامه های گمرکی؛ عدم حمل مواد مخدر و سایر کالاهای غیر مجاز از مرزهای غیر مجاز؛ همکاری مرزبانان دو کشور همسایه در زمینه های مختلف توافق شده؛ برهم نخوردن آرامش مرزی و عدم درگیریها و اختلافات مرزی؛ وجود ارتباطات و مبادلات قانونی میان مردمان دو سوی مرز؛ اجرای قوانین و آئین نامه های مرزی مصوبه برای مأمورین مرزی و دیگران (زرقانی، ۱۳۹۸: ۵۸). بر همین اساس می توان شاخص های نامی و تهدید مرزی را نیز مورد بررسی قرار داد. به عنوان نمونه می توان به تهدید مرزها از طریق زمینی، دریایی و هوایی توسط کشورهای همسایه به صورت تجاوزات زمینی، تهدید کارکنان پاسگاههای مرزی از طریق تطمیع، ترس، خیانت، فریب، تهدید تردد و عبور و مرور قاچاقچیان و اشراک مسلح، تهدید شنودها و ارتباطات یا نفوذ الکترونیکی در مرزها و سیستم های ارتباطی، فقر و توسعه نیافتگی مناطق مرزی و مرزنشینان، سطح پایین شاخص های بخش سلامت عمومی در منطقه و تهدید سلامت مرزنشینان، سوء استفاده از مرزنشینان جهت قاچاق کالا، جاسوسی، عضویت در گروههای تروریستی و تجزیه طلب، شکاف های اجتماعی- قومی و مذهبی در بین مرزنشینان، مهاجرت مرزنشینان و تخلیه جمعیت بومی مناطق مرزی، تهدید حضور نیروها و پایگاههای کشورهای دشمن و رقیب در خاک کشور همسایه، کمبود امکانات و تجهیزات دفاعی- انتظامی، مرزبانی، محرومیت پاسگاههای مرزی و تهدید شاخص های سلامت عمومی مرزبانان و مواردی از این دست

اشاره کرد(زرقانی، ۱۳۹۲، احمدی، ۱۳۸۴، عسکری، ۱۳۸۲، روشندل، ۱۳۸۲، دهشیری، ۱۳۸۲). امنیت مرزها پشتوانه محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هر گونه ناامنی در مرز، می تواند در سیستم های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد نماید و در مقابل امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته و مهمی را به خود اختصاص دهد(خطابی، ۱۳۷۴: ۸۵). از این رو سعی کشورها بر این است تا حد امکان مرزهای آن ها جز در برخی گذرگاه های توافق شده و مجاز غیرقابل نفوذ باشد تا به این وسیله حاکمیت آن ها بر سرزمین خود دچار خدشه نشده و امنیت کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آسیب نبیند. به طور کلی عوامل متعددی بر امنیت مرزها تاثیر می گذارند که از آن جمله می توان به ساختار نظام حکومتی و تضادهای ایدئولوژیک، وضعیت ژئوپلیتیکی و حضور قدرت های فرامنطقه ای، نوع نگرش و رفتار حکومت ها نسبت به مرز، ذخایر و منابع موجود در منطقه مرزی و ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حکومت ها و ملت ها در دوسوی مرز، نحوه پراکندگی اقلیت ها و.. اشاره کرد. یکی از مهم ترین عوامل موثر بر کارکرد امنیتی مرزها، طرح ها و سیاست هایی است که کشورها در مورد کنترل مطلوب و موثر مرزهای خود به کار می برند(زرقانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹).

۳-۴ مکان یابی:

مکان یابی عبارت است از دخالت آگاهانه و ارادی، سازمند کردن رابطه انسان، فعالیت ها و فضا به منظور انتظام بخشیدن به آنها (موصوسی، ۱۳۸۸: ۳۲). به عبارتی مکان یابی با در نظر گرفتن تاثیرات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی یکی از فاکتورهای کلیدی در برنامه ریزی های منطقه ای است(سرور و یحیی پور، ۱۳۹۳: ۸۱)، در واقع مکان یابی صحیح مراکز تصمیم گیری است که می تواند توسعه پایدار در منطقه را تحت تاثیر قرار دهد(Ruiz Puente et al, ۲۰۰۷). مکان یابی (Site Selection) فرآیندی است که از طریق آن می توان بر اساس شرایط تعیین شده برای یک کاربری مشخص و با توجه به منابع و امکانات موجود، بهترین محل مناسب را تعیین نمود. مکان یابی در واقع تجزیه و تحلیل توامان اطلاعات فضایی و داده های توصیفی به منظور یافتن یک یا چند موقعیت فضایی با ویژگی های توصیفی مورد نظر می باشد(محمود بابویی، ۲۰۱۳: ۳). هدف از مکان یابی انتخاب مکان مناسب برای استقرار تجهیزات سرویس رسان بوده به طوری که بهترین عملکرد با توجه به اهداف مورد نظر پروژه حاصل شود(Bischoff & Klamroth, ۲۰۰۷). برای انجام مکان یابی یا از روش انتخاب نقاط نمونه و پردازش های آماری و ریاضی استفاده می گردد و یا با پردازش توامان داده های جغرافیایی در سطح منطقه با تجزیه و تحلیل استعداد های مکانی و توصیفی جهت انتخاب مکان مناسب برای کاربری خاصی صورت می گیرد. بعبارت دیگر می توان برای انجام مکانیابی از روش های بر مبنای پردازش داده های فضایی(GIS) و یا پردازش های آماری ریاضی و یا روش های ترکیبی استفاده گردد. مکان یابی بر اساس پارامترهای مختلفی انجام می گیرد که این متغیرها نسبت به اهداف و اهمیت پروژه و یا عوامل جانبی موثر در پروژه از قبیل آلودگی، دسترسی به امکانات زیربنایی و... تغییر خواهد کرد. به بیان دیگر نمی توان یک دستورالعمل برای پروژه ها و کاربردها تعریف نمود و می بایست ابتدا کاربردهای مختلف و عوامل موثر در انتخاب مکان استخراج گردیده و سپس عوامل فوق دستورالعمل های لازم جهت مکانیابی تهیه گردد. مکانیابی مناسب تاسیسات و ابنیه فنی و یا راه های دسترسی و غیره یکی از اصول اساسی پدافند غیر عامل می باشد و در صورت انجام آن بر اساس روش های علمی و برنامه ریزی شده می تواند باعث مصون ماندن تاسیسات و پادگان ها و یا حداقل کاهش آسیب دیدگی در موقع بحران گردد(محمود بابویی، ۲۰۱۳: ۴). اصولا در فرآیند مکان یابی تمامی خصوصیات و ویژگی های منطقه مورد نظر برای آن کاربری خاص مورد مطالعه قرار می گیرد و بی شک چنانچه این کاربری مرتبط با مسائل نظامی باشد از اهمیت صدچندان برخوردار خواهد شد(آقا طاهر و همکاران، ۱۳۹۴).

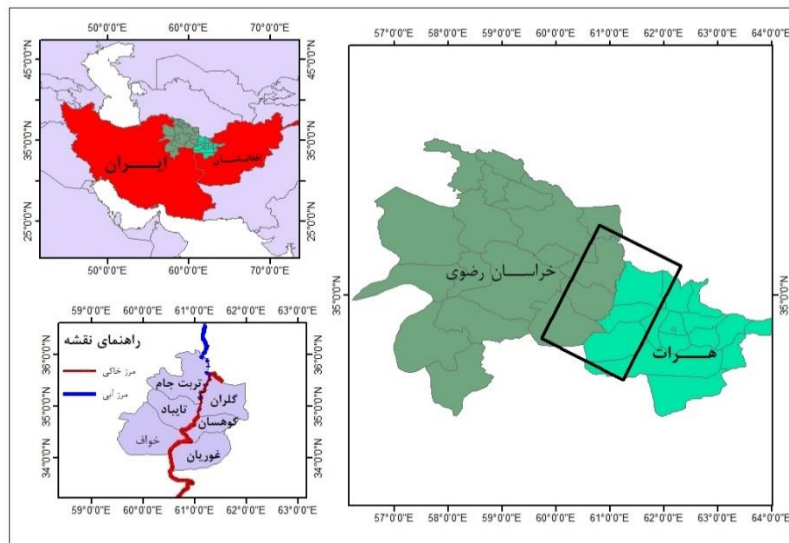
۴-۴) سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و سنجش از دور (RS):

سامانه های اطلاعات جغرافیایی نقش محوری در فعالیت ها و کاربری های اقتصادی، اجتماعی، نظامی و انتظامی دارند. امروزه با پیشرفت هایی که در سامانه های اطلاعات جغرافیایی صورت گرفته است، شناخت دقیق زمین نسبت به گذشته بسیار آسان تر شده است و به خصوص در بعد انتظامی و نظامی این سامانه ها یک ابزار عالی برای فرماندهان و نیروهای درگیر در عملیات می باشند. ضمن اینکه استفاده از این سامانه امکان ترکیب عوامل و متغیرهایی چون کارتوگرافی، اطلاعات و داده، مدیریت و رهبری میدان رزم، تجزیه و تحلیل منطقه عملیات، کنترل از راه دور داده ها و مشاهدات، برقراری مدیریت عملیاتی، دیده بانی و ... را می تواند در بر داشته باشد (بهرام آبادی، ۱۳۸۸). از اینرو، سامانه اطلاعات جغرافیایی با تلفیق داده ها در کنار تصاویر ماهواره ای مکان های بالقوه برای فرود بالگرد، تعیین راه ها و مسیرهای مواصلاتی، میدان دید، مسیر خط سیر سلاح های تیر منحنی، به خصوص توپخانه و جهت یابی و ناوبری را برای یک منطقه مشخص می نماید. این سامانه در عملیات نظامی و مانورها می تواند به انتخاب مکان مناسب برای استقرار پل های متحرک، انتخاب مکان فرود بالگرد، نقاط آمادی سوخت و مهمترین راه های تاکتیکی در منطقه را با توجه به نوع خاک، بافت خاک، نوع اختفا عوارض و لندفرم های سطح منطقه، سطوح ارتفاعی و منابع آبی سطحی و زیر زمینی را مشخص نماید (بایگل و همکاران، ۲۰۰۶ و حنفی و حاتمی، ۱۳۹۲: ۱۰۹). تجزیه و تحلیل عوارض سطح زمین و اخبار و اطلاعات منطقه نبرد آنچنان مهم است که بر قابلیت مانور تانک ها، نفربرها، دیگر ادوات خودرویی و تاکتیک و تکنیک نیروها تاثیر گذار است، با توجه به این فرماندهان می توانند با کمک سامانه اطلاعات جغرافیایی، ضمن داشتن اطلاعات بروز و کارآمد، عوارض سطح زمین عملیات و منطقه مانور را به خوبی کنترل و هدایت نمایند (ساتی نارایانا و همکاران، ۲۰۰۶ و حنفی و حاتمی، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

سنجش از دور به فرایند یا روش کسب اطلاعات در مورد شی، ناحیه و یا پدیده از طریق تحلیل داده های به دست آمده به وسیله ابزاری بدون تماس مستقیم با آنها گفته می شود (چاندر، ۲۰۰۲). این امر شامل تفسیر مقادیر انرژی الکترومغناطیسی بازتابیده و یا گسیل شده از هدف که از موقعیت مناسب اندازه گیری شده است، می باشد (می تر، ۱۹۹۹). داده های به دست آمده از سنجش از دور دارای چندین امتیاز است. تصاویر ماهواره ای اطلاعات مفیدی را در طول موج های مختلف فراهم می سازند و قابل ذخیره به صورت ثبت دائمی جهت استفاده در آینده هستند. چون تصاویر ناحیه بزرگی را پوشش می دهند، امکان انجام جست و جو های منطقه ای در مورد موضوعات مختلف و تشخیص عوارض بزرگی نظیر ساختار زمینه به وجود می آید. پوشش های تکراری به دلیل ایجاد مزیت پایش پدیده هایی پویا مانند آب، کشاورزی، تخریب زمین، توسعه شهری و ... یک امتیاز به شمار می آیند. این موضوعات در حیطه موضوعات طبیعت و تاثیر انسان بر آن قرار می گیرند. همچنین می توان از طریق سنجش از دور اطلاعاتی در مورد مناطق دسترس ناپذیر به دست آورد. سنجش از دور کسب اطلاعات در مقیاس ها و قدرت تفکیک های مختلف را فراهم می سازد. یک تصویر سنجش از دور می تواند در به دست آوردن اهداف و کاربردهای مختلف به کار رود. تحلیل داده ها می تواند در آزمایشگاه انجام گیرد که این موضوع کار میدانی را کاهش می دهد و هزینه داده های سنجش از دور را تعدیل می کند. بازبینی نقشه در مقیاس متوسط تا کوچک با استفاده از داده های سنجش از دور، اقتصادی و سریع تر است. ترکیب های رنگی حاصل از تصاویر سه باند منفرد، تحلیل بهتری را نسبت به یک تصویر زمینی یا عکس های هوایی فراهم می سازد. تحلیل های سه بعدی با استفاده از ماهواره های استریو انجام پذیر است. داده های سنجش از دور به شکل رقومی اند و از این جهت پردازش و تحلیل آنها با استفاده از رایانه سریع تر صورت می پذیرد. گسترش کار سیستم های جدید سنجش از دور به مفسران امکان می دهد تا با استفاده از ویژگی های پوشش های مختلف زمینی دریافت شده در این قسمت از محدوده از طیف الکترو مغناطیس نسبت به شناسایی و طبقه بندی آنها اقدام و بدین ترتیب به درستی نتایج یافته های خود اطمینان بیشتری حاصل کند. از طرف دیگر، تهیه ارقام و داده ها از ارتفاعات بالاتر نواحی بیش تری را در برمی گیرد و می تواند منشا امتیازات بیشتری باشد.

۵) محدوده مورد مطالعه

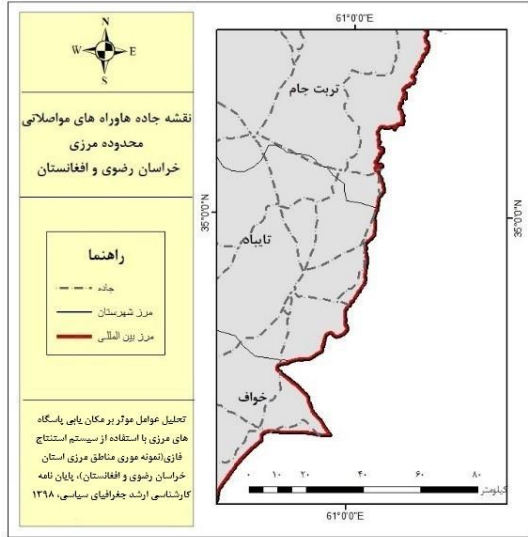
نواحی مرزی ایران و افغانستان شامل بیابان های خشک و هموار و کوه ها و ناهمواری های نیمه خشک می باشد. سرزمین هایی که در شمالی ترین نقطه از دهانه ذوالفقار تا کوه ملک سیاه در جنوبی ترین نقطه قرار دارد، نواحی مرزی ایران و افغانستان است، که به طول ۹۴۵ کیلومتر در امتداد سه استان شرقی ایران کشیده می شود (حافظ نیا، ۱۳۹۵: ۳۱۷ تا ۳۵۰). این منطقه شامل سه استان خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی می شود. استان خراسان رضوی بخشی از استان پهناور خراسان بزرگ است که با مصوبه دولت در سال ۱۳۸۳ و پس از تقسیم خراسان به سه قسمت شمالی، رضوی و جنوبی ایجاد شده است. این استان در سال ۱۳۸۷ دارای وسعتی بیش از ۱۱۶ هزار کیلومتر مربع می باشد. استان خراسان رضوی از شرق و شمال شرقی به طول حدود ۵۳۱ کیلومتر دارای مرز مشترک با ترکمنستان و از شرق به طول حدود ۳۰۲ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان می باشد (رهنما؛ ۱۳۹۰: ۲۰). خراسان رضوی شامل چهار شهرستان مرزی تربت جام، تایباد، خواف و سرخس می باشد، منطقه مورد مطالعه این پژوهش نوار مرزی ایران و افغانستان در محدوده شهرستان های تربت جام، تایباد و خواف است.



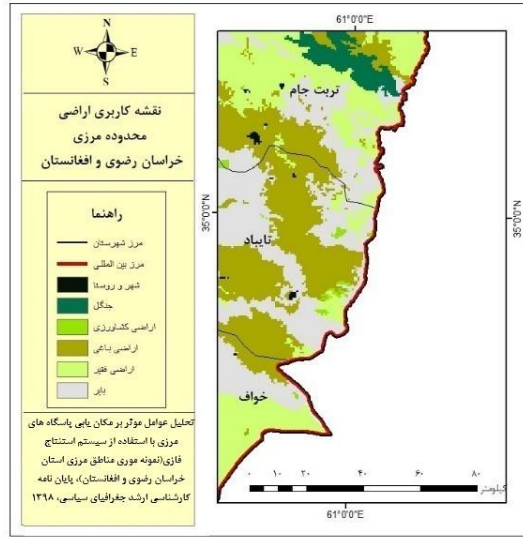
شکل ۱: نقشه محدوده مورد مطالعه (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۶) یافته های پژوهش:

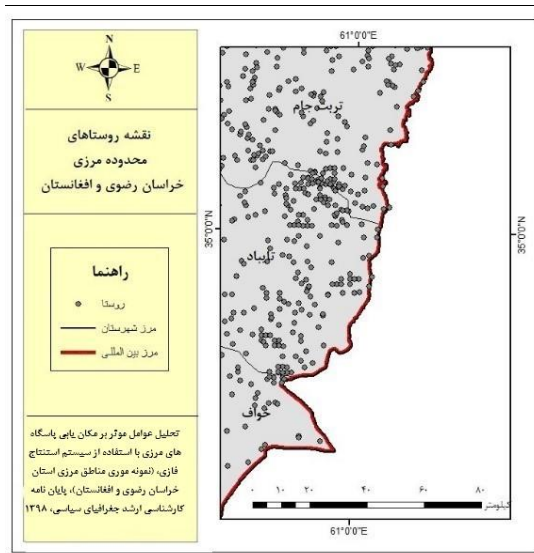
همانطور که در بخش روش تحقیق توضیح داده شد، از سیستم استنتاج فازی جهت بررسی معیارها و امر مکان یابی استفاده گردیده است، معیارهای مورد بررسی با توجه به مطالعات پیشین، نظر کارشناسان و متخصصان و ضوابط موجود در امر مکان یابی و همچنین بررسی منطقه مورد بحث انتخاب گردیده است، در ابتدا ۱۳ معیار؛ کاربری اراضی، شیب، حریم خط مرزی، حریم پاسگاه های موجود، حریم مناطق حفاظت شده، دسترسی به جاده ها، حریم شهر، حریم روستا، خطوط انتقال نیرو، حریم آبراهه ها، حریم پهنه های آبی، حریم خط آهن و حریم گسل به صورت مستقل بر اساس شاخص های موجود مورد بررسی و پهنه بندی گردید و در انتها وزن دهی نهایی صورت پذیرفت. در ادامه در شکل (۲-۹) توزیع فضایی برخی از معیارها در قالب نقشه هایی آورده شده است و سپس نقشه های فازی سازی شده آورده شده است.



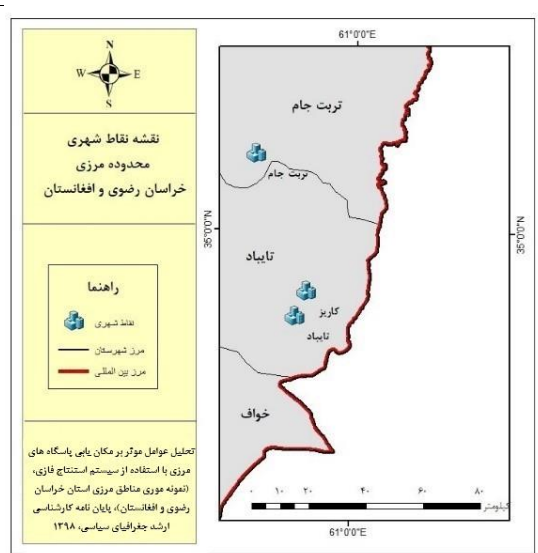
شکل ۳: نقشه جاده ها و راه های مواصلاتی منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)



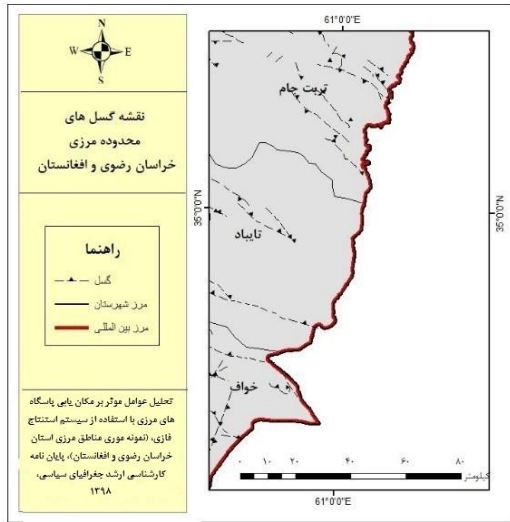
شکل ۴: نقشه کاربری اراضی منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)



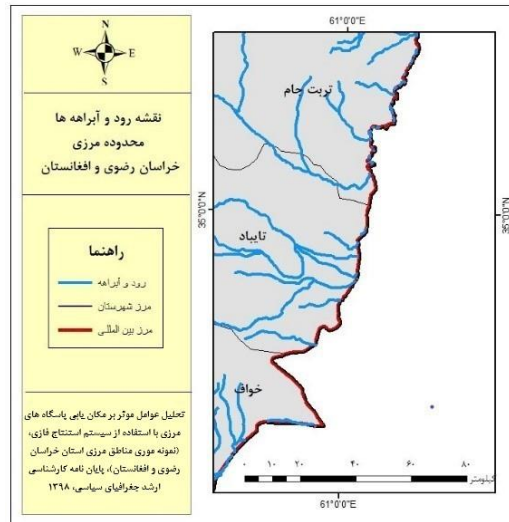
شکل ۵: نقشه نقاط روستایی منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)



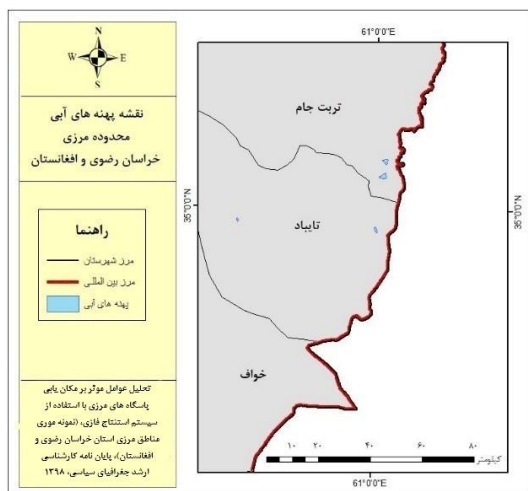
شکل ۶: نقشه نقاط شهری منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)



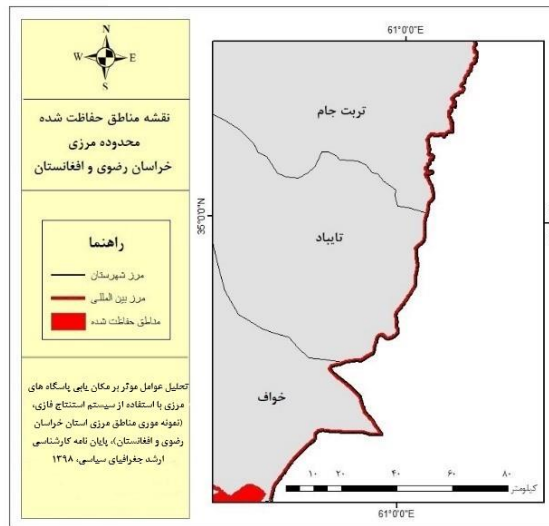
شکل ۷: نقشه گسل های منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)



شکل ۶: نقشه رود و آبراهه منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)



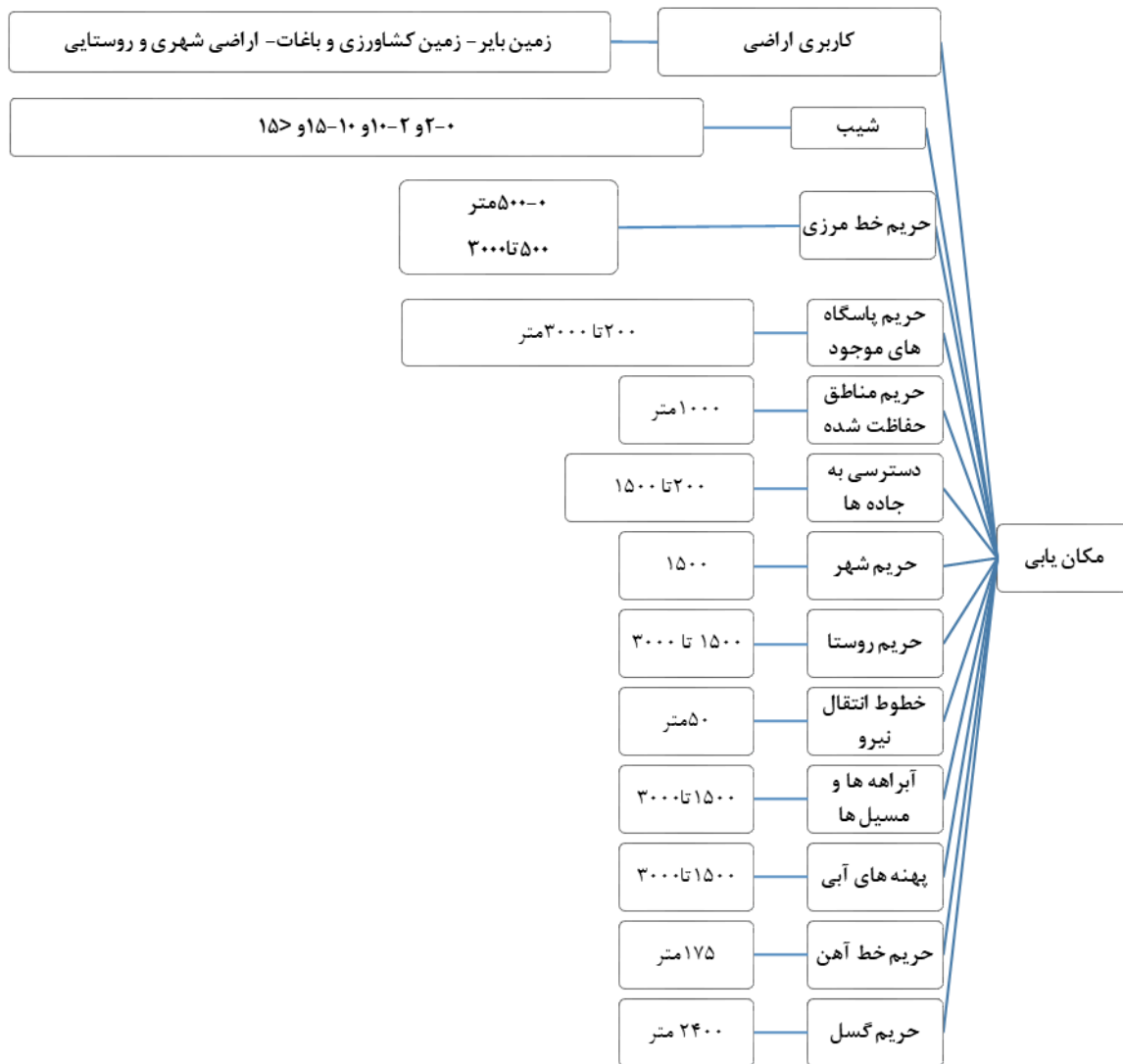
شکل ۹: نقشه پهنه های آبی منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)



شکل ۸: نقشه مناطق حفاظت شده منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۶-۱) فازی سازی و پهنه بندی :

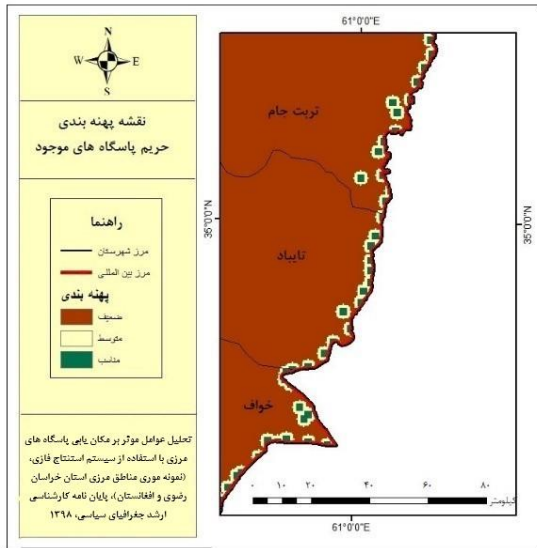
بنابر آنچه گفته شد جهت بررسی و فازی سازی معیارها به شاخص هایی نیاز بود تا عمل فازی سازی انجام گردد. از اینرو با مراجعه به منابع معتبر و مرتبط ۱۳ معیار زیر احصاء شد که در شکل زیر به نمایش در آمده است.



شکل ۱۰: دیاگرام معیارها و شاخصهای مورد استفاده جهت مکانیابی پاسگاههای مرزی (مأخذ: حنفی و حاتم: ۱۳۹۲، عبادی نژاد و بهرامی: ۱۳۹۵، وجدی: ۱۳۹۵ و نگارندگان: ۱۳۹۸)

۶-۱-۱) حریم پاسگاههای موجود در نوار مرزی خراسان رضوی:

یکی از کاربریهای مهم در مطالعه پیش رو بررسی موقعیت پاسگاههای موجود در نوار مرزی خراسان رضوی می باشد. با توجه به تسلیحات نظامی موجود در هنگهای مرزی، شرایط طبیعی و وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه مورد مطالعه بهتر است که امنیت خط مرزی به صورتی انجام گردد که از ایجاد راههای نفوذ جلوگیری گردد، با توجه به سلاحها و ادوات نظامی موجود در هنگ مرزی خراسان رضوی، در این پژوهش حداکثر فاصله پاسگاهها از یکدیگر ۳۰۰۰ متر در نظر گرفته شده تا هدف مورد نظر تامین گردد. در شکل ۱۱ ادوات موجود و مشخصات آنها آورده شده و سپس در شکل ۱۲ نقشه پهنه بندی آن را که در سه کلاس کاربری مناسب، متوسط و نامناسب طبقه بندی گردیده است را مشاهده می کنید.



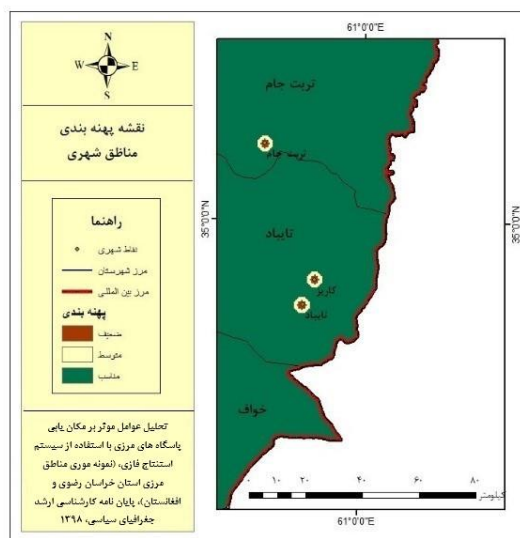
شکل ۱۲: نقشه پهنه بندی حریم پاسگاه های موجود منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

تسلیحات	برد موثر (متر)
دوشکا	3300
گریتوف	800
سیمینوف	800
آر پی چی	330
کلاشینکف	200

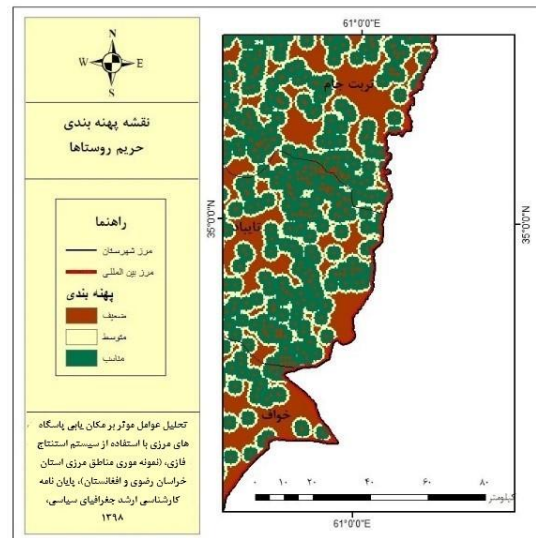
شکل ۱۱: تسلیحات موجود در هنگ مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان)

۶-۱-۲) مراکز جمعیتی

مراکز جمعیتی در این پژوهش شامل مراکز شهری و روستایی می شود، حفظ حریم این مناطق از عوامل مهمی است که در امر مکان یابی باید رعایت گردد در این رابطه با توجه به استانداردهای موجود وزارت مسکن و شهرسازی حریم ۱۵۰۰ متری برای نقاط شهری و روستایی در نظر گرفته شد (وجدی، ۱۳۹۵: ۹۷) و بنا براینکه در منطقه مرزی خراسان رضوی روستاهایی در فاصله ۳۰۰۰ متری وجود دارد باید بگونه ای مکان یابی صورت پذیرد تا سبب افزایش امنیت در این روستاها و به دنبال آن نوار مرزی گردد، از اینرو حداکثر فاصله در محدوده روستایی نیز ۳۰۰۰ متر در نظر گرفته شد و نقشه های پهنه بندی آن ها را در شکل شماره ۱۳ و ۱۴ مشاهده می کنید.



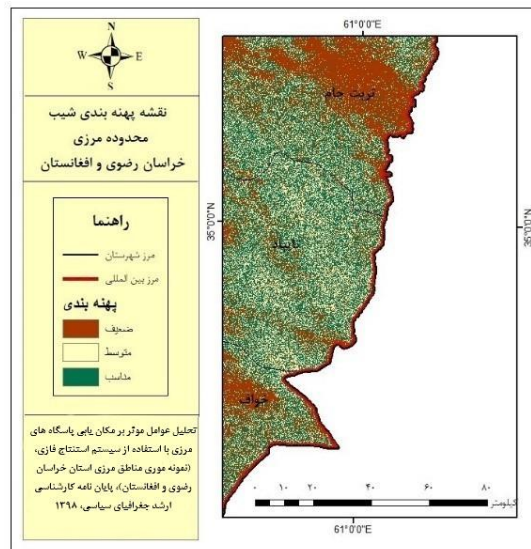
شکل ۱۴: نقشه پهنه مناطق شهری منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)



شکل ۱۳: نقشه پهنه مناطق روستایی منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۳-۱-۶ شیب:

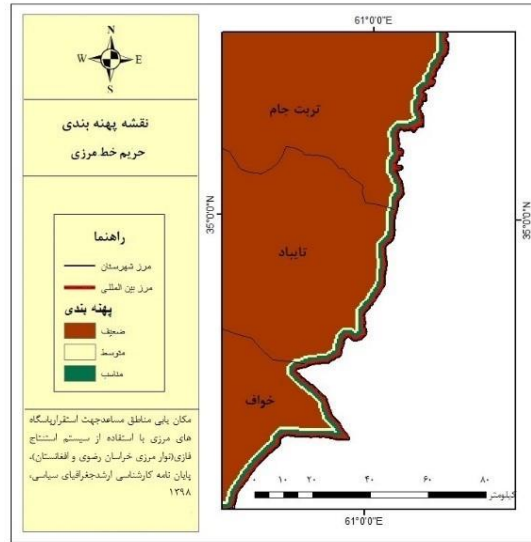
شیب شکل زمین را از طریق خصوصیات مورفولوژیکی تحت تاثیر قرار می دهد. شیب ها معمولا با توجه به جهت حرکت و به صورت ارقام درصد منفی و مثبت بیان می گردد که مشخص کننده میزان فراز و نشیب های عمودی بر روی محورهای افقی فرضی هستند. شیب های محدب و سایر ناهمواری های سطح، معمولا نقاط کور و یا در اصطلاح نظامی، جان پناه ها و مواضع و زمین ها پوشیده از دید و تیر را به وجود می آورند که مواضع دشمن را از سلاح ها با تیر مستقیم محافظت می نماید. (حنفی و حاتمی، ۱۳۹۲: ۱۱۳). معمولا حداکثر شیب مناسب برای استقرار پاسگاه های مرزی ۱۰ درصد معرفی می شود. شیب با درصد بالا باعث افزایش هزینه های استقرار پاسگاه نظامی (مسطح کردن سطح زمین) می شود و شیب های نزدیک به صفر از نظر دفع فاضلاب مشکل آفرین می باشد (عزیزپور، ۱۳۷۵: ۷۱-۷۲). با توجه به مطالب گفته شده نقشه شیب مناسب جهت مکان گزینی پاسگاه های مرزی ۱۰ تا ۲۰ درصد در نظر گرفته شد و در شکل ۱۵ نقشه پهنه بندی آن مشاهده می گردد.



شکل ۱۵: نقشه پهنه بندی شیب منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۴-۱-۶ حریم خط مرزی خراسان رضوی:

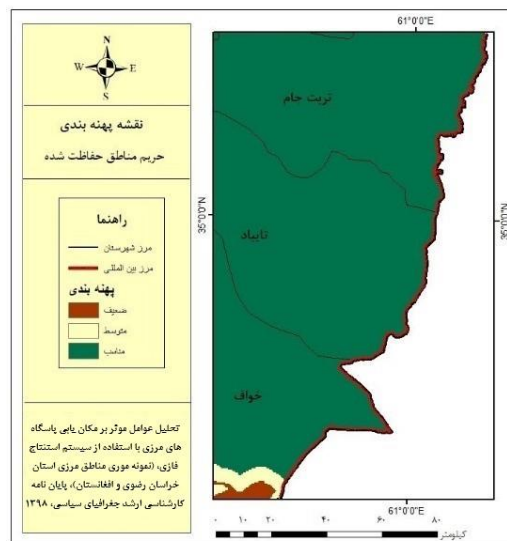
یکی دیگر از معیارهای بسیار مهم در امر مکانیابی مناطق مساعد جهت استقرار پاسگاه های نظامی حفظ حریم خط مرزی است، با توجه به بررسی های صورت گرفته در خط مرزی خراسان رضوی تا فاصله ۵۰۰ متری از نقطه صفری مرزی به عنوان حریم در نظر گرفته می شود و در این منطقه پاسگاه مرزی وجود ندارد و همچنین همانطور که در حفظ حریم پاسگاه های موجود بیان گردید توجه به برد تسلیحات نظامی در هنگ مرزی بسیار مهم است و با توجه به این امر تا شعاع ۳۰۰ متری را جهت استقرار پاسگاه مرزی مناسب در نظر گرفته شد و نقشه پهنه بندی آن در شکل ۱۶، در سه کلاس مناسب، متوسط و نامناسب طبقه بندی گردید.



شکل ۱۶: نقشه پهنه بندی حریم خط مرزی منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۶-۱-۵) حریم مناطق حفاظت شده در منطقه مرزی خراسان رضوی:

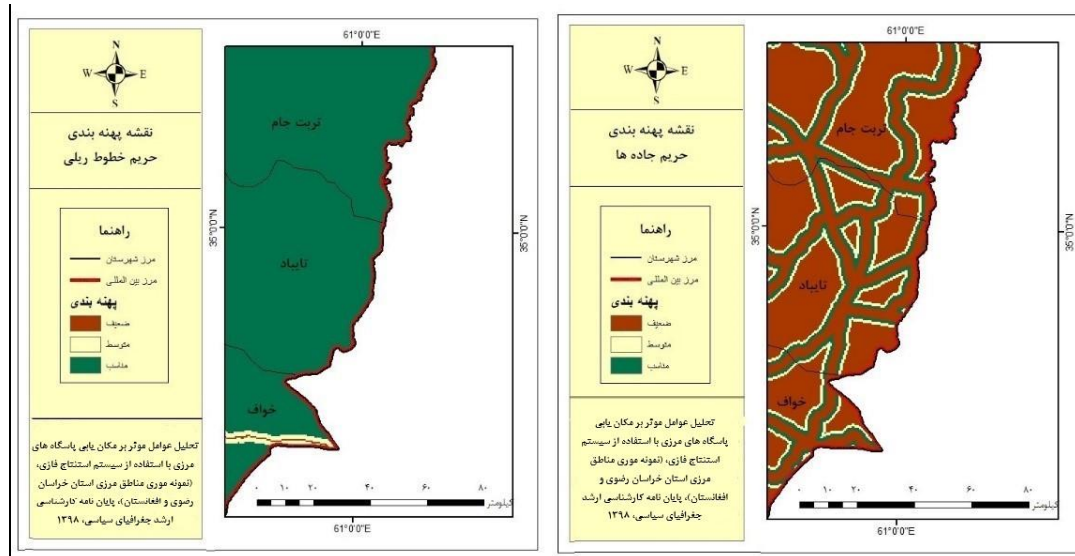
باتوجه به بررسی های صورت گرفته در منطقه مرزی خراسان رضوی مشخص گردید که منطقه حفاظت شده سیرخون که در قبل نقشه آن در شکل ۹ آورده شد به صورت ۱۲ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان واقع شده است. با توجه به استانداردهای ارائه شده از طرف هیئت وزیران، جانمایی هر نوع تاسیسات و کاربری در محدوده ۱۰۰۰ متری مناطق حفاظت شده غیرقانونی می باشد (وجدی، ۱۳۹۵: ۱۰۳). ازینرو در این پژوهش نیز محدوده ۱۰۰۰ متری از منطقه حفاظت شده به صورت نامناسب در نظر گرفته شده است و نقشه پهنه بندی آن در شکل ۱۷ مشاهده می کنید.



شکل ۱۷: نقشه پهنه بندی حریم مناطق حفاظت شده منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۶-۱-۶) دسترسی و فاصله از جاده های و راه های مواصلاتی:

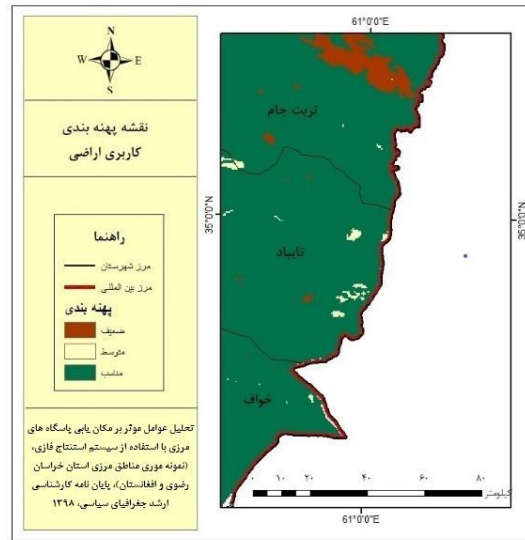
در مبحث پهنه بندی دسترسی به جاده ها و راه های مواصلاتی نزدیکترین فاصله تا جاده ها بهترین مکان ها جهت استقرار پاسگاه های مرزی است اما در کنار آن باید حفظ حریم از جاده را نیز رعایت کرد، از اینرو با توجه به پژوهش وجدی، حنفی و حاتمی و عبادی نژاد فاصله ۲۰۰ متر تا حداکثر ۱۵۰۰ متر بهترین مکان برای استقرار پاسگاه های مرزی در نظر گرفته شده است و پهنه بندی آن در شکل شماره ۱۸ قابل مشاهده است. همچنین راه آهن نیز به عنوان یک نوع از شبکه ارتباطی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به استانداردهای موجود حریم ۱۷۵ متر از خطوط ریلی موجود در منطقه مناسب ارزیابی گردید (وجدی: ۱۳۹۵) و در شکل شماره ۱۹ نقشه پهنه بندی خط ریل نیز قابل مشاهده است.



شکل ۱۹: نقشه پهنه بندی خطوط ریلی منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

شکل ۱۸: نقشه پهنه بندی حریم جاده ها منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

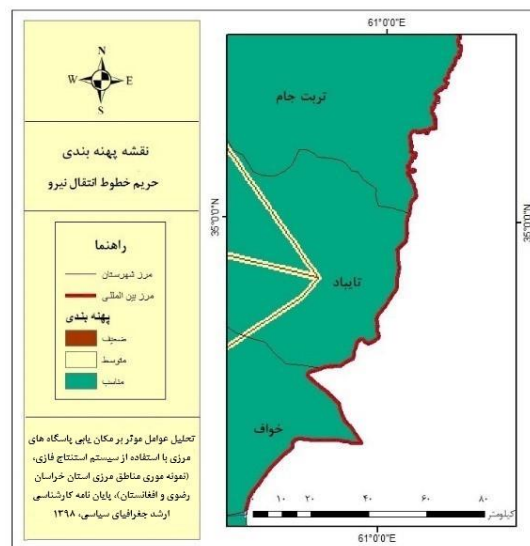
کاربری اراضی یکی از معیارهای بسیار مهم در امر مکان یابی است، تعیین مناطق شهری و روستایی با کاربری غیر قابل تغییر و یا زمین های بایر که در امر مکان یابی دارای ارزش بالایی است ضروری است، از اینرو باید جهت فازی سازی آنها اقدام نمود، در این مقاله کاربری ها به ترتیب اراضی بایر، اراضی فقیر و کم ارزش، اراضی باغی، اراضی کشاورزی، جنگل و محدوده های شهری و روستایی که به ترتیب دارای اولویت در امر مکان یابی می باشد، تقسیم گردید و در شکل ۲۰ نقشه فازی سازی شده کاربری اراضی آورده شده است.



شکل ۲۰: نقشه فازی شده کاربری اراضی منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۶-۱-۸) خطوط انتقال نیرو

به جهت جلوگیری از خطرات ناشی از خطوط انتقال برق فشار قوی، رعایت فاصله منطقی برای ایجاد هر نوع کاربری از خطوط انتقال برق الزامی است. با بررسی های صورت گرفته در محدوده مورد مطالعه خطوط انتقال برق با ولتاژ ۴۰۰ هزار ولت موجود می باشد، بنابراین با توجه به استانداردهای موجود شرکت برق، حریمی برابر ۵۰ متر را در نظر گرفته ایم (روحی پور، ۱۳۹۴: ۸۱). و نقشه پهنه بندی آن را در شکل ۲۱ قابل مشاهده است.

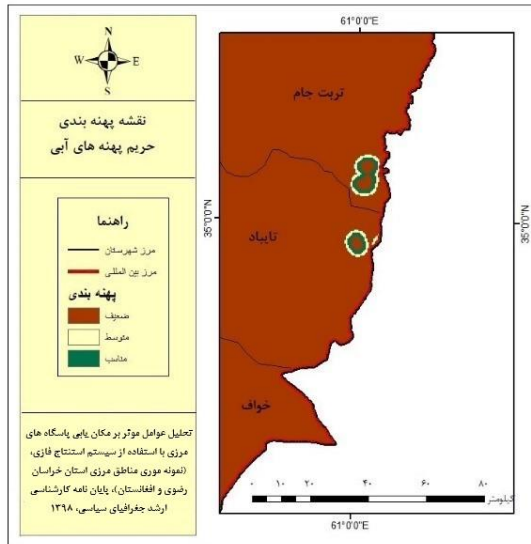


شکل ۲۱: نقشه پهنه بندی خطوط انتقال برق منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

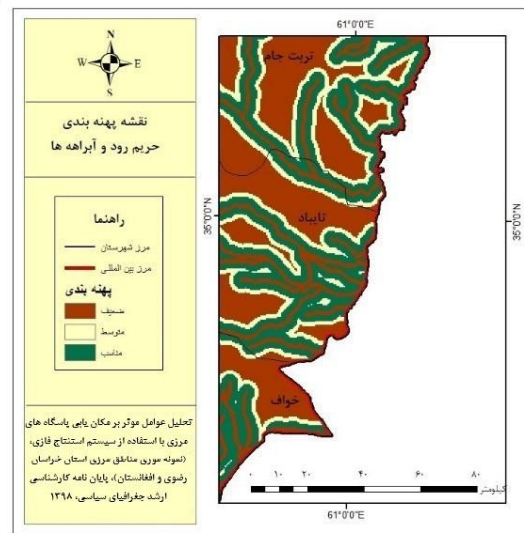
۶-۱-۹) آبراهه ها و پهنه های آبی

بارش های سیلابی و طغیانی که رواناب های فراوانی را ایجاد می کنند، بعضی مواقع خطراتی به دنبال دارند. نزدیکی پاسگاه ها و مواضع دیده بانی به آبراهه ها و مسیل های طغیانی در مناطق خشک و بیابانی می تواند منجر به محصور ماندن و یا حتی

تخریب این اماکن شود. نزدیکی به آبراهه اگر چه می تواند مشکلاتی به همراه داشته باشد، اما کنترل و دیده بانی مسیر مسیل های طغیانی و خشک رودها به منظور جلوگیری و استفاده از این مسیرها برای عبور قاچاق مواد مخدر، کالا و انسان لازم است (عبادی نژاد، بهرام آبادی، ۱۳۹۵: ۸۳). با توجه به واقع شدن رود مرزی هریرود در محدوده مورد مطالعه شاهد آبراهه ها و مسیل های زیادی هستیم، بنابراین حفظ حریم این مناطق ضروری است، لیکن با توجه به اینکه از این مسیرها جهت قاچاق کالا، مواد مخدر و انسان استفاده می گردد باید مکان یابی به گونه ای صورت پذیرد که حفاظت از آنها نیز در حد مطلوب انجام گردد. بنابراین در راستای رعایت حریم پهنه های آبی، با توجه به ضوابط موجود، حریم ۱۵۰۰ متری پهنه های آبی و آبراهه ها در نظر گرفته شد (وجدی، ۱۳۹۵: ۱۰۰) و با توجه به اینکه حفظ امنیت رود مرزی هریرود و همچنین پهنه های آبی موجود در این منطقه حائز اهمیت است حداکثر فاصله از آن را ۳۰۰۰ متر در نظر گرفته ایم. در ادامه نقشه پهنه بندی مورد نظر در شکل ۲۲ و ۲۳ قابل مشاهده است.



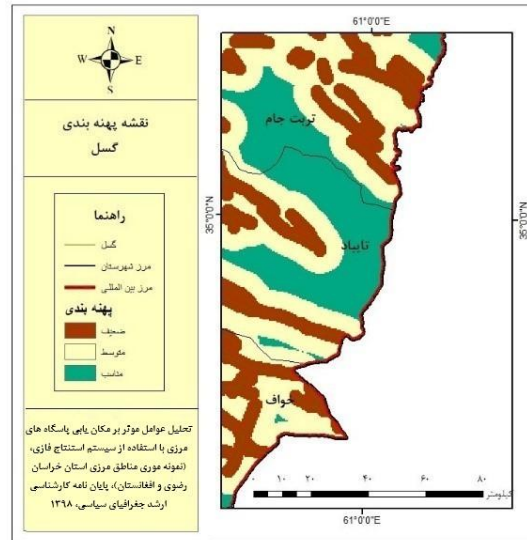
شکل ۲۳: نقشه پهنه بندی حریم پهنه های آبی منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)



شکل ۲۲: نقشه پهنه بندی حریم رود و آبراهه منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۶) گسل منطقه مرزی خراسان رضوی

وجود گسل در یک منطقه نشان از زلزله خیزی آن می باشد، در واقع وجود گسل در گذر زمان امکان وقوع زلزله را نشان می دهد، بنابراین لازم است جهت هرگونه مکان یابی بخصوص کاربری های نظامی حفظ این حریم رعایت گردد. با توجه به اینکه محدوده مورد مطالعه این پژوهش منطقه مرزی است و نمی توان فاصله زیاد از گسل های موجود را در نظر گرفت و حداقل فاصله از گسل های موجود ۲۴۰۰ متر در نظر گرفته شده است تا در صورت بروز زلزله آسیب جدی کمتری به پاسگاه ها وارد گردد. شایان ذکر است انتخاب شاخص با توجه به پایان نامه کارشناسی ارشد وجدی (۱۳۹۵) استفاده گردید. نقشه پهنه بندی آن در شکل ۲۴ قابل مشاهده است.



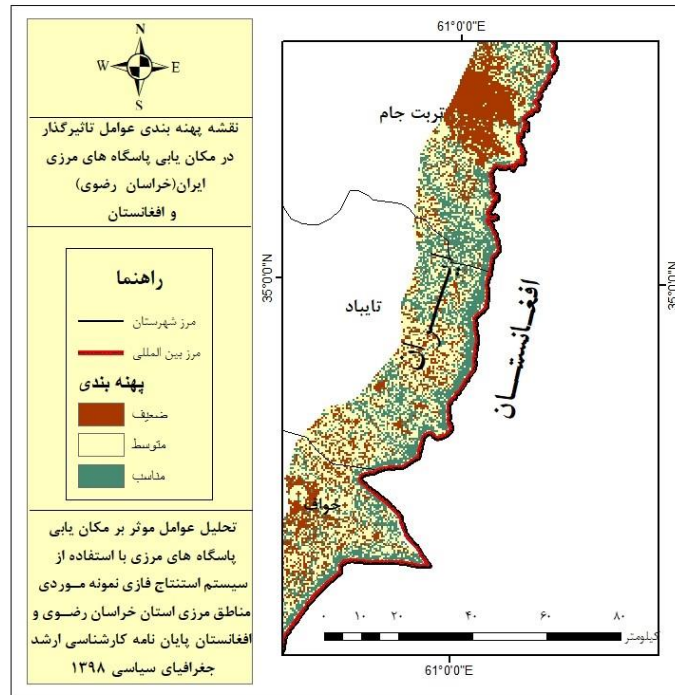
شکل ۲۴: نقشه پهنه بندی گسل منطقه مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۲-۶) وزن دهی به معیارها

بعد از انجام عملیات فازی سازی هر کدام از معیارهای موجود در قسمت قبل، به همپوشانی و وزن دهی نهایی آنها اقدام شد. همانطور که در قبل گفته شد، معیارهای زیادی در امر مکان یابی دخیل هستند و در این مقاله با توجه به نتایج به دست آمده از نظر کارشناسان و متخصصان وزن دهی معیارها صورت گرفت و در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس مقایسات زوجی معیارهای موجود به ترتیب زیر وزن دهی گردیدند؛

- ۱- کاربری اراضی ۲- شیب ۳- حریم خط مرزی ۴- حریم پاسگاه های موجود ۵- حریم مناطق حفاظت شده ۶- دسترسی به جاده ها ۷- حریم شهر ۸- حریم روستا ۹- خطوط انتقال نیرو ۱۰- پهنه های آبی ۱۱- آبراه ها ۱۲- خط آهن ۱۳- گسل

همانطور که در شکل ۲۵ مشاهده می کنید اراضی در ۳ کلاس مناسب، متوسط و نامناسب مشخص گردیدند. با توجه به اینکه هدف مکان یابی مناطق مساعد استقرار پاسگاه مرزی بوده است و در این امر حداقل و حداکثرهایی در نظر بوده، بهترین محدوده تا شعاع ۵ کیلومتری و با احتساب ۵۰۰ متر فاصله از خط مرزی مشخص گردید و با توجه به نقشه های قبل، منطقه مرزی خراسان رضوی و افغانستان به جهت اینکه کاربری های مختلف در نزدیک خط مرزی بسیار کم است اغلب محدوده مرزی جهت استقرار پاسگاه های مرزی مناسب است، اما در قسمت شمالی مرز مشترک استان خراسان رضوی و کشور افغانستان شرایط نامطلوبی وجود دارد و با بررسی های صورت گرفته مشخص گردید در این منطقه که رود مرزی هریرود نیز جریان دارد باید دقت عمل بیشتری جهت مکانیابی صورت پذیرد.



شکل ۲۵: نقشه پهنه بندی مکان یابی مناطق مساعد جهت استقرار پاسگاه های مرزی خراسان رضوی (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۷) نتیجه گیری:

مرزهای بین المللی، محل برخورد و منطقه تماس دو حکومت و حاکمیت مستقل هستند. از اینرو بر خلاف مناطق داخل کشور، امنیت مرز و مناطق مرزی هم وابسته به ویژگی های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... داخل کشور است و هم شرایط جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همسایه تاثیر مستقیمی بر استقرار امنیت در این مناطق دارد. متغیرهای موثر بر امنیت مرز متناسب با تفاوت های فضایی موجود در مناطق مختلف کشورها و همچنین کشور همسایه، متعدد و متنوع است. شاید از همین روست که همچنان استقرار امنیت پایدار در مرز و مناطق مرزی، به دغدغه اصلی بسیاری از کشورها در مناطق مختلف جهان تبدیل شده است. این امر به دلیل آن است که، مدیریت بهینه و کنترل مؤثر مرزها نیاز به شناخت دقیق شرایط و ویژگی های مختلف منطقه در دو سوی مرز، تدوین راهبردهای علمی و کاربردی جامع، بودجه کافی بابت هزینه های سنگین، سامانه های کنترلی منطبق بر نوع مرز، نیروهای سازمان یافته ویژه مرزی، تفاهم و همکاری مؤثر دولت های همسایه، حمایت سازمان های رسمی بین المللی و... دارد. به عنوان نمونه، فقط از منظر جغرافیا و چشم انداز طبیعی، مرزهای ایران و همسایگان مشتمل بر ده ناحیه فیزیوگرافیک اصلی؛ کوهستانی، کویری، جنگلی، استپی، دریاچه ای و دریایی، مردابی و باتلاقی و ... می باشد. بدیهی است مدیریت و کنترل مرزی هر کدام از این مرزها بایستی در درجه اول متناسب با ویژگی های متفاوت طبیعی آنها باشد. وضعیت فعلی جهان نشان می دهد، بعد از یک دوره تسلط فضای تعاملات بین مرزی و کم رنگ شدن کارکرد بازدارندگی-امنیتی مرزها در پرتو جهانی شدن ها، مجدد شاهد بازگشت و احیای سیاست های کنترل و انسداد مرز در بسیاری از مناطق جهان هستیم. در همین چارچوب یکی از مهمترین وعده های انتخاباتی ترامپ، تکمیل طرح انسداد مرز و دیوار کشی بین مرزهای طولانی دو کشور آمریکا و مکزیک بود که در طی سال ۲۰۱۸ بخش های از آن احداث شده است. در سایر مناطق جهان نیز این نگرانی و احساس تهدید وجود دارد، لذا بر خلاف دو دهه قبل بار دیگر امنیت

مرزها به دغدغه اصلی حکومت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان تبدیل شده است. مراکز انتظامی و پاسگاههای مرزی بدون تردید یکی از مهمترین عوامل موثر بر استقرار امنیت در مرز و مناطق مرزی است. مکان‌گزینی دقیق و صحیح پاسگاههای مرزی می‌تواند نقش موثری در کارایی پاسگاههای مرزی داشته باشد. در این پژوهش با استفاده از منابع معتبر و مرتبط ۱۳ معیار جهت مکان‌گزینی بهینه پاسگاههای مرزی انتخاب شد. سپس مکان‌های مساعد جهت استقرار پاسگاههای مرزی در منطقه مورد مطالعه با استفاده از داده‌های آماری و تصاویر ماهواره‌ای و در قالب سه کلاس کاربری با ارزش مناسب، کاربری متوسط و کاربری نامناسب تهیه گردید. شایان ذکر است مکان‌یابی صورت‌گرفته در این پژوهش با توجه به داده‌های دارای اهمیت موجود انجام شده است، لیکن در این پژوهش عواملی مانند ورودی‌های مهم اشرار و قاچاقچیان و راه‌های نفوذ موجود به دلیل نبودن داده‌های مورد نیاز مطرح نگردیده است، لذا در صورت موجود بودن موارد نام‌برده امکان تغییرات در این خروجی‌ها و انجام مکان‌گزینی دقیق پاسگاه‌های مرزی امکان‌پذیر است که خود می‌تواند موضوع مقاله مستقلی گردد.

قدردانی :

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی در دانشگاه فردوسی مشهد با عنوان «تحلیل تغییرات کاربری اراضی مناطق مرزی ایران-خراسان رضوی- و افغانستان با رویکرد پدافند غیرعامل» می‌باشد نگارندگان وظیفه خود می‌دانند از حمایت‌های مادی و معنوی این دانشگاه قدردانی نمایند.

(۸) منابع

- آقا طاهر، رضا؛ فلاح ززولی، محمد؛ زرافشار، مهرداد، جعفری، محسن (۱۳۹۴). ارایه نقشه پهنه بندی مراکز مستعد دفاعی در مناطق جنگلی با تکیه بر AHP و GIS مورد مطالعه: علی‌آباد کتول استان گلستان. فصلنامه علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۲۴، شماره ۹۵، پاییز ۹۴. ص ۸۲.
- بهرام آبادی، بهروز (۱۳۸۸)، تاثیر ژئومورفولوژی روی عملیات و اهداف نظامی در منطقه مسیله دشت قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ احمدی دهکاء، فریبرز (۱۳۸۹). ارزیابی تهدیدات امنیت ملی در مرزهای مناطق شمالی ایران. نشریه آمایش محیط، دوره ۳، شماره ۹، ص ۵۳-۷۷.
- حنفی، علی؛ حانمی، ایرج (۱۳۹۲)، مکان‌یابی مناطق مساعد برای استقرار نیروهای نظامی در منطقه مرزی مهران با استفاده از GIS. فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت نظامی شماره ۴۹، سال سیزدهم، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۰۷-۱۲۸.
- خطابی، غلامحسین (۱۳۷۴)، مرزبانی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- رهنما، محمد رحیم، آقاجانی، حسین (۱۳۹۰)، مطالعات آمایش استان خراسان رضوی. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- رئیس‌السادات، سید حسن؛ ناصری، اکرم؛ مطلبی پور، رضا (۱۳۹۴). عوامل ژئوپلیتیکی موثر ر امنیت مرزی خراسان در ادوار تاریخ، تاریخ فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی، سال ۴، شماره ۱، پیاپی ۱۲، ص ۷۲-۸۸.
- زرقانی، سید هادی؛ اعظمی، هادی (۱۳۹۰)، تحلیل ملاحظات نظامی-امنیتی در آمایش و مکان‌گزینی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی با تاکید بر استان خراسان رضوی، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۲ (پیاپی ۷۲)، ص ۱۴۲-۱۶۱.
- زرقانی، سید هادی (۱۳۹۸)، درآمدی بر امنیت پایدار مرز و مناطق مرزی. تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران

زرقانی، سیدهادی، اعظمی، هادی، لطفی، امین(۱۳۹۲)، بررسی شیوه ها و سیاست های مدیریت مرزها و نقش آن در امنیت مرز، نمونه موردی: مرزهای شرقی ایران(خراسان رضوی-افغانستان)، مجله جغرافیای و توسعه ماحیه ای، شماره بیستم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۸۳-۱۰۸.

سرور، رحیم؛ یحیی پور، ایرج(۱۳۹۳)، مکان یابی بهینه پارکینگ های طبقاتی بر اساس مدل تحلیل سلسله مراتبی و منطق بولین(مطالعه موردی: منطقه ۱۵ شهرداری تهران). فصلنامه اطلاعات جغرافیایی(سپهر)، دوره ۲۳، شماره ۹۰، ص ۸۸-۸۰.

شمس الدینی، علی؛ دهفانی، کیومرث(۱۳۹۳). مکان یابی بهینه روستاهای کانونی با استفاده از مدل تصمیم گیری Tppsis(مطالعه موردی: بخش دشمن زیاری- سهرستان ممسنی). فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۱، شماره ۳، ص ۶۳-۷۹.

عبادی نژاد، سید علی؛ بهرام آبادی، بهروز(۱۳۹۵). مکان یابی پاسگاه های مرزی و تعیین مناطق مستعد نفوذ با استفاده از سیستم استنتاج فازی و GIS(مورد مطالعه: محدوده نوار مرزی شهرستان نهبندان). فصلنامه مدیریت نظامی، سال شانزدهم، شماره ۳، ص ۶۳-۹۲.

کریمی، مرتضی، وفایی، علی اکبر(۱۳۹۲). امنیت سازی با توسعه پایدار در مناطق مرزی(مطالعه موردی، شهر مریوان). مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، شال چهارم، شماره پانزدهم، ص ۹۵-۱۱۲.

محمد حسینی، مسعود؛ علی پور، عباس(۱۳۹۱)، سنجش تهدیدهای امنیتی در جنوب شرق ایران(با تاکید بر امنیت مرزی).

محمود بابویی، امید؛ محمودبابویی، بیژن(۲۰۱۳)، تحلیل مکانیابی در آمایش دفاعی و پدافند غیر عامل، کنفرانس بین المللی تجارت الکترونیک تحت تحریم(International E-Conference on Economy under sanctions).

مقیم، ابراهیم؛ یمانی، مجتبی؛ بیگلو، جعفر؛ مرادیان، محسن؛ فخری، سیروس(۱۳۹۱)، تاثیر ژئومورفولوژی زاگرس جنوبی بر پدافند غیرعامل در منطقه شمال تنگه هرمز(با تاکید بر مکان یابی مراکز ثقل جمعیتی)، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی سال دوازدهم، شماره ۴۸، ص ۷۷-۱۱۲).

موضوعی، نفیسه و خلیل پور، ابراهیم(۱۳۸۸). مکان یابی پایانه مسافربری بین شهری با تاکید بر پارامترهای محیط طبیعی(اقليم هیدرولوژی، توپوگرافی)، مطالعه موردی شهر تسوج، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۰، شماره ۱۳، ص ۱۵-۲۸.

نصیری، محمدرضا(۱۳۸۸)، ارائه مدل مکان یابی مراکز حساس و حیاتی با توجه به اصول پدافند غیر عامل. پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

Satyanarayana ,Yogendran ,۲۰۰۶. Blog Word press.

Chandra, A.M.(۲۰۰۲): Higher Surveying, New Age International Pvt. Ltd., publishers, New Dehli, India.

نسبت امنیت پایدار با موقعیت بالادستی نمونه پژوهشی: رودخانه مرزی اترک

دکتر مراد کاویانی راد^۱، سیدمحمدجواد سیدی فرد^{۲*}

۱- دانشیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، نویسنده مسئول

*velayateeshgh63@yahoo.com

چکیده

آب به عنوان عنصری جغرافیایی که سراسر زیست سپهر، در پیوند با آن قرار دارد، به گونه ای نا همسان در سطح زمین پراکنده است و جهت دهنده فرهنگ و مدنیت انسان ها بوده و بر همین اساس مفاهیم امنیت، رفاه، ثبات، پیشرفت و توسعه، پیوند عمیقی با آب دارد. برقراری و حفظ امنیت پایدار به عنوان یک نیاز اولیه و حیاتی بشر که در گرو ایجاد یک بستر مطمئن در جوامع بشری و تعاملات سیاسی است، تا حدود زیادی حول محور آب، رقم خورده است به گونه ای که هژمونی و سیاست های سلطه جویانه قدرت های بزرگ همواره سعی در کنترل منابع آب در حوزه های مشترک، به نفع خود داشته و از این رهگذر گفتمان هایی نظیر جنگ و صلح آب، امنیت جوامع را متأثر ساخته است. از آنجا که موقعیت بالادستی (هیدروهژمونی) منبعث قدرت نسبی کشورها در حوزه های آب مشترک است، می تواند نقش بزرگی را در پایداری امنیت و یا ایجاد تنش میان قدرت ها، ایفا کند. از این رو به نظر می رسد میان وضعیت بالادستی منابع آبی مشترک از جمله رودخانه های مرزی، در برقراری امنیت پایدار میان کشورها رابطه مستقیم و دوسویه ای برقرار باشد. این پژوهش بر این فرضیه استوار است که با نگرش به موقعیت بالادستی ایران در حوضه رودخانه اترک، مناسبات هیدروپلیتیک با رویکرد همکاری های آب پایه بهتر می تواند به پایداری امنیت این بخش از کشور با ترکمنستان کمک کند. از این رو با استفاده از روش گردآوری کتابخانه ای به صورت تحلیلی - توصیفی و بهره گیری از مصاحبه و منابع آماری و اینترنت، ضمن بررسی وضعیت هیدروپلیتیک و ارکان هیدروهژمونی رودخانه مرزی اترک، مناسبات امنیتی متأثر از این حوزه آبی مشترک میان ایران و ترکمنستان را احصاء نموده و در نهایت چشم انداز و زمینه دستیابی به امنیت پایدار براساس همکاری های آب پایه را در قالب مدل ارگون، ترسیم شده است.

واژگان کلیدی: هیدروپلیتیک، هیدروهژمون، امنیت پایدار، رودخانه مرزی، ایران، ترکمنستان و رود اترک

۱- مقدمه

آب، به عنوان یک عنصر بنیادین جغرافیایی دارای پراکنش ناهمسانی در سطح زمین است به گونه‌ای که فقط ۳ درصد آب‌های روی سطح زمین، شیرین هستند و ۹۷ درصد دیگر در اقیانوس‌ها قرار دارند. (<https://www.e-education.psu.edu>). همچنین، در طول قرن بیستم میزان برداشت و تقاضا برای آب هر سال ۳.۲ درصد افزایش یافته (Shiklomanov, ۱۹۹۹). و چنین به نظر می‌رسد که محدودیت جدی در حوزه آب‌های شیرین، در حال گسترش است. از سوی دیگر، هرگاه مطلوب (قدرت، ثروت و منزلت) محدود باشد مناسبات قدرت سر بر می‌آورند. بر همین مبنا برآوردها نشان می‌دهند که وضعیت «کمبود» بیشتر در قالب، هموردی و کشمکش در مناسبات و داد و ستد بازیگران قدرت نمود داشته است (کاویانی‌راد، ۱۳۹۸: ۲۴). چنین به نظر می‌رسد که محدودیت‌های آبی و مناسبات قدرت حاصل از آن، می‌تواند نقش مؤثری را در برقراری و حفظ امنیت به عنوان عامل اساسی در ایجاد و پایداری قدرت ملی کشورها، ایفا کند. از جمله نتایج اعمال قدرت کشورها در حوزه‌های آب‌های شیرین مشترک، بروز هیدروهمز مونی است که ناظر بر ایجاد برتری و سلطه قدرت‌ها در کنترل منابع آب است (همان: ۷۳). به عبارت دیگر، موقعیت بالادستی هر کشور در حوزه آب‌های شیرین مشترک از جمله رودخانه‌های مرزی، در قالب مفهوم هیدروپلیتیک برای بررسی نظام‌مند اندرکنش دولت‌ها (Meissner, ۱۹۹۹: ۴)، رابطه‌ای دوسویه و مستقیمی با قدرت ملی کشورها و عوامل شکل دهنده قدرت ملی، مانند امنیت دارد. از این جهت به نظر می‌رسد که وضعیت بالادستی کشورها در حوزه رودخانه‌های مرزی به عنوان منابع آب شیرین سطحی، می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در برقراری و حفظ امنیت پایدار حکومت‌های سرزمینی، نقش‌آفرین باشد.

رودخانه مرزی اترک با حجم سالانه ۴۴۰ میلیون مترمکعب آب و به طول حدود ۸۰ کیلومتر، مرز مشترک ترکمنستان و جمهوری اسلامی ایران را تشکیل داده است. به نظر می‌رسد با وجود برقراری امنیت پایدار نسبی بین دو کشور، با توجه به ویژگی‌ها و موقعیت ژئوپلیتیکی فضای پیرامونی نزدیک (ترکمنستان)، خشکسالی‌های متمادی و محدودیت‌های جدی در تأمین آب شرب و کشاورزی برای و نیز چالش‌های حقوقی بر سر تعیین حدود مرزی در حوزه رودخانه اترک، زمینه تنش و هموردی متقابل، فراهم است و به تبع آن امنیت پایدار در این حوزه، تهدید خواهد شد. در همین راستا وضعیت بالادستی رودخانه اترک می‌تواند نقش مؤثری را در حفظ امنیت پایدار کشور با موقعیت بالادستی ایفا کند. از این رو بررسی وضعیت ارکان هیدروهمز مونی رودخانه مرزی اترک به منظور ترسیم چشم‌انداز امنیت پایدار کشورهای همسایه، بویژه جمهوری اسلامی ایران، امری ضروری است. برای دستیابی به این مهم، برآنیم تا با بهره‌گیری از مدل ارگون، در گام اول با تحلیل و بررسی وضعیت و سیاستگذاری‌های کنونی، تهدیدها و فرصت‌ها و شرایط حال حاضر، تبیین گردد. سپس در گام دوم بدنبال شناسایی آینده و موقعیت پیش‌رو خواهیم بود. در گام سوم آینده و وضعیت مطلوب راتبیین نموده و در گام چهارم، چگونگی دست‌یابی به هدف مطلوب که همان امنیت پایدار متأثر از موقعیت بالادستی است، تعریف و تبیین می‌شود.

۲- روش تحقیق

روش‌شناسی این مقاله، دارای ماهیتی توصیفی - تحلیلی بوده و ه سعی شده است با بهره‌گیری از روش گردآوری کتابخانه‌ای (استفاده از مصاحبه با کارشناسان، کتب، نشریات، اینترنت و منابع اسنادی و رویدادی) به ترسیم چشم‌انداز پیش‌رو پرداخته شود. ابزار و روش گردآوری داده‌ها با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، اینترنت و خبرگزاری‌ها و مقالات علمی و تحلیل اسنادی بوده و با تأکید بر اصول و منابع فلسفه و پارادیم روش‌های تفسیری و با بهره‌گیری از مدل ترسیم چشم‌انداز "ارگون"، چهار مرحله و گام اساسی برای توصیف و تحلیل فضای جغرافیایی رودخانه مرزی اترک و بررسی چگونگی برقراری و حفظ امنیت پایدار متأثر از موقعیت بالادستی جمهوری اسلامی ایران، در نظر گرفته شده و سناریوی پیش‌رو، مطرح گردیده است. مدل "ارگون" مدلی است که توسط شاخه ایالت ارگون برنامه‌ریزان آمریکا و به منظور ترویج و حمایت از برنامه‌ریزی‌های بلند مدت تدوین شده و توسط "استیون امس" به رشته تحریر درآمده است. این مدل شامل چهار گام است و هر یک از

این گام ها از یک پرسش ساده تشکیل می شود: ۱- اکنون در کجا هستیم؟ ۲- به کجا می رویم؟ ۳- کجا می خواهیم باشیم؟ ۴- چگونه به آنجا برسیم؟ (گلکار، ۱۳۸۴: ۱۹). درک آسان، نگاه مشارکتی به پیشبرد مسائل، تحلیل فرآیند و برنامه ریزی راهبردی و همچنین توسعه محوری، از ویژگی های این مدل است. در ادامه چگونگی و نسبت امنیت پایدار با موقعیت بالادستی (هیدروهمزومنی) در حوزه رودخانه مرزی اترک، در قالب مدل ارگون، بررسی خواهد شد.

۳- بنیادهای مفهومی پژوهش

۳-۱- امنیت پایدار

امنیت مقوله ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و مقدمه لازم برای حیات سیاسی و اجتماعی دولت ها به شمار می آید (Nekola, ۲۰۱۴: ۳) و به عنوان یک مفهوم عام، تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را در برمی گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می خورد (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۲۴). امنیت به طور سنتی مترادف با امنیت ملی و با دو هدف اصلی نگریسته شده است: ۱- پاسداشت یکپارچگی سرزمینی کشور ۲- حفظ حکومت با استفاده از ابزارهای سیاسی - نظامی (kirchner and tiroch, ۲۰۱۲: ۳۷۰). از منظر تاریخی تهدیدهای امنیت ملی بیشتر گواه بر حمله مسلحانه خارجی توسط دولت ها در برابر هم تفسیر شده است (Busby Jushua, ۲۰۰۹: ۳) و در گذشته به حفاظت از مرز و سرزمین از تهدیدهای خارجی با استفاده از قدرت نظامی مربوط می شد (Abatudu, ۲۰۰۱: ۱۰) اما کاربرد کنونی آن ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا متداول گردید و تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین الملل پدید آمد، باعث کارایی بیشتر آن شد. سلطه گری به همراه تهدیدهای غیر نظامی شامل تخریب محیط، فقر، مهاجرت های اقتصادی، مناقشات بر سر منابع، گسترش مواد مخدر و ... مباحث جدیدی در مورد معنی امنیت پدید آورد (Jolly & Basuray, ۲۰۰۷: ۴۵۷). به عبارتی، در گذشته امنیت به صورت سلبی (فقدان تهدید نظامی) تعریف می شد، اما در مطالعات جدید امنیت، ابعاد متعددی به مفهوم امنیت افزوده شده و امنیت به مفهومی چند بعدی تبدیل شده که از مباحث زیست محیطی و اقتصادی تا تهدیدهای نظامی را شامل می شود (Ross, ۲۰۱۲: ۵). واقعیت یافتن امنیت در محیط جغرافیایی، مستلزم اقدامات و برنامه ریزی های ویژه ای است و با مسائل زیادی از قبیل امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی- نظامی، امنیت اجتماعی، امنیت بهداشتی، امنیت زیرساخت محیطی و ... ارتباط دارد (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳). همچنین از نگاهی دیگر، امنیت عبارت است از حفظ تعادل کارکردی سیستم، تضمین کننده موجودیت و نیازهای فردی و جمعی انسان به نحوی که مانع از ایجاد نگرانی و ترس شود (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۲۷) می داند. نگاه امنیت پایدار و تبیین مؤلفه های جامع آن برای کشور امری حیاتی است و این درست همان چیزی است که بخش زیادی از نیروهای فعلی کشور را به خود متمرکز کرده است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵۶). در یک برآیند کلی از مباحث ذکر شده، می توان گفت: «امنیت» عبارت است از حاصل برقراری و ایجاد یک بستر مطمئن در جامعه بشری به گونه ای که تعاملات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، دفاعی، اقتصادی و غیره، در کمال آرامش و با حداکثر راندمان مورد نظر، صورت پذیرد.

از نگاه برخی دیگر از صاحب نظران، راهبردهای دستیابی به امنیت پایدار عبارتند از:

- بازسازی مرجعیت امنیتی مردم نهاد.
- استحکام نرم افزاری و سخت افزاری اصول امنیت پایدار.
- استقرار نظام آموزشی اعتلایی ارتقایی.
- مهندسی سازوکار سنجش ریاضی رفتار.
- تحقق شاخص های نام کارگزاری در انتصاب مسئولان.
- پلایش گرایش های انحرافی و تخدیری.
- تبیین وابستگی معیشت و امنیت پایدار (لطیفیان، ۱۳۹۱: ۵۴).

درواقع امنیت پایدار؛ اطمینان قوی توأم با شواهد عینی نسبت به بقا، تداوم و استمرار وضعیت ها و نظام های مؤثر در حفظ و ارتقای فیزیک جسمانی، هویت و دارایی های مادی و معنوی از سوی امنیت جویان در برابر تهدیدات موجود و متصور حال و آینده، تعریف می شود (قیصری، ۱۳۹۲: ۵۰). در همین راستا، در بندهای ۴۴ و ۵۴ سیاست های کلی برنامه پنجم، "امنیت پایدار" در پنج حوزه ((هویت و همبستگی ملی، ارتقای جایگاه جهانی ایران، حاکمیت ملی، امنیت نرم و قدرت و بازدارندگی دفاعی)) تبیین شده است (همان: ۵۲). از نگاهی دیگر رویکرد امنیت پایدار با تمرکز بر راهبردهای پیشگیرانه (و نه انفعالی) بر شناسایی نیروهای اصلی ناامنی و تعارض تأکید می کند. اساس رویکرد امنیت پایدار این است که نمیتوان همه پیامدهای ناامنی را کنترل کرد، اما باید علل ناامنی را از میان برداشت؛ و این درحالیست که هنوز رویکردهای جاری به امنیت، عمدتاً نگاه ((الگوی کنترلی)) دارند؛ رویکردی که بر این باور تأکید دارد که ناامنی را می توان از طریق نیروی نظامی یا ممانعت کنترل کرد (رحمانی فضلی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۲۲).

۲-۳- هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک گرایشی از جغرافیای سیاسی است. جغرافیای سیاسی به عنوان شاخه ای از علم جغرافیا از منظر هستی شناسی و ماهیت، ترکیبی از دو مؤلفه اصلی آن جغرافیا (مکان، سرزمین، قلمرو، منابع) و سیاست (قدرت، حاکمیت و سیاست گذاری) است. این دو مؤلفه، واقعیت وجودی جغرافیای سیاسی را شکل می دهند که در پدیده ها، مکان ها و فضاهای جغرافیایی که ویژگی سیاسی دارند، نمود می یابد (حافظنیا و کاویانی راد، ۱۳۹۳: ۶۳). تا کنون از دانش واژه هیدروپلیتیک تعاریف اندکی به دست داده اند که در ادامه به شماری از آنها اشاره می شود:

* آنتونی تورتون (۲۰۰۲) بنیاد تعریف خود از هیدروپلیتیک را بر امر «توزیع» قرار می دهد و بر پایه آن هیدروپلیتیک را «تخصیص آمرانه ارزش ها در جامعه با محوریت آب» تعریف می کند (Turton, ۲۰۰۲: ۱۳).

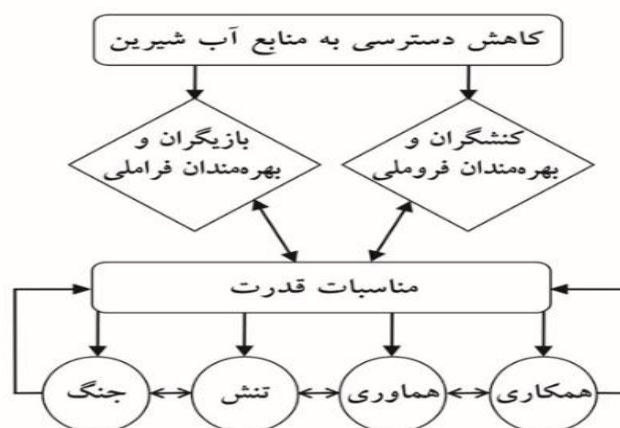
* هیدروپلیتیک «کوشش برای بسیج پشتیبانی از تقویت پایگاه قدرتی که بتواند عرضه، مدیریت و توزیع متعادل و پایدار منابع آب برای مناطق، جوامع و فعالیت های خاص تضمین کند» (Jankielsohn, ۲۰۱۲: ۱۲۶).

* دانشنامه برخط آکسفورد: هیدروپلیتیک را «سیاست تخصیص و مدیریت منابع آب به ویژه بین کشورها» می داند (<http://www.oxfordreference.com>)

بر این بنیاد، موضوع منابع آب و حوضه های آبریز مشترک و رودهای فرامرزی به عنوان پدیده جغرافیایی مشترک که میان چند کشور یا واحد سیاسی-فضایی گسترده است و بر مناسبات قدرت آنها تأثیر دارند، در قالب مفهوم هیدروپلیتیک، مورد پژوهش حوزه جغرافیای سیاسی هستند. زمانی که آب کم می شود و منبع ملی-راهبردی به شمار می آید، هیدروپلیتیک باید در مدیریت منطقی آب های بین المللی را بازنگری کند (Biswas, ۱۹۹۳: ۱۷۹). آب عامل جغرافیایی است که در زایش و کاهش قدرت واحدهای سیاسی-فضایی نقش دارد و کمبود منابع آب یا هرگونه تغییر در میزان دسترسی به آن می تواند به درگیری میان آنها بیانجامد. از این رو، مناسبات هیدروپلیتیک وجهه امنیتی پررنگ تری دارند و احتمال منازعه را افزایش می دهد و کمبود آب به عنوان واقعیتی عینی-جغرافیایی در کانون تحلیل های ژئوپلیتیک قرار می گیرد. همچنین هیدروپلیتیک ناظر بر توانایی نهادهای ژئوپلیتیک است تا منابع آب مشترک را به نحوی از نظر سیاسی، پایدار و بدون تنش و درگیری بین واحدهای سیاسی-فضایی مدیریت کنند. به عبارت دیگر دولت ها یا اجزای آنها به عنوان واحد تحلیل در شکل گیری همکاری یا ناسازگاری نقش دارند. این نگرش از سال ۱۹۸۵ تا کنون در ادبیات نوشتاری هیدروپلیتیک بازتاب داشته است (Turton and Henwood, ۲۰۰۲: ۵۴). درهم تنیدگی رخدادها و دگرگونی های اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی با کمبود و کاهش منابع آب، سراسر نمودی جغرافیایی-سیاسی یافته اند. از آنجا که سرشت و کارکرد دگرگونی ها و پیامدهای یاد شده سراسر نمودی جغرافیایی-سیاسی دارد در تعریف هیدروپلیتیک ناگزیر به پیروی از چینش و استوارسازی این مفهوم و پیوست های آن بر بنیاد جغرافیای سیاسی هستیم. بر این پایه، «هیدروپلیتیک گرایشی از جغرافیای

سیاسی است که درهم‌تنیدگی مناسبات قدرت با اندرکنش‌های جوامع و واحدهای سیاسی-فضایی بر سر منابع آب شیرین از مقیاس محلی تا جهانی را مطالعه می‌کند» در این تعریف منظور از قدرت، توانایی خلق وضعیت مطلوبی است که زمینه بقا و بهزیستی کنشگر یا بازیگر (جامعه یا واحدهای سیاسی-فضایی) را فراهم کند. طبیعی است با نگرش به موقعیت جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیک واحدهای سیاسی-فضایی و ادراک محیطی رهبران و کارگزاران سیاسی مفهوم و مصداق وضعیت مطلوب، نسبی و متفاوت از هم خواهد بود. اما این توافق هست که کسب بیشترین سرمایه و اندوخته با کمترین هزینه وجه، عقلانی و راهبردی خلق وضعیت مطلوب است. به فراخور برداشتی که قلمروداران (کارگزار، نماینده یا حاکم) از رفاه، امنیت و توسعه خود دارند یکی از ابعاد مناسبات قدرت در قالب همزیستی، هموردی، کشمکش و جنگ را بر می‌گزینند. یافته‌ها گویای آن هستند که اساساً وضعیت مطلوب برای انسان با نبود آب بی‌معنا و با کمبود آب ناسازگار و ناپایدار است. از این رو، کوشش برای فراهم‌سازی منابع پایدار آب همواره در پس اندیشه و عملکرد قلمروداران وجود داشته است. با نگرش به افزایش مصرف و درخواست فزاینده برای آب، تاریخ پس از جنگ جهانی دوم تا کنون نمونه‌های متعددی از همکاری تا کشاکش بر سر دسترسی به منابع آب شیرین را نشان می‌دهد. واکاوی مناسبات هیدروپلیتیک بازیگران فرامرزی گویای آن است که بر خلاف پنداشته‌های واپسین دهه‌های سده بیستم که سده بیست‌ویکم جنگ آب، رویکرد غالب مناسبات هیدروپلیتیک خواهد بود بررسی اندرکنش‌های آب پایه چند دهه اخیر نشان می‌دهد رویکرد حاکم بر مناسبات هیدروپلیتیک همکاری کشورهای کناره حوضه آبریز و منبع مشترک آب بوده است که در این میان، بهره‌گیری از رهیافت‌های حقوق بین‌الملل آب، نمود و بسامد بالایی داشته است. چیرگی رویکرد یاد شده نشان از آن دارد که قلمروداران مقیاس ملی در بسیاری از مناطق برای راه‌کارهایی چالش‌های آبی از ژئوپلیتیک سنتی در شکل هموردی که هزینه بالایی دارد فاصله گرفته و همکاری، دیپلماسی و رویکردهای حقوقی را برگزیده‌اند. چالش‌های بنیادی آب پایه در مناطقی نمود بالایی دارد که هنوز رویکرد و عملکرد رهبران و کارگزاران از ژئوپلیتیک سنتی در قالب هموردی، جبرگرایی محیطی، نگرش حذفی، سخت‌افزاری و تأکید بر جنگ‌افزار و توانش رزمی، نگرش هیدروهمژمونی و سیاست‌های رئالیستی در کسب قدرت پیروی می‌کند که بازتاب‌های آن در قالب تهدید امنیت آبی و غذایی، تهدید محیط‌زیست کشورهای کناره‌ای حوضه آبریز یا منبع مشترک یا کشور فرودست نمود می‌یابد. در بیشتر کشورهای جنوب غرب آسیا، آسیای مرکزی و خاور آفریقا مناسبات هیدروپلیتیک همراه با هموردی و تنش کشورهای واقع در حوضه‌های آبریز دجله-فرات، آبریز هریرود، نیل، کشاکش‌های آب‌پایه در سرزمین‌های اشغالی و سیاست‌های هیدروهمژمونیک رژیم صهیونیستی برای مهار، جهت‌دهی و گردآوری آب‌های منطقه، اختلاف هند و پاکستان بر سر اشتراک آب رود سند(ایندوس)، اختلاف تاجیکستان بر سر منابع آب رودخانه‌ای با ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان در آسیای مرکزی، رویکرد فزون‌خواهانه برخی سران افغانستان در حوضه آبریز هریرود و هیرمند در قالب نادیده‌انگاری توافق‌نامه‌ها و نیازهای محیط‌زیست و جوامع محلی پایین‌دست این رودها نمودهایی از هیدروهمژمونیک و ژئوپلیتیک سنتی هستند که بی‌گمان تنش‌زا، هزینه‌زا و همکاری‌ستیز خواهند بود (کاویانی راد، ۱۳۹۸: ۴۰). در یک نگاه کلی و جامع، می‌توان گفت: جستار هیدروپلیتیک در ادبیات جغرافیای سیاسی به واکاوی جایگاه منابع آب در مناسبات قدرت واحدهای سیاسی-فضایی در مقیاس فروملی، ملی و فراملی می‌پردازد (کاویانی راد، ۱۳۹۹: ۱۵۳).

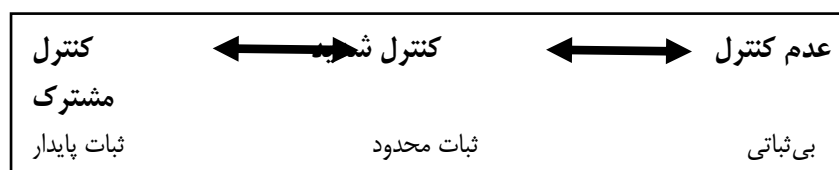
شکل ۱- الگوی مفهومی هیدروپلیتیک



(منبع: کاویانی راد، ۱۳۹۸: ۱۳۷)

۳-۳- موقعیت بالادستی (هیدروهمژمونی)

یافته‌ها نشان می‌دهند که از هزاره سوم پیش از میلاد (از دوران سومر در میان‌رودان) تا ۲۰۱۸، ۶۵۵ درگیری در سراسر جهان بر سر آب رخ داده است (<http://www.worldwater.org>). اساساً کمبود یا نبود آب، برآشوبنده مفاهیمی چون امنیت، ثبات، رفاه، پیشرفت و توسعه و ... و تهدیدکننده حیات، مدنیت و بقا جوامع و واحدهای سیاسی- فضایی است. بر بنیاد یافته‌ها منابع آب، به اندازه و همسان در زمین توزیع نشده است و منابع موجود هم برخاسته از تغییر اقلیم، کاهش بارش، افزایش جمعیت، شهرنشینی، گسترش درخواست آب، صنعتی شدن بسیاری از کشورها، آلودن منابع آب شیرین، مدیریت ناکارآمد منابع آب، ذوب یخچال‌ها و تغییر نوع بارش از جامد به مایع در بسیاری از مناطق جهان به کاهش منابع آب رو و زیرزمینی به تغییر نگرش و برداشت دارندگان آب و خواهندگان آب در قالب دامنه‌ای از همکاری، هم‌اوردی، کشمکش تا کشاکش واحدهای سیاسی- فضایی و جوامع کناره حوضه‌های آبریز در مقیاس فروملی تا منطقه‌ای انجامیده است (کاویانی راد، ۱۳۹۸: ۴۰) و بر همین مبنا، تصور ثبات و پایداری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کشوری بدون برخورداری از منابع آب کافی ناممکن است. اختلال در دسترسی به منابع آب کافی منجر به اختلال جدی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و پایداری زیست محیطی و به‌طور کلی همه ارکان یک جامعه و فروپاشی آن می‌شود. آرون ولف، مدعی است که اقدام نظامی بر سر آب تنها به وسیله هم‌مونی منطقه‌ای پایین دست در برابر کشور کناره‌ای رودخانه بالادست حوضه معنا دارد (Baranyai, 2018: 27). برخی مناطق مانند غرب آسیا که اندازه مصرف بر منابع آب پیشی گرفته است در عین حال چندین حوضه آبریز مشترک دارد که رویکردهای فزون خواهانه حاکم بر کشورهای فرادست زمینه تنش میان کشورهای کناره رودهای مرزی را فراهم کرده است. موقعیت بالادستی، وضعیتی است که در آن کشور قوی مقدار بیشتری آب نسبت به سهم خود استفاده می‌کند. مثل اسرائیل در حوضه رود اردن، مصر در حوضه رود نیل و ترکیه در حوضه دجله و فرات. به‌نظر می‌رسد وضعیت بالادستی بیشتر مربوط به قدرت سیاسی و اقتصادی یک کشور است تا موقعیت بالادستی یا پایین دستی. هیدروهم‌مونها تمایل به حفظ سلطه و بهره‌برداری بیشتر از آب دارند (Warner & Zeitoun, 2008: 805-806). هیدرو هم‌مونی کشوری است که در یک حوضه مشترک ایده و گفتمان خود را در خصوص میزان و نحوه استفاده از آب، با تحمیل یا ایجاد رضایت نسبی غالب می‌کند و رهبری حوضه را به‌دست گرفته و مانع از ایجاد تغییر در وضعیتی می‌شود که مطلوب آن است. به عبارت دیگر، در یک حوضه آبریز مشترک، کشور هیدروهم‌مونی، کشوری است که کنترل‌کننده نحوه بهره‌برداری از منابع آب بوده و تعیین کننده شکل تعاملات آبی در حوضه آب مشترک باشد (Zeitoun & Warner, 2006: 158). تعریف گرامشی از موقعیت بالادستی نیز به موفقیت یک کشور در غالب کردن دیدگاه و ایدئولوژی خود دلالت دارد. موقعیت بالادستی ماهیت روابط در حوضه را بسته به میزان منافی که در نظر دارد تعیین می‌کند و علت این امر نیز این است که کشور قدرتمند معمولاً تاکتیک‌های بیشتری در اختیار دارد و توانایی آن را برای تأثیرگذاری بیشتر می‌کند. بسته به میزان کنترل موقعیت بالادستی بر منابع آب نتایج متفاوتی حاصل می‌شود که در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.



شکل شماره ۲: نتایج ناشی از میزان کنترل موقعیت بالادستی بر منابع آب مشترک (کاویانی راد، ۱۳۹۸: ۷۴)

موقعیت بالادستی (هیدروهمژمونی) عمدتاً ناشی از سه رکن است که موجب ایجاد عدم تقارن در قدرت می‌شوند. شکل شماره ۳ ارکان هیدروهمژمونی را نشان می‌دهد.

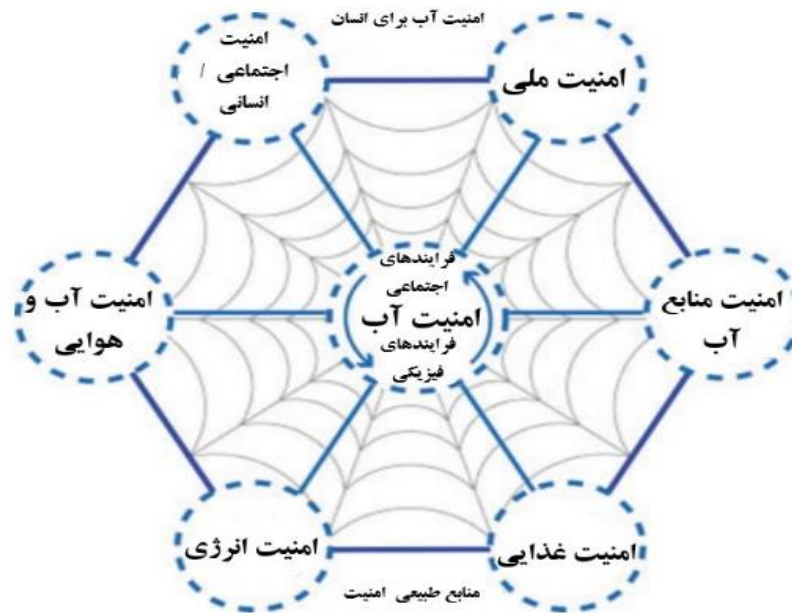


شکل شماره ۳: ارکان هیدروهمژمونی (Zeitoun and Warner, ۲۰۰۶: ۴۵۱)

۳-۴- امنیت پایدار و موقعیت بالادستی (هیدروهمژمونی)

آب هم از جهت نقش مستقیم و غیر مستقیم خود در ابعاد، ارکان و سرچشمه‌های قدرت ملی کشورها نقش مهم و انکار ناپذیری دارد و هم از جهت استفاده آن برای کنترل، ایجاد برتری و سلطه در رقابت‌ها که از آن به موقعیت بالادستی یاد می‌شود. یکی از عوامل بروز هیدروهمژمونی، قدرت نسبی کشورهای واقع در یک حوزه مشترک است (کاویانی راد، ۱۳۹۸: ۷۶) و از این رهگذر، شاهد شکل‌گیری فرآیند هیدروپلیتیک و مناسبات قدرت در قالب همکاری، هم‌اوردی، تنش و یا جنگ خواهیم بود. در هیدروپلیتیک، به عنوان شاخه ای از علم جغرافیای سیاسی، به درهم‌تنیدگی مناسبات قدرت با اندرکنش‌های جوامع و واحدهای سیاسی - فضایی بر سر منابع آب شیرین از مقیاس محلی تا جهانی می‌پردازد. (همان: ۴۰) از این رو مطالعات مرتبط با موقعیت بالادستی و مفاهیم مرتبط با آن نیز، در بستر هیدروپلیتیک، قابل بررسی است.

امروزه چهره متغیر امنیت ملی، مسائل زیست‌محیطی به‌خصوص موضوع‌های مربوط به مسئله آب و تغییر اقلیم را در خود جای داده است به طوری که در همراهی با فرآیند جهانی‌شدن و روند وابستگی متقابل، این مسئله در دسته مسائل بسیار مهم سیاست خارجی کشورها قرار گرفته و در مناسبات بین کشورها به عنوان یک عامل بسیار تاثیرگذار مطرح شده است. آب به عنوان موضوعی کلیدی در موقعیت ژئوپلیتیک کشورها از مقولاتی است که به دلیل اهمیت آن بسیار بیشتر از گذشته مورد توجه دولت‌ها در سیاست‌گذاری داخلی و خارجی کشورها قرار گرفته است. امنیت پایدار آب به عنوان عملکردی از وابستگی متقابل حوزه‌های مختلف امنیتی است که در داخل شبکه‌ای از نیروهای اجتماعی-اقتصادی و سیاسی در مقیاس‌های مختلف فضایی، پخش شده است. این شبکه شامل منابع امنیتی طبیعی (منابع آب، انرژی، آب‌وهوا و غذا) و امنیت گروه‌های اجتماعی (فرد، جامعه و ملت) است. از سوی دیگر فرایندهای پیچیده سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی نیز در موضوع امنیت آب مورد توجه قرار می‌گیرد که ناشی از مطالعاتی است که در زمینه اقتصاد سیاسی بین‌الملل، آسیب‌پذیری و ریسک‌پذیری زیست‌محیطی بر روی آب انجام شده است (Zeitoun, ۲۰۱۱: ۲۹۰) این موضوع را نشان می‌دهد.



شکل ۴- مدل مفهومی امنیت آب، منبع: Zeitoun, 2011: 290

از نگاهی دیگر، محیط زیست به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم در حوزه امنیت ملی ارزیابی می شوند. در تاثیرگذاری مستقیم، در پی بروز دگرگونی‌های زیست محیطی، دولت‌ها برای دستیابی یا پایداری سلطه‌شان بر منابع طبیعی در رقابت با یکدیگر قرار می‌گیرند و در روش غیر مستقیم پیامدهای سیاسی - اجتماعی برخاسته از تغییرات پدیدآمده در حوزه محیط زیست، به نوبه خود، زمینه بروز کشمکش را فراهم می‌کند (مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۱۱-۳۰). بر همین اساس است که آب به عنوان یک عنصر مهم زیست محیطی، مهمترین عامل منجر به بی ثباتی و درگیری در منطقه خاورمیانه ارزیابی می شود (Tamimi, ۲۰۰۹: ۱۳۹).

با توجه به آنچه مطرح شد، در یک فرآیند چندوجهی، شاهد کنش‌ها، اندرکنشها و اثرگذاری متقابل میان امنیت، موقعیت بالادستی هستیم. به گونه‌ای که موقعیت بالادستی از رهگذر مناسبات قدرت و هیدروپلیتیک، بر امنیت ملی پایدار اثر گذار است و از سوی دیگر، امنیت پایدار یک کشور، متأثر از موقعیت بالادستی آن خواهد بود.

۳-۵- رودخانه مرزی (بین المللی)

اگر به نقشه سیاسی جهان دقت کنیم، متوجه می‌شویم که در بسیاری از مناطق، رودها به عنوان خطوط مرزی، جداکننده واحدهای سیاسی از یکدیگر هستند. دلایلی که باعث شده است رودها به عنوان مرز انتخاب شوند عبارتست از:

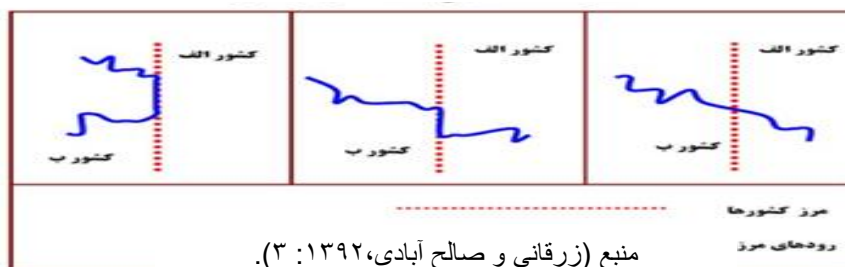
- ۱- رودخانه‌ها به وضوح بر روی نقشه مشخص شده‌اند.
- ۲- در مقایسه با کوه‌ها و تپه‌ها، رودخانه‌ها یک باریکه مشخص " تقریباً خطی " است.
- ۳- جریان‌های گذرناپذیر و موانع ارتباطی ارائه می‌کنند و چنین مسیرهایی به خاطر ایجاد یک خط دفاعی در مقابل ارتش در حال پیشروی، دارای برخی ارزش‌های نظامی است (سامعی، ۱۳۹۸: ۱۲).

نظریه بین المللی کردن رودخانه‌ها برای اولین بار توسط " گروتیوس " و " واتل " ابراز گردید و قبل از آن کلیه رودخانه‌ها ار داخلی و تحت حاکمیت سرزمینی کشورهای سرزمینی کناره آن می دانستند. بعدها در کنفرانس بارسلون (۱۹۲۱)، ضوابط حقوقی و اقتصادی و

قابلیت کشتیرانی رودهای مرزی، نیز مد نظر قرار گرفت (فرشادگر، ۱۳۶۷: ۵-۶). در تعریفی جامع تر از "شارل روسو"، رودخانه مرزی (بین المللی)، اینگونه تعریف شده است: ((هر آب جاری عظیم که قابلیت کشتیرانی داشته باشد از سرزمین چند کشور عبور کند (روزهای پیاپی) و یا سرزمین آنها را از هم جدا کند (رودهای همجوار یا مرزی)، بطور عام رود بین المللی می نامند.)) (روسو، ۱۳۴۷: ۱۵). در این میان برخی از دانشمندان حقوق بین الملل، قابلیت کشتیرانی را به عنوان معیار بین المللی بودن رودخانه مرزی، قبول ندارند. چراکه ممکن است یک رودخانه مرزی، قابلیت کشتیرانی نداشته باشد لکن در زمینه های دیگری مانند تولید برق و یا آبیاری، مورد استفاده قرار گیرند. از نگاهی دیگر، رودخانه های مرزی (بین المللی)، به دو دسته تقسیم می شوند: ۱- رودخانه های مرزی که مرز بین دو یا چند کشور را تشکیل می دهند مانند دانوب، اروند، اترک و ... ۲- رودخانه های پیاپی که از میان دو یا چند کشور عبور می کنند مانند نیل، راین، ارس و ... (ذکی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۱). از مهمترین ویژگی های رودخانه های مرزی عبارتست از:

- ۱- از میان (داخل) سرزمین دو یا چند کشور جاری می شود.
 - ۲- در جوار (کنار) سرزمین دو یا چند کشور جاری می شود (مرزی و چند سرزمینی بودن).
 - ۳- اهمیت اقتصادی اعم از قابلیت کشتیرانی یا کارکرد هیدرولیتیکی و مقاصد آبیاری داشته باد.
 - ۴- رودخانه در حوزه حاکمیت قانونی چند کشور قرار داشته باشد.
- بنابراین از دیدگاه جغرافیای سیاسی اگر چنانچه تمام یا بخشی از قلمرو رودخانه اعم از بستر، سطح و فضای بالای آن تحت نظارت و اعمال حاکمیت قانونی بیش از یک کشور (دولت سرزمینی) قرار بگیرد، رودخانه بین المللی (مرزی)، اطلاق می گردد (همان). نکته قابل توجه این است که از میان ۲۶۳ رودخانه مرزی که حدود نیمی از جهان را پوشش می دهد، همکاری بین دولت های همجوار رودخانه، بیش از منازعه و درگیری بوده است (زرقانی و صالح آبادی، ۱۳۹۲: ۱). همچنین این تعدد آماری، مبین گونه شناسی مختلف رودهای مرزی به شرح شکل شماره (۵) است:

شکل شماره (۵): انواع رودخانه های بین المللی



۴- محیط شناسی پژوهش (محدوده مورد مطالعه)

رودخانه مرزی اترک

حوزه رودخانه اترک در بخش شرقی از کوه کپه داغ شروع شده و در جهت شرق به غرب به صورت نوار باریکی در شمال شرقی کشور گسترش دارد. بیشترین ارتفاع در بخش شرقی آن (کپه داغ) ۲۹۰۳ متر از سطح دریا بوده و کمترین ارتفاع این حوزه در محل خروجی آن (دریای خزر) ۲۷ متر زیر سطح دریا قرار دارد. این حوزه بین مختصات جغرافیایی ۵۴°-۰۰ تا ۵۴°-۰۴ طول شرقی و ۳۶°-۵۸ تا ۳۸°-۱۷ عرض شمالی واقع شده است. مساحت حوزه آبخیز اترک ۳۳۸۹۰ کیلومتر مربع بوده که وسعت آن در داخل کشور ۲۶۴۳۰ کیلومتر مربع است که حدود ۵/۷۶ درصد آن را کوهستانی و ۹۵/۲۳ درصد آن را کوه پایه ها و دشت ها تشکیل می دهد. و مابقی آن در کشور ترکمنستان واقع شده است. بخش عمده مساحت دشت ها در مغرب حوزه و در شمال دشت گرگان قرار داشته و در ناحیه سراب حوزه آبریز به جز دشت قوچان-شیروان، بقیه وسعت زیادی ندارند (حسن زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۳).

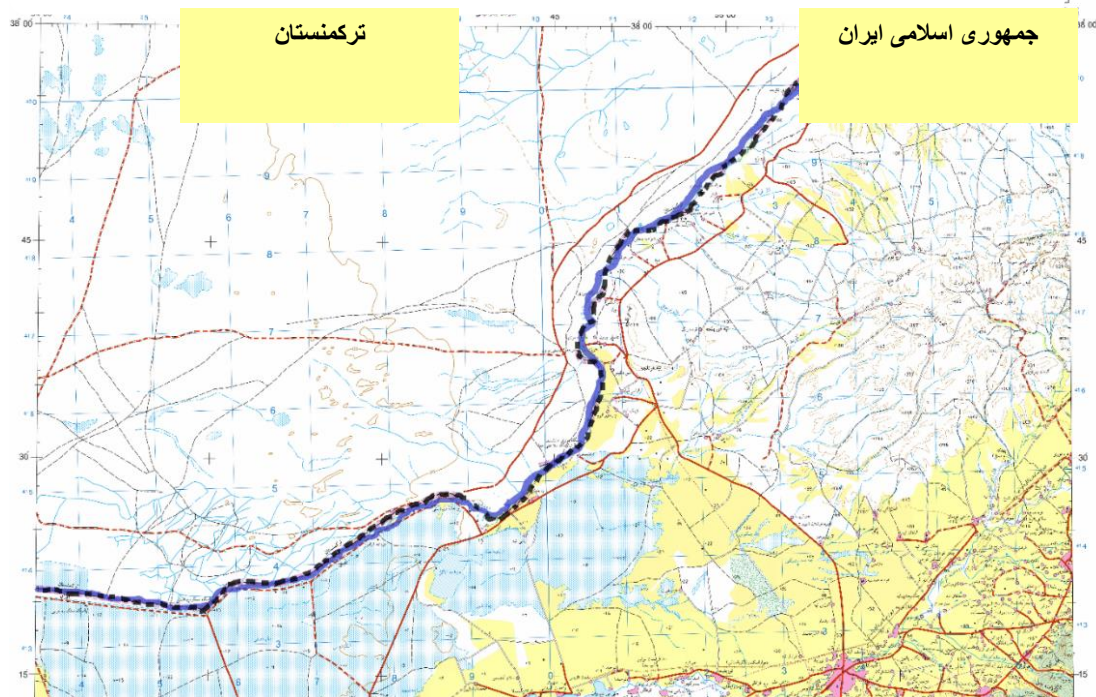
اترک رودخانه های فصلی با متوسط آورد سالانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون متر مکعب است (طوس آب، ۱۳۸۶، جلد ۲، ۴). آبراهه اصلی حوزه به سه قسمت، اترک بالایی (علیا)، میانی و پایینی (مرزی) قابل تقسیم است. این رودخانه پس از عبور از

دشتهای قوچان و شیروان و بجنورد (اترک بالایی) در دشتهای مانه، قوری میدان و مراوه تپه تا مرز ایران و ترکمنستان (اترک میانی) ادامه مسیر داده، پس از اتصال شاخه سومبار در محل چات و تشکیل رودخانه اترک مرزی (اترک پایینی) در نهایت به دریای خزر میریزد(همان).

حوضه آبریز رودخانه مرزی اترک، همچنین یکی از مهم ترین منابع استحصال آب استان گلستان میباشد. رودخانه اترک خارجی و اترک داخلی در محلی موسوم به چات با یکدیگر تلاقی نموده و پس از طی مسیری ۸۰ کیلومتری در طول مرزهای ترکمنستان و جمهوری اسلامی ایرانی در محلی به نام داشلی برون وارد خاک ترکمنستان میگردد((حجم جریان سالیانه در محل چات حدود ۴۴۰ میلیون متر مکعب بوده که ۲۲۰ میلیون متر مکعب از آن سهم ایران بوده که ۸۵ میلیون متر مکعب در حال حاضر در دست بهره برداری است..)) (ایران ریورز، ۲۰۱۰: ۲). همان طوری که مشاهده می شود براساس اعلام این سایت که وابسته به وزارت نیروی ایران میباشد، علی رغم این که مقامات محلی میتوانند به میزان ۲۲۰ میلیون متر مکعب آب از این حوضه‌ی مشترک آبی با ترکمنستان استفاده نمایند کمی بیشتر از یک سوم این میزان (۸۵ میلیون متر مکعب) مورد بهره- برداری قرار میگیرد در صورتی که بخش‌های زیادی از ترکمن صحرا به دلیل نداشتن منابع آب پایدار، با استفاده از کشت دیم کشاورزی میگردد. (متکی و عزتی، ۱۳۹۰: ۲۳).

رودخانه مرزی اترک، رودی خروشان و سیل گیر است که از کوه‌های هزار مسجد روستای عمارت در خراسان رضوی شهرستان قوچان سرچشمه گرفته و در طول مسیر پس از گذر از دشتهای قوچان، فاروج، شیروان و بجنورد در ناحیه چات، مرز ایران و ترکمنستان جاری می شود، پس از آن وارد خاک جمهوری ترکمنستان شده و به دریای خزر می ریزد. این رودخانه با طولی حدود ۵۸۰ کیلومتر از لحاظ طبیعی و جغرافیای سیاسی دارای سه حوزه داخلی و خارجی و مشترک است و پنجمین رودخانه بلند ایران و طولانی ترین رودخانه ترکمنستان به شمار می آید. در نقشه استراتژیک شماره (۱) موقعیت جغرافیایی رودخانه اترک در نوار مرزی ایران و ترکمنستان، نمایش داده شده است.

نقشه استراتژیک شماره (۱): محدوده مرزی رودخانه اترک



منبع : (سازمان جغرافیای وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۹۰)

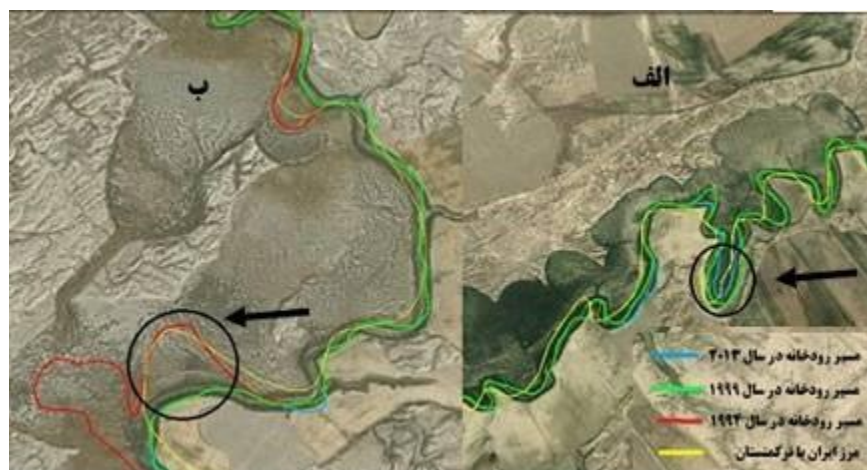
۶- یافته های پژوهش

گام اول مدل ارگون (اکنون در کجا هستیم؟):

در این مرحله از پژوهش، ترسیم و نمایی از شرایط کنونی حاکم بر فضای جغرافیای سیاسی حوزه رودخانه اترک، ارائه می گردد:

تغییرات رود اترک

در عصر کنونی منشأ بسیاری از درگیری‌ها، منازعات مناقه‌ای میان دولت‌هایی است که حوضه‌های آبریز مشترک دارند. رودخانه‌ها به عنوان مرزهای طبیعی دو کشور، به دلیل ماهیت تغییرپذیری و تنوع ژئومورفولوژیکی خود، آثار محسوسی بر روابط سیاسی دو کشور به‌ویژه بر مسائل سیاسی دارند. رودخانه‌ها دارای تغییرات بستر و تغییرات دبی جریان آب بوده و هنگامی که در مرزها قرار می‌گیرند سبب ایجاد اختلافات مرزی میشوند؛ به‌ویژه هنگامی که تجانس فرهنگی در طرفین مرزها وجود دارد (حسین‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۲). با بررسی الگوی یک رودخانه می‌توان شرایط کنونی و پتانسیل تغییرات احتمالی آن را در آینده بهتر درک کرد و نیز پاسخ رودخانه را نسبت بوه تغییرات طبیعی و یا فعالیت انسانی پیشبینی نمود (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۷). پلان‌ها یا الگوی رودخانه به سوه نوع اصلی، مستقیم، مئاندری و شربانی تقسیم میشود. الگوی رودخانه‌ها در اثر عواملی مانند زمین‌شناسی، تکتونیک، توپوگرافی و اقلیم شکل می‌گیرد. Ribolin and pagnolo, ۲۰۰۷, (۲۵۴) با توجه به بررسی‌های صورت گرفته بر مورفولوژی بازه‌ی مرزی رودخانه‌ی اترک در طول مقطع زمانی ۲۰ ساله (۱۹۹۴ تا ۲۰۱۳)، تغییر الگوی زیادی در این حوزه این رودخانه دیده نمیشود. با توجه به اینکه بیشتر مسیر الگوی پیچان-رودی دارد، مشخصات هندسی پیچان‌رودها در طول مسیر در مقاع زمانی فوق، تغییر زیادی نکرده است. بررسی پارامترهای هندسی که شوامل تعداد پیچان‌رودها، طول رودخانه، زاویه‌ی مرکزی، شعاع پیچان‌رودها، طول موج، طول دره و ضریب خمیدگی است، حاکی از وجود تغییراتی در طول مسیر رودخانه‌ی اترک است اما این تغییرات، خیلی زیاد نیستند. همچنین همپوشانی مسیر رودخانه در سه بازه‌ی زمانی ۱۹۹۴ میلادی، ۱۹۹۹ میلادی و ۲۰۱۳ میلادی، نشان می‌دهد که در برخی موارد این تغییرات به نفع ایران بوده، یعنی به اراضی ایران در این منطقه افزوده شده و در موارد دیگر به ضرر ایران بوده است، یعنی این تغییرات باعث شده‌اند تا در مناطق تغییر یافته بر مساحت کشور ترکمنستان افزوده شود. بررسی تغییرات مسیر رودخانه نشان می‌دهد در ۲۶ مورد تغییرات به نفع ترکمنستان و در ۱۱ مورد، تغییرات به نفع ایران بوده است (شرفی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۴).



شکل شماره ۶: تغییرات بستر رودخانه مرزی اترک از سال ۱۹۹۴م تا ۲۰۱۳ م. <https://earth.google.com>

سیاستگذاری آب ایران در حوزه رودخانه مرزی اترک

حوضه آبریز رودخانه مرزی اترک یکی از مهم ترین منابع استحصال آب استان گلستان بوده و از مهمترین منابع حوزه های آبریز ایران است. رودخانه اترک خارجی و اترک داخلی در محلی موسوم به چات با یکدیگر تلاقی نموده و پس از طی مسیری ۸۰ کیلومتری در طول مرزهای ترکمنستان و جمهوری اسلامی ایران در محلی به نام داشلی برون وارد خاک ترکمنستان می گردد. حجم جریان سالیانه در محل چات حدود ۴۴۰ میلیون متر مکعب بوده که در حال حاضر ۲۲۰ میلیون متر مکعب از آن سهم ایران است و ۸۵ میلیون متر مکعب از آن در دست بهره برداری است. (ایران ریوز، ۲۰۱۰: ۲). براساس اعلام این سایت که وابسته به وزارت نیروی ایران می باشد، علی رغم این که مقامات محلی می توانند ۲۲۰ میلیون متر مکعب آب از این حوضه مشترک آبی با ترکمنستان استفاده نمایند، کمی بیشتر از یک سوم این میزان (۸۵ میلیون متر مکعب) مورد بهره برداری قرار می گیرد در صورتی که بخش های زیادی از ترکمن صحرا به دلیل نداشتن منابع آب پایدار، با استفاده از کشت دیم کشاورزی می گردد.

سیاستگذاری آب ترکمنستان در حوزه رودخانه مرزی اترک

ترکمنستان کشوری با اقلیم خشک و نیمه خشک است و دریاچه ها و رودخانه ها و سایر منابع آب شیرین آن بسیار اندک است و سیستم های وسیعی از کانال ها با شرایط سختی آب را برای نوشیدن و آبیاری منتقل می کنند. شبکه آبی ترکمنستان متشکل از آب های زیر زمینی (بویژه در اطراف «یاساگا» و «تخته بازار»)، دریاچه ها (همچون دریاچه ساریقامیش و دریاچه عصر طلایی)، خلیج ها (از جمله خلیج قره بغاز) و رودخانه هایی همچون آموردیا، مرغاب، تجن، کانال قره قوم و رودخانه مرزی اترک است. این کشور از لحاظ منابع آبی بسیار فقیر بوده و تمامی نیازهای آبی شیرین این کشور از طریق رودخانه های بالادستی و یا رودخانه های مشترک مرزی تأمین می گردد. بخش عمده ای از نیازهای آبی ترکمنستان از سرشاخه های رودخانه آمودریا که در خاک تاجیکستان سرچشمه گرفته و به عنوان مهم ترین رودخانه در منطقه آسیای مرکزی است تأمین می گردد. دومین منبع آبی ترکمنستان از منابع رودخانه های مرزی اترک و سومبار تأمین می شود. کشور ترکمنستان با داشتن یک چهارم مساحت و یک پانزدهم جمعیت ایران به همان میزانی از آب های مشترک رودخانه اترک بهره برداری کرده که ایران استفاده می کند و انتظار دارد که مطابق قراردادهای استعماری زمان تزارها این روند ادامه داشته باشد. از سوی دیگر راهبرد و سیاست خارجی ترکمنستان در مقابل جمهوری اسلامی ایران، برخلاف تصور، بر مبنای نگاه از بالا به پایین است. به عبارت دیگر ترکمنستان با تکیه بر حمایت های خارجی از سوی قدرت های جهانی همچون ایالات متحده آمریکا، خود را تحت حمایت های ژئوپلیتیکی در برابر ایران تصور می کند و رفتار منفعلانه ایران در برابر ترکمنستان نیز سبب شده است تا مناسبات قدرت به نفع ترکمنستان رقم بخورد. بگونه ای که ترکمنستان علیرغم نیاز مبرم به منابع آبی، به پشتوانه حمایت های مالی و سیاسی خارجی؛ بویژه آمریکا؛ و همچنین بهره برداری از کانال قره قوم، همواره سعی داشته است تا خود را بی نیاز از ایران و منابع آبی او نشان دهد. البته با توجه به اینکه ترکمنستان به لحاظ بین المللی و از سوی سازمان ملل متحد یک کشور بی طرف معرفی شده است، این رفتار خود را با توجه به شدت و ضعف وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، تنظیم می کند (رضایوف، ۱۳۹۹). در رابطه با رژیم، تأکید و یادآوری می گردد که پس از استقلال جمهوری ترکمنستان حقوقی رودخانه های مرزی این کشور با جمهوری اسلامی ایران، هیچ قرارداد رسمی بین طرفین منعقد نگردیده است.

اقتصاد ترکمنستان یک اقتصاد محدود و متکی بر پنبه و گاز بوده، لذا دولت برای توسعه اقتصاد و کاهش وابستگی، گسترش صنایع مرتبط با کشاورزی را مورد توجه قرار داده است. در حدود ۴۸ درصد از مردم ترکمنستان در امور کشاورزی و دامپروری شاغل می باشند. با توجه به کویری بودن قریب ۸۰ درصد از سرزمین های این جمهوری و فقدان منابع آبی لازم برای کشاورزی تقریباً قریب به اتفاق روستاها و مراکز کشاورزی در حوزه رودخانه آمو دریا و کانال قره قوم قرار دارند^{۱۱۴}. از طرفی

^{۱۱۴} - <http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/goes/tur.htm>

محور اصلی اصلاحات اقتصادی در جمهوری ترکمنستان اجرای خصوصی سازی است. کشاورزی از محورهای مهم توسعه اقتصادی در ترکمنستان محسوب می شود. در حالی که بخش عظیمی خاک ترکمنستان را کویر معروف «قره قوم» تشکیل می دهد. در همین راستا دولت سرمایه گذاری و تمرکز ویژه ای در حوزه کشاورزی و مدیریت منابع آبی داشته است. در سالهای اخیر دولت ترکمنستان در مرز مشترک با ایران چاه های زیادی را با هدف به استفاده از آب های زیرزمینی حفر کرده است، حتی این کشور برای حفر این چاه ها از کشور دیگری هم کمک گرفته که با سرعت زیادی این کار انجام شود. در منطقه مرزی شیروان در خراسان شمالی شیب زمین به طرف ترکمنستان است و سالانه بیش از ۳۰ میلیون مترمکعب آب زیرزمینی از دسترس کشور ما خارج می شود، این در حالی است که کل آب استحصالی ایران در این منطقه ۲۴ میلیون متر مکعب است (آقایی، ۱۳۹۹).

گام دوم مدل ارگون (به کجا می رویم؟):

در این گام به تجزیه و تحلیل شرایط کنونی پرداخته شده و آینده پیش رو بر مبنای محاسبات هیدروپلیتیک، برای هریک، ترسیم می گردد.

کشور ترکمنستان که حوزه آبریز رودخانه مرزی اترک در مرزهای آن کشور با جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، از لحاظ منابع آب شیرین فقیر و نیازمندی های خود را از رودخانه های ورودی به این کشور تأمین می کند. براساس آمارهای موجود، بیش از یک میلیارد مترمکعب از آب های مورد نیاز این کشور از دو رودخانه اترک و هریرود که از درون ایران و افغانستان به خاک ترکمنستان وارد می شوند، فراهم می گردد. از این رو با توجه به موقعیت جغرافیایی دو کشور، خشکسالی های متمادی و نیاز مبرم به منابع آب شیرین، به عنوان یک معضل ژئوپلیتیک، روابط دو کشور هم مرز ایران و ترکمنستان، در بستر هیدروپلیتیک قابل بررسی است (متکی و عزتی، ۱۳۹۰: ۱۷). پیش بینی می شود در نتیجه تغییرات آب و هوایی، گستره مناطق دچار خشکسالی افزایش یابد و همچنین از نظر منطقه ای افزایش زیادی در خصوص خشکسالی برای آب آبیاری خواهی م داشت (Citation, ۲۰۱۴: ۴). بنابراین مناسبات قدرت و هیدروژئومونی، می تواند در ارتقاء و یا کاهش وزن ژئوپلیتیک دو کشور و برقرار امنیت پایدار، نقش آفرین باشد. همچنین یکی دیگر از ضرورت های مهار آب های مرزی خصوصاً رودخانه مرزی اترک در شمال کشور، حجم زمین های قابل کشت در منطقه گرگان و دشت بوده که به دلیل نداشتن آب کافی زیر کشت نمی رود. ۲۳۰ هزار هکتار از مجموع ۸۸۰ هزار هکتار زمین های زراعی استان گلستان به دلیل نداشتن منابع آبی مطمئن بلا استفاده مانده است و این بیکاری و عدم استفاده از سرمایه های ملی بوده که ادامه این روند به، کمبود مواد غذایی منافع ملی ایران لطمه وارد می کند.

برخی بازتاب های هیدروپلیتیک حوزه رودخانه مرزی اترک

در آسیای مرکزی توزیع نامناسب آب و اشتراکی بودن بعضی منابع آبی میان کشورها و عدم مدیریت صحیح بر سیستم های آبی در کنار روند رو به رشد جمعیت منطقه و استراتژی کشورها بالا دست (تاجیکستان - قرقیزستان) که کنترل منابع آبی را دارند می تواند برای مصرف کنندگان پایین دست آب مانند ترکمنستان بحران زا بوده و موجبات تنش های را ایجاد نماید. در حال حاضر با افزایش روزافزون جمعیت و رشد مصارف و به دلیل اجرای طرح های توسعه منابع آب در بالادست رودخانه اترک و همچنین وقوع خشکسالی های چند ساله اخیر، ورودی منابع آب استان گلستان از حوضه آبریز رودخانه اترک کاهش یافته و بنابراین تأمین حقایقه های اراضی آبخور رودخانه اترک در این استان را با چالش جدی روبرو کرده است. (شعبانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱). براساس آمارهای موجود بیش از یک میلیارد متر مکعب از آب های مورد نیاز این کشور از دو رودخانه اترک و هریرود که از درون ایران و افغانستان به ترکمنستان وارد شده، تأمین می شود. هم چنین بخش دیگری از نیازهای آبی این کشور از رودخانه آمودریا که سرچشمه آن در تاجیکستان است، تأمین می گردد. بنابراین هیدروپلیتیک در مرزهای

ترکمنستان با همسایگان آن از جمله جمهوری اسلامی ایران نقش آفرینی می‌کند. آب در شمال ایران به خصوص در مجاورت مرزهای ایران با دو کشور ترکمنستان و افغانستان به عنوان یک معضل ژئوپلیتیکی از قرون گذشته نقش آفرینی کرده است. از سوی دیگر در مرزهای ایران و ترکمنستان، هیدروپلیتیک رودخانه‌های مرزی بین دو کشور همیشه منشاء نقش آفرینی روابط میان دو کشور بوده است. هنگامی که مرزهای سیاسی و جغرافیایی دو کشور در زمان حکومت تزارها در روسیه تثبیت نشده بود و ترکمن‌های دو سوی مرز زندگی کوچ نشینی داشته‌اند، اختلاف در بهره برداری از منابع آبی محدود بوده است. اما تثبیت مرزهای دو کشور، تقویت فرهنگ یکجانشینی و توسعه شهرها و افزایش جمعیت و گسترش کشاورزی در دو سوی رودخانه اترک، جایگاه هیدروپلیتیک را در روابط و مناسبات سیاسی دو جانبه ارتقاء بخشیده است.

گام سوم مدل ارگون (کجا می خواهیم باشیم؟):

در این مرحله، با توجه به شرایط کنونی و آینده متصور از آن، آنچه را که به عنوان چشم انداز اصلی برای رسیدن به ثبات و امنیت وصلح پایدار است را در نظر گرفته و راهبرد مناسب در این خصوص را تحلیل میکنیم.

براساس اعلام انجمن جغرافیای آمریکا (AGS) مأموریت وهدف از دانش جغرافیا، گسترش دموکراسی، امنیت ملی و رفاه انسان ها در سراسر جهان است. با نگاهی به شرایط کنونی جهان، از میان ۲۹ منطقه مورد نظر سازمان ملل متحد، شاهد این گستردگی صلح در اکثر نقاط هستیم. هر پنج منطقه اروپا، هر چهار بخش اصلی آمریکا، سراسر قطب جنوب، هر چهار بخش اصلی اقیانوسیه و بیشتر مناطق آسیا دارای صلح فراگیر است و فقط در منطقه خاورمیانه شاهد جنگ های پرشدت هستیم و تنها بخش کوچکی از جهان، خارج از جغرافیای صلح است. بنابراین برای رسیدن به امنیت پایدار در فضای پیرامونی نزدیک، باید بر مبنای بنیادهای صلح جغرافیایی، بتوان بیشترین بهره را از تعامل سازنده در محیط ببریم و بتوانیم ضمن افزایش وزن ژئوپلیتیکی و خروج از انزوای محیطی، به امنیت پایدار و افزایش دست یابیم.

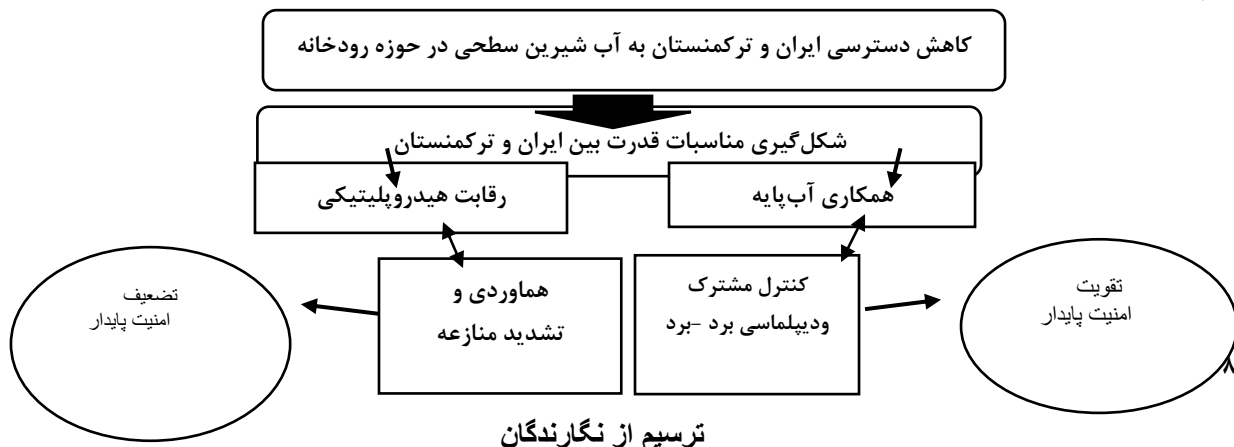
از نگاه اصول فلسفی استراتژیکی همسایگی همچون جبر همسایگی، پایداری فرهنگی - مذهبی، استراتژی برد - برد، مرزهای بازرگانی، هسته اتحاد منطقه ای، محور تهدید منطقه ای، اشتراکات فرهنگی، تداخل منابع انسانی، منافع مشترک طبیعی، نزدیکترین پایگاه اورژانس در هنگام بلایای طبیعی، تهدیدات مشترک امنیتی و غیره، اهمیت صلح جغرافیایی در فضای پیرامونی نزدیک، کاملاً مشخص است. با عنایت مفاهیم صلح جغرافیایی، برای رسیدن به امنیت پایدار و حرکت رو به جلو توسعه ای در ایران، دستیابی به صلح فراگیر منطقه ای با توجه به ضرورت صلح در فضای پیرامونی نزدیک و گستردگی صلح جغرافیایی و نیز فلسفه استراتژیکی همسایگی، امری دست یافتنی است و با رسیدن به این صلح و پایداری در محیط پیرامونی، گام اول در مسیر توسعه و امنیت، برداشته خواهد شد (کریمی پور، ۱۳۹۴: ۲۰۲). ایران همواره با همسایگان خود بر سر تقسیم آب های مرزی و یا چگونگی بهره برداری از آنها اختلاف داشته است و در طول ۵ قرن گذشته ۲۵ جنگ با کشورهای همسایه بر سر آب و رودخانه های مشترک رخ داده است و ضروری است بر پایه بنیادهای صلح جغرافیایی، تمهیدات لازم بر محور مناسبات هیدروپلیتیکی اندیشیده شود تا امنیت پایدار حاصل گردد.

با توجه به شرایط و موقعیت ویژه رودخانه مرزی اترک، خشکسالی های متمادی در ایران و ترکمنستان، نیاز مبرم به توسعه هرچه بیشتر حوزه آبریز در زمینه های کشاورزی و صنعتی، مشکلات زیست محیطی و آلودگی های روزافزون آب رودخانه اترک، به نظر می رسد دو کشور همسایه ایران و ترکمنستان بیش از گذشته باید در قالب مناسبات هیدروپلیتیکی و با تاکید بر همکاری مضاعف، به حل مشکلات این حوزه آبریز بپردازند. از سوی دیگر موقعیت هیدروهمژمون ایران در رودخانه مرزی اترک، می تواند به عنوان محرک وضمانت اجرایی قوی برای پیشبرد اهداف هیدروپلیتیکی و رسیدن به صلح و امنیت پایدار در منطقه بیانجامد. بگونه ای که درک متقابل ضرورت رسیدگی به مشکلات موجود برای هر دو کشور و علاوه بر آن، برتری موقعیت ایران نسبت به ترکمنستان و توجه به نیاز آبی دو کشور به رودخانه مرزی اترک، می تواند در همسو کردن سیاست های آبی به منظور توسعه و رفع تنش ها و چلش ها و رسیدن به صلح و امنیت منطقه ای کمک شایانی کند.

گام چهارم مدل ارگون (چگونه به آنجا برسیم؟):

۷- نتیجه گیری

کاهش سرانه آب و افزایش جمعیت و نیاز به تولید مواد غذایی بیشتر، ضرورت کنترل آب‌های سطحی به خصوص رودخانه‌های مرزی و یا حوضه‌های آبریز مشترک بین ایران و کشورهای همسایه را ضروری نموده است. ارزش آب شیرین حتی از منابع فسیلی بیشتر بوده زیرا آب شیرین تنها ماده‌ای است که از حیثه‌ی تولید انسان خارج است. کشور ترکمنستان که حوضه‌ی آبریز رودخانه مرزی اترک در مرزهای آن کشور با جمهوری اسلامی ایران قرار دارد از لحاظ منابع آب شیرین فقیر و نیازمندی‌های خود را از رودخانه‌های ورودی به این کشور تأمین می‌کند. براساس آمارهای موجود بیش از یک میلیارد متر مکعب از آب‌های مورد نیاز این کشور از دو رودخانه اترک و هریرود که از درون ایران و افغانستان به ترکمنستان وارد می‌شود تأمین می‌گردد. از این روف کمبود آب شیرین به عنوان یک مطلوب محدود، مناسبات خاص هیدروپلیتیک را بین دو کشور رقم خواهد زد. در این میان با توجه به ارتباط متناظر امنیت پایدار با مقعیت بالادستی و ضرورت های صلح و ثبات پایدار در منطقه به منظور فراهم کردن بسترهای توسعه و ارتقاء امنیت، به نظر می‌رسد، دو کشور ایران و ترکمنستان، نیازمند یک فرآیند برد - برد در مناسبات آبی هستند. موقعیت برتر جغرافیایی و وجود سرچشمه های رودخانه مرزی اترک در ایران، برتری اقتصادی، توسعه دانشی و ثبات سیاسی و همچنین وجود زیرساخت های فنی، علمی و مدیریتی در ایران، سبب شده است تا جمهوری اسلامی ایران در حوزه رودخانه مرزی اترک، نسبت به ترکمنستان، دارای موقعیت بالادستی (هیدروهمژمون) باشد. حال با بهره گیری از این موقعیت بالادستی، برای رسیدن به ثبات و امنیت پایدار، راهی جز اتخاذ راهبرد کنترل مشترک و دستیابی به یک رابطه برد - برد، وجود نخواهد داشت و در غیر اینصورت و روی آوردن به اعمال فشار و کنترل شدید و یک سویه از جانب ایران، عملا فرصت رسیدن به امنیت پایدار در منطقه از دست خواهد رفت. از سوی دیگر کشور ترکمنستان بواسطه جایگاه و موضع بی طرفی در سازمان ملل متحدو همچنین راهبرد سیاست خارجی مبنی بر ارتباط دوجانبه بجای ارتباط منطقه ای و جندجانبه، عزم جدی در اصلاح ساختار اقتصادی و نیاز مبرم به منابع آبی پایدار، می تواند در فضای پیرامونی نزدیک ایران، به عنوان یک متحد استراتژیک در راستای برقراری ثبات و امنیت پایدار نقش آفرینی کند و از آنجا که در فرآیند دیپلماسی زیست محیطی، روابط بین الملل برای تسهیل و ارتقاء تعهدات مشترک در زمینه حفظ منابع طبیعی از طریق اقدامات پایدار و نظارت مسئولانه برمحیط زیست، هدایت می شود (McIntire, 2014)، بهره‌گیری از ظرفیت هیدروپلیتیکی و موقعیت بالادستی ایران در حوزه رودخانه مرزی اترک، می تواند در ایجاد مناسبات و ارتقاء امنیت پایدار، موثر باشد. در نمودار زیر، چگونگی رابطه امنیت پایدار با موقعیت بالادستی در حوزه رودخانه مرزی اترک برپایه همکاری‌های آب‌پایه، تبیین شده است:



- با توجه به ضرورت دستیابی به امنیت پایدار در منطقه در زمینه های مختلف معیشتی، زیست محیطی، سیاسی و غیره، جمهوری اسلامی ایران می تواند با بهره گیری از ظرفیت های هیدروپلیتیک و موقعیت بالادستی خود در حوزه رودخانه مرزی اترک، به این مهم دست یابد. به همین منظور راهکارهای زیر به عنوان ملزومات رسیدن به این هدف پیشنهاد می گردد:
- ۱- مهار آب های سطحی رودخانه اترک داخلی به خصوص در نقاطی که هنوز به محل اتصال اترک خارجی نرسیده است.
 - ۲- استفاده بیشتر از حوضه آبریز مشترک در امتداد مرزهای جغرافیایی ایران مرزهای جغرافیایی ایران با ترکمنستان با در نظر گرفتن روح کلی مفاد کنوانسیون های بین المللی و تأکید بیشتر بر مسئله انصاف و عدالت در بهره برداری از آب های رودخانه های مرزی.
 - ۳- بروز رسانی و تنظیم مجدد رژیم حقوقی مناسب با ترکمنستان بر سر چگونگی استفاده از آب های رودخانه مرزی اترک. در حال حاضر تمامی قراردادهای مربوط به قبل از استقلال این کشور از شوروی سابق می باشد.
 - ۴- تعیین دقیق و بازنگری در حدود مرزی و لایروبی، دیوارسازی و میله کوبی در نقاطی از رودخانه مرزی اترک که باعث تجاوزات مرزی به حریم سرزمینی ایران می گردد. این مسئله به دلیل نداشتن قراردادهای دو جانبه با ترکمنستان باعث خسارت های فراوانی در منطقه گلستان و خراسان شمالی شده است.
 - ۵- استفاده بهینه از مازاد آب های این منطقه به منظور ایفای تفوق ژئوپلیتیکی ایران در روابط دو جانبه با ترکمنستان.
 - ۶- تلاش برای توسعه همکاری های آب پایه در روابط خارجی و تأکید بر دیپلماسی برد - برد به منظور حفظ امنیت و ارتقاء امنیت پایدار.

منابع:

- ۱- اسماعیلی، رضا (۱۳۹۰)، کاربرد بازیافت ژئومورفیک رود در بازیافت رودخانه - مطالعه موردی البرزشمای، حوضه آبریز لایوچ رود، فصلنامه پژوهش های فرسایش محیطی، شماره چهارم.
- ۲- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱) امنیت، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳- آقایی، سیدجعفر (۱۳۹۹)، مسئول میز ترکمنستان در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، مصاحبه، تهران.
- ۴- برژینسکی، زیگنوو (۱۳۶۹) در جست و جوی امنیت ملی، ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران: انتشارات سفید.
- ۵- پاک نژاد متکی، حمیدرضا، عزتی، عزت الله (۱۳۹۰) هیدروپلیتیک رودخانه مرزی اترک و تاثیر آن بر روابط ایران و ترکمنستان، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه ها انسانی، شماره ۱۴، صص ۱۹-۳۷.
- ۶- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی فضای مجازی، تهران: انتشارات سمت.
- ۷- حافظ نیا، محمدرضا؛ و کاویانی راد، مراد (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- حسن زاده، حبیب؛ مزگان سادات عظیمی؛ محمدرضا فرزانه و عادل سپهری، ۱۳۹۷، پشتیبانی چارچوب DPSIR از مدل SWAT در شناسایی مولفه های کیفی و کمی موثر برواکنش های هیدرولوژیکی در حوزه آبخیز اترک، اولین کنفرانس کاربرد ابزار مدیریت آب و خاک (SWAT) در مدیریت منابع آب کشور، اصفهان: دانشگاه صنعتی اصفهان.
- ۹- حسین زاده، محمدمهدی، درفشی، خهبات، قره چاهی، سعید (۱۳۹۱)، پایش روند تغییرات موفولوژیکی رودخانه مرزی و نقش آن در روابط سیاسی کشورها - مطالعه موردی: رودخانه ارس، پنجمین کنگره بین المللی جغرافیادانان اسلام.
- ۱۰- ذکی، یاشار، دلشادزاد، جلیل، کریمی، بایرام (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل هیدروپلیتیک رودخانه های بین المللی با تأکید بر رودخانه مرزی ارس، فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی، بهار ۱۳۹۴ - شماره ۱ صفحات ۳۷ تا ۶۶.
- ۱۱- رضایوف، رضی الله (۱۳۹۹)، ریزن اول (وقت) سفارت جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان، مصاحبه، تهران.
- ۱۲- روسو، شارل (۱۳۷۴)، حقوق بین الملل عمومی، ترجمه محمدعلی حکمت، تهران: انتشارات علوی.

- ۱۳- زرقانی، سیدهدادی، صالح آبادی، ریحانه (۳۹۲)، رودهای مرزی جنوب غرب آسیا - منازعه یا تعامل (نمونه موردی: دجله، فرات، اردن)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، طالقان: انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه پیام نور طالقان.
- ۱۴- سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (۱۳۹۰)، نقشه نظامی عملیات مشترک زمینی گنبد کاووس - ایران، مقیاس ۱/۲۵۰۰۰۰، شماره برگ ۹-۴۰ NJ، شماره سری K۵۵۱.
- ۱۵- سامعی، سمیرا (۱۳۹۸)، جغرافیای سیاسی و مناسبات هیدروپلیتیکی آبهای مرزی ایران (رودخانه های غربی و شرقی)، دومین همایش بین المللی افق های نوین در علوم پایه و فنی و مهندسی، تهران: انجمن افق نوین علم و فناوری.
- ۱۶- سایت ایران ریورز - ۲۰۱۰/۰۱/۱۰ - رودخانه های مرزی ایران - اترک.
- ۱۷- شرفی، سیامک، شامی، ابوالفضل، یمانی، مجتبی (۱۳۹۳)، بررسی تغییرات مورفولوژیکی رودخانه اترک در بازه زمانی ۲۰ساله، فصلنامه آمایش جغرافیای فضا دانشگاه گلستان، سال چهارم، شماره ۱۴، صفحه ۱۲۷ تا ۱۴۸.
- ۱۸- شعبانی، بهروز، حسنی، امین، میرزایی، افراسیاب، فرهنگ، مهران، جعفریف مسعود (۱۳۹۶)، برنامه ریزی و تخصیص آب حوزه آبریز اترک و سد چایلی با استفاده از نرم افزار vensim، شانزدهمین کنفرانس هیدرولیک ایران، اردبیل: دانشکده مهندسی محقق اردبیلی.
- ۱۹- طوس آب، شرکت مهندسی مشاور (۱۳۸۶)، گزارش هیدرولوژی، مطالعات توسعه بهره برداری و مهندسی رودخانه و تعیین حد حریم و بسترو حفظ حریم رودخانه اترک در استان گلستان، وزارت نیرو، شرکت سهامی آب منطقه ای گلستان.
- ۲۰- فرشادگهر، ناصر (۱۳۶۷)، نظام حقوقی رودهای بین المللی و اروند رود، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه.
- ۲۱- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۸) هیدروپلیتیک، سویه ها و رویکردها، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۲- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۹) امنیت زیست محیطی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۳- کریمی پور، یدالله (۱۳۹۴). جغرافیا نخست در خدمت صلح - نگرشی به مناسبات ایران و همسایگان، تهران: انتخاب.
- ۲۴- گلکار، کوروش (۱۳۸۴)، پیشنهاد یک چارچوب مفهومی برای صورتبندی بیانیه چشم انداز، فصلنامه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۲۵-۳۶.
- ۲۵- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۶- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۹۱)، فلسفه کارکرد ژئوپلیتیک - مفاهیم و نظریه ها در عصر فضای مجازی، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۷- مختاری هشی، حسین و وزین، نرگس و قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۶). بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال چهاردهم، شماره ۵۴، صفحات ۶۰-۴۳.
- ۲۸- مک کین لای، رابرت دی - لیتل ریچارد (۱۳۸۰)، امنیت جهانی، رویکردها و نظریه ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۹- <https://earth.google.com/web/@37,40.090890,54,0520.2779,-48,0.666130,6a,107.093,362286243d,30y,0h,0t,0r>

۳۰- <https://www.e-education.psu.edu/earth103/node/701>

۳۱- <http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/goes/tur.htm>

۳۲- <http://www.oxfordreference.com/view/10.1093/oi/authority.2011080309053909>

۳۳- www.worldbank.org/en/news/feature/2013/08/30/whats-a-toilet-worth-infographic.

۳۴- Abatudu, M, (۲۰۰۱), **Reflections on Early ۲۱st Century Africa**, In Adesida O. and Oted Eds. **Africa Voices and Africa Visions**, ed. Upsala: The Nordsic African Institute.

۳۵- Baranyai, Gábor (۲۰۱۸), **European water law and hydropolitics: an inquiry into the resilience of transboundary water governance in the European Union**. Ph.D. Dissertation. Supervisor: Prof. Dr. Marcel Szabó. Pázmány Péter Catholic University Faculty of Law and Political Sciences Budapest.

۳۶- Biswas, Asit K. (۱۹۹۳). **Management of international waters: Problems and perspective**. *International Journal of Water Resources Development*, 9(۲), ۱۶۷-۱۸۸.



- ۳۷- Busby, Joshua W. (۲۰۰۹), **Climate Change National Security, An Agenda for Action**. Council on Foreign Relation S. Publisher, Council on Foreign Relation Press.
- ۳۸- Citation, Raneesh Ky. (۲۰۱۴). **Impact of Climate Change on Water Resources**. J Earth Sciclim Change ۵ : ۱۸۵. doi: ۱۰. ۴۱۷۲/۲۱۵۷_۷۶۱۷, ۱۰۰۰۱۸۵ .
- ۳۹- Donaghy, G. (۲۰۰۳), **Human Security and Canadian Foreign Policy ۱۹۹۶- ۲۰۰۰**, Journal of Canadian Foreign Policy, NO, ۱۰.
- ۴۰- . Jankielsohn, Roy (۲۰۱۲), **DEFINING HYDROPOLITICS: THE POLITICS OF WATER IN SOUTH AFRICA**. JOERNAAL ۳۷(۱).at: journals.ufs.ac.za /index. php/ jch/ article/ download/۲۱۴/۲۰۷ .
- ۴۱- Jolly, R & Basuray, D. (۲۰۰۷), **Human Security: National Perspectives and Global Agendas**, Journal of International Development, Vol ۱۹.
- ۴۲- Kirschner, Adele J & Tiroch, Katrin. (۲۰۱۲). **The Water of Euphrates and Tigris: An International Law Perspective**. International Negotiation, Volume ۱۴, Issue ۲, tmay ۲۰۰۹, Pages: ۳۰۱ – ۳۶۱.
- ۴۳- Leffler, melryn P. (۱۹۸۴) **The American Conception of National Security and The Beginning of Cold War**. American Historical Review ۸۹(۹).PP.۸۱-۲۴۶.
- ۴۴- McIntire, Donna, **Eco-Diplomacy: Building the Foundation**. American Foreign Service Association, ۲۰۱۴, [http:// www. Afsa.org/eco – diplomacy – building – foun dation](http://www.Afsa.org/eco-diplomacy-building-foundation).
- ۴۵- Meissner, R. (۱۹۹۹), **Water as a source of political conflict and cooperation: A comparative analysis of the situation in the Middle East and Southern Africa**. Unpublished MADissertation, Department of Political Studies, Rand Afrikaans University, South Africa (title translated from original Afrikaans).
- ۴۶- Nikola, Martin. (۲۰۱۴). **Political Participation and Governance Effectiveness: Does Participation Matter?** Journal of Charles University. No, ۱۲.
- ۴۷- Ribolin, A., and Pagnolo, M. ۲۰۰۷. Drainage Network Geometry versus Tectonics in the Argentera Massif (French-Italian Alps), *Geomorphology*, ۹۳(۳۴): ۲۵۳-۲۶۶.
- ۴۸- Ross, Cameron. (۲۰۱۲). **Russian Regional Politics under Putin and Medvedev**. London. Published by Routledge.
- ۴۹- Shiklomanov, I. A (۱۹۹۹), **World Water Resources and Their Use**. St. Petersburg, State Hydrogeological Institute, part of the International Hydrological Programme of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. St. Petersburg.
- ۵۰- Tamimi, Abdel Rahman. (۲۰۰۹). **Hydro – Politics: Water and Difficult Dialogues on Resources**. Volume ۲۳ The Israeli – Palestinian Impass: Dialigic: Transformations. At <http:// Digital Commons. Macalester. Edu/ macintl>.
- ۵۱- Turton, Antho ny; & Henwood. (۲۰۰۲). **Hydropolitics in the Developing World: A Southern African Perspective**. University of Pretoria: IWMI.
- ۵۲- Wiafe- Amoako, Francis. (۲۰۱۰). **Human Security and Conflict Management: Post- Conflict Reconstruction in Sierra Leone ۲۰۰۲ to ۲۰۰۹**. Doctor of African Studies and Research. Howard University.
- ۵۳- Warner, Jeroen F. and Zeitoun, Mark. (۲۰۰۸); **International relations theory and water do mix: A response to Furlong’s troubled waters**, hydrohegemony and international water relations. *Political Geography* ۲۷ (۲۰۰۸), pp ۸۰۲-۸۱۰.
- ۵۴- Zeitoun, Mark and Warner, Jeroen F (۲۰۰۶), **Hydro-hegemony – a framework for analysis of trans-boundary water conflicts**. *Water Policy* ۸(۲۰۰۶).
- ۵۵- Zeitoun, Mark. (۲۰۱۱). **The Global Web of National Water Security**. *Global Policy*, 2(۳), ۲۸۶-۲۹۶. [https://doi.org/10,1111/j.1758-0899,2011,00097.x](https://doi.org/10.1111/j.1758-0899.2011.00097.x)

تحلیل آمایش نواحی مرزی شهرستان پاوه بر اساس مدل SWOT

سعید عزیزی^{۱*}، دکتر یاشار ذکی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول

۲- استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Sazizi222@yahoo.com*

چکیده

آمایش سرزمینی به تنظیم رابطه میان انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا، به منظور بهره برداری منطقی از جمیع امکانات، علم و تجربه در طول زمان می پردازد. هدف آمایش سرزمین، توزیع بهینه جمعیت و فعالیت است، به گونه ای که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها، نیازها و موقعیت خود از طیف مناسبی از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد و جمعیتی متناسب با توان و ظرفیت اقتصادی خود بپذیرد. هدف کلی آمایش سرزمین، سازماندهی فضا به منظور بهره وری مطلوب از سرزمین در چارچوب منافع ملی است. آمایش مناطق مرزی، بهره برداری مطلوب از کلیه امکانات انسانی و فضایی این مناطق در جهت بهبود وضع مادی و معنوی جامعه است. نواحی مرزی به دلیل پاره ای از ویژگی‌های خاص مانند دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت، جابه جایی مداوم جمعیت، تبادل های غیرقانونی مرزی، تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی با مناطق داخلی کشور و مشکلات عدالت سرزمینی همواره از پیچیدگی‌های آمایشی خاصی برخوردار بوده است. در این پژوهش بر مبنای روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع و داده های کتابخانه ای، نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت های ناحیه مرزی شهرستان پاوه با رویکرد آمایشی به روش تحلیلی SWOT بررسی شده است. در این مقاله به این پرسش پرداخته می شود مهمترین پیامدهای توسعه نیافتگی شهرستان پاوه چیست؟ نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که با استمرار نگاه مرکزگرایانه (تک بعدی- امنیتی) مسئولین استانی و کشوری، توسعه نیافتگی و عدم تعادل ناحیه ای در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ارتباطی در ناحیه شهرستان پاوه حاکم است و از ظرفیتهای منطقه مورد مطالعه به نحو درستی استفاده نشده است. در نتیجه باعث بوجود آمدن مشکلاتی نظیر فقر، بیکاری و نبود اشتغال، قاچاق کالا، کمبود امکانات بهداشتی، مهاجرت و... شده است.

واژگان کلیدی: نواحی مرزی، آمایش، مدل SWOT، شهرستان پاوه

۱- مقدمه و طرح مسئله

آمایش سرزمین علم تخصیص منابع در برنامه ریزی اقتصادی و یاسازمان دهی مطلوب فضاست (موسوی و ابراهیم زاده، ۱۳۹۵: ۱) بنابراین شامل اقدامات ساماندهی و نظام بخشی به فضای طبیعی، اجتماعی؛ اقتصادی در سطوح ملی و منطقه ای است که بر اساس تدوین اصیلترین جهت گیریهای توسعه بلند مدت در کشور در قالب تلفیق برنامه ریزیهای از بالا و پایین و با تکیه بر قابلیت ها، توانمندی ها و محدودیت های منطقه ای در یک برنامه ریزی هماهنگ و بلندمدت صورت می گیرد این رویکرد زمینه ی تعامل میان سه عنصر انسان، فضا و فعالیت و ارائه چیدمان منطقی فعالیتها در عرصه ی سرزمین را فراهم می کند (یزدان پناه درو، ۱۳۹۷: ۸). در واقع آمایش سرزمین با توجه به عامل انسان، محیط و منابع، نحوه استفاده بهینه از منابع و امکانات و چگونگی استقرار انسان ها و فعالیت ها را در فضای جغرافیایی ملی و منطقه ای سامان می دهد (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۳۸) و از طریق نگاه جامع و همه سونگر به مسایل یک سرزمین یا یک منطقه، سعی دارد راهکارهای توسعه همه جانبه و یکپارچه سرزمین یا مناطق معینی را پیدا کرده و معرفی نماید (اسکندری، ۱۳۹۰: ۴۸). آمایش در مرحله برنامه ریزی و پیشنهاد سیاستهای مطلوب به سازمان دهی منطقی و معتدل فضای موجود حیاتی برای هرگونه تجمع انسانی می پردازد و در این مرحله است که مطالعات آمایش از تکنیک های برنامه ریزی فضایی بهره می گیرند (Johnson, ۱۹۸۳). مناطق مرزی همواره با محدودیتها و ضعف هایی همراه بوده اند که با بررسی اجمالی مناطق مرزی در مقایسه با مناطق مرکزی کشور، می توان به ضعف های عمده ای از جمله انزوای جغرافیایی مناطق مرزی، دوری از قطب های صنعتی- اقتصادی، فرارگرفتن در حاشیه و پیرامون، همچنین توسعه نیافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به مناطق مرکز کشور دست یافت (Hansen, ۱۹۷۵). و از آنجا که این مناطق به عنوان مناطق حاشیه ای و توسعه نیافته شناخته می شوند، این حاشیه ای بودن گرچه می تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، اما خود پدیده مرزی بودن است که بسیاری از امکانات و قابلیت های آن منطقه را مضمحل می سازد (Jones, Wild, ۱۹۹۴). زیرا این مناطق به دلیل واقع شدن در مناطق پیرامونی و دور از مرکز، اولاً مورد بی توجهی کامل قرار می گیرند؛ زیرا امکان بهره برداری از منابع آنها کمتر از مناطق نزدیک به مرکز است. ثانیاً، به دلیل بی توجهی، حداقل منابع موجود این مناطق نیز به سوی مناطق مرکزی یا مناطق نزدیک به آن تمایل می یابند (Pena, ۲۰۰۵). همچنین وجود تفاوت های زبانی، فرهنگی و اعتقادی از ویژگی های مرز و مناطق مرزی است که مانع جدی در برابر سرمایه گذاری ایجاد می کند (Topaloglou et al, ۲۰۰۶). آمایش مناطق مرزی در ایران، به دلیل وجود مرزهای طولانی و قرارگیری بیش از نیمی از استان های کشور در مرزهای بین المللی با کشورهای همجوار، از جایگاه ویژه ای در نظام برنامه ریزی کشور برخوردار است. از آنجا که امروزه، مناطق مرزی و شهرهای واقع در آن، برای بسیاری از کشورها فرصت، تلقی می شود، و توسعه این شهرها می تواند در همکاری های بین مرزی موثر باشد، توجه بیشتر به این شهرها و بررسی نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدها، برای نیل به توانمندی ها، ضرورتی اساسی برای تدوین طرح ها و برنامه های این شهرها است. شهرستان پناه با وجود توانمندیهای طبیعی و اکولوژیک و بویژه هم مرز بودن با منطقه کردستان عراق به علت دوری از مرکز و عدم برنامه ریزی مناسب از لحاظ توسعه یافتگی در جایگاه بسیار پایین و نامناسبی قرار دارد. به طوری که بر اساس شاخص توسعه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و درمانی در سطح محروم قرار دارد (طیب نیا، ۱۳۹۸: چکیده). بنابراین مسئله اساسی پژوهش شناخت مهمترین پیامدهای عدم توسعه یافتگی شهرستان پناه است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- آمایش سرزمین

مفهوم آمایش سرزمین ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است، در رابطه با انسان مقوله مدیریت مطرح است و در رابطه با فضا بحث اقلیم مطرح است و در رابطه با فعالیت مقوله برنامه ریزی برجسته می شود، یعنی مفهوم

آمایش تلفیقی از سه علم مدیریت و اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است (خنیفر، ۱۳۸۹: ۷). برداشتهای گوناگونی از مفهوم آمایش شده است که به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نظارت بر عمران، حفاظت فضا یا سرزمین (توفیق، ۱۳۸۴: ۲۲).

- آمایش سرزمین عبارت است از توزیع متوازن و هم‌آهنگ جغرافیایی کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و معنوی در پهنه سرزمین نسبت به منابع طبیعی و انسانی (سهامی، ۱۳۸۶: ۲۴).

- مطالعه‌ی آمایش سرزمین، نظم نوینی از سازمان دهی منابع طبیعی و فعالیت‌های انسانی را بر پهنه سرزمین مهیا نموده و به سازماندهی متعادل و منطقی فضای موجود، برای تجمع گروه‌های انسانی می‌پردازد. در اینجا است که در مطالعات آمایش سرزمین از تکنیک‌های برنامه‌ریزی فضایی استفاده می‌شود (سرور، ۱۳۸۴: ۲۰). آمایش سرزمین از جمله روش‌هایی است که دولت‌ها به منظور رسیدن به امنیت پایدار، توسعه هم‌آهنگ و کاهش آسیب‌پذیری سرمایه‌های حیاتی جامعه در برابر تهدیدات در دستور کار خود قرار داده‌اند. «آمایش سرزمین» از ریشه آزمودن به معنای آباد کردن گرفته شده است (معین، ۱۳۷۱: ۹). پوتی اوژن کلودیوس، یکی از برنامه‌ریزان ناحیه‌ای فرانسه درباره برنامه‌ریزی آمایش سرزمین می‌نویسد: هدف آمایش سرزمین، توزیع بهینه جمعیت در ارتباط با منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی است که رفاه و توسعه کامل ظرفیتهای بالقوه جمعیت را در نظر دارد (هانسن، ۱۹۶۸: ۴۱). آمایش سرزمین در پی ایجاد تعادل توسعه بین نواحی، استفاده از منابع برای توسعه، توزیع عادلانه درآمد و فعالیتها بین نواحی مختلف و تاکید بر توسعه منابع و نواحی عقب مانده و حاشیه‌ای و توسعه هم‌آهنگ قطبهای توسعه و مراکز رشد است. ضمناً آمایش سرزمین توسعه متعادل مناطق شهری و روستایی را در قالب نظام هم‌آهنگ و یکپارچه و توسعه هم‌آهنگ زیربنایها، خدمات و تسهیلات اجتماعی متناسب با نیازمندیها و محیط طبیعی و انسانی است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰: ۲). طبقه‌بندی فعالیت‌های انسان در یک نگاه کلی شامل فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی است. طبیعتاً فعالیت‌های گوناگون و پیچیده انسان در فضای جغرافیایی، نیازمند بسترسازی شایسته به منظور دست‌یابی به حد بیشینه بهره‌وری است. بر این اساس، آمایش سرزمین ارتباط میان انسان، فضا و فعالیت‌های انسان را نظم می‌دهد (آسایش، ۱۳۷۵: ۲۹).

۲-۲- مرز

جهان انسان‌ها در چارچوب پراکندگی‌های فضایی واکنش‌های متقابل خود، از شبکه سنگفرش‌گونه‌ای شکل یافته است که نماد نمایان آن را کشورها تشکیل می‌دهند؛ هر یک از کشورها با نشانه‌های نمادینی خود، با مرزهایی شناخته شده و از هم مجزا می‌گردند (اولیویه دلفوس، ۱۳۹۰: ۱۹). انسان برای مشخص ساختن پیرامون فعالیت خود، آن‌گونه که با گستره فعالیت همسایه تداخل پیدا نکند، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط زیست یا قلمرو خود است. گونه‌گسترش یافته این مفهوم خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه‌ای سیاسی پیدا می‌کند که «مرز» خوانده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۴۷). در واقع مرز یک خط نیست بلکه یک سطح عمودی است که از طریق فضا، خاک و زیرزمین دولت‌های همسایه را برش می‌دهد. این سطح در روی زمین به صورت یک خط به نظر می‌رسد (Glassner, ۱۹۸۹). مرزهای سیاسی مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر است (میرحیدر، ۱۳۸۵: ۱۶۱). مرزها به طور کلی تعیین‌کننده حدود و قلمرو حاکمیت و مالکیت یک دولت یا نظام سیاسی هستند و کشورها و دولت‌ها را از یکدیگر جدا و متمایز می‌کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۹۹).

۲-۳- آمایش مناطق مرزی

آمایش مناطق مرزی، از طریق توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در پهنه جغرافیایی مناطق مرزی امکانپذیر خواهد بود، به گونه‌ای که هر یک از این مناطق، متناسب با قابلیت‌ها، نیازها، محدودیتها و تهدیدات آن، از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی،

اجتماعی و امنیتی برخوردار بوده و امکان رشد مادی و معنوی را برای ساکنین این مناطق فراهم سازد (شیخ زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۵). مناطق مرزی دورترین مناطق پیرامونی از مناطق مرکزی می باشند؛ به همین دلیل، عقب مانده ترین و محروم ترین این مناطق هستند. توسعه به شکل امواج سلسله مراتبی و با محوریت مرکز رشد تا دورترین نواحی (مرزها) گسترش می یابد. همچنین توسعه مناطق مرزی با تامین زیرساختهای لازم آن در درون یک نظام فضایی منسجم و یکپارچه طراحی شده، میسر است. از نظر ساختار فضایی، مناطق مرزی علاوه بر ویژگی دوری از مرکز، دارای ویژگیهای کالبدی خاص مناطق مرزی می باشند که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در نتیجه توسعه نیافتگی آنها می شوند و در نتیجه هرگونه ساختار فضایی در سطوح و مقیاس های مختلف بویژه در ارتباط بین فضاهای مرزی و دیگر نواحی، مستلزم برخورداری از پدیده ای به نام مرکزیت است. بین عوامل جغرافیایی، جمعیت و فعالیت در مناطق مرزی روابطی برقرار است که این روابط یک ساختار و نظام فضایی را تشکیل می دهند. همچنین به میزان وجود تعادل منطقه ای، مرزهای ذهنی و فیزیکی حایل بین مناطق مرکزی و مناطق پیرامونی رقیق تر می شوند و در صورت عدم وجود تعادل بین این مناطق، این مرزها ظهور و بروز بیشتری می یابند. باید دانست رفع پدیده عدم تعادل منطقه ای و فضایی از طریق توزیع سلسله مراتبی توسعه با محوریت «مرکزیت» به جانب «پیرامون» یا مناطق مرزی میسر می شود و توسعه و آمایش مناطق مرزی مستلزم درک پیچیدگی های فضایی، کالبدی، تعادل منطقه ای و ابعاد متنوع دخیل در این مناطق می باشد. از سویی تاکید مفرط بر مقوله تمرکز در برنامه ریزی توسعه ای یا فضایی باعث عدم تعادل منطقه ای و فضایی، و در نتیجه، پیدایش مناطق مرکزی و مناطق پیرامونی می شود (عندلیب، ۱۳۸۰: ۴۱).

دیدگاههای مختلف در مورد مفهوم استنباط از مرز عبارتند از:

۲-۴- دیدگاه های نظریه مرکز - پیرامون

این نظریه را آندره گوندر فرانک، مطرح کرده است و بر اساس آن:

- ۱- مرزها به دلیل واقع شدن در مناطق پیرامونی و دور بودن از مرکز، مورد بی توجهی کامل قرار می گیرند؛ چرا که امکان بهره برداری از منابع آنها کمتر از مناطق نزدیک به مرکز است. همچنین به دلیل این بی توجهی، حداقل منابع موجود این مناطق به سوی مناطق مرکزی یا مناطق نزدیک تر به آن تمایل می یابند.
- ۲- به دلیل تفاوت بسیار زیاد بین مرکز هر منطقه، و دورترین نقاط مراکز پیرامونی مرزها، تضاد منافع بین مرکز و نقاط مرزی تشدید می شود.
- ۳- به دلیل تاکید بر تمرکز همه منابع قابل بهره برداری در مرکز منطقه، در واقع یک خط مرزی ذهنی و در عین حال، قابل لمس میان مرکز و پیرامون ترسیم می شود. به این دلیل، خط مرزی، شفاف و قابل تشخیص است.
- ۴- به دلیل تاخیر در تاثیرپذیری و بهره مندی مناطق مرزی از مرکز منطقه، سرعت توسعه یافتگی در مناطق مرزی به کندی انجام می شود (نامی و محمدپور، ۱۳۹۰: ۸۱).

۲-۵- دیدگاه های نظریه هانسن

نیلز هانسن در سال ۱۹۸۷، پس از انجام بررسی های میدانی گسترده ای در مرزهای کشورهای آلمان، فرانسه و سوئیس، ویژگی های مناطق مرزی را با دقت بیشتری مورد توجه قرار داد و آنها را بر اساس نظریه های مکان مرکزی «کریستالر» و قطب رشد «پرو» تجزیه و تحلیل کرد. پس از آن، هانسن به نظریه های یاد شده، بازگشت تا بر اساس یافته های جدید خود، آنها را مورد نقد و تصحیح قرار دهد. هانسن در بررسی های خود به نکات مثبت و منفی مناطق مرزی و تحلیل آنها از دیدگاه کریستالر، لوش، ژاندارم، بودویل، اوربان و پرو می پردازد. از نگاه او، نکات مثبت مرزها که در کنار مرزهای سیاسی باثبات قابل تصورند، توسعه فعالیت های تجاری و فرهنگی مرزی- که شعاع نفوذی در کشور مجاور پیدا می کنند و درآمدهای حاصل از دریافت عوارض می باشند. همچنین او، به نقل از «لوش» می گوید: در مناطق مرکزی ممکن است سرمایه

گذاری به دلیل فرار از مالیات دولت مرکزی، سودمندتر باشد. او می‌گوید که طبق نظریه قطب رشد، عدم تعادل منطقه‌ای بین مناطق مرکزی و غیرمرکزی جزو ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر این مناطق و فرآیند توسعه به شمار می‌رود و همچنان با استنباط از لوش اظهار می‌دارد که در مناطق مرکزی ممکن است به دلیل ناهمخوانی بین هدف‌های سیاسی و اقتصادی، مشکلات ویژه‌ای ظهور پیدا کنند. اصول کلی و ویژگی‌های مناطق مرزی از دیدگاه هانسن عبارتند از:

- (۱) موانع مربوط به تجارت بین الملل
- (۲) قطع ارتباط با همسایگان و محدود نمودن آن به واسطه اختلاف نرخ رشد اقتصادی یا تفاوت فرهنگی
- (۳) خطر تهدیدها و تهاجم‌های نظامی
- (۴) آسیب دیدگی و جراحت سازمان فضایی این مناطق از طریق گسستگی در ساختار فضایی ناشی از مرزهای فیزیکی
- (۵) به دلیل اینکه محرومیت جزو خصوصیات این مناطق است، مادامی که این خصوصیات باقی است، این مناطق، محروم، توسعه نیافته و پیرامونی خواهند ماند (عزتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۸).

۳- پیشینه تحقیق

بذر افشان و امانی (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان «تدوین راهبردهای توسعه منطقه‌ای در شهرهای مرزی با استفاده از مدل SWOT- مطالعه موردی: شهرهای مرزی استان خراسان رضوی» به این نتیجه رسیده‌اند که اتخاذ یک استراتژی فرامنطقه‌ای برای استفاده از فرصت‌های منطقه‌ای و احداث مناطق آزاد تجاری در مناطق گمرکی این شهرها، تامین زیرساخت‌های لازم و اصلاح و بهبود قوانین و مقررات، تقویت خدمات پشتیبان مانند امور بانکی، اداری و ارتباطی، و ارتقاء سطوح مدیریتی نقاط مرزی به سطح استانداردهای جهانی برای جذب سرمایه‌گذارهای خارجی، زمینه‌سازی برای تسلط بر بازار مصرف کشورهای آسیای مرکزی به ویژه ترکمنستان، و تعیین شهر سرخس به عنوان کانون توسعه منطقه‌ای با توجه به ظرفیت‌های بالقوه این شهر، و بوجود آوردن امنیت در مناطق مرزی از مهمترین راهبردهای پیشنهادی برای توسعه این مناطق می‌باشند. پرنیان و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان «استراتژی‌های توسعه مناطق مرزی با رویکرد آمایش سرزمین (ناحیه مطالعاتی: ارومیه- سلماس)» به این نتیجه رسیده‌اند که با تدوین برنامه ریزی استراتژیک توسعه منطقه‌ای که خود می‌تواند به عنوان یک نوع برنامه ریزی آمایش سرزمین باشد؛ مسایل مربوط به توسعه نیافتگی و دست‌یابی به عدالت اجتماعی را فراهم کرد و از آن می‌توان به عنوان برنامه‌ای امیدوارکننده برای تحقق توسعه پایدار و تامین امنیت در منطقه مرزی ارومیه- سلماس استفاده نمود.

کارگر و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان «آمایش ناحیه‌ای کشور بر اساس شاخص SWOT (مطالعه موردی: منطقه مرزی ایران و ترکمنستان)» به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به اینکه در تدوین این پژوهش، آمایش منطقه‌ای و برنامه ریزی محیطی در نوار مرزی کشورهای ایران و ترکمنستان علاوه بر بررسی تعاریف و مفاهیم آمایش منطقه‌ای و ابعاد کارکردی آن، چگونگی تهیه طرح‌های آمایش و ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته می‌توان نتیجه گرفت که نوار مرزی ایران و ترکمنستان در افق ۱۴۰۴ می‌تواند یکی از دروازه‌های توسعه کشور و نیز عامل برقراری روابط همه‌جانبه میان کریدور شمال جنوب باشد.

محمودی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان «راهبردهای آمایش مناطق مرزی ایران با بکارگیری مدل SWOT و تحلیل شبکه‌ای ANP (مطالعه موردی: خراسان جنوبی)» به این نتیجه رسیده‌اند که بازارچه‌های مرزی، گمرک و منطقه ویژه اقتصادی مهمترین نقطه قوت استان، امنیت نسبی موجود در مرز مهمترین فرصت استان، بی‌ثباتی طرف افغان در مناسبات تجاری و سیاسی مهمترین تهدید استان و ضعف زیرساخت‌های کالبدی (جاده، راه آهن ...) مهمترین نقطه ضعف استان می‌باشد. عزتی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان «نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه ریزی (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران)» به این نتیجه رسیده‌اند که آمایش مناطق مرزی، بهره‌برداری مطلوب از کلیه امکانات انسانی و

فضایی این مناطق در جهت بهبودی وضع مادی و معنوی جامعه به دنبال تبیین مبانی نظری سازماندهی مطلوب فضایی پایدار انسان، سرزمین و فعالیت های انسانی در مناطق مرزی با توجه به ویژگی های این مناطق در چارچوب طرح آمایش سرزمین و تحقق توسعه و امنیت ملی است.

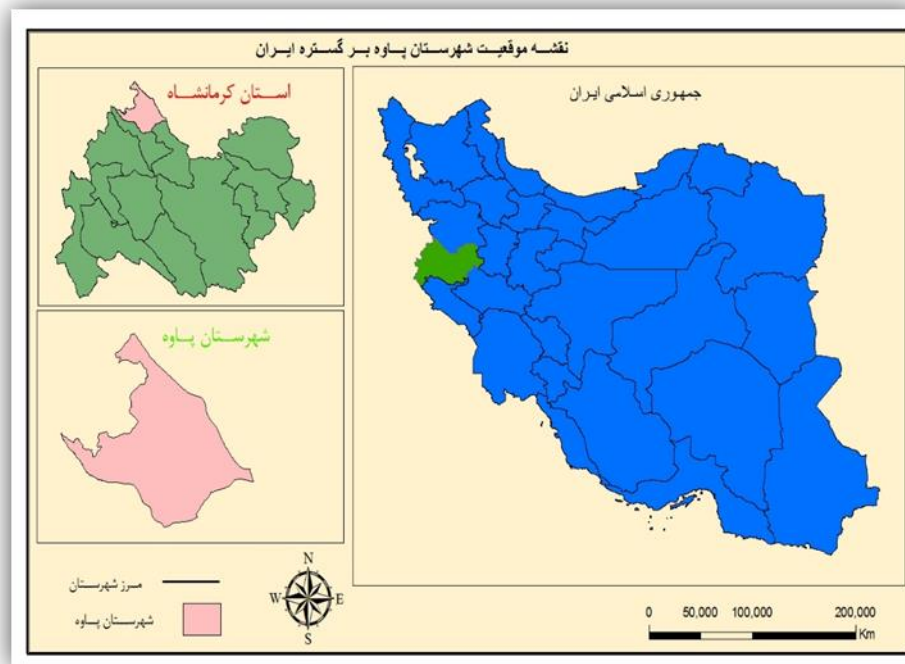
با توجه به اینکه ناحیه مرزی شهرستان پاوه جزء مناطق محروم استان کرمانشاه است لذا این تحقیق به بررسی آمایش این ناحیه بر اساس مدل SWOT می پردازد تا ضمن شناخت قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدها، همچنین شناسایی موانع توسعه شهرستان مورد مطالعه، به توسعه پایدار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی شهرستان پاوه دست یابد.

۴- روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی- کتابخانه ای است. سپس جهت تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش از مدل برنامه ریزی استراتژیک SWOT استفاده شده است. که با توجه به بررسی های صورت گرفته در منطقه مورد مطالعه (شهرستان پاوه)، فهرستی از نقاط قوت و ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها مورد شناسایی قرار گرفت.

۵- معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرستان پاوه در استان کرمانشاه و در ۱۱۲ کیلومتری مرکز استان واقع شده است. وسعت شهرستان پاوه ۱۲۶۰ کیلومتر مربع است که شش درصد مساحت استان کرمانشاه را به خود اختصاص داده است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهرستان ۶۰۴۳۱ نفر برآورد شده است. شهرستان پاوه از شمال به مریوان، از شرق به سنندج، از جنوب به جوانرود و از غرب به طول ۸۴ کیلومتر با کشور عراق هم مرز است (نقشه ۱).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان پاوه (منبع: نگارندگان)

شهرستان پاوه با سابقه بیش از سه هزار سال در شمال غرب استان کرمانشاه با فاصله ۱۲۱ کیلومتر از مرکز استان و شهر کرمانشاه قرار دارد. شواهد و اظهارات ساکنین حکایت از قدمت بسیار زیاد پاوه به عنوان سکونتگاهی روستایی داشته که به مانند اغلب سکونتگاههای روستایی اورامانات دوران پرفراز و نشیبی را طی کرده است. البته در شکل گیری این مکان به مانند

اغلب مکان های مسکونی منطقه شرایط جغرافیایی، طبیعی و توپوگرافی نقش موثری داشته است. ساختار کالبدی شهر نشان از آن دارد که ساکنان اولیه آن بنا به دلایلی نظیر وجود موانع در مقابل بلایای طبیعی، خطرات ناشی از حمله حیوانات و انسان های دیگر، بهره گیری از حداکثر شرایط طبیعی، قرار گرفتن بر روی زمین های نامناسب کشاورزی، قرار داشتن در سر راه مسیرهای کاروان رو شهرستان و حتی فراتر از آن و... این مکان را برای سکونت انتخاب نموده و هسته اولیه آن را شکل داده اند. اما شهر پاوه به عنوان سکونتگاهی شهری، عمری در حدود چهار دهه (سال تاسیس شهرستان ۱۳۳۷) دارد. در طی سرشماری سال ۳۵ شهرستان پاوه به عنوان زیرمجموعه فرمانداری کل سنندج بوده است. در سال ۱۳۳۷ شهرستان فعلی پاوه به همراه شهرستان های جوانرود، ثلاث و باباجانی و روانسر به عنوان شهرستان پاوه و اورامان به صورت مستقل درآمد و در حوزه اداری- سیاسی استان کرمانشاه قرار گرفت. در شکل گیری موقعیت جغرافیایی شهر، نقش عوامل و عوارض طبیعی مانند وجود دره، تپه های شیب دار، باغات فراوان و... تاثیر داشته و شکل منحصر به فردی را آفریده است. عامل راه (خیابان) و به ویژه مسیر اصلی شرقی- غربی (به عنوان مسیر عبوری درون منطقه ای) نیز سهم زیادی در شکل گیری و توسعه شهر داشته است. محدودیت ها و کمبود زمین، شرایط توپوگرافی سخت و ناهموار از تنوع بخشیدن به بافت شهری جلوگیری نموده و ساخت و ساز را هزینه بر نموده است. شیب زمین، باغات اطراف و ناهمواری بسیار توسعه شهر را جهت دهی نموده است. قرارگیری شهر بر روی ناهمواری، وجود دامنه های تند در درون و اطراف شهر، مشخصه این شهر کوهستانی و پلکانی است. شهر پاوه به عنوان نقطه شهری، تاریخی نسبتا کوتاه دارد. این سکونتگاه در سال ۱۳۳۷ به عنوان نقطه شهری و مرکز سیاسی، اداری شهرستان پاوه و اورامانات انتخاب گردید و عمده مراحل رشد و توسعه خود را بعد از این تاریخ و به ویژه بعد از انقلاب اسلامی طی نموده است. البته سابقه سکونت در پاوه دارای قدمت بسیاری است؛ یعنی در دوران پیش از اسلام و در هنگام رواج آئین زرتشت، پاوه به صورت سکونتگاه وجود داشته و آثار قدیمی به جای مانده از آن دوران، نشان از قدمت بسیار این سکونتگاه دارد (طرح جامع شهرستان پاوه، ۱۳۸۸: ۵۹۰). موقعیت قرارگیری شهر پاوه در استان کرمانشاه نسبت به سایر نقاط زیستی و عناصر و پدیده های طبیعی مصنوعی نشان می دهد این شهر در یک موقعیت حاشیه ای نسبت به استان قرار گرفته است. به گونه ای که بخش عمده ای از ارتباطات این شهر با شهرهای استان کردستان (مریوان، سنندج، کامیاران) می باشد. به طور کلی موقعیت شهر پاوه در استان کرمانشاه نشان داده است این شهرستان در یک موقعیت حاشیه ای نسبت به سایر شهرستان های استان قرار دارد. قرار گرفتن شهرستان پاوه در یک موقعیت حاشیه ای تحت تاثیر عواملی از قبیل موانع و تنگناهای طبیعی، و عامل مهمتر رویکرد مرکزگرایانه و تک بعدی-امنیتی مسئولین به این ناحیه که توسعه نیافتگی را در این ناحیه بوجود آورده است و باعث شده است که شهر پاوه نسبت به سایر شهرستان های استان کرمانشاه در یک موقعیت حاشیه ای و پیرامونی قرار گیرد در نتیجه چالشها و مشکلات فراوانی در توسعه این ناحیه را در پی داشته است. با وجود اینکه شهرستان پاوه در موقعیت مرزی قرار دارد این شهرستان با نوعی محدودیت ارتباطی روبرو است. مبادلات و مراودات برون مرزی ناشی از موقعیت مرزی این شهرستان در حالت منظم و قانونی آن، چه در زمینه فعالیت های (پبله وری) یا در قالب بازارچه مرزی هیچ گاه از تداوم لازم برخوردار نبوده است. از مهمترین عوامل پیامدهای توسعه نیافتگی این ناحیه، معضلاتی مانند عدم اشتغال مناسب، مهاجرت، بیکاری، کمبود درآمد، فقر، قاچاق، کمبود امکانات درمانی- بهداشتی و... که به طور بارزی در فضای شهر و ناحیه مورد مطالعه (شهرستان پاوه) حاکم است. که از نظر اقتصادی این معضلات باعث گسترش مشاغل کاذب و روی آوردن به شغل های مربوط به قاچاق کالا را در پی داشته است. کم توجهی به بخش صنعت در مفهوم تولید انبوه و مکانیزه کردن بخش دامداری و طیور با توجه به پتانسیل بالای این ناحیه در این موارد، عدم آگاهی و استفاده صحیح از منابع آب رودخانه سیروان و سد داریان در ابعاد گردشگری و پرورش ماهی در حاشیه رودخانه و آبیاری مکانیزه باغات اطراف رودخانه برای رفع بیکاری و بهبود وضعیت اشتغال و اقتصاد در سطح شهرستان از طرف مسئولین و شهروندان، بی تفاوتی دولت نسبت به ساماندهی وضعیت مرزی بازارچه مرزی شوشمی در مورد صادرات و واردات کالا که مستقیما زیر نظر فرمانداری شهرستان پاوه است که در عمل اقدامات صورت گرفته فقط برای عده محدودی سودآوری کلانی داشته است. در

مجموع وضعیت کنونی ناحیه شهرستان پاوه نشان دهنده عدم رضایت از وضعیت موجود (بخصوص اشتغال و...)، عدم مشارکت دادن شهروندان در تصمیم گیری های شهری، نبود بازارچه های مرزی مناسب برای عرضه کالا مثل دیگر شهرستان های مرزی اطراف پاوه (مربوآن و جانرود) و عقب ماندگی این ناحیه نسبت به نواحی اطراف خود، کم توجهی مسئولین به فضای گردشگری شهری و احیای فضاهای سبز و مناطق توریستی در سطح ناحیه شهر پاوه از موارد قابل ذکر هستند. از نظر مهاجرت، به علت عدم اشتغال و بیکاری، ناحیه مرزی پاوه بیشتر به صورت مهاجر فرست عمل می کند و هر ساله تعداد زیادی از نیروهای فعال راهی شهرهای بزرگ (مانند تهران)، بنادر جنوبی و یا کشور عراق می شوند. نکته حائز اهمیت ناحیه مرزی شهرستان پاوه این است که امنیت کامل در این ناحیه و بویژه در مرزهای مجاور شوشمی است که تاکنون هیچ فعالیت ضد امنیتی در این ناحیه صورت نگرفته است که متأسفانه هنوز هم با دید تک بعدی- امنیتی به این ناحیه نگاه می شود در حالی که در چندین سال اخیر امنیت کامل در این ناحیه حاکم است و انتظار می رفت با توجه به وضعیت پایدار امنیتی ناحیه مرزی شهرستان پاوه هر چه سریعتر با توسعه یافتگی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی ... مواجه شود اما به نظر می رسد با استمرار نگاه مرکزگرایانه (تک بعدی- امنیتی) مسئولین، شهرستان پاوه همچنان با توسعه نیافتگی در ابعاد مختلف ذکر شده مواجه است.

۶- یافته ها

۶-۱- مدل استراتژیک SWOT

مدل SWOT یکی از کارآمدترین مدل های کیفی در زمینه تحلیل مسائل می باشد. این مدل در واقع حروف اختصاری چهارعامل تحلیلی است که عبارت از قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها می باشد. این تکنیک در برنامه ریزی های محیطی به طور ساده به عنوان ابزار بررسی قوت ها و ضعف های درون ناحیه ای و فرصتها و تهدیدات محیطی برون ناحیه ای است و در مفهوم کلی ابزاری برای بهره برداری در مراحل مقدماتی تصمیم گیری به عنوان یک پیش درآمد در امر برنامه ریزی استراتژیک در نوع کاربردی آن است (مشاور ورزبوم، ۱۳۸۲: ۲۸). در آمایش ناحیه ای، اصولاً با بهره گیری از روش SWOT نکات زیر مورد توجه قرار می گیرد:

- ۱- تحلیل خارجی: تهدیدات عمده و فرصت های ارائه شده از محیط بیرونی را مشخص می سازد.
- ۲- تحلیل داخلی: درواقع حسابرسی از منابع و یا تهیه فهرستی از نقاط قوت و ضعف در ارتباط با هر یک از موضوعات استراتژیک می باشد (مهودی، ۱۳۸۲: ۱۱۸).

در جدول زیر به صورت شماتیک چارچوب روش SWOT نشان داده شده است.

جدول (۱): «ماتریس SWOT و تعیین نحوه استراتژی»

نقاط ضعف W	نقاط قوت S	ماتریس SWOT
استراتژیهای WO	استراتژیهای SO	فرصتها O
استراتژیهای WT	استراتژیهای ST	تهدیدها T

منبع: افتخاری و مهودی، ۱۳۸۵: ۹

برای تجزیه و تحلیل ناحیه مرزی شهرستان پاوه، شناخت عوامل چهارگانه SWOT در جهت رفع ضعف ها و تهدیدها و بهبود قوت ها و فرصت ها امری اجتناب ناپذیر تلقی می گردد. از این رو، هدف این پژوهش تحلیل ناحیه مرزی شهرستان پاوه برای شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهایی است که شهرستان پاوه از نظر آمایش با آنها مواجه است. بر اساس یافته های پژوهش ماتریس عوامل داخلی و خارجی آمایش شهرستان پاوه در جداول زیر (۳ و ۲) استخراج شده است:

جدول (۲): ماتریس بررسی عوامل داخلی (S-W) در آمایش شهرستان پاوه

ردیف	نقاط قوت (strengths)
۱	وجود بافت شهری زیبا و طبیعت بکر جهت جذب گردشگر
۲	داشتن بازارچه مرزی شوشمی
۳	نیروی کار ارزان و جوان فراوان در ناحیه مرزی پاوه
۴	موقعیت مرزی شهرستان پاوه و تبادلات مرزی با کردستان عراق
۵	وجود فرهنگ یکدست و همگن میان مردم دو طرف مرز(شهر پاوه- کردستان عراق) جهت ایجاد مبادلات اقتصادی- فرهنگی
۶	وجود رودخانه دایمی مرزی سیروان و رودخانه های دیگر
۷	وجود کوه ها و ارتفاعات به عنوان یکی از فاکتورهای امنیت مناطق مرزی
۸	برقراری امنیت لازم در ابعاد مختلف(فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی) جهت تسهیل سرمایه گذاری و اشتغال
ردیف	نقاط ضعف (weaknesses)
۱	نبود اشتغال در سطح شهر و روی آوردن مردم منطقه به قاچاق
۲	مهاجرت از شهرستان مورد مطالعه به دلیل بیکاری و نبود اشتغال
۳	تراکم کم جمعیت و پراکندگی آن در نوار مرزی
۴	شرایط اقلیمی سخت در فصول سرد سال
۵	پایین بودن سطح بهداشت و کمبود امکانات بهداشتی و درمانی در ناحیه مرزی شهرستان مورد مطالعه
۶	از میان رفتن معیشت و مشاغل محلی مبتنی بر منابع طبیعی و فرهنگی مرزنشینان
۷	عدم برخورداری از درآمدهای پایدار و فصلی بودن درآمد منطقه مورد مطالعه
۸	ضعف امکانات و زیرساختهای ارتباطی(جاده و...)
۹	فقر و محرومیت در مناطق مرزی
۱۰	نوع رویکرد امنیتی مسئولان استانی و کشوری به مناطق مرزی

منبع: یافته های پژوهش

جدول (۳): ماتریس بررسی عوامل خارجی (O-T) در آمایش شهرستان پاوه

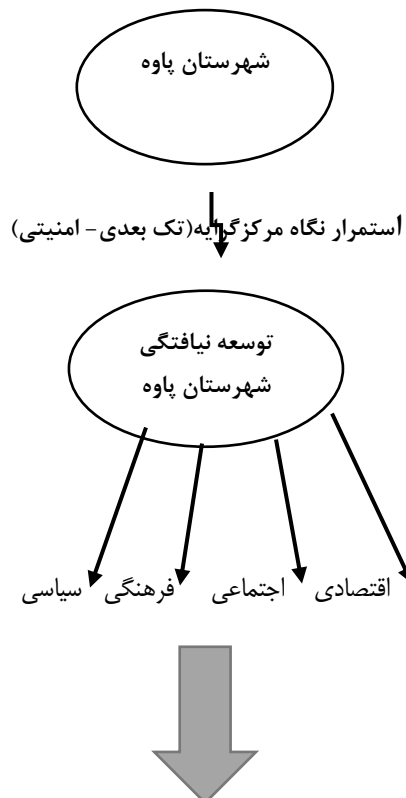
ردیف	فرصتها (opportunities)
۱	وجود پتانسیل های بالقوه گردشگری جهت سرمایه گذاری در شهرستان پاوه
۲	امنیت نسبی موجود در مرز
۳	افزایش مبادلات بیشتر کالا و خدمات با کردستان عراق جهت ایجاد اشتغال و کاهش قاچاق
۴	استفاده از ظرفیت نیروی کار جوان و تحصیل کرده

۵	گسترش بازارچه های مرزی جهت تقویت اقتصاد شهرستان پاوه
۶	استفاده از مدیریت های ناحیه ای و محلی و افزایش نصب مدیران بومی و آشنا به ظرفیت منطقه
۷	استفاده از ظرفیتهای مرزنشینان در تامین امنیت مرزها
۸	اشتراکات فرهنگی و قومی شهرستان پاوه و کردستان عراق
تهدیدها (Threats)	
۱	فقدان مشارکت موثر مردم مناطق مرزی در فعالیتهای اقتصادی اجتماعی
۲	عدم سرمایه گذاری عمده دولت در زیرساختهای اساسی توسعه شهرستان پاوه
۳	دورافتادگی و در حاشیه قرار گرفتن مناطق مرزی از مراکز اصلی جمعیت کشور و محورهای توسعه ملی
۴	سهم پایین نواحی مرزی از بودجه اقتصادی دولتها جهت توسعه
۵	شکاف عملکردی بین مناطق مرزی و مرکز کشور (ساختار دوگانه سیستمی)
۶	بیکاری زیاد و گرایش مردم به فعالیتهای غیرقانونی (کوله بری و...)
۷	فقدان نظام تصمیم گیری منسجم، هماهنگ و کارآمد در مورد مناطق مرزی
۸	استمرار نگاه مرکزگرایانه (تک بعدی- امنیتی) مسئولین

منبع: یافته های پژوهش

۶-۲- تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدها

همانطور که در جدول (۲ و ۳) نشان داده شد در این منطقه ۸ قوت داخلی در برابر ۱۰ ضعف داخلی و تعداد ۸ فرصت خارجی در برابر ۸ تهدید خارجی شناسایی شده است. به این ترتیب در مجموع ۱۶ نقطه قوت و فرصت و ۱۸ نقطه ضعف و تهدید به عنوان محدودیتها و تنگنایهای پیش روی این ناحیه جهت آمایش قابل شناسایی است. با شناسایی این عوامل «نقاط قوت، ضعف، فرصت، تهدید» و پیامدهای ناشی از آن، می توان زمینه آمایش و توسعه ناحیه مرزی شهرستان پاوه را فراهم ساخت.



فقر، بیکاری، مهاجرت، نبود
امکانات بهداشتی، قاچاق
کالا و...

منبع: نگارندگان

۷- نتیجه گیری

آمایش ناحیه ای، تنظیم رابطه میان انسان، فضا و فعالیتهای انسانی در فضا را شامل می شود و هدف از تنظیم این رابطه، بهره برداری منطقی از کلیه امکانات، با هدف ارتقای وضع مادی و معنوی جامعه در طول زمان است. بر اساس مطالعات نظری و تجربی در کشورهایی مانند ایران که تنوع و پیچیدگی در مناطق مرزی دارند، عدم تعادل منطقه ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی بسیار آشکار است. بنابراین، هدف از آمایش مناطق مرزی، بهره برداری مطلوب از کلیه امکانات انسانی و فضایی این مناطق در جهت بهبود وضع مادی و معنوی جامعه به دنبال تبیین مبانی نظری سازماندهی مطلوب فضایی پایدار انسان، سرزمین و فعالیت های انسانی در مناطق مرزی با توجه به ویژگیهای این مناطق در چارچوب طرح آمایش سرزمین و تحقق توسعه و امنیت ملی است. در این راستا در پژوهش حاضر، آمایش شهرستان پاوه بر اساس مدل SWOT مورد مطالعه قرار گرفته است. در چارچوب مدل SWOT با مطالعه محیط درونی شهرستان پاوه تعداد ۸ نقطه قوت و تعداد ۱۰ نقطه ضعف و در محیط بیرونی نیز تعداد ۸ فرصت و ۸ تهدید اثرگذار بر آمایش شهرستان پاوه شناسایی شد. با توجه به یافته های پژوهش و تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف، فرصتها و تهدیدات در آمایش شهرستان پاوه، نشاندهنده این حقیقت است که همچنان استمرار نگاه مرکزگرایانه (تک بعدی-امنیتی) مسئولین استانی و کشوری در این ناحیه حاکم است. بنابراین در تدوین راهبردهای آمایش ناحیه مرزی شهرستان پاوه به هر چهار عامل اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی- اجتماعی باید توجه لازم را نمود و تنها با نگاه تک بعدی- امنیتی نمی توان انتظار داشت که در ناحیه مورد مطالعه (شهرستان پاوه) به توسعه دست یافت. بیکاری، فقر، مهاجرت، نبود امکانات درمانی و بهداشتی، قاچاق کالا از جمله مهمترین پیامدهای عدم توسعه یافتگی شهرستان پاوه است. بنابراین می توان با یک نگاه تحلیلی جامع و در نظر گرفتن تمامی عوامل تشکیل دهنده یک جامعه (عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی)، به افزایش توسعه منطقه، و رفع پیامدهای ناگوار ناشی از توسعه نیافتگی ناحیه مرزی شهرستان پاوه امیدوار بود.

منابع

- آسایش، حسن، ۱۳۷۵، اصول و روش های برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات دانشگاه پیام نور اسکندری، حمید، ۱۳۹۰، دانستنی های پدافند غیرعامل، انتشارات بوستان حمید
- افتخاری، عبد الرضا و داوود مهدوی، ۱۳۸۵، راهکارهای توسعه گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT، مجله مدرس اولیویه، دلفوس، ۱۳۹۰، نقشه جدید جهان: درآمدی بر امر جهانی شدن، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات پاپلی
- بذرافشان، محمدجواد و معصومه امانی، ۱۳۹۱، تدوین راهبردهای توسعه منطقه ای در شهرهای مرزی با استفاده از مدل SWOT- مطالعه موردی: شهرهای مرزی استان خراسان رضوی، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش ها و رهیافت ها
- پرنیان، حاتم و دیگران، ۱۳۹۶، استراتژی های توسعه مناطق مرزی با رویکرد آمایش سرزمین (ناحیه مطالعاتی: ارومیه- سلماس)، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی
- توفیق، فیروز، ۱۳۸۴، آمایش سرزمین: تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- حاج یوسفی، علی، ۱۳۸۱، آمایش سرزمین (مفهوم و رویکردها)، فصلنامه مددکاری اجتماعی
- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۹۱، جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت
- خنیفر، حسین، ۱۳۸۹، درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای آن در ایران، مجله آمایش سرزمین
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۰، مطالعات آمایش سرزمین (سابقه، مفاهیم و شرایط کنونی)، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
- سرور، ر.، ۱۳۸۴، جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، انتشارات سمت
- سهامی، حبیب اله، ۱۳۸۶، آمایش و مکانیابی، انتشارات دانشگاه مالک اشتر
- شیخ زاده، رجبعلی و دیگران، ۱۳۹۱، جنگ نرم و جایگاه پدافند غیرعامل در آمایش استان مرزی سیستان و بلوچستان، همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران
- طرح جامع شهرستان پناه، ۱۳۸۸، مهندسين مشاور ژيناب غرب
- طیب نیا، سید هادی و رزگار فتاحی، ۱۳۹۸، تحلیل و سطح بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان کرمانشاه، مجله مهندسی جغرافیایی سرزمین
- عزتی، نصرالله و دیگران، ۱۳۹۰، نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه ریزی (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران)، فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی
- عندلیب، علیرضا، ۱۳۸۰، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دوره عالی جنگ
- کارگر، بهمن و دیگران، ۱۳۹۰، آمایش ناحیه ای کشور براساس شاخص SWOT (مطالعه موردی: منطقه مرزی ایران و ترکمنستان)، فصلنامه آمایش محیط
- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۹۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت
- محمودی، مهدی و دیگران، ۱۳۹۸، راهبردهای آمایش مناطق مرزی ایران با بکارگیری مدل SWOT و تحلیل شبکه ای ANP (مطالعه موردی: خراسان جنوبی)، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)
- معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ لغات معین، انتشارات امیرکبیر
- موسوی، میرنجف و عیسی ابراهیم زاده، ۱۳۹۵، اصول و مبانی آمایش سرزمین، انتشارات سمت
- مهدوی، د.، ۱۳۸۲، نقش توریسم در توسعه نواحی روستایی پیرامون شهرها و ارایه مدل استراتژیک (نمونه موردی: دهستان لواسان کوچک)، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: رکن الدین افتخاری، عبد الرضا، دانشگاه تربیت مدرس
- مهندسين مشاور ورزبوم، ۱۳۸۲، راهکارها و سیاستهای توسعه نواحی صنعتی روستایی در برنامه پنج ساله چهارم، وزارت جهاد کشاورزی
- نامی، محمد حسن و علی محمدپور، ۱۳۹۰، آمایش مناطق مرزی با تاکید بر ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی
- یزدان پناه، درو، کیومرث، ۱۳۹۷، نقش تطبیقی آمایش سرزمین در تبیین رابطه جغرافیا با توسعه: با تاکید بر نواحی خاص مرزی، ساحلی جنوب ایران

Glassner, M.I. and H.J. de Blij. ۱۹۸۹, Systematic political Geography new York.



Gohnson, J., H. ۱۹۸۳. Geography and Regional Planning British-Bulgarian Geographical Seminar, ۲nd, Sofia, Bulgaria, Geo Boks, Norwich, England.

Hansen, N.M. ۱۹۶۸, French Regional Planning, Indiana University, Edinburg

Niles, H, ۱۹۷۵, An Evaluation of Growth Center Theory and Practice. Environment and Planning, No ۷.

Pena, S, ۲۰۰۵, Recent development in urban marginality along Mexico's northern border. Journal of Habitat International, No ۲۹.

Phillip, J. and Wild, Trevor, ۱۹۹۴, Opening the Frontier: Recent Spatial Impacts in the Former Inner-German Border Zone; Regional Studies, Vol. ۲۸, ۳; PP ۲۵۹-۲۷۳.

Topaloglou, L and Petrakos, G, ۲۰۰۶, «The new economic geography of the northern greek border regions», ۴th Th Congress of the European Regional Science Association, PP: ۲۳-۲۷.

برنامه ریزی توسعه اقتصادی روستاهای مرزی با هدف تامین امنیت پایدار

نبی موسی زاده^{۱*} عادل مرادپور^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه

۲- کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور روانسر

* n.moosazadeh@stu.razi.ac.ir

چکیده:

طرح مسئله:

در قرن حاضر امنیت پایدار کشورها به خصوص در خاورمیانه و کشورهای در حال توسعه مثل ایران در جهت نیل به اهداف و برنامه‌های کلان کشورها و سازمان‌ها مورد توجه قرار گرفته است زیرا در سایه امنیت پایدار است که سایر مسائل مثل پیشرفت علمی، توسعه اقتصادی و فرهنگی رقم می‌خورد. از طرفی روستاهای مرزی به خصوص در کشور ایران به علت گستردگی و جمعیت زیاد در نقاط مرزی نقش مهمی در تامین و حفظ امنیت پایدار ایفا می‌کند. به همین دلیل برنامه ریزی در جهت توسعه روستاها به خصوص در بعد اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. مطالعات حاکی از آن است که در دهه‌های آتی، جمعیت روستایی کشور، روند کاهش نسبی و مطلق خود را ادامه خواهد داد و وضعیت نگران‌کننده‌تری را تجربه خواهد کرد. این امر زمینه‌ساز برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی روستاها به خصوص در جهت اهداف امنیت پایدار است. از آنجایی که تحقق عدالت اجتماعی، یکی از مهمترین آرمان‌های انقلاب اسلامی است، لذا از همان ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی، تلاش‌های فراوان و شایان تقدیری در راستای محرومیت‌زدایی از روستاها صورت گرفت. ولی شواهد حاکی از آن است که به دلیل عدم تلقی صحیح از مفهوم توسعه روستایی و عدم جامعه‌نگری، هنوز محرومیت به صورت پایدار از چهره سکونت‌گاه‌های روستایی و مناطق مرزی زدوده نشده است و این نواحی در بسیاری از موارد از زیست‌پذیری کافی برخوردار نیستند و با روی آوردن به فعالیت‌هایی مثل قاچاق سوخت، مواد مخدر و اسلحه سعی در تامین نیازهای مالی و اقتصادی خویش دارند که به نوبه خود باعث ناپایداری امنیتی به خصوص در مناطق مرزی می‌شود.

روش پژوهش: روش این پژوهش از نوع اسنادی بوده و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری تهیه شده است. در ابتدا جدیدترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع جمع‌آوری و سپس با تحلیل و دسته‌بندی آنها نتایج محورهای تحقیق مورد بحث قرار گرفته است.

یافته‌ها: با بررسی منابع مهمترین شاخص‌های مشترک در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی روستاهای مرزی و امنیت پایدار شامل مشارکت روستائیان در طرح‌های اقتصادی، رضایت از کالاها و خدمات، امنیت اقتصادی، ایجاد فضای امن برای فعالیت، حمایت مردم از طرح‌های امنیتی و اقتصادی، کاهش قاچاق کالا و سوخت و اسلحه، استمرار در برنامه‌های توسعه‌ای و امنیتی انتخاب شده است.

نتیجه گیری: بررسی روابط بین متغیرها و شاخص‌های مرتبط با برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی روستاهای مرز نشین و امنیت پایدار نشان دهنده ارتباط معنی‌دار و همبستگی بین امنیت اقتصادی روستائیان و حفظ و تأمین امنیت پایدار است اگر روستائیان از لحاظ اقتصادی تامین باشند ضمن کاهش انگیزه مهاجرت و میل به شغل‌های خطرناک مثل قاچاق اسلحه، مواد مخدر و سوخت باعث رونق تولید و استفاده از پتانسیل‌های فراوان روستاهای مناطق مرزی شده و به امنیت پایدار نیز کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی، توسعه اقتصادی، روستاهای مرزی، امنیت پایدار.

۱- مقدمه

امنیت یک مفهوم چند وجهی و عام است که تمامی شئونات و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و با بقای نفس و صیانت و موجودیت انسان پیوند می‌خورد. در واقع امنیت تضمین کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده می‌باشد. به عبارتی حفظ وجود حیات سالم و آرامش بخش انسان موکول به تأمین همه نیازهای مادی و معنوی وی است که در صورت عدم تأمین یا وجود نقص و تنگنا در تأمین آن، حیات سالم و وجود انسان به چالش کشیده می‌شود و با تهدید روبه‌رو می‌گردد و بلافاصله نیاز به امنیت و مفهوم آن در ارتباط با نیاز یا نیازهایی که با تنگنا روبه‌رو شده در ذهن انسان شکل می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۵). امنیت امری استنباطی است که واقعیت یافتن آن در محیط، مستلزم اقدامات و برنامه ریزی های ویژه‌ای است این حکم فردی در مورد ملتها و کشورها نیز جاری است و به آسانی می‌توان آن را در ابعادی منطقه ای و جهانی مطرح کرد. امنیت برای یک کشور عبارتست از داشتن یا به دست آوردن اطمینان نسبت به سلامت «موجودیت» و «مایملک»، نسبت به «اعتبار و موقعیت» و نسبت به همه آنچه زیر چتر «منافع ملی» قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۶). بین امنیت و توسعه اقتصادی رابطه‌ای متقابل وجود دارد. در عین حال که در سایه امنیت، آرامش و ثبات به وجود می‌آید، رشد و توسعه اقتصادی پایدار نیز معنی و مفهوم پیدا می‌کند. از جانب دیگر توسعه یافتگی، کشور را امن تر می‌کند و آن را در مقابله با چالش های امنیتی، تواناتر می‌سازد. به همین دلیل کشورهای در حال توسعه، برای مقابله با چالش های عدیده‌ای که امنیت شان را تهدید می‌کند. در قیاس با کشورهای توسعه یافته به توانایی های محدودتری دارند (روحانی و دیگران، ۱۳۸۹). مفاهیم امنیت و توسعه اقتصادی در دهه‌های اخیر تغییر زیادی یافته اند، به طوری که امنیت در گذشته بیشتر به مفهوم مصون ساختن یک کشور در برابر تهاجم بیگانه و یا برخوردها و جنگ‌های داخلی بوده است؛ اما امروز این مفهوم، امنیت شغل، امنیت در آمد، امنیت فرهنگی و اجتماعی، امنیت قضائی، امنیت بهداشت، امنیت زیست محیطی، ایمنی از جرایم و جنایات و امثال اینها را نیز شامل می‌شود.

روستاهای مرزی به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، مرزی بودن، مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز، آسیب پذیری ها و تهدیدات مختلف در نقاط مرزی اهمیت ویژه‌ای را در برنامه‌های توسعه، امنیت و آمایش کشور یافته است. روستاهای مرزی با داشتن پوشش عمده نقاط مرزی کشور، نقش اساسی در امنیت مرزی کشور ایفا می‌کند (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴). توسعه ی روستایی موضعی چندبعدی است که در چارچوب سیاست‌های ملی طراحی می‌شود. بین توسعه‌ی روستایی، منطقه‌ای و ملی پیوستگی برقرار است (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

صاحب نظران بین المللی معتقدند امروزه جدا از استراتژی‌های کلان توسعه، نیاز است بطور ویژه به توسعه‌ی روستاها و ریشه کنی فقر اقتصادی پرداخت (کرد و آبتین، ۱۳۹۲: ۲). چالشی که اخیرا توسعه ی روستایی را به خطر انداخته است مسأله ی ناپایداری محیطی در قالب خشکسالی، ضعف منابع پایه و بی‌ثباتی اجتماعی روستایی (مهاجرت)، بیکاری، اقتصاد ناسالم ... است؛ فرآیندی است که در سطح ملی و جهانی بر روی رویکردهای انسانی، غذایی، امنیتی و فعالیتهای زیرساختی تأثیر گذاشته است (UNCCD, ۲۰۰۹: ۴).

اهمیت شغل و اقتصاد به حدی است که امروزه اندیشمندان توسعه ی روستایی، توسعه ی اقتصادی و معیشتی روستاها را استراتژی می‌دانند که معادل تحقق خود توسعه‌ی روستایی است. همچنین امروزه دیگر مفهوم مهاجرت نزد روستاییان، چیزی جز دستیابی به شغل، درآمد و زندگی بهتر نیست (Itoh, ۲۰۰۹: ۱۹۶). امروزه پس از تروریسم، تهدید امنیت و پایداری اقتصادی قرار دارد (Udovic, ۲۰۱۲: ۳) بگونه‌ای که عده زیادی از محققان عقیده دارند ضعف و ناامنی اقتصادی ریشه تروریسم بوده و بیکاری و ضعف مالی عامل اصلی تمایل جوانان به تروریسم است. در بعد نظم و امنیت، جامعه باید نیاز به امنیت شهروندان را فراهم سازد تا در پناه این پذیرش اجتماعی به فعالیت خود بپردازند. جوامعی که دارای رسالت راهبردی رویکرد آرمانی هستند برای بقای راهبردی خویش، نیازمند شناسایی و برخورداری از ظرفیت‌ها و استفاده از ابزارهای مناسب برای مقابله با ناپایداری‌های امنیتی هستند زیرا امنیت مقوله‌ای چندوجهی است که ارتباطی دوسویه با پیشرفت و توسعه‌ی

پایدار دارد (علایی، ۱۳۹۱: ۲). از دیدگاه تفسیری، امنیت در جامعه‌ی روستایی زمانی ایجاد می‌شود که حقوق شهروندان شناخته شده، و به روابط نیروهای خلاق مردمی، تخصصی کردن حوزه‌های کار، و مشارکت مردم در ایجاد و گسترش امنیت خود و هم‌نوعان اهمیت داده شود لذا در اصل برقراری امنیت را منوط به وضعیت و اراده‌ی مردم می‌دانند. امروزه تأمین امنیت تنها در دست نیروهای نظامی نیست بلکه بسته به الگوهای اقتصادی، فکر و خلاقیت انسان و حاصل اراده و عملکرد خود انسان است (Cohen, ۱۹۸۷: ۲۶).

بر مبنای مقدماتی که بیان شد در می‌یابیم امروزه امنیت پایدار و اقتصاد پایدار به یکدیگر وابسته بوده و هم‌افزایی دارند. لذا از آنجایی که پایداری فضاهای روستایی بدون یکی از اینها ممکن نیست، می‌توان گفت جایگاه و نقش برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ی جامع، یکپارچه و مشارکتی در پایداری روستاها، اقتصاد و امنیت روستاییان افزایش یافته است.

۲- ضرورت انجام پژوهش

ایران به واسطه وسعت و بالطبع، طولانی بودن مرزها، به ویژه پیچیدگی محیطی آنها در برخی نواحی کوهستانی از یک سو و تعدد کشورهای همسایه با گرایش‌های سیاسی مختلف، کنترل مرزها را با مشکلاتی همراه کرده است. علاوه بر این برخی از کشورهای همسایه، به علت پیچیدگی وضعیت محیطی-اکولوژیک مرزها در کنار سایر مسائل، تمایل چندانی به کنترل جدی و حفاظت مستمر از مرزهای خود را نداشته اند که این خود "نقاط فعال بحران" را به وجود آورده است (گل‌وردی، ۱۳۹۰: ۱۹). همچنین بروز خشکسالیها و موانع طبیعی روستاهای مناطق مرزی را با مشکلات متعددی روبرو ساخته است که این مشکلات خود، مشکلات دیگری از جمله مشکلات اقتصادی است. یکی از دغدغه‌های مهم و همیشگی بشر در طول تاریخ تأمین امنیت به ویژه امنیت مرزهای سرزمین بوده است برقراری امنیت یک پدیده مجرد نیست که بتوان آن را با اتکا به توانایی نظامی برآورد کرد بلکه متأثر از عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است بدون شک می‌توان ادعان نمود که عنصرامنیت قادر است زمینه شکوفایی استعدادها و تکامل یک جامعه را فراهم نماید و اگر امنیت بویژه در مناطق مرزی محقق نشود خلاقیتها فعلیت پیدا نخواهد کرد. امنیت مرزی یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در پایداری و ثبات داخلی کشورها به شمار می‌رود. لذا در کشورها تلاش می‌شود از شیوه‌های مختلف نظامی و غیرنظامی به کنترل مرزها و افزایش امنیت آنها پرداخته شود. افراد روستایی مرزنشین و حمایت‌ها و همکاری‌های آنها به عنوان ذی‌نفعان اصلی و اولیه امنیت مرزی در این رابطه از نقش بسیار اساسی برخوردار می‌باشند. از این رو در این پژوهش برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی روستاها با هدف تأمین امنیت پایدار مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۳- پیشینه تحقیق

برزگر و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان "تبیین پایداری اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار (نمونه: شهرهای کوچک شمال ایران)" به تبیین پایداری اجتماعی اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار پرداخته است. این پژوهش با طرح این مسئله شکل گرفته که میزان پایداری اجتماعی - اقتصادی این شهرها در منطقه شمال تا چه سطحی است. برای ارزیابی میزان پایداری از روش مدل بارومتر پایداری و رادار پایداری استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق شامل شهرهای کوچک استانهای گیان، مازندران و گلستان میشود که جمعیتی بین ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر دارند. از اینرو خانوارهای شهری به روش «تصادفی سیستماتیک» و ۱۲ شهر به روش «تصادفی خوشه‌ای» انتخاب شده است. نتایج حاصله بیانگر اختالف و فاصله زیاد شاخصهای پایداری اجتماعی-اقتصادی شهرهای کوچک شمال کشور با سطح استاندارد آن است که بیشترین ناپایداری مربوط به مؤلفه‌های ثبات اقتصادی و کیفیت زندگی به ترتیب با ارزش ۰/۳۸۳ و ۰/۳۸۲ است. از اینرو در امر سیاستگذاری برای پایداریسازی ابعاد اجتماعی - اقتصادی، توجه به عواملی ضروری است که سبب افزایش کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی در این شهرها میشود.

حمزه پور و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی نقش امنیت مرزی در توسعه اقتصادی استان کردستان نمونه موردی: شهرستانهای بانه و میوان" به بررسی وضعیت امنیت مرزی در شهرستان مرزی استان کردستان و نیز پیوند آن با توسعه اقتصادی را دارد که برای رسیدن به این هدف از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شده است لازم به ذکر است که پس از تهیه کلیات و چهارچوب نظری تحقیق، جهت کسب اطلاعات از منطقه و بررسی وضعیت توسعه اقتصادی و امنیتی در منطقه اقدام به انجام عملیات میدان شد. به طور کلی پس از مطالعات میدانی و تکمیل پرسشنامه ه که در میان ۳۸۴ نفر از مردم بومی منطقه و نیز ۲۲ کارشناسی آگاه به مسائل منطقه انجام شد است فرآیند تحقیق گام در مرحله تجزیه و تحلیل نهاد برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمونهای آماری تی تک نمونه ای استفاده گردید. نتایج تحقیق حاکی از توسعه اقتصادی بانه بنا به وضعیت مساعدت تر امنیتی دارد در واقع با افزایش امنیتی مناطق مرزی بر شاخصهای توسعه اقتصادی افزوده می شود. همچنین در زمینه توسعه اقتصادی کمترین تاثیر را درآمد پایدار، توسعه اماکن عمومی و توازن بین عرضه و تقاضا داشته اند و بیشترین تاثیر را بر کاهش بیکاری داشته است.

سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی و تحلیل نقشی که روستاییان مرزنشین می توانند در تأمین امنیت مرز داشته باشند، است. برای این منظور از روش توصیفی-تحلیلی در دو سطح کتابخانه ای و میدانی استفاده شده و داده ها از بین ۶۳ نفر از خبرگان محلی در سطوح مختلف جمع آوری و تحلیل گردید. یافته ها نشان داد که از دیدگاه خبرگان دولتی، روستاییان می توانند نقش بیشتری در زمینه های امنیت اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، کالبدی و محیطی و دفاعی-نظامی داشته باشند. همچنین بر اساس تحلیل عاملی تأییدی انجام شده، مشخص گردید که بیشترین جنبه تاثیرگذاری روستاییان در امنیت مرز می تواند در زمینه کمک ها و همراهی های سیاسی باشد و سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-محیطی در مرحله بعد قرار داشته و کمترین مقدار متعلق به بعد دفاعی نظامی می باشد. زیرا انجام کمک های نظامی اغلب توسط نیروهای مرزبانی انجام شده و به دلیل نیاز به ابزارهای نظامی و همچنین سایر شرایط، از طریق مردم محلی امکانپذیر نمی باشد.

حیدری ساریان و یاری حصار (۱۳۹۸) به تبیین رابطه پایداری اقتصادی با تقویت امنیت مرزی در مناطق روستایی شهرستان گرمی پرداخته است. این تحقیق از نوع کاربردی و روش آن تحلیلی-توصیفی است. برای جمع آوری داده ها به دو صورت (اسنادی) و پیمایشی (داده های اولیه) و ابزار مورد استفاده پرسش نامه بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کل روستاییان بالای ۱۵ سال ساکن با جمعیت ۹۷۸۵ نفر در مناطق روستایی بخش مرزی موران شهرستان گرمی می باشد که از این بین تعداد ۳۷۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روایی صوری پرسش نامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. با استفاده از آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS، پایایی بخش های مختلف پرسش نامه تحقیق ۰/۷۱ الی ۰/۸۸ به دست آمد. نتایج تحقیق نشان می دهد که به جز متغیرهای تنوع بخشی و کارایی، بین تمامی متغیرهای پایداری اقتصادی (رفع فقر، سازگاری با محیط، کاهش آسیب پذیری و میزان بهره وری) با تقویت امنیت مرز رابطه معنی داری وجود دارد.

سرور و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تفاوت ها و نابرابری ها بین شهرستان های مرزی استان آذربایجان غربی از نظر وضعیت و سطح برخورداری از ۶۳ شاخص که شامل شاخص های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و کالبدی و رتبه بندی این شهرستان ها از نظر میزان برخورداری از شاخص های یاد شده می باشد. نوع پژوهش کاربردی و روش آن نیز تحلیلی-مقایسه ای است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش های الکترونیکی و تاپسیس، که از روش های تصمیم گیری چندمعیاره می باشند، استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی ها مشخص شد که شاخص های توسعه در میان شهرستان های این استان به صورت متعادل توزیع نشده است و شهرستان های پیران شهر، سردشت و ارومیه به ترتیب در جایگاه اول تا سوم از لحاظ برخورداری از این شاخص ها دارای وضعیت فرا برخوردار می باشند. در مقابل، شهرستان های ماکو، اشنویه و چالدران دارای وضعیت نابرخوردار از لحاظ برخورداری از شاخص های مورد مطالعه می باشند. همچنین، با توجه به نتایج

روش تاپسیس از لحاظ برخورداری از شاخص های آموزشی شهرستان سردشت، شاخص های اجتماعی اشنویه و نیز شاخص های اقتصادی و کالبدی شهرستان ارومیه در جایگاه نخست قرار گرفته اند. رتبه بندی شهرستان ها در این پژوهش می تواند در بهینه سازی وضع موجود و ساماندهی سطوح توسعه و امنیت پایدار در این استان موثر باشد.

بذرافشان و طولابی نژاد (۱۳۹۵) بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر پایداری امنیت در روستاهای مناطق مرزی می باشد. جامعه آماری شامل سرپرستان خانوارهای روستاهای بخش مرکزی شهرستان سراوان می باشد (N=۹۹۴۶). ۴۲۱ خانوار (۲۳ روستا) با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون t تک نمونه ای، همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر) استفاده شده است. نتایج یافته های تحقیق در زمینه تاثیر سرمایه اجتماعی در امنیت پایدار روستایی نشان می دهد که بیشترین تاثیر مربوط به بعد امنیت اجتماعی می باشد. بطوری که باعث افزایش حفظ الگوهای زبانی، حفظ فرهنگ و مذهب، کاهش مصرف مواد مخدر در بین جوانان، کاهش میزان نزاع و درگیری بین اهالی و غیره شده است. کمترین تاثیر مربوط به بعد اقتصادی می باشد. همچنین در بعد امنیت سیاسی- نظامی یافته ها نشان می دهد که مشارکت، اعتماد و انسجام بین اهالی و همکاری و مشارکت با نیروی انتظامی و مرزبانی باعث افزایش میزان مشارکت سیاسی مردم، کاهش شکاف های قومی و طایفه ای، کاهش رفت و آمدهای غیر قانونی به کشورهای مجاور، افزایش همکاری با نیروهای نظامی در مبارزه با اشرار و قاچاقچیان و برقراری نظم و امنیت گردیده است.

مختاری هشی و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و به دنبال بررسی زمینه های ناپایداری امنیتی مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان پرداخته است. یافته های تحقیق نشان می دهد که مناطق روستایی استان در ابعاد مختلف امنیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی آسیب پذیر بوده و با چالش های متعددی روبرو می آید. برای ایجاد امنیت پایدار در مناطق روستایی استان لازم است راهبرد توسعه روستایی مورد توجه قرار گیرد تا مفهوم امنیت- توسعه پایدار تحقق یابد.

زرقانی و همکاران (۱۳۹۱) به تحلیل بازتاب های سیاسی- فضایی بازارچه مرزی باشماق مریوان در استان کردستان پرداخته است. گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و میدانی انجام شده و اطلاعات را با نرم افزار SPSS و روش توصیفی و تحلیلی تجزیه و تحلیل شده است سوال اصلی پژوهش این است: آیا فعالیت بازارچه مرزی باشماق بازتاب های سیاسی، اقتصادی و کالبدی مثبتی برای منطقه به همراه داشته است؟ از این رو تلاش شده است تا آثار اقتصادی- سیاسی بازارچه مرزی باشماق مریوان را در دو دوره قبل از تاسیس و بعد از آن بر مناطق مرزی اطراف بازارچه ارزیابی شود. نتایج حاکی از این است که بازارچه مرزی باشماق توانسته است اثرات اقتصادی- سیاسی مثبتی مانند ایجاد و توسعه زیر ساخت ها، افزایش اشتغال، کاهش قاچاق و گسترش همکاری های منطقه ای بین استان های کردنشین دو سوی مرز داشته باشد.

متقی دستنایی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی و تحلیل علل اقتصادی گرایش مردمان شهر سردشت به اشتغال کولبری می پردازد. نوع تحقیق حاضر، کاربردی و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات و داده ها از روش های کتابخانه ای، منابع الکترونیکی و مطالعات میدانی مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. تعداد ۱۶۰ نفر از کولبران شهر سردشت بر اساس نمونه گیری گلوله برفی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل یافته ها از طریق نرم افزار SPSS ۲۶ و با استفاده از درصد و فراوانی و آزمون خی دو و پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ (مقدار ۰.۷۰) صورت گرفت. نتایج حاصل از آزمون خی دو حاکی از آن است که بین علت اشتغال به کولبری و متغیرهای؛ جنسیت، محل تولد، علت مهاجرت به شهر، تعداد اعضای خانوار، سطح تحصیلات، نوع کالاهای که عمدتاً حمل شده، مخارج ماهیانه، طریقه آشنایی و ورود به شغل کولبری و نوسانات درآمدی شغل کولبری در فصول مختلف رابطه ای معناداری وجود ندارد. اما بین علت گرایش به کولبری و سن، شغل قبلی همچنین متغیرهای؛ وضعیت تأهل، حقوق ماهیانه، منبع درآمدی دوم و جدای از کولبری، شغل آتی، امنیت شغلی، رضایت شغلی و مدت اشتغال به کولبری با علل گرایش به کولبری رابطه ای معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون خطی چند متغیره نشان می دهد که ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته ناشی

از متغیرهای مستقلى است که وارد مدل نهایی تحلیل شده‌اند و مقدار آزمون برای تعیین معناداری اثر متغیرهای مستقل بر میزان علل گرایش به اشتغال کولبرى ۰/۰۰۰ با سطح معنی‌داری ۰/۹۵ است.

۴- مفاهیم نظری

۴-۱- تعریف امنیت پایدار

امنیت در لغت به معنای در امان بودن، بی‌بیمى، آسایش، بی‌هراسی، اطمینان و سکون قلب و در اصطلاح به معنای نبود تهدید نظامی برای ملت و یا توان نگهداری کشور از هجوم دشمنان و یا محافظت کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسى و منافع ملی است (بالایی، حمید، ۱۳۹۶: ۴). از نگاه ولفرز، امنیت عبارت است از: درجه‌ای از حفاظت از ارزش‌های کسب شده (۱۹۵۲: ۴۸۴، wolfers) امنیت تا قبل از سال ۱۹۹۱ یعنی فروپاشی نظام دو قطبى و پایان جنگ سرد بیشتر مفهومی نظامی داشت و بر بعد نظامی آن بیشتر تاکید می‌شد و سایر ابعاد امنیت در حاشیه قرار می‌گرفتند و این تصور شکل گرفته بود که امنیت فقط یک بعد دارد و آن هم بعد نظامی است اما به مرور زمان این مهم مشخص گردید که با تاکید بر یک جنبه امنیت نمی‌توان به توسعه همه جانبه و یکپارچه دست یافت و برای دستیابی به توسعه باید به سایر جنبه‌های آن نیز توجه نمود. امروزه امنیت با مفهوم توسعه یافتگی، و ناامنی با مفهوم عقب‌ماندگی گره خورده است به گونه‌ای که مناطق جغرافیایی که دارای شاخص‌های توسعه بهتری هستند دارای ضریب امنیتی بیشتری نیز می‌باشند و مناطق کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته جهان با مناطق ناامن منطبق هستند (ویسی، هادی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). امروزه وقتی از مفهوم امنیت سخن به میان می‌آید دیگر تنها جنبه‌ی نظامی آن مورد توجه نیست، بلکه این مفهوم ابعاد بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود و دیگر نمی‌توان گفت که امنیت فقط یک بعد دارد و آن هم بعد نظامی است. امنیت پایدار دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می‌باشد و در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور امنیت پایدار به مثابه ایده و برنامه‌ای برای ارتقای شاخص‌های امنیت و غلبه بر معضلات و آسیب‌های ناشی از بروز تهدیدات نوینی است که شکنندگی و ناپایداری امنیت را به همراه دارد و یا ناشی از این شکنندگی و ناپایداری است (قیصری، ۱۳۹۲: ۵۲). توسعه اقتصادی و امنیت دارای ارتباطات متقابلی با یکدیگر می‌باشند. به طوری که امنیت بستر ساز توسعه است و توسعه نیز بستر ساز امنیت است و مبانی آن را تقویت می‌کند. به طور کلی مناطق مرزی که توسعه یافته‌تر می‌باشند امنیت بیشتری نیز دارند و فرآیند شکل‌گیری امنیت پایدار در این مناطق به سرعت بهبود می‌یابد و بر عکس مناطق مرزی که توسعه کمتری دارند دارای بحرانها و چالش‌های فراوانی نیز می‌باشند و فرآیند شکل‌گیری امنیت پایدار در این مناطق با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شود. همچنین دولت‌ها نیز برای اداره و کنترل این مناطق مرزی و برقرار سازی امنیت پایدار در این مناطق با مشکلات و چالش‌های فراوانی روبرو هستند. اگر به این مناطق و توسعه آنها توجهی نشود و بسترهای توسعه در آنها فراهم نشود، به مرور زمان به حفره‌های امنیتی تبدیل می‌شوند و حتی ممکن است امنیت ملی یک کشور را به خطر بیندازند. از سوی دیگر در بسیاری مواقع توسعه نیافتگی گسترده و دوامدار سبب بروز برخی ناآرامی‌های سیاسی نیز می‌شود که علاوه بر گسترش فضای ناامنی، مشروعیت دولت را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. اگر چه ریشه‌های ناامنی عموماً مسائل سیاسی دانسته می‌شود، اما نمی‌توان اثر محرومیت اقتصادی و پایین بودن شاخص‌های توسعه را نادیده گرفت. به طور کلی ناامنی در بسترهای توسعه نیافته و عقب مانده از رشد و توسعه نمود و بروز پیدا می‌کند. توسعه و امنیت به مثابه ی دو بال یک پرنده می‌باشند که باید به طور همزمان با یکدیگر رشد و تعالی یابند. تجربه نشان می‌دهد که کشورهایی که به طور همزمان به توسعه اقتصادی و امنیت توجهی نکرده‌اند، امنیت شکننده تری نسبت به کشورهایی که به این دو مقوله به طور بنیادی و همزمان توجه کرده‌اند، دارند. بنابراین امنیت صرفاً با داشتن بنیه‌ی دفاعی قوی و نفوذ ژئوپلیتیکی گسترده تامین و حفظ نمی‌شود و یا ارتقاء پیدا نمی‌کند، بلکه مستلزم توسعه همه جانبه ابعاد مختلف قدرت است (شاپوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۸). در عصر حاضر قدرت و توانمندی دولت‌ها با توسعه رابطه تنگاتنگی دارد، بطوری که بدون تلاش در راه توسعه، امکان قدرتمند شدن و برقراری امنیت پایدار در یک کشور امکان پذیر نخواهد بود. آنچه که در قالب

اندیشه‌ی توسعه قرار دارد و محور شناخت اقدامات معطوف به اهداف توسعه و نتایج انتظاری ناشی از آن اقدامات مشخص می‌شود، شناخت عرصه‌هایی است که نیاز به تحول و دگرگونی دارند (رستم زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). به هر حال در روزگار ما هر کشوری تلاش در راه توسعه دارد، زیرا توسعه هدفی است که اکثر مردم آن را ضروری می‌دانند. در بحث توسعه عمدتاً از توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی سخن به میان می‌آید. اگرچه پیشرفت اقتصادی یکی از عوامل مهم توسعه است، اما تنها عامل هم نیست و دلیل آن این است که توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست (طیبی، سید جمال‌الدین، ۱۳۷۳: ۲۲). بنابراین هدف اصلی توسعه باید ایجاد یک الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی که تمام اقشار جامعه را پوشش دهد، باشد (تودارو، ۱۳۶۸: ۱۱). نابرابری‌های ناحیه‌ای در بسیاری از کشورها، چالشی اساسی در مسیر توسعه و برقراری امنیت پایدار است به ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آنها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود و کشور همسایه نیز کانون تولید ایجاد ناامنی برای آن کشور باشد.

"امنیت پایدار" و مفاهیم ترکیبی آن مانند "پایداری" ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن، به همه‌ی عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی و... در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می‌شود (پایدار و میرزایی، ۱۳۹۴: ۲). امنیت اساس توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شود به گونه‌ای که شکوفایی تمامی بخش‌های اقتصادی، محیطی و اجتماعی هر مکان وابسته به میزان پایداری امنیت در فضای جغرافیایی مربوط می‌باشد (احمد یوسفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۶). امروزه به امنیت با رویکرد اقتصادی انسانی نگاه میشود تا حدی که بعد اقتصادی امنیت ملی جای بعد نظامی امنیت ملی را گرفته است (ماندل، ۱۳۸۷: ۵۷). بین امنیت، فقر و رفتار انسان ارتباط وجود دارد.

۲-۴- توسعه روستایی

توسعه روستایی را می‌توان یک فعالیت چند بخشی و مرکب دانست که برنامه‌های توسعه کشاورزی و بهبود تسهیلات اجتماعی برای تمام روستاییان را در بر می‌گیرد. جریانی است که روستاییان را هدایت می‌کند تا توان خود را جهت توسعه روستایی کنترل بر محیط خویش، بالا ببرند. این جریان با توزیع بیشتر منافع بین مردم که خود نتیجه کنترل بر محیط است، هموار می‌شود (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۴۳). توسعه روستایی به منظور بهبود معیشت با اجرای توسعه جامع در مناطق روستایی که در آن اکثریت مردم فقیر زندگی می‌کنند، روی کار آمد. این نوع از توسعه می‌تواند به کاهش فقر در مناطق شهری با کاهش بیش از حد مهاجرت جمعیت از مناطق روستایی (Kanamaru, ۲۰۰۵: ۱۷۳)، تأثیر متقابل بر متغیرهایی چون، سیاست‌ها و راهبردهای دولت، سازمانهای دولتی، محلی و روستایی (قنبری و برقی، ۱۳۸۹: ۸۶)، کاهش نابرابری‌ها و کاهش بیکاری کمک نماید. در واقع نقش و جایگاه روستا در فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کلیه مقیاس‌ها و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی، چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت و حاشیه نشینی اهمیت توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری را جلوه‌گر ساخته است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۶). از زمان مطرح شدن توسعه روستایی تاکنون تعاریف متفاوتی ارائه شده است مثلاً بانک جهانی (۱۹۷۵)، توسعه روستایی به عنوان یک استراتژی با هدف بهبود اقتصادی و شرایط زندگی اجتماعی تعریف کرده است، که تمرکز بر گروه خاصی از مردم فقیر در یک منطقه روستایی دارد.

۳-۴- تعریف مرز

مرز از جمله مفاهیمی است که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوت پیدا می‌کند. مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها و یا ذهنی به کار می‌رود مانند مرزهای عقیدتی (۱۹۷۸ Hansen) تقسیم بندی‌های زیادی از مرزها شده است مثلاً بوگز مرزها را به ۴ کلاس تقسیم کرده است که شامل: فیزیکی،

انسانی، جغرافیایی - هندسی و مرزهای پیچیده. مرز فیزیکی بر اساس ویژگی های فیزیکی، مانند رودخانه ها و کوه ها تعیین می شود. مرزهای انسانی با توجه به اختلافات مذهبی و قومی و قبیله ای تعریف شده است. مناطق مرزی به عنوان مناطق حاشیه ای و توسعه نیافته شناخته میشوند. این حاشیه ای بودن گر چه می تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، اما خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت های آن منطقه را مضمحل می سازد. با برقراری مرز بین دو کشور، فضاهایی که به یکدیگر متصل اند و تداوم فضایی را تأمین می کنند، از یکدیگر می گسلند و حاشیه ای می شوند. این حاشیه ای بودن، علت عقب ماندگی این نواحی است، در ایران با توجه به تعداد و افراد ساکن در مرزها و نوع تعامل آنها با مردمان آن سوی مرز تاثیرات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی ویژه ای را رقم خواهد زد. ساماندهی این تعاملات از طرفی و عدم ثبات جمعیتی مناطق مرزنشین و نبود تعادل های منطقه ای و فضایی، بین روستاهای مرزی و مرکز از طرف دیگر، تاثیرات عمده ای در روند توسعه فضایی در مناطق مرزی برجای گذاشته است؛ به گونه ای که مکان- های جمعیتی حاشیه مرز را در انزوای اجتماعی- اقتصادی ملی قرار داده است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۳ و ۶۲). مرزهای شرقی ایران، از شمالی ترین نقطه در دهانه ذوالفقار تا محل تلاقی سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان در محل ملک شیاه کوه و از آنجا تا خلیج گواتر واقع در دریای عمان، به نحو آشکار و پنهان، با سلطه طلبی و قدرت نظامی بریتانیا شکل گرفته است (گل وردی، ۱۳۹۰: ۲۵).

طرح توسعه محور شرق برای اولین بار در سال ۱۳۶۵ در زاهدان مطرح و در سال ۱۳۶۷ در یک طرح مطالعاتی از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی ارائه گردید. زیرا مراد از توسعه عبارت از روندی چند بعدی است که طی آن جوامع، استانداردهای زندگی خود را ارتقاء می بخشند، نابرابری ها را کاهش می دهند و فقر را از اعضای خود می زدایند (Georg, ۱۹۹۸: ۴۰) و از طرفی سنگ بنای توسعه در چگونگی تشکیل سرمایه تعیین میشود (Arndt, ۱۹۸۷: ۴) سکونتگاه های روستایی حاشیه مرز از جمله مناطق مهم و استراتژیک برای کاهش مشکلات مرزها به شمار می آید که اگر به شیوه علمی و منطقی ساماندهی شوند، می توانند تا حد بسیار زیادی در کنترل مناطق مرزی مؤثر بوده و مشکلات این مناطق را به حداقل برسانند.

۵- اهمیت توسعه اقتصادی در روستاهای مرزی

کشور ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه در طی نیم قرن اخیر درخصوص نحوه برخورد با مسائل روستایی مرزی در چارچوب برنامه های عمرانی، اقدام به انتخاب راهبردهای خاص نموده که هدف اساسی اغلب این راهبردها، توسعه خدمات زیرساختی و عمران روستاها از طریق اقدامات فیزیکی و زیربنایی نظیر احداث راه و ... با رویکرد ایجاد تغییرات کالبدی بوده است. به مرور، چنین تلقی ناقصی از مقوله توسعه روستایی دچار تغییر و تحول اساسی گردیده و به تبع آن راهبردهای به کار گرفته شده نیز تغییر یافته است. همچنین امروزه تجربه جهانی نشان دهنده این موضوع است که توسعه روستایی تنها به توسعه کالبدی- فیزیکی و یا توسعه زیرساختی محدود نمی شود بلکه چهار مولفه نهادی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیطی - فضایی بر آن اضافه شده اند. از اینرو پرداختن صرف به توسعه کالبدی و زیر ساختی راهگشای توسعه روستایی مرزی محسوب نمی شود بلکه بایستی سایر ابعاد و مولفه ها از جمله مولفه اقتصادی در کانون توجه قرار گیرند.

در این رویکرد، دیگر اتخاذ استراتژی های مبتنی بر ساخت و سازهای صرفاً فیزیکی در مناطق روستایی مورد نظر نیست. بلکه با توجه به واژه «توانمند سازی جمعیت» در قالب مفاهیمی نظیر مشارکت و همیاری، نیازهای اساسی و توزیع مجدد، اشتغال زایی، توسعه درون زا و ... مورد نظر است که به دنبال خود ضرورت حضور مداوم و همه جانبه روستائیان در عرصه فعالیت روستایی و هدایت و توجه دادن روستائیان به افزایش انگیزش های خودباوری و خود اتکایی را الزامی می نماید. در کشور ما نیز طی نیم قرن فعالیت برنامه ریزی کشور نکته ای که به خوبی قابل مشاهده است، اقدامات اولیه انجام شده به طور عمده بر پایه دیدگاه های اکولوژیک و مبتنی بر زیرساخت های کالبدی بوده، در حالی که هم اکنون نوعی جامعیت در اتخاذ

راهبردها و استراتژی های توسعه فضایی روستاها با هدف ارتقای نقش روستائیان در اداره امور روستاها و تنوع و بهبود فعالیت های اقتصادی و معیشتی روستاها و اثر بخشی توانمندی روستائیان و عشایر در اقتصاد، فرهنگ و امنیت به چشم می خورد. آنچه که در مبحث توسعه روستایی مرزی، بیش از همه اهمیت دارد، وضعیت اقتصادی جمعیت روستایی و عشایری است. مسلماً توانمندی جمعیت روستایی و عشایری، زمینه اصلی و اولیه توسعه روستایی و عشایری می باشد. به عبارت دیگر تا زمانی که جمعیت روستایی و عشایری به حدی از خود اتکایی، خود باوری و مشارکت نرسیده باشد در غیاب زمینه های اقتصادی مناسب توسعه کشور به مفهوم واقعی و کامل محقق نمی گردد. با توجه به این که مناطق روستایی و عشایری از نظر وضعیت آب و هوا دارای شرایط مطلوب تری نسبت به شهرها می باشند (فضای تنفسی مطلوب) و از طرفی امکانات زیربنایی از جمله مهم ترین آن ها راه دسترسی به سایر مناطق نیز فراهم است پس علت عدم ماندگاری جمعیت با وجود سرمایه گذاری های انجام شده به منظور ایجاد زیرساخت های لازم اعم از راه دسترسی، ایجاد مدرسه، خانه بهداشت، آب آشامیدنی سالم و ... طی سنوات اخیر و بعضاً نتیجه معکوس دادن آن چیست؟ لذا از موضوعات بسیار مهمی که باید به آن توجه نمود در یک نگاه کلی، می توان گفت یکی از دلایل مهاجرت از مناطق روستایی دسترسی به رفاه بیشتر، بهبود شرایط زندگی و داشتن «درآمد کافی» است. (ایجاد فضای مناسب کسب و کار) حال اگر بتوان در کنار جاذبه های طبیعی که مناطق روستایی دارند امکان ایجاد درآمد مکفی و پایدار را فراهم نمود، بدیهی است که میل به ماندگاری در این مناطق افزایش خواهد یافت. از طرفی دیگر تولید کالاهای استراتژیک و اساسی همواره یکی از اهداف دولت ها به منظور حفظ استقلال کشورها است، لذا تمرکز بر روی تولید داخلی، استفاده از منابع طبیعی و امکانات مناطق روستایی و عشایری می تواند یکی از راه های حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی، افزایش تولید کالاهای اساسی و استراتژیک باشد که این مهم موجب نگر داشت جمعیت در مناطق روستایی خصوصاً مناطق مرزی به ویژه جمعیت جوان خواهد شد و دولت ها موظف به سرمایه گذاری از طرق مختلف در این مناطق می باشند که مهم ترین آن سرمایه گذاری در مسیری است که منجر به توانمندسازی روستائیان و عشایر همراه با مشارکت آنان گردد. روستائیان که بتوانند امکان تغییر در محیط زندگی و در نتیجه خروج از چرخه فقر پیدا کنند به جای نابهنجاری و بی ثباتی به آرامش اجتماع کمک می کنند. البته برنامه های توسعه ای برای فقرا زمانی مؤثر واقع می شود که در آن امکان ارائه ظرفیت فقرا محقق شود از طریق توسعه برنامه های توسعه در هر زمین های که باشد فقرا توانایی قدرت تعامل با سازمانها و جامعه دولتی را به دست آورده و همین امر تغییر در فرآیند تصمیم گیری آنها را به دنبال دارد (Appadurai, ۲۰۰۴: ۸۴-۵۹).

آخرین دیدگاه نسبت به فقر تحت عنوان محدودیت فرصت ها مطرح شده است که در نتیجه بی ثباتی و ناامنی، عدم توجه مسؤولین، عدم سرمایه گذاری و شکل می گیرد (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۷) در رویکردهای جدید توسعه، به جای تأکید صرف بر شاخص های رشد اقتصادی، بر کشف و تدارک ظرفیت های مناسب به منظور بهبود نقش آفرینی گروه های مختلف مردم تأکید می شود (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

۶- ظرفیت های اقتصادی در روستاهای مرزی

برای کسب درآمد، بهبود مصرف و بهبود دارایی بهبود درآمد کشاورزی، بهبود درآمد غیر کشاورزی، بهبود صنایع (kanamaru, ۲۰۰۵: ۱۷۷) ایجاد داد و ستد و بازرگانی و ایجاد اشتغال مستقیم و غیر مستقیم از طریق بازارچه های مرزی. در واقع اقتصاد مناطق مرزی خود می تواند نقش اساسی در ترقی، پیشرفت و توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد و همگرایی اقتصادی نواحی مرزی داشته باشد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۳).

۷- پیامدهای مهم برنامه ریزی توسعه اقتصادی روستاهای مرزی

وضعیت اقتصادی روستاهای مرزی مهمترین عامل پایداری روستا بوده و اقتصادی پویا و پایدار در روستاها می‌تواند بخش عمده‌ای از معضلات جمعیتی و اجتماعی روستاها همانند مهاجرت از روستا به شهر و کاهش جمعیت روستا و به طبع کاهش شاخص‌های امنیتی در مناطق مرزی را به دنبال خواهد داشت. در جدول ۱ آثار و پیامدهای مهم برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی روستاهای مرزی به صورت خلاصه ارائه شده است. از این جدول مشخص است متأسفانه برنامه‌های توسعه‌ای کشور در جهت حل مشکلات اقتصادی روستائیان مرزی تاثیر زیادی نداشته است و همچنان مشکلات اقتصادی وجود دارد.

جدول ۱: آثار و پیامدهای مهم برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی روستاهای مرزی

دلایل	پیامدهای برنامه ریزی توسعه اقتصادی
طی سالهای اجرای برنامه پنجم، سهم اشتغال در بخش کشاورزی با شیب ملایمی کاهش یافته و در ۱۳۹۳ به کمتر از ۵۰ درصد رسیده است.	کاهش سهم اشتغال در بخش کشاورزی
از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ به تدریج سهم بخش کشاورزی در تأمین درآمد خانواده‌های روستایی کاهش یافته و در سال ۱۳۹۲ این سهم از ۲۳ درصد در ۱۳۸۳ به ۱۷ درصد رسیده است.	عدم علاقمندی به فعالیت‌های کشاورزی
به عنوان مثال آمارهای بانک کشاورزی نشان دهنده کاهش میزان مطالبات معوق این بانک از روستائیان مرزی بوده است.	افزایش میزان مطالبات معوق بانکی از کشاورزان و روستائیان کشور
بررسی سهم تولید کننده از قیمت نهایی محصولات زراعی و دامی بین ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهد این سهم در محصولات زراعی کمتر از ۵۰ درصد و در محصولات دامی نظیر شیر حدود ۴۱ درصد بوده است.	ایجاد حاشیه بازار و کاهش سهم تولید کننده از قیمت نهایی محصول
به طول کلی بررسی نسبت درآمد هر فرد شهری به روستاهای مخصوصاً مرزی نشان می‌دهد درآمد هر فرد شهری حدود ۸۰ درصد بیشتر از هر فرد روستایی بوده است.	افزایش نابرابری‌های اقتصادی میان جامعه روستایی مرزی و شهری
در سال‌های پیاده‌سازی سیاست‌های توسعه روستایی، در طول برنامه‌های توسعه‌ای نرخ بیکاری تغییر زیادی نداشته است.	کاهش اندک نرخ بیکاری

۸- مدل مفهومی برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی با هدف تأمین امنیت پایدار

در شکل ۱ مدل مفهومی برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی روستاهای مرزی با هدف تأمین امنیت پایدار با متغیرهای مورد نظر ارائه شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی ارائه شده برای برنامه ریزی اقتصادی و توسعه امنیت پایدار

۸- نتیجه گیری

شاخص‌های مختلفی بر امنیت یک کشور یا منطقه تاثیر گذار است. امنیت پایدار در نتیجه توسعه اقتصادی پایدار و برنامه ریزی اصولی و علمی به دست می‌آید. عدم مدیریت صحیح و نداشتن برنامه جامع و کامل آسیب‌ها و مشکلات اقتصادی به مرور تبدیل به مشکلات امنیتی می‌شود به خصوص که در روستاهای مرزی پتانسیل‌های اشتغال و توسعه اقتصادی زیاد نیست. بخش بزرگی از مرزهای ایران توسط روستائیان پوشش داده می‌شود که عدم توسعه اقتصادی و برنامه ریزی برای آن تهدیدی برای امنیت پایدار منطقه و کشور است. پس از گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۴ «مفهوم امنیت از امنیت کشور به امنیت فردی منتقل شد. و به جای ارتباط با استفاده از سلاح، با منزلت و زندگی انسانی ارتباط یافت». چرا که مسائل مربوط به امنیت گسترده‌تر از فقط ثبات کشور و چشم‌انداز نظامی می‌باشد و فقر، کمبود غذا، زمین و تخریب جنگل، درگیری اجتماعی و قومی و خشونت سیاسی در ناامنی و تهدید انسان سهیم هستند. امروزه دستیابی به الگوی جدیدی از توسعه پایدار و انسانی که در آن امنیت انسانی برای تمامی قشرهای جامعه، تمامی جوامع و تمامی مناطق فراهم شود، مورد توجه است. اساس این توجه بر این نکته مبتنی است که امنیت ریشه در محرومیت و نابرابری‌های اقتصادی دارد. با مشارکت روستائیان مناطق مرزی در طرح‌های اقتصادی ضمن تقویت بنیه اقتصادی روستائیان انگیزه مهاجرت به شهرها و مناطق مرکزی کشور کاهش یافته و علاوه بر تسهیل مسائل حاشیه‌نشینی و اشتغال کاذب در شهرها به بهبود امنیت پایدار در مرزها کمک می‌کند چه بسا که در زمان جنگ ایران و عراق روستائیان و عشایر مناطق مرزنشین در مقابله با نیروهای بعثی کمک بسیاری کردند. برنامه ریزی توسعه اقتصادی اصولی و ایمن از ورود روستائیان و مرزنشینان به شغل‌های کاذب و خطرناک مثل قاچاق سوخت، اسلحه و حتی مواد مخدر و انسان جلوگیری کرده و ضمن حفظ کرامت انسانی آنها مشکلات و مسائل مربوط به این فعالیت‌های خطرناک نیز کاهش می‌یابد. دولت‌ها و سازمان‌ها ضمن برنامه ریزی دقیق توسعه اقتصادی برای مناطق مرزی باید در امنیت پایدار این مناطق نیز کار کنند زیرا در سایه امنیت است که فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی قابل انجام است. افزایش برنامه‌های توسعه‌ای و حمایتی در سطوح کلان و خرد شامل برنامه‌های اقتصادی و امنیتی در روستاهای مرزی نیازمند همت و تلاش دولتمردان و مردم است.

۹- منابع

- ۱- احمد یوسفی، کوروش، ابوذر پایدار، جلال میرزایی. (۱۳۹۳). بررسی نقش معتمدین در تأمین امنیت پایدار جنوب کرمان. فصلنامه ی انتظام اجتماعی، سال دوم شماره ۶، ۱۴۸-۱۲۵.
- ۲- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نشریه نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۱۷، ۳-۳۱.
- ۳- اسمعیل اسدی، رمضان، گودرزی، مهناز. (۲۰۱۸). تأثیر برنامه‌های توسعه‌ای سازمان ملل متحد بر برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران. مطالعات روابط بین الملل، ۱۱(۴۳)، ۹-۴۷.
- ۴- بالایی، حمید. (۱۳۹۶). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم امنیت، پژوهشکده شورای نگهبان
- ۵- بذرافشان، جواد، طولایی نژاد، مهرشاد. (۱۳۹۵). تحلیل اثرات و کارکردهای سرمایه اجتماعی در امنیت پایدار روستاهای مناطق مرزی بخش مرکزی شهرستان سراوان، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۶(۴۱)، ۵۵-۷۶.
- ۶- برزگر، صادق، بخشی، امیر، حیدری، محمد تقی. (۱۳۹۷). تبیین پایداری اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار نمونه شهرهای کوچک شمال ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره نودوهفت، بهار ۱۳۹۸، ۵-۲۸.
- ۷- پایدار، ابوذر، جلال میرزایی (۱۳۹۴). بررسی جایگاه معتمدین طایفه ای در مدیریت محلی با تأکید بر نزاع های جمعی، فصلنامه انتظام اجتماعی، ۲۵-۱.
- ۸- تودارو، مایکل. (۱۳۶۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی (ج ۱)، تهران: سازمان برنامه و بودجه
- ۹- سجاسی قیداری، حمد الله، صادق، طاهره، رضانی، فرهاد، محمودی، حمیده. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل نقش روستاهای مرزی در تأمین امنیت مرزها مطالعه موردی: دهستان زام و گل بانو شهرستان تربت جام، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، ۱۳(۴۸)، ۱۲۱-۱۴۸.
- ۱۰- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۱۱- حسینی ابری، سیدحسین، (۱۳۸۰)، مدخلی بر جغرافیای روستایی، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- ۱۲- حمزه پور، رزگار، شریفی، امیر، تقوی زیروانی، اسماعیل. (۱۳۹۵). بررسی نقش امنیت مرزی در توسعه اقتصادی استان کردستان نمونه موردی، شهرستانهای بانو و مریوان، دومین کنگره بین المللی علوم زمین و توسعه شهری.
- ۱۳- حیدری ساربان، وکیل، یاری حصار، ارسطو. (۱۳۹۸). تبیین رابطه پایداری اقتصادی با تقویت امنیت مرزی مناطق روستایی مطالعه موردی: شهرستان گرمی. علوم و فنون مرزی، ۱(۱)، ۲۹-۴۶.
- ۱۴- رستم زاده، هاشم، جعفرزاده، جعفر، حسنی تبار، سید محمد. (۱۳۹۴). سطح بندی توسعه یافتگی شهرستان های استان اردبیل براساس تکنیک TOPSIS در محیط GIS. همایش ملی ژئوماتیک، دوره ۲۲، ۱-۹.
- ۱۵- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، پاپلی یزدی، محمدحسین، عبدی، عرفان. (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه های مرزی بازتاب های توسعه مناطق مرزی. فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره چهارم، شماره دوم، ۸۲-۱۰۹.
- ۱۶- روحانی، حسن، نوبخت، محمدباقر، نهبوندیان، محمد، ملایری، محمدحسین، ترکان، اکبر. (۱۳۹۱). امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

- ۱۷- زرقلی، سیدهادی، مهدی زاد، صباح، اعظمی، هادی. (۱۳۹۱). تحلیل بازتاب های سیاسی-فضایی بازارچه های مرزی (نمونه موردی بازارچه مرزی با شماق مریوان). برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۶، شماره ۱، ۱-۲۳.
- ۱۸- سرور، رحیم، محمدی حمیدی، سمیه، ویسیان، محمد. (۱۳۹۳). بررسی شاخص های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی شهرستان های مرزی استان آذربایجان غربی). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، دوره ۲، شماره ۷، ۲۵-۵۴.
- ۱۹- شاپوری، مهدی، موسوی شفائی، مسعود، سلطانی نژاد، احمد. (۱۳۹۶). نسبت امنیت و توسعه؛ الزامات سیاست خارجی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۰، شماره ۷۶، ۷-۳۲.
- ۲۰- طبیبی، سید جمال الدین. (۱۳۷۳). نقش دانشگاه و پژوهش در توسعه ملی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳، ۲۱-۵۰.
- ۲۱- علایی، حسین (۱۳۹۱). امنیت پایدار در سند چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال ۱۰. شماره ۳۹، ۳۴-۱.
- ۲۲- عندلیب، علیرضا، مطوف، شریف. (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران. نشریه علمی باغ نظر، شماره دوازده، سال ششم، ۵۷-۷۶.
- ۲۳- قنبری، یوسف، برقی، حمید. (۱۳۸۹). نقش تعاونی های مشاع در توسعه مناطق روستایی تحت پوشش: مطالعه موردی استان اصفهان. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۲، ۸۱-۱۰۱.
- ۲۴- قیصری، نورالله. (۱۳۹۲). امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران؛ الگویی برای تبیین و اجرای سیاست های کلان. دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال نهم، شماره اول، ۶۲-۴۵.
- ۲۵- کرد، باقر، آبتین، عبدالعزیز. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در استان سیستان و بلوچستان. مجله جغرافیا و توسعه. شماره ۳۲، ۱۴-۱.
- ۲۶- گل وردی، عیسی. (۱۳۹۰). محدودیت ها و فرصت های توسعه اجتماعی - فرهنگی نواحی مرزی. فصلنامه ره نامه سیاستگذاری سیاسی دفاعی و امنیتی، سال دوم، شماره سوم، ۱۱-۴۲.
- ۲۷- ماندل، رابرت (۱۳۸۷). چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ سوم.
- ۲۸- متقی دستنایی، افشین، امرایی، مهتاب، قربانی سپهر، آرش. (۲۰۲۰). تحلیلی بر علل گرایش به اقتصاد غیررسمی در شهرهای مرزی با تأکید بر اشتغال کولبری (مطالعه موردی: شهر سردشت). فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۰-۰.
- ۲۹- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت.
- ۳۰- محمدی یگانه، بهروز، مهدی چراغی، زهرا یزدانی. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در نواحی روستایی با تأکید بر ویژگی های اقتصادی-اجتماعی، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای. شماره ۳، ۹۶-۸۳.
- ۳۱- مختاری هشی، حسین، وزیر، نرگیس، قادری حاجت، مصطفی. (۱۳۹۶). بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال چهاردهم، شماره ۵۴، ۴۳-۶۰.
- ۳۲- ویسی، هادی. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی استان کرمان). فصلنامه مطالعات جغرافیایی، دوره ۳۱، شماره ۱، ۱۷۰-۱۸۶.

۳۳- یعقوبی، جعفر، رنجور، ابوالفضل، خشنودی فر، زهرا. (۱۳۹۲). تحلیل مؤلفه های پیش برنده در اجرای موفقیت آمیز طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی شهرستان خدابنده. مجله جغرافیا و توسعه. شماره ۳۲، ۱۶۲-۱۴۹.

۳۴- درگاه ملی مرکز آمار ایران، داده ها و اطلاعات آماری، سرشماری ها، دسترسی در www.amar.org.ir

۳۵- درگاه ملی مرکز آمار ایران، داده ها و اطلاعات آماری، سامانه سالنامه آماری، دسترسی در:

https://nnt.sci.org.ir/sites/Apps/yearbook/Lists/year_book_req/Item/newifs.aspx?List=97c00882%2D734c%2D4417%2D831a%2D633d795b18ce&RotFolder=&Web=f9aca984%2D16ee%2D4860%2D8c00%2Dbb43c696d32d

۳۶- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمار و اطلاعات اقتصادی، دسترسی در www.cbi.ir

۳۷- میرفلاح نصیری، سید نعمت الهه، دل عظیمی، فریده، صباغی، شهلا. «آیا مهاجرت معکوس در کشور در حال تحقق است؟». دسترسی در:

<https://www.amar.org.ir/Portals/o/News/1396/srtc-amar-v4n4p14-fa.pdf>

۳۸- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت روستاها در ایران، تهران، کد موضوعی ۲۵۰، شماره مسلسل ۱۴۸۶۴، خردادماه ۱۳۹۵، دسترسی در:

https://rc.majlis.ir/fa/mrc_report/show/968242

۳۹- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۳). بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۴ کل کشور، بخش مدیریت و توسعه روستایی و عشایری، تهران، کد موضوعی ۲۵۰، شماره مسلسل ۱۴۰۷۵، دی ماه ۱۳۹۳، دسترسی در:

<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/917267>

۴۰- مرکز پژوهش های اسلامی. (۱۳۹۲). بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۳ کل کشور، توسعه روستایی و عشایری، تهران، کد موضوعی ۲۵۰، شماره مسلسل ۱۳۳۹۹، دی ماه ۱۳۹۲، دسترسی در:

<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/866923>

۴۱- مرکز پژوهش های اسلامی. (۱۳۹۱). بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۲ کل کشور، توسعه روستایی و عشایری، تهران، کد موضوعی ۲۵۰، شماره مسلسل ۱۲۸۷۶، دسترسی در:

<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/838399>

۴۲- Appadurai, Arjun (۲۰۰۴). "The Capacity to Aspire: Culture and the Terms of Recognition", in Rao, Vijayendra; Walton, Michael, Culture and Public Action, Stanford, CA: Stanford University Press.

۴۳- Arndt, H.W. (۱۹۱۱) "Economic Development, The History of an Idea", The University of Chicago Press.

۴۴- Cohen, Stephen (۱۹۸۷). the Security of South Asia: American and Asian Perspectives. Illinois, University of Illinois Press

۴۵- Dunn, William (۲۰۱۴). Public Policy Analysis, pearson new international, PP: ۲۴۷-۳۳۹.

۴۶- Georg, Vic, (۱۹۹۱) "Wealth, Poverty and Starvation" New York: St. Martins Press. - George, owusu. (..). Regional development in Place, District Capitals (small towns) and decentralized development in Ghana, a rhetorical perspective, Norway, tromso.

۴۷- Hansen, N. M (۱۹۷۷), an evaluation of growth center theory and practice, environment and planning, Nov.

۴۸- Itoh Ryo (۲۰۰۹). Dynamic Control of Rural-Urban Migration. available at Science Direct Journal of Urban Economics.

۴۹- Kanamaru, M (Y--), Approaches for Systematic Planning of Development Projects.



- ۵۰- Udovic(۲۰۱۰).Boštjan“Economic Security: Large and Small States in Enlarged European Union”,University of Ljubljana, Faculty of Social Sciences, Centre of International Relations, Available at: <http://www.ceeisaconf.ut.ee/orb.aw/id=۱۶۴۱۴۵/Udovic>
- ۵۱- UNCCD (۲۰۰۹). **T, the United Nations Convention to Combat Desertification in Those Countries Experiencing Serious Drought, Particularly in Africa**
- ۵۲- Wolfers, A. (۱۹۵۲). "National security" as an ambiguous symbol. *Political science quarterly*, ۶۷(۴), ۴۸۱-۵۰۲.

بسترهای ژئواکونومیکی امنیت و توسعه پایدار مناطق مرزی (نمونه موردی شهرستان چابهار)

هادی نبی زاده^۱، سید هادی زرقانی*^۲، هادی اعظمی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

*نویسنده ی مسئول h-zarghani@um.ac.ir

چکیده

امنیت و توسعه در مرزها، برای کشورهایی که مرزهای طولانی دارند، همواره چالش ها و مشکلات زیادی را به همراه داشته است. کشور ایران، در منطقه جنوب غرب آسیا، یکی از کشورهایی است که همواره در طول تاریخ با مشکلات فراوانی در مرزهای خود مواجه بوده است. گستردگی مرزها، دوری از پایتخت ها و مراکز جمعیت، تنوع قومی و مذهبی، تهاجمات پی در پی، اختلافات مرزی و در برخی نقاط کمبود منابع زیستی و بسیاری مسائل و مشکلات دیگر، پیامدهای زیادی را برای کشور ما و به ویژه مناطق مرزی و همجوار آن، همچون فقر و ناامنی و توسعه نیافتگی را در پی داشته است. در دهه های اخیر راهکارهایی که نه بر نیروی نظامی، بلکه بر نیروهای اجتماعی و اقتصادی تکیه دارند مورد تأیید قرار گرفته است. دیدگاه های نوین در زمینه امنیت مناطق مرزی بر استراتژی توسعه پایدار مناطق مرزی تأکید فراوان دارند که ایجاد و گسترش سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی در مناطق مرزی یکی از این راهکارها است. در حقیقت از نظر طرفداران این دیدگاه ها آنچه که می تواند امنیت مرزها را تضمین نماید توسعه پایدار مناطق مرزی است. مناطق مرزی ایران به دلیل برخورداری ی آید. در میان همه مرزهای ایران نیز مرزهای جنوب شرقی کشور، به ویژه منطقه چابهار به دلیل برخورداری از مرزهای دریایی و مسیرهای تجاری آن از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. حمل و نقل دریایی، بزرگترین، ارزان ترین و مناسب ترین راه تجارت است. توسعه دریا محور و استفاده از ظرفیت های دریا در روند توسعه پایدار بسیار حائز اهمیت است. با این وجود همسایگی ایران با کشور پاکستان و همین طور شرایط خاص منطقه بلوچستان پاکستان، باعث شده است که همواره چالش ناامنی بر مرزهای جنوب شرق کشور سایه افکنده باشد و این موضوع نه تنها بر توسعه منطقه بلکه بر توسعه و امنیت ملی تأثیر گذار بوده و هست. از اینرو این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع معتبر کتابخانه ای با معرفی راهبرد توسعه پایدار مناطق مرزی از منظر آمایش سرزمین به لحاظ شناخت و گسترش و توسعه بسترهای ژئواکونومیکی، منطقه چابهار را به عنوان یکی از مناطق مرزی مورد مطالعه قرار دهد.

کلید واژه ها: مرز، امنیت، توسعه پایدار، ژئواکونومیک، آمایش سرزمین، چابهار

۱- بیان مسئله

منطقه چابهار در جنوب شرقی ایران، در شمال اقیانوس هند، هم مرز با کشور پاکستان، به عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران موقعیتی بسیار مستعد و مناسب به لحاظ ژئواکونومیکی را دارا می باشد. این موقعیت و وضعیت جغرافیایی خاص، شرایط ویژه را برای ورود ایران به تجارت های نوین دریایی و منطقه ای فراهم کرده است. بسترهای ژئواکونومیکی چابهار همچون موقعیت خاص بندری آن و اهمیت این بندر برای کشورهای محروم از دریا همچون افغانستان و آسیای مرکزی، سواحل توریستی و زیبای چابهار و ارزش گردشگری آن، نگاه ویژه هند به این بندر برای ارتباط با افغانستان و آسیای مرکزی، پتانسیل بالای چابهار در تبدیل شدن به یک ابر پایانه نفتی برای صدور نفت و گاز ایران، آسیای مرکزی و منطقه دریای خزر به بازار های جهان، و بسیاری دیگر از پتانسیل های ژئواکونومیکی این منطقه باعث شده است که منطقه چابهار و شهر بندری آن اهمیت فوق العاده ای داشته باشد. با این حال همسایگی ایران با کشور پاکستان و همین طور شرایط خاص منطقه بلوچستان پاکستان، باعث شده است که همواره چالش ناامنی بر مرزهای جنوب شرق کشور سایه افکننده باشد و باعث برخی مشکلات امنیتی این منطقه همچون درگیری های مرزی با اشرار، گروگان گیری، حوادث تروریستی، تردهای غیرقانونی در مرز، قاچاق کالا و مواد مخدر، در کنار تمایزات قومی-مذهبی، فقر و توسعه نیافتگی، بیکاری و حاشیه نشینی و برخی مشکلات دیگر شده است که این موضوع، تردیدها و چالش های جدی برای توسعه پایدار با استفاده از پتانسیل های ژئواکونومیکی این منطقه فراهم کرده است.

به طور کلی می توان گفت بسترهای ژئواکونومیکی چابهار برای توسعه پایدار در جنوب شرق ایران بسیار حائز اهمیت می باشد، ولی این موضوع بدون ایجاد امنیت پایدار در مرزهای ایران و پاکستان محقق نخواهد شد. توسعه و امنیت لازم و ملزوم یکدیگرند و با افزایش ضریب هر کدام دیگری نیز افزایش خواهد یافت. همزمان با کاهش امنیت، توسعه نیز راه بجایی نخواهد برد، عدم توسعه و عقب ماندگی خود از دلایل اصلی ناامنی محسوب می شود. به همین جهت برای توسعه مناطق مرزی، باید همزمان به فکر ایجاد امنیت پایدار در این مناطق بود. در برخی کشورها برای حفظ و گسترش امنیت مناطق مرزی به راهکارهای نظامی گرایانه روی آورده و سعی نموده اند که امنیت مرزها را از طریق تقویت نیروهای نظامی مستقر در مرزها و کنترل شدید امنیتی برقرار نمایند. اما این راهکارها به علل گوناگون چندان کارآمد نبوده و به نتایج مثبتی منجر نشده است. بنابراین در دهه های اخیر راهکارهای دیگری مطرح شده اند. راهکارهایی که نه بر نیروی نظامی، بلکه بر توسعه اقتصادی و اجتماعی تکیه دارند. گسترش سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در مناطق مرزی یکی از این راهکارهای نوین است. دیدگاه های نوین در زمینه حفظ و گسترش امنیت مرزها و مناطق مرزی بر اهمیت راهبرد توسعه پایدار مناطق مرزی تاکید دارند. در این چهاچوب استراتژی توسعه پایدار مناطق مرزی مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته است.

از اینرو این پژوهش بر آن است تا با معرفی راهبرد توسعه پایدار مناطق مرزی از منظر آمایش سرزمین به لحاظ شناخت و گسترش و توسعه بسترهای ژئواکونومیکی، منطقه چابهار را به عنوان یکی از مناطق مرزی که هم مرز با کشور پاکستان و در ۱۰۰ کیلومتری بندر ژئواستراتژیک گوادر قرار دارد مورد مطالعه قرار دهد.

۲- روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع معتبر کتابخانه ای به دنبال پاسخ به این سوال است که بسترهای اصلی ژئواکونومیکی منطقه چابهار کدام است و چگونه می توان با استفاده از آن توسعه و امنیت پایدار را در این منطقه فراهم نمود؟ با توجه به اینکه بندر چابهار تنها بندر و شهرستان مرزی ایران است که در کنار آبهای اقیانوسی قرار گرفته است و از دیدگاه ژئواکونومیک و ترانزیت کالا و انرژی در یک گذرگاه استراتژیک قرار دارد و همزمان این منطقه از محدودیت های شدید حاشیه نشینی، بیکاری، ناامنی، تروریستی و فعالیت های غیر قانونی رنج می برد بر این اساس بررسی موضوع این تحقیق ضروری به نظر می رسد.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- مفهوم مرز

مرز مشخص کننده محدوده و حدود دو پدیده با هویت مستقل و ماهیت متفاوت است. نیاز ذاتی انسان‌ها این است که برای اطمینان از احساس امنیت و به دست آوردن استقلال عمل، دارای فضای اختصاصی با مرزهای مشخص باشند. این فضای محدود دارای مرز، از پایین‌ترین سطح یعنی مرزهای شخصی شروع می‌شود و تا فضای ناحیه، منطقه، کشور و... ادامه پیدا می‌کند. در بین مرزهای مختلف مرزهای بین‌المللی از نظر اهمیت، گستره و کارکرد دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. هم از آن روی که مشخص کننده قلمرو حکومت و اعمال قدرت و حاکمیت هستند و هم به جهت اینکه دربرگیرنده تعداد زیادی از مردم یا همان ملت‌ها هستند (زرقانی، ۱۳۹۸، ۱۹). در واقع مرزهای بین‌المللی پدیده‌ای سیاسی- فضایی هستند که به صورت قراردادی و در قالب سطحی عمودی، مشخص کننده و جداکننده قلمرو حاکمیت نظام‌های سیاسی مستقل می‌باشند (زرقانی، ۱۳۹۲، ۲۲).

۳-۲- امنیت

اصطلاح امنیت یا Secure از واژه Security گرفته شده است. تعاریف لغوی این واژه عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی)، رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند (ربیعی، ۱۳۸۳: ۴۴). واژه امنیت به عنوان یک مفهوم عام تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را در برمی‌گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیاط و موجودیت انسان پیوند می‌خورد، بنابراین طیفی از امنیت وجود دارد که با طیف نیازهای انسان برابری می‌کند نظیر امنیت غذایی، بهداشتی، آموزشی، زیست‌محیطی، جسمی و غیره (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۲۷-۳۲۵-۳۲۴). منابع تهدید کننده امنیت جلوه‌های عملیاتی مختلفی به خود گرفته‌اند که برخی از گذشته وجود داشته ولی برخی دیگر جدید بوده و عمر کوتاهی دارند و عمدتاً از بعد کروی و بین‌المللی برخوردارند. پدیده‌ی تروریسم یکی از منابع تهدید می‌باشد که می‌تواند باعث ایجاد احساس ناامنی در مکان‌ها و فضاهای زیست شهروندان در جهان گردد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۳۷).

۳-۳- ژئواکونومیک

ژئواکونومیک، رویکردی در تحلیل مسایل بین‌المللی، به ویژه رقابت دولت‌های بزرگ در مناطق حساس جهانی است، که در آن به جغرافیا، قدرت و اقتصاد در تعامل با یکدیگر توجه می‌شود. ژئواکونومی که جزئی از ژئوپلتیک است، نقش متغیرهای اقتصادی در تصمیم‌گیری سیاسی و مسایل بین‌المللی، اثر گذاری این منابع بر ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلتیک منطقه‌ای یا جهانی را بررسی می‌کند. ژئواکونومی، در واقع، اقتصاد بین جغرافیا و قدرت اقتصادی کشورها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، ژئواکونومی اثرگذارترین عوامل یا زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلتیک منطقه‌ای یا جهانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

از ویژگی‌های عصر ژئواکونومی، اهمیت یافتن اقتصاد در عرصه جهانی است. بر خلاف دوران جنگ سرد که در آن تقسیم ژئوپلتیکی جهان جنبه ایدئولوژیک داشت، در گروه بندی‌های نوین ژئوپلتیکی جهان پس از جنگ سرد، اقتصاد مبنا قرار گرفته است. (مجتهدزاده، ۱۳۹۷: ۸۷). به عقیده ادوارد لوتواک از دهه ۹۰ میلادی مؤلفه‌های اقتصادی جایگزین اهداف نظامی و استراتژیک شدند و عامل منازعات و درگیری‌های قرن آینده دیگر همان موضوعات قرن گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنش، عاملی اقتصادی خودنمایی می‌کند.

۴-۳- آمایش سرزمین

در فرهنگ لغت، آمایش به معنی آراسته کردن آورده شده که در تمامی رویکردها و برداشت ها از آمایش می تواند مصداق داشته باشد. اما معنی لغوی آن در زبان فرانسه **Amonegement** معادل **Management** در زبان انگلیسی است. بنابراین، معنی آمایش «مدیریت سرزمین» است. آمایش در واقع یک نوع برنامه ریزی توسعه است اگر چه صرف نظر از توسعه و آرایه هر نوع تعریف و برداشتی از آن، نمی توان از آمایش صحبت به میان آورد. اما تاکنون، به دلیل کارهای متفاوت و جدا از هم که در جهان در رابطه با موضوعات مرتبط با این رشته از دانش صورت گرفته است، برداشت های متفاوتی از آمایش شده است. مهم ترین و مرتبط ترین این برداشت ها عبارتست از:

- بهترین توزیع جغرافیایی فعالیت های اقتصادی (فرهنگی لغات لاروس به نقل از عندلیب ۱۳۸۰: ۱۱)
- مطلوب ترین توزیع ممکن جمعیت و فعالیت (ژان پل لاکاز، ۱۹۹۵، به نقل از عندلیب ۱۳۸۰: ۱۱)
- سازماندهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی به منظور تحقق آینده ای مطلوب (۱۹۹۲-۱۹۹۸ در فرانسه)
- نظارت به عمران، حفاظت فضا یا سرزمین (توفیق، ۱۳۸۴: ۲۲)

۴-۲ یافته ها پژوهش

۴-۱- بسترها و پتانسیل های ژئواکونومی چابهار

منطقه آزاد چابهار

مناطق آزاد نه فقط به عنوان ابزارهای توسعه اقتصادی، بلکه عواملی جهت جذب سرمایه، انتقال تکنولوژی، آموزش نیروی انسانی، وصل شدن به بازار جهانی و در نهایت، دریچه ای به سوی توسعه اقتصادی به شمار می روند. از نگاه بین المللی، فلسفه اصلی رویکرد کشورهای در حال توسعه به ایجاد مناطق آزاد، دستیابی به توسعه اقتصادی است. کشورها برای تحقق توسعه با کمبودها و محدودیت هایی روبرو هستند، ولی در عین حال از برتری ها و امکاناتی نیز برخوردارند و منطقه آزاد، ابزاری است که می تواند تا حدودی کمبودها را جبران و امکانات و برتری های بالقوه را در سطح ملی به توانایی بالفعل تبدیل کند. این مناطق، از طرق های مختلف می توانند به توسعه اقتصادی ملی یاری رسانند که از جمله آن می توان به کاهش بیکاری در اقتصاد ملی، انجام فعالیت های خدمات در منطقه آزاد مانند: انبارداری، بسته بندی، حمل و نقل و توزیع کالا، بیمه، تولید، مونتاژ کالا و انواع داد و ستدها و خدمات جانبی و مولد اشاره کرد. چابهار به عنوان یکی از مناطق آزاد هفت گانه کشور و همچنین نقطه ای استراتژیک برای ارتباط ایران با کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (ECO) و به ویژه هند، پاکستان و افغانستان از اهمیت ویژه برخوردار است. (عزت الله عزتی و دیگران ۱۳۹۱: ۴۳).

ظرفیت های ارتباطی چابهار

۱) حمل و نقل دریایی

بیشترین حجم کالا در زنجیره حمل و نقل کنونی جهان، از طریق دریاها صورت می گیرد. در واقع حمل و نقل دریایی ارزان ترین راه با بیش ترین ظرفیت است. خلیج چابهار، موقعیت نسبتاً مناسبی جهت پهلو گرفتن کشتی ها با ظرفیت بالا برای اتصال حوزه های مختلف ژئوپلیتیکی پیرامون ایران با سیستم جهانی را فراهم می آورد.

۲) حمل و نقل ریلی

حمل و نقل ریلی به سبب ویژگی هایی همچون ایمنی مطلوب، امکانات مناسب در طول سفر و صرفه اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است. ایجاد کریدورهای ریلی و اتصال آن به کشورهای همسایه و بنادر ایران بخشی از برنامه های استراتژیک اقتصادی است که دستیابی و استفاده از ظرفیت های نهایی آن، سهم زیادی در توسعه ملی خواهد داشت. در صورت اتصال چابهار به شبکه ریلی و اتصال محور ریلی شمال-جنوب (چابهار-سرخس)، این شبکه ریلی موجب تقویت شبکه ریلی ایران در سطح ملی و میان قاره ای خواهد شد. همچنین اتصال این شبکه به افغانستان درآمد بسیار زیادی به ارمغان خواهد آورد و سهم زیادی در توسعه محلی، ملی و منطقه ای خواهد داشت.

۳) حمل و نقل جاده ای

ارتباطات جاده ای به عنوان مکمل مسیرهای آبی، دریایی و همچنین شاهراه های ارتباط دهند ه مکان های تجمع انسانی نقش برجسته ای را در توسعه مکان های جغرافیایی بر عهده دارد. این نوع حمل و نقل به عنوان مکمل دیگر انواع حمل و نقل، کالا و خدمات را در دسترس مصرف کننده نهایی قرار می دهد. شبکه جاده ای جنوب شرق ایران شامل تنها یک شبکه اصلی شمال-جنوب است که از چابهار آغاز و تا مرزهای شمال شرق کشور به ویژه سرخس در مرز ترکمنستان امتداد دارد که این شبکه نیز از توسعه کافی و مفید برخوردار نمی باشد. از جمله طرح های جاده ای مهم ترانزیت، اتصال چابهار از طریق مرز زابل به کشور افغانستان است که از مسیر زرنج، قندهار و کابل وارد تاجیکستان می شود، ولی نیاز به توسعه جاده ای در افغانستان دارد.

قابلیت های گردشگری و توریستی چابهار

سواحل زیبا و دل انگیز چابهار، غارهای بان میستی، کوه های مینیاتوری یا تپه های مریخی، جنگل های دریایی حرا، درخت انجیر معابد (لورلول)، سواحل دریای عمان، تالار لیپار، گل افشان ها، رودخانه باهو کلات، تمساح پوز کوتاه، بریس دروازی رو به اقیانوس. مقبره سید غلام رسول، قدم گاه خضر، قلعه پرتغالی ها، محوطه باستانی «مپکو»، دیوارهای شهباز بند، مسجد تیس، مقبره سنگی روستای تیس.

۲-۴- طرح های نوین تجارت دریایی منطقه ای و بین المللی

۱-۲-۴- کریدور شمال - جنوب

راه گذر شمال جنوب یا کریدور شمال- جنوب از مسیرهای راهبردی در نیم کره شرقی جهان است. موقعیت استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران مورد توجه کشورهای بزرگ جهان بوده و هست. شرایط مناسب ریلی و جاده ای و دسترسی ایران به سواحل طولانی در خلیج فارس، دریای عمان و مکران، سواحل دریای خزر، در سال های اخیر بسیار مورد توجه تولید کنندگان بزرگ اقتصادی جهان بوده است. اگر بعضی از مسیرهای ناتمام ریلی و جاده ای ایران تکمیل شود ایران می تواند از عبور و ترانزیت کالا از خطوط ریلی و جاده ای خود درآمدی سرشاری داشته باشد. یکی از مهم ترین حلقه های تجارت بین جنوب آسیا، شمال و شرق اروپا می باشد که در مقایسه با مسیرهای سنتی از نظر مساحت و زمان تا ۴۰ درصد کوتاه تر و از نظر هزینه تا ۳۰ درصد ارزانتر می باشد. این (راه گذر) یکی از مسیرهای مهم ترانزیت در آسیای مرکزی است و کشورهای در مسیر این راه گذر هر یک با تشکیل اتحادیه و انعقاد قراردادهای همکاری در رقابتی همه جانبه به توسعه و تجهیز بنادر، جاده ها، ترمینال و مسیرهای ریلی خود می پردازند. در سال ۱۹۹۳ متعاقب برگزاری اجلاس کمیسیون اروپا، وزرای حمل و نقل کشورهای عضو، علاوه بر راه گذرهای شمالی، مرکزی و جنوبی، شاهراه ترانزیتی موسوم به راه گذر (کریدور) شمال- جنوب (NOSTRAC) را معرفی کرده و به تصویب رساندند. این راه گذر ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا و روسیه، از طریق ایران و دریای خزر به کشورهای حوزه اقیانوس هند، خلیج فارس و جنوب آسیا برقرار می سازد. در این میان اتصال خلیج

عمان و بندر چابهار در ساحل شرقی دریای عرب یا مکران به عنوان بندری استراتژیک، به این راه گذر، در مبادله کالا به شرق کشور و همسایه های شرقی و آسیای مرکزی نقش مهمی ایفا خواهد کرد.
در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ میلادی) موافقت نامه ای سه جانبه بین وزرای حمل و نقل ایران، هند و روسیه برای ترانزیت کالا در کریدور شمال-جنوب به تصویب رسید.

در صورت فعال شدن تمام حلقه های این زنجیره، انتقال کانتینر از بندر بمبئی به مسکو حدود یک ماه زمان نیاز دارد. در سالهای بعد این کریدور با پذیرش ۱۰ عضو جدید گسترش یافته است، که شامل جمهوری آذربایجان، ارمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، ترکیه، اوکراین، بلاروس، عمان و سوریه است و بلغارستان نیز به عنوان عضو ناظر آن حضور دارد.

کشورهای شرق ایران (پاکستان و افغانستان) از رقبای کریدور شمال-جنوب می باشند. برخی مزایای کریدور شمال جنوب :

- ۱- کاهش فاصله و زمان سیر کالا از اروپا به حوزه خلیج فارس و جنوب آسیا
- ۲- دسترسی استراتژیک روسیه به آب های آزاد اقیانوس هند
- ۳- ایجاد زمینه مناسب برای همکاری بیشتر کشورهای مسیر
- ۴- کاهش وابستگی کشورهای جنوبی آسیا به ترانزیت و تجارت از طریق کانال سوئز (کیانی مقدم و دیگران، ۱۳۹۱)



۱-۲-۴- موقعیت چابهار در کریدور شمال-جنوب

دریای عمان و سواحل آن، به دلیل اتصال به آب های آزاد جهان، در گذشته و حال مورد توجه بوده و همجواری آن با خلیج فارس به اهمیت آن افزوده است. چابهار (چاه بهار، چهار بهار) یکی از شهرهای جنوب شرقی استان سیستان و بلوچستان و تنها بندر اقیانوسی کشور می باشد که در کرانه های اقیانوس هند قرار دارد که لنگرگاه آن توانایی پهلوگیری کشتی های اقیانوس پیما را دارد. برقراری ارتباط ترانزیتی افغانستان و آسیای مرکزی از طریق محور ترانزیتی شرق کشور «چابهار-میلک» نزدیکی جغرافیایی بندر چابهار به افغانستان، انجام سرمایه گذاری های گسترده در بخش های مختلف حمل و نقل بویژه بخش دریایی، ایجاد تسهیلات زیرساخت های حمل و نقل در مسیر محور شرق کشور و حمایت های گسترده دولتی، بندر چابهار را

به عنوان قطب ترانزیت تبدیل کرده و در صورت مرتفع شدن موانع، علاوه بر توسعه محور شرق شاهد رونق ترانزیت در مسیر مذکور خواهیم بود.

بندر چابهار به عنوان مهم ترین بندر در مسیر ترانزیتی محور شرق کشور مطرح است، که ننگرگاه آن قابلیت پهلوگیری کشتی های اقیانوس پیما را دارد و از مناطق آزاد بازرگانی ایران است. بندر چابهار به دلیل موقعیت راهبردی، که نزدیک ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، و قزاقستان به آب های آزاد است، از اهمیت فراوانی برخوردار است و سازندگی و سرمایه گذاری فراوانی در آن صورت می گیرد؛ از جمله ساخت اسکله و افزایش گنجایش بارگیری کشتی های اقیانوس پیما در خلیج چابهار و ساخت راه آهن به سوی آسیای مرکزی و احداث فرودگاه بین المللی. این بندر یکی از مهم ترین چهارراه های «کریدور شمال- جنوب» بازرگانی جهانی است. (عزت اله عزتی، شمس الدین شکری، ۱۳۹۱)

در سال ۱۳۹۷ در دیدار آقای علی اکبر ولایتی نماینده رهبری با پوتین رئیس جمهور روسیه، آقای پوتین ضمن تمایل به گسترش همکاری های ایران و روسیه چند بار بر توسعه محور و کریدور شمال- جنوب با محوریت سواحل مکران و چابهار تأکید کرده است و خواستار سرمایه گذاری جدی ایران و توسعه زیرساخت های حمل و نقل و بندری در این منطقه شده است. آقای پوتین عنوان کرده که استفاده از کریدور شمال- جنوب و سواحل مکران می تواند هزینه و زمان تجارت روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز را با شرق و جنوب آسیا به ویژه هند تا ۴۰٪ کاهش دهد. (خبر نیمروزی مصاحبه زنده با دکتر ولایتی، ۹۷/۴/۲۱، مسکو)



۲-۲-۴- یک کمر بند یک راه و موقعیت چابهار در «راه دریایی ابریشم»

ایران به دلیل دارا بودن ۴ ویژگی شامل: «موقعیت جغرافیایی و گذرگاهی»، «موقعیت استراتژیک»، «منابع انرژی نفت و گاز فراوان»، «جایگاه فرهنگی، تاریخی و تمدنی» به عنوان یکی از عوامل تأثیر گذار در احیای جاده ابریشم تلقی می شود. در نتیجه، بررسی اهمیت، جایگاه و نقش ایران در احیای جاده ابریشم، نه تنها برای سیاست گذاران و تصمیم گیران داخلی، بلکه برای دولتمردان و بازیگران منطقه ای و بین المللی که در این پروژه عظیم سهیم اند، قابل اعتنا است. نکته بسیار مهم دیگر اینکه بدانیم ایران، تنها کشوری است که راه های دریایی و زمینی ابریشم، در آن با هم، از طریق خلیج فارس برخورد پیدا می کرده اند. (دکتر هادی اعظمی، ۱۳۹۵، کنفرانس جاده ابریشم چین) یکی از شهرهایی که قرار است در قالب طرح «یک کمر بند

یک راه» توسعه پیدا کند، بندر چابهار در جنوب شرقی ایران است. پروژه توسعه این بندر آنقدر حائز اهمیت است که مرکز مطالعات استراتژیک و بین الملل آن را در فهرست «۱۷ پروژه تحت نظر در سال ۲۰۱۷» قرار داده است. (پانت ۲۰۱۸)

برخی معتقدند که ابتکار راه ابریشم جدید به زودی خیلی از معادلات ترانزیت منطقه را تغییر خواهد داد و ایران باید تلاش کند که به بهترین شکل و به طور هدفمند در این طرح بزرگ فعال شود، چرا که منفعلانه برخورد کردن ایران با این طرح، باعث ایجاد کریدور ترانزیتی موازی خواهد شد که فرصت های ترانزیتی ایران را از بین خواهد برد. حضور ایران قدرتمند و با ثبات در مسیر راه ابریشم برای چین بسیار حائز اهمیت است. چین بزرگترین شریک تجاری ایران در سال ۲۰۱۸ بوده و ارزش تبادلات تجاری دو کشور به حدود ۳۵ میلیارد دلار رسیده است.

یکی از شهرهایی که می تواند در پروژه «یک کمربند- یک راه» بسیار فعال و مهم باشد، بندر چابهار است. ایران می تواند با توسعه بندر چابهار از این طرح بزرگ به خوبی بهره برداری کند و موقعیت جغرافیایی چابهار را به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تبدیل کند. (علیرضا خداقلی پور، ۱۳۹۵) بندر چابهار با داشتن شرایط بسیار ممتاز جغرافیایی در شمال اقیانوس هند و اتصال آن از طریق کریدور شمال- جنوب و محور مواصلاتی شرق ایران به آسیای مرکزی و کمربند زمینی جاده ابریشم می تواند حلقه اتصال کمربند زمینی و راه دریایی ابریشم باشد. از سوی دیگر با قرار گرفتن بندر چابهار در همسایگی شهر بندری گوادر در پاکستان و متصل شدن این شهر به چین از طریق کریدور اقتصادی گوادر- سین کیانگ با اتصال بندر چابهار و گوادر از طریق خط آهن و جاده زمینی عملاً جنوب ایران نیز از طریق زمینی و از مسیری نزدیک به چین و جاده ابریشم متصل خواهد شد. علاوه بر این با تلاش و پیگیری هوشمندانه، چابهار می تواند به یکی از مرواریدهای شمال اقیانوس هند در پروژه راه دریایی ابریشم و حلقه مروارید که در اطراف اقیانوس هند و با سرمایه گذاری چین در حال اجرا می باشد تبدیل شود.

یکی از اصلی ترین اهداف چین از ایجاد کریدور اقتصادی و دالان زمینی سین کیانگ- گوادر، تأمین انرژی و امنیت انتقال آن به چین می باشد، خاورمیانه به عنوان قلب انرژی جهان، اصلی ترین منبع تأمین انرژی برای چین به شمار می رود و مسیر دریایی انتقال نفت و گاز از طریق شمال اقیانوس هند و تنگه مالاکا، با توجه به تسلط نیروی دریایی ایالات متحده بر این مسیر و برتری نیروی دریایی هند در شمال اقیانوس هند همواره چین را در تنگنای تهدید احتمالی در این مسیر قرار داده است. به همین دلیل چین نگاه ویژه ای به انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لوله گوادر به غرب چین دارد و ایران با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز در جنوب خود یکی از اهداف چین در این پروژه محسوب می شود. بندر چابهار در یک قدمی گوادر پاکستان عملاً دست بالا در تأمین انرژی مورد نیاز این خطوط لوله دارد و می تواند به یک بندر عظیم نفتی و گازی در قالب پروژه «یک کمربند- یک راه» تبدیل شود.

در حالتی دیگر در صورت ایجاد نامنی و تحولات سیاسی منجر به ناکامی و یا بسته شدن مسیر گوادر به سین کیانگ همچنان می تواند باعث برقراری و اتصال ترانزیت در این پروژه باشد. و این ویژگی یعنی اتصال از دو محور زمینی و دریایی جاده ابریشم به چین نیز مختص چابهار خواهد بود.

به عقیده بسیاری از کارشناسان چابهار می تواند نقطه اتصال راه ابریشم زمینی و دریایی باشد. بندر چابهار که در حال حاضر هند و افغانستان در آن فعالیت دارند، یکی از بنادر مهم و استراتژیک ایران است. چین هم می تواند در برنامه راه ابریشم دریایی قرن بیست و یکم خود از این بندر استفاده کند. ایران بسیار امیدوار است که از طریق دریای خزر و خلیج فارس نیز در مسیر دریایی ابریشم با چین مشارکت کند. در واقع ایران یک نقطه مهم در راه ابریشم زمینی و مسیر دریایی است. سرمایه گذاری مشترک در ساخت خط لوله های گاز و نفت، راه اندازی کریدورهای اقتصادی بین ایران و چین و آسیای مرکزی، ساخت جاده، بندر و راه آهن، ترانزیت کالا از مرزهای ایران، مرتبط شدن چین با خاورمیانه، آسیای مرکزی و افغانستان با استفاده از ترانزیت کالا از ایران، زمینه های همکاری میان دو کشور در راه ابریشم است. (اخبار منطقه آزاد چابهار، ۹۷/۱/۲۰)

در طرح اولیه چین در مسیر ابریشم دریایی قرن بیست و یکم نامی از بندر چابهار ایران دیده نمی شد، ولی با گذشت چند سال و شروع سرمایه گذاری چین در بندر گوادر پاکستان، کم کم چینی ها توجه بیشتری به چابهار نشان دادن و در سفرهای مقامات چین به ایران این موضوع بارها مطرح شد و نیاز ویژه چین به انرژی و دسترسی به جنوب ایران از طریق محور گوادر-چابهار یکی از اهداف نیمه پنهان چین از طرح کریدور اقتصادی کاشغر-گوادر می باشد، تا بتواند از این طریق آسان تر و راحت تر به منابع انرژی خاورمیانه و جنوب ایران دسترسی داشته باشد، که در این زمینه چابهار به عنوان دروازه جنوب شرقی ایران عملاً در مسیر جاده ابریشم انرژی(نفتی، گازی) در محور شرقی- غربی قرار دارد.

۴-۳- رقابت ژئواستراتژیک چین و هند

قدرت عامل اصلی تعیین کننده سیاست خارجی هر کشور است. چین و هند به ترتیب دومین و سومین اقتصادهای بزرگ جهان محسوب می شوند. هر دو دارای بازارهای بزرگ هستند و به شدت نگران ایمن و ارزان بودن آنها، بخصوص مسیرهای تجاری و همچنین امنیت انرژی. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، چین به سرعت روابط خود را با پاکستان تقویت می کند و توسعه بندر گوادر برای امنیت انرژی خود، برای دسترسی سریع به بازار جهانی و اطمینان از حضور در اقیانوس هند. از طرف دیگر هند روابط خود را با ایران بیشتر می کند و همین طور افغانستان و آمریکا، برای خنثی کردن مشارکت راهبردی چین و پاکستان. در واقع هند جواب می دهد به جاه طلبی چینی ها در توسعه بندر گوادر، توسط توسعه بندر چابهار ایران، و با چنگ زدن به آن با استفاده از قلمرو افغانستان برای گسترش بیشتر به کشورهای آسیای مرکزی. عالمان بر این باورند که هند می خواهد با ایجاد زیرساخت های چین مقابله کند. همان پروژه بلندپروازانه «یک کمربند-یک راه» [OB_OR] و کریدور اقتصادی چین و پاکستان. هند می خواهد از طریق توسعه چابهار، چین را جای خود بنشانند و پاکستان را دور بزنند و محاصره کند. همین طور هند می خواهد یک دردسر دیپلماتیک برای پاکستان ایجاد کند و روابط آن را با کشورهای همسایه برهم بزند. هر دو بندر چابهار و گوادر در بلوچستان و در نزدیک هم واقع شده اند. پیچیدگی رقابت استراتژیک بین چین و هند، اهمیت ژئواستراتژیک ایران و پاکستان را برجسته می کند در منطقه بلوچستان. اختلافات سرزمینی چین و هند، رقابتی پایان ناپذیر است بین این دو اقتصاد بزرگ. هر دو تمایل دارند به اتخاذ روشی شبیه به، تعادل و متعادل کردن، حاوی و ضد نگه داشتن، محاصره کردن و ضد محاصره کردن، رقابت و کپی کردن، رفتار هر کدان دیگر.

هند بندر گوادر را یک تحدید بالقوه برای برتری استراتژیک خود در منطقه اقیانوس هند می داند و برای مقابله با دینامیک جغرافیایی، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک چین، برای محافظت و تحقق بیشتر اهداف و نگرانی های استراتژیک خود، در حال توسعه بندر چابهار می باشد. رقابت اقتصادی و مبارزه قدرت، در واقع ایجاد می کند، وضعیت وابستگی متقابل و پیچیده. پویایی استراتژیک و محاسبات اقتصادی به سوابق یکدیگر وابسته هستند و هم را تقویت می کنند و بعداً می توانند برعکس هم بشوند. فعالیت های اقتصادی از نظر انرژی و اهداف تجاری، حمل و نقل سریع می خواهند. مسیرهای دریایی ارزان ترین و آسان ترین منبع حمل و نقل هستند، که این به نوبه خود موقعیت سیاسی بنادر را بیشتر می کند، قدرت های اقتصادی تمایل دارند خود را در دریاها و بنادر تقویت کنند. بنادر چابهار و گوادر تصویری از یک موقعیت اقتصادی و استراتژیک می باشند، هر دو نه تنها برای کشورهای منطقه بلکه بازیگران خارج منطقه نیز مهم می باشند. گوادر همسایه چابهار، در ساحل دریایی واقع شده که تنها ۶۲۶ کیلومتر با تنکه هرمز فاصله دارد. سالانه ۱۰۰ هزار کشتی از شمال اقیانوس هند میگذرد که تجارت بخش عمده نفت جهان را نیز شامل می شود. بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، تحولات و سیاست های بین المللی و روابط بین الملل به ویژه آسیا، شرایط مختلفی را تجربه کرده است، این حادثه تسلط ایالات متحده را به چالش کشید، ساختار یک قطبی را مختل کرد و سیاست جهانی را تغییر داده و آنرا به ساختاری چند قطبی تبدیل کرده است. این حادثه بار دیگر تغییر پارادایم در سیاست خارجی آمریکا در قبال آسیا به بار آورد. این حادثه فرصتی برای چین و هند ایجاد کرد، به دلیل درگیری ایالات متحده در جنگ علیه تروریست، این فرصت را برای هند و چین ایجاد کرد تا شکاف ایجاد شده را پر کرده و منافع اقتصادی و

استراتژیک و ژئواکونومیک آنها به سمت افغانستان به دلیل جاه طلبی های جهانی خود. این حادثه یک ویژگی منحصر به فرد برای چین داشت، که برای خاموش کردن عطش اقتصادی و استراتژیک خود به پاکستان نزدیک شده است، در حالی که هند در حال تغییر استراتژیک و اقتصادی است، یعنی توجه به کشورهای غربی پاکستان؛ ایران و افغانستان. آن هم برای متعادل کردن چین و ایجاد تنش های استراتژیک و دیپلماتیک برای پاکستان. چین و هند اقتصادهای با سرعت در حال رشد و در حال ظهور در عرصه جهان هستند، به طور همزمان و بسیار نزدیک. هر دو به امنیت در مسیر تجارت و امنیت انرژی نیاز دارند و همچنین دسترسی آسان و سریع به بازارهای جهانی، نفوذ سیاسی و دیپلماتیک در منطقه و رضایت استراتژیک. معضل مالاکا باعث ایجاد دردسر استراتژیک برای چین است، به همین دلیل چین می خواهد مسیر انرژی خود را منحرف کند و مسیر تجارت و تأمین نیازهای خود را از طریق گوادر پاکستان انجام دهد. از یک طرف چین، این کشور را به لحاظ اقتصادی راضی نگه خواهد داشت و از طرف دیگر نگه داشتن چین در منطقه اقیانوس هند باعث تقویت استراتژیک پاکستان خواهد شد و این باعث نگرانی های استراتژیک هند می شود. (دکتر ناظم رحیم و اصغر علی، ۲۰۱۹).

۴-۴- پیامدهای توسعه چابهار بر امنیت مرزی آن

حمل و نقل دریایی، بزرگترین، ارزان ترین و مناسب ترین راه تجارت است. توسعه دریا محور و استفاده از ظرفیت های دریا در روند توسعه پایدار بسیار حائز اهمیت است. (موهبتی، استاندار سیستان و بلوچستان ۱۳۹۷)

پروژه توسعه بندر چابهار علیرغم آنکه نقطه تلاقی منافع بسیاری از بازیگران منطقه ای است، می تواند حساسیت ها و چالش هایی را از سوی سایر بازیگران منطقه ای به خصوص پاکستان ایجاد کند. تمرکز هند روی پروژه چابهار باعث افزایش حساسیت های پاکستان شده است. پاکستان در سال های اخیر با توجه به احتمال ورشکستگی اقتصادی، صد در صد روی موفقیت کریدور اقتصادی با چین تمرکز کرده و نزدیکی چابهار به گوادر و احتمال کاهش سود تقریبی آن، حساسیت پاکستان را در مورد چابهار بالا برده و این امر با حضور هند به عنوان دشمن درجه اول پاکستان بیشتر نیز شده است. از این رو بسیاری بر این باورند که در صورت لحاظ نشدن منافع و حساسیت های پاکستان در پروژه توسعه چابهار، احتمال افزایش هزینه های امنیتی این پروژه بسیار بالا می رود. چابهار در منطقه سیستان و بلوچستان در نزدیکی مرز پاکستان قرار گرفته و در سال های اخیر فعالیت گروه های تروریستی در این منطقه بارها مشاهده شده است، موفقیت یک پروژه عظیم اقتصادی در منطقه ای نا امن به طور قطع میسر نخواهد بود و امکان جذب سرمایه گذاری خارجی را به حداقل خواهد رساند. ظرفیت افزایش هزینه های امنیتی برای ایران، هند و افغانستان از سوی پاکستان، موجب شده است که سه کشور دغدغه امنیت را یکی از مهم ترین چالش های پیش روی خود در قبال این پروژه ارزیابی کنند. بسیاری ربودن مرزبان های ایرانی در ماه های اخیر را نیز با هدف رسوخ پذیر جلوه دادن مرزهای ایران تحلیل می کنند؛ و همچنین این موضوع ظرفیت پاکستان در نا امن سازی مرزهای ایران را بار دیگر به جمهوری اسلامی گوشزد کرد. اما در کنار چالش های مهمی که این پروژه برای بازیگران اصلی آن به همراه دارد، چالش هایی نیز به طور خاص برای جمهوری اسلامی ایران وجود خواهد داشت. یکی از مهم ترین کاستی های این پروژه، بی تفاوتی آن به طرح آمایش جمعیتی در سواحل مکران است. پیش بینی می شود با موفقیت این پروژه حدود ۵/۲ میلیون نفر به این منطقه سرازیر شوند، آن هم در شرایطی که میزان بیکاری در این استان بالای ۵۰ درصد است و با توجه به نبود نیروی متخصص و ماهر بومی در نتیجه امکان جذب آنها در پروژه های موجود بسیار اندک است. بی توجهی به آموزش مردم منطقه و در نهایت نبود برنامه برای جذب آنها در پروژه، زمینه برای افزایش نارضایتی را در منطقه فراهم آورده است. ایجاد منطقه آزاد و گران شدن زندگی در این منطقه بسیاری از مردم بومی و محلی را به حاشیه نشین ها تبدیل ساخته است که این امر در صورت بی توجهی در آینده می تواند چالش های امنیتی و اجتماعی جدی ای را با خود به همراه داشته باشد. (سمیه مروتی ۱۳۹۸/۱۱/۸).

۵- نتیجه گیری

با توجه به مسایل و موارد بیان شده در این پژوهش می توان به اهمیت و تأثیر توسعه بر امنیت و امنیت بر توسعه در مناطق مرزی پی برد. در صورتی که طرح های آمایش سرزمینی با مد نظر قرار دادن ویژگی ها و شرایط مناطق مرزی اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی باشد و چنانچه توسعه طرح های بزرگ اقتصادی در این مناطق و ارتباط آن با مناطق همجوار به درستی رعایت گردد و همزمان از مقوله امنیت نیز غافل نشود و به این دو به عنوان یک زنجیره به هم پیوسته نگریسته شود می توان امیدوار بود که در چابهار و نقاط مرزی آن در آینده ای نزدیک بتوان آثار و نتایج مثبت امنیت و توسعه پایدار را مشاهده نمود. بطور قطع در صورت تحقق این موضوع این مسأله بر روند امنیت و توسعه پایدار در کل منطقه جنوب شرق کشور و مناطق مرزی آن تأثیر شگرف خواهد داشت. توجه به جمعیت بومی چابهار در طرح های توسعه و استفاده و آموزش آنان می تواند به ایجاد جو رضایتمندی در این منطقه کمک نماید که این خود به امنیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق مرزی چابهار و در نهایت امنیت و توسعه ملی کمک شایانی خواهد کرد.

منابع

- حسن احمدی، روزبه دادجو(۱۳۹۱). همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش ها و رهیافت ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- حسن پولادی و دیگران (۱۳۹۵). الگو سازی عوامل تأمین کننده امنیت پایدار مرزی(مطالعه موردی مرزهای شرقی ایران). فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره ۷۲
- عطاءالله عبدی، ناصر رجب نژاد (۱۳۹۶). فصلنامه جغرافیا و توسعه شماره ۴۶
- علیرضا حیدرنژاد و دیگران. بررسی نقش احساس امنیت در توسعه گردشگری نواحی مرزی.
- عزت الله عزتی و دیگران(۱۳۹۱)، تهران: انتشارات سمت
- سید هادی زرقانی و فاطمه بخشی شادمهری،(۱۳۹۳) تحلیل فرصت ها و چالش های روستاهای مرزی در امنیت مرزهای استان خراسان رضوی با مدل SWOT. نهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران
- مجتهد زاده، پیروز(۱۳۷۹ : ۸۷) تهران: انتشارات سمت
- عاشوری فاطمه (۱۳۹۷) تبیین مفهوم امنیت و مؤلفه های آن در مناطق مرزی. اولین همایش رقابت پذیری و آینده تحولات شهری تهران، انجمن جغرافیا و برنامه ریزی شهری ایران
- حسین داوودی آزاد، جواد سلیمانی(۱۳۹۱). مرز و امنیت اجتماعی شهرهای مرزی. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش ها و رهیافت ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان
- علیرضا عندلیب، شریف مطوف(۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران
- جلال تبریزی(۱۳۹۵). کرانه های اقیانوسی جنوب شرق ایران و شبکه های ارتباطی بین المللی
- ناظم رحیم، اصغر علی(۲۰۱۹). رقابت ژئواستراتژیک چین و هند: مقایسه ها و بررسی بنادر گوادر و چابهار
- سمیه مروتی (۱۳۹۸). روند اجرایی شدن پروژه چابهار و پیامدهای احتمالی امنیتی آن

نقش دوری از مرکز سیاسی بر عدم توسعه اقتصادی استان ایلام

شهین یاسمی^۱، دکتر هادی اعظمی^{۲*}، حمد اله سجاسی قیداری^۳

۱: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲: دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده ی مسئول

۳: استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

Email: aazami@um.ac.ir

چکیده:

از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن است. در کشورهایی که با سیستم متمرکز اداره می‌شوند مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در نظام برنامه ریزی فضایی و توسعه کشور بیشترین نقش را دارند و به دلیل اینکه این مؤلفه‌ها در نقاط مختلف کشور به صورت یکسان ظاهر نمی‌شوند لذا امکانات مورد نیاز مردم و منابع هم به طور برابر و عادلانه در تمام نقاط جغرافیایی توزیع نمی‌شوند. تجمع امکانات و ثروت در نقاط مرکزی باعث اختلاف سطح توسعه اقتصادی در نقاط مرکزی و پیرامونی شده است. استان‌های مرزی ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و برخی با وجود داشتن ظرفیت‌های بالای اقتصادی همچنان از نظر شاخص توسعه اقتصادی در سطح پایینی قرار دارند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از نظرات متخصصان و صاحب‌نظران درصدد بررسی تأثیر نقش فاصله از مرکز سیاسی کشور بر توسعه اقتصادی استان ایلام است. بعد از تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دوری از مرکز سیاسی باعث شده است، شاخص توسعه اقتصادی که در این پژوهش به آن پرداخته شده است در وضعیت مطلوبی نبوده و توسعه اقتصادی استان ایلام به دلیل دوری از مرکز سیاسی پایین‌تر از حد متوسط هست.

واژگان کلیدی: دوری از مرکز، کانون سیاسی، توسعه اقتصادی، استان ایلام

۱- مقدمه

در الگوی بسیط و متمرکز، گونه‌های تقسیمات کشوری به خواست و تصمیم مقامات سیاسی بستگی دارد. در این الگو، شکل فضا پایدار نیست و بسیار تغییرپذیر است و نیروهای مداخله‌گر در شکل یابی فضا نقش‌آفرینی فعال دارند. ایران از جمله کشورهایی است که بر اساس سیستم متمرکز اداره می‌شود. در این نظام، مؤلفه‌های سیاسی-اقتصادی و اجتماعی بیشترین نقش را در نظام برنامه‌ریزی فضایی و توسعه کشور ایفاء می‌کنند و چون این مؤلفه‌ها در نقاط مختلف کشور به صورت هماهنگ ظاهر نمی‌شوند و لذا منابع و امکانات موردنیاز مردم هم به طور یکسان در تمام نقاط جغرافیایی توزیع نمی‌شوند، در نتیجه نابرابری‌های منطقه‌ای افزایش یافته، باعث شکل‌گیری قطب‌های رشد و توسعه در تعدادی از مراکز می‌شود (اسد زاده، ۱۳۹۲: ۱). بحث نابرابری و عدم تعادل اقتصادی بین مناطق، از جمله مباحثی بوده است که ذهن اقتصاددانان و برنامه‌ریزان در سطح منطقه‌ای را جهت برخورداری از ظرفیت‌های بالقوه و دستیابی به سطوح بالاتر توسعه در منطقه، به خود مشغول کرده است. لزوم توجه به مناطق با درجه توسعه‌یافتگی کمتر در جهت استفاده بهینه از قابلیت‌های این مناطق، ایجاب می‌کند که شناخت علمی دقیق و مستدل از ابعاد برخورداری و عدم برخورداری مناطق مختلف وجود داشته باشد. شناختن و در نظر گرفتن تفاوت‌های موجود میان مناطق مختلف، به منظور متعادل کردن سطح پیشرفت توسعه منطقه‌ای، به کمک تهیه برنامه‌های مناسب با خصوصیات اقتصادی-اجتماعی هر منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است. توسعه اقتصادی و صنعتی شدن در برخی از اوقات، ناهماهنگی و نابرابری میان مناطق مختلف را به وجود می‌آورد. در واقع در برنامه‌های توسعه، فضا عاملی است که زیاد در نظر گرفته نمی‌شود. همین امر سبب ناهماهنگی میان مناطق شده و دوگانگی منطقه‌ای را بیشتر می‌کند که این امر منجر به رشد نامتوازن می‌شود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲). استان‌های مرزی به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی که دارا هستند از بالاترین مزیت ارزآوری و به‌عنوان کریدورهای بازرگانی کشور نسبت به سایر استان‌ها از اهمیت بالاتری برخوردار هستند. همچنین برخی از مناطق مرزی دارای منابع و ظرفیت‌های بالایی برای خروج از محرومیت هستند که به دلیل عدم توجه به این پتانسیل‌های بالقوه جهت توسعه همچنان شاهد عدم رشد و توسعه اقتصادی این مناطق هستیم. استان ایلام یکی از این استان‌های مرزی است که با وجود داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و ظرفیت‌های بالا در زمینه‌های کشاورزی و گردشگری و... همچنین به‌عنوان دروازه ورود به عتبات عالیات هنوز در محرومیت به سر می‌برد. لذا در این پژوهش سعی بر آن است که به نقش دوری از مرکز سیاسی کشور بر عدم توسعه اقتصادی استان ایلام پرداخته شود.

۲- سؤال پژوهش

دوری از مرکز سیاسی چه نقشی بر توسعه اقتصادی استان ایلام داشته است؟

۳- مفروض پژوهش

دوری از مرکز سیاسی باعث عدم توسعه اقتصادی استان ایلام شده است.

۴- ادبیات نظری پژوهش

۴-۱- تعریف توسعه

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته شدن و قدرتمند شدن، مفهومی کیفی است که در برابر رشد قرار می‌گیرد و می‌توان آن را معادل افزایش کیفیت زندگی دانست (خاکپور و باوان پوری، ۱۳۸۸) که برخورداری انسان از زندگی دراز و سالم، خلاق در محیط زیستی غنی، در جامعه مدنی و دموکراتیک هدف نهایی آن است (عباس نژاد و رفیعی امام، ۱۳۸۵). عده‌ای نیز بر این هستند که توسعه سنجش پیشرفت در کاهش فقر و نابرابری می‌تواند باشد. گروهی نیز در تعریف سطح توسعه‌یافتگی معتقدند کشورهای پیشرفته به خدمات و صنعت مشغول‌اند و کشورهای در حال توسعه عمدتاً به کشاورزی مشغول‌اند (بهروز، ۱۳۷۹). توسعه به‌عنوان جریانی چندبعدی که در خود تجدید سازمانی و سمت‌گیری کل نظام

اجتماعی - اقتصادی به همراه دارد (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵) را می‌توان فرآیندی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست که منتج از استانداردهای زندگی بوده و باعث بهبود سطح زندگی بخش‌های در حال افزایش می‌شود (قدیر معصوم و حبیبی، ۱۳۸۳) و هدف آن بهبود مستمر زندگی جمعی بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت و توزیع عادلانه منافع از ارکان اساسی آن به شمار می‌آید (ضرابی و همکاران، ۱۳۸۷). توسعه به‌عنوان یک جریان مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. در همین زمینه سیرز ۱۱۵ میزان تغییرات فقر، بیکاری و نابرابری را سؤالات اصلی توسعه یک کشور دانسته است (پناهی و مرسلی، ۱۳۸۵).

۲-۴ توسعه اقتصادی

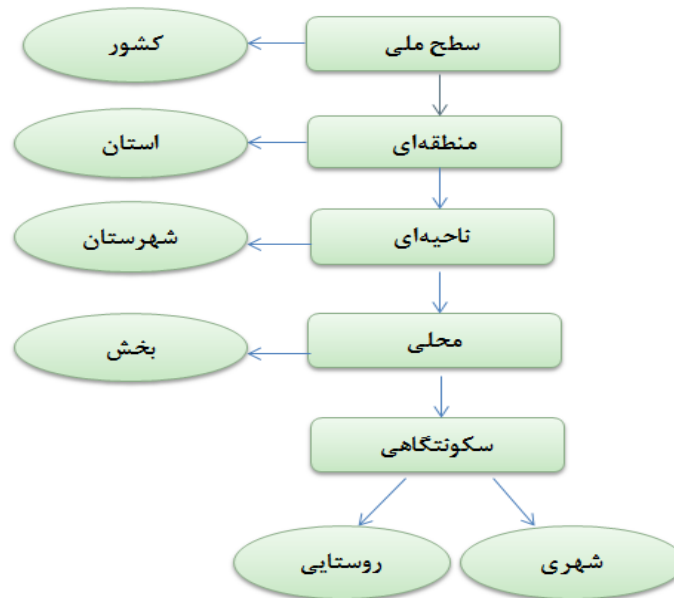
توسعه اقتصادی عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی، اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به‌صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هرروز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. به‌علاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حدود مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) و هیچ محدودیتی ندارد (قادری، ۱۳۹۱). از دیدگاه پیتر دورنر، توسعه اقتصادی عبارت است از بسط امکانات و پرورش قابلیت بشری که برای جلوگیری از فقر، ضروری هست و تقلیل دامنه فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه اقتصادی هستند (ازکیا، ۱۳۸۷). در تعریف مک لوپ، توسعه اقتصادی عبارت است از کاربرد منابع تولیدی به‌نحوی که موجب رشد بالقوه مداوم درآمد سرانه در یک جامعه شود (باهر، ۱۳۶۹). کنتز براین باور است که توسعه اقتصادی افزایش ظرفیت‌های تولیدی و تنوع در تولیدات یک جامعه در بلندمدت است (دعایی، ۱۳۸۵). توسعه اقتصادی فرآیندی است که به‌موجب آن، درآمد واقعی سرانه در یک کشور و در دورانی درازمدت افزایش می‌یابد (می‌یر، ۱۹۷۳). توسعه اقتصادی حرکت یک نظام هماهنگ و یکدست اجتماعی به سمت جلو هست (میردال، ۱۹۶۸).

۳-۴ اهداف توسعه اقتصادی

افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر) و ایجاد اشتغال اهداف توسعه اقتصادی است که هر دو در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالی که در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است (الماسی و همکاران، ۱۳۸۹). البته اهداف توسعه بسیارند. همچنان که در گردهمایی رهبران جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی در سازمان ملل متحد تحت عنوان نشست هزاره، اهدافی برای توسعه کشورها مشخص گردید. در این نشست بیانیهای تصویب شد که بر مبنای آن کشورها باید به پیشنهاد و اجرای برنامه‌هایی بپردازند که حرکت کشورهای در حال توسعه را در مسیر توسعه‌یافتگی تسریع بخشد و اهداف توسعه هزاره را محقق سازد. این هدف‌ها عبارت بودند از ریشه‌کن کردن فقر مطلق و گرسنگی، دستیابی به آموزش ابتدایی در جهان، ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش میزان مرگ‌ومیر کودکان، بهبود تندرستی مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و دیگر بیماری‌ها، تضمین پایداری زیست‌محیطی و ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه (قادری، ۱۳۹۱).

۴-۴ نظریه عدالت فضایی

درک صحیح حوزه معنایی عدالت فضایی، مشروط بر درک رابطه متقابل سیاست و فضا است. درباره مفهوم عدالت، اندیشمندان بسیاری اظهار نظر کرده‌اند. در جغرافیای سیاسی، مفهوم عدالت از سطح انتزاعی خود خارج شده و به سطح عینیت می‌رسد یا به عبارتی دیگر، مفهوم عدالت عملیاتی می‌شود. عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است از برابری نسبی شاخص‌های توسعه جامع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و ... در مکان‌ها و فضاها جغرافیایی (خرد و کلان) یک قلمرو، نظیر کشور با شاخص‌های توسعه متناظر آن در سطح بالاتر، به‌ویژه سطح ملی همان کشور (حافظ نیا، ۱۳۸۸). مکانیسم دستیابی به عدالت فضایی نیز تا حد زیادی آمایش سرزمین است. در این راستا باید شاخص‌های متناظر توسعه واحدهای سیاسی - فضایی در سطوح سکونت‌گاهی، محلی، منطقه‌ای و ملی یک کشور تعریف و استاندارد شوند؛ بدین منظور لازم است نظام حسابداری جغرافیایی در ارتباط با شاخص‌های توسعه در تمامی سطوح تقسیمات سیاسی کشور، استانداردسازی و تبیین گردد تا بدین‌وسیله هم فرازوفرودهای شاخص‌ها ارزیابی و کنترل گردد و هم بانک اطلاعاتی جامع در تمام سطوح یادشده تشکیل شود. مقایسه شاخص‌های توسعه در واحدهای سیاسی نسبت به شاخص سطح ملی، میزان شکافها و تفاوت‌های فضایی واحدهای یادشده را از منظر عدالت فضایی نمایان می‌گرداند (همان). نظام حسابداری جغرافیایی مبتنی بر شاخص‌های متناظر توسعه جامع مکان و فضا را می‌توان در مدل زیر به نمایش گذاشت:



مدل ۱: نظام حسابداری جغرافیایی مبتنی بر شاخص‌های متناظر توسعه جامع
منبع: محمدرضا حافظ نیا (۱۳۸۸)

عدم تعادل‌های فضایی منجر به عدم توزیع منابع مالی و اعتبارات جاری و عمرانی و در نتیجه موجب تشدید نابرابری و شکاف بین واحدهای سیاسی مختلف در زمینه‌های گوناگون می‌شود. به فراخور این شرایط نابرابر، میزان سرمایه‌گذاری‌های مختلف، از جمله سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در وضعیتی که نابرابری‌ها تشدید شود، جامعه دچار تنش می‌شود و بین حاکمیت و مردم حالت بی‌اعتمادی و سپس تعارض به وجود می‌آید که در چهارچوب استراتژی ملی، در نهایت همبستگی، یکپارچگی و قدرت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کشور را با تهدیداتی، همچون تجزیه و هرج‌ومرج روبه‌رو می‌سازد. در تقابل بین حکومت و مردم از منظر جغرافیای سیاسی، این مردم هستند که باقی می‌مانند، زیرا در جغرافیای سیاسی، سرزمین به‌عنوان زیستگاه مردم و ملتی که در آن زیستگاه زندگی می‌کنند، اصل و نقش زیربنایی دارد؛ در حالی که حکومت از موقعیت روبنایی برخوردار است (همان).

۵- فقر

در تعریف عمده از فقر وجود دارد: تعریف معیشتی از فقر و دیگری فقر به‌مثابه محرومیت. بر طبق فرهنگ علوم اجتماعی فقر به این معنا است:

- ۱- برخوردار نبودن فرد یا گروه از دارایی، درآمد و خدمات عمومی
 - ۲- وضعیت مربوط به داشتن درآمدی پایین‌تر از سطح یک‌پنجم جامعه در نظام توزیع درآمد.
 - ۳- وضعیت مربوط به درآمدی ناهم‌ساز با هدف‌های ملی یک جامعه.
- فقر را می‌توان محصول نهایی نابرابری‌های اجتماعی و حاصل فرآیند انسداد که از قدرت، سلطه و اقتدار سرچشمه می‌گیرد، به شمار آورد (حسین‌آبادی، پایان‌نامه، ۵۵).
- ۶- عوامل مؤثر بر ایجاد فرصت‌های نابرابر

۱-۶ نقش انزوای جغرافیایی

حاشیه‌ای بودن به مفهوم دوری و جدایی از ساختار اقتصادی یک کشور یا یک منطقه و یا حتی از نظام اقتصادی یک کشور یا یک منطقه و یا حتی از نظام اقتصاد جهان است. در این صورت با سه سطح شامل: نقاط حاشیه‌ای، مناطق حاشیه‌ای و یا کشورهای حاشیه‌ای مواجه هستیم که جملگی از نظر درجه توسعه از دیگر نقاط یا مراکز اقتصادی هم‌عرض عقب‌ترند. پدیده‌ی حاشیه‌ای بودن، بیشتر دارای ماهیتی اقتصادی است و با پدیده‌ی جغرافیایی دوری از مرکز مشترکات فراوانی دارد. در اغلب کشورهای جهان سوم - از جمله در ایران - پدیده حاشیه‌ای بودن بر پدیده‌ی دوری از مرکز تا حدود زیادی منطبق است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

۲-۶ نقش دوری از مرکز

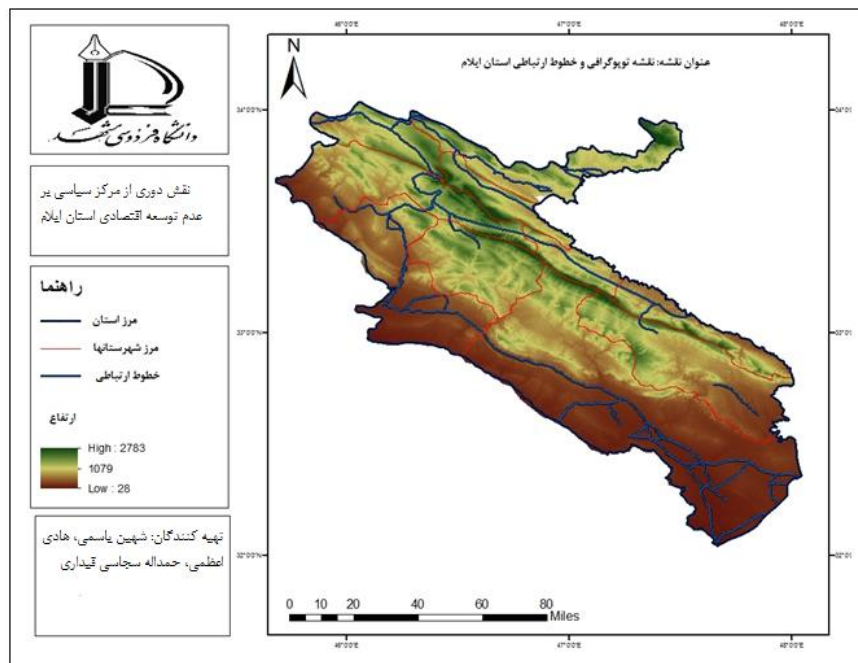
یکی از ویژگی‌های اصلی مناطق قومی در ایران، واقع شدن در مرزها و دوری از مرکز کشور است. این مسئله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی است، پیامدهای نامطلوبی برای مناطق مرزی به همراه دارد. مهم‌ترین پیامدهای آن که از دوری از مرکز تصمیم‌گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی سرچشمه می‌گیرد، ضعف اطلاع مسئولین مرکز نشین از مشکلات مناطق دور از مرکز و عدم توجه به آن‌هاست و طولانی بودن مسیر رفت‌وآمد، عدم احساس امنیت فضایی و اجتماعی به دلیل طولانی شدن مسیر تصمیم‌گیری رسیدگی به مشکلات و مسائل مردم دور از مرکز و... از تبعات این امر است. فرایند تکرار عدم رسیدگی و عدم احساس امنیت در ابعاد گوناگون آن در مناطق دور از مرکز، در کشورهای جهان سوم - از جمله در ایران - به‌گونه‌ای است که این مناطق عدم تعادل شدیدی را با مناطق مرکزی پیدا کرده و به‌شدت در محرومیت باقی‌مانده‌اند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۱).

۷- روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های موردبررسی رویکرد حاکم برای پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. همچنین نحوه جمع‌آوری اطلاعات روش به‌طورکلی به دودسته کتابخانه‌ای و میدانی انجام می‌شود. همچنین جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام خواهد شد. تعداد معینی از شاخص‌های توسعه اقتصادی احصا شده و نسبت به تهیه و ساخت پرسشنامه در راستای بررسی نقش دوری از مرکز سیاسی بر عدم توسعه اقتصادی استان ایلام اقدام می‌گردد. درنهایت نسبت به کدگذاری و پیاده‌سازی پرسشنامه‌ها اقدام و با نرم‌افزار SPSS نسبت به تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش اقدام می‌گردد.

۸- نگاهی به ویژگی‌های محدوده مطالعه

استان ایلام با داشتن نزدیک به ۴۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق یکی از استان‌های مرزی کشور است. این استان با استان‌های کرمانشاه از شمال، لرستان از سمت شرق و خوزستان از جنوب همسایه است. ایلام دارای ۱۰ شهرستان، ۲۶ بخش، ۲۵ شهر و ۴۹ دهستان است. استان ایلام به علت داشتن ترکیب و تنوع قومی، دارای زبان‌ها و گویش‌های متعددی است. به‌مانند گروه‌های قومی موجود در استان، زبان‌ها و گویش‌های کردی، لکی، لری و عربی در آن یافت می‌شود. مذهب مردمان استان شیعه اثنی عشری است که در حال حاضر بیش از ۹۹/۹۳ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهد. استان ایلام در منطقه‌ای کوهستانی در حاشیه جنوب غربی رشته جبال زاگرس قرار گرفته است. قسمت زیادی از مساحت استان را مناطق کوهستانی و یا تپه‌های ماهور تشکیل می‌دهند. شیب محدوده مطالعاتی در ۸ طبقه قرار گرفته و شامل طبقات ۰-۲، ۲-۵، ۵-۸، ۸-۱۲، ۱۲-۲۰، ۲۰-۳۰، ۳۰-۶۰ و بیشتر از ۶۰ هست. در استان ایلام ۱۴ رودخانه دائمی (به‌استثنای رودخانه سیمره) با آورد سالانه حدود ۱/۹ میلیارد مترمکعب جریان دارد. استان ایلام به دلیل وضعیت خاص توپوگرافی و تفاوت زیاد عرض جغرافیایی دارای اقلیم متنوع آب و هوایی است و به‌تبع آن از نظر نوع و تراکم پوشش گیاهی نواحی کاملاً متمایز در آن قابل تشخیص است. ۳۳۶ گونه گیاه دارویی در استان شناسایی شده که ۷۵ گونه آن درختی و درختچه‌ای و ۳۵ گونه آن زراعی و باغی است. مهم‌ترین و وسیع‌ترین پوشش جنگلی استان را جامعه بلوط ایرانی تشکیل می‌دهد. استان ایلام از لحاظ اقلیمی جزء منطقه گرم ایران است اما به دلیل اختلاف ارتفاع موجود و اختلاف درجه حرارت و میزان بارندگی در بخش‌های شمالی، جنوبی و غربی استان از نظر آب و هوایی سه منطقه سردسیری، گرمسیری و معتدل را می‌توان در آن مشاهده کرد. بر اساس نتایج طرح آمارگیری از معادن فعال کشور در سال ۱۳۹۵ تعداد ۳۷ معدن در حال بهره‌برداری در استان وجود داشته است. بر اساس نتایج طرح آمارگیری ۱۳۹۶، از نیروی کار ۳۵/۱ درصد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در استان از نظر اقتصادی فعال محسوب می‌شوند و ۶۴/۹ درصد جمعیت غیرفعال اقتصادی بوده‌اند. در نقاط شهری ۳۳/۰ درصد و در نقاط روستایی ۳۹/۷ درصد جمعیت فعال از نظر اقتصادی بوده‌اند. در این سال نرخ بیکاری ۱۱/۵ درصد بوده است. از نظر بهداشت و درمان نیز در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۲ بیمارستان با ۱۲۱۴ تخت در سطح استان فعال بوده که از این تعداد، ۶ مؤسسه و ۷۱۶ تخت مربوط به شهرستان ایلام است. نرخ باسوادی در استان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۸۴/۹ بوده است. تعداد مراکز دانشگاهی استان نیز برابر با ۳۵ واحد است. استان ایلام به دلیل کوهستانی بودن و قرار گرفتن مرکز استان در قسمت شمالی شبکه ارتباطی منظمی ندارد. همچنین این استان فاقد خطوط ریلی است و تنها دارای یک باند فرودگاه است. نزدیک‌ترین فاصله زمینی استان تا مرکز سیاسی کشور ۶۷۲ کیلومتر است که از استان‌های کرمانشاه، همدان و مرکزی عبور می‌کند.



نقشه ۱: نقشه توپوگرافی و خطوط ارتباطی استان ایلام
منبع: نگارندگان (۱۳۹۹)

۹- یافته‌های تحقیق

در این تحقیق از ۱۷ شاخص اقتصادی که توسط محققان طراحی شده استفاده شده است که بدین شرح می‌باشند: میزان استفاده از ذخایر نفت و گاز استان، توجه به خطوط ارتباطی استان (ریلی و جاده‌ای)، میزان اجرای نهایی طرح‌های تصویب شده (جامع شهری، آبخیزداری، گردشگری و بوم گردی و...)، سنجش و حرکت سرمایه‌های اقتصادی، شکل‌گیری قطب اقتصادی، میزان اعتبارات، توجه به ظرفیت‌های استان (گیاهان دارویی، صنعت توریسم و...). میزان مراودات اقتصادی، قدرت خرید ملک و املاک در استان، میزان هزینه‌های حمل‌ونقل در استان، میزان استفاده و تقویت بازارهای سنتی در استان، اجرای طرح‌های کشاورزی و دامداری، اجرای طرح‌های صنعتی، اجرای طرح‌های خدماتی، اجرای طرح‌های کالبدی، توزیع مناسب کالا و خدمات، هدر رفتن زمان به دلیل دوری از مرکز سیاسی. پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها در بین متخصصین و کارشناسان، داده‌ها مستخرج از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۱۰- آزمون فرضیات سؤالات

به منظور آزمون فرضیات سؤالات پژوهش، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. آزمون t تک نمونه‌ای یک آزمون پارامتری است که در آن میانگین با یک حدس اولیه مقایسه می‌شود که شرایطی نیز دارد. این شرایط کمی بودن داده‌ها و نیز پیروی کردن از توزیع نرمال است. در این پژوهش داده‌های شاخص اقتصادی که با میانگین گرفتن از سؤالات مربوطه (با توجه به اینکه طیف لیکرت کمی محسوب می‌شود نه رتبه‌ای) به دست آمده‌اند، کمی هستند؛ پس شرط اول را دارند. به دلیل بالا بودن حجم نمونه (تعداد پرسشنامه‌ها) شرط نرمال بودن نیاز به بررسی ندارد، به این دلیل که در تعداد بالا، توزیع میانگین به نرمال میل می‌کند (طبق قضیه حد مرکزی).

۳ \geq میانگین سؤال H₀)

۳ < میانگین سؤال H₁)

در تمامی سؤالات H. رد می‌شود، به این معنی است که کمتر از حد متوسط برقرار هستند. به عبارت دیگر به احتمال ۹۵ درصد آن سؤال که معرف مفهومی از شاخص اقتصادی در راستای توسعه اقتصادی استان ایلام است کمتر از حد متوسط در جامعه هدف برقرار است.

جدول ۱: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای شاخص‌های توسعه اقتصادی استان ایلام

نتیجه	P-مقدار یک طرفه	P-مقدار دو طرفه	درجه آزادی	آماره t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۱۶/۳۱۶	۰/۸۷۲	۲/۲۷	۳۷۶	ذخایر نفت و گاز
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۱۸/۳۱۴	۰/۹۱۵	۲/۱۴	۳۷۶	خطوط ارتباطی
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۱۷/۷۱۱	۰/۷۹۲	۲/۲۸	۳۷۶	اجرای طرح‌ها
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۲۰/۴۷۳	۰/۸۰۶	۲/۱۵	۳۷۶	سرمایه‌های اقتصادی
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۲۳/۵۱۷	۰/۹۲۳	۱/۸۸	۳۷۶	قطب اقتصادی
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۲۰/۰۲۴	۰/۸۸۱	۲/۰۹	۳۷۶	اعتبارات
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۱۸/۱۴۵	۰/۸۵۳	۲/۲۰	۳۷۶	ظرفیت‌های استان
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۱۴/۳۷۴	۰/۸۰۷	۲/۴۰	۳۷۶	مراودات اقتصادی
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۲۸/۱۹۸	۰/۹۳۳	۱/۶۴	۳۷۶	خرید ملک و املاک
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۱۸/۱۶۸	۰/۸۰۳	۲/۲۵	۳۷۶	حمل و نقل
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۲۳/۰۹۰	۰/۸۶۷	۱/۹۷	۳۷۶	بازارهای سنتی
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۸/۹۳۳	۰/۸۵۴	۲/۶۱	۳۷۶	طرح‌های کشاورزی و دامداری
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۱۸/۳۶۱	۰/۸۴۵	۲/۲۰	۳۷۶	طرح‌های صنعتی
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۱۸/۹۱۳	۰/۸۶۲	۲/۱۶	۳۷۶	طرح‌های خدماتی
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۲۳/۰۱۵	۰/۸۷۸	۱/۹۶	۳۷۶	طرح‌های کالبدی
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۱۶/۲۵۹	۰/۹۳۳	۲/۲۲	۳۷۶	توزیع کالا و خدمات

هدر رفت	۳۷۶	۲/۰۵	۰/۹۱۱	-۲۰/۱۶۲	۳۷۵	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	فرضیه صفر رد می‌شود
---------	-----	------	-------	---------	-----	--------	--------	---------------------

۱۱- آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش) دوری از مرکز سیاسی باعث عدم توسعه اقتصادی استان ایلام شده است.

۳ \geq میانگین شاخص اقتصادی (H₀)

۳ < میانگین شاخص اقتصادی (H₁)

(گزینه ۳ گزینه‌ی متوسط و وسط پنج گزینه هست.)

با توجه به اینکه میانگین شاخص توسعه اقتصادی از مقدار آزمون کمتر است، باید P-مقدار دوطرفه بر عدد ۲ تقسیم شود تا P-مقدار یک‌طرفه برای آزمون فرضیه طراحی شده به دست بیاید. به دلیل آنکه برای شاخص توسعه اقتصادی P-مقدار دوطرفه عددی کوچک است، هنگامی که تقسیم بر ۲ شود، بازهم حاصل عددی کوچک‌تر از سطح خطای ۰/۰۵ است و H₀ رد می‌شود. به این معنی که به احتمال ۹۵ درصد شاخص توسعه اقتصادی در جامعه هدف کمتر از حد متوسط برقرار است؛ یعنی به دلیل دوری از مرکز سیاسی کشور و توجه کم به ظرفیت‌های منطقه همچون ذخایر نفت و گاز، مواد معدنی، ذخایر جنگلی و گیاهان دارویی، عدم توجه به خطوط ارتباطی و حمل‌ونقل، نادیده گرفتن موقعیت ژئوپلیتیکی استان ایلام به‌عنوان یک کریدور بازرگانی و دروازه عتبات عالیات برای زوار ایرانی و چه برای زوار عراقی مشرف شده به اماکن مذهبی کشور عتبات، عدم توزیع مناسب کالا و خدمات و... استان ایلام از نظر شاخص توسعه اقتصادی دارای وضعیت نامطلوبی است. درنهایت با توجه به جدول (۴-۸۷) نتیجه می‌گیریم فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه یک مبنی بر عدم رونق سطح توسعه اقتصادی در استان ایلام به دلیل دوری از مرکز سیاسی پذیرفته می‌شود و این نشان‌دهنده تأیید فرضیه پژوهش است.

جدول ۲: نتایج آزمون تک نمونه‌ای t نقش دوری از مرکز سیاسی در عدم توسعه اقتصادی استان ایلام

نتیجه	P-مقدار دوطرفه	درجه آزادی	آماره t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص توسعه اقتصادی
فرضیه صفر رد می‌شود	<۰/۰۰۱	۳۷۵	-۲۲,۷۱۶	۰/۴۲۲	۲/۵۰۶	۳۷۶	
مقدار آزمون = ۳							

با توجه به نتایج آزمون در پاسخ به سؤال پژوهش در رابطه با اینکه دوری از مرکز سیاسی چه نقشی بر توسعه اقتصادی استان ایلام داشته است چنین پاسخ داده می‌شود که فاصله و دوری از کانون سیاسی کشور اثر نامطلوبی بر شاخص توسعه اقتصادی استان ایلام داشته است و دوری از مرکز باعث شده است آن‌طور که باید از ظرفیت‌های استان در راستای رشد و توسعه اقتصادی استان استفاده نشود و همچنان این استان در محرومیت باقی بماند.

۱۲- نتیجه‌گیری

کمبود زیرساخت‌های توسعه و محرومیت و توسعه‌نیافتگی شدید که از ویژگی‌های مناطق مرزی ایران است همواره جامعه علمی را بر آن داشته تا با مطالعات و پژوهش‌هایی در این باره بتواند عوامل مختلف این امر را شناسایی و در پی یافتن راهی برای زدودن محرومیت و فقر از چهره این مناطق باشند. بیش از نیمی از استان‌های ایران در پیرامون نقشه جغرافیایی کشور قرار دارند که هرکدام دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی هستند که می‌تواند این استان‌ها را از لحاظ شاخص‌های توسعه بالا برد ولی تاکنون اکثر این استان‌ها نتوانسته‌اند از این ظرفیت‌ها آن‌گونه که باید استفاده کنند. ایران از جمله کشورهایی است که بر

اساس سیستم متمرکز اداره می‌شود و همواره چنین کشورهایی با چالش‌هایی چون فقدان عدالت جغرافیایی، فقدان یکپارچگی و تجانس ساختاری و کارکردی فضا، مشارکت مقطعی و دولت‌محور، بوروکراسی شدید و... روبرو هستند. عوامل مختلفی می‌تواند در این امر دخیل باشد. فاصله جغرافیایی مناطق پیرامونی با مرکز سیاسی کشور یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عدم توسعه یافتگی این مناطق است. استان ایلام با وجود داشتن منابع عظیم طبیعی همچون نفت و گاز و معادن مختلف و... جمعیت خیلی کم هنوز جز استان‌های محروم کشور به شمار می‌رود و از نظر شاخص توسعه اقتصادی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد.

فاصله جغرافیایی از مرکز سیاسی کشور باعث شده شاخص اقتصادی در این استان دارای وضعیت مطلوبی نباشد. در استان ایلام باینکه ظرفیت‌های فراوانی برای رشد اقتصادی وجود دارد ولی تاکنون نتوانسته است به یک‌قطب فعال اقتصادی تبدیل شود. دوری از مرکز و انزوای جغرافیایی باعث شده استان فاقد راه‌های ارتباطی مناسب و داشتن خط آهن باشد. این در حالی است که ایلام به‌عنوان پایتخت پیاده‌روی اربعین هرساله پذیرای میلیون‌ها زائر از سراسر کشور و همچنین دیگر کشورها است ولی متأسفانه زیرساخت لازم که بتواند این حجم از مسافر را جابجا کند ندارد و به‌عنوان یک استان مرزی به‌واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی که دارد دارای مزیت ارزآوری به‌عنوان کوری دور بازرگانی است که باید به خطوط ارتباطی آن بیشتر توجه شود. استان ایلام ۱۱ درصد گاز و ۶ درصد نفت ایران را در اختیار دارد، از نظر مخازن و ذخایر نفتی در ۵ سال گذشته حائز رتبه اول شده است، ۵ میدان مشترک نفتی با عراق در این استان قرار دارد و امکان ایجاد صنایع بالادستی و پایین‌دستی در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی استحصال روزانه ۱۶۵ هزار بشکه نفت از استان و امکان ارتقای آن در سال‌های آتی به ۲۳۵ هزار بشکه در روز تولید محصولات نهایی، میانی و جانبی پتروشیمی، فرصت مناسبی را برای سرمایه‌گذاری در این بخش فراهم نموده است اما همچنان سهمی متناسب با ذخایر نفت و گاز خود از درآمد کشور ندارد و نرخ بیکاری مخصوصاً در بین قشر تحصیل‌کرده بالا است، ۱۱ درصد از جمعیتش تحت پوشش نهادهای حمایتی است. یکی دیگر از ظرفیت‌هایی که استان دارد بخش کشاورزی است. استان ایلام با داشتن طبیعتی زیبا و بکر و مستعد برای کشاورزی و دام‌پروری این پتانسیل را دارد که به‌عنوان قطب دام‌پروری و کشاورزی کشور تبدیل شود. تنوع شرایط اقلیمی و امکان کشت انواع محصولات سردسیری و گرمسیری و همچنین تنوع گیاهان دارویی در این استان می‌تواند یکی دیگر از منابع درآمد این استان محسوب شود. ایجاد صنایع تولیدی و تبدیلی در بخش کشاورزی و صنعت در این استان می‌تواند تا حدودی چهره فقر را از سیمای استان بزدايد. با این وجود با داشتن ذخایر مناسب نفت و گاز، بهره‌مندی از موقعیت مرزی مناسب و نزدیک‌ترین مرز به عتبات عالیات، بهره‌مندی از موقعیت و قدمت تاریخی استان به‌منظور توسعه گردشگری مذهبی، عشایری، فراوانی نسبی آب، امکان مهار آن و وجود دشت‌های بزرگ برای فعالیت‌های کشاورزی و آبی‌پروری، قابلیت تنوع‌بخشی در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری، گمرک بین‌المللی، پایانه صادراتی، منطقه ویژه اقتصادی مهران، دارا بودن ذخایر معدنی با کمیت و کیفیت مطلوب، زمینه توسعه صنایع دستی بخصوص فرش دستبافت و گلیم نقش برجسته و ... هنوز از نظر شاخص اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارد. تعداد بیکاران در استان و مهاجرت به استان‌های مرکزی جهت یافتن کار گواهی بر این واقعیت است.

۱۳- پیشنهادها

- ❖ با توجه به منابع عظیم نفت و گاز استان، به‌کارگیری نیروهای بومی استان با توجه به نرخ بالای بیکاری در این استان امری ضروری است.
- ❖ تأسیس دفتر مدیریت نفت و گاز غرب کشور در استان ایلام و سهم کردن مدیران ایلامی در شرکت نفت و گاز غرب. وجود دفتر نفت و گاز غرب کشور هم برای توسعه فعالیت‌های نفتی به‌خصوص در بخش میادین مشترک و هم برای ساماندهی نیروی‌های بومی ایلام در صنعت نفت و گاز استان ضروری است.

- ❖ ایجاد صنایع پاییندستی پتروشیمی در استان.
- ❖ در اولویت قرار دادن شبکه راه‌های ارتباطی مخصوصاً خطوط ریلی که یکی از مؤلفه‌های اصلی برای خارج کردن نواحی پیرامونی از انزوای جغرافیایی و بالا رفتن سطح توسعه در این نواحی است. استان ایلام فاقد راه آهن و راه ارتباطی کارآمد است و این در حالی است که بزرگ‌ترین و امن‌ترین دروازه ورود به عتبات عالیات است.
- ❖ با توجه به مرزی بودن استان ایلام با کشور عراق و بالا بودن تردد مسافران ایرانی و عراقی در این مرز، ایجاد بازارچه و مرکز خرید در شهر مهران یا شهر ایلام برای جذب سرمایه به این استان ضروری است.
- ❖ توجه ویژه به ظرفیت‌های بالای کشاورزی و احداث صنایع تبدیلی در راستای افزایش تولید، رونق اشتغال و کشاورزی در منطقه.
- ❖ به دلیل داشتن پوشش بالای گیاهی و جنگل‌های انبوه و مراتع زیاد در استان پتانسیل لازم جهت توسعه و قطب صنعت دارویی و درمانی کشور را دارد.
- ❖ توجه ویژه به بازارهای سنتی جهت جذب گردشگر از نقاط مختلف کشور و حتی کشور همسایه یعنی عراق.
- ❖ توجه خاص و ویژه به مکان‌هایی که دارای پتانسیل لازم جهت جذب گردشگر در فصول مختلف سال را دارند

منابع

۱. اسد زاده، هانیه (۱۳۹۲)، بررسی نقش سیاست‌های منطقه‌ای توسعه بعد از انقلاب در تمرکززدایی تهران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان.
۲. الماسی، مجتبی؛ سهیلی، کیومرث؛ قربانی، فرزاد. تعیین درجه توسعه‌نیافتگی مناطق استان کرمانشاه، پایان‌نامه. کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۹.
۳. بهفروز، فاطمه (۱۳۷۹)، تحلیل جغرافیای توسعه و تباین رفاه انسانی در دنیا، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۱۱۳، ۳۸-۹۷.
۴. پناهی، رجب و مرسلی، ادريس (۱۳۸۵)، بررسی اشتغال شهری و روستایی کشور طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۵، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۵۶، ۱۶۶-۱۴۳.
۵. حافظ نیا، محمدرضا، «مباحث کلاسی درس ژئوپلیتیک»، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸، نیم سال دوم.
۶. حسین‌آبادی، حسین (۱۳۸۵)، نقش نابرابری‌های ناحیه‌ای در استقرار صنایع در ایران از دیدگاه جغرافیای سیاسی (مطالعه موردی استان مرکزی)، پایان‌نامه، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
۷. خاکپور، برات علی و باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸)، بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه‌یافتگی مشهد، مجله دانش و توسعه، شماره ۲۷، ۲۰۲-۱۸۲.
۸. زرقانی، سید هادی (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
۱۰. ضرابی، اصغر، محمدی، جمال و رخشانی نسب، حمیدرضا (۱۳۸۶)، تحلیل شاخص‌های توسعه خدمات و بهداشت و درمان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم شماره ۲۳۴، ۲۷-۲۱۳.



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



۱۱. عباس نژاد، حسین و رفیعی امام، علی نقی، ۱۳۸۵، ارزیابی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران، تحقیقات جغرافیایی، ۵۴: ۷۲-۳۱.
۱۲. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، نظریه‌های پایه و اصول آمایش مناطق مرزی ج ۱، تهران، دوره عالی جنگ، چاپ اول.
۱۳. فرخلو، مهدی و حبیبی، کیومرث (۱۳۸۵)، تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۱، ۸۳-۵۹.

مکان‌یابی بازارچه مرزی به روش تحلیل چند متغیره TOPSIS

(مطالعه موردی: استان خراسان شمالی)

افشین متقی^{۱*}، هادی شاکری^۲، آرش قربانی سپهر^۳

۱- دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران

a.mottaghi@khu.ac.ir*

چکیده

یکی از گام‌های مؤثر جهت نگهداشت جمعیت و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی، ایجاد بازارچه‌های مرزی (تجارت مرزی) است. امروزه بازارچه‌های مرزی ضمن تأمین سطح قابل توجهی از نیاز مردم مرزنشینان از طریق مبادلات مرزی، فروکش کردن مبادله قاچاق کالا، تقویت معیشت مرز نشینان و توسعه اقتصادی این مناطق کمک کرده‌اند. مناطق مرزی به لحاظ قرار گرفتن در انزوای جغرافیایی و دوربودن از مناطق صنعتی- اقتصادی جزو مناطق محدود و توسعه نیافته محسوب می‌شوند. در صورت بی‌توجهی به نواحی مرزی شاهد چالش‌های عمده‌ای مانند تخلیه مناطق مرزی از جمعیت و ضعف امنیت خواهیم بود. بازارچه‌های مرزی به عنوان یکی از اهرم‌های مهم در ایجاد اشتغال و توسعه روابط تجاری با کشورهای همجوار در سال‌های گذشته پیوسته تأثیر قابل توجهی در فعالیتهای اقتصادی کشور داشته‌اند. اگر چه کارکرد آنها توأم با برخی نارسایی‌ها است، اما این بازارچه‌ها به نوعی مصداق و تبلور حضور مستقیم مردم در امور اقتصادی منطقه هستند و تا کنون توانسته‌اند در تحقق اهداف اقتصادی کشور گام‌های مؤثری را بردارند و هم در ایجاد فرصت‌های شغلی در شرایطی که مشکل بیکاری از جمله دغدغه‌های بزرگ دولت است، نقش مهمی را ایفا کنند. تحقیق حاضر، آثار فعالیت بازارچه‌های مرزی بر متغیرهای اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد و در صدد است تا بهترین مکان را برای ایجاد بازارچه‌های مرزی در استان مرزی خراسان شمالی پیشنهاد دهد.

واژگان کلیدی: بازارچه‌های مرزی، توسعه روستایی، خراسان شمالی

۱- مقدمه

از گذشته‌های دور مناطق مرز نشین به دلیل ناتوانی های بالقوه، جزء مناطق منزوی و محروم به حساب می‌رفت. بنابراین، شهرهای واقع در این مناطق بسیار محروم و از توسعه پایین برخوردارند. اما با جهانی شدن صنعت، تجارت، امور مالی و تغییرات در نظام بین‌المللی، تفکرات ژئواستراتژیک به سوی باورهای جغرافیای اقتصادی مرزها معطوف شد (موسوی، ۱۳۹۱:۵۶). مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشور به‌شمار می‌روند. طبیعت منزوی و غیر حاصل خیز مناطق مرزی، به خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران، پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است. ناتوانی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده ترین مشخصه اقتصادی - اجتماعی این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی در این مناطق فراهم آورده است (سعیدی، ۱۳۸۸:۹۵). خالی شدن مرزها از سکنه و مهاجرت مرز نشینان به شهرهای بزرگ بر اثر فقدان انگیزه های لازم برای زندگی در این مناطق در گذشته تقریباً " روند رو به افزایشی داشته است که تاثیر آن در امنیت مرزها به وضوح قابل لمس بود (وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹:۱). علیرغم ظرفیت و توان در مناطق مرزی باید گفت که دوری از مرکز این مناطق که عموماً "مساله ای جغرافیایی است و بیشتر از ساختار مناطق مرزی ناشی می‌شود به لحاظ اتخاذ سیاست های توسعه ای و برنامه های غیر امایشی پیامدهای نا مطلوبی را برای این مناطق به همراه دارد که مهم ترین آن، محرومیت شدید و حاشیه ای بودن این مناطق و قرار نگرفتن آنها در مسیر امواج آمایش توسعه کشور است. دوری از مرکز جغرافیایی کشور که به معنای دوری از مراکز تصمیم گیری سیاسی کشور است، باعث می شود این مناطق به دلیل دوری از مرکز و هم بدلیل کاستی در قابلیت های جمعیتی و صنعتی کمتر در جریان آثار مثبت برنامه های توسعه داخلی قرار گیرند (عندلیب، ۱۳۸۰:۲۰۲). یکی از راهکارهای اساسی در تحول و پویایی اقتصادی - اجتماعی مناطق مرزی، احداث بازارچه مرزی است که به صورت نسبی از پیامدهای مثبت فراوانی برخوردار می‌باشد که توسعه اقتصادی - اجتماعی را به دنبال دارد. مناطق مرزی کشور در طی ادوار گذشته و هم چنین حال نقش مهمی در امنیت و استقلال کشور داشته اند. به هر حال، تحقیق حاضر، آثار فعالیت بازارچه‌های مرزی بر متغیرهای اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد و در صدد است تا بهترین مکان را برای ایجاد بازارچه های مرزی در استان مرزی خراسان شمالی پیشنهاد دهد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- تعریف مرز

مرز های سیاسی مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد سیاسی از واحد های دیگر است و خطوط مرزی خطوطی اعتباری و قرار دادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می شوند (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۶۱).

مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می شود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک حکومت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا، و ... مانع ایجاد می‌کند (دراسیدل و بلیک، ۱۳۷۴:۱۰۱).

مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملی را مشخص می‌کند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظنیا، ۱۳۸۵:۶۹).

بایستی یادآوری کرد مرزها به صورت دیوارهایی زندگی، هویت، خانه، کشور، حکومت، منافع (ملی) و ... را از دیگران جدا می‌کنند و به شما و آنها اعتبار و هویت می‌دهند. با نگاهی به اطراف خود و مرزهایی که در اطراف وجود دارد می‌توان این موضوع را بهتر درک کرد (حافظنیا و جان‌پرور، ۱۳۹۳:۳۵).

از این رو، انسان برای مشخص ساختن محیط پیرامون خود، آن گونه که با گستره فعالیت همسایه تداخل پیدا نکند، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط زیست یا قلمرو خود است. گونه گسترش یافته این مفهوم خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می سازد و جنبه ای سیاسی پیدا می کند که "مرز" خوانده می شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۰). مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۶۹).

همچنین مرز به طور قراردادی بوده و به عنوان محیط مشخص داخلی که مردم مقیم در آن کشور احساس احراز هویت میکنند و سهمی در یک هویت ملی دارند مستفاد می شود. به طوری که، وجود همین خطوط مرزی است که می تواند وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هر گونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد ممکن سازد (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۱۶۱). بایستی یادآوری کرد مرزها به صورت دیوارهایی زندگی، هویت، خانه، کشور، حکومت، منافع (ملی) و ... را از دیگران جدا می کنند و به شما و آنها اعتبار و هویت می دهند. با نگاهی به اطراف خود و مرزهایی که در اطراف وجود دارد می توان این موضوع را بهتر درک کرد (حافظ نیا و جان پرور، ۱۳۹۲، ۳۵).

مرزهایی هستند که افراد و گروهها را با سطوح اقتصادی و توسعه ای همسان را در کنار یکدیگر قرار داده و آنها را از سایر افراد و گروهها متمایز می کنند. این مرزها با توجه به توسعه فرایند جهانی شدن که فرایند کسب ثروت و توسعه را برای برخی افراد و فضاها تا حد قابل توجهی بالا برده است و از سوی دیگر برخی افراد و فضاها را به حاشیه رانده است تا حد قابل توجهی افزایش یافته است. از این رو باید توجه داشت که مرزهای طبقاتی در سطوح مختلف فروملی، ملی و منطقه ای در جهان معاصر در حال گسترش است. یکی از مهمترین مرزهای طبقاتی در سطح فروملی مرزهای طبقاتی در فضای شهرها است که مهمترین آن در قالب پایین شهر و بالاشهر نمود پیدا می کند (حافظ نیا و جان پرور، ۱۳۹۲: ۲۲). مرزها خطوطی هستند که حد خارجی قلمرو تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می کنند (Dikshit, ۱۹۹۵: ۵۵).

مرزها در روی نقشه به صورت یک خط نازک ترسیم می شوند در حالیکه مرز یک خط نیست بلکه یک سطح است، سطحی عمودی که از طریق آن فضا، خاک و زیر زمین برش می یابد (Glassner, ۲۰۰۴: ۷۵).

۲-۲- کنترل مرز

بعد از علامت گذاری خطوط مرزی بین دو کشور، حکومتها برای اینکه نامنیها، مسائل و مشکلات فراسوی مرزهای کشور از کشورهای همسایه وارد فضای کشور نشود و امنیت ملی، حاکمیت و منافع ملی کشور را تحت تأثیر قرار ندهد، از مرزهای خود کنترل می کنند. باید توجه داشت با توجه به شرایط کشور همسایه و چگونگی کنترل مرزها از سوی آن کشور، میزان و بستر صلح یا ناامن بودن کشور همسایه، حساسیت های خود کشور دارنده مرز و غیره مرحله حفاظت و نگهداری مرز می تواند خود دارای بخش بندی هایی به صورت ذیل باشد:

حفاظت و نگهداری نظامی مرزها: در این مرحله مسائل و نامنی های کشورهای همسایه یا حساسیت کشور نسبت به مرزها زیاد می باشد. (بعنوان مثال می توان به مرز جمهوری اسلامی ایران و کشور افغانستان یا مرز جمهوری اسلامی ایران و کشور پاکستان که در بازه های زمانی خاص مثلاً قدرت گرفت طالبان در افغانستان یا حمله آمریکا و متحدان به افغانستان، به صورت کامل به وسیله ارتش یا سپاه با توجه به مسائل و نامنی های شکل گرفته و حساسیت کشور نسبت به این مرزها بالا رفته است، به صورت کاملاً نظامی حفاظت و نگهداری می شوند).

حفاظت و نگهداری نظامی - امنیتی مرزها: در این مرحله مسائل و نامنی ها و حساسیت نسبت به مرز تا حدی کاسته شده است. (مثال در زمینه این سطح می تواند همان مرز جمهوری اسلامی ایران و کشور افغانستان یا مرز جمهوری اسلامی ایران و کشور پاکستان باشد که با توجه به مسائل و مشکلات این دو کشور و عدم ثبات در آنها از یک سو، حضور و فعالیت گروه های تروریستی و قدرت های فرامنطقه ای در این کشورها حفاظت و نگهداری مرزها به صورت

تعاملی بین نیروهای نظامی و انتظامی صورت می‌گیرد. در این نوع حفاظت و نگهداری نیروهای انتظامی به عنوان نیروهای اجرایی و اصلی عمل می‌کنند و نیروهای نظامی بیشتر به عنوان نیروهای پشتیبان حضور و فعالیت دارند). حفاظت و نگهداری امنیتی مرزها: در این مرحله از حفاظت و نگهداری مرزها مسائل و ناامنی‌های تا حدی فروکش کرده است و حساسیت حکومت‌ها نیز نسبت به این مرزها کاسته شده است و تنها برای جلوگیری از ورود ناامنی و قاچاق به کشور، مرزها از طریق نیروهای انتظامی حفاظت و نگهداری می‌شود. (مثلاً در این زمینه می‌توان به مرزهای جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان اشاره کرد). حفاظت و نگهداری امنیتی- اقتصادی مرزها: در این مرحله ناامنی‌ها در طول مرز تا حد قابل توجهی کاسته شده است و حساسیت کشور نیز نسبت به آن از میان رفته است. حفاظت و نگهداری اقتصادی مرزها: در این مرحله مرزها تنها از نظر اقتصادی کنترل و نگهداری می‌شوند چون مسائل و ناامنی‌ها بین دو کشور از بین رفته است (جان‌پرور، ۱۳۹۶، ۱۲۹-۱۲۸).

۳-۲- کارکرد های مرز

به عقیده گلاسنر، نقش و عملکرد مرزها به مرور زمان تغییر می‌کند و امروزه تکنولوژی پیشرفته ارزش عملکرد تدافعی مرزها را کم کرده است و اکثر دولت‌ها معتقد به تقویت مرزهای خود برای تامین امنیت خود نیستند (Glassner, 2004: 80). رحمتی‌راد نیز معتقد است که مرزها تأثیرات مستقیم و گسترده‌ای بر استقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، فرهنگ و ایدئولوژی، دیپلماسی و نیروی نظامی دارند و حد نهایی کنترل و حاکمیت هر دولت را بر قلمرو و مردم خود نشان می‌دهند (رحمتی‌راد، ۱۳۷۴: ۸).

مرز بین‌المللی، اساساً با هدف تعیین حد خارجی سرزمین یک دولت ایجاد شده و از این رو، مرزها مشخص‌کننده محدوده حاکمیت دولت بر مردم و منابع تحت نفوذ هستند و قلمروی را که دولت می‌تواند قوانینش را در آنجا به اجرا گذارد تعیین می‌کنند. در درجه اول، مرزها دارای یک نقش اساسی بودند و آن هم تحدید حدود منطقه‌ای است که در داخل آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود، اما دولتها سعی می‌کنند نقش‌های مهم دیگری هم مثل، مهاجرت، تجارت، بهداشت و... را در منطقه اعمال نمایند (پرسکات، ۱۳۵۸: ۶۱).

مجتهدزاده، معتقد است که مرزها برای اثبات حقوقی یا فیزیکی یک دولت بر یک قلمرو خاص تشکیل شده است. به نظر وی یکی از کارکردهای اقتصادی مرزها این است که محدوده معینی را مشخص می‌کند تا مردم از آن محدوده بهره‌برداری اقتصادی کنند و مانع نفوذ و دخالت و استفاده اقتصادی سایرین از آن محدوده شود. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۱). دیویدی معتقد است اگر به مرزها به عنوان یک مانع نگریسته شود، حداقل چهار کارکرد را می‌توان برای آنها تصور کرد: نقش مرزها به عنوان مانع دفاعی، مانع اقتصادی، مانع اجتماعی و مانع سیاسی (Dwivedi, 1990: 141).

یکی از وظایف جغرافیای سیاسی کمک به توضیح کارکردهای مرزهای سیاسی به عنوان یک وسیله ضروری از تشکیلات فضایی انسان، و زندگی با آن در یک راه هوشیارانه است. در این راستا مرز ممکن است جداکننده یا پیوند دهنده باشد، اما بیشتر اوقات مشاهده می‌شود که هر دو کارکرد به صورت همزمان دارند. از سوی دیگر باید توجه داشت، مرزها تا کنون کارکردهای مختلفی به خود گرفته‌اند و به مرور زمان این کارکردها تضعیف و یا تقویت شده و یا تغییر کرده است. همچنین، مرز به تنهایی دارای یک نقش است که عبارت از تحدید حدود منطقه‌ای است که در درون آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود. متناسب با این تعریف مهم‌ترین کارکردهای مرز را می‌توان در قالب دو بخش به صورت ذیل بیان کرد (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۶۱-۵۷)؛

الف) کارکردهای ذاتی مرزها: این بخش از کارکرد مرز برگرفته از ماهیت ذاتی مرزها است و در همه مرزهای سیاسی بین کشورها یکسان می‌باشد و در طول زمان نیز تغییر نکرده و از بین نمی‌رود و به صورت پایدار تا زمانی که کشور مد نظر

موجودیت خود را در عرصه سیاسی جهان حفظ نماید، وجود دارد. این کارکردهای ذاتی مرزها عبارتند از: ۱- کارکرد هویت بخشی، ۲- کارکرد تفکیک سرزمین، ۳- کارکرد تفکیک منافع ۴- کارکرد امنیتی، ۵- کارکرد تفکیک حاکمیت، ۶- کارکرد حقوق مالکیت، ۷- کارکرد ایجاد تعلق یا عدم تعلق (حق شهروندی)

ب) کارکردهای اکتسابی مرزها: کارکردهایی که در این بخش بیان می شوند به گونه ای هستند که متناسب با زمان، نیازها و اهداف کشور، تحولات فناوری و... به مرزها داده می شوند و با گذشت زمان یا تغییر در اهداف و نیازها یا فناوری های موجود دچار تغییر شده و یا کمرنگ یا پررنگ می شوند و یا اینکه به صورت کامل از بین می روند، این کارکرد ها عبارت اند از: ۱- کارکرد مانعی، ۲- کارکرد مشروعیت بخشی، ۳- کارکرد ملت سازی، ۴- کارکرد اقتصادی. اما می توان برای مرز کارکردهای دیگری را مانند کارکرد دفاعی، کارکرد سیاسی، کارکرد اجتماعی، کارکرد فرهنگی در نظر داشت.

۲-۴- بازارچه های مرزی

بازارچه های مرزی به عنوان شکلی از بازارهای بین المللی به دنبال توسعه روابط سیاسی و دیپلماسی شکل می گیرند (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲). بازارچه ها در مقیاسی کوچک و خرد دارای شرایط و قوانین خاصی است که آن را از مفهوم بازار متمایز می کند. مسلماً این شرایط و خصوصیات بسته به شرایط پیرامونی که هر بازارچه در آن واقع می شود، متفاوت است (محمدی و فخر فاطمی، ۱۳۸۴: ۵۸). بازارچه مرزی، محوطه ای است محصور، واقع در نقاط مرزی و در جوار گمرکات مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا که اهالی دو طرف مرز می توانند تولیدات و محصولات محلی خود را با رعایت مقررات صادرات و واردات جهت داد و ستد در این بازارچه ها عرضه نمایند (وزارت امورات و دارایی، ۱۳۸۱: ۱). بازارچه های مرزی فعال در کشور بر دو نوع است: نوع اول بازارچه هائی هستند که براساس مجوز وزارت بازرگانی تشکیل شده اند، مانند بازارچه های کردستان، کرمانشاه و غیره، که عموماً در مناطق مرزی به منظور محرومیت زدایی، ایجاد اشتغال و درآمد برای اهالی تاسیس می گردند و در مجموع ۲۴ بازارچه از این نوع در کشور وجود دارد. نوع دوم بازارچه هائی هستند که مجوز ایجاد آنها بر اساس مصالح ملی و تشخیص شورای امنیت ملی و تشخیص شورای امنیت ملی بازارچه هائی هستند که مجوز ایجاد آنها بر اساس مصالح ملی و تشخیص شورای امنیت ملی صادر می شود. این گونه بازارچه ها غالباً با نظر شورای مذکور در مکان و زمان معین ایجاد و منحل می شوند (مانند بازارچه مرزی در افغانستان) و تعداد آنها نامشخص است (پهلوانی و قلعه نو، ۱۳۷۸: ۱۲). هدف از ایجاد بازارچه های مرزی جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان، کاهش قاچاق، رفع نیازمندی های مرزنشینان و در نهایت توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق محروم مرزی بوده است. از جمله اهداف دیگر این بازارچه ها اهداف امنیتی برای افزایش ضریب امنیتی مناطق مرزی، با تاکید بر اصل تجمیع فعالیت ها و تحکیم روابط عاطفی مرزنشینان دو کشور همجوار بوده است (کامران و همکاران، ۱۳۸۸: ۵).

انزوای جغرافیایی، ناتوانی های طبیعی و اقتصادی برخی از مناطق مرزی خصوصاً در بخش های کشاورزی و صنعت که همواره دلیل موجه برای توسعه فقر و بی ثباتی جمعیت در این مناطق بوده است، دولت های را بر آن داشته است که به منظور ایجاد اشتغال، نگهداشت جمعیت و ممانعت از تخلیه مناطق مرزی و وقوع قاچاق، تسهیلاتی را در این مناطق ایجاد نمایند. لذا اولین بازارچه های مرزی با اهداف اقتصادی- اجتماعی، سیاسی و امنیتی در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ و به دنبال امضای موافقت نامه ای با مقامات کشور ترکیه در محل بازار ساری سو بازرگان در سال ۱۳۶۷ تاسیس شد. و به دنبال آن در سایر نقاط مرزی بازارچه هائی با این اهداف و رویکردها ایجاد شد. که مهمترین اهداف این بازارچه ها به شرح زیر می باشد (بذرافشان و طولابی نژاد، ۱۳۹۵):

الف: اهداف امنیتی

یکی از دلایل ایجاد بازارچه های مرزی، افزایش ضریب امنیت و اطمینان در این مناطق از طریق توسعه تجارت می باشد. با توجه به اینکه در برخی از مناطق مرزی کشور به دلیل شرایط خاص جغرافیایی امکان فعالیت تولیدی محدود می باشد. یکی از انگیزه های اقامت مردم در این نواحی گسترش فعالیت های تجاری است. در واقع با ایجاد اینگونه بازارچه ها ضمن آنکه انگیزه لازم برای اقامت اهالی بومی در این نواحی فراهم می شود از طرف دیگر با حضور مردم ضریب امنیت افزایش می یابد. بنابراین می توان گفت که افزایش و توسعه اشتغال در نواحی مرزی باعث افزایش ضریب امنیت اجتماعی و سیاسی در منطقه می شود و سرمایه گذاری دولت در این نواحی مرز نشینان را به فعالیت های اقتصادی وابسته کرده و مانع از شورش آنها می شود که در نتیجه امنیت را بالا می برد.

ب) اهداف سیاسی

روابط سیاسی کشور با همسایگان اثرات مستقیمی بر رونق یا عدم فعالیت بازارچه های مرزی داشته است. لذا هرگاه این ارتباطات با ثبات و روابط صمیمانه بوده، روزهای پر رونق را می توان در بازارچه ها مشاهده کرد اما متأسفانه در برخی موارد این ارتباطات تحت تاثیر متغیرهای سیاسی قرار گرفته و روند بازدارنده ای را برای فعالیت بازارچه ها ایجاد می نماید. لذا به نظر می رسد متغیرهای سیاسی از جمله متغیرهای با اهمیت و تاثیرگذار بر حیات بازارچه ها می باشند. ضمن آنکه روابط تجاری نیز می تواند بر روابط سیاسی تاثیر گذار باشد.

ج) اهداف فرهنگی

اهالی مرز نشین در بسیاری از نواحی مرزی با افراد آن سوی مرز رابطه های فرهنگی، خویشاوندی، قومی اجتماعی داشته، وجود زبان مشترک و آداب و رسوم اجتماعی نزدیک به هم سبب نزدیکی ساکنین این نواحی به یکدیگر شده است. این امر باعث می شود بازارچه های دوسوی مرز حالت بومی برای ساکنین دو طرف پیدا نماید، طرفین با اطمینان و شناخت بیشتری به مبادله با یکدیگر بپردازند، زبان مشترک این ارتباطات را نزدیک تر نموده است. که این عامل خود می تواند باعث ایجاد ثبات و امنیت در منطقه شود.

د) اهداف اقتصادی

به نظر می رسد ایجاد اشتغال و درآمد برای مردمان مستقر در نواحی مرزی، صادرات کالا و محصولات تولید شده در مناطق مرزی به کشورهای همجوار و تأمین کالاهای مورد نیاز معیشتی برای مردم مرز نشین از کشورهای همسایه، ایجاد و امنیت اجتماعی در مناطق مرزی، برقراری روابط حسنه و حسن همجواری با مردم مرز نشین از کشورهای همجوار و ایجاد امنیت پایدار در مرزها و صدور ارزش ها و فرهنگ های اسلامی و ملی به ملل سایر کشورها از مهم ترین اهداف راه اندازی اقتصاد مرزی می باشد. همچنین کمک به رونق بخشیدن تولید کالاهای صنعتی، معدنی، کشاورزی و نیز محصولات صنایع دستی استان های مرزی، کمک به توسعه صادرات، ایجاد تعادل در بازرگانی خارجی کشور، کسب در آمد ارزی و کمک به ایجاد تعادل در تراز ارزی کشور، جلوگیری گسترش پدیده قاچاق کالات و پیشگیری از مهاجرت مردم مرز نشین، کمک به توسعه روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورهای همسایه از دیگر هدف های مهم دایر شدن اقتصاد مرزی است. از طرفی نقش مرز نشینان به عنوان مدافعان غیر انتظامی و اهمیت حضور و وجود آنها در مرزها، موقعیت حساس کنونی کشور و تهدیدهای همه جانبه و اثرات اقتصادی مثبت مبادلات مرزی اهمیت توجه به اقتصاد مرزی را روشن می سازد. از این رو اشتغال و تأمین مناطق مرزی، کنترل قاچاق کالا، افزایش امنیت مرزها و شکوفایی اقتصاد محلی و جلوگیری از خالی شدن حاشیه مرزها از مهمترین اهداف اقتصاد مرزی است.

بازار چه مرزی محوطه ای است محصور در نقطه صفر مرزی یا مکانهایی است که طبق تفاهم نامه ای منعقد شده بین ایران و کشورهای همجوار ایجاد شده و امکان صادرات و واردات کالا با برخی تسهیلات میسر می کند. از جمله تسهیلاتی که در حال حاضر این بازارچه ها برای مرز نشینان فراهم نموده، سهولت در صادرات کالا، عدم نیاز به ثبت سفارش و پرداخت هزینه ثبت سفارش برای واردات کالا هایی است که در مقابل صادرات صورت گرفته و ترخیص آنها بر مبنای فاکتور فروش بازارچه مقابل یا ارزیاب ارزش آن توسط ارزیاب گمرک صورت می گیرد. اولین بازارچه مرزی کشور در سال ۱۳۶۷ تاسیس شد اما اکثر بازارچه ها پس از تدوین قوانین و آیین نامه اجرایی که در سال های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ صورت گرفته، تاسیس شده اند و امروزه ۴۳ بازارچه مرزی مجوز فعالیت دارند که آن میان ۳۱ بازارچه شروع به فعالیت نموده اند. روابط تجاری و تبادلات کالایی بین کشورهای همسایه در محدوده مرزی توصیف کننده اقتصاد مرزی بدین صورت که جابجایی کالا در میان کشورها و به دست آوردن بازار کالایی جهت رشد و توسعه و ایجاد اشتغال و در آمد سرانه و ملی در سرلوحه برنامه های یکایک دول در سطح بین المللی از جمله ایران قرار دارد. در این راستا آسانترین کسب بازارها، بازار کشورهای همسایه همجوار به دلیل مزیت نسبی و از پیش تعریف شده است.

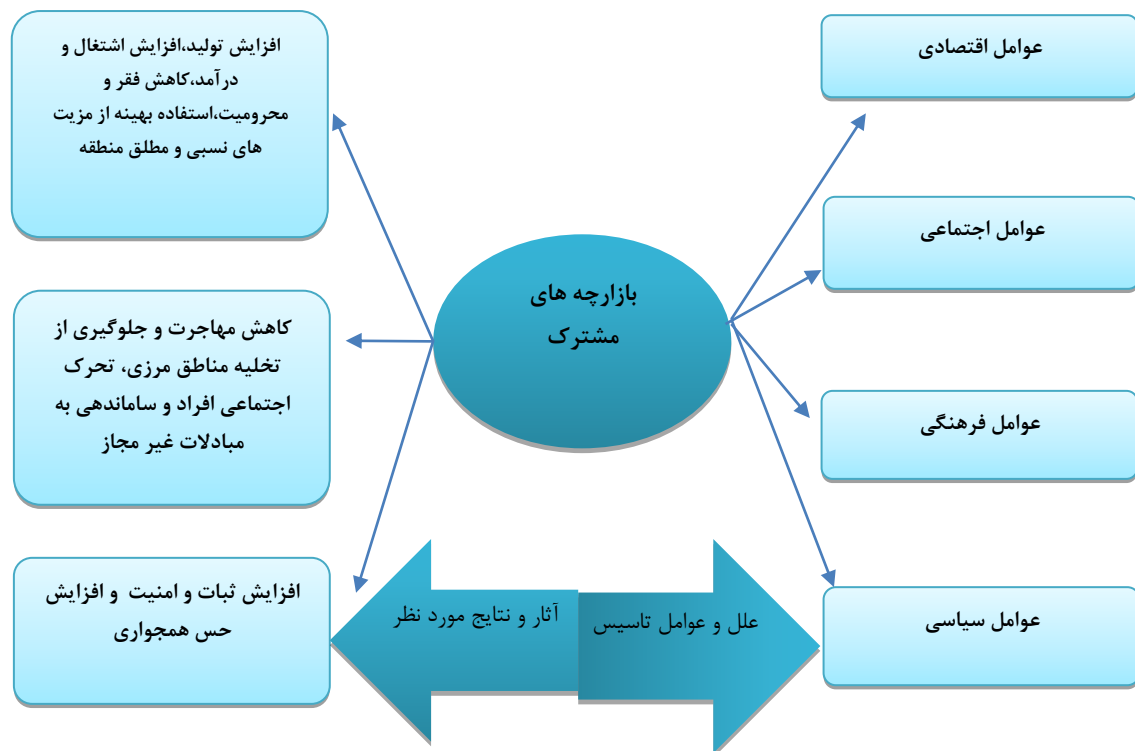
در ایران در سال ۱۳۳۱ و بدنبال آن در سال ۱۳۴۴، نحوه فعالیت تجاری مرزنشینان صراحتاً در قانون مبادلات مرزی مستتر شده و بر اساس تبصره الحاقی ماده ۴ این قانون به سال ۱۳۴۸ امکان تشکیل شرکت های تعاونی مرزی پدید آمد. بر حسب این قانون ساکنین مناطق مرزی می توانستند کالاهای مجاز غیر مشروط خود را در مقابل صدور کالا وارد نموده و با پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی عوارض و هزینه های گمرکی و بالاخره با واگذاری حق ثبت سفارش کالاهای خود را از گمرک ترخیص نمایند (محمودی، ۱۳۷۹: ۱۸). در سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با بروز جنگ تحمیلی محاصره اقتصادی محدودیت های وارداتی افزایش خودافزایی قیمت ها و محدود شدن فعالیتهای اقتصادی، ساکنین نواحی مرزی مجدداً به استفاده از مزایای قانون مبادلات مرزی روی آورده و مبادلات مرزی را رونق دادند. از سال ۱۳۶۱ مرزنشینان تعاونی های مرزنشین را تاسیس و این تعاونی به نیابت از طرف اعضاء به واردات و صادرات کالاهای مجاز تعیین شده اقدام نمودند (همان: ۲۱). بازارچه های مرزی در کشور بر دو نوع است: نوع اول بازارچه هایی هستند که بر اساس مجوز وزارت بازرگانی تشکیل شده اند، مانند بازارچه های کردستان، کرمانشاه و... که عموماً در مناطق مرزی به منظور محرومیت زدایی، ایجاد اشتغال و درآمد برای اهالی تاسیس می گردند و در مجموع ۲۴ بازارچه از این نوع در کشور وجود دارد. نوع دوم بازارچه هایی هستند که مجوز ایجاد آنها بر اساس مصالح ملی و تشخیص شوراری امنیت ملی صادر می شود. اینگونه بازارچه ها غالباً با نظر شورای مذکور در مکان و زمان معین ایجاد و منحل می شود (مانند بازارچه مرزی درافغانستان) و تعداد آنها نامشخص است (محمودی یگانه، ۱۳۹۱: ۶).

۵-۲- کارکردهای بازارچه های مرزی

در واقع بازارچه های مرزی بخشی از بازرگانی خارجی کشور می باشد که برای مبادلات مرزی مردم منطقه مرزنشین در نظر گرفته شده است. با در نظر گرفتن قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات کشور، برای فعالیت تجاری این گروه تسهیلات ویژه ای در نظر گرفته شده است. از جمله اهداف بازارچه های مرزی، امکان برقراری ارتباط سالم و مستمر تجاری با کشورهای همسایه، ایجاد رونق اقتصادی، بالا بردن ضریب امنیتی مرزهای کشور، شکوفایی استعداد محلی، ایجاد و گسترش مشاغل مولد می باشد. به فعیلت درآمدن این شاخص ها ضمن جلوگیری از مهاجرت ساکنان مناطق مرزی و افزایش رفاه مرزها و توسعه مناسبات سیاسی و تجاری با کشورهای همسایه، جلوی رشد قاچاق را هم می گیرد (شکل شماره ۱) (آیین نامه بازارچه های مرزی، ۱۳۷۱)

بنابراین، تاسیس بازارچه های مرزی و توسعه مبادلات از طریق این واحدها عمدتاً به استناد ماده ۱۱ قانون مقررات و واردات با اهداف زیر صورت می باشد:

۱- ایجاد زمینه های اشتغال؛ ۲- تامین نیازهای کالایی مردم مناطق مرزی؛ ۳- کاهش قاچاق؛ ۴- تثبیت جمعیت مرزنشین در نواحی مرزی و در راستای افزون سازی ضریب امنیت ملی در نقاط استراتژیک؛ ۵- رونق بخشیدن به اقتصاد مناطق مرزنشین؛ ۶- وقوف بر امکانات بالقوه تجاری کشورهای همسایه و گشودن باب مراودات تجاری با آنها. به هر حال طرح ایجاد بازارچه های مشترک مرزی در جهت تعمیم سیاست های راهبردی توسعه و تثبیت منطقه مرزنشین این مناطق با خط مشی های تعریف شده در برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورمان آغاز به کار نموده است.



شکل ۱: کارکردهای مورد نظر از تشکیل بازارچه مرزی (منبع: پیربوداقتی، ۱۳۷۹)

۶-۲- توسعه پایدار و توسعه پایدار روستایی

امروزه توسعه به معنای زندگی بهتر تلقی می شود و جوامع نسبت به گذشته از آن بیشتر منتفع می گردند. توسعه همان رشد اقتصادی نیست (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۳۲). زیرا توسعه جریان چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد و علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختمانهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای عمومی مردم است در بسیاری از موارد حتی عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد (ازکیبا، ۱۳۸۳: ۱۸). توسعه گذار از وضعیتی به وضعیت دیگر می باشد و عبارت است از تغییر، تحول و پیشرفت (رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۴۱) از این رو شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع

انسانی و نیازها و تقاضاهای آنان در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات اساسی در مسیر پیشرفت و توسعه تلقی می‌شود (Figueroa, 2007).

امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها-به ویژه در کشورهای در حال توسعه- بر هیچ کس پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست‌اندرکاران امر، تحقق این مهم بیش از هر چیز در گرو توسعه منابع انسانی است. به همین اعتبار، اولویت رشد و توسعه منابع انسانی بر سایر وجوه توسعه روستایی، امری انکارناپذیر است. به عبارت دیگر، توسعه منابع انسانی، عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی است (فائو، ۱۳۷۷: ۲). تحقق چنین توسعه‌ای با رویکرد مردم محور و مکان محور به وجود نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تولیدی، دانش فنی و محیطی نیاز دارد که در مجموع الزامات توسعه پایدار روستایی را شکل می‌دهند (رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۷: ۹). چنین توسعه‌ای افزون بر اهداف عمومی بر اهداف خاص استوار است که عبارتند از: امنیت غذایی، افزایش مشارکت، حفظ محیط زیست و کاهش فقر. که امروزه این اهداف چهارگانه به عنوان منشور بین‌المللی در همه محافل علمی و اجرایی مورد توجه می‌باشد (رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۲: ۳۵)

۳- پیشینه تحقیق

در دهه‌های اخیر مباحث مربوط به نواحی مرزی و پایداری توسعه آن در بسیاری از دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و سازمان‌های جهانی مرتبط با توسعه مورد توجه پژوهشگران کشور قرار گرفته است و بررسی‌های اخیر نشان از افزایش توجه به موضوع فوق در ادبیات پژوهشی کشور نیز دارد. در جدول زیر به تعدادی از پیشینه در این زمینه اشاره می‌شود.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

پژوهشگران	سال	موضوع پژوهش	نتایج
رفعیان، مولودی، مشکینی	۱۳۹۲	رابطه تحول کارکرد مرز با ارتقای وضعیت پیرامونی شهرهای مرزی (مطالعه موردی شهرهای بانه و سقز)	با استفاده از آزمون فریدمن معلوم شد که از میان شاخص‌های سازنده تحول کارکرد مرز توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و کاهش فاصله فرهنگی اجتماعی با ساکنان آنسوی مرز مهمترین تاثیر را در تحول منطقه دارد.
تقوایی و سفرآبادی	۱۳۹۲	بررسی توسعه پایدار شهری و برخی عوامل موثر بر آن در شهر کرمانشاه	به این نتیجه رسیدند شاخص نظر دادند که با مدیریت صحیح می‌توان به سمت شهر پایدار حرکت نمود
قدیری، ممسنی	۱۳۹۳	تحلیل تطبیقی شاخصهای توسعه پایدار شهر بوشهر با مناطق شهری کشور	معتقداند که با سنجش و مقایسه ۴۴ شاخص در شهر بوشهر و نقاط کشور، در زمینه شاخصهای اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی کل وضعیت شهر بوشهر بهتر از متوسط کل کشور است
موسوی، رحیمی	۱۳۹۳	تبیین نقش شهرها در توسعه پایدار مناطق مرزی استان آذربایجان غربی	با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره برای بخش‌های کشاورزی، صنعت، خدمات و توسعه در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی به این نتیجه رسید که در همه شهرستان‌های مرزی استان، بخش خدمات مهمترین نقش را دارا است
شماعی، صالحی و حسین پور	۱۳۹۴	تحلیل فضایی اثرات بازارچه‌های مرزی در توسعه یافتگی شهرهای بانه و پیرانشهر	با استفاده از شاخص موريس نتایج نشان داد که اگرچه شهر بانه و پیرانشهر در شرایط طبیعی تقریباً یکسانی هستند اما تاثیر بازارچه مرزی در توسعه یافتگی شهر بانه، نسبت به پیرانشهر، به علت دسترسی ارتباطی، زیرساخت‌های اقتصادی، و گردشگری

			بیشتر بوده است.
سرور، عشقی و علوی	۱۳۹۴	تحلیل فضایی شاخص های توسعه در راستای تحقق امنیت پایدار در مناطق مرزی شهرستان های مرزی کلان منطقه آذربایجان.	به این نتیجه می رسند که از بین ۱۶ شهرستان منطقه آذربایجان ۳ شهرستان کاملاً برخوردار، ۲ شهرستان برخوردار، ۳ شهرستان نیمه برخوردار، ۸ شهرستان نابرخوردار از شاخصهای توسعه هستند.
مختاری، علی اکبری و خسروی	۱۳۹۵	سنجش میزان اثر پذیری پایداری شهری از موقعیت مرزی (شهر مرزی مریوان)	نتایج نشان داد که در بیشتر گویه هایی که با مضمون تاثیرات مثبت موقعیت مرزی بر توسعه شهرها مطرح شده اند از دیدگاه پاسخگویان موقعیت مرزی تاثیرات قابل توجهی در بیشتر شاخص ها بر جا گذاشته است.

۴- روش تحقیق

این مقاله بر اساس ماهیت از نوع کاربردی بوده و از لحاظ روش توصیفی - تحلیلی ژرفانگر می باشد. این مقاله بر پایه محاسبات آماری بنا شده است و شیوه گردآوری اطلاعات و راه های آن بر پایه منابع و مطالعات کتابخانه ای است.

سوال

بر اساس مدل چند متغییره تاپسیس و از بین گزینه های مساله که همگی دارای مرز مشترک با ترکمنستان هستند کدام یک برای ایجاد و گسترش بازارچه مرزی مناسب تر است؟

فرضیه

مقاله حاضر با توجه به روش تصمیم گیری چند متغییره تاپسیس به دنبال یافتن بهترین مکان برای ایجاد بازارچه مرزی از بین دهستان های گیفان، غلامان و جیرانسو می باشد. یافته های پژوهشی نشان می دهد که بهترین این مکان ها غلامان (پرسه سو) است.

۵- محدوده مورد مطالعه

استان خراسان شمالی با وسعتی بیش از ۲۸ هزار و ۱۷۹ کیلومتر مربع، ۷/۱ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می دهد که از ۶ شهرستان بجنورد (مرکز استان) شیروان، اسفراین، مانه و سملقان، جاجرم و فاروج تشکیل شده است و دارای جاذبه های گردشگری منحصر به فردی است. خراسان شمالی از شمال با جمهوری ترکمنستان از جنوب و شرق به استان خراسان رضوی و از غرب به استان گلستان و سمنان محدود می شود و در گذرگاه زائران حرم مطهر علی بن موسی الرضا (ع) واقع شده است. جاذبه های گردشگری و آثار باستانی استان خراسان شمالی همه ساله گردشگران زیادی را به خود فرا می خواند که بنا به گزارش کارشناسان میراث فرهنگی، سالانه ۱۲ میلیون مسافر از این استان عبور و یا دیدن می کنند.



شکل ۲: موقعیت استان خراسان شمالی

دهستان جیرانسو

جیرانسو از توابع بخش مرکزی شهرستان مانه و سملقان در استان خراسان شمالی ایران است. جیرانسو دهستان سرسبز و خوش آب و هوایی است که در ۱۰۰ کیلومتری شمال شرق شهرستان بجنورد استان خراسان شمالی قرار دارد که با فاصله ۱۸ کیلومتری از مرز گزینه مناسبی جهت احداث بازارچه مرزی است.

دهستان گیفان

دهستان گیفان یکی از دهستان‌های شهرستان بجنورد استان خراسان شمالی است. این دهستان در فاصله ۸۶ کیلومتری شهرستان بجنورد واقع است. دهستان گیفان با ۲۲ پارچه‌آبادی و ۱۰۵۲۲ نفر سکنه در ۱۰۰ کیلومتری شمال شرق بجنورد قرار دارد و مرکز آن روستای گیفان است. رشته‌کوه میسینو در شمال این دهستان، مرز ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد. رشته‌کوه دیگر منطقه آسیازو نام دارد. آب گرم ایوب که در فاصله ۷ کیلومتری مرکز دهستان واقع شده است از نقاط زیبا و گردشگری منطقه به‌شمار می‌آید.

روستای گیفان نزدیک ترین و امن ترین مسیری می‌باشد که می‌تواند مرکز استان را از طریق خطوط زمینی به کشورهای آسیای میانه و جهان خارج متصل سازد، موقعیت استراتژیکی این روستا که در دوران رونق جاده ابریشم، به عنوان یکی از شاهراه‌های آن مورد استفاده قرار می‌گرفته، در دوران قاجاریه به علت قطع روابط تجاری و گمرکی میان ایران و شوروی سابق و بروز برخی درگیریهای مرزی اهمیت خود را از دست داده است، اما اگر امروزه اندک تأملی در باب انتخاب نزدیک ترین و امن تری مسیر تجاری جهت ارتباط با جمهوری ترکمنستان شود موقعیت ویژه این روستا آشکار خواهد شد، چراکه این روستا گذشته از آنکه در نزدیک‌ترین مسیر به راه آهن اصلی ترکمنستان بین شهرهای عشق آباد و بزمین واقع شده فاصله چندانی با پایتخت این کشور ندارد که این موقعیت بهترین فرصت را در اختیار قرار می‌دهد تا جهت صدور تولیدات صنعتی و کشاورزی استان مورد استفاده قرار گیرد، و در کنار گمرگ که از ضروریات است، احداث یک بازارچه مرزی در این دهستان کمک شایانی به اقتصاد این منطقه و حتی کل استان خواهد نمود.

دهستان غلامان

غلامان از توابع بخش راز و جرگلان شهرستان بجنورد در استان خراسان شمالی ایران است. غلامان دهستان سرسبز و خوش آب و هوایی است که در ۱۳۰ کیلومتری شمال شرق شهرستان بجنورد استان خراسان شمالی قرار دارد و مرکز آن روستای غلامان می باشد. در سال ۱۳۰۰ قمری برای بار دوم ناصر الدین شاه از طریق بجنورد به خراسان آمد یار محمد خان (حاکم بجنورد) با استفاده از فرصتی که پیش آمده بود کرد های شادلوی رانده شده از نواحی فیروزه و عشق آباد (ترکمنستان) را برای اعتراض و داد خواهی به مسیر شاه فرستاد که لغو قرارداد ننگین ۱۲۹۹ آخال را خواستار شوند تا مگر شاه ایران در این مورد فرمانی صادر نماید تا کرد های خراسان شهر ها و نواحی اشغال شده ایران را از تصرف روسها به در آورند ، اما نقشه یار محمد خان نگرفت. اعتمادالسلطنه مختصر اشاره ای به واقعه نموده است: دوشنبه ۱۷ رمضان، امروز منزل، چاربید است... بعد از طی سه فرسخ به موضعی (تخت باشقی) که چند درخت و سلخی داشت . شاه نهار افتادند . جمعی از اهالی گرماب(ترکمنستان) که یکی از دهات بجنورد است و به خواهش روسها به آنها داده شده ، دیده شد که فریاد و گریه و ناله می کنند که: مسجد و قبور پدران ما را چرا به روسها دادید(؟) که در مسجد اسب بسته اند ،؟ (شاه) متغیر شده و گفت : به آنها کتک زده و دور کنید بعد مقرر شد انعامی به آنها داده شود که در دشت آرموتلی حوالی کالپوش خانه بسازند و سکنی گیرند اما کرد های شادلو ناسزا گوین و قور قور کنان استخوانهای مردگان خود را که از خاک عشق آباد و فیروزه و گرماب بیرون کرده و با خود به ایران آورده بودند که زیر چکمه روسها ی پلید قرار نگیرند مجدداً تابوت حاوی استخوان مردگانشان به دوش گرفته عطای شاه را به لقایش بخشیده ،گفتند : ما به نزدیکی مرز باز می گردیم که اگر توانستیم سرزمین اجدادی خود را از روسها پس گیریم و اگر موفق نشدیم لااقل بوی سرزمین فیروزه را از نسیم باد سحرگاهی استشمام می نمائیم و این هزاران بار بهتر از انعام شاه وطن فروش و منطقه آرموتلی او خواهد بود.آری آنها با غرور ملی خاصی استخوانها مردگانشان را به دوش گرفته و به ناحیه مرزی غلامان (قصبه مرزی کنونی) بازگشتند و در آنجا و روستاهای اطراف به ویژه در روستای قلقلی(ترکمنستان) اسکان گرفتند(ناصرالدین شاه به موجب فرمانی غلامان را به عوض گرماب به این آوارگان شادلو داد اما هنگامی که رضا شاه زمین خوار روی کار آمد و املاک خالصه را به نفع خویش تصرف کرد و فریاد و اعتراض کردهای شادلو غلامان به جایی نرسید دوباره مجبور شدند سرزمین غلامان را با دادن پول گزافی از رضا شاه بخرند) که سالهای زیادی با روسهای اشغالگر مشغول مبارزه و جنگ ها پارتیزانی بودندبیشتر کرد ها ی غلامان مانند کرد های شادلو به ترکی سخن می گویند .در ابتدا نام محل سکونت خود را با نام مشهد غلامان انتخاب کردندکه به تدریج به غلامان تغییر یافت منظور از انتخاب این نام به این دلیل بود که مردم خود را به نام غلامان درگاه امام رضا(ع) می دانستند به همین ترتیب این منطقه به مرور زمان پیشرفت کرد تا اینکه هم اکنون این دهستان با جمعیت ۱۴۱۲۵ نفر جمعیت در نوار مرزی ایران و ترکمنستان قرار دارد. راه اندازی بازارچه مرزی پرسه سو در دهستان غلامان از جمله گزینه هایی است که همواره در محافل سیاسی و اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است اما تا کنون به علت لغو مصوبه تاریخ ۹۳/۴/۲۱ بنا به پیشنهاد ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز توسط دولت راه اندازی این بازارچه ملغی شده است.



شکل ۳: موقعیت دهستان‌ها

۶- یافته‌های تحقیق

نواحی مرزی به دلایل دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، توسعه نیافتگی و تفاوت‌های فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه با مراکز مرکزی دارند و ایجاد و فعالیت بازارچه مرزی می‌تواند باعث تعدیل رابطه‌ی یک سویه مرکز - پیرامون بهبود رفاه منطقه‌ی گردد.

اثرات اقتصادی بازارچه‌ها

اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقش اساسی در ترقی، پیشرفت و توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد و همگرایی اقتصادی نواحی مرزی داشته باشند (افتخاری و همکاران ۱۳۸۷: ۸۳). ناتوانی‌ها ی بالقوه طبیعی و اقتصادی برخی از این مناطق خصوصا " در بخش‌های کشاورزی و صنعت، مهاجرت، تفاوت‌ها و عدم

تعادل های منطقه ای و فضایی بین مناطق مرکزی و مرزی به دولت های وقت اجازه داده که به لحاظ محرومیت زدایی، ایجاد اشتغال و نگهداشت جمعیت، ممانعت از تخلیه مناطق مرزی و وقوع قاچاق تمهیداتی را در مبادلات بازرگانی نواحی مرزی لحاظ نمایند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۷: ۶). یکی از تمهیداتی لازم برای پویا کردن اقتصاد نواحی مرزی، توسعه مبادلات مرزی در قالبهای قانونمند و تسهیل شده (بازار چه های مرزی) است که می تواند محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزیت های نسبی و گسترش همکاری ها و توسعه بازار های بین منطقه ای، تثبیت قیمت ها، جهت دهی سود های تجاری، افزایش اشتغال و رفاه برای جامعه مرز نشین باشد. (کامران و همکاران، ۱۳۸۸: ۹)

اثرات سیاسی بازارچه ها :

همکاری ها در قالب بازارچه های مشترک از شناخته ترین روش های توسعه اقتصادی مناطق مرزی به شمار می رود (محمدی و فخر فاطمی، ۱۳۸۴: ۵۵). که منجر به ایجاد همگرایی بین مرکز و پیرامون می شود. در صورت توفیق، نگاه جمعیت مرز نشین به سمت درون و همگرایی معطوف می شود، که خود باعث توسعه فضایی مناطق مرزی خواهد شد. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۳۵)

همچنینی ساختارهای خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نقاط مرزی ایجاب می کند که استراتژی کلان توسعه این مناطق بر اساس حداکثر استفاده از امکانات موجود تنظیم شود به گونه ای که آثار مثبت آن آثار سوء ناشی از مهاجرت و تخلیه نقاط مرزی و رواج معاملات غیر مرزی را تحت تاثیر قرار دهد. شکوفایی این توانمندی ها و استعداد های بالقوه مناطق مرزی و افزایش عمران و آبادانی این مناطق از حداقل هایی است که می تواند بسیاری از معضلات و مشکلات نقاط مرزی را حل نماید از این رو ایجاد این بازارچه ها را باید گام مهمی در نهادینه کردن این گونه تجارت ها تلقی کرد.

منطقه مرزی نیز متاثر از موارد یاد شده به منطقه ای محروم و منزوی تبدیل شده است که ایجاد بازارچه مشترک را می توان پاسخی به ارتباطات قومی، فرهنگی و معنوی مشترک و پیوند های عمیق تاریخی ۲ ملت ایران و ترکمنستان و توسعه اقتصادی این منطقه محروم و توسعه نیافته مرزی دانست که در نوع خود عاملی تحولی بنیادی در ایجاد اشتغال، تثبیت جمعیت مرز نشین و افزایش درآمد مردم منطقه دانست استان خراسان شمالی، استانی است که با دو کشور ایران و ترکمنستان مرز مشترک دارد طول کل این مرزهای مشترک ۲۸۱ کیلومتر می باشد. جمعیت کل استان خراسان شمالی ۴۱۴،۳۶۵ نفر و مساحت استان به ۲۸۱۷۹ کیلومتر مربع می رسد. با توجه به اینکه تحقیق حاضر بر اساس روش تاپسیس طراحی شده ماتریس معیارهای انتخاب شده به شرح ذیل می باشد:

جدول ۲: ماتریس معیارهای طراحی شده

آب و هوا	وضعیت راه ارتباطی	جمعیت	فاصله از مرز (km)
۵	۹	۱۴۱۲۵	۳
۳	۵	۱۱۶۲۵	۱۸
۷	۳	۱۰۵۲۲	۱۰

معیار آب و هوا، جمعیت و وضعیت راه ارتباطی معیارهای مثبت و فاصله از مرز یک معیار منفی است. و گیفان با آب و هوای معتدل رتبه ۷، غلامان با آب و هوای سرد و خشک رتبه ۵ و جیرانسو با آب و هوای گرم و خشک رتبه ۳ را دارد. وزن هر یک از متغیرها به روش آنتروپی به شرح زیر است:

جدول ۳: وزن دهی شاخص‌ها

آب و هوا	وضعیت راه ارتباطی	جمعیت	فاصله از مرز
۰/۲۲۵	۰/۲۵۵	۰/۱۹۴	۰/۳۲۴

فاصله هر کدام از معیارها از حالت ایده آل و ضد ایده آل با توجه به فرمول S^* و S^- و نیز شاخص شباهت با توجه به فرمول C^* در جدول زیر آمده است:

جدول ۴: رتبه‌بندی شاخص‌ها در دهستان‌ها

شاخص شباهت	فاصله از حالت ضد ایده آل	فاصله از حالت ایده آل	شاخص شباهت
۰/۸۵۱	۰/۲۸۰	۰/۰۴۹	غلامان (پرسه سو)
۰/۱۵۰	۰/۰۴۸	۰/۲۷۱	جیرانسو
۰/۴۶۴	۰/۱۵۸	۰/۱۸۲	گیفان

با توجه به محاسبات انجام گرفته و جدول شماره ۳، غلامان (پرسه سو) با شاخص شباهت ۰/۸۵۱ برای ایجاد و توسعه بازارچه مرزی مناسب تر است.

۱-۶- نتیجه‌گیری

مناطق مرزی دورترین مناطق پیرامونی از مرکز می باشند به همین دلیل عقب مانده ترین و محروم ترین مناطق هستند. توسعه نامتوازن بخش های اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیکی و همچنین عدم تعادل های منطقه ای به این محرومیت منجر شده است. توسعه مناطق مرزی و ایجاد اشتغال در این مناطق به منظور کاهش فقر و بیکاری این امکان را به وجود می آورد که از هزینه های روانی و اقتصادی مهاجرت اجتناب شود و منابع طبیعی و تجهیزات سرمایه ای و زیر ساخت های اجتماعی مورد بهره برداری قرار گیرد. بازارچه ها از جمله مزیت های مناطق مرزی است که با به تحرک واداشتن ظرفیت ها و مزیت های محلی - منطقه ای و تغییرات نهادی وسیع با هدف رفع موانع موجود اجتماعی اقتصادی لازم است برای توسعه مناطق مورد توجه قرار گیرند. با توجه محاسبات انجام شده در این پژوهش غلامان (پرسه سو) با شاخص شباهت ۰/۸۵۱ به عنوان مکان مناسب جهت احداث بازارچه مرزی در این استان پیشنهاد می گردد.

منابع

- ۱- احمدی پور، زهرا حافظ نیا، محمد رضا محمد پور، علیرضا (۱۳۸۷). تاثیرات اقتصادی و اجتماعی بازگشایی مرزها نمونه موردی بخش باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان. پژوهش های جغرافیایی استانی، شماره ۶۵.
- ۲- اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی کشور (۱۳۷۱). آیین نامه اجرایی بازارچه های مرزی ازکیا، مصطفی (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی، تهران، نشرنی
- ۳- پاپلی یزدی، محمدحسین و محمد امیر ابراهیمی (۱۳۸۶). نظریه های توسعه روستایی. تهران، انتشارات سمت
- ۴- پاپولی یزدی، محمد حسین عبدی، عرفان (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه های مرزی بازتاب های توسعه مناطق مرزی. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم شماره ۲.
- ۵- پرسکات، جی (۱۳۵۸). گرایش های تازه در جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میرحیدر، تهران: دانشگاه تهران.
- ۶- پیروباقی، یوسف (۱۳۷۹). بررسی عملکرد بازارچه های مرزی سرو و نقش آن در رشد و توسعه اقتصاد منطقه- ای. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات
- ۷- جان پرور، محسن (۱۳۹۶). نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول و نظریه ها). تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک.
- ۸- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۹- حافظ نیا، محمدرضا و محسن جان پرور (۱۳۹۳). مرزها و جهانی شدن؛ با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران. تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- ۱۰- درایسدل، آلسیدر و جerald اچ بلیک (۱۳۷۴). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۱- رحمتی راد، محمد حسین (۱۳۷۴). مرزبانی گذرنامه و اتباع بیگانه. تهران: معاونت آموزشی ناجا.
- ۱۲- سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۸). بررسی جامعه شناختی اقتصادی بازارچه های مشترک مرزی (مطالعه موردی: بازار چه های مرزی سردشت و پیرانشهر). فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۵.
- ۱۳- طالشی، مصطفی و سحر گلچینی (۱۳۹۷). آمایش بازارچه های غرب ایران الگوی اقتصادی-کالبدی در پایداری شهرهای کوچک نمونه موردی: بازارچه مرزی سیران بند بانه). فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، شماره ۳، صص ۳۸۱-۳۹۵.
- ۱۴- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۵- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران. انتشارات سمت.
- ۱۶- محمدی یگانه، بهروز؛ مهدیزاده، غفت؛ مهدیزاده، عصمت؛ چراغی، مهدی (۱۳۹۱). ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه مرزی مهران بر توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان محسن آباد). فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال دوازدهم، شماره ۲۵، تابستان ۹۱
- ۱۷- محمدی، حمیدرضا؛ فخرقلمی، علی اکبر (۱۳۸۴). نقش بازارچه های مرزی در توسعه فضایی مناطق مرزی (پژوهش موردی: بازارچه مرزی باجگیران). فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱.
- ۱۸- محمودی، علی (۱۳۷۸). موانع و مشکلات بازارچه های مرزی در توسعه منطقه ای مورد مطالعه: مناطق شمال و شمال غرب ایران. پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۰.
- ۱۹- موسوی، میر نجف (۱۳۹۱). ارزیابی نقش بازارچه های مشترک مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرز نشین مورد: بازارچه مرزی تمرچین پیرانشهر. جغرافیا و توسعه شماره ۳۳.
- ۲۰- میرحیدر، دره (۱۳۸۰). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.



- ۲۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۵). بررسی عملکرد بازارچه های مشترک مرزی و تبیین راه هایی در جهت بهبود روند مذکور و بررسی جایگزین های مناسب. تهران: معاونت امور اقتصادی و دارایی.
- ۲۳- وزارت بازرگانی (۱۳۷۹). تحلیلی از وضعیت بازارچه های مشترک مرزی از آغاز فعالیت تا کنون. معاونت برنامه ریزی و بررسی های اقتصادی دفتر پژوهش و بررسی های اقتصادی
- ۲۴- Glassner, M. & Fahrer, C. (۲۰۰۴). Political Geography, USA.
- ۲۵- Figueroa, A. (۲۰۰۶). SOCIAL EXCLUSION AND RURAL UNDER DEVELOPMENT; Department of Economics Catholic, University of Peru, Lima.
- ۲۶- Dwivedi, R. L. (۱۹۹۰). fundamentals of political geography, Chaitanya Publishing hous.

جغرافیای سیاسی مرزهای کردستان با تاکید بر پدیده کولبری

لقمان توتونچی^{۱*}، لیلا کیانی^۲

۱-نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، واحد شهر ری، تهران

۲-کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران

*نویسنده ی مسئول totonchi.loghman@gmail.com

چکیده

مرزها خطوط و نقاط گره‌گامی هستند که بدون توجه به ساختارهای طبیعی و انسانی به منظور تحدید حدود حکومت‌های مرکزی برای تشکیل دولت - ملت‌ها، پس از جنگ جهانی اول به وجود آمده‌اند. آن چنان که سیاست‌های استعماری بریتانیا و فرانسه بر همبستگی‌های طبیعی و انسانی بین ملت‌ها، به ویژه در آسیا و آفریقا فایق آمده‌اند. بطور حتم دلیل اصلی این تحدید و تشکیل دولت - ملت‌ها با فروپاشی امپراطوری‌های عثمانی، ایران، اتریش - مجارستان همراه بوده که این مهم صرفاً با اهداف استعماری و تسلط همه جانبه در مناطق ذکر شده صورت پذیرفته است. کولبری پدیده‌ای است که در مرز استان کردستان با عراق و بخصوص اقلیم کردستان اتفاق می‌افتد و نتیجه توسعه نامتوازن و عدم شکل‌گیری ساختارهای توسعه، بدون توجه به پتانسیل‌های موجود منطقه‌ای و محلی در این نواحی دانست. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی سعی در معرفی پدیده کولبری در مرز کردستان با عراق داشته و علل و عوامل پیدایش این پدیده را بررسی نموده است. در پایان سعی در ارائه راهکارها و پیشنهادهاتی برای بهبود و توسعه وضع اقتصادی و معیشت مردم منطقه و مرزنشینان داشته تا کولبری که باعث نابودی صنایع دستی و صنعتی شده از بین برود.

واژگان کلیدی: نظریه پخش، مرز، کولبر، کردستان، ایران.

۱- مقدمه

مرزها فقط خطوطی مستقیم در روی زمین نیستند بلکه علائمی قراردادی هستند که روابط عاطفی، فرهنگی و اجتماعی بی‌شماری را در پشت آن، به لحاظ ژئوپلیتیک انسانی می‌توان جستجو و پیدا نمود. بدون شک، پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، در منطقه خاورمیانه شاهد بیشترین تغییرات ساختاری و شکلی در مرزها بوده‌ایم. عراق، از جمله کشورهای تازه تاسیسی است که از تجزیه شدن امپراطوری بزرگ عثمانی پس از جنگ جهانی اول به دست قدرت‌های استعماری پیروز در جنگ به وجود آمد. با توجه به وقایع سیاسی گذشته در منطقه خاورمیانه، کشور ایران با این کشور (عراق) بیشترین مرز خاکی را دارا می‌باشد که قسمت آبی آن هم‌مرز با استان خوزستان و خط تالوگ در اروندرود واقع شده است. مرز خاکی آن نیز با استانهای غربی کشور (آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام) هم‌جوار است. به لحاظ تاریخی به ویژه تاریخ معاصر، دلیل بیشترین تنش‌های سیاسی میان ایران و عراق، مسائل قومیتی و مرزی بوده که چگونگی تقسیم‌بندی کردها در دو کشور ایران و عراق به آن دامن زده است. این در حالی بوده که کمترین تنش‌های مرزی را با ترکیه داشته و داریم.

یکی از مشکلات کنونی در مرزهای غربی با عراق جدا از مسئله امنیتی، مسئله اقتصادی است که باید بدان توجه نمود. در واقع مرزهای خاکی ایران در استان کردستان به مرکزی برای ورود کالاهای درجه چندم چینی به صورت قاچاق تبدیل شده که این اتفاق منجر به شکل‌گیری پدیده‌ای نامیمون بنام (کولبری) شده است. کولبری شیوه‌ای از امرار معاش افراد بومی و محلی کردستان است که از سر ناچاری و بیکاری به آن پرداخته و با توجه به توسعه نامتوازن و عدم شکل‌گیری ساختارهای توسعه و با توجه به پتانسیلهای موجود منطقه‌ای و محلی در این نواحی بوجود آمده است. در واقع واردات بی‌رویه کالاهای خارجی در تمامی مرزهای آبی و خاکی کشوری در کل اقتصاد کشوری و کارگاه‌های تولیدی داخلی را به ورطه نابودی کشانده است.

۲- روش تحقیق

مقاله حاضر به روش توصیفی- تحلیلی و استفاده از مقالات و منابع کتابخانه‌ای ارائه شده و امید است گامی هر چند کوچک در جهت رشد و توسعه روزافزون به سامان کردن مباحث و مطالب مربوط به سرفصل‌های همایش ملی ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار در مناطق مرزی با رویکرد آمایشی برداشته باشیم.

۳- ادبیات نظری

۳-۱- جغرافیای پخش

مباحث فردی و اجتماعی به شیوه‌های مستقیم و سلسله مراتبی از نوع‌آوری‌های علمی، کشاورزی، مُد، لباس و... از یک فضا و مکان جغرافیایی نشأت گرفته و کم‌کم پخش و توسعه می‌یابد. فضای منتشره باید دارای شرایطی طبیعی و انسانی ویژه‌ای باشد که برای تسری و تسریع موضوع قابل نشر ضروری است. بطوریکه هر چه شرایط و امکانات طبیعی و انسانی بیشتر فراهم گردد، روند صعودی زمانی و مکانی نشر مورد نظر بیشتر خواهد شد.

۳-۱-۱- پدیده نشر

نشر از جمله مباحث اجتماعی و انسانی است و آنگونه که بدان اشاره شد به شیوه‌های مستقیم و سلسله‌مراتبی از اماکنی که از شرایط، ضوابط و امکانات بهتری برخوردار باشند پخش و درج می‌گردد.

۳-۱-۲- نظریه اشاعه یا پخش^{۱۱۶}

نظریه انتشار فضایی توسط تورستن هاگراستراند^{۱۱۷} (جغرافیدان سوئدی) ابتدا در سال ۱۹۵۳ مطرح و سپس در سال ۱۹۶۸ و در کتاب «انتشار فضایی فرایند نوآوری» که در سوئد منتشر کرد، اصول تازه آن را مطرح و سپس آن را بسط داد

^{۱۱۶} - Diffusion

^{۱۱۷} - Hoyer Strand

(Hagerstrand, ۱۹۶۸). هاگراستراند ابتدا با همکاران خود، «نظریه پخش» را در زمینه گسترش نوآوری‌ها و پدیده‌های کشاورزی بکار گرفت و سپس با بکارگیری این نظریه در نحوه گسترش سل گاوی هم در سال‌های مختلف به تجربیات پرارزشی دست یافت که نهایتاً این نظریه تا سال ۱۹۶۸ به اصول تازه و استواری نائل آمد. اثر تحقیقی هاگراستراند در کشورهای انگلیسی زبان به بویژه در آمریکا طرفداران بیشماری یافت و شیوه عملی آن در جغرافیای کاربردی بکار گرفته شد. هم اکنون نیز نظریه پخش در بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه است و یکی از زمینه‌های مهم در فرآیند تحلیل فضایی شناخته می‌شود (شکوئی، ۱۳۸۱: ۳۰۲). ابتدا بیشترین کاربرد این نظریه در زمینه‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود، اما توانست با گذشت زمان به زمینه‌های فرهنگی نیز راه یابد و از قدرت تبیین و توضیح هر نوع نوآوری فکری و فیزیکی برخوردار است و هم‌چنین می‌تواند علت اشاعه، نحوه انتشار و گسترش، مسیرها و مجراهای پخش، علت توقف و گسترش مجدد و... را به تصویر بکشد (Hagget) به نقل از برزگر، ۱۳۹۱: ۳۴). جردن و روانتری پخش فرهنگی را در پخش بین‌المللی این گونه تعریف می‌کنند: «پخش فرهنگی، حتی در میان فرهنگ‌های قومی، هرگز در محدوده مرزهای ملی باقی نمی‌ماند» (جردن و روانتری، ۱۳۸۰: ۳۱۶).

۳-۱-۳- انواع پخش:

در نظر هاگراستراند انواع پخش عبارتند از:

- ۱- **پخش جا به جایی^{۱۱۸}**: در این نوع، لازمه پخش، یک نوآوری یا یک عنصر از فرهنگ، انتقال فرد یا گروه حامل یک اندیشه است. پخش جابجایی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند؛ مانند نمونه می‌توان به گسترش مذاهب با اعزام مبلغان، استعمار اروپاییان از سال ۱۵۰۰ تا ۱۹۵۰ و مهاجرت مسیحیان اروپایی به آمریکا اشاره نمود (همان، ۲۵).
- ۲- **پخش سلسله مراتبی^{۱۱۹}**: در این مرحله از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها به صورت منظم و در قالب سلسله‌مراتبی گسترش و انتقال می‌یابند. معمولاً انتقال و گسترش پدیده‌ها و نوآوری‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر و یا از یک مرکز شهری مهم به مرکز شهری دیگر اتفاق می‌افتد (همان، ۲۶). این پخش در سایه ساختارهای اجتماعی جریان می‌یابد. به عبارتی، هرگاه یک نوآوری، ابتدا سطوح بالای اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت به پایین‌ترین سطح جامعه می‌رسد که مانند قطره چکان عمل می‌کند (هاگت، ۱۳۷۵: ۹۴). چنین پدیده‌هایی را انتشار ریزی می‌نامند؛ فرآیندی که از مراکز بزرگتر و مهمتر به سوی مراکز کوچکتر سرازیر می‌شوند. در صدر اسلام، هنگامی که رئیس قبیله به سوی اسلام گرایش می‌یافت، کل افراد قبیله نیز دین خود را تغییر می‌دادند (برزگر، ۱۳۸۳).
- ۳- **پخش سرایتی یا واگیردار^{۱۲۰}**: این پخش در مقابل پخش سلسله‌مراتبی قرار دارد. معمولاً گسترش و انتشار ایده‌ها در آن بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب شکل می‌گیرد، مانند اشاعه بیماری‌های مسری. به این نوع پخش، پخش انگیزه‌ای نیز می‌گویند (جردن و روانتری، ۱۳۸۰: ۲۶). معمولاً به شکل مستقیم انتشار می‌یابد. بیماری‌های واگیردار در آن از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌شود و انتشار می‌یابد. چیزی که در این پخش بسیار حائز اهمیت می‌باشد، فاصله و مسافت در آن می‌باشد. معمولاً افرادی که در نواحی نزدیکتری هستند نسبت به افرادی که در مناطق دورتری قرار دارند، بیشتر تحت تأثیر آن قرار دارند (Hagget) به نقل از برزگر، ۱۳۹۱: ۳۸).

۳-۲- مرزها

^{۱۱۸} - Relocation Diffusion

^{۱۱۹} - Hierarchic Diffusion

^{۱۲۰} - Contagious Diffusion

برای تعریف مرز به همراه طبقه‌بندی و فهرست عنوان انواع مرز، تلاش‌هایی توسط دانشمندانی نظیر هارتشورن^{۱۲۱} (۱۳۹۶)، هولدیچ^{۱۲۲} (۱۹۴۰)، جونز^{۱۲۳} (۴۵-۱۹۴۳) و کریستف^{۱۲۴} (۱۹۵۹) انجام گرفته است. اگرچه اولین بحث درباره مرزهای سرزمینی توسط جغرافیدانان دانشگاهی، به زمان راتزل^{۱۲۵} (۱۸۹۷) برمی‌گردد که رفتار ارگانیکی دولت را مطرح کرد. اما این موضوع توسط لرد کرزن^{۱۲۶} (۱۹۰۸) و هولدریچ (۱۹۱۶) درباره مرزهای سیاسی و شکل‌گیری مرزها پیگیری شده است (Newman and Paasi, ۱۹۸۸: ۱۸۸). برخی از تعاریف مرز عبارتند از:

مارتین گلسنر^{۱۲۷}: در واقع مرز یک خط ساده نیست بلکه یک سطح است. یک سطح عمودی است که از طریق فضا، خاک و زیر زمین دولت‌های همسایه را برش می‌دهد. این سطح در روی زمین به صورت یک خط به نظر می‌رسد (Glassner, ۱۹۹۲: ۷۲).

درایسدل - بلیک^{۱۲۸}: مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک حکومت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا و... مانع ایجاد می‌کند (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱).
محمدرضا حافظ‌نیا: مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملی را مشخص می‌کند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۹).

پیروز مجتهدزاده: مرز خطی است فرضی در فضا که جداکننده دو ملت، دو کشور و دو نظام حکومتی است، مرز در انتهای قلمرو حقوقی و قانونی یک دولت قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۱۶۱).

۳-۲-۱- انواع مرز

طبقه‌بندی پنج‌گانه هارتشورن از مرزها براساس درجه انطباق آنها با توزیع گروه‌های نژادی و فرهنگی:

- ۱- مرزهای پیشتاز: در مناطق کاملاً غیر مسکونی، همگام با پیشروی انسان‌ها ایجاد می‌شود.
 - ۲- مرزهای قبل از سکونت: قبل از استقرار متراکم انسان‌ها و شکل‌گیری بخش اعظم چشم‌اندازهای فرهنگی بر روی زمین ایجاد می‌شود. مانند: مرز بین کانادا و آلاسکا.
 - ۳- مرزهای تطبیقی: مرزهایی که با توجه به جغرافیای انسانی نواحی و منطبق با الگوهای فرهنگی - قومی تعیین می‌شوند.
 - ۴- مرزهای تحمیلی: مرزهایی که بدون توجه به سیمای فرهنگی محیط و بصورت اجباری ترسیم می‌شوند.
 - ۵- مرزهای متروکه: مرزهایی که به علت بی‌اعتبار بودن از اهمیت کمتری برخوردارند. ولی اثرات آنها هنوز در چشم‌انداز نمایان است. مانند: مرز بین سومالی ایتالیا با اتیوپی در شاخ آفریقا (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱).
- طبقه‌بندی چهارگانه باگز از مرزها براساس تطابق یا عدم تطابق مرز با عوارض طبیعی:
۱. مرزهای فیزیوگرافیک: این مرزها در امتداد عوارض طبیعی زمین مثل رودخانه، رشته کوه، دریاچه و باتلاق تحدید حدود می‌شوند.

۱۲۱ - Hartshorne

۱۲۲ - Holdich

۱۲۳ - Jones

۱۲۴ - Kristof

۱۲۵ - Ratzel

۱۲۶ - Lord Curzon

۱۲۷ - Glassner

۱۲۸ - Drysdale - Blake

۲. مرزهای انسانی - جغرافیایی: مرزهایی که در امتداد پدیده‌هایی مثل جاده، راه آهن و کانال تحدید می‌شوند و یا خط تقسیمات قبیله‌ای، مذهبی و یا قومی را دنبال می‌کنند.
۳. مرزهای هندسی: مرزهایی که براساس طول و عرض جغرافیایی (مدارات و نصف‌النهارات) تحدید می‌شوند.
۴. مرزهای ترکیبی یا نامشخص: مرزهایی که ترکیبی از سه نوع قبلی‌اند (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۱۱).

تقسیم‌بندی مرز از نظر شکل هندسی دکتر عزتی:

سه نوع مرزهای محدب، معقر و مستقیم؛ در این زمینه باید توجه داشت که اساس و مبنای شکل مرزها و خط سیر آنها گوناگون است و نهایتاً شکل هندسی مرزها زاییده تفکرات ژئواستراتژیک است (عزتی، ۱۳۸۰: ۹۰). همچنین مرزها به دو نوع کلی مرزهای داخلی و مرزهای بین‌المللی تقسیم می‌شوند.

خانم دکتر دره میرحیدر با این دیدگاه که تقسیم‌بندی مرزها از سوی هارتشورن از منطق محکم جغرافیایی و سیاسی بهره‌چندانی ندارد، معتقد است مرزها را به دو نوع کلی تقسیم می‌کند:

الف) مرزهایی که با استفاده از عوارض طبیعی تعیین می‌شوند، اصطلاحاً به مرزهای طبیعی موسومند و از قدیم استفاده از این گونه خطوط مرزی میان کشورها مرسوم بوده است. از دلایل اصلی گزینش عوارض طبیعی به عنوان مرز اولاً تعیین حدود و علامت‌گذاری آسان‌تر، دوماً در حین نشانه‌گذاری نیز وجود رود یا کوه، کار تثبیت مرز را سهل‌تر می‌کند، سوماً از نظر دفاعی نیز به نقش عوارض طبیعی توجه شده است (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۴-۶۲).

البته باید دانست که چیزی به نام «مرز طبیعی» به معنای لغوی کلمه وجود ندارد، چون مرزها ساختگی و خودسرانه هستند و اینکه یک مرز می‌تواند حصار خوبی باشد یا نه، بستگی به مرحله رشد، نه زمینه طبیعی آن دارد (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۱۰). مرزهایی که با استفاده از عوارض طبیعی مشخص می‌شوند، عبارتند از:

۱- مرزهایی که در امتداد یک رشته کوه کشیده می‌شوند: خطوط مرزی که از خط‌الراس رشته کوه بزرگ عبور می‌کنند، معمولاً بهترین و بادوام‌ترین نوع خط مرزی بشمار می‌روند. تعیین این گونه مرزها بر روی نقشه کار آسانی است و از نظر نظامی و دفاعی نیز کارکرد خوبی دارند. اما پیاده کردن خط مرزی در محیط به علت ارتفاع در محیط به علت ارتفاع کوه‌ها، صعب‌العبور بودن و ... مشکل‌هایی به دنبال دارد.

۲- مرزهایی که در امتداد مسیر رودخانه، کانال و یا دریاچه علامت‌گذاری می‌شوند: استفاده از رودخانه برای تعیین خط مرزی در مقایسه با رشته کوه دارای دو مزیت است، یکی وجود مسیر مشخص بر روی نقشه و دیگری پهنای کم رودخانه در مقایسه با رشته کوه. بحثی که در مورد رودخانه‌ها باید توجه داشت این است که در مواقع تعیین حدود، در معاهدات مرزی معمولاً باید ذکر کرد که آیا خط مرزی از تالوگ رودخانه، یعنی از عمیق‌ترین قسمت بستر رودخانه عبور می‌کند یا از وسط رودخانه، که در این صورت خط میانه بستر رودخانه خواهد بود. معمولاً بهترین مرز خطی است که از تالوگ رودخانه عبور کند، چون در این صورت هر دو طرف می‌توانند از قسمت کشتیرانی رودخانه استفاده کنند. در حالی که اگر خط مرزی از وسط رودخانه بگذرد ممکن است عمیق‌ترین قسمت رودخانه در خاک یک کشور باقی بماند و کشور دیگر از کشتیرانی محروم بماند. (لازم به ذکر است که این مرز جزء مرزهای آبی کشور می‌باشد).

۳- مرزهایی که از میان بیابان، جنگل و یا باتلاق عبور می‌کنند: اهمیت این گونه عوارض طبیعی مربوط به وسعت زیاد و کمی جمعیت آنها است.

ب) مرزهای هندسی: در بسیاری از کشورها، جایی که استفاده از عوارض طبیعی برای تعیین خط مرزی ممکن نیست از خطوط نصف‌النهارات و مدارات و یا خطوط مستقیم و مدور استفاده می‌کنند، این گونه مرزها را مرزهای هندسی گویند. اگر چه این مرزها را به آسانی می‌توان بر روی نقشه و زمین مشخص کرد ولی چون معمولاً بدون توجه به سیمای فرهنگی منطقه

تعیین می‌شوند، اغلب باعث بروز کشمکش‌های سیاسی میان دو حکومت ذی‌نفع می‌شوند و از طرف دیگر تاسیس و نگهداری این گونه مرزها مستلزم صرف هزینه هنگفتی است. مانند: مرز بین ایالات متحده آمریکا و کانادا که توسط مدار ۴۹ درجه عرض شمالی تعیین شده است (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۴-۶۲).

دکتر مجتهدزاده مرزها را در جهان سیاسی کنونی به صورت زیر دسته‌بندی می‌کند:

۱- مرزهای طبیعی: این گونه مرزها در امتداد عوارض طبیعی یا جغرافیایی، مانند: کوه، دره، رودخانه و در طول کرانه‌ها یا میانه دریاها پدید می‌آیند. بدین ترتیب، مرزهای طبیعی یا مرزهای خشکی در امتداد کوه‌ها و دره‌ها و در میان صحراها و در امتداد زمین‌های کشاورزی و غیره ترسیم می‌شود و مرزهای آبی در امتداد رودها و دریاها تعیین می‌گردد.

۲- مرزهای فرهنگی: این گونه مرزها معمولاً مرزهای جداکننده فرهنگ‌های متفاوت از یکدیگر است و الزامی در اینکه این مرزها بصورت مرزهای سیاسی در آیند و در فضای جغرافیایی علامت‌گذاری شوند، وجود ندارد. اما اگر محدوده فرهنگ‌های متفاوت با محدوده کشورهای جدا از هم تطبیق پیدا کند، مرزهای سیاسی - جغرافیایی جداکننده آن کشورها مرزهای فرهنگی میان آنها نیز شمرده می‌شود.

۳- مرزهای سیاسی: این گونه مرزها جداکننده فلسفه‌های سیاسی یا ایدئولوژی‌ها از هم است و گاه با جدایی‌های معمول سیاسی - جغرافیایی موجودیت‌های جدا از هم سیاسی و یا کشورها تطبیق پیدا می‌کند. ولی گاه پیش می‌آید که این مرزها، مانند مرزهای فرهنگی، چند ملت را در کنار هم از ملت‌های دیگر جدا می‌کند.

۴- مرزهای قومی: این گونه مرزها جداکننده اقوام است. پیرامون‌های انتهایی گستره جغرافیایی یک قوم در هر سرزمینی، مرزهای جداکننده آن قوم از اقوام دیگر است. چنین مرزی ممکن است با مرزهای فرهنگی تطبیق یابد و یا از ذهنیت خارج نشود، ولی آنگاه که یک قوم یک ملت باشد یا چند قوم هم‌ریشه یک ملت را به وجود آورند، مرزهای جداکننده آن ملت از دیگر ملت‌ها مرزهای قومی نیز شمرده می‌شود.

۵- مرزهای تحمیلی: این گونه مرزها، مرزهایی است که مورد پسند قدرتی برتر است و بدون رضایت موجودیت ضعیف‌تر اعمال می‌شود. در گذشته‌های دورتر قدرت‌های جهانی یا منطقه‌ای می‌توانستند مرزهای مورد پسند خود را میان مستعمرات خود یا میان خود و کشورهای ضعیف‌تر تحمیل کنند. در دنیای کنونی، گاه پیش می‌آید که قدرت‌های برتر، در شرایط ویژه، به خود اجازه می‌دهند برای پایان بخشیدن به جنگ و ناامنی میان دو یا چند کشور درگیر در منازعات مرزی و سرزمینی تحمیل کنند. بهترین نمونه این مرز در دنیای کنونی مرز تحمیل شده میان عراق و کویت در سال ۱۹۹۳ است. اگرچه کویت نسبت به این مرزها رضایت دارد، عراق ناراضی خود را نسبت به آن اعلام کرده و این مرزها را تحمیلی خوانده است.

مرز در خط مستقیم از جمله دیگر تقسیم‌بندی‌های مرزی می‌باشد (بی‌اعتنا به عوارض طبیعی و ملاحظات انسانی). این گونه مرز در صحراهای خالی از سکنه، بسیار منطقی است؛ مانند مرزهای میان مصر و لیبی، در سرزمین‌های برخوردار از عوارض طبیعی، بویژه در مناطق مسکون، ترسیم چنین مرزهایی غیر منطقی است و سبب ایجاد مسائل و دشواری‌های گوناگون در روابط بین‌الملل می‌شود، مانند مرز مستقیمی که ژنرال فخرالدین آلتای ترک در بخش جنوبی خراسان میان ایران و افغانستان ترسیم کرد و سبب مشکلات فراوانی در روابط این دو کشور شده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۹).

۳-۲-۳- کارکردهای مرز:

کارکردهای مرز در چهار گروه دفاعی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قابل تقسیم است که به جهت اهمیت موضوع به این موارد اشاره می‌کنیم:

- ۱- کارکرد دفاعی: دفاع یکی از قدیمی‌ترین کارکردهای مرزها و سرحدات است. این که مرزهای بین‌المللی نقش و کارکرد دفاعی دارند به ما مفهوم سرحدات طبیعی را نیز می‌دهند. تمام مرزهای سیاسی نمی‌توانند به عنوان سرحدات دفاعی عمل کنند. فقط آنهایی که دارای مشخصات طبیعی هستند می‌توانند چنین نقشی را داشته باشند (همالیا مثال بسیار خوبی برای این قضیه است). موفقیت‌های چنین سرحداتی همواره بستگی به قدرت دولت‌ها داشته است. در دنیای امروز به دلیل توسعه ادوات جنگی، دیگر مرزها حتی اگر به صورت فیزیکی قابلیت‌های قبلی را داشته باشند، کارکرد دفاعی خود را از دست داده‌اند و گفته می‌شود که کوه‌ها و مرزهای طبیعی مانعی برای حمله به خارج از مرز نیستند. امروزه ناپیوستگی زمین و دریا، جایگزین پیوستگی هوایی شده است. در عین حال سلاح‌های مخرب می‌توانند هر نقطه از زمین را مورد حمله قرار دهند.
 - ۲- کارکرد سیاسی: نظام سیاسی بین‌المللی از تعدادی زیر نظام تشکیل شده است که در بین آنها کشورهای دارای اقتدار از اهمیت بیشتری برخوردارند. از آنجایی که هر یک از این زیر نظام‌ها به وسیله خطوط مرزی از دیگری جدا می‌شود، خطوط مرزی در نظام بین‌المللی اهمیت فراوانی دارند. هر کشوری به عنوان یک زیر نظام سعی می‌کند تا از نفوذ سیاسی که به امنیت و اعتبار آن خدشه وارد می‌نماید، جلوگیری کند و مرزهای بین‌المللی نیز در این ارتباط به کمک کشورها می‌آیند. البته کارایی و نقش از مرزی به مرز دیگر متفاوت است. مرزهای بین‌المللی پدیده مهاجرت را محدود می‌کنند زیرا ایدئولوژی سیاسی این پدیده ممکن است یگانگی کشورها را تهدید کند. مرزها به عنوان سد سیاسی، حرکت فرهنگی مردم را که شامل روزنامه‌ها، مجلات، کتابها، و مانند آن است، محدود می‌سازند. این سرحدات ممکن است به صورت یک فیلتر رنگین عمل نمایند که از گذشتن ایده‌ها و عقایدی که دارای مشخصات مختلف و غیر قابل قبول برای یک نظام سیاسی هستند، جلوگیری می‌کنند. کتابها و روزنامه‌ها باید قبل از اجازه ورود از بازرسی عبور نمایند. بنابراین مرز به عنوان یک خط مصنوعی غیر قابل مشاهده عمل می‌کند. البته در حال حاضر این نقش مرزها نیز با توجه به تکنولوژی ارتباطات تضعیف شده است.
 - ۳- کارکرد اجتماعی: مفهوم مرز اجتماعی در مورد تمام مرزهای سیاسی القا می‌شود زیرا عملاً تمام این مرزها محدوده‌هایی را محصور کرده‌اند که دارای جمعیت‌هایی از لحاظ اجتماعی یکپارچه می‌باشند. از آنجا که تمام کشورها دوست دارند که ویژگی‌ها و مشخصات اجتماعی‌شان را حفظ کنند، مرزها به عنوان یک مانع در تعامل اجتماعی بین کشورهای مجاور عمل می‌کنند.
 - ۴- کارکرد اقتصادی: نظام اقتصاد جهانی به تعدادی زیر نظام مجاور (یعنی کشورها) تقسیم شده است. هر کشور به عنوان یک زیر نظام مجزا دارای سیاست و برنامه‌های اقتصادی خاص خود است. بنابراین مرزهای بین‌المللی هم از لحاظ اقتصادی مهم هستند و هم به عنوان موانع اقتصادی عمل می‌کنند چرا که در مرزها کنترل حرکت و مبادله کالا صورت می‌گیرد. تعرفه‌های گمرکی برای واردات کالاهای قانونی در مرزها پرداخت شود و جلوگیری از قاچاق کالا از این مرزها صورت می‌گیرد.
- همچنین برای جلوگیری از رقابت، ورود کالاهای خارجی با وضع تعرفه‌های گمرکی کنترل می‌شود. اختلاف قیمت در دو سوی مرز نیز تاثیر مشخصی است که نقش اقتصادی مرزها بر روی قیمت کالاها دارد (۱۴۱-۱۴۲: ۱۹۹۰، Dwived, برگرفته از احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۷۸: ۵-۶).
- دکتر حافظ‌نیا کارکردهای مرز را به صورت زیر بیان می‌کند:
- الف) نقش جداکنندگی: مرز بین دو نظام سیاسی، دو حاکمیت، دو فرهنگ و دو ملت، جدایی می‌اندازد.

ب) نقش یکپارچه‌سازی: مرزها سازنده چارچوب فضایی هستند که افراد ملت درون آن آمیخته و یکسان می‌شوند و هویت مشترک پیدا می‌کنند.

ج) تفاوت‌سازی: مرزها تفاوت تجلی فضایی، فیزیکی، سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی دو کشور را نشان می‌دهند.

د) کشمکش: مرزها کانون برخورد دولت‌ها و ملت‌های رقیب و متخاصم مجاور یکدیگرند. وجود تفاوت یا تضاد قومی، نژادی، فرهنگی، دینی، تصرف خاک، امکانات حمل و نقل و منافع اقتصادی، ادعاها و مانند آن می‌تواند آتش درگیری و جنگ را در منطقه مرزی میان دو همسایه برافروزد.

ج) ارتباط: مرزها کانون ارتباط ملت‌ها و دولت‌ها در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ارتباطی و غیره ... با یکدیگرند. این ارتباط به صورت رسمی و غیر رسمی و در زمینه‌های مختلف برقرار می‌شود. ارتباط رسمی از طریق نقاط مرزی به نام گمرک و ارتباط غیر رسمی جای دارد (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۱۹۱-۱۹۰).

۴- یافته‌های پژوهش:

۴-۱- ایران

فضای ساختاری کشور کنونی ایران به گونه‌ای است که با توجه به عواملی همچون قرار گرفتن در داخل فلات ایران و بر سر چهار راه ارتباطی میان سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا (منطقه استراتژیک خاورمیانه)، کریدور شمالی - جنوبی (سازه خلیج فارس و دریای خزر)، اتصال شرقی - غربی اوراسیا، موقعیت نسبی ایران زمین اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی یافته و ۱۵ دولت - ملت مستقل با مرزهای آن همسایه می‌باشند. با توجه به موقعیت نسبی و طبیعی به همراه بهره‌گیری از رنگین کمان قومیتی و فرهنگی متنوع در کرانه‌های شرقی و غربی در حاشیه‌های مرزی ایران کنونی، می‌توان تنها به وحدت طبیعی و انسانی در مرکز کشور اشاره نمود که پیکره و بافت متحد وجودی ایران را برای قرن‌های متمادی رقم زده و خواهد زد.

۴-۲- کردستان

فضای اجتماعی و اقتصادی مناطق کردنشین ایران، با توجه به پیوند ریشه‌های عاطفی، فکری، فرهنگی، نژادی با گره‌گاه‌های اقلیم کردستان عراق و کردستان ترکیه را می‌توان با بهره‌گیری‌های خردمندانه به منظور رشد و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی منطقه‌ای و کشوری، تبدیل به احسن (تبدیل تهدید به فرصت) ملی و کشوری نمود.

۴-۳- کولبران سرمایه‌های فراموش شده

مرزها را نه خط و خطوط مبنای ساختاری و نه استوار می‌سازند، بلکه در واقع خطوطی هستند که روابط عاطفی، فرهنگی و اجتماعی بیشماری را باید به لحاظ ژئوپلیتیک انسانی، در پشت آن جستجو و پیدا نمود. بدون شک، پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، در منطقه خاورمیانه شاهد بیشترین تغییرات ساختاری و شکلی در مرزها بوده‌ایم. در واقع اغلب کشورهای تازه تاسیس در منطقه خاورمیانه مانند عراق، پس از جنگ جهانی اول، بر اثر تجزیه شدن امپراتوری عثمانی به وسیله قدرت‌های پیروز در جنگ جهانی اول و بنا به اراده آنها به وجود آمدند.

در منطقه خاورمیانه، کشور ایران با کشور عراق، بیشترین مرز خاکی را دارا می‌باشد که قسمت آبی آن هم‌مرز با استان خوزستان و خط تالوگ در اروندرود واقع شده است. مرزهای خاکی ایران با عراق، هم‌جوار استان‌های غربی کشور (آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام) است. به لحاظ تاریخی به ویژه تاریخ معاصر، دلیل بیشترین تنش‌های سیاسی میان ایران و عراق، مسائل قومیتی و مرزی بوده که چگونگی تقسیم‌بندی کردها در دو کشور ایران و عراق به آن دامن زده است. این در حالی بوده که کمترین تنش‌های مرزی را با ترکیه داشته و داریم.

یکی از مشکلات کنونی در مرزهای غربی با عراق، جدا از مسائل امنیتی، مسئله اقتصادی است که باید بدان توجه بسیار نمود. در واقع مرزهای خاکی ایران در استان کردستان به دروازه‌ای برای ورود کالاهای درجه چندم چینی به شیوه قاچاق تبدیل شده و این مهم منجر به شکل‌گیری پدیده‌ای نامیمون بنام «کولبری» شده است. کولبران، افراد بومی و محلی شهرها و

روستاهای استان کردستان هستند که از سر ناچاری، بیکاری و فقر برای امرار معاش، با تحمل مشقت و سختی فراوان و با گذر از راه‌های صعب‌العبور و سخت در تابستان و به ویژه در برف و سرمای سخت و طاقت‌فرسای زمستان اقدام به قاچاق می‌نمایند. در موارد بسیاری خستگی و سختی راه باعث مرگ این افراد شده و خانواده‌هایشان را داغدار می‌سازد.

۴-۴- دلایل به وجود آمدن پدیده کولبری

دلایل عمده پیدایش پدیده کولبری در مرزهای استان کردستان با عراق و به ویژه اقلیم کردستان عراق را می‌توان توسعه نامتوازن و عدم شکل‌گیری ساختارهای توسعه، بدون توجه به پتانسیل‌های موجود منطقه‌ای و محلی در این نواحی دانست. در واقع واردات بی‌رویه و بدون برنامه‌ریزی کالاهای خارجی در تمامی مرزهای آبی و خاکی کشور، در کل اقتصاد کشور و به ویژه کارگاه‌ها و صنایع تولید داخلی و به ویژه صنایع سنتی و خانگی نیز را به ورطه نابودی کشانده است.

۴-۵- تبدیل تهدید به فرصت

در شرایط سیاسی و اجتماعی فعلی منطقه خاورمیانه، با بهره‌گیری از پتانسیل‌های طبیعی و انسانی مناطق مرزی در چهار جهت اصلی کشور و توجه ویژه به فضاهای اکولوژیکی و اجتماعی حاشیه‌ای فلات ایران، می‌توان با برنامه‌ریزی‌های عقلانی و خردمندانه در درازمدت و در قالب برنامه‌های توسعه ۲۰ ساله، این تهدیدها را به فرصت‌های طلایی تبدیل نمود. به بیان ساده‌تر، می‌توان با برنامه‌ریزی‌های عقلانی و عملیاتی نمودن درست این برنامه‌ها زیر نظر دست‌اندارکاران و متخصصین امر، فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی بهینه‌ای را که حاصل پیوند ریشه‌های فرهنگی و نژادی قومیت‌های اکولوژیکی ساکن در نقاط گره‌گامی مرزها و به ویژه مرزهای استان کردستان، پدیده کولبری را از میان برده و درآمد بسیاری را برای مرزنشینان و دولت مرکزی به ارمغان آورد.

۵- نتیجه‌گیری

به منظور بهره‌گیری هر چه بیشتر و اصولی‌تر از تمام نقاط مرزهای آبی و خاکی کشور و بخصوص در استان کردستان، باید از واردات صرفاً مصرفی که رمق از تولیدات داخلی بریده است، جلوگیری بعمل آید. و بجای آن از پتانسیل‌های کشاورزی، دامپروری و گردشگری و به ویژه گردشگری سلامت، نهایت بهره‌برداری را برده تا رونق اقتصادی در تمامی سطوح کشور مستولی و تداوم یابد.

تولیدات داخلی در منطقه کردستان همراه با تولیدات داخلی سایر نقاط کشور را باید با زمینه‌سازی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب در سطح کلان ملی بار دیگر رونق داد. برنامه‌ریزی‌ها و توسعه زیرساخت‌ها را باید از بخش‌های فرهنگی، تبلیغاتی، خدمات پس از فروش کالاهای داخلی، ایجاد شعبات گردشگری، گردشگری سلامت، شعبات و نمایندگی‌های تولیدات وطنی از اقلام خوراکی، پوشاک، مبل و... و از طریق سامانه‌های الکترونیکی و با هوشمندسازی و بروزرسانی صادرات در مرزهای داخلی و خارجی، حل و فصل و اجرایی نمود.

در راستای انجام این مهم می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

- ۱- در نظر گرفتن تخفیف و کم کردن تعرفه‌های گمرکی
- ۲- در نظر گرفتن مشوق‌های بانکی با اعطای تسهیلات و وام‌های کم‌بهره و بلاعوض و بخشش بهره‌ها و بدهی‌های بانکی
- ۳- توسعه معابر و گلوگاه‌های مرزی برای صادرات بهتر و بیشتر کالاهای ایرانی با واردات کالاهای خارجی ضروری و مورد نیاز که در داخل کشور تولید نمی‌گردد
- ۴- ارائه یک تعریف قانونی از کالای قاچاق و قاچاقچی و مبارزه با قاچاق کالا
- ۵- برگزاری همایش‌های علمی - پژوهشی از طرف دانشگاه‌های استان‌های مرزی به ویژه کردستان، با حضور اساتید و شخصیت‌های علمی و دانشگاهی، کشوری و لشگری در زمینه‌های مختلف صادرات و واردات، مشکلات مرزی و...

به این ترتیب دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی‌های عقلانی و مدون و عملیاتی نمودن آن، نبض اقتصادی و امنیت معیشتی و اجتماعی مردمان مرزهای غربی را با صادرات کالاهای تولید داخل در دست گرفته و به منظور دست‌یابی به توسعه متوازن در سطوح منطقه‌ای و کشوری برای صادرکنندگان و مرزنشینان غیور کشوری به همراه تولیدکنندگان داخلی وطنی تسهیلاتی را در نظر بگیرد که این امر در درازمدت منجر به سودآوری و درآمدزایی برای دولت خواهد شد. بدین معنا که دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی درست از پتانسیل‌های موجود در مرزهای غربی نهایت بهره‌برداری را برای رونق و توسعه اقتصادی هر چه بیشتر کشور برده و از شکل‌گیری پدیده «کولبری» که جایگزینی نامیمون برای رفع معضل بیکاری جوانان و فقر سایر اقشار مردم استان کردستان است به جد جلوگیری بعمل آورد.

بنابراین دولت باید واژه شغل کاذب و نامیمون کولبری (که در شان و شخصیت مرزنشینان و مرزبانان بی‌ادعای این دیار اسلامی نبوده و نیست) را با تغییرات ساختاری و شکلی اساسی و مسئولانه از بین ببرد تا صادرکنندگان، تجار، فروشندگان، بازاریابان کالاهای ایرانی و وطنی به همت اقدامات عملی و با برنامه‌ریزی‌های کوتاه، میان و بلندمدت، به‌همراه تسهیلات و کمک‌های مادی و معنوی دولتی و تولیدکنندگان داخلی مراکز کوچک و بزرگ مقیاس با ارتقاء بخشی و شکل‌دهی واقعی و خاص در خور شأن مردمان کردستان ایران روی دهد.

۵-۱- پیشنهادات و راهکارها

- ✓ احداث و تاسیس منطقه آزاد تجاری - صنعتی
- ✓ احداث و تاسیس دانشگاه‌های بین‌المللی در شهرهای بزرگ استان کردستان با هدف جذب دانشجو از اقلیم کردستان عراق و ترکیه
- ✓ احداث و تاسیس نمایشگاه‌های متنوع بومی و منطقه‌ای به منظور جذب گردشگر
- ✓ احداث و تاسیس بیمارستان‌های فوق تخصصی و تجهیز شده با هدف توسعه گردشگری سلامت
- ✓ احداث بازارچه‌های مرزی نزدیک به نقاط صفر مرزی
- ✓ تسهیل در قوانین تردهای بین مرزی و...
- ✓ توسعه و رونق امکان گردشگری طبیعی - انسانی به منظور توسعه صنعت گردشگری.

باید اذعان داشت که با توجه به ارائه راهکارها و برنامه‌های عملیاتی مذکور، نیاز به گذر از مجاری قانونی براساس ماده واحدهای قانونی پشتیبانی برای عملیاتی شدن این طرحها، پروژه‌ها و برنامه‌های ذکر شده در نقاط مرزی ایران، الزامی است. در این راستا ضروری است که نمایندگان محترم یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، از تمام پتانسیل‌های طبیعی - انسانی مناطق و نقاط گره‌گامی مرزی واقع در این استانها، بخصوص مناطق گردنشین با توجه به امکانات و اختیارات قانونی که در اختیار دارند، به نحو احسن راهی برای رسیدن به منافع ملی، و رشد و توسعه و شکوفایی مناطق مرزی و داخلی کشوری باشد بیابند. تهدیدات بیشمار موجود در مناطق مرزی که امروزه، کشور با آنها دست به‌گریبان است را به فرصت تبدیل نموده و با توجه به شرایط فعلی تحریم‌های ظالمانه و یکجانبه و بیماری همه‌گیر کووید-۱۹، پتانسیل‌های بالقوه مناطق مرزی بصورت بالفعل درآمدی و از این طریق منزلت، جایگاه و وزن ژئوپلیتیکی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، منطقه‌ای کشور افزون گردد.

منابع

- احمدی پور، زهرا و همکاران (۱۳۸۷)، تاثیرات اقتصادی و اجتماعی بازگشایی مرزها، نمونه موردی: بخش باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۶۵.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۳)، نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه حقوق و سیاست، شماره ۳.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱)، نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جردن، تری و لستر روانتری (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
- جان پرور، محسن (۱۳۹۶)، نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول و نظریه‌ها)، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- درایسدل، آلاسدایر و جرالدا اچ بلیک (۱۳۷۳)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- شکویی، حسین (۱۳۸۱)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، تهران: چاپ پنجم.
- میرحیدر، دره (۱۳۷۱)، مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵)، جزوه منتشر نشده درس نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک. دانشگاه تربیت مدرس.
- هاگت، پیتر (۱۳۷۵)، جغرافیای ترکیبی نو، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران: انتشارات سمت.
- Dwived, R.L.(۱۹۹۰). Functionals of Political Geography. Chaltanya Publishing house. University of Allahabad.
- Hagerstrand, T. (۱۹۶۸). Innovation Diffusion as a Spatial Process university of Chicago Press.
- Glassner, Martin. (۱۹۹۲). Political Geography.
- Newman, David and Paasi, Anssi. (۱۹۹۸). Fences & neighbors in the post midran world. Human geography.

نقش آب در آمایش سرزمین و امنیت مناطق مرزی مورد مطالعه: مرزهای شرقی کشور، (محدوده سیستان و بلوچستان)

دکتر سهراب عسگری^۱، معصومه چنور^۲، فاطمه ساجدی فر^۳

۱- عضو علمی گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور تهران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آمایش سرزمین پردیس فارابی، دانشگاه تهران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد آمایش سرزمین پردیس فارابی، دانشگاه تهران

*نویسنده ی مسئول: sohrabasgari@yahoo.com

چکیده

یکی از عرصه‌های نوین در مطالعات برنامه‌ریزی برای توسعه کشور، مناطق مرزی هستند. هر چند از گذشته تاکنون ابعاد گوناگون مسائل و مشکلات مربوط به این مناطق به طور پراکنده مطالعه شده است؛ اما آمایش مناطق مرزی با این عنوان، تاکنون نه تنها جایگاهش در نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور تبیین نشده، بلکه ابعاد و ویژگی‌های آن نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. امنیت و آرامش مرزهای سیاسی از عواملی است که به توسعه هر کشوری منجر می‌شود. در سال‌های اخیر برخی اقدامات کشور های همسایه یا کشور های فرا منطقه ای، در مناطق مرزی ایران، زمینه های نا امنی را فراهم کرده است. سیستان کنونی دربرگیرنده بخش میانی سرزمین‌های خاوری ایران که در ۸۱۱۷ کیلومتر مربع گسترده شده است سرزمین تقریباً همواری است که از ته نشست های رودخانه هیرمند شکل گرفته که مهمترین منبع آبی جلگه سیستان می باشد. این رودخانه از دیرباز اهمیت زیاد و نقش تعیین کننده‌ای در حیات اقتصادی اجتماعی سیاسی و فرهنگی منطقه سیستان داشته و امروزه نیز در حیات زیستی ساکنین سرزمین دارای اهمیت راهبردی است. نقش هیرمند برای منطقه سیستان مانند نقش رود نیل برای مصر است و سیستان بدون هیرمند قادر به ادامه حیات نخواهد بود خشکسالی چند سال اخیر و قطع رودخانه از سوی زمامداران افغان پیامدهای سیاسی امنیتی و اقتصادی- اجتماعی چون ، نابودی زیست بوم دریاچه هامون ، ویرانی و گاه کاهش وسعت زمین های کشاورزی و بنیادهای معیشتی از بین رفتن پوشش گیاهی ، گسترش مهاجرتها ، ناامنی و بزهکاری های اجتماعی منطقه سیستان را به دنبال داشته است با توجه به نوسان آب رودخانه هیرمند و وابستگی شدید ناحیه سیستان به رودخانه هیرمند در مقاله حاضر در صدد آن هستیم که با روش توصیفی تحلیلی به شناسایی بررسی و تحولات رودخانه هیرمند و امنیت آن منطقه بپردازیم.

کلمات کلیدی: امنیت، سیستان بلوچستان، رود هیرمند، آمایش سرزمین

۱- مقدمه

آب منشاء حیات بر روی کره زمین است که امکان یافتن جایگزین برای آن وجود ندارد. در یک قرن گذشته با افزایش جمعیت و نیاز به تولید مواد غذایی بیشتر به همراه بهبود شرایط زندگی و پیشرفت های صنعتی مصرف آب افزایش یافته که منجر به کاهش سرانه آن گردیده است. مصرف آب در سطح جهان سریعتر از جمعیت افزایش می یابد. منابع آب بطور یکسان در سطح کره زمین توزیع نشده. افزایش نیاز به آب در کشورهای جهان تنش های جدیدی بر سر مساله تصاحب منابع آب بوجود آورده است. رودخانه ها یکی از منابع دسترسی به آب تازه برای مصارف انسانی می باشند تعداد زیادی از رودخانه های در فضای سرزمینی بیش از یک کشور جریان دارند که اختلافهای بین کشورهای حوضه این رودها برای استفاده از آب وجود دارد. (Braden, K, Shelly ۲۰۰۰:۱۰۸)

تأمین امنیت در مناطق مرزی و اعمال حاکمیت مقتدرانه و لزوم ایجاد و حفظ این مقوله، یکی از مهم ترین مسائل مهم و اصولی هر کشور است. بی شک داشتن مرزهای مطمئن و واپایش شده، بدون تنش و بحران در مناطق مرزی در برقراری امنیت و اعمال حاکمیت دولت در هر کشوری، نقشی بسیار کلیدی و هدایت کننده داشته و از سوء استفاده و دخالت های دشمنان داخلی و خارجی می کاهد. در حال حاضر یکی از مشکلات عمده کشورها منابع محدود آب است. بحران آب در گذشته به علت کم بودن جمعیت به اندازه امروز محسوس نبود، ولی امروزه با افزایش روزافزون جمعیت و نیاز بشر به غذای بیشتر این بحران بیش از گذشته مشهود است.

رودخانه های مرزی به عنوان یکی از منابع تأمین کننده آب، نقشی تعیین کننده در توسعه کشاورزی و به دنبال آن توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورها دارند که خشک شدن یا کم شدن آن ها، هستی انسان ها را به خطر می اندازد و باعث زیان های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می شود.

یکی از رودخانه های مرزی که اهمیت فوق العاده ای برای کشور ما دارد، رودخانه مرزی هیرمند است. رودخانه هیرمند به عنوان یکی از منابع مهم تأمین آب سیستان و بلوچستان، در واقع شاهرگ حیاتی این استان محسوب شده و این استان وابستگی زیادی به جریان آب این رودخانه دارد. به دلیل اهمیت رودخانه هیرمند برای استان و وابستگی این استان به آب این رودخانه، مسئله هیرمند اهمیت فراوانی دارد به طوری که می توان اذعان کرد، این مسئله به مسئله ای ملی تبدیل شده است. در این رابطه کاهش و یا قطع جریان آب هیرمند به داخل کشورمان طی سال های اخیر، نه تنها توجه و نگرانی افکار عمومی را نسبت به بروز فاجعه د ای زیست محیطی در استان سیستان و بلوچستان ر پی داشته، بلکه این امر به دغدغه است ای جدی برای مسئولان سیاست خارجی و نهادهای ذیربط تبدیل شده. رودخانه هیرمند با توجه به موقعیت جغرافیایی که دارد، در دهه های گذشته یکی از عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و افغانستان بوده است؛ به طوری که در مقاطع مختلف زمانی باعث بروز بحران های مقطعی بین دو کشور شده و روابط دو جانبه دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است. اگرچه سال های زیادی است که بودن مرزهای بین المللی میان ایران و افغانستان در میانه شاخه اصلی رود هیرمند در سیستان مورد پذیرش دو کشور همسایه قرار دارد؛ اما اختلاف بر سر نحوه تقسیم آب رودخانه هیرمند و دیگر حقوق مربوط به این رودخانه بین المللی هنوز حل نشده است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۸، ص ۳۳)

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پیشینه داخلی

در زیر به چند پیشینه ای که در ارتباط با موضوع پژوهش می باشد، اشاره می کنیم. از این رو، بررسی پیشینه پژوهش می تواند کمک قابل توجهی به محقق در فرایند پژوهش نماید.

جوادی ارجمند و بیدالله خانی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی» به این تحقیق پرداخته و نتیجه این کار پژوهشی بر این بنیان استوار است که مهم ترین متغیر در روابط بین ایران و پاکستان بعد از انقلاب اسلامی به طور عام و پس از ۱۱ ستامبر به طور خاص عامل امنیت استراتژیک در محیط ژئواستراتژیک در منطقه است. در واقع، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دو طرف و مسائل امنیتی بین آنها، روابط فی ما بین دو کشور و نگاه استراتژیک سیاست گذاران دو طرف به یکدیگر در زمینه های مختلف از مجرای محیط ژئواستراتژیک امنیتی و افزایش توان امنیتی خود در منطقه است.

محمدی و احمدی (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «تحلیل دوسطحی از ژئوپلیتیک واگرایی روابط ایران و پاکستان، سناریوهای آینده این روابط و ارائه راهکارهای همگرایی» به روابط واگرایی و همگرایی بین ایران و پاکستان در آینده پرداخته اند که در این پژوهش، عوامل واگرایی دو کشور به دو سطح اصلی (عواملی که به طور سنتی در واگرایی دو کشور دخیل اند) و هم تکمیلی (نقش اساسی عربستان سعودی در روند واگرایی دو کشور، اختلافات دو کشور در افغانستان، نوع برخورد و منطق ایران در منازعات هند و پاکستان) تقسیم شده اند. با تبیین و تحلیل های انجام گرفته در پژوهش مذکور، زمینه های واگرایی روابط، براساس تلفیقی از سطوح مزبور، سناریوهایی را در جهت همگرایی دو کشور ارائه داده است. سناریوهای پیشنهادی عبارت اند از: ۱) لزوم تنش زدایی روابط ایران با عربستان سعودی؛ ۲) اهمیت جایگاه (انرژی) ایران در روند همگرایی هند و پاکستان ۳) اهمیت حل بحران سیاسی افغانستان؛ ۴) مشارکت دوجانبه در سازمان های منطقه ای و جهانی. عندلیب (۱۳۸۸) در مطالعه ای با عنوان توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی به این نتایج دست یافته است که توسعه و امنیت در مناطق مرزی لازم و ملزوم یکدیگر است. آمایش مناطق مرزی سعی دارد موانع را مرتفع نماید و با ارائه نوعی برنامه-ریزی فضایی-راهبردی، توسعه یکپارچه و پایدار ملی را تحقق بخشد.

۲-۲- پیشینه خارجی

(Portnow & Pearlneeller, ۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان (Sustainable urban growth in peripheral areas) عنوان کرده که شرایط رکود اقتصادی ناشی از کارکرد بازدارندگی مرزها از مهم ترین عوامل مؤثر بر ناپایداری رشد جمعیت در این نواحی به شمار می رود.

(Herzog, ۱۹۹۱) در پژوهشی با عنوان (Cross national urban structure in the era of global cities: the US .Mexico trans frontier Metropolis) عنوان کرده بر اساس یافته های تحقیق، ظهور مراکز شهری در امتداد مرزهای بین المللی منعکس کننده یک الگوی ادغام تدریجی مناطق مرزی در چرخه اقتصادی و مالی نظام سیاسی- اقتصادی جهانی است. شهرهای فرامرزی، ساختار و تشکیلات خود را مدیون نقش در حال تغییر مرزهای بین المللی می دانند.

۳- شیوه پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، روش کتابخانه ای، اینترنتی و میدانی است.

۴- بیان مفاهیم و ادبیات پژوهش

در این بخش از مقاله ضرورت دارد، تعاریف و مفاهیم واژه‌ها عبارت‌هایی که در مباحث مربوط به آمایش و امنیت و آب به کار می‌رود را بازنگری و یادآوری کنیم، تا مفاهیم مشترکی از این عبارات‌ها به دست آوریم و بر اساس آنها بتوانیم مفاهیم مشترکی از موضوعات را ارائه دهیم.

۴-۱- امنیت

امنیت از مقوله‌های اساسی است که وجود آن در تمام ابعاد زندگی بشری به گونه‌ای قابل لمس و مؤثر احساس می‌شود و از دیرباز تاکنون در حیات انسانی منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوان شده است. ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد امن است. این واژه را به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف، تفسیر تعریف و ترجمه کرده‌اند. (اخوان کاظمی، بی تا: ۱۰). امنیت در فرهنگ لغت دهخدا چنین آمده است. خوفی و امن، ایمنی، ایمن شدن و در امان بودن است. (دهخدا، ۱۳۴۲). امنیت در لغت فراغت از هرگونه تهدید، حمله و آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند (آشوری، ۱۳۷۰: ۲۸). امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج داشته باشند. عناصر اصلی، که تقریباً در تمام تعاریف امنیت مشاهده می‌گردند، ارزش‌ها، خطرات یا تهدیدات هستند. هم ارزش‌های عمومی و هم تهدیدهای عمومی، احتمالاً به امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله به ارزش‌ها را معین می‌نماید. این دو وجهی بودن مفهوم امنیت در تعاریف لغت‌نامه‌ها، که از یک سو به معنای ایمنی، استواری و نفوذناپذیری، قابلیت اعتماد، اطمینان از عدم شکست، و از سوی دیگر، به معنای عدم اضطراب از تشویش و خطر اشاره دارد، منعکس است. از این رو تعریف واحد و مطلق از امنیت وجود ندارد و این واژه دارای یک مفهوم ذاتاً نسبی است. پس با توجه به اختلاف مفهومی بسیاری که درباره تعریف امنیت وجود دارد، با در نظر گرفتن همه موارد، می‌توان دریافت که امنیت یعنی آزادورها بودن از خشونت اعمال شده توسط دیگران؛ این کامل‌ترین تعریفی است که تقریباً جامع تمام تعاریف نیز هست. امنیت از دوران کهن مهم‌ترین دغدغه انسان‌ها بوده است. از زمان انسان‌های اولیه، امنیت به عنوان اساسی‌ترین رکن زندگی پس از آب و غذا مطرح بوده است. شاید غارنشینی انسان‌های اولیه به عنوان اولین تحول زندگی انسان روی کره زمین در پی این نیاز بوده است تا ماوا و مأمنی برای دوری از خطرات دائمی زندگی ایجاد کنند. دوشادوش سایر ابداعات بشری که برای بهبود شرایط زیست انسان‌ها صورت می‌گرفت، راه‌های ایجاد امنیت نیز ارتقا یافت و انسان‌ها به دنبال ایجاد راهکارهایی برای افزایش امنیت زندگی اجتماعی خود برآمدند. امنیت زیربنای تأمین سایر مایحتاج می‌باشد که فقدان آن ابتدا به روان‌پریشی اجتماعی منتهی شده و در پریشان‌حالی و عدم آرامش، انتظار تأمین مایحتاج دیگر حتی در حد برنامه ریزی اولیه نمی‌رود. از این رو دغدغه اصلی یک حکومت تأمین امنیت است، چراکه در صورت توفیق در این تأمین از یکسو شایستگی و صلاحیت حکومت به اثبات می‌رسد و از سوی دیگر زمینه جلب مشارکت عمومی برای هر در دوران مدرن تأمین امنیت نوع همکاری با حکومت و برنامه ریزی‌های بعدی فراهم می‌شود. حکومت جمهوری اسلامی در عمر چهل ساله خود امتحانات متعددی را در کارکرد محافظت داده است، جنگ تحمیلی و مقابله با گروهک‌های متعدد، آشوب‌ها و حرکت‌های قومی و توطئه‌های متعدد نمونه‌ای از این وقایع است. مناطق مرزی شرق و جنوب شرق کشور ایران از ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و قومی خاصی برخوردارند که این ویژگی‌ها به خودی خود تهدید محسوب نمی‌شوند؛ بلکه به عنوان زمینه و بستر برای تأمین امنیت و یا تحلیلی بر عملکرد جمهوری اسلامی ایران در ساماندهی محدوده فضایی جنوب شرق ایران بالعکس نامنی عمل می‌کنند. زمینه‌ها شامل ویژگی‌های جغرافیایی، جمعیتی می‌شود و تهدیدها شامل تروریسم و شرارت، مواد مخدر و تبهکاری‌های سازمان‌تنش، یافته‌های قومی-مذهبی، حضور عوامل خارجی در منطقه بنیادگرایی، قاچاق کالا و ارز، قاچاق اسلحه، فرار مجرمین از مرزها و... می‌باشد. البته همه این تهدیدهای امنیتی به نوعی با

همدیگر در ارتباط هستند؛ به عنوان نمونه مواد مخدر، بنیادگرایی و حضور نیروهای خارجی باعث تقویت تروریسم شده و تروریسم با گسترش بنیادگرایی و مواد مخدر در ارتباط است (امیری، ۱۳۹۶: ۴۳-۴۴).

۴-۲- آمایش سرزمین

در فرهنگ های لغت، آمایش به معنی آراسته کردن آورده شده که در تمامی رویکردها و برداشت ها از آمایش می تواند مصداق داشته باشد اما معنوی لغوی آن در فرانسه Amonagement معادل Management در زبان انگلیسی است. بنابراین، معنی آمایش مدیریت سرزمین است. آمایش در واقع یک نوع برنامه ریزی توسعه است. اگر چه صرف نظر از توسعه و ارایه هر نوع تعریف و برداشتی از آن، نمی توان از آمایش صحبت به میان آورد. اما تاکنون، به دلیل کارهای متفاوت و جدا از هم که در جهان در رابطه با موضوعات مرتبط با این رشته از دانش صورت گرفته است، برداشت های متفاوتی از آمایش شده است. مهم ترین و مرتبط ترین این برداشت ها عبارت است از:

- بهترین توزیع جغرافیایی فعالیت های اقتصادی (فرهنگ لغت لاروس به نقل از عندلیب ۱۱: ۱۳۸۰)
- مطلوب ترین توزیع ممکن جمعیت و فعالیت (ژان پل لاکاز، ۱۹۹۵، به نقل از عندلیب، ۱۱: ۱۳۸۰)
- برنامه ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت (مشاوران ستیران، ۱۳۴)

اما آمایش در تعریفی متأثر از دیدگاه محیط زیستی عبارت است: "فعالیت تنظیم روابط بین انسان، سرزمین و فعالیت های انسان و به منظور بهره برداری درخور و پایدار از جمیع امکانات انسانی و فضایی سرزمین در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماعی در طول زمان (مخدوم، ۱۳۷۴)

در سال های اخیر، با توجه به تحولات اساسی که در مورد مفهوم فضا صورت گرفته است، مفاهیم مربوط به آمایش سرزمین دگرگون شده است. بسط مفهوم فضا که عمدتاً در یک دهه اخیر از جمله در تداوم کارهای "مانوئل کاستلز" و "دیوید هاروی" صورت گرفته است باعث شده مفهوم ایستایی خود را که حفاظت از محیط زیست برای بیش از یک دهه به آن داده بود، از دست داده و امروز مفهوم پویایی بیابده که به این صورت فضا را می توان تولید و مبادله کرد و از تولید و مبادله آن، ارزش افزوده به دست آورد. (هاروی، ۲۰۰۹: ۴۳ و ۱۳۸۷: ۴۲۹-۲۰۰۹; Castells).

۴-۳- مفهوم مرز

از جمله مفاهیمی است که در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوتی پیدایمی کند. مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها، و یا ذهنی به کار می رود؛ مانند مرزهای عقیدتی و همچنین می تواند باز، بسته یا ضعیف و قوی یا باشد (عزتی، ۱۳۶۸؛ Hansen, ۱۹۷۸; Jones and [Wild, ۱۹۹۴; Buchanan).

۴-۴- مفهوم مناطق آمایش مرزی

بر اساس آنچه در بالا گفته شد، آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه ریزی است که توسعه را با امنیت و نیازهای مناطق مرزی، در چارچوب شرایطی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند می دهد و راه کاری برای توسعه مناطق مرزی معرفی می کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می شود. (عندلیب ۱۴: ۱۳۸۰ و ۲۹: ۱۳۷۹).

بنابراین، گرچه آمایش مناطق مرزی یک نوع فن برنامه ریزی است، اما خود پایه بر متدهای نظری و متدولوژی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی های مناطق مرزی، موانع توسعه و یا امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آنها راه حل های یکپارچه ای ارایه می دهد تا اهداف توسعه و امنیت در مناطق مرزی را بر یکدیگر منطبق سازد. بر اساس

این توضیحات که برای آمایش مناطق مرزی داده شد، می‌تواند "آمایش" را نوعی برنامه ریزی راهبردی - فضایی و "مرزی آمایش مناطق" را نوعی برنامه ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشورها، دانست.

انسان و جمعیت در سیستان و بلوچستان

بررسی شاخص‌های مختلف آماری کشور نشان دهنده ی تفاوت‌های آشکار بین سیستان و بلوچستان با دیگر مناطق کشور است. بررسی شاخص با سواد با نرخ ۵۷/۱، با سواد زنان با نرخ ۴۸/۷۷، بالاترین نرخ بیکاری کشور با رقم ۲۶/۷، و پایین‌ترین نرخ شهرنشینی بعد از هرمزگان با نرخ ۱۲/۴۶، پایین‌ترین نرخ‌های موجود در بین استان‌های کشور می‌باشد. جمعیت سیستان و بلوچستان طی دهه‌های اخیر روبه فزونی نهاده و میانگین رشد آن ۱۵/۳ برآورده شده است که این خود رقم بالایی است. مهاجرت از روستاها به شهرها افزوده شده و بر بافت جمعیتی سرزمین تأثیر گذاشته است. این جمعیت اگرچه نسبت به وسعت استان (جمعیت نسبی) زیاد نیست اما به لحاظ ارزش جمعیت نسبی بر حسب منابع و امکانات اقتصادی موجود استان، زیاد می‌باشد و هم‌اکنون این عامل باعث شده که بسیاری از منابع، به جای آنکه صرف عمران و توسعه شوند، صرف هزینه‌های غذایی و بهداشتی و آموزشی می‌گردد. سن امید به زندگی یکی از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی به شمار می‌رود، افزایش این سن بر روی توسعه‌ی سرزمین‌ها و مناطق مختلف کشور نقش بسزایی دارد و بر روی مجموع عواملی که برای رشد سرزمین‌ها مورد نیاز است اثر می‌گذارد. سیستان و بلوچستان از پائین‌ترین سن امید به زندگی در کل کشور برخوردار است. این موارد می‌تواند به عنوان عامل منفی در توسعه استان به حساب آید. (ابراهیم زاده، عیسی، ۱۳۸۰: ۱)

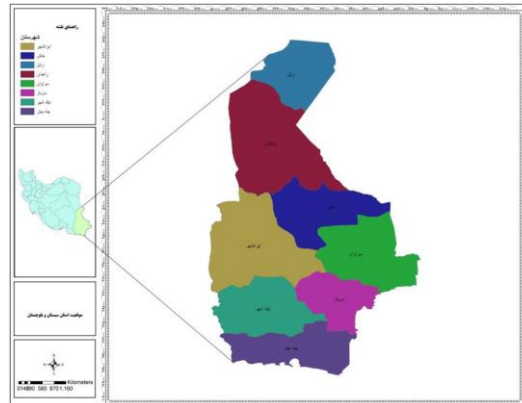
۴-۵- آب انبار

مخازن ذخیره آب به دو دسته‌ی حوض‌ها و استخرها بر روی زمین و آب‌انبارها در زیرزمین تقسیم می‌شوند. گاهی مخازن ذخیره آب وظیفه نگهداری آب چشمه‌ها و قنات‌های کم‌آب را با مقاصد خاص کشاورزی به عهده دارند. آب‌انبار مخزن سرپوشیده‌ای است که در دل زمین ساخته می‌شود و از طریق یک نهر، رواناب‌های خروجی حوزه آبخیز و یا منابع آب دیگر به آنجا منتقل شده تا مورد استفاده قرار گیرد. بیشتر آب‌انبارها در قدیم از سنگ و ساروج ساخته می‌شد که هنوز هم در برخی نقاط وجود دارد. (حقانی، قاسم، ۱۳۸۱: ۹) هدف اصلی احداث آب‌انبارها، ذخیره آب برای مصارف شرب، مصارف خانگی و کشاورزی است که خود به موقعیت مکانی محل آب‌انبارها بستگی دارد. بدین معنی که مازاد باران را در محل‌هایی به نام آب‌انبار ذخیره می‌کنند و برای تامین نیازهای کاروان‌ها، دهات و غیره بکار می‌رفته است که نمونه‌های آنها در کنار کویرها، بیابان‌ها، دشت‌های خشک و گرم جنوب ایران به صورت سرپوشیده موجود است. به علاوه در کاهش رواناب‌ها نیز می‌توانند موثر باشند. این روش در شرایط مختلف آب و هوایی از فراخشک تا مرطوب اجرا شده است ولی عمدتاً مربوط به مناطق خشک می‌باشد. آب‌انبارها مشتمل بر منبع ذخیره آب، راه پله، پاشیر و سردر آب‌انبار است. در این نوع سامانه‌ها، به منظور جلوگیری از تبخیر آب‌های جمع‌آوری شده و تنظیم درجه حرارت آب و سایر موارد مربوط به حفظ کیفیت آب، اقدام به مسقف نمودن مخزن نگهداری آب (بطور معمول سقف‌های گنبدی شکل) می‌شده است (عرب، خدای، ۱۳۸۷: ۱۰۹)

۵. منطقه مورد مطالعه

الف) موقعیت سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان در ناحیه جنوب شرقی کشور با ۲۱۰۰ کیلومتر مرزهای آبی و خاکی، دارای موقعیت ممتاز و استثنایی در کشور است. موقعیت حساس جغرافیایی سیاسی، فضای استان را به عنوان یکی از مهمترین محدوده‌های قومی و ملی درآورده است که از لحاظ دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی خارج از تنگه هرمز، و از نظر ترانزیت کالا با کشورهای آسیای مرکزی و پل ارتباطی شمال به جنوب و شرق به غرب، مزیت‌های ویژه‌ای برای استان فراهم آورده است، که می‌تواند در تقسیم‌کار به عنوان دروازه‌ای برای بازرگانی خارجی و به عنوان محدوده‌ای برای توسعه ملی مورد توجه قرار گیرد.



نقشه (۱) موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

استان سیستان و بلوچستان دارای سه امتیاز موقعیتی است که می تواند تأثیر بسزایی در برقراری توسعه این استان داشته باشد: اولاً این سرزمین به دلیل داشتن ساحل با دریای عمان دارای موقعیت بحری از نوع ساحلی است. مسلماً دسترسی به دریا یا برخورداری از موقعیت ساحلی، به منزله داشتن دالانی به سمت جهان خارج خواهد بود که از اهمیت بسزایی برخوردار است. این موقعیت ساحلی، دارای اهمیت ژئواکونومیک بوده و در معادلات ژئوپولیتیک نقش خواهد داشت. ثانیاً این استان متصل به موقعیت بری است. مانند کشور افغانستان و سرزمین های اوراسیا در شمال، که از لحاظ ارتباطی و اقتصادی نیازمند به سواحل جنوبی می باشند. ثالثاً استان سیستان و بلوچستان دارای موقعیت استراتژیکی است و می تواند به مثابه ی پلی بین شمال و جنوب و شرق و غرب ارتباط برقرار نماید. استان سیستان و بلوچستان از طریق موقعیت های ذکر شده این قابلیت را دارد که با جهان خارج در ارتباط باشد، بنابراین، این استان دارای موقعیت هایی اگر از چنین موقعیت هایی به است که بسیار حائز اهمیت می باشد. مسلماً نحو احسن استفاده شود شاهد پیشرفت های چشمگیری از جهت توسعه در سطحی محلی و ملی حتی منطقه ای خواهیم بود. در غیر اینصورت فرصت به کشورهای دیگر از جمله کشورهای همجوار سپرده خواهد شد، تا از این امتیازها استفاده نمایند. استان سیستان و بلوچستان به دلیل داشتن (موقعیت حاشیه ای)، چه در سازمان سیاسی و فضایی کشور و چه در داخل منطقه، شرایط خاصی را متحمل شده است که بیشتر منعکس کننده ی شاخص های منفی است تا مثبت. (انزوای جغرافیایی) منطقه ی بلوچستان اعم از بلوچستان ایران و پاکستان، این واحد جغرافیایی را به یکی از مناطق توسعه نیافته جنوب و جنوب غربی آسیا تبدیل کرده است. بدین ترتیب این استان از لحاظ موقعیتی دارای دو موقعیت کاملاً جدا و متمایز می باشد؛ از یک طرف دارای موقعیت (بری، بحری و استراتژیکی) است که می توان از آن به عنوان یک شاخص مثبت نام برد و از طرف دیگر دارای (موقعیت حاشیه ای) است که می توان به عنوان یک شاخص منفی در نظر گرفت. هرگاه مزیت موقعیت های بحری و بری و استراتژیکی این استان بیشتر خود را نشان دهد و فعال باشد شاخص های منفی موقعیت حاشیه ی کم رنگ شده و غیر فعال میگردد و هرگاه شاخص های مثبت موقعیت ساحلی و بری استراتژیکی این استان کم رنگ شود و یا غیرفعال گردد مسلماً شاخص های منفی موقعیت حاشیه ای فعال می شود. در نتیجه این موارد زمینه ای خواهند شد برای عدم توسعه در استان سیستان و بلوچستان. بررسی شاخص های مختلف آماری کشور، نشان دهنده ی این مطلب می باشد که متأسفانه در حال حاضر موقعیت استان سیستان و بلوچستان نسبت به موقعیت بری موقعیت حاشیه و بحری و استراتژیکی آن برتری دارد. (کریمی پور و همکاران، ۱۳: ۱۳۷۱)

(ب) وسعت و فضا در سیستان و بلوچستان

این استان حدوداً ۱۱/۵ درصد مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده (۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع) و در زمره ی استان های وسیع کشور قرار گرفته است. همانطور یکه میدانیم، یکی از نگرانیهای موجود برای طراحان و کارشناسان امر توسعه، کمبود فضا میباشد در صورتیکه این استان از نظروسعت و فضا دارای پهنه ی وسیعی است، که میتواند زمینه ساز مناسبی جهت ایجاد توسعه اقتصادی گردد. ولی اگر از این ویژگی به درستی استفاده نشود دقیقاً نتیجه عکس خواهد داد و این فضای وسیع زمینه ایجاد توسعه نیافتگی این استان خواهد بود. با توجه به اینکه این استان در زمره ی استانهای وسیع کشور به حساب می آید ولی جزء کم تراکم ترین استانهای کشور قرار گرفته؛ یعنی اینکه بین وسعت و جمعیت این استان تناسبی وجود ندارد. وسعت خاک هر سرزمینی منوط به توسعه ی اقتصادی نیز می باشد. اگر این وسعت همراه با پیشرفت علمی و فنی و توسعه شبکه ارتباطی مناسب نباشد قطعاً زمینه ساز توسعه نیافتگی خواهد شد. (کریمی پور و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۳)

ج) وضعیت توپوگرافی در سیستان و بلوچستان

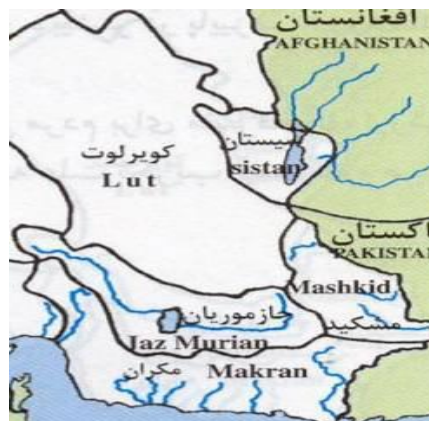
۱) ناهمواری هادرسیستان و بلوچستان

وجود ارتفاعات واقع شده در سیستان و بلوچستان همراه با موقعیت بیابانی و کویری در شمال و غرب این استان از لحاظ اقلیمی سبب ایجاد آب و هوایی خشک و نیمه بیابانی شده است. این امر باعث ایجاد شرایط سخت طبیعی همراه با جمعیت کم و پراکنده خواهد شد. وجود این فضا همراه بادوری از مرکز، باعث دورافتادگی جغرافیایی منطقه شده و به آن موقعیت کاملاً ای داده است به طوری که این استان، سرزمین فقر و عقب ماندگی و اعتیاد حاشیه قاچاق مواد مخدر، گرما و کم آبی شناخته می شود. (حافظ نیا، محمد. ۲۲: ۱۳۸۱) وضع ناهمواری ها و در سیستان و بلوچستان باعث بروز مشکلات ارتباطی شده است؛ که این خود می تواند انزوای جغرافیایی منطقه را تشدید نماید. انزوای جغرافیایی نیز می تواند سهم بسزایی در جهت توسعه نیافتگی، داشته باشد.

۲) شبکه ی آب ها در سیستان و بلوچستان

از نظر ویژگی اقلیمی، این استان منطقه ای بیابانی و نیمه بیابانی محسوب می شود و وجود سیستم های پرفشار جوی شبه حاره ای، عمده ترین عامل خشکی است و شدت تابش خورشید و زاویه ی آن ناحیه صحرایی را پدیدار ساخته است که مانع ریزش های جوی سیستم های غربی یا شمال غربی کشور در تابستان میشود. اختلاف دمای ۵۰ درجه بین نقاط متفاوت در طول سال، تبخیر زیاد، بارش کم و نامنظم، حجم و تنوع منابع آب را در استان به حداقل ممکن رسانده است. از میانگین ۱۱۲ میلی متر بارندگی سالانه ی استان، ۷۸ میلی متر آن به دلیل تبخیر واقعی ناشی از دمای بالا خارج از دسترس قرار می گیرد و فقط ۳۴ میلی متر آن به صورت آب های سطحی جاری می شود و یاد رزمین نفوذ می کند که شبکه ی آب ها در این استان را شکل می دهد. این رقم نسبت به وسعت این استان رقم قابل ملاحظه ای نمی باشد زیرا جهت طرح ریزی برنامه های توسعه در هر منطقه ای، شبکه آب ها نیز نقش مؤثری را ایفا می کنند. بستر اغلب رودهای استان به علت خشکی اقلیم در مدت سال خشک است اما در مواقع بارندگی ایام زمستان و تابستان این رودها طغیان می کنند که می توان با احداث بند های خاکی، آب سیلاب ها را مهار کرد، به طوری که آب ها در خا کهای قابل نفوذ دشت های اطراف نفوذ نمایند. که این کار در افزایش آبدهی قنات ها و چاه های نیمه عمیق بسیار مؤثر بوده و می تواند نقش بسزایی را در رونق کشاورزی داشته باشد. البته وجود رودخانه های دائمی همچون هیرمند، بمپور، باهوکلان، سرباز، کهپرو ماشکید، رابچ و . . . همراه با وسعت حوضه های آبریز مربوطه نیز می توانند در شکوفایی و توسعه ی کشاورزی استان نقش حیاتی داشته باشند همچنین دریاچه ی هامون و دریاچه ی جاز موربان نیز می توانند نقش بسیار مهمی در آبیاری زمین های اطراف و گسترش کشاورزی و صید و پرورش ماهی و میگو ی آب های استان سیستان و بلوچستان در این استان داشته باشند. شبکه بعلت حجم کم قابل کشتیرانی نبوده به همین جهت، این آب ها در معادلات ژئوپولیتیک مورد توجه قرار نمی گیرند. با اینحال استفاده مناسب از این آب ها، از نظر اقتصاد کشاورزی و نیروی برق و غیره حائز اهمیت است. با توجه به اینکه استان سیستان و بلوچستان در منطقه ای بیابانی و نیمه بیابانی ی آب های قرار گرفته است؛ در صورت مهار و استفاده ی بهینه از شبکه موجود می توان زمین های حاصلخیز

منطقه را آبیاری نموده و زمینه را جهت رشد و توسعه ی کشاورزی استان فراهم کرد، بطوریکه نه تنها مواد غذایی و آب در این استان با کمبود مواجه نشود بلکه مازاد تولیدات غذایی و آبی به دیگر استان ها نیز صادر شود.



نقشه (۲) حوضه های آبریز سیستان و بلوچستان (بدیعی، ۱۳۶۲: ۱۴۶)

۵- بحث و یافته ها

الف) فعالیت های مناطق شرقی

موقعیت جغرافیایی و استقرار فعالیت سیستان و بلوچستان و تحول تاریخی های اقتصادی در استان موجب شده تا تجارت و بازرگانی به عنوان نقطه عطف اقتصاد استان شناخته شده و بیشترین میزان اشتغال را به خود اختصاص دهند. بررسی های انجام شده ذیل طرح تکاپو نشان میدهد که با توجه به حجم وسیع صادرات و واردات منطقه و وضعیت و نوع قاچاق کالا از مرزهای استان، می بایست رسته هایی که در راستای توسعه بازرگانی استان شکل گرفته اند، تقویت گردند. جایگاه جغرافیایی استان به گونه ای است که تاکنون پتانسیل های بالقوه و بالفعل گوناگونی را به منظور تامین کالاها و مواد اولیه مورد نیاز سایر نقاط کشور بوجود آورده و این موقعیت استراتژیک ثابت کرده که می تواند دروازه ورود و تامین کالاها و مواد مورد نیاز کشور بخصوص در مقاطع سخت باشد. بر این اساس و با در نظر داشتن اندازه بزرگتر و موثرتر منطقه مرکزی استان و محوریت بازرگانی و حمل و نقل از طریق شهر زاهدان و مرز میرجاوه، مداخله برای توسعه رسته های بازرگانی، حمل و نقل و می تواند موجب بهبود رسته های حوزه بندی و کاری تولیدی در استان های کشاورزی و صنایع تبدیلی نیز گردد.

ب) کشت های ویژه کشاورزی

زندگی مردم استان سیستان و بلوچستان به سه صورت روستایی، شهری و عشایری است که از این میان بیشتر جمعیت استان در روستاها زندگی می کنند. کشاورزی بیشتر در میان بلوچ های ساکن رواج دارد و بلوچ های متحرک به فعالیت در بخش دامپروری مشغول هستند. کشاورزی در استان دارای اشکال متعددی است و تنها منبع تامین کننده آب این سرزمین رودخانه هیرمند است. مهم ترین محصول منطقه گندم است که به دو صورت آبی و دیمی صورت می گیرد. بعد از گندم، جو بیشترین سطح زیر کشت را به خود اختصاص داده است. از دیگر محصولات زراعی استان می توان به یونجه، توتون، کنجد، محصولات جالیزی و انواع سبزی ها اشاره کرد. بخش دیگری از فعالیت های کشاورزی استان، باغداری است که مهم ترین محصول آن انگور است انار، انجیر، توت و سیب از دیگر محصولات باغداری استان به شمار می رود. بیشتر محصول های باغ بلوچستان در دره های کوهستانی متمرکز هستند و خرما، مرکبات و موز در این ناحیه کاشته می شود. شرایط اقلیمی استان امکان کاشت و پرورش میوه های گرمسیری از جمله انبه، پاپایا یا خربزه درختی، نارگیل، زیتون خوراکی، چیکو، کائوچو و نیشکر را به وجود آورده است. به طور کلی استان سیستان و بلوچستان از لحاظ تولید میوه های گرمسیری مقام اول، از لحاظ تولید پیاز مقام دوم و از لحاظ تولید خرما مقام سوم و از جهت تولید گیاهان علوفه ای رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است. دامداری بیشتر در میان طوایف عشایری بلوچ رواج دارد و کوچ به عنوان پدیده ای اقتصادی در حیات ایلی به منظور جمع آوری خوراک

انجام می‌گیرد که در این منطقه به خرما و شاخ و برگ آن محدود است. با توجه به حاصلخیزی خاک و کشت علوفه امکان توسعه و پرورش گاو شیری و پرواربندی را در منطقه سیستان میسر ساخته است. در کشاورزی استان به دلیل خشکسالی پی در پی و همچنین کمبود و بهره برداری نامناسب از منابع آب بخصوص در سیستان و کاهش حقایب هیرمند و نیز رواج خرده مالکی وعدم استفاده از فناوری های مناسب سهم اشتغال در بخش کشاورزی استان از ۵۶ درصد در سال ۵۵ به کمتر از ۲۲ درصد در سال ۹۳ رسیده و این کاهش هر ساله ادامه دارد. مقایسه سهم تولید محصولات زراعی و باغی کشور نشان می‌دهد که به رغم محدودیت منابع آب و خاک در استان و حاکم بودن شرایط طبیعی، استان نقش قابل توجهی در تولید برخی از محصولات باغی و زراعی در کشور دارد؛ به طوری که حدود ۱۶/۳ تولید هندوانه، ۱۶ درصد تولید خرما، ۹/۶۱ تولید محصولات تجالیز ی. ۶/۹۴ درصد تولید نباتات میوه ای و کل تولید های گرمسیری کشور به این استان اختصاص دارد، استان از لحاظ تولید میوه های گرمسیری و هندوانه رتبه نخست، از لحاظ تولید خرما رتبه دوم، از لحاظ تولید محصولات جالیزی و تولید نباتات علوفه ای رتبه چهارم و از نظر تولید پیاز رتبه هفتم را داراست.

در حال حاضر از مهمترین مشکلات و تنگناهای بخش کشاورزی استان کمبود بارندگی، خشکسالی های متوالی، فقر منابع آب و خاک، پایین بودن سطح سواد و بالا بودن سن کشاورزان و دامداران اس زیر ساخت تان، ضعف ها به ویژه در بخش تاسیسات ذخیره محصولات، مشکل بازاریابی و فروش بویژه در محصولات دارای مزیت نسبی استان، کمبود تاسیسات مهار و ذخیره سازی آب در سطح استان، بهره برداری سنتی و نادرست از تاسیسات آبی، کمبود منابع مالی وعدم مشارکت بخش خصوصی در پروژه اجرای ها، وابسته بودن منطقه سیستان به آب رودخانه هیرمند که منشأ این رودخانه خارج از کشور افغانستان قرار گرفته، بهره‌مندی اندک روستاییان از ماشین آلات کشاورزی مدرن، عدم وجود بیمه تولیدات بخش کشاورزی و کم صرفه بودن اقتصاد کشاورزی استان در مقایسه با فعالیت های غیر کشاورزی است. (اداره کل جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان)

ج) منابع و توانمندی های اقتصادی در سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان با دارا بودن ویژگی های ژئوپولیتیک فوق العاده همچون موقعیت جغرافیایی، منابع و توانمندی های اقتصادی واجد کارکردهای منطقه ای است. توسعه آینده این استان ملی، تأمین توسعه در سطح محلی با توجه به ویژگی های ذکر شده وابسته به طراحی و سیاست های کار آمد و استفاده ی بهینه از منابع و توانمندی های اقتصادی سیستان و بلوچستان می باشد. موقعیت خاص این استان به لحاظ همجواری با کشورهای افغانستان و پاکستان و نزدیکی به جمهوری های محصور ضلع شمال شرق ایران، مرز آبی کرانه های عمان و تسلط بر یکی از مهم ترین و استراتژیک ترین راه های آبی جهان و وجود منطقه ی آزاد تجاری صنعتی چابهار همراه با منابع و پتانسیل های ی، منطقه ای و بین المللی از جمله مؤلفه های اقتصادی این استان در سه سطح مل مهم سیستان و بلوچستان برای ایجاد واحدهای صنعتی و معدنی است. به طور کلی این استان از استعدادهای صنعتی و معدنی بالقوه ای برخوردار است که باید با اتخاذ تدابیر لازم و برنامه ریزی صحیح، این قابلیت ها بالفعل شوند و با اعطاء تسهیلات لازم به متقاضیان احداث واحدهای صنعتی و معدنی، زمینه ی توسعه ی این واحدها در استان فراهم گردد. استان سیستان و بلوچستان با قرار داشتن بر روی کمربند فلزی و معدنی جهان دارای ذخایر غنی از فلزات و کانسارهای معدنی می باشد. مطالعات مشاورین و شرکت های خارجی در زمینه اکتشاف معدنی بیانگر وجود ۴۱۷ یافته ی معدنی کانسار است که شامل ۴۲ نوع مختلف مواد معدنی می باشد بررسی وضعیت صنعتی استان نیز نشان می‌دهد که ۵۷۸ فقره پروانه ی بهره برداری صنعتی با سرمایه گذاری ۷۰۷ میلیارد ریال و اشتغال ۱۲۲۲۷ نفر در صنایع مختلف موجود می باشد. همچنین تعداد مجوزهای تاسیس ۱۲۹۳ فقره با پیش بینی سرمایه گذاریم ۶۴۹۷۱۲۴ میلیون ریال و اشتغال ۳۲۹۹۷ نفر با اکثریت صنایع غذایی، کانی غیر فلزی و سایر صنایع موجود می باشد. جمعاً تعداد ۷۷ طرح بامبلغ ۱۷۱۶۳۲ میلیون ریال تسهیلات بانکی و اشتغال ۱۲۵۶ نفر به تصویب کمیته برنامه ریزی استان افزایش چنین برنامه ریزی های در زمینه ی استفاده رسیده است. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۵) از منابع معدنی و

صنعتی همراه با جمعیت فعال این استان، اشتغال زایی را گسترش داده و زمینه را جهت توسعه ی همه جانبه مهیا می سازد. سیستان و بلوچستان واجد پتانسیل های ارزنده ای از جمله «صنایع دستی» است. با توجه به اصالت صنایع دستی و آمیختگی آن با فرهنگ و سنت آن نواحی، این صنایع می توانند کمک شایانی به اشتغال زایی و توسعه و رونق اقتصادی استان نماید. صنایع دستی در خطه ی پهنای سیستان و بلوچستان سابقه ای تاریخی دارد. صنایع دستی استان از ظرافت و زیبایی خاصی برخوردار بوده که می تواند مورد توجه مردم داخل کشور و خارج از کشور قرار گیرد. صنایع دستی سیستان و بلوچستان بویژه سوزن دوزی زنان بلوچ که یکی از رودوزی های منحصر به فرد کشور محسوب می شود از انواع صناعی است که در ایران و کشورهای خارجی شناخته شده است و طرفداران فراوانی دارد. امروزه این حقیقت پوشیده نیست که استان سیستان و بلوچستان برای جذب جهانگرد خوبی برخوردار است و توسعه ی صنعت توریسم از پتانسیل های نسبتا در صورت سرمایه گذاری در جهت تهیه امکانات زیربنایی صنعت توریسم، تربیت راهنمایان مجرب و تبلیغات کافی می تواند در شمار دیگر قطب های توریستی ایران قرار گیرد و در این ارتباط از اثرات اقتصادی و تبدلات فرهنگی آن در جهت توسعه هر چه بیشتر استان برخوردار شد. در ایران طبق آخرین آمار، حدوداً ۴۴۰ دلار درآمد کسب می شود، حال چنانچه تسهیلات کافی جهت توسعه این صنعت در استان سیستان و بلوچستان فراهم آید و تبلیغات کافی جهت معرفی جاذبه های جهانگردی آن صورت گیرد، بطوری که حداقل ۲۵ درصد از جهانگردانی که به ایران می آیند از این منطقه دیدار کنند ملاحظه می شود که چه میزان به منابع ارزی استان افزوده خواهد شد و در حل مسائل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و امنیتی استان تا چه میزان سودمند خواهد بود. تردیدی نیست که صنعت توریسم از نظر در آمد ارزی و ارزش های افزوده، ایجاد اشتغال و آفرینش کار و حیات بخشیدن به ی بی جان و تعامل فرهنگ ها و اقوام بسیار سازنده است، لذا اقتصاد های محل باید گفت این صنعت در بعد اقتصادی سود سرشاری را برای استان و کشور مربوطه به ارمغان خواهد آورد. بنابراین بر همه ی پژوهندگان و نویسندگان و محققان واجب است تا در این راه کوشش کرده و در جهت معرفی و تبلیغ جذابیت های این استان که سهم بسزایی در اشتغال زایی مردم روستایی و توسعه ی اقتصادی خواهد داشت، دست اندکاران و مسئولان رایاری نماید. اگرچه در بیشتر نقاط استان، تابستان های طولانی و بسیار گرم باعث از سوی دیگر اعتدال هوا در زمستان ها، محدود شدن فعالیت ها می شود، ام شرایط مناسبی را برای کاشت محصولات گرمسیری و سودآور مانند موز، آناناس، نارگیل، پاپایا، پسته، انبه، خرما، و محصولات نوبرانه و صادراتی فراهم می آورد، علاوه بر این امکان برداشت دوبار محصول در سال نیز مهیا است. از ۴۰ هزار هکتار اراضی قابل کشت فقط ۱۳۱ هزار هکتار مورد بهره برداری قرار می گیرد و قسمت اعظم آن بلا استفاده می باشد، بنابراین سیستان و بلوچستان این قابلیت را دارد که با برنامه ریزی و سرمایه گذاری بخش اعظم زمین های مستعد کشاورزی مورد بهره برداری قرار گیرند تا نه تنها نیازمندی های غذایی این استان از خارج وارد نشود بلکه از تولیدات آنها به داخل و خارج کشور صادر گردد. در نواحی خشک و نیمه خشک محدودیت هایی در بهره برداری از خاکهای کشاورزی وجود دارد که انسان با مدیریت و تکنیک های سنتی قادر به تأمین معیشت سالیانه ی خود به نحو مطلوب نیست. مهم ترین عاملی که می تواند در جبران این کمبود نقش سازنده ای داشته باشد، جلوگیری از هدر رفتن آب های سطحی و مهار کردن آنهاست که چنین عملی، کمتر در سیستان و بلوچستان دیده می شود. در این استان قبل از هر چیز برای رسیدن به خود کفایی محصولات غذایی، باید در سیستم آبیاری زمین ها تغییراتی حاصل شود و از هدر رفتن خاکهای کشاورزی و تبخیر بی رویه آب جلوگیری بعمل آید زیرا هر اندازه بتوانند آب های مهار شده را در خدمت زمین های بایر در آورند و آنها را بازسازی کنند، امکان توسعه ی اقتصاد کشاورزی بیشتر می شود و در نهایت می توانند بدون وابستگی به مواد غذایی که از خارج از استان وارد می شود به حیات خود ادامه دهند. سیستان و بلوچستان هر چند از نظر اقلیمی با محدودیت هایی مواجه است، اما در صورت بکارگیری تکنیک های جدید و تجدید نظر در بهره برداری سنتی و الگوی کشت، این محدودیت ها تبدیل به فرصت های مناسب جهت توسعه ی استان خواهند شد. اقتصاد بسته و خود مصرفی کم تحول یافته آن (نسبت به سایر نواحی) روابط تجارتی و بالنتیجه علایق مادی استان را با سایر نواحی محدود ساخته و در عوض ارتباطات سیستان و بلوچستان را با کشور

پاکستان و برخی نشین های خلیج فارس افزایش داده است. (پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۲) وضع بازرگانی استان عمدتاً مبتنی بر صدور کالا و مواد سوختی و ورود محصولات کشاورزی، محصولات مبتذل فرهنگی، لوازم صوتی و تصویری مجاز و غیرمجاز، لوازم خانگی و اسباب بازی، لباس، پارچه و ... از مبادی رسمی و غیررسمی به استان و کشور است. بی تردید روند فعلی مبادلات، تخریب فعالیت های کشاورزی و صنعتی و پیامد های ناگوار فرهنگی و اجتماعی را برای سیستان و بلوچستان و کشورمان به ارمان خواهد آورد و در مقابل تقویت کشاورزی و اقتصاد کشورهای صادرکننده ی این محصولات را در پی خواهد داشت. این امر موجب تشدید بی کاری، پیدایش شغل های کاذب و در نتیجه توسعه نیافتگی خواهد شد. این استان هر چند از نظر اقلیمی با محدودیت هایی مواجه است، اما موقعیت چهار راهی و ارتباطی آن در سطح ای، منطقه ای و بین المللی، پتانسیل های فراوانی ایجاد کرده است که با درک مل توان سرزمینی منطقه و بهره برداری به موقع از آن، درآمد سرشاری نصیب ساکنان استان و کشور می شود. واقعیت آن است که فقدان درک صحیح از توان محیطی منطقه و نگرش غیرسیستمی در امر برنامه ریزی سبب شده که بازرگانی و مبادلات مرزی به عنوان محور توسعه ای استان، جایگزین نقش ترانزیتی و ارتباطی منطقه شود. احداث و تکمیل محورهای ارتباطی و ترانزیتی و مهیا کردن زیر ساخت های لازم برای ترانزیت و بازرگانی خارجی در کم ترین زمان ممکن، کلید توسعه ای پایدار در نیمه ی شرقی کشور، به ویژه سیستان و بلوچستان خواهد بود. استان سیستان و بلوچستان به لحاظ پتانسیل های اقتصادی می تواند در سه سطح ملی، منطقه ای و بین المللی مطرح شود. ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی کرانه های عمان و تسلط این منطقه بر یکی از مهم ترین و استراتژیک ترین راه های آبی جهان، همجواری با دو کشور افغانستان و پاکستان و نزدیکی به جمهوری های محصور ضلع شمال شرق ایران، ویژگی های خاصی به این منطقه بخشیده است. دریای عمان جزء حوزه استراتژیک اقیانوس هند - عمان به عنوان یکی از پنج حوزه استراتژیک جهان است که گذرگاهی با اهمیت به سمت خاورمیانه، جنوب شرق آسیا، شبه قاره ی هند و سراسر آسیای جنوبی و جنوب شرقی می باشد که روزانه میلیون ها بشکه نفت و حجم وسیعی از کالا و سرمایه از این طریق مبادله می شود. این منطقه می تواند حجم وسیعی از کالاهای وارداتی کشور را نیز به خود اختصاص دهد. موقعیت سیستان و بلوچستان و دسترسی آن به راه های آبی و مسیرهای بزرگ ترانزیت کالا به اروپا، کشورهای مدیترانه و هندوستان، پتانسیل های بازرگانی را برای فعال شدن بخش اقتصادی در این منطقه فراهم آورده است که با وجود سازمان های منطقه ای همچون «اکو» و «آسه آن» چشم انداز بازرگانی روشنی می توان برای آینده ی بازرگانی این منطقه از کشور انتظار داشت. بی گمان توسعه ای فعالیت های بازرگانی، به ویژه با تکیه بر تجارت و در یک پیوند داد و ستدی بین منطقه ای و بین المللی در استان، زمانی مفهوم واقعی به خود می گیرد که با احداث خط ترانزیتی و ذخیره سازی کالا و تکمیل ظرفیت های تخلیه و نیز بهره برداری از پتانسیل کشاورزی منطقه و تأمین انرژی، به طور سیستمی و یک جا مورد توجه قرار گیرد. فقدان این نگرش و قرار دادن بازرگانی و مبادلات مرزی به جای فعال کردن پتانسیل ترانزیتی استان، آثار مخرب و زاینباری بر بنیان های اقتصادی و فرهنگی منطقه داشته است. از سوی دیگر، انزوای جغرافیایی سیستان و بلوچستان را از طریق فعال کردن پتانسیل های منطقه ای و فرا منطقه ای می توان شکست. تا این انزوا شکسته نشود، این استان از عقب ماندگی نجات پیدا نمی کند. فضای جغرافیایی منزوی محکوم به عقب ماندگی است. اگر صدها مطالعه ی درون منطقه ای صورت گیرد، تا وقتی این فضا با فضاهای دیگر پیوند نخورد و از انزوا خارج نشود عقب افتادگی همچنان ادامه خواهد داشت و چرخه ای این عقب ماندگی در درون منطقه پایدار می ماند. بنابراین خارج نمودن سیستان و بلوچستان از انزوای جغرافیایی از طریق فعال نمودن پتانسیل های منطقه ای و فرا منطقه ای و بوسیله ی تقویت خطوط ترانزیتی، جهت برقراری توسعه پایدار لازم و ضروری می باشد. توسعه و گسترش مناطق آزاد تجاری-صنعتی در سیستان و بلوچستان و در مبادی دسترسی ایران به آب های آزاد می تواند تأثیرات شگرفی را در توسعه منطقه داشته باشد. منطقه ی آزاد تجاری - صنعتی چابهار در سیستان و بلوچستان که از موقعیت مهم و حساس برخوردار است یکی از این مناطقی است که می تواند تأثیرات مهمی در توسعه این استان و منطقه داشته باشد. نقش ارتباطی ایران برای کشورهای محصور در خشکی (افغانستان و آسیای مرکزی) تأثیر بسزایی در مناسبات منطقه ای و نیز ایجاد تعادل های

ژئوپولیتیک برای خروج از بحران ها و چالش های ژئوپولیتیک خواهد داشت. بدلیل نقش ارتباطی ایران در همه ی زمینه ها به ویژه «نقش ساحل عمان در پروژه های اقتصادی انتقال انرژی و کالا و خطوط ریلی» ایران می تواند به ساماندهی نهادهای منطقه ای و بین المللی بپردازد و از این طریق منافع کشورهای دیگر را با ساحل عمان پیوند دهد و از این طریق هم منزلت ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک خود را در جهان و منطقه افزایش دهد و هم با بسترسازی اجماع منطقه ای و جهانی، فرصت های جدیدی را فراهم نماید. در این راه استان سیستان و بلوچستان نقش بسزایی را در سطح ملی و منطقه ای ایفا خواهد نمود. سازمان فضایی ارتباطی کشور ما به گونه ای سازماندهی شده است که جهت کلی جابه جایی کالاها و مواد به سوی خلیج فارس است و از ی جهانی می شود برای اینکه بتوانیم آن جا از طریق تنگه ی هرمز وارد شبکه اقتصاد کشور را در بخش حمل و نقل و ورود و خروج کالا و نفت از وابستگی به تنگه ی هرمز نجات دهیم ناچاریم به جنوب شرقی کشور متوجه شویم و ساختار فضایی - ارتباطی کشور را به جای شمالی - جنوبی؛ شمال غربی - جنوب شرقی قراردهیم (حافظ نیا، محمد رضا، ۱۳۸۵). سیستان و بلوچستان می تواند چنین نقش مهمی را در سطح ملی بازی کند و قطعاً چنین نقشی در توسعه این استان نیز مؤثری بازی کند که خواهد بود. این استان علاوه بر پتانسیل های متفاوتی که دارد دارای یک امتیاز شیب آن منحصراً به فرد نیز می باشد و آن شکل جغرافیایی منطقه است که غالباً از شمال به طرف جنوب است. این امر سبب کاهش هزینه انتقال انرژی به وسیله لوله میگرد (مجتهدزاده، انتشارات سمت، ۱۳۸۱). موقعیت حساس ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک همراه با منابع و توانمندی های اقتصادی سیستان و بلوچستان مزیت های ویژه ای را برای این استان به ارمغان آورده است که می تواند نقش بسیار مؤثری جهت توسعه ی اقتصادی در سطوح مختلف ایفا نماید. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با در نظر گرفتن ۱۴۰ شاخص، توسعه یافتگی استان ها را در درجه بندی نمود که استان سیستان و بلوچستان از حیث این شاخص ها، در زمره ی آخرین استان های کشور قرار دارد. با توجه به قابلیت های مذکور و چنین رتبه ای در سطح کشور، استان سیستان و بلوچستان نیازمند توجه خاص می باشد. (مجتهدزاده، انتشارات سمت، ۱۳۸۱).

حوضه های آبی

منابع آبی

در بلوچستان آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد منابع آبی هستند که به همراه حوضه جغرافیایی، بزرگترین عوامل در شکل دهی به استقرارهای انسانی و زیست بومها در منطقه شده اند. بطور کلی بلوچستان یکی از مناطق کم آب ایران به شمار می آید و به همین دلیل، جز در بخشهایی از این منطقه، دیگر در هیچ قسمتی کشاورزی گسترش نیافته و تنها نخل و تولید خرما عمده ترین گونه کشاورزی را تشکیل میدهد. (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵: ۶۴). در دوره پیش از تاریخ در منطقه بلوچستان، به علت عدم دسترسی به منابع آبی مطمئن، استقرارها به گونهای محدود تنها در کنار رودخانه های دائمی و با فصلی و به شکلی محدود شکل گرفته اند. ولی در دوران تاریخی وضع اندکی متفاوت میشود و به نظر میرسد با ابداع قنات و دسترسی به منابع آبی مطمئن وضع استقرارها در این منطقه بویژه در دوره پارتیان بهبود یافته و بایک افزایش کمی در شمار محوطه های تاریخی در این دوره روبرو هستیم که این وضع تا دوران اسلامی به ویژه تا دوره معاصر ادامه می یابد.

حوضه های آبریز

به طور کلی در نواحی خشک اشکال ناهمواری ویژه های ملاحظه میشود که اغلب آنها خاص این نواحی است، مانند حوضه های انتهایی که مسیلهها به آنها ختم میشوند، چاله های بسته شور، دریاچه های شور، زمینهای شور هزار، تپه های صحرایی ماسه های، صحرایی سنگی و فلاتهای سنگلاخی (تریکار، ۱۳۶۹: ۱۲۶) سیستان و بلوچستان نیز این عوارض به چشم میخورد و بر همین اساس پنج حوضه آبریز در استان وجود دارد که از این میان تنها حوضه آبریز هامون هیرمند در سیستان

قرار دارد و چهار حوضه آبریز در بلوچستان واقع شده اند. شکل بلوچستان شامل؛ حوضه دریای عمان با آبگیر کلیه مناطق ساحلی، حوضه آبریز جازموریان که آبگیر دو رودخانه مهم بمپور و هلیل رود است. رود اولی از مشرق به مغرب و دومی در جهت مخالف جریان دارد و هر دو به دریاچه هامون جازموریان منتهی می گردند. دیگری حوضه دشت لوت است که در آن سیلابهای بهاری از همه طرف جمع شده و به علت تبخیر شدید به نمک تبدیل میشوند و چهارمین حوضه، هامون ماشکید است (گنجی: ۱۵۴: ۱۳۵۳)

مشخصات رودخانه هیرمند

دشت سیستان با ارتفاع متوسط ۴۸۰ متر از سطح دریا و مساحتی معادل ۸۱۱۷ کیلومترمربع در شرق کشور ایران واقع شده است. این دشت از شمال و مشرق به کشور افغانستان، از جنوب به بلوچستان پاکستان و از غرب به کویر استان کرمان محدود می شود. آب و هوای این منطقه صحرایی و نیمه خشک بوده میانگین حداکثر حرارت طی سالهای متمادی ۳۹/۱ و متوسط حداقل ۲/۸ رجه سانتیگراد است متوسط بارندگی سالیانه ۵۵ میلی متر بوده است.

سیستان سرزمینی کم و بیش هموار و ژرفترین بخش این سرزمین هامون و هیرمند است که همهی آب های بارشی و جوششی منطقه را به سوی خود می کشد. سرزمین های اطراف آن شیبی چنان ملایم به سوی دریاچه دارد که قابل تشخیص نیست. تنها بخش کوهستانی سیستان در گوشه شمال غربی و در بخش های غربی که کوه پلنگان در آنجا واقع است قرار دارد. از دید سیاسی، سیستان گرچه در بخش آسیای مرکزی از فلات ایران واقع شده است؛ اما بیشترین بخش آن به نام نیمروز در افغانستان و بخش کوچکی از آن نیز در پاکستان قرار دارد. ته نشست های رود هیرمند کم و بیش سراسر بخش ایرانی سیستان را می پوشاند این بخش، دلتای هیرمند است که یکی از حاصلخیزترین زمین هادریان به شمار می آید. اما به دلیل کمبود منابع آب، حاصلخیزی آن نمی تواند به حداکثر برسد. یکی از مهمترین جلوه های آب و هوایی این سرزمین بادتندی است که در بهار و در اوایل تابستان از کوه های افغانستان با سرعتی برابر با ۱۰۰ تا ۱۷۰ کیلومتر در ساعت به جلگه می وزد. این تندباد هوای خشک و آمیخته به شن را برای ۱۱۰ تا ۱۲۰ روز به سیستان می آورد که در آن محل به باد ۱۲۰ روزه سیستان معروف است. پهنه این باد توأم با دمای زیاد هوا، تبخیرهای آب سیستان را به شدت زیاد می کند. با اینکه سیستان بارها در اسناد تاریخی به (سید نان خراسان) خراسان قدیم که بخشی از افغانستان و آسیای مرکزی امروز را در بر می گیرد خوانده شده؛ اما دوران شکوفایی هزاران ساله به دلیل کاهش آب رودخانه هیرمند و دریاچه هامون به پایان آمده است. رود هیرمند و دریاچه هامون، به هرحال از ویژگی های اصلی سرزمین سیستان به شمار می روند. (مجتهدزاده، ۱۳۷۸، ص ۳۳).

رودخانه هیرمند از ارتفاعات (کتل اونی) به بلندی ۴۲۱ متر در نزدیکی «یغمان» سرچشمه می گیرد و تا محل (گردن دیوار) به طول ۷۸ کیلومتر از پیچ و خم ها و سنگلاخ های زیاد عبور می کند. این رودخانه هر قدر از سرچشمه اش دورتر می شود مقدار آب آن بیشتر شده و بر هیبت و عظمتش می افزاید. رودخانه هیرمند در ادامه مسیرش، سوی مناطق جنوب غربی حرکت کرده و وارد منطقه ای به نام «شهرستان» می شود؛ اما قبل از عبور از این منطقه، پل افغان را که در مسیر کم عرض آن ساخته شده است پشت سرمی گذارد. در پایان منطقه شهرستان، آب (سرخه شیله) در نقطه ای به نام کتل (یکه خارک) به آن ملحق می شود. هیرمند در این محل شاخه ای به نام (آب سیاه)، در دره (حاجی خاک) را دریافت می کند و سپس به سوی نشیب های (قوچ غول) سرازیر میشوند. در این محل سواحل هیرمند، مملو از بوته ها و گیاهان طبیعی و خودرو است به ویژه در فصل بهار جلوه زیبایی به خود می گیرد. در ادامه مسیر دو شاخه دیگر به نام های (شیله گرماب) و (شیله سفیدآب) که ظاهراً به نام آب های دلاور هم شناخته می شوند، به هیرمند می پیوندند. ارتفاعات (چهار صد خانه) مکانی است که هیرمند از مسیر جنوب غربی به سوی جنوب شرقی و بعد به سوی غرب تغییر مسیر داده و سپس از آنجا به طرف جنوب غرب تغییر مسیر داده و قوس ناموزونی به صورت نعل اسب را تشکیل می دهد. از این نقطه تا محل منطقه شهرستان، رودخانه هیرمند از دو طرف

مسیرش ده ها شاخه کوچک و بزرگ را با خود همراه ساخته و به سوی مرکز منطقه شهرستان پیش می رود. (سیستانی، ۱۳۸۹، ص ۳)

اهمیت رودخانه هیرمند

امروزه رودخانه‌های بین‌المللی جدا از نقشی که گاه به عنوان خط مرزی کشورها دارند، در زمینه‌هایی مانند صنعت، کشتیرانی و ... مورد توجه‌اند. بهره‌برداری از این رودخانه‌ها می‌تواند در پیشگیری یارویارویی با بحران‌های برخاسته از افزایش تقاضا، ایجاد اشتغال در بخش‌های مرزی و جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان به شهرها، آبیاری و دشت‌های مرزی ... مؤثر باشد. در سطح جهانی ۲۱۴ رودخانه مرزی وجود دارد که حوزه آبریز آن‌ها در دو کشور یا بیشتر قرار دارد. نزدیک به ۷ درصد منبع آب ایران که کمابیش ۱۲ میلیارد مترمکعب در سال است از حوزه‌های آبریز واقع در آن سوی مرزها است. از سویی، نزدیک به ۲۲ درصد از مرزهای کشورمان را ۲۶ رودخانه کوچک و بزرگ می‌سازند. گفتنی است ایران با همه کشورهای همسایه دارای مرز رودخانه ای است (ملکی، ۱۳۷۷، ص ۶۲)

رودخانه هیرمند یکی از حساسترین رودخانه‌های مرزی ایران است که جزء ده رودخانه بزرگ و با اهمیت قاره آسیا بوده و خط مرزی رسمی بین ایران و افغانستان محسوب می‌شود. این رودخانه برای ایران حائز اهمیت فراوان است. در واقع هیرمند رگ حیاتی سیستان بوده و مرگ و حیات این استان ارتباط مستقیم با هیرمند دارد. این رودخانه از لحاظ اهمیت قابل مقایسه با رود نیل در مصر بوده و همچنین منبع تغذیه آب‌های دریاچه هامون است. میزان آبدهی آن به هامون به مراتب بیشتر از مجموع همه رودخانه‌های دیگر است. در حوزه آبریز هیرمند باران کم است و آب آن بیشتر از ذوب برف‌های ارتفاعات هندوکش تأمین می‌شود؛ بنابراین رژیم آن برفی بارانی و آب آن دائمی است، لیکن جریان این آب نامنظم است. در حوزه آبریز هیرمند، متوسط ۲۵ ساله ریزش‌های جوی ۱۰۷/۴ سال متر محاسبه شده است، ولی در سال‌های اخیر متوسط بارندگی سالانه کمتر ۱۰۰ میلی‌متر بوده که از خشک‌ترین نواحی کشور محسوب می‌شود (عسگری، ۱۳۷۸، ص ۶)

قبل از خشکسالی اخیر، صنایع مختلف کشاورزی، صیادی، دامداری و بسیاری صنایع دیگر به دلیل جریان آب هیرمند به مرز ایران و در نهایت پرآبی دریاچه هامون، رونقی دوچندان داشتند و سالانه بیش از ۱۲ هزار تن انواع آبیان از دریاچه هامون توسط صیادان سیستانی از دریاچه هامون صید و به بازار مصرف منطقه و حتی استان می‌های دیگر کشور عرضه می‌شد.

کشاورزی را نیز نباید از این قاعده مستثنی دانست؛ چرا که ۱۵۰ هزار هکتار از زمین‌های سیستان، قبل از خشک‌سالی با استفاده از جریان آب هیرمند و همچنین پرآبی هامون و آبراهه‌های مختلف کشت می‌شده است. از سوی دیگر این تالاب موجب تلطیف هوا در دوران وزش بادهای موسمی ۱۲۰ روزه سیستان شده و از ایجاد گردوغبار جلوگیری می‌کرد. در سال ۱۳۸۱ با خشک‌سالی تالاب هامون بنابر اظهارات بزرگ، کارشناسان محیط زیست یکی از بزرگ‌ترین فاجع زیست محیطی جهان به وقوع پیوست. در نتیجه کاهش آب هیرمند، دریاچه هامون نیز تحت تأثیر قرار گرفته است؛ زیرا گذشته جدا از نقشی که رودخانه مذکور در توسعه صنعتی و کشاورزی منطقه ایفا می‌کرد، با تأمین آب هامون سبب رونق صنایع جانبی مانند ماهیگیری و صنایع دستی نیز می‌شد. هیرمند پس از ورود به ایران، در سیستان دلتای حاصلخیز و پر نعمتی ایران را که زمانی (مصر) نامیده شده بود، ایجاد می‌کرد. امروزه کارایی و حاصلخیزی این منطقه به دلیل کمبود بارش‌ها آب‌های وارداتی به حد آرمانی نمی‌رسد و حتی با اقدامات کشور افغانستان کار به جایی رسیده است که گاه نیاز ساکنان منطقه را نیز تأمین نمی‌کند. البته نباید نقش بادهای محلی را نادیده گرفت. این بادها با سرعت و گرمای زیاد، تسریع‌کننده تبخیر آب‌های سیستان محسوب می‌شوند. همان‌گونه که ذکر شد؛ این رودخانه در طول مسیر به دو شاخه سیستان و پریان تقسیم می‌شود. سال‌های اخیر روز به روز از حجم و وسعت آن کاسته شده، به گونه‌ای که از لحاظ اقتصادی تمامی آن چه که در محیط اطراف خود قرار دارد تحت تأثیر قرار داده است. (عسگری، ۱۳۸۷، ص ۱۸)

سیر تاریخی اختلاف های ایران و افغانستان در خصوص رودخانه هیرمند پس از جنگ هرات که منجر به انعقاد عهدنامه ۱۸۵۷ پاریس گردید دولت ایران به موجب ماده ۶ این عهدنامه متعهد شد. که در صورت بروز اختلاف با افغانستان اصلاح آن را به اهتمامات دوستانه دولت انگلیس رجوع کرده و قوای جبریه به کار نبرد؛ مگر آنکه اهتمامات دوستانه کار ساز نشود. هرگاه دولت ایران در موقع حدوث اشکالات به دولت انگلیس مراجعه کرد دولت فوق نهایت سعی و کوشش را خواهد نمود که هرگونه اختلافات را موافق و مطابق شرف ایران اصلاح کند. (لرد کلارندون) وزیر خارجه انگلستان به استناد ماده مذکور در سال ۱۸۷۰ به دولت ایران پیشنهاد کرد که در خصوص اختلاف های خود درباره اراضی سیستان به حکمیت دولت انگلستان رجوع کند. ایران با این پیشنهاد موافقت کرد و متعاقباً دولت انگلیس ژنرال (گلداسمیت) را در سال ۱۸۷۰ به عنوان حکم تعیین کرد. گلداسمیت با هیئتی که تحت نظارت وی بود به مدت دو سال در مرزهای سیستان به تحقیق و بررسی پرداخت و در سال ۱۹ اوت ۱۸۷۲ رأی خود را صادر کرد. که به موجب آن قسمتی از اراضی سیستان که متعلق به ایران بود به افغانستان تعلق یافت. از بند کوهک (سیستان بند) خط مرزی طوری تنظیم شد که قسمت شمالی رودخانه متعلق به افغانستان و قسمت جنوبی آن متعلق به ایران شد. گلداسمیت در موضوع تقسیم آب بین دو کشور چنین رأی داد: این مسئله باید به خوبی مفهوم باشد که طرفین نباید هیچ نوع اقدامی انجام دهند که مقصود، مداخله در جلوگیری از آب لازمه برای آبیاری سواحل هیرمند باشد این عبارت در سال ۱۸۷۲ بر حسب تقاضای افغانستان توسط گلداسمیت چنین تفسیر شد: فقره مندرجه فوق شامل انهار موجود و انهار قدیم و متروک که افغانستان بخواهد تحت تعمیر قرار دهد نمی شود و همچنین حفر انهار جدید مشمول آن نیست؛ مشروط بر آنکه آب لازم برای آبیاری طرف ایران کسر نگردد (وزارت امور خارجه، اداره استملاک و امور مرزی).

ایران و افغانستان حکمیت مذکور را در سال ۱۸۷۳ قبول کردند. در سال ۱۸۹۶ رود هیرمند از مجرای اصلی خود که حد مرز بین دو کشور بود به طرف غرب منحرف شد؛ به طوری که قسمت اعظم آب آن از مجرای دیگری وارد دریاچه هامون می شد. چون در زمان گلداسمیت خطوط مرزی به معنای امروزی علامت گذاری نشده بود؛ لذا تغییر مجرای هیرمند باعث شد که اراضی که بین مجرای قدیم و جدید هیرمند قرار می گرفت، مورد اختلاف ایران و افغانستان شود؛ به طوری که افغانستان مجرای جدید هیرمند را خط مرزی می دانست و ایران به مجرای قدیمی رودخانه استناد می کرد. کم آبی فوق العاده هیرمند در سال ۱۹۰۲ باعث تشدید اختلاف بین طرفین شد و این بار موضوع اختلاف که به مسئله استفاده از آب هیرمند مربوط بود طبق بند ۶ معاهده ۱۸۵۷ به عهده دولت انگلستان واگذار مجدداً شد. دولت مذکور کنل هنری مک ماهون افسر مهندس انگلیسی که در تعیین حدود بین افغانستان و هندوستان (آوریل ۱۸۹۴ تا مه ۱۸۹۶) شرکت کرده بود را به عنوان حکم تعیین کرد. دولت ایران حکمیت مک ماهون را منحصر به حل مسئله آب کرد پذیرش رأی حکمیت و ضمناً پذیرش رای حکمیت را مشروط بر این کرد که رأی صادره با مفاد حکمیت گلداسمیت موافقت داشته باشد و دولت ایران اصل این حکمیت را بر حسب مراسله رسمیه که به سفارت انگلیس در تهران نوشته به این شرط مشروط کرده که به هیچ وجه مخالف قرارداد زمان مأموریت گلداسمیت نبوده باشد. هدف کمیسیون این بود که با تبادل نظر بین نمایندگان طرفین، زمینه مناسبی را برای انعقاد قرارداد فراهم سازد. مذاکرات مربوط به عقد قرارداد در سال ۱۳۱۱ شروع شد و تادی ماه سال ۱۳۱۷ به طول انجامید. اولین طرح قرارداد از طرف دولت ایران تهیه و از طریق سفارت ایران در کابل به دولت افغانستان پیشنهاد شد. افغان ها نیز طرح متقابلی تسلیم دولت ایران کردند. (اداره وزارت امور خارجه، اداره استملاک و امور مرزی).

چندی بعد دولت افغانستان مجدداً پیشنهاد کرد که به جای (به منظور زراعت و آبیاری) عبارت (به منظور توسعه زراعت و آبیاری افغانستان) گنجانیده شود. چون با قبول لفظ (توسعه) افغان ها با استناد به این کلمه می توانستند زراعت خود را در مسیر هیرمند آزادانه توسعه دهند و این موضوع طبعاً سبب تقلیل آب سهمی ایران در بند کمال خان می شد، لذا ایران با طرح افغان ها موافقت نکرد.

تهدیدات امنیتی جدید

سابقه و ریشه تاریخی پیوندهای فرهنگی ایران با دو کشور پاکستان و افغانستان، تأثیرات مثبت فراوانی در روابط بین این کشورها در راستای توسعه پایدار می تواند بر جای بگذارد؛ زیرا این دو کشور بخشی از فلات ایران بوده و در گذشته بخشی از ایران به حساب می آمدند. عدم وجود تنش های بحران زا و ادعاهای خصمانه علیه یگدیگر خصوصاً در مسائل ارضی و سرزمینی، مرزهای جنوب شرقی را جزء باثبات با، ترین مرزهای سیاسی کشور قرار داده است این تفاسیل، وقوع دو رویداد مهم سیاسی و نظامی، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و حمله نظامی ارتش شوروی به خاک افغانستان و اشغال این کشور موجب ایجاد و بروز پدیده های نوظهور در کشور پاکستان و افغانستان گردید. این پدیده های نوظهور عبارتند از:

۱- حضور نظامی و اطلاعاتی کشورهای مخالف ایران در مناطق شرقی

بیشترین حضور فیزیکی نیروهای قدرت های بزرگ جهان در محیط امنیتی ایران قرار دارند. حضور آمریکا در مناطق شرقی ایران برای به چالش کشیدن امنیت ملی کشورمان و تضعیف قدرت منطقه ای ایران از سیاست های مهم آمریکا به حساب می آید. این کار با شیوه مستقیم یعنی تأسیس پایگاه های نظامی در کشورهای افغانستان و پاکستان و غیرمستقیم آموزش و تجهیز مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور ایجاد ناامنی در استان سیستان و زاهدان و زابل است که طی چند سال گذشته، بلوچستان و شهرهای مرزی آن مانند سراوان به شکل های مختلف مانند عملیات انتحاری خرابکاری آدم ربایی، سرمایه داران شیعه از جمله مواردی است که سرویس های اطلاعاتی آمریکا، انگلستان، فرانسه و رژیم صهیونیستی عربستان از فضای سرزمینی کشورهای پیرامونی ایران در شرق علیه کشورمان استفاده می کنند که مهم ترین دلایل آن نیاز پاکستان و افغانستان به حمایت های سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا می باشند. بنابراین حضور فعال سرویس های اطلاعاتی آمریکا، رژیم صهیونیستی، انگلستان و عربستان در بلوچستان پاکستان و نیمروز افغانستان تهدیدات زیر را برای مناطق شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان در سه قلمرو ریملند، میدلند و هارتلند متصور می نماید:

- تشکیل، سازمان دهی، تجهیز و آموزش گروه های تروریستی و نفوذ دادن آن ها به داخل استان
- تلاش برای جذب افراد بومی به منظور اجرای فعالیت های جاسوسی و خرابکارانه
- تلاش برای تحریک و تشویق احساسات قومی و مذهبی علیه حکومت مرکزی و حمایت از اقدامات تجزیه طلبانه
- تقویت و پشتیبانی اطلاعاتی از فعالیت های جنایت کارانه مانند قاچاق مواد مخدر و گروگان گیری رصد و کنترل فعالیت های، انتظامی، نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی.
- ترویج و تبلیغ محصولات، کالاها و اندیشه های معارض با اعتقادات مذهبی و فرهنگی.
- کسب آمادگی و پیش دستی در اجرای یک هجوم احتمالی علیه حوزه سرزمینی جمهوری اسلامی ایران
- در معرض خطر بودن شهرها و مراکز جمعیتی مناطق مرزی جنوب شرق به انجام عملیات های پیش دستانه.

۲- مواد مخدر

اعتیاد به مواد مخدر زمینه ساز و تقویت کننده بسیاری از اعمال مجرمانه دیگر از قبیل سرقت و قتل، فساد اخلاقی، بی ارادگی و.. می باشد. تجارت و قاچاق مواد مخدر، سازمان یافته، ترین گسترده ترین و پرمفعت ترین فعالیت غیرقانونی و تبهکارانه در مناطق شرقی ایران و حتی سطح جهان است. شهرهای مرزی که در ریملند بیرونی و ساحلی قرار گرفته در خط مقدم، اند ورود و مسیر ترانزیت مواد مخدر به مناطق ریملند و هارتلند استان و در نهایت به کل کشوری باشد. اعتیاد مادر آسیب های اجتماعی است. بیش از ۱۳ درصد طلاق ها، ۳۳ درصد کودک آزاری ها، ۱۳ درصد سرقتها و ۱۳ درصد خشونت خانوادگی و فحشا ناشی از اعتیاد است (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۳۳). پاکستان با حمایت از کشت و تجارت مواد، مخدر در افغانستان در دوره طالبان و دوره های بعد با حمایت از باندهای مواد مخدر درآمد هنگفتی به دست می آورد. در زمان تسلط طالبان بر افغانستان این گروه با حمایت پاکستان از سه مسیر اصلی: ۱- جلال آباد، کراچی، اروپا، ۲- قندوز، تور قندترکیه، اروپا استفاده

میکردند. در سال ۱۰۰۱ صادرات قاچاق مواد مخدر پاکستان و طالبان دارای ارزش سالانه ۱۳ میلیارد روپیه ۳/۱ میلیارد دلار آمریکا بوده است. در سال ۱۹۹۶ طالبان ۲۲۵۰۰ تن تریاک تولید کردند (احمدی، ۱۳۱: ۱۳۷۷).

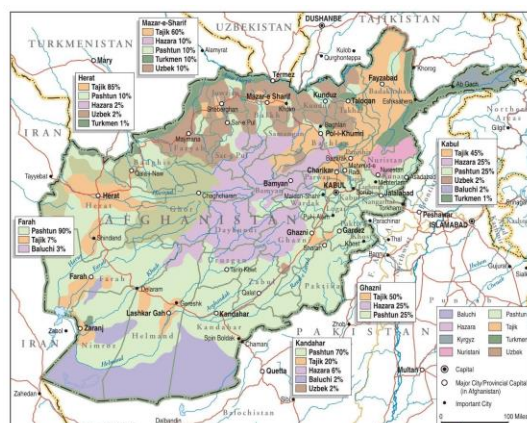
ایران در شرق، با دو کشور افغانستان و پاکستان ۱۰۳۳ کیلومتر مرز مشترک دارد که از دوفرسنگی شمال سرخس ناصری در رودخانه تجن آغاز و در شرق بندر گواتر به دریای عمان منتهی می شود (حافظ نیا، ۱۳۳۳: ۳۳۷) با توجه به این مرز طولانی قاچاق مواد مخدر به عنوان یکی از عوامل بحران را از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هزینه زیادی را نه تنها در کشور بلکه در سطح ملی بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده است.

پیامدهای ناشی از بحران آب هیرمند

عوامل سیاسی موثر بر مشکل حقایبه هیرمند

الف) شکل گیری روابط ایران و افغانستان و مولفه های تاثیر گذار بر آن

یکی از علل قطع و کاهش آب رودخانه هیرمند و عدم اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای امضا شده میان دو کشور ایران و افغانستان از جانب کشور افغانستان می باشد مسئله حقایبه رودخانه ای که قسمتی از مرزهای خاوری ایران را با افغانستان تشکیل می دهد. دست کم یکی از منابع پایدار مشاخره میان دولت ایران و افغانستان بوده است. این مشکل تا سال ۱۳۸۳، ۱۲ بار باعث بروز بحران دیپلماتیک بین دو کشور شده و ۲۷ بار مذاکره دو جانبه و مستقیم و یا پذیرش حکمیت برای حل فصل آن صورت پذیرفته است. در سال های گذشته طی گفتمان هایی که میان مقامات دو کشور صورت گرفته، دولت ایران خواستار اجرای دوباره قرارداد سال ۱۳۵۱ است که به درستی از سوی مقامات کشور افغانستان اجرا نمی شود و در عمل، دولت ایران حتی به حقوق نوشته شده در این معاهده نیز دست نمی یابد در حالی که حجم آب پشت سد کجکی (سدی که روی رود هیرمند در افغانستان بسته شد) حدود ۵/۱ تا ۵/۲ میلیارد مترمکعب تخمین زده می شود اختلافات ایران و افغانستان بر سر حقوق مربوط به آب هیرمند نقش پر اهمیتی در روابط دو کشور داشته و مانع از همکاری آنها شده است در حالی که یک فاجعه محیطی گسترش یابنده سرزمین و مردم سیستان را تهدید می کند فاجعه جغرافیایی که در رابطه با دریاچه هامون در سیستان در حال تکوین است تقریباً کامل، ولی آهسته تر اوایل فاجعه است که هیدروپلیتیک شوروی پیشین در رابطه با دریاچه آرال به بار آورده است در آنجا نیز انحراف آب رودهای سیحون و جیحون سبب نابودی تدریجی آرام شده و فاجعه محیطی بزرگ را شکل بخشیده است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۱۰۳).



نقشه (۳) مرز ایران و افغانستان

تحولات اقتصادی

الف) پدیده خشکسالی

خشکسالی یکی از وقایع محیطی و بخش جدایی ناپذیر نوسانات اقلیمی است این پدیده از ویژگی‌های اصلی و تکرار شونده اقلیم‌های مختلف به شمار می‌رود تا کنون بیش از ۱۵۰ تعریف از خشکسالی ارائه شده است در همه این تعاریف خشکسالی یک دوره پیوسته و پایدار که در آن مقدار آب موجود در این منطقه در حد قابل توجهی کاهش یافته و بیان می‌شود خشکسالی دارای طبیعت پنهانی است و تداوم وقوع آن طولانی و خسارات ناشی از آن در بخش‌های مختلف کشاورزی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و... صورت تدریجی ظاهر می‌شود لذا خشکسالی پدیده ای است که در تمامی آب و هواها و مناطق مختلف رخ می‌دهد و مشخصات آن از یک نقطه به نقطه ای دیگر متفاوت است.

ب) تغییر در ساختار اقتصادی سیستان

به دلیل خشکسالی‌های پی‌درپی طی سالهای اخیر به تدریج فعالیت‌های کشاورزی جای خود را به سایر فعالیت‌ها داده است. چون درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی در طی سال‌های مذکور از یک سو کفاف هزینه‌های زندگی تولید کننده را نمی‌نماید و از سویی دیگر درآمدهای حاصل از فعالیت‌های مختلف خدماتی و نیز فعالیت‌های مربوط به قاچاق کالا و مواد سوختی بسیار بیشتر و پهلوی اصول تر است به عبارت دیگر به خاطر بالا بودن آمد فعالیت‌های مختلف البته به ضرر بخش کشاورزی چندان به انجام فعالیت‌های کشاورزی در سطح ناحیه دیده نمی‌شود و مرتباً از تعداد خانوارهای کشاورزی دامدار کشاورزان دارد خواسته شده و در مقابل بر تعداد فعالین در سایر بخش‌های اقتصادی افزوده می‌شود به طوری که مشاغل نظیر کارگری، مغازه داری، دستفروشی و به خصوص قاچاق کالا و مواد سوخت حدود ۱۰۰ درصد رشد داشته است. (بیک محمدی وهمکاران، ۱۳۸۴: ۶۵)

ج) از بین رفتن تاسیسات زیر بنایی

راه‌های مواصلاتی که در مسیر دالان بادهای ۱۲۰ روزه قرار دارند و از جمله جاده‌های درجه یک و درجه دو و راه آهن در اثر حرکت شن‌های روان مسدود می‌شوند. انسداد راه‌ها باعث اختلال در حمل و نقل، ایجاد ترافیک، عدم خدمات رسانی به موقع می‌گردد و می‌بایست سریعاً به پاکسازی ماسه‌ها اقدام شود که خود هزینه‌های زیادی در برف دارد. مثلاً دو محور مهم و اساسی زابل- حاجی‌آباد ملکی و جاده زابل-سندول، این دو محور از منطقه شنزار و واحدهای ماسه‌های روان عبور می‌کند که در شرق شهر زابل قرار گرفته است و همچنین رود نیاتک از میان شنزارها عبور می‌کند. عبور این دو محور از این میان منطقه در زمان وزش توفان‌های چه مشکلاتی را ایجاد می‌کند از قبیل انسداد جاده، ایجاد ترافیک که در نتیجه باعث عدم امنیت اقتصادی و اجتماعی در این دو محور می‌شود. یکی از تاسیسات مهم منطقه، کانال‌های آبرسانی است که سالانه حجم زیادی از ماسه‌های بازی والدین کانال می‌شود که نیاز به لایروبی دارد. گاهی تجمع ماسه‌های بازی در مسیر کانال‌های آبیاری و حد زیادی است که سبب انحراف آب از مسیر اصلی و همچنین کاهش سرعت حرکت آب در کانال‌ها می‌گردد که همه ساله برای جمع‌آوری و لایروبی ماسه‌ها هزینه زیادی صرف می‌شود علاوه بر این‌ها محاسبات میدانی حاکی از این است که مخازن آبی چاه نیمه‌ها که تنها منبع آب شرب مردم سیستان و شهر حدود ۹۰۰۰۰۰ نفری زاهدان است که عاملی مهم برای ماندگاری مردم در این منطقه به شمار می‌رود در چند سال آینده مورد تهدید جدید شن‌های روان قرار خواهد گرفت به طوری که طی ۱۵ سال ۵۲۵۷۴۰۸ و در طی یک سال ۳۵۰۴۹۴۳۵۰۴۹۴ تون یا ۲۲۰۰۰۰ متر مکعب ماسه و شن وارد چاه نیمه‌ها می‌شود. اگر از هجوم شن‌ها و ماسه‌های روان به این مخازن جلوگیری نشود موجودیت این منبع آب بسیار حساس و مهم به خطر خواهد افتاد از زندگی مردم این منطقه را با مشکل مواجه خواهد کرد.

تحولات اجتماعی - فرهنگی

مناطق مسکونی با قطع و کاهش شدید آب هیرمند و خشک شدن دریاچه هامون بیشتر مردم منطقه سیستان به ویژه روستانشینان شغل خود را از دست داده‌اند و ضرب و بیکاری به شکل خطرناکی بالا رفته است. بیکاری مردم منطقه سیستان علاوه بر مشکلاتی که از بعد روانی، تأثیرات ناخوشایندی و خانواده‌هایی میگذارد که درآمد خود را از دست داده‌اند و مجبورند یکی از دو گزینه مهاجرت یا روی آوردی به قاچاق و کارهای خلاف را انتخاب کنند. مهاجرت گسترده مردم سیستان به استان‌های شمال شرقی و کرانه‌های خاوری دریای خزر که در مقاطع تاریخی دیگر نیز سابقه داشته است و موجب مشکلات فراوانی، هم در سیستان و هم در آن نواحی گردیده است. که به عنوان مقصد مهاجرت انتخاب شده‌اند. پرداخت مردم به فعالیت‌های منفی اقتصادی مثل قاچاق کالا و مواد مخدر ضمن ایجاد مسائل و مشکلاتی که به اقتصاد ملی کشور لطمه می‌زند سبب ناامنی در منطقه می‌شوند و این موضوع خود به خود مشکلات فراوان دیگری را به دنبال ایجاد می‌کند (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

(ب) به خطر انداختن سلامت شهروندان منطقه

شرایط نامساعد طبیعی در دشت سیستان از عوامل عمده عقب‌ماندگی‌های اقتصادی، اجتماعی این ناحیه است. از اصلی‌ترین شرایط طبیعی که مستقیماً بر روی حیات انسانی تأثیر دارد و موجبات ناراحتی‌های جسمی و روحی برای انسان را فراهم می‌آورد باد است. باد در منطقه سیستان آرام نمی‌گیرد اما در سال‌های اخیر بر اثر کاهش و قطع آب رودخانه هیرمند این پدیده طبیعی به شدت همراه با طوفان‌های شن و ماسه بازگشته است. شن و ماسه از بستر خشکیده دریاچه هامون توسط باد کنده شده و باعث آلودگی هوای منطقه گشته‌اند. گردوغبار پراکنده در منطقه سبب بیماری‌های متعددی در منطقه سیستان شده است به طوری که بر طبق تحقیقات انجام شده یکی از علل مهم کوری در منطقه سیستان کراتیت شنی تشخیص داده شده است.

به غیر از نابینایی بیماری‌های تنفسی دیگر نظیر آسم و دیگر بیماری‌های تنفسی و همچنین بیماری‌های عفونی ناشی از برخورد ماسه به پوست بدن از عوارض دیگر مستقیم بادهای هستند. ورزش بادهای تداوم آرامش فکرو جسم را از فرد سلب می‌کند و انسان حساس را تا آستانه بیماری‌های عصبی و روانی پیش می‌برد.

تهدیدات طبیعی و پیامدهای امنیتی آن در سیستان و بلوچستان

تهدیدات طبیعی، چه از نوع اقلیمی و چه از نوع زمین‌شناسی، در مناطق مختلف تأثیرات متفاوتی دارند. برخی از این تهدیدات با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه، مثبت و برخی دیگر منفی عمل میکنند. تهدیدات طبیعی انواع دارند که در این بخش با توجه به منطقه مورد مطالعه، به مهمترین و تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر نابسامانی طبیعی در فضای جغرافیایی (استان سیستان و بلوچستان) پرداخته خواهد شد.

جدول شماره (۱). شاخص های تهدیدات طبیعی در استان سیستان و بلوچستان

ردیف	تهدیدات	توضیحات
۱	خشکسالی های فراگیر	استان سیستان و بلوچستان نیز یکی از مناطق مستعد به خشکسالی در کشور است که در سال های اخیر خسارت های زیادی را متحمل شده است. خسارات وارد شده به شهرستان هیرمند واقع در شمال این استان بیشتر از مناطق دیگر استان قابل رؤیت است. بر مبنای ویژگی خشکسالی هیدرولوژیک (اشتاب و شریف زاده، ۱۳۹۶: ۷۶) بدین ترتیب خشکسالی یکی از تهدیداتی است که زیان های بسیاری را بر زیست سیستان و بلوچستان برجای گذاشته است که زمینه مهاجرت بسیاری را به استان های هم جوار فراهم ساخته است
۲	طوفان شن	خشکسالی های طولانی در این استان زمینه خشک شدن رودها از جرمه (هیرمند، هامون) و از بین رفتن پوشش گیاهی را فراهم آورده است و زمانی که بادهای ۱۲۰ روزه می وزد، خود را به صورت طوفان شن به نمایش میگذارد که این طوفان شن به اندازه ای است که روستاها، خانه ها به زیر شن ها مدفون گشته اند. از جمله پیامدهای امنیتی، آن شکل گیری بسیاری از بیماری های تنفسی و پوستی می باشد.

تهدیدات انسان ساز و پیامدهای امنیتی آن در سیستان و بلوچستان

تهدیدات انسانی، در مناطق و فضاهای مختلف، تأثیرات متفاوتی دارند. برخی از این تهدیدات، با توجه به موقعیت جغرافیایی منقعه، مثبت و برخی دیگر منفی عمل می کنند. تهدیدات انسانی انواع دارند که در این بخش با توجه به منطقه مورد مطالعه، به مهم ترین و تأثیرگذارترین شاخص های مؤثر بر نابسامانی انسانی در استان سیستان و بلوچستان پرداخته خواهد شد.

جدول شماره (۱) شاخص های تهدیدات انسانی در استان سیستان و بلوچستان

ردیف	تهدید طبیعی	توضیحات
۱	توسعه نامتوازن استان	استان سیستان و بلوچستان در جایگاه پهناورترین استان کشور در دهه های اخیر دچار ناامنی ها و چالش هایی امنیتی فراوانی بوده است که گستره تحمیلی آن را باید در سه سطح ناحیه ای، ملی و فراملی جستجو کرد. بر این مبنای، در بعد ملی و ناحیه ای توسعه نامتوازن ساختار نظام سیاسی متمرکز و الگوی سیاسی اقتصادی مرکز پیرامون و ناکارآمدی سازوکارهای مؤثر در مزیت آفرینی و خلق فرصت بر بنیاد توان های محیطی وجود تنگنای جغرافیایی دوری از مرکز خشکسالی و کم آبی و... ضعف زمینه های مشارکت محلی و ناهمگونی مذهبی با اکثریت در پیدایش زمینه های بحران ناحیه ای و چالش های امنیتی مؤثر بوده است (ویسی، ۱۳۹۲: ۱). بنابراین یکی دیگر از تهدیدات تأثیرگذار بر فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان توسعه نامتوازن استان می باشد که زمینه نابسامانی و پیامدهای امنیتی بسیاری را در دهه حاضر در این استان فراهم آورده است.
۲	مهاجرت	در اکثر کشورهای در حال توسعه به ویژه در شهرهای ایران شاهد خواهیم بود که شهرهای بسیاری بر پایه بحران های آب، جنگ، غذا و انرژی خالی از سکنه شده و به فراموشی سپرده خواهند شد و ساکنان آن به دیگر شهرها مهاجرت خواهند کرد (قربانی سپهر، ۱۳۹۰: ۳۲۰). لذا مردم سیستان و بلوچستان و روستاهای پراکنده آن نزدیک به دو دهه است که با مشکلات لدیده ای از جرمه خشکسالی ها، بسته شدن مرز، نبود آب در تالاب بین المممی هامون، لدم امکان فعالیت های دامداری و کشاورزی پایدار در منقعه و... مواجه هستند و این امر منجر شده تا برخی از مردم این منطقه مهاجرت به شهرها و استان های برخوردار را بر ماندن در محل سکونت خود ترجیح دهند از این رو، مهم ترین مشکل مردم سیستان و بلوچستان که منجر به مهاجرت می شود، بی آبی، بیکاری و تغییرات اکولوژیک منطقه است که در پی

آن منجر به مهاجرت و نابسامان شدن فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان میشود.		
عدم توسعه مناسب اقتصادی منطقه، بیکاری و فقر در دو سوی مرز موجب روی آوردن برخی از جوانان به قاچاق و اعمال خلاف قانون گردیده است (احمدی مقدم، ۱۳۷۹: ۱۸). لذا هم مرز بودن سیستان و بلوچستان با کشورهای افغانستان و پاکستان اگرچه می تواند فرصت های زیادی به ارمغان بیاورد اما در این بین تهدیداتی هم در پی دارد از جمله قاچاق کالا، مواد مخدر و شغل های کاذب می باشد که دلیل آن فقدان اشتغال می باشد که از جمله پیامدهای امنیتی آن به شمار می آید.	فقدان اشتغال (قاچاق کالا و مواد مخدر)	۳
فضای جغرافیایی آن می باشد که استان را تحت تأثیر خود قرار داده است. طبق مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ استان سیستان و بلوچستان بیشترین جمعیت را در سال های ۱۳۳۵-۱۳۹۵ در رده سنی جوان ۶۴-۱۵ ساله رادار بوده و استان فقر و بیکاری در طول این سال ها وجود داشته است، این ساختار جمعیت منجر به تشدید نابسامانی فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان شده است.	جمعیت	۴

نتیجه گیری

مناطق جنوب شرقی کشور که در قلمرو حوضه های آبی هیرمند و دریاچه هامون قرار دارند، در قیاس با دیگر نواحی کشور از میزان بارش کمتری برخوردارند. مناسبات هیدروپلیتیک افغانستان با ایران در این ناحیه در طول ۱۰۰ سال گذشته توأم با تنش بوده است. در هر دوره، سهم حقایق ایران کاهش یافته و بارها نیز به دلایل مختلف قطع شده است که نتیجه آن در چهره ورودی زیست بوم دریاچه هامون، ویرانی کشاورزی و بنیادهای معشیتی سکونتگاهی شهری و روستایی، مهاجرت و ناامنی و به راهکاری های اجتماعی نمود یافته است. نوسانات آب هیرمند در دهه اخیر با اعمال مدیریت ناسازگار با ساختارهای زیست محیطی از سوی افغانستان عدم تأمین حقایق هیرمند و احداث سدهای متعدد و ایران بدون توجه به تداوم جریان همیشگی آب اقدام به تأمین آب شور زاهدان به ۲۰۰ کیلومتر کرده است در تشدید این روند نقش آفرین بوده است. خشکسالی تبعات اقتصادی و اجتماعی نامطلوبی بر اکوسیستم استان تحمیل نموده که تعدیل ۵۰ درصدی اراضی کشاورزی، حذف حدود ۱۵۰۰ فرصت شغلی مرتبط با فرایندهای اقتصادی افزایش توفان و تهدید سلامت ساکنین، مشاغل کاذب، اول شن ها و ماسه های روان در سطح منطقه توسط بادهای ۱۲۰ روزه و در نتیجه پر شدن مسیر رودخانه هیرمند در نقاط مرزی ایران و افغانستان از چه نوع ماسه که به تغییر مسیر رودخانه و در آینده قطعاً موجب بروز مشکلات سیاسی بیشتری خواهد شد از جمله محوری ترین تبعات و پیامدهای حل شدن مسئله هیدروپلیتیک رودخانه هیرمند است به طور کلی مهمترین پیامدهای امنیتی سیاسی، اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی قطعی آب رودخانه هیرمند بر منطقه سیستان عبارتند از: قاچاق مواد مخدر، قانون گریزی و اشتغال به مشاغل غیر قانونی از جمله متداولترین پیامدهای اجتماعی امنیتی خشکسالی در منطقه سیستان است حذف فرصت های شغلی مولد و نبود زمینه اشتغال در سایر بخش ها به خصوص صنعت، حجم قابل توجهی از جوانان بیکار را به مشاغل غیر قانونی مانند قاچاق کالا و سو داده است به این مهم می بایست ناامنی حاصل از افزایش سرقت و زورگیری، شرارت و راهزنی مسلحانه، آدم ربایی و حمل مواد مخدر در قالب کاروان های مسلح و را که صرفاً توسط دهمدی انجام پذیرفته اضافه نمود در شرایط فعلی بحران منطقه آب در سیستان علاوه بر اثرات زیست محیطی امنیت ملی و منطقه ای را نیز مورد تهدید قرار داده است شدت بحران به حدی است که چنانچه تدابیری برای آن اتخاذ نگردد در آینده نه چندان دور به فاجعه ای ملی و محیطی مجدد خواهد شد.

منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی، مهاجرت های روستایی و پیامدهای آن در استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۱۳۸۰. شماره ۱
۲. امیری، هاشم؛ علی پور، عباس؛ هاشمی، مصطفی (عملکرد جمهوری اسلامی ایران در ساماندهی محدوده فضایی جنوب شرق)
۳. آشوری، داریوش (۱۳۷۰)، دانشنامه سیاسی، بی جا: انتشارات مروارید
۴. احمدی، حمید (۱۳۷۷)، طالبان ریشه های علل ظهور و عوامل رشد، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ص ۲۴، ۳۹
۵. اداره کل جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان. آمار و اطلاعات بخش کشاورزی استان. (۱۳ آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در: <http://www.sb-agrijahad.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryId=۳۵bd۵۸af-۱۶۷۸۴۳۷a-b۸۱f-۹۱dbb۸۰۳۸۴cc>.
۶. بیک محمدی، حسن، جاذبه های توریستی سیستان و بلوچستان، مجله سپهر، سازمان جغرافیایی ن.م دوره پنجم، شماره ۱۷. بهار ۱۳۷۵
۷. بیک محمدی و همکاران، حسن، اثرات خشکسالی (۷۷-۸۳)، اقتصاد روستایی سیستان و راهکارهای مقابله با آن مجله جغرافیا و توسعه پژوهشکده زمین و جغرافیا دانشکده سیستان و بلوچستان، سال چهارم، شماره ۵، ۱۳۸۴
۸. پاپلی یزدی، محمد حسین، بلوچستان بدون نخل، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۶۷، ۲
۹. تریکار، ژان، (۱۳۶۹)، اشکال ناهمواری در نواحی خشک. مترجمین مهدی صدیقی و محسن پور کرمانی. انتشارات آستان قدس رضوی
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا، چالش ژئوپولیتیکی اقتصاد ایران در دهه ۸۰، مجموعه مقالات همایش دوسالانه اقتصاد ایران، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد، ۱۳۸۰
۱۱. حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۳۳)، جغرافیای سیاسی ایران قم: انتشارات مهر
۱۲. حافظ نیا، محمد رضا و دیگران (۱۳۸۵)، هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، فصلنامه مدرس علون انسانی، شماره ۴۵، تابستان
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲)، لغت نامه دهخدا، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
۱۴. سالنامه آماری کشور، سازمان برنامه و بودجه و مرکز آمار ایران، تهران. ۱۳۶۴
۱۵. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان، معاونت آمار و اطلاعات، سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، زاهدان، ۱۳۸۵
۱۶. سیستانی، محمداعظم (۱۳۸۹)، رودخانه های سیستان و زابلستان، نشریه اسوسال ۴، شماره ۴۲
۱۷. عندلیب و مطوف (۱۳۷۹)، تجربه های آمایش مناطق مرزی دوطرفه آلمان و درس هایی برای ایران. شماره ۲۹؛ دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
۱۸. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، نظریه پایه مرزی آمایش مناطق مرزی. دوره عالی جنگ. تهران.
۱۹. عزتی، عزت الله (۱۳۶۸)، جغرافیای نظامی ایران، انتشارات امیرکبیر. تهران.
۲۰. عسگری، محمود (۱۳۷۸)، هیرمند آتش زیر خاکستر و چالش های امنیت ملی، روزنامه همشهری
۲۱. عرب خدزی، محمود و کمالی، کوروش (۱۳۸۷). روش های سنتی حفاظت خاک و آب در ایران، انتشارات راه سبحان. تهران. ص ۱۰۹
۲۲. کریمی پور، یدالله، ۱۳۸۰. ایران و همسایگان، نشر جهاد دانشگاهی

۲۳. کریمی پور، یداله، تحلیل ژئوپلیتیکی نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان، دانشنامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۱
۲۴. گنجی، محمد حسن، (۱۳۵۳)، مقاله جغرافیایی، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، تهران.
۲۵. مجتهدزاده، پیروز، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات ۱۱
۲۶. محمد رضا حافظ نیا، ودیگران (۱۳۸۵)، هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، فصلنامه مدرس علون انسانی، شماره ۴۵، تابستان
۲۷. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸)، امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، ترجمه حمیدرضا ملک محمد نوری، تهران
۲۸. مجید مخدوم، شالوده آمایش سرزمین (۱۳۷۴). تهران انتشارات دانشگاه. تهران.
۲۹. اسناد مرکز آمار و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه. امور مرزی. ۱۳۱۳. کارت ۱۳۱۵:۳۳. کارت ۱۳۵۰:۱۶. کارت ۱۳۳۶:۳۱. کارت ۱۳۲۱:۱۸. کارت ۱۳۲۱:۳۳. کارت ۱۳۱۷:۱۴
۳۰. هافتون، گراهام و کانسل، دیوید (۱۳۸۸) مناطق، راهبردهای فضایی و توسعه پایدارت: عارف اقوامی مقدم. چاپ دوم. انتشارات آذرخش. تهران
۳۱. هاروی، دیوید (۱۳۸۷) شهری شدن سرمایه. ت: مقدم عارف اقوامی. نشر اختران. تهران

۳۲. Jones, Phillip, n. and Wild, Trevor .۱۹۹۴. Opening the Frontier: Recent Spatial Impacts in the Former Inner-German Border Zone; Regional Studies, Vol. ۲۸,۳; pp ۲۵۹-۲۷۳

۳۳. Hansen, Niles H. (ed.) .۱۹۷۸. Border Regions: A Critique of Spatial Theory and an European Case Study; Human Settlement Systems: International Perspectives on Structure Change and public Policy. Ballinger Publication Co., pp. ۲۴۶-۲۶۱ Cambridge, UK

۳۴. Castells, Manuel .۲۰۰۹. Communication Power; Oxford University Press; Oxford, UK

۳۵. Braden, K, Shelly, f, ۲۰۰۰, Engaging Geopolitic, London , person Education. p. ۱۰۸

تحلیل محرومیت توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان‌های مرزی (مطالعه موردی: زاهدان)

مریم قاسمی^{۱*}، دریا مازندرانی^۲

۱- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده ی مسئول

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

*Magh30@um.ac.ir

چکیده

طرح مسئله: نابرابری‌های فضایی و عدم توزیع متوازن نماگرهای توسعه، چالش فراراه توسعه پایدار در سطح مناطق به ویژه در نواحی مرزی است. توسعه نیافتگی مناطق مرزی کشور باعث تهدید امنیت این مناطق می‌گردد. از این رو هدف پژوهش حاضر تحلیل محرومیت توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان‌های مرزی با تاکید بر شهرستان زاهدان است.

روش پژوهش: روش تحقیق توصیفی تحلیلی است به منظور رتبه بندی و تعیین سطوح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان زاهدان، با استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران تعداد ۷۶ شاخص در قالب ۹ بعد (آموزشی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی، ارتباطات و حمل نقل، خدماتی و بازرگانی، سیاسی اداری، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی و جمعیتی) تعریف شد. تحلیل داده‌ها به کمک مدل تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس و همچنین از نرم افزارهای Excel و Arc-GIS انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از دهستان‌های شهرستان زاهدان محروم و ۲۵ درصد نیمه محروم هستند. هیچ دهستانی در این شهرستان در سطح برخوردار قرار نگرفت و بالاترین ضریب توسعه یافتگی مربوط به دهستان حرک با درجه ۰.۳۷ است که رقم بسیار پایینی است. همچنین درجه توسعه در محروم‌ترین دهستان ۰.۰۹ به دهستان نصرت‌آباد اختصاص دارد. بر اساس ضریب تغییر در شاخص های حمل و نقل و آموزشی بیشترین نابرابری مشاهده شد. همچنین در شاخص های اقتصادی، دهستان های شهرستان از شرایط تقریباً مشابهی برخوردار هستند. نکته جالب توجه اینکه در این شهرستان دهستان‌های مجاور مرزها از توسعه یافتگی مطلوب‌تری نسبت به سایر دهستان‌های شهرستان برخوردارند.

نتیجه گیری: درجه محرومیت در نواحی روستایی شهرستان زاهدان بسیار بالا است به طوری که توسعه یافته ترین دهستان در این شهرستان دارای درجه توسعه ۰.۳۷ است. از آنجا که کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دستاوردها و امکانات جامعه یکی از مهم‌ترین معیارهای توسعه به شمار می‌آید، شناسایی مناطق محروم و در اولویت برنامه‌ریزی قرار دادن آنها ضمن کاهش شکاف توسعه، به امنیت نواحی مرزی کمک می‌نماید.

واژگان کلیدی: محرومیت، توسعه یافتگی، نواحی مرزی، شهرستان زاهدان، ضریب تغییرات، Topsis

۱- مقدمه

یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های بشریت، توسعه^{۱۲۹}، تامین عدالت و دسترسی مساوی به خدمات بوده است (Rice & Smith, ۲۰۰۱: ۲۷). از نقطه نظر جغرافیایی، عدالت اجتماعی مترادف با توزیع عادلانه امکانات و منابع در فضا و دستیابی برابر شهروندان به آنها است. به عبارتی دیگر، یکی از مهم‌ترین خصایص اقتصاد پویا و سالم، توزیع مناسب و عادلانه امکانات و ثمره‌های توسعه در میان اکثریت جمعیت هر ناحیه و منطقه یا کشور است (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶). دلایل متعددی برای وجود نابرابری‌های فضایی بین کشورها مانند پیشینه تاریخی، منابع طبیعی، سرمایه انسانی، اقتصاد سیاسی، محلی و فرهنگ وجود دارد که با یکدیگر دارای همپوشانی و هم افزایی هستند (مومنی و قهار، ۱۳۹۲: ۵۴). تغییرات اجتماعی و اقتصادی دهه‌های اخیر، عدم تعادل منطقه‌ای و تمرکز بیش از حد امکانات در برخی نقاط، و محرومیت نقاط دیگر را در پی داشته است. برای تعدیل در پراکنش شاخص‌های توسعه، برنامه‌ریزی جامع توسعه پذیری مناطق با هدف ارائه الگو مناسب برای توزیع متعادل خدمات، جمعیت، سکونتگاه‌ها و تعادل فضایی ضرورت می‌یابد (قنبری و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۴).

فقدان تعادل فضایی در برخورداری از امکانات و خدمات پدیده‌ی نوینی نیست، اما در کشورهای جهان سوم این پدیده چنان نمود یافته که به معضلی اساسی تبدیل شده‌است. در کشور ایران نیز عدم تعادل فضایی در بسیاری از مناطق دیده می‌شود، به صورتی که شدت نابرابری در ایران قبل از انقلاب و آثار و بقایای آن را بعد از انقلاب می‌توان یافت. براساس این ویژگی‌ها، بخش زیادی از امکانات و جمعیت در یک نقطه تمرکز می‌یابد و سایر مناطق به صورت حاشیه‌ای عمل می‌کند (احمدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۰). بنابراین، بررسی و شناخت جایگاه سکونتگاه‌ها در سلسله مراتب برخورداری از شاخص‌های توسعه، نقش بسزایی در برنامه‌ریزی دارد و نوعی ضرورت برای تهیه و ارائه‌ی طرح‌ها و برنامه‌ها محسوب می‌شود (صبوری و نوروزی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). به طور اعم، برنامه‌ریزی ابزاری است برای تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب با هدف توسعه و عمران. اهداف کلی برنامه‌ریزی یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. توسعه نیز عبارت است از تغییر در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فضایی به گونه‌ای که نه تنها رشد کمی جامعه را به همراه داشته باشد بلکه تغییرات کیفی در شیوه‌های زندگی، رفاه اجتماعی، بالندگی فرهنگی، زیرساخت‌های اقتصادی و ... را فراهم آورد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲). در ادبیات توسعه به طور کلی سه تلقی از مفهوم توسعه ارائه شده است: توسعه به مثابه یک مجموعه اقدامات مشخص، توسعه به مثابه فرآیندهای دگرگونی بنیادی و بالاخره توسعه به مثابه مجموعه‌ای از دستاوردها و اقدامات مشخص. ضروری است برنامه‌ریزی طرح توسعه در استان با دیدی واقع بینانه صورت گیرد (جعفرزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵).

هدف اصلی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه برای مناطق، شناخت و تبیین سطوح توسعه یافتگی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آنها است. با شناخت میزان برخورداری هر یک از مناطق، می‌توان میزان آشفتنگی توزیع امکانات و خدمات عرضه شده را مشاهده کرد و با داشتن اطلاعات جامع و دقیق از سطح برخورداری یا محرومیت، برنامه‌ریزی و تخصیص منابع متناسب با نیازهای هر ناحیه مقدور خواهد شد. برنامه‌های توسعه‌ی روستایی نیز دستیابی به الگویی مناسب، برای توزیع امکانات و فعالیت‌ها براساس توان‌های جغرافیایی هر منطقه می‌باشد (صبوری و نوروزی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). محرومیت روستاییان از امکانات و خدمات رفاهی یکی از دلایل اصلی مهاجرت‌های بی رویه روستا-شهری است. در گذشته بی توجهی به مناطق روستایی از یک طرف عمدی و از طرف دیگر غیر عمدی و سرچشمه گرفته از عدم شناخت میزان محرومیت و برخورداری مناطق روستایی بوده است. اما با این وجود نه تنها در گذشته بلکه می‌توان گفت که حتی در آینده هم روستا و روستایی از صحنه فضای ملی و به نفع شهرها کنار نخواهد رفت (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱). در نتیجه آگاهی از سطح توسعه یافتگی روستاها جهت برنامه‌ریزی توسعه امری مهم و اجتناب ناپذیر است. توسعه‌نیافتگی در مناطق روستایی مرزی کشور باعث تهدید امنیت این مناطق

^{۱۲۹} Development

می‌گردد و این نامنی مناطق مرزی، باعث هجوم عوامل تهدید به داخل کشور شده و باعث ایجاد چالش بزرگی در فرآیند توسعه‌ی کشور می‌گردد و می‌توان گفت اغلب صاحب نظران بر توسعه‌ی مناطق مرزی تأکید می‌ورزند و این مهم که هرگونه سیاست‌گذاری توسعه‌ای و امنیتی در مناطق مرزی، مستلزم تأمین زیرساخت‌های لازم و تأکید بر بهره‌برداری بهینه از توانمندی‌های انسانی و طبیعی این مناطق بوده و عامل مهمی در راستای بسط اقتدار همه جانبه‌ی کشور می‌باشد مورد اتفاق اغلب پژوهشگران و صاحب نظران مطالعات مرز و مناطق مرزی می‌باشد (میره ای و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۲).

به طور کلی در جهت کاهش نابرابری‌ها و بی‌تعادلی‌ها، پیش از هر چیز نیازمند شناخت وضعیت موجود مناطق با استفاده از روش‌ها و شاخص‌های مناسب می‌باشیم. برای انجام این کار از شاخص‌های مختلف استفاده می‌گردد که از آن جمله می‌توان به شاخص‌هایی چون درآمد، کیفیت زندگی، راه‌های آسفالت، خدمات آموزشی و بهداشتی و نظایر آن اشاره کرد. نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های فضایی که علاوه بر ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی، متأثر از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها است، برنامه‌ریزان را بر آن داشته است تا تکنیک‌ها و روش‌هایی را ابداع کنند که از طریق رتبه بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق، بتوانند به شناخت و تحلیل علل یا عوامل نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای دست یابند (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶). بر این مبنا تحقیق حاضر در پی آن است که با به‌کارگیری مدل چند معیاره تاپسیس، سطوح محرومیت دهستان‌های شهرستان مرزی زاهدان را مورد سنجش قرار دهد. بدون شک نتایج این تحقیق می‌تواند نقطه عطفی، برای توجه برنامه‌ریزان و کارگزاران در امر توسعه باشد زیرا همواره مرزهای شرقی به دلیل همسایگی با کشورهای تولیدکننده مواد مخدر، که زاهدان نیز یکی از راه‌های فرعی آن می‌باشد، حالت شکننده‌ای دارند و عدم توسعه این نواحی و عقب‌ماندگی آن باعث ایجاد مشکلات اقتصادی و امنیتی در سطوح ملی منطقه‌ای می‌گردد.

۲- چارچوب نظری تحقیق

نابرابری فضایی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن واحدهای فضایی یا جغرافیایی گوناگون در زمینه‌ی برخی متغیرها، در سطوح مختلف قرار دارند (Kanbur et all, ۲۰۰۵: ۲). دلایل متعددی برای وجود نابرابری‌های فضایی بین کشورها مانند پیشینه تاریخی، منابع طبیعی، سرمایه انسانی، اقتصاد سیاسی، محلی و فرهنگ وجود دارد که با یکدیگر دارای هم پوشانی و هم افزایی هستند (مومنی و قهاری، ۱۳۹۲: ۵۴). به طور کلی توسعه به معنای تلاش برای بهبود زندگی، همزاد تاریخ جامعه بشری است، اما توسعه به مفهوم امروزی آن که بیشتر یک مفهوم مقایسه‌ای است، از جمله مفاهیمی است که بیش از هر موضوع دیگری در نیم قرن اخیر مورد بحث محافل مختلف قرار گرفته است (جمعه پور، ۱۳۸۹: ۵۱). بروکفیلد^{۱۳} در تعریف توسعه می‌گوید: توسعه را باید برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری، و نابرابری تعریف کنیم (خاکپور و باوان پوری، ۱۳۸۸: ۱۸۷).

روشن و بدیهی است که دستیابی به توسعه در کشور نیازمند برنامه‌ریزی است. چرا که توسعه بدون برنامه منجر به توسعه نامتوازن بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی و همچنین تشدید عدم تعادل منطقه‌ای و در نتیجه آسیب پذیری و تضعیف وحدت ملی می‌شود. امروزه افزایش بی‌رویه جمعیت با توجه به ضعف امنیت و نگهداشت جمعیت (تثبیت جمعیت) در مناطق مرزی، افق بسیار پیچیده‌ای برای آینده نواحی حاشیه‌ای پدیدآورده است. در آینده کشوری موفق خواهد بود که بتواند مشکلات جمعیتی خود را به حداقل برساند و با استفاده از راهکارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی بتواند جمعیت را به ماندن در نواحی مرزی و محل تولدشان علاقه مند نماید، از طرفی نواحی مرزی به واسطه دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی و... تفاوت‌های فاحش از نظر برخورداری از رفاه و توسعه در مقایسه با مراکز عمده جمعیتی را دارند، که این تفاوت‌ها منجر به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه استثماری به نفع مرکز می‌شود (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۴). مرزهای اکثر کشورهای در حال توسعه سطح قابل توجهی از نیاز مردم مرزنشین از طریق مبادلات مرزی تأمین

^{۱۳} Brookfield

می‌شود. این گونه مبادلات علی رغم غیر رسمی و محلی بودن آن دارای نقش پراهمیتی در مبادلات میان کشورهای همسایه بودن و باعث بهبود زندگی ساکنان نقاط مرزی می‌شود. از این رو برنامه‌ای کردن چنین مبادلات و جریان‌هایی در نوع خود به توسعه همکاری‌های متقابل اقتصادی، گسترش بازارهای مرزی محلی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و بالاخره بهبود امنیت در این مناطق و بهبود زیرساخت‌ها و خدمات مورد نیاز منطقه را به همراه می‌آورد (همان، ۱۱۵). بررسی‌های انجام شده در مورد رابطه‌ی توسعه و امنیت در مناطق مرزی حاوی چند نکته‌ی مهم است:

الف) امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا، دارای رابطه‌ی مستقیم و دوسویه با یکدیگر می‌باشند. به عبارت دیگر، توسعه و امنیت در مناطق مرزی تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند، به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه، تأثیرهای مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارند و بالعکس.

ب) هرگاه ناامنی در منطقه مرزی گسترش یابد و جو آرام و امن لازم برای توسعه‌ی آن منطقه محقق نشود، عوامل و عناصر مؤثر بر توسعه از آن منطقه کوچ کرده و منطقه با شرایط توسعه‌نیافتگی مواجه می‌گردد.

ج) امنیت و توسعه در مناطق مرزی ارتباط مستقیم و متقابلی با توسعه و امنیت ملی دارد.

د) عدم تعادل منطقه‌ای فضایی میان مناطق مرکزی (مرکز) و مرزی (پیرامون) منجر به کاهش امنیت مطلوب در مناطق مرزی می‌گردد.

ه) برنامه‌ریزی توسعه‌ای در مناطق مرزی مستلزم توجه به سطوح محلی و منطقه‌ای، ملی، فراملی و جهانی امنیت است و میان سلسله مراتب توسعه‌ای و سلسله مراتب امنیتی مناطق مرکزی و مناطق مرزی، رابطه‌ی متقابل وجود دارد. از این جهت، توسعه در مناطق مرزی توجه به ابعاد فیزیکی و غیر فیزیکی را می‌طلبد.

و) مناطق مرزی به مثابه یک جزء یا زیرسیستم از سیستم کل کشور، در صورتی می‌تواند به وظایف خود هماهنگ و معتدل عمل کند که اجزاء و عناصر درونی آن بتوانند به طور مداوم تعاملات لازم بین خود را برقرار سازند (میره‌ای و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۷ تا ۸۹).

لذا اغلب صاحب نظران بر توسعه‌ی مناطق مرزی تأکید می‌ورزند و این مهم که هرگونه سیاست‌گذاری توسعه‌ای و امنیتی در مناطق مرزی، مستلزم تأمین زیر ساخت‌های لازم و تأکید بر بهره‌برداری بهینه از توانمندی‌های انسانی و طبیعی این مناطق بوده و عامل مهمی در راستای بسط اقتدار همه جانبه‌ی کشور می‌باشد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۸)، مورد اتفاق اغلب پژوهشگران و صاحب نظران مطالعات مرز و مناطق مرزی می‌باشد.

۳- پیشینه تحقیق

در انجام هر کار پژوهشی و تحقیق علمی، مطالعه و بررسی پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با موضوع مورد بررسی و با هدف بهره‌مندی از نتایج توسعه و تکامل آنها ضروری است. منابع نزدیک به موضوع که به تحلیل فضایی و سطوح برخورداری از منابع و امکانات اشاره کرده باشد وجود دارد، که در روشن کردن مفاهیم بسیار کمک کننده بود. از جمله نمونه کارهای قابل ملاحظه در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (جدول ۱).

جدول ۱: یافته‌های چند مقاله در زمینه سطح برخورداری دهستان‌ها

محقق/ سال	عنوان	روش/ مدل	یافته‌ها
-----------	-------	----------	----------

محقق / سال	عنوان	روش / مدل	یافته‌ها
صبوری و نوروزی (۱۳۹۶)	تعیین و تحلیل سطوح برخورداری و میزان محرومیت دهستان‌ها شهرستان جاسک	توصیفی / تحلیلی / تاکسونومی عددی	۶۰ درصد دهستان‌ها (سورک، بی وشک و گابریک) در طبقه دهستان‌های محروم و خیلی محروم قرار دارند.
میره‌ای و همکاران (۱۳۹۶)	بررسی و تحلیلی بر چگونگی توسعه یافتگی نواحی روستایی مرزی (مورد مطالعه دهستان - های شهرستان سرخس)	توصیفی و تحلیلی / توسعه‌ای / مدل تاپسیس و ویکور	دهستان مرزداران و پل خاتون نسبت به دیگر دهستان‌ها از سطح توسعه یافتگی بیشتری برخوردارند و بدترین وضعیت توسعه یافتگی مربوط به دهستان‌های گل بی بی و تجن می باشد. درحالی که نتایج حاصل از مدل ویکور نشان داد که دهستان تجن و سرخس بهترین وضعیت را دارند و دهستان‌های گل بی بی و مرزداران بدترین وضعیت را از لحاظ توسعه یافتگی دارا می‌باشند.
اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)	تحلیل سطوح برخورداری و رتبه بندی شهرستان‌های استان همدان با استفاده از مدل های چند معیاره	توصیفی / تحلیلی / تاپسیس و کپراس	عدم تعادل در توزیع خدمات در بین شهرستان‌های استان همدان می باشد. نظام برنامه‌ریزی این استان تابعی از برنامه‌ریزی مرکز پیرامون است. به گونه‌ای که اکثر خدمات در مرکز واقع شده و هرچه فاصله از مرکز زیاد می‌شود، سطح خدمات نیز کمتر می‌شود.
اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)	تحلیلی بر سطح توسعه یافتگی مناطق روستایی شهرستان‌های استان کرمانشاه	توصیفی / تحلیلی / کپراس و تاپسیس و ساو	بین شهرستان‌های استان کرمانشاه از نظر خدمات دهی به روستاهای تابع، تفاوت چشمگیری وجود دارد؛ در راستای توسعه و تحقق عدالت در سطح استان تقویت نواحی روستایی محروم ضروری است.
مرادی و درویشی (۱۳۹۵)	تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل	توصیفی / تحلیلی / کارکردی / تاپسیس	سطوح شهرستان اردبیل متعادل نبوده و بین شهرستان‌های استان به لحاظ شاخص‌های توسعه اختلاف و شکاف بزرگی وجود دارد. در این میان شهرستان‌های نیر، کوثر و سرعین در سطح برخوردار، اردبیل، مشکین شهر و خلخال نسبتا و برخوردار و مابقی شهرستان‌ها محروم هستند.
Singh & Keshari (۲۰۱۶)	توسعه شاخص توسعه انسانی در سطح منطقه	—	نیاز به محاسبه HDI ها در سطح منطقه وجود دارد که به توسعه برنامه‌های سیاست‌گذاری و اجرای برنامه در سطح منطقه کمک خواهد کرد. این مقاله تلاش برای استفاده از رویکرد اندازه گیری HDI بر اساس شاخص‌های موجود در بهداشت، آموزش و پرورش و استاندارد زندگی از نظر سنجی سالانه سالم در سطح منطقه است.
Kumar & Mondal (۲۰۱۲)	سطوح توسعه یافتگی در دهستان مرشد آباد غرب بنگال	—	هدف این مطالعه نشان دادن الگوهای سطح توسعه یافتگی و درک تفاوت- های بین بلوکی با استفاده از ۱۴ شاخص. شاخص توسعه محاسبه شده برای هر بلوک نشان دهنده اختلاف بین منطقه‌ای است که در آن، سوتی دارای بالاترین سطح، در حالی که بلوک فارکا و کندی از بدترین شرایط رنج می- برند.

ماخذ: نگارنده ۱۳۹۹

پیشینه و سوابق نظری پژوهش نشان می‌دهد که منابع مرتبط علمی بسیاری در خصوص تعیین و تحلیل سطوح توسعه یافتگی فضاها با استفاده از مدل‌های سطح بندی در سطح کشور انجام گرفته است؛ اما این موضوع در سطح مناطق مرزی و به خصوص در مورد دهستان‌ها بسیار کم کار شده است و به مسائل امنیتی و نقش بسیار مهم این مناطق در ایجاد امنیت و کاهش آسیب-پذیری اجتماعی، بسیار کم توجه شده است. علاوه بر این‌ها این موضوع به طور اختصاصی در سطح شهرستان زاهدان کار نشده است.

۴- روش‌شناسی تحقیق

۴-۱- معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان زاهدان در حداقل ۵۹ درجه و ۲۵ دقیقه و حداکثر ۶۱ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی و در حداقل ۲۸ درجه و ۳۳ دقیقه و حداکثر ۳۰ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی واقع شده است (سالنامه آماری ۹۰). این شهرستان با وسعت ۳۶۵۸۱ کیلومتر مربع معادل ۱۷ درصد از مساحت استان را به خود اختصاص داده است. شهرستان زاهدان از شمال به شهرستان هامون و کویر لوت از شرق به کشور پاکستان از غرب به استان کرمان و از جنوب به شهرستان خاش محدود می‌شود. مسافت زاهدان تا تهران ۱۴۹۴ کیلومتر است و از سطح دریا ۱۳۸۵ متر ارتفاع دارد (پرتال استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۶). شهرستان زاهدان یکی از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان در محدوده جنوب شرقی ایران واقع شده است، که مرکز استان نیز شهر زاهدان می‌باشد. این شهرستان با مساحت ۳۶۵۸۱ کیلومتر مربع دارای چهار بخش، هشت دهستان، سه شهر و ۲۱۰۸ آبادی می‌باشد (سالنامه آماری ۹۰) (جدول ۲) (نقشه ۱).

جدول ۲: تعداد آبادی‌های شهرستان زاهدان به تفکیک بخش و دهستان

شهرستان	بخش	دهستان	مساحت	تعداد آبادی	دارای سکنه	خالی از سکنه	
زاهدان	مرکزی	چشمه زیارت	۲۶۸۶.۳۲	۶۶۱	۴۷۱	۱۹۰	
		حرمک	۴۲۲۵.۶۰	۱۰۹	۴۲	۶۷	
	میرجاوه	تمین	۱۱۳۱.۶۰	۹۵	۹۵	۰	
		لادیز	۵۲۸۸.۳۴	۳۱۷	۲۳۹	۷۸	
	نصرت آباد	دومک	۷۲۲.۹۰	۱۶۲	۱۳۲	۳۰	
		نصرت آباد	۱۴۱۱۶.۳۸	۲۲۳	۱۲۲	۱۰۱	
	کورین	شور	۲۹۸۴.۹۵	۱۵۱	۱۰۴	۴۷	
		کورین	۴۲۳۵.۱۲	۳۹۰	۳۲۲	۶۸	
	جمع			۳۵۳۹۱.۲۳	۲۱۰۸	۱۵۲۷	۵۸۱

ماخذ: سالنامه آماری ۱۳۹۰

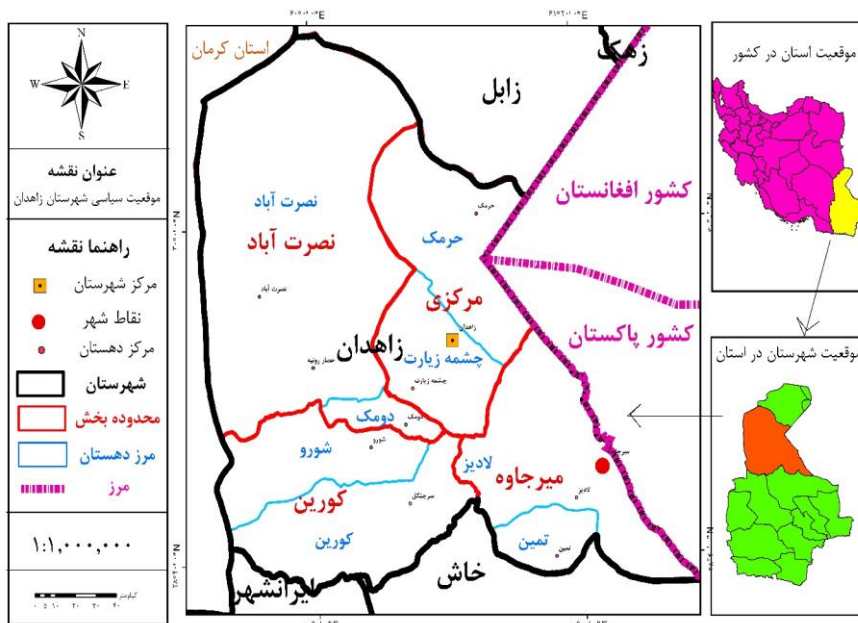
شهرستان زاهدان دارای آب و هوای بیابانی گرم و خشک می‌باشد و در روزهای تابستان هوا بسیار گرم و در شب‌ها حرارت به نحو محسوسی کاهش می‌یابد. بادهای ۱۲۰ روزه سیستان به طور غیرمستقیم در کاهش دما تاثیر دارد. در این شهرستان به ندرت برف می‌بارد. میانگین بارش سالانه در این شهرستان ۷۲ میلی‌متر و میانگین دمای آن در سال ۸۲ از ۴۲/۵ الی ۱۲/۶- درجه سانتیگراد در تغییر است. از جمله کوه‌های زاهدان می‌توان به کوه اشتران با ارتفاع ۳۰۱۲ متر، انجیردان و جیکو با ارتفاع ۲۲۵۵ متر و پیرخان با ارتفاع ۲۲۲۱ متر اشاره نمود. کوه ملک سیاه نیز یکی دیگر از کوه‌های زاهدان است. آب مورد نیاز شهرستان نیز از طریق چاه قنات، چشمه‌ها، رودخانه‌ها و چاه‌نیمه سیستان تامین می‌گردد (پرتال استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۶). باتوجه به آمار سرشماری عموم و نفوس مسکن در سال ۱۳۹۰ جمعیت شهرستان زاهدان ۶۶۰۵۷۵ نفر و

۱۵۷۲۶۶ خانوار و همچنین دارای ۳۳۳۳۱۸ نفر مرد و ۳۲۷۲۵۷ نفر زن می‌باشد. جمعیت در نقاط شهری این شهرستان نیز ۵۷۵۱۱۶ نفر است در حالی که جمعیت در نقاط روستایی ۸۵۲۶۹ نفر می‌باشد (سالنامه آماری ۹۰) (جدول ۳).

جدول ۳: ولادت و فوت جاری ثبت شده در سال ۱۳۹۰ در شهرستان زاهدان

زاهدان	جمع			نقاط شهری			نقاط روستایی		
	زن و مرد	مرد	زن	مرد	زن و مرد	زن	مرد	زن و مرد	
ولادت	۲۲۲۵۵	۱۱۶۶۲	۱۰۵۹۳	۱۰۷۷۳	۲۰۵۹۶	۹۸۲۳	۱۶۵۹	۸۸۹	
فوت	۴۰۶۴	۲۱۲۲	۱۹۴۲	۱۹۷۶	۳۷۷۲	۱۷۹۶	۲۹۲	۱۴۶	

ماخذ: اداره کل ثبت احوال استان سیستان و بلوچستان



نقشه ۱: موقعیت سیاسی شهرستان زاهدان

۲-۴- روش تحقیق

باتوجه به موضوع و اهداف موردنظر در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های تحقیق توصیفی، اسنادی و تحلیلی استفاده شده است. براین مبنای استفاده از روش اسنادی و مطالعه کتب و اسناد مرتبط، به بررسی مبانی نظری مرتبط با موضوع پرداخته شده که از لحاظ هدف نیز کاربردی می‌باشد. سپس به منظور رتبه‌بندی و تعیین سطوح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان زاهدان از نظر شاخص‌های توسعه، با استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و همچنین نتایج سالنامه آماری ۱۳۹۰، تعداد ۷۶ شاخص در قالب ۹ بعد (آموزشی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی، ارتباطات و حمل نقل، خدماتی و بازرگانی، سیاسی اداری، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی و جمعیتی) جمع‌آوری شده است (جدول ۴). سپس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، رتبه‌بندی و تعیین سطوح توسعه‌یافتگی دهستان‌ها از مدل تاپسیس و همچنین از روش ضریب اختلاف (C.V) به منظور تعیین توزیع نامتعادل شاخص‌ها در بین دهستان‌ها استفاده شده است. بعد از رتبه‌بندی و تعیین سطوح توسعه یافتگی، با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (نرم افزار Arc-GIS) نقشه‌های مورد نیاز برای تحلیل این سطوح در دهستان‌های این شهرستان تهیه گردیده است (آزادی و بیک محمدی، ۱۳۹۱: ۴۹). برای عملیاتی کردن تحقیق، شهرستان

مرزی زاهدان واقع در استان سیستان و بلوچستان به عنوان منطقه مورد مطالعه در نظر گرفته شد. ذکر این امر لازم است که برای تکمیل داده‌ها و رفع نواقص آن‌ها، از اطلاعات مرکز آمار ایران و برخی اطلاعات آماری نهادها و اداره‌های شهرستان نیز استفاده شده است.

جدول ۴: داده‌ها و متغیرهای مورد استفاده به جهت سنجش سطح توسعه دهستان‌های شهرستان زاهدان

ابعاد	شاخص‌ها
جمعیتی	۱)نسبت جنسی (۰.۰۲)؛ ۲)درصد باسوادی (۰.۴۵)؛ ۳)درصد جمعیت دهستان (۰.۱۶)؛ ۴)درصد باسوادی زنان (۰.۲۹)؛ ۵)درصد آبادی‌های دارای سکنه (۰.۰۷)؛
اقتصادی	۱)درصد جمعیت فعال دهستان (۰.۴۵)؛ ۲)درصد جمعیت شاغل دهستان (۰.۲۹)؛ ۳)درصد شاغلان بخش کشاورزی (۰.۱۶)؛ ۴)درصد شاغلان بخش صنعت (۰.۰۲)؛ ۵)درصد شاغلان بخش خدمات (۰.۰۷)؛
زیربنایی	۱)درصد آبادی‌های متصل به شبکه برق (۰.۳۵)؛ ۲)درصد آبادی‌های برخوردار از انرژی نو (۰.۰۶)؛ ۳)درصد آبادی‌های دارای گاز لوله کشی (۰.۱۸)؛ ۴)درصد آبادی‌های دارای سامانه تصفیه آب (۰.۱۱)؛ ۵)درصد آبادی‌های متصل به آب (۰.۲۶)؛ ۶)درصد واحد مسکونی دارای بتن آرمه (۰.۰۳)؛ ۷)درصد واحد مسکونی دارای اسکلت فلزی در دهستان (۰.۰۱)؛
ارتباطات و حمل و نقل	۱)درصد آبادی‌های دارای دسترسی به وسیله نقلیه عمومی (۰.۳۵)؛ ۲)درصد آبادی‌های دارای دفتر مخابرات (۰.۱۱)؛ ۳)درصد آبادی‌های دارای دفتر پست (۰.۰۳)؛ ۴)درصد آبادی‌های دارای صندوق پست (۰.۰۱)؛ ۵)درصد آبادی‌های دارای دسترسی به اینترنت (۰.۱۸)؛ ۶)درصد آبادی‌های دارای ICT (۰.۰۶)؛ ۷)درصد آبادی‌های دارای دسترسی به آسفالت عمومی (۰.۲۶)؛
آموزشی	۱)درصد آبادی‌های دارای هنرستان فنی و حرفه ای دخترانه (۰.۰۵)؛ ۲)درصد آبادی‌های دارای هنرستان فنی و حرفه ای پسرانه (۰.۰۲)؛ ۳)درصد آبادی‌های دارای دبیرستان کار و دانش دخترانه (۰.۰۱)؛ ۴)درصد آبادی‌های دارای دبیرستان کار و دانش پسرانه (۰.۰۰)؛ ۵)درصد آبادی‌های دارای دبیرستان نظری دخترانه (۰.۱۶)؛ ۶)درصد آبادی‌های دارای دبیرستان نظری پسرانه (۰.۱۸)؛ ۷)درصد آبادی‌های دارای دبیرستان شبانه روزی پسرانه (۰.۱۰)؛ ۸)درصد آبادی‌های دارای دبیرستان شبانه روزی دخترانه (۰.۰۸)؛ ۹)درصد آبادی‌های دارای مدرسه راهنمایی شبانه روزی پسرانه (۰.۰۳)؛ ۱۰)درصد آبادی‌های دارای مدرسه راهنمایی شبانه روزی دخترانه (۰.۰۴)؛ ۱۱)درصد آبادی‌های دارای راهنمایی دخترانه (۰.۰۷)؛ ۱۲)درصد آبادی‌های دارای راهنمایی پسرانه (۰.۱۲)؛ ۱۳)درصد آبادی‌های دارای راهنمایی مختلط (۰.۰۱)؛ ۱۴)درصد آبادی‌های دارای روستا مهد (۰.۰۰)؛ ۱۵)درصد آبادی‌های دارای دبستان (۰.۱۴)؛
بهداشتی	۱)درصد آبادی‌های دارای مرکز بهداشتی درمانی (۰.۱۹)؛ ۲)درصد آبادی‌های دارای داروخانه (۰.۱۰)؛ ۳)درصد آبادی‌های دارای پایگاه بهداشت روستایی (۰.۰۲)؛ ۴)درصد آبادی‌های دارای خانه بهداشت (۰.۰۸)؛ ۵)درصد آبادی‌های دارای مرکز تسهیلات زایمان (۰.۱۲)؛ ۶)درصد آبادی‌های دارای بهیار و مامای روستایی (۰.۰۵)؛ ۷)درصد آبادی‌های دارای بهروز (۰.۰۴)؛ ۸)درصد آبادی‌های دارای خانه بهداشت (۰.۱۷)؛ ۹)درصد آبادی‌های دارای دندانپزشک یا بهداشت کاردهان و دندان (۰.۰۲)؛ ۱۰)درصد آبادی‌های دارای تکنسین دامپزشکی (۰.۰۰)؛ ۱۱)درصد آبادی‌های دارای دامپزشک (۰.۱۴)؛ ۱۲)درصد آبادی‌های دارای آزمایشگاه رادیولوژی (۰.۰۰)؛ ۱۳)درصد آبادی‌های دارای غسلخانه (۰.۰۱)؛ ۱۴)درصد آبادی‌های دارای سامانه جمع آوری زباله (۰.۰۶)؛
بازرگانی	۱)درصد آبادی‌های دارای بانک (۰.۲۲)؛ ۲)درصد آبادی‌های دارای نانویی (۰.۲۸)؛ ۳)درصد آبادی‌های دارای فروشگاه تعاونی (۰.۱۷)؛ ۴)درصد آبادی‌های دارای تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی (۰.۰۹)؛ ۵)درصد آبادی‌های دارای تعمیرگاه ماشین آلات غیر کشاورزی (۰.۰۱)؛ ۶)درصد آبادی‌های دارای جایگاه سوخت (۰.۰۳)؛ ۷)درصد آبادی‌های دارای پایگاه آتش نشانی (۰.۱۳)؛ ۸)درصد آبادی‌های دارای نمایندگی پخش نفت سفید (۰.۰۶)؛ ۹)درصد آبادی‌های دارای نمایندگی بخش سیلندر گاز (۰.۰۶)؛

سیاسی اداری	۱) درصد آبادی‌های دارای شورا اسلامی (۰.۲۶)؛ ۲) درصد آبادی‌های دارای جهاد کشاورزی (۰.۰۳)؛ ۳) درصد آبادی‌های دارای مروج کشاورزی (۰.۰۱)؛ ۴) درصد آبادی‌های دارای شرکت تعاونی (۰.۰۶)؛ ۵) درصد آبادی‌های دارای دهیار (۰.۳۵)؛ ۶) درصد آبادی‌های دارای پاسگاه (۰.۱۸)؛ ۷) درصد آبادی‌های دارای شورای حل اختلاف (۰.۱۱)؛
فرهنگی و مذهبی	۱) درصد آبادی‌های دارای کتابخانه (۰.۲۷)؛ ۲) درصد آبادی‌های دارای زمین ورزشی (۰.۱۸)؛ ۳) درصد آبادی‌های دارای سالن‌های ورزشی (۰.۱۰)؛ ۴) درصد آبادی‌های دارای امام زاده (۰.۴۰)؛ ۵) درصد آبادی‌های دارای سایر اماکن مذهبی سایر ادیان (۰.۰۴)؛ ۶) درصد آبادی‌های دارای بوستان (۰.۰۱)؛

منبع: یافته‌های تحقیق.

۳-۴- معرفی روش‌ها

۳-۴-۱- روش تاپسیس

در سال ۱۹۸۱، هوانگ و یون برای نخستین بار تکنیک $Topsis^{131}$ را عرضه کردند که یکی از دقیق‌ترین روش‌های رتبه‌بندی است. این مدل از جمله روش‌های چندشاخصه به شمار می‌آید و بر این مفهوم استوار است که مناسب‌ترین گزینه باید کمترین فاصله را از نقطه ایده آل مثبت، یعنی بهترین حالت ممکن و بیشترین فاصله را از نقطه ایده آل منفی، یعنی بدترین حالت ممکن داشته باشد (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۰). برای ارزیابی موضوع مورد مطالعه توسط الگوریتم تاپسیس به روش ریاضی مراحل زیر باید یکی پس از دیگری دنبال شود:

۱) تهیه ماتریس نرمال شده (ماتریس R)

۲) اعمال وزن به مقادیر ماتریس نرمال (ماتریس V)

۳) تعیین ایده آل‌ترین یا با اولویت‌ترین (A+) و کم اولویت‌ترین جواب‌ها (A-)

۴) محاسبه فاصله شاخص‌ها

۵) تعیین نزدیکی نسبی هر گزینه به راه‌حل ایده آل؛ آماره G_i^+ میزان نزدیکی نسبی تا راه‌حل ایده آل را نشان می‌دهد که مقدار آن بین صفر و یک در نوسان است. هر چه مقدار آن به یک نزدیک‌تر باشد مرکز یا واحد مورد نظر دارای برتری بیشتری نسبت به سایر موارد می‌باشد (جعفرزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۸ تا ۱۳۰). بعد از مشخص شدن ضریب نهایی توسعه، مناطق با استفاده از ضریب بدست آمده رتبه‌بندی می‌گردند. بدین شکل که منطقه‌ای که بالاترین ضریب را به دست آورده است، رتبه یک را به خود اختصاص می‌دهد و پس از آن سایر مناطق به ترتیب رتبه‌بندی می‌شوند. همچنین با استفاده از میزان ضریب توسعه‌یافتگی هر یک از مناطق، آنها را می‌توان به سه دسته، محروم، در حال توسعه و توسعه یافته تقسیم کرد. بنابراین اگر مقدار ضریب توسعه یافتگی منطقه بین صفر و ۰.۳۳ باشد، محروم، اگر بین ۰.۳۴ تا ۰.۶۶ باشد، در حال توسعه و اگر بین ۰.۶۷ تا ۱ باشد، توسعه یافته است.

ضریب ویلیامسون یا ضریب اختلاف یا پراکندگی، شاخصی است که میزان توزیع نامتعادل شاخص‌ها را بین نواحی یا مناطق نشان می‌دهد (مومنی و قهاری، ۱۳۹۲: ۵۶). در واقع مشخص می‌کند تا چه حد یک شاخص در بین مناطق یا نواحی به صورت نامتعادل توزیع شده است. ضریب اختلاف با استفاده از فرمول ذیل محاسبه می‌شود. لازم به ذکر است که مقدار بالای این ضریب نشان دهنده نابرابری بیشتر در توزیع شاخص‌ها است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۴۱)

$$CV = \frac{\text{انحراف معیار}}{\text{میانگین}} \times 100$$

۳-۴-۲- روش وزن دهی و استاندارد سازی

¹³¹ Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution

از آنجا که شاخص‌های مورد استفاده دارای مقیاس مشترکی نیستند، جمع کردن این شاخص با مقیاس‌های متفاوت و تبدیل آنها به یک شاخص ترکیبی امکان‌پذیر نمی‌باشد. برای رفع اختلاف مقیاس‌ها، لازم است که شاخص‌های انتخاب شده به شاخص‌هایی مجرد و خالی از مقیاس تبدیل شوند تا امکان جمع کردن متغیرهای مختلف با همدیگر فراهم گردد. زمانی که از شاخص‌های مختلف برای سنجش سطح توسعه استفاده می‌شود، نمی‌توان ادعا کرد که همه شاخص‌ها ارزش‌ها و اهمیت یکسانی دارند. بنابراین برای کنترل تفاوت بین شاخص‌ها باید وزن‌های مناسب برای آنها در نظر گرفته شود (جعفرزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۰). از این رو پس از اینکه اختلاف مقیاس بین شاخص‌ها از بین رفت، مهم‌ترین موضوع تعیین وزن‌های مناسب برای شاخص‌های انتخاب شده می‌باشد که در این تحقیق از روش وزن دهی به روش رتبه‌ای استفاده شد.

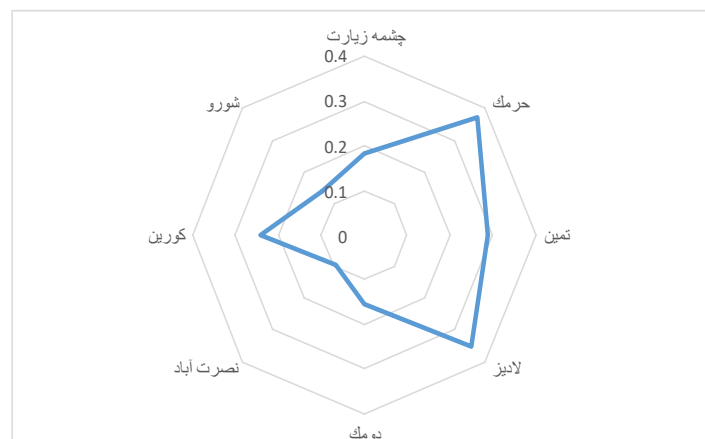
۵- یافته‌های تحقیق

بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده در قالب ۹ بعد و ۷۶ شاخص توسعه و با استفاده از مدل تاپسیس، ضریب نهایی توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان زاهدان محاسبه گردیده‌است. نتایج محاسبات نشانگر نوسان ضریب توسعه یافتگی دهستان‌ها از حداقل ۰.۰۹ تا حداکثر ۰.۳۷ است. بطوری که دهستان حرمک با ضریب ۰.۳۷ بالاترین و دهستان نصرت‌آباد با ضریب ۰.۰۹ پایین‌ترین ضریب توسعه یافتگی را دارا هستند، که از لحاظ رتبه‌بندی به ترتیب در رتبه‌های اول و هشتم در بین دهستان‌های شهرستان زاهدان قرار دارند (جدول ۵) (نمودار ۱).

جدول ۵: ضریب توسعه یافتگی نهایی و رتبه بندی دهستان‌های شهرستان زاهدان بر اساس مدل تاپسیس

رتبه	دهستان	درجه توسعه نهایی
۱	حرمک	۰.۳۷
۲	لادیز	۰.۳۵
۳	تمین	۰.۲۹
۴	کورین	۰.۲۴
۵	چشمه زیارت	۰.۱۸
۶	دومک	۰.۱۵
۷	شورو	۰.۱۴
۸	نصرت آباد	۰.۰۹

ماخذ: محاسبات نگارنده



نمودار ۱: تعیین سطوح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان زاهدان بر اساس مدل تاپسیس

نتایج حاصل از رتبه‌بندی دهستان‌های شهرستان زاهدان براساس ضریب توسعه یافتگی و به تفکیک هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که از نظر "شاخص‌های جمعیتی" دهستان چشمه زیارت با ضریب ۰.۸۰ در رتبه اول و دهستان شورو با ضریب ۰.۰۹ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های اقتصادی دهستان تمین با ضریب ۰.۷۱ در رتبه اول و دهستان کورین با ضریب ۰.۲۷ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های زیربنایی دهستان حرمک با ضریب ۰.۵۷ در رتبه اول و دهستان چشمه زیارت با ضریب ۰.۱۱ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های ارتباطات و حمل و نقل دهستان حرمک با ضریب ۰.۲۱ در رتبه اول و دهستان دومک با ضریب صفر در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های آموزشی دهستان لادیز با ضریب ۰.۰۲ در رتبه اول و دهستان دومک با ضریب صفر در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های بهداشتی دهستان کورین با ضریب ۰.۶۴ در رتبه اول و دهستان نصرت آباد با ضریب ۰.۰۷ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های خدمات بازرگانی دهستان حرمک با ضریب ۰.۰۷ در رتبه اول و دهستان نصرت آباد با ضریب صفر در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های سیاسی و اداری دهستان حرمک با ضریب ۰.۷۲ در رتبه اول و دهستان دومک با ضریب ۰.۱۱ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های فرهنگی و مذهبی دهستان حرمک با ضریب ۰.۷۲ در رتبه اول و دهستان نصرت آباد با ضریب صفر در رتبه آخر قرار گرفته اند (جدول ۶).

نتایج حاصل از بررسی ضریب اختلاف (C.V) شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که در رتبه اول شاخص‌های ارتباطات و حمل نقل با ضریب اختلاف ۲.۳۹ بیشترین نابرابری را در این بعد بین دهستان‌های شهرستان زاهدان وجود دارد و کمترین نابرابری در شاخص‌های بعد اقتصادی با ضریب اختلاف ۰.۳۴ در دهستان‌های این شهرستان مشاهده می‌شود.

جدول ۶: ضریب و رتبه توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان زاهدان بر اساس روش تاپسیس

رتبه	جمعیتی		اقتصادی		زیربنایی		ارتباطات و حمل نقل		آموزشی		بهداشتی		خدمات بازرگانی		سیاسی اداری		فرهنگی و مذهبی	
	توسعه یافتگی	دهستان	توسعه یافتگی	دهستان	توسعه یافتگی	دهستان	توسعه یافتگی	دهستان	توسعه یافتگی	دهستان	توسعه یافتگی	دهستان	توسعه یافتگی	دهستان	توسعه یافتگی	دهستان	توسعه یافتگی	دهستان
۱	۰.۸۰	چشمه زیارت	۰.۷۱	تمین	۰.۵۷	حرمک	۰.۲۱	حرمک	۰.۰۲	لادیز	۰.۶۴	کورین	۰.۰۷	حرمک	۰.۷۲	حرمک	۰.۷۲	حرمک
۲	۰.۷۴	لادیز	۰.۵۳	لادیز	۰.۴۸	دومک	۰.۰۲	کورین	۰	تمین	۰.۳۷	حرمک	۰.۰۴	لادیز	۰.۶۰	لادیز	۰.۶۱	لادیز
۳	۰.۴۲	کورین	۰.۴۲	دومک	۰.۳۲	لادیز	۰	لادیز	۰	شورو	۰.۳۱	لادیز	۰.۰۲	تمین	۰.۵۴	تمین	۰.۳۹	تمین
۴	۰.۳۷	تمین	۰.۳۶	نصرت آباد	۰.۲۵	تمین	۰	کورین	۰	کورین	۰.۳۰	تمین	۰.۰۲	دومک	۰.۴۸	کورین	۰.۲۰	چشمه زیارت
۵	۰.۳۳	حرمک	۰.۳۵	حرمک	۰.۲۲	کورین	۰	چشمه زیارت	۰	نصرت آباد	۰.۲۰	شورو	۰.۰۲	شورو	۰.۳۱	شورو	۰.۱۲	کورین

۰.۱۱	شورو	۰.۱۴	چشمه زیارت	۰.۰۱	کورین	۰.۱۸	دومک	۰	چشمه زیارت	۰	نصرت آباد	۰.۱۹	شورو	۰.۳۳	شورو	۰.۱۶	دومک	۶
۰	دومک	۰.۱۴	نصرت آباد	۰.۰۱	چشمه زیارت	۰.۱۱	چشمه زیارت	۰	حرمک	۰	شورو	۰.۱۳	نصرت آباد	۰.۲۹	چشمه زیارت	۰.۱۴	نصرت آباد	۷
۰	نصرت آباد	۰.۱۱	دومک	۰	نصرت آباد	۰.۰۷	نصرت آباد	۰	دومک	۰	دومک	۰.۱۱	چشمه زیارت	۰.۲۷	کورین	۰.۰۹	شورو	۸
۰.۹۶		۰.۵۸		۰.۷۵		۰.۶۱		۲.۳۴		۲.۳۹		۰.۵۴		۰.۳۴		۰.۶۵		CV

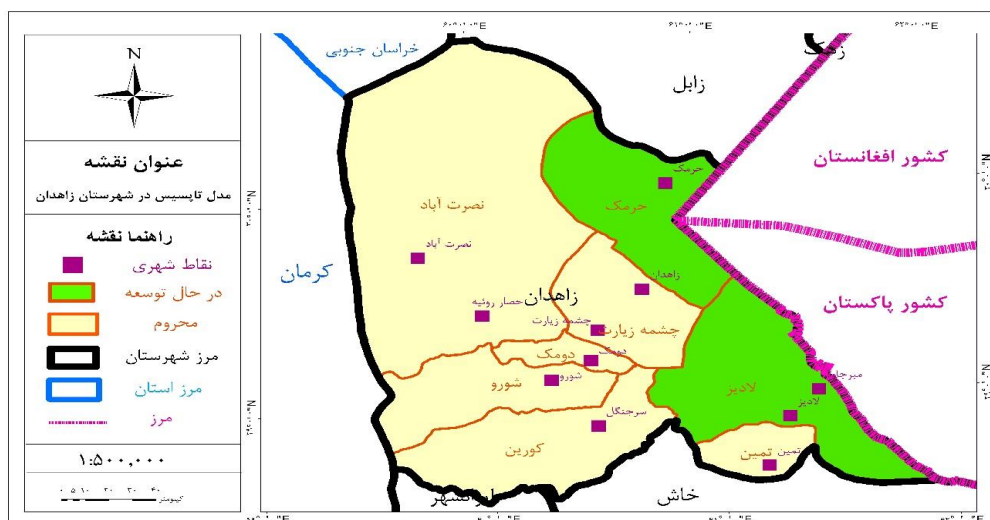
ماخذ: یافته های پژوهش

باتوجه به ضرایب توسعه یافتگی، دهستان های شهرستان زاهدان در سه سطح برخوردار، نیمه محروم و محروم طبقه بندی شده اند. براساس جدول شماره (۷) از نظر شاخص های توسعه، دهستان های کورین، تمین، چشمه زیارت، دومک، شورو و نصرت آباد در سطح محروم و دهستان های حرمک، لادیز نیز در سطح نیمه محروم قرار گرفته اند و در این شهرستان هیچ دهستانی در طبقه برخوردار قرار نگرفت. به طور کلی در شهرستان زاهدان ۷۵ درصد از دهستان ها محروم و ۲۵ درصد از دهستان ها در حال توسعه هستند. نقشه شماره (۲) سطوح توسعه یافتگی دهستان های شهرستان زاهدان را براساس شاخص های مورد مطالعه نشان می دهد.

جدول ۷: سطوح توسعه یافتگی دهستان های شهرستان زاهدان بر اساس مدل تاپسیس

درصد	تعداد	سطح توسعه یافتگی	دهستان ها
٪۷۵	۶	محروم	کورین، تمین، چشمه زیارت، دومک، شورو، نصرت آباد
٪۲۵	۲	نیمه محروم	حرمک، لادیز
۰	۰	برخوردار	-

ماخذ: محاسبات نگارنده



نقشه ۲: تعیین سطوح برخورداری بر اساس مدل تاپسیس

خصوصیات و ویژگی‌های استان سیستان و بلوچستان را عواملی از جمله: وسعت زیاد، پراکندگی، رشد سریع و جوان بودن جمعیت، همجواری و همسایگی با دو کشور معضل خیز پاکستان و افغانستان، اقلیم و شرایط زیستی سخت، شیوه‌های سنتی معیشت، محرومیت تاریخی ممتد و عقب‌ماندگی در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی، تنوع قومی، فرهنگی و مذهبی مرزنشینان منطقه با اقوام کشورهای همجوار، کمبود شدید زمین‌های اشتغال سالم، وجود زمین‌های فراوان گرایش افراد بیکار به فعالیت‌های غیرقانونی و ... را تشکیل می‌دهد این استان از حیث قابلیت‌های مرزی از جایگاه ویژه‌ای در سطح ملی و بین-المللی برخوردار است. با توجه به موقعیت جغرافیایی استان می‌توان اذعان داشت که از منابع و پتانسیل‌های منطقه به ویژه کارکردهای متعدد مرز استفاده لازم و بهینه به عمل نیامده است. بنابراین، توسعه یکپارچه، فضایی و متناسب با قابلیت‌های منطقه‌ای مستلزم انجام مطالعات کاربردی و جامع در ارتباط با مرز و مرزنشینی است. بررسی‌های اولیه نشان دهنده این واقعیت است که مرزهای استان دارای کارکردها و پتانسیل‌های بسیار مناسبی برای توسعه منطقه‌ای است. اهمیت این پژوهش در تدوین چارچوب و برنامه‌های اجرایی بسیار کارآمد برای بکارگیری توان مرز و نقاط سکونتگاهی واقع در حاشیه آن است (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

شناخت و بررسی امکانات و توانایی‌ها و در پی آن تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی نخستین گام در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه این نواحی به شمار می‌رود. اگرچه ممکن است به سادگی اظهار نظر کرد دهستانی نسبت به دهستان دیگر از هر لحاظ توسعه‌یافته تر یا عقب مانده تر است، ولی اندازه‌گیری کمی توسعه‌یافتگی کار ساده‌ای نیست زیرا توسعه مفهومی چند وجهی است. از این رو در این مقاله به منظور شناخت و تحلیل امکانات و محدودیت‌های دهستان‌های شهرستان زاهدان از نظر شاخص‌های توسعه محرومیت با استفاده از ۷۶ شاخص در ۹ بعد آموزشی، جمعیتی، ارتباطات و حمل نقل، اقتصادی، خدماتی و بازرگانی، فرهنگی و مذهبی، زیربنایی و بهداشتی، با بهره‌گیری از مدل تاپسیس به بررسی و تعیین ضریب توسعه یافتگی، رتبه بندی و طبقه بندی دهستان‌های این شهرستان در سه سطح برخوردار، نیمه محروم و محروم پرداخته شده است. نتایج حاصله از این تحقیق نشان می‌دهد که کلیه دهستان‌های شهرستان زاهدان از درجه بالایی از محرومیت برخوردارند. به طوریکه بالاترین درجه توسعه مربوط به دهستان حرمک با ۰.۳۷ است. همچنین بین دهستان‌های شهرستان زاهدان از نظر توسعه‌یافتگی ناهماهنگی دیده می‌شود و این تفاوت و پراکندگی در همه‌ی ابعاد دیده می‌شود. بنابراین دهستان‌های شهرستان در دو طبقه ی نیمه محروم و محروم قرار می‌گیرند. بدین ترتیب در این مدل دهستان‌های حرمک، لادیز درحال توسعه و دهستان‌های کورین، تمین، چشمه زیارت، دومک، شورو و نصرت آباد محروم هستند. به طور کلی نتایج نشان داد شهرستان زاهدان هیچ دهستان توسعه یافته‌ای ندارد و در وضعیت متناسبی نیست. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده لازم و ضروری است که با شناخت همه جانبه پتانسیل‌ها و محدودیت‌های دهستان‌های شهرستان زاهدان و با ارائه برنامه‌ریزی معقول و منطقی، با تأکید بیشتر بر وضعیت شاخص‌هایی که در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارند، زمینه رشد و توسعه این نواحی را به منظور نیل به توسعه پایدار در این بخش، به عنوان یکی از ابعاد توسعه پایدار همه جانبه شهرستان زاهدان فراهم آورده شود. در پایان به منظور بهبود شاخص‌های توسعه در دهستان‌های محروم این شهرستان راهکارهای زیر ارائه می‌گردد:

- راهبردهای رسیدن به توسعه متناسب و محرومیت زدایی طوری هدایت شوند که زمینه لازم جهت ارتقاء دهستان-های محروم به نیمه محروم و دهستان‌های نیمه محروم به برخوردار فراهم گردد.
- راهبردهایی جهت بهبود کلی شاخص‌هایی که دهستان‌ها در آن با نابرابری زیاد مواجه هستند، (آموزشی و ارتباطات و حمل و نقل) اتخاذ گردد.

- به منظور رفع محرومیت تقویت و ارتقاء شاخص‌های اقتصادی در دهستان کورین، زیربنایی در دهستان چشمه زیارت، ارتباطات و حمل و نقل در دهستان‌های لادیز، دومک، نصرت آباد و شورو، آموزشی در کلیه دهستان‌های شهرستان، بهداشتی و خدمات و بازرگانی در دهستان نصرت آباد، سیاسی اداری در دهستان دومک و فرهنگی در دهستان‌های دومک و نصرت آباد و جمعیتی در دهستان شورو در اولویت برنامه‌ریزی دهستان‌ها پیشنهاد می‌گردد.
- با توجه به اینکه دهستان نصرت‌آباد محروم‌ترین دهستان در سطح شهرستان است لذا توجه جدی‌تری در زمینه ارتقاء شاخص‌های توسعه در این دهستان ضروری بوده و در بین دهستان‌های محروم این دهستان در کلیه ابعاد در اولویت توسعه قرار دارد.

منابع

- ۱) احمدی، حسن و اسماعیل‌زاده، یعقوب (۱۳۹۳): ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان تهران، چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، شماره ۲۷، تابستان، صص ۹۶-۷۹.
- ۲) استانداری سیستان و بلوچستان (۱۳۹۶): پرتال، معرفی شهرستان زاهدان.
- ۳) اسماعیل‌زاده، حسن و صفر خوانی، رضوان و اسماعیل‌زاده، یعقوب (۱۳۹۵): تحلیل سطوح برخورداری و رتبه بندی شهرستان های استان همدان با استفاده از مدل های چند معیاره Koprass و Topsis، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۷، شماره پیاپی ۲۵، بهار، صص ۲۸-۱۵.
- ۴) اسماعیل‌زاده، حسن و صفر خوانی، رضوان و محمودی، حسین (۱۳۹۷): تحلیلی بر سطح توسعه یافتگی مناطق روستایی شهرستان های استان کرمانشاه، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، شماره ۲، تابستان، صص ۳۷۴-۳۵۵.
- ۵) اطلس گیتاشناسی استان‌های ایران، تهران: مؤسسه گیتاشناسی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰.
- ۶) آزادی، یونس و بیک محمدی، حسن (۱۳۹۱): تحلیل و طبقه بندی سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان‌های استان ایلام، برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، شماره ۶، پاییز. ۶۲-۴۱.
- ۷) تقوایی مسعود، حسنی نژاد آسیه، طالبی خدیجه (۱۳۹۲): تعیین و تحلیل سطوح برخورداری و سطح بندی دهستان‌های استان زنجان با استفاده از مدل‌های شاخص مرکزیت و پرستون، پژوهش جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۱۸، شماره ۴۸، تابستان، صص ۶۱-۸۰.
- ۸) تقوایی مسعود، نوروزی اورگانی اصغر (۱۳۸۹): تعیین و تحلیل سطوح برخورداری مناطق روستایی استان‌های کشور با بهره گیری از روش تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه ای، نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۵، صص ۱۱۶-۹۱.
- ۹) جعفرزاده، جعفر و رستم زاده، هاشم و حسنی تبار، سید محمد (۱۳۹۵): تعیین و تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرستان استان اردبیل، مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، سال یازدهم، شماره ۳۶، پاییز، صص ۱۴۰-۱۲۴.
- ۱۰) جمعه پور، محمود (۱۳۸۹): مقدمه‌ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی، دیدگاه‌ها و روش‌ها، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۱) خاکپور، براتعلی؛ باوان پوری، علی رضا (۱۳۸۸): بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه یافتگی مناطق شهر مشهد، مجله دانش و توسعه، دوره ۱۶، شماره ۲۷، تابستان، صص ۲۰۲-۱۸۲.
- ۱۲) سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، فصل اول، سرزمین و آب و هوا، سال ۱۳۹۴.
- ۱۳) صابری، زهرا و قاسمی، مریم و شاکری، فهیمه (۱۳۹۰): تحلیل و سنجش سطح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان فاروج بر اساس مدل‌های Topsis و Morris، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ۱۴) صبوری محمد، نوروزی اصغر (۱۳۹۶): تعیین و تحلیل سطوح برخورداری و میزان محرومیت دهستان‌ها شهرستان جاسک، پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان، شماره ۱۴، پاییز و زمستان، صص ۱۳۵-۱۱۷.
- ۱۵) قنبری یوسف، برقی حمید، حجاریان احمد (۱۳۸۹): تحلیل سطوح برخورداری دهستان‌های شهرستان اصفهان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز، صص ۱۱۲-۹۳.

- ۱۶) کامران حسن، پریزادی طاهر، حسینی امیری حسن (۱۳۹۰): سامندهی فضایی نواحی مرزی همجوار با مرز ایران و پاکستان با رویکرد پدافند غیر عامل، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره پنجم، تابستان، صص ۱۳۲-۱۰۹.
- ۱۷) کلانتری، خلیل و ایروانی، هوشنگ و محمد وفائی نژاد، شجاع (۱۳۸۲): سنجش سطح توسعه روستایی در شهرستان تربت حیدریه، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴، بهار، صص ۵۴-۴۱.
- ۱۸) مرکز آمار ایران (۱۳۹۰): سالنامه آماری سال هزار و سیصد و نود استان سیستان و بلوچستان، تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۹) مرکز آمار ایران (۱۳۹۰): سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال هزار و سیصد و نود استان سیستان و بلوچستان، تهران: مرکز آمار ایران.
- ۲۰) مومنی، مهدی و قهاری، غلامرضا (۱۳۹۲): تحلیلی بر وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان فارس، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۹، بهار، صص ۶۶-۵۳.
- ۲۱) میره‌ای، محمد و حسینی، سید علی و میزایی، سید مصطفی (۱۳۹۶): بررسی و تحلیلی بر چگونگی توسعه یافتگی نواحی روستایی مرزی (مورد مطالعه دهستان‌های شهرستان سرخس)، پژوهش نامه مطالعات مرزی، سال پنجم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۰۸-۸۲.

- ۲۲) Kumar, S & Mondal, D (۲۰۱۲). LEVELS OF DEVELOPMENT IN MURSHIDABAD DISTRICT OF WEST BENGAL: A BLOCK LEVEL STUDY.
- ۲۳) Rice, N, and Smith, P. ۲۰۰۱. Ethics and Geographical Equity in Health Care Utilization of New York, journal of Medical Ethics.
- ۲۴) Singh, P & Keshari, S (۲۰۱۶). Development of Human Development Index at District Level for EAG States. Statistics and Applications {ISSN ۲۴۵۴-۷۳۹۵(online)} Volume ۱۴, Nos. ۱ & ۲, ۲۰۱۶ (New Series) pp. ۴۳-۶۱.
- ۲۵) Kanbur, Ravi, Venables, Anthony J. (۲۰۰۵): Spatial inequality and development, Oxford, Oxford University Press.

تحلیل اثرات ژئواکونومیکی میادین گازی پارس جنوبی بر آمایش نواحی مرزی استان بوشهر

یاشار ذکی^۱، فاطمه قاسم نژاد^{۲*}

۱- استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول

*fatimaghd95@gmail.com

چکیده

آمایش نواحی مرزی یکی از مسائل مهم استراتژیک برای تمامی کشورهای جهان از جمله ایران محسوب می‌شود. مسئله آمایش باید متناسب با ویژگی‌های اقتصادی، یعنی توان اقتصادی یک منطقه باشد. نواحی مرزی عمدتاً مناطقی محروم و حاشیه‌ای در کشورها محسوب می‌شوند که باید به توانمندی‌هایشان متناسب با ویژگی‌های اقتصادی‌شان توجه شود. هدف ما از این پژوهش تحلیل اثرات ژئواکونومیکی میادین گازی پارس جنوبی بر آمایش نواحی مرزی استان بوشهر است و سوال پژوهش آن است که میادین گازی پارس جنوبی به عنوان یک منطقه اقتصادی، چه اثرات ژئواکونومیکی در آمایش نواحی استان بوشهر داشته است؟ در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. نتایج به دست آمده از یافته‌های پژوهش درباره این موضوع نشان‌دهنده این مسئله است که گسترش فعالیت ایران در صنعت گاز و پیشی گرفتن از همسایه مرزی خود قطر در تولید گاز می‌تواند اثرات مثبتی در پیشرفت و توسعه استان بوشهر داشته باشد. ایران به دلیل تحریم‌های سختی که در سال‌های اخیر با آن روبه‌رو بوده نتوانسته در برداشت از این میدان گازی به خوبی عمل نماید و عملکرد ناموفق مسئولین و دیپلماسی ضعیف نیز در بررسی این مساله کمرنگ نبوده است. بنابراین انتظار می‌رود با توجه به موقعیت سوق‌الجیشی حساس ایران در منطقه خلیج فارس و همچنین منفعت اقتصادی این کشور برای کشورهای مصرف‌کننده گاز، مسئولین تدابیری بیندیشند تا با بکارگیری نیروهای بومی و جوان منطقه بتوان در آمایش این منطقه مرزی گامی موثر برداشت. استان بوشهر با مشکلاتی چون عدم توسعه متوازن شهرستان‌ها، مشکلات زیست محیطی و آلودگی‌های نفتی، نرخ بالای بیکاری با توجه به ظرفیت‌های استان، خود به عنوان یک مسئله مهم باعث کند شدن توسعه در آمایش این ناحیه مرزی شده است. بنابراین انتظار می‌رود با گسترش تلاش‌های ایران برای صادرات گاز از این منطقه زمینه توسعه اقتصادی در این استان فراهم شود.

واژگان کلیدی: ژئواکونومی، گاز، پارس جنوبی، مرز، آمایش نواحی مرزی

۱- مقدمه و طرح مسئله

به لحاظ مفهوم آمایش سرزمین ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده و مقوله آمایش، تلفیقی از سه علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه شناسی است (نامی و اخباری، ۲۱۰: ۱۳۹۷). آمایش مناطق مرزی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از نظر ساختار فضایی، مناطق مرزی افزون بر ویژگی دوری از مرکز، دارای ویژگی های کالبدی خاص مناطق مرزی می باشند که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و توسعه نیافتگی آنها می شوند و در نتیجه، هر گونه ساختار فضایی در سطوح و مقیاس های مختلف به ویژه در ارتباط بین فضاهای مرزی و دیگر نواحی، مستلزم برخورداری از پدیده ای به نام مرکزیت است. بنابراین امروزه کشورهای مختلف بنا به حساسیت و دغدغه هایی که در زمینه مسائل دفاعی، نظامی و امنیتی سرزمین خود دارند، به بحث های آمایش مناطق مرزی توجه ویژه ای می کنند. بی توجهی به مناطق مرزی، باعث عدم تعادل میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی می شود که بر فرایند توسعه این مناطق تأثیر می گذارد و از نتایج آن، ناهمخوانی میان اهداف سیاسی و اقتصادی و ظهور مشکلات مربوط به آن در مناطق مرزی است (مختاری هشی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۳۸). استان بوشهر یکی از استان های جنوبی ایران با ظرفیت بالای نفت و گاز محسوب می شود. این استان دارای ظرفیت های بالای ایجاد توسعه اقتصادی به سبب وجود میدادین مشترک گازی پارس جنوبی با کشور قطر است. وجود گاز به عنوان یک منبع انرژی پاک برای ایران یک موهبت خدادادی محسوب می شود؛ چرا که نیازهای جهانی به مصرف گاز به عنوان یک سوخت پاک در جهت حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی های زیست محیطی به گاز روزبه روز بیشتر می شود. ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گازی جهان باید بتواند از این منبع انرژی در جهت توسعه همه جانبه خود و به خصوص منطقه مرزی بوشهر که با توجه به نزدیکی به منابع عظیم انرژی از محرومیت و کمبود رنج می برد، استفاده کند. این در حالی است که در حال حاضر با توجه به پروژه های گازی مانند انتقال گاز به ترکیه گام های موثری در این زمینه برداشته شده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- ژئواکونومی

ژئواکونومی، در واقع، اقتصاد بین جغرافیا و قدرت اقتصادی کشورها را مورد مطالعه قرار می دهد. به عبارت دیگر، ژئواکونومی، اثرگذارترین عوامل یا زیربنای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه ای یا جهانی در تصمیم گیری های سیاسی و رقابت های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل گیرنده ژئوپلیتیک منطقه ای یا جهانی را مورد مطالعه قرار می دهد. (رجبی، احمدزاده، ۱۳۹۷: ۸)

۲-۲- مرز

خطوط مرزی، خطوط اعتباری و قراردادی اند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می شوند. مرزهای سیاسی مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر است. در ضمن، وجود همین خطوط است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد، ممکن می سازد. (میرحیدر، ۱۳۹۲: ۲۱۳).

۲-۳- آمایش نواحی مرزی

آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع، از نیازهای مناطق مرزی، در چارچوب شرایطی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند می دهد و راهکاری برای توسعه مناطق مرزی معرفی می کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می شود. بنابراین، گرچه آمایش مناطق مرزی یک نوع فن برنامه ریزی است، اما خود بر پایه های نظری و متدولوژی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی های مناطق مرزی، موانع توسعه و یا

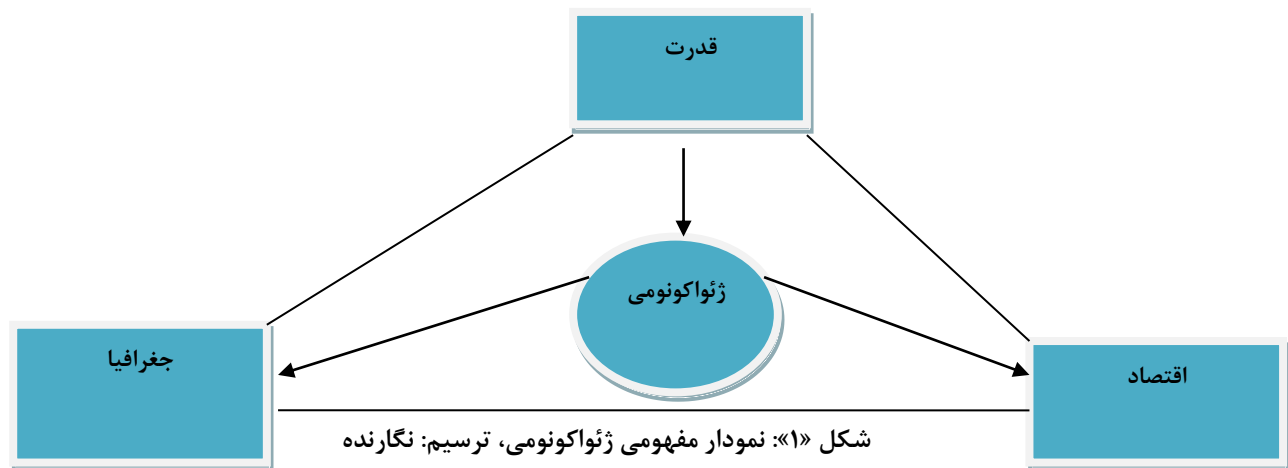
امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آنها راه حل‌های یکپارچه‌ای ارائه می‌دهد تا اهداف توسعه و امنیت در مناطق مرزی را بر یکدیگر منطبق سازد. (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶).

۳- نظریه ژئواکونومی لوتواک

اودارد لوتواک در سال ۱۹۹۰م پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد. ژئواکونومی، در واقع، اقتصاد بین جغرافیا و قدرت اقتصادی کشورها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، ژئواکونومی، اثرگذارترین عوامل یا زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. (گودرزی، ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۶-۵)

لوتواک معتقد است که زوال جنگ سرد، در واقع نشان‌دهنده تغییر مسیر و حرکت نظام جهانی از سوی ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومی می‌باشد. به عبارت دیگر وی خبر از آمدن نظام جدید بین‌المللی در دهه نود می‌دهد که در آن عوامل اقتصادی، جایگزین اهداف نظامی می‌شوند و عامل درگیری‌ها دیگر موضوعات دوران گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنشی، یک عامل اقتصادی، خودنمایی می‌کند.

لوتواک در مقاله خود، این چنین استدلال می‌کند که تنها زمانی منطق تجارت، قادر به اداره امور دنیا خواهد بود که با کاهش اهمیت بر خورداری از قدرت نظامی، رقابت واحدها دارای ماهیتی صرفاً اقتصادی باشند.



۴- پیشینه تحقیق

تحقیقات بسیاری در زمینه مرزها و آمایش مناطق مرزی و ساماندهی مناطق مرزی و همچنین پارس جنوبی به عنوان یک منطقه مهم اقتصادی انجام گرفته است اما هیچ منبعی در خصوص اثرات ژئواکونومی منطقه گازی پارس جنوبی بر آمایش نواحی مرزی بوشهر، یافت نشد. بنابراین بر آن شدیم تا این موضوع جدید را بررسی و گامی در جهت گسترش علم برداریم.

ردیف	محققان	توضیحات
------	--------	---------

۱	عاقلی کهنه شهری و امام قلی پور (۱۳۸۳)	در مقاله «ارزیابی اقتصادی منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی» که در فصلنامه پژوهشی اقتصاد مقداری به چاپ رسیده است. نتایج به دست آمده در این مقاله نشان میدهد که توسعه ی بهره برداری از میداین عظیم نفت و گازی در منطقه همراه با ایجاد و گسترش صنایع پایین دستی و وجود امکانات بازاریابی و عرضه ی محصولات فرآوری شده به بازارهای جهانی، نه تنها از وابستگی اقتصاد ملی به صادرات نفت خام می کاهد، بلکه درآمد ارزی بیشتر، ارزش افزوده بیشتر، ایجاد اشتغال مولد، توسعه مهارت های انسانی، جذب فناوری و ... را در پی دارد.
۲	جعفری ولدانی (۱۳۹۴)	در مقاله «افراز مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس با تاکید بر میداین مشترک نفت و گاز» که در فصلنامه ی پژوهشی سیاست جهانی به چاپ رسیده است. نتایج به دست آمده در این مقاله نشان میدهد که تعیین دقیق مرزهای ایران در زمینه منابع گازی تاثیر به سزایی در اقتصاد این مناطق دارد.
۳	رام (۱۳۸۶)	در مقاله «بررسی موانع موجود در یافتن بازارهای مناسب برای صادرات گاز» که در فصلنامه ی موسسه مطالعات بین المللی انرژی به چاپ رسیده است. نتایج به دست آمده در این مقاله نشان میدهد که سهم ایران در صادرات گاز طبیعی بسیار ناچیز است که وجود یکسری موانع سیاسی را در ذهن خاطر نشان می سازد. از این رو ایران برای برطرف سازی این موانع باید به انتخاب راهبرهای مناسب و بررسی همه جانبه وضعیت بازار و عملکرد رقبا، وارد صحنه شود.
۴	غفاری (۱۳۹۲)	در مقاله «زمینه های همگرایی و واگرایی ایران و قطر از منظر بهره برداری از منابع نفت و گاز» که در فصلنامه ی مطالعات خاورمیانه به چاپ رسیده است. نتایج به دست آمده در این مقاله نشان میدهد که ایجاد تعامل گسترده در میان کشورهای صاحب ذخایر انرژی و همچنین بررسی و کنترل شرایط طرف مقابل، میتواند نقش موثری در به حداکثر رساندن منافع حاصل از استحصال انواع انرژی های فسیلی در همه زمینه ها، به همراه داشته باشد.
۵	جان پرور و افشردی (۱۳۹۵)	در مقاله «تبیین شاخص های موثر در مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس» که توسط فصلنامه ی جغرافیای نظامی و امنیتی به چاپ رسیده است. نتایج به دست آمده از این مقاله نشان میدهد که کشورها برای دستیابی به منافع خود در عرصه های بین المللی و مشترک نیازمند بازگشایی مرزهای خود برای بهره گیری از فرصت های جدید و بهره مندی از منابع مشترک مرزی می باشند.
۶	ویسی (۱۳۸۴)	در مقاله «انتقال گاز به ایران به جنوب و جنوب شرق آسیا (فرصت ها و تهدیدها)» که در فصلنامه ی علمی - پژوهشی ژئوپلیتیک به چاپ رسیده است. نتایج به دست آمده در این مقاله نشان میدهد که با اهمیت یابی گاز در سید انرژی جهان و کاهش میزان نفت در دهه های آینده گاز جایگزین نفت خواهد شد. در مناسبات ژئوپلیتیک قدرت های جهانی قدرتی توان اثرگذاری عمیق تری در مناسبات بین الملل خواهد داشت که بر کانون های تولید و مسیر آنها چیرگی داشته باشد.
۷	حیدری (۱۳۹۳)	در مقاله «بررسی سلسله مراتب شهری استان بوشهر با تاکید بر نقش منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی در دوره اخیر» که در فصلنامه ی مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای به چاپ رسیده است. نتایج به دست آمده در این مقاله نشان میدهد که سلسله مراتب شهری استان بوشهر، نه دارای پدیده نخست شهری است و نه استاندارد بوده بلکه حالتی بینابین دارد. همچنین، مهمترین عامل تاثیر گذاری بر تغییرات سلسله مراتب شهری این استان در دوره ی اخیر صنایع مستقر در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی بوده است که باعث افزایش رتبه و اندازه شهرهای واقع در محدوده آن منطقه شده است.

جدول «۱»: پیشینه مطالعاتی تحقیق

۵- روش تحقیق:

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از حیث روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی می باشد. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از شیوه کتابخانه ای، اینترنتی، کتب و مقالات و غیره استفاده شده است.

۶- معرفی محدوده مورد مطالعه

استان بوشهر با مساحتی در حدود بیست و هفت هزار و ششصد و پنجاه و سه کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران و در سواحل خلیج فارس قرار دارد که مرکز این استان، شهرستان بوشهر است. این استان از شمال به استان خوزستان و بخشی از کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب به خلیج فارس و قسمتی از هرمزگان، از شرق به استان فارس و از سمت غرب هم به خلیج فارس محدود می شود. استان بوشهر در حدود ششصد کیلومتر مرز دریایی با خلیج فارس دارد و از اهمیت اقتصادی و سوق الجیشی قابل توجهی هم برخوردار است (تقوایی و گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

استان بوشهر با دارا بودن ۷۰۵ کیلومتر مرز آبی با خلیج فارس و صنایع دریایی همچون شرکت صنعتی-دریایی ایران صدرا، وجود مزارع پرورش میگو و همچنین با ظرفیتی معادل ۱۳۲۰۱ متر مکعب گاز اولیه سهمی بیش از ۶۰ درصد از گاز کشور را به خود اختصاص داده است. در این بین تنها ارزش اقتصادی میدان گازی پارس جنوبی ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است، که سالانه تا ۱۰ میلیارد دلار درآمد خالص به اقتصاد کشور تزریق خواهد شد.

از طرفی جمع کل نفت خام موجود در استان نیز ۲۳ میلیارد بشکه معادل ۲۶ درصد کل ذخایر کشور برآورد شده است. منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس مشتمل بر دو بخش منطقه گاز پارس جنوبی با ۱۶ فاز پالایشگاهی هفت سایت عظیم پتروشیمی که در دو مرحله دارای ۱۴ مجتمع پتروشیمی است. از میدان گازی پارس جنوبی که حوزه مشترک ایران با قطر است، روزانه ۳۵ میلیون متر مکعب برای مصرف داخلی و حداکثر ۵ میلیون بشکه گاز مایع در روز برای صادرات می توان استخراج نمود. بنابراین میزان ذخایر گاز حوزه پارس جنوبی بالغ بر ۳۰۰ هزار میلیون تخمین زده شده است.

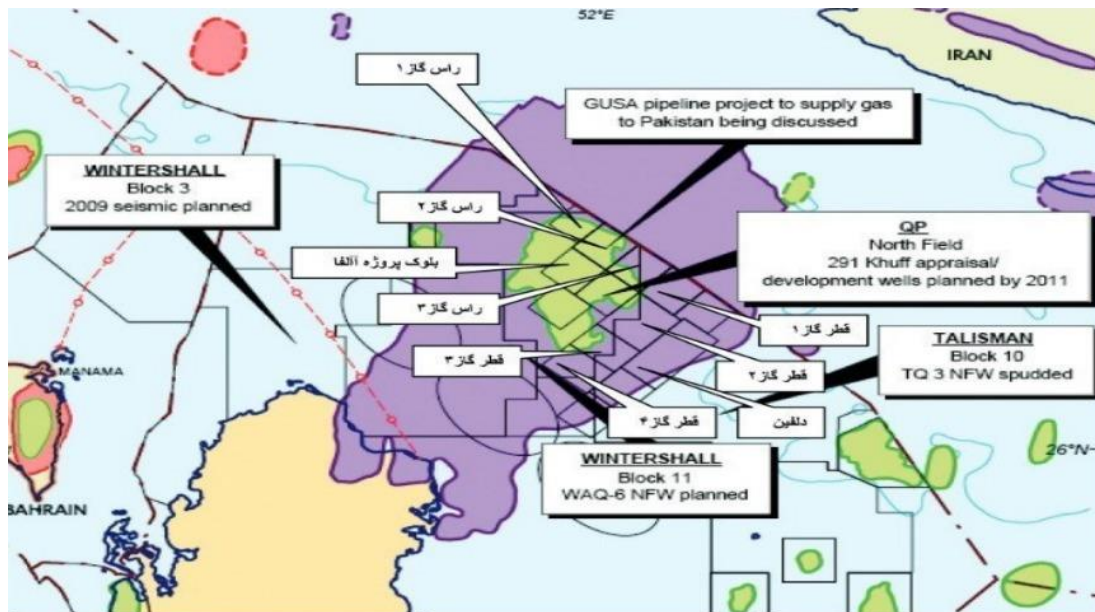
با توجه به حجم عظیم سرمایه گذاری که در امور گاز ایجاد شده است دستیابی به بازارهای جهانی از طریق راه های خشکی در نظر برنامه ریزان کشور بوده است. بطوریکه ایجاد خطوط گاز ایران به کشورهای ترکیه، ارمنستان، پاکستان، مناطق خاور دور و اروپا جهت صدور گاز به ترتیب با سه تا ۱۰،۱۶، ۳۲-۸، ۳۲-۸ میلیارد متر مکعب در سال در همین راستا بوده است. بطور کلی محورهای زیادی در این استان وجود دارد که رشد و توسعه ملی و منطقه ای را به دنبال دارد. (موسوی نژاد، ۱۳۹۴: ۳-۲)

۱-۶- میداین گازی پارس جنوبی

پارس جنوبی یا گنبد شمالی یک میدان میعانات گازی ترکیبی واقع در خلیج فارس است که در مرز دریایی ایران و قطر واقع شده است. پارس جنوبی عنوان بخش شمالی این میدان مشترک است که در قلمرو دریایی ایران قرار گرفته است و بخش جنوبی این میدان مشترک که در آب های قطر قرار گرفته است قبله شمالی خوانده می شود. براساس مطالعات صورت گرفته تخمین زده می شود که ۶۲ درصد ذخایر این مخزن متعلق به قطر و ۳۸ درصد دیگر آن به ایران تعلق دارد. سهم ایران از ذخایر گاز این میدان ۴۳۶ تریلیون فوت مکعب در محل و همچنین ۳۲۵ تریلیون فوت مکعب گاز قابل استحصال می باشد که این میزان چیزی در حدود ۸ درصد کل ذخایر گاز جهان و ۵۰ درصد کل ذخایر ایران را شامل می شود (DARGIN, 2008: 5).

مشترک بودن میدان عظیم پارس جنوبی در خلیج فارس بین کشور ایران و قطر در دهه گذشته زمینه ساز رقابت جدی در بهره برداری هر دو کشور از این منابع بوده است. قطر پس از تامین نیازهای محدود داخلی خود، با کمک شرکت های غربی به واسطه اجرای پروژه های متعدد تولید گاز مایع، به صادر کننده اصلی این محصول در دنیا تبدیل شده است. براساس مجله نفت و گاز در اول ژانویه ۲۰۱۱ ذخایر گاز اثبات شده قطر به طور تقریبی ۸۹۶ تریلیون فوت مکعب می باشد. این کشور حدود

۱۴ درصد از کل ذخایر گاز طبیعی جهان را دارا می‌باشد و پس از روسیه و ایران در رتبه سوم قرار گرفته است. قسمت اعظم گاز طبیعی کشور قطر در میدان فراساحلی گنبد شمالی یا پارس جنوبی واقع شده است. در واقع کشف میدان مشترک پارس جنوبی یا گنبد شمالی مهمترین نقطه عطف روابط ایران و قطر می‌باشد، میدانی که تمامی حوزه‌های روابط دو کشور تحت تاثیر میزان و چگونگی برداشت از این منبع مشترک قرار گرفته است. به طوریکه در سال‌های اخیر بحث برداشت از پارس جنوبی تبدیل به مهمترین مساله برای ۲ کشور تبدیل شده است و هرکدام سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در این حوزه انجام داده‌اند. ایران فازهای ۲۴گانه پارس جنوبی را طراحی و عملیاتی کرد و قطر نیز به کمک گول‌های عظیم نفتی جهان ده‌ها پروژه را در این حوزه به اتمام رسانده است، به شکلی که قطر امروزه به **سلطان ال ان جی** دنیا مشهور است. نقشه زیر تعدادی از پروژه‌های گازی قطر در ارتباط با استحصال نفت و گاز از میدان پارس جنوبی را نشان می‌دهد. (رجبی، احمدزاده، ۱۳۹۷: ۹)



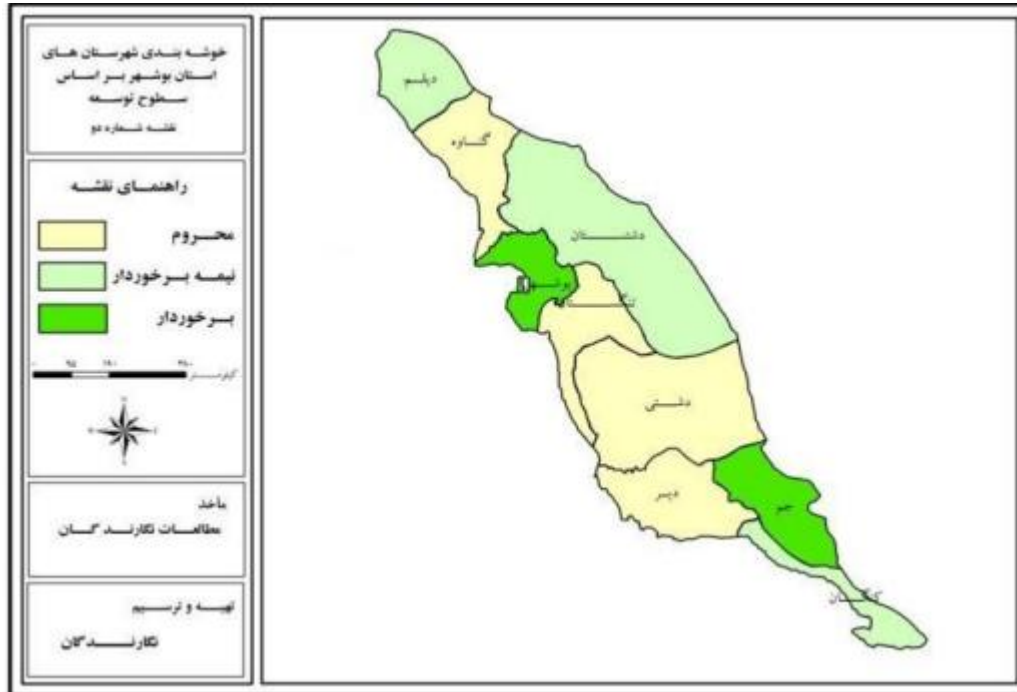
نقشه «۱»: موقعیت برخی از پروژه‌های گازی قطر در گنبد شمالی، منبع: (رجبی، احمدزاده، ۱۳۹۷: ۹)

۶-۲- آمایش نواحی مرزی بوشهر

آمایش ناحیه مرزی بوشهر به دلیل داشتن منابع نفت و گاز فراوان یکی از مسائل دارای اهمیت است. این درحالی است که این استان به دلیل داشتن ظرفیت‌های بالای توسعه در تمامی زمینه‌ها از جمله توسعه در بحث نفت و گاز، توسعه در بحث تجارت دریایی و غیره در محرومیت به سر می‌برد که عوامل بسیاری در این زمینه نقش دارد. از جمله مواردی که شامل ۲ عامل طبیعی و انسانی می‌شود؛ عوامل طبیعی مانند؛ عمق کم آب و عدم امکان پهلوگیری شناورهای با ظرفیت بالا در بنادر و عوامل انسانی مثل توجه بیش از حد به مرکز استان و غفلت از نواحی حاشیه‌ای و همچنین تمرکز امکانات در مراکز استان از جمله بندر بوشهر سبب غفلت از سایر نواحی شده است.

بندر بوشهر و شهرستان جم از جمله شهرهای برخوردار در استان بوشهر به حساب می‌آیند. اما سایر شهرهای این استان از جمله دشتستان، دیلم و کنگان در زمره شهرهای نیمه برخوردار هستند و همچنین شهرهای تنگستان، دشتی، دیر و گناوه از جمله شهرهای محروم می‌باشند. در واقع ما می‌توانیم در این استان مشاهده کنیم که قسمت جنوبی آن نسبت قسمت شمالی آن پیشرفته‌تر به لحاظ استقرار صنایع و تاسیسات نفتی و گازی است.

با توجه به موقعیت این استان از جهت دسترسی به دریا و همچنین وجود منابع نفت و گاز که ۲ ویژگی بسیار مهم این منطقه در کنار سایر ویژگی‌های این منطقه است، این استان به هیچ وجه نباید دارای شهرهای محروم باشد و همه شهرهای این استان باید در وضعیت برخوردار قرار داشته باشند که متأسفانه این چنین نیست. (زنگی آبادی، احمدیان، ۱۳۹۲: ۸)



نقشه «۲»: نقشه میزان برخورداری شهرستان‌های استان بوشهر، (زنگی آبادی، احمدیان، ۱۳۹۲: ۸)

۶-۳- عمده ترین تنگناها و محدودیت‌های توسعه استان بوشهر

- ۱- تأثیرات مخرب صنایع نفت و گاز بر محیط زیست، سلامت، امنیت و توسعه متوازن استان
- ۲- محدودیت منابع آب شیرین به دلیل پایین بودن میزان بارندگی، بروز خشکسالی‌های متوالی و کاهش آب‌های سطحی و زیرزمینی
- ۳- محدودیت بهره‌گیری بهینه از سواحل استان به علت اختصاص قسمت‌های حائز اهمیت آن به طرح‌های پروژه‌های بزرگ ملی
- ۴- عمق کم آب و عدم امکان پهلوگیری شناورهای با ظرفیت بالا در بنادر، همچنین عدم تناسب تاسیسات بندری با قابلیت‌های استان
- ۵- محدودیت فضایی با توجه به شکل بندی جغرافیایی استان با طول زیاد و عرض کم و تاثیر نامناسب آن بر شکل‌گیری سلسله مراتب مراکز فعالیتی و سکونت
- ۶- کمبود امکانات و زیرساخت‌های حمل و نقل به ویژه حمل و نقل ریلی و هوایی و نامناسب بودن راه‌های مواصلاتی با استان‌های همجوار
- ۷- ناهمگونی و فرسوده بودن زیرساخت‌های شبکه توزیع و انتقال برق و مخابرات درون و برون استانی
- ۸- کمبود اراضی حاصلخیز کشاورزی و فرسایش و شوری خاک

- ۹- کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر و محدودیت شدید زیرساخت‌های شهری و پایین بودن سطح شاخص‌های عمران شهری در استان
- ۱۰- محدودیت و توسعه شهر بوشهر به علت استقرار پادگان‌ها و مراکز نظامی و نیروگاه اتمی و حریم آن در بخش عمده‌ای از اراضی قابل توسعه شهری و توسعه اراضی پست و آبگیر
- ۱۱- عدم امکان مشارکت استان در مراحل تعریف و تصویب طرح‌های بزرگ ملی، و اثرات منفی در برنامه‌ریزی‌های استانی و طرح‌های توسعه‌ای ناشی از ابهام در ابعاد و چگونگی اجرای طرح‌ها و پروژه‌های ملی. (سند ملی توسعه استان بوشهر، ۱۳۹۳: ۱)

۷- یافته‌های تحقیق

۷-۱- اثرات ژئواکونومیکی میادین گازی پارس جنوبی به عنوان یک منطقه ویژه اقتصادی

بر اساس نظریه ژئواکونومی لوتواک همانطور که بیان کردیم قابلیت‌های اقتصادی یک کشور در گرو مسائل جغرافیایی آن است و بعضی از مناطق توانمندی‌های اقتصادی دارند که سبب می‌شود در معادلات اقتصادی جهانی نقش آفرینی کنند که منطقه پارس جنوبی یکی از این مناطق جغرافیایی با اهمیت اقتصادی ویژه نه تنها برای ایران و منطقه مرزی بوشهر بلکه نقش آفرینی آن در سطح جهانی است. مناطق ویژه اقتصادی در کشورهای مختلف سرمایه خارجی، دریافت و انتقال فناوری، کسب دانش‌های مدیریتی، صادرات و صادرات مجدد برای کشورهای میزبان هستند. در ایران هم برنامه‌های توسعه، ایجاد مناطق آزاد و ویژه یکی از راه‌های توسعه صنعتی سریع و گسترش صادرات تلقی شده است. مناطق ویژه اقتصادی انرژی، نوعی مناطق ویژه با تاکید بر بخش انرژی می‌باشند. در کشور ما، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی با سهم شش درصدی از ذخایر گاز دنیا، بزرگترین میدان گازی شناخته شده جهان است و موقعیت مناسبی برای جذب مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری روز و ترکیب آن با امکانات داخلی (توانمندی‌های ساخت داخل و نیروهای انسان متخصص و ماهر) را دارد. توسعه بهره‌برداری از میادین عظیم نفت و گاز در منطقه همراه با ایجاد و گسترش صنایع پایین دستی و وجود امکانات بازاریابی و عرضه محصولات فرآوری شده به بازارهای جهانی، نه تنها از وابستگی اقتصاد ملی به صادرات نفت می‌کاهد، بلکه درآمد ارزی بیشتر، ارزش افزوده بیشتر، ایجاد اشتغال مولد، توسعه مهارت‌های انسانی، جذب فناوری و ... غیره را در پی دارد. (عاقلی، امامقلی، ۱۳۸۴: ۲)

مناطق ویژه اقتصادی، شکل تحول یافته‌ای از مناطق آزاد تجاری هستند که بیش از یک دهه قبل در بعضی از کشورها بخصوص کشورهای رو به توسعه آسیایی مورد توجه واقع شده‌اند. ایجاد منطقه ویژه اقتصادی- که محدوده جغرافیایی مشخصی در مبادی ورودی یا در داخل کشور است- به منظور پشتیبانی از تولید و همچنین تامین کالا برای مصارف داخلی کشور، توسعه صادرات، ایجاد تحرک در اقتصاد منطقه‌ای و تأمین نیازهای وارداتی صنایع است. در ایران در برنامه اول توسعه، نظام تصمیم‌گیری و مدیریت کلان کشور، مناطق آزاد و ویژه یکی از راه‌های توسعه صنعتی سریع و گسترش صادرات تلقی شده و در برنامه دوم توسعه هم بر اهمیت موقعیت مناطق ویژه اقتصادی تاکید گردیده است. ارزیابی این مناطق عمدتاً بر مبنای ۴ هدف اساسی آن و در راستای عملکرد صادراتی شان صورت می‌گیرد. این اهداف عبارتند از:

- ۱- جذب سرمایه‌های خارجی
 - ۲- انتقال، دریافت و ارتقای فناوری (کسب دانش‌های مدیریتی)
 - ۳- کسب درآمدهای ارزی و ایجاد اشتغال.
- منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در سال ۱۳۷۷ با تصمیم هیات دولت به منظور استفاده از میادین گازی حوزه پارس جنوبی، انجام فعالیت در زمینه‌های نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع پایین دستی تاسیس شده است. توسعه بهره‌برداری از منابع

و میادین عظیم گاز منطقه همراه با ایجاد و گسترش صنایع پایین دستی و وجود امکانات بازاریابی و عرضه محصولات فرآوری شده آنها به بازارهای جهانی، نه تنها از وابستگی‌های اقتصادی ملی و صادرات نفت خام می‌کاهد؛ بلکه درآمد ارزی بیشتر، ارزش افزوده بالاتر، ایجاد اشتغال مولد، حوزه مهارت‌های زندگی و جذب فناوری را در پی دارد از مناطق ویژه اقتصادی انرژی پارس از قوانینی که با مقررات سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی هماهنگی و همخوانی این زمینه جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی و فناوری روزآمد و همچنین توسعه صادرات و ایجاد تعادل در بازار منطقی را فراهم سازد و در راستای توسعه فعالیت‌های اقتصادی بهره‌بردار می‌کنند. (عاقلی، امامقلی، ۱۳۸۴: ۴)

۷-۲- اثرات ژئواکونومیکی میادین گازی پارس جنوبی و انتقال گاز

براساس نظریه لوتواک ژئواکونومی در سطوح جهانی نیز اثراتی دارد. این منطقه اقتصادی انرژی باید بتواند از ظرفیت‌های خود در سطح جهانی هم استفاده کند و با راه‌اندازی هرچه سریعتر پروژه‌های گاز و انعقاد قرارداد با کشورهای همسایه و کشورهای اروپایی گامی موثر در توسعه این منطقه مرزی و همچنین توسعه در سطح ملی (ایران) داشته باشد. اهداف و خط مشی سیاست‌های انرژی ایران در ارتباط با گاز طبیعی به طور عمده بر سه اصل مبتنی است: افزایش بهره‌برداری از منابع گاز طبیعی، جایگزینی گاز به جای فرآورده‌های نفتی و ارتقاء جایگاه ایران در بازارهای بین‌المللی گاز. (khaleghi, ۲۰۱۰: ۶).

با این وجود شاهد هستیم که تلاش‌های ایران برای افزایش صادرات گاز و تبدیل شدن به یکی از صادرکنندگان بزرگ گاز طبیعی با شکست مواجه شد. در طی این سال‌ها چندین پروژه مختلف در پی صادرات گاز ایران بوده‌اند که به‌جز پروژه ایران و ترکیه و همچنین ایران با ارمنستان و آذربایجان البته در مقیاس کوچک هیچ کدام از این پروژه‌ها نتوانسته‌اند جامعه عمل به خود ببوشند. زیرساخت لازم برای صادرات گاز به امارات متحده عربی هرچند در سال ۲۰۰۸ فراهم شد اما بحث اختلاف قیمت همچنان به عنوان مانعی در برابر این تجارت عمل کرده است. (jalilvand, ۲۰۱۳: ۴).

خط لوله گازی که برای صادرات گاز به پاکستان و هند طراحی شده بود و قرار بود تحویل گاز به پاکستان از سال ۲۰۱۴ آغاز شود در حالی در جریان است که کشور پاکستان از سال ۲۰۱۳ شروع به آغاز عملیات اجرایی این پروژه نموده است و از سوی دیگر همچنان موضوع مشارکت هندوستان در این پروژه به دلایل گوناگون نامشخص باقی مانده است. گذشته از اینها ایران چندین یادداشت تفاهم و قرارداد اولیه در زمینه صادرات گاز طبیعی با بحرین (۲۰۰۷)، عراق (۲۰۱۳-۲۰۱۱)، کویت (۲۰۰۵-۲۰۱۰)، عمان (۲۰۰۷) و سوریه (۲۰۱۱-۲۰۰۷) امضا کرده است که هیچ کدام به مرحله اجرا نرسیده‌اند. (jalilvand, ۲۰۱۳: ۴).

امروزه این حقیقت بر همگان آشکار شده است که هر طرح انتقال گاز در مقیاس کلان نمی‌تواند مبدائی بجز خلیج فارس و از ماحصل رقابت ایران و قطر برای تصاحب بازارهای جهانی انرژی داشته باشد. حال دوراهی که غرب بر سر راه آن قرار گرفته است این است که مبدا این گاز ایران باشد یا قطر و به تبع این انتخاب، خطوط لوله گاز از کدام مسیر به اروپا برسد: از ایران به عراق و سپس سواحل سوریه در دریای مدیترانه یا از مسیر قطر، عربستان سعودی، سوریه و ترکیه و سپس اروپا.

اتحادیه اروپا بخوبی می‌داند که خطوط لوله ناباکو و ترانس آدریاتیک (تپ) و به‌طور کلی کریدور جنوبی، تنها به ذخایر آذربایجان متکی است و این برای کنار زدن روسیه و قطع وابستگی گازی اروپا به این کشور کافی نیست، لذا اتحادیه اروپا شدیداً تمایل دارد به منابع گازی واقع در خلیج فارس نیز دسترسی داشته باشد. سوریه حلقه اساسی از این زنجیره است و به دلیل نزدیکی استراتژیک دولت سوریه با ایران و روسیه، مخالف این کشور با صادرات گاز قطر از سوریه به ترکیه بخاطر حفظ منافع متحدش روسیه در بازار انرژی اروپا است. غرب به کمک کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بویژه عربستان و قطر از پروژه تغییر رژیم در این کشور به صورت جدی و با هر ابزار موجود حمایت می‌کند. (رجبی، احمدزاده، ۱۳۹۷: ۱۱-۱۰).

۷-۳- اثرات ژئواکونومیکی میادین گازی پارس جنوبی و رقبای منطقه

از منظر اقتصادی اهمیت و موفقیت قابل توجه قطر در تولید و صادرات گاز مایع ال ان جی است. این کشور توانست در سال ۲۰۰۸، در تولید ال ان جی از اندونزی پیشی بگیرد و به بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی مایع جهان تبدیل شود و اکنون بیش از ۳۸ میلیون تن ال ان جی تولید می‌کند که این میزان در سال ۲۰۱۲، بیش از ۷۷ میلیون تن و در سال ۲۰۱۴ به ۸۰ میلیون تن رسید.

قطر با مشارکت شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و به خصوص آمریکایی و انگلیسی و دستیابی به فناوری تولید ال ان جی به سطح بالای تولید این محصول رسیده و تمام کشور مطرح در تولید ال ان جی جهان و کشورهای بزرگ دارنده منابع گازی جهان نظیر ایران و روسیه را پشت سر گذاشته و درآمدهای سرشار آن باعث پیشتازی این کشور در عرصه اقتصادی و تولید ناخالص داخلی در منطقه خلیج فارس شده است. بررسی شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد که قطر از منظر وضعیت اقتصادی، شرایط مساعدی را دارد. تولید ناخالص داخلی (GDP) قطر در سال ۲۰۰۸، ۸۳/۲۹ میلیارد دلار بود. رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۸، ۱۱/۸ درصد بود. این آمار نشان دهنده آن است که به رغم رکود اقتصادی جهانی و آسیب‌های عمده کشورها از این وضعیت، قطر نتوانسته است به رشد خود ادامه دهد.

رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در بخش‌های مختلف شامل صنعت ۷۹/۴ درصد، کشاورزی ۱ درصد و خدمات ۲۰/۵ درصد است. به رغم رکود اقتصاد جهانی و تاثیرات منفی آن بر اغلب کشورهای حوزه خلیج فارس و به ویژه بازارهای مالی امارات عربی متحده، عربستان سعودی و کویت، اقتصادی قطر خسارات کمتری را متحمل شده و در دوره رکود از بقیه کشورها رشد سریعتری داشته است. براین اساس است که برخی این ایده را مطرح می‌کنند که صحنه شکوفایی اقتصادی در خلیج فارس، در حال انتقال از دبی به قطر است، قطر به دنبال الگوی خاصی از توسعه است که در آن توسعه صنعتی جدی است و رقیب توسعه لوکس یا تجاری مورد تعقیب دبی است. قطر در تلاش است تا موقعیت مرکز پولی نفت را از دبی بگیرد و در این راستا اقداماتی اساسی مانند به کارگیری برگزیدگانی از سیستم قضایی و خدماتی مالی انگلستان و کارشناسان زبده بانک بین‌المللی اچ. اس. بی. سی در مرکز مالی قرن ۲۱ را انجام داده است.

در عرضه نفت و گاز، قطر تا نیمه دهه ۱۹۹۰ جایگاه مطلوبی نداشت؛ چرا که همسایگانی در خلیج فارس داشت که از نظر تولید نفت از جایگاه بالایی برخوردار بودند. اما از دهه ۱۹۹۰، توسعه و پیشرفت قطر در این حوزه آغاز شد و این زمانی بود که این کشور وارد عرضه تولید ال. ان. جی شد و با یک رویداد مهم در زمینه فناوری، به تولید گاز مایع به جای صادرات گاز از طریق خط لوله اقدام کرد. این عرصه به ویژه جذب سرمایه خارجی بسیار اهمیت یافته است. در سال ۲۰۰۷، قطر معادل ۳۳ درصد تولید ناخالص، توانسته است سرمایه خارجی جذب کند که این رقم بالایی است. این کشور از میان ۱۳۱ کشور جهان رتبه دهم را در زمینه جذب سرمایه خارجی داشته است که بخش عمده‌ای از آن در زمینه ال. ان. جی است. مساله ثبات اقتصادی و کم بودن ریسک اقتصادی نیز یکی از مطلوبیت‌های عمده است، اما عرصه شاخص اقتصادی و مطرح این کشور، تولید و صدور ال ان جی است که آن را به عنوان کشوری متمایز در عرصه جهانی مطرح می‌سازد. براین اساس این کشور توانسته است در عرصه گازی شهرت بیشتری را نسبت به رتبه سومی خود از منظر منابع گازی به دست آورد و حتی دوحه را به مقر مجمع کشورهای صادرکننده گاز طبیعی تبدیل کند. (زارعی، ۱۳۹۳: ۴۵۸-۴۵۷)

در مقابل ایران باید بتواند از ظرفیت‌های گازی خود در منطقه پارس جنوبی بهره بهتری ببرد و همچنین باید بتواند منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی را به عنوان مقر صادراتی گاز در سطح جهانی تبدیل کند که به نظر می‌رسد با آغاز خطوط لوله انتقال گاز به اروپا این اهداف به زودی تحقق پیدا کنند اما ایران با مسائل عدیده‌ای از جمله تحریم نیز مواجه است که باید با دیپلماسی قوی‌تری در عرصه جهانی ظاهر شود تا بتواند از این ظرفیت در جهت توسعه ایران و همچنین توسعه بیشتر استان بوشهر گام بردارد.

۷-۴- اثرات ژئواکونومیکی میادین گازی پارس جنوبی و دیپلماسی انرژی و چالش‌ها

۷-۴-۱- لزوم تزریق گاز به میادین نفتی

یکی از نکاتی که همواره مورد دغدغه کارشناسان حوزه‌های نفت و گاز بوده است، تزریق دوباره گاز به میادین و حوزه‌های نفتی به عنوان افزایش بازیابی نفت از یک سو و حفظ منابع گازی برای آینده است که می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از مرز آبی گسترده و دسترسی به آب‌های بین‌المللی، قابلیت صادرات فراوان منابع گازی با هزینه بسیار مناسب را دارد و از سوی دیگر موقعیت خاص جغرافیایی ایران که به نوعی حلقه واسط بازارهای تولید و مصرف است آن را به کشوری تأثیرگذار تبدیل کرده است. اما متأسفانه شدت انرژی بالا (حدود ۱۰۷) در ایران و مصرف رو به فزاینده گاز طبیعی در داخل کشور که البته پس از هدفمندی یارانه‌ها اندکی اصلاح شده است، به عنوان یک نقطه ضعف جدی برای صنعت گاز کشور محسوب می‌شود. عدم توجه جدی مسئولین به صنعت گاز و فقدان یک برنامه استراتژیک و جامع برای توسعه این صنعت فوق استراتژیک نیز بیانگر مشکلات جدی در چند سال آینده برای این صنعت در کشور است. در حالی که پیدایش بازارهای مصرف جدید و نیاز روزافزون جامعه جهانی به انرژی می‌تواند فرصتی جدی برای سرمایه‌گذاری و توسعه این صنعت باشد که نیازمند بازشناسی دقیق منابع، وضعیت انرژی جهان، رایزنی‌های مناسب و برخورداری از دیپلماسی انرژی قدرتمند است. (ترکان، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۴)

۷-۴-۲- مشکلات حوزه صادرات گاز

یکی دیگر از چالش‌ها را می‌توان در زمینه صادرات گاز دانست. مهم‌ترین چالش‌های ایران در زمینه صادرات گاز طبیعی را در قالب موارد زیر می‌توان برشمرد. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۳)

- ۱- وجود موانع سیاسی و جغرافیایی
 - ۲- رقابت با سایر تولیدکنندگان در صادرات گاز طبیعی
 - ۳- محدود بودن بازار گاز در کشورهای همسایه
 - ۴- تلاش‌های آمریکا برای منزوی کردن ایران
 - ۵- تلاش کشورهای بزرگ تولیدکننده گاز برای افزایش فعالیت‌های بازاریابی
 - ۶- امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش گاز
 - ۷- کمبود سرمایه‌گذاری در زمینه دانش فنی صنایع گاز و نیروی انسانی مربوط به آن
- با توجه به داشتن ذخایر عظیم گاز، توانایی فعالیت و تأمین نیازها در ۴ عرصه داخلی (خانگی، تجاری و حمل‌ونقل)، تزریق به چاه‌های نفت، استفاده در زمینه صنایع مختلف با ارزش افزوده بیشتر و صادرات را دارد.
- البته این امر به عوامل زیر نیز بستگی دارد:
- ۱- بهبود شرایط و موقعیت بین‌المللی ایران
 - ۲- کاهش ریسک سیاسی/اقتصادی
 - ۳- افزایش ضریب امنیتی در عرصه بین‌المللی
 - ۴- جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سطح معتدل
 - ۵- گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و مدیریت تحولات سیاسی/اقتصادی در سطح منطقه
 - ۶- اصلاح فرهنگ مصرف در داخل
 - ۷- اصلاحات فنی در زمینه تأسیسات انتقال و توزیع گاز در داخل
 - ۸- مدیریت و نظارت مستمر و جدی‌تر بر پیشرفت به موقع گاز

ضمن اینکه با افزایش فعالیت‌های دیپلماتیک و پیگیری مداوم در چارچوب عرف و حقوق بین‌المللی و انجام تبلیغات گسترده و همچنین تأکید بر گسترش ارتباطات اقتصادی، فنی و توجه به ادبیات وابستگی متقابل پیچیده در عرصه معادلات بین‌المللی ضمن تقویت موقعیت بین‌المللی، امکان انجام فعالیت‌های لازم برای استفاده از موقعیت ژئواکونومیک فراهم خواهد آمد، جلب سرمایه و تکنولوژی در زمینه استخراج، انتقال و تولید ارزش افزوده در گاز به صورت فرآورده و کالاهای دیگر از این راه به سرعت امکان‌پذیر است. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۵۵-۱۵۴)

اثرات ژئواکونومیکی میداین گازی پارس جنوبی و آمایش نواحی مرزی بوشهر
این منطقه گازی بر اساس نظریه لوتواک می‌تواند اثرات ژئواکونومیکی را در ۳ سطح ملی، منطقه‌ای، جهانی داشته باشد از جمله؛

۳-۴-۷- اثرات ژئواکونومیکی میداین گازی پارس جنوبی به طور کلی

عملکرد فراملی و نقش برتر نسبت به فعالیت‌های مشابه در سطح منطقه
توان تولید کالا، تجهیزات و خدمات مرتبط با صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و انرژی بر و زنجیره‌های اولویت‌دار آنها
قابلیت انتقال و صدور فناوری. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، شماره: ۱۴۸۸۲ تا ۳۳۳۸۸هـ)

۷-۴-۳-۱- اثرات ژئواکونومیکی میداین گازی پارس جنوبی در سطح جهانی

مطرح شدن این منطقه به عنوان یکی از بزرگترین انتقال دهندگان انرژی گاز در جهان

۷-۴-۳-۲- اثرات ژئواکونومیکی میداین گازی پارس جنوبی در سطح منطقه‌ای

مطرح شدن ایران به عنوان جایگزینی برای کشور قطر (بزرگترین صادرکننده گاز در منطقه)

ایجاد فضای رقابت میان کشورهای صاحب ذخایر گاز

ایجاد همکاری میان کشورهای منطقه

تقویت منافع ملی

۷-۴-۳-۳- اثرات ژئواکونومیکی میداین گازی پارس جنوبی در سطح ملی

کسب درآمد ارزی

ارتقا سطح اقتصادی استان بوشهر

ریشه کن شدن بیکاری در این استان

ایجاد توازن توسعه بین قسمت‌های جنوبی و شمالی این استان

افزایش میزان اشتغال از طریق راه اندازی و بهره برداری از سایر فازها

پیشرفت فناوری و حل شدن مسئله آلودگی زیست محیطی استان

پیشرفت شهرهای استان در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و غیره

نتیجه گیری

استان بوشهر به عنوان یک منطقه دارای امنیت بالا و به عنوان یک استان انتقال دهنده انرژی، عمده مصرف‌کنندگان نفت مانند ایالات متحده آمریکا، اروپا، چین، ژاپن، کره جنوبی و هند را برای سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری‌های جدید در این منطقه ترغیب می‌کند.

در حال حاضر گاز ایران به وسیله لوله به ترکیه صادر می‌شود و با گسترش خطوط لوله انتقال گاز در ترکیه زمینه صادرات آن به اروپا نیز فراهم می‌شود. از سوی دیگر، مذاکرات برای نهایی کردن خط لوله صلح به شبه قاره هند در حال پیشرفت است. در این زمینه خطوط لوله گاز در ایران تکمیل شده و پاکستان به دنبال سرمایه‌گذاری است تا منابع مالی برای احداث قسمت خاک خود را جلب کند. این سرمایه‌گذاری‌ها در ایران و کشورهای مصرف‌کننده باید در ایجاد پایانه‌های تولید میعانات گاز

طبیعی جهت صادرات، حمل و نقل دریایی و پایانه‌های دریافت و تبخیر دوباره انجام شود تا در گسترش صادرات گاز طبیعی توسط ایران پیشرفت‌های لازم صورت گیرد تا قسمتی دیگر از نیاز به انرژی مصرف کنندگان به این منبع پاک انرژی تامین شود.

در این راه هماهنگی بین کشورهای دارنده گاز مانند ایران، روسیه، قطر، امارات متحده عربی، ونزوئلا، نیجریه، مصر و الجزایر ضروری است. همچنین ایران از طریق گسترش صادرات گاز می‌تواند سبب توسعه و آمایش ناحیه مرزی خود در استان بوشهر نیز شود.

با توجه به مسائل اساسی که در این استان وجود دارد مانند عدم توسعه متوازن شهرستان‌ها، مشکلات زیست محیطی استان و آلودگی‌های نفتی که استان با آن روبه‌روست و همچنین ریشه کن شدن بیکاری در این استان با شاخص نرخ بیکاری ۹.۱ که این نرخ بیکاری با توجه به ظرفیت‌های استان بسیار بالاست، خود به عنوان یک مسئله مهم و اساسی باعث کند شدن توسعه در آمایش این ناحیه مرزی شده است.

بنابراین انتظار می‌رود با گسترش تلاش‌های ایران برای صادرات گاز از این منطقه زمینه توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... در این استان فراهم شود.

منابع و مآخذ

- ابراهیمی ایلناز(۱۳۸۶)، صادرات گاز ایران: فرصت‌ها و تهدیدها، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.(ص۱۳-۱۲)(ص۱۵۵-۱۵۴)
- ترکان اکبر(۱۳۸۹). گاز طبیعی و امنیت ملی، مجموعه مقالات نفت و سیاست خارجی، انتشارات پژوهشکده‌ی تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام(ص۱۱۶-۱۱۴)
- تقوایی، مسعود، گودرزی، مجید(۱۳۸۸). بررسی و تحلیل وضعیت شبکه شهری در استان بوشهر، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۳(ص ۱۱۳)
- رجبی، سعید، احمدزاده، ایرج (۱۳۹۷)، تبیین ژئوپلیتیکی الگوی رقابتی روابط ایران و قطر، مجله پژوهشی جغرافیا و روابط انسانی، دوره اول، شماره ۳(ص ۸-۱۱)
- زارعی، بهادر، مطالعات منطقه ای خلیج فارس(۱۳۹۳). تهران: انتشارات دانشگاه تهران(ص۴۵۷-۴۵۸)
- زنگی آبادی، علی، احمدیان، مهدی، شاهسونی، محمدجاسم، علیزاده، جابر، (۱۳۹۲). تحلیل فضایی توسعه ی منطقه‌ای در استان بوشهر با بهره گیری تلفیقی از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۲(ص۸)
- سند ملی توسعه استان بوشهر، ۱۳۹۳(ص ۱)
- عاقلی کهنه شهری، لطفعلی؛ امامقلی پور، سارا (۱۳۸۴)، ارزیابی اقتصادی منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد مقداری، دوره دوم، شماره ۱(ص ۲۴)
- عندلیب، علیرضا، معطوف، شریف، (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، پایگاه مرکز اطلاعات جهاد دانشگاهی، سال ششم، شماره ۱۲(ص۶)
- گودرزی، مهناز، محمدزاده ابراهیمی، فرزاد، (۱۳۹۶). جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک تنگه هرمز در سیاست منطقه‌ای ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۶(ص ۵-۶)
- مختاری هشی، حسین و همکاران،(۱۳۹۳)، تدوین راهبردهای آمایش مناطق مرزی؛ مطالعه موردی مرزهای شرقی کشور، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۱۴(ص ۲۳۸)
- موسوی نژاد، سیده حمیده،(۱۳۹۴). تاثیر توسعه صنعت نفت و گاز بر کارکردهای نظام نوآوری منطقه‌ای استان بوشهر(ص۳-۲)
- میرحیدر، دره، مبانی جغرافیای سیاسی(۱۳۹۲). تهران: انتشارات سمت(ص۲۱۳)
- نامی، محمدحسن، اخباری، محمد، (۱۳۹۷)، جغرافیای مرز با تاکید بر مرزهای ایران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (ص ۲۱۰)

Khaleghi, shahla,(۲۰۱۰), Iran and Qatar: Bilateral Cooperation to utilize gas market^۱ opportunities(page^۶)

Jalilvand, david ramin,(۲۰۱۳), Iran`sgas exports: can pastfailurebeacom future success?, oxford institute for energy studies(page^۴)

Dargin, Justin,(۲۰۰۸), The Dolphin Project: The Development of a Gulf Gas Initiative, Oxford Institute for Energy Studies(page ^۵)

سایت:

(مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴ شماره: ۱۴۸۸۲ تا ۳۲۳۸۸-هـ)
مرکز آمار ایران(https://www.amar.org.ir/)

ارزیابی عوامل امنیتی - دفاعی موثر بر آمایش مناطق مرزی شهرستان پاوه

هادی اعظمی^{۱*}، دریا مازندرانی^۲، سیده الهام قباسفیدی بایگی^۳، هدیه حسن‌نیا^۴

۱- دانشیار جغرافیا سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده ی مسئول

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۴- دانشجوی کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد

*aazami@um.ac.ir

چکیده

طرح مساله: توسعه مناطق مرزی مبتنی بر اصول آمایش سرزمین همواره باعث امنیت کشور و عدم بروز مشکل با کشور همسایه می‌شود و یا تا حد زیادی چالش‌های مابین دو کشور را کاهش می‌دهد. این پژوهش به تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر آمایش سرزمین با تأکید بر منطقه مرزی پاوه می‌پردازد که در این منطقه خاص کدام یک از شاخص‌های دفاعی-امنیتی بر آمایش این منطقه تأثیرگذارتر هستند. **روش پژوهش:** روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها در دو بخش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه‌ای) جمع‌آوری گردیده است.

یافته‌ها: نتایج آزمون F برای اولویت بندی مؤلفه‌های دفاعی-امنیتی در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که مهم‌ترین اولویت برای برنامه‌ریزی‌های آمایش مناطق مرزی از بعد امنیتی - دفاعی در شهرستان پاوه عبارت باست از: ثبات و بی‌ثباتی امنیتی کشور هم مرز با امتیاز ۹.۲ در رتبه اول، قرارگیری در یک منطقه ناامن با امتیاز ۸.۹۱ در رده دوم، تهدیدات استقلال طلبانه با امتیاز ۸.۸۶ در جایگاه سوم، عبور و مرور غیر مجاز ساکنین مرزی با امتیاز ۸.۴۷ در رتبه چهارم قرار گرفته‌اند. **نتیجه گیری:** و در آخر، مهم‌ترین مساله‌ای که در مناطق مرزی باید از لحاظ دفاعی-امنیتی مورد نظر قرار بگیرد، بحث سطح امنیت در کشور همسایه است و هر اندازه این ثبات امنیتی بیشتر و بهتر باشد، می‌توان برنامه‌ریزی‌های بلندمدت‌تری در مناطق مرزی داشت.

واژگان کلیدی: مرز، مناطق مرزی، آمایش سرزمین، عوامل امنیتی-دفاعی، شهرستان پاوه

۱- مقدمه

منطقه مرزی عبارتست از فضای جغرافیایی بلافاصله خطوط مرزی با وسعت‌های متفاوت که تحت تاثیر مستقیم مرزها قرار می‌گیرند (جانپور، ۱۳۹۶: ۷۳). مناطق مرزی به عنوان مناطق شاخص جغرافیایی در مباحث ملی و بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، زیرا این مناطق همواره دستخوش رخدادهای سیاسی و نظامی بوده‌اند. مناطق مرزی در ایران به دلیل برخورداری از حساسیت‌های ژئوپلیتیکی نیز همواره در معرض این رخدادهای مختلف بنا به حساسیت و دغدغه‌هایی که در زمینه آمایش صحنه می‌گذارد (صابر و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۵). در واقع کشورهای مختلف بنا به حساسیت و دغدغه‌هایی که در زمینه بعد دفاعی و نظامی و امنیتی سرزمین خود دارند به بحث‌های آمایش مناطق مرزی توجه ویژه‌ای می‌کنند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۱). یکی از مهم‌ترین ابعاد و ملاحظات آمایش سرزمین بعد دفاعی - امنیتی آن است. زیرا ضرورت‌های دفاع نظامی و غیر نظامی مسائلی هستند که در جهان کنونی کلیه‌ی ابعاد زندگی را دربر می‌گیرند و تنها به ایجاد فعالیت و اسکان در مناطق استراتژیک محدود نمی‌شوند (زرقانی و اعظمی، ۱۳۸۹: ۷۲). از این‌رو ملاحظات دفاعی امنیتی جزو اصول مهم و اساسی در برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین می‌باشند.

تدوین ملاحظات دفاعی و امنیتی در چارچوب برنامه‌های آمایش، مستلزم شناخت انواع تهدیدها و راه‌کارهای مقابله با آن، درک درستی از مناطق آسیب‌پذیر و مستعد بحران کشور در برابر انواع تهدیدها به منظور حفظ وحدت ملی، یکپارچگی سرزمین و حراست از امنیت کشور و ایجاد بستر امن و مناسب برای توسعه‌ی پایدار، است (سعیدی و کلاری، ۱۳۹۴: ۸۶). به همین دلیل به علت تعدد تهدیدها (فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای)، تراکم همسایگان، تنوع قومی و زبانی در کشور و ارتباط قومیتی برخی از آنها با کشورهای همجوار، گستردگی فضایی، تفاوت‌های شدید محیطی در فضای ملی کشور، لزوم تدوین ملاحظات دفاعی - امنیتی در طرح‌های آمایش سرزمین، از بنیادی‌ترین عملکردهای اجرایی کشور است (پورموسوی، ۱۳۸۶: ۲۱). آمایش سرزمین دارای دو بعد توسعه‌ای و دفاعی می‌باشد. نظر به اهمیت و جایگاه ویژه بخش دفاع، ضروری است ابتدا بعد دفاعی آمایش سرزمین موردنظر قرار گیرد. در کشورهای اروپایی مفهوم آمایش سرزمین ابتدا مفهومی دفاعی دارد و سپس مفهوم توسعه‌ای پیدا می‌نماید. بدین معنی که قبل از ساخت نیروگاه، بزرگراه، سد و زیرساخت‌های کلیدی، موضوع در کمیته‌های نظامی و دفاعی مطرح می‌گردد و پس از اخذ موافقت مسئولین نظامی و اعمال ملاحظات دفاعی و امنیتی نسبت به ساخت آنها اقدام می‌گردد (فتحی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۱). به عبارت دیگر، آمایش سرزمین، علم و دانش سازماندهی منطقی و عقلانی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را شامل می‌شود. در بحث آمایش سرزمین مقوله فضا و تحلیل قانونمندی‌های حاکم بر شکل‌گیری آن، کلیدی‌ترین نقش را در برنامه‌ریزی دارد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۴). بنابراین آمایش سرزمین طبق ضوابطی با نگرش بازده پایدار و درخور، برحسب توان و استعداد کیفی و کمی سرزمین برای استفاده‌های مختلف انسان، از فقر انسانی که روی زمین کار می‌کند می‌کاهد (مخدوم، ۱۳۹۰: ۱).

به طور کلی، کشورها ممکن است به طور دائم دارای زمینه‌های بروز تنش مابین خود و همسایگان و سایر کشورهای غیر همسایه باشند. لذا لازم است در ارائه طرح‌های آمایشی از منظر مسائل نظامی و امنیتی نیاز مورد توجه قرار گیرد. یعنی در چیدمان آمایش سرزمین لازم است مخاطرات حاصل از دسیسه‌های دشمنان بالفعل و بالقوه به وضوح و روشنی لحاظ شود (نامی، ۱۳۹۳: ۱۷۴). و با توجه به تنوع و پیچیدگی مناطق مرزی، عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی و حساسیت مناطق مرزی در ایران، وجود طولانی‌ترین مرزها و تنوع جغرافیایی و قرار گرفتن نیمی از استان‌های ایران در مناطق مرزی، وجود یک نظام برنامه‌ریزی اصولی در این مناطق مهم است (صابر و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۶). در این میان شهرستان پاوه در استان کرمانشاه به دلیل هم مرز بودن با اقلیم کردستان عراق و دارا بودن تنوع‌های قومی - فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی و اجتماعی از یک سو و شرایط هشت سال جنگ تحمیلی، بحران‌های عراق موجب ناامنی مرزهای استان کرمانشاه به ویژه شهرستان پاوه، از سوی دیگر، نیازمند توجه جدی در این زمینه بوده و مساله این تحقیق را شکل می‌دهند.

۲- مبانی نظری

مرز یعنی آن قلمروهایی که بلافاصله نزدیک به خط جدا کننده بین دو یا چند کشور است. این چشم انداز یک مرز است که به صورت منطقه‌ای در یک خط ثابت مشخص می‌شود. خط مرزی نقطه شروع تجزیه و تحلیل با اشاره ویژه به قلمرو نزدیک به آن است (بونچوک^{۱۳۲}، ۲۰۱۴: ۴). در مجموع می‌توان گفت، مرزها به صورت دیوارهایی زندگی، هویت، خانه، کشور، حکومت، منافع (ملی) و ... را از دیگران جدا می‌کنند و به شما و آن‌ها اعتبار و هویت می‌دهند. با نگاهی به اطراف خود و مرزهایی که در اطراف وجود دارد می‌توان این موضوع را بهتر درک کرد (حافظ نیا و جان پرور، ۱۳۹۲: ۳۵). در تحلیل هانسسن^{۱۳۳} (۱۹۹۲: ۱۴)، مفهوم منطقه مرزی؛ قلمرو طبیعی است که در آن زندگی اقتصادی و اجتماعی به طور مستقیم و قابل توجهی تحت تأثیر نزدیکی به یک مرز بین المللی قرار می‌گیرد. منطقه مرزی می‌خواهد شکل جدیدی از همکاری‌های مرزی را مبتنی بر روند یکپارچگی زیر منطقه‌ای و تقویت غیر متمرکز ایجاد کند. این امر فرصتی برای تأمین زیرساخت‌ها و تحریک توسعه در مناطق مرزی مشترک ایجاد می‌کند. مناطق مرزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند زیرا مناطقی هستند که روابط بین المللی با محلی دیدار می‌کند. آن‌ها که از وضعیت اصلی خود دور شده‌اند، از نظر توسعه مورد غفلت واقع شده‌اند. مردمی با ملیت‌های مختلف همگرا در اطراف آنها هستند. مرزنشینان معمولاً در تدوین سیاست‌هایی که بر زندگی روزمره آن‌ها حاکم باشد، مشارکت داده نمی‌شوند (بونچوک، ۲۰۱۴: ۶). علیرضا عندلیب در کتاب نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران ویژگی‌های مناطق مرزی را به صورت جدول (۱) بیان می‌کند:

جدول ۱: ویژگی‌های مناطق مرزی

دوری از مرکز: بیانگر فاصله مکانی- جغرافیایی مناطق مرزی از سرزمین اصلی است.
انزوا و حاشیه ای بودن: مناطق مرزی، بویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، بیانگر تفاوت‌های عمیق عملکردی- ساختاری هستند.
ناپایداری الگوی اسکان و سکونت: به دلیل شرایط جغرافیایی مناطق مرزی، که عموماً مناطق با طبیعت خشن و صعب العبور هستند.
نظام و الگوی مراودات و تبادلات: مناطق مرزی، با توجه به موقعیت مراودهای خود در مرز حایل سیاسی بین دو کشور، از فرصت و ظرفیت لازم برای تقویت کنش‌های اقتصادی ویژه برخوردارند.
تفاوت‌های فرهنگی- قومی و نژادی: معمولاً و در بسیاری از کشورهایی که خطوط مرزی گسترده‌ای دارند و تنوع قومیت‌ها در آن شدید است، مسأله تفاوت‌های فرهنگی و قومی بین نواحی مرکزی و مرزی حالت شدیدتری به خود می‌گیرد.
تهدیدات خارجی: مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشورهای همجوار، که ممکن است با تعارضات سیاسی نیز همراه باشد.
ساختار دوگانه و دوگانگی سیستمی: در نگرش سیستمی به عناصر سرزمین ملی مشاهده می‌شود که عموماً مناطق مرزی از ساختاری دوگانه برخوردارند که این امر موجب تضعیف و بروز تعارضات توسعه‌ای در کشور می‌شود.

مأخذ: عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۳۷

مهم‌ترین پایه‌های نظری آمایش مناطق مرزی تاکنون مورد استفاده قرار گرفته، مبتنی بر نظریه‌های مکان مرکزی^{۱۳۴} «والتر کریستالر»، نظریه قطب رشد^{۱۳۵} «پیه رو^{۱۳۶}»، نظریه مرکز- پیرامون^{۱۳۷} «جان فریدمن^{۱۳۸}» و نظریه بازگشت مرکز بوده

^{۱۳۲} Bonchuk

^{۱۳۳} Hansen

^{۱۳۴} Central Place Theory

^{۱۳۵} Growth Pole

^{۱۳۶} Perroux

^{۱۳۷} The Periphery- Core Theory

^{۱۳۸} John Freedman

است. گرچه این نظریه‌ها به صورت مستقیم به موضوع مناطق مرزی نپرداختند، اما دیدگاه‌های نظری در مورد پدیده عدم تعادل منطقه‌ای را مطرح می‌ساختند که بر نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری مناطق مرزی اثر گذار بوده است (آفتاب و هوشمند، ۱۳۹۷: ۱۶۴).

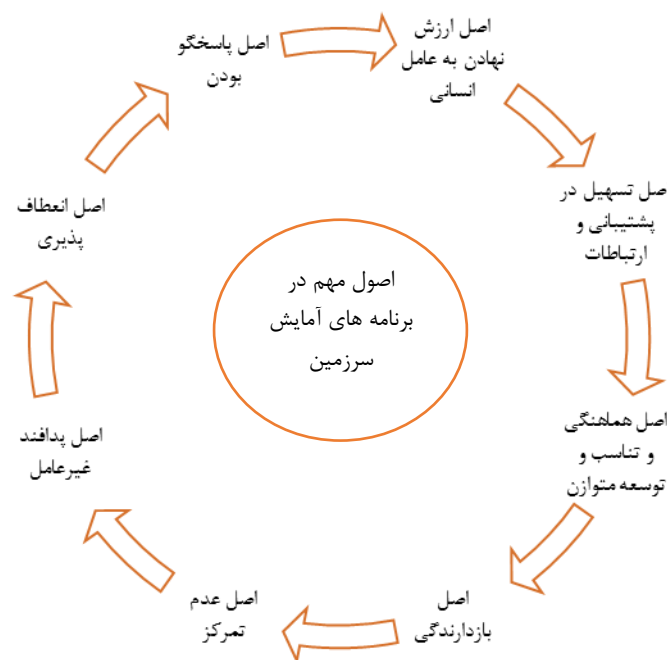
بنابراین، آمایش مناطق مرزی یک نوع فن برنامه‌ریزی است، اما خود بر پایه‌های نظری و متدولوژی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی‌های مناطق مرزی، موانع توسعه و یا امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آنها راه‌حل‌های یکپارچه‌ای ارائه می‌دهد تا اهداف توسعه و امنیت در مناطق مرزی را بر یکدیگر منطبق سازد. بنابراین می‌توان آمایش را نوعی برنامه ریزی راهبردی - فضایی و آمایش مناطق مرزی را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشورها، دانست (نامی، ۱۳۹۳: ۷).

در فرهنگ‌های لغت، آمایش به معنی آراسته کردن آورده شده که در تمامی رویکردها و برداشت‌ها می‌تواند در آمایش مصداق داشته باشد. بنابراین، معنی آمایش، در زبان انگلیسی معادل Amonegemant Management می‌باشد. اما معنی لغوی آن در زبان فرانسه «مدیریت سرزمین» است (عندلیب، مطوف، ۱۳۸۸: ۵۷). آمایش سرزمین به معنای بهره‌برداری بهینه از امکانات در راستای بهبود وضعیت مادی و در قلمرو جغرافیای خاص است (پارساپور، ۱۳۸۹: ۱). به عبارت دیگر، آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین انسان و فضا و فعالیت‌های انسان در فضا به منظور بهره‌برداری منطقی از تمام امکانات برای بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع براساس ارزش‌های اعتقادی با توجه به سوابق فرهنگی و ابزار علم و تجربه در طول زمان است (حشمتی‌جدید و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

موضوع آمایش سرزمین در ایران نیز، در اواخر سال ۱۳۴۵ در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در گزارشی با عنوان مساله افزایش جمعیت تهران و نکاتی پیرامون سیاست عمرانی کشور مطرح شد (توفیق، ۱۳۸۴: ۲). به عقیده برخی از صاحب نظران مانند فیلیپ لامور^{۱۳۹}، موضوع اساسی که آمایش سرزمین را معرفی می‌کند، مدیریت کشور است (حنیفر، ۱۳۸۹: ۶). و برخی نیز آمایش سرزمین را نوعی برنامه‌ریزی بلند مدت برای توزیع بهتر جمعیت، امکانات و فعالیت‌های مختلف به منظور افزایش رفاه، آسایش و هماهنگی جامعه می‌دانند (هنری^{۱۴۰}، ۲۰۰۲: ۲۹۲). برخی از صاحب نظران آمایش سرزمین را بهترین، ارزان‌ترین و موثرترین راه‌حل مدیریت و برنامه‌ریزی، مولفه‌های اقتصادی و رفاه اجتماعی می‌دانند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵). یکی از مهم‌ترین ابعاد آمایش سرزمین، بعد دفاعی امنیتی آن است؛ زیرا ضرورت‌های دفاع نظامی و غیر نظامی مسائلی هستند که در جهان کنونی کلیه ابعاد زندگی را در بر می‌گیرند و فقط به ایجاد فعالیت و اسکان در مناطق راهبردی محدود نمی‌شود (زرقانی و اعظمی، ۱۳۸۹: ۷۲). در شکل (۱) نیز به اصول مهم در برنامه‌های آمایش سرزمین اشاره شده است.

^{۱۳۹} Philip Lamour

^{۱۴۰} Henry



شکل ۱: اصول مطرح در آمایش سرزمین
منبع (ابراهیم زاده و موسوی، ۱۳۹۴)

آمایش دفاعی نیز به عنوان ساماندهی محیط جغرافیایی (فضایی) و توزیع معقول و مناسب اماکن حیاتی و مراکز حساس و زیرساخت‌ها با توجه به تهدیدها و استفاده بهینه از قابلیت‌های محیطی به منظور ایجاد ثبات، بازدارندگی و مقابله با تهدیدها که حداکثر توان و قابلیت‌های دفاعی را برای کشور فراهم کند (سهامی، ۱۳۸۸: ۲۶). و در آخر جدول شماره ۲، مولفه‌های دفاعی- امنیتی موثر بر آمایش مناطق مرزی را مورد بررسی قرار داده است.

جدول ۲: مولفه‌های دفاعی امنیتی موثر بر آمایش مناطق مرزی

تهدیدات بیوتروریسم	ساختار ژئوپلیتیک جهانی
تهدیدات ناشی از حملات تروریستی و خرابکارانه	ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای
اصول پدافند غیر عامل	تهدیدات استقلال طلبانه
عبور و مرور غیر مجاز ساکنین مرزی	وجود پارک‌ها و مناطق نظامی در منطقه مرزی
قرار گیری در یک منطقه ناامن	تهدیدات استقلال طلبانه
ثبات یا بی ثباتی امنیتی کشور هم مرز	قرارداد نظامی کشور هم مرز با قدرت‌های منطقه‌ای

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

۳- پیشینه تحقیق

در زمینه ارزیابی عوامل امنیتی - دفاعی موثر بر آمایش مناطق مرزی تاکنون تحقیقاتی صورت گرفته است. برای آشنایی بیشتر در ذیل به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود.

محسن قادرمرزی و همکاران، مقاله‌ای با عنوان (ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر در پایداری امنیت مناطق مرزی) را تدوین نموده‌اند که در سال ۱۳۹۸ در پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوازدهم، شماره سوم (پیاپی ۴۷) به چاپ رسیده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین متغیرهای پژوهش در محدوده مورد مطالعه رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد و این

مؤلفه‌ها و شاخ‌ها در تعادل منطقه‌ای و پایداری مناطق مرزی تأثیر بسزایی دارند. همچنین مشخص گردید متغیرهای نقش دولت، تحول کارکرد مرز و دسترسی‌ها در افزایش پایداری امنیت مناطق مرزی تأثیر دارند و این متغیرها می‌توانند ۸۲.۶ درصد از تغییرات متغیر پایداری امنیت مناطق مرزی را تبیین کند.

زهرا صابر و همکاران در مقاله‌ای با عنوان (تحلیل مؤلفه‌های تأثیر گذار آمایش منطقه مرزی بر مناسبات ایران و عراق در سال ۱۳۹۷، به تشریح مؤلفه‌ها و پایه‌های نظری آمایش منطقه مرزی و شناسایی مؤلفه‌های طبیعی و انسانی منطقه مرزی تأثیرگذار بر مناسبات ایران و عراق پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین مؤلفه‌های تأثیرگذار آمایش منطقه مرزی و مناسبات ایران و عراق رابطه وجود دارد و مؤلفه‌های طبیعی و انسانی در حد قابل توجهی درصدهای مثبت و معناداری (متوسط به بالا) بر مناسبات ایران و عراق تأثیرگذار است.

آرام کریمی و همکاران، پژوهشی با عنوان (تعیین عوامل و معیارهای مؤثر در آمایش مناطق مرزی مطالعه موردی: شهرستان جوانرود) را در سال ۱۳۹۷ تدوین نموده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در آمایش جوانرود، ۱۸ معیار در چهار بعد امنیتی، دفاعی و سیاسی؛ اقتصادی؛ امکانات، تجهیزات و خدمات؛ و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر اند و عوامل امنیتی، دفاعی و سیاسی و معیار سطح درآمد نسبت به سایر عوامل و معیارها، از اولویت بیشتری برخوردار است.

محسن فتحی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان (تبیین شاخص‌ها و اولویت‌های آمایش دفاعی و امنیتی مناطق مرزی ایران در افق ۱۴۰۴ نمونه موردی: مرزهای جنوبی کشور) که در سال ۱۳۹۶ در فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال هشتم، شماره ۱ چاپ شد، به تبیین شاخص‌ها و راهبردهای دفاعی-امنیتی و اولویت‌گذاری این راهبردها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که راهبردهای مناسب برای آمایش دفاعی-امنیتی مناطق مرزی جنوبی کشور از نوع راهبردهای تنوعی رقابتی هستند و ضرورت توجه به شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی-امنیتی توأم با یکدیگر برای توسعه و امنیت منطقه را لازم می‌داند.

علی سعیدی و بشیر کلاری مقاله‌ای با عنوان (ملاحظات دفاعی امنیتی در آمایش مناطق مرزی مطالعه موردی: جزایر هرمز، هنگام و لارک) که در سال ۱۳۹۴ در فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی، سال اول، شماره اول چاپ شد را تدوین نموده‌اند. این مقاله به لحاظ جغرافیایی و با توجه به ملاحظات امنیتی و دفاعی، آمایش مناسب این جزایر را نسبت به تهدیدهای متصوره بررسی می‌نماید. در این تحقیق پس از بیان تعاریف و تبیین مفهوم آمایش سرزمین، با اشاره به برخی از تعاریف، اهداف و سیاست‌های دفاعی و امنیتی در فرآیند آمایش سرزمین در برنامه‌های کشور، مورد بررسی قرار گرفته است و به صورت اجمال سه جزیره مورد نظر، مورد واکاوی واقع شده و با توجه به ملاحظات دفاعی و امنیتی حوزه خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز، آمایش مطلوب در جزایر هرمز، هنگام و لارک برای مخاطب تبیین می‌شود.

مهدی حشمتی جدید و همکاران در مقاله‌ای با عنوان (ملاحظات دفاعی - امنیتی آمایش سرزمین در کشور، مطالعه موردی جنوب شرق کشور) که در سال ۱۳۹۳ در فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی، سال سیزدهم، شماره ۷۵ چاپ شد بیان داشته‌اند چگونه می‌توان از طریق ملاحظات دفاعی - امنیتی آمایش سرزمین در استان سیستان و بلوچستان توان دفاعی را در برابر تهدیدها افزایش داد و باعث کاهش آسیب‌پذیری‌ها شد و این رویکرد توسعه و امنیت پایدار را به دنبال خواهد داشت. ملاحظات دفاعی - امنیتی آمایش سرزمین در جنوب شرق کشور در ابعاد توسعه پایدار با داشتن مؤلفه‌هایی از جمله: تقویت ملاحظات پدافند غیر عامل با توجه به حساسیت منطقه، ارتقا وضعیت کالبدی و مقاوم سازی در منطقه، پایدارسازی جمعیت، تقویت همگرایی قومی و مذهبی، تقویت بنیه دفاعی و هوشمندسازی مدیریت اطلاعات و راهبردها، که در تلفیق این موارد با هم در این تحقیق به صورت مفصل در جهت برنامه‌ریزی منطقه‌ای پایدارتر و امن‌تر این منطقه مورد بررسی قرار گرفته است.

حسین مختاری حشی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان (تدوین راهبردهای آمایش مناطق مرزی: مطالعه موردی مرزهای شرقی کشور) که در سال ۱۳۹۳ در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره سوم، شماره پیاپی ۱۱۴ چاپ شد، با

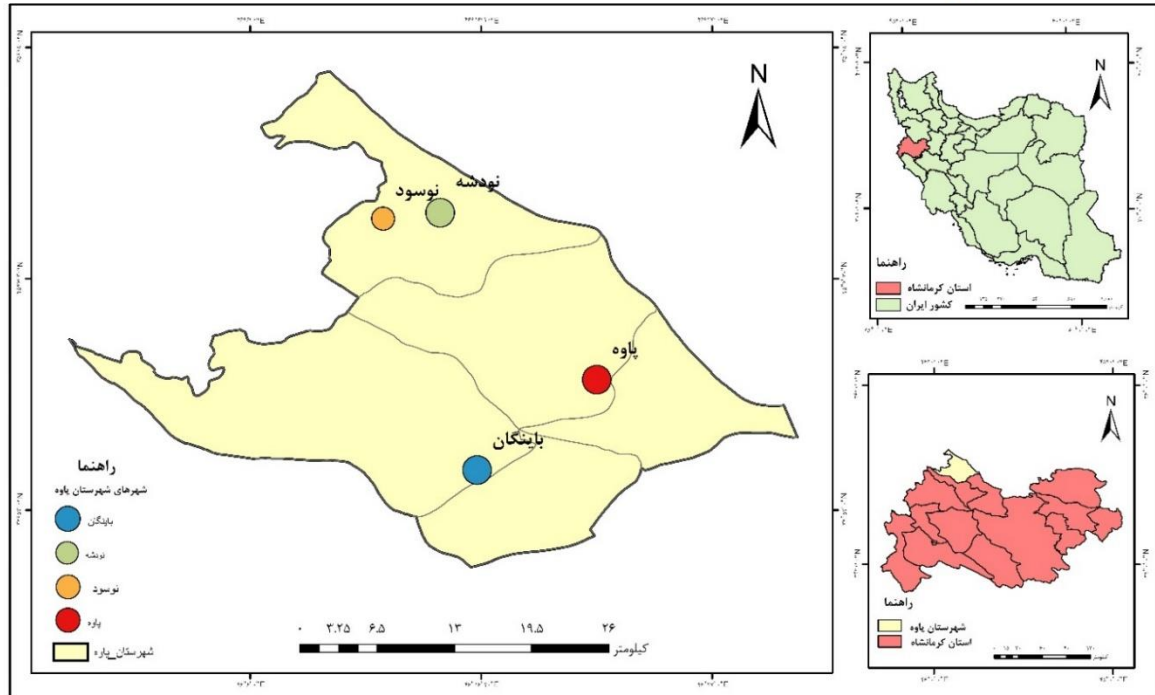
استفاده از چارچوب جامع برنامه‌ریزی راهبردی به ارائه راهبردهای مناسب برای آمایش مناطق مرزی شرق کشور پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که با توجه به شرایط فعلی، راهبردهای مناسب حرکت در مسیر آمایش مناطق مرزی شرق کشور از نوع تدافعی است و هم اکنون بر اساس اولویت بندی انجام شده راهبردهای تدوین برنامه جامع، توسعه همه جانبه استان‌های شرقی کشور (به خصوص مناطق مرزی)، توسعه و تقویت انواع زیرساخت‌های کالبدی، شامل: حمل و نقل، راه آهن، جاده و... به منظور افزایش پیوندهای کانون‌های پرجمعیت مناطق شرقی با یکدیگر و کانون‌های داخل کشور از اولویت بالاتری برخوردارند. علیرضا عنادلیب و شریف مطوف مقاله‌ای را با عنوان (توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران) در سال ۱۳۸۸، فصلنامه توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران سال ششم، شماره ۱۲ تدوین نموده‌اند. نتیجه گیری مطالعات این مقاله نشان می‌دهد؛ توسعه و امنیت در مناطق مرزی لازم و ملزوم یکدیگر است. همچنین، شدت عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق داخلی در ایران بر توسعه ملی تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، اگرچه توسعه نیافتگی در مناطق مرزی که منجر به ناامنی می‌شود، اثرات خود را بر توسعه نیافتگی و ناامنی در کل کشور می‌گذارد. اما موانع ذهنی و عینی زیادی تاکنون باعث شده است این گونه تأثیرات منفی ادامه داشته باشد.

۴- روش تحقیق

این پژوهش باهدف کاربردی و روش توصیفی-تحلیل انجام‌گرفته است. با توجه به موضوع تحقیق که ارزیابی مولفه‌های دفاعی-امنیتی در آمایش مناطق مرزی شهرستان پاوه است ابتدا با بررسی مقالات و منابع مختلف در ارتباط با موضوع تحقیق شناخته شد پس از مطالعه منابع مختلف، ۱۰ مولفه به منظور اولویت بندی عوامل دفاع امنیتی موثر در آمایش مناطق مرزی منطقه مورد مطالعه انتخاب شدند. به منظور اولویت بندی متغیرهای تحقیق از آزمون رتبه‌بندی F استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق ۵۸ نفر بوده‌اند که از این تعداد ۳۱ نفر مرد و ۲۷ نفر زن بوده‌اند.

۵- منطقه مورد مطالعه

شهرستان پاوه با مساحت ۸۰۳ کیلومتر مربع در شمال غربی استان کرمانشاه واقع شده است، این شهرستان دارای ۶۰۴۳۱ نفر جمعیت می‌باشد که ۳۶۱۰۳ نفر آن جزو جمعیت شهری و تعداد ۲۴۳۲۸ نفر جمعیت ساکن در روستاها می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). مردم شهرستان پاوه از نظر دین تابع اسلام و پیرو مذهب اهل سنت هستند که از نظر فقهی امام محمد شافعی (رح) می‌باشند. زبان کردی و گویش هورامی، زبان مردم پاوه و اکثریت بخش‌های تابعه است و از جمله زبان‌های اصیل ایرانی و یکی از قدیمی‌ترین لهجه‌های کردی که بازمانده از زبان پهلوی و اوستایی است. از نظر حدود و موقعیت سیاسی، شهرستان پاوه در غرب استان کرمانشاه در یک موقعیت مرزی بین کشور ایران و عراق قرار گرفته است. این شهرستان از طرف شمال به شهرستان‌های مریوان و سرو آباد (استان کردستان) و از طرف جنوب به جوائز و ثلاث باباجانی، از طرف شرق به روانسر و کامیاران (استان کردستان) و از طرف غرب به کشور عراق (شهرستان حلبچه) محدود می‌گردد. شهرستان پاوه با مرکزیت شهر پاوه در فاصله ۱۱۲ کیلومتری از شهر کرمانشاه واقع شده است (طرح توسعه و عمران (جامع)، شهر پاوه، ۱۳۸۹: ۸۷) (نقشه ۱).



نقشه ۱: موقعیت شهر پاهو در شهرستان مرزی پاهو
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

۶- یافته‌های تحقیق

در این بخش به منظور اولویت بندی مولفه‌های دفاعی- امنیتی موثر در آمایش مناطق مرزی شهرستان پاهو از آزمون F استفاده شده است.

نتایج آزمون F (جدول ۳) برای اولویت بندی مولفه‌های دفاعی- امنیتی در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که مهم‌ترین اولویت برای برنامه‌ریزی‌های آمایش مناطق مرزی از بعد امنیتی - دفاعی در شهرستان پاهو عبارت بوده از ثبات و بی‌ثباتی امنیتی کشور هم مرز با امتیاز ۹.۲ در رتبه اول، قرارگیری در یک منطقه ناامن با امتیاز ۸.۹۱ در رده دوم، تهدیدات استقلال طلبانه با امتیاز ۸.۸۶ در جایگاه سوم، عبور و مرور غیر مجاز ساکنین مرزی با امتیاز ۸.۴۷ در رتبه چهارم، تهدیدات ناشی از حملات تروریستی و خرابکارانه با امتیاز ۷.۵ در رده پنجم، تهدیدات بیوتروریسم با امتیاز ۶.۸۲ در رده ششم، قرارداد نظامی کشور هم مرز (عراق) با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی با رتبه ۵.۴۵ در رده هفتم، اصول پدافند غیرعامل با امتیاز ۵.۱۱ در رده هشتم، ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای با امتیاز ۳.۱۷ در رده نهم، ساختار ژئوپلیتیک جهانی با امتیاز ۲.۵ در رده دهم آخر قرار گرفته است.

جدول ۳: نتایج آزمون F برای اولویت بندی مولفه‌های دفاعی- امنیتی

رتبه	مولفه	امتیاز
۱	ثبات یا بی‌ثباتی امنیتی کشور هم مرز	۹.۲
۲	قرار گیری در یک منطقه ناامن	۸.۹۱
۳	تهدیدات استقلال طلبانه	۸.۸۶
۴	عبور و مرور غیر مجاز ساکنین مرزی	۸.۴۷
۵	تهدیدات ناشی از حملات تروریستی و خرابکارانه	۷.۵

۶.۸۲	تهدیدات بیوتروریسم	۶
۵.۴۵	قرارداد نظامی کشور هم مرز با قدرت‌های منطقه‌ای	۷
۵.۱۱	اصول پدافند غیر عامل	۸
۳.۱۷	ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای	۹
۲.۵	ساختار ژئوپلیتیک جهانی	۱۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

۷- نتیجه گیری

این تحقیق با هدف اولویت‌بندی مولفه‌های دفاعی-امنیتی موثر در آمایش مناطق مرزی شهرستان پاوه انجام شده است. که در این بخش مهم‌ترین نتایج تحقیق را نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد که مولفه ثابت و بی‌ثباتی امنیتی کشور هم مرز با امتیاز ۹.۲ در رتبه اول از اهمیت در برنامه‌ریزی‌های آمایشی قرار گرفته است. به عبارت دیگر مهم‌ترین مسأله‌ای که در مناطق مرزی باید از لحاظ دفاعی - امنیتی مورد نظر قرار بگیرد، بحث سطح امنیت در کشور همسایه است و هر اندازه این ثبات امنیتی بیشتر و بهتر باشد، می‌توان برنامه‌ریزی‌های بلندمدت‌تری در مناطق مرزی داشت.

مولفه دوم تاثیر گذار در برنامه‌ریزی‌های آمایشی برای مناطق مرزی در شهرستان پاوه بحث قرارگیری در یک منطقه ناامن با امتیاز ۸.۹۱ بوده است، مرزهای مناطق غربی کشور به دلیل همسایه بودن با کشورهای جنگ زده مثل عراق و سوریه همواره بحر ناامنی بوده و این ناامن بودن منجر به بروز مشکلات متعدد در این منطقه به دلیل عدم امنیت بوده است، از این رو در برنامه‌ریزی‌های آمایش باید این مسأله لحاظ گردد که منطقه مرزی پاوه چقدر در یک منطقه ناامن واقع شده.

مسأله مهم دیگر که باید برای برنامه‌ریزی آمایش برای شهرستان پاوه می‌شود در نظر گرفت و باتوجه به امتیاز بالای آن باید لحاظ شود بحث تهدیدات استقلال طلبانه با امتیاز ۸.۸۶ که در جایگاه سوم قرار گرفته، مناطق کرد نشین ایران به دلیل تبعیضات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همواره از لحاظ سطح توسعه جزو مناطق کمتر توسعه یافته ایران محسوب می‌شوند و این سلسله تبعیضات منجر به افزایش سطح مسائل استقلال طلبانه در مناطق کرد نشین به ویژه در شهرستان پاوه نیز شده است، از این رو هر گونه برنامه‌ریزی در این مناطق باید به گونه‌ای باشد که این مسائل را نیز پوشش دهد.

مسأله مهم دیگر در زمینه مسائل دفاعی-امنیتی که باید در برنامه‌ریزی‌های آمایشی در منطقه مورد مطالعه لحاظ شود، معضل عبور و مرور غیر مجاز ساکنین مرزی در لب مرز است یکی از مشکلات اصلی در مناطق مرزی ناشی از عدم کنترل دقیق رفت و آمدها می‌باشد، که منجر به ناامنی در این مناطق و مابقی مناطق کشور خواهد شد. از این رو در برنامه‌های آمایشی برای مناطق مرزی لحاظ کردن مسائل امنیتی ناشی از عدم کنترل دقیق عبور و مرور الزامی است.

مسأله دیگر در زمینه مسائل دفاعی-امنیتی که اید در برنامه‌های آمایشی منطقه مرزی پاوه مورد نظر واقع شود بحث تهدیدات ناشی از حملات تروریستی و خرابکارانه است. باتوجه به مرزی بودن و نیز کمتر توسعه یافته بودن این منطقه به دلیل تبعیضات مختلف، امکان تهدیدات تروریستی و خرابکارانه در این منطقه وجود دارد هر چند تا کنون این مسأله رخ نداده اما این به معنای آن نیست که نباید این مسأله را از نظر دور نگاه داشت.

منابع

۱. آفتاب، احمد و هوشمند، اکبر (۱۳۹۷): تدوین راهبردهای دفاعی-امنیتی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی با رویکرد آمایش سرزمین، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، پاییز، صص ۱۸۷-۱۵۳.
۲. پارسپور، روزبه (۱۳۹۱): نیازمندی های جزایر خلیج فارس، سایت مرکز مطالعات خلیج فارس، کانون پژوهش های دریای پارس ۱۴ آبان.
۳. پورموسوی، سید موسی (۱۳۸۶): ملاحظات دفاعی، امنیتی در آمایش سرزمینی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره پانزدهم.
۴. جانپور، محسن (۱۳۹۶): نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول، نظریه‌ها)؛ چاپ اول، انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران.
۵. حافظ نیا، محمدرضا و جانپور، محسن (۱۳۹۲): مرزها و جهانی شدن با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. حشمتی جدید، مهدی و بشارتی، محمدرضا و زارعی، غلامرضا (۱۳۹۳): ملاحظات دفاعی-امنیتی آمایش سرزمین در کشور (مطالعه موردی جنوب شرق کشور)، فصلنامه مدیریت و پژوهش های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی(دافوس)، سال سیزدهم، شماره ۷۵، بهار و تابستان، صص ۱۲۹-۱۰۹.
۷. حنیفر، حسین (۱۳۸۹): درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای آن در ایران، آمایش سرزمین، نشریه آمایش سرزمین، سال دوم، شماره دوم، صص ۲۶-۵.
۸. دفتر آمار و اطلاعات استانداری کرمانشاه، ۱۳۹۵
۹. زرقانی، سید هادی و اعظمی، هادی (۱۳۸۹): تحلیل ملاحظات دفاعی امنیتی در آمایش کلان شهر مشهد (با تاکید بر تهدیدات تروریستی)، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای.
۱۰. سعیدی، علی و کلاری، بشیر (۱۳۹۴): ملاحظات دفاعی، امنیتی در آمایش مناطق مرزی مطالعه موردی (جزایر هرمز، هنگام، لارک)، فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی، سال اول، شماره اول، بهار، صص ۱۰۳-۸۷.
۱۱. سهامی، حبیب الله (۱۳۸۸): آمایش و مکانیابی، انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران.
۱۲. صابر، زهرا و اخباری، محمد و فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۹۷): تحلیل مولفه های تاثیرگذار آمایش منطقه مرزی بر مناسبات ایران و عراق، پژوهشنامه مطالعات مرزی، سال ششم، شماره اول، بهار، ۷۰-۴۵.
۱۳. طرح توسعه و عمران شهرستان پاوه (۱۳۸۹): سازمان و مسکن و شهرسازی استان کرمانشاه، مهندسین مشاور ژیناب غرب.
۱۴. عزتی، نصراله و حیدری پور، اسفندیار و اقبالی، ناصر (۱۳۹۰): نقش جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران)، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۳، شماره ۴، پاییز.
۱۵. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰): نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی ستاد سپاه.
۱۶. عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸): توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، فصلنامه باغ نظر، شماره دوازده، سال ششم، پاییز و زمستان.
۱۷. فتحی، محسن و سعیدی‌راد، مجید و یزدان‌پناه درو، کیومرث و کلانتری، محسن (۱۳۹۶): تبیین شاخص‌ها و اولویت‌های آمایش دفاعی و امنیتی مناطق مرزی ایران در افق ۱۴۰۴ نمونه موردی: مرزهای جنوبی کشور، علوم و فنون مرزی، سال هشتم، شماره ۱، بهار، صص ۱۱۵، ۸۹.
۱۸. قادرمزی، محسن، ذکی، یاشار، مهدیزاد، وفا، جمشیدی، یدالله (۱۳۹۸): ارزیابی مؤلفه های مؤثر در پایداری امنیت مناطق مرزی، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوازدهم، شماره سوم (پیاپی ۴۷).



۱۹. کریمی، آرام و الله‌مرادی، ثروت و تابعی، نادر (۱۳۹۷): تعیین عوامل و معیارهای مؤثر در آمایش مناطق مرزی (مورد مطالعه: شهرستان جواهرود)، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه مطالعات مرزی، سال ششم، شماره دوم، تابستان، صص ۹۳-۷۱.
۲۰. مختاری حشی، حسین، مومنی، مهدی، باقری، مهرداد (۱۳۹۳): تدوین راهبردهای آمایش مناطق مرزی: مطالعه موردی مرزهای شرقی کشور، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره سوم، شماره پیاپی ۱۱۴.
۲۱. مخدوم، مجید (۱۳۹۰): شالوده آمایش سرزمین، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم، تهران.
۲۲. موسوی، میر نجف و ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۹۴): اصول و مفاهیم آمایش سرزمین؛ انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۲۳. نامی، محمدحسن (۱۳۹۱): آمایش مناطق مرزی با تأکید بر ایران، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال پنجم، شماره اول، زمستان، صص ۱۹۱-۱۷۳.

۲۴. Bonchuk, Michael (۲۰۱۴): Nigeria - Cameroon borderland: Prospects of economic cooperation and integration, American Journal of Social Issues and Humanities.
۲۵. Hansen, N. (۱۹۹۲): Border Regions: A Critique of Spatial Theory and a European Case Study, Annals of Regional Science.
۲۶. Henry Schubert, W. (۲۰۰۲): Curriculum: Perspective, paradigm, and possibility, Leonard Hill books.
- ۲۷.

واکاوی ارتباط بین متغیر اقتصاد مرزنشینان با امنیت پایدار در مناطق مرز با تاکید بر مناطق مرزی ایران

سیده‌های زرقانی^{۱*}، فاطمه بخشی شادمهری^۲

۱-دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

h-zarghani@um.ac.ir*

چکیده:

طرح مسئله: امنیت پایدار بر پوشش عادلانه فضایی و اجتماعی امنیت و نقش محوری مردم در استقرار امنیت تأکید دارد. مناطق مرزی به دلیل برخی ویژگی‌ها و شاخص‌هایی خاص با چالش‌های امنیتی متعددی روبرو هستند. از آنجا که یکی از متغیرهای موثر بر امنیت پایدار مرز و مناطق مرزی، ویژگی‌های اقتصادی مرزنشینان و سطح توسعه اقتصادی مناطق مرزی می‌باشد در این پژوهش اقتصاد مناطق مرزی در دو محور بررسی شده است.

روش پژوهش: این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع معتبر درصدد بررسی این مسئله است که وضعیت اقتصادی مرزنشینان و مناطق مرزی چه ارتباطی با استقرار امنیت پایدار در مناطق مرزی دارد؟

یافته‌ها: در محور تاثیر وضعیت اقتصادی مرزنشینان بر امنیت و توسعه در مناطق مرزی: در بررسی این محور به سه ایت مهم وضعیت توسعه و رفاه در مناطق مرزی، زمینه‌های توسعه نیافتگی مناطق مرزی و محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی و نقش آن در امنیت مرزی تأکید شده است و محور دوم وضعیت توسعه اقتصادی- اجتماعی را در دو سوی مرز: که در بررسی این محور به اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز و نقش آن در امنیت مرزی تأکید شده است.

نتیجه گیری: در نهایت می‌توان بیان کرد که سطح توسعه اقتصادی پایین در مناطق مرزی، محرومیت، شرایط خاص جغرافیایی (دوری از مرکز و انزوای جغرافیایی) و ناپایداری جمعیتی در مناطق مرزی تأثیرات عمیقی روی امنیت مناطق مرزی نیز می‌گذارد. ضعف بودن احساس تعلق به زمین و سرزمین، امکان سوء استفاده از جمعیت مرزنشین توسط دشمن در بسیاری از مناطق دیده شده است و وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات، تسهیلات و بازار کالا در دوسوی مرز می‌گردد که هم می‌تواند آثار منفی داشته باشد و هم آثار مثبت.

واژگان کلیدی: امنیت پایدار، اقتصاد، مناطق مرزی، مرزنشینان، توسعه

۱- مقدمه

مهم ترین نیاز جامعه، خواه یک طایفه یا خواه یک کشور، تامین امنیت آن ها توسط دولت هاست. امروزه با گسترده و پیچیده شدن جوامع، موضوع امنیت ابعاد گسترده و پیچیده ای به خود گرفته است به طوریکه رویکردهای گذشته به موضوع امنیت دیگر جامعیت لازم را ندارد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). به حیث تاریخی در دوران جنگ سرد، قدرت به صورت نظامی تعریف می شد و امنیت نیز به طور طبیعی تک بعدی و از دیدگاه نظامی قابل درک بود، ولی در عصر جهانی شدن با تکرر قدرت در حوزه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دانش فنی، فردی و فناوری، امنیت نیز دچار تعریف و تغییری چند بعدی شد. امنیت در عصر جهانی شدن بر پایه مفهومی از امنیت سیستمی استوار است که در آن امنیت بخشی از یک شبکه با سایر اجزای آن شبکه به هم پیوسته است و کلیت شبکه نیز پیوسته بر اجزای منفرد آن تاثیر می گذارد (علایی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). امروزه با پارادایم جدیدی تحت عنوان «امنیت پایدار روبرو هستیم. که بر تمامی ابعاد و شاخص های امنیت توجه داشته و بر پوشش عادلانه فضایی و اجتماعی امنیت و نقش: محوری مردم در استقرار امنیت تأکید می کند (زرقانی و بخشی، ۱۳۹۵: ۱۲). این پارادایم جدید، نگرشی متفاوت به موضوع امنیت دارد و ابعاد، ویژگی ها، شاخص های خاص خود را دارد. امنیت پایدار صرفا با تدابیر نظامی قابل حصول نیست، بلکه در چارچوب خواست های نوین شهروند معاصر که ابعاد منطقه ای، ملی و فراملی به خود گرفته، باز تعریف می شود. پایداری و مفاهیم ترکیبی آن مانند امنیت پایدار ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن، به همه عوامل موثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ... در کنار یکدیگر و در تعامل باهم توجه می شود. یکی از مناطقی که برقراری امنیت پایدار در آن تبدیل به دغدغه ای برای تمام دولت ها و برنامه ریزان شده است مناطق مرزی می باشد چرا که بر خلاف مناطق داخل کشور، امنیت مرز و مناطق مرزی هم وابسته به ویژگی های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... داخل کشور است و هم شرایط جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همسایه تاثیر مستقیمی بر استقرار امنیت در این مناطق دارد.

این شرایط ویژه توجه به امنیت پایدار مناطق مرزی از جوانب مختلف را می طلبد. یکی از متغیر های موثر بر امنیت پایدار مرز و مناطق مرزی، ویژگی های اقتصادی مرز نشینان و سطح توسعه اقتصادی مناطق مرزی می باشد. مرزهای بین-المللی تفکیک کننده دو سیستم اقتصادی مستقل می باشد از این رو بر خلاف مناطق داخلی، مناطق مرزی ناگزیر هم تحت تاثیر سیستم اقتصادی داخل کشور و هم سیستم اقتصادی کشور همسایه قرار می گیرند (زرقانی، ۱۳۹۲: ۳۴۳). در واقع، مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط های گوناگون داخلی و خارجی از ویژگی های خاصی برخوردارند. وجود مبادلات و پیوندهای فضایی-اقتصادی در دو سوی مرز، ویژگی خاصی از حیث تهدیدات و فرصتهای اقتصادی پیش روی این مناطق قرار داده است (عندلیب، ۱۳۸۶: ۱۶). در این پژوهش تلاش شده است تا استقرار امنیت پایدار در مناطق مرزی تحت تاثیر سطح توسعه اقتصادی در دو سوی مرز و ویژگی های اقتصادی مرز نشینان مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. امنیت پایدار

«امنیت پایدار» همانند مفهوم امنیت مفهومی پیچیده و چند وجهی است و از این رو در مورد تعریف، ماهیت، عناصر، کارکرد، ابعاد و ویژگی های آن دیدگاه های متفاوت و متعددی وجود دارد. در واقع مقوله امنیت پایدار مفهومی میان رشته ای است، از این رو بازشناسی و رسیدن به تعریفی نسبتا جامع بدون توجه به علوم اجتماعی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی و مطالعات فرهنگی ممکن نیست. سهم و نقش هریک از علوم یادشده در مفهوم پردازی و معنانشناسی نوین امنیت پایدار یکسان نیست. به دو دلیل امنیت پایدار مقوله ای میان رشته ای است: یک، به دلیل به هم پیوستگی و در هم تنیدگی و روابط چندسویه پدیده های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با یکدیگر که خود ناشی از خصلت شبکه ای بودن جوامع امروزی

است و دیگری، به دلیل ارتباط دو سویه مقوله « امنیت پایدار » با مجموعه پدیده های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی (فاتحی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). در ادامه مطلب به اختصار به تعاریف امنیت پایدار و مبانی نظری آن اشاره می شود:

جدول ۱: تعاریف امنیت پایدار و ابعاد مورد تاکید پژوهشگران

پژوهشگر	تعریف	ابعاد مورد تاکید
گروه پژوهشی آکسفورد (ORG) ۲۰۰۸	امنیت پایدار به معنی توجه به امنیتی فراتر از امنیت ملی است. به جای تمرکز صرف بر امنیت سنتی، باید به رفاه بیشتر مردم، تشویق توسعه بین المللی و اقداماتی در خصوص حفاظت بیشتر از غیرنظامیان بیگناه فکر کنیم. امنیتی پایدار است که تفکر آن امنیت بلندمدت جهانی باشد.	رفاه بیشتر مردم
کریس ابوت ۲۰۰۸	امنیت پایدار نباید فقط به کنترل پیامدهای ناامنی پرداخت، بلکه باید به حل و فصل و رفع علل ناامنی هم توجه کرد و علل را از بین برد تا امنیت پایدار برقرار شود. در این نظر عدالت جهانی و عدل و انصاف نیازهای کلیدی استقرار امنیت پایدارند.	عدالت جهانی
دیوید چاندلر ۲۰۰۷	امنیت پایدار، به گزاره های تثبیت امنیت در بعد فراملی، نقش و نوع رابطه دولتهای قدرتمند و ناکام، پیامدهای گسترده و فراگیر تصمیم گیری سیاستمداران و فقدان چارچوب های سیاستگذاری مشخص در عصر کنونی، اشاره می کند.	فراملی و دولت ها
پورسعید، ۱۳۹۲	امنیت پایدار آن نوع از امنیت است که توانمندی جوامع را برای پیشگیری یا دفاع در برابر تهدیدات متوجه دولت ملی ارتقاء دهد؛ ناامنی عمیق انسانی را در سراسر جهان کاهش داده و تهدیدات بلند مدتی را که متوجه امنیت جهانی است، مدیریت کند. به این معنا، امنیت پایدار، تلفیقی از سه مفهوم امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت جهانی است و بر آن است تا امنیت دولت ها را حفظ کند؛ بدون آنکه امنیت مردم را به خطر اندازد و بدون آن که تهدیداتی را که متوجه امنیت جهانی است همچون ایدز، تهدیدات زیست محیطی، تروریسم و جنایات سازمان یافته را تشدید کند.	امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت جهانی
فاتحی ۱۳۹۱	امنیت پایدار شامل حفظ محیط زیست، رعایت حقوق مردم و آزادی های فردی و امنیت روانی می شود. هدف اصلی از رویکرد پایدار به امنیت ملی، امنیت مردم است و امنیت حاکمیت از آن جهت مورد تاکید واقع می شود که زمینه ای برای برقراری امنیت مردم شود. در امنیت پایدار، امنیت حاکمیت و امنیت مردم دو روی یک سکه اند و راهبردهایی توصیه می شود که بتواند در بلند مدت امنیت حاکمیت مردم را تامین کند.	امنیت ملی، امنیت مردم

از مجموع تعاریف فوق شاید بتوان به این نتیجه رسید که در امنیت پایدار بر خلاف تفکرات گذشته ایجاد امنیت به معنای فقدان تهدید نیست بلکه احساس ایمنی و آرامشی است که هم از نبود یا کاهش تهدید حاصل می شود و هم از وجود فرصت هایی برای ایجاد و پرورش اخلاق و فضایل انسانی. به عبارت دقیق تر در پارادایم «امنیت پایدار» اولاً امنیت انسانی نقش زیر بنایی و اساسی دارد و ثانیاً امنیت انسانی منحصر به یک یا دو بعد خاص جسمی یا روانی نیست بلکه در بردارنده چهار بعد مهم است: اول فقدان تهدید برای بقاء انسان، دوم وجود فرصت های لازم برای رفع نیازهای متنوع انسانی، سوم فقدان آسیب پذیری در ابعاد مختلف اقتصادی، محیطی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و در نهایت چهارم وجود زمینه های لازم برای افزایش عزت نفس و ارزشهای انسانی وجود دارد. علاوه بر این، امنیت پایدار دارای بیشترین دایره شمولیت می باشد؛ بر این اساس امنیت پایدار عبارتست از امنیت برای همه (فرد، دولت، محیط زیست)، در تمام سطوح (امنیت وجودی، رفاهی و معناگرا)، در همه ابعاد (اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی ...)، با مشارکت همه، در همه فضاها، در طی زمان، با رویکرد ایجابی (فرصت سازی ...)، پیشگیرانه و اولویت روش های مسالمت آمیز (گفتگو، اقتناع) ...

در نظریات امنیت پایدار، کیفیت زندگی، محور کانونی مباحث قلمداد شده و این مفهوم، متضمن حاکمیت شرایطی است که در چهارچوب آن، دولتها به حقوق شهروندی احترام بگذارند. از این منظر، امنیت انسانی از مهم ترین مولفه ها برای رسیدن به درجات قابل اتکایی از آن است. از این رو توسعه و پایداری امنیت نتیجه کاهش فقر، بیکاری و برابری شهروندان است و فقدان وجود مولفه های امنیت پایدار سبب ناامنی و ناامنی منجر به توسعه نیافتگی و بی ثباتی در جامعه خواهد شد (عباسزاده

و کرمی، ۱۳۹۰:۳۹). برخی دیگر از نظریات امنیت پایدار، همانطور که دیوید چاندلر بیان می کند، به گزاره های تثبیت امنیت در بعد فراملی، نقش و نوع رابطه دولتهای قدرتمند و ناکام، پیامدهای گسترده و فراگیر تصمیم گیری سیاستمداران و فقدان چارچوب های سیاستگذاری مشخص در عصر کنونی، اشاره می شوند (Chandler, ۲۰۰۷: ۳۶۴-۳۶۵).
با توجه به نظریات گوناگونی که در حوزه امنیت دارد، درون هر کدام از این مکاتب و نظریات، ویژگی پایداری امنیت با نظر به مؤلفه های کلیدی هستی شناختی و معرفت شناختی به طریق خاص تعریف و عملیاتی می شود. در این بین، به صورت کلی می توان الگوهای موجود امنیت پایدار برآمده از این نظریات را تقسیم کرد که شامل ۴ الگوی "متعادل محور" و "انسجام محور"، "تناسب محور"، "قدرت محور" می شود (زرقانی، ۱۳۹۸: ۵۳) که جدول ذیل الگوهای امنیت پایدار را به صورت خلاصه با هم مقایسه می کند.

جدول ۲: الگوهای امنیت پایدار

ارکان الگو	ابزار	نگرش به امنیت	وجه امنیت	مفهوم اساسی	مبانی و ریشه	مولفه ها
						الگوها
قدرت، بارداندگیف هژمون، تبعیت	قدرت نظامی	بیرونی، عینی، سلبی	نظامی گری	قدرت	واقع گرایی	قدرت محور
توسعهف تناسب، ابعاد امنیت	توسعه	عینی، سلبی، تهدید محور	تعدد ابعاد امنیت	تناسب در ابعاد امنیت	فرسنتی	تناسب محور
هویت، انسجام، رضایت، امنیت اجتماعی شده، نهادمندی	انسجام هویتی	درونی، ایجابی	نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی	انسجام اجتماعی	کپنهاک	انسجام محور
توحید، ایمان، تربیت، تعادل و مشروعیت	تربیت دینی	درونی و ایجابی	جامع البعاد	تعادل اجتماعی	اسلام	تعادل محور

(باقری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶)

۲-۲. امنیت مرزها

مرزهای بین المللی به عنوان اولین سطح برخورد و نقطه تماس بین دو یا چند حکومت و حاکمیت مستقل محسوب می شوند و از اینرو امنیت ملی یک کشور تا حد زیادی به امنیت مرزهای آن حکومتها می باشند و حساسیت امنیت مرزی بدین علت است که امنیت مرزها پشتوانه محکم برای امنیت انسانی با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هر گونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی کشور اختلال ایجاد نماید. در مقابل، امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته ای را به خود اختصاص دهد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۱۹).
متغیرهای مؤثر بر امنیت مرز متناسب با تفاوت های فضایی موجود در مناطق مختلف کشورها و همچنین کشور همسایه، متعدد و متنوع است. شاید از همین روست که همچنان استقرار امنیت پایدار در مرز و مناطق مرزی، به دغدغه اصلی بسیاری از کشورها در مناطق مختلف جهان تبدیل شده است. به اعتقاد صاحب نظران در بین کشورهای جهان، تنها دولت های معدودی مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق، اسرائیل، یوگسلاوی در زمان تیتو، کوبا و چند دولت اروپایی و آمریکای شمالی، قادر به ایجاد سیستم و مدیریت نسبتاً مؤثر برای اداره مرزهایشان شده اند و بسیاری از کشورهای دیگر از جمله دولت های ایران از عهده ی تهیه و تنظیم سازوکاری مناسب و کارآمد برای کنترل و اداره ی مؤثر مرزهای کشور بر نیامده اند (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۲۱). این امر به دلیل آن است که، مدیریت بهینه و کنترل مؤثر مرزها نیاز به شناخت دقیق شرایط و ویژگیهای مختلف منطقه در دو سوی مرز، تدوین راهبردهای علمی و کاربردی جامع، بودجه کافی بابت هزینه های سنگین، سامانه های

کنترلی منطبق بر نوع مرز، نیروهای سازمان یافته‌ی ویژه‌ی مرزی، تفاهم و همکاری مؤثر دولت‌های همسایه، حمایت سازمان‌های رسمی بین‌المللی و ... دارد

۲-۳. اقتصاد پایدار

در بعد اقتصادی می‌توان پایداری را در ایجاد رشد عادلانه و متوازن جامعه انسانی و تضمین بهره‌مندی تک‌تک انسانها در طول زمان بدون وارد آوردن خدشه به منابع زیستی، طبیعی و فرهنگی تعریف نمود (جعفریان و همکاران، ۱۳۸۵: ۵).
براین اساس پایداری اقتصادی بنیانی در طرز تفکر بهره‌وری تلقی می‌شود که در پی دستیابی به دو هدف اصلی در استفاده از منابع کمیاب است: ارضای نیازها و خواسته‌های فردی انسانها؛ عدالت بین انسانها و نسلهای حال و آینده و عدالت نسبت به طبیعت به منظور تنظیم روابط انسان و طبیعت در دوره زمانی دراز مدت و نامشخص (Baumgärtner & Quaas, 2010: 447).
و پایداری اقتصادی، به معنی تقویت نظام اقتصادی و دست‌یابی به امنیت اقتصادی از منظر دست‌یابی به معیشت پایدار در امور مستمر و با ثبات، اشتغال سودمند و منابع مالی قابل اتکای و در نهایت، فن‌آوری مقتضی و همساز با محیط با بهره‌برداری از منابع انسانی است. سیستم اقتصادی پایدار باید قادر به تولید کال و خدمات در دراز مدت باشد، تا سطح کنترل دولت و بدهی‌های خارجی را حفظ کند و از عدم توازن شدید بخشی که به تولید صنعتی و کشاورزی آسیب می‌رساند جلوگیری نماید (Harris, 2000: 5) و نیز اقتصاد پایدار به تداوم تحلیل فضایی پایداری اقتصادی ... و پایداری تولید و درآمد و مقاومت در برابر چالشهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی اشاره دارد (شایان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳).

۳. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع معتبر درصد بررسی این مسئله است که وضعیت اقتصادی مرزنشینان و مناطق مرزی چه ارتباطی با استقرار امنیت پایدار در مناطق مرزی دارد؟ به تعبیری دقیق تر، بعد اقتصادی مناطق مرزی چه ویژگی‌ها و بسترهای منحصر به فردی دارند که در استقرار امنیت پایدار بایستی مورد توجه قرار گیرد. مفروض این پژوهش آن است در بررسی اقتصاد مناطق مرزی علاوه بر وضعیت اقتصادی مرزنشینان باید وضعیت توسعه اقتصادی- اجتماعی در دوسوی مرز نیز مورد واکاوی قرار گیرد.

۴. یافته‌ها

در مورد متغیر اقتصاد مرزنشینان و تاثیر آن بر توسعه و امنیت مناطق مرزی، با دو موضوع و محور اساسی روبرو هستیم:
محور اول تاثیر وضعیت اقتصادی مرزنشینان بر امنیت و توسعه در مناطق مرزی است. در واقع در این بحث بدون توجه به وضعیت مناطق مرزی در کشور همسایه، وضعیت و شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی در مناطق مرزی داخل کشور و تاثیر آن بر امنیت و توسعه مرز مورد توجه است. محور دوم وضعیت توسعه اقتصادی- اجتماعی را در دو سوی مرز مد نظر قرار داده است و به عبارت دقیق تر به بررسی نقش و تاثیر اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز بر امنیت مرز و توسعه مناطق مرزی می‌پردازد.



شکل ۱: توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق مرزی و نقش آن در امنیت و توسعه مرزی

۴-۱. وضعیت توسعه و رفاه در مناطق مرزی

شاخص‌های توسعه و رفاه در مناطق مرزی و وضعیت اقتصادی مرزنشینان یکی از متغیرهای موثر بر امنیت پایدار مرز و کارکرد ارتباطی-امنیتی مرز محسوب می‌شود. در این زمینه، نگرش درون سیستمی مطرح است و بدون توجه به شرایط آن سوی مرز، ویژگی‌های اقتصادی منطقه مرزی و وضعیت اقتصادی مرزنشینان یک کشور به عنوان یک متغیر تاثیر گذار بر امنیت مرزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مناطق مرزی در بیشتر کشورهای جهان به دلایل مختلف جزء مناطق محروم و غیر برخوردار به شمار می‌روند. به عقیده فیلیپ جونز و تریورالد، مناطق مرزی اساساً به عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه نیافته شناخته می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن گرچه می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی منطقه مرزی باشد، اما اساساً پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را نیز: مضمحل می‌سازد (مشتاقی، ۱۳۸۵: ۵۸). بررسی انجام‌های شده در مناطق مرزی کشورهای مختلف، نشان از عدم تعادل‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی میان مناطق مرزی و مرکزی کشورها دارد و حاشیه‌ای بودن این مناطق نسبت به مناطق مرکزی و داخلی علت اصلی عقب ماندگی نواحی مذکور است (مستکانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷۱).

در واقع، مناطق مرزی بیشتر کشورهای جهان حتی در مناطق توسعه یافته نسبت به مناطق داخلی از نظر شاخص‌های توسعه و رفاه در سطح پائین تری قرار دارند و این امر به دلیل ماهیت حاشیه‌ای بودن مناطق مرزی و دوری از مرکز جغرافیایی کشور و انزوای کارکردی این مناطق می‌باشد (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۵۹).

به طور طبیعی، محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا از جمله ایران نیز با شدت بیشتری وجود دارد. موضوعی که به صراحت توسط مدیران کشور اکثر مناطق مرزی کشور دچار نیز بیان شده است. به گفته رحمانی فضلی وزیر کشور عقب افتادگی و توسعه نیافتگی هستند به طوری که بسیاری از شهرهای کوچک در سیستان و بلوچستان از لحاظ توسعه یافتگی در شرایط بدتری از این استان به سر می‌برند (ایرنا، ۱۳۹۶). برای تبیین بهتر موضوع، به نتایج برخی پژوهش‌ها که نشان دهنده محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی به خصوص مناطق مرزی شرق کشور می‌باشد، به اختصار اشاره می‌شود.

جدول ۳: نتایج پژوهش‌هایی در رابطه با وضعیت مناطق مرزی

پژوهشگران	نتایج
احمدی	از نظر شاخص‌های حمل و نقل جاده‌ای، استان‌های مانند تهران، اصفهان، خوزستان در سطوح بالا و استان‌هایی

و همکاران، ۱۳۹۴	چون قم، چهار محال بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویر احمد، البرز و خراسان شمالی در پایین ترین رتبه قرار دارند. همچنین فاصله امتیازی زیاد سطوح بالا به نسبت سطوح میانی و پائین در بین استان ها نشان از عدم تعادل و توازن منطقه ای از لحاظ برخورداری از تاسیسات و تسهیلات حمل و نقل جاده ای کشور دارد.
دفتر بررسی های فنی اقتصادی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ۱۳۹۴	وضعیت استان های کشور بر اساس شاخص بین المللی توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این پژوهش، در تمام سال های مورد بررسی، استان هایی مانند تهران، مازندران، اصفهان و ... در رتبه های بالا و استان های مرزی کشور مانند خراسان جنوبی، کردستان، خراسان شمالی، آذربایجان غربی در رتبه های پایین قرار گرفته اند و استان مرزی سیستان و بلوچستان در رده آخر قرار گرفته است.
توکلی نیا و شالی ۱۳۹۲	در رتبه بندی استان های کشور بر اساس شاخص های پنج مولفه کالبدی و زیربنایی، اقتصادی، بهداشت و درمان، صنعتی و فرهنگی و اجتماعی به جز استان کهگیلویه و بویر احمد، تمامی استان های رتبه های آخر استان های مرزی چون سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، کردستان، خراسان جنوبی، هرمزگان، ایلام و... هستند.
حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰	در گزارش توسعه انسانی به تفکیک استان های کشور در سال ۱۳۸۵ استان سیستان و بلوچستان با ۰/۰۶۳، دارای پایین ترین سطح شاخص توسعه انسانی در میان سایر استان های کشور بوده است. همچنین استان های مرزی کردستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی در رتبه های بعدی توسعه نیافتگی قرار داشتند. مهمترین ویژگی استان های مرزی محروم کشور از نظر شاخص توسعه انسانی در خصوص شاخص درآمد است.
صادقی و همکاران، ۱۳۸۹	بررسی شاخص های توسعه انسانی در کشور در سه دوره زمانی ۱۳۸۴، ۱۳۸۰ و ۱۳۷۵ نشان می دهد، استان تهران بالاترین و استان های مرزی آذربایجان غربی، کردستان و سیستان و بلوچستان به ترتیب پایین ترین مقدار شاخص توسعه انسانی را در هر سه دوره مزبور داشته اند.
ضرابی و شاهی وندی، ۱۳۸۹	نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد اختلاف بسیاری بین استان های ایران از نظر درجه توسعه یافتگی اقتصادی وجود دارد؛ به طوری که استان هایی مانند تهران، اصفهان، خراسان رضوی توسعه یافته محسوب شده و در مقابل استان های عمدتاً مرزی مانند ایلام، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، گلستان، کرمانشاه، کردستان و کهگیلویه و بویر احمد جزء مناطق محروم و کمتر توسعه یافته محسوب می شوند
کریمی پور، ۱۳۸۰	علاوه بر اینکه استان های مرزی نسبت به استان های داخل کشور محروم تر و توسعه نیافته تر هستند، در بین شهرستان های یک استان مرزی نیز تفاوت سطح برخورداری وجود دارد. بر این اساس، شهرستان های یک استان مرزی که در حاشیه مرز قرار دارند نسبت به شهرستان های دیگر همان استان محروم تر هستند. یافته های حاصل از تحقیقات انجام شده در خصوص مطالعه ی موردی خوزستان نشان می دهد، به غیر از مناطق آبادان و ماهشهر، دیگر مناطق مرزی استان از محروم ترین مناطق کشور به شمار می روند.

۲-۴. علل و زمینه های توسعه نیافتگی مناطق مرزی

اساساً یکی از ویژگی های اصلی مناطق مرزی، در اکثر کشورهای دنیا توسعه نیافتگی و وضعیت نامناسب اقتصادی است. در یک نگرش کلی می توان سه فاکتور اصلی را در این زمینه معرفی کرد:

۱. دوری از مرکز

یکی از ویژگی های اصلی مناطق مرزی، دوری از مرکز کشور است. این مساله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی نشأت می گیرد، پیامدهای نامطلوبی برای مناطق مرزی به ویژه در بعد اقتصادی به همراه دارد. مهم ترین پیامدهای آن ضعف اطلاع مسئولین مرکز نشین از مشکلات مناطق دور از مرکز و عدم توجه به آن ها به دلیل دوری از مرکز تصمیم گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی است. طولانی بودن مسیر رفت و برگشت، عدم احساس امنیت قضایی و اجتماعی به دلیل طولانی شدن فرایند تصمیم گیری و عدم رسیدگی به مشکلات و مسائل مردم دور از مرکز و ... از تبعات این امر می باشد.

فرایند تکرار عدم رسیدگی و عدم احساس امنیت در ابعاد گوناگون آن در مناطق دوزخ مرکز، در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به گونه ای است که این مناطق عدم تعادل شدیدی را نسبت به مناطق مرکزی پیدا کرده و به شدت در محرومیت باقی مانده اند. پدیده ی دوری از مرکز در مناطق مرزی ایران نیز پیامدهای منفی چندی را به نمایش گذاشته است. چنانچه محروم ترین استان های کشور، دور ترین آن ها از پایتخت است.

۲. انزوای جغرافیایی

حاشیه ای بودن به مفهوم دوری و جدایی از ساختار اقتصادی یک کشور یا یک منطقه و یا حتی از نظام اقتصادی جهان است. در این صورت با سه سطح شامل: نقاط حاشیه ای، مناطق حاشیه ای و یا کشورهای حاشیه ای مواجه هستیم که جملگی از نظر درجه ی توسعه از دیگر مناطق یا مراکز اقتصادی هم عرض عقب ترند. پدیده حاشیه ای بودن، بیش تر دارای ماهیتی اقتصادی است و با پدیده های جغرافیایی دوری از مرکز مشترکات فراوانی دارد. در اغلب کشورهای در حال توسعه از جمله در ایران پدیده حاشیه ای بودن بر پدیده دوری از مرکز تا حدود زیادی منطبق است. انطباق پدیده حاشیه ای بودن با دوری از مرکز در ایران اغلب به این دلیل است که مرزها در ایران و در بیش تر کشورهای مشابه، به طور تقریبی از نقاط جغرافیایی دوردست که دارای منابع کمتر اقتصادی و جمعیت پراکنده می باشند عبور داده شده است. همین امر باعث گردیده در فرآیندهای بعدی توسعه ی آن مناطق، به دلیل کم توجهی و عدم صرفه ی اقتصادی در بهره برداری از منابع محدود، آن ها از دیگر مناطق عقب تر بمانند. به عبارت دیگر، غالب مناطق مرزی در هنگام ترسیم حدود، کم اهمیت ترین آن ها انتخاب می شوند تا کم تر محل نزاع باشند، مگر اینکه پس از آن منابع جدیدی کشف شده یا بر اثر اتفاقات دیگر بر اهمیت آن ها افزوده شود. که در این صورت منازعات مرزی شروع می شود. برای مثال، نزاع های مرزی بر سر مناطق نفتی بین عراق، کویت و عربستان سعودی است.

۳. ناپایداری سکونت

یکی دیگر از ویژگی های مناطق مرزی داشتن جمعیت ناپایدار و ناپایداری سکونت است که تاثیر مستقیمی بر توسعه نیافتگی این مناطق دارد. دلیل اصلی ناپایداری سکونت و مهاجرت وسیع جمعیت از این مناطق توسعه نیافتگی و حاشیه ای بودن این مناطق است. هچنانکه در نقشه زیر مشهود است، تقریباً از تمامی استان ها مرزی جریان مهاجرت به سوی پایتخت صورت گرفته است. این موضوع نشان می دهد، فقدان بسترهای مناسب زیست در شهرستان های مرزی از یکسو و فراهم بودن امکانات و زمینه های مناسب در تهران باعث مهاجرت تعداد زیادی از مرزنشینان به شهر تهران شده است. اساساً بیشتر خطوط مرزی در جهان به ویژه در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه از راس الخط کوه ها، پهنه ی بیابان ها و مناطق نامساعد طبیعی عبور داده شده اند. این امر باعث تاثیر گذاری شرایط جغرافیایی بر نحوه ی استقرار و جابجایی جمعیت شده است. از این رو، مناطق مرزی به طور عمده مناطق توسعه نیافته و زندگی در آن ها به شیوه های اولیه و به ویژه متکی بر اقتصاد رمة گردانی همراه با کوچ روی همراه است. این امر، احساس تعلق به زمین و سرزمین را در بین مرزنشینان کاهش می دهد. که خود، منشاء مشکلات و پیا پیا مدهای ناشی از بی ثباتی توسعه ی اقتصادی به دلیل بی ثباتی جمعیت می گردد. در مراحل بعدی، به ویژه در شرایطی که مرزها محل ناآرامی های نظامی، امنیتی و سیاسی باشد، جمعیت به تدریج از مناطق مرزی به محل های امن تری کوچ می کند و بار دیگر تراکم جمعیت در مناطق مرزی کم تر و ناپایداری جمعیت بیش تر می گردد. این پدیده در مرزهای ایران در مناطق مرزی غرب شوش، دشت آزادگان و شمال آبادان، و همچنین به شدت در مرز مشترک با کشورهای افغانستان و پاکستان مشهود است (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۴).

محرومیت در بیشتر مناطق مرزی ایران عمدتاً ناشی از محدودیت های محیطی از یکسو و سیاست ها و برنامه های توسعه از سوی دیگر است. به عبارت دقیق تر، کشور ایران با توجه به اینکه کالبد طبیعی سرزمین آن با ارائه توانایی های بالقوه موضعی، حاوی اختلافات بس عمیق در زمینه بازدهی محیط است، از این رو این اختلافات و ناهمگونی در سطوح محیطی، خود موجب گسیختگی عمیقی در زمینه توزیع فضایی جمعیت و فعالیت شده و فضاهای خالی و پرتراکمی را ایجاد می کند. به

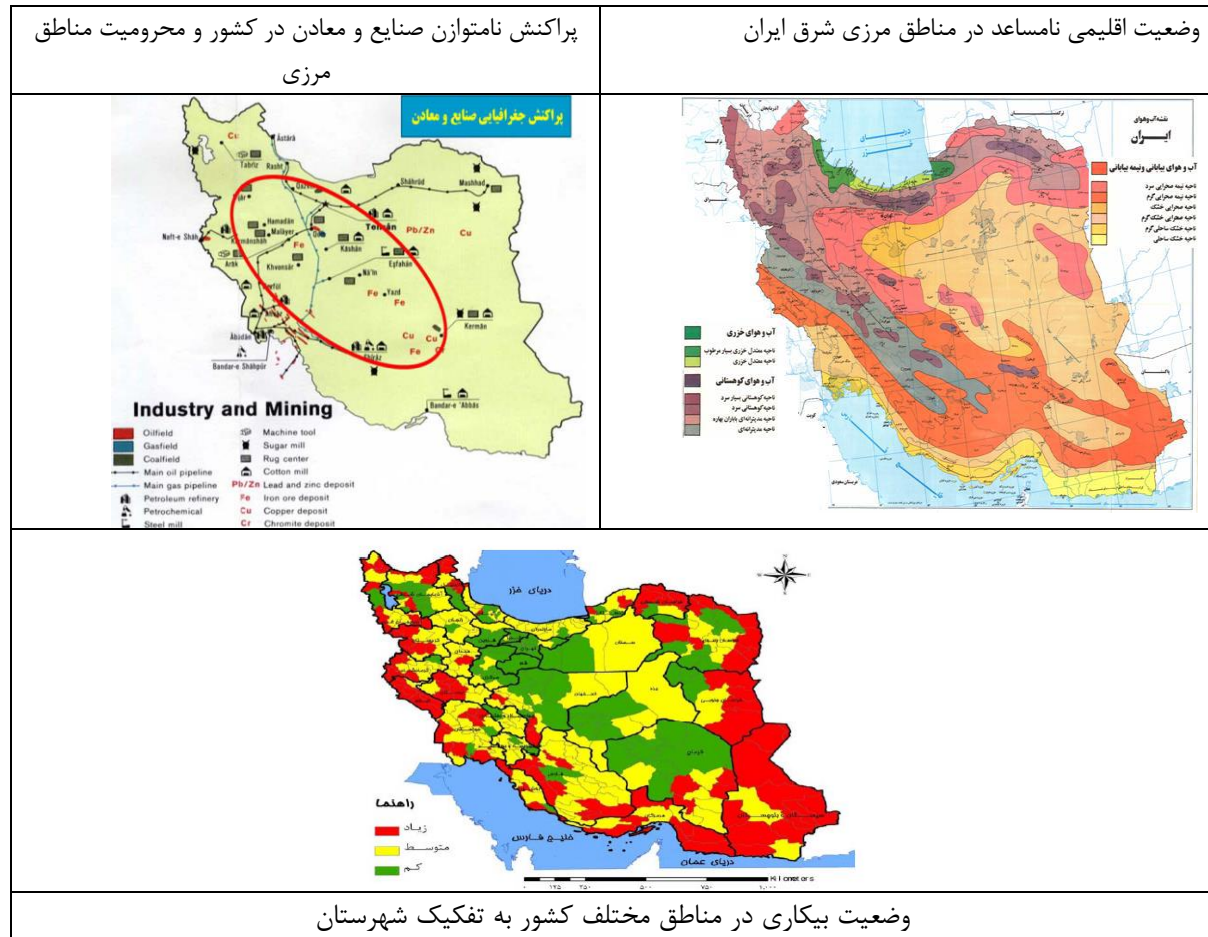
ویژه آنکه، بخش وسیعی از سرزمین ایران در مناطقی قرار دارد که با توجه به خست و خشونت طبیعت، بازده آبی و صرفه اقتصادی را برآورده نمی‌کند (سرور و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵). علاوه بر آن تمرکزگرایی در سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی، نابرابری‌های منطقه‌ای را در کشور به دنبال داشته است. که از دید تئوریک، این نابرابری باعث بهره‌گیری نامتناسب از فضا، جابجایی نیروی انسانی و سرمایه، مهاجرت و افزایش شکاف میان مناطق برخوردار و محروم شده است. هر چند نابرابری‌های فضایی در درجه نخست به قابلیت‌های فیزیکی و ذاتی مناطق بستگی دارد اما نظام اقتصادی، شیوه تولید و مبادله و چگونگی سرمایه‌گذاری‌ها سبب می‌شود تا از قابلیت‌های محدود نیز درست استفاده نشود (یاسوری، ۱۳۸۴: ۲۱۱).

۴-۳. محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی و نقش آن در امنیت مرزی

فقر و نابرابری‌های موجود در هر جامعه‌ای نه تنها باعث بروز بحران می‌شود بلکه بر اساس سلسله‌ای از روابط علت و معلولی، زمینه بروز بحران‌هایی از قبیل بحران مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بحران آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی از قبیل بحران طلاق، اعتیاد، بزهکاری، فحشا، قتل، خشونت و انواع جرایم دیگر را فراهم می‌آورد (قربان‌نیا، ۱۳۸۹).

بیشتر پژوهش‌های انجام شده در کشورهای مختلف جهان وجود همبستگی مثبت بین فقر و بحران‌های اقتصادی و افزایش بعضی از گونه‌های تبه‌کاری مانند سرقت کاملاً تایید شده است. بی‌شک توسعه نیافتگی، وجود فقر و محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا، قاچاق مواد مخدر، شرارت و سایر اموری که محل امنیت مرز محسوب می‌شوند، تاثیر بسیار زیادی دارد. براساس تحقیقات انجام شده، امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر می‌باشد. به عبارت دیگر توسعه و امنیت، تاثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند، به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه که منجر به بهبود شرایط شغلی و کسب و کار می‌شود؛ تاثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته‌تر برخوردارند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۶). استان‌های مرزی شرق کشور علاوه بر اینکه همانند تمام استان‌های مرزی به دلیل دوری از کانون‌های قدرت و ثروت از محرومیت رنج می‌برند، به دلیل شرایط نابسامان طبیعی به ویژه بارش کم، خاک نامناسب، تبخیر شدید، هوای گرم و خشک، خشکسالی‌های طولانی از محرومیت مضاعفی برخوردار هستند. به عنوان نمونه همچنانکه در نقشه زیر مشهود است، یکی از مهمترین شاخص‌های زیست‌پذیری یعنی اقلیم در مناطق مرزی کشور به ویژه در مناطق مرزی شرق کشور وضعیت نامناسبی دارد. در چنین شرایطی، عدم وجود شرائط طبیعی مناسب از جمله بارندگی کم، تبخیر زیاد، خاک شور و قلیایی، ماسه زار و شنزار بودن زمین و وجود مراتع بسیار فقیر و مهمتر از همه قرار گرفتن در قلمرو آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی و به ویژه وقوع خشکسالی‌های مداوم، عملاً کشاورزی و دامداری را به عنوان تنها وسیله امرار معاش روستائیان به شدت محدود ساخته است. از سوی دیگر عدم توجه کافی به مناطق مرزی برای اجرای طرح‌های صنعتی اشتغال‌زا، باعث تشدید وضعیت و خیم اقتصادی و بیکاری در این مناطق شده است. در چنین شرایطی بدون اینکه بخواهیم قاچاق کالا، سوخت، مواد مخدر، شرارت و ... را توجیه کنیم این سوال مطرح می‌شود که مرزنشینان در حالیکه با محدودیت‌های شدید زیستی از یکسو و سطح نازل شاخص‌های توسعه از سوی دیگر مواجه هستند به چه فعالیت اقتصادی سالمی مشغول شوند؟ علاوه بر شرایط نامساعد زیستی در مناطق مرزی به ویژه در شرق کشور، همچنانکه ذکر شد در مورد سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در بخش‌های مختلف صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی نیز مناطق مرزی با محرومیت مضاعف روبرو هستند. همچنانکه در نقشه زیر مشخص است، پراکنش جغرافیایی صنایع و معادن عمدتاً در ایران مرکزی قرار دارد و مناطق مرزی کشور از این حیث وضعیت نامناسبی ندارند. البته با وجود ضعف زیرساخت‌های بخش‌های مختلف حمل و نقل و ارتباطات، شبکه برق، گاز، و ... در مناطق مرزی این وضعیت قابل پیش‌بینی است. علیرغم اینکه برخی مناطق مرزی دارای قابلیت‌های عظیمی برای اشتغال در بخش معدن، صنایع، گردشگری و ... هستند. به عنوان نمونه شهر مرزی و کوچک خواف در استان خراسان رضوی از حیث آثار و ابنیه

تاریخی و فرهنگی دارای تنوع منحصر بفردی است اما هنوز فاقد امکانات و بستر های اولیه شبکه ارتباطی و اقامتی جهت بارور کردن قابلیت‌های گردشگری آن است.

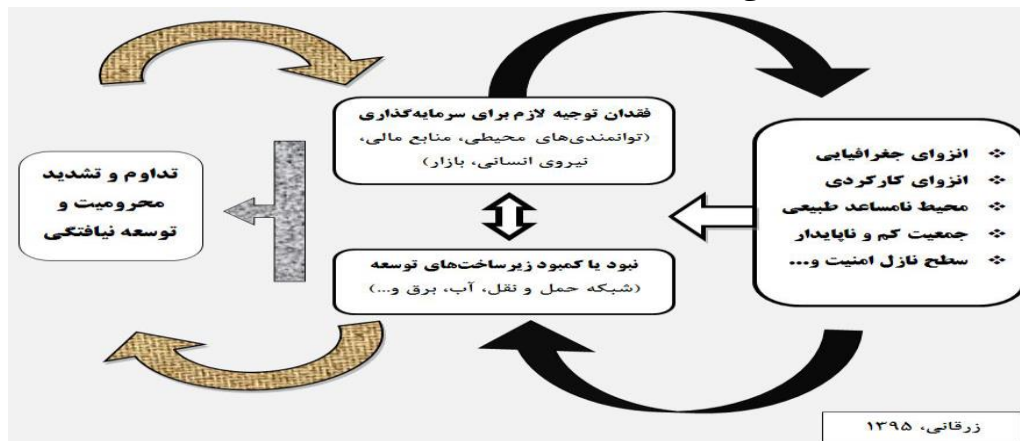


شکل ۲: مجموعه نقشه های وضعیت اقلیمی، صنعتی و بیکاری مناطق مرزی کشور ایران منبع: زرقانی، ۱۳۹۸: ۲۴۵

نتیجه شرایط نامساعد طبیعی همچون کمبود بارش، آب و هوا و خاک نامناسب از یکسو و فقدان زیرساخت های توسعه صنعتی، معدنی و خدماتی از سوی دیگر موجب شده است اکثر مناطق مرزی کشور به ویژه در شرق با معضل بیکاری مواجه باشند. همچنانکه در نقشه وضعیت بیکاری مشخص است، نرخ بیکاری در اکثر شهرستان های مرزی نسبت به مناطق داخل کشور در حد بالایی است و شهرستان های با بالاترین جمعیت بیکار به صورت نواری باریک پیرامون کشور و در مناطق مرزی قرار گرفته است.

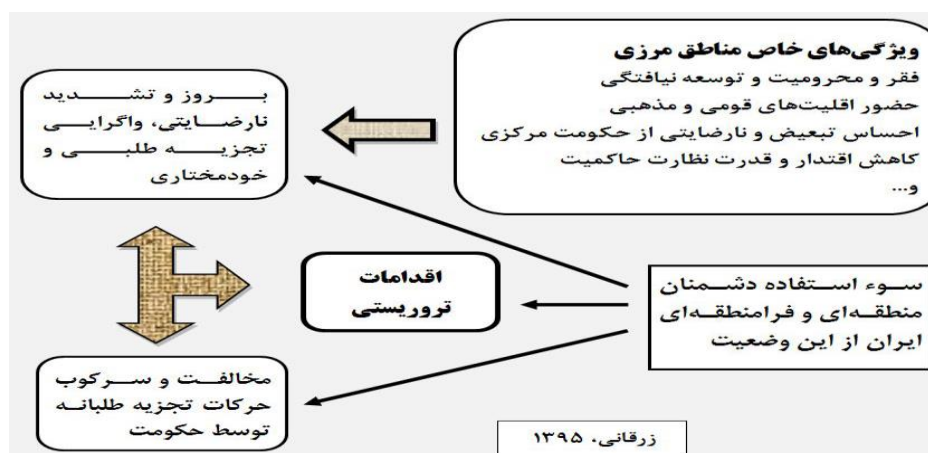
لازم به ذکر است با وجود تاثیر مستقیم و معنادار فقر و توسعه نیافتگی بر وقوع جرم و اقدامات مخل امنیت مرز، مجموعه شرایط در این مناطق به گونه ای است که امکان تغییر و تحول اساسی در شاخص های توسعه در مناطق مرزی در کوتاه مدت عملا غیر ممکن است. به عبارت دقیق تر و همچنانکه در نمودار زیر مشخص است ما در مناطق مرزی در مواجهه با چرخه باطلی قرار داریم که خروجی آن تشدید فقر و نابرابری در مناطق مرزی است. بدین ترتیب مجموعه ویژگی های نسبتا مشابه مناطق مرزی ایران به خصوص در نیمه شرقی و جنوبی یعنی محیط نامساعد طبیعی و شرایط سخت اقلیمی در کنار انزوای جغرافیایی و کارکردی این مناطق و به ویژه جمعیت کم و ناپایدار مناطق مرزی، در مجموع وضعیت را به گونه ای ترسیم می کند که از منظر منطق اقتصادی و تحلیل هزینه فایده اساسا هرگونه سرمایه گذاری وسیع در این مناطق فاقد توجیه اقتصادی است، غیرمنطقی به نظر می رسد. فقدان سرمایه گذاری، فرایند توسعه مناطق مرزی را با چالشی اساسی روبرو می کند. بدین

ترتیب این مناطق از «ضعف زیرساخت ها و زیر بناهای توسعه» تحت عنوان نظر شاخص هایی چون شبکه حمل و نقل و زیرساخت های لازم در بخش آب، برق، فناوری اطلاعات، خدمات بانکی و بیمه ای و ... در وضعیت نامناسبی به سر می برند که خود این امر از موانع دیگر سرمایه گذاری محسوب می شود. نبود یا کمبود سرمایه گذاری و ضعف زیرساخت ها منجر به تداوم و تشدید فقر و توسعه نیافتگی می شود. در ادامه این چرخه باطل، محرومیت و توسعه نیافتگی باز منجر بر تشدید انزوای کارکردی، ناپایداری جمعیت، کاهش احساس تعلق مکانی و مهاجرت شده که این عوامل خود از موانع اصلی جذب سرمایه و توسعه زیرساخت ها محسوب می شود.



شکل ۴: مدل بازتولید فقر و توسعه نیافتگی در مناطق مرزی

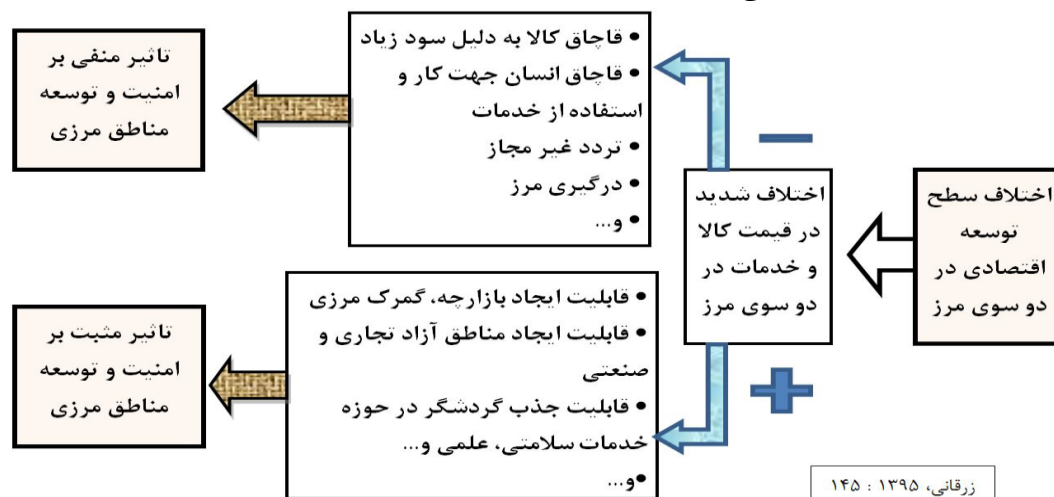
نتایج برخی پژوهش ها و گزارشات نشان می دهد، فقر، محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی علاوه بر اینکه موجب درگیر شدن مرزنشینان در قاچاق کالا و مواد مخدر، تردد غیر مجاز، قاچاق انسان، شرارت و ... می شود، زمینه را برای گروهک های تجزیه طلب و تروریستی معاند نظام فراهم می کند تا از این شرایط سوء استفاده کرده و موجب جذب برخی مرزنشینان به ویژه جوان ها در این گروه ها شوند. نکته ای که به صراحت در اعترافات عبدالملک ریگی، رهبر جنبش جندالله به آن اذعان شده است و همچنین در گروهک تروریستی پژاک در مرزهای غربی هم قابل ردیابی است. نمودار زیر رابطه فقر و توسعه نیافتگی مناطق مرزی را با تهدید واگرایی، تجزیه طلبی و فعالیت در گروه های تروریستی را نشان می دهد.



شکل ۵: رابطه فقر و توسعه نیافتگی مناطق مرزی با تشدید واگرایی و تجزیه طلبی

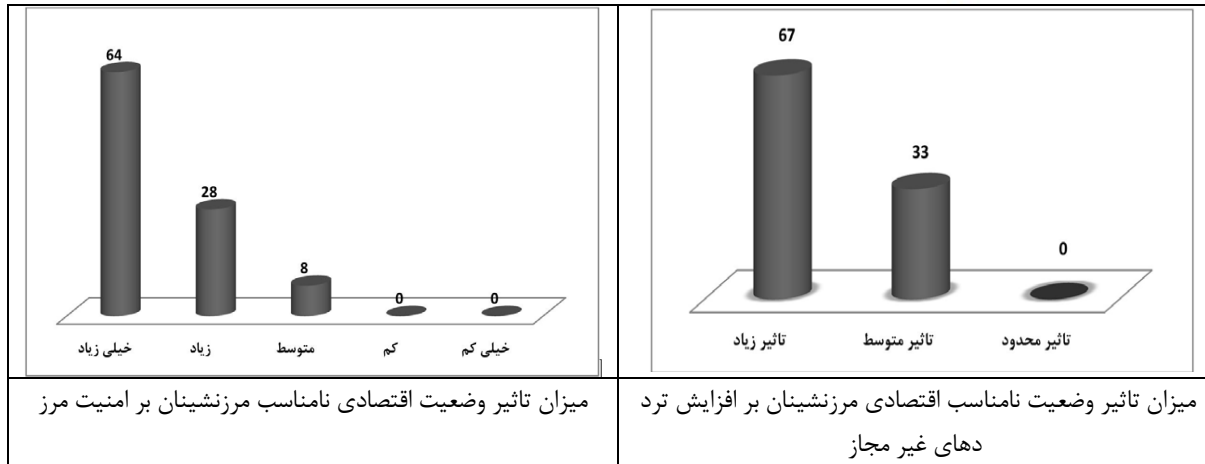
۴-۴ اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز و نقش آن در امنیت مرزی

اختلاف سطح توسعه و رفاه اقتصادی و همچنین تفاوت فاحش درآمد و قیمت کالاها و خدمات در دو سوی مرز متغیر دیگری است که غالباً تاثیر منفی بر امنیت و توسعه مناطق مرزی دارد. مدل زیر به تبیین تاثیرگذاری غالب و تاثیر محدود اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز بر امنیت و توسعه مناطق مرزی در دو کشور همجوار می پردازد. همچنان که در مدل مشهود است، اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز عمدتاً منجر به اختلاف قابل توجه در قیمت کالاها و خدمات در دو سوی مرز می گردد. در این وضعیت، قاچاق کالا غالباً سود فراوانی برای قاچاقچیان به همراه دارد. علاوه بر این، تعداد زیادی از مرزنشینان در کشور همسایه جهت اشتغال در بازار کار و استفاده از خدمات بهتر اقتصادی، اجتماعی در کشور همسایه به طور غیر قانونی از مرز عبور کرده و به صورت غیر قانونی هم در آنجا اقامت می کنند. نیروی های مرزبانی کشورها ناچارند در راستای وظایف و مسئولیت های سازمانی خود با قاچاق کالا، قاچاق انسان و تردد غیر مجاز برخورد نمایند و در اینصورت درگیری ها و تنش های مرزی بروز می کند و این امر منجر به امنیتی شدن فضا می گردد. این عوامل در مجموع موجب تضعیف امنیت و توسعه در مناطق مرزی می شوند.



زرقانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵

نتایج برخی پژوهش ها در کشورهای مختلف نشان می دهد وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات، تسهیلات و بازار کالا در دوسوی مرز می گردد، باعث می شود تا اغلب اتباع کشوری که از توان اقتصادی ضعیف تری برخوردار هستند، اقدام به قاچاق کالا و یا تردد غیر قانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کار و همچنین استفاده از خدمات و تسهیلات موجود در آنسوی مرز نمایند. تردد غیر قانونی اتباع کشورهای آسیایی به اروپا و استرالیا و قاره اروپا، تردد غیر قانونی اتباع افغانستانی و پاکستانی به ایران، تردد غیر قانونی اتباع کشورهای آسیایی به اروپا و استرالیا و همچنین تردد غیر قانونی اتباع کشورهای آمریکای مرکزی به ایالات متحده آمریکا مصادیق متعددی در این مورد محسوب می شوند. از نظر شهروندان به ترتیب اختلاف قیمت کالا در دو سوی مرز و سود مناسب اقتصادی دارای بالاترین و عوامل فرهنگی- اجتماعی دارای کمترین تاثیر بر گسترش قاچاق کالا هستند. نکته جالب اینکه، در شرایطی که سایر منابع درآمد در بخش های کشاورزی، صنعتی و خدماتی در این منطقه محدود است، قاچاق کالا به عنوان یک منبع درآمد پایدار تاثیر مثبتی بر وضعیت درآمدی، اشتغال (شغل های کاذب) و کاهش مهاجرت مرزنشینان داشته است. لازم به ذکر است، ضعف زیربنای تولیدی، فقر، بیکاری، بیسوادی و پایین بودن شاخص های توسعه از مهمترین ویژگی های مناطق مرزی جنوب شرق کشور است و در منطقه سراوان نیز این ویژگی ها عمومیت دارد. علاوه بر اینها، بن بست بودن و انزوای جغرافیایی شهرستان سراوان، بالا بودن نرخ بیکاری و مجاورت با مرز پاکستان موجب شده است قاچاق کالا به ویژه سوخت در حد بالایی در این منطقه رواج داشته بررسی عوامل موثر باشد (کریم زاده، ۱۳۹۵: ۲).



شکل ۷: وضعیت اقتصادی مرز نشینان منبع: لطفی، ۱۳۹۰: ۲۴۷

لازم به ذکر است در شرایطی که نظام های اقتصادی دو کشور مجاور متفاوت باشد و به خصوص نظام اقتصادی کشور هم مرز مروج فعالیت های ناسالم اقتصادی نظیر قاچاق کالا باشد و در صورتی که به دلیل نفوذ پذیر بودن مرز فعالیت های اقتصادی ناسالم نظیر قاچاق کالا، مواد مخدر، سلاح و ... در مناطق مرزی وجود داشته باشد، در دراز مدت این فعالیت ها منجر به کاهش فعالیت های سالم اقتصادی و رواج فعالیت های غیر قانونی خواهد شد. برای مثال، در مناطق مرزی مجاور افغانستان، به دلیل رواج قاچاق مواد مخدر و کالا، درآمد حاصل از مشاغل مربوط به مواد مخدر و قاچاق کالا، بسیار بیش تر از درآمد حاصل از فعالیت های مجاز و قانونی مانند کشاورزی، دامپروری، کارگری و خدماتی در آن مناطق است. از این رو، ملاحظه می گردد، تولید کشاورزی، دامداری و ... در آن مناطق مقرون به صرفه نیست و با اقبال روبرو نیست. این پدیده در مناطق مرزی به تدریج گسترش می یابد و در نهایت هر گونه فعالیت مولد و سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی در آن مناطق را مورد تهدید قرار می دهد و نتایج آن را خنثی می سازد. در مقابل، به نظر می رسد وجود اختلاف قیمت کالاها و خدمات در دو سوی مرز، در برخی موارد می تواند بر امنیت و توسعه مناطق مرزی (بیشتر ارتباط یکسویه) تاثیر مثبتی داشته باشد. بدین نحو که، قیمت های مناسب تر کالاها و خدمات در منطقه مرزی یک کشور موجب می شود فعالیت های اقتصادی در قالب ایجاد گمرک، بازارچه های مرزی، مناطق آزاد تجاری - صنعتی و توسعه گردشگری به منظور استفاده از خدمات حوزه سلامت (گردشگری سلامت)، علمی (جذب دانشجویان و ...) در منطقه مرزی آن کشور برای مرز نشینان هر دو کشور دارای منافع اقتصادی باشد. در واقع وجود اختلاف سطح توسعه و به تبع آن اختلاف در قیمت کالا و خدمات در دو سوی مرز نه به عنوان یک تهدید که به عنوان یک فرصت نگریسته شود و بر اساس آن به جای قاچاق کالا و ... زمینه ایجاد مبادله کالا و تعامل اقتصادی فراهم شود. همچنین به جای قاچاق انسان و تردد و اقامت غیر مجاز مرز نشینان در کشور همسایه جهت اشتغال، با ایجاد مناطق آزاد صنعتی و تجاری و مدل هایی از این دست زمینه استفاده از نیروی کار این مرز نشینان فراهم گردد. علاوه بر اینکه ارائه خدمات بهداشتی، علمی، آموزشی و ... نیز فراهم گردد. به عنوان نمونه به نظر می رسد با توجه به بالا بودن سطح علمی دانشگاه های ایران در استان های مرزی، امکان ایجاد شعبه هایی از این دانشگاه ها در منطقه صفر مرزی با شرایط ویژه برای تردد مرز نشینان و اتباع کشور همسایه فراهم باشد. همچنانکه در استان های مرزی کشور ما شاهد ورود مرز نشینان جمهوری نخجوان آذربایجان به شهرهای مرزی شمال غرب ایران و مرز نشینان کرد عراقی به شهرهای مرزی غرب ایران و مرز نشینان کشور ترکمنستان به مشهد و ... به منظور خرید کالا یا استفاده از خدمات پزشکی هستیم.

۵. نتیجه گیری

امروزه مرزنشینان بیش از سایر مردم تحت تأثیر وضعیت مرزها هستند. هر تغییری در روابط بین الملل، خواه مبتنی بر تساهل و خواه مبتنی بر تهاجم بر زندگی روزمره و زیست جهان آن‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین اتخاذ هرگونه تصمیم سیاسی و اقتصادی در کشور خود، بر مرزنشینان بیش از مرکز نشینان تأثیرگذار است. یکی از برنامه‌ها برای بهبود معیشت مرزنشینان، پویایی اقتصادی نواحی مرزی است که به عنوان یک شاخص اصلی در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و نیز بهبود امرار معاش مردم مرزنشین به‌شمار میرود بدین معنی که از این طریق مردم ساکن در نواحی مرزی کشورهای همسایه میتوانند در کنار هم و با یکدیگر از فرصت‌ها و منابع مشترک استفاده نمایند و این امر میتواند منجر به دوستی و تفاهم طرفین، امنیت و رونق اقتصادی و توسعه، ایجاد فرصت‌های شغلی و شکلگیری یک نوع مزیت نسبی در مناطق مرزی گردد.

این پژوهش با هدف بررسی ارتباط اقتصاد منطقه مرزی و امنیت پایدار در این مناطق دو محور را مورد توجه خود قرار داده است که نتایج در هر محور به شرح زیر می‌باشد:

محور اول تأثیر وضعیت اقتصادی مرزنشینان بر امنیت و توسعه در مناطق مرزی: در بررسی این محور به سه ایتام مهم وضعیت توسعه و رفاه در مناطق مرزی، زمینه‌های توسعه نیافتگی مناطق مرزی و محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی و نقش آن در امنیت مرزی تأکید شده است که در نهایت می‌توان بیان کرد که سطح توسعه اقتصادی پایین در مناطق مرزی، محرومیت، شرایط خاص جغرافیایی (دوری از مرکز و انزوای جغرافیایی) و ناپایداری جمعیتی در مناطق مرزی تأثیرات عمیقی روی امنیت مناطق مرزی نیز می‌گذارد. ضعیف بودن احساس تعلق به زمین و سرزمین، امکان سوء استفاده از جمعیت مرزنشین توسط دشمن به صورت بکارگیری افرادی از آنان در عملیات خرابکارانه و یا عبور خرابکاران در پوشش های گوناگون و همچنین عبور اسلحه و اطلاعات در بسیاری از مناطق دیده شده است. مطالعات انجام شده در مورد مناطق مرزی استان خوزستان نیز موید آن است که ناامنی بر اثر ناپایداری جمعیت در مناطق غرب شوش و شمال خرمشهر چشمگیر است. به طور کلی اکثر مناطق مرزی کشور به ویژه مناطق مرزی شرقی از نظر ویژگی‌های طبیعی و شاخص‌های توسعه پایدار در وضعیت نامناسبی قرار دارند و در نتیجه بیکاری، فقر و توسعه نیافتگی نسبت به اکثر مناطق داخلی بیشتر است و پیامد این امر افزایش جرم و بزهکاری مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا، تردد غیر مجاز قاچاق انسان، شرارت، گروگان گیری، فعالیت در باندهای مواد مخدر و گروهک‌های تروریستی و ... می‌باشد. (شکل شماره ۵)

محور دوم وضعیت توسعه اقتصادی- اجتماعی را در دو سوی مرز: که در بررسی این محور به اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز و نقش آن در امنیت مرزی تأکید شده است که نتایج نشان می‌دهد وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات، تسهیلات و بازار کالا در دوسوی مرز می‌گردد که هم می‌تواند آثار منفی داشته باشد و هم آثار مثبت. (شکل شماره ۶)

با توجه به مباحث بخش یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بین اقتصاد مناطق مرزی و مرزنشینان و امنیت پایدار در مناطق مرزی رابطه مستقیمی وجود دارد. این ارتباط را از دو سو می‌توان شرح داد: از یک سو یک جامعه مولد و بدور از فقر آمادگی لازم را برای صیانت از امنیت مرزها دارد و از سوی دیگر زیربنای اصلی تأمین اجتماعی بشر و رفع دغدغه‌های امنیتی و ایجاد احساس امنیت در توسعه اقتصادی در مناطق حساسی چون مناطق مرزی است.

راهبردهای اقتصادی جهت استقرار امنیت پایدار:

- توسعه صادرات و واردات به کشور و هدایت بهینه و قانونمند آن و توزیع ثروت، جمعیت و سرمایه‌های ملی در کل فضای سرزمینی کشور.
- تثبیت جمعیت در منطقه، ایجاد اشتغال، کاهش فقر و افزایش رونق اقتصادی و افزایش امنیت
- تقویت و افزایش روابط تجاری در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و جلب مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی برای سرمایه‌گذاری بیشتر.
- افزایش سرمایه‌گذاری در حمل و نقل ریلی، زمینی و هوایی.

- استفاده از چرخ ترانزیتی جنوب شرقی و پل ارتباطی با آسیای مرکزی از طریق مکران و چابهار.

منابع

۱. احمدی، بهمن، دادگر، محمد، ربیعی، سجاد. (۱۳۹۴). سطح بندی میزان توسعه یافتگی استان های کشور بر مبنای شاخص های حمل و نقل، فصل نامه آمایش محیط شماره ۱۰. صص ۹۷-۷۵.
۲. باقری حسین عزیزموسوی، سیدعلیرضا، لطفی، مصطفی. (۱۳۹۳)، الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۵۱-۱۷.
۳. پورسعید، فرزاد. (۱۳۹۲)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. توکلی نیا، جمیله، شالی، محمد. (۱۳۹۱)، نابرابری های منطقه ای در ایران، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۵. صص ۱۵-۱.
۵. جعفریان، مزدک، فرید عبدالحسین پور. (۱۳۸۵)، پایداری شهری با نگاهی به ویژگی های شهرهای ایران، اولین همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر سازمان عمران شهرداری همدان.
۶. حاتمی نژاد، حسین، ابوبکری، طاهر؛ احمدی، افسانه و نایب زاده، فرشته. (۱۳۹۰). سنجش درجه توسعه یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: شمال غرب کشور، پژوهش و برنامه ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۸-۱.
۸. دفتر بررسی های فنی اقتصادی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۱۳۹۴
۹. زرقانی، سید هادی. (۱۳۸۰). تحلیلی بر کارکرد امنیتی مرز شرقی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. زرقانی، سید هادی. (۱۳۸۶). مقدمه ای بر شناخت مرزهای بین المللی، تهران: دانشگاه علوم انتظامی
۱۱. زرقانی، سید هادی. (۱۳۹۲)، تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر کارکرد امنیتی مرز، طرح پژوهشی مرکز مطالعات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی.
۱۲. زرقانی، سید هادی، بخشی، فاطمه. (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل متغیرهای موثر بر الگوی رفتاری قومیت ها، مجموعه مقالات هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی، دانشگاه کردستان.
۱۳. زرقانی، سید هادی. (۱۳۹۸). درآمدی بر امنیت پایدار مرز و مناطق مرزی، انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۱۴. سرور، رحیم، عشقی چهار برج، علی، علوی، سعیده. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی شاخص های توسعه در راستای تحقق امنیت پایدار در مناطق مرزی (مورد مطالعه: شهرستان های مرزی کلان منطقه آذربایجان) پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، شماره ۱۲، صص ۵۴-۲۵.
۱۵. شایان، حمید، تقیلو، علی اکبر، خسروبیگی، رضا. (۱۳۹۱)، تحلیل نقش مشارکت مردم در پایداری اقتصاد روستایی مناطق روستایی شهرستان ایجرود، دوفصلنامه جغرافیا و توسعه ی ناحیه ی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۷۱-۹۴
۱۶. صادقی، حسین، ارشک مسائلی، مهدی، باسرخ، مسعود. (۱۳۸۹). محاسبه شاخص توسعه انسانی استان ها با استفاده از رتبه بندی فازی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، صص ۱۵۳-۱۲۹.
۱۷. ضرابی، اصغر و شاهبوندی، احمد. (۱۳۸۹). تحلیلی بر پراکندگی شاخص های توسعه اقتصادی در ایران، مجله جغرافیای و برنامه ریزی محیطی، سال ۳ شماره پیاپی. صص ۳۲-۱۷.
۱۸. عباس زاده، هادی، کرمی، کامران. (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۴، شماره ۵۱. صص ۵۸-۳۱

۱۹. علایی، حسین. (۱۳۹۱). امنیت پایدار در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، آفاق امنیت، شماره ۱۵ صص ۱۴۸-۱۱۹.
۲۰. عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۱. عندلیب، علیرضا؛ شریف، مطوف. (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، فصلنامه باغ نظر، دوره ۶، ش ۱۲، صص ۷۶-۵۸.
۲۲. فاتحی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱)، راهبرد های اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار با تاکید بر گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره پانزدهم، صص ۱۱۸-۱۰۱.
۲۳. قربان نیا، ناصر. (۱۳۸۹). فلسفه مجازات ها در فقه کیفری اسلام، مجله قضاوت، شماره ۵۲.
۲۴. کریمی پور، یدالله. (۱۳۷۹). مقدمه ای بر ایران و همسایگان، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
۲۵. کریم زاده، مجید. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا و تاثیر آن بر اقتصادی شهرستان مرزی سراوان، فصلنامه انتظامی اجتماعی، سال هشتم، شماره دوم، صص ۳۲-۱۷.
۲۶. گروه تحقیقات آکسفورد (۱۳۸۹)، سایت اینترنتی، «به سوی امنیت پایدار»، www.Oxfordresearchgroup.org.uk.
۲۷. لطفی، امین. (۱۳۹۰). بررسی و ارزیابی شیوه ها و سیاست های کنترل مرز شرقی ایران (خراسان - افغانستان)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی دکتر سید هادی زرقانی
۲۸. موسوی، میرنجف، ویسیان، محمد، خلیفی پور، حکیمه. (۱۳۹۴)، اولویت بندی راهبردهای امنیت پایدار در آمایش، مجله جغرافیای سیاسی، سال اول، شماره ۲، صص ۷۷-۵۵.
۲۹. مشتاقی، علی. (۱۳۸۵). مدیریت مرزهای خشکی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. استاد راهنما دکتر پیشگاهی فرد.
۳۰. مستکانی، عابد، ابراهیمی و احمد وند، مرتضی. (۱۳۹۴). ارزیابی تأثیرات اجتماعی- اقتصادی بازارچه مرزی سرو بر توسعه مناطق روستایی پیرامون، پژوهش های روستایی، دوره شش، شماره دو. صص ۳۸۸-۳۶۹.
۳۱. یاسوری، مجید (۱۳۸۴). سیاست گذاری منطقه ای و چگونگی نابرابری ها در کشور، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال نوزدهم، ۲۱۱ - ۲۱۲.

۳۲. Baumgärtner, S., Quaas, M., (۲۰۱۰): What is sustainability economics? Ecological Economics ۶۹..

۳۳. Chandlre, D. (۲۰۰۷), " The security- development nexus and the rise of anti- foreign policy", Journal of International Relations and Development

۳۴. Harris, Jonathan M. (۲۰۰۰): Basic Principles of Sustainable Development, GLOBAL DEVELOPMENT AND ENVIRONMENT INSTITUTE WORKING PAPER ۰۰-۰۴.

شناسایی و اولویت بندی شاخص های توسعه منطقه ای از منظر

پدافند غیرعامل در مناطق مرزی (مورد مطالعه : شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان)

مصطفی اسمعیل تبار^{۱*}، محمد بقائی^۲

۱- کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

۲- دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، گرایش تحقیق در عملیات، دانشگاه فردوسی مشهد

*نویسنده مسئول: mashhad_mostafa@yahoo.com

چکیده:

طرح مسئله: باتغییراتی که با انقلاب اسلامی در ایران بوجود آمد سیاست های جمهوری اسلامی در نظام بین الملل در مغایرت با مناسبات هژمونیک قدرت های جهانی در جنوب غربی آسیا تفسیر و تمامیت ارضی ایران در مناطق مرزی مورد هجمه یا تهدید سخت، نیمه سخت و نرم قرار گرفت. از این رو پیشبرد هرگونه طرح توسعه ای ملی در ایران از جمله در مناطق مرزی می بایست مبتنی بر ملاحظات و اصول پدافند غیرعامل باشد. لذا هدف از این پژوهش شناسایی و اولویت بندی شاخص های توسعه منطقه ای استان های مرزی مبتنی بر معیارهای پدافند غیرعامل به عنوان راهبردی برای دستیابی به امنیت پایدار جمهوری اسلامی از طریق مدیریت شرایط بحرانی و مهار تهدیدات (طبیعی، نظامی، تروریستی و...) می باشد.

روش پژوهش: روش تحقیق به کارگرفته شده در این پژوهش از نظر جهت گیری کاربردی و به لحاظ ماهیت از نوع توصیفی - تحلیلی با تکیه بر ابزار کتابخانه ای و تکنیک های دلفی، BWM و TOPSIS می باشد.

یافته ها: از ۲۲ معیار پدافند غیر عامل، ۱۶ معیار به عنوان مهمترین معیارهای پدافند غیرعامل در مناطق مرزی شناسایی گردید که با توجه به به نظر خبرگان پژوهش، معیارهایی همچون «توزیع جمعیت و سرمایه های ملی در کل فضای سرزمینی»، «مشارکت مرزنشینان در فرایند حفاظت از مرزها» و «میزان مقاومت بافت شهری در برابر سوانح و تهدیدات» بیشترین وزن را دارا می باشند. همچنین شاخص های «امید به زندگی»، «کاهش بیکاری و رشد میزان اشتغال»، «ساختار فعالیت اقتصادی» و «افزایش متوسط ثروت و بهبود کیفیت زندگی در میان افراد در شهرهای مرزی» شاخص های اولویت دار توسعه منطقه ای از منظر پدافند غیرعامل در مناطق مرزی می باشد.

نتیجه گیری: در صورت تحقق عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت در مناطق مرزی، ضمن دستیابی به پراکندگی و توزیع جمعیت می توان میزان رضایتمندی و امید به زندگی در این مناطق را بالا برد و از این طریق میزان مقاومت بافت شهری مناطق مرزی را در برابر سوانح و تهدیدات افزایش داد.

واژگان کلیدی: توسعه منطقه ای، مناطق مرزی، پدافند غیرعامل، دلفی، تاپسیس، بهترین-بدترین

۱- مقدمه و طرح مسئله

امروزه حوزه های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک رابطه تنگاتنگی با اقتصاد جهانی و مناسبات هژمونیک قدرت-های جهانی داشته و از آنجایی که تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی دولت ها می گذارد، مباحثی چون آمایش سرزمینی به ویژه در مناطق مرزی به منظور پیشینه سازی امنیت ملی، اهمیتی دوچندان می یابد. در مورد ایران باتغییراتی که پس از انقلاب اسلامی بوجود آمد، سیاست های جمهوری اسلامی در نظام بین الملل در مغایرت با قدرتهای منطقه ای و مناسبات هژمونیک قدرت های جهانی تفسیر گردید. مرزهای ایران با توجه به شرایط ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیکی که دارد در طول ۴۲ سال گذشته همواره با تهدیدات بالقوه و بالفعل مواجه بوده است. از این رو طرح های توسعه ای در مناطق مرزی، باید با رعایت ملاحظات پدافند غیرعامل دنبال گردد تا متضمن امنیت و در مسیر تحقق امنیت پایدار باشد. پدافند غیرعامل از مهمترین رویکردهای مطرح شده در حوزه مدیریت بحران شهری در جهت تأمین امنیت شهرها و رویارویی با بحران های انسانی محتمل و مدیریت آنها می باشد (اسماعیلی و تقوایی، ۱۳۹۰: ۳).

توسعه منطقه ای^{۱۴۱} یکی از مهمترین مباحثی است که در دهه های اخیر مورد توجه برنامه ریزان قرار گرفته است. بررسی نماگرهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و ... در سطح منطقه ای معیار مناسبی برای تعیین جایگاه مناطق در فرآیند سنجش سطح توسعه یافتگی محسوب می شود (محمدپور، ۱۳۹۴). روند توسعه منطقه ای برای اینکه یک توسعه انسانی باشد باید علاوه بر افزایش توانایی ها به گسترش انتخاب های ساکنین منطقه در حوزه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منتهی گردد (Sarafi, ۱۹۸۸). توسعه منطقه ای سه هدف تولیدی، اجتماعی و زیست شناختی را دنبال می کند. تلاش توسعه منطقه ای بر آن است که بهترین شرایط و امکانات را برای توسعه جامع فراهم آورد، تفاوت های کیفیت زندگی بین منطقه ای و درون منطقه ای را به حداقل برساند و نهایتاً از میان بردارد و برای تأمین این دو منظور، بهترین بهره گیری ممکن از مواهب طبیعی و استعداد های انسانی یک منطقه را میسر سازد. در مباحث توسعه منطقه ای وجود تفاوت های منطقه ای امری اجتناب ناپذیر بوده و در بسیاری از موارد، تعیین تفاوت های مطلوب جهت نیل به کارآیی اقتصادی، مورد نظر است (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵). یکی از عرصه های نوین در مطالعات حوزه برنامه ریزی طرح های توسعه کشور، مناطق مرزی است. هرچند از گذشته تاکنون ابعاد گوناگون مسائل و مشکلات مربوط به این مناطق به طور پراکنده مورد مطالعه قرار گرفته است، اما با توجه به ابعاد و ویژگی های آن و نیز با توجه به اهمیت پدافند غیرعامل در این مناطق ضرورت انجام مطالعات علمی در این رابطه بیش از پیش احساس می شود (یعفوری و بهشتی فر، ۱۳۹۱: ۲۶۰۵).

نادیده انگاشتن اصول و ملاحظات پدافند غیرعامل در طرح های توسعه شهری به ویژه در مناطق مرزی با توجه به موقعیت راهبردی ایران در قلب منطقه جنوب غربی آسیا، از جمله موضوعات اساسی امنیت می باشد (رازپور، عراقی زاده، و علی الحسابی ۱۳۹۷: ۱۳۸). برای ارزیابی راهبردهای توسعه ای و نظامات برنامه ریزی مناطق مرزی (از جمله طرح های آمایشی، جامع و تفصیلی شهرهای مرزی) و انطباق آن بر نگرش ها و متدهای پدافند غیرعامل و در نتیجه تحقق امنیت پایدار، باید شاخص هایی تولید گردد که سه مؤلفه توسعه منطقه ای، پدافند غیرعامل و ویژگی های مناطق مرزی را به صورت توأمان دربرگیرد. لذا در این پژوهش سعی بر آن است با پاسخ به سوالات زیر، خلا پژوهشی مذکور مورد توجه قرار گیرد:

الف) معیارهای پدافند غیرعامل در مناطق مرزی چیست؟

ب) شاخص های کلیدی توسعه منطقه ای مبتنی بر پدافند غیرعامل در مناطق مرزی چیست؟

ج) کدام شاخص های توسعه منطقه ای از منظر پدافند غیرعامل در مناطق مرزی اولویت دارند؟

۲- مبانی نظری

^{۱۴۱} Regional Development

مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای سیاسی کشورها که قلمرو سرزمینی را مشخص می کند و یا ذهنی مانند مرزهای عقیدتی به کار می رود. مناطق مرزی دولت ها عمومی دارای ویژگی های مشترکی از قبیل دوری از مرکز، انزوا و حاشیه ای بودن، ناپایداری الگوهای اسکان، مراودات و تبادلات، تفاوت های فرهنگی، قومی و نژادی، تهدیدات خارجی، ساختار دوگانه و تعارضات توسعه ای می باشند (آفتاب و هوشمند، ۱۳۹۷: ۱۶۲).

آمایش سرزمین عبارت است از تنظیم روابط میان انسان و فضا و فعالیت های انسان به منظور بهره برداری منطقی از تمامی امکانات (شیخ زاده و همکاران، ۱۳۹۱) برای بهبود وضعیت مادی، معنوی و اجتماعی، بر اساس ارزش های اعتقادی، سوابق فرهنگی و ابزار علم و تجربه در طول زمان. حیطة بحث آمایش سرزمین، مناطق گوناگون یک سرزمین است که تعادل یا عدم تعادل میان آن مناطق را در یک برنامه جامعه توسعه یکپارچه در نظر می گیرد (اسکندری، ۱۳۹۰: ۱۱).

توسعه منطقه ای عبارت است از روندی فراگیر در جهت افزایش توانایی های انسانی-اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای انسانی-اجتماعی؛ ضمن آنکه نیازها باید پیوسته در پرتو ارزش های فرهنگی جامعه و بینش های پایداری جهان پالایش یابند. هدف توسعه منطقه ای ایجاد یک چارچوب مناسب برای دستیابی به بهبود قابل توجه و پایدار از استانداردهای زندگی شهروندی و همچنین کاهش بیکاری و تنوع و افزایش فعالیت های اقتصادی می باشد. توسعه منطقه ای باعث تحریک سرمایه گذاری در بخش های خصوصی و عمومی شده و باعث ترویج اقتصاد محلی و منطقه ای جذاب و باتبع حمایت از توسعه اجتماعی و اقتصادی پایدار می شود (محمدپور، ۱۳۹۴). برخی دیگر از منابع توسعه منطقه ای را به معنای افزایش سطح رفاه منطقه ای در نظر گرفته و تاکید می کنند که این رفاه باید به سرانه درآمد، میزان دسترسی به خدمات اجتماعی و استقرار نظام های حقوق و مدیریتی مکفی منتج گردد (سازمان همکاری های اقتصاد و توسعه، ۲۰۰۱)^{۱۴۲}. روند توسعه منطقه ای برای اینکه یک توسعه انسانی باشد علاوه بر افزایش توانایی ها به گسترش انتخاب های ساکنین منطقه در حوزه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منتهی گردد (Sarafi, ۱۹۸۸).

پدافند غیرعامل به مفهوم تمهیداتی است که برای کاهش آسیب پذیری و به حداقل رساندن خسارات ناشی از حملات نیروهای مهاجم، بدون بهره گیری از تمهیدات نظامی مورد استفاده قرار می گیرند. دفاع غیرعامل در متون نظامی و استراتژیک ایران نیز به مفهوم مجموعه اقدامات غیرمسلحانه ای است که موجب افزایش بازدارندگی دشمن در حمله به حوزه های زیستی، تداوم فعالیت های ضروری یک شهر، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدامات نظامی دشمن می شود (رازپور، عراقی زاده و علی الحسینی، ۱۳۹۷: ۱۳۸).

معیارهای پدافند غیرعامل مجموعه اقدامات بنیادی و زیربنایی است که در صورت به کارگیری می توان به اهداف پدافند غیرعامل از قبیل کاهش خسارات و صدمات، کاهش قابلیت و توانایی سامانه های شناسایی، هدف یابی و دقت هدف گیری تسلیحات آنددی دشمن و تحمیل هزینه بیشتر به دشمن دست یافت (جعفری و حمزه، ۱۳۹۷: ۹۵).

سامانه اطلاعات جغرافیایی موسوم به GIS عبارت است از یک فناوری رایانه ای برای مدیریت، تأمین و تجزیه داده های مکانی با هدف تنظیم رابطه جمعیت، فضا و فعالیت ها در مرزها، سازماندهی واردات و صادرات مرزی، جلوگیری از ناامنی های مرزی، شناسایی نقاط کور و غیرقابل دسترس، شناسایی شبکه های مناسب دسترسی به قسمت های حساس مرزی و مکان گزینی مناسب پایگاه ها و برجک های دیده بانی (اسکندری، ۱۳۹۰: ۴۸).

بحران فرایندی است ناشی از علل طبیعی (از قبیل سیل، زلزله، بیماری فراگیر و...) یا غیرطبیعی (مانند تهاجم نظامی، حملات تروریستی و...) باعث به خطر افتادن امنیت جامعه و منافع ملی گردد (ملکی و کاوندی، ۱۳۹۱: ۲۲۷۶).

۳- پیشینه تحقیق

^{۱۴۲} For Economic Co-operation & Development

از بررسی تحقیقات و مطالعات صورت گرفته و مطالعه ی مقالات این حوزه در داخل کشور پژوهشی که توأمان به دو بعد توسعه و معیارهای پدافند غیرعامل در مناطق مرزی پردازد یافت نشد و از این منظر اقدامی نو محسوب می گردد. در ادامه با بهره گیری از تحقیقات و مطالعاتی که در حوزه پدافند غیرعامل و همچنین توسعه منطقه ای صورت گرفته به شناسایی شاخص ها و معیارها می پردازیم. صائبی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان " بررسی تطبیقی توسعه منطقه ای مطالعه موردی منطقه خراسان رضوی" فقط بر توسعه شاخص توسعه انسانی برای توسعه منطقه ای تاکید داشته است. مرجانت و ارتگا^{۱۴۳} (۲۰۰۶) از "همگرایی واقعی در میان مناطق" نه فقط در ارتباط با شاخص های اقتصادی، بلکه بر حسب شاخص های کیفیت زندگی به عنوان یک اصل اساسی در توسعه منطقه ای یاد می کند. این همگرایی می تواند در میان چند منطقه و یا در درون بخش های یک منطقه شکل بگیرد. پریزادی و میرزاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان توسعه منطقه ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی، بیان کردند که بین استانهای کشور ایران عدالت اقتصادی از نظر توسعه منطقه ای وجود ندارد. آنها معیار توسعه منطقه ای را مالی و اقتصادی دانسته اند. جدول ۱ مهمترین معیارهای توسعه منطقه ای با توجه به تحقیقات صورت گرفته در این حوزه را نشان می دهد.

جدول ۱: معیارهای توسعه منطقه ای

منبع	معیار های توسعه منطقه ای
(Sorensen, ۲۰۰۰) (محمدپور، ۱۳۹۴) و (ساریجلو، ۱۳۹۴)	ایجاد و بهبود زیرساخت های مورد نیاز توسعه
(Sorensen, ۲۰۰۰) و (کرامتی، ۱۳۹۴)	بهبود و توسعه در وضع موجود مناطق در خدمات اجتماعی
(Sorensen, ۲۰۰۰) (رهبر و میرشجاعیان حسینی، ۱۳۸۸) (محمودی، ۱۳۹۴) و (محمدپور، ۱۳۹۴)	تحرك بخشی به فرآیند تولید (حرکت به سمت حجم تولید بیشتر و متنوع تر)
(Sorensen, ۲۰۰۰) (رهبر و میرشجاعیان حسینی، ۱۳۸۸) (محمدپور، ۱۳۹۴)	کاهش بیکاری و رشد میزان اشتغال
(Sorensen, ۲۰۰۰) (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰) (کرامتی، ۱۳۹۴) و (ساریجلو، ۱۳۹۴)	افزایش متوسط ثروت و بهبود کیفیت زندگی در میان افراد منطقه
(داداش پور و ده جانی، ۱۳۹۴)	ساختار فعالیت اقتصادی
(داداش پور و ده جانی، ۱۳۹۴)	گستره فعالیت های نوآورانه
(داداش پور و ده جانی، ۱۳۹۴) (کمیلی، ۱۳۸۷)	قابلیت دسترس پذیری منطقه ای
(داداش پور و ده جانی، ۱۳۹۴)	مهارت های نیروی کار
(کرامتی، ۱۳۹۴) و (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵)	ایجاد تحرك پذیری جمعیتی یک منطقه
(تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲) (پریزادی و میرزاده، ۱۳۹۷)	توزیع عادلانه ثروت و خدمات در یک منطقه
(ساریجلو، ۱۳۹۴) و (تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲)	عدم قابلیت معامله در بازار (دارا نبودن ارزش مستقیم بازاری)
(تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲) (محمودی، ۱۳۹۴) و (ساریجلو، ۱۳۹۴)	دارا بودن ظرفیت بهره برداری
(Marchante & Ortega, ۲۰۰۶) (محمودی، ۱۳۹۴) و (ساریجلو، ۱۳۹۴) (کرامتی، ۱۳۹۴)	ایجاد همگرایی واقعی در میان مناطق و در یک منطقه (توسعه متوازن در یک منطقه و توسعه متعادل بین مناطق)

^{۱۴۳} Marchante & Ortega

منبع	معیار های توسعه منطقه ای
(Pastor et al., ۲۰۱۰)	امید به زندگی
(داداش پور و احمدی، ۱۳۸۹) (محمدپور، ۱۳۹۴)	یادگیری فناورانه و نوآوری منطقه ای
(محمودی، ۱۳۹۴)	استحکام و قوام مالی و امنیت اقتصادی (حمایت از سرمایه گذاری)

(بقائی، ۱۳۹۸)

پدافند غیرعامل به عنوان صلح آمیزترین رویکرد دفاعی است که به دنبال کاهش آسیب پذیری زیرساخت های ملی، مراکز حیاتی و افزایش آستانه تحمل عمومی و ارتقای توان بازدارندگی ملی و مقاومت مردمی با افزایش هزینه های تهاجم و حتی پیشگیری از آن می باشد (جعفری و حمزه، ۱۳۹۷: ۹۵). اقدامات اولیه پدافند غیرعامل شامل برآورد تهدید (تهدیدات خارجی، امنیتی و...)، تهیه لیست مراکز حیاطی، حساس و مهم شهرهای مرزی و اولویت بندی آن، تهیه لیست آسیب پذیری های شهرهای مرزی، پایش آمادگی های دفاعی شهرهای مرزی، تأمین ارتباطات ضروری امن در شرایط بحرانی، برآورد اعتبارات مورد نیاز و... می بایست در اصول شهرسازی مناطق مرزی مورد توجه قرار گیرد (جعفری و حمزه، ۱۳۹۷: ۹۹). اصول شهرسازی مبتنی بر پدافند غیرعامل شامل کاهش آسیب پذیری مردم در برابر تهدیدات، تأمین کارکردهای چندمنظوره شهری، تأمین قابلیت مدیریت بحران شهرها در شرایط بحران، تضمین تداوم کارکردهای ضروری مردم در شرایط بحران، احتراز از وجود عملکردهای پرخطر در شهر می باشد (جعفری و حمزه، ۱۳۹۷: ۹۹). در اجرای طرح های توسعه ای مناطق مرزی علاوه بر پدافند غیرعامل به معنای دفاع و کاهش آسیب پذیری در برابر تهاجم و تهدید، امکان تداوم بی وقفه فعالیت های حیاتی و ضروری از قبیل عملکرد پیوسته شبکه انتقال انرژی، ارتباطات، حمل و نقل و... فراهم باشد. حنفی و موسوی (۱۳۹۲) طی پژوهشی، «مکان یابی مناسب» را اولین و مهمترین گام پدافند غیرعامل برای احداث مراکز حساس و نظامی در مناطق مرزی نامیده است. آنها در این پژوهش که با هدف مکان یابی مراکز حساس و نظامی مناطق مرزی ایران و ترکیه انجام شده، با بررسی عوارض جغرافیایی به این نتیجه رسیده اند که مناطق کوهستانی غرب استان مرزی آذربایجان غربی، شرایط مناسبی برای ایجاد تأسیسات نظامی و غیرنظامی از بعد پدافند غیرعامل دارد.

رحیم صفوی و جمشیدی (۱۳۸۷) طی پژوهشی سعی نموده با بررسی ویژگی های ژئوپلیتیکی عشایر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و توجه به دکنترین دفاعی، به جایگاه عشایر در دفاع همه جانبه و تحقق امنیت پردازد. این جایگاه ناظر بر ویژگی هایی نظیر گستره قلمرو عشایر، مجاورت با مناطق مرزی، روحیه استقامت و پایداری در برابر سختی ها و وفاداری به نظام اسلامی می باشد. امین نیری و اکبری (۱۳۹۵) طی پژوهشی تحت عنوان ارزیابی ساختار شهر مرزی سرپل ذهاب جهت برنامه ریزی پدافند غیرعامل به ضرورت توجه به پدافند غیرعامل در شهرهای مرزی پرداخته اند. رعایت اصول پدافند غیرعامل در شهرهای مرزی متفاوت و با اهمیت تر از شهرهای عمقی کشور می باشد چراکه این مناطق در تماس با محیط خارجی می- باشند، مبادلات رسمی و غیررسمی مستقیمی با آن سوی مرز دارند، تهدیدپذیری بیشتری نسبت به شهرهای عمقی دارند و از طرفی دیگر به جهت انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی و ناپایداری سکونت آسیب پذیری بیشتری نیز دارند. پولادی و همکاران (۱۳۹۵) طی پژوهشی؛ حفظ جمعیت بومی در نواحی مرزی، کنترل قاچاق کالا، از بین رفتن اقتصاد زیرزمینی، ایجاد اشتغال غیرکاذب، افزایش درآمدهای دولت، از بین رفتن تهدیدات (سیاسی، امنیتی و اقتصادی) را از پیامدهای تحقق امنیت پایدار در نواحی مرزی نامیده است. علمدار و راستی (۱۳۹۴) طی پژوهشی ایجاد و گسترش فعالیت بازارچه های مرزی را به جهت آنکه موجب اشتغال زایی، ماندگاری مرزنشینان و جلوگیری کننده از مهاجرت بی رویه و... می گردد یکی از بهترین راهبردهای پدافند غیرعامل برای مقابله با تهدیدات در استان های مرزی مطرح نموده اند.

تهدیدات متصور در مناطق مرزی در سطوح محلی، ملی و منطقه ای یا تقسیم بندی داخلی و خارجی قابل بررسی و ارزیابی است. درواقع پدافند غیرعامل درصدد افزایش قدرت دفاعی، استمرار فعالیت ها در شرایط بحرانی، به حداقل رساندن

خسارات وارده ناشی از تعرضات و تهاجمات دشمنان می باشد. در جدول ۲ به یافته ها و معیارهای مورد اشاره پژوهشگران پیرامون پدافند غیرعامل در مناطق مرزی اشاره می گردد؛

جدول ۲: نتایج حاصل از بررسی پژوهش های پیشین در حوزه پدافند غیر عامل در مناطق مرزی

ردیف	پژوهشگر	عنوان پژوهش	معیارهای پدافند غیرعامل
۱	جعفری و حمزه (۱۳۹۷)	شاخص سازی پدافند غیرعامل از منظر زیرساختی در فضای شهری	تجهیزات: سامانه های رعب، GIS، دفاع سایبری، تجهیزات آماد اضطراری، پوششی و مولد دود، تجهیزات تخلیه و اسکان اضطراری، تجهیزات مهندسی و اعلام خطر و هشدار. استحکامات و سازهها: مقاوم سازی، استحکامات صحرایی اضطراری و دفاعی ثابت، پناهگاه عمومی و خصوصی، استحکامات دفاعی ثابت، سازه های دفنی و نیمه دفنی تأسیسات زیربنایی شهری. اعتبارات: حوزه های پژوهش، تجهیزات و اقلام، مهندسی و سازه امن، تمرین های تخصصی و آزمایش ها، عملیاتی و اجرایی و آموزش.
۲	رازپور، عراقی زاده، و علی الحسابی (۱۳۹۷)	الگوی تبیین شاخص های دفاع غیرعامل در راستای کاهش آسیب پذیری شهری	کالبدی: دوری از مراکز حساس و پرخطر، همجواری با فضاهای باز و سبز، دسترسی مناسب به شبکه راه ها، دسترسی پذیری مناسب به مراکز شهری، دسترسی به خدمات حیاتی، انعطاف پذیری در تغییر کاربری حین بحران، عدم تجمع، توزیع و ترکیب عناصر و عملکردهای مهم شهری، ایجاد راه کمربندی در اطراف شهر، تعبیه راه های گریز در کنار معابر اصلی، ایجاد شبکه متروی عمیق و اتصال آن به پناهگاه ها، ساخت جان پناه، به کارگیری اصول پراکندگی، استتار، اختفاء و پوشش در مکان یابی، تراکم یکنواخت و توزیع متعادل ساختمان ها، چیدمان مستحکم مبلمان شهری برای امام ماندن از موج انفجار، تعیین نقاط و پهنه های آسیب پذیر شهری، عریض سازی خیابان ها. شبکه زیرساختی و تسهیلات شهری: دسترسی به مراکز امداد و نجات، ساخت و آمایش شبکه های تهیه و توزیع کالا، ساخت و آمایش شبکه های بهداشت و درمان، ساخت و آمایش تجهیزات آب و فاضلات و تأسیسات برق و گاز، مقاوم سازی تأسیسات و ایجاد سازه های امن، جابجایی و انتقال تأسیسات خطرناک. اقتصادی و خدماتی: پراکندگی مناطق مسکونی و صنعتی، وجود خدمات ضروری حین بحران. اجتماعی و فرهنگی: آموزش مقابله با بحران. مدیریت شهری: لحاظ اصول و معیارهای پدافند غیرعامل در طرح های جامع، برنامه جامع تخلیه مناطق شهری، وجود سیستم عالی اعلام خطر، تدوین دستورالعمل های پدافند غیرعامل براساس برنامه ریزی مسکن، تقویت سازمان های مدیریت بحران، هماهنگی مدیران شهری با یکدیگر حین بحران. نظامی: تقویت تأسیسات و تجهیزات دفاعی به منظور بازدارندگی از تهاجم.
۳	منصوردهقان، مرتضی و پورصادق، ناصر (۱۳۹۷)	عوامل مؤثر در طراحی الگوی راهبردی پدافند غیرعامل برای بنادر جنوب کشور	جایگزین سازی برای لنگرگاه های داخلی و خارجی برای شرایط اضطرار، موازی سازی کانالها و حوضچه های ورودی کشتی ها، تجهیز بنادر به اسکله های متحرک بارح های عظیم پهلوگیری کشتی ها، ایجاد اتاق امن فرماندهی بنادر جنوب کشور، تأمین منابع و تجهیزات شرکت های خصوصی برای مدیریت شرایط اضطراری، توسعه طرح های مدیریت فنی و ایمنی در حوزه های بندری و دریایی، مقاوم سازی ساختمان های اداری و برج کنترل دریایی و مقاوم سازی اسکله ها، نهادینه سازی آموزش به مشاغل حساس در رابطه با استانداردهای استحکام فنی بندری و دریایی، الزمان رعایت مسائل ایمنی و فنی در فعالیت های بخش خصوصی بندری و دریایی، تأمین چراغ های دریایی اضافی جهت کانال های ورودی، طراحی سازه های دریایی براساس استانداردهای پدافند غیرعامل، مکان یابی و پراکندگی در اسکله ها و ترمینال های حیاطی و حساس و ارتقای مدیران شرکت های خصوصی در مدیریت ریسک خطرات و تهدیدات.
۴	روشندل، مهدی (۱۳۹۵)	پدافند غیرعامل	استتار، اختفاء، فریب، پوشش، پراکندگی، مقاوم سازی استحکامات
۵	خادمه مولوی (۱۳۹۵)	نقش اصول پدافند غیرعامل در رفع تهدیدات سایبری و تأثیر آن بر امنیت ملی	نقش اصول پدافند غیرعامل در رفع تهدیدات سایبری؛ انکاء زیاد به فناوری های غیربومی، اعتماد به ابزار و تجهیزات غیرخودی، وابسته شدن زیرساخت های حیاتی، ویژه و حساس به فناوری های آسیب پذیر، وابسته شدن خدمات حیاتی و حساس به بستر اینترنت، عدم رعایت ملاحظات و توصیه های امنیتی و پدافندی در استفاده از فناوری، عدم وجود آموزش عمومی و تخصصی لازم.
۶	پورمحمدی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۴)	پدافند غیرعامل و ضرورت ایجاد کاربری های چندمنظوره: رویکردی جدید در آینده نگری توسعه و امنیت پایدار شهری با تأکید بر زلزله خیزی شهر تیریز	مکان یابی: تناسب ساخت و سازهها براساس نوع و میزان تهدید، تناسب عملکرد عناصر شهری با درجه استحکام و حساسیت، استفاده حداکثری از عوارضات طبیعی. توزیع جمعیت و سرمایه های ملی در کل فضای سرزمینی.
۷	عنابستانی، علی اکبر، نصرت آبادی، جمشید و مهدوی فر، غلامرضا	راهکارهای توسعه مناطق مرزی با رویکرد پدافند غیرعامل	اصول پدافند غیرعامل در توسعه نواحی مرزی: انتخاب عرصه ایمن و موقعیت مناسب پدیده ها، تعیین مقیاس بهینه استقرار جمعیت و فعالیت در فضا، کوچک سازی و ارزان سازی کارگاه ها و صنایع، مقاوم سازی استحکامات و ایمن سازی سازه ها، مکان یابی

ردیف	پژوهشگر	عنوان پژوهش	معیارهای پدافند غیرعامل
	(۱۳۹۲)		معیارهای پدافند غیرعامل
۸	کیانی فلاورجانی و باباپور (۱۳۹۱)	لزوم اجرای الگوهای پدافند غیرعامل در شهرهای مرزی با تأیید بر کاهش آسیب پذیری شهرهای مرزی در مقابل تهدیدات	بهینه استقرار عملکردها، اهمیت دادن به شبکه های ارتباطی در پدافند غیرعامل، حفاظت فعالیت با استفاده از عوارض طبیعی. اصول پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات: پوشش در همه زمینه ها، استتار و نامرئی سازی، تولید سازه ای دومنظوره، مکان یابی استقرار عملکردها، اختفاء با استفاده از عوارض طبیعی، کورکردن سیستم اطلاعاتی دشمن، حفاظت اطلاعات سیستم های حیاتی و مهم، مدیریت بحران دفاعی در صحنه ها، فریب، ابتکار عمل و تنوع در کلیه اقدامات، موازی سازی سیستم های پیشنهادهی وابسته، تعیین مقیاس بهینه استقرار جمعیت و فعالیت در فضا، کوچک سازی، ارزان سازی و ابتکار در پدافند غیرعامل، مقاوم سازی و استحکامات وایمن سازی سازه های حیاتی، پراکندگی در توزیع عملکردها متناسب با تهدیدات و جغرافیا، انتخاب مقیاس بهینه از پراکندگی و توجیه اقتصادی پروژه.
۹	حبیبی، شیخی، شیرازکیان و تراج (۱۳۹۱)	پدافند غیرعامل در بافت شهری رهیافت ارتقاء امنیت شهرهای مرزی	تمرکز زدایی و پراکندگی بافت شهری (تأسیسات و ساختمان ها)، تراکم بافت شهری، میزان مقاومت بافت شهری در برابر سوانح، محافظت سلسله مراتبی، رعایت نظام سلسله مراتب معابر.
۱۰	ملکی، سعید و کاوندی عبدالرحیم (۱۳۹۱)	پدافند غیرعامل و شهرهای مرزی	پراکندگی مراکز عملیاتی و کنترل مدیریت، تمرکز زدایی، ساختار چندسسته ای در شهرهای مرزی، تراکم زدایی جمعیت، پناهگاه های چندمنظوره، انبار آذوقه و تعبیه مخازن سوختی در زیر زمین.
۱۱	سالارزایی، امیرحمزه، صابردوست، مینا و صابردوست، مهنناز (۱۳۹۱)	تأثیر پدافند غیرعامل بر امنیت مرزی	آمایش متناسب با پدافند غیرعامل، مشارکت مرزنشینان در فرایند حفاظت از مرزها، اشتغالزایی و کاهش فقر ساکنان مرزی، استفاده از فناوری های امنیتی و مخابراتی در مرزها.
۱۲	اسکندری، حمید (۱۳۹۰)	آمایش سرزمینی از منظر پدافند غیرعامل	معیار مکانی: سازگاری با اهداف کلان امنیتی دفاعی، سازگاری با مأموریت ها، عدم قرارگیری در تیر رس دشمن، قابلیت پوشش و اختفای مناسب از دید دشمن، میزان توانایی نظامی
۱۳	حقی، علی و موسوی، میرنجف (۱۳۹۲)	مکان یابی مراکز حساس و مهم نظامی در مناطق مرزی ایران و ترکیه با توجه به شاخص های هیدروژئومورفوکلیمایی با رویکرد پدافند غیرعامل	عوامل جغرافیایی (ارتفاع، جنس خاک منطقه، جهت شیب منطقه، فاصله از مسیرهای ارتباطی و سکونتگاه های شهری، فاصله از رودخانه و سرعت باد، تعداد روزهای بارشی و یخبندان) دسترسی به ارتفاعات باعث کاهش آسیب پذیری می شود جنس خاک منطقه در میزان اثرپذیری از انفجارات متفاوت است
۱۴	شیخ زاده و همکاران (۱۳۹۱)	جنگ نرم و جایگاه پدافند غیرعامل در آمایش استان سیستان و بلوچستان	روش های فرهنگی (اعتمادسازی، حسن همجواری و...)، اقتصادی (سرمایه گذاری های مشترک، تشکیل اتحادیه و صنوف مشترک، ایجاد مناطق اقتصادی مشترک در بین قومیت های مختلف مقیم و...) و اجتماعی (تقویت پیوند های فرهنگی، مذهبی و...) احداث استحکامات دفاعی (انسداد مرزها، اجرای طرح های عمرانی دفاعی چندمنظوره، گسترش فعالیت های اشتغال زا در جوار واحدهای دفاعی مرزها، گسترش شبکه های اطلاعا رسانی)، مقابله با انزوای جغرافیایی مناطق مرزی (ایجاد موانع در مسیرهای نفوذ دشمن، تقویت جاده های مواصلاتی شهرهای مرزی)، تبادلات مرزی (کاهش میزان تبادلات غیرقانونی از طریق افزایش امکان تبادلات قانونی)
۱۵	آفتاب، احمد و هوشمند، اکبر (۱۳۹۷)	تدوین راهبردهای دفاعی امنیتی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی با رویکرد آمایش سرزمین	راهبردهای تدافعی: افزایش اتحاد شهروندان استان های مرزی، مبارزه با تروریسم در ورای مرزها و جلوگیری از نفوذ آنان از خارج به داخل کشور، تمرکززدایی مدیریت و واگذاری بخشی از اختیارات به استان های مرزی، توسعه متعادل استان های مرزی، تقویت همکاری های بین مرزی با همسایگان، توسعه و تقویت شبکه های مجازی داخلی برای جلوگیری از سوء استفاده کشورهای استعمارگر برای بی ثباتی کشور و استان. راهبردهای بازنگری: افزایش تأسیسات و نیروهای نظامی، افزایش جمعیت استان های مرزی از طریق بهبود کیفیت زندگی و افزایش اشتغال، بهره مندی از روحیه میهن پرستی، همکاری با همسایگان برای مقابله با قاچاق و تروریسم.
۱۶	کوچکی نژاد، فاطمه و رحمانی پور، علیر (۱۳۹۲)	ارزیابی میزان آگاهی عشایر از پدافند غیرعامل و تأثیر آن بر امنیت مرزها (نمونه موردی: جامعه عشایری شهرستان قصر شیرین، استان کرمانشاه)	انتخاب عرصه های ایمن در جغرافیای کشور، تعیین مقیاس بهینه ی استقرار جمعیت و فعالیت در فضا، پراکندگی در توزیع عملکردها، متناسب با تهدیدات و جغرافیا، انتخاب مقیاس بهینه از پراکندگی و توجیه اقتصادی پروژه، کوچک سازی و ارزان سازی و ابتکار در پدافند غیرعامل، موازی سازی سامانه های پشتیبانی وابسته، مقاوم سازی استحکامات و ایمن سازی سازه های حیاتی، مکان یابی استقرار عملکردها، مدیریت بحران دفاعی در صحنه ها، استتار و نامرئی سازی، کورکردن سامانه اطلاعاتی دشمن، اختفاء با استفاده از عوارض طبیعی، کورکردن سامانه اطلاعاتی دشمن، اختفاء با استفاده از عوارض طبیعی، پوشش در همه زمینه ها، فریب، ابتکار عمل و تنوع در کلیه اقدامات، حفاظت اطلاعات سامانه های حیاتی و مهم، تولید سازه های دومنظوره
۱۷	سیما پورهاشمی و همکاران (۱۳۹۵)	ارزیابی توان های توپوگرافیک در تدوین راهبردهای بهینه پدافند غیرعامل برای شهرهای مرزی (مطالعه موردی: شهر زاوین در نوار مرزی ایران و ترکمنستان، استان خراسان رضوی)	شکل گیری فرم شهری در ابعاد پراکنده و غیرمتمرکز شهر زاوین، ایجاد سلسله مراتبی از شبکه های ارتباطی، تقویت ارتباطات محور اصلی مشهد به کلات، ایجاد شبکه ای پشتیبان در داخل شهر زاوین برای ارتباط بین هسته های شهری، ضرورت ایجاد محور اتصال پشتیبان در دوسوی ارتفاعات قره داغ مشرف به شهر زاوین در شرایط بحرانی قطع ارتباط مشهد به کلات.

ردیف	پژوهشگر	عنوان پژوهش	معیارهای پدافند غیرعامل
۱۸	بهناز امین نیری و مهناز اکبری (۱۳۹۵)	ارزیابی ساختار شهر مرزی سرپل ذهاب جهت برنامه ریزی پدافند غیرعامل	پهنه بندی خطر در شهر سرپل ذهاب، مکان یابی ایستگاه های پمپاژ و ذخیره آب، عدم تمرکز تأسیسات و مراکز زیربنایی شهر در یک محدوده، تمرکز زدایی جمعیتی از بافت متراکم شهری، پیش بینی فضاهای توقف اضطراری در مقابل بیمارستان ها، درمانگاه ها و بعضی مؤسسات، ارتقای سطح کیفی و کمی شبکه ارتباطی.
۱۹	احمد آفتاب و همکاران (۱۳۹۵)	تأثیر عوامل جغرافیایی بر پدافند غیرعامل در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی (با تأکید بر مکان یابی مراکز نظامی)	دسترسی به آبراه های اصلی (موانع طبیعی مهم در پدافند غیرعامل)، دسترسی به راه های اصلی، دسترسی به سکونتگاه های شهری، خصوصیات توپوگرافی و شکل زمین (ارتفاع، شیب و جهت آن)، زمین شناسی (جنس زمین و گسل)، خصوصیات اقلیمی (دما، رطوبت نسبی، بارش و سرعت باد).
۲۰	علی اکبر پوری رحیم (۱۳۹۳)	پدافند غیرعامل، راهبردی در دفاع سرزمینی	نقش ابراهه ها در دفاع غیرعامل یا به عبارت دیگر راهبردهای دفاع غیرعامل آب (مدل خیس خوردگی اراضی، مدل باندهای آبی حدفاصل، مدل ابرسیلاب منطقه ای، مدل مدیریت هورماها و صحن ها و مدل طغیان های مصنوعی حاشیه رودخانه ای)

با توجه به بررسی جدول ۲ و حذف و ترکیب برخی معیارها، ۲۲ معیار اصلی که معرف عوامل مهم در پدافند غیر عامل در مناطق مرزی کشور هستند شناسایی گردیده که در جدول ۳ به آنها اشاره شده است:

جدول ۳: معیارهای مهم در پدافند غیرعامل در مناطق مرزی

ردیف	عنوان معیار	ردیف	عنوان معیار
۱	مشارکت مرزنشینان در فرایند حفاظت از مرزها	۱۲	مکان یابی استقرار عملکردها
۲	اشتغالزایی و کاهش فقر ساکنان مرزی	۱۳	مدیریت بحران دفاعی در صحنه ها
۳	استفاده از فناوری های امنیتی و مخابراتی در مرزها	۱۴	ابتکار عمل و تنوع در کلیه اقدامات
۴	پراکندگی مراکز عملیاتی و کنترل مدیریت	۱۵	کوچک سازی، ارزان سازی و ابتکار در ساخت کارگاه ها و صنایع
۵	ساختار چندهسته ای در شهرهای مرزی	۱۶	مقاوم سازی و ایمن سازی سازه های حیاتی
۶	پناهگاه های چندمنظوره	۱۷	پراکندگی در توزیع عملکردها متناسب با تهدیدات و جغرافیا
۷	تعبیه مخازن سوختی و انبار آذوقه در زیر زمین	۱۸	انتخاب عرصه ایمن و موقعیت مناسب پدیده ها
۸	میزان مقاومت بافت شهری در برابر سوانح	۱۹	توزیع جمعیت و سرمایه های ملی در کل فضای سرزمینی
۹	محافظت سلسله مراتبی از مراکز و معابر	۲۰	تجهیز بنادر به اسکله های متحرک بارج های عظیم پهلوگیری کشتی ها
۱۰	پوشش، استتار و نامرئی سازی	۲۱	تأمین منابع و تجهیزات شرکت های خصوصی برای مدیریت شرایط اضطراری
۱۱	تولید سازه های دومنظوره	۲۲	توسعه طرح های مدیریت فنی ایمنی در حوزه های بندری و دریایی

۴- روش پژوهش

روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش از نظر جهت گیری کاربردی و به لحاظ ماهیت از نوع توصیفی - تحلیلی با تکیه بر ابزار کتابخانه ای و تکنیک های دلفی، BWM و TOPSIS می باشد. در ابتدا داده های پژوهش با روش مطالعه اسنادی و در ادامه با مصاحبه از خبرگان گردآوری شد. از مطالعه اسنادی برای مرور مبانی نظری بصورت سیستماتیک و دستیابی به چارچوب اولیه، با استفاده از کتابها، مقالات معتبر در پایگاه های اطلاعاتی مجلات معتبر علمی - پژوهشی، مقالات همایش ها و کنفرانس های ملی و بین المللی و از روش مصاحبه نیز برای تکمیل ماتریس های مربوط به روش های دلفی و تصمیم گیری چندمعیاره استفاده شده است. برای تحقق این امور، ابتدا با استفاده از کلیدواژه های پژوهش در اصلی ترین پایگاه های درج مقالات علمی کشور، جستجوی مقالات مربوطه صورت پذیرفت که منتهی به جمع آوری ۹۰ مقاله گردید.

سپس با مطالعه دقیق مقالات، ۴۰ مورد از این پژوهش‌ها که پیرامون مباحث امنیتی و پدافند غیرعامل در مناطق مرزی ایران و نیز توسعه منطقه ای بود بررسی گردید. ابزار گردآوری اطلاعات و نظرات خبرگان توسط مصاحبه با پرسشنامه است که در دو مرحله استفاده شده است. در مرحله اول ۲۲ شاخص احصاء شده در روش دلفی توسط خبرگان، غربالگری شد ۱۶ معیار به عنوان معیارهای مهم در پدافند غیرعامل در مناطق مرزی معرفی شدند. در مرحله دوم از قالب پرسشنامه برای تکمیل ماتریس‌های مقایسه زوجی توسط خبرگان و نیز برای اولویت بندی شاخص‌ها، استفاده شد. جامعه آماری خبرگان در این پژوهش، با در نظر گرفتن شاخص‌هایی از جمله، تسلط بر ادبیات پدافند غیرعامل مناطق مرزی، امنیت پایدار و توسعه منطقه ای، در دسترس بودن و آمادگی برای همکاری در پژوهش، ۸ تن از فرمانداران و معاونین فرمانداری‌های شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان انتخاب شدند. با توجه به محدود بودن جامعه خبرگی، نیازی به نمونه‌گیری نبوده و انتخاب خبرگان به صورت غیراحتمالی و مبتنی بر قضاوت محققین به همراه اخذ مشاره از متولیان این حوزه بود.

تکنیک دلفی^{۱۴۴} بر مبنای یک پیمایش ساختار یافته قرار دارد و مبنی بر درک از اطلاعات به دست آمده از خبرگان، یعنی کسانی که در آن زمینه دارای متخصص هستند، می‌باشد. تعداد خبرگان حداقل ۱۰ نفر پیشنهاد شده است (احمدی، نصیریانی، و ابادری، ۲۰۰۸). دلفی یک پیمایش تخصصی در دو یا تعداد بیشتری گام است که یافته‌های گام دوم به بعد برای مراحل قبلی خود به عنوان یک بازخورد عمل می‌کنند. بنابراین برای شرکت کنندگان فرصتی را مهیا می‌کند تا در گام دوم بر اساس نتایج حاصل شده از گام اول نظر خود را اعلام کنند و نظرات بعدی خود را مورد ارزیابی و یا حتی تغییر بر اساس نتایج به دست آمده از گام قبلی قرار دهند. هیچ کس ملاقات چهره به چهره نخواهد داشت زیرا پیمایش با استفاده از پرسشنامه انجام خواهد شد (در گام اول دلفی). پس تکنیک دلفی یک فرایند مکاتبه گروهی ساختار یافته نسبتاً قوی در مورد هر موضوع مهمی که دانش کامل و پاسخهای بدیهی در مورد آن وجود ندارد، است که این مکاتبات توسط افرادی که در مورد آن موضوع متخصص هستند صورت می‌گیرد (کولز^{۱۴۵}، ۲۰۰۱). در این پژوهش، پس از بررسی ادبیات موضوعی و تهیه یک فهرست جامع از معیارهای نگهداشت نخبگان سازمانی، روند غربالگری و انتخاب شاخص‌های متناسب با موضوع پژوهش، با استفاده از روش دلفی انجام شد (جهانشاهی و همکاران^{۱۴۶}، ۲۰۱۹). در این پژوهش روش دلفی در دو مرحله انجام گرفت و از این روی ۲ پرسشنامه طراحی و در اختیار خبرگان قرار گرفت. در مرحله اول ۲۲ عاملی که از ادبیات پژوهش احصاء شده بود، با استفاده از طیف لیکرت ۵ امتیازی مورد ارزیابی خبرگان قرار گرفت. در مرحله دوم، ضمن ارائه بازخورد از خلاصه نتایج و تصمیم خبرگان در دور نخست، از آنان خواسته شد مجدداً در خصوص اهمیت هر عامل نظر خود را اعلام نمایند. با توجه به ضریب هماهنگی کندال، توافق لازم در دور دوم توسط خبرگان حاصل شد.

روش بهترین- بدترین^{۱۴۷}، به عنوان یکی از به‌روزترین روشهای اولویت بندی و وزن دهی به شاخص‌ها محسوب می‌شود که در سال ۲۰۱۵ توسط پروفسور رضایی و در پژوهشی با عنوان «روش تصمیم‌گیری چند معیاره بهترین- بدترین» معرفی گردید. BWM روشی است مقایسه محور همانند روش مرسوم AHP^{۱۴۸} با این تفاوت که نسبت به آن، روشی راحت‌تر محسوب می‌گردد؛ بطوری که برای مسئله‌ای با n معیار، به $2n - 3$ مقایسه نیاز دارد و این در حالی است که روش AHP برای همین مسئله به 2 مقایسه نیازمند است (ژائو و همکاران^{۱۴۹}، ۲۰۱۹). روش بهترین- بدترین به دلیل برخورداری از ساختاری منحصر به فرد، نیاز به داده‌های مقایسه‌ای کمتری دارد؛ به همین خاطر کمتر پیش می‌آید مسائل و مشکلات مربوط به ناسازگاری مقایسات، که سایر روش‌های مقایسه‌ای با آن‌ها رو به رو می‌شوند را تجربه کند (رضایی و همکاران،

^{۱۴۴} Delphi technique

^{۱۴۵} Cuhls

^{۱۴۶} Jahanshahi et al

^{۱۴۷} Best-worst multi-criteria decision-making method(BWM)

^{۱۴۸} Analytical Hierarchy process

^{۱۴۹} Zhao et al

۲۰۱۸). مزیت دیگر این روش نیاز آن به پرسشنامه‌های ساده‌تر و در عین حال ارائه اطلاعات واقع‌بینانه‌تر است (لو و همکاران^{۱۵۰}، ۲۰۱۹). به دلیل کارایی روش بهترین - بدترین در کاهش تعداد مقایسات و حفظ سازگاری بین قضاوت‌ها، با ارائه این روش در سال ۲۰۱۵، توجه زیادی از سوی محققین به آن شد و پژوهش‌های زیادی پیرامون این روش منتشر گردید (می و همکاران^{۱۵۱}، ۲۰۱۹). گام‌های روش بهترین - بدترین غیرخطی بدین شرح می‌باشد (رضایی، ۲۰۱۵): گام ۱) شناسایی و تعیین معیارهای تصمیم‌گیری $\{C_1, C_2, \dots, C_n\}$ (گام ۲) تصمیم‌گیرنده بهترین (مطلوب‌ترین یا مهم‌ترین) و بدترین (نامطلوب‌ترین یا کم‌اهمیت‌ترین) معیار را شناسایی و تعیین می‌کند. در این مرحله مقایسه‌ای انجام نمی‌شود. گام ۳) ترجیح یا برتری بهترین معیار نسبت به تمامی معیارهای دیگر توسط تصمیم‌گیرنده با استفاده از عددی بین ۱ تا ۹ مشخص می‌گردد. در این گام، بردار بهترین به سایرین نتیجه می‌شود: $A_B = (a_{B1}, a_{B2}, \dots, a_{Bn})$ که a_{Bj} نشان‌دهنده ترجیح بهترین معیار (B) نسبت به معیار j است. واضح است که $a_{BB} = 1$. گام ۴) ترجیح یا برتری تمامی معیارها نسبت به بدترین معیار توسط تصمیم‌گیرنده با استفاده از عددی بین ۱ تا ۹ مشخص می‌گردد. در این گام، بردار سایرین به بدترین نتیجه می‌شود: $A_W = (a_{1W}, a_{2W}, \dots, a_{nW})^T$ که a_{jW} نشان‌دهنده ترجیح معیار j نسبت به بدترین معیار (W) است. واضح است که $a_{WW} = 1$. گام ۵) وزن مطلوب برای معیارها $(\omega_1^*, \omega_2^*, \dots, \omega_n^*)$ ، جایی است که، برای هر جفت از ω_j و ω_w داشته باشیم $\frac{\omega_j}{\omega_w} = a_{jW}$ و $\frac{\omega_B}{\omega_j} = a_{Bj}$. برای تحقق این شرایط برای همه jها باید جوابی یافته شود که بیشینه قدر مطلق اختلافات یعنی $|\frac{\omega_j}{\omega_w} - a_{jW}|$ و $|\frac{\omega_B}{\omega_j} - a_{Bj}|$ برای همه jها کمینه شود. با در نظر گرفتن شروط برابری مجموع وزن‌ها با یک و غیرمنفی بودن وزن‌ها، مدل زیر نتیجه می‌شود:

$$\text{Min Max} \left\{ \left| \frac{\omega_B}{\omega_j} - a_{Bj} \right|, \left| \frac{\omega_j}{\omega_w} - a_{jW} \right| \right\} \quad j = 1, 2, \dots, n$$

$$\text{s.t.} \\ \sum_j \omega_j = 1 \\ \omega_j \geq 0, \text{ for all } j$$

با حل مدل فوق، وزن بهینه معیارها و ϵ^* به دست می‌آید.

روش تاپسیس^{۱۵۲}، یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است که علاوه بر در نظر گرفتن فاصله گزینه‌ها از ایده آل مثبت، فاصله گزینه‌ها از نقطه ایده آل منفی را در نظر می‌گیرد. به عبارتی گزینه برتر، گزینه‌ای است که کمترین فاصله را از جواب ایده آل مثبت و بیشترین فاصله را از ایده آل منفی داشته باشد. در این تحقیق ۱۶ معیار و ۱۷ گزینه وجود دارد که بر اساس روش تاپسیس رتبه بندی می‌شوند. گام‌های روش تاپسیس بدین شرح می‌باشد: گام ۱: نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری) برای نرمالیزه کردن از رابطه زیر استفاده می‌شود.

$$r_{ij}(x) = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}} \quad i = 1, \dots, m ; j = 1, \dots, n$$

گام ۲: محاسبه ماتریس نرمالیزه وزین) طبق رابطه زیر ماتریس نرمالیزه شده در وزن معیارها ضرب می‌شود.

$$v_{ij}(x) = w_j r_{ij}(x) \quad i = 1, \dots, m ; j = 1, \dots, n$$

^{۱۵۰} Lo et al

^{۱۵۱} Mi et al

^{۱۵۲} TOPSIS

گام ۳: تعیین نقاط ایده آل مثبت و منفی) اساس روش TOPSIS محاسبه میزان فاصله ی گزینه ها از ایده آل مثبت و منفی است. بنابراین در این مرحله راه حل ایده آل مثبت و منفی طبق رابطه های زیر تعیین می شوند.

$$A^+ = (v_1^+, v_2^+, \dots, v_n^+)$$

$$A^- = (v_1^-, v_2^-, \dots, v_n^-)$$

به طوری که:

$$v_j^+ = \{(max v_{ij}(x) | j \in j_1), (min v_{ij}(x) | j \in j_2)\} \quad i = 1, \dots, m$$

$$v_j^- = \{(min v_{ij}(x) | j \in j_1), (max v_{ij}(x) | j \in j_2)\} \quad i = 1, \dots, m$$

j_1 و j_2 به ترتیب مربوط به معیارهای مثبت و منفی می باشد.

گام ۴: محاسبه میزان فاصله از نقاط ایده آل مثبت و منفی) روش تاپسیس گزینه ها را بر مبنای میزان نزدیکی به ایده آل مثبت و دوری از ایده آل منفی رتبه بندی می کند. بنابراین در این مرحله محاسبه فاصله هر گزینه تا ایده آل مثبت و منفی بر اساس رابطه های زیر صورت می گیرد.

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n [v_{ij}(x) - v_j^+(x)]^2} \quad , \quad i = 1, \dots, m$$

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n [v_{ij}(x) - v_j^-(x)]^2} \quad , \quad i = 1, \dots, m$$

گام ۵: محاسبه میزان نزدیکی گزینه ها به ایده آل) در این مرحله میزان نزدیکی هر یک از گزینه ها نسبت به راه حل ایده آل از طریق فرمول زیر به دست می آید. هر چه این میزان به ۱ نزدیکتر باشد، بیانگر این است که آن گزینه فاصله کمتری از ایده آل مثبت و فاصله بیشتری تا ایده آل منفی دارد.

$$C_i = \frac{d_i^-}{(d_i^+ + d_i^-)} \quad , \quad i = 1, \dots, m$$

روایی پرسشنامه ها توسط اساتید دانشگاه مورد ارزیابی و تایید قرار گرفته و با توجه به اینکه پرسشنامه های پژوهش صرفاً برای جمع آوری نظرات خبرگان مورد استفاده قرار گرفته، نیازی به محاسبه روایی برای آن ها نیست.

۵- معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان می باشد.

۶- یافته ها

برای پاسخ به سوالات پژوهش، خبرگان پژوهش شامل ۸ تن از فرمانداران و معاونین فرمانداری های شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان انتخاب شدند که وضعیت خبرگان مذکور در جدول ۴ اشاره شده است.

جدول ۴: توصیف آماری خبرگان پژوهش

فرماندار		معاون فرماندار		به تفکیک پست سازمانی	
۴		۴			
دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی		به تفکیک مدرک تحصیلی	
۲	۴	۲			
>۵۰	۴۰-۴۵	<۴۰		به تفکیک سن	
۱	۳	۴			
>۲۰	۱۵-۲۰	۱۰-۱۵	<۱۰	به تفکیک سابقه کار	
۱	۴	۲	۱		

نتایج روش دلفی: برای شناسایی معیارهای مهم پدافند غیرعامل در مناطق مرزی، ۲۲ معیار شناسایی شده در ادبیات موضوعی که در جدول ۳ به آنها اشاره شد برای غربالگری با روش دلفی در اختیار خبرگان پژوهش قرار گرفت و در ۲ مرحله ارزیابی شد. طبق روش دلفی، چنانچه تفاضل میانگین نظرات خبرگان برای هر شاخص در دو مرحله پیاپی کمتر از ۰/۲ باشد، اجماع لازم در مورد آن شاخص حاصل شده است. با توجه به اینکه در این پژوهش معیار پذیرش برای شاخص هایی که مشمول اجماع نظر خبرگان قرار گرفته، کسب حداقل میانگین ۴ در نظر گرفته شده، ۶ معیار پس از اجماع نظر خبرگان از مدل نهایی پژوهش حذف گردید. همچنین ضریب کندال در پژوهش حاضر با استفاده از نرم افزار SPSS محاسبه و مقدار آن ۰/۹۶ بدست آمد. جدول ۵ خلاصه نتایج حاصل از دو مرحله روش دلفی را نشان می دهد.

جدول ۵: نتایج روش دلفی برای غربالگری معیارهای مهم پدافند غیرعامل در مناطق مرزی

ردیف	عنوان شاخص	نتایج دور اول دلفی		نتایج دور دوم دلفی		نتیجه	
		مشارکت خبرگان	میانگین دور اول	مشارکت خبرگان	میانگین دور دوم	اختلاف میانگین ها	توافق/عدم توافق
۱	مشارکت مرزنشینان در فرایند حفاظت از مرزها	۸	۴.۷۵	۸	۴.۶۲۵	۰.۱۲۵	توافق
۲	اشتغالزایی و کاهش فقر ساکنان مرزی	۸	۴.۷۵	۸	۴.۶۲۵	۰.۱۲۵	توافق
۳	استفاده از فناوری های امنیتی و مخابراتی در مرزها	۸	۴.۸۷۵	۸	۴.۷۵	۰.۱۲۵	توافق
۴	پراکندگی مراکز عملیاتی و کنترل مدیریت	۸	۴.۲۵	۸	۴.۳۷۵	۰.۱۲۵	توافق
۵	ساختار چندهسته ای در شهرهای مرزی	۸	۳.۷۵	۸	۳.۷۵	۰	توافق
۶	پناهگاه های چندمنظوره	۸	۳.۵	۸	۳.۶۲۵	۰.۱۲۵	توافق
۷	تعبیه مخازن سوختی و انبار آذوقه در زیر زمین	۸	۳.۷۵	۸	۳.۷۵	۰	توافق
۸	میزان مقاومت بافت شهری در برابر سوانح	۸	۴.۱۲۵	۸	۴.۲۵	۰.۱۲۵	توافق
۹	محافظت سلسله مراتبی از مراکز و معابر	۸	۴	۸	۴.۱۲۵	۰.۱۲۵	توافق
۱۰	پوشش، استتار و نامرئی سازی	۸	۳.۵	۸	۳.۳۷۵	۰.۱۲۵	توافق
۱۱	تولید سازه های دومنظوره	۸	۳.۵	۸	۳.۳۷۵	۰.۱۲۵	توافق
۱۲	مکان یابی استقرار عملکردها	۸	۴.۱۲۵	۸	۴.۲۵	۰.۱۲۵	توافق
۱۳	مدیریت بحران دفاعی در صحنه ها	۸	۴.۵	۸	۴.۳۷۵	۰.۱۲۵	توافق
۱۴	ابتکار عمل و تنوع در کلیه اقدامات	۸	۴.۵	۸	۴.۶۲۵	۰.۱۲۵	توافق
۱۵	کوچک سازی، ارزان سازی و ابتکار در ساخت کارگاه ها و صنایع	۸	۳.۲۵	۸	۳.۱۲۵	۰.۱۲۵	توافق

ردیف	عنوان شاخص	نتایج دور اول دلفی		نتایج دور دوم دلفی		نتیجه	
		مشارکت خبرگان	میانگین دور اول	مشارکت خبرگان	میانگین دور دوم	توافق / عدم توافق	اختلاف میانگینها
۱۶	مقاوم سازی و ایمن سازی سازه‌های حیاتی	۸	۴.۱۲۵	۸	۴.۱۲۵	توافق	۰
۱۷	پراکندگی در توزیع عملکردها متناسب با تهدیدات و جغرافیا	۸	۳.۸۷۵	۸	۴	توافق	۰.۱۲۵
۱۸	انتخاب عرصه ایمن و موقعیت مناسب پدیده ها	۸	۴.۱۲۵	۸	۴.۲۵	توافق	۰.۱۲۵
۱۹	توزیع جمعیت و سرمایه های ملی در کل فضای سرزمینی	۸	۴.۱۲۵	۸	۴.۲۵	توافق	۰.۱۲۵
۲۰	تجهیز بنادر به اسکله های متحرک بابرگ های عظیم پهلوگیری کشتی ها	۸	۴	۸	۴	توافق	۰
۲۱	تأمین منابع و تجهیزات شرکت های خصوصی برای مدیریت شرایط اضطراری	۸	۳.۸۷۵	۸	۴	توافق	۰.۱۲۵
۲۲	توسعه طرح های مدیریت فنی و ایمنی در حوزه های بندری و دریایی	۸	۴.۲۵	۸	۴.۲۵	توافق	۰

۱۶ شاخص غربالگری شده توسط روش دلفی برای مقایسه زوجی و وزن دهی به روش BWM در دو حوزه معیارهای عملکردی و معیارهای مکانی در جدول ۶ معرفی شده اند.

جدول ۶: معیارهای نهایی پدافند غیرعامل در مناطق مرزی

معیارهای مکانی	شماره معیار	معیارهای عملکردی
پراکندگی مراکز عملیاتی و کنترل مدیریت	۱	مشارکت مرزنشینان در فرایند حفاظت از مرزها
میزان مقاومت بافت شهری در برابر سوانح	۲	اشتغالزایی و کاهش فقر ساکنان مرزی
مقاوم سازی و ایمن سازی سازه‌های حیاتی	۳	استفاده از فناوری های امنیتی و مخابراتی در مرزها
انتخاب عرصه ایمن و موقعیت مناسب پدیده ها	۴	محافظت سلسله مراتبی از مراکز و معابر
تجهیز بنادر به اسکله های متحرک بابرگ های عظیم پهلوگیری کشتی ها	۵	مکان یابی استقرار عملکردها
توسعه طرح های مدیریت فنی و ایمنی در حوزه های بندری و دریایی	۶	مدیریت بحران دفاعی در صحنه ها
توزیع جمعیت و سرمایه های ملی در کل فضای سرزمینی	۷	ابتکار عمل و تنوع در کلیه اقدامات
	۸	پراکندگی در توزیع عملکردها متناسب با تهدیدات و جغرافیا
	۹	تأمین منابع و تجهیزات شرکت های خصوصی برای مدیریت شرایط اضطراری

نتایج روش BWM: برای استفاده از معیارهای پدافند غیرعامل در مناطق مرزی در ماتریس تصمیم نیاز است وزن هر یک از این معیارها مشخص شود. برای وزن دهی به این معیارها در این پژوهش از روش بهترین- بدترین سلسله مراتبی استفاده گردیده است. نتایج حاصل از این روش بصورت خلاصه در جدول ۷ بیان شده است. در محاسبات که با نرم افزار اکسل انجام

شده، ضریب هر یک از حوزه های عملکردی و مکانی، طبق نظر خبرگان، برابر (۰/۵) در نظر گرفته شده است. مقادیر جدول تا ۳ رقم اعشار گرد شده اند.

جدول ۷: نتایج وزن دهی به معیارهای پدافند غیرعامل در مناطق مرزی

ردیف	معیار	وزن نهایی	ردیف	معیار	وزن نهایی
۱	پراکندگی مراکز عملیاتی و کنترل مدیریت	۰/۰۲۶	۹	اشتغالزایی و کاهش فقر ساکنان مرزی	۰/۰۷۹
۲	میزان مقاومت بافت شهری در برابر سوانح	۰/۰۸۵	۱۰	استفاده از فناوری های امنیتی و مخابراتی در مرزها	۰/۰۵۳
۳	مقاوم سازی و ایمن سازی سازه های حیاتی	۰/۰۵۶	۱۱	محافظت سلسله مراتبی از مراکز و معابر	۰/۰۷۹
۴	انتخاب عرصه ایمن و موقعیت مناسب پدیده ها	۰/۰۷۲	۱۲	مکان یابی استقرار عملکردها	۰/۰۵۳
۵	تجهیز بندار به اسکله های متحرک بارج های عظیم پهلوگیری کشتی ها	۰/۰۵۶	۱۳	مدیریت بحران دفاعی در صحنه ها	۰/۰۳۹
۶	توسعه طرح های مدیریت فنی و ایمنی در حوزه های بندری و دریایی	۰/۰۵۶	۱۴	ابتکار عمل و تنوع در کلیه اقدامات	۰/۰۳۱
۷	توزیع جمعیت و سرمایه های ملی در کل فضای سرزمینی	۰/۱۴۹	۱۵	پراکندگی در توزیع عملکردها متناسب با تهدیدات و جغرافیا	۰/۰۲۶
۸	مشارکت مرزنشینان در فرایند حفاظت از مرزها	۰/۱۲۹	۱۶	تأمین منابع و تجهیزات شرکت های خصوصی برای مدیریت شرایط اضطراری	۰/۰۱۱

نتایج روش تاپسیس: در این پژوهش برای اولویت بندی به شاخص های توسعه منطقه ای از منظر پدافند غیرعامل در مناطق مرزی از روش تاپسیس استفاده شد. شاخص های مورد استفاده در ماتریس تصمیم از جدول ۱ احصاء و معیارها و وزن آنها از جدول ۷ استخراج گردیده است. نتایج حاصل از روش تاپسیس که با استفاده از نرم افزار تحت وب «سافت گستر» محاسبه گردیده، در جدول ۸ بیان شده است.

جدول ۸: رتبه بندی شاخص های توسعه منطقه ای از منظر پدافند غیر عامل در مناطق مرزی

ردیف	نام شاخص توسعه منطقه ای	Ci	رتبه
۱	ایجاد و بهبود زیرساخت های مورد نیاز توسعه	۰.۴۵	۹
۲	بهبود و توسعه در وضع موجود مناطق در خدمات اجتماعی	۰.۴۳۷	۱۰
۳	تحرك بخشی به فرآیند تولید (حرکت به سمت حجم تولید بیشتر و متنوع تر)	۰.۶۹۸	۵
۴	کاهش بیکاری و رشد میزان اشتغال	۰.۷۷۲	۲
۵	افزایش متوسط ثروت و بهبود کیفیت زندگی در میان افراد منطقه	۰.۷۵۷	۴
۶	ساختار فعالیت اقتصادی	۰.۷۶۶	۳
۷	گستره فعالیت های نوآورانه	۰.۴۳۷	۱۰
۸	قابلیت دسترس پذیری منطقه ای	۰.۴۰۶	۱۱
۹	مهارت های نیروی کار	۰.۳۷۷	۱۲

ردیف	نام شاخص توسعه منطقه ای	Ci	رتبه
۱۰	ایجاد تحرک پذیری جمعیتی یک منطقه	۰.۶۸۱	۷
۱۱	توزیع عادلانه ثروت و خدمات در یک منطقه	۰.۶۹۱	۶
۱۲	عدم قابلیت معامله در بازار(دارا نبودن ارزش مستقیم بازاری)	۰.۰۸۷	۱۵
۱۳	دارا بودن ظرفیت بهره برداری	۰.۱۷	۱۴
۱۴	ایجاد همگرایی واقعی در میان مناطق و در یک منطقه (توسعه متوازن در یک منطقه و توسعه متعادل بین مناطق)	۰.۵۷۶	۸
۱۵	امید به زندگی	۰.۸۱۲	۱
۱۶	یادگیری فناورانه و نوآوری منطقه ای	۰.۲۷۳	۱۳
۱۷	استحکام و قوام مالی و امنیت اقتصادی (حمایت از سرمایه گذاری)	۰.۶۹۸	۵

۷- نتیجه گیری

باتوجه به اهمیت توسعه منطقه ای و لزوم توجه همزمان به معیارهای پدافند غیرعامل در مناطق مرزی برای تحقق توسعه پایدار نیاز به شاخص هایی است که همزمان با در نظر گرفتن الزامات توسعه منطقه ای بتواند معیارهای مهم در پدافند غیرعامل در مناطق مرزی را پوشش دهد. در این پژوهش برای نیل به هدف مذکور، ابتدا معیارهای پدافند غیرعامل در مناطق مرزی مورد شناسایی قرار گرفت. سپس با استفاده از تکنیک های تصمیم گیری چندمعیاره و ماتریس تصمیم، شاخص های توسعه منطقه ای از منظر پدافند غیرعامل در مناطق مرزی اولویت بندی گردید. نتایج جدول ۸ نشان می دهد که از نظر خبرگان پژوهش، مهمترین شاخصی که برای تحقق توأمان توسعه منطقه ای و پدافند غیرعامل در مناطق مرزی باید مورد توجه قرار گیرد، «امید به زندگی» است. طبق آمارهای مراکز رسمی کشور، استان سیستان و بلوچستان از نظر نرخ امید به زندگی پایین ترین رتبه را در میان سایر استان های کشور دارا می باشد. امید به زندگی و بقا، از شاخص های جدی سنجش توسعه و پیشرفت یک کشور است. این شاخص همواره در کنار سایر شاخص های اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی و بهداشتی به عنوان مهمترین آنها در بررسی وضعیت کشورها و مناطق مختلف دنیا به کار می رود. همچنین طبق نتایج پژوهش، مشارکت مرزنشینان در فرایند محافظت از مرزها، به عنوان یکی از مهمترین معیارهای پدافند غیرعامل، از طریق افزایش اشتغال و کاهش میزان بیکاری در مناطق مرزی محقق می گردد.

توزیع و پراکندگی جمعیت در مناطق مرزی به جهت آنکه این مناطق، اولین لایه مواجهه با تهدیدات خارجی محسوب می گردد از منظر پدافند غیرعامل حائز اهمیت می باشد. توجه همزمان به جداول ۷ و ۸ نشان می دهد تحقق معیار «توزیع جمعیت و سرمایه های ملی» در پدافند غیرعامل مناطق مرزی، مستلزم توجه به ساختار فعالیت اقتصادی، افزایش متوسط ثروت و بهبود کیفیت زندگی در میان افراد این مناطق است. علمدار و راستی (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود، ایجاد و گسترش فعالیت بازارچه های مرزی را به جهت آنکه موجب اشتغال زایی، ماندگاری مرزنشینان و جلوگیری کننده از مهاجرت بی رویه ... می گردد، یکی از بهترین راهبردهای پدافند غیرعامل برای مقابله با تهدیدات در استان های مرزی مطرح نموده اند.

از منظر پدافند غیرعامل باید میزان مقاومت بافت شهری مناطق مرزی در برابر سوانح طبیعی و تهدیدات خارجی افزایش یابد. با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش می توان ادعا نمود در صورت تحقق عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت در این مناطق، ضمن دستیابی به پراکندگی و توزیع جمعیت می توان میزان رضایتمندی و امید به زندگی در این مناطق را افزایش داد و از این طریق میزان مقاومت بافت شهری مناطق مرزی را در برابر سوانح و تهدیدات افزایش داد.

منابع

۱. آفتاب، احمد و هوشمند، اکبر (۱۳۹۷). تدوین راهبردهای دفاعی امنیتی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی با رویکرد آمایش سرزمین. فصلنامه راهبرد دفاعی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، صص ۱۵۳ الی ۱۸۷.
۲. آفتاب، احمد، نظم فر، حسین، موسوی، میرنجف و عشقی، علی (۱۳۹۵). تأثیر عوامل جغرافیایی بر پدافند غیرعامل در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی (با تأکید بر مکان یابی مراکز نظامی). پژوهش نامه مطالعات مرزی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱۲۷ الی ۱۵۴.
۳. اسکندری، حمید (۱۳۹۰). آمایش سرزمینی از منظر پدافند غیرعامل. تهران: نشر بوستان حمید، چاپ اول.
۴. اسماعیلی شاهرخت، مسلم و تقوایی، علی اکبر (۱۳۹۰). ارزیابی آسیب پذیری شهری با رویکرد پدافند غیرعامل با استفاده از روش های دلفی (نمونه موردی: شهر بیرجند). مدیریت شهری، شماره ۸۲.
۵. امین نیری، بهناز و اکبری، مهناز (۱۳۹۵). ارزیابی شهر مرزی سرپل ذهاب جهت برنامه ریزی پدافند غیرعامل. فصلنامه علوم و فنون مرزی. دوره هفتم، شماره ۴، صص ۱۱۵ الی ۱۳۳.
۶. بقائی، محمد. ۱۳۹۸. سنجش کارایی واحدهای فنوار از منظر توسعه منطقه ای (مورد مطالعه، صنایع غذایی خراسان رضوی). پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت. دانشگاه تهران.
۷. پریزادی، ط، میرزاده، ح. (۱۳۹۷). توسعه منطقه ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی)، ۱۸ (شماره ۵۰)، صص ۱۷۹ الی ۱۹۸.
۸. پورمحمدی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۴). پدافند غیرعامل و ضرورت ایجاد کاربری های چندمنظوره: رویکردی جدید در آینده نگری توسعه و امنیت پایدار شهری با تأکید بر زلزله خیزی شهر تبریز. پژوهش های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۷، شماره ۲، صص ۲۰۹ الی ۲۳۱.
۹. پورهاشمی، سیما، اصائلو، علی، منصوری دانشور، محمدرضا و سلیمانی، حمیدنژاد (۱۳۹۵). ارزیابی توان های توپوگرافیک در تدوین راهبردهای بهینه پدافند غیرعامل برای شهرهای مرزی (مطالعه موردی: شهر زاوین در نوار مرزی ایران و ترکمنستان، استان خراسان رضوی). فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیایی (سپهر)، دوره ۲۵، شماره ۹۷، صص ۸۱ الی ۹۶.
۱۰. پولادی، حسن، کشاورزبان، محمدمهدی، خان محمدی، هادی و اصلی پور، حسین (۱۳۹۵). الگوسازی عوامل تأمین کننده امنیت پایدار مرزی؛ (مطالعه موردی مرزهای شرقی ایران). فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره ۷۲، صص ۱۲۵ الی ۱۴۹.
۱۱. پوری رحیم، علی اکبر (۱۳۹۳). پدافند غیرعامل، راهبردی در دفاع سرزمینی. مجله علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۵، پیاپی ۵۳، شماره ۱، صص ۳۷ الی ۵۰.
۱۲. جعفری، امید و حمزه، فرهاد (۱۳۹۷). شاخص سازی پدافند غیرعامل از منظر زیرساختی در فضای شهری. فصلنامه علمی - پژوهشی فرماندهی و کنترل، سال دوم، شماره ۳.
۱۳. حبیبی، معصومه، شیخی، محمدرضا، شیرازکیان، مجتبی و تراچ، احسان (۱۳۹۱). پدافند غیرعامل در بافت شهری رهیافت ارتقاء امنیتی شهرهای مرزی. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش ها و رهیافت ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۴. حنفی، علی و موسوی، میرنجف (۱۳۹۲). مکان یابی مراکز حساس و مهم نظامی در مناطق مرزی ایران و ترکیه با توجه به شاخص های هیدروژئومورفولوژی با رویکرد پدافند غیرعامل. فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی، شماره ۵۱، سال سیزدهم، صص ۴۵ الی ۷۲.
۱۵. خادمه مولوی، علی و خادمه مولوی، فاطمه (۱۳۹۵). نقش اصول پدافند غیرعامل در رفع تهدیدات سایبری و تأثیر آن بر امنیت ملی. تهران، کنفرانس ملی پدافند غیرعامل و توسعه پایدار، صص ۳۲۵ الی ۳۳۱.
۱۶. سالارزایی، امیرحمزه، صابردوست، مینا و صابردوست، مهناز (۱۳۹۱). تأثیر پدافند غیرعامل بر امنیت مرزی. دانشگاه سیستان و بلوچستان، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش ها و رهیافت ها، صص ۱۲۲۵ الی ۱۲۳۳.
۱۷. ساریجلو، م. (۱۳۹۴). شناسایی و رتبه بندی شاخص های اصلی توسعه منطقه ای در حوزه اجتماعی-فرهنگی. دانشگاه تهران.

۱۸. شیخ زاده، رجبعلی، محمدی، مهدی، دهباشی، مهدیه و حسینی، سیدرفیع (۱۳۹۱). جنگ نرم و جایگاه پدافند غیرعامل در آمایش استان سیستان و بلوچستان. اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار.
۱۹. صائبی (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی توسعه منطقه ای مطالعه موردی منطقه خراسان رضوی. دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های بوم شناسی شهری، شماره ۳، صص ۳۵ الی ۵۰.
۲۰. رحیم صفوی، حبیبی و جمشیدی، مهدی (۱۳۸۷). تأثیر ویژگی های ژئوپلیتیکی عشایر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال نهم، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۷۵ الی ۹۶.
۲۱. روشندل، مهدی (۱۳۹۵). پایان نامه پدافند غیرعامل. تهران، قرارگاه خاتم الانبیا(صلی الله علیه و آله وسلم)، صص ۶ الی ۲۵.
۲۲. رازپور، مهدی، عراقی زاده، مجتبی و علی الحسابی، مهران (۱۳۹۷). الگوی تبیین شاخص های دفاع غیرعامل در راستای کاهش آسیب پذیری شهری. دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت بحران، شماره چهاردهم، صص ۱۳۷ الی ۱۵۳.
۲۳. غنابستانی، علی اکبر، نصرت آبادی، جمشید و مهدوی فر، غلامرضا (۱۳۹۲). راهکارهای توسعه مناطق مرزی با رویکرد پدافند غیرعامل. فصلنامه پدافند غیرعامل و امنیت، سال دوم، شماره ۷، صص ۷۰ الی ۸۷.
۲۴. علمدار، اسماعیل و راستی، عمران (۱۳۹۴). تحلیل کارگرد بازارچه های مرزی از منظر پدافند غیرعامل با تأکید بر نقش مرزنشینان (نمونه موردی: بازارچه مرزی ماهیرود سریشه استان خراسان جنوبی). فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، صص ۵۵ الی ۸۵.
۲۵. فلاورجانی، فرهاد و باباپور، محمدرضا (۱۳۹۱). لزوم اجرای الگوهای پدافند غیرعامل در شهرهای مرزی با تأکید بر کاهش آسیب پذیری شهرهای مرزی در مقابل تهدیدات. دانشگاه سیستان و بلوچستان، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش ها و رهیافت ها، صص ۲۰۲۱ الی ۲۰۳۳.
۲۶. قرخلو، م.، حبیبی، ک. (۱۳۸۵). تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه یافتگی استان های کشور با استفاده از تکنیک های برنامه ریزی. تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۱، ۵۹-۸۳.
۲۷. کوچکی نژاد، فاطمه و رحمانی پور، علیار (۱۳۹۲). ارزیابی میزان آگاهی عشایر از پدافند غیرعامل و تأثیر آن بر امنیت مرزها (نمونه موردی: جامعه عشایری شهرستان قصر شیرین، استان کرمانشاه). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال اول، شماره چهارم، صص ۱۲۹ الی ۱۴۴.
۲۸. محمدپور، مصطفی (۱۳۹۴). شناسایی و رتبه بندی شاخص های توسعه منطقه ای در حوزه صنعت. دانشگاه تهران.
۲۹. ملکی، سعید و کاوندی عبدالرحیم (۱۳۹۱). پدافند غیرعامل و شهرهای مرزی. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش ها و رهیافت ها، صص ۲۲۷۴ الی ۲۲۸۲.
۳۰. منصوردهقان، مرتضی و پورصادق، ناصر (۱۳۹۷). عوامل مؤثر در طراحی الگوی راهبردی پدافند غیرعامل برای بنادر جنوب کشور. نشریه صنعت حمل و نقل دریایی.
۳۱. یغفوری، حسین و بهشتی فر، جاسم (۱۳۹۱). تحلیل ظرفیت ها و محدودیت ها در راستای توسعه منطقه ای با تأکید بر آمایش مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان). همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش ها و رهیافت ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص ۲۶۰۴ الی ۲۶۱۹.
۳۲. for Economic Co-operation, D. A. C. O., & Development. (۲۰۰۱). The DAC guidelines: Strategies for sustainable development: guidance for development co-operation. OECD.
۳۳. Marchante, A. J., & Ortega, B. (۲۰۰۶). Quality of life and economic convergence across Spanish regions, ۱۹۸۰-۲۰۰۱. Regional Studies, ۴۰(۵), ۴۷۱-۴۸۳.
۳۴. Sarafi, M. (۱۹۸۸). Regional Development Planning Foundations in Iran.
۳۵. J. Rezaei, "Best-worst multi-criteria decision-making method," Omega, vol. ۵۳, pp. ۴۹-۵۷, ۲۰۱۵.
۳۶. H. Zhao, S. Guo, and H. Zhao, "Comprehensive assessment for battery energy storage systems based on fuzzy-MCDM considering risk preferences," Energy, vol. ۱۶۸, pp. ۴۵۰-۴۶۱, ۲۰۱۹.
۳۷. J. Rezaei, O. Kothadiya, L. Tavasszy, and M. Kroesen, "Quality assessment of airline baggage handling systems using SERVQUAL and BWM," Tour. Manag., vol. ۶۶, pp. ۸۵-۹۳, ۲۰۱۸.
۳۸. H.-W. Lo, J. J. H. Liou, C.-N. Huang, and Y.-C. Chuang, "A novel failure mode and effect analysis model for machine tool risk analysis," Reliab. Eng. Syst. Saf., vol. ۱۸۳, pp. ۱۷۳-۱۸۳, ۲۰۱۹.



- ۳۹. X. Mi, M. Tang, H. Liao, W. Shen, and B. Lev, "The state-of-the-art survey on integrations and applications of the best worst method in decision making: Why, what, what for and what's next?," *Omega*, ۲۰۱۹.
- ۴۰. J. Rezaei, "Best-worst multi-criteria decision-making method: Some properties and a linear model," *Omega*, vol. ۶۴, pp. ۱۲۶-۱۳۰, ۲۰۱۶.
- ۴۱. S. Guo and H. Zhao, "Fuzzy best-worst multi-criteria decision-making method and its applications," *Knowledge-Based Syst.*, vol. ۱۲۱, pp. ۲۳-۳۱, ۲۰۱۷.
- ۴۲. Jahanshahi, A., Kamali, M., Khalaj, M., & Khodaparast, Z. (۲۰۱۹). Delphi-based prioritization of economic criteria for development of wave and tidal energy technologies. *Energy*, ۱۶۷, ۸۱۹-۸۲۷.

شناسایی بسترها و زمینه‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزی (مطالعه موردی: اردبیل)

فرید عباسی^{۱*}، فاطمه دانه چین^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد (faridabbasi@mail.um.ac.ir)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای اقلیم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (fatemehdanehchin.abohava@gmail.com)

چکیده

طرح مسئله: توسعه مناطق مرزی، به خصوص در بعد اقتصادی، مبتنی بر اصول آمایش سرزمین همواره باعث امنیت مناطق مرزی به طور خاص و کشور به طور عام و عدم بروز مشکل با کشور همسایه می‌شود و یا تا حد زیادی چالش‌های مابین دو کشور را کاهش می‌دهد. این پژوهش به شناسایی مولفه‌های موثر بر آمایش سرزمین با تاکید بر منطقه مرزی اردبیل می‌پردازد که در این منطقه خاص چه زمینه و بستری بر آمایش و توسعه اقتصادی این منطقه تاثیرگذارند.

روش پژوهش: روش تحقیق حاضر از توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده است.

یافته‌ها: پژوهش حاضر بر اساس داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای و تحلیل کیفی نشان می‌دهد که، بازارچه مرزی بيله سوار از نظر آمایشی بر توسعه اقتصادی استان تاثیرگذار است و می‌تواند برای ۲۰۰ خانوار به صورت مستقیم و ۴۰۰ خانوار به صورت غیرمستقیم اشتغال ایجاد کند و در نتیجه نقش مهم و بسزایی در توسعه اقتصادی منطقه دارد. همچنین، منطقه آزاد اردبیل با اشتغال‌زایی، حضور سرمایه‌گذاران در منطقه، معافیت از عوارض گمرکی و سود بازرگانی، رفع مشکل بیکاری، افزایش ارزش افزوده املاک و مستغلات، معافیت‌های مالیاتی ۲۰ ساله باعث بهره‌مندی این منطقه مرزی می‌شود.

نتیجه‌گیری: و در نهایت، یکی از مهم‌ترین مسائلی که در مناطق مرزی باید از لحاظ آمایشی مد نظر قرار بگیرد، بحث توسعه اقتصادی منطقه است که می‌توان با استفاده از بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد تجاری به آن دست یافت و هر مقدار که توسعه اقتصادی مناطق مرزی بیشتر و بهتر باشد، می‌توان برنامه‌ریزی‌های بلندمدت‌تری در مناطق مرزی داشت.

واژگان کلیدی: مرز، مناطق مرزی، آمایش سرزمین، توسعه اقتصادی، منطقه مرزی اردبیل

۱- مقدمه

اهمیت این مناطق، بر ضرورت آمایش و نیز توسعه اقتصادی صحه می‌گذارد (صابر و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۵). در واقع کشورهای مختلف بنا به حساسیت و دغدغه‌هایی که در زمینه بعد اقتصادی سرزمین خود دارند به بحث‌های آمایش مناطق مرزی از این جهت توجه ویژه‌ای دارند. یکی از مهم‌ترین ابعاد و ملاحظات آمایش سرزمین بعد توسعه اقتصادی آن در مناطق مرزی است، زیرا مناطق دور افتاده و مرزی در شرایطی کاملا نابرابر از جهت دسترسی به فرصت‌ها و منافع حاصل از رشد و توسعه قرار دارند. عدم توسعه یافتگی صنعتی در کنار اشتغال بالا در بخش کشاورزی با راندمان تولید پایین، روستاهای کوچک، وضعیت نامطلوب منابع پایه‌ای، فقدان ساختارهای مطلوب حمل و نقل (عدم دسترسی) و سطح پایین رفاه و امنیت (اسماعیل زاده، ۱۳۹۱: ۳)، عمده‌ترین مشخصه‌های اقتصادی مناطق مرزی است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی فراهم آورده است (احمدی پور، ۲۰۱۳). مهم‌ترین ویژگی ساختار این مناطق، فقدان تنوع در بسترهای اقتصادی و فرصت‌های شغلی خصوصا برای نیروی انسانی رو به افزایش روستایی است (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰). جهت رفع این معضلات، بالندگی و حرکت در مسیر توسعه اقتصادی مناطق مرزی، تمرکز بر روی مبادلات بازرگانی و ایجاد بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد می‌تواند به عنوان دروازه‌های اقتصادی عمل کرده و محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزیت‌های نسبی و گسترش همکاری‌ها و توسعه بازارهای بین منطقه‌ای، تثبیت قیمت‌ها، جهت‌دهی سودهای تجاری، افزایش اشتغال و رفاه برای جامعه مناطق مرزی باشد (زرقانی، ۱۳۹۱: ۲). این بازارچه‌ها و مناطق آزاد ضعف اقتصادی موجود در محدوده مرزها را جبران و از خالی شدن روستاها و شهرهای حاشیه مرزها جلوگیری می‌کنند. همچنین با پخش منافع توسعه به مناطق پیرامون، زمینه ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها می‌گردند. در واقع در این مناطق، بازارچه‌ها و مناطق آزاد خلا ناشی از برنامه‌های آمایشی کشور را برطرف می‌سازند (صادقی و ربیعی، ۱۳۹۳: ۸۵).

استان اردبیل یکی از استان‌های مرزی کشور با جمعیت روستایی مرزنشین بسیار است. فاصله از مرکز و فقدان تنوع اقتصادی، وضعیت دشوار معیشتی را برای جمعیت این منطقه رقم زده است. راندمان پایین فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی موجب گسترش فقر، بیکاری و مهاجرت در کنار افزایش گرایش به فعالیت‌های غیررسمی در منطقه گردیده است؛ این درحالی است که موقعیت جغرافیایی و همسانی شرایط فرهنگی و اجتماعی با مردمان آن سوی مرز، وضعیتی مطلوب را جهت ایجاد بازارچه مرزی و منطقه آزاد تجاری رقم زده است. با توجه به این پتانسیل بالای منطقه در تجارت مرزی در کنار گمرک رسمی مغان، بازارچه مرزی بیله سوار و نیز منطقه آزاد اردبیل با هدف بهبود معیشت، افت آهنگ مهاجرت‌های روستایی و شهری، محرومیت زدایی و به طور کلی توسعه اقتصادی تاسیس گردیدند. حال تبیین چگونگی کارکرد و عملکرد، میزان کیفیت اثرگذاری آن‌ها و اهداف تاسیس آن‌ها در استان اردبیل هدف اصلی این پژوهش است.

۲- منابع نظری

۲-۱- توسعه اقتصادی

اصطلاح توسعه اقتصادی به طور نسبی تازه است. تا دهه ۱۹۵۰ اغلب اقتصاددانان، توسعه اقتصادی را به عنوان رشد مشخص درآمد سرانه واقعی در کشورهای توسعه نیافته تعبیر می‌کردند. لیکن از آن زمان به بعد بسیاری از اقتصاددانان تاکید می‌کنند که توسعه اقتصادی به معنای رشد به اضافه‌ی تغییر، به ویژه تغییر ارزش‌ها و نهادها است. تقریبا در کلیه تحقیقات معاصر درباره توسعه، این فرض مستتر است که رشد مداوم و اقتصادی دراز مدت، توسعه را تسهیل خواهد کرد. آنچه که واضح و روشن می‌باشد، این است که توسعه اقتصادی و رای رشد اقتصادی است. اما ارایه تعریفی دقیق از توسعه اقتصادی چندان سهل و آسان نیست. در تعریف رشد اقتصادی معمولا چنین اظهار نظر می‌کنند که رشد اقتصادی عبارت از افزایش سالانه و

مستمر درآمد سرانه کل جمعیت کشوری معین در یک دوره طولانی است. در حالی که توسعه اقتصادی به دگرگون کردن اقتصاد از یک مرحله سنتی، معیشتی، روستایی و منطقه‌ای به مرحله یک اقتصاد عقلانی، تجاری، شهری و ملی، همراه با ایجاد نهادهای مناسب برای ممکن کردن تحرک کارآمد عوامل تولید ارتباط پیدا می‌کند. این دگرگونی اغلب شامل تغییر ساختار اقتصاد از یک ساخت عمده کشاورزی به یک ساختار عمده صنعتی است (عباسی، ۱۳۹۸: ۴۶).

۲-۲- مفهوم مرز

مرز از جمله مفاهیمی است که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوتی پیدا می‌کند. مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها، و یا ذهنی به کار می‌رود: مانند مرزهای عقیدتی. همچنین می‌تواند باز، بسته یا ضعیف و یا قوی باشد (موسوی و زنگی آبادی، ۱۳۹۰).

مرز با واژه‌ها و مفاهیم زیادی شناخته شده است. مفهوم اصلی مرز در مقابل واژه Border به معنی مرز سیاسی و رسمی است. واژه Boundary معنی حدود و محدوده را می‌رساند. واژه Frontier به معنای جبهه و مرز مقابله و مواجهه نشانگر شرایط ستیز و جنگ در مرزهای کشورها است (Parker, ۲۰۰۱). بنابراین، در گذشته و تا چند دهه پیش و حدودا تا پایان دوران جنگ سرد، مرز نشانگر اقتدار ملی، محدوده اعمال حاکمیت و حفظ امنیت ملی از تجاوزات خارجی بود. افزون بر این، چون مرز به عنوان خطی است که سرزمین کشور را محدود می‌کند و آن را از خارج جدا می‌سازد؛ مناطق داخلی، مرکزی می‌شود و مناطق خارجی پیرامونی به حساب می‌آید. در فرایند انزوا و به حاشیه کشیده شدن مناطق پیرامونی، مناطق مرزی خصوصیات مناطق پیرامونی را پیدا می‌کند. بنابراین، در شرایطی که مناطق مرزی دور از مرکز یک کشور باشد، مناطق پیرامونی به حساب می‌آید. بر این مبنا، مناطق مرزی محل تلاقی دو پدیده نامنی و توسعه نیافتگی در مناطق پیرامونی است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸).

با شرایطی که جهان در قرن بیست و یکم پیدا کرده است، معنای مرز در جغرافیای سیاسی گسترده‌تر از مرزی است که در معنای تقسیم محدوده قدرت کشورهای مستقل همسایه به کار رفته است. امروزه، مرزهای سیاسی تأثیرات مستقیم و گسترده‌ای بر استقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، فرهنگ و ایدئولوژی، دیپلماسی و نیروی نظامی دارند و حد نهایی کنترل و حاکمیت هر دولت را بر قلمرو و مردم خود نشان می‌دهند (جان پرور، ۱۳۸۷: ۱۵).

۲-۳- منطقه مرزی

منطقه مرزی به عنوان یک ناحیه و سیستمی که در آنجا، قلمروهای تحت حکومت دو تا چند کشور به هم می‌رسند و یا تداخل پیدا می‌کنند، تعریف شده است. مرز میان حکومت‌ها ممکن است در روی زمین مشخص شده باشد یا نشده باشد. اما، حداقل دو حکومت، باید وجود داشته باشد. در واقع، مناطق مرزی برخلاف مرز درون‌گرا هستند و بیشتر به توسعه‌های هسته-ای وابسته‌اند. اگرچه، میزان کنترل مستقیم هسته بر مناطق مرزی ممکن است متغیر باشد. در واقع، مناطق مرزی با تغییر روابط سیاسی-اقتصادی تغییر می‌کنند و اغلب مناطق مرزی، به دلیل آنکه کاملاً تثبیت نشده‌اند یا توانایی بالقوه اقتصادی آنها ناشناخته مانده است، به عنوان مناطق حاشیه‌ای محسوب می‌شوند (Vogel, ۲۰۰۴: ۴).

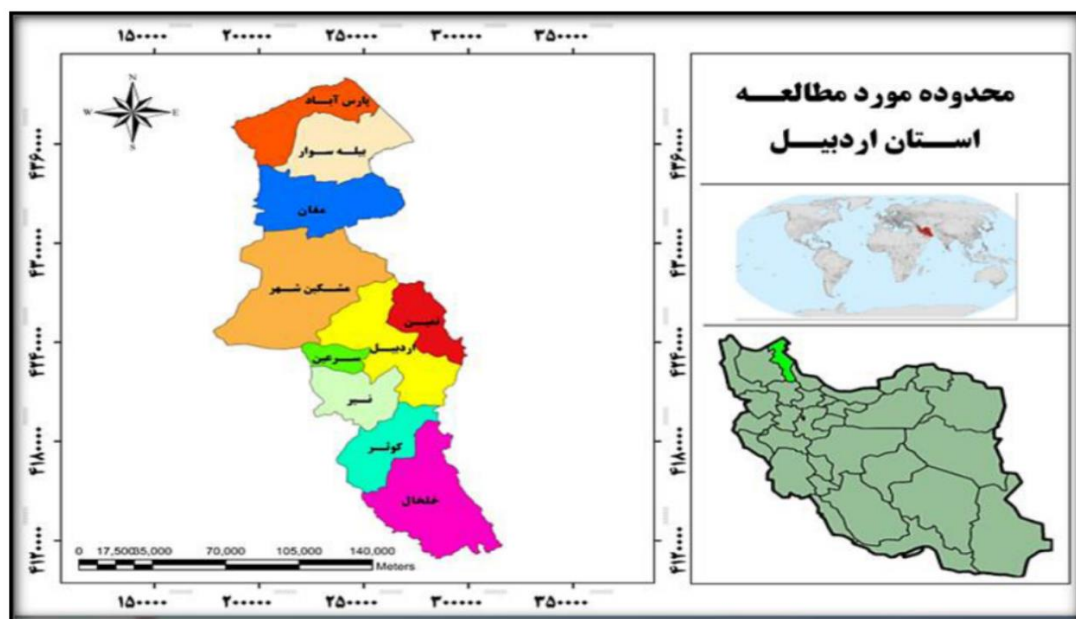
۳- روش تحقیق

این پژوهش با هدف کاربردی و روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. با توجه به موضوع تحقیق که شناسایی بسترها و زمینه‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزی استان اردبیل است، داده‌ها و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای از نشریات، مقالات علمی، کتب و سایت‌های معتبر اینترنتی جمع‌آوری شده‌اند. از این رو، در ابتدا به بیان مباحث نظری تحقیق پرداخته شده

است. سپس منطقه مورد مطالعه معرفی شده و بسترها و زمینه‌های توسعه اقتصادی شامل بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد مورد شناسایی و واکاوی قرار گرفته‌اند.

۴- منطقه مورد مطالعه

استان اردبیل در قسمت شمالی فلات ایران با وسعتی معادل ۱۷۸۶۷ کیلومتر مربع که بین ۴۵ دقیقه و ۳۷ درجه تا ۴۲ دقیقه و ۳۹ درجه عرض شمالی از خط استوا و ۳۰ دقیقه و ۴۷ درجه تا ۵۵ دقیقه و ۴۸ درجه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. میانگین ارتفاع آن بیش از ۱۴۰۰ متر از سطح دریا است. استان اردبیل از شمال با جمهوری آذربایجان، از شرق با استان گیلان، از جنوب با استان زنجان و از غرب با استان آذربایجان شرقی محدود است. بر اساس تقسیمات کشوری در آبان ماه سال ۱۳۹۰ استان اردبیل دارای ۱۰ شهرستان، ۲۶ شهر، ۲۹ بخش، ۷۱ دهستان و ۱۶۹۶ آبادی دارای سکنه بوده است (سرور و همکاران، ۱۳۹۵).



نقشه ۱: موقعیت استان اردبیل در کشور

منبع: گیتاشناسی، ۱۳۹۶

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- بازارچه مرزی

بازارچه مرزی محوطه‌ای است محصور در جوار گمرکات مرزی که در نقاط صفر مرزی مطابق با استانداردهای تعیین شده توسط دولت به صورت مستقل یا در قالب تفاهم نامه منعقد شده بین ایران و کشورهای هم جوار تاسیس می‌شود و در آنجا با حضور نماینده گمرک، تشریفات ترخیص کالای مجاز برای مبادلات مرزی صورت می‌گیرد. مرزنشینان می‌توانند کالاها و محصولات مجاز خود را با رعایت مفاد این قانون در بازارچه مرزی مشترک مبادله کنند. در اداره بازارچه‌های مرزی، وزارت کشور، وزارت بازرگانی و گمرک دخالت دارند. این نظارت به طرق زیر عملی می‌گردد:

الف: وزارت کشور: استاندار هر استان مدیر بازارچه مرزی را معرفی می‌کند و وی وظایف متعددی دارد.

- کنترل تردد افراد در بازارچه
- نظارت بر پلمپ دربهای ورودی و خروجی
- کنترل حضور پرسنل واحدهای اجرایی مستقر در بازارچه
- اخذ اجاره بهای غرفه‌ها
- هماهنگی با نیروی انتظامی و مرزبانی برای ایجاد امنیت در بازارچه
- تنظیم بودجه سالیانه

ب- گمرک: حضور گمرک طبق تبصره ۱ ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی قانون صادرات و واردات ضروری بوده و برای نظارت و کنترل جهت ورود و صدور کالا، صدور پروانه سبز گمرکی، ارزیابی کالا از نظر ارزش و تعرفه و نظارت بر مجوزها لازم است.

ج- وزارت بازرگانی: حضور نماینده وزارت بازرگانی جهت ثبت آماری نوع و تعداد و ارزش کالاهای وارده و صادره، اطلاع رسانی در رابطه با مقررات صادرات و واردات در بازارچه ضروریست (طیب‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳).

۵-۲- سابقه شکل‌گیری بازارچه‌های مرزی در ایران

اساساً شکل‌گیری بازارچه مرزی نتیجه یک اقتصاد بسته با قوانین صادرات و واردات دست و پا گیر است. زیرا در شرایط فعلی بسیاری از کشورهای دنیا در اتحاد منطقه‌ای فضای اقتصادی و تجاری خود را باز کرده و در تلاش جهت پیوستن به تجارت جهانی هستند. اما به هر ترتیب ایجاد بازارچه‌های مرزی هم در ایجاد تعادل اقتصادی و رونق منطقه‌ای و محلی موثر بوده و می‌تواند در رفع محرومیت مناطق مرزی و ایجاد اشتغال و درآمد و پویایی اقتصادی موثر واقع شود.

نواحی مرزی کشور از گذشته به دلیل فاصله جغرافیایی با مرکز خدماتی از امکانات محروم مانده و اغلب جزء نواحی عقب مانده محسوب می‌شود. لذا ایجاد بازارچه‌های مرزی به شکل درست و اصولی و کنترل همه جانبه آن می‌تواند در رونق این نواحی مفید باشد.

بر اساس ماده ۱۱ قانون صادرات و واردات به دولت اختیار داده می‌شود در هر یک از مناطق مرزی که ایجاد بازارچه مرزی را مفید می‌داند با رعایت اولویت نظیر استعداد محلی، ضرورت اشتغال و توسعه روابط تجاری با کشور همسایه نسبت به ایجاد آن اقدام نماید.

بر اساس این قانون اولین بازارچه مرزی در سال ۱۳۶۸ در نقطه مرزی (ساری سو) بین ایران و ترکیه ایجاد گردید سپس گسترش این بازارچه‌ها ادامه یافت و در حال حاضر ۵۲ بازارچه مرزی بین ایران و کشورهای همجوار فعالیت دارند. صادرات بازارچه‌های مرزی کم کم افزایش یافت و از کل صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۵ سهم یک درصد و در سال ۱۳۸۰ سهم ۱۵ درصدی را به خود اختصاص داد. ارزش صادراتی این بازارچه‌ها نیز از ۲۰ میلیون دلار در سال ۷۵ به ۲۹۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ رسید (پورشیخیان، ۱۳۹۰).

۵-۳- بازارچه مرزی بیله سوار

بیله سوار به شهر همیشه آفتابگیر استان اردبیل شهره است که در ۱۲۵ کیلومتری شهر اردبیل، مرکز استان اردبیل، قرار گرفته است. این شهر در مجاورت مرز مشترک ایران و جمهوری آذربایجان قرار گرفته است. یکی از دلایل شهرت این شهر وجود بازارچه مرزی بیله سوار است که با نام بازار گمرک بیله سوار نیز شناخته می‌شود. فعالیت این گمرک که یکی از دو معبر اصلی ارتباط بین جمهوری ایران و جمهوری آذربایجان است قریب به دوپست سال قدمت دارد. این گمرک یکی از مهم ترین معابر واردات و صادرات کالا به آذربایجان و بالعکس است. مسافری بسیاری از این گمرک برای تردد زمینی بین این دو کشور استفاده می‌نمایند که همین امر اهمیت این گمرک را افزایش می‌دهد.

در کنار گمرک بیله سوار و درست در نقطه صفر مرزی بازارچه بزرگی با بیش از سیصد غرفه فروش قرار دارد که با نام بازارچه مرزی بیله سوار شناخته می شود. در این غرفه ها اجناسی از کشورهای ترکیه، آذربایجان، چین و .. به فروش می رسد. این بازار به دلیل تنوع بالای محصولات آن، کیفیت مناسب و قیمت پایین در بین مردمان کشور آذربایجان و ایران بسیار محبوب است و در ردیف نخستین جاذبه پرترفدار استان اردبیل نیز قرار دارد. از اجناس پرترفدار ارائه شده در این بازارچه مرزی می توان به البسه زنانه، لوازم آرایشی و بهداشتی، کت و شلوار مردانه، کیف، کفش، لوازم خانگی و .. اشاره کرد که در این میان لوازم خانگی و پوشاک زنانه از اقبال بیشتری برخوردارند (سازمان صنعت، معدن و تجارت استان اردبیل، ۱۳۹۵).

این بازارچه همه ساله در روزهای آخر تابستان و روزهای آخر سال مملو از حضور خریدارانی است که از نقاط مختلف کشور خود را به بیله سوار رسانده اند. در این فصول برخلاف اغلب بازارهای ایرانی شاهد افزایش قیمت نیستیم و اغلب غرفه ها برای جذب مشتریان بیشتر قیمت هایشان را ثابت نگاه می دارند. این بازارچه مرزی در فاصله ۱۷۵ کیلومتری شهر اردبیل و ۲۲۰ کیلومتری شهر باکو قرار گرفته است و از آنجا که ورود اهالی کشور آذربایجان به خاک ایران نیازمند روایت خاصی نیست بسیاری از اهالی این کشور نیز در این بازارچه مرزی به چشم می خورند.

بازارچه مرزی بیله سوار می تواند برای ۲۰۰ خانوار به صورت مستقیم و ۴۰۰ خانوار به صورت غیرمستقیم اشتغال ایجاد کند. با توجه به بالا بودن نرخ بیکاری در شهرهای مرزی استان به ویژه در بیله سوار وجود بازارچه مصوب مرزی در این منطقه می تواند برای ۴۰۰ خانوار به صورت غیرمستقیم اشتغال ایجاد کند. همچنین بازارچه های مشترک مرزی می تواند به صورت غیرمستقیم از طریق گسترش برخی مشاغل جانبی در برخی بخش ها مثل حمل و نقل کالا و مسافر، رفاهی و خدماتی، خدمات مربوط به تجارت و بازرگانی ایجاد اشتغال کند (سازمان صنعت، معدن و تجارت استان اردبیل، ۱۳۹۵).



شکل ۱: بازارچه مرزی استان اردبیل (بیله سوار)

منبع: سایت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان اردبیل، ۱۳۹۵

۴-۵- تجارت چمدانی

با توجه به مجاز بودن صادرات کالاهای غیراساسی به روش چمدانی از طریق گمرکات کشور، در سال ۱۳۹۸ حجم ۲۶ میلیون دلار کالا به روش تجارت چمدانی و به وسیله اتباع جمهوری آذربایجان و اغلب به مقصد این کشور، از استان اردبیل

انجام شده است. گمرک بیله سوار به صورت شبانه روزی در خدمت رونق صادرات و توسعه بازرگانی خارجی کشور است و حدود نیمی از مجموع صادرات استان اردبیل مربوط به صادرات چمدانی است.

استان اردبیل دارای سه واحد گمرکی فرودگاه، گمرک اردبیل و گمرک بیله سوار مغان است. گمرک شهرستان بیله سوار مغان به عنوان تنها واحد گمرک بین‌المللی اردبیل، یکی از دروازه‌های اصلی تجارت با جمهوری آذربایجان، روسیه و گرجستان محسوب می‌شود که سالانه حدود ۷۰ میلیون دلار از محل گمرک بیله سوار به جمهوری آذربایجان، گرجستان و روسیه صادر می‌شود که حدود نزدیک به نیمی از آن به روش تجارت چمدانی صورت می‌گیرد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸).

۵-۵- مناطق آزاد

در ایران دو گونه منطقه خاص برای فعالیت اقتصادی با امتیازات خاص وجود دارد. گونه اول منطقه آزاد تجاری صنعتی و گونه دوم مناطق ویژه اقتصادی است، اما گاه افکار عمومی و حتی سرمایه‌گذاران تعاریف و تفاوت‌های این دو منطقه را بدرستی نمی‌دانند، حال آن‌که قوانین و مقررات این مناطق با یکدیگر متفاوت است. هم‌اکنون در کل کشور هفت منطقه آزاد وجود دارد؛ در حالی که مناطق ویژه اقتصادی از مرز ۳۰ عدد گذشته است.

هدف اصلی از راه اندازی هر دوی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با رویکرد رشد صنعت و اشتغال، جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کسب درآمد ارزی و افزایش صادرات، دستیابی به فناوری پیشرفته، جذب نقدینگی سرگردان داخلی و کمک به مهار تورم و محرومیت‌زدایی تاسیس شده‌اند. با این حال کمیت و کیفیت مشوق‌هایی که در این مناطق به سرمایه‌گذاران ارائه می‌شود، باهم متفاوت است؛ به گونه‌ای که مشوق‌های فعالیت اقتصادی در مناطق آزاد بسیار جذاب‌تر و بیشتر از مناطق ویژه است (عاشری، ۱۳۹۰).

بنا به تعاریف بین‌المللی، منطقه آزاد محدوده حراست شده بندری و غیر بندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زاید ارزی، اداری و مقررات دست و پاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌نماید. در تعریف سازمان ملل متحد (یونیدو) از مناطق آزاد به عنوان «محرکه» در جهت تشویق صادرات صنعتی تلقی می‌گردد. همچنین در برداشت جدید از مناطق آزاد - که به منطقه آزاد پردازش صادرات معروف است - به ناحیه صنعتی ویژه ای در خارج از مرز گمرکی، که تولیداتش جهت گیری صادراتی دارند، گفته می‌شود. فلسفه این اصطلاح را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد: «به محدوده جغرافیایی مشخص که قوانین گمرکی محدوده گمرکی کشور در آن اجرا نمی‌شود و به منظور تسهیل در امر واردات و صادرات کالا و حمایت از صنعت داخلی کشور و همچنین جذب فناوری‌های نوین در امر تولید و توسعه منطقه ای در مبادی گمرکات و نقاط مرزی کشور ایجاد می‌شود را مناطق ویژه تجاری - صنعتی می‌نامند.

مهمترین اهداف ایجاد مناطق آزاد عبارتند از: توسعه صادرات و کمک به کشور برای ورود به بازارهای جهانی و آشنایی با تجارت خارجی و گسترش و متنوع ساختن صادرات، دستیابی به بازارهای پولی جهان، شتاب بخشیدن به ورود سرمایه‌های خارجی به کشور به ویژه در بخش‌های مولد، جذب و انتقال تکنولوژی و فناوری به درون اقتصاد کشور، افزایش کارایی اقتصادی و تربیت نیروی انسانی ماهر، افزایش تولید و ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی به ویژه بخش صنعت، کمک به ورود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با شرایط و قیمت مناسب‌تر، افزایش درآمد کشور ناشی از فعالیت‌های خدماتی (حمل و نقل، بارگیری و تخلیه، بانکداری، بیمه‌گری و توریسم)، ایجاد فرصت‌های اشتغال در داخل کشور.

در ماده (۱) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اهداف ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی این چنین آمده است: «به منظور تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازارکار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی، به دولت اجازه داده می‌شود مناطقی را به عنوان مناطق آزاد تجاری و صنعتی براساس موازین قانونی و این قانون اداره نماید» (خلیلی موسوی، ۱۳۹۴).

۵-۶- مزیت‌های قانونی مناطق آزاد در ایران

مزیت‌های قانونی مناطق آزاد در ایران عبارت‌اند از:

- معافیت مالیاتی ۱۵ ساله برای دریافت کنندگان مجوز فعالیت اقتصادی،
- معافیت از پرداخت هرگونه حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای واردات مواد اولیه، ماشین آلات و قطعات یدکی جهت تولید کنندگان منطقه،
- ورود آزاد و بدون حقوق گمرکی ماشین آلات، قطعات یدکی، مواد اولیه و مصالح ساختمانی جهت احداث واحدهای تولیدی، تجاری و خدماتی در منطقه،
- معافیت گمرکی برای ورود کالاهای ساخته شده در منطقه آزاد به داخل کشور به میزان ارزش افزوده،
- امکان ترانزیت و صدور مجدد کالا بدون محدودیت،
- عدم نیاز به رواید و سهولت در صدور مجوز ورود و اقامت خارجیان،
- آزادی مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی تا سقف ۱۰۰ درصد و مالکیت ۱۰۰ درصد سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به اعیانی مستحقات در اراضی استیجاری،
- آزادی انتقال ارز به خارج از کشور بدون هیچ محدودیت،
- آزادی کامل ورود و خروج اصل سرمایه و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی،
- تضمین کامل سرمایه‌های خارجی و سود حاصل از آن‌ها،
- امکان استفاده از نیروی انسانی متخصص در منطقه، (خلیلی موسوی، ۱۳۹۴).

۵-۷- منطقه آزاد اردبیل

استان اردبیل به لحاظ موقعیت جغرافیایی خود یکی از مناطق مستعد در زمینه ایجاد منطقه آزاد تجاری، صنعتی می‌باشد و مردم و مسوولان این استان به آن به عنوان یکی از راهکارهای توسعه منطقه چشم دوخته‌اند. داشتن ۳۸۰ کیلومتر مرز خشکی با جمهوری آذربایجان، برخورداری از گمرک بین‌المللی بیله سوار مغان، قابلیت‌های غنی کشاورزی و گردشگری از جمله پتانسیل‌هایی است که استان اردبیل برای ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی از آن برخوردار می‌باشد.

اشتغال‌زایی، حضور سرمایه‌گذاران در منطقه، معافیت از عوارض گمرکی و سود بازرگانی، رفع مشکل بیکاری، افزایش ارزش افزوده املاک و مستغلات، معافیت‌های مالیاتی ۲۰ ساله از جمله مزایای منطقه آزاد تجاری، صنعتی است که استان اردبیل بویژه منطقه مرزی مغان از آن بهره‌مند می‌شود.

هر چند در دهه‌های اخیر منطقه شاهد رونق و توسعه کشاورزی و عمران و آبادانی بوده است اما استان اردبیل با توجه به فاصله عمیقی که با دیگر استان‌های برخوردار کشور دارد نیازمند توجه ویژه به زیرساخت‌های توسعه می‌باشد که بخش مهمی از آن با ایجاد منطقه آزاد تجاری و صنعتی تحقق یافته است.

مهاجرت به عنوان معضلی که هر سال جوانان این منطقه را در خود فرو می‌برد با طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری در استان در حال کاهش می‌باشد و امیدی در دل جوانان برای رونق کسب و کار بوجود آمده است (شاددل و موسی زاده، ۱۳۹۶).

۶- نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی بسترها و زمینه‌های توسعه اقتصادی استان اردبیل به عنوان یک منطقه مرزی صورت گرفته است. نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان داد که بازارچه مرزی بیله سوار می‌تواند برای ۲۰۰ خانوار به صورت مستقیم و ۴۰۰ خانوار به صورت غیرمستقیم اشتغال ایجاد کند. با توجه به بالا بودن نرخ بیکاری در شهرهای مرزی استان به ویژه در بیله سوار وجود بازارچه مصوب مرزی در این منطقه می‌تواند برای ۴۰۰ خانوار به صورت غیرمستقیم اشتغال ایجاد کند. همچنین بازارچه‌های مشترک مرزی می‌تواند به صورت غیرمستقیم از طریق گسترش برخی مشاغل جانبی در برخی بخش‌ها مثل حمل و نقل کالا و مسافر، رفاهی و خدماتی، خدمات مربوط به تجارت و بازرگانی ایجاد اشتغال کند.

همچنین، با توجه به مجاز بودن صادرات کالاهای غیراساسی به روش چمدانی از طریق گمرکات کشور، در سال ۱۳۹۸ حجم ۲۶ میلیون دلار کالا به روش تجارت چمدانی و به وسیله اتباع جمهوری آذربایجان و اغلب به مقصد این کشور، از استان اردبیل انجام شده است.

بستر دیگری که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه اقتصادی استان باشد عبارت است از منطقه آزاد اردبیل. استان اردبیل به لحاظ موقعیت جغرافیایی خود یکی از مناطق مستعد در زمینه ایجاد منطقه آزاد تجاری، صنعتی می‌باشد و مردم و مسوولان این استان به آن به عنوان یکی از راهکارهای توسعه منطقه چشم دوخته‌اند. داشتن ۳۸۰ کیلومتر مرز خشکی با جمهوری آذربایجان، برخورداری از گمرک بین‌المللی بیله سوار مغان، قابلیت‌های غنی کشاورزی و گردشگری از جمله پتانسیل‌هایی است که استان اردبیل برای ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی از آن برخوردار می‌باشد.

منابع

۱. افضل، رسول؛ قالیباف، محمد باقر؛ احمدی فیروزجائی، میثم (۱۳۹۲)، تبیین تحولات مفهوم مرز در فضای سیاسی مجازی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵ (۱)، ۲۱۷-۲۳۸.
۲. احمدپور، آرام (۱۳۹۱)، بازارچه مرزی و نقش آن در توسعه امنیت سیستان و بلوچستان، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان؛
۳. اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۹۱)، بازارچه‌های مشترک مرزی مکانیسمی برای سالم سازی اقتصاد مناطق مرزنشین و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه-ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، خرداد؛

۴. اسفندیاری، علی اصغر؛ مقدس حسین زاده، سمیره؛ دلاوری، مجید (۱۳۸۷)، ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تاثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق، نشریه پژوهش‌های اقتصادی، ۸، (۱)، ۱۱۹-۱۴۶.
۵. التجایی، ابراهیم (۱۳۸۸)، مناطق آزاد تجاری و صنعتی: ابزار راهبرد توسعه صادرات در مقایسه با سه کشور دیگر آسیایی، نشریه پژوهش‌های اقتصادی، ۹، (۲)، ۱۸۹-۲۲۲.
۶. حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. انتشارات سمت، تهران.
۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۶). منطقه آزاد تجاری، صنعتی اردبیل؛ گذرگاهی برای خروج استان از بن بست اقتصادی. <https://www.irna.ir/news/۸۲۷۵۸۰۹۴>
۸. سرور، رحیم؛ عشقی چهاربرج، علی؛ علوی، سعیده (۱۳۹۵)، اقتصاد فضا و نابرابری‌های منطقه‌ای؛ نمونه موردی: استان اردبیل، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۶ (۲۴)، ۷۲-۵۹.
۹. طیب نیا، سیدهدای؛ منوچهری، سوران (۱۳۹۳)، نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی مورد: روستاهای بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۵ (۱).
۱۰. عباسی، فرید (۱۳۹۸). مشارکت اجتماعی و توسعه پایدار روستایی. نشر باغ رضوان، اردبیل.
۱۱. عندلیب، علیرضا؛ مطوف، شریف (۱۳۸۸)، توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، نشریه باغ نظر، ۱۲ (۶)، ۷۶-۵۷.
۱۲. عاشری، امامعلی (۱۳۹۰)، ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی و امنیتی احداث بازارچه‌های مرزی و نقش آن در توسعه مناطق مرزی، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج؛
۱۳. موسوی، میرنجف؛ زنگی آبادی، علی (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه شهرهای مرزی. انتشارات توس، مشهد.
۱۴. Janparvar, M., (۲۰۰۸), **Examination of Border Concept Based on Contemporary Era**, Master Thesis By Leading Mohammad Reza Hafeznia, Tarbiat Modares University. (In Persian)
۱۵. Vogel, Melissa., (۲۰۰۴), **The Role of Frontiers and Border Zones in Interpolate Relations**, Paper Presented at the Annual Meeting for The Society for American Archarobyy, Montreal.

نقش بهبود فضای کسب و کار در کشور در کاهش مهاجر فرستی مناطق مرزی

دکتر هادی اعظمی^۱، امین مرادی^{۲*}، سمیرا چناری^۳

- ۱- دانشیار جغرافیای سیاسی، (گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر علی شریعتی)، دانشگاه فردوسی مشهد
- ۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، (گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر علی شریعتی)، دانشگاه فردوسی مشهد
- ۳- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، (گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر علی شریعتی)، دانشگاه فردوسی مشهد

* نویسنده مسئول: aminm4940@gmail.com

چکیده

طرح مسأله: فضای کسب و کار از شاخص‌های تعیین کننده وضعیت اقتصادی هر کشوری است که با استناد به آن می‌توان به بررسی و تجزیه و تحلیل شرایط اقتصادی هر کشور پرداخت. این شاخص اقتصادی در یک کشور هر چه شفاف تر و رقابتی تر باشد، منجر به افزایش سلامت اقتصادی کشورها می‌شود. ورود سرمایه‌های داخلی و خارجی به بخش تولید و رونق فعالیت‌های مولد و کاهش انواع فعالیت‌های کاذب و واسطه‌گری‌ها می‌شود تمرکز فعالیت‌های غیر مولد در شهرهای پرجمعیت مناطق مرکزی کشور را به همراه داشته است. به دلیل عدم وجود توسعه متوازن در کشور ما شاهد حاکم بودن الگوی مرکز پیرامون بر فضای کشور در چند دهه اخیر بوده ایم بدین صورت که در استانهای مرزی دارای سطح توسعه پایین و در مقابل استان‌های مرکزی دارای سطح بالایی از توسعه بوده اند که این وضعیت باعث جذب جمعیت عظیم مهاجر در جستجوی شغل شده است.

روش پژوهش: مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل نقش بهبود فضای کسب و کار در کشور و رونق فعالیت‌های تولیدی در مناطق مرزی و پایین آمدن میزان مهاجر فرستی این مناطق پرداخته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش با استفاده از داده‌های سازمان‌های متولی در مقیاس ملی و بین المللی نظیر مرکز آمار ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس، بانک جهانی و همچنین پژوهش‌های انجام شده در قالب مقالات، گردآوری شده است.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد که بهبود فضای کسب و کار باعث افزایش سطح سرمایه گذاری در کشور و بالاخص مناطق مرزی که دارای پتانسیل های قوی در زمینه توسعه می‌باشند خواهد شد، که این شاخص طبعاً راه را برای ساماندهی و تثبیت جمعیت این مناطق هموار خواهد کرد.
واژگان کلیدی: فضای کسب و کار، مناطق مرزی، ساماندهی.

۱- مقدمه

تولید نیروی محرکه هر اقتصادی است و بدون آن چرخ اقتصاد دیر یا زود لنگ خواهد ماند، زیرا تکیه بر هر منبع دیگری غیر از تولید همیشگی نخواهد بود و سرانجام روزی آن منبع به انتها خواهد رسید. بنابراین مهمترین اصل در اقتصاد توجه به تولید داخل است که خود نیازمند تأمل، تعقل و تدبیر و داشتن فرهنگ تولید است. کسب و کار و سرمایه گذاری در هر کشور مستلزم فراهم بودن محیط نهادی مناسب و امنیت بخش در آن است. صاحبان سرمایه، سرمایه‌های خود را در جایی به کار خواهند انداخت که علائم و نشانه های امنیت اقتصادی به خوبی در آن قابل مشاهده باشد. سیاست گذاران و برنامه‌ریزان هر کشور باید به طور مستمر وضعیت امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در آن کشور را اندازه گیری و کنترل نمایند و بر اساس نتایج حاصل از این اندازه گیری‌ها، تمهیدات لازم را برای جذب سرمایه‌های خارجی و جلوگیری از فرار سرمایه‌های داخلی به عمل آورند. حذف و یا اصلاح برخی قوانین دست و پاگیر که سم مهلک و ضربه آخر به بدنه تولید است، تسریع و تسهیل نحوه تزریق اعتبارات و تسهیلات به بخش‌های تولیدی، کاهش بروکراسی‌های اداری و اصلاح نظام مدیریتی ناکارآمد که در بسیاری مواقع بیشتر از تحریم‌های خارجی برای تولید خطرناک است، از جمله اقداماتی است که باید در این راستا صورت گیرد.

تأثیر فضای کسب و کار مساعد، بر افزایش جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی، ایجاد اشتغال و رشد تولید ناخالص داخلی مشهود است. اصلاح فضای کسب و کار و بهبود شاخص‌های مزبور در عرصه جهانی نه تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصادی و ارتقاء سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می‌شود، بلکه به طور قطع از منظر سرمایه‌گذاران خارجی از جمله مهمترین نماگرها برای ورود به کشور میزبان و شرط لازم برای ارتقا و تسهیل جریان ورود فناوری به کشور می‌باشد. آسان سازی فضای کسب و کار از جمله الزامات و پیش زمینه‌های رشد اقتصادی است. در هر کشوری که مقررات کسب و کار بنگاه‌ها، پرهزینه و درد سرساز است، بنگاه‌ها تمایل بیشتری به فعالیت در بخش غیر رسمی دارند. با توجه به آن که امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و گسترش فعالیت‌های بنگاه‌ها در بخش غیر رسمی میسر نیست، مقیاس این بنگاه‌ها معمولاً کوچک باقی می‌ماند و آنها به شرایط تولید انبوه و بازدهی نسبت به مقیاس نخواهند رسید و در نتیجه رشد اقتصادی اندکی را به وجود می‌آورند و مشاغل کمتری تولید می‌کنند. با آسان سازی انجام کسب و کار، مشاغل بیشتری ایجاد می‌شود و نرخ رشد اقتصادی نیز افزایش می‌یابد. کشورهایی که بهترین شرایط را در آسان سازی انجام کسب و کار دارند، با بیکاری بسیار محدودی مواجه هستند. کشورهایی که به اصلاح فضای کسب و کار و بهبود شرایط تجاری، اعتباری، قضایی، قراردادهای و مانند این‌ها پرداخته‌اند نیز به رشد اقتصادی بالاتری در قیاس با قبل دست می‌یابند (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۵).

بهبود فضای کسب و کار در کل کشور زمینه ساز عدالت جغرافیایی و فضایی در کشور بوده و تقریباً شرایط فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و تولید اشتغال را از جنبه‌های زیادی برابر می‌کند. در صورت عدم تلاش کافی در بهبود فضای کسب و کار کشور، سرمایه‌ها عمدتاً به سمت نقاطی که به دلایل گوناگون بازه سرمایه در آنها بیشتر است سوق پیدا می‌کنند و بخش‌های عظیمی از کشور از این سرمایه‌های توسعه بخش محروم می‌مانند و به ناچار نیروی کار نیز به دنبال سرمایه به نقاط محدودی تغییر مکان می‌دهد که این امر موجب انباشت نیروی کار در برخی نقاط و تخلیه از نقاط دیگر می‌باشد. تداوم این امر به مهاجرت دائم نیروی کار خواهد انجامید که این امر نیز به نوبه خود مشکلات فراوانی در مناطق مرزی را به وجود می‌آورد. پژوهش حاضر به بررسی نقش بهبود فضای کسب و کار در کشور و نیز شکل گیری فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال به صورت متوازن در مناطق مرزی کشور برای جلوگیری از مهاجر فرستی این مناطق می‌پردازد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. تحلیل اطلاعات و یافته‌های پژوهش نیز به صورت کیفی انجام شده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱ مناطق مرزی و ویژگی های آن

منظور از مناطق مرزی، نواحی جغرافیایی مجاور مرز است که شهرها، و روستاها و اجتماعات انسانی را در بر می گیرد. نظر به اینکه مناطق مرزی، دورترین مناطق کشور از مناطق مرکزی هستند، بیشتر این مناطق در زمره عقب افتاده ترین و محرومترین بخش های کشور هستند (گریگوری، ۲۰۰۳: ۵۳). ادبیات سیاسی جهان هر چند گرایش به یکپارچگی سیاسی در قالب اتحادیه و انجمن های منطقه ای و جهانی و به عبارتی دیگر، جهانی شدن روندهای تصمیم گیری و تصمیم سازی، در حال افزایش است، لیکن هنوز مرزهای سیاسی اصلی ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر به شمار می آیند. در ادامه به ویژگی های مناطق مرزی پرداخته می شود:

جدول (۱) ویژگی های مناطق مرزی

دوری از مرکز: بیانگر فاصله مکانی - جغرافیایی مناطق مرزی از سرزمین اصلی است.
انزوا و حاشیه ای بودن: مناطق مرزی، بویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، بیانگر تفاوت های عمیق عملکردی - ساختاری هستند.
ناپایداری الگوی اسکان و سکونت: به دلیل شرایط جغرافیایی مناطق مرزی، که عموماً مناطق با طبیعت خشن و صعب العبور هستند.
نظام و الگوی مراودات و تبادلات: مناطق مرزی، با توجه به موقعیت مرزها، خود در مرز حایل سیاسی بین دو کشور، از فرصت و ظرفیت لازم برای تقویت کنش های اقتصادی ویژه برخوردارند.
تفاوت های قومی - فرهنگی و نژادی: معمولاً و در بسیاری از کشورهایی که خطوط مرزی گسترده ای دارند و تنوع قومیت ها در آن شدید است، مسأله تفاوت های فرهنگی و قومی بین نواحی مرکزی حالت شدید تری به خود می گیرد.
تهدیدات خارجی: مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشورهای همجوار، که ممکن است با تعارضات سیاسی نیز همراه باشد.
ساختار دوگانه و دوگانگی سیستمی: در نگرش سیستمی به عناصر سرزمین ملی مشاهده می شود که عموماً مناطق مرزی از ساختاری دوگانه برخوردارند که این امر موجب تضعیف و بروز تعارضات توسعه ای در کشور می شود.

مأخذ: عندلیب، ۱۳۷۹

توجه بیشتر به مناطق مرزی با توجه به محرومیت زیاد آن مناطق، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شکل گیری رابطه مرکز - پیرامون در داخل کشور، شرایط جدیدی را رقم می زند که این شرایط جدید مراکز را به تجدید نظر در روابط خود با پیرامون وادار می سازد. این رابطه نوین بین مرکز و پیرامون کاملاً با شرایط قبل متفاوت است و به ایجاد همگرایی بین آنها منجر شده که در صورت توفیق، نگاه جمعیت مرز نشین به سمت درون و همگرایی معطوف می شود، که خود باعث توسعه فضایی مناطق مرزی می شود (عندلیب، ۱۳۸۰: ۳۵). اقتصاد مناطق مرزی می تواند نقش اساسی در ترقی و پیشرفت و توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر و تسریع همکاری های بیشتر بین نواحی مرزی ایفا کند (چاندویت و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۴۵).

۳-۲ فضای کسب و کار و شاخص های آن

فضای کسب و کار به آن دسته از عوامل موثر بر عملکرد بنگاه های اقتصادی گفته می شود که مدیران بنگاه ها نمی توانند آن را تغییر داده یا بهبود بخشند. آزاد بودن و شفافیت قیمت ها، رقابتی بودن بازار و حفظ حقوق مالکیت سه شرط لازم برای فعالیت اقتصادی بخش خصوصی و کارا بودن اقتصاد است. و نقش دولت در بهبود این فضا و فراهم آوردن شرایط مناسب

جهت جذب فعالیت بخش خصوصی بسیار مهم است. تجربه جهان نشان می‌دهد تنها در شرایط مساعد کسب و کار، یک بنگاه می‌تواند به صورت کارا و بهینه عمل کند.

در یک بیان ساده و صریح، می‌توان اذعان داشت که بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. تأثیر فضای کسب و کار بر سرمایه‌گذاری را می‌توان از حوزه‌های استراتژیک توسعه صنعتی تلقی کرد که عمدتاً ناشی از عواملی چون بهره‌وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه‌گذاری، آزادی‌های اقتصادی تولیدکنندگان و ظرفیت‌های تولیدی است. از طرف دیگر، توسعه اقتصادی بر پایه رقابت‌پذیری کشورها استوار است و سلامت محیط کسب و کار از عوامل موثر بر رقابت‌پذیری کشورها در اقتصاد جهانی می‌باشد.

بهبود شرایط و شاخص‌های فضای کسب و کار از جمله توسعه نظام بانکی و کاهش زمان لازم برای اخذ مجوز، زمینه‌ساز رشد و پویایی در هر کشوری را فراهم می‌آورد به گونه‌ای که با افزایش اعتبارات و دارایی‌های بانکی به عنوان پشتوانه و تأمین‌کننده اصلی مالی در اکثر کشورها مطرح می‌باشد، باعث بهبود فضای کسب و کار و تولیدی کشور می‌شود (بختیاری و شایسته، ۱۳۹۱: ۱۷۸-۱۷۷). هر چند واژه فضای کسب و کار در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از کلیدواژه‌های مهم در مباحث اقتصاد کلان مطرح شده است، با تأملی در مباحث انجام شده پیرامون توسعه اقتصادی و پیش‌نیازهای یک اقتصاد شکوفا و رو به رشد خواهیم دید که این مفهوم همواره مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان بوده است. در سال‌های اخیر این مفهوم با دقت و ظرافت بیشتری مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است و صاحب‌نظران کوشیده‌اند این مفهوم را با دقت و حساسیت بیشتری مورد توجه قرار دهند (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷).

به عبارت دیگر فضای کسب و کار متغیرهای موثر بر کسب و کار بنگاه‌های اقتصادی است که خارج از تسلط و قدرت آن بنگاه‌ها است اما بر نتیجه تلاش آنها بسیار موثر است. یک بنگاه برای کسب و حفظ مزیت رقابتی همواره می‌بایست نسبت به تغییرات فضای کسب و کار هوشیار بوده و آن را رسد نماید تا بتواند استراتژی‌های خود را به درستی تغییر داده و در صورت لزوم برنامه‌ریزی جدید انجام دهد و در این راستا روش‌هایی برای بررسی فضای کسب و کار توسط بنگاه وجود دارد (سالاری، ۱۳۹۰). بنابراین شاخص فضای کسب و کار، مهمترین شاخص اقتصادی در رشد و شکل‌گیری بخش خصوصی و افزایش رشد اقتصادی جامعه است. در ادامه شاخص‌های فضای کسب و کار در قالب جدول زیر ارائه گردیده است.

جدول (۲) شاخص‌های فضای کسب و کار

مولفه‌های فضای کسب و کار	شاخص‌های سنجش	فرایند	نهاد زیربسط
شروع کسب و کار	شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز، هزینه (درصد از درآمد سرانه) مورد نیاز	ثبت شرکت	قوه قضاییه (اداره ثبت شرکت‌ها، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) و سازمان بورس و اوراق بهادار
سهولت اخذ مجوز	شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز و هزینه (درصد از درآمد سرانه) کسب مجوز	فرایند لازم‌الرعایه از اخذ مجوز تا تأسیس و راه‌اندازی یک کارگاه	وزارت صنایع، وزارت بهداشت، شهرداری‌ها و اصناف و اتحادیه‌ها و ...
اشتغال نیروی کار	شامل شاخص سختی استخدام (۱-۱۰۰)، عدم انعطاف ساعات کاری (۱-۱۰۰)، شاخص سختی اخراج (۱۰۰-۱)، عدم انعطاف اشتغال (۱-۱۰۰)، هزینه	آگهی دعوت به کار	سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار

		استخدام (درصد از حقوق) و هزینه اخراج (درصد از حقوق)	
ثابت مالکیت	شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز، هزینه (درصد از درآمد سرانه) ثبت اموال	فرایند لازم جهت ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اخذ اعتبارات	شامل شاخص توانمندی قانون (۱-۱۰)، شاخص اطلاعات اعتباری (۰-۶)، پوشش اطلاعات اعتبار سنجی در بخش دولتی (درصد) و پوشش اطلاعات اعتبار سنجی در بخش خصوصی (درصد)	فرایند لازم برای تأمین مالی	بانک ها
حمایت از سرمایه گذاران	شامل سطح افشاگری، اندازه مسئولیت مدیران (۱-۱۰)، پوشش آسان اطلاعات مورد نیاز سهامداران (۱-۱۰)، توانایی حمایت از سرمایه گذاران (۱-۱۰).	فرایندی که فراهم آورندگان نیازهای مالی و فنی طرح، از حفظ حقوق خود اطمینان حاصل نمایند	نهاد ناظر سرمایه (سازمان بورس و اوراق بهادار با مشارکت نهادهای جزایی و کیفری قوه قضاییه
تجارت فرامرزی	شامل تعداد اسناد مورد نیاز برای صادرات، زمان مورد نیاز برای صادرات (روز)، هزینه صادرات (دلار)، تعداد اسناد مورد نیاز برای واردات، زمان مورد نیاز برای واردات (روز) و هزینه واردات (دلار)	مقررات و تسهیلاتی که در صورت نیاز به واردات یا صادرات محصول تولیدی به آن اتکا می شود.	وزارت بازرگانی به ویژه گمرک
سهولت اجرای قراردادها	شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز و هزینه (درصد از بدهی)	شناسایی بنگاه به عنوان یک شخصیت حقوقی و دارای شناسه فعالیت در بازارها که مقررات موجود در اقتصاد بر آنها نیز مصداق یابد.	قوه قضاییه، قوه مقننه، (اصلاحات پویا در قوانین و مقررات موجود در کشور از جمله قوانین تجارت کار و مالیات که مرتبط با سیستم اقتصادی کشور هستند.
سهولت پرداخت مالیات	شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز، مالیات بر سود (درصد)، مالیات بر حقوق و دستمزد (درصد)، نرخ کل مالیات (درصد)	فرایندی که پرداخت عوارض و حقوق دولتی بر آن اساس صورت می گیرد	سازمان مالیاتی
خاتمه کسب و کار	شامل زمان (سال)، هزینه (درصد دارایی) و نرخ وصول	ضوابطی که در صورت ورشکستگی یا قبضه شرکت توسط شرکت دیگر و با تغییر موضع فعالیت بنگاه یا شرکت باید رعایت شود.	اداره ثبت شرکت ها (سازمان ثبت اسناد) و سازمان امور مالیاتی

مأخذ: (بانک جهانی، صالح آبادی، ۱۳۸۸).

مهمترین عوامل موثر بر فضای کسب و کار به شرح زیر است:

دولت: دولت نقش مهمی در حمایت از حقوق مالکیت، فراهم کردن زیرساختها، عملکرد بازارهای پولی، مالی و نیروی انسانی، نظارت بر فعالیتهای اقتصادی و کنترل فساد دارند. کمکهای بنگاه ها به اقتصاد نیز تحت تأثیر فضای آزاد رقابتی و شفاف سرمایه گذاری است که دولت در شکل گیری و بهبود آن نقش عمده ای دارد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۱).

نهادهای اقتصادی: عدم وجود نهادهای اقتصادی مناسب که پشتیبان فعالیتهای اقتصادی سالم است و شکل گیری محیط نامناسب کسب و کار، هزینه های بیشتری بر کسب و کارهای کوچک تحمیل می کند. این در حالی است که کسب و کارهای بزرگ قدرت بیشتری در تأثیر گذاری بر محیط پیرامون خود دارند.

نظام حقوقی: یکی از فرضیات سازمان انجام کسب و کار این است که آن گروه از فعالیت های اقتصادی مورد حمایت قوانین مناسب هستند که در آن حقوق مالکیت شفاف، هزینه و زمان رسیدگی به حل اختلاف پایین، تعاملات اقتصادی قابل پیش بینی و طرفین قرارداد از سوء استفاده و تجاوز متجاوزین محفوظ باشند.

عوامل محیطی: عوامل محیطی تشکیل دهنده فضای کسب و کار هم می توانند موجب فرصت های مناسبی برای فعالیت بنگاه ها باشند و هم می توانند حاکی از وجود تهدیدهایی برای فعالیت بنگاه باشند.

جمعیتی: در این زمینه از جمله می توان به عرضه نیروی کار، مراکز جمعیتی و تقاضای کالا و خدمات اشاره کرد.

جغرافیایی و اکولوژیکی: اقلیم جغرافیایی مشترک موجب شکل گیری نیازهای یکسان و الگوی ترجیحات مصرفی مشابه می گردد.

۳-۳ نقش بهبود فضای کسب و کار در رونق اقتصادی و تولید

محیط کسب و کار شامل نهادها، مقررات و رویه های اداری مندرج در محیط فعالیت های اقتصادی است و به نوعی هزینه های غیر فنی فعالیت اقتصادی را تعیین می کند. هرچه مراحل، هزینه ها و زمان انجام مراحل ثبت شرکت، اخذ مجوز از شهرداری و سایر دستگاه های مرتبط برای تأسیس محل فعالیت، دریافت انشعاب برق، استخدام و اخراج کارکنان، ثبت دارایی در ثبت املاک، اخذ تسهیلات و اعتبارات، حمایت از حقوق سهامداران جزء، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، صدور حکم در نظام قضایی و اعلام ورشکستگی و خاتمه بخشیدن به کسب و کار کمتر باشد هزینه های شروع و تداوم فعالیت اقتصادی کاهش و احتمال شکل گیری کسب و کارها افزایش می یابد (طیبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۶۸-۴۶۷).

محیط کسب و کار در ایجاد رشد اقتصادی نقش عمده ای بر عهده دارد زیرا اولاً: محیط کسب و کار نامناسب هزینه های تولید را بالا می برد، زیرا بنگاه ها با دو نوع هزینه روبرو هستند: یکی هزینه ای که بنگاه پرداخت می کند و دیگری هزینه ای که محیط تحمیل می کند. مشکل بعدی این است که محیط کسب و کار نامناسب یا شرکت ها را بیش از اندازه بزرگ یا بیش از اندازه کوچک می کند و امکان تعامل بین شرکت های کوچک و بزرگ را از بین می برد زیرا از یک سو بزرگ شدگی نامناسب شرکت ها وجود دارد که ناشی از این است که مسئولین بنگاه حس می کنند اگر کار را به دیگری بسپارند مشکلات غیر قابل کنترلی ایجاد می شود. بنابراین واحدهایی را ایجاد می کنند که در آنها تخصص ندارند و از این رو متحمل هزینه های اضافی می شوند. همچنین محیط کسب و کار نامناسب، امکان مشارکت های مالی را کاهش می دهد و وقتی هم سیستم قضایی نامناسب باشد یا امنیت به درستی تعریف نشده باشد، امکان مشارکت مالی در اقتصاد پایین می آید. مشکل دیگر محیط کسب و کار نامناسب این است که بنگاه های بزرگ و کوچک قادر به ایجاد شبکه نیستند، این در حالی است که در کشورهای با سیستم قضایی و حقوقی یکپارچه و روان شبکه سازی بسیار آسان است.

امروزه این شبکه ها هستند که با یکدیگر در رقابت هستند، یعنی یک بنگاه منفرد نیست، و اهمیت تولید شبکه ای در ایجاد بهره وری و قدرت رقابت پذیری است. نتیجه دیگر محیط نامناسب کسب و کار، حرکت بنگاه به سمت اقتصاد غیر رسمی است، به طوری که تولید کننده از پرداخت مالیات فرار می کند، اما در اثر آن نمی تواند وام بگیرد و رشد نماید، یعنی اقتصاد غیر رسمی، مؤید کوچک ماندن بنگاه است. بنابراین یکی از الزامات و پیش نیازهای رشد اقتصادی، آسان سازی محیط کسب و کار است. زمانی که مقررات کسب و کار بنگاه ها پرهزینه و دردسر ساز باشد، آنها به فعالیت در بخش غیر رسمی متمایل می شوند. از آنجا که امکان سرمایه گذاری های بزرگ و گسترش فعالیت های بنگاه در بخش غیر رسمی میسر نیست، مقیاس این بنگاه ها کوچک مانده و به شرایط صرفه های ناشی از مقیاس نمی رسند و در نتیجه، رشد اقتصادی و اشتغال کمتری ایجاد می شود (شهنازی و دهقانی شبانی، ۱۳۸۸).

۳-۴ شکل گیری اقتصاد واسطه گری و غیر مولد در شرایط عدم رونق اقتصادی

شرایط نامناسب حاکم بر فضای کسب و کار اقتصاد، زمینه فساد اقتصادی، توسعه بخش غیر رسمی و اقتصاد پنهان و همچنین کوچک و محدود شدن فعالیت بنگاه های اقتصادی در بخش رسمی که گسترش و ادامه این روند اقتصاد کشورها را با معضلاتی جدی مواجه می سازد و به نقش دولت در جامعه آسیب می زند، قدرت و برنامه ریزی و پیش بینی را از جامعه می گیرد

و با بسط محدودیت بر بخش‌های مختلف، رشد اقتصادی کشور را محدود می‌کند. این پدیده را می‌توان علت و معلول شرایط نامناسب حاکم بر فضای کسب و کار و بنگاه‌های اقتصادی دانست زیرا در فضایی که فعالیت بنگاه‌ها در بخش رسمی، دربردارنده مراحل اداری پیچیده و دست و پا گیر باشد، انجام این مراحل هزینه‌های فراوانی را به بنگاه تحمیل می‌کند و زمانی طولانی برای پیمودن آن تلف می‌شود. تشدید این شرایط بنگاه را از بخش رسمی خارج می‌سازد و بنگاه ترجیح می‌دهد که فعالیت خود را در بخش غیر رسمی ادامه دهد. اصلاح فضای نامساعد تحمیلی به بنگاه‌های اقتصادی در قالب اصلاح شاخص‌های کسب و کار می‌تواند موجب ایجاد مزیت برای فعالیت در بخش رسمی شود و در کاهش اقتصاد پنهان و بخش غیر رسمی در اقتصاد موثر باشد. یکی از راهکارهای تأثیرگذار در گسترش بخش رسمی اقتصاد و جلوگیری از فساد، آسب‌شناسی فضای انجام کسب و کار در بخش‌های مختلف کشور است. اقتصاد پنهان به طور کلی به بخشی از فعالیت‌های اقتصادی اطلاق می‌شود که یا به دلیل فقدان اطلاعات کافی محاسبه‌شدنی نیست، یا اینکه به دلیل غیر قانونی بودن در حساب‌های ملی در نظر گرفته نمی‌شود. بنابراین می‌توان فعالیت‌های اقتصادی خارج از اقتصاد رسمی را در زمره اقتصاد زیر زمینی یا اقتصاد پنهان به شمار آورد. فعالیت‌های مخفیانه اقتصادی، یا به دلیل غیر قانونی بودن موضوع فعالیت است که به طور مستقیم در زمره فساد قانونی قرار می‌گیرد و یا به دلیل اجتناب تنظیمی و فرار از قوانین و مقررات اقتصادی حاکم بر بخش رسمی است که فساد اقتصادی قلمداد می‌شود. یکی از بخش‌های مهم اقتصاد پنهان و بخش زیرزمینی اقتصاد، تجارت و بازرگانی و داد و ستد کالا در بخش غیر رسمی است که به آن قاچاق کالا می‌گویند. بوروکراسی بالا و مقررات دست و پا گیر گمرکی و مشکلات مرتبط با سیاست‌های تجاری از قبیل موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای موجب شده است در بخشی از تجارت کشور در صادرات و واردات، از مبادی غیر رسمی استفاده شود و یا کالا از مبادی رسمی و به صورت غیر قانونی عبور داده شود. در هر کشوری که مقررات کسب و کار بنگاه پر هزینه و دردسر ساز است، بنگاه‌ها تمایل بیشتری به فعالیت در بخش غیر رسمی دارند. با توجه به آنکه امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و گسترش فعالیت‌های بنگاه‌ها در بخش غیر رسمی میسر نیست، مقیاس این بنگاه‌ها معمولاً کوچک باقی می‌ماند و آنها به شرایط تولید انبوه و بازدهی نسبت به مقیاس نخواهند رسید و در نتیجه رشد اقتصادی اندکی را به وجود می‌آورند و مشاغل کمتری را تولید می‌کنند. اصلاح فضای کسب و کار و اعمال محدودیت برای اقتصاد پنهان به طور مستقیم با کاهش ریشه‌ای و پایدار مفاسد اقتصادی رابطه دارد، زیرا کلیه فعالیت‌های غیر قانونی و مجرمانه به دلیل تمایل به مخفی ماندن از نظارت ضابطان قضایی، در بخش اقتصاد پنهان فعالیت می‌کنند. بسیاری دیگر از فعالان اقتصادی نیز به دلایل مختلف مانند فرار مالیاتی، استفاده غیر مجاز از نیروی کار، عدم دریافت مجوزهای قانونی، و نظایر اینها به بخش غیر رسمی می‌پردازند. بنابراین انجام هرگونه اصلاحاتی در فضای کسب و کار که برای فعالیت در بخش رسمی مطلوبیت ایجاد می‌کند و باعث محدودیت فعالیت در اقتصاد پنهان شود، به کاهش مفاسد اقتصادی می‌انجامد (تاری و غلامی باغی، ۱۳۸۸).

۴- یافته‌های تحقیق

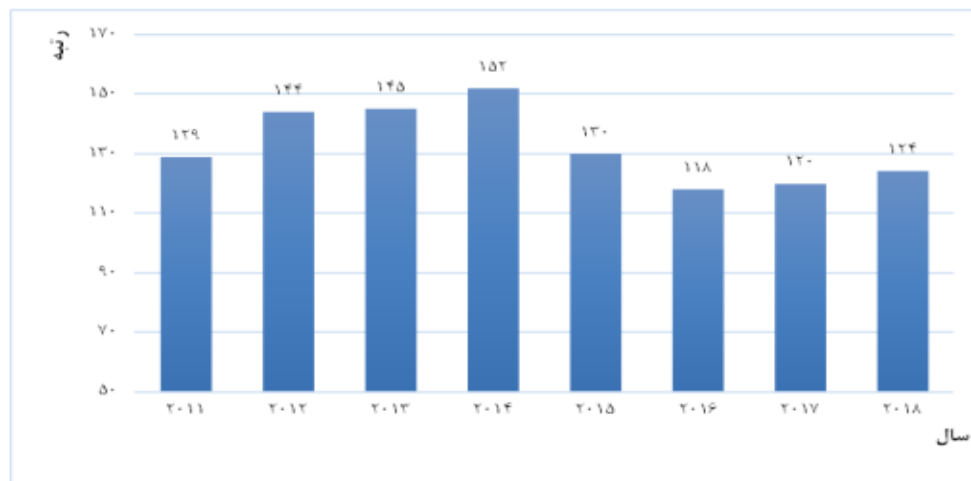
۴-۱ وضعیت فضای کسب و کار در ایران

در گزارش سال ۲۰۱۸ بانک جهانی درباره وضعیت فضای کسب و کار ایران با چهار رتبه تنزل نسبت به گزارش سال ۲۰۱۷، در رتبه ۱۲۴ از میان ۱۹۰ کشور قرار گرفته است. تنها اصلاح ثبت شده در گزارش سال ۲۰۱۸ برای ایران، بهبود دسترسی به اطلاعات برای اخذ اعتبار است که به بهبود رتبه ایران در یکی از نامگرهای شاخص انجام کسب و کار، یعنی «نماگر»^{۱۵۳} اخذ اعتبار» از ۱۰۱ به ۹۰ و بهبود سنج «فاصله پیشرو»^{۱۵۳} برای ایران از ۵۶.۲۲ در سال ۲۰۱۷ به ۵۶.۴۸ در سال ۲۰۱۸ منجر

^{۱۵۳} «فاصله از پیشرو» به معنی فاصله هر کشور از بهترین کشور است که در مقیاس صفر تا ۱۰۰ اندازه‌گیری می‌شود و هرچه این عدد به ۱۰۰ نزدیکتر باشد انجام کسب و کار در آن کشور سهل تر است.

شده است. اما در مجموع، با توجه به پیشرفت سایر کشورها و کندی اصلاحات در ایران، رتبه نامطلوب تری نسبت به سال گذشته برای کشور رقم خورده است (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶: ۳-۲).

شکل (۱) رتبه ایران در گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی، سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۸



Source: www.doingbusiness.org

نمودار (۱) رتبه ایران را در گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی در سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ نشان می‌دهد. همانگونه که در نمودار قابل مشاهده است از سال ۲۰۱۵ روند رو به بهبودی در رتبه ایران در گزارش انجام کسب و کار آغاز شده بود به نحوی که جمهوری اسلامی ایران از رتبه ۱۵۲ در سال ۲۰۱۴ به ۱۱۸ در سال ۲۰۱۶ رسید. بررسی گزارش‌های سالهای ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۴ بانک جهانی نشان می‌دهد در این دوره تنها دو مورد اصلاح در گزارش‌های انجام کسب و کار برای ایران ثبت شده و بخش عمده تغییر رتبه ایران در این سالها به دلیل بازنگری بانک جهانی در داده‌ها اتفاق افتاده است. در گزارش سال های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ مجدداً روند رو به تنزل در رتبه ایران آغاز شده است که عمده ترین دلیل آن این است که اصلاحات محیط حقوقی و اداری کسب و کار در ایران به کندی پیش می‌رود (www.doingbusiness.org).

گزارش سال ۲۰۱۹ سهواً کسب و کار بانک جهانی نشان می‌دهد ایران با ۴ پله تنزل نسبت به سال ۲۰۱۸، در رتبه ۱۲۸ از میان ۱۹۰ کشور و در مقایسه با کشورهای سند چشم انداز، با یک رتبه تنزل نسبت به سال قبل در جایگاه نوزدهم از ۲۵ کشور قرار گرفته است. این درحالی است که دولت طبق ماده (۲۲) قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، مکلف شده در هر سال رتبه کشور را در شاخص انجام کسب و کار ۱۰ رتبه ارتقا دهد تا به کمتر از ۷۰ در پایان اجرای قانون برنامه ششم (۱۴۰۰) برسد.

طبق گزارش سال ۲۰۱۹، در نماگرهای «ثبات مالکیت»، «اخذ اعتبار حمایت از سهامداران خرد»، «اجرای قراردادها» و «حل و فصل ورشکستگی» هیچ تغییری در امتیازات ایران ایجاد نشده و به تبع آن، تغییری در سنج «فاصله از پیشرو» نیز مشاهده نمی‌شود بهبود جزئی در امتیاز نماگرهای «شروع یکی کسب و کار»، «اخذ مجوزهای ساخت و ساز» و «دسترسی به برق» نیز به دلیل کاهش جزئی در هزینه‌های نسبی بوده است. افزایش امتیاز نماگرهای «پرداخت مالیات» و «تجارت فرامرزی» نیز به دلیل اصلاحات دولت در این حوزه ها بوده است (تجارت نیوز، ۱۳۹۷).

جدول (۳) وضعیت سه شاخص رتبه فضای کسب و کار، رشد اقتصادی و نرخ بیکاری

در کشور در فاصله سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹

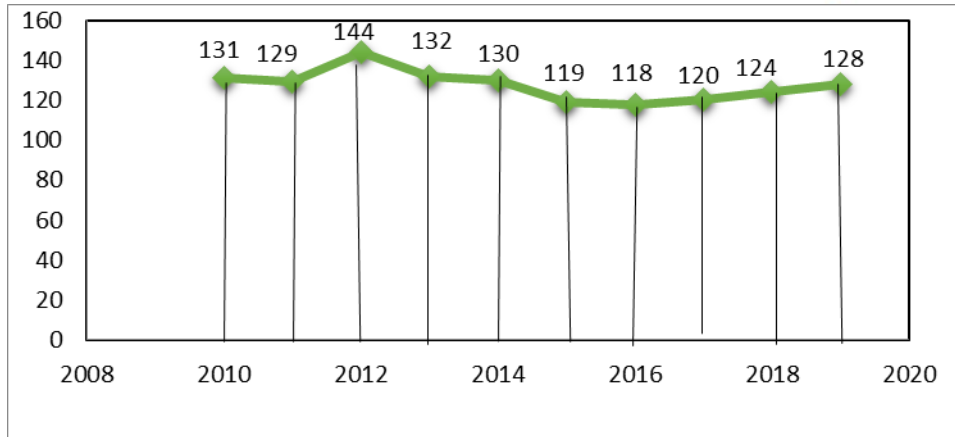
سال	رتبه جهانی فضای کسب و کار	رشد اقتصادی کشور	نرخ بیکاری کشور
۲۰۱۰	۱۳۱	۶.۵	۱۳.۵
۲۰۱۱	۱۲۹	۴.۳	۱۲.۳
۲۰۱۲	۱۴۴	-۶.۸	۱۲.۲
۲۰۱۳	۱۳۲	-۱.۹	۱۱.۷
۲۰۱۴	۱۳۰	۱۰.۶	۱۰.۶
۲۰۱۵	۱۱۹	۱۰.۴	۱۰.۴
۲۰۱۶	۱۱۸	۴.۶	۱۲.۴
۲۰۱۷	۱۲۰	۳.۸	۱۲.۱
۲۰۱۸	۱۲۴	-۴.۷	۱۲
۲۰۱۹	۱۲۸	-۸.۷	۱۲.۸

منبع: مرکز آمار ایران، www.doingbusiness.org

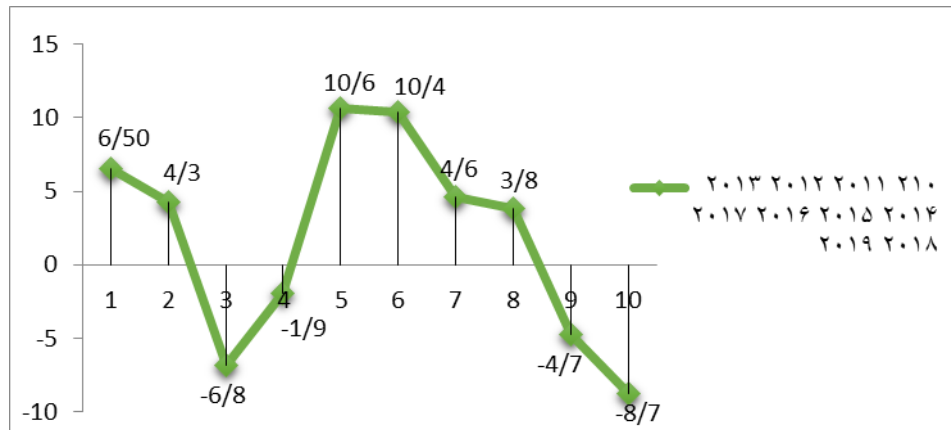
۲-۴ ارتباط فضای کسب و کار در کشور با شاخص های اقتصادی و پدیده مهاجر فرستی مناطق مرزی

وضعیت فضای کسب و کار در سال های مختلف بر روی شاخص های اقتصادی کشور تأثیر دارد و با بهبود این شاخص همچنانکه در نمودارهای ۱ تا ۳ مشخص می باشد، رشد اقتصادی نیز بیشتر می شود و حتی اثر آن بر بیکاری تقریباً محسوس می باشد. به عنوان مثال با بدتر شدن رتبه شاخص فضای کسب و کار در کشور در سال ۲۰۱۲ که ۱۴۴ می باشد، رشد اقتصادی نیز در آن به م ۶.۸- (منفی) می رسد. این مسأله نیز برای سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ نیز صادق است که رشد اقتصادی به ۴.۷- و ۸.۷- (منفی) رسیده است و نیز نرخ بیکاری در این دو سال به ترتیب به ۱۲ و ۱۲.۸ رسیده است. با توجه به نمودارهای ۱ تا ۳ که وضعیت شاخص های اقتصادی در کشور را نشان می دهند و با توجه به این مسأله که پدیده مهاجر فرستی در مناطق مرزی می تواند معلول وضعیت اقتصادی نامناسبی می باشد که در کشور بوجود آمده است بنابراین می توان گفت مناطق مرزی دارای منابع بالقوه برای سرمایه گذاری هستند؛ به دلیل قوانین دست و پاگیر در زمینه کسب و کار نتوانسته اند جاذب سرمایه گذاران باشند بنابراین اگر شاخص های فضای کسب و کار در کشور بهتر باشد می توان گفت حجم زیادی از مهاجرت های این مناطق که بیشتر از بیکاری نشأت می گیرد را با بهتر کردن شاخص های فضای کسب و کار مدیریت کرد. به طوریکه در نمودارها مشخص است با بهتر شدن رتبه فضای کسب و کار در کشور و رشد اقتصادی میزان بیکاری نیز تا حدودی کاهش پیدا کرده یا ثابت بوده است.

شکل (۲) رتبه فضای کسب و کار کشور



شکل (۳) نرخ رشد اقتصادی کشور



شکل (۴) نرخ بیکاری در کشور



۳-۴ تأثیر مولفه‌های کسب و کار بر مهاجر فرستی مناطق مرزی

آسانتر شدن فرایندهای کسب و کار در همه نقاط کشور موجب سامان گرفتن فعالیت‌های تولید و اشتغال در کشور شده و از مهاجرت نیروی کار از مناطق مرزی به شهرهای بزرگ نظیر تهران و اشتغال به مشاغل کاذب تا حدود زیادی جلوگیری می‌کند. جدول شماره (۴) چگونگی تأثیر مولفه‌های کسب و کار بر ساماندهی مناطق مرزی برای کاهش پدیده مهاجر فرستی مناطق مرزی را به صورت مصدقی نشان می‌دهد. بنابراین با بهتر شدن مولفه‌های فضای کسب و کار در کشور سرمایه‌گذاری‌ها به سمت مناطق مرزی سوق پیدا کرده و از مهاجرت نیروی کار این مناطق تا حدودی جلوگیری خواهد شد.

جدول شماره (۴) چگونگی تأثیر مولفه‌های کسب و کار بر ساماندهی مناطق مرزی

مؤلفه های کسب و کار	اثرات مؤلفه های کسب و کار	مؤلفه های ساماندهی مناطق مرزی
شروع کسب و کار	<ul style="list-style-type: none"> -افزایش تعداد بنگاه‌های تأسیس شده -افزایش سطح سرمایه گذاری در بنگاه های اقتصادی -ایجاد مشاغل جدید -انتقال بنگاه از بخش غیر رسمی به رسمی - پایه مالیاتی دولت گسترش می‌یابد و دولت می تواند بار مالیاتی شرکت ها را کاهش دهد - انگیزه بخش خصوصی برای فعالیت اقتصادی 	<ul style="list-style-type: none"> شکستن انحصار قدرت اقتصادی، تمرکز ثروت، تمرکز امور تجاری، تمرکز بخش خصوصی در استان‌های مرکزی کشور به سود مناطق مرزی انتقال صنایع و کارگاه ها از استان‌های مرکزی به مناطق مرزی هدایت پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های تولیدی به مناطق مرزی بهبود و فراهم آوری شرایط اقتصادی مطلوب در شهرهای کوچک روستاهای مناطق مرزی مشارکت دادن مردم مناطق مرزی در امور اقتصادی بهبود شرایط تولید و سرمایه گذاری در سایر نقاط کشور با هدف اشتغالزایی توجه به گسترش فعالیت‌های توسعه ملی و استانی
دریافت مجوز	<ul style="list-style-type: none"> -گسترش فعالیت اقتصادی با ساده‌سازی و کاهش هزینه‌های اداری -کاهش قیمت تمام شده زیرساخت‌های مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی -گسترش اقتصاد رسمی -گسترش سطح ایمنی جامعه و صرفه جویی در هزینه دولت برای اعطای مجوزها و بازرسی محدودتر 	<ul style="list-style-type: none"> از بین بردن تمرکز اداری در استان های مرکزی(نظیر تهران) توجه به اصلاح و بازبینی قوانین و مقررات(به نفع مناطق مرزی) انتقال دفاتر و دستگاههای اجرایی مربوط به فعالیت اقتصادی از استانهای مرکزی به مناطق مرزی
استخدام نیروی کار	<ul style="list-style-type: none"> رفع تبعیض‌های جنسیتی، نژادی و سنی برخورداری نیروی کار از مواهب بیمه تأمین اجتماعی، مستمری بازنشستگی، بیمه درمان، بیمه کار و ... حمایت قضایی در مواقع سوء استفاده کارفرما تشدید مقررات بازار کار، به گسترش اشتغال در اقتصاد غیر رسمی و عدم بهره‌مندی از بیمه، مستمری و بازنشستگی حمایت قضایی و... می شود. 	<ul style="list-style-type: none"> حمایت بیشتر از بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی

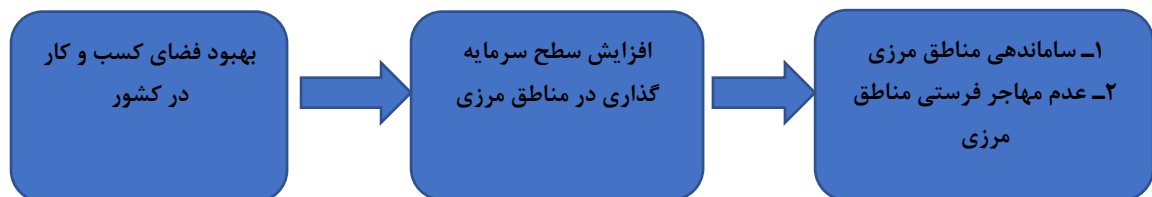
	عدم انعطاف در مقررات اشتغال باعث استفاده نیروی کار به صورت رسمی و جلوگیری از ورود به بخش غیر رسمی می‌شود.	
ثبات دارایی	گسترش فرهنگ ورود به اقتصاد رسمی و در نتیجه گسترش فعالیت اقتصادی گسترش حقوق مالکیت بنگاه‌های اقتصادی که ثبات اموال و دارایی‌های خود را ثبت می‌کنند، دسترسی آسان تری به منابع و تسهیلات بانکی دارند.	از بین بردن تمرکز اقتصادی در استان‌های مرکزی به نفع استانهای مرزی توجه به اصلاح و بازبینی مقررات بهبود روند اعطای تسهیلات بانکی و غیر بانکی به فعالان اقتصادی
دریافت تسهیلات بانکی	توسعه گسترش فعالیت بنگاههای اقتصادی اصلاح نظام بانکی با هدف افزایش وام و کاهش تعداد درخواست‌های بدون پاسخ، باعث توسعه سرمایه گذاری بنگاه ها در بخش خصوصی و رشد اقتصادی می‌شود.	بهبود روند تسهیلات بانکی به فعالان اقتصادی از بین بردن تمرکز قدرت اقتصادی و تمرکز امور تجاری در مرکز کشور توجه به اصلاح و بازبینی قوانین و مقررات تهیه ضوابط و مقررات تسهیل کننده برای سرمایه گذاری در مناطق مرزی کاهش سرمایه گذاری در استانهای مرکزی کشور مشارکت دادن مردم در امور اقتصادی در مناطق مرزی
حمایت از سرمایه گذاران	افزایش حجم سرمایه‌گذاری نقدینگی لازم برای کارآفرینان افزایش رشد اقتصادی گسترش بازار سهام	از بین بردن تمرکز اقتصادی از بین بردن تمرکز امور تجاری از بین بردن تمرکز بخش خصوصی بهبود شرایط تولید و سرمایه گذاری در سایر نقاط کشور با هدف اشتغال زایی توجه به گسترش فعالیت‌های توسعه ملی و استانی
پرداخت مالیات	گسترش منافع بخش خصوصی و دولت کاهش بار مالیاتی بنگاه‌ها منجر به افزایش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می‌شود	وضع مالیات‌های بیشتر بر احدها اقتصادی مستقر در شهرها و استان های مرکزی کشور معافیت مالیاتی در مناطق مرزی کشور
تجارت خارجی	تنظیم بازار برقراری ارتباط با خارج از قلمرو گمرکی و استفاده از عرضه و تقاضا بازارهای خارجی منجر به بهبود زیرساخت‌های تجاری می‌شود تسهیل تشریفات گمرکی منجر به کاهش قاچاق می‌شود جلوگیری از قاچاق، درآمد‌های پیش بینی شده از راه مالیات بر واردات نیز حاصل می‌شود.	از بین بردن تمرکز قدرت اقتصادی از بین بردن تمرکز ثروت کاهش سرمایه گذاری در مناطق مرکزی
اجرای قراردادها	کسب تسهیلات و اعتبارات از موسسات اعتباری ورود بنگاه‌های جدید به اقتصاد ایجاد فرصت های شغلی جدید	مشارکت بخش خصوصی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی بهبود شرایط تولید و سرمایه گذاری در مناطق مرزی کشور با هدف اشتغال زایی
پایان کسب و کار	رفع مشکلات پایان کسب و کار منجر به افزایش انگیزه برای سرمایه گذاری و شروعی تازه می‌شود. مطالبات وصولی افزایش می‌یابد می‌توان سطح بهینه‌ای از اشتغال و سرمایه گذاری را ایجاد کرد. کاهش ریسک مالی	از بین بردن تمرکز اقتصادی توجه به اصلاح و بازبینی قوانین و مقررات اعطای مشوق‌های به سرمایه گذاران در مناطق مرزی پرهیز از طولانی شدن فرایند اعلام ورشکستگی

کسب و کار	
-----------	--

۵- نتیجه گیری

مناطق مرزی به دلیل دوری از مرکز کشور دارای مشکلات عدیده‌ای هستند که مربوط به عدم توازن در زمینه‌های مختلف است در کشورمان یک نوع مدل مرکز پیرامون شکل گرفته است که استان‌های مرکزی دارای سطح بالایی از توسعه؛ و استان‌های مرزی و حاشیه‌ای از سطح توسعه پایینی در ابعاد مختلف برخوردارند. به دلیل اینکه استان‌های مرکزی دارای سطح بالایی از توسعه اقتصادی و صنعتی هستند این مسئله باعث جذب نیروی کار مناطق و استان‌های مرزی می‌شود و جمعیت این مناطق در قالب مهاجرت‌های بی رویه که بیشتر آنها برای به دست آوردن شغل است به سمت مناطق مرکزی حرکت کرده و علاوه بر اینکه مناطق مرزی را از نیروی انسانی فعال تهی می‌سازد باعث ایجاد مشکلات عدیده‌ای در استان‌های مرکزی (نظیر تهران) می‌شود و یک نوع عدم توازن در استقرار جمعیت را به وجود می‌آورد. با توجه به اینکه مهمترین دلیل مهاجرت از مناطق مرزی توزیع نامتعادل فرصت‌های شغلی در کشور است (اکثریت فعالیت‌های اشتغال‌زا در استان‌های مرکزی کشور است) اگر متولیان امر بتوانند وضعیت فضای کسب و کار و قوانین دست و پا گیر در زمینه تسهیل فعالیت‌های اشتغال‌زا را در کشور به صورت مطلوب در آورند زمینه برای تحرک تولید و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در مناطق مرزی فراهم خواهد شد و پدیده مهاجر فرستی را که مهمترین معضل این مناطق است را تا حدودی رفع خواهند کرد و راه برای توسعه متوازن کشور فراهم خواهد شد. در نهایت می‌توان این گزاره را ارائه داد که؛ بهبود فضای کسب و کار برابر است با افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی؛ و ساماندهی و جلوگیری از مهاجر نیروی کار از این مناطق. بنابراین فرایند ای مسأله را می‌توان به صورت زیر نشان داد.

شکل (۵) فرایند رابطه بهبود فضای کسب و کار در کشور با ساماندهی مناطق مرزی



منابع و مأخذ

- ۱- بختیاری، صادق و افسانه شایسته (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با تأکید بر ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال ششم، شماره نوزدهم، تابستان.
- ۲- تاری، فتح الله و سعید غلامی باغی (۱۳۸۸) اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی موثر بر کاهش اقتصاد پنهان و گسترش بخش رسمی، فصلنامه مجلس پژوهش، سال ۱۴، شماره ۵۸.
- ۳- تجارت نیوز (۱۳۹۷)، گزارش با نک جهانی از فضای کسب و کار در ایران، دوشنبه ۱۳ اسفند. قابل دسترسی در لینک: <https://tejaratnews.com/>
- ۴- خلیلی فرید و همکاران (۱۳۹۴) فضای کسب و کار در استان کرمانشاه: وضعیت و جایگاه آن در کشور، مجموعه مقالات دومین همایش ملی بهبود محیط کسب و کار
- ۵- سالاری، ابودر (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار، ماهنامه بررسی و سیاست های اقتصادی شماره ۹ و ۱۰.
- ۶- شهنازی، روح الله و زهرا دهقانی شبانی (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب، پژوهشنامه اقتصادی
- ۷- صالح آبادی، علی (۱۳۸۸)، نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب و کار، ماهنامه بررسی سیاست های اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰.
- ۸- طیبی، سید کامیل، زهرا زمانی و نسرین کریمی (۱۳۹۴)، سناریوی بهبود محیط کسب و کار و رشد تولید بخش های اقتصادی کشور در شرایط پساتحریم، مجموعه مقالات دومین همایش ملی بهبود محیط کسب و کار، جلد دوم.
- ۹- عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۷۹)، تجربه های آمایش مناطق مرزی دو پاره آلمان و درس هایی برای ایران، صفا، شماره ۲۹، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۰- مختاری هشی، حسین، امین مرادی و گلناز ناصرالاسلامی (۱۳۹۵)، نقش بهبود فضای کسب و کار در کشور در ساماندهی شهر تهران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و یکم، شماره چهارم، زمستان .
- ۱۱- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶)، وضعیت ایران در گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی سال ۲۰۱۸ و ارزیابی عملکرد دولت یازدهم در بهبود رتبه کشور، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی ۲۲۰، شماره مسلسل ۱۵۶۲۰، آذرماه.
- ۱۲- میدری، احمد و اصلان قودجانی (۱۳۸۷)، سنجش و بهبود محیط کسب و کار، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.

۱۳- Chandoev wit, worawan; yongyuth chalamwong; srawooth paitoonpong (۲۰۰۴), Thailand cross border economy, Thailand Development resource institute

۱۴- Gregory, Derek, Johnston, Ron, Pratt, Geraldine, Watts, Michael J, and Whatmore, Sarah (۲۰۰۹), the Dictionary of Human Geography, ۹th Edition, New York, John Wiley & Sons.

ارزیابی سطح محرومیت فضایی زیرساخت و توسعه در نواحی مرزی (مطالعه موردی: شهرستان سرخس)

مریم قاسمی^{۱*}، فاطمه فعال^۲

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی، مشهد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران

*نویسنده ی مسئول Magh30@um.ac.ir

چکیده

طرح مسئله: مرزهای کشور از گذشته تا حال به دلیل کشمکش‌ها و جزر و مدهای اراضی همواره از نظر توسعه‌یافتگی در وضعیت نامطلوبی قرار داشته‌اند. همچنین تحقق برنامه‌های مدیریتی در یک منطقه بدون توجه به مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نه تنها نتایج مطلوبی به همراه ندارد بلکه اثرات منفی آن به مراتب بیشتر خواهد بود. برای تخصیص اعتبارات و منابع میان این مناطق، شناسایی جایگاه و رتبه مناطق از نظر برخورداری از مواهب توسعه ضروری است. هدف این مقاله تعیین سطوح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان سرخس، رتبه‌بندی آن‌ها از نظر میزان برخورداری و تحلیل نابرابری‌های فضایی به منظور استفاده در توسعه متوازن نواحی مرزی تدوین گردیده‌است.

روش پژوهش: روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد و به منظور تعیین سطوح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان سرخس با استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ و به‌کارگیری مدل چند معیاره Moris در نرم‌افزار Exell، با انتخاب ۶۵ شاخص در قالب ۷ بعد (آموزشی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی، ارتباطات و حمل‌ونقل، خدماتی و بازرگانی، سیاسی اداری، فرهنگی و مذهبی) جمع‌آوری شده است. درنهایت با بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی و نرم‌افزار ArcGis به ترسیم نقشه‌های مورد نظر پرداخته شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مدل موریس ۶۶.۷ درصد از دهستان‌های شهرستان سرخس (تجن، خانگیران، سرخس، گل بی بی) در سطح در حال توسعه هستند و ۳۳.۳ دهستان‌ها (مرز داران و پل خاتون) در سطح محروم قرار گرفته‌اند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های پژوهش متاسفانه هیچ دهستانی در سطح توسعه‌یافته قرار نگرفت که این نکته بیانگر وضعیت نامطلوب این شهرستان مرزی از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی می‌باشد.

واژگان کلیدی: محرومیت فضایی، عدالت فضایی، شهرستان سرخس، نواحی مرزی، تکنیک موریس.

۱- بیان مسئله

اساساً توسعه فرآیند چندبعدی است که برای تحقق نیازمند رشد در ابعاد اقتصادی و پیشرفت‌های انسانی می‌باشد. تعاریف متعددی از واژه توسعه در میان پژوهشگران و صاحب نظران مورد توجه است؛ که در آنها بر تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه، بهبود ابعاد کمی و کیفی زندگی و افزایش رفاه عمومی، افزایش بهره‌وری اقتصادی و ایجاد اشتغال، کاهش اختلافات طبقاتی و فقرزدایی از طریق توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات تأکید شده است. لنگرودی (۱۳۸۴) توسعه را جریان چند بعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (مطبیعی لنگرودی، ۱۳۸۴: ۶۱). توسعه یکی از عواملی است که نامنی را عقب می‌راند. راه‌سازی‌های گسترده، توسعه صنایع و عمران و آبادانی در نواحی ناامن سبب کاهش فقر و ناهنجاری‌های حاصل از آن می‌شود. مرز ایران و افغانستان به طول ۹۴۵ کیلومتر یکی از نواحی توسعه نیافته در کشور به شمار می‌رود و مسائل امنیتی بسیاری آمایش این نواحی را اهمیت می‌بخشد. ساکنان دو طرف مرز مردمانی فقیرند که مرز برای بسیاری از آن‌ها، منبع کسب درآمد می‌باشد؛ که بخشی از این نیرو در بازارچه مرزی بکار گرفته شده است اما بخش بزرگی از آن‌ها در تجارت غیرقانونی و قاچاق کالا درگیر هستند (وائق و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۶). نحوه پراکنش شاخص‌های توسعه در تمام سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی حائز اهمیت است، چرا که موجبات عدالت فضایی و اجتماعی و اقتصادی را فراهم کرده و تا حدود بسیاری از ایجاد چالش‌ها و ناآرامی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جلوگیری می‌کند. توسعه‌یافتگی مناطق یک کشور همانند روند توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف جهان با توجه به توزیع فضایی ناهمگن منابع و همچنین عوامل مختلف اقتصادی اجتماعی و اقلیمی مناطق دارای مراتب متفاوتی است. در نظریه تودارو توسعه ملی، وابسته به توسعه روستایی است چرا که ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب‌ماندگی‌ها مانند فقر، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده در مناطق روستایی قرار دارد (فتاحی، احمد و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰). با توجه به اهمیت هر سطح در توسعه نظام سلسله‌مراتبی و بطور کلی جایگاه روستا در سطح ملی، بدون توسعه در تمام بخش‌ها و سطوح نمی‌توان به توسعه‌ای همه‌جانبه و یکپارچه دست یافت. لذا باید نسبت چگونگی وضعیت موجود آن‌ها و محدودیت‌ها و ظرفیت‌های خاص هر منطقه، اطلاعات به‌روزی جمع‌آوری کرد و سپس بر اساس نیازها، منابع و موانع به برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی مناطق پرداخت. توسعه منطقه‌ای و روستایی در کنار توسعه یکپارچه ملی جهت استفاده از قابلیت‌ها و امکانات کشور و استفاده بهینه از آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. حرکت جوامع به سوی تکامل نیاز به بررسی، مطالعه و شناخت روند گذشته و پیش‌بینی وضعیت آینده دارد (فتاحی، احمد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹). در ایران نیز الگو توسعه، وضعیت مطلوبی نداشت و علیرغم شروع برنامه‌ریزی‌های عمرانی برای توسعه کشور به نتیجه دلخواه و وضعیت مناسبی از سطح توسعه نرسید؛ به خصوص در رابطه با روستاها مشکلات بسیاری در این برنامه‌ها از جمله: ناهماهنگی بین بخشی و درون بخشی در سطوح مختلف، رویکرد متمرکز و برنامه‌ریزی از بالا به پایین بدون مشارکت مردم محلی و از همه مهم‌تر عدم وجود فصل مجزایی برای در نظر گرفتن روستا و بخش کشاورزی به عنوان یک کل مشترک و قرارگیری روستاها در زیر بخش فصول دیگر؛ مواجهه شد. همزمان با برنامه سوم توسعه قبل از انقلاب و انتخاب صنعت به عنوان الگوی توسعه، ایجاد قطب‌های رشد، به عنوان راهبردی برای توسعه مطرح شد که پیامد آن به وجود آمدن یک قطب بزرگ اقتصادی و سیاسی در تهران و تمرکز شدید سرمایه و نیروی انسانی در آن بود. به تبع این امر در بیشتر استان‌های کشور نیز نوعی عدم تعادل بین مرکز و سایر شهرستان‌های استان و بطور کلی بین شهر و روستا پدید آمد. در این میان مناطق مرزی به دلیل دورافتادگی از شهرهای بزرگ پیش از هر نقطه‌ی دیگری مورد غفلت واقع شدند. وجود اختلافات مرزی با کشورهای مجاور و عدم امنیت این مناطق، گسترش فعالیت‌های سودآور غیرقانونی و عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد از یکسو و جدای‌گزینی فرهنگی در بعضی مناطق به دلیل وجود اقلیت‌های قومی و مذهبی در آن‌ها از سوی دیگر، باعث عقب ماندن این مناطق از روند توسعه کشور گردید (کریمی و وفاپی، ۱۳۹۲: ۹۷).

۲- پیشینه تحقیق

مروری بر ادبیات نظری و کاربردی در زمینه مناطق نشان می‌دهد که نخستین تحول در زمینه توسعه مناطق مرزی، ریشه در تفکرات نظریه‌های مکان مرکزی به خصوص والتر کریستالر دارد. همچنین در ایران توسعه و سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی به سال‌های بعد از جنگ تحمیلی به‌ویژه برنامه‌های عمرانی بعد از انقلاب بر می‌گردد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۵). با توجه به اهمیت و موقعیت استراتژیک مناطق مرزی در رابطه با سطح توسعه‌یافتگی این مناطق، در (جدول ۱) به مرور تعدادی از تحقیقات گذشته می‌پردازیم.

جدول شماره ۱: پیشینه تحقیق

نویسنده و سال	عنوان	یافته‌ها
زرقانی و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی روستاهای مرزی شهرستان درگز)	از لحاظ سطح توسعه یافتگی بین دهستان‌های شهرستان درگز تفاوت و نابرابری وجود دارد، به طوری که از مجموع شش دهستان این شهرستان یک دهستان در سطح کاملاً برخوردار، چهار دهستان نیمه برخوردار و یک دهستان در سطح محروم قرار دارد؛ ضمن اینکه از نظر مولفه‌ها و شاخص‌ها نیز تفاوت زیادی بین دهستان‌ها وجود دارد. رتبه‌بندی دهستان‌ها در این پژوهش می‌تواند در بهینه‌سازی وضع موجود و سامان‌دهی سطوح توسعه و امنیت پایدار در این شهرستان موثر باشد.
ویسی و همکاران (۱۳۹۶)	سنجش توسعه یافتگی نواحی روستایی مرزی (مورد مطالعه: دهستان‌های شهرستان مریوان)	تفاوت معنادار در سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های مریوان نمایان است، به طوری که از ۶ دهستان، یک دهستان در سطح برخوردار، دو دهستان در سطح نیمه‌برخوردار و سه دهستان در سطح محروم جای می‌گیرند. همچنین تفاوت سطح توسعه‌یافتگی روستاها را می‌توان براساس نظریه مرکز پیرامون تبیین نمود؛ چراکه دهستان‌های نزدیک‌تر به مرکز، دارای سطح توسعه یافتگی بالاتری هستند.
رسولی و همکاران (۱۳۹۶)	سطح بندی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ساوه از نظر میزان محرومیت و درجه توسعه‌یافتگی با استفاده از شاخص ناموزون موریس	سطح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان ساوه در بخش‌های مختلف متفاوت می‌باشد. اما در بیشتر بخش‌ها توسعه یافته‌ترین دهستان طراز ناهید و توسعه نیافته‌ترین دهستان شاهسونکنده می‌باشد.
قربان صفائیان و همکاران (۱۳۹۶)	سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی بر اساس شاخص دسترسی به خدمات بهداشتی- درمانی	شهرستان‌های استان خراسان رضوی از نظر توسعه‌یافتگی در یک سطح نبوده و اختلاف فاحشی در ضریب موریس و روش تاکسونومی عددی مشهود می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد به منظور ایجاد توازن در خدمات بهداشتی و درمانی، شهرستان‌های کمتر توسعه یافته مورد توجه مسئولین قرارگیرد و منابع و بودجه مناسبی به آن‌ها تخصیص داده‌شود. شهرستان چناران با توسعه یافتگی بالا و شهرستان‌های جوبین، جغتای، زاوه و بینالود از شهرستان‌های با سطح توسعه یافتگی پایین بودند.
مرادی و درویشی (۱۳۹۵)	تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل	سطوح شهرستان اردبیل متعادل نبوده و بین شهرستان‌های استان به لحاظ شاخص-های توسعه اختلاف و شکاف بزرگی وجود دارد. در این میان شهرستان‌های نیر، کوثر و سرعین در سطح برخوردار، اردبیل، مشکین شهر و خلخال نسبتاً و برخوردار و مابقی شهرستان‌ها محروم هستند.
فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۴)	سطح‌بندی میزان توسعه روستاهای بخش مرحمت آباد شهرستان میان‌دوآب	بر اساس تکنیک تاپسیس، روستای قپچاق و روستای کردکنده به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین رتبه را دارند. مطابق آزمون تحلیل خوشه‌ای نیز، روستای قپچاق به تنهایی در رده توسعه یافته قرار گرفته است. ۷ روستا در رده متوسط توسعه و ۶ روستا در سطح توسعه نیافته واقع شده‌اند. در نهایت با توجه به نابرابری در سطح توسعه‌یافتگی روستاهای بخش مرحمت آباد، لزوم اتخاذ برنامه‌های مرتبط جهت توسعه متوازن نیازی مبرم شناخته می‌شود.
صادقی و همکاران (۱۳۹۳)	محدودیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه پایدار در روستاهای مرزی شرق ایران مورد:	وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاهای مرزی در سطح نامطلوبی قرار دارد که شرایط زیست محیطی، مدیریتی- امنیتی و عدم توجه به ظرفیت‌های منطقه در این زمینه

دهستان بندان در شهرستان نهبندان	موثر است. در سنجش میزان تاثیرگذاری و تفاوت عوامل، شاخص امنیت و مدیریت کمترین میانگین و شاخص زیربنایی بیشترین میانگین را برخوردار می‌باشد. همچنین بین شاخص‌ها رابطه وجود دارد که با بهبود ظرفیت هر یک از شاخص‌ها، سایر ظرفیت‌ها هم بهبود پیدا می‌کند.
حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۹۳)	طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه موردی: ایران)
با در نظر گرفتن نقش مثبت و منفی عوامل هشت‌گانه و شاخص‌های آن‌ها در قالب یک نرم‌افزار کامپیوتری می‌توان به سنجش مستمر عدالت فضایی در کشورها دست یافت.	

(منبع: نگارنده ۱۳۹۹)

با بررسی اجمالی پیشینه و سوابق نظری پژوهش، می‌توان به جایگاه ضعیف مناطق مرزی و حاشیه ای در مقایسه با مناطق مرکزی کشور در فرایند توسعه ملی و منطقه‌ای پی برد. وجود عوامل بسیاری باعث عقب‌ماندگی مناطق مرزی شده‌است که اهمیت چاره‌اندیشی برای توسعه یکپارچه این مناطق را ضروری می‌سازد (کوچک علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۹). در کشور ما روستاهای مرزی با مشکلاتی از قبیل: ضعف خدمات‌رسانی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از یک سو و تبلیغات امواج بیگانه به منظور بزرگ‌نمایی مشکلات اقوام ساکن در نواحی مرزی از طرف دیگر و عدم توجه به قابلیت‌ها و توان‌های این مناطق مواجه هستند، که این مسائل لزوم توجه به روستاهای مرزی را آشکار می‌سازد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۸). بنابراین هدف تحقیق حاضر آن است که دهستان‌های شهرستان مرزی سرخس را با توجه به شاخص‌های مورد نظر ارزیابی کرده و وضعیت توسعه‌یافتگی این دهستان‌ها را مشخص نماید، تا از این طریق بتوان راهکارهای مناسبی برای توسعه و افزایش عدالت فضایی مطرح کرد. نتایج تحقیق حاضر از یک طرف با توجه به محرومیتی که در منطقه وجود دارد و به دلیل عدم وجود اطلاعات دقیق و روشنی از وضعیت توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان مرزی سرخس، می‌تواند موجبات آگاهی و شناخت علمی در مورد این منطقه را برای پژوهشگران را فراهم سازد و به تهیه پژوهش‌های آتی در زمینه شهرستان سرخس کمک کند و از سوی دیگر نیز، بستر را برای ارائه راهکارها و برنامه‌های لازم در جهت توزیع امکانات و خدمات برای مدیران اجرایی در سطوح منطقه‌ای - محلی و زمینه را برای اتخاذ سیاست‌های خرد و کلان و بهبود سطح توسعه‌یافتگی این منطقه فراهم آورد.

۳- چارچوب نظری تحقیق

دلایل متعددی برای وجود نابرابری‌های فضایی بین کشورها مانند پیشینه تاریخی، منابع طبیعی، سرمایه انسانی، اقتصاد سیاسی، محلی و فرهنگ وجود دارد که با یکدیگر دارای هم پوشانی و هم افزایی هستند. در عین حال توسعه، تمام تغییرات سیستم اجتماعی را دربر می‌گیرد، تغییراتی که جامعه را از وضعیت نامناسب فعلی به سمت یک وضع انسانی بکشاند (مومنی و قهاری، ۱۳۹۲: ۵۴). بطور کلی سرآغاز واژه توسعه در مفهوم کلی به معنی کوشش آگاهانه و مبتنی بر برنامه‌ریزی برای ترقی ابعاد متنوع حیات به گونه‌ای که امروز به آن نگریسته می‌شود؛ از دستاوردهای قرن بیستم است که از سال ۱۹۱۷ میلادی در شوروی سابق بدان توجه شد. توسعه جریانی چند بعدی که طی فرایند خود تجدید سازمان و سمت‌گیری کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساختمان‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین وجه نظرهای عمومی مردم است (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۸). مرز یک پدیده فضای است که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان‌ها، حیوانات و کالاها و یا حتی نشر افکار نقیض، مانع ایجاد می‌کند. مرز جداکننده قلمرو فرمان‌روایی نظام‌های سیاسی است. گلاستر در مطالعات خود به این نکته تاکید دارد که مرز صرفاً یک خط نیست بلکه یک سطح است که به صورت عمودی از سطح زمین تا ارتفاع مشخص و همچنین

از سطح زمین تا عمق مشخصی کشورهای همسایه را از یکدیگر جدا می‌سازد (سجاسی، ۱۳۹۸). مرز به عنوان خطی ذهنی و یا عینی است که حائل بین دو یا چند چیز می‌باشد و در ابعاد مختلف فردی و جمعی و عرصه‌های طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کاربرد دارد؛ بدین منظور مرزهای سیاسی محدوده‌ی سرزمینی کشورها را از یکدیگر جدا می‌سازد (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳۷). **مناطق مرزی** محدوده‌ی معینی از خط مرزی یا ساحل دریا به داخل یک کشور را می‌گویند که از آن به عنوان عمق نوار مرزی نیز یاد می‌شود. اندازه عمق نوار مرزی بر اساس امنیت و روابط متقابل بین دو کشور تعریف می‌گردد. به عنوان مثال هرچه نا امنی در مرز بیشتر باشد و رابطه‌ی دو کشور خصمانه‌تر باشد عمق نوار مرزی بیشتر است. در این منطقه جنبه نظامی نیز بسیار پررنگ است (سجاسی، ۱۳۹۸). دورترین مناطق پیرامونی از مناطق مرکزی می‌باشند، به همین دلیل عقب مانده‌ترین و محروم‌ترین مناطق هستند. توسعه به شکل امواج سلسه‌مراتبی و با محوریت مرکز رشد اصلی توزیع متعادل مراکز رشد تا دورترین نواحی (مرزها) گسترش می‌یابد (کریمی و وفاپی، ۱۳۹۲: ۹۹).

جدول شماره ۲- ویژگی‌های مناطق مرزی

دوری از مرکز	بیانگر فاصله مکانی- جغرافیایی مناطق مرزی از سرزمین اصلی است.
انزوا و حاشیه ای بودن	مناطق مرزی، به ویژه در کشور های در حال توسعه و توسعه نیافته، بیانگر تفاوت های عمیق عملکردی- ساختاری هستند.
ناپایداری الگوی اسکان و سکونت	به دلیل شرایط جغرافیایی مناطق مرزی که عموماً مناطق با طبیعت خشن و صعب العبور هستند.
نظام و الگوی مراودات و تبادلات	مناطق مرزی، با توجه به موقعیت مرادده های خود در مرز حائل سیاسی بین دو کشور، از فرصت و ظرفیت لازم برای تقویت کنش های اقتصادی ویژه برخوردارند.
تهدیدات خارجی	مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشور های هم جوار که ممکن است با تعارضات سیاسی همراه باشد.
ساختار دوگانگی سیستمی	در نگرش سیستمی به عناصر سرزمین ملی، عموماً مناطق مرزی از ساختاری دوگانه برخوردارند که این امر موجب تضعیف و بروز تعارضات توسعه ای در کشور می شود.

(منبع: کوچک علی آبادی و همکاران، ۱۳۹۵)

توسعه مناطق مرزی متاثر و تاثیرگذار بر برنامه‌های توسعه ملی کشور و برنامه‌های توسعه کشور همایسه است؛ به بیان دیگر مناطق مرزی دارای اثر متقابل با داخل کشور خود و مناطق مرزی کشور همسایه است. توسعه و آمایش مناطق مرزی مستلزم درک پیچیدگی‌های فضایی، کالبدی، تعادل منطقه‌ای و ابعاد متنوع دخیل در این مناطق می‌باشد (کریمی و وفاپی، ۱۳۹۲: ۹۹). بررسی‌های انجام‌شده در مورد رابطه‌ی توسعه و امنیت در مناطق مرزی و همچنین ارتباط توسعه و امنیت در مناطق مرزی با توسعه و امنیت داخلی بیانگر چند نکته مهم است: (میره ای و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۷)

الف) امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا، دارای رابطه‌ی مستقیم و دو سویه است. بدین معنی که مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته‌تر برخوردارند. ب) بین عوامل کالبدی و عوامل غیرکالبدی امنیت و توسعه، تاثیرهای مستقیم و متقابلی وجود دارد. این بدین معنی که هرگاه در منطقه‌ای طرح‌های توسعه فیزیکی مانند احداث تاسیسات تولیدی صنعتی، کشاورزی، تجاری و خدماتی به مورد اجرا گذاشته می‌شود، شاخص‌های توسعه غیرفیزیکی همچون سواد، همگرایی اجتماعی و فرهنگی و با دولت مرکزی و نیز شاخص‌های امنیت، مانند بزه‌کاری و عبور غیرقانونی از مرز و آنچه به طور عمومی نامی خوانده می‌شود را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ج) امنیت و توسعه در مناطق مرزی ارتباط مستقیم با توسعه و امنیت ملی دارد و هر اقدام موثر بر امنیت یا توسعه مناطق مرزی، تاثیرهایی با نسبت‌های متفاوت بر توسعه و امنیت ملی می‌گذارد و بالعکس اقداماتی که بر توسعه و امنیت ملی اثرگذارند نیز به نسبت‌های مختلف بر توسعه‌ی امنیت مناطق مرزی موثرند. د) برنامه‌ریزی توسعه‌ای در مناطق مرزی مستلزم توجه به سطوح محلی و منطقه‌ای، ملی، فراملی و جهانی امنیت بوده و هرگونه برنامه‌ریزی توسعه‌ای در مناطق مرزی، مستلزم تامین زیرساخت‌های امنیتی لازم (تاسیسات دو منظوره نظامی و عمرانی) متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی می‌باشد. میان سلسه‌مراتب توسعه‌ای و سلسه-

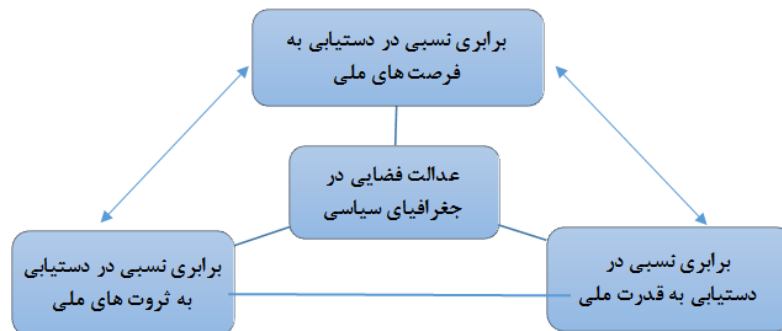
مراتب امنیتی مناطق مرکزی و مناطق مرزی، رابطه متقابل وجود دارد. برقراری چنین رابطه‌ای تحقق تعادل توسعه‌ای و تعادل امنیتی را فراهم می‌آورد. از این جهت، توسعه در مناطق مرزی توجه به ابعاد فیزیکی و غیرفیزیکی را می‌طلبد.

جدول شماره ۳- ظرفیت های لازم و مهم برای توسعه روستاهای مرزی

ظرفیت‌های اقتصادی: وضعیت درآمد، مصرف، دارایی‌ها، تعاملات بازرگانی و داد و ستدها، اشتغال و رشد و پیشرفت‌های اقتصادی
ظرفیت‌های فردی: دسترسی به امکانات بهداشتی، آموزشی، تغذیه و آب سالم
ظرفیت‌های سیاسی: چگونگی حقوق بشر، مشارکت در فرایندهای سیاسی و سیاست گذاری‌ها و توانایی نفوذ در تصمیم گیری‌ها
ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی: چگونگی شرکت دادن افراد به عنوان عضو جامعه با حفظ موقعیت اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده
ظرفیت‌های امنیتی: وضعیت امنیت غذایی، سلامتی، جرم‌وجنایت و جنگ
ظرفیت‌های حفاظتی و محیط زیست: وضعیت حفاظت از منابع محیط زیست و بلایای طبیعی

(منبع: مستخرج از صادقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۲)

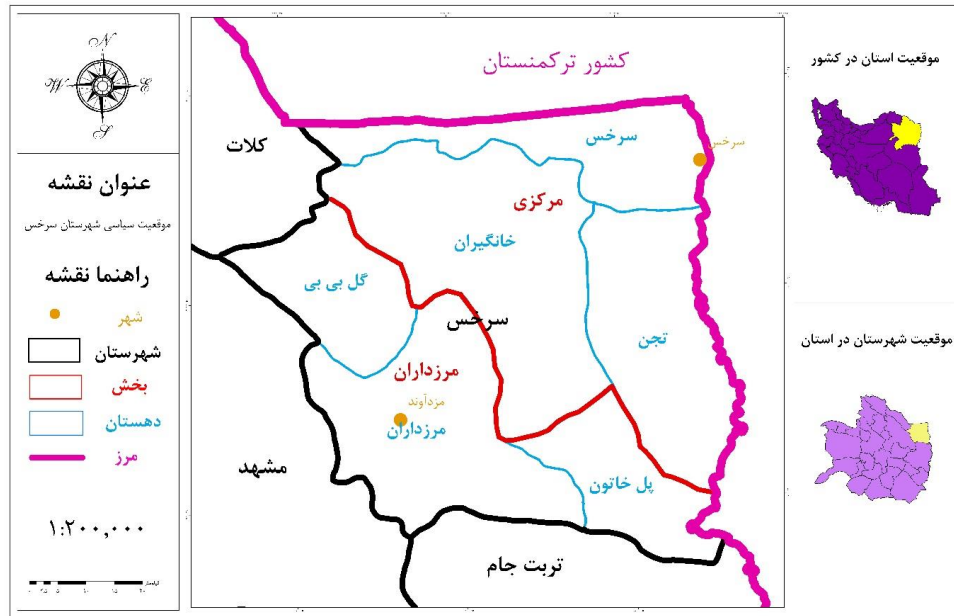
عدالت فضایی با توجه به اهمیت روزافزون مفهوم عدالت در همه ابعاد آن و برای همه‌ی جامعه، مطالعه‌ی شاخص‌های توسعه همه‌جانبه و عوامل موثر بر آن و راهکارهای بهبود وضع عدالت‌فضایی و اجتماعی- اقتصادی به عنوان یک نیاز اساسی به- خصوص در مناطق مرزی و روستایی لزوم بسیاری دارد. مفهوم عدالت از منظرهای مختلف قابل بررسی است و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی، عدالت محیطی نیز متاثر از چندبعدی بودن این مفهوم است (ملکی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). درک حوزه معنایی عدالت فضایی مشروط به درک رابطه متقابل سیاست و فضاست (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴). در جغرافیای سیاسی، مفهوم عدالت از سطح انتزاعی خود خارج می‌شود و به عینیت می‌رسد یا به عبارت دیگر عملیاتی می‌شود. عدالت فضایی نقطه تلاقی فضا و عدالت اجتماعی است که به جنبه‌های فضایی یا جغرافیایی عدالت نظر دارد؛ عدالت فضایی توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های با ارزش در فضای جامعه را شامل می‌شود که می‌تواند یک خروجی و هم‌فرایند در نظر گرفته شود. عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است: «از برابری نسبی شاخص‌های جامع توسعه (اقتصادی، کالبدی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، اجتماعی و امنیتی) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (خرد و کلان) یک کشور با شاخص‌های متناظر توسعه با آن در سطح ملی» (حافظ نیا، ۱۳۸۸).



نمودار ۱: عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی، (منبع: حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۳)

۴-۱- معرفی منطقه مورد مطالعه

سرخس در گوشه شمال شرقی ایران، در مجاورت مرز ترکمنستان، تقریباً میان دو نصف النهار ۳۰ تا ۶۰ و ۱۵ تا ۶۱ درجه شرقی و میان دو مدار ۳۶ و ۳۶ تا ۴۰ درجه شمالی قرار گرفته است. حد طبیعی منطقه را در جنوب، رودخانه کشف رود و حد شرقی را تجن (از پیوستن رودخانه هریرود و کشف رود) و حدود طبیعی غربی و جنوب غربی را آخرین امتدادهای ارتفاعات کپه داغ مشخص می نماید. مطابق (جدول ۴) این شهرستان با مساحت ۵۳۹۴.۹۰ دارای ۲ بخش و ۲ شهر و ۶ دهستان می باشد. شهرستان سرخس تا مرکز استان (شهر مشهد) ۱۸۵ کیلومتر و تا پایتخت (تهران) ۱۰۲۹ کیلومتر فاصله دارد. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، جمعیت شهرستان سرخس ۸۷۰۴۴۲ نفر بوده است. جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۹۰ به ۸۹۰۹۵۶ نفر رسیده است.



نقشه ۱: موقعیت سیاسی شهرستان سرخس

جدول ۴: تعداد و نوع آبادی های شهرستان سرخس

شهرستان	بخش	نام شهر	نام دهستان	مساحت	تعداد کل آبادی ها	دارای سکنه	خالی از سکنه
سرخس	مرکزی	سرخس	تجن	۶۷۰.۸۵	۱۹	۱۳	۶
			خانگیران	۱۴۴۸.۰۶	۳۰	۱۰	۲۰
			سرخس	۹۴۱.۷۳	۲۶	۱۶	۱۰
	مرزداران	مزندآوند	پل خاتون	۵۴۶.۰۱	۲۵	۱۹	۶
			گل بی بی	۱۱۱۰.۵۷	۲۳	۱۴	۹
			مرزداران	۴۹۹.۵۴	۲۴	۱۳	۱۱
مجموع			۵۲۱۶.۷۸				

(منبع: مستخرج از نگارنده، سالنامه آماری ۱۳۹۰)

۴-۲- روش تحقیق

باتوجه به موضوع و اهداف موردنظر در این مطالعه، ترکیبی از روش‌های تحلیلی توصیفی و اسنادی به‌کار گرفته شده‌است. بنابراین تکنیک جمع‌آوری آمار و داده‌ها به صورت روش کتابخانه‌ای/ اسنادی و اطلاعات آماری مرکز آمار ایران که با استفاده از نرم‌افزارهای excel, Spss, Arc Gis تجزیه و تحلیل و طبقه بندی شده‌اند. این پژوهش از لحاظ هدف نیز، از نوع کاربردی است؛ که مطالعات وسیعی پیرامون ابعاد و شاخص‌های متمایزکننده سطح توسعه را در نظر می‌گیرد. تعیین شاخص‌ها مهم-ترین قدم در برنامه‌ریزی ها و مطالعات منطقه‌ای است و آن همان بیان آماری پدیده‌هاست (kalantari, ۲۰۰۱: ۱۱۱). بدین منظور در مقاله حاضر برای بررسی و تجزیه و تحلیل دهستان‌های شهرستان سرخس از نظر شاخص‌های توسعه، از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و همچنین نتایج سالنامه آماری ۱۳۹۰ استفاده شده‌است و تعداد ۶۵ شاخص در قالب ۷ بعد (آموزشی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی، ارتباطات و حمل‌ونقل، خدماتی و بازرگانی، سیاسی اداری، فرهنگی و مذهبی) جمع‌آوری شده‌است (جدول ۴). سپس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، رتبه‌بندی و تعیین سطوح توسعه‌یافتگی دهستان-ها از مدل‌های موریس استفاده شده‌است. نگارنده در پی آن است تا با استفاده از تحلیل‌ها و مدارک موجود و بررسی وضع موجود در دهستان‌های مرزی سرخس، به تحلیل شرایط موجود بپردازد. برای توسعه، ابعاد و شاخص‌های مختلفی در نظر گرفته شده است که گستره ی طیفی آن با نیازهای انسان تناظر دارد؛ ولی می‌توان ابعاد و شاخص‌های توسعه را شامل موارد زیر دانست:

جدول ۴: تعداد و نوع آبادی های شهرستان سرخس

وزن	شاخص ها	بعد	وزن	شاخص ها	بعد
(۰.۲۶)	درصد روستاهای دارای شورای اسلامی	سیاسی و اداری	(۰.۳۵)	درصد روستاهای متصل به شبکه برق	زیر بنایی
(۰.۰۳)	درصد روستاهای دارای جهاد کشاورزی		(۰.۰۶)	درصد روستاهای برخوردار از انرژی نو	
(۰.۰۱)	درصد روستاهای دارای مروج کشاورزی		(۰.۱۸)	درصد روستاهای متصل به گاز لوله کشی	
(۰.۰۶)	درصد روستاهای دارای شرکت تعاونی		(۰.۱۱)	درصد روستاهای دارای سامانه تصفیه آب	
(۰.۳۵)	درصد روستاهای دارای دهیار		(۰.۲۶)	درصد روستاهای متصل به آب	
(۰.۱۸)	درصد روستاهای دارای پاسگاه		(۰.۰۳)	درصد واحدهای مسکونی دارای بتن آرمه	
(۰.۱۱)	درصد روستاهای دارای شورای حل اختلاف		(۰.۰۱)	درصد واحد های مسکونی دارای اسکلت فلزی در دهستان	
(۰.۳۵)	درصد روستاهای دارای دهیار		(۰.۲۷)	درصد روستاهای دارای کتابخانه	
(۰.۲۲)	درصد روستاهای دارای بانک	(۰.۱۸)	درصد روستاهای دارای زمین ورزشی		
(۰.۲۸)	درصد روستاهای دارای نانواپی	(۰.۱۰)	درصد روستاهای دارای سالن ورزشی		
(۰.۱۷)	درصد روستاهای دارای فروشگاه تعاونی	(۰.۴۰)	درصد روستاهای دارای امامزاده		
(۰.۰۹)	درصد روستاهای دارای تعمیرگاه ماسین آلات کشاورزی	(۰.۰۴)	درصد روستاهای دارای اماکن مذهبی سایر ادیان		
(۰.۰۱)	درصد روستاهای دارای ماشین آلات غیر کشاورزی	(۰.۰۱)	درصد روستاهای دارای بوستان		

(۰.۰۳)	درصد روستاهای دارای جایگاه سوخت	(۰.۳۵)	درصد روستاهای دارای دسترسی به وسایل نقلیه عمومی	ارتباطات و حمل و نقل
(۰.۱۳)	درصد روستاهای دارای پایگاه آتش نشانی	(۰.۱۱)	درصد روستاهای دارای دفتر مخابرات	
(۰.۰۳)	درصد روستاهای دارای نمایندگی پخش سفید	(۰.۰۳)	درصد روستاهای دارای دفتر پست	
(۰.۰۶)	درصد روستاهای دارای نمایندگی پخش سیلندر گاز	(۰.۰۱)	درصد روستاهای دارای صندوق پست	
(۰.۰۵)	درصد روستاهای دارای هنرستان فنی حرفه ای دخترانه	(۰.۱۸)	درصد روستاها با دسترسی عمومی به اینترنت	بهداشتی
(۰.۰)	درصد آبادی های دارای روستا مهد	(۰.۰۶)	درصد روستاهای دارای ict	
(۰.۰۲)	درصد روستاهای دارای هنرستان فنی حرفه ای پسرانه	(۰.۲۶)	درصد روستاهای دارای دسترسی به آسفالت عمومی	
(۰.۰۱)	درصد روستاهای دارای دبیرستان کار و دانش دخترانه	(۰.۱۹)	درصد آبادی های دارای مرکز بهداشتی درمانی	
(۰.۰۰)	درصد روستاهای دارای دبیرستان کار و دانش پسرانه	(۰.۱۰)	درصد روستاهای دارای داروخانه	
(۰.۱۶)	درصد روستاهای دارای دبیرستان نظری دخترانه	(۰.۰۲)	درصد روستاهای دارای پایگاه بهداشت روستایی	
(۰.۱۸)	درصد روستاهای دارای دبیرستان نظری پسرانه	(۰.۰۸)	درصد روستاهای دارای خانه بهداشت	
(۰.۱۰)	درصد روستاهای دارای دبیرستان شبانه روزی پسرانه	(۰.۱۲)	درصد روستاهای دارای مرکز تسهیلات زایمان	
(۰.۰۸)	درصد روستاهای دارای دبیرستان شبانه روزی دخترانه	(۰.۰۵)	بهبار یا مامای روستایی	
(۰.۰۳)	درصد روستاهای دارای راهنمایی شبانه روزی پسرانه	(۰.۰۴)	درصد روستاهای دارای بهورز	
(۰.۰۴)	درصد روستاهای دارای راهنمایی شبانه روزی دخترانه	(۰.۱۷)	درصد روستاهای دارای پزشک	
(۰.۰۷)	درصد روستاهای دارای راهنمایی دخترانه	(۰.۰۲)	دندانپزشک یا بهداشت کاردهان و دندان	
(۰.۱۲)	درصد روستاهای دارای راهنمایی پسرانه	(۰.۰۰)	درصد روستاهای دارای تکسین دامپزشکی	
(۰.۰۱)	درصد روستاهای دارای راهنمایی مختلط	(۰.۱۴)	درصد روستاهای دارای دامپزشک	
(۰.۱۴)	درصد آبادی های دارای دبستان	(۰.۰۰)	درصد روستاهای دارای آزمایشگاه رادیولوژی	
		(۰.۰۱)	درصد روستاهای دارای غسلخانه	
		(۰.۰۶)	درصد روستاهای دارای سامانه جمع	

(منبع: اقتباس از مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

۳-۴- روش موریس

برای تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی مختلف کشور روش‌های گوناگونی، با محاسن و معایب به‌خصوصی وجود دارد که یکی از این روش‌ها روشی است که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۰ توسط دفتر عمران سازمان ملل برای درجه‌بندی ۱۳۰ کشور جهان از نظر توسعه انسانی به نام شاخص توسعه انسانی به کار گرفته شد. این روش برای تمییز نواحی از لحاظ توسعه یافتگی کالبدی- انسانی به کار برده می‌شود و جدیدترین الگوی رسمی استفاده شده در سطح جهانی است. این الگو به «الگوی موریس» معروف است. همچنین، این مدل از جمله مدل‌هایی است که در تعیین الگوی استقرار شبکه سکونتگاهی، تعیین منظومه روستایی و یا حوزه عمران روستایی، از اهمیتی ویژه برخوردار است. مدل موریس، با استفاده از اطلاعات در دسترس برای هر واحد سکونتگاهی، جایگاه توسعه یافتگی هر واحد را برحسب هر کدام از شاخص‌های انتخابی مشخص می‌کند و در نهایت، با استفاده از روش تحلیل شاخص توسعه، میانگین مجموع شاخص‌ها را به گونه‌ای ساده و اما درخور توجه تعیین می‌کند و سپس به رتبه بندی سکونتگاه‌ها می‌پردازد (رضوانی، ۱۳۸۲: ۶).

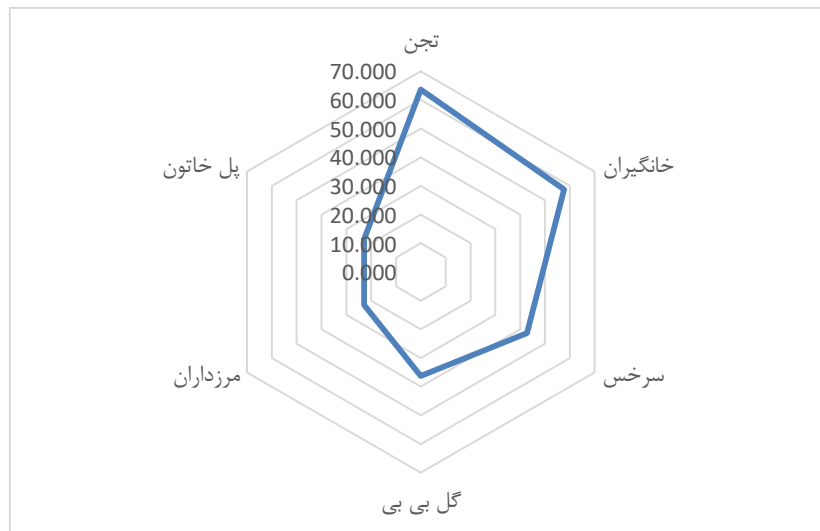
۵- یافته‌ها

براساس داده‌های جمع‌آوری شده در قالب ۷ بعد و ۶۵ شاخص توسعه و با استفاده از مدل موریس، ضریب نهایی توسعه- یافتگی دهستان‌های شهرستان سرخس محاسبه گردیده است. نتایج محاسبات نشانگر نوسان ضریب توسعه یافتگی دهستان‌ها از حداقل ۲۲.۸۰۹ تا حداکثر ۶۳.۵۷۸ است. بطوری که دهستان تجن با ضریب ۶۳.۵۷۸ بالاترین و دهستان پل خاتون با ضریب ۲۲.۸۰۹ پایین‌ترین ضریب توسعه یافتگی را دارا است (جدول ۵) (نمودار ۱).

جدول ۵: ضریب توسعه یافتگی نهایی و رتبه بندی دهستان‌های شهرستان سرخس بر اساس مدل موریس

رتبه	دهستان	درجه توسعه نهایی
۱	تجن	۶۳.۵۷۸
۲	خانگیران	۵۷.۶۳۸
۳	سرخس	۴۲.۷۰۵
۴	گل بی بی	۳۶.۳۲۲
۵	مرزداران	۲۲.۸۹۸
۶	پل خاتون	۲۲.۸۰۹

(منبع: محاسبات نگارنده)



نمودار ۲: وضعیت توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان سرخس بر اساس مدل موریس

نتایج حاصل از رتبه‌بندی دهستان‌های شهرستان سرخس بر اساس ضریب توسعه‌یافتگی و به تفکیک هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های زیربنایی دهستان خانگیران با ضریب ۶۷.۷۱۷ در رتبه اول و دهستان مرزداران با ضریب ۲۸.۶۰۷ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های ارتباطات و حمل و نقل دهستان تاجن با ضریب ۹۸.۶۳۵ در رتبه اول و دهستان پل خاتون با ضریب ۱۵.۶۴۱ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های آموزشی دهستان گل بی بی با ضریب ۵۳.۴۲۶ در رتبه اول و دهستان مرزداران با ضریب ۴.۷۴۶ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های بهداشتی دهستان خانگیران با ضریب ۰.۹۹۰ در رتبه اول و دهستان مرزداران با ضریب ۱۴.۴۰۴ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های خدمات بازرگانی دهستان تاجن با ضریب ۷۶.۶۶۰ در رتبه اول و دهستان پل خاتون با ضریب ۳.۰۶ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های سیاسی و اداری دهستان تاجن با ضریب ۷۱.۹۴۴ در رتبه اول و دهستان مرزداران با ضریب ۱۳.۱۶۲ در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های فرهنگی و مذهبی دهستان تاجن با ضریب ۵۴.۲۳۱ در رتبه اول و دهستان مرزداران با ضریب ۷.۶۲۹ در رتبه آخر قرار گرفته‌اند (جدول ۵). نتایج حاصل از بررسی ضریب اختلاف (C.V) شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که در ۷ مورد بررسی قرار گرفته، شاخص‌های بعد آموزشی با ضریب اختلاف ۰.۷۷ بیشترین نابرابری را در ابعاد بین دهستان‌های شهرستان سرخس دارا می‌باشند و کمترین نابرابری در شاخص‌های بعد زیربنایی با ضریب اختلاف ۰.۳۴ در دهستان‌های این شهرستان قرار دارد.

جدول ۶: ضریب و رتبه توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان سرخس بر اساس روش موریس

رتبه	زیربنایی		ارتباطات و حمل نقل		آموزشی		بهداشتی		خدمات بازرگانی		سیاسی اداری		فرهنگی و مذهبی	
	دهستان	توسعه‌یافتگی	دهستان	توسعه‌یافتگی	دهستان	توسعه‌یافتگی	دهستان	توسعه‌یافتگی	دهستان	توسعه‌یافتگی	دهستان	توسعه‌یافتگی	دهستان	توسعه‌یافتگی
۱	خانگیران	۶۷.۷۱۷	تاجن	۹۸.۶۳۵	خانگیران	۸۰.۱۸۰	گل بی بی	۵۳.۴۲۶	تاجن	۷۶.۶۶۰	تاجن	۷۱.۹۴۴	تاجن	۵۴.۲۳۱

۳۵.۷۱۳	خانگیران	۲۹.۳۸۳	گل بی بی	۳۳.۱۹۲	سرخس	۳۳.۱۸۷	پل خاتون	۷.۶۳۹	مرز داران	۰.۴۹۱
۶۲.۵۸۷	خانگیران	۴۹.۳۴۰	سرخس	۲۵.۶۵۰	گل بی بی	۲۰.۱۲۵	پل خاتون	۱۳.۱۶۲	مرز داران	۰.۵۴۷
۵۵.۲۸۰	خانگیران	۳۳.۳۳۴	سرخس	۱۸.۸۲۱	گل بی بی	۱۲.۴۵۲	پل خاتون	۳.۰۶	مرز داران	۰.۷۶۸
۴۵.۱۸۷	خانگیران	۴۴.۶۸۲	سرخس	۴۱.۳۴۷	گل بی بی	۱۷.۷۵۰	پل خاتون	۱۴.۴۰۴	پل خاتون	۰.۴۰۶
۵۵.۶۲۶	خانگیران	۲۷.۱۳۱	تجن	۲۴.۰۹۹	سرخس	۱۱.۶۶۷	پل خاتون	۴.۷۴۶	مرز داران	۰.۷۷۱
۸۲.۵۳۰	تجن	۶۲.۴۸۳	سرخس	۳۵.۳۳۰	گل بی بی	۲۱.۸۳۱	پل خاتون	۱۵.۶۴۱	مرز داران	۰.۵۸۶
۵۶.۳۱۹	خانگیران	۴۵.۹۶۴	سرخس	۴۱.۹۷۱	مرز داران	۳۰.۴۱۷	گل بی بی	۲۸.۶۰۷	پل خاتون	۰.۳۰۴
تجن	سرخس	گل بی بی	پل خاتون	مرز داران	CV					

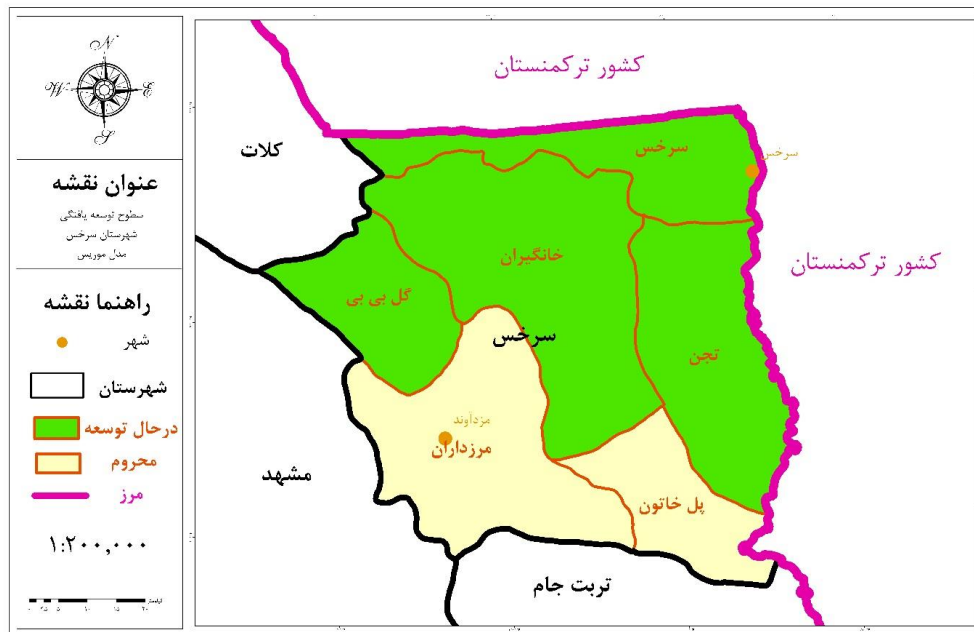
ماخذ: محاسبات نگارنده

باتوجه به ضرایب توسعه یافتگی، دهستان‌های شهرستان سرخس در سه سطح توسعه یافته، در حال توسعه و محروم طبقه بندی شده‌اند. براساس (جدول ۷) از نظر شاخص‌های توسعه دهستان‌های مرزداران و پل خاتون در سطح محروم و دهستان‌های گل بی بی، خانگیران، سرخس و تجن نیز در سطح توسعه یافته قرار گرفته اند و در این شهرستان هیچ دهستانی در طبقه توسعه یافته قرار نگرفت. به طور کلی در شهرستان سرخس ۳۳.۳۳ درصد از دهستان‌ها محروم و ۶۶.۶۷ درصد از دهستان‌ها در حال توسعه هستند. (نقشه ۲) سطوح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان سرخس را براساس شاخص‌های مورد مطالعه در مدل موریس نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: سطوح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان سرخس بر اساس مدل موریس

وضعیت توسعه یافتگی	دامنه	تعداد دهستان	درصد
محروم	۰-۳۳	۲	۳۳.۳۳
در حال توسعه	۳۳-۶۶	۴	۶۶.۶۷
توسعه یافته	۶۶-۱۰۰	۰	۰.۰۰

(منبع: محاسبات نگارنده)



نقشه ۳: تعیین سطوح برخورداری شهرستان سرخس براساس مدل موریس

نتیجه گیری و پیشنهادات

توزیع عادلانه امکانات و خدمات و زیر ساخت‌ها یکی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای افزایش سطح توسعه در یک منطقه می‌باشد. توسعه پایدار و امنیت پایدار مفاهیمی مرتبط به یکدیگر می‌باشند که اهمیت آن‌ها در مناطق مرزی به‌عنوان منطقه ورودی، بیش از سایر مناطق است. در کشور ما روستاهای مرزی به‌علت تاثیرات دوری از مرکز، که با سیاست‌گذاری از بالا به پایین تشدید می‌شود، از نظر دسترسی به تاسیسات و امکانات وضعیت مطلوبی ندارند. بررسی وضعیت جامعه روستایی در ایران حاکی از آن است که برنامه‌های عمرانی، اجتماعی و توسعه روستایی با الگوهای توسعه پایدار سازگاری ندارد که لازمی آن ایجاد بستری مناسب برای رشد همراه با ارائه زیرساخت‌ها و خدمات معیشتی- رفاهی در راستای برقراری توسعه و تعادل در آن جامعه است؛ بنابراین، در برنامه‌ریزی توسعه روستایی اهمیت تشخیص و تشکیل سلسله‌مراتبی از سکونتگاه‌ها از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی همواره یک امر ضروری است (افراخته و توفیقیان اصل، ۱۳۹۵: ۲۱۰). بر این مبنای، به‌منظور شناسایی و تحلیل فضایی خدمات، امکانات و محدودیت‌های شهرستان سرخس از نظر شاخص‌های توسعه با استفاده از ۶۵ شاخص در ۷ بعد آموزشی، جمعیتی، ارتباطات و حمل‌ونقل، اقتصادی، خدماتی و بازرگانی، فرهنگی و مذهبی، زیربنایی و بهداشتی، با بهره‌گیری از مدل موریس به بررسی و تعیین ضریب توسعه‌یافتگی، رتبه‌بندی و طبقه‌بندی دهستان‌های این شهرستان در سه سطح برخوردار، نیمه برخوردار و محروم پرداخته شده است. با استفاده از مدل موریس، دهستان‌های شهرستان در دو طبقه در حال توسعه و محروم قرار می‌گیرند؛ بدین ترتیب در این مدل دهستان‌های تجن، خانگیران، سرخس، گل بی-بی در طبقه دهستان‌های در حال توسعه هستند که ۶۶.۶۷ درصد از کل دهستان‌های شهرستان سرخس را شامل می‌شوند و دهستان‌های مرزداران و پل‌خاتون در طبقه دهستان‌های محروم قرار گرفته‌اند که ۳۳.۳۳ درصد از کل دهستان‌های شهرستان سرخس را شامل می‌شوند. نتایج محاسبات نشانگر نوسان ضریب توسعه‌یافتگی دهستان‌ها از حداقل ۲۲.۸۰۹ تا حداکثر ۶۳.۵۷۸ است. بطوری که دهستان تجن با ضریب ۶۳.۵۷۸ بالاترین و دهستان پل‌خاتون با ضریب ۲۲.۸۰۹ پایین‌ترین ضریب

توسعه‌یافتگی را دارا است. همچنین طبق یافته‌ها هیچ دهستانی در سطح توسعه یافته قرار نگرفت، که این نکته بیانگر وضعیت نامطلوب این شهرستان مرزی از نظر شاخص های توسعه یافتگی می‌باشد. چنین الگویی، نشان از عدم تجانس و توازن در ساخت فضایی دهستان‌های شهرستان مرزی سرخس است و با توجه به اینکه اکثر دهستان های شهرستان سرخس در سطح درحال توسعه به سر می‌برند و در نظر داشتن این نکته که هیچ کدام از دهستان‌های این شهرستان در سطح توسعه قرار نگرفته‌است، توجه به پتانسیل ها و قابلیت های این نواحی می‌تواند به صورت چشمگیری نابرابری‌های فضایی در زمینه توزیع خدمات و امکانات را کاهش دهد و زمینه توسعه یکپارچه و متعادل را در سطح ناحیه برقرار سازد. بدین منظور پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- سیاست گذاری و قانون گذاری به منظور تامین امنیت منطقه مرزی شهرستان سرخس و کشور ترکمنستان و برخورد مناسب با افراد متخلف و مختل کننده نظم و امنیت؛
- متنوع سازی اقتصاد روستایی و توسعه صادرات و واردات به کشور و هدایت بهینه و قانونمند آن و توزیع عادلانه ثروت و سرمایه های ملی بین دهستان های شهرستان سرخس و در کل فضای سرزمینی کشور؛
- گسترش قانون مند و چارچوب مدار ارتباطات فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی مردم در دو سوی مرزها و اتحاد سیاست های توسعه سیاسی و روابط دیپلماتیک بین ایران و سایر کشور ها از جمله کشور ترکمنستان؛
- ارتقای فرهنگی مردم ساکن در محدوده با توسعه مراکز آموزشی و دانشگاهی و آگاه کردن ساکنین از الزامات و پیش زمینه های تحقق توسعه.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، **جامعه شناسی توسعه**، تهران: موسسه نشر علم.
- افراخته، حسن و توفیق‌یان اصل، سید امیر (۱۳۹۵)، **تحلیل مکانی- فضایی سطوح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان بویراحمند**، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۴=۱۹۳.
- پورطاهری، مهدی (۱۳۸۹)، **کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در جغرافیا**، انتشارات سمت، چاپ اول.
- حافظ نیا، محمدرضا و قدری حاجت، مصطفی و احمدی پور، زهرا و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و گوهری، محمد- (۱۳۹۳)، **طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه موردی: ایران)**، صص ۳۳-۵۲.
- رضائیان، علی و لطیفی، میثم (۱۳۸۴)، **رویکرد فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی برای وزن‌دهی معیارهای انتخاب مدیران منابع انسانی بخش دولتی**، پیام مدیریت، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۶۰-۳۱.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱)، **سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی در شهرستان سنجند**، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۳، صص ۱۴۶-۱۴۹.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲)، **تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان**، فصلنامه پژوهش- های روستایی، دوره ۳۶، شماره ۵۰، صص ۸۶-۷۵.
- زیاری، کرامت‌اله و بزرگ نژاد، کامیار (۱۳۹۴)، **سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان تهران**، همایش بین‌المللی معماری عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم.
- سالنامه آماری استان خراسان رضوی، فصل اول، سرزمین و آب و هوا، سال ۱۳۹۴

- سجاسی، حمدالله، جزوه کلاسی درس «برنامه ریزی روستایی در نواحی مرزی ویژه»، دانشگاه فردوسی، مشهد، سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸، نیم سال دوم.
- صادقی، حجت‌اله و فال سلیمان، محمود و هاشمی، صدیقه و خدایی، معصومه (۱۳۹۳)، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه پایدار در روستاهای مرزی شرق ایران مورد: دهستان بندان در شهرستان نهبندان، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۸، صص ۱۴۶-۱۲۱.
- عمرانی، محمد و پیری، حبیب (۱۳۸۹)، سنجش توسعه‌یافتگی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۳، صص ۱۴۴=۱۲۵.
- عندلیب، علیرضا و شریف، مطوف (۱۳۷۹)، تجربه‌های آمایش مناطق مرزی دو پاره‌ی آلمان و درس‌هایی برای ایران، فصلنامه صفا، شماره ۲۹، صص ۶۵-۴۵.
- فتاحی، احمد و قرایی‌منش، سمانه و قرایی‌منش، علی (۱۳۹۴)، سنجش درجه توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی در مناطق بیابانی (مطالعه موردی: منطقه آب جاغ جاغ، سمیرم)، فصلنامه علمی-پژوهشی خشک‌بوم، جلد ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۳۸-۲۹.
- فیاض آذر، پریسا و ظریفیان، شاپور و راحلی، حسین (۱۳۹۱)، مقایسه و تحلیل سطح توسعه‌یافتگی روستاهای شهرستان تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- کریم، محمدحسین و هاشمی، ابوالحسن (۱۳۸۸)، نظرسنجی از روستاییان در مورد چالش‌های توسعه پایدار روستایی: مطالعه موردی دهستان ساروق، شهرستان اراک، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۱۷۸=۱۵۵.
- کریمی، مرتضی و وفایی، علی اکبر (۱۳۹۲)، امنیت‌سازی با توسعه پایدار در مناطق مرزی (مطالعه موردی، شهر مریوان)، پژوهش و برنامه ریزی شهری، شماره ۱۵، صص ۱۱۲-۹۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰): سالنامه آماری سال هزار و سیصد و نود استان خراسان رضوی، تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰): سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال هزار و سیصد و نود استان خراسان رضوی، تهران: مرکز آمار ایران.
- مختاری‌هشی، حسین و مومن، مهدی و باقری، مهرداد (۱۳۹۳)، تدوین راهبردهای آمایش مناطق مرزی، مطالعه-موردی، مرزهای شرقی کشور، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره ۳، صص ۲۵۴-۲۳۷.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۴)، برنامه ریزی توسعه روستایی با تاکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
- ملکی، سعید و احمدی، رضا و ترابی، ذبیح الله (۱۳۹۴)، بررسی عدالت‌فضایی در توزیع امکانات و خدمات بهداشتی-درمانی در شهرستان‌های استان خوزستان، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۲۲.
- میره‌ای، محمد و حسینی، سید علی و میزایی، سید مصطفی (۱۳۹۶)، بررسی و تحلیلی بر چگونگی توسعه‌یافتگی نواحی روستایی مرزی (مورد مطالعه دهستان‌های شهرستان سرخس)، پژوهشنامه مطالعات مرزی، سال ۵، شماره ۲، صص ۱۰۸-۸۱.
- واثق، محمود و احمدی، عباس و طباطبایی، عباس (۱۳۹۷)، تحلیل عوامل موثر در آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان از منظر ژئوپلتیک، فصلنامه علمی پژوهی جغرافیا، شماره ۵۸، سال ۱۶، صص ۱۴۰-۱۱۵.



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



ویسی ، فرزاد و منوچهری، سوران و تابا، بدریه(۱۳۹۵)، **سنجش توسعه‌یافتگی نواحی روستایی مرزی (مطالعه موردی: دهستان‌های شهرستان مریوان)**، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۲.

مدل مفهومی بازیگران موثر در آمایش مناطق مرزی

محسن جان پرور*^۱، دریا مازندرانی^۲

۴- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۵- دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

janparvar@um.ac.ir*

چکیده:

مدل و مدل سازی در عرصه علمی از اهمیت و جایگاه برجسته ای برخوردار می باشد. به هر میزان ترسیم مدلها در عرصه علمی نظام مند باشد و معنی دار می تواند زمینه درک مسائل و مباحث را بهتر و دقیقتر نماید. در این میان، آمایش مناطق مرزی با توجه به ابعاد گسترده ای که دارد ضرورتا نیازمند آن است که بتوان آن را در قالب بخش های جزئی تر مورد بررسی قرار داد و مدل سازی هایی در این زمینه جهت ساده سازی انجام داد. در این میان از آنجا که، بازیگران مرزی از اهمیت و جایگاه برجسته ای در امر آمایش مناطق مرزی و کنترل و مدیریت مرزها از اهمیت و جایگاه برجسته ای برخوردار هستند در مقاله حاضر که با روش توصیفی- تحلیلی به انجام رسیده است تلاش شده است تا ضمن شناخت این بازیگران مرزی موثر بر آمایش مناطق مرزی، مدل سازی از ارتباط بین این بازیگران ارائه شود. نتایج حاصل از تحقیق نشان دهنده آن است که بازیگران مرزی شامل ساکنین مرزی، بازیگران امنیتی مرز، بازیگران سیاسی- حاکمیتی مرزی و بازیگران غیر رسمی در طول مرزها می شوند که با توجه به ماهیت دو طرفه مرزها در قالب معادل در فراسوی مرزها نیز باید مورد توجه قرار گیرند. چرا که این بازیگران یک کل به هم پیوسته را تشکیل می دهند و هر نوع کم توجهی میتواند زمینه عدم موفقیت در رسیدن به اهداف آمایش را سبب شود.

واژگان کلیدی: مرز، بازیگران مرزی، مدل مفهومی، آمایش مرز

۱- مقدمه

مرز و مرزبانی دارای تاریخچه‌ای بسیار کهن است. بشر از زمانی که توانسته است محدوده‌ی تحت حاکمیت خویش را مشخص سازد در اندیشه‌ی حفاظت از آن بر آمده و سعی کرده است با روش‌های مختلف مرزهای قلمرو خود را تا حد امکان کنترل و مدیریت کند. اما، با شکل‌گیری حکومت‌ها کنترل و حفاظت از محدوده‌های قلمرو کشورها جهت برقراری نظم و امنیت جایگاه برجسته و پر اهمیتی به خود اختصاص داد و حکومت‌ها به صورت‌های مختلف سعی در کنترل محدوده‌ها و مرزهای قلمرو خود کرده‌اند که ساخت دیوار چین، هاردین، دیوار گرگان و ... از سوی حکومت‌ها شواهدی بر این مدعا در ادوار گذشته است؛ البته نمونه‌هایی از این انسداد مرزی در عصر حاضر نیز مشهود است که نمونه‌های بارز آن عبارتند از دیوار مرزی عربستان با کشورهای یمن و عراق، دیوار حایل رژیم صهیونیستی با فلسطین، دیوار مرزی اکراین و روسیه، هند و بنگلادش، ایران و پاکستان و ... با گذشت زمان اندیشه‌ها و تلاش‌هایی جهت دستیابی به کنترل و مدیریت بهینه مرزها با توجه به تحولات صورت گرفته در طول زمان توسعه پیدا کرده است تا حکومت‌ها بتوانند کنترل و مدیریت مرزهای خود را با پیشرفت‌های صورت گرفته در عرصه‌های مختلف فناوریانه و علمی هماهنگ نمایند (حافظنیا و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۴). تا از این طریق بتوانند نظم و امنیت را در مناطق مرزی به صورت خاص و در کل کشور به صورت عام برقرار کنند. چرا که، مرزها از جمله پدیده‌های فضایی-جغرافیایی سیاسی با ویژگی‌های مشخصه‌های خاص خود هستند که از پویایی قابل توجهی برخوردار می‌باشند. این پویایی مرزها به صورت‌های مختلف تحت تأثیر شرایط حاکم بر فضای مرزها و فضای حاکم بر کشورهای هم‌مرز دچار تغییر و تحول می‌شود. به نحوی که باید بر پایه این گستره تغییر و تحول مرزها را به عنوان یک ارگانیک زنده در نظر گرفته که دائماً در حال تغییر و تکامل است. بر این مبنا، مرزها باید به صورت مداوم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند و با توجه به اهمیت آنها در امنیت و ساماندهی کشورها باید به صورت مستمر کنترل و مدیریت شوند. در این میان حرکت جهت بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و بسترهای حاضر در فضای جغرافیایی مناطق مرزی و به بیان دیگر در برنامه ریزی آگاهانه این مناطق در قالب آمایش مناطق مرزی می‌تواند جهت دستیابی به اهداف کنترل و مدیریت بهتر مرزها و ایجاد زمینه شکوفایی آن تأثیرات گسترده‌ای داشته باشد. از جمله مهمترین عوامل موثر در آمایش مناطق مرزی، بازیگران حاضر در مرزها هستند که در امر ساماندهی فضاهای مرزی تأثیرگذار هستند و به بازیگری و نقش آفرینی می‌پردازند. با توجه به این اهمیت و جایگاه برجسته‌ای که بازیگران مرزی در اشکال و انواع مختلف دارند در مقاله حاضر تلاش بر این است که این بازیگران مرزی را در قالب مدل مفهومی مناسب آورده شود. تا از این طریق ضمن ارائه شمایی کلی از بازیگران حاضر در مرزها، شناخت و درک لازم از بازیگران در این حوزه را جهت آمایش مناطق مرزی فراهم آورده شود.

۲- مفاهیم نظری

۲-۱- مرز

۲-۱-۱- تعریف مرز

مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملی را مشخص می‌کند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۶۹). به بیانی دیگر، مرزها به صورت دیوارهایی زندگی، هویت، خانه، کشور، حکومت، منافع (ملی) و ... را از دیگران جدا می‌کنند و به شما و آنها اعتبار و هویت می‌دهند. با نگاهی به اطراف خود و مرزهایی که در اطراف وجود دارد می‌توان این موضوع را بهتر درک کرد (حافظنیا و جان‌پرور، ۱۳۹۱: ۳۵). در مجموع می‌توان گفت، مرزها خطوطی هستند در فضا که محدوده حاکمیت، مالکیت و صلاحیت در سطوح مختلف فردی، گروهی، ملی، منطقه‌ای را مشخص می‌کنند (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۲۰).

باید توجه داشت که مرزها دارای انواع و اشکال مختلفی هستند و تقسیم بندی‌های مختلفی از آنها صورت گرفته است. در این تحقیق منظور از مرزها، مرزهایی است که در فضای عینی و در سطح خشکی منطبق با پدیده‌های طبیعی نظیر کوه ها، رودها، جنگل‌ها، باتلاق‌ها و غیره ترسیم شده اند، است.

۲-۱-۲- آمایش مرزی

آمایش سرزمین از منظر برنامه‌ریزی، در اصل نوعی برنامه‌ریزی فضایی است، پس آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع، از نیازهای مناطق مرزی، در چارچوب شرایطی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند می‌دهد و راهکاری برای توسعه مناطق مرزی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شود (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۲). به بیانی دیگر، آمایش بهترین توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی سیاسی در یک چارچوب جغرافیایی معین به دنبال بهترین توزیع ممکن جمعیت، سازماندهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی به منظور تحقق آینده‌های مطلوب، برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت، نظارت بر عمران، حفاظت فضا یا سرزمین چارچوب نظر توسعه مناطق مرزی، در کل، چارچوب توسعه منطقه‌ای است. از آنجایی که مناطق مرزی با مناطق مرکزی متفاوت است، این چارچوب نظری بر تفسیر پدیده عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی استوار است. اصولاً تمام نظریه‌های مربوط به توسعه منطقه‌ای بر پایه پدیده عدم تعادل منطقه‌ای به عنوان محور بحث‌هایشان می‌چرخند. این نظریه‌ها با پدیده عدم تعادل منطقه‌ای را تفسیر می‌کند و یا برای رفع آن، راه حل ارائه می‌دهد. از آن جایی که عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی مشهود، و شاخص است، پایه‌های نظری آمایش مناطق مرزی بر نظریه‌های توسعه منطقه‌ای مستقر می‌شود. مشوق‌های اقتصادی توسعه، که کمک‌های مالی توسعه منطقه‌ای نماد آن در دهه‌ی ۱۹۸۰ بود، تا کنون مهمترین ابزار سیاست‌گذاری بوده است (کالینگورس، ۱۳۸۷: ۵۰). بنابراین، گرچه آمایش مناطق مرزی یک نوع فن برنامه‌ریزی است، اما خود بر پایه‌های نظری و متدولوژی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی‌های مناطق مرزی، موانع توسعه و یا امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آنها راه‌حل‌های یکپارچه‌ای ارائه می‌دهد تا اهداف توسعه و امنیت را در مناطق مرزی بر یکدیگر منطبق سازد. بر پایه این توضیحات، می‌توان «آمایش» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی- فضایی و «آمایش مناطق مرزی» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشورها، دانست که هدف آن شناخت پیچیدگی‌ها و موانع توسعه در این مناطق است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۵). در جمع‌بندی کلی در زمینه مفهوم آمایش مناطق مرزی باید گفت، آمایش مناطق مرزی عبارت است از، برنامه‌ریزی جهت تعیین مکان پدیده‌ها در فضای مناطق مرزی متناسب با شرایط، این مناطق و بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های فضایی جهت دستیابی به توسعه و افزایش حرکت مرکزگرا با تأکید بر محتوای امنیتی و دفاعی این مناطق و نیم‌نگاهی داشتن به شرایط کشور یا کشورهای مقابل (جان پرور، ۱۳۹۶: ۸۸-۸۷).

۲-۲- مدل

۲-۲-۱- تعریف مدل

مدل، از ریشه لاتینی Modus به معنای اندازه گرفته شده است. مدل همچنین به ما کمک می‌کند که به متن و درون پدیده‌هایی که نمی‌توانیم مستقیماً آن‌ها را ببینیم هدایت شویم. مدل جزئی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک شیء بزرگ

است که از لحاظ کارکرد با شیء واقعی یکسان است (گرچی، ۱۳۸۸: ۳۳). به بیانی دیگر، مدل از نظر علمی، نوعی مقایسه یا تصویر ذهنی از پدیده‌ها با چیزی است که اغلب با آن آشنا هستیم. به گزارش بیگ بنگ، هدف از ارائه‌ی مدل، به دست آوردن تصویری تقریباً ذهنی یا عینی است، یعنی چیزی را مجسم کردن. هنگامی که نمی‌توان دید واقعا چه اتفاقی روی می‌دهد، اغلب مدل‌ها با مقایسه با یک دستگاه آشنا (برای مثال همان امواج آب) به ما بینش ژرف تری می‌دهد که می‌تواند آزمایش‌های جدیدی را مطرح کند و یا اندیشه‌هایی را درباره‌ی دیگر پدیده‌های وابسته به وجود آورد که شاید روزی به وقوع بپیوندند. شاید از تفاوت‌های میان نظریه و مدل شگفت زده شوید، زیرا بعضی اوقات این واژه‌ها به صورت مترادف هم به کار می‌روند، اما مدل معمولاً ساده است و مقایسه‌ای ساختاری برای پدیده‌های مورد بررسی در اختیارمان می‌گذارد، در صورتی که نظریه گسترده‌تر و بسیار مفصل‌تر است و اغلب می‌توان پیش‌بینی‌های کمی‌آزمون‌پذیری را با دقت هرچه تمام‌تر ارائه‌دهد. بعضی اوقات یک مدل را بسط می‌دهند و اصلاح می‌کنند تا با آزمایش‌های انجام شده در گستره‌ی وسیعی از پدیده‌ها مطابقت نزدیکی داشته باشد، در این حال شاید بتوان آن را به عنوان یک نظریه تلقی کرد. مدل‌ها می‌توانند بسیار سودمند باشند، زیرا اغلب به نظریه‌های مهمی می‌انجامند، اما آنچه اهمیت دارد این است که نظریه یا مدل را با خود دستگاه‌های واقعی و پدیده‌ها اشتباه نگیریم. دانشمندان، عنوان قانون را به گزاره‌های موجز و فراگیر درباره‌ی چگونگی رفتار طبیعت نسبت می‌دهند. (برای مثال پایستگی انرژی). گاهی این گزاره‌ها به شکل رابطه‌ها یا معادله‌ی میان کمیت‌ها بیان می‌شوند (توحیدی، ۱۳۹۴).

۲-۲-۲- انواع مدل‌ها

مدل‌ها دارای انواع مختلفی هستند و صاحب‌نظران در این زمینه نیز تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از مدل‌ها ارائه داده‌اند. اما شاید یکی از ساده‌ترین تقسیم‌بندی‌ها صورت گرفته از مدل‌ها به صورت ذیل است:

۱- مدل‌های کلامی (verbal models)

۱-۱- مدل‌های تشریحی (descriptive)

۱-۲- مدل‌های قیاسی (analogue)

۱-۳- مدل‌های علت و معلولی (Causal models)

۲- مدل‌های ترسیمی (schematic models)

۳- مدل‌های تجسمی (iconic models)

۴- مدل‌های ریاضی (mathematical models)

هریک از این مدل‌ها به گونه‌ای روابط و آثار اجزای مختلف پدیده‌ها را نشان می‌دهند و در موارد مختلف کاربرد دارند. ترکیب مدل‌های مذکور نیز در اغلب موارد می‌تواند وسیله مؤثرتری باشد. (الوانی، ۱۳۷۹، ص ۵۳)

۳- روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری و فیش‌برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای، میدانی و اینترنتی استفاده شده است. این تحقیق با توجه به رویکرد جغرافیای سیاسی آن، اولین تحقیق علمی-جغرافیای-سیاسی در تبیین مدل مفهومی بازیگران مرزی حاضر در کنترل و مدیریت مرزها می‌باشد. سوال اصلی این تحقیق، این است که مدل مفهومی بازیگران مرزی مؤثر در کنترل و مدیریت مرزها چگونه قابل ترسیم است؟

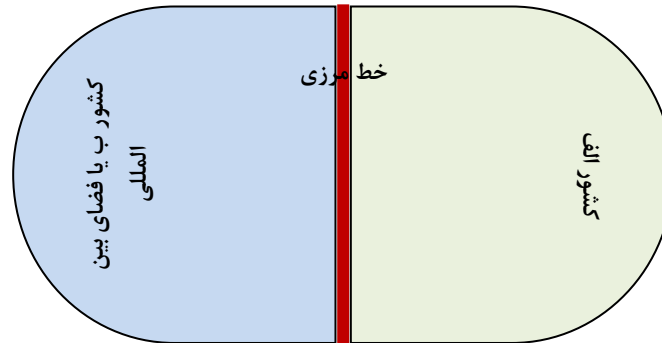
۴- یافته‌های تحقیق

با افزایش سریع جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات بر خلاف تصویری که در زمینه از میان رفتن و کم رنگ تر شدن مرزها وجود داشت، زمینه برای بازآفرینی و اهمیت‌یابی دوباره مرزها فراهم آورده شده است. مرزها با تغییر زمینه‌های مورد بحث خود در حوزه‌های تعریف، ترسیم، انواع و غیره به نفوذ پذیری، کنترل و مدیریت و غیره توانستند اهمیت و جایگاه برجسته جدیدی در حوزه‌های مختلف مطالعاتی پیدا کردن و از این طریق خود را همچنان به عنوان یکی از کانون‌های توجه در قرن بیست و یکم باقی نگاه داشتند. به نحوی که امروزه، این توافق کلی وجود دارد که داشتن مرزهای مطمئن و امن در ایجاد زمینه استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی، توسعه، اجرای سیاست حسن هم‌جواری و اعمال حاکمیت دولت در هر کشوری نقش کلیدی و هدایت کننده داشته و از کاربرد وسیعی برخوردار می‌باشد. از سوی دیگر باید توجه داشت که تغییرات صورت گرفته در طی دهه‌های اخیر مرزها، مناطق مرزی و مسایل مرزی را دچار پیچیدگی گسترده در ابعاد گوناگون آن خصوصاً در بعد امنیتی کرده است و نیاز به مطالعات و تحقیقات در زمینه مرزها را به یک ضرورت برای کشورها تبدیل کرده است. این موضوع در کشورهایی که دارای مرزهای طولانی و همسایگان متعدد هستند، نظیر جمهوری اسلامی ایران از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌باشد (جان پرور، صالح آبادی و نادری، ۱۳۹۹: ۱۷). در مرزهای طولانی به صورت‌های مختلف توجه به برنامه ریزی دقیق و آمایش مرزی را جهت کنترل و مدیریت مرزها و دستیابی به امنیت پایدار در این مناطق به یک موضوع مهم تبدیل کرده است. در این میان یکی از مهمترین عوامل پایه‌ای که در مطالعات مرزی باید در نظر گرفته و بر آن تأکید گردد، بازیگران مرزی هستند که به صورت یک مجموعه‌ای به هم پیوسته در منطقه مرزی در کنار یکدیگر قرار گرفته و نمی‌توان آنها را نادیده و حتی جدا از یکدیگر در نظر گرفت. زیرا وجود و پیوند آنها جهت کنترل و مدیریت مرزها از اهمیت بالایی برخوردار است (جان پرور، ۱۳۹۶: ۱۴۱). چرا که، محیط مرزی پیچیده و شامل بازیگران گوناگون با منافع متضاد می‌باشد. بر اساس بیان ادود^{۱۵۴} مرزها مکان‌هایی از فرصت‌های اقتصادی و سیاسی برای ملت‌ها و کشورها به همان اندازه میزبان سایر گروه‌های ذینفع و سازمان‌های قانونی و غیر قانونی هستند (O'Dowd, ۲۰۰۲: ۲۴).

در جهت دیگر باید توجه داشت که، مفهوم مرز ماهیتاً بیان کننده طرف یا طرف‌های دیگر است. به این معنی که ماهیت وجودی مرزها با وجود طرف یا طرف‌های مقابل شکل می‌گیرد و بدون طرف یا طرف‌های مقابل نیاز به شکل‌دهی مرزها وجود ندارد. از آنجا که ماهیت وجودی مرزها با وجود طرف مقابل معنی پیدا می‌کند، در نظر گرفتن طرف مقابل در فرآیند تکامل مرزها یکی از ضروریات است. بر این مبنای، برای دستیابی به تکامل و مدیریت بهینه مرزها باید سعی کرد طرف یا طرف‌های مقابل را نیز به صورت‌های مختلف در نظر گرفت و آنها را به عنوان یکی از بازیگران برقراری مدیریت بهینه مرزی به بازی گرفت. زیرا مدیریت و کنترل مرزی با مسائل و مشکلات مرزی در هر دو طرف ارتباط دارد و بحث مدیریت کردن مرزها مرتبط با همکاری و ارتباط بین دو طرف دارنده مرز مشترک می‌باشد. بر این اساس، از آنجا که مرزها دارای دو طرف یا چند طرف هستند و کشورهای همسایه دارای منافع و مصالح مشترکی در امتداد مرزها با یکدیگر می‌باشند، حکومت‌ها برای اینکه بتوانند مرزها را بصورت موثر و کارآمد مدیریت و کنترل کنند و هزینه کمتری را برای این کار صرف کرده و چالش‌های مرزی را به حداقل ممکن برسانند نیازمند شکل دادن به یک سازمان و نهاد مرزی مشترک بین خود هستند که بتوانند با استفاده از آن مرزهای بین خود را به صورت موثر و کارآمد مدیریت و کنترل کرده و زمینه‌های همکاری و روابط خوب را در امتداد مرزها بین و ساکنین مناطق مرزی گسترش دهند و از این طریق به امنیت پایدار در مناطق مرزی خود دست یابند (جان پرور، ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۳۶).

^{۱۵۴} - O Dowd

شکل ۱: ماهیت دو طرفه مرزها



جان پرور، ۱۳۹۶: ۱۳۶

مبتنی بر این اصل که مرزهای پدیده های فضایی - سیاسی دو طرفه یا چند طرفه هستند که این موضوع از اهمیت زیادی در مدیریت و آمایش مناطق مرزی برخوردار است. بازیگران حاضر در مرزها که در آمایش مناطق مرزی اثرگذار هستند نیز به صورت دو طرفه باید در نظر گرفته شود. یعنی هر بازیگری که در درون مرزها موثر در آمایش مرزی در نظر گرفته می شود معادل نسبی آن نیز در آن سوی مرز وجود دارد که باید به صورت های مختلف در آمایش مناطق مرزی در نظر گرفته شوند. بر این اساس، مهمترین بازیگران مرزی را میتوان به صورت ذیل در نظر گرفت که البته دارای معادل در آن سوی مرز نیز می باشند.

۱-۴- ساکنین مرزی (مرزنشینان)

یکی از بازیگران اصلی در محدوده مرزها ساکنین مرزی یا مرزنشینان هستند. در لغتنامه دهخدا مرزنشین یا ساکن مرز به کسی گفته می شود که در نواحی سرحدی و مرزی سکونت دارد (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۶۶۸). به بیان دیگر، به کلیه اشخاصی که در عمق نوار مرزی و جزایر مجاور هر کشور سکونت دائمی داشته باشند، مرزنشینان اطلاق می شود (کارکنان نظامی و انتظامی و ساکنین شهرهای بزرگ مستثنی می باشند) (رحمتی زاد، ۱۳۷۴: ۱۶). به مجموعه افرادی که در فاصله معینی از خطوط مرزی و ساحلی کشور به صورت دائم زندگی می کنند، ساکنین مرزی می گویند. البته باید توجه داشت، برخی عوامل هستند که به صورت قابل توجهی زمینه ایجاد پیوند بین ساکنین مرزی با مرزها را فراهم می آورند و سبب می شوند که بین آنها و سایر افراد ساکن در این فضا تفاوت قائل شد. مهمترین این عوامل عبارتند از: تعلق خاطر به محل سکونت (دلبستگی به سرزمین و وطن)؛ فرهنگ خاص مرزنشین؛ پیوند امنیتی افراد و خانواده های آنها با امنیت منطقه مرزی؛ پیوند اقتصادی با فضای منطقه مرزی؛ و غیره (جان پرور، ۱۳۹۶: ۷۲-۷۳). ساکنین مرزی با پیوند گسترده ای که با فضای های مرزی دارند و زندگی آنها پیوسته با مرزها است توجه به آنها در امر آمایش مرزها از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که، ظرفیت ها و پتانسیل های بالایی که ساکنین مرزی در امر مدیریت مرزها و کاهش آسیب پذیری با توجه به حساسیت ویژه و شناختی که اهالی مرزنشین هر منطقه به خاک خود دارند، می توان با ساماندهی و بکارگیری ساکنین مرزی ضمن کاهش آسیب پذیری کشور زمینه را برای مشارکت ساکنین در امور کشور فراهم آورد زیرا به هر میزان ساکنین نواحی مرزی در امر مدیریت و حفاظت از مرزها مشارکت داشته باشند، نگرشی مثبتی نسبت به حکومت مرکزی پیدا می کنند و حس اتحاد و انسجام با سایر بخش های کشور در بین آنها بیشتر می شود و این امر می تواند به صورت قابل ملاحظه ای زمینه های نامنی و جنبه های منفی ساماندهی و

بکارگیری ساکنین مرزی در امر مدیریت مرزها را کاهش داده و زمینه برای دستیابی به آمایش مرزی موفق را فراهم آورد (جان پرور و لسانی، ۱۳۹۲: ۱۲).

۲-۴- بازیگران امنیتی مرزی (مرزبانان، مرزداران (انتظامی، سپاه، ارتش و ...))

بازیگران امنیتی مرزها به بازیگرانی گفته میشوند که به صورت های مختلف تلاش دارند امنیت مرزها را تأمین کنند و نقش اصلی در کنترل و مدیریت مرزها بازی می کنند. این بازیگران شامل نیروهای مرزبانی و مرزداران، نیروهای نظامی در قالب سپاه، ارتش و نیروهای بسیج می شوند که به صورت مستقیم در کنترل و مدیریت مرزها نقش داشته و تلاش می کنند که تا حد امکان از ورود ناامنی به فضای داخلی کشور جلوگیری نمایند. این بازیگران با توجه به تأمین امنیت مناطق مرزی به صورت مستقیم و امنیت فضاهای داخلی کشور به صورت غیر مستقیم اهمیت و جایگاه برجسته ای در برنامه ریزی ها و آمایش مناطق مرزی به خود اختصاص می دهند.

در زمینه بازیگران امنیتی مرزی باید توجه داشت که، حکومتها برای اینکه بتوانند مرزهای خود را به خوبی مدیریت کنند نیازمند نیروهای مرزی حرفه‌ای و آموزش دیده می‌باشند. هر چند با گسترش پیشرفت‌های تکنولوژیکی نیاز به نیروهای مرزی برای حفاظت و نگهداری از مرزها و مدیریت آنها تا حدود زیادی کم شده است اما، با این وجود نیروی انسانی آموزش دیده و حرفه‌ای است که، از این فناوری‌ها باید در راستای دستیابی به اهداف مدیریت مرزی استفاده کنند. کنترل و مدیریت مرزی نیازمند نیروهای مرزی حرفه‌ای و تخصصی، آموزش دیده و آشنا با استانداردهای مدرن در زمینه پاسداری مرزی، آشنا با فرهنگ ساکنین مرزی، دارای روحیه همکاری با سازمان‌های درگیر در سراسر مرز و ... است تا از این طریق بتواند مرزها را به صورت بهینه کنترل و مدیریت کند. بر این اساس، به هر اندازه که نیروی مرزی به کار گرفته شده در کنترل و مدیریت مرزهای کشور حرفه‌ای‌تر، آموزش دیده و آشنا با فناوری‌های مدرن و استانداردهای مدرن، آشنا با فرهنگ ساکنین مرزی و آشنا با قوانین و ضوابط دو کشور دارای مرزهای مشترک باشد به همان میزان کنترل و مدیریت مرزها نیز بهتر صورت گرفته و زمینه همکاری و تعامل بین کشورهای دارای مرزهای مشترک به دلیل عملکرد خوب مدیریتی و روحیه همکاری پرسنل حفاظت از مرزهای مشترک فراهم آورده می‌شود. این همکاری‌های کنترل و مدیریت مرزی اقتضا می‌کند که مقامات سازمان مدیریت مرزی به خوبی با مهارت، دانش و رفتار صحیح چه در برخورد با ساکنین مرزی و چه رفتار دیپلماتیک برای برقراری ارتباط صحیح با مرزبانان آن سوی مرز آشنا باشند تا آنها را در راستای مدیریت صحیح فرایندهای جدید پشتیبانی نمایند. در کل می‌توان گفت، نیروهای مرزی آموزش دیده، ماهر، با تجربه و متعهد، نیروی محرکه برای دستیابی به اهداف کنترل و مدیریت بهینه مرزها است (افشردی و جان پرور، ۱۳۹۲: ۱۸۸). در کنار جایگاه نیروهای مرزی داخلی، وضعیت نیروهای مرزی کشور هم‌مرز نیز از اهمیت بالایی جهت کنترل و مدیریت مرزها برخوردار است و باید از سوی پژوهشگران و علاقمندان مطالعات مرزی به آن توجه شود تا با دارا بودن این نگاه و درک کامل از نیروهای امنیتی مرزی بتوان آمایش مناطق مرزی را به صورت کارآمدی انجام داد.

۳-۴- بازیگران سیاسی - حاکمیتی مرزی

در کنار نیروهای امنیتی مرزی در مناطق مرزی، بازیگران سیاسی - حاکمیتی که زیر بخش هایی از توزیع فضایی قدرت حکومت را شکل می دهند، حضور دارند که در امر آمایش مناطق مرزی اثرگذاری گسترده ای دارا هستند. از جمله این

بازیگران می توان به استانداری، فرمانداری، گمرک و غیره اشاره کرد، که از جایگاه برجسته ای برخوردار می باشند. چرا که، فضاهای جغرافیایی برای اینکه بتوانند روند ساماندهی را طی کرده و به فضایی سامان یافته تبدیل شوند ضرورتاً نیازمند نوعی مدیریت سیاسی هستند. این مدیریت سیاسی در طی قرن ها تکامل پیدا کرده است و در حال حاضر در قالب مدیریت سیاسی (حکومت ملت پایه) می باشد. این شکل از حکومت متناسب با فضاهای جغرافیایی از الگوی تک ساخت، فدرال، کنفدرال، ناحیه ای و فرا فدرال بهره برداری می کند تا از این طریق بتواند ضمن ایجاد زمینه بقاء خود فضای جغرافیایی (کشور) که در آن حاکمیت دارد را به سامان کند. برای دستیابی به این هدف مدیریت سیاسی (حکومت) اقدام به تقسیم فضا به زیر بخشهایی و ایجاد دولت های محلی میکند تا از این طریق بتواند ضمن تسهیل اعمال قدرت موثرتر و پایدارتر، زمینه دستیابی به فضای به سامان را نیز فراهم آورد. نقش و جایگاه دولت های محلی در فضاهای ملی متناسب با اهمیت فضای جغرافیایی که در اختیار دارند می تواند متفاوت باشد و صلاحیت ها نیز متناسب با اعطای قدرت و بازیگری از سوی حکومت مرکزی می تواند متفاوت باشد. در این میان برخی فضاهای جغرافیایی نظیر مناطق مرزی اهمیت و جایگاه دولت های محلی از اهمیت بالاتری برخوردار است چرا که مناطق مرزی دارای شرایط ویژه ای هستند و هر گونه کم کاری، عدم شناخت و غیره می تواند به صورت های مختلف بر فرایند ساماندهی فضای این مناطق و حتی فضای کشور تأثیرات منفی بگذارد. از سوی دیگر، در مناطق مرزی جریان شکل گیری، گسترش و حتی بحرانی شدن مسائل سریعتر اتفاق می افتد. به بیانی دیگر پویایی این مناطق با توجه به پیوندی که با فضاهای فراملی دارا می باشند، بالاتر است. با توجه به این مشخصات خاص مناطق مرزی وجود دولت محلی که ضمن کارآمدی، بازیگری و نقش آفرینی لازم را نیز داشته باشد می تواند تا حد قابل توجهی مسائل و مشکلات این مناطق را در کوتاه ترین زمان ممکن حل و فصل کرده و از بحرانی شدن آن جلوگیری کند. همچنین دولت محلی قوی می تواند تا حد قابل توجهی در شناخت و بهره برداری از منابع و ظرفیت های مناطق مرزی کمک شایانی کند و زمینه شکوفایی و حرکت رو به جلوی مناطق مرزی را فراهم آورد. با توجه به اهمیت و جایگاه مناطق مرزی وجود دولت های محلی قوی در این فضاها می تواند تا حد قابل توجهی در حل و فصل مسائل و مشکلات کمک کرده و از سوی دیگر زمینه شکوفایی و ساماندهی این فضاها را فراهم آورد. بر این مبنای، در پیش گیری استراتژی حاضر می تواند به صورت های مختلف در کنترل و مدیریت کارآمدتر مرزهای کشور موثر واقع شود (جان پرور، صالح آبادی و نادری، ۱۳۹۹: ۱۲۱). بر این اساس به صورت کلی می توان گفت، نقش آفرینی بازیگران سیاسی - حاکمیتی در طول مرزها که از تنوع گسترده ای نیز برخوردار هستند در امر آمایش مناطق مرزی از جایگاه برجسته ای برخوردار است و باید به آنها توجه ویژه ای شود.

۳-۴- بازیگران غیر رسمی مرزی

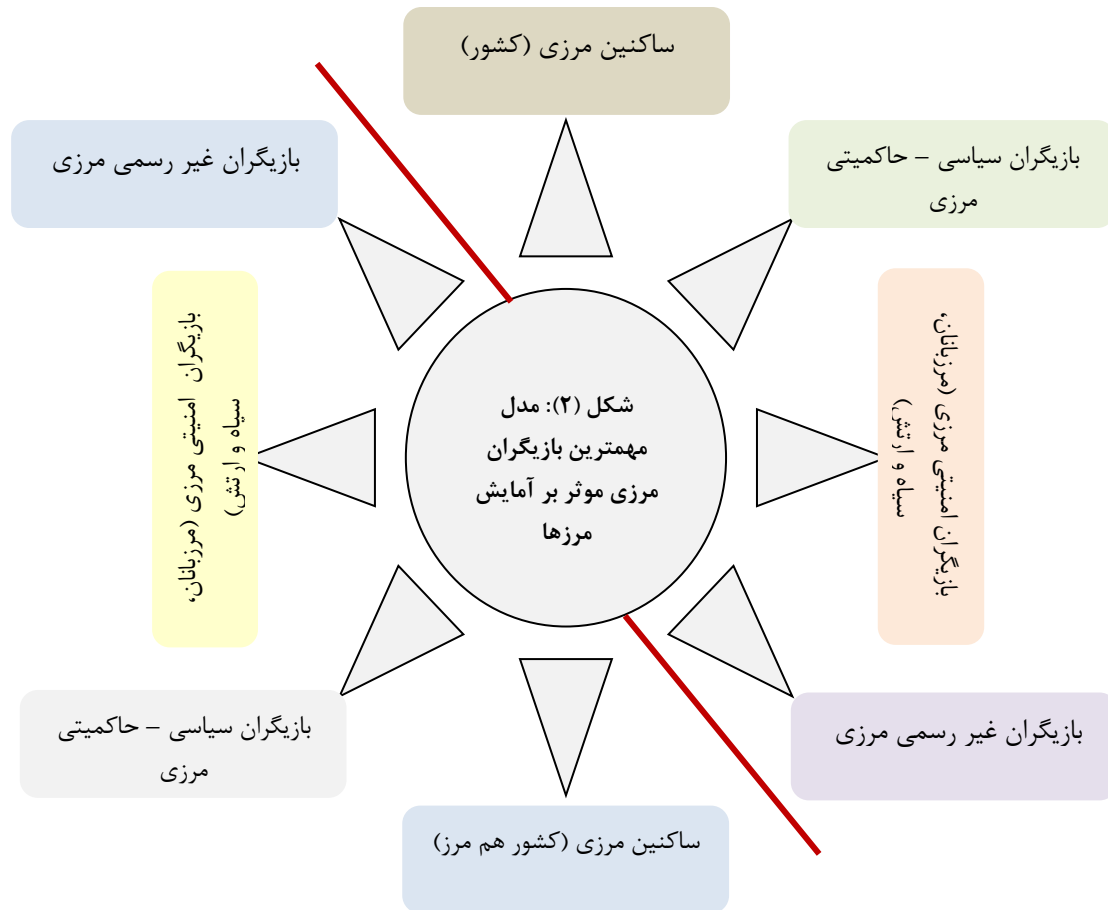
بازیگران غیر رسمی در مناطق مرزی شامل بازیگرانی می شود که در پیوند با نهادهای رسمی قرار ندارند و بر پایه مسائل قومیتی، مذهبی، خویشاوندی و غیره به نقش آفرینی در طول مرزها می پردازند. باید توجه داشت که بازیگران غیر رسمی در مناطق مرزی در قالب اشکال مختلف خود تأثیرات گسترده ای می توانند در کنترل و مدیریت مرزها از یک سو و آمایش مناطق مرزی از سوی دیگر داشته باشند. البته اگر چه نگاه اولیه و پایه به بازیگران غیر رسمی در مناطق مرزی منفی است باید توجه داشت که این نگاه یک جانبه است و واقعیت اصلی پیرامون این بازیگران غیر رسمی را تحت شعاع خود قرار می دهند. چرا که واقعیت موضوع این است که بازیگران غیر رسمی مرزی در طول مرزها دارای دو بعد هستند مثبت و منفی. در بیشتر موارد بعد مثبت خیلی مهمتر و اثرگذارتر و کارا تر است و می توان بر پایه آن و با بهره برداری از ظرفیت ها و پتانسیل های حاصل از آن به اهداف آمایش مناطق مرزی دست یافت. در طرف مقابل بعد منفی برخی از این بازیگران غیر رسمی چون بیشتر حالت رسانه ای و مانور قدرت به خود می گیرد زمینه ایجاد ذهنیت منفی هنگام بیان عنوان بازیگران غیر رسمی در مناطق مرزی به خود می گیرد. به عنوان مثال میتوان به بزرگان و ریش سفیدان بلوچ در طول مرزهای کشور و پاکستان اشاره

کرد. این بزرگان قادر هستند در کنترل و مدیریت مرزها و حرکت جهت دستیابی به اهداف آمایش مناطق مرزی نقش آفرینی مثبت گسترده ای داشته باشند که باید توجه و دقت بیشتری به این موضوع پیرامون آمایش مناطق مرزی صورت گیرد.

۵- تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

هنگامی که در عرصه علمی صاحب نظران و پژوهشگران بخواهند مجموعه ای از پدیده ها را درک کنند، غالباً از مدل استفاده می کنند. چرا که مدل می تواند به صورت شفاف و قابل درک بازیگران و ارتباط بین آنها را در یک قالب و کنار یکدیگر به افراد و مسئولین نشان دهد. بر این مبنا در تحقیقاتی که جنبه کاربردی دارند توجه به مدل ها میتواند کارایی خوبی داشته باشد و زمینه برای دستیابی به هدف و توجیح مسئله را برای مسئولین و مدیران اجرایی مستدلتر و ساده تر نماید. در این میان، آمایش مناطق مرزی با توجه به اینکه مرزها از اهمیت و جایگاه برجسته ای در حفظ امنیت در ابعاد مختلف آن (جانی، مالی، اقتصادی، سیاسی و ...) و بقاء کشورها دارا هستند، یکی از حوزه هایی است که نیازمند توجه و مطالعات بیشتری است. مطالعاتی که بتواند ضمن در نظر گرفته ابعاد و چارچوب های پایه ای توجه ویژه ای نیز به ساده سازی آن در قالب مدل ها نمودارها داشته باشد. در تحقیق حاضر نیز تلاش بر این بوده است که تا حد امکان بازیگران حاضر در مناطق مرزی که در آمایش این مناطق تأثیرگذار هستند در قالب مدل آورده شود. چرا که به نظر می رسد، در میان هزینه ها و تلاش های گسترده ای که برای محصور کردن و ایجاد دیوارها و حصارهای بلند پیرامون کشور در طول مرزها ایجاد می شود، توجه به بازیگران مرزی از اهمیت بالایی برخوردار می باشد که متأسفانه توجه زیادی به آن ها صورت نگرفته است.

در پایان باید گفت، آنچه سبب عدم دستیابی به امنیت پایدار در مناطق مرزی می شود دارای دلایل مختلفی است اما شاید بتوان عدم درک و فهم کامل از مرزها و بازیگران حاضر در مناطق مرزی را یکی از مهمترین این دلایل دانست. بر این پایه، هدف از ارائه مدل بازیگران مرزی در مقاله حاضر این است که نگرش مسئولان و دولت مردان در عرصه ها و سطوح مختلف را به تنوع بازیگران حاضر در طول مرزهای کشور را بیشتر شود و این امر سبب شود که در ارائه طرح ها و برنامه هایی که برای مناطق مرزی جهت کنترل و مدیریت ارائه می دهند نگرش و درک بهتر و جامع تری داشته باشند تا از این طریق بتوان ارتباطات و تعاملات حاضر در طول مرزها را در راستای بهتر شدن وضعیت مناطق مرزی و کنترل بهینه آنها بر پایه اهداف آمایش مرزی ارائه شود. مدل ترسیمی خروجی از تحقیق حاضر که نشان دهنده مهمترین بازیگران مرزی موثر در آمایش مناطق مرزی هستند و پیوستگی آنها با یکدیگر را می توان در شکل شماره ۲ مشاهده کرد.



منابع

- ۱) افشردی، محمدحسین و جان پرور، محسن (۱۳۹۲). الگوی مدیریت مرزهای سرزمینی (مورد پژوهی: مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس). تهران: انتشارات دانشگاه عالی.
- ۲) توحیدی، احمد (۱۳۹۴). مدل، نظریه و قانون. برگرفته از <https://bigbangpage.com/?p=35719>
- ۳) جان پرور، محسن (۱۳۸۷). بررسی تحول مرز در دوران معاصر. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی. به راهنمایی محمدرضا حافظ نیا. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴) جان پرور، محسن (۱۳۹۱). تبیین الگوی مدیریت مرزهای دریایی مورد خلیج فارس. رساله دکتری به راهنمایی محمدحسین افشردی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵) جان پرور، محسن (۱۳۹۶). نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول و نظریه ها). تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- ۶) جان پرور، محسن و لسانی، سبحان (۱۳۹۲). ساماندهی و بکارگیری ساکنین مرزی در مدیریت مرزها با رویکرد پدافند غیر عامل. مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (پدافند غیر عامل). مشهد.

- ۷) جان پرور، محسن، صالح آبادی، ریحانی و نادری، زکیه (۱۳۹۶). راهبردهای مدیریت مرزها. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و مطالعات فرماندهی مرزبانی ناجا.
- ۸) حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). تحلیل کارکردی مرز بین المللی: مرز ایران و افغانستان. فصلنامه‌ی مدرس. دوره‌ی ۱۰ ش ۲.
- ۹) حافظ‌نیا، محمدرضا و جان‌پرور، محسن (۱۳۹۲). مرزها و جهانی شدن با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۰) رحمتی‌راد، محمد حسین. (۱۳۷۴). مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه. تهران. معاونت آموزشی ناجا.
- ۱۱) عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول. تهران: دوره‌ی عالی جنگ.
- ۱۲) عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران. باغ نظر. سال ششم. شماره دوازدهم.
- ۱۳) کالینگورس، بری‌وی (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی بریتانیایی: پنجاه سال سیاست گذاری شهری و منطقه‌ای. ترجمه: عارف اقوامی مقدم. تهران: انتشارات آذرخش.
- ۱۴) گرجی، ابراهیم و برخورداری، سجاد (۱۳۸۸). مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی. تهران، نشر ثالث.

تأثیر همگرایی منطقه ای بر توسعه و امنیت مناطق مرزی

(مورد مطالعه : بوکو حرام در نیجریه و کامرون)

دکتر مجید رسولی^{۱*}، دکتر احمد بخشی^۲

۱- استادیار گروه ژئوپلیتیک مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۲- دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه بیرجند، بیرجند.

*نویسنده ی مسئول m.rasouli@modares.ac.ir

چکیده

امنیت از مقولات بسیار مهم بشر از گذشته های دور بوده و در گذر زمان، اهمیت آن کاهش نیافته، بلکه هر روز فزونی یافته است. یکی از عوامل موثر بر امنیت، وجود گروه های مبارز، باندهای جنایتکار سازمان یافته در سراسر جهان و پیوند بین آنها می باشد. در سالهای اخیر، ظهور و ارتباطات پیچیده گروه های تروریستی در آفریقا به نگرانی فزاینده ای در سطوح ملی، منطقه ای و حتی بین المللی تبدیل شده است. در همین راستا، این گروهها، غالباً منازعات و بی ثباتی بین کشورهای هم مرز را بر مبنای انگیزه های مذهبی، سیاسی یا اقتصادی، کسب قدرت، سرزمین و کنترل مردم بی گناه تقویت می کنند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر گروه تروریستی بوکو حرام بر توسعه و امنیت منطقه مرزی نیجریه و کامرون در پاسخگویی به این پرسش است که عوامل موثر بر فعالیت های بی ثبات کننده و تهدید امنیت منطقه ای بوکو حرام در در امتداد مرز کامرون و نیجریه در غرب آفریقا کدام اند؟ پژوهش حاضر که ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و داده ها و اطلاعات مورد نیاز آن به روش کتابخانه ای گردآوری شده در قالب نظریه پسا استعماری مطالعات مرزی بر این فرضیه استوار است که بوکو حرام می تواند با بهره برداری از عوامل و زمینه هایی همچون حاشیه نشینی، فقر، فساد، بی عدالتی، ناکامی دولت فدرال و مرزهای نفوذپذیر در راستای اعمال کنترل و قدرت بر منطقه رویکردی بسیار افراطی از اسلام را در بخش هایی از کامرون شمالی، نیجریه، چاد جنوبی و نیجر تحمیل کند. نتایج پژوهش نشان داد بهره مندی از استراتژی همکاری و انعقاد پیمان های دفاعی بین کشورهای مرزی ضمن تقویت امنیت منطقه ای و پشتیبانی پایه های اقتصادی شکننده می تواند در جهت بازدارندگی و کاهش هجوم و تروریست های آینده موثر باشد به گونه ای که دولت ها دارای ایالات مرزی باید در معاهدات همکاری استراتژیک متعهد شوند و ترتیبات امنیتی طولانی مدت مرزی برای مهار برنامه های توسعه طلبانه گروه هایی مانند بوکو حرام ایجاد کنند.

واژه های کلیدی: نظریه پسا استعماری، امنیت منطقه ای، بوکو حرام، توسعه منطقه مرزی نیجریه و کامرون

۱- مقدمه و طرح مسئله

عدالت فضایی و توزیع جغرافیایی امکانات و تسهیلات در تمام پهنه جغرافیایی کشور همواره یکی از دغدغه های اصلی سیاستگذاران و به خصوص جغرافیدانان بوده و خواهد بود. آنچه در این میان، مهم می نماید بیشتر پدیده شکاف مرکز پیرامون و مناطق مرزی و حساس کشور هستند که معمولاً از مدار توسعه کشور عقب مانده و کم کم دچار نوعی توسعه نیافتگی ذاتی و نهادینه شده می شوند. بسیاری از صاحب نظران، مقوله امنیت را دلایل اصلی توسعه نیافتگی این مناطق میدانند و بسیاری دیگر توسعه نیافتگی را دلیل بر ناامنی و کم برخورداری این مناطق می دانند و به تبع با هر یک از این نگاه ها راهبردهای متفاوتی برای منطقه مورد نظر پیشنهاد می گردد. یکی از مسائل و مباحث مهم در زمینه توسعه اقتصادی در جهان امروز، نبود چهارچوب والگوی نظری جامع و بهینه برای افزایش اشتغال، گسترش عدالت و تامین امنیت در راستای تحلیل، تبیین و شناخت واقعیت های جامعه و برنامه ریزی برای دست یابی به اهداف و نیاز های جامعه است. این ضرورت در دهه های اخیر، در کشورهای در حال توسعه به شکل یک معضل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی پدیدار گشته است. زیرا چارچوب والگوی توسعه کشورهای توسعه یافته که در دهه های اخیر بدون توجه به شرایط متفاوت در کشور های در حال توسعه بکار گرفته شده است، نه تنها راهگشای مشکل توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشور های نبوده است بلکه زمینه های نامطلوبی برای توسعه اقتصادی - اجتماعی نیز فراهم ساخته و کمبود اشتغال و عدالت اجتماعی و اقتصادی و امنیت اجتماعی را در این کشور ها به مخاطره انداخته است. مفهوم امنیت و تبیین آن در علوم مختلف به صورت گسترده مورد بررسی و کنکاش دانشمندان حوزه های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است.

تروریسم را «بکارگیری عمدی یا تهدید به بکارگیری خشونت توسط فرد یا گروهی برای ایجاد ترس، ویرانی و یا مرگ، به خصوص علیه اهداف غیرنظامی، دارایی و یا زیرساخت ها یک کشور به قصد اجبار مقامات به پاسخگویی به خواسته ها و انتظارات فرد یا گروه ها و رای چنین اقدامات خشنی» تعریف می کنند. آنها جنایات سازمان یافته فراملی^{۱۵۵} را «جنایاتی که نه تنها بین المللی هستند (جنایاتی که از مرزها بین کشورها فراتر می رود)، بلکه به لحاظ ماهیت خود عبور از مرزها را بخش مهمی از فعالیت جنایی می دانند و می توانند شامل جرایمی باشد که در یک کشور اتفاق می افتد، اما همچنان عواقب آن به طور قابل توجهی بر کشور دیگری موثر است» تعریف می کنند. با توجه به مطالعات مرزی، این مقاله این بر این فرضیه استوار است که منازعه و بی ثباتی بین کشورهای مرزی برای رشد گروه های تروریستی سودمند است. این پژوهش از نظریه پسااستعماری برای بررسی رابطه بین منازعات مرزی و پیدایش گروه های تروریستی منطقه ای با بررسی مرز کامرون و نیجریه و ظهور بوکوحرام و نیز توانایی فزاینده این فرقه در اعمال کنترل و قدرت بر منطقه در راستای تلاش های استوار خود به سوی اسلامی سازی نیجریه استفاده می کند. بهره گیری بوکوحرام از «تاکتیک های» حاشیه نشینی جهت دستیابی به قدرت و مقایسه و بررسی تاریخچه رهبری، فقر و محرومیت در دولت های اطراف مرز نیجریه و کامرون را بررسی می کنیم. در پایان، ادعا می کنیم که اقتصادهای قدرتمند مرزها و کشورها را تقویت می کنند. ضروری است که مناطق مرزی برای یا فتن راه های همکاری و ایجاد همگرایی تلاش کنند تا با همکاری در راستای حمایت از حقوق بشر، امنیت مرزی فزاینده و از همه مهمتر حفاظت از منابع مورد نیاز برای حفظ ظرفیت های کشورها جهت نبرد با گروه های تروریستی تلاش کنند.

^۱Transnational Organized Crime(TOC)

۲- پیشینه تحقیق

-محمد صابر راد(۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان " نقش دیوان بین المللی دادگستری در تحکیم و تضمین امنیت مرزهای میان کشورها" به بررسی اجمالی پرونده های ارضی و مرزی مطرح نزد دیوان بین المللی دادگستری، که به درگیری مسلحانه میان طرفین منجر شده است، به توضیح نقش دیوان در حل و فصل اختلاف های ارضی و مرزی میان کشورها (من جمله اختلاف مرزی بین نیجریه و کامرون بر سر جزیره باکاسی) در مسیر حفظ، اعاده و تضمین امنیت مرزها می پردازد. در این مقاله دیوان بین المللی دادگستری، با ابزارهای حقوقی در دسترس و بهره گیری از اختیارات و صلاحیت های خود، به حل و فصل اختلاف های ارضی و مرزی میان کشورها می پردازد.

-حافظ نیا و ویسی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان " تأثیر جهانی شدن بر مرزها تمرکز خود را بر آثار جهانی شدن بر کارکردهای مرز قرار داده اند. تمرکز اصلی آثار فوق، در مجموع، بر انواع مرز و اهمیت و کارکردهای مرزها و گاهی منابع اختلاف های مرزی است.

در میان آثار خارجی نیز می توان به مقاله- (۱۹۶۰) Challenges of Nigeria's Borders and Frontier Security (۲۰۱۴) اثر جادسولا ای تی باباتولا^۹ اشاره کرد که تمرکز اصلی آن بر برجسته کردن چالش های موجود در مرزهای بین المللی نیجریه و پیامدهای آن برای امنیت ملی این کشور در مناطق مرزی است. او در این مقاله به بزرگترین چالش امروز نیجریه یعنی تروریسم بین المللی می پردازد که قطعاً به افراط گرایی مذهبی و چالش های امنیتی مرزی و فرامرزی دامن می زند.

-ویویان ای فویو و دیگران^{۱۰} (۲۰۱۸) نیز دارای پژوهش ارزشمندی با عنوان The Boko Haram Insurgency and its Impact on Border Security Economic Collaboration Between Nigeria and Cameroon هستند. این مقاله می کوشد تا این نکته مهم را برجسته سازد که همکاری بین کشورهای همسایه و شرکای خارجی (مثل ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه) می تواند موجب مبارزه با گروه های تروریستی همانند بوکو حرام شود. به طور کلی هیچکدام از منابع یاد شده به طور مستقیم و منظم تأثیر گروه های تروریستی بر توسعه و امنیت مناطق مرزی به ویژه به اختلاف مرزی بین نیجریه و کامرون بر سر منطقه مرزی شبه جزیره باکاسی نپرداخته اند.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی است. داده ها و اطلاعات مورد نیاز نیز به روش کتابخانه ای فراهم و گردآوری شده است. در این چارچوب، نخست با استفاده از مطالعات کتابخانه ای (داخلی و خارجی این پژوهش از (مدارک و اسناد مکتوب مانند کتب داخلی و خارجی، مجلات تخصصی و مقالات) و نیز از اطلاعات شبکه جهانی (اینترنت) برای جمع آوری اطلاعات بهره جسته است. سپس با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، اقدام به تحلیل داده ها شده است.

۴- معرفی محدوده مورد مطالعه

قلمرو موضوعی پژوهش، ارائه تبیینی از تحرکات گروه های تروریستی بر توسعه و امنیت مناطق مرزی، آن هم در منطقه غرب آفریقا بر پایه مفاهیم و اصول حاکم بر علم جغرافیای سیاسی است که قلمرو مکانی آن شامل دو کشور نیجریه و کامرون می- باشد.

۵- بنیادهای مفهومی و نظری

۵-۱- بنیادهای مفهومی

^۹ Jadesola E.T. Babatola

^{۱۰} Viviane E. Foyou et al

۵-۱-۱- مفهوم مرز: مرز یکی از پدیده های اصلی مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی است به گونه ای که از زمان پیدایش این علم تاکنون، مرز و مطالعه درباره سرحد در کانون پژوهشهای جغرافیای سیاسی بوده است. مرز را خطوطی اعتباری و قراردادی به منظور تحدید حدود یک واحد تعریف کرده اند (میر حیدر، ۱۳۸۳: ۱۶۱) و یا مرز پدیده ای فضایی است که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک حکومت بوده و مطابق قواعد خاصی مقابل حرکت انسان و انتقال کالا مانع ایجاد میکند (درايسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱). به طور کلی مرزها در مرکز گفتمان مربوط به حاکمیت قرار دارند و عامل و باعث تمیز مسائل داخلی از بین المللی، نظم را از بی نظمی می باشد. کارکردهای مرز و به طور خاص مرزهای بین المللی کشورها نیز به شرح زیر است:

- **جداکنندگی:** مرزها بین دو نظام سیاسی، دو حاکمیت، دو فرهنگ و دو ملت جدایی می اندازند.
- **یکپارچگی:** مرزها سازنده چارچوب و فضایی هستند که افراد ملت درون آن آمیخته و یکپارچه می شوند.
- **تفاوت سازی:** مرزها تفاوت تجلی فضایی، فیزیکی، سطح توسعه اقتصادی و سیاسی دو کشور را نشان می دهند.
- **کشمکش:** مرزها کانون برخورد دولت ها و ملت های رقیب و متخاصم مجاور یکدیگرند. وجود تفاوت یا تضاد قومی و فرهنگی، دینی، تصرف خاک، امکانات حمل و نقل و منافع اقتصادی، ادعاها و مانند آن، می تواند آتش درگیری و جنگ را در منطقه مرزی میان دو همسایه برافروزد.
- **ارتباط:** مرزها کانون ارتباط ملتها و دولتها در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ارتباطی و ... با یکدیگرند. این ارتباط به صورت رسمی و غیررسمی و در زمینه های مختلف برقرار می شود. ارتباط رسمی از طریق نقاط مرزی به نام گمرک و ارتباط غیررسمی از منافذ مرزی برقرار می گردد (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۱).

۵-۱-۲- مفهوم امنیت

امنیت مقوله ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و جوامع، برقراری امنیت اجتماعی را یکی از اولویتهای اصلی خود می دانند. امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی است. بعد عینی بر شرایط بیرونی و قابل مشاهده و سنجش پذیر تاکید دارد، در صورتی که بعد ذهنی بیش تر درونی، ادراکی و احساسی است و باید از طریق سنجشهایی اندازه گیری شود. در گذشته، بیش تر جنبه های عینی امنیت اهمیت داشت، ولی پس از انقلاب صنعتی و افزایش میزان تغییرات اجتماعی به ویژه افزایش آگاهی و اطلاعات در شهرها جنبه ی ذهنی آن، اهمیت بیش تری یافته است که از آن به احساس امنیت یاد می شود. امنیت که زمانی یکی از کارویژه های اصلی هر دولت سنتی و مدرن محسوب می شد؛ اکنون با ظهور و نقش ویژه دیگر بازیگران غیر دولتی همچون بازیگران فراملی - فروملی از کار ویژه تخصصی دولت خارج گشته است. به نظر می رسد که فرایند جهانی شدن و نظم نوین جهانی از همان آغاز با نامنی، هرج و مرج و بحران و جنگ روبرو شده است و بسیاری از گروهها که در گذشته در چارچوبهای سیاسی - اجتماعی در کنار هم زندگی می کردند اکنون پس از پایان جنگ سرد، جنگ های جدید هویت خواهی را در سراسر جهان آغاز کرده اند و چالش های امنیتی از قبیل کثرت گرایی؛ بنیادگرایی، مسائل قومی - فرقه ای، کمبود منابع، تروریسم و... را مطرح کرده اند. به طور کلی می توان تهدیدات امنیتی در قرن بیست و یکم را: - دولت های ضعیف؛ - جوامع مدنی ضعیف؛ - تهدیدات سیاسی و اقتصادی (شامل فقر، بیماری ها و محیط زیست)؛ - مبارزات درون دولتی؛ - جنگ های داخلی (قتل عام)؛ - سلاح های هسته ای؛ - تروریسم؛ - جرایم سازمان یافته فرامرزی و دولتی نام برد که هر کدام به نوعی در ابتدا تهدید کننده امنیت انسانی و سپس امنیت ملی و بین المللی می باشند (بخشی، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

۵-۲- بنیادهای نظری

در خلال چند دهه گذشته، نظریات مرزی مرسوم عموماً بر مفاهیمی نظیر قلمرو، کشور مستقل و قومیت های همگن در مرزها به عنوان مؤلفه های اصلی مطالعات مرزی متمرکز شده اند. استدلال می شود که جابجایی مردم در مرزهای دو کشور مستقل می تواند به کمک مهاجرت قانونی یا غیرقانونی از طریق سایر اقدامات غیرقانونی مثل قاچاق انجام شود. با این وجود، از آن جا

که این مفاهیم به چالش کشیده شده و تا حدی با نظریه‌های مرزی معاصر و فرآیندهای جهانی شدن تضعیف شده‌اند، مفهوم دولت مدرن دچار تغییرات بنیادی شده است.

کسینجا ویدمار هروات^{۱۵۸} (۲۰۰۹) استدلال می‌کند که نظریه‌های معاصر درباره مرزها بر بازسازی آن‌ها به موازات بر فرآیندهای جهانی شدن، قلمروزدایی، و غیرملی‌سازی تعهدات یا رابطه بین ملت (دولت) و جامعه تمرکز می‌کنند. به باور وی، این نظریه‌ها نیاز به بازاندیشی مفهوم مرزها، فرآیندهای مرزسازی، مرزسازی مجدد و غیرمرزسازی و نیز بهره‌گیری از روش‌های تحقیقاتی میان‌رشته‌ای برای قرار دادن صحیح مرزها در زمینه قلمرو پسامدرن دارند.

استدلال کسینجا با تحقیقات نیومن^{۱۵۹} (۲۰۰۶)، رامفورد^{۱۶۰} (۲۰۰۶)، دلانتی و رامفورد^{۱۶۱} (۲۰۰۵) و رایبیز^{۱۶۲} (۲۰۰۶) پشتیبانی می‌شود؛ از آنجا که پیوند رایج بین مرزها و قلمرو از بین رفته است، همه آنها از عباراتی نظیر پساملی، پساسرزمینی، فرافرهنگی یا فراملی برای توصیف تغییر پارادایمی به وجود آمده در مطالعات مرزی استفاده می‌کنند. به نوبه خود، چشم‌انداز جدیدی مطرح شده که موید این نظر است که قلمرو، قدرت خود را به عنوان عامل اصلی تعیین هویت و وابستگی از دست داده است. طرفداران این چشم‌انداز معتقدند که مرزها سیال هستند، متکثر شده‌اند و می‌توانند دلخواهانه تغییر کنند.

۶- یافته‌های تحقیق

۶-۱- عوامل موثر بر رشد گروه‌های افراطی

۶-۱-۱- تغییرات آب و هوایی: تغییر آب و هوا با افزایش مهاجرت و آسیب‌پذیر کردن بیشتر دولت‌ها که تأثیر عمده‌ای بر روی افراطگرایی دارند تروریسم جهانی را تقویت خواهند کرد. به بیان دیگر تغییر آب و هوا با افزایش تعداد دولت‌های ضعیف و در حال افول که می‌توانند پایگاه مناسبی برای تروریسم جهانی باشند به گسترش تروریسم کمک خواهد نمود. بطوریکه در این راستا کریستوفر رویتز، خبرنگار روزنامه آلمانی اشترن در تشریح ارتباطات این گروه‌ها (از جمله گروه القاعده) را به مک دونالد تشبیه می‌کند که هر جا شعبه‌ای دارد و مسلمانان را سازماندهی می‌کند و تخصص خود را نیز در زمینه ساخت بمب و مواد سمی، تاکتیک جنگی چریکی و جذب کمک‌های مالی به آنها ارائه می‌دهد به طوریکه القاعده زمینه جذب هزاران جوان عرب را در کشورهای دیکتاتور عرب فراهم کرده است.

به طوری که این جوانان، اسلام سیاسی را تنها راهکار برای از میان برداشتن حاکمانی می‌دانند که سالها بدون پشتوانه مردمی و مذهبی با حمایت خارجی‌ها حکومت می‌کنند در این راستا در شاخ آفریقا بدلیل وجود دولت‌های ضعیف در سومالی و دیگر کشورهای این منطقه سلول‌های القاعده فعال شده و به همان میزان که تغییر آب و هوا این دولت‌ها را به لبه پرتگاه سوق می‌دهد نیروهای جهادی قدرت مانور بیشتری کسب می‌کنند. نقش تغییرات اقلیمی می‌تواند محرک یکی از رویدادهای علی باشد که تأثیرات چند گانه ای دارد: " باید توجه داشت که ریشه بسیاری از منازعات فارغ از حس جنگجویی انسان هاست. عواملی دیگر در آن دخیل می باشد که آن ها را می توان به عنوان نقطه شروع مناسب برای به وجود آمدن شرایط بحرانی به حساب آورد مانند عدم توسعه نواحی در کنار دور افتادگی همه جانبه از تصمیم گری و تاثیر گذاری بر سرنوشت خویش، احساس فرو دست بودن در جوامع در مقیاس های گوناگون سیاست های ستیز جویانه که از جانب نیروهای محلی ملی، منطقه ای و حتی بین المللی دنبال می شود. ستیزه، بحران و جنگ به دنبال وجود چنین شرایطی و به عنوان پاسخ طبیعی انسان به عنوان موجود زنده متمایل برای بقا بروز پیدا می کند(حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۳۷).

؛ Ksenija Voidmar Horvat

؛Newman

؛Rumford

؛Delanty and Rumford

؛Robins

تأثیر تخریب محیط زیست و منازعه بر امنیت دولت ها می تواند مستقیم و غیر مستقیم باشد. به طور مستقیم تحولات زیست محیطی می تواند یک دولت را به سوی درگیری با دیگران برای تصاحب یا دستیابی به منابع کمیاب سوق دهد و به طور غیر مستقیم تخریب محیط زیست می تواند آثار اجتماعی و سیاسی در بر داشته باشد که به بروز منازعاتی بیانجامد و به امنیت دولت ها لطمه بزند چهار پدیده می تواند به بروز ناآرامی های اجتماعی بیانجامد ۱- کاهش تولید کشاورزی ۲- افول اقتصادی ۳- جابجایی جمعیت ۴- اختلال در روابط اجتماعی و نهاد های مشروع این پدیده های اجتماعی اغلب با هم در ارتباطند و گاه یکدیگر را تقویت می کنند و باعث تضعیف دولت می شوند و این امر شرایط را برای بروز منازعات قومی، کودتا و منازعات ناشی از محرومیت مهیا می سازد (تریف، ۱۳۸۳: ۲۴۷). به غیر از منازعات قومی، گرمایش زمین یکی دیگر از عوامل اصلی این فاجعه است که خود تبعات زیادی از جمله خشکسالی، قحطی، فقر و مهاجرت و... به همراه دارد (بخشی، ۱۳۹۰: ۲۲۸).

۱-۲-۶- **عملکرد بد نخبگان در کنترل بحران:** بحران ظهور گروه های تروریستی حاصل و نتیجه عملکرد نخبگان حاکم بر بعضی از کشورها می باشند. در بعضی کشورها حاکمان در تلاش بودند که به طور کامل کنترل ثروت ملی و قدرت را در دست گیرند. خشونت ساختاری به شکل تبعیض نژادی، حاشیه ای سازی و نابرابری باعث ایجاد خشونت در این کشورها شده است.

۳-۱-۶- **فقر و توسعه نیافتگی:** شکاف بین مرکز و پیرامون (حاشیه ای شدن) توسعه رندی است فراگیر در جهت افزایش توانایی های انسانی- اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی؛ از طرفی این روند می بایست همراه با افزایش توانمندی هابه گسترش انتخاب های ساکنین منطقه در حوزه های اجتماعی- اقتصادی و سیاسی بیانجامد تا توسعه های انسانی باشد. (اطاعت، و موسوی، ۱۳۸۷: ۶۱).

۲-۶- آفریقا و رشد گروه های افراطی

پس از استقلال کشورهای آفریقایی، به علت عدم هماهنگی بین ملت ها و دولت ها، پراکندگی اقوام و نزادها بین چند کشور به علت تقسیمات جغرافیایی استعماری، مبارزات استقلال طلبانه و جدایی طلبانه، مرزهای مصنوعی، دولت غیرهمومونیک، ارتباط ضعیف بین دولت و جامعه مدنی، ایجاد یک نخبه دولتی طرفدار استعمار، ساختار اقتصادی و نهادهای سیاسی ضعیف، حاکمیت طولانی حاکمان، وجود کودتاها و ضد کودتاها و فراوانی و عدم شکل گیری تدریجی دولت همانند اروپا؛ شاهد منازعات گسترده (در اشکال متفاوت) در این قاره بودیم. استقلال نه تنها پایان راه بلکه آغاز یک راه دشوار بود زیرا که حضور چند قرن استعمار و توسعه مرزهای مصنوعی توسط استعمارگران مشکلات زیادی را بر جای گذاشته بود، تداوم نظام قبیله ای و عدم اطاعت از حکومت مرکزی، وجود جنگلها و راههای صعب العبور و عدم حضور دولت مرکزی در سراسر کشور و ناتوانی دولتها در پاسخگویی به خواسته های مردم و حضور مستقیم و غیر مستقیم کشورهای استعمارگر سابق و قدرتهای جهانی، باعث بروز جنگهای داخلی و کودتاها در این قاره گردید به نحوی که در سالهای پس از استقلال (۱۹۶۰- تاکنون) اکثر کشورهای این قاره دچار بحران سیاسی بوده اند. این مساله در زمان جنگ سرد، تشدید گردید و هر کدام از کشورها تداوم حیات خود را نه در توسعه بلکه وابستگی به دو بلوک غرب و شرق دیدند، در نتیجه کارآمدی پایین و ناامنی و کودتا افزایش یافت. به عبارتی در آفریقای قبل از دهه ۹۰ از آنجایی که مکانیسم های دسترسی به تضمین یک تغییر باثبات بر دولت وجود ندارد تغییر مسالمت آمیز رژیم امری غیرممکن است و به محض آنکه خشونت به مکانیسم رایج تغییر رژیم تبدیل شود حکومت نظامی با دسترسی بیشتر به منابع سرکوب، نقش کلیدی سیاسی می یابد که این خود به افراط گرایی منجر می گردد.

رشد شورش های فراملی در آفریقا شامل چندین گروه می شود: نخست، گروه تروریستی القاعده مغرب اسلامی (عربی) که علاوه بر شمال آفریقا، حوزه جغرافیایی مرکز و غرب را جزو حوزه قلمرو گسترده خود قرار داده اند. این گروه با سابقه نسبتا طولانی؛ متأثر از گروه القاعده، اهداف فراملی را در دستور کار خود داشته و دارند. گروه دیگر اسلام گرای بوکوحرام در شمال

شرق نیجریه که تهاجمات خشن و خونین آنها به چاد، کامرون و نیجر بر زندگی، جامعه و اقتصاد این کشورها تأثیر گذاشته است؛ همچنین سازمان تروریستی الشباب در سومالی که علاوه بر تأثیر گذاری بر تحولات داخل کشور سومالی، حملات متعددی به کنیا و اتیوپی انجام داده است؛ جنبش مخالف اسلام‌گرای جمهوری آفریقای مرکزی که حملات فرامرزی به کامرون و چاد را هدایت کرده را نیز باید به گروه های فوق اضافه نمود. اقدامات شورشیان به کشورهای مستقل یا مرزهای آنها احترام نمی‌گذارد که این امر قطعاً نیازمند مفهوم‌سازی یا پیکربندی مجدد مفهوم مرزها است تا شامل ارزیابی اقدامات و تأثیر این بازیگران فراملی و غیردولتی شود. با توجه به تهدید امنیتی ناشی از این بازیگران فراملی جدید و خطرناک علیه کشورهای همجوار از پایگاه اصلی مراکز عملیاتی آنها در آفریقا، خاورمیانه، اروپا و جمهوری‌های شوروی سابق، به وضوح نیازمند گسترش رویکردهای نظری میان‌رشته‌ای جهت برآورد اقدامات و تأثیر این بازیگران غیردولتی در زمینه امنیت مرزی و سیاست بین‌الملل هستیم.

بدین منظور، یک الگوی جهانی یا فراملی که راهبردهای همکاری بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم اسلامی (در راستای امنیت بین‌الملل) یکپارچه می‌کند، برای مقابله با تروریسم اسلامی جهانی در هر کجا و هر زمان که ظهور کند، باید پروارنده، تهیه و پشتیبانی شود. سازمان ملل متحد هنگام تأسیس دبیرخانه اجرایی کمیته مبارزه با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل، رویه‌ای را در این زمینه ایجاد کرد که می‌کوشد انواع قطعنامه‌های سازمان ملل و منطقه‌ای را با هدف مبارزه با تروریسم عملی کند (روزنامه آیزور، ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۷). این موارد شامل قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت و استراتژی جهانی مبارزه با تروریسم است که در سپتامبر ۲۰۰۶ توسط مجمع عمومی تصویب شد. کمک‌های آمریکا (به صورت مشاوران و تجهیزات نظامی) به نیجریه، کامرون، نیجر و چاد که هم اکنون درگیر مبارزه علیه بوکوحرام هستند و نیز پشتیبانی آن از کنیا و سایر کشورهای آفریقای شرقی که با الشباب مبارزه می‌کنند، الگویی است که اجرای آن از سوی سایر شرکای جهانی ارزشمند است.

۶-۲-۱- ماهیت و ساختار گروه بوکوحرام

بوکوحرام یک فرقه پیچیده و متخصص طرفدار نسل‌کشی است که بر مبنای ایدئولوژیک عمل متعصبانه اسلامی با منشأیی نسبتاً مناقشه‌برانگیز هدایت می‌شود. این گروه به اوایل دهه ۲۰۰۰ برمی‌گردد و مسأله‌ای منحصر به فرد را در شمال نیجریه و کامرون در مقایسه با سایر گروه‌های شورشی در کشور ایجاد کرده است. باورهای بنیادین بوکوحرام مبتنی بر آموزه‌های محمد مروا است که در سال ۱۹۲۷ در شمال نیجریه به دنیا آمد و در ۱۸ سالگی برای واعظ شدن به کانو رفت. آموزه‌های وی تأثیر فرهنگ غربی در زندگی نیجریه را هدف قرار داده بود؛ او آموزش غرب را به عنوان فرآورده کافران محکوم می‌کرد و خواندن هر کتابی غیر از قرآن را گناه و به منزله الحاد می‌دانست. با وجود نادیده‌انگاری اولیه وی از سوی مقامات نیجریه در اوایل دهه ۱۹۷۰، مواعظ ضد حکومتی فزاینده و رشد شمار پیروانش سرانجام حکومت وادار به سرکوب این فرقه در اواخر دهه ۱۹۷۰ کرد. به نظر می‌رسد که هدف اصلی مروا برقراری قانون شریعت (که توسط تهیه‌کنندگان توافق استقلال ۱۹۶۰ به نفع اهداف سکولار کنار گذاشته شد) و ارائه دوباره آن در شمال نیجریه بود. در دهه ۱۹۸۰ این عقیده که تسلیم مسلمانان با توافق ۱۹۶۰ اشتباهی هولناک بود، در شمال نیجریه قوت گرفته بود.

خلاً مرگ محمد مروه از سوی محمد یوسف پر شد. او هنگام تولد در سال ۱۹۷۰ به اوستاز محمد یوسف معروف شد و در سال ۲۰۰۲ گروه شبه‌نظامی اسلام‌گرایانه بوکوحرام را تأسیس کرد. طبق دیدگاه شورای روابط بین‌الملل، یوسف «یک روحانی تندرو و جوان اسلامی بود که بوکوحرام را با هدف برقراری یک دولت کاملاً اسلامی در نیجریه ایجاد کرد»؛ وی با سخن گفتن علیه فقر و فساد در حکومت نیجریه پشتیبانی به دست آورد (فوستر-بوسر و ساندرز، ۲۰۱۲: ۵) او همانند رهبر معنوی فرقه عمل می‌کرد تا این که در شورش بوکوحرام در سال ۲۰۰۹ کشته شد. تاکنون عضویت در این گروه، عمدتاً به

احساسات عمیق در مورد بی‌عدالتی اجتماعی اقتصادی، حاشیه‌نشینی و ناامنی انسانی مربوط می‌شود و بیشتر اعضای آن بی‌سواد، فقیر، بیکار، افراد ترک تحصیل کرده و یا دانش‌آموزانی با زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی پایین هستند. به عقیده هوستر-باوسر و ساندرز (۲۰۱۲)، نام رسمی این گروه جماعه اهل السنه للدعوه الجهاد است که به زبان عربی به معنای «افراد متعهد به تبلیغ تعالیم پیامبر و جهاد» است. با این وجود، نام بوکوحرام، به زبان هوسا، از آن جایی که این گروه از سوی افراد محلی تأسیس شد، به این گروه اعطا شد. این عبارت کم و بیش به این معنی است: «آموزش غربی شر است» یا «آموزش غربی ممنوع است». پس از محمد یوسف، بنیانگذار گروه، این گروه تحت نام‌های دیگری همانند طالبان نیجریه و فرقه یوسفیه نیز تداوم داشته است (ازیرین و اونوها، ۲۰۱۳).

یوسف با الهام از ایدئولوژی سلفیسم (صورتی افراطی از اسلام سنی)، به اعمال شدید قوانین اسلامی اعتقاد داشت که مطابق تعالیم پیامبر، آرمان وی از عدالت را نشان می‌داد. وقتی نیروهای امنیتی نیجریه یوسف را در جریان درگیری با پیروانش در سال ۲۰۰۹ کشتند، معاون وی، ابوبکر شکائو جانشین وی شد و به جای ملام سانی عمرو قرار گرفت که بلافاصله در پی مرگ یوسف، به عنوان رهبر گروه عمل می‌کرد. به عقیده آقدو و اسامه (۲۰۱۲)، چندین نفر در زمان‌های مختلف ادعای رهبری این گروه را مطرح کردند. پیروان شکائو شامل شاگردان یوسف بودند که به شیوه ستیزه‌جویی القاعده و فراخوان وی برای «دولت ناب اسلامی در نیجریه» جذب شده بودند. وی وفاداری خود را به گروه شبه‌نظامی دولت اسلامی عراق و سوریه (داعش) اعلام کرده است. در چند سال گذشته، بوکوحرام مسئول چندین حمله خشن، از جمله بمب‌گذاری علیه دولت نیجریه در شمال بوده و ویرانگری خود را به سمت جنوب توسعه داده و از آن‌جا به اهدافی در ابوجا، پایتخت نیجریه حمله کرده است. این حملات در مؤسسات دولتی بسیار مهم، بازارها، بانک‌ها، ایستگاه‌های پلیس و کلیساها رخ داده است (آقدو و اسامه، ۲۰۱۲).

این فرقه، که اساساً به عنوان یک گروه تروریستی داخلی در نظر گرفته می‌شد، با موفقیت حملات فراملی را نیز انجام و اهداف بین‌المللی را هدف قرار داده است. این امر نه تنها اساساً توصیف و لقب آنها را تغییر داده بلکه آنها را در کانون توجه جهانی قرار داده است (ازیرین و انودا، ۲۰۱۳). به ادعای رهبری گروه، آنها بیش از چهل هزار عضو در نیجریه و نیز برخی از کشورهای همسایه آفریقایی دارند. قابل ذکر است که این افراد شامل برخی از نخبگان سیاسی نیجریه، از جمله دو رئیس سابق ارتش ایالتی و معاون غیرنظامی پیشین رئیس جمهور از منطقه شمال، که همگی به دادگاه رفته‌اند، است. برخی از اعضای سازمان‌های امنیتی دولتی نیز عضو این فرقه هستند و ادعا می‌شود به آموزش این گروه کمک کرده‌اند. این امر مشکلات بسیاری را ایجاد کرده است، از جمله این‌که در آگوست ۲۰۱۱، فرمانده قرارگاه آفریقای ایالات متحده، جنرال کارتر هام اظهار داشت که بوکوحرام با القاعده در مغرب اسلامی و الشباب سومالی، دو گروه تروریستی که تحت نظر هستند، ارتباط دارد (آقدو و اسامه، ۲۰۱۲).

در حقیقت، در مه سال ۲۰۱۴، بوکوحرام به دلیل وابستگی به القاعده به فهرست گروه‌های تروریستی شورای امنیت سازمان ملل اضافه شد. اکنون در معرض تحریم‌های مالی و محدودیت تسلیحاتی است و هر گروهی که هر نوع کمک مالی یا مادی را برای بوکوحرام فراهم می‌کند، واجد شرایط برای اضافه شدن به تحریم‌های القاعده نیز است (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۷). این گروه، هواداران را از بین زندانیان پس از آزادی آن‌ها و ربایش جوان‌ها و خدمت اجباری و موثر آنها انتخاب کرده است. با وجود تلاش‌های دولت نیجریه برای دستیابی به توافق با بوکوحرام طی چند سال گذشته، این فرقه خشن

حملات بی‌رحمانه خود را علیه مردم غیرنظامی در شهرها و روستاهای شمال نیجریه و کامرون و نیز علیه حکومت، تجارت و اهداف مذهبی در نیجریه ادامه می‌دهد. این گروه علاوه بر ربودن پسران جوان به عنوان مبارز، از راهبردهای دیگری نیز برای جذب پیروان استفاده کرده است. به دلیل نفوذپذیری مرز بین دو کشور، به اجبار پسران جوان شمال نیجریه و کامرون به صفوف این گروه جذب می‌شوند. این گروه به زندان‌ها حمله و زندانیان را آزاد کردند و سپس آنها را به عنوان نیرو بکار می‌گیرد و مشهور است که خدمات اجتماعی ارائه شده به گروه‌های فقیرتوسط این نیروها صورت می‌گیرد. این فرقه همچنین پیروانی از مسلمانان روبه رشد شمال نیجریه را جلب کرده است که به دلیل ماهیت سکولار جامعه نیجریه احساس بیگانگی و حاشیه‌نشینی می‌کنند و ترجیح می‌دهند که به قانون شریعت به عنوان مبنای نظام حقوقی نیجریه بازگردند. جان کمپبل^{۱۶۳} (۲۰۱۳) استدلال می‌کند که برخی از افراد به این دلیل به بوکوحرام پیوستند که این گروه به آنها پول می‌دهد تا مقامات دولت نیجریه را بکشند، خودروها را به اسم بوکوحرام سرقت کنند و آنها را به تاجران یا مقامات دولتی بفروشند. برخی از این خودروهای سرقتی برای دزدی از بانک‌ها استفاده می‌شوند. کمبل همچنین مدعیست که مهاجران کشورهای همسایه به دلایل اقتصادی به این فرقه پیوسته‌اند. سرانجام، برخی از اعضای بوکوحرام به عنوان هسته اصلی جنگجویان اسلام‌گرای اهل نیجریه هستند به عنوان جنگجو در شمال آفریقا و جنگ‌هایی که در مناطق مختلف خاورمیانه انجام می‌شود، تجربه کسب کرده‌اند (زین، ۲۰۱۴: ۳).

منبع اصلی بودجه بوکوحرام از مالیات‌های روزانه اعضا به رهبران‌شان، به علاوه سرقت‌های بانکی، نفت دزدی، آدم‌ربایی و باج‌گیری و مبالغ‌اهدایی از سوی سیاستمداران، مقامات دولتی و سازمان‌های داخل نیجریه تأمین می‌شود (ازیرین و انوها، ۲۰۱۳). با ادعاهایی مبنی بر اینکه بوکوحرام به طور خاص از نیروهای القاعده جهت تقویت و آموزش تروریست‌ها در نیجریه مبالغی دریافت می‌کند، این گروه به کسب پشتیبانی مالی از خارج از کشور نیز مشهور شده است. به تازگی این روابط جدی‌تر شده و از این جهت نیاز است که جامعه جهانی برای تقویت اقدامات ضد تروریستی فراخوانده شود (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۷). بوکوحرام همچنین از سرمایه‌داران مناطق بورنو و مناطق مرزی شمال کامرون که اغلب کانونی نژاد هستند، مانند یوسف، شکاؤ و بیشتر اعضای بوکوحرام سود برده است. این گروه همچنان اسلامی‌سازی نیجریه و طرد دموکراسی و آموزش غربی را دنبال می‌کند (فوستر-باوسر و ساندرز، ۲۰۱۲: ۴).

۳-۶- تحلیل وضعیت منطقه مرزی مورد مطالعه

مرز ۱۷۰۰ کیلومتری نیجریه و کامرون (که از دریاچه چاد تا خلیج گینه امتداد دارد) از زمان استعمار محل اختلاف بوده است. مناطق مورد مناقشه شامل بخش‌هایی از دریاچه چاد در شمال و شبه جزیره باکاسی با منابع بالقوه غنی از نفت در خلیج گینه در جنوب به شدت از سوی هر دو کشور مورد طمع بود. بدین‌منظور، توجه به این نکته در اینجا حائز اهمیت است که تاریخ بین کامرون و نیجریه با تاریخی استعماری منحصر به فرد و تاریخ منازعه بر سر منابعی که از بعضی جهات تا امروز ادامه دارد. در اکتبر ۲۰۰۲، دیوان بین‌المللی دادگستری^{۱۶۴} حکم داد که شبه جزیره باکاسی، منطقه در امتداد خلیج آفریقایی گینه و غنی از ذخایر نفت، حقا متعلق به کامرون است (دادگاه بین‌المللی دادگستری، حکم ۱۰ اکتبر ۲۰۰۲).

^{۱۱} John Campbell

^{۱۶۴} International Court of Justice (ICJ)

اگرچه نیجریه در ابتدا تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری را نپذیرفت، اما به طور رسمی و دیپلماتیک در اوت سال ۲۰۰۸ ذیل موافقت‌نامه گرین لایف سازمان ملل متحد، باکاسی را به کامرون واگذار کرد و بدین ترتیب به منازعه مرزی پانزده ساله پایان داد (خبرگزاری فرانسه، ۲۰۱۳). در این برهه حساس بود که یک دوره انتقالی پنج‌ساله زیر نظر سازمان ملل متحد آغاز شد و به کامرون اجازه داد تا حضوری اداری در این منطقه برقرار کند. با اتمام این دوره در ۱۴ اگوست ۲۰۱۳، سرانجام کامرون توانست حاکمیت کامل منطقه را به دست آورد (کلیمتوم، ۲۰۱۳).

نقشه ۱: شبه جزیره باکاسی



Reference:

<http://www.afran.ir/modules/news/index.php?start=375&storytopic=81>

می‌توان استدلال نمود که منازعه شبه جزیره باکاسی، از بعضی جهات فرصتی را برای هر دو کشور فراهم کرد تا پس از حکم دیوان بین‌المللی دادگستری ۲۰۰۲، از طریق دیپلماتیک اختلافات خود را حل کنند. اعتماد ایجاد شده بین کامرون و نیجریه عمدتاً نتیجه کمیسیون مشترک کامرون و نیجریه^{۱۶۵}، مجمعی تحت حمایت سازمان ملل متحد شامل هیأت‌های نمایندگی کامرون و نیجریه بود (دفتر سازمان ملل برای آفریقای غربی، ۲۰۱۴). هدف این کمیسیون پس از حکم دادگاه بین‌المللی، حل و فصل هرگونه مشاجره بود تا هر دو کشور در مورد بسیاری از موضوعات بین کشورهای همسایه از جمله غیرنظامی‌سازی مناطق نظامی، آغاز برنامه‌های توسعه اقتصادی، همچنین چارچوب‌هایی برای حمایت از حقوق جمعیت بومی و فعال‌سازی دوباره کمیسیون حوزه دریاچه چاد کار کنند (UNPR, 2014).

با کمک میانجی‌گران، اعتماد بین دو کشور به تدریج بهبود یافت و مسیریابی برای ایجاد امنیت مشترک و معاملات اقتصادی در حمایت از صنایع ماهی‌گیری و نفت باکاسی هموار شد. به همین دلیل، اتحادیه آفریقا معتقد است که قطعنامه صلح‌آمیز کامرون و نیجریه باید الگویی برای سایر اختلافات مرزی مستمر در جاهای دیگر آفریقا باشد (ایرین، ۲۰۱۴). تاکنون توافق باکاسی به عنوان پیروزی دیپلماسی آفریقا از سوی سازمان ملل و کشورهای مختلف مورد استقبال قرار گرفته است؛ تا حدی که بان کی مون، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در دهمین سالگرد صدور حکم دیوان

^{۱۶۵}Cameroon-Nigeria Joint Commission(CNMC)

بین‌المللی دادگستری، از نیجریه و کامرون به دلیل ابراز تعهد به حکم ۲۰۰۲ قدردانی کرد (سازمان مطبوعاتی آفریقا، ۲۰۱۲). به‌علاوه این پیروزی تاریخی گام مهمی را در راستای حل و فصل اختلاف مرزی مشخص می‌کرد که چندین دهه بین نیجریه و کامرون «در تب و تاب بود» و حتی آنها را در آستانه جنگ در سال ۱۹۸۱ و درگیری‌های پراکنده در بیشتر سال‌های دهه ۱۹۹۰ نزدیک کرد (کورنول، ۲۰۰۶).

۴-۶- تأثیرات امنیتی و اقتصادی فعالیت های گروه بوکوحرام بر منطقه مرزی مورد مطالعه

کامرون شمالی در بخش اعظم تاریخ شمال شرقی نیجریه و نیز مشکلات آن سهیم است. هر دو منطقه بخشی از خلافت پیش از استعمار سوکوتو بودند که در آن زمان قدرتمندترین دولت قرن نوزدهم آفریقای غربی بود. دلیل این‌که کامرون عرفاً بهتر عمل کرده است، به این دلیل است که استعمارگران آلمانی و در پی آن حکومت‌های مستقل، حکومتی متمرکزتر نسبت ساختار فدرالی که انگلیس به نیجریه تحمیل کرد، برقرار کردند. در نتیجه، شورش‌ها در نیجریه ناشی از احساس محرومیت مناطق پیرامونی در برابر اقدامات دولت فدرال بوده و منجر به احساس حاشیه‌نشینی شده است. ادغام زود هنگام نخبگان اسلامی در جایگاه‌های قدرت در کامرون به حفظ صلح در منطقه کمک کرد (دوری، ۲۰۱۴).

با این وجود عوامل متعدد تأثیرگذار بر هر دو کشور وجود دارند که نیجریه را در مقابل خشونت شورشیان آسیب‌پذیر می‌نماید. نخست، شمال نیجریه معمولاً فقیرتر از سایر نقاط کشور است و ساکنان آن از فساد، نابرابری و ناکامی دولت در رسیدگی به مشکلات شکایت می‌کنند (اموکورو، ۲۰۱۴). فقر از جانب مرزهای نفوذپذیر تشدید می‌شود، زیرا این مرزها به ورود بیگانگان و اسلحه‌های غیرقانونی به نیجریه کمک کرده تا عملیات‌های بوکوحرام را ارتقا بخشد. نکته مهمتر این‌که پلیس هنگام برخورد با نظارت و جمع‌آوری اطلاعات به نفع بوکوحرام مجهز نیست (اسامه، ۲۰۱۴). عوامل اقتصادی همانند سطوح بسیار پایین سرانه تولید ناخالص داخلی با کشورهای ناکام مرتبط است (پیازا ۲۰۰۸) و بدین لحاظ، ممکن است بین تروریسم و درآمد با فقیرترین کشورها رابطه‌ای منفی باشد (اندرس و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین از چشم‌اندازی سیاسی، اکثریت مطلق مسلمانان شمال نیجریه از بازگشت به قانون شریعت به عنوان مبنای جامعه و نظام حقوقی آن حمایت می‌کنند، زیرا حس به حاشیه‌راندگی با سیاست‌های سکولار جنوب نیجریه می‌کنند که این منطقه عمدتاً مسیحی کنترل‌کننده قدرت سیاسی در بیشتر زمان‌های پس از استقلال نیجریه بوده است.

نیجریه بزرگترین شریک اقتصادی کامرون در منطقه صحرای آفریقا، در کنار کمیسیون امور اقتصادی و مالی اتحادیه اروپا است (ایرین، ۲۰۱۴). حتی در طول تاریخ منازعه، شورش و درگیری‌های شبیه جنگ، هرگز مانعی در مسیر گردش کالا و مردم در امتداد این مرز، حتی در زمان اختلاف باکاسی نبود (همان). نیجریه، کشوری ثروتمند و پنجمین تولیدکننده بزرگ نفت اوپک و صادرکننده عمده نفت به ایالات متحده و سایر کشورهای غربی است. به عقیده آقدو و اورهه (۲۰۱۲)، درآمد نفتی، دولت را حفظ می‌کند و بالغ بر ۹۸ درصد از درآمد صادراتی کشور و نیز ۹۵ درصد از درآمد دولت است. با این وجود، علی‌رغم چنین ثروت بزرگ نفتی، بیش از ۷۰ درصد شهروندان نیجریه بیکاری و فقر گسترده را تجربه کرده‌اند و با تقریباً ۱.۲۵ دلار در روز زندگی می‌کنند (آقدو و اورهه، ۲۰۱۲: ۸۶۱). همچنین اختلافات اقتصادی گسترده‌ای بین شمال و مناطق دیگر کشور وجود دارد که باید به آن توجه داشت. به ادعای آقدو و اورهه، منطقه شمال نیجریه از نظر سطح زیرساختی و توسعه ظرفیت انسانی به مراتب بدتر است و در حقیقت، این ناامنی شدید انسانی، این

منطقه را به زمینی حاصل خیز برای گروه‌های ضد دولتی مثل بوکوحرام بدل می‌کند. تهاجم فرامرزی بوکوحرام به شهرها و روستاهای مرزی شمال کامرون موجب تخریب پایگاه اقتصادی شکننده سه منطقه شمالی کامرون (شمال، شمال دور و آداموا) شده و امنیت جمعیت ناتوان این مناطق را تهدید کرده است. کامرون مجبور شد نیروها و منابع بیشتری را به مناطق شمالی خود اعزام کند تا بتواند اقدامات به شدت وحشیانه و ظالمانه‌ای بوکوحرام در آن مناطق را مهار کند. علاوه بر این، جامعه مهاجرین نیجریه در کامرون غربی همواره از فرصت‌های اقتصادی و تجارت مرزی منطقه میزبان خود بهره می‌برد (کونینگز، ۲۰۰۵). بیشتر همکاری‌ها در این منطقه نتیجه روابط متقابل اقتصادی است که همچنان نقطه اتکای روابط دیپلماتیک بین دو کشور است.

۶-۵- همکاری های منطقه ای جهت کنترل و ایجاد امنیت مرزی

ریشه ناامنی به وجود تهدیدات و آسیب‌پذیری در برابر آنها باز می‌گردد و از همین رو برای دستیابی به امنیت می‌توان یکی از دو راه: اتخاذ تدابیری برای کاهش آسیب‌پذیری خود، یا تلاش برای از میان برداشتن یا کاهش تهدیدات از طریق برخورد با سرچشمه آنها را برگزید. از گزینه نخست چون دامنه آن عمدتاً داخل کشور مورد تهدید فراتر نمی‌رود به عنوان استراتژی امنیت ملی یاد کرده‌اند و گزینه دوم را چون به تنظیم مناسبات میان دولت‌ها، خواه به شکل مستقیم و خواه از طریق ایجاد تغییراتی در شرایط سیستمی مؤثر بر احساس امنیت دولت‌ها بستگی دارد، استراتژی امنیت بین‌المللی خوانده‌اند. با در پیش گرفتن استراتژی امنیت ملی، سیاست امنیتی حول کاهش آسیب‌پذیری‌های دولت متمرکز خواهد شد. آسیب‌پذیری‌ها را می‌توان با تقویت اتکا به خود یا با ایجاد و تقویت نیروهای متقابل برای برخورد با تهدیدات مشخص کاهش داد. مزایای اصلی استراتژی امنیت ملی این است که با سر برآوردن هر تهدید مشخص می‌توان با آن برخورد کرد. (طیب، ۱۳۸۰: ۱۱).

همچنین امنیت به اندازه عوامل ملی به عوامل بین‌المللی هم متکی است و اقدامات ملی تأثیر عمده‌ای بر پویای بین‌المللی ناامنی دارند. در استراتژی امنیت بین‌المللی، سیاست امنیتی حول سرچشمه‌ها و علل تهدیدات دور خواهد زد و هدف، نه سد کردن راه تهدیدها یا دور کردن آنها بلکه کاهش یا از میان برداشتن تهدیدات با توسل به اقدام سیاسی است. علیرغم تمام مشکلات و فراز و نشیب‌های این قاره، هنوز هم آفریقا یکی از مناطق ثروتمند جهان باقی مانده است و منابع گسترده آن برای تولید منطقه‌گرایی و جهانی شدن ضروری است. براساس شاخص‌های همگرایی، این قاره از زمان استقلال از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا کنون، دارای بیشترین همگرایی منطقه‌ای بوده است و کشورهای این قاره از آن زمان تاکنون، بیش از ۲۰۰ نهاد منطقه‌ای را شکل داده‌اند. بیشترین سازه‌ها بر روی همگرایی اقتصادی تأکید داشته‌اند (بخشی، ۱۳۹۸: ۱۱۱).

تاریخ مشاجره نیجریه و کامرون نه تنها با نزاع مرزی گذشته بر سر منابع بلکه با بی‌اعتمادی عمومی به انگیزه‌های سیاسی دیگران مشخص شده است. عدم تمایل اولیه کامرون برای کمک به همسایگان نیجریه‌ای خود در برابر تهدیدهای شتابان بوکوحرام، در رسانه‌ها پژواک داشت. نیروهای چندملیتی با حضور سربازان نیجریه و چاد و نیجر قانون اضطراری را در شمال شرقی نیجریه اعمال کردند. اما کامرون به دلیل ترس از انتقام‌جویی‌های بوکوحرام در مرزهای خود تمایلی به تعامل بیشتر نداشت (هزلوود، ۲۰۱۳). در پی آدم‌ربایی دختران مدرسه چیبوک در شمال شرقی نیجریه، تحقیقات انجام شده حاکی از این است که حکومت کامرون به همه فرماندهان نظامی خود فرمان کنترل مناطق مرزی با نیجریه را صادر کرده بود. در این فرمان، وزیر امور سرزمین و تمرکززدایی کامرون دستورات خاصی را به فرماندهان داد که از ارائه اطلاعات حیاتی درباره شورشیان نیجریه خودداری کنند (وبسایت کامرون، ۲۰۱۴). با این وجود، موضوع مورد نظر در آن زمان این بود که بیشتر حکومت کامرون به سوی اعتمادسازی به دلیل اقتصاد مرزی حرکت کرده بود. اندکی پس از آن، ساختار مشترکی ایجاد شد که هدف آن حفظ امنیت مرز مشترک آنها با بوکوحرام و دزدان دریایی در خلیج گینه بود (هزلوود، ۲۰۱۳).

پس از امتناع اولیه از پذیرش کمک‌های نظامی در مبارزه با بوکو حرام از سوی آمریکا، تلاش‌های بین‌المللی از طرف انگلیس و فرانسه در جلسات بین رهبران کامرون، چاد، نیجریه و نیجر به اوج خود رسید. پروتکل‌های بین‌المللی متعاقباً بین این قدرت‌های غربی و کشورهای آفریقایی متأثر از فعالیت‌های بوکو حرام امضا شد که زمینه را برای ارائه کمک‌های نظامی در قالب مشاوران و تجهیزات نظامی به حکومت‌های کامرون، نیجریه، چاد و نیجر از سوی ایالات متحده و شرکای آن فراهم کرد. بنابراین در چارچوب مبارزه با تروریسم، کامرون، چاد، نیجر، بنین و نیجریه (اعضای کارگروه مشترک چندملیتی)^{۱۶۶} از کمک‌هایی به منظور تقویت قابلیت‌های جمع‌آوری اطلاعات و نیز توانایی حرکت سریع نیروهای تحت حمله بوکو حرام بهره‌مند شدند.

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این مقاله استدلال می‌کند که دهه‌ها درگیری مرزی در طول ۱۷۰۰ کیلومتر مرز نفوذپذیر بین کامرون و نیجریه (از دریاچه چاد در شمال تا خلیج گینه در جنوب) الهام‌بخش بوکو حرام برای انجام عملیات نظامی مرزی از نیجریه به کامرون بود. در حالی که منابع به شدت نشان می‌دهند که همکاری کامرون با نیجریه بیشتر از آن که درباره همکاری‌های دیپلماتیک در مورد امنیت اقتصادی باشد، همکاری بین کشورهای مرزی در مناطقی با شورش زیاد همچنان یک استراتژی اساسی برای مهار و شکست گروه‌های تروریستی اسلام‌گرا است. این استراتژی امنیت منطقه‌ای را تقویت می‌کند و پایه اقتصادی شکننده‌ای را پشتیبانی می‌کند که اقتصادهای کامرون و نیجریه این‌گونه هستند. علاوه بر این، اقتصادهای مرزی که در کنار هم قرار دارند، از توان بیشتری برای مقابله با بحران‌ها برخوردار می‌شوند. بدین‌منظور، این تحقیق توسعه و اجرای یک چارچوب نظری مشترک جهانی را پیشنهاد می‌کند که ملل قدرتمند با منابع نظامی و تکنولوژیکی ضمن احترام به سیاست‌های منطقه‌ای و قاره‌ای به کشورهای در حال توسعه درگیر با گروه‌های تروریستی کمک کنند. و نکته آخر اینکه علیرغم وجود اختلافات مانند نامگونی سرزمینی و بهره‌مندی از موقعیت ژئوپلیتیکی متفاوت، ساختار نامتجانس سیاسی، عدم ثبات سیاسی اعضا، جوامع نامتجانس، تولید مشترک و عدم وابستگی اقتصادی به یکدیگر، تعارضات ایدئولوژیک، ساختار نامتوازن قدرت در منطقه، وجود اختلافات مرزی بایکدیگر و ادعاهای سرزمینی، تنوع فرهنگی و اختلافات قومی، وجود رقابتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تفاوت دیدگاه درباره حضور نیروهای خارجی، نابرابری سطح توسعه اقتصادی اعضا، پایین بودن سطح تجارت میان اعضا، نا کافی بودن زیرساخت‌های ارتباطی و... به نظر می‌رسد تنها راه حل برای برون رفت از این بحران‌ها؛ همگرایی منطقه‌ای است، موضوعی که پس از جنگ سرد و از دهه ۹۰ قرن بیستم در اولویت کاری دیگر مناطق جهان قرار گرفته است و نتایج نسبتاً موفقیت آمیزی را برای آنان به ارمغان آورده است. لازم است تا کشورهای منطقه ضمن درک آسیب‌پذیری‌ها، به گفتگوهای منطقه‌ای روی آورده و با نزدیک کردن دیدگاه‌ها، مانع از سو برداشت‌ها و مداخلات فرامنطقه‌ای و رشد گروه‌های افراطی گردند. در پایان ذکر این نکته ضروری است که این مقاله می‌تواند به منظور بررسی چگونگی منازعه بین کشورهای مرزی با مرزهای نفوذپذیر توسط سازمان‌های تروریستی برای پیشبرد برنامه‌های نامشخص دینی و سیاسی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

^{۱۶} Multinational Joint Working Group (MJTF)

منابع

۱. اطاعت، جواد و سیده زهرا موسوی (۱۳۸۷)، "تقسیمات کشوری و توسعه پایدار: مطالعه موردی ایران"، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳، سال چهارم، پاییز و زمستان، صص ۷۴-۵۷.
۲. بخشی، احمد (۱۳۹۶)، "نقش آزاد سازی تجاری و همکاری های اقتصادی منطقه ای در توسعه و امنیت: مطالعه موردی جامعه توسعه جنوب آفریقا (سادک)"، فصلنامه پژوهش های جغرافیای سیاسی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۸۷-۱۱۶.
۳. بخشی، احمد (۱۳۹۰)، "تحلیل پدیده های جغرافیایی و سیاسی در شکل گیری بحران دارفور"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره دوم، صص ۲۵۲-۲۱۵.
۴. بخشی، احمد (۱۳۸۸)، "چارچوبی برای تدوین امنیت انسانی در غرب آسیا، در امنیت انسانی در غرب آسیا" (مجموعه مقالات)، تهران، اول: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، صص ۲۲۹-۱۸۹.
۵. تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، "مطالعات امنیتی نوین"، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. حافظ نیا و دیگران (۱۳۹۰)، "سیاست و فضا"، اول، مشهد، انتشارات پاپلی.
۷. درایسدل، آلسدایر و جerald اچ بلیک (۱۳۷۴)، "جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا"، ترجمه دره میرحیدر، تهران: وزارت امور خارجه.
۸. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، "مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی"، جلد اول. قم: نشر سازمان حوزه هاو مدارس علمیه خارج کشور.
۹. طیب، علیرضا (۱۳۸۰)، "ارزیابی انتقادی در زمینه امنیت بین الملل"، تهران: نشر نی.
۱۰. میرحیدر دره (۱۳۸۳)، "مبانی جغرافیای سیاسی"، تهران: سمت.
۱۱. AFP. (۲۰۱۴, November ۱۰). Suicide bomber in school uniform kills ۴۷ in Nigeria. *Daily Mail*. Retrieved from <http://www.dailymail.co.uk/wires/afp/article-۲۸۲۸۲۶۹/Explosion-school-NE-Nigeria-teacher-medic.html>
۱۲. Aghedo, I., & Osumah, O. (۲۰۱۲). The Boko Haram uprising: How should Nigeria respond? *Third World Quarterly*, ۳۳(۵), ۸۵۳-۸۶۹. Retrieved from <http://dx.doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۰۱۴۳۶۵۹۷,۲۰۱۲,۶۷۴۷۰۱>
۱۳. CamerounWeb. (۲۰۱۴, August ۱۸). *Cmr orders security agents to hide information from Nigeria*. Retrieved from
۱۴. <https://www.cameroonweb.com/CameroonHomePage/NewsArchive/Cmr-orders-security-agents-to-hide-information-from-Nigeria-۳۰۹۲۳۱>
۱۵. Campbell, J. (۲۰۱۳). *Africa in transition: Boko Haram recruitment strategies*. Washington D.C.: Council on Foreign Relations
۱۶. Chintom, M. (۲۰۱۳, September ۱۸). Nigerians uncertain of future in Bakassi Peninsula. *Inter Press Service*. Retrieved from <http://www.ipsnews.net/۲۰۱۳/۰۹/nigerians-uncertain-of-future-in-bakassi-peninsula/>
۱۷. Delanty, G. & Rumford, C. (۲۰۰۵) *Rethinking Europe: Social theory and the implications of Europeanization*. London: Routledge
۱۸. Dorrie, P. (۲۰۱۴, August ۲۸). Boko Haram's Cameroon connection. *War is Boring*. Retrieved from <https://medium.com/war-is-boring/boko-harams-cameroon-connection-c۷d۳edf۱c۹۳۹>
۱۹. Editorial staff. (۲۰۱۴, August ۱۴). Cameroon takes control in disputed Bakassi. *Fox News*. Retrieved from <http://www.foxnews.com/world/۲۰۱۳/۰۸/۱۴/cameroon-takes-control-in-disputed-bakassi/>
۲۰. Ezirin, G.E. & Onuoha, F.C. (۲۰۱۳). Terrorism and transnational organized crime in West Africa. *Al Jazeera Center for Studies*. Retrieved from <http://studies.aljazeera.net/en/reports/۲۰۱۳/۰۶/۲۰۱۳۶۲۴۱۰۲۹۴۶۶۸۹۵۱۷.html>

۲۱. Foster-Bowser, E., & Sanders, A. (۲۰۱۲). Security threats in the Sahel and beyond: AQUIM, Boko Haram, and al Shabaab. *Civil-Military Fusion Center*. Retrieved from www.cimicweb.org
۲۲. Kindzeka, M. (۲۰۱۴, December ۲). Cameroon says ۲۰,۰۰۰ more troops needed to fight Boko Haram. *VOA News*. Retrieved from <http://www.voanews.com/content/cameroon-says-more-troops-needed-to-fight-boko-haram/۲۰۴۲۱۵۱.html>
۲۳. Konings, P. (۲۰۰۵). The Anglophone Cameroon-Nigeria boundary: Opportunities and conflicts. *African Affairs*, 104(۴۱۵), ۲۷۵-۳۰۱.
۲۴. Ksenija, V. (۲۰۰۹) Engendering borders: Some critical thoughts on theories of borders and migration. *Institut fur Geographie Regionalforschung*.
۲۵. Newman, D. (۲۰۰۶) Border and bordering: Towards an interdisciplinary dialogue. *European Journal of Social Theory*, ۹(۲), ۱۷۱-۸۶
۲۶. Nossiter, A. (۲۰۱۴, July ۲۱). Boko Haram rebels seize a town in Nigeria. *The New York Times*. Retrieved from http://www.nytimes.com/۲۰۱۴/۰۷/۲۱/world/africa/boko-haram-rebels-seize-a-town-in-nigeria.html?_r=۰
۲۷. Parker, B. (۲۰۱۴, Februry ۱۲). Cameroon and Nigeria take on the task of laying down the border. *IRIN*. Retrieved from <http://www.irinnews.org/report/۹۹۶۲۸/cameroon-and-nigeria-take-on-task-of-laying-down-a-border>
۲۸. Piazza, James A (۲۰۰۸) Incubators of terror: Do failed and failing states promote transnational terrorism? *International Studies Quarterly* ۵۲(۳): ۴۶۹-۴۸۸.
۲۹. Rathbone, A., & Rowley, C.K. (۲۰۰۲). Terrorism. *Public Choice*, ۱۱۱(۱/۲), ۹-۱۸. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/۳۰۰۲۶۲۶۹>
۳۰. Rumford, C. (۲۰۰۶) Theorizing border. *European Journal of Social Theory*, ۹(۲), ۱۵۵-۶۹
۳۱. Sharma, V. (۲۰۱۴, May ۶). Radical Islamist group Boko Haram has claimed responsibility for abducting more than ۲۰۰ Nigerian schoolgirls. *Vocativ*. Retrieved from <http://www.vocativ.com/underworld/crime/۵-things-need-know-nigerian-terrorist-group-boko-haram/>
۳۲. Simon, B., & Abubakar, A. (۲۰۱۴, November ۱۶). Nigeria's Boko Haram sets new tone in control areas. *AFP*. Retrieved from AFP.com
۳۳. Umukoro, N. (۲۰۱۴). Democracy and inequality in Nigeria. *Journal of Developing Societies*, ۳۰(۱), ۱-۲۴.
۳۴. United Nations. (۲۰۱۰). *Letter from the Secretary-General to the President of the Security Council*, S/۲۰۱۰/۶۹۳, ۳۱ December ۲۰۱۰.
۳۵. United Nations. (۲۰۱۷). *Sanctions list materials*. Retrieved from https://www.un.org/sc/suborg/en/sanctions/۱۲۶۷/aq_sanctions_list
۳۶. Watts, M. (۲۰۱۰) Nigeria at a tipping point. *The Huffington Post*. Retrieved from http://www.huffingtonpost.com/michael-watts/nigeria-at-a-tipping-point_b۲۵۷۹۶۹.html/
۳۷. Zaimov, S. (۲۰۱۴, August ۲۵). Boko Haram declares 'Islamic Caliphate' in captured Christian town in Nigeria. *The Christian Post*. Retrieved from <http://www.christianpost.com/news/boko-haram-declares-islamic-caliphate-in-captured-christian-town-in-nigeria-۱۲۵۲۹۳/#!>
۳۸. Zenn, J. (۲۰۱۴). Boko Haram: Recruiting, financing, and arms trafficking in the Lake Chad Region, *CTC Sentinel*.

تغییر اقلیم و تاثیر آن بر امنیت پایدار با تاکید بر امنیت مرزی

۱- مریم عباس زاده، ۲- سید هادی زرقانی*، ۳- آذر زرین

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده ی مسئول

۳- استادیار اقلیم شناسی . دانشگاه فردوسی مشهد

* h-zarghani@um.ac.ir

چکیده:

کوشش برای تامین امنیت همواره در پس کنش و منش انسان ها وجود داشته است. طی دهه های اخیر مسئله تغییر اقلیم و پیامدهای عمدتاً منفی آن بر اقتصاد، اجتماع، محیط زیست و عرصه سیاسی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. در این میان، کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که در کمربند خشک جهان قرار دارند، تاثیر پذیری بیشتری از تغییر اقلیم خواهند داشت. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر به دنبال بررسی این موضوع است که تغییر اقلیم چه پیامدهای امنیتی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی و اجتماعی به همراه خواهد داشت. یافته های پژوهش نشان می دهد تغییر اقلیم از طریق تغییر در الگوی بارش و میزان آن به ویژه در مناطق خشک، تشدید و تداوم خشکسالی، کاهش سطح مراتع، کاهش میزان تولید محصولات کشاورزی، موجب مهاجرت های گسترده، تهدید امنیت غذایی، بروز چالش های زیست محیطی می شود. علاوه بر این تغییر اقلیم از طریق کاهش میزان آبهای رودهای مرزی و منابع آبی مشترک مرزی بر میزان اشتغال و سکونت گاههای مرزی تاثیر منفی می گذارد و طبیعتاً موجب تشدید اختلافات مرزی می گردد. ضمن اینکه تغییر اقلیم و افزایش بارش های شدید و طغیانی شدن رودهای مرزی می تواند با تغییر مسیر رودهای مرزی و خسارت به سکونت گاههای مرزی موجب اختلافات مرزی گردد و در مجموع امنیت مرز و مناطق مرزی را نیز دچار چالش نماید.

واژگان کلیدی: اقلیم، تغییر اقلیم، امنیت، مرز، امنیت مرز

۱- مقدمه و بیان مساله

اقلیم شرایط متوسط آب و هوایی است که در سال های اخیر با افزایش گازهای گلخانه ای در جو و بر هم خوردن توازن تابشی در حال تغییر است و پدیده ای با عنوان تغییر اقلیم را شکل می دهد. تغییر اقلیم یکی از مهم ترین چالش هایی است که بخش های مختلف زندگی انسان را در روی زمین تحت تاثیر قرار خواهد داد. در اثر تغییر اقلیم متوسط متغیرهای آب و هوایی مانند دما و بارش ثابت نمانده و در مناطق مختلف تغییر می کند. یکی از دلایل اصلی تغییر اقلیم، افزایش انتشار گازهای گلخانه ای در جو بدلیل صنعتی شدن و افزایش مصرف سوخت های فسیلی می باشد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۹). تغییر اقلیم یک زنجیره بهم پیوسته است، این زنجیره از فعالیت های توسعه ای به ویژه مصرف سوخت های فسیلی آغاز می شود و به دنبال خود پیامدهای متعددی را می آورد. آنچه که تاکنون بیشتر بررسی شده و مد نظر بوده است، میزان تولید گازهای گلخانه ای، کنترل آن و در نهایت پدیده های ناشی از آن از قبیل گرم شدن زمین، زیرآب رفتن سکونتگاه ها، طوفان ها، سیل ها و یا خشکسالی ها بوده است. در حالی که مهم ترین فاجعه ها بعد از این مرحله به وقوع خواهد پیوست. این پدیده ها آوارگی و بی خانمانی، مهاجرت های کلان، بی تابعیتی، بیکاری، فقر و ناامنی را به دنبال خواهد داشت (خوش منش و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۲۵). پژوهشگران و اقلیم شناسان در سال های اخیر، تغییرات اقلیمی ناشی از افزایش گازهای گلخانه ای و گرمایش کلی زمین و به دنبال آن وضع اقلیم دهه های آتی کره زمین را مهم ترین نگرانی موجود می شمارند (کاوایان و همکاران، ۱۳۹۶، ۹۰). تغییر اقلیم علاوه بر تاثیرات مستقیم بر عوامل اقلیمی، به صورت غیر مستقیم بر اقتصاد، اجتماع، کشاورزی و... تاثیرگذار می باشد و پیامدهایی چون سیل، خشکسالی، مهاجرت، فقر و... را به همراه دارد (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱). اقلیم جهان به علت افزایش غلظت گازهای گلخانه ای در اتمسفر، در حال تغییر است و گرمایش جهانی در حال وقوع می باشد. طبق گزارش هیات بین الدول تغییر اقلیم (IPCC)، دمای سطحی زمین به دلیل انتشار گازهای گلخانه ای ۰/۳ تا ۰/۶ درجه سلسیوس در طول قرن گذشته افزایش یافته و پیش بینی می شود تا سال ۲۱۰۰ مقدار آن ۱ تا ۳/۵ درجه سلسیوس افزایش یابد. تغییر آب و هوا باعث بی ثباتی در جهان خواهد شد. این آشوب ها باری بر دوش نهادهای مدنی و نظامی در جهان خواهند بود. این موضوعات کشمکش هایی را به بار می آورد و امنیت ملی کشورها را با خطر مواجه خواهد کرد (شیرواند، هاشمی، ۱۳۹۵، ۶۹۳). از دهه های پایانی سده بیست برای نخستین بار تهدیداتی که جامعه انسانی را دچار چالش کرده بود در وجه تازهای ظاهر شد؛ به گونه ای که گستره آن از مرز دولت ها گذشت و بنیاد جوامع انسانی را در معرض تهدید قرار داد. تغییرات اقلیمی از جمله این تهدیدات جدید به شمار می رود (کریمی پور و همکاران، ۱۳۹۶، ۷۴). اهمیت تهدیدات اقلیمی به وجه ساختاری آن برمی گردد؛ چرا که متفاوت از تهدیدات نظامی، اقتصادی با سلامت روان و فیزیک انسان ارتباط دارند و پیامدهای بسیار عمیق تری برجای خواهند گذاشت. از سوی دیگر و در حالی که آگاهی از مسائل اقلیمی - زیست محیطی همگام با تشدید نگرانی ها نسبت به آن ها افزایش می یابد، درک موضوعات مزبور از هر زمان دیگری سخت تر می شود (کریمی پور و همکاران، ۱۳۹۶، ۷۴). اگر مسئله تغییرات جوی به عنوان تهدیدی علیه امنیت بشری شناخته شود می تواند جامعه بین الملل را در مقابله با آن، یکپارچه ساخته و موجب شود که این کل یکپارچه، از طریق ایجاد و پیگیری سازو کارهای همکاری در جهت برخورد با اثرات مخرب این تغییرات اقدام نماید؛ اما در غیر این صورت، تغییرات جوی به تعارضات و درگیری ها در عرصه روابط بین الملل، عمق بیشتری بخشیده و منجر به شروع مخاصمات بین المللی و در بین دولت ها بر سر توزیع منابع، به ویژه آب و زمین، و نیز مدیریت مهاجرت ها یا بحث جبران خسارت بین دولت هایی که مسئول اصلی تغییرات جوی به شمار می روند و کشورهایایی که متاثر از اثرات مخرب آن هستند، خواهد شد (موسوی، میرمحمدی، ۱۳۹۲، ۱۶۹). از این رو در این مقاله به بررسی تغییر اقلیم و اثرات آن بر امنیت مناطق مرزی با توجه به پیامدها و تاثیرات آن پرداخته می شود.

۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز پژوهش به شیوه اسنادی و با مراجعه به منابع کتابخانه ای و معتبر گردآوری شده است. هدف این پژوهش بررسی تغییر اقلیم و اثرات آن بر امنیت مرز و مناطق مرزی می باشد. سوال اصلی پژوهش این است که تغییر اقلیم چه تأثیراتی را بر امنیت مرز و مناطق مرزی دارد؟ مفروض پژوهش این است که تغییر اقلیم و پیامدها و اثرات آن مناطق مرزی را دچار تهدید می سازد از این رو موجب بروز چالش های امنیتی برای این مناطق و بالاخص کشورها می گردد.

۳- پیشینه تحقیق

تا کنون مطالعات متعددی در زمینه تغییر اقلیم و امنیت مرز صورت گرفته است. مهمترین این مطالعات به اختصار در جدول زیر ذکر شده است:

جدول ۱: پیشینه پژوهش در مورد تغییر اقلیم و امنیت مرز

ردیف	محقق / سال	عنوان	روش تحقیق	یافته های تحقیق
۱	نیکول بیتس / ۲۰۱۹	کنترل مرزها و مهاجرتها و دقت در مهاجرت در متن تغییرات اقلیمی	توصیفی - تحلیلی	تغییرات آب و هوایی سیستم های طبیعی و انسانی، از جمله الگوهای مهاجرت را تحت تأثیر قرار می دهد. اما جدا کردن تغییرات آب و هوا به عنوان محرک مهاجرت بیش از حد یک پدیده پیچیده و چندوجهی را نشان می دهد. در این مقاله، ادبیات مربوط به مهاجرت و آوارگی جهانی، مهاجرت، آسیب پذیری محیط زیست و مرزها و حاکمیت مهاجرت را گرد هم آورده است تا شیوه هایی را که مهاجران ناشی از آب و هوا تجربه می کنند، بررسی کنند. به طور کلی، این مقاله حاکی از آن است که با توجه به تغییر رژیم های حاکم بر اساس حمایت و تسهیل به رژیم های مبتنی بر امنیت، بازدارندگی و اجرای قانون، مرزها در تولید و تقویت آسیب پذیری مهاجران سازگار هستند.
۲	شیرواند، هاشمی / ۱۳۹۵	بررسی اثرات تغییر اقلیم بر امنیت ملی پایدار	توصیفی - تحلیلی	تغییر آب و هوا به تغییر چشمگیر و طولانی مدت در پراکنش الگوهای جوی در بازه های زمانی دهه ها تا میلیونها سال گفته می شود. در این مجموعه ضمن تعریف و برشماری اثرات تغییر اقلیم بر بخش های بهداشت، نواحی ساحلی، مختلف از جمله منابع آبی، کشاورزی، جنگل و کاربری زمین، انرژی و فرایندهای صنعتی، امنیت غذایی و امنیت ملی پایدار، به بررسی وضعیت تغییرات آب و هوایی حال حاضر در ایران پرداخته شده است. در پایان پس از جمع بندی مطالب، بر لزوم اجرای روشهای موثر برای سازگاری با تغییر اقلیم تأکید شده است.
۳	موسوی، میرمحمدی / ۱۳۹۲	تغییرات جوی: تهدیدی علیه صلح و امنیت المللی	توصیفی - تحلیلی	بی شک، افزایش دمای کره زمین، پایه های اصلی حیات بشری را در حال به ویژه در کشورهای در حال توسعه در معرض خطر قرار خواهد داد. بنابراین، فرضیه مقاله حاضر، این است که مسئله تغییرات جوی با توجه به پیامدهایی که در سطح داخلی و بین المللی به دنبال دارد، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی تلقی شود و علت تشتت آرا در شورای امنیت در خصوص طرح این مسئله، ناشی از انتقاداتی است که بر پیکره قدرت و سیاست در عرصه بین المللی وارد شود.
۴	ظهوری زنگنه / ۱۳۹۲	نقش شورای امنیت در برخورد با چالش های نوین امنیتی ناشی از	توصیفی - تحلیلی	در سال های اخیر پدیده تغییرات آب و هوایی و تأثیرات آن عامل تولید یا تشدید بحران ها بوده است. تغییرات آب و هوایی می تواند به اندازه جنگ ها و حتی بیش از آن امنیت جهان را به خطر بیندازد، در واقع، پی بردن به اهمیت و جدی بودن این تهدیدها سبب طرح این موضوع و پیامدهای آن گردید. مسلماً برای حفظ صلح و امنیت بین المللی در شورای امنیت اقدامات نظامی تجویز شده توسط شورا بر اساس فصل هفتم منشور، برای برخورد با چالش های امنیتی ناشی از تغییرات آب و هوایی به دلیل ماهیت آنها نمی

		تغییرات آب و هوایی		تواند مناسب باشد. با این وجود، شورای امنیت می تواند نهادی را با همکاری هیأت بین الدولی تغییرات آب و هوایی ایجاد کند و دولتهای متخلف را شناسایی و تحریم هایی را نسبت به آنها اعمال کند. اما شورا می تواند در کنار یک سازکار هشدار زودهنگام، نیروی آماده به اقدامی به را به عنوان اقدامی پیشگیرانه ایجاد نماید.
۵	گرگوری وایت / ۲۰۱۱	تغییرات آب و هوا و مهاجرت: امنیت و مرزها در جهانی گرم.	توصیفی - تحلیلی	مهاجرت ناشی از آب و هوا به طور فزاینده ای به عنوان نگرانی امنیتی توسط سیاست گذاران و تحلیلگران تنظیم شده است. اگرچه بدون شک مردم به عنوان نوعی سازگاری با گرم شدن کره زمین ، از داخل و خارج از مرزها مهاجرت می کنند ، اما برخورد با مهاجرت به عنوان یک تهدید امنیتی برای کشورهای آتلانتیک شمالی پاسخی نامناسب است. تضمین امنیت مهاجرت ناشی از آب و هوا از نظر سیاسی موفقیت آمیز است. این ممکن است به راحتی در حوزه های انتخابیه که از مهاجرت و تغییرات آب و هوا نگران هستند، بازی کند. اما به موضوعات اساسی تر نمی پردازد. همچنین ، این آمادگی را برای حمایت از کشورهای ترانزیت اقتدارگرا به عنوان یک مظهر آشکار در برابر مهاجرت ناخواسته نشان می دهد.
۶	ساجدی / ۱۳۸۹	تغییرات اقلیمی و امنیت بشری	توصیفی - تحلیلی	تحقیق حاضر به بررسی امکان و چگونگی تاثیر گذاری پیامدهای تغییرات اقلیمی بر موضوع امنیت بشری پرداخته است. امروزه مسائل مربوط محیط زیست بشری اهمیت زیادی یافته و مسائل زیست محیطی از جمله نگرانی های جامعه بشری محسوب می شود. لذا، ضمن تبیین مفهوم تغییرات اقلیمی و عوامل ایجاد کننده آن در ارتباط با نتایج و پیامدهای ناشی از تغییرات اقلیم، آثار احتمالی ناشی از این قبیل پیامدها بررسی شده است.
۷	رومی / ۱۳۸۷	امنیت نظام بین الملل در پرتو تغییرات آب و هوای	توصیفی - تحلیلی	در این مقاله بررسی پیامدهای تغییرات آب و هوایی را فقط از دید پروتکل کیوتو در زمینه کاهش گازهای گلخانه ای و کنوانسیون ساختاری مورد توجه قرار داده و بحثی از توجه جامعه بین المللی و شورای امنیت به آثار امنیتی این پدیده به میان نیامده است.

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

۴- مبانی نظری

۴-۱) اقلیم

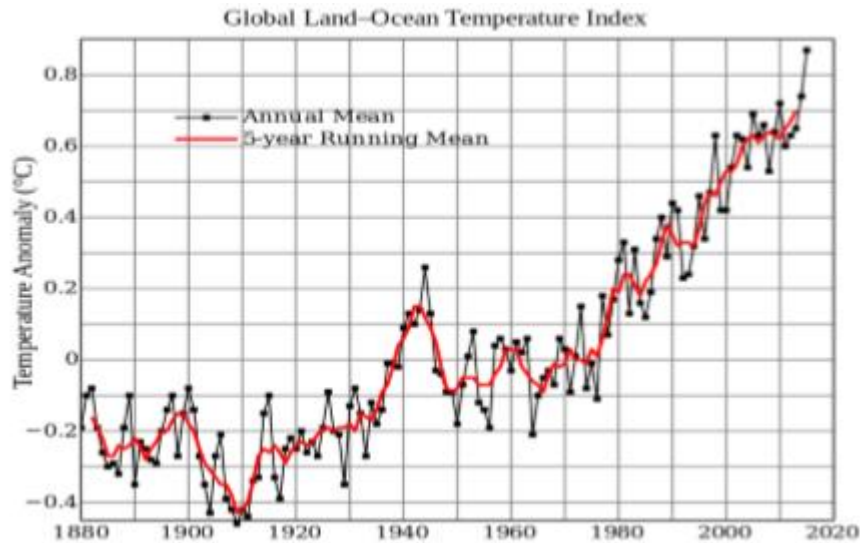
شرایط جوی موقت و معینی که برای مدتی کوتاه در یک مکان معین غالب می گردد هوا نامیده می شود. میانگین درازمدت این شرایط متغیر جوی را نیز اقلیم می گویند. به عبارت دیگر، اقلیم یک منطقه مجموعه ای از میانگین های شرایط جوی درازمدت برای آن منطقه است. این اصطلاح نه تنها به طور ساده برای شرایط میانگین به کار می رود، بلکه برای تمام پارامترها نظیر بیشینه ها، کمینه ها و غیره نیز به کار گرفته می شود. بارندگی، درجه حرارت، رطوبت، تابش خورشید، سرعت و شدت باد و پدیده هایی نظیر مه، یخبندان و توفان ها همراه با رعدوبرق از عناصر سازنده موقت هوا هستند. بدین ترتیب، اقلیم در یک منطقه وسیع و برای زمانی طولانی میانگین کلی عناصر یاد شده است که فراوانی عناصر جوی را نیز با انواع هوا و فراوانی آن ها در فصول مختلف مشخص می کند. در واقع، نتایج توالی انواع هوای حاصله از ترکیب عناصر جوی در یک منطقه است که اقلیم آن را مشخص می کند(گودرزی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۳). تعریف کلاسیک اقلیم بر اساس تعریف هواشناس معروف (دارس) عبارت است از ترکیبی از وضع جوی در فاصله زمانی معین (معمولاً چندین دهه). اقلیم یک ناحیه توسط مجموع آماری شرایط وضع جوی آن مشخص می شود. از نظر لمب، اقلیم جمع کل پدیده های جوی تجربه شده در یک مکان در سال

های مختلف است و همانند هواشناسی شاخه ای از فیزیک زمین (ژئوفیزیک) به شمار می رود. لمب معتقد است وضعیت کلی هوای یک مکان، در یک دوره زمانی خاص، اقلیم منطقه را مشخص می کند که دوره آماری مورد استفاده معمولاً ۳۰ ساله است (گودرزی و همکاران به نقل از هاشک، ۱۳۹۵، ۲۲ - ۲۱). از دیدگاه تروراتا و هورن (۱۹۸۰) اقلیم ترکیبی از شرایط جوی روزمره در یک ناحیه مشخص، در طی سال های طولانی است. به هر حال، این تعریف ها توصیف کاملی از اقلیم های محلی و منطقه ای نمی دهد و برای درک آن ها ناگزیر باید مواردی همچون تقابل خشکی دریا، اثر تعدیل کننده اقیانوس ها، رشته کوه ها و پهنه های یخی بر دما، بارش و ابرناکی و سایر تأثیرات مشابه را نیز در نظر گرفت. بنابراین، در سال ۱۹۷۵ از سوی برنامه تحقیق جهانی جو (گارپ) که وابسته به سازمان جهانی هواشناسی است ارائه شد که در آن سامانه اقلیم شامل جو، آب سپهر، یخ سپهر، سنگ سپهر و زیست سپهر در نظر گرفته شده است. بر این اساس، اقلیم حالت متوسط زمانی سامانه فیزیکی است متأثر از جو، آب سپهر، یخ سپهر، سنگ سپهر و زیست سپهر و برهم کنش و پس خور بین آن ها در مقیاس های زمانی و مکانی متفاوت در درون جو است. علاوه بر موارد بالا در تعریف اقلیم باید اثر انسان بر روی محیط را که سبب تغییرات در مؤلفه های فوق می شود نیز در نظر گرفت (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۲).

۴-۲) تغییر اقلیم

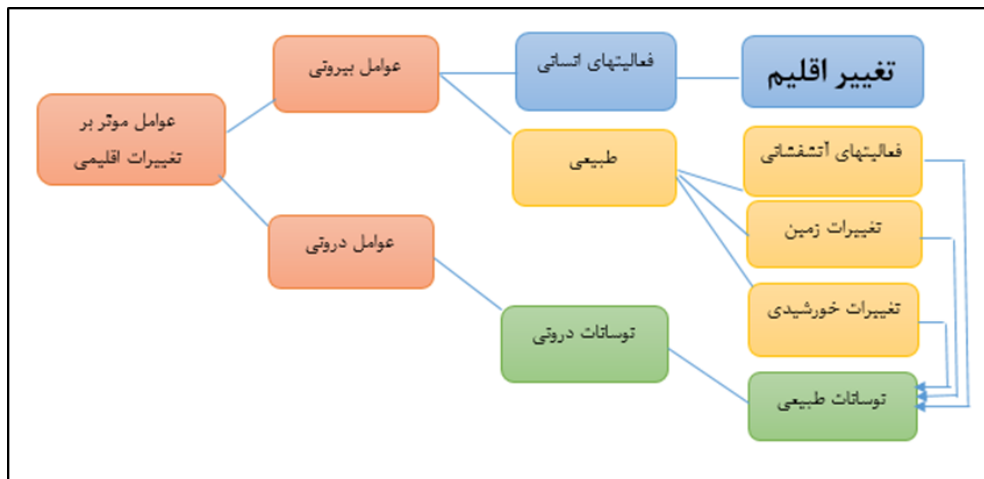
تغییر در پارامترهای اقلیمی مانند دما، رطوبت، بارش، باد و رویدادهای شدید آب و هوایی در طول دوره های بلندمدت را تغییر اقلیم می گویند. تغییرات آب و هوایی به آشفتگی احتمالی به موازنه انرژی کره زمین گفته می شود. انرژی از خورشید به امواج کوتاه به زمین می رسد و به صورت امواج بلند مادون قرمز (گرمایی) دوباره به فضا فرستاده می شود. افزایش شدت تابشی خورشید بر افزایش گرمای زمین اثر مثبتی دارد، زیرا بخشی از آن جذب زمین و مابقی به فضا برگردانده می شود. میزان متناسب و متعادل گازهای گلخانه ای با جذب اشعه مادون قرمز مانع از گریختن اشعه های گرمایی به فضا شده و باعث باقی ماندن بخشی از انرژی خورشیدی در داخل جو می شوند. این تبادل انرژی باعث پایا ماندن دمای زمین در حد مناسبی می شود. به عبارت دیگر گازهای گلخانه ای موجود در جو به صورت عایقی عمل می کنند که شرایط محیطی مساعد را برای ادامه حیات در این سیاره فراهم می آورند. به گونه ای که اگر اثر گلخانه ای در جو وجود نداشت، دمای کره زمین به طور متوسط ۱۵.۵ درجه سانتیگراد کمتر از زمان حاضر بود. چنین کاهش دمایی باعث آن می شود که زمین غیر قابل سکونت باشد (عصر یخبندان). از سوی دیگر چنانچه موجودی گازهای گلخانه ای در داخل جو بیشتر از حد متعارف شود، موازنه انرژی به هم خورده و باعث باقی ماندن انرژی بیشتری در داخل جو می شود. این مسئله گرمایش تدریجی کره زمین را به دنبال دارد. فعالیت در اثر انسانی های صنعتی و توسعه گروهی از گازها که به گازهای گلخانه ای مشهور شده اند به میزان روز افزونی در فضا منتشر می شوند که غالباً حاصل از سوزاندن سوخت های فسیلی و تغییر کاربری زمین مثل تبدیل جنگل به زمینهای کشاورزی می باشند (رجب زاده، ۱۳۸۷، ۳). تغییرات اقلیمی در پی مطالعه تغییر وضعیت آب و هوا تعریف می شود؛ وضعیت آب و هوا با تغییر در میانگین یا تغییر خواص آن (به عنوان مثال، با استفاده از آزمونهای آماری) قابل شناسایی است و برای مدت زمان طولانی، به طور معمول چندین دهه یا بیشتر، ادامه دارد. بر اساس مطالعات، تغییرات اقلیمی می تواند در نتیجه تغییرات دما و بارندگی ایجاد شود؛ این تغییرات به نتایج خوب یا چالش های محیطی و بهداشتی و نیز افزایش تعداد و شدت مخاطرات طبیعی آب و هوا از قبیل سیل و رانش زمین منجر می شود. تغییرات اقلیمی در پی انتشار گازهای گلخانه ای صورت می گیرد. سوزاندن سوخت های فسیلی (زغال، بنزین، گاز طبیعی) و پاکسازی ذخایر کربن در محیط، به عنوان مثال از طریق جنگل زدایی (پاکسازی جنگل و دیگر، فهیمه، ۱۳۹۴، ۲۲).

نمودار ۱: روند تغییرات دمایی زمین



(منبع: وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۵)

نمودار ۲: عوامل موثر بر تغییرات اقلیمی



(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹ برگرفته از پورطبری، ۱۳۹۵)

۳-۴ امنیت

اصطلاح امنیت یا security از واژه secure گرفته شده است. تعاریف لغوی این واژه عبارت است از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی)، رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند می باشد (زرکانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۲۲). حق حیات و زندگی کردن از مهم‌ترین، اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق طبیعی و مقدم بشر است که از برکت آن، افراد انسانی می‌توانند از سایر حقوق و آزادی‌های اساسی خویش بهره‌مند شوند. انسان‌ها در روابط گوناگون فردی، اجتماعی، خصوصی و عمومی خود ممکن است به صورت جزئی یا کلی در معرض خطر از لحاظ حیات مادی و معنوی قرار گیرند. در چنین حالتی است که وجود امنیت به عنوان یک تأسیس حقوقی، اخلاقی و

اجتماعی برای همگان ضرورت اجتناب ناپذیری خواهد داشت. امنیت عبارت از اطمینان خاطر است که براساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند (شعبان، محمد ظهیر، ۱۳۹۶، ۱). به عبارت دیگر امنیت یک پدیده دو وجهی می باشد که از یک سو به معنی ایمنی در مقابل حمله، استواری و نفوذ ناپذیری، قابلیت اعتماد و اطمینان از عدم شکست و یا تسلیم و از سوی دیگر به معنای عدم اضطراب از تشویش و خطر اشاره دارد. نقطه ای که به این ارتباط باید یاد آور گردد این است که امنیت به مفهوم جامع و مطلق خود از دایره دستیابی کامل خارج می باشد. امنیت دارای دو بعد داخلی و خارجی است که با یکدیگر مرتبط هستند. در بعد داخلی تهدید های آشکار و پنهان در درون مرزها نامنی بوجود می آورد از قبیل تهدیدات سیاسی (شورش، جدایی طلبی، انقلاب ...)، بحران های اقتصادی، نظامی (جنگ داخلی و...) و آشوب های اجتماعی که هر کدام مردم را تحت فشار قرار می دهند. در بعد خارجی نیز امنیت می تواند از ناحیه مسائل سیاسی، نظامی و اقتصادی (تحریم های اقتصادی، تعرفه ها...) تهدید شود (آگاه، آصف، ۱۳۸۸، ۲).

جدول ۲: مهم ترین مکاتب امنیتی

ردیف	نام مکتب	خلاصه گزاره‌ها
۱	مکتب آمریکایی امنیت ملی	به وسیله جامعه شناسان و دانشمندان علوم سیاسی آمریکایی در پاسخ به نیازمندیهای آمریکا پس از پایان استراتژی اتزوا گرایانه در آن کشور شکل گرفت. نظریه پردازان آمریکایی، مدل‌های امنیت ملی را در راستای منافع جهان قرب و بیشتر آمریکایی گرفته و عدمه استراتژی‌های ناتو در مقابل بلوک شرق در این مکتب تدوین شده است.
۲	مکتب انگلیسی امنیت ملی	بنابر سنت جامعه‌شناسان انگلیسی بیشتر بر ابعاد تاریخی امنیت توجه می‌کند. بافت تاریخی، انسجام ملی، پیوند گروه‌های قومی و اجتماعی با مقیاس ملی هویت و روش‌های نرم افزارانه و فرهنگی در امنیت ملی اهمیت دارند.
۳	مکتب کپنهاگ	به دنبال قواعد و قوانین بین‌المللی است و به عنوان سنت تحلیلی در توسعه روابط بین‌الملل در ابعاد قاره‌ای اروپای غربی نقش قدرتمندی داشته است. این مکتب که به واسطه مکان بنیانگذاران آن به مکتب کپنهاگ شهرت یافته است بیشتر از منظر حقوق بین‌الملل و وابستگی متقابل، تهدیدهای امنیت ملی را در سه مقیاس جهانی، منطقه‌ای و ملی بررسی می‌کند و ماهیتی ترکیبی برای تهدیدات قائل است.

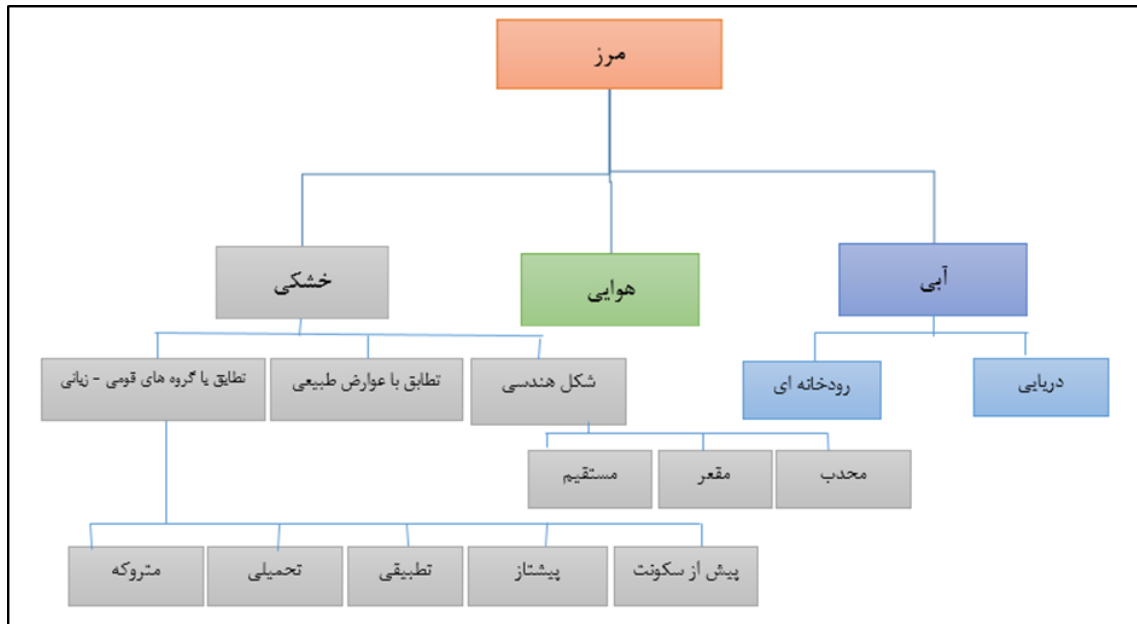
(منبع: کریمی پور و دیگران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳۹۶)

۴-۴) تعریف مرز و انواع آن

انسان برای مشخص ساختن پیرامون جولانگاه خود آنگونه که با گسترده جولانگاه همسایه تداخل نیابد، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پیرامون محیط زیست یا قلمرو خود است. گونه گسترش یافته این مفهوم، خط پیرامونی است که بخش پایانی جولانگاه یک ملت را مشخص می سازد و جنبه سیاسی پیدا کرده و «مرز» خوانده می شود (زرقانی و همکاران به نقل از مجتهدزاده، ۱۳۹۶، ۹۳). مرزهای خطوط مرزی خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می شوند (زرقانی و همکاران به نقل از میرحیدر، ۱۳۹۶، ۹۳). در واقع مرزهای بین‌المللی مهم ترین عامل تشخیص وجدایی یک واحد سیاسی از واحدهای دیگر است و کارکرد مهم مرزها جدا سازی قلمرو فرمانروایی دو نظام سیاسی است (زرقانی و همکاران به نقل از حافظ نیا، ۱۳۹۶، ۹۳). در کلی ترین تقسیم بندی مرز، مرزها به سه دسته هوایی، خشکی و آبی تقسیم می شوند که هر کدام دارای زیرشاخه ها و تقسیم بندی های فراوان با ویژگی ها و قوانین کاملا متفاوت هستند. درباره ی نقش و کارکرد مرزها نظرات متفاوتی وجود دارد؛ میرحیدر بر موارد زیر به عنوان کارکرد اصلی مرزها تاکید می کند: عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر، ایجاد و تقویت وحدت سیاسی، شکل

دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی میان دولت(زرقانی به نقل از میرحیدر، ۱۳۹۲، ۶۰). پرسکات معتقد به کارکردهای نظامی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی برای مرزها است(زرقانی به نقل از پرسکات، ۱۳۹۲، ۶۰). در یک نگرش کلی کارکرد و نقش های مختلف مرزهای بین المللی را می توان در قالب دو گروه طبقه بندی کرد: ۱- کارکرد ارتباطی، ۲- کارکرد دفاعی- امنیتی مرز(زرقانی، ۱۳۹۲، ۶۰).

نمودار ۳: انواع مرز



(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

۴-۵) امنیت مرز

امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه های مجاز مرزی است. بدیهی است امنیت مرزها پشتوانه ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوع آن در داخل کشور است. هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد نماید و در مقابل امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته ای را به خود اختصاص دهد(زرقانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۸). از این رو سعی کشورها براین است که تا حد امکان مرزهای آن ها جز در برخی گذرگاه های توافق شده و مجاز غیرقابل نفوذ باشد تا به این وسیله حاکمیت آن ها بر سرزمین خود دچار خدشه نشده و امنیت کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آسیب نبیند. به طور کلی عوامل متعددی بر امنیت مرزها تاثیر می گذارند که از آن جمله می توان به ساختار نظام حکومتی و تضادهای ایدئولوژیک، وضعیت ژئوپلیتیکی و حضور قدرت های فرامنطقه ای، نوع نگرش و رفتار حکومت ها نسبت به مرز، ذخایر و منابع موجود در منطقه مرزی و ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حکومت ها و ملت ها در دو سوی مرز، نحوه پراکندگی اقلیت ها و.... اشاره کرد. یکی از مهم ترین عوامل موثر بر کارکرد امنیتی مرزها، طرح ها و سیاست هایی است که کشورها در مورد کنترل مطلوب و موثر مرزهای خود به کار می برند(زرقانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۹). بر همین اساس می توان شاخص های ناامنی در مرز را نیز مشخص کرد؛ بدین ترتیب مواردی چون: تردهای غیرمجاز، حمل و نقل قاچاقی کالا، ترانزیت مواد مخدر، اسلحه و سایر کالاهای غیرمجاز، عدم همکاری مرزداران دو کشور با یکدیگر و همچنین دولت های دو کشور با همدیگر، درگیری های مرزی و بالاگرفتن اختلافات مرزی، عدم وجود ارتباطات و مبادلات قانونی میان مردم دو

سوی مرز، اجرا نشدن قوانین و آیین نامه های مرزی مهم ترین شاخص های ناامنی مرزی هستند(زرقانی به نقل از رحمتی، ۱۳۹۲، ۵۷).

نمودار ۴: شاخص های امنیت مرزی



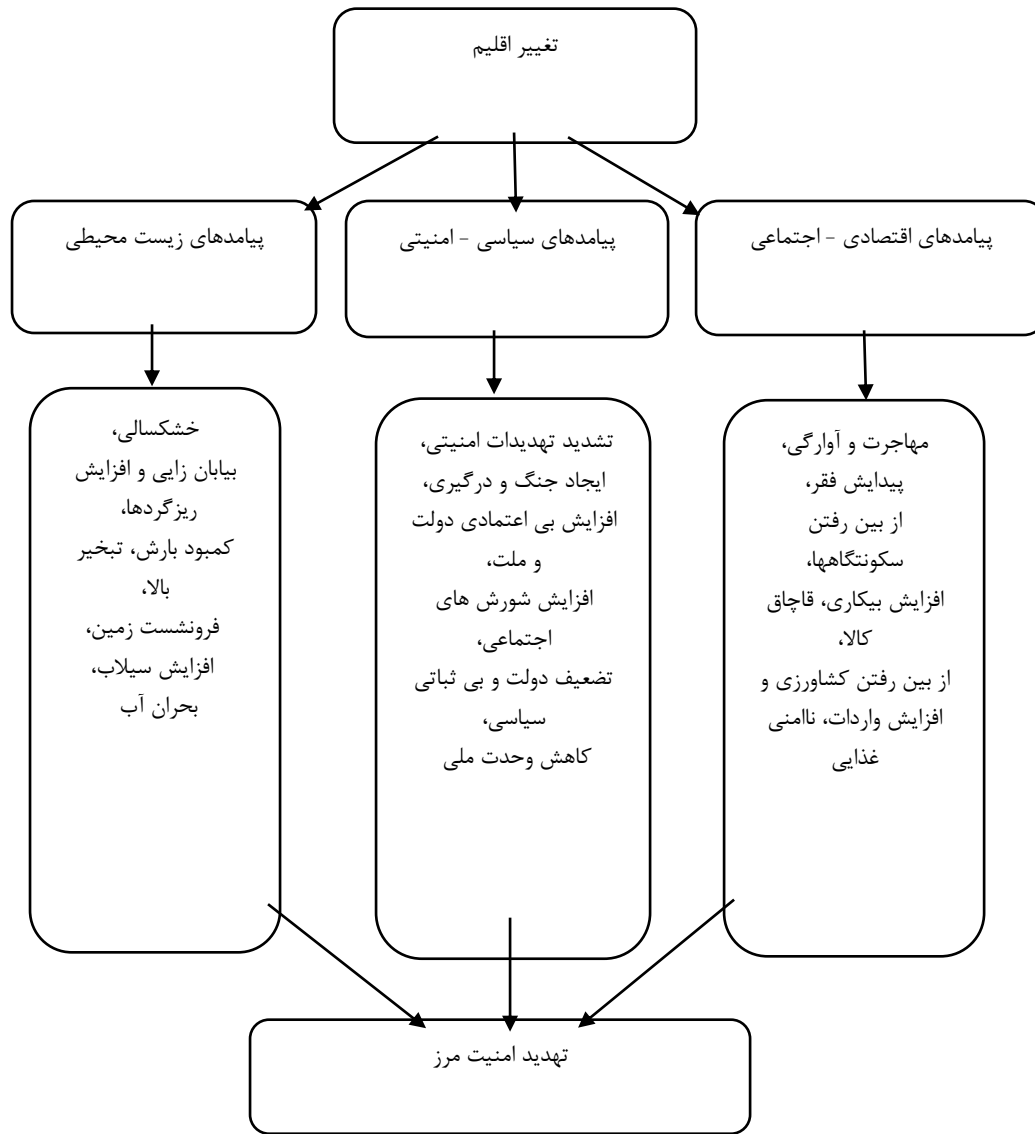
(منبع: زرقانی، ۱۳۹۱)

۵) یافته های تحقیق

۵-۱) تغییر اقلیم و پیامدهای آن در امنیت مناطق مرزی

تغییر در پارامترهای اقلیمی مانند دما، رطوبت، بارش، باد و رویدادهای شدید آب و هوایی در طول دوره های بلندمدت را تغییر اقلیم می گویند(رجب زاده، ۱۳۸۷، ۳). و کوشش برای تامین امنیت همواره در پس کنش و منش انسان ها وجود داشته است. طی دهه های اخیر مسئله تغییر اقلیم و امنیت با توجه به پیامدهای آن بر اقتصاد، اجتماع، محیط زیست و مسائل سیاسی و امنیتی بیشترین توجه را به خود معطوف داشته است. که در اینجا با توجه به پیامدهای اقتصادی - اجتماعی، سیاسی - امنیتی و زیست محیطی تغییر اقلیم و اثرات آن بر امنیت مناطق مرزی پرداخته شده است.

نمودار ۵: مدل مفهومی تحقیق، تغییر اقلیم و امنیت مرز



(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

۵-۱-۱) پیامدهای اقتصادی - اجتماعی

تغییرات جوی، منجر به افزایش تعداد دولت های ضعیف و فقیر خواهد شد، به ویژه آنکه دولت های ضعیف از ظرفیت های کافی برای تضمین و تامین زیرساخت های اصلی یک دولت بهره مند نیستند. جامعه بین المللی نیز تاکنون در ارائه منابع مالی در جهت حمایت از ثبات پایدار این کشورها کوتاهی نشان داده است. تغییرات جوی، شرایط تولید منطقه ای و تامین زیرساخت ها را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. کمبود آب منطقه ای، مانع از توسعه کشاورزی و دیگر بخش های وابسته به آب خواهد شد. خشکسالی و کاهش خشکی ها در اثر بالا آمدن سطح آب ها، منجر به کاهش شدید زمین های کشاورزی می شود. حوادث شدید دیگری نظیر طوفان ها و سیل ها، مراکز صنعتی، حمل و نقل، تامین و تولید زیرساخت ها را در مناطق ساحلی

در معرض خطر قرار دهد و شرکت ها را وادار می سازد که یا جابه جا شوند یا مراکز تولیدی را ببندند. این اثرات بر روی اقتصاد، بسته به نوع و شدت تغییرات جوی، متفاوت است. تغییرات جوی در حوزه اقتصاد، بر روی رشد تأثیر گذاشته و احتمالا منجر به کاهش آن خواهد شد. بی شک چنین روندی از دامنه رشد اقتصادی در سطح داخلی و بین المللی خواهد کاست (موسوی، میرمحمدی، ۱۳۹۲، ۱۷۳). در طول سه دهه آینده، تغییرات جوی و تشدید کمبود آب، زیربناها و زیرساخت های کشاورزی را دچار اختلال می نماید و در نتیجه وقوع تنش ها در و بین دولت هایی که تجربه کمبود منابع آب را داشته اند، افزایش می یابد. کشورهایی که از منابع آبی زیادی برخوردارند ممکن است از این امتیاز برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک استفاده کنند. منابع آب، با حاکمیت و حیات اقتصادی بسیاری از کشورها ارتباط نزدیک یافته است. براساس حقوق بین الملل، کشورها بر رودخانه هایی که از درون خاک آن ها عبور می کنند حق حاکمیت دارند. مشکل هنگامی بروز می کند که رودخانه ای از چند کشور عبور کند. در این صورت هر کشور بر بخشی از رودخانه که در خاک آن کشور است حاکمیت دارد و در اجرای طرح های عمرانی به شرط آنکه موجب کاهش یا قطع جریان آب به کشورهای دیگر نشود، آزاد است. در غیراین صورت، ممکن است اختلاف نظرها به جنگ بینجامد (موسوی، میرمحمدی، ۱۳۹۲، ۱۷۲). ممکن است تغییرات جوی، امنیت بشری را در معرض تهدید قرار داده و بدین ترتیب منجر به نقض حقوق بشر شود. کاهش و افزایش شدید دما، افزایش تأثیرات اجتماعی جوی و عدم کفایت مهاجرت های ناشی از تغییرات جوی و انتشار بی رویه دی اکسید کربن، موجب می شود که کشورهای صنعتی شده و در آینده اقتصادهای شناوری نظیر چین به عنوان ناقضان جدید حقوق بشر به شمار روند. تغییرات جوی به ویژه در مناطق فقیر جهان، پیامدهای منفی برای بهداشت جهانی به دنبال خواهد داشت. این مناطق نه تنها برای بیماری های ناشی از این تغییرات مستعد است، بلکه کمبود غذا و منابع آب نیز احتمال بروز بیماری را افزایش می دهد. بنابراین تغییرات جوی به صورت مستقیم و غیرمستقیم روی بهداشت و سلامت جوامع تأثیر خواهد گذاشت. نتایج حاصل از این رویدادها دولت را مجبور می کند هزینه بیشتری را صرف سلامت کند که در نتیجه، سایر اولویت ها حذف می شود (موسوی، میرمحمدی، ۱۳۹۲، ۱۷۱). در مناطق مرزی نیز به همین صورت یکی از پیامدهای اقتصادی تغییرات اقلیمی، آسیب های ایجاد شده در بخش کشاورزی است، تغییرات اقلیمی نیز موجب کاهش منابع آب و کاهش باران می گردد که این پدیده می تواند به تولید انواع محصولات کشاورزی که تامین کننده منابع غذایی کشور و به ویژه خود مناطق مرزی را تشکیل می دهد، آسیب وارد کند چرا که خشکسالی های بوجود آمده باعث پایین رفتن سطح ایستایی آب های زیرزمینی می شود و همین خشکسالی ها نیز باعث انحراف مسیر رودهایی که از کشورهای بالادست می آیند شوند و یا به دلیل بحران های آبی بوجود آمده به ایجاد سد های مختلفی بر روی منابع آبی مشترک کنند که کشور پایین دست با مشکل کمبود آب و خشکسالی شود که در پی آن مسائل بسیاری در مناطق مرزی بوجود می آید، از جمله تهدید امنیت غذایی مرزنشینان، افزایش حجم بیکاری در این مناطق، کاهش آب، افزایش بیابان زایی، افزایش شوری و از میان رفتن حاصلخیزی خاک می شود که چنین روندی باعث ایجاد فقر و مهاجرت مرزنشینان به مناطق داخلی کشورها شود و علاوه بر خالی شدن سکونتگاه های مرزی و ایجاد ناامنی های بسیار در این مناطق باعث ایجاد مشکلات جدیدی برای مناطق داخلی کشورها می گردد و دولت ها را برای تامین مایحتاج این مهاجران و آوارگان با مشکل رو به رو می سازد. در پی چنین مسائلی امنیت ملی کشورها با خطر جدی مواجه می شود.

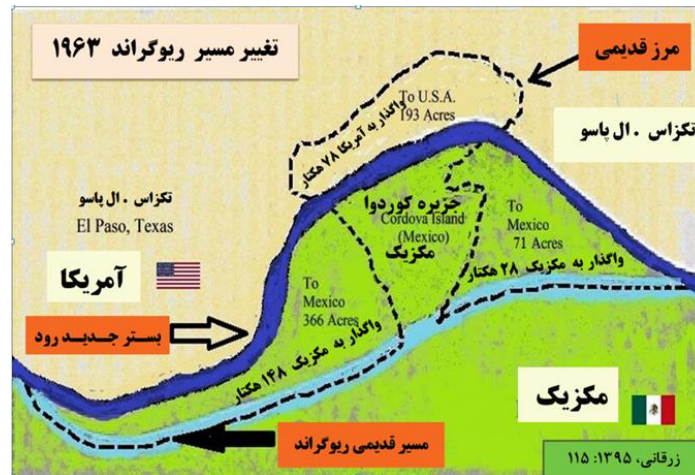
نمودار ۶: بررسی پیامدهای اقتصادی - اجتماعی تغییر اقلیم



(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

رودخانه ریوگرانند یکی از مهم ترین نمونه های تغییر مسیر رودخانه ها در جهان است. همچنانکه در تصویر زیر مشهود است، این رودخانه در طی بیش از یک قرن به طور متعدد دارای تغییر مسیرهای وسیعی قرار داشته است و به تبع آن بر ساکنین مجاور خود تاثیر گذاشته است. همچنان که در نقشه زیر دیده می شود، به دلیل تغییر بستر رود، به ناچار قلمروهایی به کشور مکزیک یا آمریکا داده شده است.

نقشه ۱: تغییر مسیر رود ریوگرانند بین آمریکا و مکزیک و انتقال سرزمین

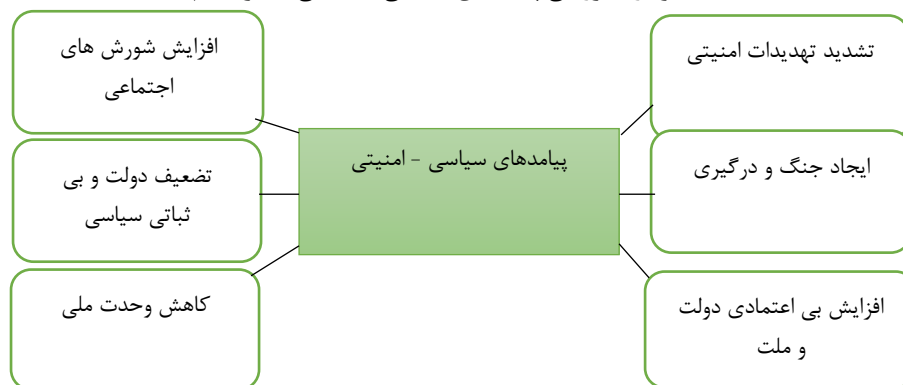


۵-۲-۱) پیامدهای سیاسی - امنیتی

تغییرات جوی اگرچه طی دهه های آینده، ظرفیت سازگاری بسیاری از جوامع را بالا می برد، پیامدهای آن، منجر به عدم ثبات و خشونت شده و امنیت ملی و بین المللی را به خطر خواهد انداخت. دمای سطح کره زمین در طول قرن بیستم بیش از ۰/۷ درجه سانتیگراد افزایش پیدا کرده، چنان که این دوره در طول ۱۳۰۰ سال اخیر، گرم ترین دوران برای این کره خاکی بوده است. اگر مسئله تغییرات جوی به عنوان تهدیدی علیه امنیت بشری شناخته شود می تواند جامعه بین الملل را در مقابله با آن، یکپارچه ساخته و موجب شود که این کل یکپارچه، از طریق ایجاد و پیگیری سازو کارهای همکاری در جهت برخورد با اثرات مخرب این تغییرات اقدام نماید؛ اما در غیراین صورت، تغییرات جوی به تعارضات و درگیری ها در عرصه روابط بین الملل، عمق بیشتری بخشیده و منجر به شروع مخاصمات بین المللی در و بین دولت ها بر سر توزیع منابع ویژه آب و زمین، و نیز مدیریت مهاجرت یا بحث جبران خسارت بین دولت هایی که مسئول اصلی تغییرات جوی به شمار می روند و کشورهای که متاثر از اثرات مخرب آن هستند، خواهد شد (موسوی، میرمحمدی، ۱۳۹۲، ۱۷۲). یکی از پیامدهای تغییرات جوی که نظر می رسد بستر مخاصمات بین المللی را فراهم آورد، مسئله مهاجرت های فرامرزی است. حل این مسئله همواره یک معضل اصلی و در واقع حل نشده در اختلافات بین المللی بوده است. تغییرات جوی و تاثیرات اجتماعی حاصل از آن در افزایش جمعیت متمرکز در یک منطقه و در نتیجه مهاجرت، بر افزایش تعداد مهاجرت ها تاثیر بسزایی خواهد داشت. از سویی با توجه به فقدان قواعد و مقررات خاصی در خصوص این نوع مهاجرت ها که توان آن را مهاجرت های زیست محیطی خواند، ظرفیت قابل ملاحظه ای برای مخاصمات بین المللی به وجود می آید. احتمالاً این مهاجرت های گسترده، در مدتی کوتاه، برای کشورهای میزبان این پناهندگان مشکل ساز می شود. امکان دارد که واکنش نسبت به بحران های پیش های ناگهانی و غیرقابل بینی، تعارضات مذهبی رو به تزاید و وقوع خشونت های احتمالی و بزهکاری از سوی گروه اقلیت و مهاجر، تنش های همیشگی ناشی از مهاجرت را وخیم تر سازد. افزایش تنش های سیاسی را نیز توان عامل دیگری در بروز درگیری و ناامنی

میان کشورها دانست (موسوی، میرمحمدی، ۱۳۹۲، ۱۷۵). نابودی اقتصاد، عدم ثبات سیاسی، افزایش پناهندگان، ناامنی بین المللی و از بین رفتن انسان ها نوعا پیامدهای جنگ اما اگر تغییرات جوی کنترل نشود، همین پیامدها را به دنبال خواهد داشت. افزایش دامنه تغییرات جوی در دهه های آتی، منجر به افزایش احتمال وقوع مخاصماتی می شود که نه تنها روی کشورها به صورت فردی و منطقه ای، بلکه روی کل نظام حاکمیت جهانی تاثیر خواهند گذاشت (موسوی، میرمحمدی، ۱۳۹۲، ۱۹۰). در نتیجه تغییرات اقلیمی بر مناطق مرزی، طرح انتقال آب بین کشورها و داخل کشور، همین طور بهره برداری از آب های مشترک مرزی، را به دنبال خود خواهد آورد، در نهایت حداقل برون داد زنجیره یاد شده تنش های سیاسی و ایجاد ناامنی به دلیل تنش های ایجاد شده خواهد بود که علاوه بر مناطق مرزی که منجر به اختلال در سازماندهی سیاسی فضا و افزایش نارضایتی های اجتماعی می شود، کل نظام کشور را دچار مشکل می سازد.

نمودار ۶: بررسی پیامدهای سیاسی - امنیتی تغییر اقلیم



(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

در باب تعیین حقایق از آب های فرامرزی، می توان به اختلاف ایران و افغانستان در مورد رودخانه هیرمند اشاره کرد. رودخانه هیرمند منبع اصلی تامین آب دشت سیستان می باشد. بالادست بودن کشور افغانستان نسبت به رودخانه هیرمند به نوعی موجب بهره برداری بیشتر و نادیده گرفتن حقایق دولت پایین دست یعنی ایران، شده است. حفر کانال های انحرافی، ایجاد سد و بندهای مختلف و عدم همکاری به موقع در انجمن های مشترک به قصد اجرایی نمودن نظام حقوقی ۱۹۷۳ این رودخانه از جمله اموری است که سیاستمداران افغانستان از گذشته تاکنون پیرامون تقسیم آب رودخانه هیرمند انجام داده اند. در واقع در زمان خشکسالی افغان ها آب را در قسمت بالای رودخانه می گرفتند و مانع از رسیدن آن به قسمت های پایین دست می شدند و در نهایت ضرر، فقط متوجه سیستان ایران بود. در صورتی که در هنگام خشکسالی هم اگر مشکلی از نظر آب حاصل می شود باید هر دو طرف به اندازه سهمی که دارند متحمل ضرر شوند نه این که در قسمت پایین دست رودخانه به کلی از آب محروم شود. امروزه جامعه جهانی به سمت این نظریه رفته که نه تنها آب های جاری بین دو کشور از اصل حاکمیت مطلق پیروی نمی کنند، بلکه اقدام کشورهای بالادستی اعم از برنامه ریزی و اجرای عمل به منظور توسعه و استفاده از امکانات آب های جاری بدون در نظر گرفتن حقوق کشورهای پایین دستی و محاسبه خسارت ناشی از آن عمل، امری محکوم در حقوق بین الملل است (موسی زاده و عباس زاده، ۱۳۹۵: ۱۸۱). مهم ترین تاثیرات منفی مهار آب های حوضه هیرمند توسط افغانستان عبارتند از: ۱) خشک شدن تالاب های بین المللی هامون؛ ۲) افزایش مدت زمان و سرعت بادهای ۱۲۰ روزه سیستان؛ ۳) تغییر اقلیم محلی منطقه به صورت افزایش دما و کاهش بارندگی ها؛ ۴) تشدید وقوع ریزگردها؛ ۵) بیابانزایی و حرکت ماسه های روان؛ ۶) تشدید فقر مردم سیستان؛ ۷) تشدید مهاجرت و حاشیه نشینی؛ ۸) خالی شدن مرز و تهدید امنیت و همبستگی ملی کشور؛ ۹) تشدید قاچاق و هدر رفت سرمایه گذاری های صورت گرفته بخصوص در طرح ۴۶۰۰۰ هکتاری (مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری کشور، ۱۳۹۷، ۶).

نقشه ۲: موقعیت ۳ سد اصلی بر روی رودخانه هیرمند و سرشاخه های آن



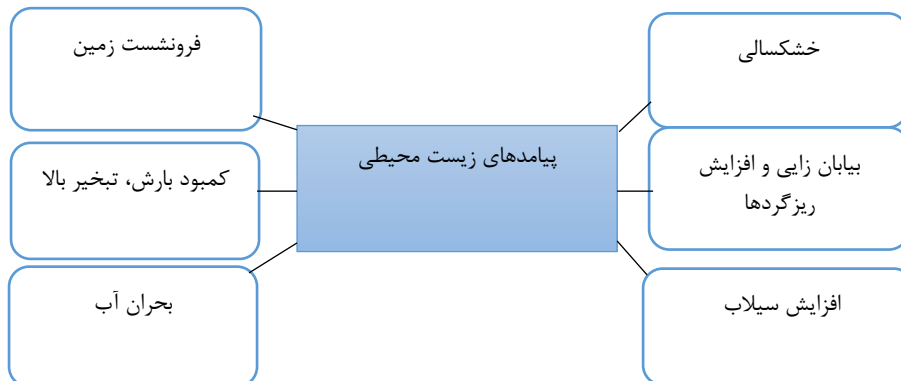
(منبع: سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۷)

۵-۳-۱) پیامدهای زیست محیطی

نگاهی اجمالی به تحولات و وقایع جوامع بشری نشان می دهد که مباحث زیست محیطی از مولفه هایی هستند که بسیاری از تهدید های مطرح علیه جوامع بشری از آن ها نشئت می گیرد و این تهدید ها هر چند در ظاهر دارای بعد غیر امنیتی است و فقط تهدیدهای طبیعی جلوه می کند، ولی در عمل، تهدیدهایی هستند که امنیت جامعه و در نهایت، امنیت ملی کشورهای محل وقوع را تحت تاثیر قرار می دهند (دالایی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۶۶). به دلیل انباشت گازهای گلخانه ای جهان در حال گرم شدن و اقلیم در حال تغییر است، تغییر اقلیم دارای پیامدهای محلی، ملی، منطقه ای و فرا منطقه ای است و یکی از مهم ترین چالش های جهان در بخش محیط زیست است که جامعه جهانی در قرن ۲۱ با آن مواجه خواهد بود. اثرات تغییر اقلیم بر محیط و جامعه پیچیده و فراگیر است و اصلی ترین و بارزترین پی آمد آن در سراسر جهان افزایش درجه حرارت و تغییر الگوهای بارش است که باعث گسترش بیابان زایی و نیز خشکسالی های پی در پی در جهان شده است، خشکسالی بخش جدایی ناپذیر تغییرات اقلیمی می باشد. تغییر اقلیم همه بخش های اقتصادی را تا اندازه ای تحت تاثیر قرار می دهد و پیامدهای ناشناخته و گسترده ای بر اکوسیستم های طبیعی دارد همچنین عامل بسیار مهمی در تشدید وقوع گرد و غبار، اضمحلال تنوع زیستی، طغیان آفات و بیماری ها در زیست بوم ها، تهدید عملکردهای زیستی تالاب، تغییر در پراکندگی جغرافیای طبیعی جانوران و افزایش شوری می باشد از این رو مسئله تغییر اقلیم و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همچنین اکولوژیکی ناشی از آن به عنوان یک مشکل جهانی نیاز به بررسی و شناخت بیشتر دارد (قریشی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱). علاوه بر این اثرات تغییر اقلیم می توان خشکسالی ها، بیابان زایی و افزایش ریزگرد ها، بارندگی های شدید و بروز سیلاب، بحران آب و بسیاری دیگر که از پیامدهای زیست محیطی تغییر اقلیم که بر روی مناطق مختلف اثرات فراوانی را می گذارد نام برد. در این بین مناطق مرزی نیز از این امر مستثنی نیست و تحت تاثیر چنین عوامل اقلیمی قرار می گیرند. که می توان به کاهش بارندگی ها و افزایش خشکسالی ها اشاره کرد که در پی روند خشکسالی های طولانی مدت این مناطق با بحران آب مواجه شده و از سوی دیگر با خالی شدن سکنة این مناطق بیابان زایی افزایش پیدا کرده و مشکلات بیشماری را برای مناطق

مرزی و نواحی مرکزی کشورها فراهم می کنند و امنیت کشورها با چالش رو به رو می شود. و اگر چنین مسائلی ادامه پیدا کند و اقدامی برای کنترل تغییر اقلیم صورت نگیرد در آینده بسیاری از کشورها با چالش های غیر قابل جبرانی رو به رو خواهند شد.

نمودار ۷: بررسی پیامدهای زیست محیطی تغییر اقلیم



(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

به عنوان نمونه بررسی و تحلیل تصاویر ماهواره ای منطقه خاورمیانه، نشان می دهد که صحرای ماسه ای جهان به نام "ربع الخالی" به دلیل فقدان پوشش گیاهی و خشکسالی های اخیر، یکی از مناطق مهم ایجاد پدیده گردوغبار در این منطقه از خاورمیانه می باشد که در کشورهای عربستان، یمن، عمان و امارات قرار گرفته است. ریزگردها می توانند خسارت های جبران ناپذیری به سلامت انسان ها وارد کند. که یکی از مهم ترین نگرانی ها بوده و یک معضل جهانی شناخته می شود. به طور کلی این پدیده به طور عمده در صحرای عربستان، کویت، شرق عراق و بخش های جنوبی ایران ایجاد می گردد. رخداد خشکسالی های اخیر، دگرگونی های اقلیمی و پدیده گرمایش جهانی در منطقه به عنوان مهم ترین عامل طبیعی بوده و بعضی از دخالت های بدون برنامه انسانی از قبیل نقش مدیریت نابخردانه در خشک شدن تالاب های مهم منطقه و از بین رفتن آن ها، درصد پایین پوشش گیاهی در بعضی مناطق آماده گردو غبار، ساخت سدهای بزرگ به وسیله کشور ترکیه و ... بر شدت و اندازه رخداد گرد و غبار افزوده و موجب گسترش آن بر بیشتر مناطق ایران گردیده است (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۱).

۶ نتیجه گیری

کشورها و مناطق مختلف جغرافیایی در طی یک دهه گذشته با تغییرات اقلیمی فزایندهای مواجه شده اند. از جمله این تغییرات می توان به کاهش میزان بارش های جوی، کاهش منابع آب جاری، کاهش و عمیق تر شدن آبخوان ها و افزایش دما اشاره کرد. مجموعه این تغییرات، پیامدهای چندگانه ای در ابعاد سیاسی - امنیتی، اقتصادی - اجتماعی و زیست محیطی دارد که به صورت مستقیم با امنیت مناطق مرزی و امنیت ملی کشور در پیوند است. در این راستا، می توان به مهاجرت های گسترده، از میان رفتن توان تولید، افزایش درخواست برای اشتغال در مراکز غیرکشاورزی، نامساعد بودن محیط برای فعالیت های صنعتی، آلودگی های جوی ناشی از بیابان زایی و فرسایش خاک و تنش های هیدروپلیتیکی میان کشورها اشاره کرد. در این راستا تمام نهادهای داخل کشوری و بین المللی در مقیاس های مختلف باید به صورت یکپارچه و تعیین کارویژه های متعدد برای مدیریت بحران ها و پیامدهای تغییر اقلیم در نواحی مختلف بالاخص مناطق مرزی ساماندهی شوند. نابودی اقتصاد، عدم ثبات سیاسی، افزایش پناهندگان، ناامنی از بین المللی و از بین رفتن انسان ها نوعا پیامدهای جنگ است اما اگر تغییرات اقلیمی کنترل نشود، همین پیامدها را به دنبال خواهد داشت. مقابله با تغییرات اقلیمی نیازمند تحول گسترده در حوزه های مختلف است. به منظور کاهش انتشارات شبیه به انقلاب در حوزه اقتصاد لازم است و در راستای این هدف مشترک، همه بخش ها اعم از حمل و نقل، انرژی، کشاورزی و سیاست خارجی باید به صورت تنگاتنگ عمل کنند. برای نمونه

مناطق مرزی کشور همواره از قدیم به لحاظ موقعیت جغرافیایی، مناسبات قومی و سوابق تاریخی، منشاء انجام پاره ای ارتباطات و مبادلات مرزی میان ساکنین دو سوی نوار مرزی بوده اند. ناتوانی های بالقوه طبیعی و اقتصادی این مناطق، خصوصا در بخش کشاورزی و صنعت، به دولت ها اجازه داده که به لحاظ محرومیت زدایی، ایجاد اشتغال، پایداری جمعیت و ممانعت از تخلیه مناطق مرزی و وقوع قاچاق تمهیداتی را در مبادلات بازرگانی نواحی مرزی لحاظ نمایند تا امنیت چنین مناطقی حفظ شود.

منابع

- ۱- ساجدی، زهرا (۱۳۸۹)، تغییرات اقلیمی و امنیت بشری، دانشکده حقوق شهید بهشتی.
- ۲- شعبان، محمدظهير (۱۳۹۶)، نقش امنیت در زندگی بشر، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
- ۳- شیراوند، هنگامه، هاشمی، محمد ناصر (۱۳۹۵)، بررسی اثرات تغییر اقلیم بر امنیت ملی پایدار.
- ۴- خوش منش، بهنوش، پورهاشمی، سیرعباس، سلطانی، محمد، هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۴)، بررسی پیامدهای تغییر اقلیم از دیدگاه حقوق بشر، علوم و تکنولوژی، ۱۷(۴).
- ۵- دالایی، حمیده، فرج زاده اصل، منوچهر، گندم کار، امیر، نامی، محمد حسن (۱۳۹۵)، تحلیل شاخص های حدی بارشی در دوره ۱۹۸۱-۲۰۱۰ با رویکردی نظامی، فصل نامه راهبرد دفاعی، ۴(۵۴).
- ۶- زرقاتی، سیدهدادی، سجاسی قیداری، حمدالله، موسوی، سیده زهرا (۱۳۹۵)، درآمدی بر مهاجرت و امنیت، انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- ۷- زرقاتی، سیدهدادی، محمدزاده، مهدی، نادری، معصومه، ورزدار، معصومه (۱۳۹۲)، بررسی چالش های آبی استان خراسان جنوبی نقش و امنیت در آن، دفتر تحقیقات کاربردی انتظامی استان خراسان جنوبی، دانشگاه بیرجند.
- ۸- زرقاتی، سیدهدادی، عباس زاده، مریم، سعادت، زهرا، موسوی، سیدمحمدباقر (۱۳۹۶)، تحلیل آثار و پیامدهای اجتماعی- امنیتی خشکسالی با تاکید بر استان های شرقی.
- ۹- ظهوری زنگنه، آذین (۱۳۹۲)، نقش شورای امنیت در برخورد با چالش های نوین امنیتی ناشی از تغییرات آب و هوایی، دانشگاه تهران پردیس بین المللی کیش.
- ۱۰- قریشی، سید کاظم، رحیمی، ایرج، طاهری، محمد (۱۳۹۳)، اثرات زیست محیطی تغییرات اقلیمی.
- ۱۱- کریمی پور، یدالله، کاویانی راد، مراد، فهمی، هدایت، کرمی، صادق (۱۳۹۶)، تبیین پیامدهای امنیتی تغییر اقلیم در حوضه آبریز مرکزی ایران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۷(۴۶).
- ۱۲- کاویان، عطاالله، نامدار، مریم، گلشن، محمد، بحری، معصومه (۱۳۹۶)، مدلسازی هیدرولوژیکی اثرات تغییر اقلیمی بر نوسانات دبی جریان در رودخانه هراز، مجله مخاطرات محیط طبیعی، ۶(۱۲).
- ۱۳- کرمانی، مجید، طاهریان، الهام، ایزانلو، مریم (۱۳۹۵)، تحلیل تصاویر ماهواره ای ریزگردها و طوفانهای گرد و غباری در ایران به منظور بررسی منشاءهای داخلی و خارجی و روش های کنترل آن ها، مجله ره آورد سلامت، دوره ۲، شماره ۱.
- ۱۴- گودرزی، مسعود، حسینی، سیداسعد، مسگری، ابراهیم (۱۳۹۵)، مدل های آب و هوا شناسی، نشر آذر کلک.
- ۱۵- موسوی، سید فضل الله، میرمحمدی، معصومه سادات (۱۳۹۲)، تغییرات جوی: تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی، مجله حقوقی بین المللی، ۴۹(۱۶۷).
- ۱۶- موسی زاده، رضا، عباس زاده، مرتضی (۱۳۹۵)، ابعاد حقوقی بهره برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳.
- ۱۷- مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری کشور (۱۳۹۷).
- ۱۸- هاتف، بهادر، غفاری، ابوذر، دانشخواه، شراره، ایمانی، راضیه (۱۳۸۸)، تامین و توزیع آب شرب در مناطق روستایی با توجه به بحران های زلزله و خشکسالی با دیدگاه بررسی استان فارس، همایش ملی مدیریت بحران آب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



- ۱۹- Nicole Bates-Eamer (۲۰۱۹), Border and Migration Controls and Migrant Precarity in the Context of Climate Change.
- ۲۰- Gregory White (۲۰۱۳), Climate Change and Migration: Security and Borders in a Warming World.

اقتصاد سیاسی بازارچه های مرزی

وحید سنایی^۱، سمیرا چناری^{۲*}، امین مرادی^۳

- ۱- دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
 - ۲- دانشجوی دکتری، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده ی مسئول
 - ۳- دانشجوی دکتری، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد
- chenari_samira@ut.ac.ir*

چکیده

مناطق مرزی در هرکشوری دارای ویژگی های خاصی بوده و به طور اساسی با مناطق داخلی کشور تفاوت هایی دارند. مناطق مرزی از نقاط حساس و استراتژیک ایران محسوب به شمار می آیند. وضعیت خاص جغرافیایی استان های مرزی و برخی شرایط اجتماعی-سیاسی دیگر در این استان ها، حکایت از وجود شکاف های عمیق میان این مناطق و دیگر مناطق کشور دارد. روند مرکزگرایی، منجر به بروز نوعی عدم تعادل شده است. ایجاد بازارچه های مرزی یکی از سیاست های دولتمردان برای توسعه ی مناطق مرزی می باشد. به رغم نقش برجسته ی این مراکز در توسعه مبادلات منطقه ای و رونق اقتصاد این مناطق، در مجموع بازارچه ها با توجه به اهداف تعریف شده ، به اهداف مورد نظر نرسیده اند. بازارچه ها هر چند در ایجاد رفاه نسبی برای منطقه تا حدی مفید عمل کرده اند و تغییرات مثبتی را در اقتصاد معیشتی مردم مرزنشین پدید آورده اند، اما مطالعات و بررسی ها نشان می دهد که بازارچه ها در هنجار قانونی خود عمل نمی کنند و از اهداف اولیه خود در بسیاری از موارد فاصله گرفته اند. بنابراین این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی آنست که نقش سیاست گذاری های دولت را در ناکارآمدی بازارچه های مرزی مورد بررسی و نقش نهادهای دولتی و غیردولتی را بر عدم موفقیت بازارچه ها در تحقق اهداف تعیین شده، مورد ارزیابی قرار دهد.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، بازارچه ی مرزی، مناطق مرزی

۱- مقدمه

مناطق مرزی از نقاط حساس و استراتژیک ایران محسوب به شمار می‌آیند. برخی مناطق مرزنشین از گذشته به لحاظ ناتوانی- های طبیعی؛ خصوصیات اجتماعی و قرابت‌های قومی با مردم مرزنشین آن سوی مرزها، پیوسته انگیزه ساز بسیاری از حرکات غیرقانونی و مبادلات ناخواسته، بوده است. اثرات منفی این مبادلات بر پیکر اقتصادی-بازرگانی کشور، آشفتگی و ناامنی ساختاری و عدم ثبات جمعیتی مناطق مرزنشین بر کسی پوشیده نیست. وجود چنین تفاوت‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای تأثیرات عمده‌ای در روند توسعه در مناطق مرزی بر جای گذاشته است (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷: ۳۷). اگر فرآیند توسعه فضایی مناطق مرزی را تلاشی جهت ارتقای سطح کیفی زندگی مردم ساکن مرز بدانیم، باید اذعان داشت که نیاز کشوری همچون ایران به خاطر پراکندگی منابع آب و خاک و سکونتگاه‌های آن، فرآیند توسعه مرزی بسیار مشهود است. همچنین با توجه به تعداد و افراد ساکن در مرزها و نوع تعامل آن‌ها با مردمان آن سوی مرز تأثیرات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی ویژه‌ای را رقم خواهد زد. ساماندهی این تعاملات از طرفی و عدم ثبات جمعیتی مناطق مرزنشین و نبود تعادل‌های منطقه‌ای و فضایی، بین مرزها و مرکز از طرف دیگر، تأثیرات عمده‌ای در روند توسعه فضایی در مناطق مرزی برجای گذاشته است، به گونه‌ای که مکان‌های جمعیتی حاشیه مرز را در انزوای اجتماعی-اقتصادی و ملی قرار داده است.

مناطق مرزی در هر کشوری دارای ویژگی‌های خاصی بوده و به طور اساسی با مناطق داخلی کشور تفاوت‌هایی دارند. یکی از مهمترین چالش‌هایی که در مناطق مرزی پیش روی مسئولان قرار دارد مسئله‌ی امنیت مناطق مرزی است. توسعه نیافتگی در مناطق مرزی کشور باعث تهدید امنیت این مناطق می‌گردد و این ناامنی مناطق مرزی، باعث هجوم عوامل تهدید به داخل کشور شده و باعث ایجاد چالش بزرگی در فرآیند توسعه کشور می‌گردد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۸). داشتن مرزهای مطمئن و امن در اعمال حاکمیت دولت در هر کشوری نقش کلیدی و هدایت‌کننده داشته و از کاربرد وسیعی برخوردار است؛ خالی شدن مرزها از سکنه و مهاجرت مرزنشینان به شهرهای بزرگ بر اثر فقدان انگیزه‌های لازم برای زندگی در این مناطق در گذشته تقریباً روند رو به رشدی داشته است که تأثیر آن در امنیت مرزها به وضوح قابل لمس بود. از آنجا که حفاظت از مرزهای هر کشور از اهم مسائل حکومت است، دولت‌های یکصد ساله اخیر حاکم بر کشورمان سیاست‌های متعددی را برای مرزنشینان اتخاذ نموده‌اند. این سیاست‌ها عمدتاً به منظور کاهش بحران بیکاری، فقر، مفساد گوناگون اجتماعی، ایجاد اشتغال، کاهش قاچاق کالا، برقراری عدالت اجتماعی، کاهش انگیزه‌های مهاجرت و ... بوده است. توجه به امور اقتصادی مردم به نوعی در خدمت اهداف سیاسی بوده است؛ زیرا رفاه اقتصادی، مردم را ترغیب به ماندن در مرزها نموده و حفاظت از مناطق مرزی را برای حکومت تسهیل کرده است. همچنین مرزنشینان به هنگام بروز بحران‌های سیاسی، مثل جنگ، مدافعان اولیه و اصلی حدود و ثغور کشورند. لذا مسائل مردمان مناطق مرزی نیز در کانون توجه آنان قرار می‌گیرد. همکاری در قالب بازارچه‌های مشترک مرزی، از شناخته‌ترین سیاست‌گذاری‌های دولت برای توسعه اقتصادی مناطق مرزنشین به شمار می‌رود. بازارچه‌ها هر چند در ایجاد رفاه نسبی برای منطقه تا حدی مفید عمل کرده‌اند و تغییرات مثبتی را در اقتصاد معیشتی مردم مرزنشین پدید آورده‌اند، اما مطالعات و بررسی‌ها نشان داد که بازارچه‌ها در هنجار قانونی خود عمل نمی‌کنند و از اهداف اولیه خود در بسیاری از موارد فاصله گرفته‌اند. در اهداف اولیه شکل‌گیری مبادلات مرزی، توسعه اقتصادی و اشتغال زایی سالم سرآمد نهایی این تصمیمات بوده، لیکن تأثیربخشی بازارچه‌ها بر مناطق فرامرزی و فرااستانی بیشتر از مناطق مرزنشین بوده است و بازارچه‌ها در مقیاس وسیعی به مبادی ورودی انواع کالاهایی تأمین‌کننده منافع مردم غیربومی تبدیل شده است. بنابراین این

پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی آنست که نقش سیاست گذاری های دولت را در کارآمدی بازارچه های مرزی مورد بررسی و نقش نهادهای دولتی و غیردولتی را بر پویایی و یا عدم پویایی آن مورد ارزیابی قرار دهد.

۲- بازارچه های مرزی

مناطق مرزی بعنوان مناطق حاشیه ای و توسعه نیافته شناخته می شوند. این حاشیه ای بودن گرچه می تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، اما خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت های آن منطقه را مضمحل می سازد (Jones & Wild, ۱۹۹۴: ۲۵۹). ایجاد و یا تشویق به سرمایه گذاری برای فعالیت های اقتصادی اشتغالزا در مناطق مرزی می تواند نقش اساسی در ترقی و توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد رابطه دوستی و تسریع همکاری های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشد و بهبود و رونق اقتصادی نواحی مرزی، خود باعث امنیت پایدار نیز در این مناطق می گردد (رضازاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۰). رشد و رونق فعالیت های تجاری و بازرگانی در مرزها و یا مناطق مرزی تأثیرات مثبت و بسزایی در توسعه ی شهرهای مرزی گذاشت. به طوری شهرهای بزرگ و کوچک واقع در مناطق مرزی، هدف اصلی تأثیرات مرزی هستند. آن ها، نه تنها، موتورهای توسعه ی اقتصادی هستند، بلکه، مراکز نوآوری های فرهنگی، تحولات اجتماعی و تغییرات سیاسی می باشند (راشکی قلعه نو و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۵). امروزه تجارت به عنوان موتور رشد و توسعه معرفی شده است؛ از جمله روش های حضور فعال در تجارت جهانی، گسترش مبادلات مناطق مرزی بین کشورها و احداث بازارچه های مرزی است. در واقع بازارچه های مرزی به عنوان راهکاری اساسی در تحول و پویایی مناطق مرزی و گسترش و پویایی تجارت بشمار می رود (طیب نیا و منوچهری، ۱۳۹۴: ۱۴۷). همکاری در قالب بازارچه های مرزی، از شناخته ترین روش های توسعه ی اقتصادی مناطق مرزی به شمار می رود که منجر به ایجاد همگرایی بین مرکز و پیرامون می شود؛ در صورت توفیق، نگاه جمعیت مرزنشین به سمت درون و همگرایی معطوف می شود، که خود باعث توسعه ی فضایی مناق مرزی خواهد شد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۳۵). تعریف دقیقی از بازارچه های مرزی ارائه نشده است اما می توان گفت که بازارچه های مرزی اساساً برای سرمایه گذاری ها و بهتر شدن وضعیت اقتصادی مناطق مرزنشین، به ویژه برای کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه که از نظر اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارند، به وجود می آیند (Cussen, ۲۰۰۸: ۴). در تعریف دیگر می توان گفت؛ بازارچه های مرزی کانون هایی هستند به منظور به تحرک واداشتن نواحی روستایی برای حضور جدی تر در توسعه منطقه ای و ملی و راهبردی برای خروج این مناطق به واسطه افزایش همکاری های ملی و بین المللی از انزوای اقتصادی و جغرافیایی (ویسی و احمدی، ۱۳۹۶: ۱۷۱). بازارچه های مرزی در زمینه سیاسی زمانی به توسعه دست خواهند یافت که قوانین و مقررات مرزی به اندازه ای باشد که یکپارچگی بازارچه ها حفظ شود. اگر دخالت دولت در بازارچه ها بیش از اندازه باشد، باعث می شود که این بازارچه ها ساختار سیاسی به خود گیرند (Draghi, ۲۰۱۵: ۱۹). عامل مهم در توسعه سیاسی- فضایی بازارچه های مرزی توانایی این بازارچه ها در صادرات و واردات کالا است؛ بنابراین بازارچه های مرزی می توانند به عنوان مکان هایی همگرا برای جنبش های فراملی در زمینه صادرات و واردات کالا باشند. بازارچه های مرزی نقش ترکیب دو استراتژی فضایی فراملی و ملی را به صورت همگرا دارند (Walther, ۲۰۱۴: ۵۶). صادرات کالاهای تولیدی موجب افزایش تولید شده و افزایش تولیدات به طور مداوم زمینه را برای تقاضاهای جدید فراهم می آورد، این تقاضا خود محرک سرمایه گذاری و تضمین کننده رشد و شکوفایی صادرات مجدد می شود، در نتیجه صادرات در

نهایت منجر به اشتغال مستقیم و غیرمستقیم در بخش‌های مختلف اقتصادی را فراهم می‌کند (شاه آبادی و ثمری، ۱۳۹۵: ۸۵).

۳- بازارچه های مرزی ایران

کشور ایران، ۸۷۵۵ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، ترکیه، عراق، جمهوری آذربایجان و ارمنستان دارد که ۱۹۱۸ کیلومتر از آن (۲۲ درصد) مرز رودخانه‌ای، ۲۷۰۰ کیلومتر (معادل ۳۱ درصد) مرز دریایی و ۴۱۳۷ کیلومتر (معادل ۴۷ درصد) مرز خشکی است (مظفری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۸). وضعیت خاص جغرافیایی استان‌های مرزی و برخی شرایط اجتماعی-سیاسی دیگر در این استان‌ها، حکایت از وجود شکاف‌های عمیق میان این مناطق و دیگر مناطق کشور دارد. روند مرکزگرایی، منجر به بروز نوعی عدم تعادل شده است؛ به گونه‌ای که ما شاهد ارتقای سطح استانداردهای زندگی در استان‌های مرکزی و کاهش آن در مناطق مرزی هستیم (علینقی، ۱۳۷۸: ۱۲۸). باتوجه به اینکه مناطق مرزی ایران دارای ۱۶ استان و مناطق مرکزی دارای ۱۴ استان است حدود ۵۰ درصد مساحت و ۵۰/۷ درصد جمعیت کشور متعلق به مناطق مرزی است، این امر بیانگر آن است که ۵۰ درصد توسعه کشور باید در مناطق مرزی متمرکز گردد تا تعادل‌های منطقه‌ای در الگوی فضای ناحیه‌ی ایران برقرار شود. این درحالی است که تمرکز امکانات و خدمات در مرکز، باعث دورافتادگی برخی استان‌ها و محرومیت آنها از این مواهب گردیده است استان‌های مرزی سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی از نظر شاخص توسعه یافتگی و سایر پارامترها در پایین‌ترین رتبه قرار دارند. از نظر امنیتی نیز، امنیت مرزهای شرقی کشور به علت ویژگی‌ای خاص اقلیمی، مذهبی، قومی و جغرافیایی همواره برای کشور چالش آفرین بوده است. فقدان امکانات لازم برای پایش مداوم مناطق، گستردگی مرزها، بی‌ثباتی دولت‌های همسایه یا اتخاذ سیاست‌های خصمانه از طرف آنها و وجود گروه‌های تکفیری همواره بر آتش این چالش افزوده است (پولادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۶). لذا در کشوری مانند ایران که دارای همسایه‌های متعدد و در نتیجه مناطق مرزی گسترده است، ضرورت ایجاد بازارچه‌های مرزی را می‌توان در دو جنبه علمی و عملی احساس کرد: از جنبه علمی، نتایج مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که کشورهایی با مساحت گسترده و وسیع مانند ایران، دارای تفاوت‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای و فضایی مشهودی بین مناطق مرکزی و مرزی می‌باشند، که این عدم تعادل‌ها تأثیرات عمده‌ای در دو جهت بر جای گذاشته است: یکی حرکت توسعه را با کندی مواجه ساخته، زیرا بر پایه نظریه پخشگرایی مناطق سنتی (توسعه نیافته)، به عنوان ترمزی عمل کرده و حرکت توسعه را کند (حسین زاده دلیر، ۱۳۹۰: ۷۰). تبعیض و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های اشتغال و درآمد، مهم‌ترین عاملی است که بیشتر استان‌های مرز نشین گرفتار آن هستند که پیامدهایی چون فقر، مهاجرت و قاچاق را در پی دارد. بارزترین سیاست گذاری دولت در مناطق مرزی ایجاد بازارچه‌های مرزی است. علی‌رغم اینکه شهرهای مرزی از مناطق وابسته و برخوردار نمی‌باشند، اما به دلیل درآمد ناشی از داد و ستد یا ذخیره سازی کالاها این شهرها دارای اهمیت فراوانی هستند. در این راستا ایجاد و گسترش بازارچه های مرزی یک استراتژی کلیدی در راستای کمک کردن به اقتصاد این نواحی و توسعه همکاری های اقتصادی و مبادلات بازرگانی میان کشورهای همسایه بوده است (موسوی، ۱۳۹۰: ۵۵). بازار به عنوان اصلی‌ترین نمود اقتصاد همواره به مثابه عرصه‌ی اجتماعی و فرهنگی، مکانی برای بخشی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بوده است. تاسیس بازارچه‌های مرزی به عنوان نهاد نوینی که توانایی حل بسیاری از مشکلات مناطق مرزی را دارا می‌باشد از اواسط دهه ۱۳۶۰ شمسی ذهن بسیاری از سیاستگذاران و مسئولان محلی را به خود مشغول نمود. تا اینکه اولین بازارچه مرزی به دنبال پروتکلی با مقامات

کشور ترکیه در محل بازار ساری سو در مرز بازرگان در سال ۱۳۶۷ تاسیس شد. دوره دوم فعالیت های بازارچه های مرزی از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ و به دنبال مذاکرات استاندار آذربایجان غربی و استاندار وان ترکیه و با تاسی بازارچه مرزی رازی و سرو آغاز شد. روند قانونی نمودن بازارچه های مرزی با تصویب آئین نامه تشکیل بازارچه های مرزی در تاریخ ۲۰/۵/۷۱ توسط هیات وزیران آغاز شد. و با تصویب ماده ۱۲ آئین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۱۳۷۳ و نهایتاً مصوبه مهم مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۷۴ هیات وزیران ادامه یافت (کامران و دیگران، ۱۳۸۸: ۸). مهم ترین سیاست گذاری در مناطق مرزی در قانون ساماندهی مبادلات مرزی مصوب ۱۳۸۴/۷/۶ مجلس شورای اسلامی قابل مشاهده می باشد که شامل موارد زیر می باشد:

- ✓ مبادله مرزی عبارت است از خرید و فروش کالا توسط ساکنان مناطق مرزی و تعاونی های مرزنشین دارای مجوز، پيلهوران، بازارچه های مرزی، ملوانان، خدمه و کارکنان شناورهای دارای حداکثر ۵۰۰ تن ظرفیت در حجم و نوع مشخص و در سقف تعیین شده وزارت صنعت، معدن و تجارت.
 - ✓ کلیه اهالی ساکن در مناطق مرزی کشور به استثنای اهالی ساکن در شهرهای مرکز شهرستان ها با دریافت کارت مبادلات مرزی مشمول تسهیلات مبادلات مرزی خواهند بود. دارندگان کارت مبادلات مرزی می توانند به صورت مستقل اقدام به مبادله مرزی نمایند.
 - ✓ بازارچه مرزی محوطه ای است محصور واقع در نقاط مرزی و در جوار گمرکات یا مکان هایی که طبق تفاهم نامه های منعقد شده بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همجوار و یا به صورت مستقل و مطابق با ضوابط تعیین شده از سوی دولت تاسیس شده است و مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا می باشد. مبادلات در بازارچه های مرزی پس از اسقرار ماموران وزارت صنعت، معدن و تجارت، گمرک جمهوری اسلامی ایران و نیروی انتظامی و با اعمال مقررات مربوط به صادرات و واردات کالا مجاز خواهد بود. عزل و نصب مدیر بازارچه مرزی با هماهنگی و تایید استاندار ذی-ربط و با حکم رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.
- دولت در سال ۱۳۶۷ به طور غیررسمی و در ۱۳۷۲ به صورت رسمی اقدام به تأسیس بازارچه های مشترک مرزی کرد. اکنون براساس مصوبه شماره ۵۲۴۳۸/۴۶۸۶۱ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۴ به تعداد ۳۶ بازارچه در کشور فعالیت دارند. که این رقم در مقایسه با سال ۱۳۸۰، ۵۲ بازارچه، نشان از کاهش بازارچه ها می باشد. بازارچه در مقیاسی خرد و کوچک تعریف می شود و دارای شرایط و قوانین ویژه ای است که آن را از مفهوم بازار متمایز می کند. مسلماً این قوانین و خصوصیات برحسب شرایط پیرامونی هر بازارچه متفاوت است (وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۷: ۳۶). مهم ترین بازارچه های مرزی ایران را می توان در شکل شماره (۱) مشاهده نمود.



جدول ۱. مهم‌ترین بازارچه‌های مرزی ایران

بازارچه مرزی صنم بلاغی بلدشت	بازارچه مرزی سرو ارومیه
بازارچه مرزی تهرچین	بازارچه مرزی ساری سو ماکو
بازارچه مرزی مهران	بازارچه مرزی اروندکنار
بازارچه مرزی جوانرود	بازارچه مرزی پیرانشهر
بازارچه مرزی بيله سوار	بازارچه مرزی میرجاوه
بازار بزرگ ساحلی آستارا	بازارچه مرزی اینچه برون
بازارچه مرزی سیرانبنده پانه	بازارچه مرزی جلفا
بازارچه مرزی دوغارون	بازارچه مرزی باشماق مریوان
	بازارچه مرزی ریمدان

شکل شماره (۱): بازارچه های مرزی ایران

(لطفی، ۱۳۹۷: ۹۴).

۳-۱- اهداف بازارچه های ایران از قانون تا عمل

تاسیس بازارچه‌های مرزی و توسعه مبادلات از طریق این واحدها عمدتاً به استناد ماده ۱۱ قانون مقررات و صادرات سال ۱۳۴۴ و با اولویت دادن به هدف‌های زیر صورت گرفته است:

- ۱- ایجاد زمینه‌های اشتغال
- ۲- تامین نیازهای کالایی مردم مرزنشین
- ۳- کاهش قاچاق مرزی
- ۴- تثبیت جمعیت مرزنشین در نواحی مرزی و در این راستا افزون سازی ضریب امنیت در نقاط استراتژیک؛
- ۵- رونق بخشیدن به اقتصاد مناطق مرزنشین؛

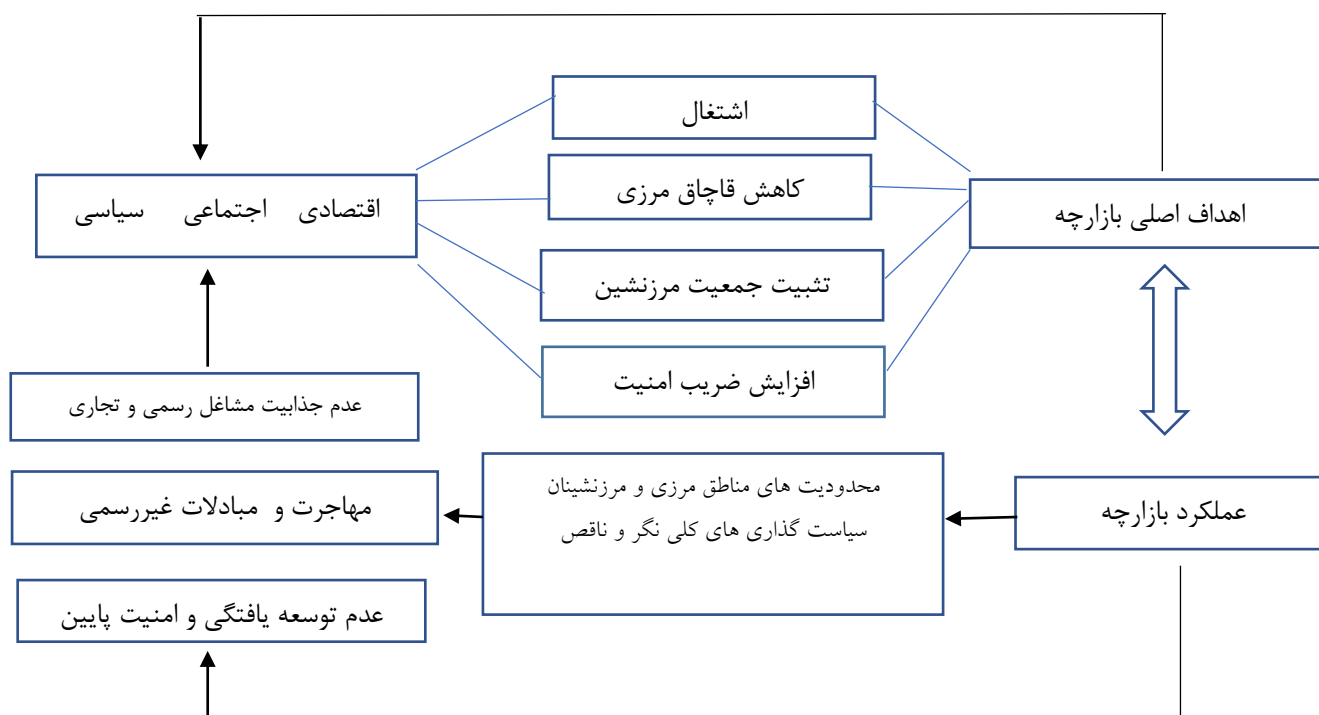
۶- وقوف بر امکانات بالقوه تجاری کشورهای همسایه و گشودن باب مراودات با آن‌ها (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۸).

از اهداف سیاسی تاسیس بازارچه‌ها نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- افزایش ضریب امنیت مناطق مرزی با گسترش همکاری‌ها میان کشورهای مرزی مشترک
- ۲- کاهش برون‌گرایی مرزنشینان با آن‌سوی مرزها
- ۳- ساماندهی بر مبادلات غیررسمی و کاهش اثرات آن بر زندگی مرزنشینان
- ۴- کاهش بحران‌های سیاسی در مناطق مرزی با رونق اقتصادی.

با نگاهی به روند کاهشی تعداد بازارچه‌ها از زمان شکل‌گیری آنها تاکنون، وضعیت توسعه نیافتگی مناطق مرزی و الگوی مرکز-پیرامون حاکم بر فضای جغرافیایی ایران می‌توان گفت سیاست‌های دولت؛ و بطور مشخص بازارچه‌های مرزی در توسعه مناطق مرزی و حاشیه‌ای کشور موفقیت‌آمیز نبوده است. پژوهش‌های زیادی از اثرگذاری بازارچه‌ها بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مرزی صورت گرفته است. با مروری بر این پژوهش‌ها مشخص می‌گردد که بازارچه‌ها آنچنان که باید کارایی مناسبی در تحقق اهدافشان نداشته‌اند. به عنوان یکی از اهداف تاسیس بازارچه‌های مرزی، جلوگیری از رواج بازارهای غیررسمی، از جمله قاچاق کالا و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی است، ولی واقعیت نشان می‌دهد که ورود کالای غیرقانونی از طریق معبرهای مختلف مرزی همچنان ادامه دارد (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۸). در پژوهشی که سعیدی و همکاران (۱۳۸۸) انجام داده‌اند، نشان می‌دهند که بازارچه‌های هر چند در ایجاد رفاه نسبی برای منطقه تا حدی مفید عمل کرده‌اند و تغییرات مثبتی را در اقتصاد معیشتی مردم مرزنشین پدید آورده‌اند، اما مطالعات نشان داد که بازارچه‌ها در هنجار قانونی خود عمل نمی‌کنند و از اهداف اولیه خود در بسیاری از موارد فاصله گرفته‌اند. در اهداف اولیه شکل‌گیری مبادلات مرزی، توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی سالم، سرآمد این تصمیمات بوده است لیکن اثربخشی بازارچه‌ها بر مناطق فرامرزی و فراستانی، بیشتر از مناطق مرزنشین بوده است و بازارچه‌ها در مقیاس وسیعی به مبادی ورودی انواع کالاهای تامین‌کننده منافع مردم غیربومی تبدیل شده است (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۳-۱۳۳). اسماعیل‌زاده در پژوهشی تحت عنوان "مطالعه انسان‌شناختی بازارچه‌های مشترک مرزی با رویکرد انسان‌شناسی اقتصادی" به این نتیجه می‌رسد که هرچند که نقش بازارچه‌ها در راستای جامعه‌ی عمل‌پوشاندن به آنچه فلسفه وجودی آن بوده است غیرقابل انکار است؛ اما نتایج مطالعات میدانی در بسیاری از زمینه‌ها نشان داده که بازارچه‌های مرزی در راستای اهداف تعریف شده خود مبتنی بر توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه در این مناطق آن‌چنان که باید، موفق نبوده‌اند. یگانه (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه مرزی مهران بر توسعه نواحی روستایی دهستان محسن‌آباد» به این نتیجه می‌رسد بازارچه در افزایش و رشد نسبی شاخص‌های اقتصادی موثر بوده است؛ اما فاصله گرفتن از اهداف اولیه با بیشترین اثرگذاری فرمانطقه‌ای بازارچه، توزیع ناعادلانه درآمدها و عدم بهره‌گیری از مردم در اداره بازارچه را به عنوان مهم‌ترین ضعف‌هایی بیان می‌کند که مدیریت مطلوب بازارچه می‌توانست مانع شکل‌گیری آن‌ها شود. در پژوهشی دیگر از سعیدی و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهند که بازارچه‌ها نتوانستند از خیل عظیم مهاجران روستایی بکاهند و در تامین نیازهای ساکنان و شاخص‌های امنیت اجتماعی نیز موفق نبوده‌اند، ولی تا حدودی توانستند در متغیرهای رفاهی و حذف قاچاق بهبود نسبی ایجاد کنند (ابراهیمی مستکانی و احمدوند، ۱۳۹۴: ۳۶۹). در پژوهشی که بدری، دربان آستانه و سعدی درباره‌ی تأثیر بازارچه‌های مرزی را بر ارتقاء شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین در دهستان‌های خاو و میرآباد، زریوار و سرکل در شهرستان مریوان انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که بازارچه‌های مرزی عملکرد مطلوبی بر وضعیت اقتصادی مناطق روستایی مرزنشین نداشته‌اند؛ به طوری که این بازارچه‌ها تا پیش از حذف قاچاق کالا، تأثیر مثبتی بر شاخص‌های اقتصادی مناطق روستایی مرزنشین نداشته‌اند؛ اما پس از تاسیس بازارچه‌های موقت و از بین رفتن قاچاق، بسیاری از مردم روستایی شغل خود را از دست داده‌اند و راهکارهای جایگزین قاچاق نیز نتوانسته است عملکرد مطلوبی در روستاهای مرزی داشته باشد. بنابراین تاسیس بازارچه‌های مرزی موقت، تأثیر مثبتی بر توسعه‌ی اقتصادی مناطق روستایی مرزی نداشته است

(بدری و دیگران، ۱۳۹۶:۴۱). طیب نیا و منوچهری (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان «ارزیابی تاثیر بازارچه های مرزی در توسعه نواحی روستایی شهرستان مریوان» به این نتیجه می رسند که بازارچه های مرزی منطقه تاثیر رضایت بخشی در توسعه اقتصادی-اجتماعی نواحی روستایی پیرامونشان نداشته اند. کاک الهی (۱۳۹۵) در تحقیق خود نشان داد که بر این اساس در منطقه مورد مطالعه که ویژگی های جغرافیای سیاسی آن بر نوع مبادلات مرزی تأثیر گذار بوده است؛ اثرات توسعه ای مبادلات مرزی غیر رسمی بیشتر از مبادلات مرزی رسمی (بازارچه های مرزی)، بوده است. به عبارتی بازارچه های مرزی استان کردستان در تحقق اهداف ایجادشان یعنی توسعه مناطق مرزی و توانمندسازی مرزنشینان چندان موفق نبوده اند. بنابراین با مروری بر تحقیقات پیشین مشخص می شود بازارچه های مرزی به عنوان بارزترین سیاست گذاری های مرزی برای توسعه ی مناطق مرزی و ایجاد امنیت کارایی لازم را نداشته اند. مسائلی چون مهاجرت به شهرها، مسائل امنیتی، مبادلات غیررسمی و ... در مناطق مرزی ایران محسوس است. در واقع محدودیت های بنیادی مناطق مرزی و عدم توجه به این محدودیت ها، در کنار سیاست گذاری کلی نگر و ناقص، بازارچه ها را از رسیدن به اهداف خود دور کرده است. عدم توجه به بسترهای اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی، فرصت هایی را که بازارچه ها می توانستند برای مرزنشینان ایجاد نمایند تبدیل به محدودیت کرده است. برای مرزنشینانی که از نظر درآمد، آگاهی اقتصادی و اطلاعات بازار، مهارت های تجاری و بسیاری از موارد که در سطح مطلوبی نیستند مشاغل ایجاد شده از بازارچه جذابیتی ندارد. بنابراین غالباً مرزنشینانی که فاقد توانایی لازم برای حضور در مبادلات تجاری هستند یا مهاجرت می کنند یا به مبادلات غیررسمی که نیاز به سرمایه گذاری و یا تشکیلات اداری را ندارد و گاهاً در کوتاه مدت سودآورتر می باشند روی می آورند. بنابراین در عمل مشاهده می گردد که بازارچه های مرزی به عنوان بارزترین سیاست توسعه بخشی مناطق مرزی از اهداف خود دور شده اند.



مدل شماره (۱): اهداف و عملکرد بازارچه

۴- نقش نهادهای دولتی و نهادهای غیردولتی در بازارچه های مرزی

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصاد ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار شد که مفهوم ضمنی آن پذیرش یک نظام اقتصادی مختلط است. مالکیت بخشی از صنایع و بنگاه‌ها و اداره فعالیت‌های اقتصادی در دست دولت و در مقابل بخشی دیگر در اختیار و مالکیت بخش‌های غیردولتی (تعاونی و خصوصی) قرار گرفت. از آنجایی که بخش اعظمی از فعالیت‌های اقتصادی دولتی می‌باشد، بازارچه‌های مرزی نیز از نظر تشکیلاتی و مدیریتی کاملاً دولتی می‌باشند و نهادهای خصوصی در شکل‌گیری و یا مدیریت آنها نقشی ندارند. تشکیل بازارچه‌های مرزی تا قبل از مصوب شدن در دولت در اختیار استانداری‌ها بود، و نظارتی از سوی وزارت و بازرگانی و گمرک بر روی آنها وجود نداشت و عوارض دریافتی به حساب استانداری‌ها واریز و از همین محل هزینه می‌شد.

بازارچه‌ها از نظر مدیریتی منطبق بر قوانین و مقررات صادرات و واردات می‌باشند. مطابق با این قوانین در هر استان مرزی، شورای ساماندهی مبادلات مرزی متشکل از استاندار یا یکی از معاونین ذی‌ربط وی به عنوان رئیس و رئیس سازمان صنعت معدن و تجارت، جهادکشاورزی، اداره‌های کل اطلاعات، تعاون، تعزیرات حکومتی، گمرک، فرماندهی نیروی انتظامی استان، دادستان و نماینده اتحادیه شرکت‌های تعاونی مرزنشینان تشکیل خواهد شد. این شورا بر حسن عملکرد و اجرای تصمیمات و خط‌مشی‌های دولت در بازارچه‌های مرزی استان نظارت می‌کند. رئیس سازمان بازرگانی استان، دبیر شورا خواهد بود. براساس مصوبه دولت در بازارچه‌های مرزی نمایندگان وزارت بازرگانی و گمرک حضور دارند و اعمال مقررات صادرات و واردات را بازبینی و تطبیق می‌کنند. اظهارنامه‌های تنظیمی از سوی صادرکنندگان و واردکنندگان توسط آنها تایید می‌شود و عوارض کلاهای وارداتی توسط نماینده وزارت بازرگانی دریافت می‌گردد. مبادلات در بازارچه‌های مرزی پس از استقرار مأموران وزارت صنعت، معدن و تجارت، گمرک جمهوری اسلامی ایران و نیروی انتظامی و با اعمال مقررات مربوط به صادرات و واردات کالا مجاز خواهد بود. ایجاد تاسیسات اداری و زیربنایی و تاسیسات مورد نیاز واحدهای اجرایی مستقر در بازارچه و سایر سرمایه‌گذاری‌ها در بخش ایرانی بازارچه‌های مرزی و تامین پرسنل اجرایی بازارچه و هزینه‌های اداره آن برعهده استانداری مربوط است، ولی از نظر احداث مکان بازارچه در نقطه مرزی و چگونگی حفظ انتظامات و کنترل تردد و افراد باید با وزارت کشور هماهنگی به عمل آید (مقررات صادرات و واردات، ۱۳۹۷).

سازگاری سیاست‌های دولت در بازارهای مختلف از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا هر تغییر در یک بازار بر تعادل‌های جزئی و تخصیص منابع دیگر بازارها نیز تاثیرگذار است. تنها با بررسی و سازگاری این سیاست‌ها در کنار کارایی جزئی و تک بعدی است که می‌توان درباره نقش مثبت یا منفی دولت در اقتصاد قضاوت کرد. برای بررسی ارتباط بین سیاست‌های مختلف دولت می‌توان بر بازارهای سرمایه، پول و ارز متمرکز شد (خندان، ۱۳۹۶: ۱۴). در مورد بازارچه‌ها حضور دولت بیشتر در غالب سیاست‌های ارزی و آنهم در شکل تسهیلات ارزی می‌باشد. در واقع در شرایط گوناگون دولت‌ها اقدامات مناسبی در خصوص تشکیل بازارچه‌های مرزی و نیز در نظر گرفتن معافیت‌هایی برای این بازارچه‌ها به منظور ارتقای سطح معیشت مرزنشینان انجام داده‌اند؛ اما این اقدامات لزوماً رافع مشکلات شهرهای مرزی نبوده و کماکان شاهد فعالیت‌هایی در زمینه قاچاق کالا در این مناطق هستیم.

۵- ارزیابی سیاست گذاری های دولت در ناکارآمدی بازارچه ها

بر اساس قانون، هرگونه فعالیت تجارت خارجی می بایست از طریق شبکه بانکی و نظام قانونی و اداری انجام پذیرد ارزیابی اولیه قوانین و مقررات حاکم بر امور بازارچه ها نشان می دهد که این قوانین در راستای اهداف تعریف شده نمی باشد. علاوه بر محدودیت های بنیادین که در مناطق مرزی وجود دارند که بر عملکرد بازارچه تاثیر می گذارند، نارسایی قوانین و مقررات حاکم بر بازارچه ها موجب عملکرد نامناسب آنها گردیده است. ساختار مدیریتی، فراهم آوردن بستر اشتغال و سرمایه گذاری فرامرزی، سیاست گذاری متمرکز برای مناطق متفاوت مرزی از عمده ترین حفره های قوانین و مقررات حاکم بر بازارچه می باشند که بازارچه ها را از اهداف خود بازمی دارند.

➤ ساختار مدیریتی و بورکراتیک بازارچه ها: یکی از مشکلات عمده در سیاست گذاری ها برای کارایی بازارچه ها واگذاری اداره امور بازارچه ها به ارگان های سیاسی مناطق و تاکید عمده بر مسائل سیاسی - امنیتی می باشد که موجب کم رنگ شدن امور اقتصادی بازارچه ها می گردد. کلیه بخشنامه ها و دستورالعمل های مربوط به صدور و ورود کالا منحصراً از طریق وزارت صنعت، معدن و تجارت به سازمان های اجرایی ذیربط اعلام می گردد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و گمرک ایران موظفند آمار ثبت سفارش گشایش شده و ترخیص کالا را حداکثر هر سه ماه یکبار به وزارت صنعت، معدن و تجارت و سایر ارگان های ذیربط ارسال کنند. در واقع مدیریت بازارچه بر عهده استانداری ها وزیر وزارت کشور است. این مدیریت که بیشتر سیاسی است تا اقتصادی، باعث عدم کارایی مناسب و رونق بازارچه های مرزی کشور شده اند. تداخل وظایف و عدم هماهنگی های مناسب در میان سازمان های مدیریتی بازارچه نیز باعث ناهماهنگی بین عوامل بازارچه شده است و آنها را از اهداف خود دور کرده است.

➤ اشتغال فرامرزی: یکی از مندرجات آیین نامه مبادلات مرزی، بازارچه ها را به عنوان ممر درآمدی برای مرزنشینان تلقی کرده است تا با تقویت رفاه و توسعه ی اقتصادی، موجب تثبیت جمعیت مرزنشینان شوند، اما آنچه که در عمل مشاهده می گردد حضور عاملین غیربومی در بازارچه ها و گردش امور بازرگانی آن در محور مبادلاتی سایر مناطق عملاً در توسعه ی مناطق مرزنشین مشکل ایجاد کرده است. بدین سان حضور افراد غیربومی، یکی از ناهمگونی های عملکردی بازارچه ها در پیشبرد اهداف آنها می باشد. ساکنان مناطق مرزی ایران غالباً به دلیل مختلف زمینه های مساعد برای اشتغال سالم نمی یابند و به همین جهت به فعالیت های غیرقانونی برای کسب درآمد روی می آورند. نیافتن شغل مناسب همچنین زمینه های مهاجرت به سمت حاشیه ی شهرهای بزرگتر را ایجاد می کنند. بنابراین قاچاق و مهاجرت به عنوان عامل بسیار تاثیر گذار در ضریب امنیتی مرز در حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشورها اهمیت دارند، در مناطق مرزی کم رنگ نخواهند شد. علاوه بر این با بررسی نوع کالاهای صادراتی، مشخص می گردد که ترکیب اینها بر کلکسیون از کالاها تعلق یافته که فاقد مزیت های محلی هستند. این امر در مورد کالاهای وارداتی و صادراتی به شدت مصداق دارد و کالاهای مبادله شده به ندرت خاستگاه محلی دارند. اقلامی چون سیمان، صنایع فلزی، میلگرد، مواد غذایی، بیسکویت، لوازم برقی، لوازم صنعتی، نوشابه و... از این بازارچه ها صادر می گردند. که این مورد نشان می دهد کالاهای بومی سهم چندانی در مبادلات بازارچه نداشته اند. و این موجب گردیده است بازارچه های مرزی تبدیل به وسیله ای برای کسب درآمد تعدادی تاجر، پيله ور و سرمایه داران شود. در واقع ضعف بنیان مالی مرزنشینان، آشنا نبودن آنها به قوانین و مقررات تجاری و ناآگاهی از برخی از مسائل تجاری، سهم بالای از مبادلات مرزی به دست سرمایه داران فرامرزی افتاده است.

➤ سیاست گذاری متمرکز و یکسان برای مناطق متفاوت مرزی: در نظر نگرفتن تفاوت های محیطی و توان های متفاوت اقتصادی- بازرگانی مناطق مرزی از دیگر موارد مهمی است که در سیاست گذاری های دولت مورد اغفال قرار گرفته است. مناطق مرزی ایران علاوه بر تاثیرپذیری از شرایط و ویژگی های مربوط به کل کشور، متأثر از مسائل و ویژگی های خاص مناطق مرزی است. خصوصیات مانده دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، تنوع قومیت ها، مذاهب و خرده فرهنگ ها و کاهش میزان نظارت و کنترل دولت مرکزی بر آنها که این عوامل نیز در فرآیند توسعه مناطق مرزی تاثیر گذارند (کریمی و وفایی، ۱۳۹۲: ۹۵). در کشورهایی مانند ایران که تنوع و پیچیدگی در مناطق مرزی دارند، عدم تعادل منطقه ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی بسیار آشکار است. این عدم تعادل منطقه ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی دو تأثیر منفی بر روند توسعه آن مناطق از خود بر جای می گذارد. از یک سو، این عدم تعادل، حرکت توسعه در مناطق مرزی را، در مفهوم کلی آن، با مشکل مواجه می سازد و موانع بسیاری سر راه آن قرار می دهد و از سوی دیگر، نا امنی را هم به دلیل موقعیت مناطق مرزی و هم به دلیل عدم توسعه، گسترش عمومی می دهد. این تأثیرات متقابل توسعه و امنیت به صورت زنجیره ای، به یکدیگر مرتبط و مجموعه ای از کنش و واکنش هایی ایجاد می کنند که جوهره توسعه پایدار مناطق مرزی را تحت تأثیر خود قرار می دهد. از این رو، در هر نوع برنامه ریزی اعم از توسعه مناطق مرزی و به ویژه آمایش مناطق مرزی؛ توسعه و امنیت به عنوان ستون های آمایش مناطق مرزی به حساب می آیند (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۵۷). بنابراین نابرابری های چشمگیری در میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی وجود دارد و تا زمانی که عوامل نابرابری ها چه عوامل درونی و چه عوامل بیرونی کاهش پیدا نکند، نابرابری های برون منطقه ای نیز تقلیل نخواهند یافت و الگوی فضای توسعه در ایران یعنی مرکز- پیرامون همچنان به عنوان الگوی فضایی مسلط می باشند، زیرا که مناطق مرکزی از نظر توسعه نسبت به مناطق مرزی و پیرامونی وضعیت بهتری دارند.

بنابراین مطابق با آنچه که بیان گردید عوامل مختلفی هستند که بر اقتصاد و در نتیجه توسعه مناطق مرزی ایران اثرگذار می باشند که بدون در نظر گرفتن آنها در برنامه ریزی و سیاست گذاری ها، بازارچه های مرزی به عنوان فعالیت اقتصادی کارایی لازم را نخواهند داشت. برخلاف مناطق مرکزی کشور، مناطق مرزی دارای سیمای جغرافیای انسانی، اجتماعی و سیاسی ناهمگونی دارند. این ناهمگونی تاحدی است که می توان برخی مناطق مرزی ایران را بحرانی، برخی را استراتژیک، برخی را اقتصادی و ... نامید. اگر عوامل مؤثر بر توسعه ی مناطق مرزی را در دو گروه عمده قرار دهیم گروه اول دربرگیرنده ی عواملی است که از داخل کشور بر فضای جغرافیای مناطق مرزی اثر می گذارد که این عوامل بسته به سیاست گذاری های دولت قابل رفع شدن یا کاهش حداقلی آنها می باشد. گروه دوم شامل عواملی است که مناطق مرزی را از خارج کشور تحت تاثیر قرار می دهد. که در ادامه این موضوع تشریح می گردد.

۵-۱- متغیره های درونی مؤثر بر کارایی بازارچه های مرزی

یکی از ویژگی های مناطق مرزی ایران، انطباق آن با پراکنش جغرافیایی اقوام ایرانی است به طوری که اغلب اقوام ایرانی در حاشیه مرزها استقرار یافته اند. ویژگی های خاص کوهستانی یا دشتی بودن و نوع قرارگیری عوارض جغرافیایی نیز در جدا افتادگی برخی اقوام از پیکره اصلی سرزمین ایران مؤثر بوده است. به علاوه امتداد زبانه ای جمعیتی از هم تباران قومی و مذهبی در آن سوی مرز و در کشورهای همسایه، جملگی مسائل اقوام ایرانی را در طول تاریخ تحت تأثیر قرار داده است

(رضازاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۲). بافت و ساختار جمعیتی این نقاط اکثراً عشایری بوده و قومیت‌های مختلف با زیرساخت‌های فرهنگی گوناگون در آن زندگی می‌کنند. این نقاط به عنوان نقاط بحرانی دچار بحران‌های شدید اقتصادی-اجتماعی می‌باشند (حیدری‌راد و پاهکیده، ۱۳۹۷: ۱۶۷). این مسائل هنگامی مهم تر می‌نماید که موقعیت جغرافیایی حاشیه ای اقوام با موقعیت حاشیه ای آنها در اقتصاد و توسعه نیز منطبق باشد. در این صورت است که واگرایی در اقوام حاشیه ای تقویت می‌گردد چرا که چنان چه تعلق به هر گروه یا قوم باعث رفتار تبعیض آمیز و متفاوت دولت و گروه‌های دیگر گردد، هویت قومی در آن گروه برجسته تر خواهد گردید (رضازاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۲-۴۹). فقدان اشتغال پایدار و ضعف زیرساخت‌ها، فاصله جغرافیایی و بعد مسافت استان‌های مرزی با مرکزیت باعث شده تا برخی از مناطق کشور مرزی به محل نسبتاً مناسبی برای تجارت غیر رسمی کالا بدل شوند. کمبود امکانات، ضعف در زیرساخت‌های رفاهی، توسعه نیافتگی و محدودیت فرصت‌های شغلی در استان‌های مرزی، مؤید توزیع نامتوازن و نامتعادل امکانات در این مناطق در مقایسه با کلان‌شهرهایی همچون تبریز، اصفهان، تهران، البرز، مشهد و... است. توزیع نامتوازن فرصت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر برای ایجاد صنایع و اشتغال در استان‌ها نه تنها باعث مهاجرت اجباری صدها هزار نفر از استان‌های مختلف به کلان‌شهرها شده است، بلکه باعث شده تا جمعیت باقی مانده در استان‌های کمتر برخوردار از فرصت سرمایه‌گذاری‌های مؤثر نیز اغلب با بیکاری بالا و نبود فرصت‌های شغلی مواجه باشند. بنابراین عواملی چون انزوای جغرافیایی، سیاست‌گذاری‌های نادرست و تک بعدی و عدم انگیزه برای سرمایه‌گذاری در این مناطق را از عمده‌ترین عوامل داخلی مؤثر بر توسعه مناطق مرزی بشمار آورد.

یکی از مهم‌ترین عامل‌های تاثیرگذار بر مناطق مرزی ایران قاچاق یا به عبارتی مبادلات غیررسمی می‌باشد. قاچاق، پدیده‌ای است که کم و بیش تمام کشورهای دنیا با آن مواجه هستند، ولی وسعت و عمق آن در کشورهای در حال توسعه، بیشتر از کشورهای توسعه یافته است، به طوری که در برخی از کشورهای در حال توسعه بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را در بر می‌گیرد. قاچاق کالا در ایران را باید از بیماری‌های ساختاری اقتصاد ایران تلقی کرد. وجود تقاضا و نیز عرضه برای قاچاق در کنار کم‌و‌دون خطرپذیری این فعالیت زیرزمینی از علل اساسی رواج آن در حجم نسبتاً گسترده در اقتصاد ایران است. وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بیکاری در مناطق مرزی، تاثیر شگرفی در افزایش عبور غیرقانونی انسان و به تبع آن، قاچاق کالا، مواد مخدر، اسلحه، سوخت، دام و سایر اموری که محل امنیت مرزها محسوب می‌شوند، داد (نورجمالی سیدان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

۵-۲- متغیره‌های بیرونی مؤثر بر کارایی بازارچه‌های مرزی

کشور جمهوری اسلامی ایران با بیش از (۸۷۵۵) کیلومتر مرز و همچنین همسایگی با پانزده کشور، دارای شرایط ویژه و حساسی در منطقه خاورمیانه و جهان است. تنوع همسایگی مناطق مرزی ایران و در کنار تنوع دولت‌های پیرامونی مناطق ویژه ای را در مناطق مرزی کشورمان ایجاد کرده است که مشکلات و چالش‌های مناطق مرزی کشور را تشدید کرده است. این عوامل شامل موارد زیر می‌باشد:

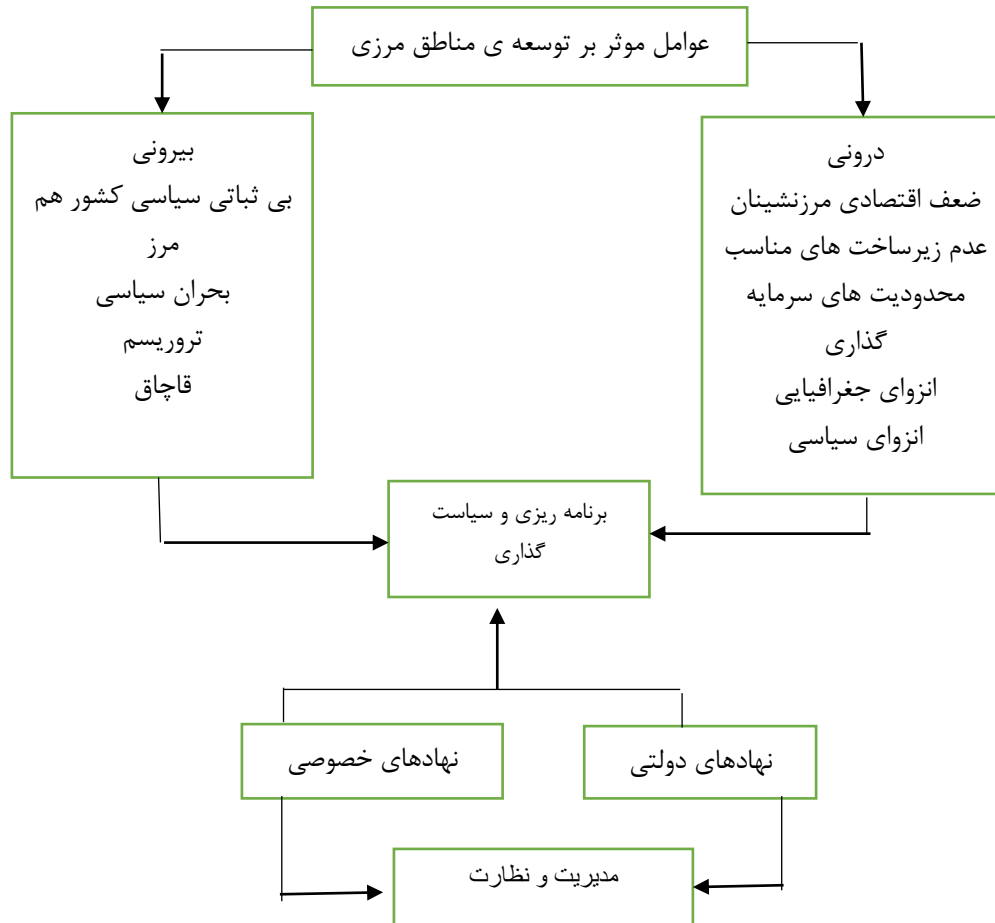
- ✓ بحران‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در آنسوی مرزها؛ جنگ‌های داخلی و خارجی در کشورهای همسایه
- ✓ ضعف حاکمیت بعضی از دولت‌های همسایه در مرزها و مناطق مرزی و ضعف در کنترل این مناطق
- ✓ وجود سوداگران، سودجویان و باندهای قاچاق مواد مخدر و کالا در داخل و خارج از کشور؛
- ✓ ضعف اقتصادی و فرهنگی مرزنشینان آنسوی مرزها

✓ وجود گروهک‌های تروریستی در آنسوی مرزها

✓ حوادث و رویدادهای مختلف مرزی مانند، تجاوزات زمینی، هوایی و دریایی، درگیری‌های مسلحانه با اشراق و قاچاقچیان، سرقت اموال و احشام و آدمربایی، تردهای غیرقانونی، پناهندگی، مهاجرت، و غیره اشاره نمود که حساسیت و اهمیت کنترل مرزها را دوچندان می‌کند (مرادی، ۱۳۹۷: ۱).

در گذشته مناطق مرزنشین به دلیل ناتوانی‌های بالقوه، جزء مناطق منزوی و محروم به حساب می‌رفت. اما با جهانی شدن صنعت، تجارت، امور مالی و تغییرات در نظام بین‌المللی، تفکرات ژئواستراتژیک به سوی باورهای جغرافیای اقتصادی مرزها معطوف شد. به گونه‌ای که تحولات در کارکردهای مرز و نگرش به آن، به عنوان یک فرصت اقتصادی از سوی نظام‌های سیاسی حاکم، موجب افزایش جمعیت در مناطق مرزی شده و شرایط جدیدی را رقم زده است. این شرایط جدید، مرکز را وادار به تجدیدنظر در روابط خود با پیرامون کرده است. رشد و رونق فعالیت‌های تجاری و بازرگانی در مرزها و یا مناطق مرزی تأثیرات مثبت و بسزایی در توسعه‌ی شهرهای مرزی گذاشت (راشکی قلعه نو و دیگران، ۱۳۹۷، ۱۵۵). برای نمونه می‌توان به همکاری بین‌المللی در زمینه توسعه مناطق مرزی به منشور آمایش اروپا اشاره کرد. اما با گذر زمان و باتوجه به تحولات ناشی از ورود جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات و نیز فناوری‌های ارتباطی و شکل‌گیری پدیده‌های مختلف جهانی کارکردهای مرزی و نگاه به مرزها در حال تغییر می‌باشد. یکی از مهم‌ترین پدیده‌ی قرن حاضر که بر سیاست‌گذاری‌های کشورهای در حال اثرگذاری است پدیده‌ی تروریسم می‌باشد. بنابراین مقوله‌ی امنیت نیز دچار تحولات زیادی شده است. اگر امنیت را فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های حیاتی و نیز ایجاد شرایطی برای استفاده از فرصت‌ها و تأمین منافع ملی بدانیم، به نظر می‌رسد در شرایط کنونی مفهوم امنیت با برخی از چالش‌ها مواجه است (عسگری، ۱۳۸۲: ۸۷). امروزه امنیت از اهمیت بیشتری برخوردار شده و پیچیدگی‌های بیشتری نیز پیدا کرده است. حوادث و منازعات خشونت‌بار در کشورهای افغانستان، پاکستان، عراق، یمن، سوریه، لیبی و ... بیان می‌کند که امنیت اساس زندگی است. وضعیت مرزهای شرقی ایران و تعطیلی مکرر بازارچه‌های مرزی در مرز مشترک ایران و افغانستان و ایران و پاکستان نشان می‌دهد عوامل بیرونی چون ضعف دولت مرکزی در کنترل مرزها، بحران‌های سیاسی، گروهک‌های تروریستی و قاچاق عواملی بسیار موثر بر سیاست‌گذاری‌های و برنامه‌های توسعه‌ای مناطق مرزی ایران می‌باشند بطوری در نظرنگرفتن این عوامل به عنوان اساسی‌ترین مسائل مرزی در سیاست‌گذاری‌ها موجب تبعات مالی؛ زمانی و موجب از بین رفتن سرمایه‌ی اجتماعی است.

بنابراین می‌توان اذعان نمود برنامه‌ی توسعه‌ی مناطق مرزی و سیاست‌گذاری‌هایی که برای توسعه مناطق مرزی اتخاذ می‌شوند در گام اول باید منطبق بر محدودیت و قابلیت‌های مرزی باشند. سپس در بخش مدیریتی نهادهای دولتی زمینه‌هایی را برای حضور نهادهای خصوصی ایجاد کنند.



مدل شماره (۲): برنامه ریزی و سیاست گذاری بازارچه

۶- نتایج

برنامه ریزی توسعه ای در مناطق مرزی مستلزم توجه به سطوح محلی و منطقه ای، ملی، فراملی و جهانی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده و هرگونه برنامه ریزی توسعه ای در مناطق مرزی، مستلزم تأمین زیرساخت های اقتصادی و اجتماعی لازم متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی می باشد. بازارچه های مرزی ایران به عنوان یک برنامه ی توسعه ای مناطق مرزی بدون توجه به زیرساخت های لازم از کارایی لازم برخوردار نیستند. سیاست گذاری های اتخاذ شده برای بازارچه های مرزی ایران، زمانی رو به پیشرفت خواهد بود که در این سیاست گذاری ها مقیاس های محلی، تفاوت های مکانی و عوامل موثر بر اقتصاد مناطق مرزی در نظر گرفته شوند. درنهایت باید گفت مناطق مرزی ایران گرفتار طیف وسیعی از محدودیت، تهدید و مشکلاتی هستند که آنها را در خطر حاشیه ای قرار داده است و یک شکاف مداومی میان مناطق مرکزی و پیرامونی در کشور ایجاد نموده است. با توجه به تنوع پیچدگی ها و معضلات چند بعدی مناطق مرزی نباید برای رفع چالش های موجود رویکردهای یکسان، ساده و تک بعدی در نظر گرفت؛ بلکه باید با در نظر گرفتن محدودیت و قابلیت های مناطق مرزی و تاکید بر اختلافات جغرافیایی مکان ها رویکردهای چندگانه ای در مدیریت مناطق مرزی برای توسعه ی آنها در برنامه ریزی ها ارائه نمود. باید پذیرفت که سیاست بازارچه برای توسعه مناطق مرزی در تمامی مناطق مرزی کارایی نداشته است؛ اگر چه در مرزهای غربی ایران می توان به نمونه های تقریباً موفق از بازارچه اشاره نمود ولی در کل بازارچه های مرزی از اهداف اصلی خود خصوصاً در مرزهای شرقی کشور بازمانده اند

منابع

- ابراهیمی مستکانی، عابد و احمدوند، مصطفی (۱۳۹۴)، "ارزیابی تاثیرات اجتماعی-اقتصادی بازارچه مرزی سرو بر توسعه مناطق روستایی پیرامون" پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۲، ص: ۳۸۸-۳۶۹.
- ابراهیم‌زاده، عیسی. موسوی، میرنجف. کاظمی‌زاده، شمس‌الله (۱۳۹۱)، "تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران" فصلنامه ی ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره اول، ص: ۲۳۵-۲۱۴.
- اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۸۷)، "مطالعه انسان شناختی بازارچه های مشترک مرزی با رویکرد انسان شناسی اقتصادی، مطالعه موردی: تجارت مرزی در روستاهای مرزنشین شهرستان سردشت"، پژوهش نامه انسان شناسی، شماره ۹، ص: ۶۵-۳۸.
- اطاعت، جواد و دبیری علی اکبر (۱۳۹۵)، "بررسی ابعاد مکانی-فضایی تروریسم"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره دوم، ص: ۴۷-۲۵.
- بدری، سیدعلی، دربان آستانه، علیرضا و سعدی، سیما (۱۳۹۶)، "تأثیر بازارچه های مرزی بر ارتقاء شاخص های اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین مطالعه موردی :مرز باشماق مریوان"، فصلنامه ی برنامه ریزی فضایی(جغرافیا)، سال هفتم، شماره سوم، ص: ۶۲-۴۱.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجردی (۱۳۹۰) نظریه های شهر و پیرامون .چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت .
- حاتمی نژاد، حسین و داراب خانی، رسول(۱۳۸۵)، "تحلیلی بر نظریه مکان مرکزی کریستالر"، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره پانزدهم، شماره شصت و شش ص: ۶۹-۶۵.
- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت، تهران.
- حیدری‌راد، محمدرفوف و پاهکیده، اقبال (۱۳۹۷)، "ارزیابی عوامل ژئوپلیتیکی، تهدیدها و مخاطرات مناطق مرزی استان کرمانشاه"، جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای شماره ۲۷، ص: ۱۸۶-۱۶۷.
- خندان، عباس (۱۳۹۶)، بررسی ارتباط بین سیاست‌های دولت در بازارهای مختلف، پژوهشنامه اقتصاد کلان، سال دوازدهم، شماره ۲۳، ص: ۳۲-۱۴.
- دبیری، علی اکبر. حافظنیا، محمدرضا. صفوی، سیدیحیی. اخباری، محمد (۱۳۹۶)، "ارزیابی متغیرهای ژئوپلیتیک موثر در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی، مطالعه موردی: مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان"، مجل پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال دوم، شماره دوم، ص: ۱۹۲-۱۶۳.
- راشکی قلعه‌نو، زهرا. یعقوبی، نورمحمد. حسین‌زاده، رمضان و کمالیان، امین رضا (۱۳۹۷)، "اثر صادرات بازارچه های مرزی بر اشتغال منطقه سیستان"، فصلنامه راهبرد توسعه، سال پانزدهم، شماره دوم، ۱۷۲-۱۵۵.
- رضازاده، زهره. شاطری، مفید و راستی، عمران (۱۳۹۳)، "اقدامات توسعه‌ای و نقش آن در تامین امنیت پایدار مناطق مرزی، مطالعه موردی: کمربند سبز دشت خوشاب/مرز خراسان جنوبی با افغانستان"، فصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، ۷۲-۴۹.
- زیاری، کرات‌الله. سرخ‌کمال، کبری. زنجیرچی، سیدمحمد و کرمی، محمد (۱۳۹۰)، "نگرشی تحلیلی بر نظریه قطب رشد در توسعه منطقه‌ای مطالعه ی موردی: استان خراسان رضوی"، فصل نامه آمایش محیط شماره ۱۷، ص: ۲۳-۱۶.
- سعیدی، علی اصغر. اسماعیل‌زاده، خالد و عبدالله پور، جمال (۱۳۸۸)، "بررسی جامعه شناختی اقتصادی بازارچه های مشترک مرزی، مطالعه‌ی موردی: بازارچه های مرزی سردشت و پیرانشهر" فصلنامه ی علوم اجتماعی، ص: ۹۳-۱۳۳.
- شاه‌آبادی و ثمری (۱۳۹۶)، عوامل موثر بر صادرات مبتنی بر فناوری برتر با استفاده از روش سیستم همزمان، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۷، ص:

- لطفی، حیدر (۱۳۹۷)، "نقش بازارچه های مرزی در موازنه سازی و تقارن فضای اقتصادی مناطق مرزی ایران مطالعه موردی: بازارچه مرزی مریوان"، نشریه علمی-پژوهشی برنامه ریزی توسعه کالبدی، سال سوم، شماره ۷، پیاپی ۱۱، ص: ۹۴-۱۱۰.
- عسگری، محمد (۱۳۸۲)، "جهانی شدن و امنیت ملی دولت" فصلنامه راهبرد، شماره بیست و هشتم.
- علینقی، امیرحسین (۱۳۵۶)، "داده های از عدم تعادل در جامعه ایران؛ استان های مرزی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی، تهران. انتشارات دانشکده فرماندهی سپاه
- عندلیب، علیرضا و معطوف، شریف (۱۳۸۸)، "توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران"، باغ نظر، شماره ۱۲، سال ششم، ص: ۷۶-۵۷.
- قدمگاهی، مرضیه بیگم. وطن دوست، غلامرضا و پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۹)، "مقایسه ی اثرپذیری مناطق مرزی و مرکزی کشور از مواد مخدر و تاثیر آن بر اقتصاد خانوار (مطالعه موردی تایباد و تهران)"، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره چهارم، ص: ۱۱۹-۱۳۲.
- کریمی، مرتضی و وفایی، علی اکبر (۱۳۹۲)، امنیت سازی با توسعه پایدار در مناطق مرزی (مطالعه موردی، شهر مریوان)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال چهارم، شماره پانزدهم، ص: ۹۵-۱۱۲.
- کامران، حسن؛ محمدپور، علی و جعفری، فرهاد (۱۳۸۸)، تحلیل کارکرد بازارچه مرزی باجگیران، نشریه انجمن جغرافیای ایران، سال ششم، شماره ۱۹ و ۱۸، ص: ۲۵-۸.
- کاک الهی، دلارام (۱۳۹۵)، مبادلات مرزی و تاثیر آن بر توسعه مناطق مرزی ایران با عراق، مطالعه موردی: مناطق مرزی -استان کردستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، دانشکده زبان و ادبیات فارسی.
- کوشکی، امین و طولابی نژاد، مهرداد (۱۳۹۷)، "برنامهریزی پایدار توسعه همکاریهای مناطق مرزی (CBC) عوامل و محرکهای موثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی"، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیستم، شماره ۵۶، شماره ۱۴۰-۱۱۵.
- طیب نیا، سیدهادی و منوچهری، سوران (۱۳۹۵)، نقش بازارچه های مرزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی، مورد: روستاهای بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان، فصلنامه فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۱، ص: ۱۷۲-۱۴۷.
- ویسی، فرزاد و احمدی، عبدالمجید (۱۳۹۵)، تحلیلی بر تاثیر راهکارهای اصلاحی مدیریت بازارچه مرزی در بهبود سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی نواحی روستایی پیرامون (مطالعه موردی: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان)، پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال ششم، شماره دوم، ص: ۱۹۰-۱۷۱.
- معطوف، شریف (۱۳۸۱)، بررسی پدیده عدم تعادل های منطقه ای در برابر توسعه کشور و استخراج درس های از طرح توسعه شهرستان مرزی نهبندان برای استفاده در تدوین برنامه چهارم توسعه کشور، مجموعه مقالات همایش چالش ها و چشم اندازهای توسعه ایران، تهران: انتشارات شریعه توس.
- مقررات صادرات و واردات (۱۳۹۷)، دفتر مقررات صادرات و واردات، ناشر: شرکت چاپ و نشر بازرگانی (وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)،
- مرادی، عزیزمراد (۱۳۹۷)، "ارزیابی و سنجش تاثیر ابعاد ژئوپلیتیک مهاجرت غیرقانونی بر نظم و امنیت در مناطق مرزی شرق کشور"، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ششم، شماره بیست و چهارم، ص: ۱-۳۶.
- مظفری، ابوالقاسم. حاجی حسینی، حمیدرضا و حاجی حسینی محمدرضا (۱۳۹۷)، "بررسی جایگاه ژئوپلیتیک آب در توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی بر اساس رویکرد سیستم های پویا"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پانزدهم، شماره اول، ص: ۱۴۵-۱۱۸.
- موسوی، میرنجف (۱۳۹۰)، برنامه ریزی توسعه شهرهای مرزی، مشهد.
- موسوی، میرنجف (۱۳۹۰)، "ارزیابی نقش بازارچه های مشترک مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرزنشین مطالعه موردی: بازارچه ی مرزی ترمچین پیرانشهر"، جغرافیا و توسعه، شماره ۳۳، ص: ۷۰-۵۵.



- نورجمالی سیدان، سیدجمال؛ بابایی، محبوب، آزاد فلاح، زهره و افتخاری، الهام (۱۳۹۵)، قاچاق کالا چالشی فراروی توسعه مناطق مرزی، راهبردها و استراتژی ها (مورد بازرگان-ماکو) با مدل ، ماهنامه اقتصاد پنهان، سال اول، شماره اول، ص: ۱۱۹-۱۰۰.
- Cussen, Mark P., CFP, CMFC, AFC (۲۰۰۸). The Difference Between Emerging And Frontier Markets, International Markets
- Draghi, M (۲۰۱۵). Cross-border markets and common governance, President of the ECB, Bank of England Open Forum, London.
- Jones, Philip, N. & Wild, Trevor(۱۹۹۴), Opening the Frontier: Recent spatial Impacts in the Inner_german Border Zone; Regional Studies, vd.۲۸,۳.
- Walther O (۲۰۱۴a). Borders, cross-border cooperation and freedom of movement in the Sahara-Sahel, in Bossard L (ed.) An Atlas of the Sahara-Sahel: Geography, Economics and Insecurity. Paris, Organisation for Economic Growth and Development (in press).

بررسی نقش عوامل جغرافیایی در احساس امنیت اجتماعی مرزنشینان منطقه مورد مطالعه دهستان مرزی شهرستان سرخس

فاطمه بخشی شادمهری^{۱*}، سمانه عبداللهی^۲، عاطفه امیری^۳، فائزه بخشی^۴

- ۱- دانشجوی دکتری، جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده ی مسئول
- ۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد، برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد
- ۳- دانشجوی کارشناسی، علوم جغرافیایی، دانشگاه فردوسی مشهد
- ۴- دانشجوی کارشناسی، روانشناسی، دانشگاه پیام نور تربت حیدریه

*fa.bakhshi@mail.um.ac.ir

چکیده:

طرح مسئله: رشد جامعه متکی بر سرمایه های انسانی، مادی و اجتماعی شهروندان است و این سرمایه ها جهت شکوفایی نیازمند امنیت، اِمنی و احساس امنیت می باشد. احساس امنیت نقش بسیار مهمی در سلامت روان و پویایی جوامع انسانی دارد و از اینرو حکومتها و دولتها تلاش می کنند بسترهای ایجاد آرامش و تقویت احساس امنیت را در بین شهروندان خود بهبود بخشند. در این پژوهش تلاش شده تا نقش عوامل فضای جغرافیایی در احساس امنیت اجتماعی در دهستان های مرزی شهرستان سرخس در استان خراسان رضوی مورد بررسی قرار گیرد.

روش پژوهش: بر این اساس با مراجعه به ادبیات موضوع و نظریه های امنیت اجتماعی شاخص انتخاب و در قالب پرسشنامه بین ۱۹۲ نفر از ساکن دهستان های پل خاتون، تجن و سرخس توزیع گردید. در نهایت داده های حاصل از پیمایش به روش لوین، T و رگرسیون مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: یافته ها از یک سو نشان می دهد که زنان، اهل سنت و مرزنشینان با سکونت کمتر از ۵ سال کمتر احساس امنیت دارند و از سوی دیگر در بررسی ارتباط ها و همبستگی ها بین دو متغیر اصلی پژوهش فضای جغرافیایی در میزان امنیت ارتباطی و جانی بسیار ارتباط و همبستگی قوی داشته است.

نتیجه گیری: موقعیت جغرافیایی دهستان ها که در فاصله کوتاهی از مرز قرار گرفته و تلفیقی بودن این شهرستان بر بعد امنیت ارتباطی و امنیت مالی اثرگذار است.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، احساس امنیت، مناطق مرزی، شهرستان سرخس

۱- مقدمه

امنیت از نیازها و انگیزه های اساسی انسان به شمار می رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین رفته و تشویش، اضطراب و نارامی جای آن را می گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای ادمی در گرو تامین امنیت است (کاهه، ۱۳۸۴: ۱۳۳). نقش امنیت در هر سطحی و با هر گونه بعدی در بسترسازی توسعه جوامع انسانی، فراهم آوردن فضای فکری، مدیریت زندگی اجتماعی، مشارکت در روابط اجتماعی و بالاخره زمینه سازی برای سعادت دنیوی و احروری بشر را برای شهروندان هر جامعه ای فراهم می کند (رضازاده و علمی، ۱۳۹۳: ۱۱۷). اغلب اندیشمندان امنیت را از زمانی که انسان ها زندگی جمعی را آغاز کردند تا به امروز، که جهان به سمت نظامی یکپارچه پیش می رود، حیاتی ترین نیاز بشر برای زندگی اجتماعی میدانند، به طوری که به تعبیر برخی، کار ویژه بی بدیل حکومت ها در جامعه مدرن امروزی و عصر مدرنیته، ایجاد و حفظ امنیت در معنای وسیع آن است (پروین و طزری، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

با توجه به چنین اهمیتی امنیت اجتماعی به عنوان یکی از شاخص ها عمده پدیده امنیت جزء نیازهای اساسی انسان و فصل مشترک همه مشکلات انسان است. بسیاری از اسناد بین المللی در زمینه حقوق بشر، امنیت اجتماعی را به عنوان یکی از بنیادی ترین حقوق افراد یک جامعه مطرح می کنند. در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ آمده است که "هر فردی به عنوان عضوی از جامعه دارای حق امنیت اجتماعی است" (غلام نیارمی، ۱۳۹۶: ۷۰). تامین این حق باعث شکل گیری احساس امنیت می شود، احساس امنیت یکی از بارزترین وجوه بالندگی یک اجتماع و بستر ساز رشد و توسعه و ثبات جامعه می باشد (بهیان و فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

منابع تامین کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه های مختلف نیز متفاوت از همدیگر است و این منابع در سه سطح کلان، میانی و خرد اثرگذار می باشند. در سطح کلان ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قطعی، خشکسالی، زلزله، سیل و سقوط ساختار سیاسی حکومت از عمده منابعی است که ساختار کلان احساس امنیت در افراد را شکل می دهند. روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، چالش های بین گروه ها و جناح های مختلف، کارکرد نیروهای انتظامی، ارتش، قوه قضاییه، نظام پولی، نظام مندی شغلی، تعاملات و بسیاری از پارامترها ساختار میانی احساس امنیت در گروه های جامعه را شکل می دهند و در سطح خرد نیز روابط بین افراد جامعه در حوزه کار، تحصیل، اقوام و خویشاوندان، همسایگان و نیز تجربه های مستقیم و غیرمستقیم روزانه افراد از پدیده های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم و غیره و برخورداری های اقتصادی و اجتماعی افراد، احساس امنیت در سطح خرد را شکل می دهد بنابراین احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط می یابد (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۲: ۱۰).

با توجه به منابع احساس امنیت و جایگاه امنیت اجتماعی ضرورت توجه به انواع متغیرهای اثرگذار را برای محققان روشن می کند، یکی از این عوامل سکونت در یک منطقه مرزی و شرایط محیطی که به خاطر سکونت در این منطقه برای مرزنشینان شکل می گیرد، می باشد. مطالعه و تحقیق در خصوص مسئله مطرح شده نیز از آنجا ناشی می شود که تهدیدات داخلی بالفعل و بالقوه در کشورهای کمتر توسعه یافته، اغلب، امنیت اجتماعی این جوامع را به خطر می اندازد (خوشفر، ۱۳۸۷: ۳).

برهمن اساس شناسایی عوامل و عناصر تامین امنیت اجتماعی و از پیش شرط های اساسی در جهت برنامه ریزی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی به شمار می رود. در یک پیمایش ملی، نتایج احساس امنیت اجتماعی در کل کشور نشان می دهد که ۵۲ درصد افراد دارای احساس امنیت اجتماعی زیاد، ۷ درصد متوسط و ۲۱ درصد دارای احساس ناامنی اجتماعی هستند. این میزان برای استان خراسان بزرگ بدین گونه است که ۴۳.۶ درصد افراد دارای احساس امنیت اجتماعی زیاد، ۳۲.۲ درصد متوسط و ۴۲.۲ درصد احساس بی امنیتی اجتماعی می کنند. ملاحظه می شود که این میزان کمتر از میانگین احساس امنیت اجتماعی کل کشور است (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۹۰). بنابراین دغدغه بررسی عوامل موثر در این احساس ناامنی در این استان اهمیت دارد. تحقیق حاضر به همین منظور و در پی شناسایی عوامل تاثیرگذار و روابط بین متغیرهای امنیت اجتماعی و عوامل محیطی در منطقه مرزی شهرستان سرخس در استان خراسان رضوی می باشد. این شهرستان یکی از شهرستان های تلفیقی شرق ایران است که با کشور ترکمنستان همسایه بوده و علاوه بر این از نظر اقتصادی به خاطر وجود پالایشگاه خانگیران شرایط خاصی دارد.

۲- مبانی نظری

مبانی نظری این تحقیق برای اساس نظریه های اندیشمندان کلاسیک و معاصر و صاحب نظران مطالعات امنیتی بنا شده، که به صورتی ادغام شده پایه نظری پژوهش ما را می سازد.

در نظریات امنیت پایدار، کیفیت زندگی، محور کانونی مباحث قلمداد شده و این مفهوم، متضمن حاکمیت شرایطی است که در چهارچوب آن، دولتها به حقوق شهروندی احترام بگذارند. از این منظر، امنیت انسانی از مهم ترین مولفه ها برای رسیدن به درجات قابل اتکایی از آن است. از این رو توسعه و پایداری امنیت نتیجه کاهش فقر، بیکاری و برابری شهروندان است و فقدان وجود مولفه های امنیت پایدار سبب ناامنی و ناامنی منجر به توسعه نیافتگی و بی ثباتی در جامعه خواهد شد (عباس-زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۳۹) که یکی از ابعاد مهم در امنیت پایدار توجه به امنیت اجتماعی است. مقوله امنیت اجتماعی برای اولین بار توسط باری بوزان به صورت منسجم مورد توجه قرار گرفت. وی امنیت اجتماعی را با توانمندی و ظرفیت های یک جامعه در جهت حراست و حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی شاخص سازی کرده است. وی با بیان معنای ارگانیک نرفته در این نظریه آغاز می نماید و برای این عقیده است که زمانی امنیت اجتماعی مطرح است که نیروهای بالقوه یا بالفعل به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد (نویسنده، ۱۳۸۵: ۴۰).

سیر مباحث پیرامون امنیت اجتماعی و روابط متقابل امنیت و ابعاد آن و جامعه مورد توجه اندیشمندان بسیاری بوده که در این بین جامعه شناسانی در مکتب های مختلف به آن پرداخته اند.

- آنتونی گیدنز دو وجه از امنیت را مطرح می نماید: در وجه عینی شیوه زندگی، امکان زندگی برای تمام افراد به گونه ای فراهم است که جامعه مدرن تعریف می شود. در بعد ذهنی امنیت معطوف به خشنودی و رضایت فرد از خویش می باشد.
- مولار تاکید بر وجه سلبی امنیت اجتماعی دارد و امنیت اجتماعی زمانی حاصل می شود که جامعه تهدیدی در باب مولفه های هویتی خود احساس کند.
- باری بوزان امنیت اجتماعی را به حفظ مجموع ویژگی هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می کند و آن را بیشتر دولت محور میداند و کمتر به ابعاد و تحولات فرهنگی و اجتماعی جدیدی توجه دارد که از این حیث، مورد نقد قرار گرفته است.
- ویور، بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تاکید دارد و خاطر نشان می کند که جامعه امنیت هویتش را جستجو می کند. ویور در تحلیل های امنیتی جامعه را اساساً به معنی ملت یا اجتماعات قومی که براساس ایده ملت

فرمول بندی شده اند، تعریف می کند؛ از این رو حفظ شرایط داخلی برای تکامل هویت را بنیاد اساسی امنیت اجتماعی دانسته است.

- میتار برای ارزیابی امنیت اجتماعی از مدل سیستمیک استفاده می کند، در این مدل تکیه بر نظریه آنارشیسمی کرده و مسائل جامعه را بر اساس سطوح متفاوت (فرد، گروه، سازمان، اجتماع، جامعه سیستم و فراملی تحلیل کند و از آنارشی (هرج و مرج) به جای تعادل به عنوان وسیله ای برای اندازه گیری حالات نظام استفاده می کند(مک سوینی، ۱۳۹۰: ۷۲).

- نویدنیا نیز در اثر خود به نام امنیت اجتماعی بر امنیت اجتماعی چندبعدی تأکید دارد. نویدنیا امنیت اجتماعی را در ابعاد امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت عاطفی و امنیت ارتباطی مطرح می کند(نویدنیا، ۱۳۸۸: ۶).

با توجه به مباحث فوق باید تأکید کرد که امنیت دو جنبه عینی و ذهنی دارد که جنبه ذهنی و درونی آن همان احساس امنیت است(کارگر، ۱۳۸۳: ۳۶). که با جنبه های ذهنی امنیت به صورت مستقیم در ارتباط هست؛ اما همانطور که میان ترس و خطر تفاوت وجود دارد، باید میان احساس امنیت و امنیت نیز تفاوت قایل شد(مدیری، ۱۳۸۵: ۲۶).

احساس امنیت از قرار گرفتن انسان در شرایط محیطی به مثابه نوعی ادراک روانی حاصل میشود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص، با ساختار فرهنگی و اجتماعی دیگر متمایز میگردد. بر این اساس شکل گیری احساس امنیت از لحاظ روانشناختی، هم وابسته به شرایط محیط شهری و هم ساختار فرهنگی است.

نکته تأمل برانگیز نقش و اهمیت وجود احساس امنیت در بین افراد جامعه است؛ یعنی در کنار وجود امنیت در بعد عینی امنیت باید از نظر ذهنی نیز وجود داشته باشد. با توجه به این مسائل، برخی از کارشناسان احساس امنیت را مقدم بر وجود عینی امنیت می دانند.(حمیدی پور و رجبی، ۱۳۹۷: ۹۸). احساس امنیت مفهوم چندبعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه های متفاوت ظهور می یابد و سه رویکرد مهم در بحث احساس امنیت مطرح می باشد که عبارت اند از:

- رویکرد اول: با عنوان (آسیب پذیری) که آسیب پذیری های فیزیکی، روان شناختی و اقتصادی را مدنظر قرار می دهد.

- رویکرد دوم: با عنوان «تجربه از جرم» اعم از مستقیم (به عنوان قربانی) و غیرمستقیم (از طریق دوستان، تماس های اجتماعی و یا رسانه ای) را مدنظر قرار می دهد.

- رویکرد سوم: بر محیط اجتماعی و فیزیکی محلی به عنوان منابع احتمالی احساس ناامنی (مانند تأکید بر آشفتگی های فیزیکی و فقدان انسجام اجتماعی به عنوان منبع احساس ترس و ناامنی) متمرکز است(محمدی مقدم و اسدی، ۱۳۹۷: ۸۱).

با توجه به رویکرد های می توان بیان کرد که بسترهای محیطی در ایجاد احساس امنیت نقش موثری دارند که این امر توجه به فضاهای جغرافیایی چون مناطق مرزی که امنیت آن در امنیت مرکز و ثبات ملی تاثیرگذار است، را دو چندان می کند. مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشورها به حساب می آیند. مراد از مناطق مرزی، نواحی جغرافیایی مجاور مرز است که شهرها، روستاها و اجتماعات انسانی را در برمی گیرد. نظر به این که مناطق مرزی، دورترین مناطق کشور از مناطق مرکزی هستند، بیشتر این مناطق در زمره عقب افتاده ترین و محروم ترین بخش های کشور هستند. مناطق مرزی در اکثر کشورها دارای شاخص های مشترکی هستند که در جدول زیر بدان اشاره شده است(مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۴۲).

جدول ۱: ویژگی های مناطق مرزی

دوری از مرکز: بیانگر فاصله مکانی- جغرافیایی مناطق مرزی از سرزمین اصلی است.
انزوا و حاشیه ای بودن: مناطق مرزی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، بیانگر تفاوت های عمیق عملکردی- ساختاری هستند.
ناپایداری الگوی اسکان و سکونت: به دلیل شرایط جغرافیایی مناطق مرزی، که عموماً مناطق با طبیعت خشن و صعب

العبور هستند.
نظام و الگوی مراودات و تبادلات: مناطق مرزی، با توجه به موقعیت مراوده ای خود در مرز حایل سیاسی بین دو کشور، از فرصت ها و ظرفیت لازم برای تقویت کنش های اقتصادی ویژه برخوردارند.
تفاوت های فرهنگی - قومی و نژادی: معمولا و در بسیاری از کشورهایی که خطوط مرزی گسترده ای دارند و تنوع قومیت ها در آن شدید است، مساله تفاوت های فرهنگی و قومی بین نواحی مرکزی و مرزی حالت شدیدتری به خود می گیرد.
تهدیدات خارجی: مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشورهای همجوار، که ممکن است با تعارضات سیاسی نیز همراه باشد.
ساختار دوگانه و دوگانگی سیستمی: در نگرش سیستمی به عناصر سرزمین ملی مشاهده می شود که عموما مناطق مرزی از ساختاری دوگانه برخوردارند که این امر موجب تضعیف و بروز تعارضات توسعه ای در کشور می شود.

منبع: عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۱۵

یکی از ویژگی های به نسبت عمومی و جهان شمول مناطق مرزی، داشتن تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی است. این پدیده، ناشی از قانون تراوش یا نشر و انتشار بین مناطق جغرافیایی مجاور است. بر اساس این قانون، مقداری از جمعیت یک منطقه به مناطق مجاور مهاجرت کرده و ویژگی های خود را به آن سوی مرز می برند. این پدیده به مرور زمان باعث تشکیل گروه های قومی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی می گردد که در نهایت با ویژگی های قومی، اجتماعی و فرهنگی جمعیت آن سوی مرز مشابه و با ویژگی های جمعیت مرکز کشور متفاوتند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۱۵)

موقعیت جغرافیایی اقوام، معادله امنیت ملی را سخت تر کرده است. اقوام مختلف و اقلیت های مذهبی در حساس ترین حوزه های راهبردی کشور و جداره های مرزی اسکان یافته اند که عقبه آنها در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد (عصاریان نژاد، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

۳- پیشینه تحقیق

برای شناخت بهتر چارچوب نظری نیاز است که مطالعات پیشین در زمینه امنیت اجتماعی و امنیت مناطق مرزی توجه شود. تا در نهایت شاخص گذاری دقیق صورت گیرد.

جدول ۲: ادبیات پژوهش

پژوهشگر	عنوان پژوهش	نتایج
حمیدی پور و رجبی (۱۳۹۷)	پیش بینی احساس امنیت اجتماعی براساس هویت اجتماعی، هوش فرهنگی و معنویت	مطابق نتایج، بین احساس امنیت اجتماعی با درجه، نگرش و توانایی معنوی رابطه معناداری وجود دارد. بین احساس امنیت اجتماعی و هویت اجتماعی نیز رابطه معناداری وجود دارد. همچنین متغیر هویت اجتماعی در پیش بینی متغیر امنیت اجتماعی بیشترین اهمیت را دارد. هویت اجتماعی احساس تعلق و همبستگی به جامعه و مؤلفه ای مهم در پیش بینی احساس امنیت اجتماعی است. هر عامل و پدیده ای که در احساس تعلق و همبستگی اعضای هر گروه اختلال ایجاد کند، در واقع، هویت آن گروه را به مخاطره می اندازد و تهدیدی برای امنیت اجتماعی قلمداد می شود.
فرزاد و رستمی (۱۳۹۶)	اعتماد و احساس امنیت در مناطق مرزی استان کرمانشاه (بررسی موردی: شهرستان های پاوه و جوانرود)	نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که هر اندازه سرمایه اجتماعی تقویت گردد، احساس امنیت در ابعاد مختلف آن افزایش می یابد و بالعکس هر اندازه شاهد تضعیف شاخص های سرمایه اجتماعی باشیم، به تبع آن تضعیف روندهای مربوط به احساس امنیت در دو شهرستان مرزی استان کرمانشاه (پاوه و جوانرود) را شاهد هستیم.

<p>نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین پنج ناحیه شهر ایذه از نظر احساس امنیت مکانی تفاوت وجود دارد اما از نظر احساس امنیت اجتماعی تفاوتی وجود ندارد. همچنین بین مدت زمان سکونت در محله با احساس امنیت اجتماعی شهروندان رابطه وجود ندارد، اما بین سطح رضایتمندی نسبت به محله، حس تعلق و مالکیت و حس امنیت و آرامش نسبت به محله مسکونی با احساس نامنی اجتماعی شهروندان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.</p>	<p>بررسی احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (نمونه موردی: شهر ایذه)</p>	<p>سجادیان، اورکی و نعمتی (۱۳۹۵)</p>
<p>بر اساس تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته یعنی احساس امنیت اجتماعی و متغیرهای مستقل اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به محیط و اعتماد نهادی، همبستگی وجود دارد. این متغیرها اثرگذارترین عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در این حوزه پژوهشی می‌باشند.</p>	<p>بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با میزان احساس امنیت اجتماعی شهر دزفول</p>	<p>رضا پور و باقری (۱۳۹۵)</p>
<p>در میان فرم فضا، اطلاعات محیطی، نور، میزان دسترسی، کیفیت فعالیت‌ها و کاربری زمین با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معناری یافته‌اند.</p>	<p>سنجش عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری در فضاهای عمومی شهری</p>	<p>گلی و همکاران (۱۳۹۴)</p>
<p>به این نتیجه رسیدند که بین احساس امنیت اجتماعی و متغیرهای مستقلی چون محل سکونت، نظم اجتماعی، پای بندی مذهبی، خشونت خانگی و درآمد رابطه معناداری است ولی بین سن، میزان تحصیلات با احساس امنیت رابطه معناداری وجود ندارد و همچنین احساس امنیت زنان بر حسب وضعیت تاهل آنان تفاوت معناداری را نشان می‌دهد به عبارتی احساس امنیت زنان متأهل بیش از زنان مجرد می‌باشد.</p>	<p>بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان در کرمان،</p>	<p>دوله و همکاران (۱۳۹۳)</p>
<p>نتایج تحقیق از همبستگی مثبت و معنادار میزان دینداری و ابعاد آن با میزان احساس امنیت اجتماعی نشان داشت. بنابراین روحیه مذهبی و اعتقادات دینی نقش مهمی در تبیین احساس امنیت افراد اجتماع خواهد داشت. از این رو استفاده مطلوب از ظرفیت‌های دینی و روحیه مذهبی افراد موجب شکل گیری امنیت اجتماعی پایدار و در نهایت توسعه همه جانبه اجتماع خواهد شد.</p>	<p>نقش دینداری در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی (مطالعه ای در شهر یزد)</p>	<p>افشانی، ذاکری هامانه، عسکری ندوشن (۱۳۹۳)</p>
<p>نتایج تحقیق نشانگر آن است که بین احساس امنیت و شاخص‌هایی چون: سرمایه اجتماعی، عملکرد رسانه‌ها، نقش نیروی انتظامی، پایگاه اجتماعی افراد و فضای فیزیکی شهر رابطه معناداری وجود دارد.</p>	<p>سنجش احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر های کوچک و مرزی (مطالعه موردی: شهر خواف)</p>	<p>زنگی آبادی و زنگنه (۱۳۹۰)</p>
<p>یافته‌های تحقیق نشان داد که از مجموع عوامل مطرح شده، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و هویت ملی تأثیر افزایش دهنده و دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی قدرتی، اثر کاهنده ای بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند. متغیر احساس بی قدرتی، به صورت مستقیم بر هویت قومی و به صورت معکوس بر هویت ملی افراد تأثیرگذار است. همچنین، متغیرهای هویت قومی و جنسیت، به ترتیب بر احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد اثرگذارند.</p>	<p>بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی</p>	<p>نبوی، حسین زاده و حسینی (۱۳۸۸)</p>

نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در محیط عمومی بیشترین تاثیرگذاری بر عوامل شانزده گانه محیطی مربوط به میزان جامعه پذیری، کنش مذهبی و هویت برگزیده بوده و در احساس محیطی نسل قدیم میزان تعهد اجتماعی و واکنش های مذهبی بیشترین تاثیرگذاری را داشته اند. تاثیر پذیری شدید میزان احساس امنیت از محیط عمومی از متغیر میزان رضایت اجتماعی است و در میان عوامل شانزده گانه محیط عمومی نیز ساختار روابط اجتماعی مسئولانه بیشترین تاثیر پذیری را از متغیرهای احساس امنیت داشته است.	بررسی متغیرهای اجتماعی موثر بر احساس امنیت در محیط عمومی	هندیانی و رستمی (۱۳۸۸)
---	--	------------------------

طبق بررسی مطالعات پیشین، این پژوهش ها در نهایت بیشتر به رابطه هویت و امنیت پرداخته و یا از دیدگاه زنان امنیت اجتماعی را سنجیده اند و کمتر به احساس امنیت در ابعاد مختلف تاکید شده است. در حالی که در این پژوهش از یک سو تلاش شده که احساس امنیت اجتماعی را با توجه به ابعاد چهارگانه امنیت جانی، مالی، عاطفی و ارتباطی مورد سنجش قرار داده شود و از سوی دیگر تاثیر عوامل جغرافیایی که در یک سکونتگاه ممکن است حاکم باشد و بر امنیت شهروندان آن اثرگذار باشد بررسی شود.

۴- روش پژوهش

این پژوهش روش توصیفی - تحلیلی با هدف کاربردی را داراست. داده های مورد نیاز با استفاده از روش اسنادی و پیمایشی گردآوری شده است. سوالات پژوهش عبارتند از:

- چه تفاوتی در میزان تاثیر فضای جغرافیایی در احساس امنیت در زنان و مردان وجود دارند؟
- دهستان های مرزی شهرستان سرخس در رابطه با مولفه های ۴ گانه امنیت اجتماعی در چه وضعیت قرار دارند؟
- رابطه بین احساس امنیت اجتماعی و فضای جغرافیایی به چه صورت است؟

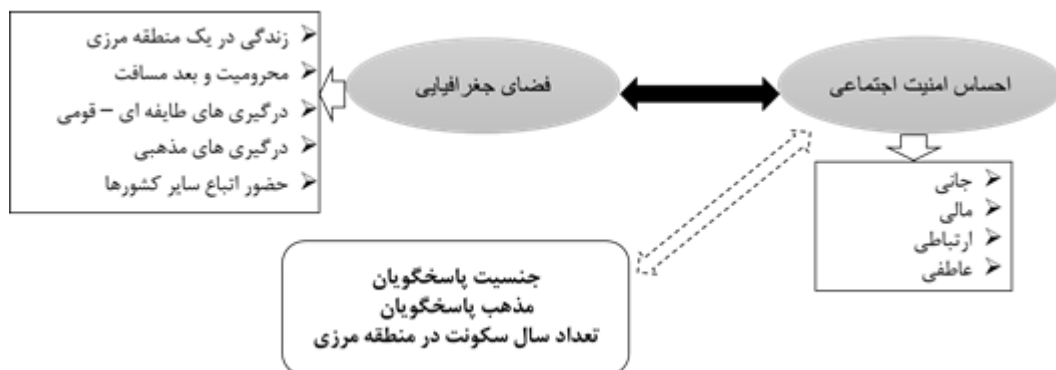
که در جهت پاسخ به این سوالات این تحقیق در سه مرحله اصلی به انجام رسیده است، در مرحله نخست شناخت از طریق بررسی و مطالعه ادبیات موضوعی نسبت به درک و شناخت مسئله اقدام شد. در مرحله بعد، از پرسش نامه ای که توسط محققین طراحی شده استفاده شده از مجموع تعداد خانوارهای دهستانهای مورد نظر ۱۰۱۶ است با محاسبه فرمول کوکران ۱۹۲ خانوار به دست آمده است که با توجه جمعیت آنها پرسشنامه ها توزیع شده است، پرسشنامه این پژوهش دارای دو متغیر فضای جغرافیایی به عنوان متغیر وابسته و امنیت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل است. امنیت اجتماعی در ۴ بعد جانی، مالی، ارتباطی و عاطفی تقسیم بندی شده است. در جدول زیر شاخص های تشکیل دهنده هر متغیر را مشاهده می کنید و در آخر در مرحله پیاده سازی داده ها با استفاده از نرم افزار spss سطح ارتباط و اثرگذاری شاخص های محیطی بر احساس امنیت اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت.

جدول ۳: شاخص های مورد سنجش به تفکیک

متغیر مستقل	فضای جغرافیایی	زندگی در یک منطقه مرزی، محرومیت و بعد مسافت، درگیری های طایفه ای - قومی، درگیری های مذهبی، حضور اتباع سایر کشورها
متغیر وابسته	احساس امنیت	تردد با ماشین های مسافر کش، رفت و آمد به صورت تنهایی در شب، کمک به سرنشین ماشین خراب در شب، قدم زدن در مسیرهای خلوت، از فرستادن کودکان به مدرسه در مسیرهای طولانی، رفتن و نشستن در پارک های خلوت، گذاشتن کودکان در منزل، تنها ماندن در منزل.
	اجتماعی	سرقت خودرو یا موتور، کمبود شغل و بیکاری، اشتغال زنان و دختران در بیرون منزل، سرقت در مواقع خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز، ترک اتومبیل در خیابان بدون قفل و دزدگیر، کمبود بارش، خشکسالی و کمبود آب، پذیرفتن چک در معاملات.

۶- یافته ها

در جهت پاسخ به سوالات پژوهش با استفاده از داده های میدانی و نتایج پرسشنامه ها به بررسی ارتباطات بین متغیرها پرداخته شده است.

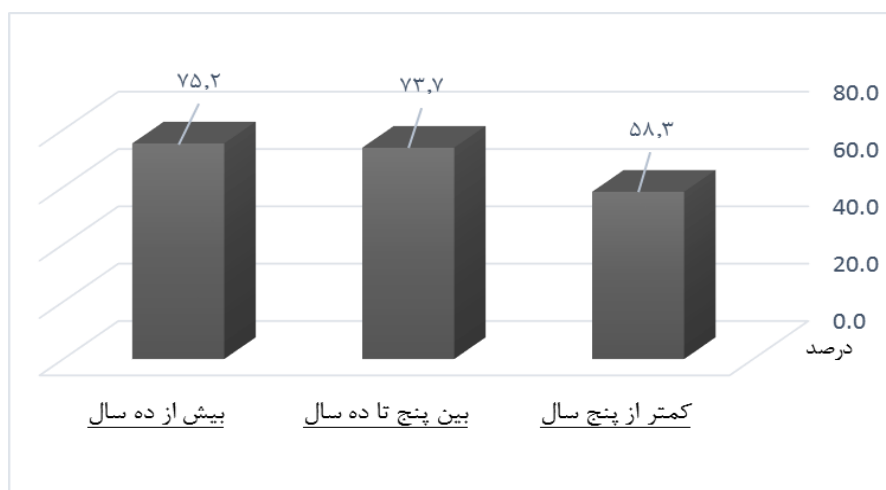


شکل ۲: مدل مفهومی

۶-۱- عوامل جمعیت شناختی و رابطه آن با احساس امنیت اجتماعی

• سال های سکونت در منطقه مرزی پاسخگویان

در نمودار زیر احساس امنیت خانوارهای نمونه رو مشاهده می کنید که با توجه به تعداد سال ها سکونت آنها در کنار هم قرار گرفته اند.



نمودار ۱: تفاوت احساس امنیت اجتماعی در بین سالهای سکونت در منطقه مرزی

میزان احساس امنیت در مرزنشینان که بیش از ده سال در این مناطق زندگی کرده اند بیشتر است نسبت به کسانی که کمتر در این مناطق سکونت داشته اند، گویا احساس تعلق به شهر باعث شده که نسبت به ناامنی هایی که شاید رخ دهد کمتر احساس خطر داشته باشند.

جنسیت پاسخگویان

همواره مردان بیش تر از زنان احساس امنیت می کنند در بررسی تفاوت بین احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان از آزمون لوین استفاده شده است که آزمون لوین به تشخیص برابری و عدم برابری واریانس ها می پردازد. حال با توجه به سطح معناداری ۰.۹۹ این نتیجه حاصل می شود واریانس های گروه مستقل زنان و مردان در احساس امنیت داشتن به دلیل فضای جغرافیایی با هم برابر نیست و همچنین در این مناطق مرزی نیز میزان امنیت مردان بیشتر از زنان می باشد.

جدول ۵: تفاوت تاثیر فضای جغرافیایی در احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان

t-test for Equality of Means						Levene's Test for Equality of Variances		.Sig.	F	برابری واریانس	امنیت اجتماعی	
Confidence ۹۵% Interval of the Difference		Std. Error Difference	Mean Difference	Sig. (۲-tailed)	df	t	.Sig.					F
Upper	Lower											
-۰.۹۸۵۵	-۰.۵۹۶۱۱	۰.۱۲۵۸۲	-۰.۳۴۷۳۳	۰.۰۰۷	۱۳۸	-۲.۷۶۱	۰.۹۹	۰.۰۰	برابری واریانس	امنیت اجتماعی		
-۰.۹۱۲۰	-۰.۶۰۳۴۶	۰.۱۲۹۲۰	-۰.۳۴۷۳۳	۰.۰۰۸	۱۰۷.۰۸۷	-۲.۶۸۸			عدم برابری واریانس			

Std Deviation	Mean	N	جنسیت	
۰.۷۸۶۴۵	۱.۸۷۳۱	۵۶	زن	احساس امنیت اجتماعی
۰.۶۸۸۸۶	۲.۲۲۰۴	۸۴	مرد	احساس امنیت اجتماعی

مذهب پاسخگویان

در ادامه به بررسی تفاوت موجود در میزان تاثیر فضای جغرافیایی در احساس امنیت بر اساس مذهب پرداخته شده است، با توجه به سطح معناداری ۰.۷۹ وجود رابطه معنادار بین متغیر فضای جغرافیایی بر احساس امنیت با توجه به شیعه و اهل سنت بودن منطقه مورد مطالعه قرار دارد و این نتیجه حاصل می شود که واریانس های گروه مستقل شیعیان و اهل سنت در احساس امنیت به دلیل فضای جغرافیایی با هم برابر نیستند و شیعیان بیش از گروه اهل سنت در دهستان های مورد مطالعه احساس امنیت اجتماعی می کنند.

جدول ۶: تفاوت تاثیر فضای جغرافیایی در احساس امنیت اجتماعی شیعیان و اهل سنت

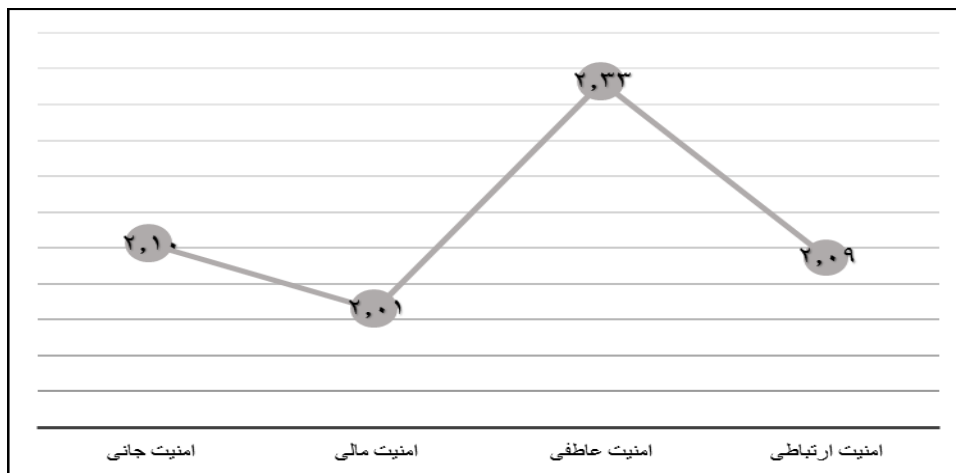
t-test for Equality of Means						Levene's Test for Equality of Variances		.Sig.	F	برابری واریانس	امنیت اجتماعی	
Confidence ۹۵% Interval of the Difference		Std. Error Difference	Mean Difference	Sig. (۲-tailed)	df	t	.Sig.					F
Upper	Lower											
۰.۱۹۲۰۴	-۰.۴۱۸۶۵	۰.۱۵۴۴۰	-۰.۱۱۳۳۱	۰.۰۴۶۴	۱۳۵	-۰.۷۳۴	۰.۷۹۲	۰.۰۷۰	برابری واریانس	امنیت اجتماعی		
۰.۱۵۵۴۴	-۰.۳۸۲۰۵	۰.۱۳۴۴۵	-۰.۱۱۳۳۱	۰.۰۴۰۳	۶۲.۱۲۱	-۰.۸۴۳			عدم برابری واریانس			

									برابری واریانس
--	--	--	--	--	--	--	--	--	-------------------

Std. Deviation	Mean	N	مذهب	
			۰.۷۹۲۱۲	۲.۰۳۹۳
۰.۶۱۳۸۸	۲.۱۵۲۶	۳۱	اهل سنت	

۲-۶- وضعیت منطقه مورد مطالعه در رابطه با مولفه های ۴ گانه امنیت اجتماعی

خانوارهای ساکن در دهستان‌های مورد بررسی به طور میانگین در ارتباط با امنیت عاطفی با میانگین ۲.۳۳ و در امنیت جانی با میانگین ۲.۱۰ و در امنیت ارتباطی ۲.۰۸ و در امنیت مالی ۲.۰۱ احساس امنیت دارند. در بین مولفه‌های امنیت اجتماعی مورد بررسی بیش‌ترین احساس امنیت از آن امنیت عاطفی است و کمترین امنیت در ارتباط با امنیت مالی است.



نمودار ۲: ضریب میانگین مولفه‌های امنیت اجتماعی

۳-۶- رابطه بین احساس امنیت اجتماعی و فضای جغرافیایی

بین امنیت اجتماعی و فضای جغرافیایی ارتباط مستقیم معنادار وجود دارد، بنابراین بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته پژوهش همبستگی بسیار بالایی برخوردار است همچنین مجموعه متغیرهای مستقل به میزان بسیار زیادی از واریانس متغیر وابسته را برآورد می‌کند.

جدول ۷: ضرایب رگرسیون چند متغیره

رگرسیون	امنیت ارتباطی	امنیت مالی	امنیت عاطفی	امنیت جانی
ضریب ارتباط	۰.۹۲	۰.۸۲	۰.۷۶	۰.۸۷
ضریب تاثیر	۰.۸۴	۰.۶۸	۰.۵۷	۰.۷۷
سطح معناداری	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰

طبق نتایج رگرسیون، بیشترین ارتباط فضای جغرافیایی با امنیت ارتباطی است و قوی ترین همبستگی نیز بین فضای جغرافیایی و امنیت ارتباطی است.

۷- نتیجه گیری

با توجه به اینکه رسیدن به احساس امنیت به عنوان بعد ذهنی امنیت از مهم ترین انگیزه های انسان در در ازای زندگی است، پس شناخت میزان احساس امنیت در فضای شهری و عوامل موثر بر آن اهمیت فراوانی دارد چرا که افرادی که در فضای فیزیکی و اجتماعی سالمی به سر می برند به لحاظ ایمن بودن محیط شان ضریب احساس امنیت بالایی را نسبت به کسانی که فضای اطرافشان آکنده از اختلالات و بی نظمی هایی است که باعث به وجود آمدن احساس ناامنی می گردد. در همین راستا در این پژوهش با استفاده از روش میدانی و تکنیک پیمایش به بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی در میان مرزنشینان شهرستان سرخس پرداختیم. از جمله متغیرهایی که در این پژوهش به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفتند عبارتند از: زندگی در یک منطقه مرزی، محرومیت و بعد مسافت، درگیری های طایفه ای - قومی، درگیری های مذهبی، حضور اتباع سایر کشورها؛ بدین صورت که میزان تاثیر هر کدام از این متغیرها بر میزان احساس امنیت اجتماعی که در ۴ بعد جانی، مالی، ارتباطی و عاطفی با آزمون های SPSS مورد بررسی قرار گرفتند. یافته ها از یک سو نشان می دهد که زنان، اهل سنت و مرزنشینان با سکونت کمتر از ۵ سال کمتر احساس امنیت دارند و از سوی دیگر در بررسی ارتباطها و همبستگی ها بین دو متغیر اصلی پژوهش فضای جغرافیایی در میزان امنیت ارتباطی و جانی بسیار ارتباط و همبستگی قوی داشته است که این را می توان به موقعیت جغرافیایی دهستان ها که در فاصله کوتاهی از مرز قرار گرفته و تلفیقی بودن این شهرستان که هم بر بعد امنیت ارتباطی اثرگذری دارد و هم در امنیت مالی.

۸- سپاسگزاری

انجام تحقیقات پیمایشی بدون همکاری صادقانه مشارکت کنندگان، امکان پذیر نیست. بدین وسیله از همه کسانی که با صبر و حوصله پاسخگوی سؤالات پژوهشگران این تحقیق بودند، تشکر و قدردانی می کنیم.

منابع

- ۱) بهیان، شاپور، فیروزآبادی. آمنه (۱۳۹۳)، بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهرها مطالعه موردی شهر کرمان، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، سال سوم، شماره ششم، صص ۱۲۲-۱۰۳.
- ۲) پروین، ستار و تقی طزری (۱۳۸۹)، امنیت و سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش آسیبهای اجتماعی شهرستان دره شهر، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی ایلام، صص ۱۷۱-۱۸۰.
- ۳) حمیدی پور، رحیم، رجبی، فاطمه. (۱۳۹۷). پیش بینی احساس امنیت اجتماعی براساس هویت اجتماعی، هوش فرهنگی و معنویت. مجله پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم شماره ۱ (پیاپی ۲۰). صص ۹۷-۱۱۱.
- ۴) خوشفر. غلامرضا (۱۳۸۷)، بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد ۱، تهران معاونت اجتماعی ناجا.
- ۵) رضازاده. مهدی، علمی محمود (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین احساس امنیت اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین دانش آموزان متوسطه شهر شوط، مجله مطالعات جامعه شناسی، دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۱۱۵-۱۳۰.
- ۶) عباس زاده، هادی، کرمی، کامران. (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۴، شماره ۵۱. صص ۵۸-۳۱.

- ۷) عساریان نژاد، حسین. (۱۳۸۳). امنیت و قومیت در جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی، شماره ۴۸-۴۹.
- ۸) عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۴). تحلیل مقایسه ای احساس امنیت اجتماعی- اقتصادی مردم مشهد و کشور، مجله فرهنگ خراسان، سال پنجم، شماره ۱۲.
- ۹) عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۱۰) عندلیب، علیرضا؛ شریف، مطوف. (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، فصلنامه باغ نظر، دوره ۶، ش ۱۲. صص ۷۶-۵۸.
- ۱۱) غلام نیارکی، آتنا (۱۳۹۶)، ارزیابی جامعه شناختی ابعاد چهارگانه امنیت اجتماعی در بین زنان سرپرست خانوار شهر تهران، پژوهشنامه زنان سال هشتم، شماره سوم. صص ۸۶-۶۹.
- ۱۲) کاهه، احمد (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد ۱، تهران، انتشارات گلبونه.
- ۱۳) محمدی مقدم، یوسف، اسدی. سمیه (۱۳۹۷). طراحی و پیاده سازی مدل مفهومی مدیریت احساس امنیت (مطالعه موردی: شهروندان شهر خرم آباد). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۹، شماره ۵۶. صص ۱۰۵-۷۳.
- ۱۴) مختاری هشی، حسین، مومنی، مهدی، باقری، مهرداد (۱۳۹۳)، تدوین راهبردهای آمایش مناطق مرزی؛ مطالعه موردی مرزهای شرقی کشور، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره ۳. صص ۲۵۴-۲۳۷.
- ۱۵) مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، (۱۳۸۲)، بررسی دیدگاه های مردم در خصوص مولفه های امنیت اجتماعی.
- ۱۶) مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). بررسی و تبیین رابطه جرم و خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲. صص ۲۸-۱۱.
- ۱۷) مک سویینی. بیل (۱۳۹۰). مقدمه ای بر جامعه شناسی امنیت، ترجمه محمدعلی قاسمی و محمدرضا اهنی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۸) نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، تهران، انتشاران پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۹) نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵)، تاملی نظری در امنیت اجتماعی با تاکید بر گونه های امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۹، شماره اول. صص ۷۳-۵۳.

تحلیل اثر گزاری امنیت زیست محیطی بر شاخص های تهدیدات تغییرات اقلیمی در مناطق مرزی (منطقه مورد مطالعه : خراسان رضوی)

عمران علیزاده^۱ مینا کرم بجاری^۲ آیه شعبانی کوچصفهانی^{۳*}

۱- رئیس مرکز تحقیقات اقتصاد سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

۲- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

۳- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

* ayeshabani@yahoo.com

چکیده

امنیت زیست محیطی یکی از مسائلی هست که در جغرافیای سیاسی به آن پرداخته شده است و به مطالعه نقش محیط زیست در رفتارهای سیاسی در مقیاس های گوناگون می پردازد. ایران از جمله کشورهایی است که به دلیل قرار گرفتن در مناطق خشک جهان بویژه خشک و نیمه خشک جهان و پراکنش نامناسب زمانی و مکانی بارش ها با کمبود آب رو برو بوده است. بحران هیچگاه خبر نمی کند و در کمین نشسته است. و این امنیت محیط زیست است که با به جریان افتادن بحران ممکن است دستخوش تغییرات جبران ناپذیری شود. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و نیز با استفاده از اسناد و کتب مربوط به این حوزه انجام شده است.

با توجه به پیامدهای گسترده و اجتناب ناپذیر چالشهای زیست محیطی و اولویت پیشگیری در مسائل امنیتی، شناسایی نقاط آسیب پذیر و تأثیراتی که این چالشها بر امنیت زیست محیطی منطقه مورد مطالعه یعنی خراسان رضوی دارد، به منظور جلوگیری از تبدیل شدن آنها به بحران، ضروری می نماید. از همین رو پژوهش حاضر در واکاوی اثرات زیانبار تغییرات اقلیمی بر امنیت زیست محیطی در مرزهای استان خراسان رضوی است

برای خروج از بحران و کاهش صدمه به امنیت محیط زیست پژوهشگران این تحقیق دریافتند در کنار توجه به توان اکولوژیکی و تجدید نظر در ساختار مدیریت آب و توانمند سازی سازمان محیط زیست و استفاده بهینه از سند سازگاری کم آبی جهت برون رفت از این چالش بزرگ، با استفاده از ظرفیت های منابع مادی و معنوی در راستای چشم انداز ساماندهی فضایی با تکیه بر ابزار آمایش سرزمینی در استان خراسان رضوی ضروری بنظر میرسد. در نتیجه آمایش سرزمینی و مدیریت دقیق و کارآمد سیاسی فضا بهترین گزینه برای حل این معضل می باشد و تغییرات مهمی در مدیریت سیاسی فضای جغرافیایی منطقه بوجود خواهد آورد.

واژگان کلیدی: بحران، محیط زیست، تغییر اقلیم، مرز، جغرافیای سیاسی

مقدمه

ایران مشابه بسیاری از کشورهای خشک و نیمه خشک جهان در دهه های اخیر کمبود جدی در منابع آب را تجربه کرده و در حال حاضر با بحران آب مواجه است. علاوه بر پدیده های محیطی و طبیعی همچون خشکسالی ها، تغییر الگوهای اقلیمی، افزایش دما و تبخیر و تعرق، بحران آب ایران ریشه در رشد فزاینده و توزیع نامتعادل جمعیت، سوء مدیریت منابع آب، ناکارآمدی بخش کشاورزی، بخشی نگری مدیران، رشد لجام گسیخته شهرنشینی و نبود فرهنگ مناسب مصرف و ارزش واقعی آب دارد.

آب از عوامل اصلی و مؤثر فعلیت بخشیدن عنصر انسان در محیط است. رابطه انسان با محیط طبیعی بدون ذخایر آب و یا منابع قابل دسترسی بدان از نظر کاربردی برای انسان فقط می تواند رابطه ای یک جانبه و بی ریشه باشد (رهنمایی ۱۳۸۹؛ ۱۶۹). این اهمیت موجب شده برخی از ژئوپلیتیسین ها قرن ۲۱ را به ویژه در مناطق خشک و کم باران جهان قرن هیدروپلیتیک بدانند. آنان معتقدند که اغلب درگیری ها و جنگ های منطقه ای در جهان به دلیل کمبود و بحران آب خواهد بود. در سطح ملی هم نتایج برخی پژوهش ها، مانند مطالعه حافظنیا در شهرستان گناباد، افزایش رقابت و درگیری ها با کمبود بارش و منابع آب را نشان می دهد (حافظنیا، نیکبخت، ۱۳۸۱؛ ۶۰). بنابراین نقش آب محدود به تولید نبوده و بر ابعاد مختلف زندگی مردم و جامعه از ادامه حیات تا توسعه، امنیت ملی، خودکفایی، ایجاد اشتغال، حفظ محیط زیست و توسعه پایدار کشور مؤثر است. موقعیت، رژیم بارش، میزان بارش دریافتی و شرایط دما موجب حاکمیت اقلیم خشک و نیمه خشک در ایران شده است. در کشورهایی با این اقلیم، کمبود و محدودیت منابع آب امری طبیعی است، اما به آن معنی نیست که شرایط فعلی بحران آب فقط زائیده شرایط طبیعی است، بلکه حکایت از نقش مهم و پررنگ عوامل انسانی، دست اندازی، زیاده خواهی، بی برنامه گی و اجرای برنامه های اشتباه در ایجاد و عمق این بحران دارد.

جدول ۱. برخی ویژگی های جغرافیایی ایران

وسعت	۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع	میانگین دمای شبانه روزی ایران	۱۸ درجه سلسیوس	دامنه دما	از ۲۰- تا ۵۰+ درجه سلسیوس
جمعیت	۷۷ میلیون	میانگین دمای شبانه روزی جهان	۱۵ درجه سلسیوس	مجموع آب تجدیدشدنی	۱۳۰ میلیارد متر مکعب (سالانه)
متوسط بارش ایران	۲۵۰ میلی متر	حجم بارش سالانه	۴۱۲ میلیارد متر مکعب	مجموع آب برگشتی مصرفی	۳۹ میلیارد متر مکعب (سالانه)
متوسط بارش جهان	۸۶۰ میلی متر	سهم مناطق خشک	۶۵ درصد	سرانه آب تجدید شونده در سال ایران	۱۶۷۰ متر مکعب در سال
رتبه جمعیتی در خاورمیانه	دوم (بعد از مصر)	سهم مناطق نیمه خشک	۲۰ درصد	سرانه آب تجدید شونده در سال جهان	۶۵۰۰ متر مکعب در سال
رتبه جمعیتی در جهان	هفدهم	سهم مناطق نیمه مرطوب و مرطوب	۱۵ درصد	سرانه آب تجدید شونده در سال خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۳۰۰ متر مکعب در سال
رژیم بارش غالب	زمستان	پراکنش بارش	۷۵ درصد بارش در ۲۵ درصد مساحت	مساحت مناطق زیر متوسط بارش	۶۱ درصد مساحت کشور زیر ۲۵۰ میلی متر

منبع: علیزاده، ۱۳۸۹؛ مسعودیان، ۱۳۸۷؛ قائمی و همکاران، ۱۳۹۱

۱- مبانی نظری پژوهش

۱-۱- امنیت زیست محیطی

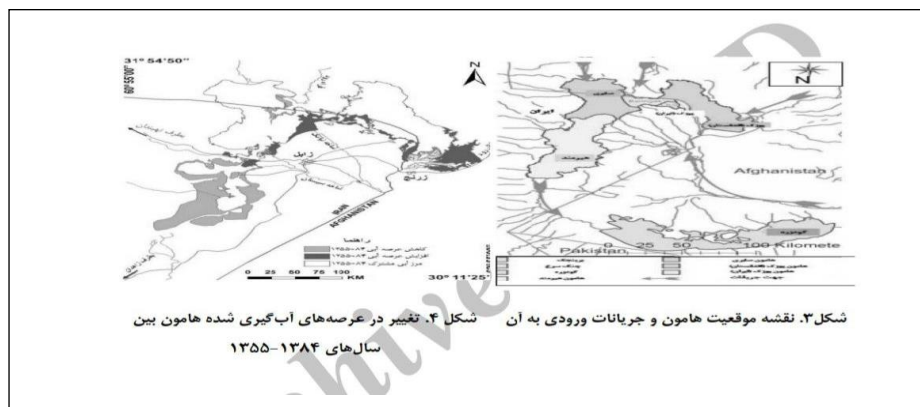
اقلیت های مختلف درون کشور بیشتر مشکل داخلی ایجاد می کنند تا بین المللی (هاگت، ۱۳۷۹: ۳۷۷)، از نظر باری بوزان، امنیت مفهومی توسعه نیافته است و شایسته است تا ما آن را به عنوان مفهوم قدرتمندتر و مفیدتر از شان و منزلت فعلی آن بشناسیم. هدف اساسی هر دولت در مقام مرجع سازمان بخش زمین و مردم، در کنار هم آوردن بخش های مختلف سرزمین و افراد مناطق مختلف گستره دولت تحت نظام سازماندهی شده واحد است. در همه این موارد، تلاش برای کنترل و انحصار کامل روابط سیاسی داخلی یا به عبارت ساده تر ایجاد حفظ قانون و نظم می باشد (کویانی راد، ۱۳۸۳). اگر عوامل فضایی در استراتژی های جنگ نقشی جامع دارند پس جغرافیدانان می توانند ادعا کنند در استراتژی های صلح نیز اهمیت و اعتبار برابری خواهند داشت. اگر حصارهای خوب و مناسب، در واقع همسایگان خوب پدید می آورند، ضرورت

دارد جغرافیدانان ضمن تحقیقات خود معین کنند بهتر است دیوارها در کجا ساخته شوند (هاگت، ۱۳۷۹:۳۸۰). استراتژی برونرفت از بحران محیط زیست جهانی، می بایست بر پایه درک ریشه های آغازین، گسترش و تداوم بحران، تنظیم گردد. آشکار است که زیربنای بحران کنونی گرمایش زمین، آبی یا کوتاه مدت نیست (کریمی پور، ۱۳۹۰:۱۳۵). انسان ها با تغییر محیط، مستقیماً اکوسیستم ها را تحت تأثیر قرار می دهند. هر قدر دسترسی انسان به تکنولوژی افزایش یابد به همان میزان ظرفیت تغییر محیط های غیرزنده شدت می گیرد (هاگت، ۱۳۷۹:۲۹۵). کشورهای در حال توسعه سخن از آن دارند که آنچه بر سر محیط زیست آمده نتیجه گسترش فعالیت های صنعتی در باختر زمین در دو سده نوزدهم و بیستم است. بنابر این مسئولیت اصلی اوضاع کنونی بر عهده کشورهای توسعه یافته است (مجتهدزاده، ۱۳۸۶:۲۸۲). در واقع توسعه پایدار، ایجاد نوعی تعادل میان اجزاء مختلف توسعه، یعنی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است (کلویانی راد، ۱۳۹۰:۱۲۵). بحران محیط زیست با وجود اهمیت جهانی، هنوز در مقایسه نسبت به تنگناها و مسایل دیگر، نتوانسته جایگاه شایسته ای در ساختار مدیریت سیاسی جهانی، ملی و محلی بخود اختصاص دهد (کریمی پور، ۱۳۹۰:۲۷۶)

چالش های زیست محیطی	
جنگل زدایی، در کشورهای قاره ای و همچنین کشورهای جزیره ای آسیای جنوب شرقی	
افزایش گاز CO2 در اثر تخریب جنگل ها و افزایش آلودگی هوا	
مشکلات زیست محیطی ناشی از پروژه های عظیم استخراج معدن	
به کارگیری معمول معدنکاوی برهنه در اندونزی منجر به جنگل زدایی، تولید زباله های معدنی، صخره های زباله	
وجود رویدادهای جوی نامطلوب در مناطق ساحلی جنوب شرقی آسیا و آسیب پذیری منطقه در برابر صدمات ناشی از طوفان	
افزایش خطرات زیست محیطی ناشی از تغییرات اقلیمی	
پیش بینی افزایش سطح آب های حوالی این منطقه تا سال ۲۱۰۰ تا ۴۰ سانتیمتر	

۲-۱- گرمایش زمین؛ مادر بحران ها

تغییر ناگهانی اقلیم، به خسران محصولات کشاورزی و قحطی و در نتیجه بی نظمی و هرج و مرج کشور منجر شده است (هاگت، ۱۳۷۹:۲۱۷). تغییر اقلیم پدیده پیچیده جوی - اقیانوسی است. عوامل تغییر اقلیم را می توان به دو دسته تقسیم کرد: عوامل طبیعی و انسانی، که در این میان تأثیر عوامل انسانی از زمان انقلاب صنعتی و در دهه های اخیر همراه با رشد و افزایش جمعیت دنیا و به دنبال آن رشد بی رویه شهرگرایی، شدت زیادی یافته است (فرج زاده، ۱۳۹۲:۲۸۳). برگشت پذیری، میزان بازگشت به حال اول پس از برخورد با یک واقعه تنش آور است و ظرفیت جذب و بهبود از حدوث یک واقعه خطرناک را منعکس می کند. به طور سنتی، برگشت پذیری سلاح اصلی و عمده در برابر خطر در کشورهای کم توسعه یافته بوده است جایی که مصیبت اغلب بخش عادی حیات شناخته می شود (اسمیت، ۱۳۸۲:۴۰). در بعد اقتصادی، خسارت های وارده به بخش کشاورزی بسیار قابل توجه بوده و در بخش آب نیز به صورت مستقیم پیامدهای ناگواری را متوجه جوامع سکونتگاهی کشور می کند (فرج زاده، ۱۳۹۲:۴). تغییر اقلیم و گرمایش کره زمین که در اثر افزایش گازهای گلخانه ای به عنوان مساله ای جدید در کانون عوامل تهدیدزای بشریت قرار گرفته است، با کاهش بارش و افزایش دما بر منابع آب رودخانه ها اثر گذار است.



۳-۱- تغییر اقلیم و تحول در مفهوم امنیت

با فروپاشی نظام دوقطبی و ظهور تحولات جدید در ساختار نظام بین‌الملل به ویژه پدیده‌های غیرنظامی نظیر توسعه اقتصادی، تغییرات محیط‌زیستی، مهاجرت و رشد بی‌سابقه جمعیت، بیماری‌های جدید نظیر ایدز، تروریسم و خشونت‌های قومی و نژادی، نقدهای جدی بر نگاه سنتی به امنیت وارد شد. به عبارت دیگر، ظهور پدیده‌های جدید و ناتوانی دیدگاه رئالیستی امنیت در تحلیل آن‌ها، منجر به تجدیدنظر در باب مفهوم کلاسیک امنیت شد که تنها در مقوله نظامی می‌گنجید. در این میان مکتب کپنهاگ توانست جامع‌ترین نظریه تحلیل امنیت را ارائه نماید. تأکید بر چندبعدی بودن مفهوم امنیت راهکار ارائه شده از سوی این مکتب در پاسخ به چالش‌های امنیتی نوین بود (طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ۹). باری بوزان به عنوان پیشاهنگ در این زمینه، راه را برای مطالعات انتقادی امنیت باز نمود. این نقدها که از اواخر دهه ۱۹۸۰ زمینه طرح شدن یافتند، بقای دولت‌ها یا بازیگران دولتی را دیگر تنها در فاکتورها و عوامل نظامی تعریف نمی‌کردند بلکه وجود سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی را در این راه الزامی می‌شمردند. از نظر کپنهاگ در حالی که در گذشته، امنیت در چارچوب مدل وستفالیای با ابعاد نظامی نگریسته می‌شد، در دوران پساجنگ سرد، دچار دگرگونی شده است. در واقع، مکتب کپنهاگ که با عنوان مکتب سوم امنیت نیز شناخته می‌شود، به رغم آنکه امنیت ملی را مرکز ثقل و گرانگه مطالعات خود قرار داده، اما معتقد است که اگر دولتی نتواند امید به زندگی را در بین شهروندان تأمین و تضمین کند، از لحاظ امنیت اجتماعی و امنیت عمومی فاقد کارآمدی باشد و امنیت اقتصادی و محیط‌زیستی را تأمین ننماید، فاقد هرگونه امنیت ملی است. بنابراین، با کم رنگ شدن بعد نظامی امنیت، دیگر ابعاد آن نیز به موازات عامل نظامی مورد توجه پژوهشگران مسائل امنیتی قرار می‌گیرد. در تلقی جدید از امنیت، امنیت کشورها به قابلیت افزایش هماهنگی، تعمیق حس مدنیت و کاهش معارضات و تنش‌های اجتماعی- محیطی بازتعریف می‌شود (کرمی، ۱۳۹۶) باری بوزان، در همین راستا معتقد است که امنیت دیگر مفهوم سنتی خود را که در چارچوب مدل وستفالیایی بود، از دست داده و امروزه چند بعدی شده است. بوزان معتقد است که امنیت ملی و امنیت بین‌المللی به وسیله امنیت منطقه‌ای معنا و مفهوم می‌یابد. در نتیجه سیاست خارجی مناسب هر کشوری با توجه به مکتب کپنهاگ، سیاستی است که به امنیت چندبعدی توجهی ویژه نماید و برای کسب امنیت ملی خویش، نگاه ویژه‌ای به امنیت منطقه‌ای و جهانی داشته باشد. به نظر وی، تأکید صرف بر مقوله امنیت ملی کافی نیست (بوزان، ۱۳۹۶: ۳۸). دوره جدید شاهد گسترش دامنه امنیت به ابعاد چندگانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی است. در این دوره یکی از مؤلفه‌های اصلی تهدید کننده واحدهای سیاسی - فضایی مسائل محیط‌زیستی است.

جدول شماره ۳- نوع، نهاد، خاستگاه و مقیاس امنیت محیط‌زیستی

نوع امنیت	نهاد تأثیرگذار	خاستگاه تهدید	مقیاس نگرانی
امنیت بوم‌شناختی	محیط طبیعی	فعالیت‌های انسانی	زیست‌بوم‌ها
امنیت مشترک	دولت-ملت	دگرگونی محیط‌زیستی	منطقه‌ای/جهانی
خشونت محیط‌زیستی	دولت-ملت	دگرگونی محیط‌زیستی	ملی
امنیت ملی	دولت-ملت	دگرگونی محیط‌زیستی	ملی
دفاع سبز	نیروهای نظامی	گروه‌های سبز/ صلح	سازمانی
امنیت انسانی	افراد	دگرگونی محیط‌زیستی	محلی

(Collins et al ۲۰۰۷: ۱۸۹)

تغییر اقلیم به همراه رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای آب، کشمکش بر سر منابع آب را به همراه خواهد داشت. در این راستا، موقعیت جغرافیایی کشورهای واقع در کمربند خشک و نیمه خشک جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به ویژه-

ای زمانی که این کشورها در عرض‌های جغرافیایی پایینی هم قرار گرفته باشند، که در این صورت سه مسئله (افزایش جمعیت، موقعیت اقلیمی خشک و موقعیت جغرافیایی) در انطباق با تغییر اقلیم بیشترین تأثیر را متوجه امنیت و محیط‌زیست آن مناطق خواهند کرد.

جدول شماره ۴- پیامدها و تنازعات اجتماعی ناشی از عوامل اقلیمی

عامل اقلیمی منازعه	پیامدهای اجتماعی
رقابت بر سر منابع محلی	افزایش کمبود زمین، آب و دیگر منابع به افزایش قیمت‌ها و عدم دسترسی گروه‌های خاص به منابع می‌انجامد.
نا امنی معیشت و مهاجرت	فشار ناشی از جمعیت بالا (برای نمونه مهاجران به شهرها یا به کشورهای دیگر) به افزایش کمبود منابع می‌انجامد.
پدیده‌ها و بلایای خشن جوی	تخریب زیرساخت‌ها، امکانات و خانه‌ها، تولید و توسعه اقتصادی را مختل می‌کند و پیامدهای ناگوار آن به بازارهای محلی سرازیر می‌شود.
بی‌ثباتی ناشی از افزایش مواد غذایی و ناتوانی در تأمین غذا	شورش‌های ناشی از کمبود غذا به سرمایه اجتماعی آسیب می‌رساند و کسب و کار محلی را مختل می‌کند.
مدیریت منابع آب فرامرزی	منافع ناشی از عدم تطابق در مدیریت آب، بخش‌های اقتصادی وابسته به آب را به شدت متأثر می‌کند و به نا آرامی و تنش بیشتر می‌انجامد.
افزایش سطح آب دریا و تخریب ساحل	شرکت‌ها و صنایع ساحلی ممکن است منابع کلیدی بیابند و زیرساخت‌ها در معرض خطر فشارهای محیطی قرار گیرند.

(Rademaker, ۲۰۱۶: ۱۷)

۱-۳-۱- بحران ریزگردها

یکی از خطرناک‌ترین تهدیدهای زیست محیطی که در سال‌های اخیر برخی نقاط جهان، به ویژه کشور های منطقه غرب آسیا را درگیر کرده است، پدیده "ریزگردها" است که اگر برای رفع آن چاره‌ای اندیشیده نشود، هزینه‌های جبران ناپذیری را به دولت‌های درگیر این پدیده تحمیل خواهد کرد. در دهه های اخیر و به دنبال توسعه شهرها و گسترش و پیشرفت تکنولوژی در این منطقه و تغییرات شدید اقلیمی و وقوع خشکسالی های پی در پی و طولانی مدت، آلودگی هوا روند رو به رشدی را طی کرده است. یکی از انواع آلودگی‌های هوا که در سال‌های اخیر منطقه غرب آسیا شاهد آن است، پدیده گرد و غبار است. گسترش بیابان‌ها و فرسایش خاک در غرب آسیا دلایل مختلفی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها وقوع خشکسالی های متعدد و خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها در این منطقه است.

گرمایش زمین یکی از دلایل بروز این خشکسالی‌ها است. گرمایش زمین پدیده‌ای است که منجر به افزایش دمای سطح زمین و اقیانوس‌ها شده است به گونه‌ای که برخی دانشمندان معتقدند که دهه‌های پایانی قرن بیستم گرم‌ترین سال‌های ۴۰۰ سال اخیر بوده است.

۱-۳-۲- بحران آب و تأثیر آن بر روابط کشورهای این منطقه

پیشینه کشمکش برای دسترسی به آب شیرین در سراسر تاریخ این منطقه روشن و غیرقابل انکار است. در سال های اخیر نیز جنگ میان اسرائیل و سوریه (در دهه ۱۹۵۰) زمانی در گرفت که سوریه سعی در قطع و توقف ساخت خط لوله آب مصرفی داخل اسرائیل را داشت. در دهه ۱۹۶۰ اسرائیل برای جلوگیری از انحراف جریان آب رودخانه اردن (چشمه‌های حسبانی و رودخانه یرموک) از زور حملات هوایی علیه تأسیسات آبی سوریه استفاده کرد. این اقدامات نظامی به تنش‌های منطقه‌ای انجامید که سرانجام منجر به جنگ سال ۱۹۶۷ شد. در سال ۱۹۷۴ عراق نیروهای عمده‌ای را در امتداد مرز مستقر ساخت و سد الثوره سوریه را تهدید به بمباران کرد و چنین استدلال کرد که این سد مقدار جریان آب فرات به آن کشور را کاهش داده است. مشکلات آبی

عراق و سوریه، برای مثال به طور مثال مستقیم بر روابط آن ها با کشورهای همسایه که بر منابع رودخانه‌های دجله و فرات کنترل دارند تأثیر می‌گذارد. بر اساس گزارش سالانه بانک جهانی سال ۱۹۹۴، غرب آسیا به سمت بحران آب در حرکت است. به علت رشد سریع جمعیت و شهرسازی، تقاضا برای آب به نقطه‌ای رسیده است که هم اکنون میزان کاهش، بسیار بیش از ذخیره سازی است (بازدار، جاجرمی و نصرتی، ۱۳۹۲: ۶).

به طور کلی مسائل و مشکلات زیر از عوامل بروز و تداوم بحران آب در این منطقه به شمار می‌روند:

۱. محدود بودن منابع آبی؛
۲. رشد فزاینده ی جمعیت؛
۳. رشد شهرنشینی؛
۴. رشد شهرنشینی؛
۵. هزینه‌های بالای تصفیه مجدد آب‌های آلوده؛
۶. ناتوانی در انجام مفاد موافقت نامه بین المللی آب (احمدی پور، ۱۳۸۹: ۹۸).

۴-۲- علل ایجاد بحران

نگاه ساده انگارانه، تک بعدی، شانه خالی کردن برخی برنامه ریزان و مسئولان از پذیرش مسئولیت و پاسخگویی دوره ای و وابستگی تام بحران جاری منابع آب ایران به پدیده‌های طبیعی و محیطی و تغییرات اقلیمی گره گشا نبوده و نخواهد بود، چراکه شواهد و واقعیت‌های موجود کشور حکایت از پیچیدگی موضوع، حضور و نقش آفرینی بازیگران جدید و مؤثری با منشأ انسانی و یا ساخته شده به وسیله انسان‌ها دارد که در ادامه به برخی از مهمترین آنها اشاره میشود:

۱. رشد فزاینده و توزیع ناهمگون جمعیت
۲. کشاورزی ناکارآمد با بازدهی پایین
۳. خشکسالی تغییر الگوی بارش و افزایش دما

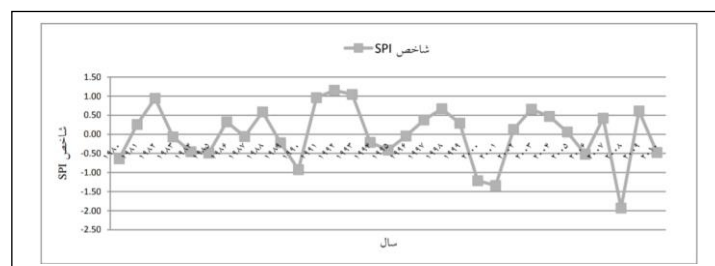
۵-۲- منطقه مورد مطالعه

خراسان رضوی یکی از استانهای شمال شرقی ایران با مرکزیت مشهد و شهرستانهای نیشابور سبزوار تربت حیدریه قوچان و کاشمر شکل گرفت و به طور کلی شامل ۲۸ شهرستان ۷۰ بخش و ۱۶۴ دهستان است. اقتصاد استان نیز وابسته به نفت بود ولی در سالهای اخیر در بخش صنعت و کشاورزی پیشرفت خوبی کرده است. ذخیره های زغال سنگ مس روی آهن نیز در این استان نیز یافت می شود. که از نظر تامین انرژی در سطح بالایی یافت می شود.

۱-۵-۲- خشکسالی در منطقه مورد مطالعه

نتایج تغییرات خشکسالی SPI در دوره مورد مطالعه (۲۰۱۰-۱۹۸۰) در شکل نشان داده شده است. همانگونه که مشاهده می کنید تغییرات از روند منظمی تبعیت نمی کنند و با تغییرات بارش شدت خشکسالی در سالهای مختلف متفاوت است. نتایج هم چنین بیان کننده آن است که سالهای ۲۰۰۸ و ۱۹۹۲ به ترتیب خشک ترین و پر باران ترین سال در دوره مطالعه بوده است.

شکل ۱ - تغییرات شاخص خشکسالی SPI در دوره مطالعه



جدول ۵- تغییرات تعداد گرد و قبار و شاخص خشکسالی در دوره آماری مشترک

سال	شاخص SPI	تعداد گرد و غبار
۲۰۰۴	۰/۴۷	۱۳۵
۲۰۰۵	۰/۰۶	۸۵
۲۰۰۶	-۰/۵۲	۱۲۳
۲۰۰۷	۰/۴۲	۱۱۱
۲۰۰۸	-۱/۹۳	۲۲۶
۲۰۰۹	۰/۶۱	۱۶۶
۲۰۱۰	-۰/۴۷	۱۲۰

۲-۵-۲- زباله؛ بحرانی که همه جا را پر کرده است

زباله یکی دیگر از بحران‌های زیست محیطی خراسان رضوی است و مهم‌ترین دلیل آن را بی‌توجهی شهرداری و آموزش ندادن به مردم برشمرد. بحران زباله یک مسئله‌ی فرهنگی نیست، مسئله این است که شهرداری‌ها آماده جمع‌آوری زباله‌های تفکیک شده نیستند.

۲-۵-۲- آلودگی هوا؛ مشهد در حصار دود

آلودگی هوا از دیگر بحران‌های زیست محیطی خراسان رضوی است که به شدت در مشهد افزایش پیدا کرده و نسبت به بحرانی و غیر قابل حل شدن است در حال حاضر در شهر مشهد و استان خراسان رضوی تعداد زیادی اتومبیل در تردد هستند که بیش از ظرفیت شهر است، سیستم حمل‌ونقل شهری ما فقط به اتومبیل وابسته است. اگرچه در سال‌های اخیر مترو بعد از یک دوره‌ی ده ساله‌ی ساخت راه افتاد، اما هنوز رویکرد مدیریت شهری مبتنی بر اتومبیل است.

۲-۵-۳- تنوع زیستی؛ حیواناتی که دیگر نیستند

کاهش تنوع زیستی استان یکی دیگر از بحران‌های زیست محیطی استان است. در مناطق مختلف خراسان رضوی هنوز شاهد شکار بی‌رویه و کاهش محسوس حیات‌وحش هستیم. این مسئله نشان دهنده تخریب زیستگاه است. تعداد آهوهای زیستگاه شیر احمد در سبزوار به شدت کاهش پیدا کرده است.

در حال حاضر دشت نیشابور، نه تنها زیست‌منداننش به شدت کاهش پیدا کرده است بلکه بزرگترین شکاف طولانی زمین در کل کشور در دشت نیشابور اتفاق افتاده است که حاکی از بهره‌برداری بی‌رویه از سطح آب‌های زیرزمینی، نابودی قنات‌ها، افت سطح آب زیر زمینی و نشست زمین بوده است و اگر به همین منوال ادامه پیدا کند احتمال مهاجرت‌های بزرگ زیست‌محیطی وجود دارد.

۲- یافته ها

۲-۱- چشم انداز کم آبی و بحران محیط زیست

امروزه آشناسان^{۱۶۷} و حتی سیاستمداران کشورهای مختلف جهان از گمان به یقین رسیده اند که نحوه استفاده از منابع آب دنیا و چگونگی تقسیم آن یکی از عوامل بروز جنگ‌ها در اقصی نقاط جهان خواهد بود. بی‌جهت نیست نیست که پیکارجویان داعش^{۱۶۸} (دولت اسلامی عراق و شام) پس از تسلط بر مناطقی در شمال عراق نخستین اقدام، سد موصل را نشانه رفته و تلاش کردند که بر آن تسلط یابند؛ امری که در صورت تحقق، زندگی میلیون‌ها عراقی را تهدید نموده و شهرهای بزرگی همچون بغداد را در زیر میلیون‌ها متر مکعب آب غرق خواهد کرد (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

چالش‌های زیست محیطی جهان دست کم در برگزیده شش فرآیند است. تغییرات آب و هوایی، نازک شدن لایه ازن، آلودگی‌های هوایی، آلودگی اقیانوس‌ها و ماهیگیری بی‌رویه آبزیان، جنگل زدایی و بیابان زایی و در نهایت محدودیت در ذخایر آب شیرین (دالبی، ۱۳۷۷: ۱۷۵). آب و محیط زیست به گونه‌ای پیچیده در هم تنیده شده اند و یکی بدون دیگری امکان وجود ندارد، لذا مدیریت منبع آب و محیط زیست نیازمند یک نگرش یکپارچه و همکاری‌های گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی است. در همین راستا کنفرانس‌های بین‌المللی مختلفی به منظور ایجاد هماهنگی و همکاری میان کشورهای در زمینه محیط زیست برگزار شد که اوج آن "کنفدرانس زمین" در ریودوژائیر در سال ۱۹۹۲ بود. پس از آن کنوانسیون وین، پروتکل مونترال و موارد الحاقی در نشست‌های لندن و کپنهاگ، پیمان کیوتو برای کاهش تولید مواد مخرب لایه ازن به انجام رسیده‌اند که از آنها با عنوان «دیپلماسی لایه ازن» یاد می‌شود (دالبی، ۱۳۷۷: ۱۷۷).

۲-۲- سوء مدیریت و عطش توسعه، بدون توجه به توان اکولوژیکی

خراسان رضوی به عنوان یکی از استان‌های نوار مرزی شرق ایران در مجاورت با کشور افغانستان کلکسیون از طبیعت و تنوع زیستی است. برای نشان دادن سوء مدیریت در بخش آب شواهد و قرائن بسیاری در دست است که به نمونه‌هایی اشاره خواهد شد. با توجه به تغییرپذیری بالای بارش مدیران برای مدیریت آب حاصل از ترسالی‌ها برنامه مدونی نداشته و در عمل بارش‌های دریافتی مازاد این سال‌ها نه تنها ذخیره نمی‌شود، بلکه بهانه خوبی برای به فراموشی سپردن بحران آب در کشور به شمار می‌آید. از آب دریافتی در ترسالی‌ها که باید به عنوان یک فرصت برای جبران کسری مخازن ذخیره آب استفاده کرد، توسط بسیاری از مدیران به عنوان شاهد مثالی برای دوره ای بودن کم آبی و کم عمق جلوه دادن بحران آب استفاده می‌شود. اوج خشکسالی مدیریتی در چیدمان توسعه بدون در نظر گرفتن توان اکولوژیکی و محیطی مناطق جغرافیایی کشور بروز و ظهور یافته است (نصرآبادی، ۱۳۹۴).

۲-۳- تجدیدنظر در ساختار مدیریت آب و توانمندسازی سازمان محیط زیست

مدیریت منابع آب ایران از بروکراسی و پیچیدگی‌های سلسله‌مراتبی (پایگانی) در فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی بازخوردها رنج می‌برد. از طرف دیگر نگاه به سازمان محیط زیست نگاهی حاشیه‌ای و جنبی است، در حالی که باید دامنه عمل و تصمیم‌گیری این سازمان بیشتر، کارآمدتر و با پشتوانه اجرایی محکم‌تر باشد. امروزه این سازمان از جایگاه ضعیف تری نسبت به وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی برخوردار است. این در حالی است که این سازمان باید قادر به وضع مقررات محیط زیستی و ارزیابی آسیب‌های احتمالی بر محیط زیست باشد تا گام‌های مهمی در جهت توسعه پایدار و متوازن برداشته شود (Madani, ۲۰۱۴: ۱۱).

^{۱۶۷} Hydrolog

^{۱۶۸} The Islamic State of Iraq and Syria (ISIS)

۱-۳-۲- سند سازگاری با کم آبی / عبور از چالش

یکی از مهمترین رویکردهای دولت تهیه سند سازگاری با کم آبی در استان‌های کشور است که خراسان رضوی جزو اولین استان‌هایی است که این سند در آن تهیه و تصویب شد. رویکرد اصلی در تهیه سند سازگاری با کم آبی در خراسان رضوی اجرای آن است که در صورت اجرا بزرگترین معضل شرق کشور به سمت مدیریت بهینه پیش خواهد رفت.

مهمترین چالش خراسان رضوی آب است به این دلیل با تهیه و تصویب سند سازگاری با کم آبی توجه بسیار ویژه‌ای با برگزاری جلسات متعدد با حضور مدیران استانی و ملی صورت گرفته که تداوم آن در بلند مدت مدیریت بهینه را به دنبال خواهد داشت. توجه به آموزش و فرهنگ‌سازی در حوزه‌های مختلف محیط زیست و از طرفی ارتباط مداوم با سمن‌ها از دیگر اقدامات و دستاوردهای شاخص است که با این روند مسایل محیط زیستی با دقت بیشتری بررسی می‌شود.

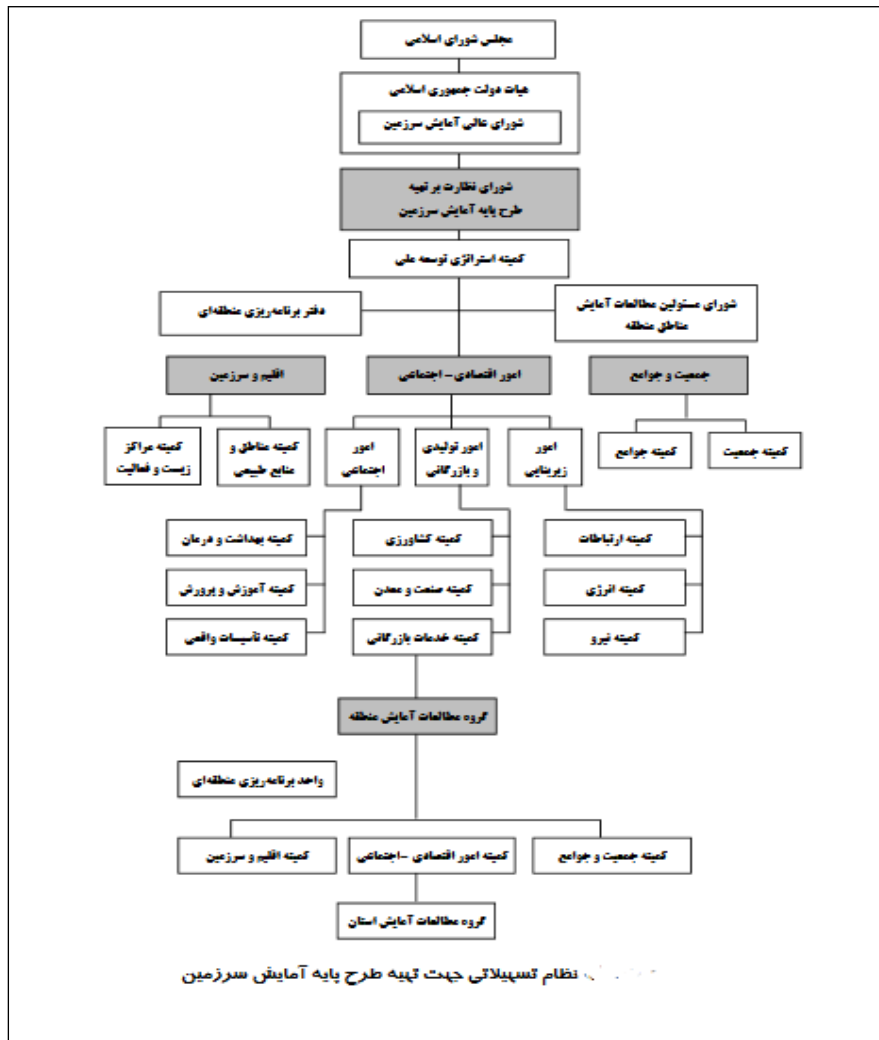
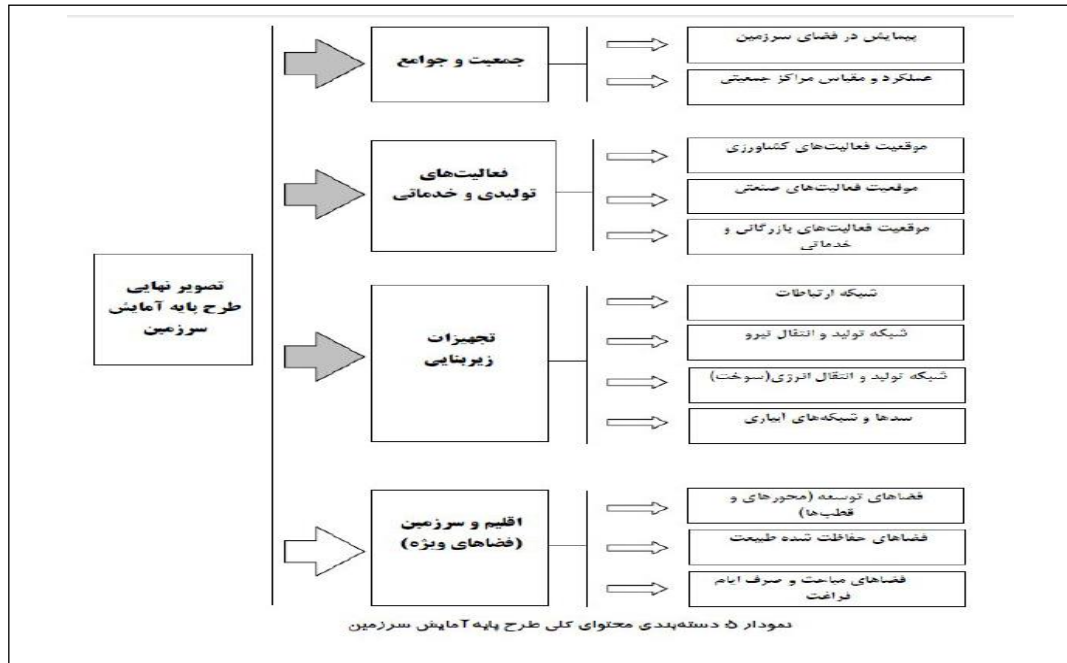
در حوزه مناطق حفاظت شده زیرساخت‌های آبی استان شرایط بهتری را پیدا کرده و در تامین منابع آبی و بهسازی چشمه‌ها اقدامات زیربنایی قابل توجهی در این مدت صورت گرفت. اما متأسفانه هنوز مشارکت مردم را در حوزه محیط زیست نهادینه نشده است که نقص بزرگی است، جای امیدواری است که با فرهنگ‌سازی و ورود سازمان‌های مردم نهاد شاهد مشارکت بیش از پیش مردم در حوزه محیط زیست باشیم

۵-۲- محیط زیست، سرمایه گذاری در مدیریت بهتر منابع

کشورها باید راهبردهای زیست محیطی را در تمام سیاست‌های بخشی خود بگنجانند، سرمایه گذاری مستقیم در مدیریت زیست محیطی را ترویج دهند، اصلاحات نظارتی و بازار را به منظور کاهش تخریب محیط زیست ترویج دهند و پایش زیست محیطی را بهبود بخشند. در تمام این حوزه‌های عملیاتی، کشورها باید نیاز روزافزون خود را به منظور سازگاری با تغییرات اقلیمی مد نظر قرار دهند. نمونه های سرمایه گذاری مستقیم در مدیریت زیست محیطی عبارتند از کاشت مجدد جنگل‌ها، بهسازی فاضلاب، مهار آلودگی‌های شیمیایی و حفظ اکوسیستم های حیاتی. راهبردهای بخشی که درست طراحی شده‌اند، شامل خدمات کشاورزی و زیربنایی میتوانند از ارزیابی راهبردی اثرات زیست محیطی برای به حداقل رساندن توازن منفی زیست محیطی استفاده کنند (جفری، ۲۰۰۵؛ ۵۲).

۶-۲- چشم انداز آمایش سرزمین

هدف اساسی از آمایش سرزمین به کارگیری ظرفیت‌های آشکار و درازمدت، به منظور بهره برداری بهینه از امکانات منطقه و همچنین هویدا کردن نقش و مسئولیت خاص هر منطقه بر اساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن به طور هماهنگ با دیگر مناطق است. براساس این نقش و مسئولیت که حاصل روندهای طبیعی و قانونمند هر منطقه به شمار می‌رود و همچنین برنامه ریزی‌های منطقه‌ای، برنامه توسعه ملی می‌تواند در مناطق گوناگون اجرا شود (آدن و مورگان، ۲۰۰۱، ۵). به همین خاطر است که متخصصان اذعان می‌کنند، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین بدون برنامه ریز منطقه‌ای عملاً کاربردی نخواهد داشت. لذا نقش منطقه در آمایش سرزمین فوق العاده مهم و اساسی است. به عبارت ساده‌تر اگر بیان کنیم، مسئله اساسی در مطالعات آمایش سرزمین همانگونه که از عنوانش پیداست درک و دریافت چگونگی آماده کردن و استفاده از زمین، شناخت زمین، مدیریت زمین و بهره‌گیری از مطالعات مقایسه‌ای که مقدمه و آغاز آن فضای موجود و در اختیار است (احمدی، شعبانی: ۱۳۹۵).



(احمدی، شعبانی: ۱۳۹۵)

نتیجه گیری:

نتایج نشان داد که شرایط زیست محیطی و وضعیت مدیریتی-امنیتی منطقه، در توسعه مناطق تأثیرگذار است که شرایط در منطقه نامطلوب ارزیابی شد. اقلیم خشک و محیط بیابانی، شرایط را برای توسعه منطقه مورد مطالعه سخت نموده است. کمبود منابع آب و سرزمین خشک عواملی هستند تبعات خاص خود را بدنبال دارد. این موضوع وضعیت مدیریتی و امنیتی را نیز با مشکل مواجه نموده است. برنامه ریزی اقتصادی بیشتر با تأکید بر قوتها و فرصتهای درونی و خارجی، میتواند در زمینه حل بسیاری از مشکلات زیست محیطی موثر باشد.

به نظر نگارندگان، آنان که راه عبور از بحران و رسیدن به شرایط مطلوب را ساده، سطحی، کوتاه مدت و بدون مشارکت همگانی و عزم ملی می‌دانند یا از عمق بحران، پیچیدگی و چندبعدی بودن موضوع خبر ندارند و یا از صداقت و دلسوزی واقعی نسبت به آینده کشور و مردم چنانکه باید و شاید برخوردار نیستند. نتایج حاصله از این مرقومه نشان میدهد در کنار توجه به توان اکولوژیکی و تجدید نظر در ساختار مدیریت آب و توانمند سازی سازمان محیط زیست و استفاده بهینه از سند سازگاری کم آبی جهت برون رفت از این چالش بزرگ، با استفاده از ظرفیت های منابع مادی و معنوی در راستای چشم انداز ساماندهی فضایی با تکیه بر ابزار آمایش سرزمینی در استان خراسان رضوی موکدا ضروری بنظر میرسد و راهگشای برون رفت از این بحران می باشد.

هرچند ضرورت اتخاذ رویکرد برنامه ریزی آمایشی با مختصات پیش گفته فقط منحصر به چالش های یادشده نیست و ضرورت هایی مانند ایجاد هماهنگی های لازم بین بخش های اقتصادی در سطح سرزمین، توجه به شرایط اجتماعی، قومی و فرهنگی مناطق در برنامه ریزی ها و توجه به سازگاری محیط زیستی سرمایه گذاری ها و بهره برداری بهینه از منابع طبیعی را می طلبد و لزوم ساماندهی نظام اسکان جمعیت و سطح بندی مراکز شهری و نواحی روستایی براساس توزیع فعالیت ها و امکانات در پهنه سرزمین و در نهایت لزوم توجه به مناسبات و تعاملات جهانی و منطقه ای و ضرورت توجه به اینگونه مباحث در برنامه ریزی های استراتژیک و درازمدت به لحاظ اهمیت روزافزون مسایل ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک رویکرد برنامه ریزی آمایش سرزمین را مد نظر قرار می دهد.

منابع

- ۱- احمدی، سیروس، شعبانی، آیه، (۱۳۹۵)، «تحلیل ژئوپلیتیکی تغییرات اقلیمی و اثرات و تهدیدات آن بر آینده گیلان»، همایش آمایش سرزمینی جایگاه خزر و چشم انداز توسعه در گیلان، انزلی، آذر ۱۳۹۵.
- ۲- احمدی پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی و مختاری هشتی حسین، (۱۳۸۹)، "تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت ها و چالش های همگرایی در منطقه غرب آسیا" (جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای)، دو فصلنامه، سال اول، شماره اول، صص ۷۷ - ۱۰۸.
- ۳- اسمیت، کیت، (۱۳۸۲)، مخاطرات محیطی، ترجمه ابراهیم مقیمی و شاپور گودرزی نژاد، تهران، سمت.
- ۴- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولتها و هراس، تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
- ۵- ببران، صدیقه و نازلی هنریخش، (۱۳۸۷)، بحران وضعیت آب در جهان و ایران، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۸.
- ۶- جاجرمی، کاظم، شهریار نصرتی و شهرناز بازدار، (۱۳۹۲)، بحران آب، خطوط منازعات آینده در جنوب غرب آسیا، تهران: مجموعه مقالات همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا: مسائل، تحولات و چشم انداز.
- ۷- جفری، دی ساکس، (۲۰۰۵)، سرمایه گذاری در توسعه ترجمه گروه مترجمان تهران دفتر هماهنگ کننده سازمان ملل با همکاری انتشارات زیتون.

- ۸- حافظ‌نیا، محمدرضا، نیک بخت، منوچهر، (۱۳۸۱)، آب و تنش‌های اجتماعی ... فصلنامه تحقیقات جغرافیایی سال ۱۷ شماره ۶۶.
- ۹- دالبی، سیمون، (۱۳۸۳)، منابع و جنگ‌های محیطی آینده، ترجمه: فائزه باهری، تهران، ماهنامه گزارش گفتگو، سال سوم.
- ۱۰- رهنمایی، محمد نقی، (۱۳۸۹)، توان‌های محیطی ایران، انتشارات دانایی و توانایی تهران.
- ۱۱- سعیدی، علی اصغر، محمد، درویش و عهد فاضلی، (۱۳۹۳)، خشکسالی مدیریتی علت بحران، مجله اندیشه پویا سال ۳ شماره ۲۰.
- ۱۲- صادقی، سید شمس‌الدین، (۱۳۹۵)، "هیدروپلیتیک و امنیت ملی (مطالعه موردی کشورهای خلیج فارس)"، فصلنامه راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره هشت و یک، صص ۱۱۷-۱۴۴.
- ۱۳- کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۸۳)، امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۶.
- ۱۴- کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۹۰)، پردازش مفهوم امنیت زیست محیطی (رابطه امنیت و اکولوژی)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم.
- ۱۵- کریمی پور، یدالله، (۱۳۹۰)، اکولوژی سیاسی، تهران، دانش پویان جوان.
- ۱۶- کرمی، صادق، (۱۳۹۶)، تبیین پیامدهای امنیتی محیط زیست و تغییر اقلیم در ایران، همایش دیپلماسی آب و فرصتهای هیدروپلیتیک غرب آسیا.
- ۱۷- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۸- نصرآبادی، اسماعیل، (۱۳۹۴)، شواهد زیست محیطی بحران آب ایران و برخی راه‌حل‌های آن فصلنامه راهبرد اجتماعی سال ۱۴ شماره ۱۵.
- ۱۹- هاگت، پیتر، (۱۳۷۹)، جغرافیا ترکیبی نو، جلد دوم، ترجمه: شاپور گودرزی‌نژاد، تهران، انتشارات سمت.

۱. Aden, j. & Morgan, R. (۲۰۰۱), Regional Planning, A. Comprehensive View. Leonard Hill Books.
۲. Collins, A. (۲۰۰۶), Contemporary Security Studies, London: Oxford University Press.
۳. Rademaker, A. (۲۰۱۶), Role of tropospheric ozone increases in ۲۰th-century climate change, Journal of Geophysical Research-Atmospheres, ۱۱(۸): ۸-۲۰.
۴. Madani Larjani, Kaveh, (۲۰۰۵), "Iran's Water Crisis: Inducers, Challenges and Counter-Measures", Congress of the European Regional Science Association: ۲-۲۰.

تبیین عوامل موثر در وضعیت عدالت فضایی شهرستانهای مرزی

دکتر مصطفی قادری حاجت*^۱، سیدحسین پوزشیان^۲

۱- استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

*نویسنده ی مسئول: m.ghaderihajat@modares.ac.ir

چکیده:

جغرافیای سیاسی در وجه کاربردی خود علم کشورداری قلمداد شده و کشور کانون مطالعات این رشته دانشگاهی می باشد. یکی از مهمترین اصول در راستای کشورداری بهینه و هم افزایی در راستای بقای ملی، دستیابی به عدالت فضایی می باشد، که عبارت است از: توزیع متوازن فرصت ها، امکانات و قدرت در فضا. در پرتو تأثیر گذاری عوامل ارادی و غیرارادی بی عدالتی فضایی یکی از ویژگی های کشورهای جهان سوم به شمار می رود. واقعیت دیگری را که نباید از نظر دور داشت بغرنج بودن وضعیت عدالت فضایی شهرستانهای مرزی در مقایسه با دیگر مناطق کشور است. مناطقی که به واسطه قرارگیری آنها در طول مرزها، جدار خارجی کشور محسوب شده که امنیت و رفاه این مناطق، نشان دهنده میزان پیشرفت و همچنین عدالت فضایی در سطح کشور باشد. از آنجایی که عمده تحقیقات انجام گرفته شده در مورد عدالت فضایی در زمینه عدالت فضایی در سطح شهر و کالبد شهری و با تأکید بر توزیع فضایی خدمات شهری و حتی امکان سنجش وضعیت عدالت فضایی استانهای کشور متمرکز بوده است، هدف این مقاله که با روش توصیفی- تحلیلی و تکیه بر اطلاعات کتابخانه ای انجام گرفته است، تبیین عوامل مؤثر بر وضعیت عدالت فضایی شهرستانهای مرزی می باشد. نتایج نشان می دهد، عدالت فضایی در شهرستان های مرزی در مقایسه با شاخص استان از تفاوت معناداری برخوردار بوده و در سطح کشور نیز شهرستان های مرزی متأثر از شرایط مختلف چون پدیده های جغرافیایی (فاصله تا مرکز استان و کشور، طول مرز و ...) و مشارکت در قدرت (کرسی های نمایندگی) بر روی عدالت فضایی شهرستان مرزی تاثیر دارد.

واژه های کلیدی: عدالت فضایی، بی عدالتی فضایی، مرز، شهرستان های مرزی.

۱. مقدمه

توجه به مبحث عدالت فضایی در کشورهای مختلف، به ویژه جهان سوم، با توجه به نابرابری های فضایی طی سال های کنونی پیش از پیش مورد توجه واقع شده است (Williams, 1999: 168). جغرافیای سیاسی نیز به عنوان علمی که یکی از موضوعات محوری آن کشور می باشد و در تعریف کاربردی آن به علم کشورداری نیز یاد می شود که هدف آن اداره بهینه فضا است. فلسفه پرداختن به مقوله عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی ریشه در تداوم و بقای کشورها دارد. (قادری حاجت و حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۲۶) از این رو عدالت فضایی به عنوان یکی از اولویتهای غیر قابل تغییر برنامه های آمایش سرزمین و سازماندهی سیاسی فضا توسط حکومت ها باید مورد توجه قرار گیرد. در زمینه مطالعات مربوط به عدالت فضایی، تمرکز مطالعاتی یا رویکرد ساختاری به عدالت فضایی به عنوان یک فرآیند مولد فضاهای عدالت گریز و یا با تأکید بر وجه توزیعی عدالت در پی مقایسه مناطق و سطوح مختلف فضای از منظر برخورداری از خدمات و تسهیلات در مقیاس شهری است. لذا به عدالت در مقیاس های وسیع تر همانند شهرستان ها، استان ها و منطقه ای کمتر پرداخته شده است. یکی از مشکلات اساسی کشورهای جهان سوم بی عدالتی فضایی ناشی از عدم دسترسی یا نابرابری حاصل از توزیع قدرت، ثروت، منابع و فرصت ها در سطح کشور می باشد و این موضوع زمینه را برای عدم رشد همه جانبه، همگون و برابر در فضای کشور فراهم آورده است. مناطق مرزی به لحاظ کارکردی و بنیادی معمولاً از مناطق استراتژیک قلمداد می شوند، در حقیقت مرزها ترسیم شده اند تا قلمرو سیاسی کشورها و حاکمیت حکومتها را تعیین و تحکیم کنند و با تنظیم و نظارت بر روابط ساکنان کشورها با سایر کشورها، منابع ملی، هویت ملی و امنیت ملی را صیانت و تقویت کنند (ویسی، ۱۳۹۴: ۲۰).

یکی از مشکلات معمول مناطق مرزی در کشورهای جهان سوم بی عدالتی فضایی است، با توجه به اهمیت مناطق مرزی که در واقع سطح تماس بیرونی کشور و تشکیل دهنده جدار خارجی آن، ضروری است طبقه بندی و دسته بندی آنها از منظر عدالت فضایی / جغرافیایی اقدام فوری به عمل آید. ایران به عنوان یکی از کشورهایی دارنده مرزهای طولانی با همسایگان خود محسوب می شود، از مجموع ۳۱ استان کشور، ۱۶ استان و از مجموع ۴۳۴ شهرستان تا پایان سال ۹۷، ۱۰۶ شهرستان به عنوان شهرستانهای مرزی در ساختار تقسیمات کشوری ایران وجود دارند. مناطق مرزی، جمعیتی برابر با ۱۶،۱۷۵،۱۶۶ نفر که معادل ۲۰ درصد جمعیت کشور است را در خود جای داده اند.

نظر به اهمیت پویایی و تقویت مناطق مرزی، در این مقاله سعی شده است با بررسی مناطق مرزی ایران مشخص شود که بی عدالتی فضایی مرزی کشور تا چه اندازه، ناشی از عوامل جغرافیایی و بنیان های زیستی بوده و تا چه اندازه متأثر از نحوه ساماندهی و مدیریت سیاسی فضا می باشد. به این منظور برای تبیین اثرگذاری عوامل جغرافیایی، با بررسی مولفه های چون فاصله تا مرکز استان و مرکز کشور و در راستای تبیین اثرگذاری آمایش سیاسی و مدیریت سیاسی فضا بر مولفه هایی چون شاخص عدالت فضایی کل استان و میزان مشارکت در قدرت از طریق کرسی های نمایندگی در راستای دسته بندی شهرستانهای مرزی کشور اقدام شده است. همچنین با قرار دادن مقیاس تحلیل بر سطح شهرستان های مرزی به بررسی این موضوع پرداخته شده است که، آیا از منظر عدالت فضایی تفاوتی بین شهرستان های مرزی در درون جامعه آماری خود در استان و از سوی دیگر با سایر شهرستان های مرزی کشور وجود دارد.

۲. روش تحقیق:

از نظر هدف این مقاله از نوع بنیادی-کاربردی می باشد و از نظر روش شناسی از روش های توصیفی و تحلیلی که با تکیه بر منابع کتابخانه ای و منابع آماری به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته می شود. در پژوهش حاضر تلاش می شود به این سوالات پاسخ داده شود که:

۱- آیا شاخص عدالت فضایی کل استان بر روی وضعیت عدالت فضایی شهرستان های مرزی تاثیر دارد؟

۲- جدا از شاخص عدالت فضایی استان تفاوت در عدالت فضایی شهرستانهای مرزی ناشی از چه عواملی است؟ فرض اصلی پژوهش حاضر این است که عدالت فضایی در شهرستان های مرزی در مقایسه با شاخص استان از تفاوت معناداری برخوردار است و در سطح کشور نیز شهرستان های مرزی متأثر از شرایط مختلف چون پدیده های جغرافیایی (فاصله از مرکز استان و مرکز کشور، طول مرز و ...) و مشارکت در قدرت (کرسی های نمایندگی) بر روی عدالت فضایی شهرستان مرزی تاثیر دارد.

۳. مبانی نظری

۳-۱. عدالت فضایی

فضا یک بعد اساسی و بنیادی در جامعه انسانی است و محصول عملکرد عوامل بسیاری است که در این بین، نهاد سیاست و کارکرد نهادهای رسمی و شاخص آن یعنی حکومت و به تبع آن دولت تأثیر بسیار زیادی در کیفیت شکل گیری آن از منظر عدالت فضایی دارد (قادری حاجت و آفتابی، ۱۳۹۸، ۹۵). درک ارتباط متقابل بین فضا و جامعه در فهم عدالت اجتماعی ضرورتی اجتناب ناپذیر است و بازتاب دادن آن در سیاست ها و نظام برنامه ریزی به افزایش ضریب تأثیر آن کمک خواهد کرد. عدالت و بی عدالتی بر جنبه های جغرافیایی یا فضایی (بی) عدالتی تأکید دارد و به عنوان نقطه ی شروع، شامل توزیع منصفانه و مساوی منابع و فرصت ها در فضای اجتماعی است. رویکرد عدالت فضایی، به تعیین عادلانه یا ناعادلانه بودن رویداد خاصی کمک نمی کند بلکه به بررسی فرایندهای پویایی از تشکلهای اجتماعی، فضایی، اقتصادی و سیاسی بدین منظور که آیا عملکرد آنها برای تولید و بازتولید بی عدالتی است یا عدالت می پردازد (soja, ۲۰۱۰: ۸) در واقع تمرکز اصلی رویکرد عدالت فضایی بر شناسایی و تبیین عوامل و فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که این بی عدالتی ها را به منزله فرم نهایی آن سبب می شوند، قرار دارد. عدالت فضایی جایگزین و آلترناتیوی برای دیگر شکل های عدالت نیست بلکه تأکید خاص و چشم اندازی تفسیری را نشان می دهد (soja, ۲۰۱۰: ۱۳)

جاذبه برای ایجاد یک جامعه عادل به طور نیرومندی، محل تجمع مجدد طیف گسترده ای از جنبش های عدالت اجتماعی چون، عدالت اقتصادی، عدالت نژادی، عدالت محیطی، عدالت جهانی و... شده که با یکدیگر عدالت را هم در بعد مادی (سیاست های بازتوزیعی) و هم در بعد غیر مادی (آزادی، خرسندی، رضایت، فرصت، امنیت و...) طرح می کنند. درک صحیح حوزه معنایی عدالت فضایی (جغرافیایی)، مشروط بر درک رابطه متقابل سیاست و فضا و مکانیسم پویای آنهاست. این مکانیسم متقابل زمینه ساز مطرح شدن و فلسفه طرح عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی است، در جغرافیای سیاسی مفهوم عدالت از سطح انتزاعی خارج شده و به سطح عینی می رسد، و به عبارتی دیگر مفهوم عدالت عملیاتی می شود (قادری حاجت و حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۸). از این منظر عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است: از توازن نسبی شاخص های جامع توسعه (اقتصادی- زیر بنایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی) در مکانها و فضاهای جغرافیایی (خرد و کلان) یک کشور با شاخص های متناظر توسعه با آن در سطح ملی (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴). بر اساس نیاز و برابری».

۲-۳ بی عدالتی فضایی

منظور از بی عدالتی فضایی توزیع نابرابر فرصتها و امکانات و قدرت در فضا (قادری حاجت و حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۲۹). نابرابری های فضایی می تواند شامل نابرابری های بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و...

باشد. نابرابری فضایی موجب می شود تا از فضا استفاده بهینه به عمل نیاید، عدم استفاده بهینه از فضا زمینه ساز تراکم فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق را فراهم کند، باعث تضعیف انسجام ملی و جامعه شود، تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی به ویژه نیروی انسانی متخصص را در مناطق ناممکن می سازد، زمینه ساز مهاجرت های بی رویه شده و توزیع بهینه جمعیت در فضا را غیر ممکن می سازد. به طور کلی نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه نشینی مهاجرت و بی عدالتی را افزایش می دهد. همچنین نابرابری به اساس وحدت ملی آسیب می رساند و پیشرفت عمومی را با وقفه روبه رو می سازد.

از دید تئوریک، نابرابری باعث بهره گیری نامتناسب از فضا، جابجایی نیروی انسانی و سرمایه، مهاجرت و افزایش شکاف میان مناطق برخوردار و محروم می شود. در زمینه نابرابری فضایی می توان به چند رهیافت اشاره کرد. برخی برآنند که نابرابری از عملکرد بازار سرمایه داری سرچشمه می گیرد، در حالی که شماری دیگر، برپایی قطب های رشد را عامل اصلی می دانند و دست آخر، رهیافت رادیکالی نیز وجود دارد که نابرابری کشورها را برپایه نظریه وابستگی توجیه و تفسیر می کند: مبنای اصلی نابرابری های فضایی، سیاست گذاری و تصمیم گیری های تصمیم سازان ملی و محلی است، به گونه ای که تقسیم کار فضایی موجب انباشت سرمایه در برخی مناطق مستعد می شود و نابرابریها پدید می آید و فزونی می گیرد.

نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه نشینی، مهاجرت و بی عدالتی را افزایش می دهد. گذشته از آن، نابرابری های فضایی می تواند به بنیان یکپارچگی ملی آسیب رساند و مانعی اساسی برای پیشرفت عمومی کشور باشد. از این رو امروزه از دیدگاه عدالت فضایی، توسعه دیگر به معنای رشد تلقی نمی شود، بلکه به معنای وجود امکانات و توزیع عادلانه است، شناخت نابرابری ها و عدم تعادلها در چارچوب محدوده های جغرافیایی مختلف قابل طرح است. بی عدالتی فضایی همچنین، موجب گسترش فقر و محرومیت در مناطق و فضاهای جغرافیایی کم قدرت می گردد (Brad, 2017, 1).

۳-۳. مرز

مرزها یکی از مفاهیم مهم و اساسی در جغرافیای سیاسی می باشند که تعیین کننده حدود حاکمیت کشورها می باشند و مهمترین عامل در جدایی یک واحد سیاسی (کشور) از واحد سیاسی دیگر می باشد. مرزها در عین اینکه به عنوان عامل جداسازی کشورها عمل می کند، در درون خود به ایجاد وحدت سیاسی، اجتماعی و ساختاری بین عوامل مختلف دست می زند و زمینه وحدت و همکاری را که تا قبل از آن می تواند وجود نداشته باشد را ایجاد کند. حفظ و نگهداری این پدیده ها (مرزها) که نماد قلمرو سازی حکومت اند در شمار اهداف مهم حکومت و در راستای حفظ تمامیت ارضی کشور است. مرزها پدیده های فضایی-سیاسی هستند که در چشم انداز جغرافیایی ظاهر می شوند و محصول اعمال قدرت و سیاست دولتها در زمان های دور و نزدیک می باشند (میرحیدر، ۱۳۹۴: ۲۱۴). مرزها با هدف اعمال حاکمیت حکومت ها بر سرزمین تحت کنترل و مردمان ساکن در آن ایجاد می شوند.

جدول ۱: تعاریف مرز

تعریف	محقق
خطوط مرزی خطوطی اعتباری و قراردادی اند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می شوند. چنانچه منظور از واحد سیاسی حکومت باشد، خطوطی که سرزمین یک حکومت را از حکومت همسایه جدا می کند به مرزهای بین المللی معروف اند.	میرحیدر
مرزها به طور کلی تعیین کننده حدود و قلمرو حاکمیت و مالکیت یک دولت و یا نظام سیاسی هستند و کشورها و دولت ها را از یکدیگر جدا متمایز می کنند.	حافظ نیا

مجتهدزاده	انسان برای مشخص کردن پیرامون جولانگاه خود، آن گونه که با گستره ی جولانگاه همسایه تداخل نیابد، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پیرامون محیط زیست یا قلمرو خود است. گونه گسترش یافته این مفهوم، خط پیرامونی است که بخش پایانی جولانگاه یک دولت را مشخص می کند و جنبه سیاسی، مرز خوانده می شود.
مارتین گلاسنر	مرز یک خط نیست بلکه یک سطح است، خطی عمودی که از طریق فضا، خاک و زیر زمین کشورهای همسایه را از یکدیگر جدا می کند. این سطح در روی زمین به صورت یک خط به نظر می رسد.
درایسدل و بلیک	مرز پدیده فضایی است که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی است. (به نقل از حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۸)

(تدوین: نگارندگان)

مرز ها را می توان به عنوان جدار خارجی کشور و نقطه شروع کشور با جهان پیرامون دانست. از آنجا که سازماندهی سیاسی فضا باید در چارچوب مشخص و قلمرو فضایی تعیین شده صورت گیرد، مرز قراردادی دارای اهمیت می شود. در واقع چارچوب سرزمینی با مرزهای مشخص، بستر و نحوه سازماندهی سیاسی فضا و ساماندهی آن و دستیابی به اهداف تعیین شده را بیان می کند (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۹).

۴-۳. مناطق مرزی

منطقه را می توان به عنوان بخشی از سرزمین دانست که بیشترین روابط عملکردی و کارکردی میان شاخص ها در آن برقرار باشد. منطقه جغرافیایی بسته به معیارهایی که برای مرزبندی آن به کار می رود تقسیم می شود، اگر ملاک فعالیت های اقتصادی غالب باشد منطقه اقتصادی است، اگر عوامل صرفاً فرهنگی مانند زبان، مذهب و غیره منظور باشد منطقه اجتماعی و فرهنگی است و اگر تمام این عوامل به حساب آورده شود منطقه جامع جغرافیایی است (زیاری، ۱۳۹۱: ۴۰). منطقه جغرافیایی، فضا و قلمرویی است که از تجانس و همگونی در ویژگی های درونی، ساختاری و کارکردی برخوردار است و برپایه آنها با داشتن هویت مشخص از مناطق هم جوار خود متمایز می شود. (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳)

بررسی ها صورت گرفته نشان دهنده آن است که تعریف دقیق و روشنی از منطقه مرزی وجود ندارد، به طور کلی میتوان گفت که پژوهش های انجام شده در ارتباط با مناطق مرزی برای اولین بار ریشه در تفکرات نظریه های مکان مرکزی و به ویژه والتر کریستالر دارد، او تلاش داشت دلیل عدم تعادل های منطقه ای را در میان مناطق مرکزی و مناطق مرزی تجزیه و تحلیل کند و سپس در دوره های بعدی دیگران با پایه قرار دادن مطالعات وی سعی کردند که تعادل های منطقه ای را در مناطق مرزی مورد توجه قرار دهد (پرنیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۶) می توان گفت منطقه مرزی عبارت است از (فضای جغرافیایی بلافصل خطوط مرزی با وسعت های متفاوت که تحت تاثیر مستقیم مرزها قرار می گیرند) باید توجه داشت، عرض منطقه مرزی متناسب با وضعیت و عملکرد مرزها و تحت تاثیر قرار دادن محیط پیرامون کم یا زیاد می شود. البته به صورت کلی باید گفت با افزایش میزان اثربخشی مرزها از طریق تحولات صورت گرفته در عرصه های مختلف فناوری ها و گسترش زمینه تحرکات کالاها و انسان ها، عرض منطقه مرزی در حال افزایش است زیرا این تغییرات تاثیر پذیری مستقیم و بلافصل فضاهای جغرافیایی از مرزها را گسترش می دهد. (بهشتیان، ۱۳۹۸: ۶۸)

مناطق مرزی دارای خصیصه های متنوع و گوناگونی و به طور معمول دارای تفاوت هایی با مناطق داخلی کشورها هستند دوری از مرکز و قرارگیری در حاشیه جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی کشور، توسعه نیافتگی که خود می تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی و یا یا به دلیل مرزی بودن آن باشد و ویژگی های دیگری همچون ویژگی های قومی و مذهبی و ارتباطات و پیوند های انسانی، محیطی و یا تلفیقی از این دو با آن سوی مرزها، دارا بودن ماهیت استراتژیک و امنیتی بودن و قرارگیری بر پیشانی کشور برای ارتباط و برخورد با کشورهای همسایه می باشد. از سوی دیگر به دلیل ضعف های مدیریتی و

برنامه ریزی معمولا در این مناطق سطح تولید پایین، کمبود شغل و ناتوانی در برآوردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی به طور معمول زمینه مهاجرت و خالی شدن از سکنه و ضعف بنیه اقتصادی در این مناطق رو به رو هستیم.

آمایش مناطق مرزی، بهره برداری مطلوب از کلیه امکانات انسانی و فضایی این مناطق در جهت بهبود وضع مادی و معنوی جامعه به دنبال تبیین مبانی نظری سازماندهی مطلوب فضایی پایدار انسان، سرزمین و فعالیت های انسانی در مناطق مرزی با توجه به ویژگی های این مناطق در چارچوب طرح آمایش سرزمین و تحقق توسعه و امنیت ملی است (پرنیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۳). از دیگر سو تامین امنیت مرزها برای کشورها و به خصوص کشورهایی که دارای مرزهای طولانی می باشند از اولویت خاصی برخوردار می باشد و مناطق مرزی با رشد و توسعه پایدار خود می توانند هم امنیت مرزها را تامین کنند و هم به عنوان مناطق شروع حاکمیتی کشور زمینه را برای گسترش حوزه نفوذ کشورها را در همسایگان خویش پدید آورد. در رویکردهای جدیدی که برای برنامه های توسعه پایدار وجود دارد توسعه منطقه بر اساس ترکیب حرکت های توسعه ای از بالا و توسعه از پایین و با نقش دهی اصلی به مردم و اجتماعات محلی و استفاده از منابع داخلی در جهت استفاده همه مردم از امتیازات توسعه برنامه ریزی می شود. به طور کلی میتوان از وضعیت مناطق مرزی کشور به نحوه مدیریت در ابعاد گوناگون سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و از سوی دیگر وضعیت سازماندهی سیاسی فضا و برنامه های آمایش سرزمین کشور پی برده شود همانگونه که پیشتر در تعریف عدالت فضایی گفته شده است عدالت فضایی در پی برابری توزیع فرصت ها، مزایا، قدرت سیاسی و اجرایی می باشد و لذا مناطق مرزی نیز به عنوان یکی از اصلی ترین اهداف برای سنجش عدالت فضایی و اجرای برنامه های مرتبط با عدالت فضایی قرار می بایست مورد توجه قرار گیرد.

۴. پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که تا به امروز در ایران درمورد موضوع عدالت فضایی صورت گرفته است نشان دهنده این است که با وجود توجه به موضوع عدالت فضایی، بیشتر در مقیاس شهر و توزیع خدمات شهری، ارتباط بی عدالتی فضایی با فقر بوده است و توجه کمتری به مبحث عدالت فضایی در مقیاس های گسترده تر از جمله شهرستان ها و استانی، سازماندهی سیاسی فضا و برنامه های آمایش سرزمینی شده است. از جمله پژوهش هایی که تاکنون در رابطه با عدالت فضایی صورت گرفته شده است در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول ۲: پیشینه پژوهش

پژوهشگران / سال	عنوان پژوهش	خلاصه
حافظ نیا، محمدرضا، قادری حاجت، مصطفی، احمدی پور، زهرا، افتخاری، عبدالرضارکن الدین، گوهری، محمد (۱۳۹۴)	طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی	نیازمندی تحقیقات جغرافیایی به مدل هایی که اطلاعات حاصل از تخصص های مرتبط را در قالبی یکپارچه به منظور پاسخ گویی به سوالات و تحقیقات سامان دهی کند و به طراحی الگوی عملیاتی سنجش عدالت فضایی در ایران در قالب نرم افزار عدالت فضایی پرداخته شده است.
قاسمی سیانی، محمد و حقی، مهدی (۱۳۹۵)	تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه های غیر رسمی از منظر عدالت فضایی، مطالعه موردی: نسیم شهر تهران	بررسی ارتباط عدالت فضایی با فقر شهری و اثر آن بر گستره سکونتگاه های غیر رسمی پرداخته و بی عدالتی در نحوه ی توزیع اعتبارات و تسهیلات تاثیر جبران ناپذیری بر ساختار و ماهیت شهرها دارد که این امر نابرابری و عدم تعادل فضای شهری و گستره فقر شهری و شکل گیری سکونت گاه های غیر رسمی دامن می زند

داداش پور، بهزاد و الوندی نینا(۱۳۹۶)	عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران	واکوی و آسیب شناسی حوزه نظری پژوهش های انجام شده در قلمرو میان رشته ای عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران پرداخته و با مطالعه ۴۴ مقاله علمی-پژوهشی، با محوریت موضوع عدالت فضایی در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۳، چنین نتیجه می گیرد که پژوهش های انجام شده به صورت فراگیری تلقی سوسیالیستی از عدالت فضایی را مفروض گرفته اند. بنابراین در بیشتر پژوهش ها، رویکرد توزیعی از نوع برابری محور به بحث عدالت در شهر مورد توجه قرار گرفته و از توجه به ریشه های بی عدالتی در قالب ساختاری باز می ماند.
یغفوری، حسین و قاسمی، سجاد و قاسمی، نرگس(۱۳۹۶)	بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تاکید بر مدیریت شهری مطالعه موردی: محلات منطقه ۱۹ تهران	بررسی مفهوم و دیدگاه ها نسبت به عدالت فضایی و لزوم استفاده از آن در برنامه ریزی های شهری برای رسیدن به عدالت اجتماعی و فضایی و تحلیل توزیع خدمات شهری در منطقه ۱۹ تهران برای تعیین میزان نابرابری از طریق سرانه ها خدمات عمومی و نشان دادن میزان نابرابری در منطقه ۱۹ تهران
قادری حاجت، مصطفی و حافظ نیا، محمد رضا(۱۳۹۷)	راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایران	با بررسی بنیان های بی عدالتی فضایی در ایران اعم از ویژگی های طبیعی و محیطی و انسانی و مدیریتی در قالب نرم افزار سنجش عدالت فضایی، راهکارهای دسترسی به عدالت فضایی می پردازد و حصول به عدالت فضایی را در قالب برنامه های آمایش سرزمین می داند.
قادری حاجت، مصطفی و آفتابی، زکویه(۱۳۹۸)	تحلیل فقر از منظر عدالت اجتماعی: مطالعه موردی: استان های شمال ایران	به بررسی تحلیلی رابطه فقر و عدالت فضایی می پردازد از این رو در قالب یک رویکرد تحلیلی تبیین ارتباط عدالت فضایی و فقر در استان های شمالی ایران را مورد توجه قرار می دهد و با مقایسه وضعیت استان های مورد مطالعه در شاخص فقر و محرومیت به این نتیجه می رسد که هر قدر استان عدالت فضایی کمتری داشته باشد، فقر و محرومیت بیشتری دارد.

(منبع: نگارندگان)

۵. یافته ها

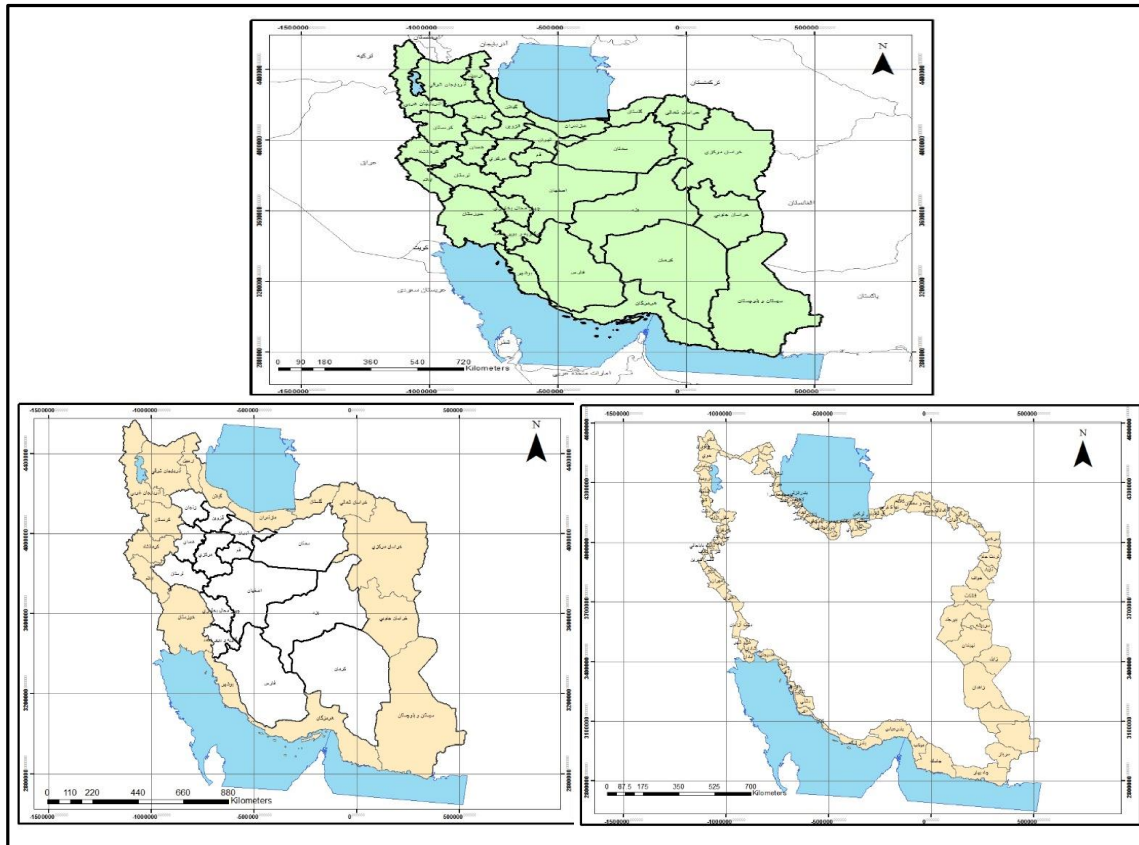
۵-۱. محیط شناسی :

محدوده مورد مطالعه این تحقیق عبارت است از تمامی استان ها و شهرستانهای مرزی که شامل ۱۶ استان با مساحتی حدود ۸۷۰ هزار کیلومتر مربع یعنی کمی بیش از ۵۲ درصد مساحت ایران و جمعیتی حدود ۳۹ میلیون نفر که ۴۹ درصد جمعیت ایران و دارای ۱۰۶ شهرستان مرزی می باشد. در مجموع از استان های مرزی ۹ استان تنها دارای مرزهای زمینی، ۳ استان دارای مرزهای آبی و ۴ استان نیز هم دارای مرزهای آبی و هم زمینی می باشد که مجموعاً ۸۵۷۴ کیلومتر مرز مشترک ایران را با پانزده کشور از طریق دریا و خشکی را تشکیل داده اند. استان سیستان و بلوچستان در مجموع با ۱۵۴۹ کیلومتر مرز مشترک خشکی با پاکستان و افغانستان و دریای عمان بیشترین طول مرزها و هم چنین بزرگترین استان مرزی و استان کردستان نیز با ۲۱۲ کیلومتر مرز مشترک کمترین میزان خطوط مرزی را با کشور عراق دارا می باشد. ساختار فضایی - جغرافیایی ملت ایران از دویخش مرکزی و پیرامونی تشکیل شده است، بخش مرکزی که میان آن تجانس و همگنی قومی

مذهبی و فضایی برقرار می باشد و بخش پیرامونی که در دشت ها و نواحی مرتفع حاشیه جغرافیایی ایران سکونت دارند و دچار گسیختگی قومی و مذهبی هم نسبت به مرکز و هم نسبت به دیگر بخش های پیرامونی کشور می باشد. اقلیت های مذهبی و قومی از جمله بلوچ ها در جنوب شرق، ترکمن ها در شمال شرق، آذری ها و کردها در شمال غرب و غرب و اعراب در جنوب غرب در مرزهای ایران ساکن می باشند که بعضی از آنها از لحاظ قومیتی و بعضی دیگر از لحاظ مذهبی و قومی با مرکز کشور دارای عدم تجانس می باشند. طبق نتایج بدست آمده از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ کشور، جمعیتی بالغ بر ۱۶ میلیون نفر که معادل ۲۰ درصد جمعیت کشور می باشد در شهرستان های مرزی زندگی می کنند و در این بین شهرستان جاسک با ۳۴۲ کیلومتر مرز بیشترین طول مرز را به خود اختصاص داده است. استان مازندران با ۱۴ شهرستان با مرز آبی بیشترین تعداد شهرستان های مرزی را دارا می باشد ولی در بعد مرزهای زمینی سیستان و بلوچستان با ۱۱ و آذربایجان غربی با ۹ شهرستان مرزی بیشترین و آذربایجان شرقی نیز با ۲ شهرستان مرزی کمترین تعداد شهرستان های مرزی را دارا می باشد.

نقشه ۱: استان ها و شهرستان های مرزی ایران

منبع: نگارندگان



جدول ۳: استان ها و شهرستان های مرزی ۱۳۹۵

استان	شهرستان های مرزی	استان	شهرستان های مرزی
-------	------------------	-------	------------------

آذربایجان شرقی	جلفا، خداآفرین	خوزستان	آبادان، بندرماهشهر، خرمشهر، دشت آزادگان، شادگان، شوش، هندیجان، هویزه
آذربایجان غربی	ارومیه، اشنویه، بلدش، پیرانشهر، چالدران، خوی، سردشت، سلماس، ماکو	سیستان و بلوچستان	چابهار، خاش، زابل، زابلی (مهرستان)، زاهدان، زهک، سراوان، سرباز، سیب و سوران، کنارک، هیرمند
اردبیل	اردبیل، بيله سوار، پارس آباد، گرمی (مغان)، مشکین شهر، نمین	کردستان	پانه، سروآباد، سقز، مریوان
ایلام	ایلام، دهلران، مهران	کرمانشاه	پاوه، سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی، جوانرود، قصر شیرین
بوشهر	بوشهر، تنگستان، دشتی، دیلم، کنگان، گناوه، دیر	گلستان	آق قلا، ترکمن، گمیشان، گنبد کاووس، مراوه تپه
خراسان جنوبی	درمیان، سریشه، قاینات، نهبندان	گیلان	آستارا، آستانه اشرفیه، بندر انزلی، رشت، رضوانشهر، رودسر، تالش (طوالش) لاهیجان، لنگرود، ماسال
خراسان رضوی	تایباد، تربت جام، خواف، درگز، سرخس، قوچان، کلات	مازندران	بابلسر، بهشهر، تنکابن، جویبار، ساری، رامسر، عباس آباد، فردونکنار، محمود آباد، میانرود، نوشهر، نور، نکا
خراسان شمالی	بجنورد، شیروان، فاروج، مانه و سملقان	هرمزگان	بندر عباس، بندر لنگه، پارسیان، جاسک، خمیر، میناب، سیریک

منبع: مرکز آمار ایران

۲-۵. عدالت فضایی در استانهای مرزی

به لحاظ مدیریت سیاسی فضا، کشور ایران دارای نظام سازماندهی سیاسی بسیط و متمرکز می باشد و لذا از گذشته تاکنون و همچنین به تبع حائل بودن در قرون اخیر، نظام متمرکز سیاسی تاثیر خود را بر پراکنش امکانات، فرصت ها و بهره برداری از منابع بر جای گذاشته است به گونه ای که با بررسی شاخص عدالت فضایی در پهنه های استانی کشور ناهمگونی و گسیختگی را در سطح کشور می توان به خوبی مشاهده کرد. با بررسی کشور از منظر عدالت فضایی، ۱۸ استان در وضعیت برابر یا بیشتر از میانگین شاخص عدالت فضایی کل و ۱۳ استان پایین تر از میانگین عدالت فضایی کشور نشان قرار گرفته اند. در مجموع ۹ استان مرزی کشور یعنی بیش از ۵۰ درصد در وضعیتی پایین تر از شاخص میانگین ملی و ۶ استان برابر و تنها ۱ استان بیشتر از میانگین ملی قرار دارد که خود این موضوع نشان دهنده وضعیت نامطلوب استان های مرزی از لحاظ عدالت فضایی میباشد. این امر مبین این نکته است که توزیع منابع، فرصت ها و امکانات بین هسته مرکزی و نواحی پیرامونی متوازن نمی باشد و مناطق مرزی از وضعیت ضعیف تری برخوردارند. وضعیت مرکز پیرامون سطح کشور به گونه ای دیگر در استان های نیز قابل رهگیری است به گونه ای که در مناطق مرزی نیز دچار نوعی بی عدالتی فضایی هستیم و توازنی بین فضاهای جغرافیایی (شهرستان های استان) از نظر دسترسی به مولفه های اقتصادی-زیربنایی، خدماتی، سیاسی و... وجود ندارد و نوعی رابطه مرکز-پیرامون نیز در درون استان ها در بهره مندی از امکانات و فرصت ها وجود دارد و با دور شدن از مرکز میزان بی عدالتی فضایی افزایش می یابد. این امر در قالب جدول شماره ۴ و نقشه شماره ۲ قابل مشاهده است.

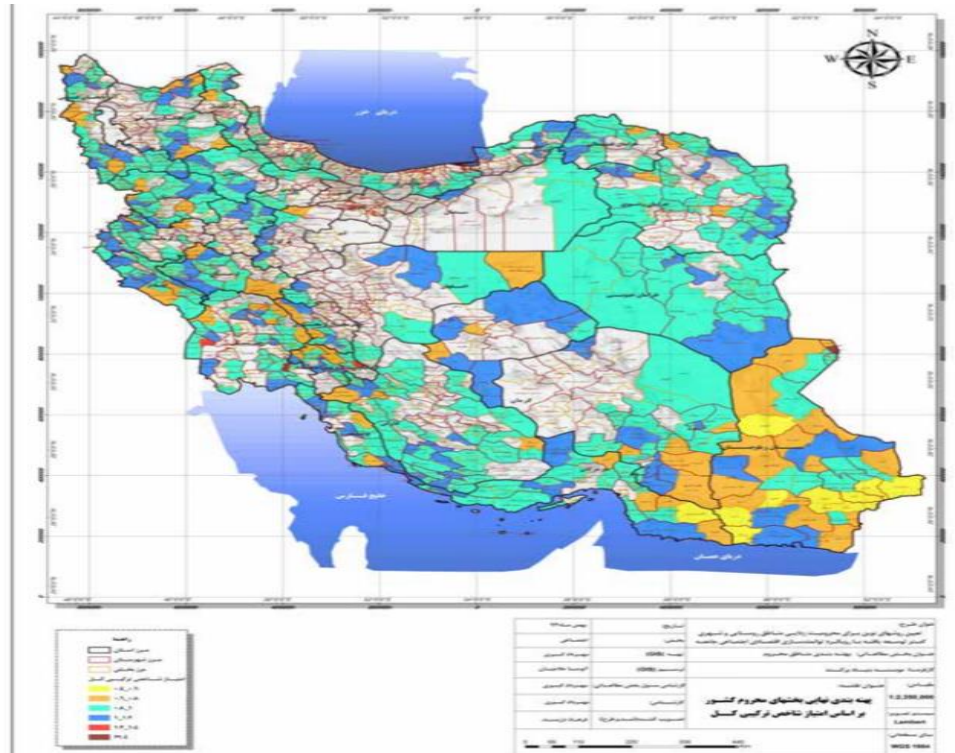
جدول ۴: وضعیت عدالت فضایی در ایران

استان	عدالت فضایی	فاصله با میانگین ملی	استان	عدالت فضایی	فاصله با میانگین ملی
آذربایجان شرقی	۰.۳۳۵۲۹۳۶۸	-۰.۰۱۱۵۴۱۶۸	سمنان	۰.۳۸۷۰۱۴	۰.۰۴۰۱۷۸۳۴۷

۰۰۰۵۷۶۸۹۹	۰۲۸۹۱۴۵	سیستان و بلوچستان	۰۰۰۱۸۱۱۱۰۱	۰۳۲۸۷۲۴۳۶	آذربایجان غربی
۰۰۰۴۶۹۲۴۹	۰۳۴۲۱۴۳	فارس	۰۰۱۶۱۷۳۹۰۷	۰۳۶۳۰۰۹۲۷	اردبیل
۰۰۱۶۴۵۶۱۵۴	۰۳۶۳۲۹۲	قزوین	۰۰۱۶۷۸۸۴۵۸	۰۳۶۳۶۳۳۸۳	اصفهان
۰۰۱۰۴۵۳۴۳۵۷	۰۴۵۱۳۷	قم	۰۰۰۴۱۰۹۱۴	۰۳۰۵۷۴۳۹۶	البرز
۰۰۰۲۳۸۶۲۲	۰۳۴۴۴۴۹	کردستان	۰۰۲۰۳۰۵۴۲	۰۳۲۶۵۲۹۹۵	ایلام
۰۰۰۲۹۶۹۹۷۲	۰۳۱۷۳۳۶	کرمان	۰۰۳۵۳۸۸۵۵۵	۰۳۸۲۲۳۳۹۲	بوشهر
۰۰۰۱۶۶۷۰۸۶	۰۳۳۰۱۶۵	کرمانشاه	۰۰۲۵۶۳۷۲۶	۰۳۷۲۴۷۲۶۳	تهران
۰۰۲۰۴۱۰۲۲	۰۳۶۷۲۴۶	کهگیلویه و بویراحمد	۰۰۰۶۵۱۵۸۹۲	۰۳۵۳۳۵۱۲۶	چهارمحال و بختیاری
۰۰۰۲۱۳۲۸۷۲	۰۳۲۵۵۰۷	گلستان	۰۰۰۹۸۳۱۳	۰۳۳۷۰۰۴۰۷	خراسان جنوبی
۰۰۰۱۶۲۰۴۶۸	۰۳۳۰۶۳۲	گیلان	۰۰۱۲۲۵۹۳	۰۳۳۴۵۷۶۰۷	خراسان رضوی
۰۰۰۱۳۶۶۸۶	۰۳۳۳۱۶۷	لرستان	۰۰۱۶۱۹۱۹۹۴	۰۳۶۳۰۲۷۳۶	خراسان شمالی
۰۰۰۰۷۱۵۵۵۵	۰۳۳۹۶۸	مازندران	۰۰۰۲۸۷۵۴۶	۰۳۴۳۹۵۹۹۱	خوزستان
۰۰۰۲۱۱۶۰۳۱	۰۳۴۸۹۵۱	مرکزی	۰۰۰۰۶۱۴۸۱	۰۳۴۶۲۲۰۵۶	زنجان
۰۰۰۲۴۴۶۳۱۹	۰۳۲۲۳۷۲	هرمزگان	۰۳۳۷۶۴۰۹۸	۰۳۳۷۶۴۰۹۸	همدان

(منبع: یافته های تحقیق)

نقشه ۲: سطح بندی و پهنه بندی بخش های محروم کشور

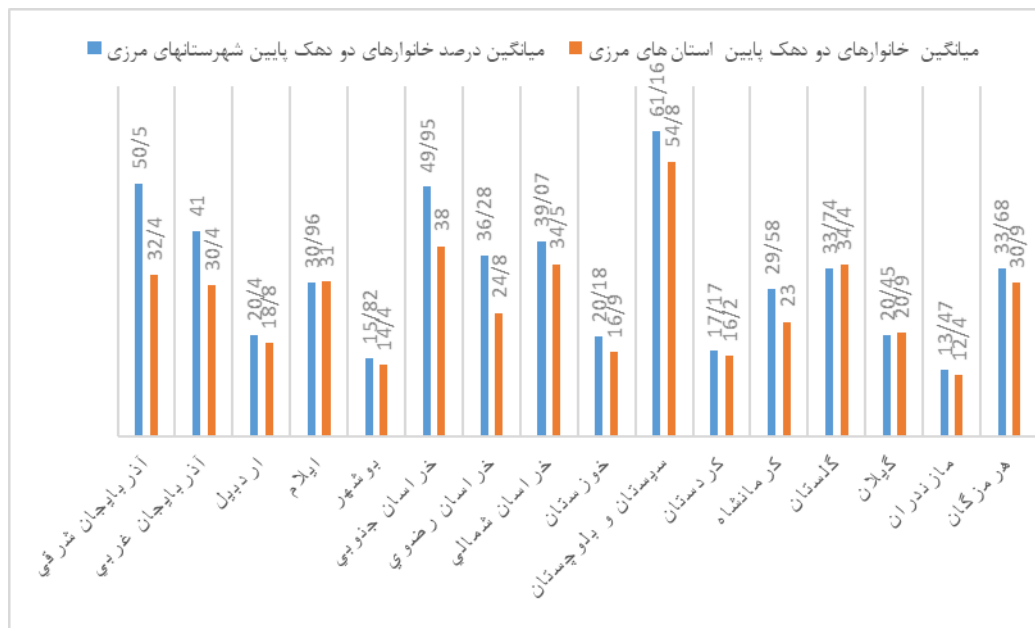


(منبع: اطلس مناطق محروم کشور، ۱۳۹۶:۱۴۸)

۳-۵. توزیع فضایی دو دهک پایین درآمدی جامعه

با مطالعه شاخص دو دهک درآمدی پایین جامعه میتوان به میزان تعادل، هماهنگی و یکپارچگی توسعه کشور و استان های مورد بررسی پی برد، همانطور که پیشتر گفته شد یکی از ارکان اساسی برای رسیدن به عدالت فضایی توزیع متناسب قدرت، امکانات و فرصتها در یک کشور می باشد. از همین رو با بررسی این شاخص در استان های مرزی کشور شاهد یک بی عدالتی در بین شهرستان های مرزی با شهرستانهای غیر مرزی رو به رو هستیم به گونه ای که به جز سه استان ایلام، گلستان و گیلان که به مقدار ناچیزی میانگین درصد دو دهک پایین آنها از میانگین درصد دودهک پایین شهرستان های مرزی بیشتر میباشد در بقیه استانها نوعی بی عدالتی فضایی در بین شهرستان های مرزی وجود دارد و از سوی دیگر یک نوع بی عدالتی فضایی شدید در بین خود شهرستان های مناطق مرزی با یکدیگر وجود دارد به گونه ای که بین سیستان و بلوچستان با ۶۱.۱۶ و مازندران با ۱۳.۴۷ شاهد اختلاف فاحشی در این شاخص هستیم.

نمودار ۱: میانگین درصد خانوارهای دو دهک پایین استان های مرزی با شهرستان های مرزی

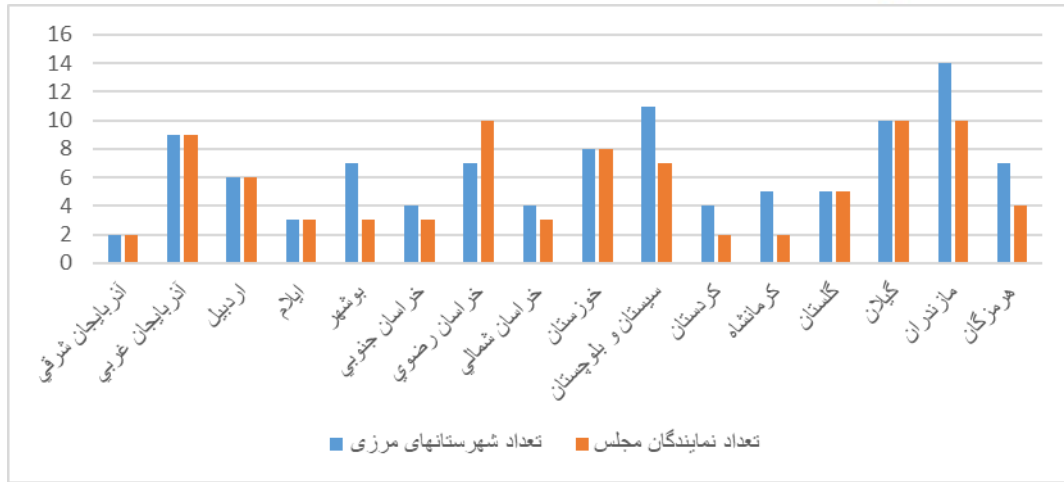


(منبع: زاهدیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲)

۴-۵. شاخص مشارکت در قدرت

با بررسی تعداد نمایندگان به نوعی از مشارکت مطلوب شهرستان های مرزی در ساختار قدرت رو به رو می شویم به گونه ای که این شهرستان ها با دارا بودن ۲۰ درصد جمعیت کشور سهمی ۳۰ درصدی در تعداد نمایندگان مجلس دارا می باشند که خود عاملی در افزایش میزان عدالت فضایی است و اما از سوی دیگر و در بررسی پراکنش تعداد نمایندگان نسبت به شهرستان ها تا حدودی شاهد ناهمگونی تعداد نمایندگان به تعداد شهرها می باشیم که این موضوع سبب تشدید بی عدالتی فضایی در این شهرستان ها شده است.

نمودار ۲: مجموع تعداد نمایندگان شهرستان های مرزی

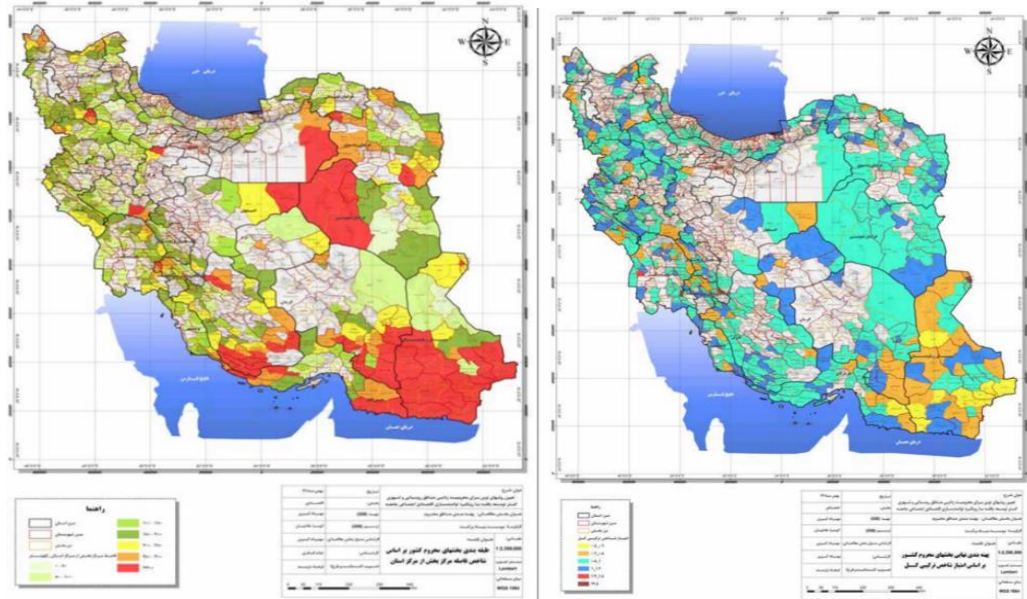


(منبع: یافته‌های پژوهش)

۵-۵. شاخص فاصله از مرکز استان و مرکز کشور

تمرکز گرایی به عنوان یکی از شیوه‌های سازماندهی سیاسی فضا توسط کشورها برای افزایش کارایی استفاده می‌شود. از سوی دیگر در این کشورها همواره عامل فاصله از مرکز مدیریت کشور و استان را به عنوان یکی از مولفه‌های برخورداری از منابع بر می‌شمارند به همین دلیل در این شیوه سازماندهی مرکز-پیرامون همواره باعث جذب فرصت‌ها و منابع پیرامون در مرکز و تهی شدن پیرامون از امکانات، فرصت‌ها شده است. با بررسی شاخص فاصله شهرستان‌های مرزی نسبت به پیرامون شاهد نوعی بی‌عدالتی فضایی در بین شهرستان‌های مرزی و غیر مرزی استان و در بین کلیه شهرستان‌های مرزی نسبت به یکدیگر می‌باشیم به گونه‌ای که با بررسی سطح بندی و پهنه بندی مناطق محروم کشور مشاهده می‌گردد که در استان‌های مرزی شمالی و شمال غربی از وضعیت بهتری نسبت به شهرستان‌های جنوب شرق و شرقی رو به رو هستیم، از دیگر سو در بین خود استان‌های مرزی نیز با شدت کمتر شاهد بی‌عدالتی فضایی نسبت به سایر شهرستانها می‌باشیم.

نقشه ۳: بخش‌های محروم کشور بر اساس شاخص فاصله مرکز بخش از مرکز استان



(منبع: اطلس مناطق محروم کشور، ۱۳۹۶: ۱۴۸)

۶. تحلیل و نتیجه گیری

عدالت فضایی (توزیع متوازن و عادلانه منابع، امکانات، فرصت ها و قدرت) به عنوان مهمترین پیشرانه در جهت رشد همگون و یکپارچه در سطح هر کشوری باید مورد توجه قرار بگیرد. جغرافیدانان سیاسی با تمرکز مطالعاتی خود بر ابعاد سیاسی فضا، بایستی در این عرصه نقش فعال و موثر خود را ایفا کنند. مرزها و مناطق مرزی یکی از مهمترین عرصه های هر کشور محسوب می شوند و نشان دهنده شیوه مدیریت سیاسی یک کشور و هویت دهنده به آن می باشند، از اینرو مناطق مرزی با توجه به موقعیت آنها در پیشانی کشور و نقطه شروع حاکمیت کشورها، عاملی اثر گذار برای نفوذ دولتها در کشورهای همسایه خود هستند. از همین رو با بررسی رفاه، امنیت، میزان دستیابی به فرصت ها و امکانات آنها میتوان به عدالت فضایی که ناشی موفقیت یا عدم موفقیت برنامه های آمایش سرزمین و مدیریت سیاسی فضا میباشد پی برد. لذا با بررسی و تبیین تاثیر عوامل موثر بر عدالت فضایی از جمله شاخص هایی عدالت فضایی استان ها و میزان مشارکت در قدرت سیاسی و فاصله از مرکز هم میتوان به میزان اثرات این شاخص ها در شناخت میزان عدالت فضایی پرداخت و هم میتوان وضعیت مناطق مرزی را سنجش کرد.

با بررسی شاخص های سه گانه مزبور نتایج نشان می دهد که بی عدالتی و عدالت فضایی در سطح شهرستان های مرزی تاثیر بسیار شدیدی از عامل جغرافیایی فاصله از مرکز استان و مرکز کشور دارا میباشد. این عامل را میتوان بخوبی در میزان محرومیت و عدالت فضایی شهرستان های استان های شمالی با سایر شهرستان های کشور مشاهده کرد لذا در مبحث فاصله از مرکز مشخص میشود با وجود فاصله از مرکز استان یا کشور شاهد نوعی رابطه مرکز پیرامونی هم در استان و هم در کشور میباشیم به گونه ای که با افزایش فاصله شاهد افزایش محرومیت در شهرستان های مرزی می باشیم. البته ذکر این نکته ضروری است که در بررسی ها مشخص شده است بعضی از این شهرستان ها مانند بندرعباس، بوشهر، ماهشهر، آبادان با وجود داشتن فاصله زیاد از مرکز، از وضعیت مناسبی در شاخص عدالت فضایی برخوردار هستند که این وضعیت را میتوان معلول وجود منابع استراتژیک و مهمی همچون نفت و گاز، صنایع پالایشگاهی، صنعتی و یا موقعیت استراتژیک و حیاتی از لحاظ جغرافیایی به خصوص قرارگیری در جنوب کشور و پهنه های آبی می باشد. اما از سوی دیگر میزان مشارکت در قدرت

بیشترین اثر محسوس را بر روی عدالت فضایی این مناطق دارا می باشد که این موضوع با توجه به وجود تعداد نمایندگان بیشتر از نسبت جمعیتی در شهرستان های مرزی می باشد، با این وجود شاهد کاهش اثرات آن در بعد عدالت فضایی در این مناطق نسبت به مناطق مرکزی کشور هستیم، که این موضوع را باید در نحوه پراکنش تعداد نمایندگان در شهرستان های مرزی، که حتی باعث ایجاد تفاوت در بین خود شهرستان های مرزی نیز می گردد، در نظر داشت. در مبحث شاخص عدالت فضایی استان ها و تاثیر آن بر روی شهرستان های مرزی نتایج بیانگر این است که این شاخص تا حد زیادی نمیتواند به خوبی نشان دهنده میزان عدالت فضایی در سطح شهرستان های استان باشد چرا که در بین خود شهرستان ها با یک وضعیت مرکز-پیرامون و نابرابری فرصت ها و امکانات و قدرت (بی عدالتی فضایی) رو به رو می باشیم به طوری که با استفاده از شاخص میانگین دودهک پایین جامعه به خوبی می توان نمایانگر بی عدالتی فضایی در مناطق و شهرستان های مرزی باشد و با بررسی و تطبیق آن در بین استان های مرزی شاهد بی عدالتی فضایی گسترده ای بین شهرستان های مرزی و غیر مرزی از سویی و در بین شهرستان های مرزی و کل کشور هستیم.

همچنین با تجمیع شاخص های سه گانه می توان مهمترین عوامل موثر بر وضعیت عدالت فضایی مناطق مرزی را به ترتیب اهمیت در شاخص های عدالت فضایی استان و سپس فاصله از مرکز و مشارکت در قدرت را دسته بندی کرد. از سوی دیگر و در ترکیب شاخص های یاد شده استان های سیستان و بلوچستان با ۱۱، خراسان رضوی با ۷ و آذربایجان غربی با ۶ شهرستان کمترین تاثیرگذاری از شاخص های سه گانه و استان های مازندران و گیلان بیشترین اثرپذیری از شاخص های سه گانه عدالت فضایی در شهرستان های مرزی برخوردار هستند.

جدول ۵: تفکیک شهرستان های مرزی بر اساس میزان همپوشانی و تاثیرپذیری از شاخص های سه گانه

شهرستان ها	تأثیر شاخصها
جویبار، ساری، جلفا، اردبیل، ماکو، بیله سوار، پارس آباد، بوشهر، بجنورد، آبدان، ماهشهر، آستارا، بندر انزلی، رشت، لنگرود، بابل، فریدونکنار، محمودآباد، بندرعباس.	همپوشانی و تاثیرپذیری از سه شاخص
لاهیجان، ماسال، بهشهر، تنکابن، چالوس، رامسر، عباس آباد، مشگین شهر، میانرود، نکاء، نور، نوشهر، ارومیه، پیرانشهر، ایلام، دشتی، دیر، شیروان، خرمشهر، هندیجان، ترکمن، گمیشان، گنبدکاووس، آستانه اشرفیه، رضوانشهر، رودسر.	همپوشانی و تاثیرپذیری از دو شاخص
خداآفرین، اشنویه، پلدشت، چالدران، خوی، سردشت، سلماس، گرمی (مغان)، نمین، دهلران، مهران، تنگستان، دیلم، کنگان، گناوه، شادگان، هویزه، چابهار، خمیر، سیریک، تایباد، درمیان، سربیشه، قائنات، نهبندان، فاروج، مانه و سملقان، دشت آزادگان، زاهدان، سراوان، سیب و سوران، خاش، زابل، زابلی (مهرستان)، زهک، سرپاز، کنارک، هیرمند، سروآباد، پاوه، ثلاث باباجانی، میناب، جوانرود، سرپل ذهاب، قصرشیرین، آق قلا، مراوه تپه، تالش (طوالش)، جاسک، تربت جام، خواف، درگز، سرخس، قوچان، کلات، بانه، سقز، مریوان، بندر لنگه، پارسیان.	عدم همپوشانی و تاثیرپذیری از حداقل یک شاخص ها

منبع: نگارندگان

جدول ۵: میزان اثرپذیری شهرستان های مرزی از شاخص های سه گانه

مشارکت سیاسی	فاصله	عدالت فضایی	شهرستان	استان	مشارکت سیاسی	فاصله	عدالت فضایی	شهرستان	استان	مشارکت سیاسی	فاصله	عدالت فضایی	شهرستان	استان
*		*	گمیشان	گلستان				قوچان	خراسان رضوی	*	*	*	جلفا	آذربایجان شرقی
*		*	گنبد کاووس	گلستان				کلات	خراسان رضوی				خداآفرین	آذربایجان شرقی
			مراوه تپه	گلستان	*	*	*	بجنورد	خراسان شمالی	*		*	ارومیه	آذربایجان غربی
*	*	*	آستانرا	گیلان	*	*		شیروان	خراسان شمالی				اشنویه	آذربایجان غربی
*	*		آستانه اشرفیه	گیلان				فاروج	خراسان شمالی				پلدشت	آذربایجان غربی
*	*	*	بندر انزلی	گیلان				مانه و سملقان	خراسان شمالی	*		*	پیرانشهر	آذربایجان غربی
*	*	*	رشت	گیلان	*	*	*	آبادان	خوزستان				چالدران	آذربایجان غربی
*	*		رضوانشهر	گیلان	*	*	*	بندر ماهشهر	خوزستان				خوی	آذربایجان غربی
*	*		رودسر	گیلان	*	*		خرمشهر	خوزستان				سردشت	آذربایجان غربی
			تالش (طوالش)	گیلان				دشت آزادگان	خوزستان				سلماس	آذربایجان غربی
*	*	*	لاهیجان	گیلان				شادگان	خوزستان	*	*	*	ماکو	آذربایجان غربی
*	*	*	لنگرود	گیلان				شوش	خوزستان	*	*	*	اردبیل	آذربایجان غربی
*	*	*	ماسال	گیلان	*	*		هندیجان	خوزستان	*	*	*	بيله سوار	آذربایجان غربی
*	*	*	بابلسر	مازندران				هویزه	خوزستان	*	*	*	پارس آباد	آذربایجان غربی
*	*		بهشهر	مازندران				چاه بهار	سیستان و بلوچستان				گرمی (مغان)	آذربایجان غربی
*	*		تنکابن	مازندران				خاش	سیستان و بلوچستان	*	*		مشگین شهر	آذربایجان غربی
*	*	*	جویبار	مازندران			*	زابل	سیستان و بلوچستان				نمین	آذربایجان غربی
*	*		چالوس	مازندران				زابل (مهرستا ن)	سیستان و بلوچستان	*		*	ایلام	آذربایجان غربی
*	*		رامسر	مازندران			*	زاهدان	سیستان و بلوچستان				دهلران	آذربایجان غربی
*	*	*	ساری	مازندران				زهک	سیستان و بلوچستان				مهران	آذربایجان غربی
*	*		عباس آباد	مازندران			*	سراوان	سیستان و بلوچستان	*	*	*	بوشهر	آذربایجان غربی
*	*	*	فریدونکنار	مازندران				سرباز	سیستان و بلوچستان				تنگستان	آذربایجان غربی
*	*	*	محمودآباد	مازندران			*	سپب و سوران	سیستان و بلوچستان	*	*		دشتی	آذربایجان غربی
*	*		میانرود	مازندران				کنارک	سیستان و بلوچستان	*		*	دیر	آذربایجان غربی
*	*		نکا	مازندران				هیرمند	سیستان و بلوچستان		*		دیلیم	آذربایجان غربی
*	*		نور	مازندران			*	پانه	کردستان				کنگان	آذربایجان غربی
*	*		نوشهر	مازندران				سروآباد	کردستان				گناوه	آذربایجان غربی
*	*	*	بندرعباس	هرمزگان			*	سقز	کردستان				درمیان	خراسان جنوبی
		*	بندرلنگه	هرمزگان			*	مریوان	کردستان				سربیشه	خراسان جنوبی
		*	پارسیان	هرمزگان				پاوه	کرمانشاه				قائنات	خراسان جنوبی
			جاسک	هرمزگان				ثلاث باباجانی	کرمانشاه				نهندان	خراسان جنوبی
			خمیر	هرمزگان				جوانرود	کرمانشاه				تایباد	خراسان رضوی
			سیریک	هرمزگان				سرپل ذهاب	کرمانشاه				ترت جام	خراسان رضوی
	*		میناب	هرمزگان				قصرشیرین	کرمانشاه				خواف	خراسان رضوی
45	45	35	106	مجموع				آق قلا	گلستان				درگز	خراسان رضوی
					*		*	ترکمن	گلستان				سرخس	خراسان رضوی

منبع: نگارندگان

جدول ۶: طبقه بندی استان های مرزی بر اساس تعداد شهرستان مرزی اثرپذیر از شاخص های سه گانه

استان	همپوشانی و تاثیرپذیری از سه شاخص	همپوشانی و تاثیرپذیری از دو شاخص	عدم همپوشانی و تاثیرپذیری از حداقل یک شاخص	استان	همپوشانی و تاثیرپذیری از سه شاخص	همپوشانی و تاثیرپذیری از دو شاخص	عدم همپوشانی و تاثیرپذیری از حداقل یک شاخص
آذربایجان شرقی	۱	-	۱	خوزستان	۲	۲	۴
آذربایجان غربی	۱	۲	۶	سیستان و بلوچستان	-	-	۱۱
اردبیل	۳	۱	۲	کردستان	-	-	۴
ایلام	-	۱	۲	کرمانشاه	-	-	۵
بوشهر	۱	۲	۴	گلستان	-	۳	۲
خراسان جنوبی	-	-	۴	گیلان	۴	۵	۱
خراسان رضوی	-	-	۷	مازندران	۵	۹	-
خراسان شمالی	۱	۱	۲	هرمزگان	۱	-	۶

منبع: نگارندگان

منابع و مآخذ:

- بهبشتیان مسگران، علی (۱۳۹۸). بررسی پیامدهای سیاسی فضایی رویکرد امنیتی در مرز مشترک ایران و افغانستان (محدوده مورد مطالعه: استان خراسان رضوی جمهوری اسلامی ایران و ولایت هرات جمهوری اسلامی افغانستان). پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احمدی نوحدانی، سیروس، دانشگاه تربیت مدرس، گروه جغرافیا.
- پرنیان، حاتم، زیاری، کرامت الله، میره ای، محمد، مدیری، مهدی (۱۳۹۵). استراتژی های توسعه مناطق مرزی با رویکرد آمایش سرزمین (ناحیه مطالعاتی: ارومیه-سلماس)، فصلنامه علمی - پژوهشی ازلاعات جغرافیایی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۴، ۱۷۳-۱۸۳.
- حافظ نیا، محمدرضا، قادری حاجت، مصطفی، احمدی پور زهرا، افتخاری، عبدالرضارکن الدین، گوهری، محمد (۱۳۹۴). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه موردی: ایران). برنامه ریزی و آمایش فضا، (۱) ۹-۳۳ و ۵۲.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۱). جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، چاپ ۵، تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا، احمدی پور، زهرا، رومینا، ابراهیم (۱۳۹۷). سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در ایران، انتشارات سمت، چاپ ۱، تهران.
- زیاری، کرامت الله (۱۳۹۱). اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۱۱، تهران.
- قادری حاجت، مصطفی و آفتابی، زکیه (۱۳۹۸). تحلیل فقر از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: استان های شمالی ایران) ۱۲- جغرافیا و توسعه، دوره ۱۷، شماره ۵۷، ۱۱۰-۹۵.

۸. قادری حاجت، مصطفی، حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۷). راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایران، پژوهشهای جغرافیای سیاسی، ۳(۹)، ۵۷-۲۵.
۹. قاسمی سیانی، محمد، حقی، محمد (۱۳۹۵). تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه های غیررسمی از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: نسیم شهر تهران) فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال ۶، شماره پیاپی ۲۴ و ۲۴۵-۲۵۶
۱۰. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). خلیج فارس: کشورها و مرزها، انتشارات عطائی، چاپ ۱، تهران
۱۱. میرحیدر، دره، راستی، عمران، میراحمدی، فاطمه السادات (۱۳۹۴). مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، چاپ ۲۱، تهران
۱۲. الوندی پور، نینا، داداش پور، هاشم (۱۳۹۶). فراروش پژوهش های مرتبط با عدالت فضایی در ایران با مقیاس شهری در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۴، دو فصلنامه پژوهش های بوم شناسی شهری، سال ۹، شماره ۲، پیاپی ۱۸ و ۶۹-۸۶
۱۳. ویسی، هادی (۱۳۹۴). مفاهیم و نظریه های جغرافیای سیاسی. انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۱۴. یغفوری، حسین، قاسمی، سجاد، قاسمی، نرگس (۱۳۹۶). بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تاکید بر مدیریت شهری (مطالعه موردی: محلات منطقه ۱۹ تهران). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی سال ۳۲، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۲۶ و ۱۱۴-۱۲۸.
۱۵. اطلس مناطق محروم کشور: سطح بندی و پهنه بندی مناطق محروم کشور و مزیت های نسبی این مناطق (۱۳۹۶) بنیاد برکت
۱۶. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۹۵، قابل دسترس در <https://www.amar.org.ir>
۱۷. Brad, Jakob. (۲۰۱۷). Poverty and Deprivation. Intelligence Bulletin Journal. No, ۳.
۱۸. Edward W. Soja (۲۰۱۰) Seeking Spatial Justice, Published by the University of Minnesota Press.
۱۹. Glassner Martin (۱۹۹۳). political Geograpy, John Wiley & sons, New York
۲۰. Williams, K, berges. N (۱۹۹۹) Urban Intensification Plicies In England: Problems and Contradiction, Land Use Policy, Vol. ۱۶, No. ۳, PP ۱۶۷-۱۷۸